

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۲

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۱۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

تبلیغ

اباذری، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم اباذری

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۷

زندگینامه علمی

فروردین سال ۱۳۳۹ برابر رمضان ۱۳۷۹ در شهر میانه به دنیا آمد. در آذر ماه ۱۳۶۰ پس از پایان خدمت مقدس سربازی به حوزه علمیه تبریز (مدرسه حضرت ولی عصر عج) وارد شد. مقدمات و سطح را در آن حوزه نزد اساتید معظم فرا گرفت. در نیمه شعبان ۱۴۰۴ برابر ۲۷/۲/۱۳۶۳ در حالی که در انتهای شرح لمعتین بود توسط حضرت آیه الله ملکوتی (امام جمعه وقت تبریز) ملبس و مفتخر به لباس روحانیت گردید.

در آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در جوار حرم نورانی حضرت معصومه سلام الله علیها تحصیلات سطح عالی را از محضر حضرات آیات: محمد ستوده، مصطفی اعتمادی، عباس محفوظی، احمد پایانی بهره برد و درس خارج فقه، اصول، تفسیر و فلسفه را مجموعاً به مدت بیش از ۱۲ سال از محضر حضرات آیات عظام: محمد ابراهیم جناتی، عبد الله جوادی

آملی، حسن زاده آملی، حسینعلی منتظری، یوسف صانعی، مسلم ملکوتی، سید محمد مفتی شیعه و زین العابدین عسگری گیلانی استفاده نمود. و در ضمن آن به طور پراکنده به تدریس بعضی کتب درسی و تحقیق پیرامون موضوعات علمی پرداخت.

در طول هشت سال دفاع مقدس در چند مرحله به عنوان رزمی، تبلیغی مجموعا "به مدت بیست ماه در جبهه ها و عملیات مختلف از جمله در جبهه های پاوه، مهران، میمک، موسیان، خرمشهر، پاسگاه زید، فاو، سرپل ذهاب، بازی دراز، پادگان ابوذر، استان سلیمانیه حضور یافت و در نهایت پس از عملیات بیت المقدس ۳ و آزاد سازی قله گوجار و تپه اولاغلو به همراه بچه های گردان محمد رسول الله از لشکر ۵ نصر خراسان، مجروح شیمیایی شده و به مدت یک هفته در سنندج ساختمان استانداری بستری گردید.

در سال ۱۳۷۰ به طور جدی کار پژوهشی، تحقیقاتی خود را با پژوهشکده باقر العلوم (ع) به مدیریت اندیشمند با اخلاص استاد محمود مهدی پور و با کاروان سالاری و هدایت ادیب و شاعر فرزانه استاد جواد محدثی آغاز کرد و در قالب مجموعه های: دیدار با ابرار، دیار ابرار، راویان نور، بانوان نمونه، گلشن ابرار و... به این همکاری ادامه داد که این کارها با فعالیت های تحت عناوین: عضو شورای نویسندگان، بررسی کتب و مقالات مجموعه مدیر گروه مجموعه «بانوان نمونه» و مسؤول بررسی و بازنگری مجدد مجموعه «دیدار با ابرار» به مرحله رشد و بالندگی رسید که هنوز هم بعضی از این همکاری ها ادامه دارد.

همچنین با مؤسسات فرهنگی، پژوهشی دیگر مانند: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دار الحدیث، معاونت فرهنگی آستان مقدس حرم حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و حضرت معصومه سلام الله علیها، ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر در مجموعه هایی مثل: خاطرات انقلاب، تاریخ انقلاب، تاریخ منطقه ای انقلاب، شورای ستارگان حرم، ماهنامه کوثر، هفته نامه ری، آیینه رشد مدیران و ... همکاری می کند و به عنوان کارشناس در خدمت واحد اندیشمندان صدا و سیمای مرکز قم نیز هست. تا کنون حدود ۲۵ جلد کتاب و بیش از ۸۰ مقاله در موضوعات مختلف از وی در روزنامه ها، مجلات و مجموعه های دیگر از جمله روزنامه های: ایران، جام جم، جمهوری اسلامی، همشهری، پرتو و مجلات فرهنگ کوثر و پگاه و... به چاپ رسیده است. هم اکنون خاطرات انقلاب چند نفر از شخصیت های بارز حوزوی را در دست مصاحبه، بازنویسی تنظیم و تدوین دارد و تحقیقات خود را در برخی موضوعات دیگر پیگیری می کند.

اباذری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اباذری

محل تولد : نائین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۲۲

ابراهیم پور لیالستانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ابراهیم پور لیالستانی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

ابراهیم پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ابراهیم پور

محل تولد : گنبد کاووس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی خویش را از مشهد آغاز نمودم و همزمان در ایام تعطیل مکتب خانه‌ها به آموزش قرآن و مفاتیح و... پرداختم. دوره راهنمایی و یک سال از مقطع دبیرستان را نیز پشت سر گذاشته و وارد حوزه علمیه مشهد شدم.

از سال ۱۳۶۵ دروس حوزه را آغاز نموده و بخشی از مقدمات را در مدرسه المهدی و مابقی آن تا اصول فقه را در مدرسه امام باقر(ع) پشت سر گذاشتم و پس از آن از درس لمعه مرحوم فقیه سبزواری درک نموده و بهره بردم و همزمان خود را برای شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم آماده می‌نمودم. در سال ۱۳۷۰ در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم شرکت نموده و پس از قبولی و پذیرفته شدن در امتحانات شفاهی و مصاحبه، رسماً طلبه حوزه علمیه قم شده و به ادامه تحصیل پرداختم.

دروس رسائل را نزد استاد حسینی خراسانی و مکاسب محرمه را نزد استاد دوزدوزانی و بیع استاد پایانی، خیارات استاد بیگدلی و کفایه را نزد استاد اعتمادی گذرانده و دروس حوزه از قبیل، تفسیر، فلسفه، تاریخ و... را همزمان از اساتید حوزه در آن دوره فراگرفتم. ضمناً در این مدت دوره تخصصی تربیت مربی کودک و نوجوان را نیز سپری نمودم.

از سال ۱۳۷۵ با به پایان رساندن دوره سطح و قبولی در امتحانات کتبی، دروس خارج فقه و اصول را آغاز نمودم و با شرکت در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی و اصول استاد سبحانی، به نحوه استنباط احکام از لابلای آیات و روایات پی برده و آشنا شدم. در این مدت حدود دو سال نیز در درس تفسیر استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی نیز شرکت جسته و بهره بردم.

همزمان با حضور در درس خارج اساتید فوق در دوره‌ها و رشته‌های تخصصی گوناگون نیز شرکت می‌نمودم تا از تجربیات و علوم مختلف مورد نیاز بهره‌مند گردم. در این مدت دوره مدیریت مساجد و رشته تخصصی مذاهب اسلامی و رشته تخصصی تفسیر و

علوم قرآنی، دوره تقریب مذاهب اسلامی، دوره شناخت وهابیت و دوره کاورزی تفسیر را طی نموده و بهره‌های لازم را کسب نمودم. در این میان مدتی را نیز به کارهای تحقیقاتی پرداخته و با نقدهای مختلف با روشها و شیوه‌های مختلف تحقیق آشنا شدم، به طور مثال دو سال در واحد اخلاق بخش تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات همکاری داشته و با قالبها و روش‌های کار کودک آشنا شدم و پس از آن با پاسخ به شبهات در بخش تحقیقات موسسه مذاهب اسلامی به چگونگی پاسخ‌ها و تحقیقات لازمه در این زمینه پی برده و پس از حدود یک سال فعالیت در آنجا بعضی از پاسخها به همراه تحقیقات دیگران ظاهراً به چاپ رسید. و هم اکنون سال دومی است که با واحد تفسیر دوره کاورزی تفسیر همکاری می‌نمایم که در این مدت تلاش دوستان به ثمر نشسته و دو جلد تفسیر همراه آیه‌های نور در قطع پالتویی آماده چاپ شده و مابقی نیز در دست انجام می‌باشد. طرح دیگری که در دست اقدام است تهیه درسنامه روشها و قالب‌های تفسیر است که کارهای مقدماتی آن در شرف اتمام است.

ابراهیم زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ابراهیم زاده

محل تولد : بغداد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حسن ابراهیم زاده در سال ۱۳۴۴ در شهر بغداد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی تا مقطع دوم دبیرستان را در شهر ایلام سپری و آنگاه در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه آشتیان و سپس حوزه علمیه قم شد.

در کنار تحصیل، فعالیت های نگارشی خود را آغاز کرد. مخاطب نوشتارهای وی اغلب قشر جوان است. وی زمینه مطالعاتی و نگارش خود را در حوزه های سیره و حیات علمای شیعه، جریان شناسی نهضت روحانیت و نقد مسائل سیاسی اجتماعی و رسانه ای روز جهت داده است.

ایشان بنامهای مستعار حسن ملکشاهی و ... نیز در برخی از مجلات و روزنامه ها قلم می زند. وی که در کنار بهره گیری از اساتید فقه و اصول، تفسیر و اخلاق حوزه، به مدت ده سال در جلسات نقد و بررسی مرکز ادبی حوزه شرکت کرده است، به مناسبت های مختلف، نگارش متون کوتاه و بلند ادبی را نیز در برنامه نگارشی خود دارد.

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله ابراهیم زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲ برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم .

تا سال ۱۳۶۸ سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر : شرح تجرید، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلدهای اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام : صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۷) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود ۱۳۶۰ و پس از آن آغاز کردم و به طور متناوب ادامه دارد .

به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال ۱۳۷۱ با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم. برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۸) انتخاب گردید .

۲. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال ۱۳۸۳ در تهران از میان حدود ۷۵ کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد . (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند .

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ابراهیم نژاد

محل تولد : سبزوار بخش دیوانخوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه سبزوار شـدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم.

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه تهران شـدم و تـا سال ۱۳۵۴ دروس حـوزوی (ادبیـات، فقه و اصول) و دبیرسـتان را ادامه دادم و در اواخر سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سـطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذرانـدم، این برنـامه پیش از انقلاـب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت و در نتیجه ادبیـات، منطق، معانی بیان، فلسـفه اسـلامی، فقه و اصول (دوره سـطح و خارج) را تحصـیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۰ ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیمی راد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی راد

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قوچـان شـدم و در سال ۱۳۵۵ در حوزه علمیه فـاروج ادامه تحصـیل دادم. در سـال ۱۳۵۶ در حوزه علمیه قم مشـغول تحصـیل شدم و در مدسه آیت الله گلپایگانی مغنی، المنطق، اصول فقه و شرح لمعه را به اتمام رساندم. پس از آن در درس اساتید حوزه شرکت کرده و سطح را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۶۳ دروس خارج اساتیدی همچون آیت الله وحید خراسانی و سـید عباس خاتم یزدی و آیت الله مکارم شـیرازی شـرکت کردم. البته عمـده درس هـای فقه و اصـول را در درس آیت الله وحیـد خراسـانی شـرکت کرده ام و اسـتفاده نمـوده ام. در فلسـفه از اساتیـدی همچون اسـتاد فیاضـی، انصاری شـیرازی، جوادی آملی، و مصـباح یزدی بهره برده ام و کتاب های فلسـفی بدایه و نهایه و

شرح منظومه و اسفار را خوانده ام.

از سال ۱۳۶۵ مشغول تدریس در دانشگاه اراک بوده ام که تاکنون ادامه دارد و حدود ۴ سال است که عضو هیأت علمی آن دانشگاه در گروه معارف اسلامی شده ام و به عنوان استاد یار مشغول تدریس هستم. در ضمن حدود ۸ سال در حوزه علمیه قم مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و دروسی از قبیل اصول فقه، شرح لمعه، بدایه، رسائل و مکاسب را تدریس کرده ام.

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجواد ابراهیمی فر

محل تولد : گنبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد عبدالجواد ابراهیمی‌فرد در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام‌آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می گذراند به پایان برد.

آنگاه در سال ۵۶ ـ ۵۷ با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجهٔالاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجهٔ الاسلام حاجیانی (تبصرهٔ المتعلمین را) و حجهٔ الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجهٔ الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایهٔ الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایهٔ الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایهٔ الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.

همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال ۵۸ با اساتید بزرگواری همچون

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.

در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در درسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایهٔ الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت.

از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).

در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.

سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.

از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و کفایهٔ الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال ۷۳ در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:

الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایهٔ الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.

ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال ۷۳ تا سال تحصیلی ۷۹ ـ ۸۰ به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایهٔ الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.

ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال ۷۶ تا ۸۳ در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.

د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین

مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.

از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال ۱۳۷۲ به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال ۱۳۷۳ به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال ۷۴ به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال ۱۳۷۸ به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (۲) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (۱) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی فر، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا ابراهیمی فر

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۷/۱

ابراهیمی ورکیانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی ورکیانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم ورکیانی متولّد ۱۳۲۳ در روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان هستم. پدر و مادر و اجدادم هم دامغانی بوده اند. در سال ۱۳۳۵ پس از دوره شش ساله ابتدائی وارد حوزه علمیه دامغان شدم. برادرم هم قبل از من به حوزه علمیه وارد شده بود، مقدمات تا سیوطی و بخشی از مغنی و حاشیه ملاعبدالله و منطق کبری را در دامغان خواندم ولی سخت نگران بودم، چون روحانیت حرمت اجتماعی نداشت و سرانجام در سال ۱۳۴۳ با آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی (ره) در جلسه ای روبرو شدم و سخت مورد تشویق معظم له قرار گرفتم و از تردید درآمدم و پس از یکسال عازم مشهد مقدس شدم و معظم له نیز من را پذیرفتند و بمدت شش سال مورد عنایت ایشان بودم. مطول را در درس ادیب نیشابوری شرکت نمودم و لمعه را با استاد صالحی و فائقی گذراندم و با تأسیس بخش آموزش مدرسه آیت الله میلانی (ره) وارد این مدرسه شدم و مکرر مورد تشویق قرار گرفتم.

سرانجام عازم حوزه علمیه قم شدم و در بخش آموزشی مدرسه آیت الله میلانی از اساتید بزرگواری مانند حجةالاسلام آهنیان و حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی کتابهای رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را استفاده نمودم و در عین حال که آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی علاقه مند بودند که من در مشهد بمانم و آیت الله شیخ محمدرضا نیز سخت مخالف رفتن من به قم بودند من حوزه مشهد را پاسخگوی روحیه تنوع طلبی خود نمی دیدم و لذا به قم آمدم. در بدو ورود در درس خارج عروه آیت الله فاضل لنکرانی شرکت نمودم و درس کفایه را در خدمت استاد سبحانی ادامه دادم. یکسال و نیم هم در دارالتبلیغ آیت الله شریعتمدار حضور داشتم و از اساتید بزرگواری مثل دکتر شهابی، صدر بلاغی و آقای رضوانی بهره بردم و ضمناً در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت داشتم.

در موسسه در راه حق زیر نظر دکتر سید علی گرمارودی تمرین نویسندگی مقاله داشتیم و سرانجام با تأسیس بخش آموزش مؤسسه در راه حق به دعوت آیت الله خرازی وارد این مؤسسه شدم و در خدمت استاد بزرگوار حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره های فراوانی به مدت هشت سال بردم، در این دوره ۸ ساله اساتید دیگر ما آیت الله سید محمد کاظم حائری، آیت الله حسین مظاهری، استاد احمد احدی، استاد علی قائمی و آیت الله تسخیری و..... بوده اند.

سرانجام پس از پایان دوره هشت ساله مؤسسه و تحقق انقلاب اسلامی به دنبال فرمان تاریخی امام (ه) در مورد تدوین کتب مبنائی علوم انسانی و واگذاری این مسئولیت از ناحیه جامعه مدرسین به حضرت استاد مصباح یزدی به دعوت معظم له در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف در رشته حقوق پرداختم و به مدت چهارده سال چهار جلد کتاب درآمدی بر حقوق اسلام ج ۱ و۲، اسلام و حقوق بین الملل ج ۱ و۲ فراهم آمد.

ناگفته نماند که که در کنار تحقیق و تحصیل و احیاناً تدریس و تبلیغ از سال ۱۳۶۰ به دعوت استاد بزرگوار دکتر احمد احمدی به دانشگاه دعوت شدم و تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با رتبه و پایه ۱۴ استاد یاری هستم و مدرک دکتری در فقه و مبانی حقوق اسلام را در سال ۱۳۷۱ از خبرگان وزارت علوم گرفتم و پایان نامه اینجانب برای رساله دکتری، ازدواج با بیگانگان در ادیان الهی و مکاتب فقهی اسلام بوده است که با راهنمایی استاد بزرگوار محقق داماد و آیت الله مرعشی شوشتری فراهم آمده و مکرر در انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رسیده و در انتشارات الغدیریه معرفی و ترجمه شده و در لبنان به چاپ رسیده است.

موضوعاتی را که اینجانب در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام، عبارتند از: مبانی حقوق، حقوق و سیاست در قرآن، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، حقوق عمومی در اسلام، قواعد فقه، معارف تشیع، تاریخ تشیع، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، تاریخ امامت، فقه مقارن آیات الاحکام و .... که معمولاً در هر یك از موضوعات فوق جزوه درسی و یا کتاب درسی ارائه داده ام و به این مناسبت کتاب" تاریخ صدر اسلام ("بعثت نبوی تا حکومت علوی) تألیف کرده ام که در مرکز تهیه متون درسی وابسته به دفتر رهبری در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و اکنون چاپ دوم آن آماده چاپ است و در سال ۱۳۸۴ کتاب "انقلاب اسلامی در تئوری "به چاپ رسید و مقالات متعّددی پیرامون معارف تشیع در مجله گام چهارم انقلاب اسلامی و پیرامون

حقوق اهـل ذمه در مجله نور علم و حقوق بشـر در ادیان در مجله آئینه معرفت و احکام ثابت و متغیر در کنفرانس بین الملل تقریب مذاهب و ... منتشـر نموده ام و جزوه ای تحت عنوان" اسـلام و آزادی "در دفتر تحقیقات وابسته به دفتر رهبری فراهم نموده ام و در حال حاضـر سـر گرم تـدوین جلـد دوم تاریـخ اسـلامی در رابطه با زندگی سیاسـی امامان اهلبیت (ع) و کتابی در زمینه" حقوق بین الملل اسـلامی و تاریخ امامت و حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام "بر اساس جزوه های درسی که از قبل فراهم آمده می باشم «و ما توفیقی الاباالله علیه توکلت و الیه انیب. »

البته بناست که پاره ای از موضوعات فوق بصورت طرح تحقیقاتی در مرکز متون درسـی وابسـته به نهاد معظم رهبری در دانشگاهها و یا جائی دیگر مثل دانشـگاه شـهید بهشتی انجام شود که پاره ای از محققان نیز در انجام آن مشارکت داشـته باشند. مقالاتی نیز در دست انجـام است مثـل": پیـامبر اعظم(ص) تنهـا روح آئین جهـانی "و" مبـانی فقهی و حقوقی مردم سالاری دینی "و" نگاهی نو به ارتداد و مجازات مرتد در اسـلام "که امیدوارم با یاری خدا و عنایت معصومین علهیم السـلام بخوبی فراهم آید و عرضه گردد و نیز مقاله ای تحت عنوان" بلوغ دختران "را تقریبا آماده چاپ دارم.

ابراهیمی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۳ در رشـته علوم تجربی از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. درسال ۱۳۷۴ وارد دانشـگاه امام صادق علیه السلام شدم و در رشـته فلسـفه و کلاـم اسـلامی تحصـیلات دانشـگاهی را در مقطع کارشناسـی ارشـد پیوسـته ادامه دادم. در سال۱۳۸۲ از آنجـا فارغ التحصل شدم.

پس از فارغ التحصیلی مدت ۶ماه با دانشنامه بزرگ جهان اسلام همکاری داشتم که به خاطر اقامت گزیدن در قم از همکاری با آن مرکز بی نصیب ماندم و از همان سال تاکنون با شورای سیاستگذاری ائمه جمعه واقع در تهران مشغول همکاری علمی می باشم.

در سال ۱۳۸۳پایه اول تا شـشم حوزه را (حدودا ۶۰ امتحان) در ظرف حـدوداً یک ماه امتحان دادم که بحمـدالله موفق به گذرانـدن ۶پایه اول حوزه شده و در پایه هفتم در همان سال تحصـیلی ۸۳-۸۴ شـرکت نموده و در نهایت و به شکر خدا پایه هفتم را همچون پایه های شش گانه قبل با درجه ممتازی گذراندم.

هـم اکنـون که در سـال ۱۳۸۶می بـاشم در پـایه دهم مشـغول به تحصـیل می بـاشم. لاـزم به توضـیح است که در همـان سـال فـارغ التحصیلی از دانشگاه یعنی سال ۱۳۸۳ دو سال پی درپی در مرحله علمی پـذیرفته شدم، ولی با خواست خداوند و به مصـلحت، جزو پذیرفته شدگان محسوب نشدم. در این مدت پس از فارغ التحصـلی از دانشگاه با مؤسسات مختلف، عمر گذرانیدم و هم اکنون که

درسن ۳۰سالگی به سر می برم، اکثر کارهایم را حول موضوع «فهم دین و ترمیم نظام فکری دین» منسجم و یکپارچه شده است که امید است پس از تلاش سالیان متمادی اثری گرانبها را در این مهم عرضه نمایم.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۴۹ در شهر آمل استان مازندران در روستای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال ۱۳۶۷ بوده است.

این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر(رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریاباری افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریاباری و دروس فلسفه و منظومه آقای دریاباری و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.

این حقیر تالیفات خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کردم که تاکنون ۵ اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابراهیمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین ابراهیمی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

ابراهیمی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی ابراهیمی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی ابراهیمی فرزند غلامحسین، فرزند ابراهیم، متولد ۱۳۴۶ اهل افغانستان ولایت دایکندی (ارزگان شمالی) از توابع شهرستان کیساب هستم. از سال ۱۳۵۲ به مدرسه دولتی رفته و تا سال ۱۳۵۷ (که همراه بود با کودتای کمونیستی در افغانستان) درس خوانده و ششم ابتدائی را به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ به پاکستان مهاجرت کردم. در سوم خرداد سال ۶۰ (روز آزادی خرمشهر) وارد بیرجند ایران شدم، پس از آن به تهران آمدم و در نواحی اطراف کرج (گرم دره و احمدآباد) به کار کشاورزی و باغبانی مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۳ به قم مسافرت کردم و با تشویق یکی از بستگان درس طلبگی را شروع نمودم. در سال ۱۳۶۴ به طور رسمی در مدرسه الجواد قم پذیرفته شدم و تا سال ۱۳۶۸ ادامه دادم. در سال بعد وارد حوزه گشته و سطوح عالیه را آغاز نمودم.

از سال ۱۳۷۶ درس خارج را ادامه دادم و در سال ۱۳۸۲ وارد دوره تخصصی در رشته حقوق شدم و در مقطع کارشناسی پذیرفته گشتم و در مدرسه مرعشیه از طرف مرکز جهانی مورد حمایت قرار گرفتم. که ادامه آن در مقطع کارشناسی ارشد هنوز برقرار است. چندین مرتبه در طول دوره تحصیل به افغانستان مسافرت تبلیغی داشتم. هر مرتبه بین چهار ماه الی یکسال سفرم به درازا می کشید.

در جهاد علیه روسیه و سربازان آن در افغانستان شرکت کردم و نیز در میان مجاهدین به تدریس احکام، عقاید و برپایی نماز جماعت اقدام نمودم و در ایجاد وحدت بین گروه های جهادی به قدر توان خود تلاش کردم.

آخرین مسافرتم به افغانستان برمی گردد به سال های ۷۹ الی ۸۰ که همراه بود با برقراری دولت موقت و انتقالی بعد از کنفرانس بن آلمان؛ و در این مسافرت من با نیازمندی مبرم کشور آشنا شدم تا در برنامه های بعدی در اولویت کاری ام قرار گیرد که از جمله آن آموختن رشته های تخصصی کامپیوتر، بدست آوردن مدرک رسمی دولتی تا در افغانستان با شرایط روز مطابقت داشته باشیم و فعلا تلاشم در این راستا ادامه دارد.

آشنایی با فنون نویسندگی از دیگر ضرورت های روز افغانستان است که یک طلبه باید آن را فرا بگیرد. بنابراین سعی کردم تا در این راستا توفیقاتی بدست آورم که شکر خدا این آرزو برآورده شد و من اینک می توانم در این حوزه کم و بیش توانایی خود را آزمایش کنم و از سه سال به این طرف رشد تکاملی داشته ام و مقالاتی را در موضوعات مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر کرده ام که در نشریات مختلف به نشر رسیده است.

آشنایی با رایانه و اینترنت نیز از اهداف دیگر حقیر بود که در طول دوره تحصیلی در این اواخر موفق شدم با خرید یک دستگاه رایانه، با تایپ، صفحه آرائی و تحقیق به وسیله آن با استفاده از نرم افزارهای تولید شده و کتابخانه های دیجیتالی به سرعت کار خود افزایش بدهم.

ابراهیمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی ابراهیمی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

ابراهیمی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی ابراهیمی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی ابراهیمی متولد ۱۳۴۲ در مشهد از خانواده ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال ۵۷ شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم.

دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و ۲ سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۲ در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد

استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.

در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجددا به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۶ به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد درآمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال ۱۳۷۷ در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می کنم.

ابطحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابطحی

محل تولد : کاشان

شهرت : ابطحی کاشانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله ابطحی کاشانی در سال ۱۳۰۹ در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دوستداران خاندان پاک پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.

آیةالله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معالم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.

آیةالله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلای روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیةالله شهید سید مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.

آیة‌الله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیّت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجةالاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم، مفسر و واعظ شیعی. شیخ منتجب‌الدین از او به صفتهای عالم، مفسر، صالح و واعظ یاد کرده است. از آثار وی: «مفتاح التفسیر» یا «تفسیر ابن ابی‌الخیر»؛ «دلائل القرآن»؛ «عین الاصول»؛ «شرح الشهاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۳ /۲۱، ۳۶۷ /۱۵، ۳۴۴ /۱۳، ۲۵۲ /۸، ۲۴۰ /۴). ریاض العلماء (۱۲۸ /۵)، فوائد الرضویه (۵۷۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۱).

ابن ابی‌مریم شیرازی، ابوعبداللّٰه نصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۵ ق)، مفسر، خطیب، دانشمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضی مجدالدین اسماعیل و قاضی سراج‌الدین مکرم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الکشف والبیان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی‌مریم»؛ «الموضح»، در قراآت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شاگردان از گفته‌های استاد تقریر کرده‌اند؛ «الارفاد فی شرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شرح الایضاح»، در شرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۸ -۳۴۷ /۸)، تذکره‌ی هزار مزار (۴۳۰ -۴۲۹)، ریحانه (۳۶۷ -۳۶۶ /۷)، کشف الظنون (۱۹۰۵ -۱۹۰۴، ۴۳۷، ۲۱۲)، معجم الادباء (۲۲۵ -۲۲۴ /۱۹)، معجم المؤلفین (۹۱ -۹۰ /۱۳)، هدیة العارفین (۴۹۱ /۲).

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۱ ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در ۹۹۱ ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف ۹۹۱ ق، موسوم به «نزهة الناظر و سلوة الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در

ادب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵ -۵۴ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۹ /۲)، کشف الظنون (۱۱۰۹)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲/ ۲۵۶).

ابن‌حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۶ ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حِبّان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قراآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکّاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۷۸ /۶)، سیر النبلاء (۲۳۸ -۲۳۷ /۱۷)، کشف الظنون (۴۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۸ /۳)، الوافی بالوفیات (۲۴۰ -۲۳۹ /۱۲)، هدیهٔ العارفین (۲۷۴ /۱).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۰ ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهرآشوب بود. ابن‌حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرایع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیلهٔ الی نیل الفضیلهٔ» و «الواسطهٔ»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلهٔ» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلهٔ» نمی‌برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۴ -۲۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۳۱ /۲)، بحارالانوار (۳۸، ۱۹ /۱)، تنقیح المقال (۱۵۶ -۱۵۵ ، ۱۰۱ /۳)، الذریعه (۷۶ -۷۵، ۱۱ /۲۵، ۶۶ /۱۰، ۵ /۵)، رجال النجاشی (۳۳۴ -۳۳۳ /۲)، روضات الجنات (۲۵۴ -۲۴۳ /۶)، ریاض

العلماء (۱۷ -۱۶ /۶ ،۱۲۴ -۱۲۲ /۵)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲ /۴)، فقهای نامدار شیعه (۱۰۶ -۱۰۳)، فوائد الرضویه (۵۶۶ -۵۶۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴)، الکنی والالقاب (۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۰ -۶۱۹ /۵)، معجم رجال الحدیث (۳۲۷ /۱۶)، معجم المؤلفین (۴ /۱۱).

ابن‌شاهین، ابوجعفر عمر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۵ -۲۹۷ ق)، محدث، حافظ، واعظ و مفسر. از محدثین ثقه و مورد اعتماد است که در بغداد متولد شد و در شام، عراق، بصره و فارس حدیث شنید. ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی از جمله‌ی محدثانی بودند که وی از آنان حدیث شنید. و ابوبکر برقانی، ابوسعد مالینی و ابوبکر محمد بن اسماعیل وراق از او روایت حدیث کردند. بیش از سیصد تصنیف داشته است از جمله‌ی آنها: «تفسیر قرآن»، حدود سی مجلد با اسناد مفصل؛ «المسند» یا «السنة»، در حدیث؛ «معجم الشیوخ»؛ «کشف الممالک»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه»؛ «تاریخ اسماء الثقات»؛ «الافراد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۶ /۵)، تاریخ بغداد (۲۶۸ -۲۶۵ /۱۱)، دائرةالمعارف البستانی (۵۴۰ -۵۳۹ /۱)، سیر النبلاء (۴۳۵ -۴۳۱ /۱۶)، کشف الظنون (۱۹۲۰، ۱۴۲۶ -۱۴۲۵، ۱۳۹۴)، معجم المؤلفین (۲۷۴ -۲۷۳ /۷)، هدیة العارفین (۷۸۱ /۱).

ابن‌مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیامن مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۵ ق)، مفسر، واعظ، عارف و دانشور. وی نیای مادری ابوالعباس زرکوب شیرازی، نویسنده‌ی «شیرازنامه» و نیای سوم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شد الازار» بود. دوبار حج گزارد اما سعی کرد که مردم بر آن مطلع نشوند. او در مسجد آدینه‌ی سنقری وعظ می‌کرد و در بقعه‌ی شیخ کبیر درس حکمت می‌گفت. در شیراز سپرده شد. از تألیفات وی: «کتاب مفتاح الروایات و مصباح الحکایات»، کتابی در فضائل اهل‌بیت- علیهم‌السلام- در چهار مجلد، مشتمل بر دوازده باب. بعلاوه وی دارای تألیفات و مجموعات و اجازات و اسانید معتبر است که اکثر آنها از شیوخ پدرش بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۷)، بزرگان نامی پارس (۴۰۷ -۴۰۶ /۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۱۳۲ -۱۳۱)، شیرازنامه (۱۷۹)، معجم المؤلفین (۲۳۱ /۱۲).

ابن‌مظفر شیرازی، رکن‌الدین، ابومحمد منصور

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۰ /۷۳۳ ق)، عارف، عالم دینی و سخنور. مشهور به راست‌گوی. نزد پدر به تحصیل پرداخت و مصنفات پدر را خواند. آنگاه به سلک مریدان شیخ یوسف سروستانی درآمد و بر دست او خرقه پوشید. حج گزارد و از علما و مشایخ حجاز بهره گرفت. در راه بازگشت چندی در بصره ماند و به فراگیری علوم پرداخت. پس از مرگ پدرش به کرمان و سیرجان و کرانه‌های خلیج‌فارس و دریای عمان رفت و از راه دریا خود را به عدن و یمن رسانید و به دربار شمس‌الدین مظفر ابومنصور یوسف بن عمر رسولی، سلطان یمن راه یافت و کتاب «الاربعین العوالی» تألیف سلطان را، جهت اطمینان از صحت آن، بر سلطان خواند. از آنجا به مکه رفت و بار دیگر حج گزارد و به زادگاهش بازگشت. رکن‌الدین در مسجد عتیق وعظ می‌کرد و ضمن گفتار خود بی‌پروا به حکام و کار بدستان دولتی می‌تاخت و از آنان بسختی انتقاد می‌کرد. از شاگردان وی ابوالعباس زرکوب شیرازی، مؤلف «شیرازنامه» است. زرکوب قسمتی از «صحیح» بخاری را نزد وی خواند و از او به دریافت اجازه نیز نائل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۶ -۲۴۳، ۲۳ -۲۲)، شیرازنامه (مقدمه/ شانزده ۱۹۰ ،۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، رکن‌الدین، یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۶۹ ق)، خطیب و واعظ. سخنوری زبان‌آور و مردم دوست بود. آوازه‌ای خوش داشت و در سخن گفتن چون پدرش سخت بی‌پروا بود. در جامع سنقری به جای پدران خود وعظ می‌کرد و شیخ ابواسحاق اینجو خطابت مسجد عتیق را به او سپرد. وی در علم اصوات و ایقاعات دست داشت. او در شیراز از دنیا رفت و در کنار پدر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (۲۵۵ -۲۵۴، ۲۳).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابوالیمن اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۰ ق)، واعظ و ادیب. پسر مهتر مظفر بود. به مدد حافظه‌ی توانا بسیاری از کتابها و آیات و احادیث و احکام را در خاطر داشت و آنها را درس می‌داد، و در مسجد عتیق و مسجد بغدادی وعظ می‌کرد. در وعظ بسیار خوش‌بیان بود. هنوز جوان بود که در پی‌ریزش سقف خانه‌اش در زیر آوار از پای درآمد. وی پیش از پدر وفات کرد. و در مقبره خانوادگی دفن شد. پدرش در سوک او بسی ابیات سرود که تمامی حاکی از سوزش و احتراق بود. در «شیرازنامه» این مشخصات با سعدالدین محمد انطباق داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۳ -۲۴۲، ۲۵)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابومنصور محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۴ ق)، عالم دینی، زاهد و واعظ. نزد پدرش و شمس‌الدین عمر ترکی و محمود بن حسن کازرونی- از شاگردان برجسته شیخ ابواسحاق مرشد کازرونی- درس خواند. در سفری دور و دراز که دوازده سال طول کشید تا هند را سیاحت کرد. در مدرسه‌ی اتابکیه و منکو برزیه‌ی شیراز استاد شد. سعدالدین حافظه‌ای پرتوان داشت و بخش بزرگی از کتابهای علمی را از بر درس می‌گفت. در علوم حدیث اجازه وی را معتبر می‌شناختند. او از عبدالرحیم سروستانی و ابوالفتوح عجلی و شیخ عبدالوهاب ابن سکینه بغدادی و دیگران روایت کرده است. در جامع عتیق و جامع سنقری وعظ می‌کرد و بسیاری شیفته‌ی سخنانش بودند. توجه مردم به شیخ باعث شد که امیر فخرالدین، وزیر اتابک سعد پس از اتمام بنای مسجد جامع فخریه از او درخواست کند تا در آنجا به موعظه بپردازد. وی بسیار متعصب بود و سعی داشت تا مردم را نیز با چنان خصلتی بار آورد. او نیای چهارم جُنید شیرازی، نویسنده «شدالازار» است. مدفن او در کنار پدرش در مقبره‌ی باغ نو است. مؤلفات و خطبه‌ها و اشعار عربی از او مانده که برخی از آنها در «شد الازار» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۱ -۲۰۹)، بزرگان نامی پارس (۲۷۱ -۲۷۰ /۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۸۴ -۲۷۸، ۱۹ -۱۸)، شیرازنامه (۱۸۰ -۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمؤید عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۷۰۰ ق)، واعظ و محدث. مردی پارسا بود و در اخبار و حدیث استادی داشت. در رباط شیخ ابراهیم کرخی وعظ می‌کرد. منصور راستگو برادر او بود. وی با خط بسیار حدیث نوشت و اجازه‌ها داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزارمزار (۲۵۰، ۲۴)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، ظهیرالدین، ابوالفضایل اسماعیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۳۰ ق)، واعظ و عالم اهل سنت. وی نیز مانند برادرش منصور راستگو سخنوری پرآوازه بود. هنگامی که سلطان محمد خدابنده فرمان داد تا نام خلفای سه‌گانه را از خطبه و سکه بیندازند و بر نام حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین-

علیهم‌السلام- اقتصار نمایند، این فرمان در تمام بلاد قلمرو اولجایتو به موقع اجرا گذارده شد جز در قزوین و شیراز و اصفهان و بغداد که پاره‌ای از مردم سر از اطاعت این حکم باز زدند، و بعضی فتنه‌ها روی داد؛ اسماعیل نیز چنان مخالفتی نشان داد که باعث فتنه‌ها شد، و خواستند وی را از شهر بیرون کنند. در شیراز از دنیا رفت و نزد پدر و برادر دفن شد. از آثارش: «فضائل الصلوات» در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۷)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۷ -۲۴۶، ۲۲).

ابن‌مظفر شیرازی، نجم‌الدین، ابوالفتح محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۰ ق)، زاهد، واعظ و نساخ. نزد شهاب‌الدین زنجانی و نورالدین خراسانی درس خواند. زبان‌آور بود و در رباط ضیائیه و گاه مسجد عتیق وعظ می‌کرد. در حفظ قرآن و ضبط وجوه قراآت و بیان متشابهات نیز دست داشت. از طریقه‌ی پدر و عم خود پیروی کرد و به انزوا گرایید و به در خانه حاکمی نرفت. وی در مقبره‌ی پدرانش مدفون است. معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شدالازار» پسر او بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (۳۹۷ -۳۹۶)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۵۴ -۲۵۱، ۱۶).

ابوترابی علوی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابوترابی علوی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر بن العالم الجلیل آسید ابوتراب قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین بودند

تولد ایشان در سال ۱۳۱۶ قمری در دارالسلطنه قزوین واقع شده و پس از دو سال در خدمت والد خود به عتبات عالیات مشرف و مدت ۱۵ سال در تحت مراقبت چنان پدری که مظهر قدس و ورع و تقوا بودند تربیت و در سال ۱۳۳۱ ق مراجعت به ایران و قزوین نموده و در آنجا شروع به مقدمات و سطوح را خدمت والد خود و سایر علماء خوانده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم و خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و مراتب دانش و اجتهادشان مورد تصدیق آن مرحوم و مشحون به دست خط مبارکشان گردیده و از مرحوم محدث قمی و والدشان هم اجازه روایتی داشته و بعد به امر مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قزوین آمده و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۸۰ وفات و به صالحین نیاکانش ملحق گردیده است چنانچه در ذیل ترجمه والدشان اشاره نمودم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ابوترابی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۳

ابوترابی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی، فرزند آیت الله سید ابوتراب و مادرش دختر آیت الله سید محمد باقر علوی قزوینی است. حجت الاسلام ابوترابی تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را با موفقیت سپری کرد و در سال ۱۳۳۶، موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. پس از اخذ دیپلم با توصیه پدر بزرگوارش به تحصیل دروس دینی علاقمند شد و در سال ۱۳۳۷ به مشهد مقدس عزیمت نمود و در مدرسه نواب اقامت گزید. دروس مقدماتی و دوره سطح را با جدیت و تلاش شبانه روزی و استعدادی شگرف در حوزه علمیه مشهد گذراند و از اساتید بزرگی چون ادیب نیشابوری و مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بهره های فراوانی برد. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۲، همراه با حاج آقا مصطفی وارد جریانات سیاسی شد و در تظاهرات مردم قم در ۱۵ خرداد سال ۴۲، حضوری فعال داشت. در هجوم عوامل رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه، مورد ضرب و شتم مأمورین شاه قرار گرفت. در پی تبعید حضرت امام (ره) به نجف اشرف، ایشان نیز به نجف مشرف و مشغول تحصیل شد و در محضر امام راحل(ره) از درس خارج فقه و اصول معظم له بهره مند شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، هنگامی که اعلامیه های امام خمینی (ره) را در کیف خود جاسازی کرده بود تا به ایران بیاورد، در مرز خسروی باز داشت شد و ساواک ایشان را به زندان قصر شیرین، سپس به زندان کرمانشاه و زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد و او را مورد شکنجه و بازجویی قرار داد. پس از آزادی از زندان، فصل جدیدی در فعالیتهای سیاسی ایشان آغاز شد و همراه با شهید مجاهد، سید علی اندرزگو علاوه برمبارزات سیاسی، به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و در این دوره بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. مرحوم ابوترابی به واسطه حشر و نشر فراوان با شهید اندرزگو، عمیقاً با خصوصیات اخلاقی و صفات حسنه آن مجاهد فی سبیل الله آشنا شده بود و خاطرات بسیاری از او به یاد داشت. در توصیف شهید اندرزگو فرموده است که: "شهید سید علی اندرزگو، از یک اخلاق اسلامی در سطح بسیار بالا برخوردار بود و آن گونه بود که قرآن می فرماید: "... اشداء علی الکفار و رحماء بینهم". مرحوم ابوترابی، با افرادی چون شهید رجایی ارتباط نزدیک و همکاری تنگاتنگی داشت و در جلسات ماهانه شهید آیت الله بهشتی شرکت می کرد و از نزدیک با آن

شهید عزیز در زمینه جذب نیروهای فعال و تحصیلکرده همکاری داشت. وی همچنین با سایر مبارزان و علمای مجاهد دوران ستمشاهی، از جمله رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای همکاری و ارتباط داشت. با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران، او سر از پا نمی شناخت و خواب را بر خویش حرام کرده بود به طوری که خود ایشان می گفت: "در آن روزهای پر التهاب، کار ما سنگین بود و بسیار اتفاق می افتاد که در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت می خوابیدیم". در جریان پیروزی انقلاب، فرماندهی گروهی از مردم که کاخ سعدآباد را به تصرف در آوردند به عهده داشت و امکانات و وسایل موجود در کاخ را مورد حفاظت قرار داده و تحویل مقامات ذی صلاح داد. ایشان همچنین با همکاری برادرشان حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی، در تصرف پادگان لشکر قزوین نقش کلیدی داشتند و از خروج اسلحه و ادوات و تجهیزات جنگی ممانعت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین به خدمت محرومان و مستضعفان پرداخت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم به سوی جبهه رفت و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگهای نا منظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و شخصاً به ماموریت های شناسایی رزمی و دشوار می رفت. آزادی منطقه پر حادثه و خطرناک ((دب حردان)) به فرماندهی وی و در رأس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده فداکار، یکی از اقدامات ایشان است. مرحوم ابوترابی سرانجام در روز ۲۶ آذر ماه سال ۵۹ در جریان یکی از مأموریتهای شناسایی که برای تکمیل شناسایی قبلی خویش انجام داد تا نیروهای ستاد جنگهای نامنظم آماده یک عملیات گسترده شوند، بر اثر اشتباه یکی از همراهان خود، در حالی که هفت کیلومتر از نیروهای خودی دور شده و تا ۲۰۰ متری دشمن پیشروی کرده بود، هنگام بازگشت مورد شناسایی دشمن بعثی قرار گرفت و گرچه می توانست خود را از دام دشمن برهاند، اما چون قصد داشت همراهان خود را نجات دهد، با تانک و نفربر به تعقیب وی پرداختند و نهایتاً به اسارت دشمن در آمد. مرحوم ابوترابی پانزده ماه اول اسارت را در سلولهای زندانهای بغداد و تحت شدید ترین شکنجه ها گذراند و در اراده پولادین این مرد خدا خللی ایجاد نشد تا پس از سپری کردن سختی های فراوان و دو بار تا پای چوبه دار رفتن با لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی، ایشان به اردوگاه و جمع اسیران ایرانی منتقل شد. حجت الاسلام ابوترابی پس از حضور در جمع سایر اسیران، با رهبری حکیمانه خود و با تمسک به ائمه معصومین (ع) و با معنویت و سعه صدر و حلم و بردباری فوق العاده مکر و حیله دشمنان بعثی را بی تأثیر نمود و شمع محفل ایران شد و در جهت تقویت روحیه مقاومت و ایمان آنان از هیچ اقدام و ایثاری دریغ نورزید. هدف و راه را به آنان نشان می داد و چون ابری فیاض، امید و ایمان را بر آنان می بارید. اردوگاههای عنبر، موصل ۱، ۳، ۴ و رمادیه و تکریت ۵، ۱۷، ۱۸، و نیز سلولهای زندانهای بغداد شاهد خوبیها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر آن عارف حکیم هستند. این عارف مجاهد، پس از ده سال اسارت سرانجام در سال ۱۳۶۹، همراه با خیل آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و به جای آنکه پس از سی سال مبارزه و تلاش طاقت فرسا به استراحت بپردازد، راهی دشوارتر را در پیش گرفت و همراهی آزادگان و پی گیری مشکلات آنان را وظیفه خود می دانست و در این راه تمام تلاش و توان خود را صرف کرد و در تاریخ ۷/۷/۶۹ با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت و تمام سعی خویش را به کار بست تا آزادگان، مایه عزت و تقویت نظام جمهوری اسلامی باشند. در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، با رأی بالای مردم قدرشناس تهران به عنوان نفر دوم و سوم مجلس راه یافت و در خانه ملت، با نطق های خود، مسئولین و کارگزاران نظام را به رعایت عدالت، توجه به توده مردم و حفظ ارزشهای دینی نمود. مرحوم ابوترابی، تقویت و دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه را واجب می دانست و نسبت به شخص مقام معظم رهبری ارادت و اعتقاد ویژه ای داشت و اطاعت از ایشان و تقویت معظم له را در هر مجلس و محفلی متذکر می شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر، سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد ۷۹ در حالی که همراه پدر بزرگوارشان عازم مشهد مقدس و زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) بودند، در جاده بین سبزوار و نیشابور، براثر تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد و ارواح آن عالمان

وارسته از خاک به افلاک پر کشیده و به لقاء الله پیوستند. این بزرگوار در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) غرفه ۲۴ به خاک سپرده شد.

ابهری، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید شمس‌الدین بن السید الجلیل السید اسدالله موسوی ابهری که از ذراری حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام و از علماء مبرز معاصرین بوده است در تهران وی در سال ۱۳۲۴ قمری در ابهر متولد شده پس از تحصیل سطوح در قزوین در سال ۱۳۴۹ قمری ببلده طیبه قم عزیمت نموده و در حوزه درس اساتید بزرگ بالاخص مرحوم آیه‌الله حایری و مرحومین آیتین آقای حجت و آقای حاج سید محمد تقی خونساری قدس‌الله انفسهم استفاده نموده و از آن بزرگواران مفتخر به اخذ تصدیق اجتهاد شده و پس از فوت مرحوم آیه‌الله حایری بنجف اشرف مشرف گردیده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله اصفهانی حاضر و از آن بزرگوار هم به اخذ تصدیق اجتهاد نائل و در اثر تأکید و تقاضای اهالی ابهر بامر مرحوم آیه‌الله اصفهانی به ابهر مراجعت نموده و در مسجد جامع ابهر باقامه جماعت و وظائف دینی پرداخته و مورد توجه عموم قرار گرفته و بواسطه حسن عمل و اخلاق حسنه محبوبیت بسزائی تحصیل کرده تا در سال ۱۳۶۲ قمری و غائله توده‌ای‌های آذربایجان که مجبور بمهاجرت به تهران گردیده و مورد اقبال و توجه جمعی از علاقمندان گشته و آنان از مقام فضل و دانش و محامد آداب ایشان استفاده نموده و چند سالی در مسجد سلیمی خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت و بعد در مسجد باب‌الحوائج خیابان صفا شهباز به اداء وظیفه دینی و روحی اشتغال یافته تا در ایام فاطمیه که در سال ۱۳۹۲ قمری که در منزلش مجلس سوگواری منعقد بود بسکته قلبی بدرود حیات گفته و با تشییع مجلّلی حمل بقم و در جنب وادی‌السلام قم مدفون گردیده است.

از آثار ایشانست تعمیر ماسجد خاصه تجدید بناء مسجد جامع ابهر که از آثار قدیمه میباشد که توسط آنمرحوم آباد گردیده و نیز مدرسه برای طلّاب علوم دینی احداث و بنا نموده و چندین طلبه را تکفل و تشویق بتحصیل علوم دینی نموده که از فضلاء امروز ابهر و حومیه آن در قم میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیه‌الله الحاج السید شمس‌الدین موسوی ابهری مزبور از علماء معاصر و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم است. وی در ابهر متولد شده و با معیت والدش بتهران آمده و پس از خواندن مقدمات بقم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ به پایان رسانیده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیه‌الله العظمی امام خمینی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و نیز آیه‌الله العظمی گلپایگانی شرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا معقولا و منقولا استفاده‌ی کامل نموده و هم از فلسفه و تفسیر علامه طباطبائی بهره‌مند و بنابر دعوت مردم شهر آراء تهران و امریه حضرت آیه‌الله العظمی

شریعتمـداری بتهران منتقل و در مسـجد شـهر آراء باقامه‌ی جماعت و ترویـج دین پرداخته تا فوت مرحوم والدش در جمادی الاولی ۱۳۹۲ قمری که در مسجد آن مرحوم نیز بانجام وظیفه مشغول میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۶ –۷۶۱ ق)، دانشـمند، فقیه و خطیب شافعی. اصل وی از سـرخس بود ولی در ابیورد تولـد یافت و همان جا نشو و نما کرد. وی شاگرد ملا سـعدالدین تفتازانی بود. به بغداد رفت و بعد از ان به اصـفهان، و در این شـهر به تحصیل علوم ریاضی پرداخت. ابیوردی در مکه سـکومت گزیـد و در آخر عمر راهی یمن شـد و در آنجا مجلس درس دایر کرد. وی از زاهـدان زمان، و بر مـذهب غلاهٔ و اهـل تفویض بود. از آثـار وی: «ربیع الجنان فی المعانی و البیان»؛ حاشـیه بر شـرح قطب الـدین رازی بر «مطالع الانوار» سـراج الـدین ارموی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۷ –۱۱۴۶ /۹)، روضات الجنات (۳۸ –۳۷ /۴)، ریحانه (۴۲ /۲)، کشف الظنون (۱۷۱۶ ،۸۳۳)، معجم المؤلفین (۲۵۱ –۲۵۰ /۳)، هدیهٔ العارفین (۲۸۷ /۱).

اثناعشری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج ولی‌اللّه اثناعشـری از دانشـمندان خدوم و مروجین دین و مبلغین احکام و ناشرین معارف اهل بیت و دلسوخته گان خاندان رسالت علیهم‌السـلام و سالار شـهیدان علیه الصلوه والسلام است، که در منزل خود به خدمات دینی و روحی و تبلیغ اسلام و تهـذیب نفس و اخلاق داوطلبان و شـیفته گان اهل‌بیت عصـمت و طهارت و بالاخص منتظرین ظهور حضـرت مهدی فاطمه سـلام‌اللّه علیها و علیه اشتغال دارند.

وی در تاریخ ۱۳۱۲ شمسـی در تهران متولـد شـده و در دامن پـدری باایمان و تقوا و ولایت آل اللّه پرورش یافته و پس از خوانـدن دروس جدید و ابتدائی به تحصـیل علوم دینی پرداخته و از محضر و درس عالم ربانی و سالک سبحانی ثقهٔ‌الاسلام حاج شیخ حسین زاهد امام جماعت مسـجد امین‌الدوله طهران اسـتفاده نموده و نیز قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی فراگرفته و در ماه ذیقعده سال ۱۳۷۰ قمری به قم آمده و از محضـر و دروس مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مقداری آیت‌اللّه حجت رحمه‌اللّه و حاج شـیخ عبـدالنبی عراقی و بالاخص آیت‌اللّه بروجردی اسـتفاده کرده و در سال ۱۳۴۴ شمسی به نجف اشرف مشرف شده و حدود سه سال اقامت و از محضـر و ابحاث حاج شـیخ محمدحسین تهرانی معروف به قاجار که از اعاظم علماء و فقهاء نجف بوده استفاده کرده و در سال ۱۳۴۷ شمسی مراجعت به تهران نموده و تا حال تحریر ۱۴۱۱ قمری به خدمات یاد شده اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اثنی عشری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا حسن اثنی عشری برادر مرحوم حسین اثنی عشری که پس از وی در مساجد او در شهر ری به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تـا در هفتم ماه صـفر ۱۳۹۱ وفات نموده و در کشیکخانه آسـتانه مقـدسه مـدفون گردیـده است وی نیز مقـدمات را در ری خوانده و به قم مهاجرت کرده و سطوح و نهائی را از اساتید حوزه آموخته آنگاه به ری برگشته و بخدمات دینی پرداخته تا در سال مذکور دعوت حق را اجابت نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثنی عشری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.

وی در سـال ۱۳۱۸ قمری در شـهر ری متولـد و در مهـد تربیت مرحوم والدش که از روساء آسـتانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسـه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیـل آن در سال ۱۳۴۹ قمری به قم مهـاجرت و سـطوح را از اساتیـد حـوزه چـون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمـد همـدانی و آیـت‌اللّه العظمی نجفی مرعشـی مـد ظلـه فراگرفته و در دروس خـارج مرحـوم آیت‌اللّه حـایری مقـداری و پس از ایشـان از محضـر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آسـتانه مقـدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسـیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسـیار ساعی و جـدی و در این موضوع (لا- یخـافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشـنبه پنجم ماه شـعبان ۱۳۸۴ قمری که در هنگـام انجـام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.

از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در ۱۴ جلـد که در حیات آن مرحوم طبع و نشـر گردیـده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

احدی نسب، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی احدی نسب

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احدی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب" الزبده "را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایهٔ الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیهٔ الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احسانبخش، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق احسانبخش از علماء و ائمه جماعت و مروجین ارزنده‌ی معاصر رشت می‌باشد.

وی در شهر رشت متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در محل خود خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ قم به پایان رسانیده و پس از آن از محضر آیات عظام حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و دیگران استفاده نموده و بعد به وطن خویش شهر رشت برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجد (چینی‌چیان) و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

احسانی فر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد احسانی فر

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

با اخذ سوم نظری در دبیرستان، در اوّل پاییز سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه لنگرود شدم. به رغم نشاط و رونق علمی کم نظیر این حوزه کوچک شهرستانی در زمان ریاست مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاجّ شیخ علیرضا ممجَّد لنگرودی (قدس) برای تحصیل فراغت بال و فرار از آمد و شدها، در سال تحصیلی بعد به حوزه مشهد و در سال سوّم به حوزه کاشان عزیمت نمودم. پاییز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و پیوسته در اینجا مشغول به تحصیل و وظایف طلبگی هستم.

جامع المقدمات، منطق، حاشیه و بخشی از سیوطی را نزد مرحوم آقای ممجّد (قدس) در حوزه لنگرود خواندم. بقیه سیوطی، مغنی و بخشی از معالم را در مشهد و بقیه معالم را در تابستان در لنگرود و مختصر و جلد اوّل اصول مظفّر و کتب عبادات شرح لمعه را در حوزه کاشان و بقیه دروس را در قم گذرانده، از پاییز سال ۱۳۶۷ حضور در خارج فقه و اصول را آغاز نمودم.

احمدپناهی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال احمد پناهی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ – ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.

در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.

در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال ۱۳۶۵ در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال ۱۳۶۵ به حوزه قم آمدم و تا سال ۶۹- ۶۸ باقیمانده سطح یعنی برائت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را به صورت متفرقه خواندم.

درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایهٔ الاصول از سال ۱۳۶۹ شروع و در سال ۱۳۸۶ به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای ۶۹ و ۷۰ مباحث صلاهٔ بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد.حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجهٔالاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام.

از سال ۱۳۷۱ جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.

در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدوند، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن احمدوند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸ رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه کرمانیها شروع به خواندن مقدمات نمودم، بعد از یک سال به مدرسه شهیدین رفتم و به دلیل عدم تطابق با برنامه های مدرسه از آنجا اخراج گردیدم، پس از آن به صورت آزاد به ادامه تحصیل علوم دینی پرداختم و به صورت متفرقه امتحان پایه های چهارم و پنجم حوزه را با موفقیت گذراندم و دو مرتبه به صورت رسمی طلبه حوزه علمیه شدم و در سال ۷۸ وارد درس خارج و به مدت هشت سال در درس خارج اساتیدی همچون مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، آیت الله مددی، آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله صانعی شرکت نمودم و همزمان با شرکت در دروس خارج به تحقیق و ترجمه و تالیف روی آوردم که ثمره آن تالیف چندین کتاب و ترجمه چندین اثر و تحریر مقالات متعددی است که برخی به زیور چاپ آراسته و برخی نیز در شرف چاپ و نشر است.

احمدوند، معروف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف علی احمدوند

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معروف علی احمدوند در سال ۱۳۴۲ در روستای دهلق از توابع شهرستان ملایر به دنیا آمدم. دوران تحصیل ابتدائی را در زادگاه خود آموختم و برای تحصیل در دوره راهنمائی به دهستان آورزمان با فاصله ۸ کیلومتر از روستای خودمان رفتم. دوران دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان رساندم.

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم. و همزمان با تحصیل در حوزه در جبهه های جنگ نیز شرکت می نمودم. از سال ۱۳۶۵ در کنار دروس حوزوی وارد مؤسسه در راه حق شدم و مدت ۵ سال دوره عمومی آن مرکز را آموزش دیدم.

در سال ۱۳۷۳ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته شدم. تا سال ۱۳۷۶ تحصیلات آن مقطع را با نگارش پایان نامه به اتمام رساندم و از مهر همان سال در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان به عنوان عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و از آبان ماه همان سال به مدت ۴ سال ریاست دانشکده الهیات آن دانشگاه را به عهده داشتم و در کنار آن به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۲ به عنوان دانشجوی دکترا در رشته کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم که در حال حاضر پس از گذراندن دوره آموزشی به نگارش پایان نامه اشتغال دارم و در بعضی از مراکز دانشگاهی اشتغال به تدریس نیز دارم.

احمدی ابهری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی احمدی ابهری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۵در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سیّد نورالدین ابهری از شاگردان امام خمینی (ره) و جد او مرحوم آیهٔالله سیّد شمس الدین ابهری از شاگردان مرحوم آیهٔالله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیّه قم بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قم و تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ لیسانس حقوق قضائی در مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) گردید.

در ابتدای تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای قضائی خدمت کرد. در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیّه قم وارد شده و از محضر اساتید بزرگواری چون آیات عظام محقق داماد، محفوظی، مکارم شیرازی، صالحی مازندرانی و دیگر بزرگان کسب فیض نمود.

همراه با تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران موفق به اخذ کارشناسی ارشد در حقوق جزا و جرم شناسی گردید. وی اینک در مرحله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی مشغول به تحصیل است.

احمدی جلفایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید احمدی جلفایی

محل تولد : هادی شهر جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب حمیداحمدی فرزند یدالله، متولد ۱۵/ ۰۱/ ۱۳۵۷ در هادی شهر در شهرستان جلفا. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۷ همزمان در امتحان ورودی حوزه و دانشگاه شرکت کرده و در همان سال به همراه تحصیل علوم حوزوی در مدرسه رضوی قم به گذراندن دوره کارشناسی اقتصاد نظری در دانشگاه مفید نیز مشغول شدم. همزمان با اخذ مدرک کارشناسی دانشگاه در علوم

حوزوی نیز مدارج آن را تا دوره سطح نخست طی نمودم و پس از آن نیز به همراه ادامه تحصیلات حوزوی در مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم بعنوان محقق مشغول تحقیق شدم و علاوه بر آن در کنار تحقیقات گروهی در دارالحدیث در موضوعات مختلف دست به تألیف و تحقیق کتاب یا مقاله پرداختم. در سال ۱۳۷۹ ملبس بـه لبـاس روحانیت شـده و پس از آن در همه مناسبتهای تبلیغی در همه سنین به مکانهای مختلف اعم از مساجد و دانشگاهها چه در قم و چه در تهران و چه در تبریز جهت تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت نموده ام.

در حال حاضر در سطح خارج در دروس برخی از آقایان شرکت دارم و علاوه بر آن با برخی از اساتید مشهور حوزه بصورت اختصاصی در زمینه موضوعات فقهی و اصولی و همچنین در مؤسسه دارالحدیث در مباحث رجال و درایه ای و غیره در حال تحقیق و پژوهش می باشم.

بطور کلی در موضوعات مختلف کتب فقهی و اصولی در دروس خارج برخی از آقایان و اساتید عظام (البته در برخی کم و در برخی بصورت طولانی) همچون: حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی، حضرت آیهٔ الله شیخ جعفر سبحانی، حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی، حضرت آیهٔ الله سید احمد مودی، حضرت آیهٔ الله کریمی، حضرت آیهٔ الله سید موسی بشیری زنجانی، حجهٔالاسلام والمسلمین محسن فقیهی، و غیره شرکت نموده و از خرمن معارف این اساتید بهره جسته ام.

احمدی راد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی احمدی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از آن که دروس مقدماتی در حوزه شهرستان نیشابور را فرا گرفتم، به حوزه مشهد رفتم. در آن حوزه ضمن فراگیری درسهای حوزوی در جلسات سخنرانی بزرگان حوزه شرکت می کردم از جمله برنامه های بسیار آموزنده، رهگشا و عالمانه مقام معظم رهبری در مسجد کرامت، مسجد امام حسن مجتبی، درسهای اعتقادی شهید هاشمی نژاد و گاه درسهای تفسیری عارف بزرگوار آقا میرزا جواد آقا تهرانی.

در حوزه قم افزون به شرکت در درسهای بزرگان که از آنها در بخش اساتید نام بردم و کارهای تبلیغی معمولی از آغاز آبان ۱۳۶۲ تاکنون با مجله حوزه بوده ام در پی ریزی بنای آن ادامه حیات و... ؛ و نیز در مجله فقه از آغاز تاکنون به اندازه توانایی نقش داشته ام پی ریزی و ادامه حیات؛ در ضمن در مجله حوزه علاوه بر ویراستاری محتوا و بازنویسی عضو هیات تحریریه و سیاست گذاری مجله نیز هستم.

در مجله فقه نیز افزون بر عضویت در هیات تحریریه و سیاست گذاری از آغاز بهمن ۷۲ تا سال ۱۳۸۳ تمامی شماره ها را بنده

ویراستاری و بازنویسی کرده ام.

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۵(۱۳۴۶ ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).

درگذشت: ۲۵ شعبان ۱۴۱۷ ق.

آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه واصول به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگرداند.

ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماه‌ها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.

برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:

تقلید الاعلم؛ سیری درعقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین-ع)، جنگ خیبر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.

آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان ۱۴۱۷ ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت.

احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله ۱۳۰۵ شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است.

مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم

آیت‌اللّه احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصا صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.

و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.

دارای تألیفات چندی می‌باشند.

۱- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.

۲- رساله تقلید اعلم عربی.

۳- کتاب سوی خدا بروید.

۴- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.

۵- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.

۶- کتابی در احکام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی طالشیان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا احمدی طالشیان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا احمدی طالشیان متولد ۱۳۴۵پس از گذراندن سال اول دبیرستان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه بابل مدرسه صدر سابق و خاتم الانبیاء فعلی شدم. پس ازآن درتهران درمدرسه های شهید بهشتی و مدرسه حاج آقا مجتهدی درس خوانده و در سال ۱۳۶۵ وارد مدرسه رسول اکرم (ص) قم شدم.

از سال ۱۳۷۵ در درس خارج شرکت کردم که بیشتر آن در کلاس حاج شیخ صادق لاریجانی بوده است در این مدت به صورت متفرقه درسهای دبیرستان را گذراندم.

در سال ۱۳۷۵ از موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی فارغ التحصیل شده و هم اکنون مشغول نوشتن پایان نامه ارشد با عنوان تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه می باشم.

در طول سالهای گذشته همکاری های متعدد علمی و اجرائی با نهادهای مختلف بخصوص کنگره های علمی مانند: شیخ انصاری، کنفرانس وحدت، شهید صدر، نقش اجتهاد در زمان و مکان داشتم. همکاری های تحقیقاتی و علمی با مرکز اسناد انقلاب اسلامی داشته و چند عنوان کتاب نیز تدوین نموده ام.

در نمایشگاه های سراسری نرم افزاری علوم اسلامی مرکز تحقیقات کامپیوتری مسئولیت تهیه و انتشار خبرنامه را نیز داشتم .

احمدی فراز، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی احمدی فراز

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی احمدی فراز در سال ۱۳۵۰متولد و در سال ۱۳۶۵مشغول تحصیل شدم و سال ۱۳۶۸موفق به اخذ دیپلم شدم. بعد از آن به خدمت سربازی اعزام و یک سال از سربازی را گذراندم. دانشگاه قبول شدم و از خدمت معاف شدم و مشغول به تحصیل شدم. بعد از اخذ مدرک کارشناسی دو مرتبه به خدمت سربازی رفتم و در سال ۱۳۷۰مشغول به تحصیل در حوزه و دانشگاه شدم.

سال ۱۳۷۸مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم و در سالهای بعد آن دروس حوزوی را تا پایه ۸ خواندم و فعالیت های جنبی داشته ام که بطور خلاصه عبارتند از:

۱- حفظ قرآن کریم ۲- حفظ کلمات قصار نهج البلاغه ۳- شرکت در کلاسهای مکالمه عربی دفتر تبلیغات حوزه علمیه و اخذ مدرک از موسسه باقرالعلوم قم ۴- در حال حاضر کلاسهای ترجمه انگلیسی بصورت کارگاه شرکت دارم که متون را از عربی به انگلیسی برمی گردانیم.

احمدی میانجی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیۀا... حاج شیخ علی احمدی میانجی در چهار محرم ۱۳۴۵ قمری (۱۳۰۴ شمسی) در روستای پورسخلو میانه به دینا آمد و در سال ۱۳۵۸ قمری برای تحصیل علوم اسلامی به میانه رفت و تا آخر شرح لمعه را نزد اساتید آن شهر آموخت سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم منتقل و سطوح را نزد مرحوم آیۀا... حاج سید حسین قاضی و مرحوم آیۀا... علامه طباطبائی آموخت و سپس خارج فقه و اصول را از محاضر آیات عظام بروجردی و داماد گلپایگانی استفاضه نمود. ایشان هم اکنون از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم هستند. کتاب "الاسیر فی اسلام "تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : علی احمدی میانجیدوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم (ص) کاملاً تربیت اسلامی یافت.

خاطرات کودکی : علی احمدی میانجی، مرحوم حضرت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت اللّه آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود.(۳) او با مشورت و هدایت آیت اللّه حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت اللّه احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی احمدی میانجی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشأت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود. سال ۱۳۵۸ ه . ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند. آیت اللّه احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت اللّه حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. بنا به نوشته آیت اللّه احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد.او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر

حضرت آیت اللّه حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید. وی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می کرد. آیت اللّه احمدی، درمدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت اللّه میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد. آیت اللّه احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت اللّه سید حسین قاضی آموخت.(۶) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.آیت اللّه احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت اللّه آقا میرزا احمد کافی الملك یاد گرفت.(۷) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد(۸) و علامه طباطبایی (ره) بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : علی احمدی میانجی در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت اللّه احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قران، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می کرد. اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت اللّه احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت اللّه احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی احمدی میانجی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می کرد

استادان و مربیان : از استادان علی احمدی میانجی می توان به اساتید زیر اشاره کرد: آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی هدایت آیت الله حائری مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی نایینی ایروانی کاشف الغطا آیت الله میرزا رضی زنوزی حضرت علامه طباطبایی آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملك بروجردی گلپایگانی محقق داماد

هم دوره ای ها و همکاران : علی احمدی میانجی و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد.

وقایع میانسالی : علی احمدی میانجی با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلای جوان

می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت اللّه احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت اللّه بهاء الدینی و یا آیت اللّه بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت اللّه احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:۱ - سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ ۲ - از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ ۳ - از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ ۴ - خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ ۵ - خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ ۶ - در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.

زمان و علت فوت : علی احمدی میانجی پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظّم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امامِ قم به حرم حضرت معصومه (س) تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کریمه‌اهل‌بیت (ع) جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : علی احمدی میانجی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلای پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت اللّه احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت اللّه قدّوسی در مدرسه حقّانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد.علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلا در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عمده خدمات فرهنگی - اجتماعی مرحوم علی احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:الف) میانه:در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت اللّه شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارسی به نام‌های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت اللّه احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.در سال ۱۳۴۸ آیت اللّه احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی - مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانانِ دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همّت آیت اللّه احمدی و با همیاری تنی

چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، امّا صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از ۳۰ سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می کند.ب) قم:صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء (س) و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت اللّه احمدی جزء مؤسسین پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.اشتیاق آیت اللّه احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بودکه محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی احمدی میانجی سال ۱۳۴۱، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت اللّه احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح اللّه خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.آیت اللّه احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می کرد به دور از احساسات و افراط کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می‌نمود.عید نوروز و خرداد سال ۱۳۴۲، که به فرمان حضرت امام خمینی، در سرتاسر کشور عزای عموی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایت‌های رژیم بپردازد، آیت اللّه احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد هماهنگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت. ین عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست.

همفکران فرد : با توجه به نگرش پویای علی احمدی میانجی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند.

آرا و گرایشهای خاص : نوع فعالیت‌های اجتماعی علی احمدی میانجی به خوبی نشان می‌دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیان بود. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تدریس می کنند؛ اما آیت اللّه احمدی از نادر شخصیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف‌نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.آیت اللّه احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسلام و تشیّع

را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات بااستدلال و برهان از حریم اسلام و تشیّع دفاع کنند.
جوائز و نشانها : کتاب "الاسیر فی اسلام "تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می‌شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع خود، کم نظیر و بدیع می‌باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی‌فقیه جامع الشرایط اداره شود، به جدّ اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهار می‌داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه‌اش مشغول خواهد شد.ایشان در باب اخذ وجوه شرعیه (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می‌دانست. به همین سبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند. --

آثار :

۱ احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنهٔ

ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند اثر مشترک آیت اللّه احمدی و مرحوم آیت اللّه حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل‌بیت (ع) در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می‌آید.این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیک به دویست عنوان واثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال ۱۳۷۹ ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

۲ اصول مالکیت در سالام

ویژگی اثر : تالیف

۳ الاسیر فی الاسلام

ویژگی اثر : این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «الاسیر فی اسلام»: یکی از مسائلی که جامعه بشری گاه بدان دچار می‌شده و خواهد شد جنگ و یکی از مسائل اجتناب ناپذیر هر جنگ اسارت است، هر یک از ادیان الهی و یا مرام و مسلک بشری در این مورد قوانین و مقرارتی دارد، لیکن دین مقدس اسلام مانند سایر موضوعات، در این مورد نیز بهترین و جامعترین قوانین را آورده است. مؤلف محترم کتاب با تتبع ژرف و تحقیق عمیق این مساله را از نظر اسلام به طور دقیق بررسی نموده و احکام اسلام را در این باره بازگو نموده و برتری آن را به اثبات رسانده است. کتاب مقدمه‌ای نسبتاً طولانی و بسیار پربار درباره چگونگی جنگ و اسارتهایی که در طول جنگ‌های صلیبی، مغول، و تاتار، جنگ جهانی دوم و ... رخ داده و جنایتهایی که به اسیران روا داشته‌اند، دارد؛ متن کتاب سه بخش است ۱۰ـ

علل بروز جنگ‌ها و نتایج و آثار آن، ۲ـ توضیح و تشریح اسیر گرفتن از کفار و شورشیان (بغات)، ۳ـ تبیین و ترسیم حقوق در اسلام. مولف محقق کتاب، موضوع اسارات را، هم از دیدگاه فقهی شیعه و سنی بررسی نموده و هم از نظر گاه تاریخی، و با تتبع گسترده، سیره رسول خدا(ص) و امیر المومنین (ع) با سایران را ترسیم نموده است. مقایسه قوانین اسارت و اسیر در اسلام با دیگر قوانین بشری دنیا، و اثبات جامعیت و برتری آن عصر فضا از دیگر ویژگیهای کتاب است

۴ التبرک

ویژگی اثر : در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می‌کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت اللّه احمدی با درک ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او دراین اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.این کتاب در سال ۱۳۵۶ ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

۵ السجود علی الارض

ویژگی اثر : در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقاهتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع) با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یك بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

۶ حاشیه و تعلیقه بر کتاب «معادن الحکمه»

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۷ حاشیه و تعلیقه بر کتاب شیعه در اسلام

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۸ لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی

ویژگی اثر : در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت

اسلامی می‌پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می‌دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می‌سازد.چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است.

۹ مالکیت خصوصی

ویژگی اثر : در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک‌ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره کشی از ضعیفان است و... . آیت اللّه احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیراموی مالکیت خصوصی در رمضان سال ۱۳۵۹، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می‌کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی‌آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می‌سازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال ۱۳۶۱ از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

۱۰ مکاتیب الامام الرضا(ع)

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ مکاتیب الرسول

ویژگی اثر : کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه‌های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم (ع) ، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان وحی، ویژگی‌های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشد.این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد استقبال کم نظیر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال ۱۳۳۹، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال ۱۳۷۷ ش، انتشارات دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

۱۲ مواقف الشیعه

ویژگی اثر : این کتاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر (ص) ، اصحاب امامان معصوم (ع) ، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد:«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده‌اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردند و همه این امتیازات را هم از اهل‌بیت

(ع) گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ یک این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست - به همین سبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امید است در چاپ‌های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بدیع می‌باشد. برای اولین بار سال ۱۳۷۵ ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده ویک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

احمدی نژاد، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم احمدی نژاد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۸/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم احمدی نژاد در سال ۱۳۳۹ در آبادان متولد شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آبادان گذراندم. در زمان اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به همراه بچه های مسجد مهدی موعود (عج) در پخش اعلامیه و تظاهرات فعالیت می کردم. سال آخر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی شد و در اولین انجمن اسلامی دبیرستان به عضویت شورا بر گزیده شدم.

در سال ۱۳۵۸ در انستیتو تکنولوژی بروجرد در رشته برق پذیرفته شدم ودر آنجا نیز به عنوان نماینده انجمن اسلامی انتخاب شدم.

در سال ۱۳۵۹ بعد ازانصراف از انستیتو تکنولوژی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) وامام باقر (ع) دروس مقدماتی و سطح را خواندم و از سال ۱۳۷۳ تا کنون مشغول به تحصیل درس خارج می باشم.

در این مدت از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات خسرو شاهی، فتوحی، مرحوم آیت وجدانی، مرحوم آیت الله پایانی و همچنین آیت الله اعتمادی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی بهره وافر برده ام.

از قبل از دوران انقلاب به ادبیات کودک و نوجوان علاقمند بودم و در این زمینه مطالعه می کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود به حوزهٔ علمیه قم در مرکز تحقیقات جهاد سازندگی که شعبه ای در قم داشت به نقد و بررسی کتابهای کودک و نوجوان مشغول شدم. پس از کسب تجربه و تخصص در واحد کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان مسئول نقد و بررسی کتاب سالهای متمادی مشغول به فعالیت بودم.

در کنار تحقیق تاکنون بارها به تدریس، نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان در حوزه علمیه قم و نهادهای دیگر اشتغال داشته ام که بخش خواهران دفتر تبلیغات، طرح هجرت، حوزه علمیه گچساران و... از این قبیل است. در پی این همکاریها، چندین سال عضو هیئت طرح و برنامه مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات بوده ام. مدت کوتاهی نیز با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای قم در زمینه نقد سریالهای تلویزیونی کودک و نوجوان همکاری داشته ام. به غیر از سفرهای ایام دفاع مقدس همه سفرهای

تبلیغی بنده تخصصی بوده و فقط شامل کار با کودك و نوجوان بوده است و به شهرهای: سنندج، شیراز، اهواز، گچساران، بندرعباس، آبادان، تهران، گرمسار، شوشتر، زاهدان، اصفهان، کرمان، همدان و... جهت تبلیغ صاحب نظر و رای می باشم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وارد شدم و سالها به عنوان معاونت شبکه جهانی نور انجام وظیفه نموده و در به ثمر رساندن بانك اطلاعات شبکه جهانی نور، نرم افزار پایگاه های قرآنی، پایگاه امام علی (ع) همکاری عملی و اجرایی داشته ام.

هم اکنون نیز به عنوان مدیر سازمان آموزش کامپیوتر نور، مدیر گروه آموزش از راه دور دانشکده باقرالعلوم (ع) و عضو طرح و برنامه مدرسه اسلامی هنر مشغول به فعالیت می باشم.

احمدی نیشابوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن احمدی نیشابوری فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید نوراللَّه نیشابوری داماد بزرگ مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری رحمه‌اللَّه علیهم اجمعین می‌باشد. آن مرحوم در نیشابور شهر تاریخی استان خراسان به دنیا آمده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن اولیات به تحصیل علوم عربی پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در نیشابور و مشهد خوانده سپس هجرت به اعتاب عالیات نموده و سالها در اعتاب مقدسه نجف اشرف و کربلاء معلی اقامت و از محضر آیات عظام بهره‌مند شده و پس از آن به ایران برگشته و در مشهد مقدس متوطن و به وظائف دینی و روحی تا حد خود اشتغال داشته و آنچه را که داشته به آن عمل نموده و در دوران اقامتش در مشهد مقدس مانند اقامتش در نجف اشرف در ظهر و شام موفق به نماز در حرم مطهر و به گفتن اذان بلند اعلام وقت فریضه می‌نمود.

نگارنده گوید: گرچه در اوساط علمی به علم مشهور نبود ولی نزد همگان به داشتن تقوی و ورع و اعمال صالحه معروف و موصوف بود و هر کس او را می‌شناخت به پاکی و بزرگواری می‌شناخت و پس از رحلتش هم او را به خوبی یاد و برای او طلب مغفرت می‌نماید.

در قضاء حوائج مؤمنین سعی بلیغ داشت و از بعضی ثقات و وابستگانش شنیدم دارای تألیفات متشتت و مخطوط بود و با بیت مرحوم آی اللَّه العظمی حاج سیدمحمود حسینی شاهرودی نسبت سببی داشت و از محضر آن بزرگوار هم در نجف استفاده نموده بود. وی در حدود هفتاد سالگی در روز میلاد مادرش حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام روز بیستم جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ قمری در مشهد مقدس درگذشت و در مشهد و قم و نیشابور مجالس بسیاری برای بزرگداشت او برگزار شد و عموما برای ارتحال او ابراز تاثر می‌نمودند.

فرزندان صالح و دانشمندی دارد که در مشهد و حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و خاطره آن پدر را زنده می‌دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله احمدی

محل تولد : فریدن اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بعد از طی مراحل دبستان تا پنجم ابتدایی، در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از طی مقدمات در حوزه به مدت چهار سال، دروس سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را تا سال ۵۹ و ۶۰ به اتمام رساندم. از سال ۶۱ به مدت ۷ سال در درس خارج اصول و ۱۴ سال در درس خارج فقه شرکت نمودم. همزمان با فقه و اصول حدود دوازده سال در دروس تفسیر و به مدت ده سال نیز در فلسفه از منظومه و اشارات و اسفار شرکت نمودم.

همزمان با شرکت در دروس سطح عالی و خارج، در مدارس حوزه و نیز

مرکز جهانی علوم اسلامی حدود هفت سال تدریس نمودم. موضوعات تدریس شده عبارتند از: فقه، اصول، تاریخ، علوم قرآنی و تفسیر بوده است. از سال ۷۷ شروع به تدریس سطح عالی حوزه یعنی رسائل و مکاسب نمودم و اکنون هم مکاسب و کفایه تدریس می نمایم.

در همین سال شروع به نوشتن نمودم که برخی آثار به صورت مقاله در روزنامه ها و مجله های عمومی و تخصصی منتشر شده اند و برخی دیگر نیز به صورت کتاب منتشر شده اند و برخی هم به صورت دست نوشته باقی مانده اند.

احمدی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن احمدی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط صرف ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و

بعـد وارد درس هـدایه شـدیم و بعد صـمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.

در سـال پنجم وارد دروس سـطح عالی شـدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشـهد درس گرفتم. بعـد از آن رهسـپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضـرت آیت الله اسـتاد احمد پایانی (رحمهٔ الله علیه) و حضـرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفـایتین را خـدمت اسـتاد گنجعلی خراسـانی که خود از شاگردان اسـبق همان مـدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشـهد بوده انـد، فرا گرفتم و بـا مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسـانی (از اول اصول) و اصول حضـرت آیت الله تبریزی (از استصـحاب تا آخر دوره بعـد) شـدم. همزمان در درس فقه حضـرت آیت الله تـبریزی (از بحث اوانی در طهـارهٔ) شـرکت نمـودم و هر روز بعـد از درس در جلسـات خصوصـی سـوال و جـواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.

بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوسـتان که از فضـلا می باشـند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب حجت الاسـلام والمسـلمین محمـد تقی شـهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شـهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصـی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تـا سال ۸۳ ادامه داشت و پایـان یـافت. در خلال بحث هـای اصـول و فقه از تحصـیل فلسـفه هم بی بهره نبودم و کتـاب منظومه سبزواری را خدمت اسـتاد نکونام آموختم. کتابهای نهایه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.

حدود ۱۰ سال است که تدریس در بعضـی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضـرت آیت الله گلپایگانی را شـروع کرده ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصا حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، برائت و استصحاب و مکاسب را تـدریس نموده ام و هم اکنون نیز مشـغول تـدریس قطع و ظن در مـدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می باشم.

از سال ۷۵ وارد موسـسه دائرهٔ المعـارف فقه شـیعه شـده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده ام و در این راسـتا زیر نظر حضـرت آیت الله هاشـمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشـته تحریر در آورده ام. در آن موسسه به عنوان های سر گروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می باشم.

با بخش مرکز مـدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سـطح ۲ و ۳ نیز همکـاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می نویسم .

احمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۶۹ بعد از اتمام دفاع مقدس و بازگشت از منطقه کردستان در مدرسه علمیه مبارکه جانبازان مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سطح را تمام و یا بعضاً در درس خارج شرکت میکنم. در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی هم بعضا شرکت می کنم. یک دوره کامل عروة الوثقی را با مطابقت فتواهای مراجع حاضر درس گرفته ام و مدت اندکی به تدریس المنطق مشغول بوده ام و مدتی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) (حدود ۲سال) دوره عمومی را خوانده ام.

پژوهش و ترجمه عربی به فارسی را تجربه کرده ام و آثاری اندک دارم که بعضاً به چاپ رسیده اند. در خصوص برگزاری کنگره های بین المللی و همایش ها تجربه های زیادی داشته ام و حدودا ۱۰ کنگره و همایش را به عنوان دبیر اجرایی برگزار نموده ام. در مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدتی مدیر امور بین الملل و مدتی مدیر امور اجرایی بوده ام و... .

احمدی، ذکرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذکر الله احمدی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله احمدی در سال ۱۳۵۳وارد حوزه علمیه آیهٔ الله بروجردی کرمانشاه شده و پس از آشنائی با ادبیات، صرف و نحو در حد جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و حاشیه ملاعبدالله در منطق به حوزه علمیه قم هجرت کرده و به تحصیل ادامه داده و سطوح عالیه را از محضر اساتید گرانقدر به پایان رسانده، سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع و اساتید بزرگ شرکت جسته و فلسفه را در حد شرح منظومه از محضر آیهٔ الله محمدی گیلانی و آیهٔ الله انصاری شیرازی تلمذ نمودم.

در دور سوم مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم استان کرمان به عنوان نماینده انتخاب و به مدت هشت سال ادامه داشته است.

احمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمدی

محل تولد : قصر شیرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمدی فرزند محمد به شناسنامه ۵۱۷ به سال ۱۳۵۵در قصر شیرین استان کرمانشاه متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی و دو سال از دبیرستان نظام قدیم در سال ۱۳۷۲وارد حوزه علمیه قم شدم.

پس از اتمام تحصیلات سطح ۱ حوزه در سال ۱۳۷۸به کارهای پژوهشی روی آوردم. نگارش ۴ کتاب مستقل و بیش از ۴ کتاب به صورت گروهی حاصل این سالها می باشد. البته در زمینه های دیگر هم که با نویسندگی مرتبط است فعالیت داشته ام از جمله تصحیح و مقابله، ویرایش و آموزش، هم اکنون هم چندین طرح پژوهشی در دست کار دارم که برخی در مرحله تدوین و برخی در مرحله تایپ است.

احمدی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.

در سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال ۱۳۶۹ کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال ۱۳۷۴ به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان انتخاب شدم و هم اکنون در این واحد مشغول تدریس و اداره گروه معارف

اسلامی می‌باشم و از معاونت محترم امور اساتید و دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس در دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.

هم اکنون به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان مشغول خدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

احمدی، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۲ در مقطع لیسانس وارد دانشگاه شدم و در رشته الهیات مشغول به تحصیل شدم. همزمان به صورت آزاد در دروس حوزه مبارکه علمیه قم نیز شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۶ در مقطع فوق لیسانس رشته علوم قرآن و حدیث ادامه تحصیل دادم. سپس در سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز تهران شدم و در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۲ به عنوان پژوهشگر در مرکز تحقیقات اسلامی به کار مشغول شدم و به عنوان مدیر مسئول فصلنامه مربیان و ماهنامه های مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی، به فعالیت علمی و تحقیقی ادامه دادم. در سال ۱۳۷۶ به عنوان معاون پژوهشی مرکز یاد شده گمارده شدم و تا سال ۱۳۷۹ به کار ادامه دادم.

در سال ۱۳۷۹ در مقطع دکتری مدیریت استراتژیک در دانشگاه عالی دفاع ملی پذیرفته شدم و پس از اتمام دروس نظری در سال ۱۳۸۲ به عنوان مدیر گروه پژوهشهای فرهنگی، رفتاری و اجتماعی در پژوهشکده تحقیقات اسلامی مشغول گردیدم. در طی مدت یاد شده علاوه بر سردبیری و مدیر مسئولی نشریات یاد شده، تدوین فیلمنامه های آموزشی در موضوع نماز، ویژه نامه های مختلف و کتابهای متعدد در موضوعات مختلف با اشراف، هدایت علمی و زیر نظر حقیر تهیه شده است.

همچنین پروژه های تحقیقی متعددی زیر نظر حقیر اجرا و نتیجه آن برای استفاده کاربران مربوط گزارش شده. چندین جلد کتاب نیز به طور مستقل تالیف نموده ام و مقالات و جزوات متعددی در موضوعات متنوع با قلم حقیر منتشر شده و اخیراً نیز مجموعه شعری با نام «سلاله هابیل» منتشر نموده ام.

در کنار فعالیت های پژوهشی و تالیفی فوق، در مراکز متعدد آموزش عالی نیز به صورت مدعو تدریس نموده و یا به ایراد سخنرانی علمی و تحلیلی مسائل راهبردی داخلی، منطقه ای و بین المللی پرداخته ام، مانند تدریس در دانشگاه امام حسین(ع)، جهاد دانشگاهی واحد استان قم، تحلیل مسائل راهبردی در شبکه استانی سیمای قم، سخنرانی در دانشگاه شهرکرد، دانشکده آب و برق مشهد مقدس، دوره های طرح ولایت دانشجویان بسیجی، دوره های طرح بصیرت مسئولان و فرماندهان سپاه طرح معرفت هادیان سیاسی بسیج و... . در ضمن بنده در حال حاضر عضو هیات علمی پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی هستم .

احمدی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی احمدی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمدمهدی احمدی، فرزند سیدابوالفضل، متولد ۱۳۳۲ شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.

در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولاً بنده را مامور این کار می کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.

بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال ۴۵ ـ ۴۴ بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمده و در مدرسه صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم.

هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می کند. اساتید معمولا جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم وجود داشت و تقریبا مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.

سال تحصیلی ۴۹ ـ ۴۸ بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعا از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفتم و تا سال ۵۴ در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:

۱. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعا خدمت ایشان خواندم.

۲. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.

۳. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۵۴ به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال ۱۳۷۴ به درس خارج اشتغال داشتم. اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلاً اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم احمدی

محل تولد : روستای یام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۵

زندگینامه علمی

در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ در تهران، دروس طلبگی را شروع کردم. بحمدالله تعالی ۷ - ۹ نفر از بستگانم (ازجمله پدر بزرگ ها، دایی و پسردایی ام) روحانی بوده و هستند. در اسفند ۱۳۶۷ معمم شدم و در نیمه دوم ۱۳۶۸ متأهل گردیدم.

از همان دوران نوجوانی به مطالعه کتاب به ویژه داستان و شعر علاقه داشتم که بحمدالله تعالی با ورود به حوزه علمیه، به مطالعه کتاب و گوش دادن به نوارهای سخنرانی، بیشتر اهمیت می دادم، چنان که در برخی از کتابخانه های تهران عضو شده و در اوقات فراغت، به کتابخانه های چهل ستون، ملک، پارک شهر، مجلس شورای اسلامی بهارستان و غیره می رفتم. از سال ۱۳۶۵ به این نتیجه رسیدم که علاوه بر مطالعه و نگارش مطالب مهم کتابها، مجلات، روزنامه ها و سخنرانی ها (نوار و زنده) می باید به خریدن کتاب هم بپردازم، لذا از آن سال تاکنون بخشی از شهریه و درآمدم را به خرید کتاب اختصاص داده ام و کتابخانه شخصی ام، حدود سه هزار کتاب در موضوعات گوناگون دارد.

از آذرماه ۱۳۶۹ به نگارش مقاله روی آوردم که نخستین مقاله ام با عنوان" کعبه می گرید ".در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد و از سوی مدیر مدرسه شهید بهشتی و برخی از استادان و دوستان طلبه، مورد تشویق قرار گرفتم. از این روی، هر ماه مقاله یا مقالاتی به روزنامه های جمهوری اسلامی، کار و کارگر، کیهان، اطلاعات، سلام، جهان اسلام، رسالت و ابرار می فرستادم که بحمد الله برخی از آنها چاپ شده است.

در تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۷۲ همراه خانواده ام (همسر و پسر هشت ماهه ام) به شهر مقدس قم مهاجرت کردیم که تا سال جاری، سکونت ما (حقیر، همسر، دو پسر و یک دختر) استمرار داشته است. مهاجرت به قم، غربت، عدم اشتغال، مستأجری و نداشتن شهریه تا سیزده ماه، همگی باعث شد که به پیشنهاد یکی از دوستان طلبه ام، به جمع پژوهشگران پژوهشکده باقر العلوم (ع) وابسته به سازمان

تبلیغـات اسـلامی ملحق شوم، که این همکاری آزاد و پروژه ای، از آذرماه ۱۳۷۳ تـاکنون کم و بیش در قالب های نگارش کتاب و مقاله، تصحیح، ویرایش، ارزیابی و جلسات نقد و بررسی اهل قلم، ادامه دارد.

از خرداد ۱۳۷۸ تاکنون نیز در نشـریه فرهنگ کوثر وابسـته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به عنوان مصحح همکاری داشته ام و معمولاـ مقالاـتی از حقیر هم در نشـریه چـاپ می شود و گـاهی هم به ویرایش و ارزیابی برخی از مقالات کوثر هم می پردازم. البته تصحیح کتاب ستارگان حرم از جلد ۶– ۸ و ۱۰– ۱۶ به عهده حقیر بود و حدود دو سال (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) هم در آستانه مقدسه به کتابداری نیز اشتغال داشتم.

شایان توجه است علاوه بر همکاری با پژوهشکده باقر العلوم (ع) و نشریه فرهنگ کوثر، برای برخی از نهادها، مثل: سازمان تبلیغات اسـلامی قم و نیز عـده ای از نویسـندگان، کارهـای علمی (نگـارش بروشور، داوری مسابقات، ویرایش، تصـحیح و ارزیابی کتاب و مقاله) انجام داده ام.

در ضمن، حقیر:

الف) از نه سالگی تاکنون در زمینهٔ برق و الکترونیک، فعالیت و تجارب گوناگونی دارم.

ب) از سال ۱۳۶۲ نیز تا الآن در خصوص مداحی و تعزیه خوانی، فعالیت و ...

ج) از سال ۱۳۶۰ تا کنون، در قالب های مختلف به «سرودن اشعار» پرداخته ام.

د) از سال ۱۳۶۸ تـا الاـن نیز به «طراحی» می پردازم که کاربر آن در امور: تـذهیب، قالی، گچبری و غیره است. می توان تعـداد این طرح ها، اشکال و نقوش را تا هزار مورد تخمین زد.

ه) در اردیبهشت ۱۳۷۲ به مناسـبت برپایی نمایشـگاه بین المللی کتاب و اختصاص یافتن غرفه ای به نام «سلمان رشدی» از عموم مردم دعوت شـده بود که در صورت تمایل و توانایی هنری، در مسابقه حضوری طراحی کاریکاتور شـرکت کننـد که بحمـد الله شـرکت کرده و دو طرح کشـیدم که در مردادمـاه ۱۳۷۲دعوتنـامه ای برای حقیر نیز ارسـال شـد تا هیئت داوران از بین کاریکاتوریست های داخلی و خـارجی، که امتیـاز منـاسب را به دست آورده انـد نفرات برتر و ممتاز (ظاهراً ۵۳ نفر) را انتخـاب کننـد و لکن نام حقیر در لیست برگزیدگان نبود.

و) در سال های ۱۳۶۷– ۱۳۷۳ پنج «نمایشنامه و فیلمنامه» نوشته ام که البته نیاز به اصلاحات علمی، هنری و فنی دارد.

احمدی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر احمدی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

احمدی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی احمدی (برادر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر شهید حکومت بعث) فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی شاهرودی است. در سال هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) هجری شمسی در روستای مغز شاهرود به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در شاهرود در سال ۱۳۲۲ شمسی در سن پانزده سالگی هجرت به قم نموده و در مدرسه فیضه در حجره مرحوم برادر شهیدش مدت چهار سال اقامت و بعد از رفتن ایشان در سال ۱۳۲۴ شمسی به نجف اشرف تا سال ۱۳۲۷ در قم مانده، و بقیه مقدمات و ادبیات را در محضر اساتید متعدد مانند آیت‌اللّه حاج آقا رضا صدر و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللّه مجاهدی و حاج شیخ یوسف شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و نیز آیت‌اللّه سلطانی فراگرفته و در سال ۱۳۲۶ شمسی به اتفاق برادر شهیدش که به ایران آمده بودند به نجف اشرف عزیمت نموده و جلد اول کفایه الاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و جلد دوم را در خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری خوانده و مکاسب را از محضر مرحوم حاج میرزا احمد اهری و حاج سید محمود مرعشی استفاده نموده و بعدا یک دوره کامل اصول را از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و مقداری از بحث الفاظ را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر زنجانی و نیز مبحث ظن را از آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی آموخته و نیز از ابحاث فقه مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی (ره) و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی استفاده کرده و بعد از ده سال اقامت به واسطه بروز کسالت به ایران مراجعت و بعد از عمل جراحی در تهران اقامت و حدود بیست سالست که در مدرسه مروی به بحث و تدریس اشتغال دارند و ضمنا چند سالی هم در تهران از محضر مرحومین آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی مستفیض شدند و در حال حاضر در یکی از مساجد مرکز شهر اقامه جماعت دارند و گروهی از نماز و تبلیغات ایشان استفاده می‌کنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احمدی

محل تولد : عشق آباد طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۳۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به

مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه ۶ را در آن مدرسه تحصیل نمودم.تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجهٔالاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فراگرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:

۱- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. ۲- سیره اهل بیت (ع). ۳- حقوق زنان در اسلام. ۴- شهید شناسی در حوزه دین.

احمدیان، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم احمدیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم احمدیان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم.

دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار .

در سال ۱۳۷۰ به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

احمدیان، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول احمدیان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۷/۱

احمدیان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی احمدیان

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی احمدیان متولد ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۳۹ گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.

در سال ۱۳۴۱ ش طلبه شدم و در مدرسه الحجهٔ نجف‌آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب‌های دایرکت متد ۱ و ۲ و ۳، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال ۵۱ یا ۱۳۵۲ بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.

البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می‌توانستم بپردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبشار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط ۳ تومان دریافت می‌کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می‌نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعادهٔ نراقی را بخرم حالا چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می‌شود. اینجانب در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی

نگاشتم و آن را به نام" دلیل الزائر "نام‌گذاری کردم .

دومین کتاب خود را به نام" زندگی زناشوئی "نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجهٔالاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سیدمحمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می‌توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه "و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.

در نجف اشرف مقالات عربی می‌نوشتم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می‌خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَن هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه ۲۰۰ برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می‌نمودم ناگاه می‌دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی‌کردم.

اکثر کتاب‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است، مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی‌دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر(عج) نشسته و شمشیر دو دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می‌کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می‌نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می‌نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف‌آباد بودم و چون در آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف‌آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گوید رفتم آب بیاورم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

اخباری، عنایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۴۵ قمری مرحوم میرزا عنایت‌اللّه اخباری فرزند مرحوم میرزا محمد اخباری مقتول ساکن حوالی بصره که از مراجع مهم

عرب بود به قم آمده و پس از مدتی به وطن خود برگشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اخترشهر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اخترشهر

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

علی اخترشهر متولد ۱۳۴۸ از شهرستان لاهیجان دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در همان شهرستان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۷ برای کسب تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شد.

وی در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل علوم دانشگاهی پرداخت. بعد از اتمام سطح مدت ۷ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید: چون آیت الله جوادی آملی و آیت الله شبیری زنجانی به کسب علم پرداخت و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد با رتبه اول پشت سرگذاشت. در سال ۱۳۸۴ در رشته انقلاب اسلامی مقطع دکتری در مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل می‌باشد.

در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای قم، اراک، آشتیان، تفرش، لاهیجان و سمنان پرداخت و از طرف معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری موفق به اخذ درجه استادیاری شد و استاد نمونه سال ۸۲ در اراک و سال ۸۵ در دانشگاه سمنان گردید.

در کنار تحصیل و تدریس به امر پژوهش پرداخت و تا به امروز بالغ بر ۳۰ مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآورد. در سال ۸۵ دو پژوهش وی با عنوان" اسلام و توسعه "و" جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی "در کنگره دین پژوهان، پژوهش برگزیده گردید و کتاب" جامعه پذیری سیاسی "در سال ۸۶ رتبه اول کتابهای فصل جمهوری اسلامی ایران که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می گردد، را اخذ نمود.

از مسئولیت اجرائی معاون پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تا سال ۸۳ و کارشناس مسئول امور حلقات در کانون اندیشه جوان تا سال ۸۴ و کارشناس امور ارزیابی اساتید تاکنون در معاونت امور اساتید قم، مدیر گروه معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی سمنان تاکنون می‌باشد.

اخضری، حجت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الله اخضری

محل تولد : نجف آباد اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۱ در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد و در سال ۱۳۶۰ در رشته حسابداری از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. سپس حدود یک سال در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی نجف آباد در روستاهای توابع مشغول بودم.

بعد از آن وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و از مقدمات و سیوطی و حاشیه ملاعبدالله را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه امام محمد باقر (ع) تا پایان لمعتین و اصول مظفر تحت برنامه مدرسه به اتمام رساندم و با تشکیل خانواده از مدرسه خارج و به طور آزاد دروس حوزه را ادامه دادم.

حدود سال ۱۳۷۰ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و از سال ۱۳۷۱ با حضور در درس خارج فقه آیهٔ الله منتظری و اصول آیهٔ الله مکارم شیرازی خارج فقه و اصول را شروع کردم. در همین ایام بود که ضمن تحصیل در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی روزانه حدود سه ساعت شروع به کار کردم که این ورود در کارهای تحقیقاتی شد.

اخوان طبسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان طبسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان کاظمی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود اخوان کاظمی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود اخوان کاظمی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود.

نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق (ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل

در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهـای ورود به دانشـگاه امام صادق علیه السـلام با تلاش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و از محضـر دروس اساتیـدی همچون آیت الله باقری کنی، آیت الله مهـدوی کنی و دیگر اساتیـد برجسـته دانشـگاه بهره ها برد.

استـاد پس از فـارغ التحصـیلی در مقطع کارشناسـی ارشـد از دانشـگاه امـام صادق علیه السـلام برای ادامه تحصـیل به کشور فرانسـه عزیمت نمود و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای علوم سیاسی از دانشگاه رن فرانسه فارغ التحصیل گردید.

ایشـان سالهای متمادی است که به تـدریس در دانشـگاه رازی کرمانشاه و پژوهش در وزارت کشور مشـغول می باشـد و هم اکنون ریـاست دانشـکده علوم اجتمـاعی دانشـگاه کرمانشاه را بر عهـده دارد. وی هیچوقت از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نمانـده و برخی از آثار آن را با عنوان" توسعه سیاسی و جامعه مدنی "و" سازمان همکاری شانگهای "می توان نام برد.

اخوی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم اخوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

اخوی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اخوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

اخویان، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اخویان

محل تولد : کوهدشت لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

ادهم خلخالی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به عزلتی. وی از واعظان معروف زمان خود بود که «باب حادی عشر» علامه حلّی را به نام «لوازم الدین» به شعر فارسی در وزن «لیلی و مجنون» نظامی ترجمه و تفسیر کرده است. دیگر آثار وی: «دیوان عزلتی»؛ «مشرق التوحید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۴ -۲۷۳)، الذریعه (۱۸/ ۳۵۷، ۷۱۷ /۹)،لغت‌نامه (ذیل/ ادهم).

ادهم نژاد، بهمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهمن ادهم نژاد اطاق وری

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۴/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب بهمن ادهم نژاد لنگرودی مشهور به محمد تقی در تاریخ ۳۰/ ۴۴/ ۱۳۴۴شمسی در روستای کردسراکوه از توابع بخش "اتاق ور "شهرستان لنگرود در خانواده متدین و کشاورز متولد شدم. تحصیلات را تا سیکل در همان منطقه ادامه داده و آن گاه بخاطر مشکلات مالی به کمک خانواده شتافتم.

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه لاهیجان شدم و تا سال ۱۳۶۶ شمسی موفق به تکمیل مقدمات و مقداری از سطح شدم و آن گاه در سال ۱۳۶۶ شمسی به تهران آمدم و در مدرسه علمیه قائم چیذر به مدت ۳ سال به ادامه تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۶۹ شمسی تاکنون در حوزه علمیه مبارکه قم مشغول بوده و از محضر اساتید بزرگواری همانند حضرات آیات عظام آقایان: سید محمد علی مرتضوی لنگرودی، فاضل هرندی، محامی خراسانی، مجتهدی خراسانی، مرحوم پایانی، محفوظی، استادی، ذوالقدری، زنجانی، سید احمد خاتمی، علوی گرگانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم وجدانی فخر و... بهره مند بوده و هستم که خداوند سایه همه اساتید بزرگوارمان را بر سر ما مستدام بدارد و عزیزان از دست رفته مان را غریق دریای رحمت خویش فرماید.

از بدو ورود به حوزه علمیه از آنجایی که علاقه و ذوق نویسندگی را در خود احساس کردم مدتی را در مجله «نور علم» نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجله «پیام حوزه» اشتغال داشتم و کار نویسندگی را از روزنامه جمهوری اسلامی و مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی آغاز کردم که تاکنون دهها جلد تألیف مستقل دارم که ۴ جلد آن به زیور طبع آراسته شده است و بیش از ۲۰۰ مقاله داشته ام که بیش از نیمی از آنان چاپ شده است و برخی از آنان به مرور به چاپ خواهد رسید. اغلب و بلکه تمام مقالات و تألیفاتم در رشته رجال و تراجم شیعه بوده است و بیشترین مطالعات روزانه حقیر را همین موضوع تشکیل می دهد و البته از مطالعات فقه و تاریخ و اخلاق بی بهره نیستم.

ادیب آل علی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ادیب آل علی

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد ادیب آل علی در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی در شهرستان شوشتر متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات دیپلم در سال ۱۳۶۴ راهی قم شد.

در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را گذراند و در سال ۱۳۶۹ درس خارج را با بهره گیری از محاضرات عملی آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی دامت برکاتهما آغاز نمود که همچنان ادامه دارد.

نیاز به پاسخگویی معقول و متداول به پرسش های نسل جوان و به ویژه دانشجویان او را به تحصیل در رشته های تخصصی کلام کشاند و طی ۵ سال از مباحثات علمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام والمسلمین ربانی گلپایگانی و فیاضی و هادوی و دیگر اساتید استفاده نمود. رساله علمی سطح چهار وی تحت عنوان (زبان قرآن) با راهنمایی استاد حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی فعالی و مشاوره حجهٔالاسلام و المسلمین محسن غرویان، در آستانه دفاع می باشد.

علاقه وی به مطالعه در ادیان و کتب آسمانی باعث شد که در این زمینه مطالعات و پژوهش هایی داشته باشد که حاصل آن، کتابی است با عنوان (پرسش ها و پاسخ هایی درباره مسیحیت)، انتشار یافته توسط شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۵، و مقاله ای با عنوان (مقایسه دکترین منجی گرایی اسلام و مسیحیت)، منتشر شده در کتاب مقالات برگزیده دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت می باشد. نامبرده مقالات دیگری در زمینه زبان شناسی قرآن و مسحیت صهیونیستی دارد که هنوز منتشر نشده اند.

وی دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را که گذرانده در حال تکمیل آن است.

در حال حاضر به تدریس (آشنایی با متون مقدس) و (رهبران الهی در ادیان توحیدی) در مرکز تخصصی مهدویت و ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران و چند پروژه پژوهشی اشتغال دارد.

ادیب بهروز، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۹

اربابی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اربابی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله محمدتقی اربابی در خانواده ای مذهبی در روستای درغ جاجر از توابع بجنورد متولد شد. ایشان مقدمات علوم دینی را در حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۴۷ شروع کرد و مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت کرد. سطح عالی فقه و اصول را در قم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، شیخ مرتضی حائری، شیخ کاظم تبریزی و مرحوم شیخ جواد تبریزی فرا گرفت.

ایشان علاوه بر فقه و اصول به فعالیت های علمی در زمینه تفسیر و علوم قرآن، فلسفه، تاریخ و سیره نهج‌البلاغه، ادیان و مذاهب، اقتصاد و حقوق پرداخت تا هر چه بیشتر بر غنای علمی خویش بیفزاید. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت رسیدگی به مشکلات قضایی مردم به امر قضاوت در دادگاههای استان خراسان پرداخت و هنوز هم جهت خدمت به مردم این مسئولیت سنگین را بر دوش می‌کشد.

ارجی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ارجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱۲

زندگینامه علمی

علی اکبر ارجی فرزند غلامرضا در ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در یک روستای دور افتاده خراسان رضوی از توابع نیشابور و در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشوده‌ام. در پنج سالگی با نماز و قرائت قرآن آشنا شده، بخشی از دوره دبستان را در روستا و بخش دیگر آن و دوره راهنمایی و دبیرستان را در مشهد مقدس گذرانده‌ام.

از سال ۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۴ نخست به مدت یک سال وارد حوزه علمیه قوچان و سپس وارد حوزه علمیه مشهد شده و ادبیات عرب، منطق و مقداری از اصول و فقه را در نزد اساتید آن حوزه مانند آقای حجت هاشمی خراسانی، آقای صالحی نیشابوری، آقای عباسی واعظ طبسی فراگرفته‌ام. سپس در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم هجرت کرده و در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی خود ادامه دادم.

دروس سطوح عالی را در نزد اساتیدی همچون آقای اشتهاردی، اعتمادی، مرحوم ستوده، محقق داماد و مرحوم فاضل لنکرانی به اتمام رسانیدم. همراه با درس‌های فقه و اصول به سراغ علوم عقلی و تفسیر قرآن رفته علم کلام، فلسفه و بخشی از عرفان نظری و بخشی از علم هیئت را در نزد اساتید بزرگ همچون آیات عظام انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی مشغول شدم و تفسیر قرآن را در نزد مرحوم آیت الله مشکینی شروع و در خدمت آیت الله جوادی ادامه دادم.

از سال ۱۳۶۲ در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم و یک دوره کامل خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی فراگرفتم و نزد اساتیدی بزرگ همچون مرحوم آیت الله جواد تبریزی خارج فقه، آیت الله وحید خراسانی خارج فقه و

بخشی از اصول فقه، آیت الله یوسف صانعی بخشی از خارج اصول، آیت الله نوری همدانی بخشی از خارج فقه، آیت الله مکارم شیرازی بخشی از خارج فقه و از آیت الله جوادی بخشی از خارج فقه را فراگرفتم. البته به طور مقطعی از محضر آیت الله گلپایگانی و نجفی مرعشی و بعضی مراجع عظام دیگر نیز استفاده کرده‌ام.

از همان سال‌های ۵۴ ـ ۵۵ تبلیغ را در مشهد مقدس از تعلیم قرآن شروع کرده و سپس در ماههای محرم، صفر و رمضان برای تبلیغ دین و بیان احکام و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به شهرهای مختلف و در دوران جنگ تحمیلی به جبهه‌های دفاع مقدس، مسافرت کردم. و چیزی که در این دوره برای من جالب توجه و شیرین است، این است که معمولاً سوژه‌ها و نکته‌ها و پیام‌های تبلیغی را، از نوشته‌های مرحوم آیت الله مطهری و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) و از بیانات مرحوم شهید هاشمی‌نژاد، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دریافت کرده و در ابلاغ آن به مردم جدی و کوشا بوده‌ام.

تدریس را به طور رسمی از سال ۱۳۵۹ شروع و دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم در رشته‌های مختلف مانند: ادبیات عرب، منطق، اصول، فقه، کلام، فلسفه و تفسیر قرآن تدریس کرده‌ام و کماکان پاره‌ای از دروس حوزوی را در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن تدریس می کنم.

این بنده همواره امر تحصیل، تبلیغ، تدریس، تألیف، تدوین و تحقیق را دنبال کرده‌ام. و پیوسته اشتغال داشته و دارد و بنابر علاقه درونی تألیفاتی در زمینه‌های مختلف، منطق، کلام، اصول و علوم قرآنی را شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. از سال ۷۰ ـ ۷۱ در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در زمینه‌های مختلف، تفسیر قرآن و علوم قرآنی در کنار محققین گرانمایه دیگر، به امر تحقیق اشتغال داشته و این امر تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است و تاکنون تا بخش‌های مختلفی، همچون تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) نمایه‌سازی کتاب‌های علوم قرآنی، تدوین اصطلاح نامه معارف قرآن، فرهنگ موضوعی قرآن (کلید قرآن) و دایرهٔ المعارف موضوعات و مفاهیم قرآن، همکاری داشته‌ام.

در سال ۱۳۷۶ به رادیو معارف اسلامی پخش سراسری، دعوت شدم و در برنامه‌ای با عنوان «عارفانه» درباره نماز و اهمیت و آثار، آداب و اسرار آن به مدت (۱۰ ـ ۱۵ دقیقه) نزدیک به صد جلسه برنامه سخنرانی داشتم. در سال ۱۳۷۷ از سوی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز چهارمحال بختیاری شهرکرد دعوت به همکاری شده و در آنجا چهل و پنج جلسه سخنرانی‌های کوتاه با عنوان کلی «آداب» داشته‌ام که هر هفته تنها یک جلسه از آن از رادیو پخش می‌شد. برخی از زیر مجموعه عنوان مذکور عبارتند از: آداب عبادت، آداب نماز، آداب روزه، آداب تلاوت قرآن، آداب استماع قرآن، آداب سخن گفتن، آداب سلام و پاسخ آن، آداب دعا، آداب مساجد، آداب پرسش، آداب ازدواج، آداب اطعام، آداب قرض دادن، آداب برخورد با سختی‌ها، آداب تجارت و ده‌ها عنوان دیگر .

برای بار سوم از طرف رادیو معارف مرکز قم، در سال ۱۳۸۲ دعوت به همکاری شدم این بار سخنرانی‌های این بنده در برنامه‌های «مشکات هدایت» و «بر آستانه ارادت» ضبط و پخش می‌شد. مباحث مطرح شده، مناسبت‌های ایام و مباحث دعا و ذکر و نماز بوده، این برنامه‌ها بیش از یک سال ادامه داشت.

اردبیلی، اسمعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقاسید اسمعیل از فضلاء باتقوای حوزه آیت‌الله حجت دارای مقام قدس و تقوی و معنویت بودند که از اردبیل مهاجرت به قم نموده و در دروس مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر حوزه چون آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت الله شریعتمداری استفاده و تا آخر عمر به صفا و سادگی زندگی و در اطراف تهران ترویجات دینی نموده تا در دو سال قبل که دار فانی را وداع و در مقبره ابوحسین مدفون شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اردکانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اردکانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدیّن در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریاانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السیّد الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، این جانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تا کنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تا کنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

اردکانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مرتضی بن العلامه میرزا محمد مجتهدبن العالم العابد الحاج علی‌رضا و سبط العلامه الکبری الحاج الشیخ محمدرضا المجتهد الاردکانی از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان میباشند. در روز دوشنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری در اردکان متولد شده و در سن ۱۵ سالگی مهاجرت باصفهان نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد مدرسین بزرگ دروس تحلیلی خارج فقه و اصول را از آیات عظام مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی اصفهانی استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفه را از مرحوم شیخ المتألّهین آشیخ محمد خراسانی فرا گرفته و از همان اوان بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است.

دارای تألیفات ارزنده علمی میباشد که ذیلا مینگارم:

۱- غنیه‌الطالب تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره در پنج مجلد که دو جلد آن در قم بطبع رسیده و سه مجلد آماده طبع میباشد. ۲- رساله فی‌الکر ۳- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی ۴- شرح خلاصه الاصول مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ره ۵- رساله فی الجماعه ۶- رساله قول فصل در ردسی فصل میرزا محمد کریم خان کرمانی فارسی. ۷- داور داوری یا کسر کسروی در رد کسروی ۸- حاشیه بر عروه‌الوثقی علامه یزدی.

معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ چون: ۱- آیت‌الله العظمی اصفهانی ۲- آیه‌الله الکبری آقا ضیاءالدین عراقی ۳- مرحوم آیه‌الله السید محمد نجف‌آبادی ۴- آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ارزانی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله ارزانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حبیب الله ارزانی به سال ۱۳۵۰ در تهران دیده به جهان گشودم. خانواده ما، خانواده‌ای خداترس و پرهیزگار بودند و از آرزوهای دیرین آنها وجود یک روحانی در میان آنان بود، چرا که جدّ بزرگ ما مرحوم شیخ رضا (ره) از روحانیون پارسا در زمان حضرت آیت الله بروجردی در شهر بروجرد بودند.

با رسیدن به سن تحصیل، تحصیل در مدرسه ابتدایی معرفت در میدان شهدای تهران را آغاز کردم. پس از اتمام دوران ابتدایی، دوره راهنمایی را در مدرسه مرحوم علامه طباطبایی (ره) در خیابان ۱۷ شهریور تهران ادامه داده و سپس برای شروع دوره متوسطه

به دبیرستان سپاه مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در خیابان طالقانی رفته و سپس به دبیرستان موسوی خیابان ۱۷ شهریور تهران منتقل شده و دوره متوسطه را در آنجا به پایان رساندم.

از سال اول دبیرستان سال ۶۴ همزمان با دروس دبیرستان کتاب‌های عربی آسان و صرف و نحو حوزوی را نیز آغاز کردم. پس از پایان سال ۱۳۶۷ ـ ۱۳۶۸ با اخذ مدرک دیپلم تجربی و با وجود قبولی در دانشگاه، وارد حوزه علمیه مکتب القائم در خیابان زیبای تهران شده و دروس حوزوی را با عشق و علاقه سرشار به صورت تمام وقت آغاز کردم. کلاس‌های ما از آغازین ساعات روز آغاز می‌شد و تا آخرین ساعات شب، مباحثه و مطالعاتم ادامه داشت.

در سال ۷۱ به علت رحلت خانواده به شهر اصفهان و به جهت علاقه شخصی، به اصفهان سفر کردم و در درس آقایان آیات عظام: حاج احمد فقیه امامی، حاج حسن فقیه امامی، و سپس در درس خارج آیت الله مظاهری به طور مستمر شرکت داشتم. پس از اتمام دوران سطح و قبولی در امتحانات تا پایه دهم و پس از چند سال حضور در درس خارج برای اخذ مدرک سطح ۳ حوزوی اقدام کرده و پس از نوشتن پایان‌نامه به عنوان" بررسی شیوه‌های تبلیغی، مسلمانان و مسیحیان در جنوب آفریقا "در سال ۱۳۸۴ موفق به اخذ مدرک سطح ۳ از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شدم. پس از ارایه ۸ مصاحبه فقه و اصول در درس خارج و ثبت نام برای سطح ۴، در پایان سال ۸۵ گزینش شده و طرح تفصیلی و اساتید راهنما و مشاور نیز مورد تایید قرار گرفتند.

در حال حاضر نوشتن پایان‌نامه در موضوع " نقد و بررسی نظریه کفاره در مسیحیت "پایان یافته و منتظر دفاع می باشم. در سال ۲۰۰۳ میلادی با ترجمه مدرک سطح ۳ حوزوی در ارایه آن به دانشگاه نامیبیا، در جنوب آفریقا و همجوار کشور آفریقای جنوبی، پس از گذراندن برخی واحدهای پیش نیاز به عنوان دانشجوی دکترا در رشته الهیات تطبیقی پذیرفته شدم. سال گذشته پایان‌نامه را با موضوع «زن در ادیان، مطالعه تطبیقی میان جایگاه زن در نامه‌های پولس رسول و قرآن» به پایان رساندم و پس از بررسی اساتید داخلی آقای پروفسور اسحاق و آقای پروفسور هانتر اصلاحاتی را انجام داده و مورد تایید اساتید داخلی قرار گرفت. در حال حاضر طبق آیین نامه دانشگاه یک استاد خارجی نیز باید پایان‌نامه را مورد بررسی قرار دهد و پس از تصویب و تایید او، دکترای الهیات تطبیقی را از نامیبیا خواهم گرفت انشاء الله.

در میان سفرهای خارجی خویش که از سال ۹۸ میلادی حدود ۱۱ سال قبل آغاز کردم به مطالعات بین ادیانی علاقه پیدا کردم و به دنبال مکانی برای تحقیق و پژوهش در این حوزه بودم که پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم جهت تأسیس گروه ادیان در دفتر اصفهان مبادرت به گزینش هیات علمی نمود و من نیز به عنوان مدیر گروه ادیان و عضو هیات علمی از ابتدای سال ۸۶ مشغول به فعالیت شدم. در حال حاضر نیز در همین حوزه و به طور ویژه در حوزه مسیحیت اشتغال به فعالیت‌های پژوهشی دارم. مقالات و کتبی را نیز در این حوزه و در دیگر حوزه‌های مورد علاقه به رشته تحریر درآورده‌ام که فهرست آنها در قسمت مربوطه ضمیمه گردید.

در کنار فعالیت‌های پژوهشی به جهت علاقه به تدریس و تبلیغ از دیرباز تاکنون همواره در محافل حوزوی و دانشجویی اشتغال به تبلیغ و تدریس داشته و دارم. اگر چه غالباً به زبان فارسی سخنرانی می‌کنم ولی در ایران بر اساس نیاز مراکز علمی و در خارج از کشور غالباً به زبان انگلیسی سخنرانی می‌نمایم.

ارسطا، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد ارسطا

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جواد ارسطا سال ۱۳۴۴در کرمانشاه به دنیا آمدم تا پایان دیپلم در کرمانشاه بودم. سال ۱۳۶۲دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. معمولاً ـ هم در سالهای راهنمایی و دبیرستان نفر اول و یا بعضاً نفر دوم کلاس بودم و الحمدلله معدل دیپلم من هم معدل خوبی بود.

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات را در آنجا خواندم، قسمتی از مطول را هم در آنجا خواندم، دنباله مطول را در قم خواندم تا سال ۱۳۶۸ فقه و اصول و کفایه را تمام کردم و همزمان با اتمام کفایه در درس خارج آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت کردم. در دروس خارج سعی کردم از محضر اساتیدی همچون آیهٔ الله فاضل، آیهٔ الله وحید، آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله هاشمی شاهرودی و آیهٔ الله حائری (حفظهم الله) استفاده کنم ولی بیشترین استفاده را از درس آیهٔ الله مکارم شیرازی داشتم.

در سال ۱۳۶۵ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه شدم در رشته حقوق مجتمع آموزش عالی قم در سال ۱۳۶۹ لیسانس گرفتم، بعد بلافاصله در رشته حقوق عمومی دانشگاه تهران برای فوق لیسانس قبول شدم و سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم. چند سالی بین فوق لیسانس و دکترای ما فاصله افتاد. سال ۱۳۷۷ مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی قبول شدم و سال ۱۳۸۳ از پایان نامه خود در همین مقطع دفاع کردم و الحمدلله در طی دروس دانشگاهی هم نفر اول یا دوم بودم.

در کنار فعالیتهای حوزوی و دانشگاهی سعی داشته ام که تدریس هم داشته باشم چه در حوزه و چه در دانشگاه، در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی درسهای فقه و اصول و بعضاً فلسفه را دارم و در دانشگاه هم از سال ۱۳۷۱ درسهای حقوقی و علوم سیاسی را مشغول هستم.

ارشاد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی ارشاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال ۱۳۴۴ در گرگان متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.

تا سال ۱۳۷۰ در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال ۱۳۶۸ تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.

در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می کردم. در مهرماه سال ۷۰ به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در مهر سال ۱۳۷۲ دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می کنم.

در مهر سال ۱۳۷۲ دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال ۱۳۷۶ به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.

پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرهٔ المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ارشادی نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره

ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۷ به حلقه دروس خارج راه یافت.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" نقد و بررسی نظریه تفکیک "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.

لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های" کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک "و" از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک "و... از جمله آثار ایشان است.

اژدری زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اژدری زاده

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حدود سال ۶۱ و در حالیکه تازه به سوم راهنمایی رفته بودم وارد حوزه شوشتر شدم. مقدمات را در همان مدرسه آغاز کردم. پس از یکی دو سال به حوزه مسجد سلیمان که تازه تاسیس شده بود و اساتید خود را از قم می آوردند، منتقل شدم. حدود دو سال در آنجا بودم و تا مغنی را در همان جا خواندم.

تابستان سال ۶۳ به توصیه یکی از اساتید قمشه ای به همراه یکی از دوستان به قمشه (شهرضا) رفتم. حدود چهار ماهی در آنجا بودیم و معالم و معانی بیان و ... را در آنجا گذراندیم. همان سال به همراه تعدادی دیگر از طلبه های مسجد سلیمان به قم رفتیم. لمعه و اصول را در قم و با شرکت در درسهای آیت الله استادی (لمعه) و حاج آقای خاتمی (اصول) و نیز اساتیدی مانند وجدانی فخر (ره)، محمدی، محامی، اشتهاردی، کوثری و... خواندیم.

پس از خواندن لمعه و اصول، درس های موسسه در راه حق را نیز در سال ۶۶- ۶۷ آغاز کردیم. در همان سالها بود که رسائل و مکاسب را آغاز کردم. این دو کتاب را نزد اساتید معظمی چون: استادی، پایانی، محمدی، اعتمادی، شهیدی و ... گذراندم.

گذراندن رسائل و مکاسب همزمان بود با گذراندن درس های موسسه در راه حق. این درس ها را حدود سال ۱۳۷۱تمام کردم. در اتمام دوره موسسه امام خمینی (ره) به عنوان شاگرد دوم دوره معرفی شده و جایزه ای به همین مناسبت از دست آیت الله جوادی در مراسمی که در موسسه برگزار شده بود دریافت کردم. در حالیکه در پذیرش دوره تخصصی (روانشناسی) موسسه قبول شده بودم در دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری شرکت جسته و پذیرفته شدم.

(حدود سال ۷۱) دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری را نیز با موفقیت و با معدل بالای ۱۷ (همچون دوره قبل) در حدود

سال ۷۶ به اتمام رساندم. در این دوره نیز شاگرد دوم دوره شناخته شدم. از حدود سال ۷۴ کم کم کارهای پژوهشی را نیز در دفتر همکاری که تبدیل به موسسه و سپس پژوهشکده و همچنین پژوهشگاه شد، آغاز کردم و تا هم اکنون یعنی حدود ۱۰ سال است که همکار پژوهشی این مرکز هستم.

حاصل کارهای پژوهشی ام آثاری است که در صفحات آینده متذکر خواهم شد. از جمله دوره های خاص دیگر که در دفتر همکاری گذراندیم می توان به موارد زیر اشاره کرد: یک دوره فشرده تاریخ فلسفه غرب، کلاس ترجمه و زبان تخصصی توسط استاد ملکیان، کارگاه آموزشی روش تحقیق توسط استاد قراملکی.

از حدود سال ۷۰ نیز در درس های خارج فقه و اصول زیر شرکت جسته ام: آیت الله سبحانی (اصول) یک سال، آیت الله فاضل (فقه) یک سال، آیت الله تبریزی (فقه) چهار سال، آیت الله وحید (اصول) سه سال، آیت الله جوادی (فقه) یک سال، آیت الله سید جعفر کریمی (فقه) یک سال.

استاد زاده، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسن بن السید الاعلام... از علماء بزرگوار معاصر بابل است در آن شهرستان متولد شده و پس از تربیت در حجر سیادت و علم و فرا گرفتن مقدمات و سطوح بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و آیه‌الله خونساری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت ببابل و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

استادی مقدم، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.

آیـةالله اسـتادی در سن هفت سالگی به دبسـتان رفت و در دوازده سالگی تحصـیلات دوره ابتـدایی را به پایان رسانـد. پس از آن تا شـانزده سـالگی به کـار و کسب مشغول بود. در شـانزده سـالگی به وسـاطت دو نفر از مؤمنان، به مسـجد امین الـدوله بازار تهران و مـدرسه علمیه مروی رفت و تحصـیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سـپس به حوزه علمیه قم شـرفیاب شد و در دروس دوره سطح شـرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضـر اسـتادان برجسـته روزگـار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشـرف شـده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چنـد ماه به طول انجامیـد که در طی این چنـد ماه در درس خارج برخی از اسـتادان آن دیار نیز حاضر شد.

آیـةالله اسـتادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شـکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیـةالله رضا اسـتادی در سالهای تحصـیل خود، محضـر اسـتادان بسـیاری را درک کرد. او در حـدود چهار سال در تهران، از محضـر آقایـان حـاج شـیخ عبـدالکریم حق شـناس امام جماعت مسـجد امین الـدوله، حاج شـیخ احمـد مجتهـدی امام جماعت مسـجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چنـد سالی که دروس دوره سـطح را می‌خواند به درس آیةالله سـتوده، آیةالله میرزا حسـین نوری، آیةالله خزعلی، آیةالله محمدی شاه‌آبادی، آیةالله جعفر سـبحانی، آیةالله منتظری، آیةالله مکارم شیرازی، آیةالله سلطانی بروجردی، آیةالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضـمن در درس اخلاـق و توسل مرحوم آیـةالله حاج شـیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسـین فاطمی شـرکت کرد. با پایان یافتن دوره سـطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سـید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمـدرضا گلپایگـانی، مرحوم سـید کـاظم شـریعتمداری، مرحوم حاج شـیخ محمـد علی اراکی و آیـةالله حاج سـید موسـی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیةاللهالعظمی خویی (ره) و شـهید سـید محمـد باقر صدر (ره) شـرکت جست. او در سالهای تحصـیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضـلا و بیش از همه با آیةالله سـید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشـان از بـاب تیمّن و تبرک از مرحوم آیـةالله سـید مصـطفی صـفایی خوانسـاری و مرحوم آیـةالله شـیخ محمـد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیةالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقـای اسـتادی تـا به امروز فعالیتهـای فرهنگی بسـیاری را به عالم اسـلام تقـدیم داشـته است. او در طول سالهای متمادی به تـدریس کتابهای شـرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقایـد و تفسـیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسـیاری را پرورانده است.

از آغازین سالهای تحصـیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشـهای علمی، مانند کنگره شـیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سـید شـرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسـلامی به ایراد سـخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شـیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیةالله اسـتادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سـرپرست کتابخانه مسـجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی

حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیةالله خرازی، در هیأت مدیرهٔ مؤسسهٔ در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیةالله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلّات به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیةالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.

آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و همواره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استادی مقدم، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۵

استادی مقدم، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۵ بعد از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی وارد دروس حوزوی (مدرسه رسالت) شدم. از سال ۵۵ تا ۷۵ جسته و گریخته درس خوانده و خارج را به پایان رسانده و در نظام حوزه تمامی پایه‌ها را امتحان داده و قبول شدم.

در ضمن سالیانی که در مناسب مختلف اجتماعی و نظامی اشتغال داشته موفق به ادامه دروس جدید شدم. پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه آزاد قبول و تا لیسانس الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق) تحصیل نمودم. در سال ۶۹ تا ۷۳ در مؤسسه در راه حق مشغول بوده که با تألیف و تحقیق آشنا شدم و کار نشر را شروع نمودم.

در سال ۷۴ تا ۷۸ در دانشگاه امام حسین (ع) مشغول تدریس و تحقیق بودم. در این دوره سردبیر مجله دانش نظامی و موفق به چاپ ۴ فصل شدم. در سال ۷۸ از مناسب اجتماعی و نظامی و دانشگاهی فارغ التحصیل شده و شروع به تحقیق نمودم که در این سالها موفق به تدوین و تنظیم و ویراستاری و چاپ و نشر حدود ۴۰ کتاب و جزوه برای وزارت کار شدم.

در این مدت پروژه‌ای از سازمان تبلیغات گرفته که عنوان پروژه آسیب‌شناسی فرهنگ امام حسین (ع) بود. دارای ۶ فصل: ۱- تاریخ عزاداری ۲- عزاداری (مبانی فقهی) ۳- فتاوی علماء ۴- واژه شناسی ۵- روایات ۶- عزاداری نمونه، که حدوداً هزار صفحه در ۴ عنوان اولیه و حدوداً صد صفحه در عنوان پنجم آماده نمودند که برای کارشناسان سازمان تبلیغات کاربری داشته و چاپ شده است.

در سالهای جدید هم تحقیقاتی داشته ام که هنوز فیش برداری آنها در دست اقدام است و در آینده آماده چاپ خواهد شد.

در ضمن کار نشر هم شاید بالغ بر صد کتاب که آماده چاپ نموده‌ام ویراستاری و در بسیاری اضافات و تدوین کتابها را انجام داده‌ام ولی به اسم خود مؤلفین چاپ شده است.

استرآبادی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین استرآبادی بن آیت‌اللّه حاج آقا ضیاءالدین از فضلاء دانشمندان معاصر شمیران تهران است.

وی در حدود ۱۳۵۰ قمری در تهران متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در تهران خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از آن مهاجرت به نجف و در مدرسه آیت‌اللّه بروجردی نجف اقامت و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از دروس و ابحاث آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد بواسطه کسالت مزاج به تهران مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف مشغول و اکنون در تجریش شمیران به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست حسینیه استرآبادی که در اوائل خیابان پهلوی تجریش قرار دارد و در آن برنامه‌های دینی اجراء می‌گردد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌اللَّه حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رسالة العقائد الامامیة»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوة»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی».[۱]

سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس میباشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبداللَّه الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان میباشد.

مترجم عزیز ما در حدود سال ۱۳۲۳ ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌اللَّه حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه موسس حاج شیخ عبدالکریم حایری- ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حایری و اصفهانی و خونساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حایری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال ۱۳۶۵ ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:

۱- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. ۲- رساله العقائد الامامیه. ۳- رساله‌ای در خمس. ۴- رساله‌ای در زکوه. ۵- رساله‌ای در صلوه اللیل. ۶- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. ۷- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. ۸- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. ۹- حواشی بر عروه الوثقی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۴- ۳۷۳ /۴).

اسدی نسب، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسدی نسب

محل تولد : بروجرد

شهرت : اسدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دبیرستان) را به صورت شبانه خواندم. در سال ۵۶ وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال ۶۷ دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.

از سال ۷۰ تا ۷۳ (به مدت چهار سال) در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت نمودم و از اساتیدی چون آیهٔ الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنده دار و دیگران بهره مند شدم و رساله سطح چهار را با موضوع قرآن و سکولاریسم با راهنمایی آیهٔ الله غروی و مشاوره حجهٔ الاسلام غرویان انجام دادم و دفاع کردم.

از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:

الف: فلسفه، تدریس بدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سیوطی و جامع المقدمات ج: تفسیر، تدریس المیزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه.

در زمینه تحقیقاتی:

الف: نوشتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود ۶۵۰ صفحه ب: مناهج التفسیر از دیدگاه شیعه و سنی به میزان ۵۵۰ صفحه ج: قرآن و سکولاریسم برای دانشجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشغول آن هستم. ه: نوشتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر " المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید " به میزان ۶۰۰صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال ۱۳۹۰ به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی در سال ۱۳۴۸در یکی از روستاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرستان را در زنجان گذراندم. سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شده و سطح یک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رساندم. در سال ۱۳۷۱ وارد

حوزه علمیه قم شدم.

همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان" مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری "دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال ۱۳۸۲ از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه شد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.

از سال ۱۳۷۹ در زمینه تالیف و ارزیابی با دایرهٔ المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از ۲۰ مقاله برای دایرهٔ المعارف مزبور نوشته ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون مدیر گروه ادیان دایرهٔ المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایرهٔ المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم .

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی نام پدر عزیز متولد سال ۱۳۲۳ از سال ۳۹ و ۴۰ وارد حوزه علمیه قزوین شده و مقدمات را در قزوین خدمت اساتیدی همچون حجهٔالاسلام والمسلمین مرحوم رفیعی قزوینی و آقای صامت تلمذ نموده و در سال ۴۵ و ۴۶ به حوزه علمیه نجف مشرف شدم و در محضر اساتیدی همچون حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ هادی معرفت حفظه الله و آقا میرزا جواد تبریزی و همچنین شیخ صدرا باد کوبه رحمهٔ الله علیه و به مدت یکی دو سال در درس آیت الله خوئی رحمهٔ الله علیه شرکت نموده و در سال ۵۳ به ایران آمده و درحوزه علمیه قم، درس خارج آقای تبریزی و وحید حفظهما الله شرکت نمودم.

در اوائل جنگ تحمیلی از طرف نمایندگی ولی فقیه در جنوب و غرب در سپاه در جبهات جنگ انجام وظیفه نمودم و از سال ۶۷ تاکنون در دفتر تبلیغات اسلامی در واحد احیاء تراث اسلامی با آقایانی همچون فاضل محترم شیخ محمد باقری اصفهانی نجفی و فاضل محترم رضا مختاری همکاری می نمایم.

اسدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن اسدی ملامحله

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ درس مقدمات حوزوی را از تهران مدرسه امام القائم (علم الهدی) شروع و بعد از اتمام شرح لمعه و اصول مظفر در سال ۱۳۶۸ به قم آمده و از محضر آقایان شب زنده دار، شیخ علی پناه، ستوده، محفوظی، استادی، امین شیرازی استفاده کرده ام و دروس خارج فقه و اصول را از آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی بهره مند هستم.

از سال ۱۳۷۰در موسسه (در راه حق) اشتغالات فرهنگی را کنار درس داشته ام و روش تحقیق و تفحص را از آقایان آیت الله نورانی، امین زاده، ادیانی، توفیقی، مسعودی، عبداللهی کمک گرفته و مشغول به کارهای تحقیقاتی در کتابخانه (موسسه در راه حق) که مسئولیتش بر عهده حقیر است، پیش برده ام و الحمد الله چند جلد چاپ و بقیه را در توان حقیر نبوده و آماده چاپ هستند که بعدا نام می برم.

دروس کلاسیک را تا پنجم ابتدایی در روستای محل تولد (ملا محله) از توابع دیلمان لاهیجان و دروس راهنمایی را در شهرستان رودسر و دروس دبیرستان را در قزوین فرا گرفتم و بعد از ترک تحصیل دروس کلاسیک به دروس حوزوی روی آوردم آن هم همانگونه که قبلا گفتم از تهران شروع کردم و الان هم قریب ۲۰ سال را سپری نموده ام.

اسدی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم اسدی

محل تولد : بصره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

نشات احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیه خاصه التی فیها ذکر مولانا الحجه بن الحسن المهدی (علیه الصلاه و السلام) و حفظت المزید من القصائد الشعریه و الفت العرید من القصائد الشعریه و کذلک فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البیت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدایه و تمنیت ذلک کثیرا ان اکون طالبا طیله حیاتی و قد رزقنی الله ذلک بعد عناء کبیر. و کنت اعشق المنبر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقنی الله عز وجل ذلک بعد جهد جهید.- درست الابتدائیه و

المتوسطه والثانویه فی محافظه البصره بتفوق وکنت اعظی من الامتحانات النهائیه بسبب التفوق. - درست معهد الکترونیک و تخرجت من الاوائل. - تم ایفاوی الی ایطالیا – روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیک و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. - درست اللغه الایطالیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الایطالیه لمده سنتین فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده سنتین فی البصره. - بدات بدراسه الحوزه المبارکه فی سنه ۱۹۸۵ م فی عهد السید الخوئی (رض) و لکن بصوره سریه. - ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و کنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیه و غیرها. - درست فی معهد الامامین الحسنین (ع) للخطابه لمده (۴ سنوات). - درست فی حوزه دائره العلوم الاسلامیه المقدمات و السطوح. - درست فی جامعه آل البیت العالمیه لاکمال الماجستیر(کارشناسی ارشد) لمده ثلاث سنوات. - درست البحث الخارج فقها و اصولا ـ فی مدرسه الحجتیه. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی منتدی جبل عامل(حوزه لبنانیها). - درست الفلسفه و الاصول و العرفان النظری علی ید آیت الله السیدکمال الحیدری(حفظه الله). - درست الاصول (بحث خارج) علی ید السید علی رضا الحائری. - درست الفقه و الاصول (بحث خارج) علی ید آیت الله الشیخ فاضل المالکی من ۱۳۸۴-۱۳۸۲ . - توجهت للکتابه و التالیف و خاصه فی مجال الادیان و القصائد و لی بحوث و کتب و مقالات فی القرآن الکریم و العهدین (الکتاب المقدس) و السیره و التاریخ و القصائد و عقائد الادیان السماویه. - تم طبع ثلاث کتب لحد الان و لکن طبع محدود علی حسابی الخاص. - لی عشره کتب جاهزه للطبع مبتکره. - تم تکلیفی شخصیا بکتابه کتب خاصه فی مواضیع خاصه و مهمه و تلائم روح العصر و ذلک من قبل بعض العلماء و الاساتیذه الکبار فی قم المقدسه و لازالت هذه الکتب تحت الید اسال الله عز و جل التوفیق بانجازها. و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین.

اسعدی، محمد حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن اسعدی

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن اسعدی در سال ۱۳۵۱ در شهرستان کاشمر دروس مقدماتی خود را شروع کردم. دوره ادبیات و مقدمات را که شامل (نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح قطر، مغنی، مختصر، حاشیه ملاعبدالله، سیوطی و معالم الاصول) می باشد، در محضر اساتید آن دیار کامل نمودم و در کنار اینها گلستان سعدی، کلیله و دمنه و همچنین عروهٔ الوثقی را نیز خواندم و نوشتم. در ضمن تحصیل تدریس نصاب الصبیان و مقدمات و شرح قطر و گلستان سعدی را نیز داشتم.

در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران انقلاب و مبارزه بود درسها به کندی پیش می رفت. لمعتین را در محضر آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران خواندم، اصول فقه را خدمت مرحوم آقای عرفانیان بودم.

بعد از انقلاب نیز تا مدتی درسها به کندی پیش می رفت، زیرا در خدمات انقلاب خود را سهیم می دانستم. مدتی که از وجود طلاب برای حراست بیت امام خمینی (ره) استفاده می شد شرکت داشتم. مکاسب را خدمت آقای ستوده و رسائل را خدمت آقای اعتمادی به پایان بردم. در ضمن در کلاسهای معارف دفتر تبلیغات و موسسه در راه حق شرکت می کردم. مسافرت های خدماتی نیز داشته ام و نیز مسافرت های تبلیغاتی نیز به شهرهای مختلف داشته ام.

کفایتین را خدمت آیت الله ستوده خواندم. در سال ۱۳۶۳ برای تدریس به شهرستان ایذه رفتم. در سال ۱۳۶۵ خارج فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۳ در محضر ایشان بودم. در سال ۱۳۶۸ برای بار دوم به شهرستان ایذه برای تدریس رفتم، هر بار یکسال آنجا بودم.

در سال ۱۳۷۱ خارج اصول را در خدمت آیت الله وحید خراسانی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۷ از محضر ایشان استفاده می کردم. در مدتی که در قم بودم قبل از مسافرت به ایذه تدریس ادبیات، منطق، معالم و غیره داشتم. البته به صورت خصوصی و در ایذه از ادبیات تا لمعه و اصول تدریس می کردم و بعد از بازگشت نیز مدتی تدریس کفایه برای یکی از دوستان داشتم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون از محضر آیت الله تبریزی استفاده می کنم.

اسفندیاری، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اسفندیاری

محل تولد : تهران

شهرت : اسلامی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی (سال ۶۱-۶۰)

* شروع دروس حوزوی (سال ۶۲-۶۱) در مدرسه مجتهدی تهران و همزمان مربی تربیتی در برخی مدارس تهران

* انتقال به مدرسه چیذر تهران (سال ۶۳-۶۲) وتدریس مکرر کتب درسی حوزه در رشته ادبیات عرب و منطق در خلال سالهای ۶۵-۶۲

* افتخار پوشیدن لباس روحانیت (سال ۶۴)

* انتقال به حوزه علمیه قم همزمان با اتمام دروس سطح ۱ (سال ۶۶) یعنی پایان لمعتین و اصول مظفر

* اتمام دروس سطح ۲ حوزه در قم (سال ۶۹) ورود به درس خارج آیت الله مکارم شیرازی

* پذیرش مسئولیت امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه در قم (سال ۷۳-۶۹) و همزمان تدریس برخی کتب درسی چون معالم الاصول , لمعه , تحریر الوسیله , منطق و ادبیات عرب

* سفرهای مکرر تبلیغی به جبهه های دفاع مقدس و مراکز ارتش و سپاه و برخی روستاها (سال ۶۹-۶۴) و ایراد سخنرانی و برپایی

منابر حسینی در برخی مساجد قم پس از این سالها تا کنون

* تدریس مکرر کتاب حلقات الاصول و نگارش شرح بر این کتاب از سال ۷۳ تا کنون , در مراکز مختلف علمی

* ارائه اولین اثر مکتوب به نام منطق اجتهاد در شرح" معالم الدین "درسال ۷۲ و شروع به کار تحقیق و تالیف

* دفاع از پایان نامه سطح ۳ حوزه , تحت عنوان " الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی " با نمره ۱۹ در سال ۱۳۸۰

* ارتباط علمی با مرکز ادیان و مذاهب (سال ۷۶ تا ۷۸)

* ارتباط علمی با پژوهشکده فقه و حقوق , وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و پذیرش مدیریت گروه علوم وابسته به فقه (سال ۷۹ تا ۸۲)

* دفاع از پایان نامه سطح ۴ حوزه با عنوان" نظریه حق الطاعه "با نمره ۱۷ درسال ۸۳ و پس از ۶ مصاحبه علمی مربوط به شرکت در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله سید کاظم حائری

* شرکت در همایش های علمی و ایراد سخنرانیهای علمی و نیز دریافت جایزه و لوح تشویق از کنگره دین پژوهان در سالهای ۸۰ و ۸۲ به مناسبت ارائه دو اثر پژوهشی

* همکاری با معاونت پژوهشی حوزه در تدوین درسنامه مقدماتی علم فقه

اسکندرلو، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد اسکندر لو

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۲

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۰ در شهرستان همدان در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در سال ۱۳۵۶ به منظور فراگیری معارف و علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (۶۰ ـ ۱۳۵۶) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (۶۳ ـ ۶۱) را نزد آیت الله اشتهاردی و استاد شماعی همدانی، رسائل و مکاسب (۶۷ ـ ۶۴) را نزد آیت الله اعتمادی و آیت الله علوی گرگانی، کفایتین (۶۹ ـ ۶۷) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (۸۰ ـ ۷۰) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همدانی خارج اصول (۷۸ ـ ۷۰) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.

تحصیلات دانشگاهی:

مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (۷۴ ـ ۷۱) موسسه در راه حق.

مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (۷۸ ـ ۷۴) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (۸۳ ـ ۷۹) تربیت مدرس دانشگاه قم.

ملاحظات: در مهر ماه ۱۳۷۸ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان" نقد و ترجمه مدخل قرآن از دایرهٔ المعارف دین"

دفاع نموده و امتیاز ۲۰ را احراز کردم و در سال ۱۳۷۹ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کرده و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. در تاریخ ۲۲/ ۳/ ۸۲ موضوع پایان نامه دکتری بنده تحت عنوان" نقد و بررسی تحقیقات خاور شناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سور قرآن "به تصویب رسید و در تاریخ ۱۵/ ۱۰/ ۸۳ مورد دفاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز ۵ /۱۸ پذیرفته شد.

فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عالی زبان انگلیسی مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۵ (طی ۷۰۰ ساعت آموزش) که در تاریخ ۳۱/ ۴ / ۶۶ گواهینامه آن را (ممهور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.

ب) در سال ۱۳۶۹ جهت تقویت مکالمه زبان انلگیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز ۲۰) گردیدم.

ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (۱۳۷۰)

ملاحظه: در سال ۱۳۷۰ از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم بندر کراچی پاکستان شدم و در طی مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

اسکندری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اسکندری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر محمد حسین اسکندری حسب الامر، جریان تحصیل، تدریس و تحقیق خود را در چند بند بطور خلاصه در این صفحات می نویسم: در آغاز باید از سال ۴۲– ۴۱ سال آغاز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، که برای تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم به عنوان نقطه عطفی در جریان زندگی خودم نام ببرم. البته حقیر قبل از این تاریخ نیز ــ چون پدرم روحانی و از شاگردان مراجع بزرگواری چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و ...بودند ـ در قم بودم و دوران ابتدائی را در مدرسه خدیوی و دوره دبیرستان را در دبیرستان صدوق مشغول تحصیل بودم که به توصیه پدرم آن را نیمه تمام گذاشته و برای ورود به حوزه و اشتغال به تحصیلات دینی و حوزوی، دبیرستان را ترک کردم.

در سال تحصیلی ۴۲– ۴۱ سال شروع انقلاب وارد حوزه علمیه قم و در مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی که برنامه تحصیلی

خاص خود را داشت، مشغول تحصیل شدم با این تفاوت که هر سه سال از این برنامه ها را حقیر در دو سال گذراندم و کتابهای سیوطی، مغنی، شرح نظام، مختصر، حاشیه ملا عبدالله، شمسیّه، معالم و قوانین و جلدین شرح لمعه را همراه با برنامه های جنبی در این مدارس خواندم. در این مدارس نوشتن جزوه درسها و ارزیابی آنها توسط اساتید در فواصل مختلف و نیز شرکت در امتحانات فصلی اجباری بود.

رسائل را در درس خصوصی آیت الله شاه آبادی، کفایتین را در درس عمومی آیت الله سلطانی، مکاسب را در درس عمومی آیت الله ستوده، منظومه را در درس خصوصی آیت الله محمد مؤمن و درس عمومی آیت الله انصاری شیرازی و بخشهائی از اسفار را در درس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده (و بعد که وارد موسسه در راه حق شدم) منطق، شفا، نهایه، فلسفتنا و روش رئالیسم را در درس آیت الله مصباح یزدی و کتاب" ژیلسون "را که آن هم یک کتاب فلسفه غربی بود در درس استاد ارجمند آقای دکتر احمدی و یك دوره فلسفه علم و نیز یك دوره کوتاه تاریخ فلسفه غرب را در درس دو نفر از اساتید محترم دانشگاه که در فن خود قوی بودند شرکت کردم. ضمناً در همین سالها روزهای تعطیلی همراه تعدادی از دوستان که سعی می کردند از همه فرصتها استفاده شود، بخشهائی از عقائد و معارف قرآن و روایات را نزد آیت الله جوادی آملی، آیت الله ابطحی اصفهانی و آیت الله مرحوم ابوترابی قزوینی شرکت کردم.

از اواخر دهه پنجاه به بعد در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیت الله وحید خراسانی و در مقاطعی آیت الله اراکی و آیت الله سید کاظم حائری و ...شرکت کردم. در همین حال، یك دوره امر به معروف و نهی از منکر را همراه یکی از دوستان ارجمند در درس آیت الله صدیقیان اصفهانی خصوصی در روزهای تعطیلی و یك دوره فقه اقتصادی را در درس آیت الله مظاهری اصفهانی به پایان رساندم.

در سال ۱۳۵۱ در ضمن درسهای خارج حوزه وارد برنامه آموزشی تحقیقی موسسه در راه حق شدم و در گروه" الف "این موسسه ثبت نام کرده و پذیرفته شدم که در مجموع ترکیبی بود از :

۱. فلسفه اسلامی و غیر اسلامی

۲. معارف قرآن

۳. دو زبان خارجی (عربی جدید و انگلیسی)

۴. علم و فلسفه اخلاق

۵. اقتصاد اسلامی

۶. دوره های عمومی و کوتاهی در زمینه جامعه شناسی عمومی، روانشناسی عمومی، حقوق و علوم سیاسی، روش تحقیق و نویسندگی و علوم ریاضی و...

زمان این برنامه ها ۸ سال بود که در آن، حقیر درسها را بصورت جزوه می نوشتم و شرکت در امتحانات فصلی الزامی بود.

آموزش و تدریس:

از همان سالهای نخست طلبگی از نیمه دهه پنجاه در مدارس آیت الله گلپایگانی و سپس مدارس کرمانیها و رسالت به موازات تحصیل، درسهائی را که خوانده بودم تدریس می کردم. سپس در سالهای بعد چندین سال در موسسه در راه حق به تدریس فلسفه، فلسفه حقوق، عقائد و اخلاق در قرآن و در مدرسه شهیدین فلسفه، در جامعهٔ الزهراء فلسفه و اصول، در مدرسه حقانی عقائد و معارف قرآن و در دانشکده شهید محلاتی فلسفه اخلاق و قبل از جامعهٔ الزهرا در مکاتب خواهران نیز تدریس داشته ام و خلاصه آنکه از ادبیات گرفته تا مکاسب شیخ را بطور عمومی یا خصوصی در حوزه قم تدریس کردم و علاوه بر درسهای رائج حوزه مواد درسی فوق را در مراکز آموزشی مختلف چه آنها که نام بردم و غیر آنها تدریس نمودم.

پس از پیروزی انقلاب، در سالهای آغازین پیروزی انقلاب، به توصیه علماء و بزرگان حوزه بمنظور انجام کارهای فرهنگی تبلیغی و پاسخ به سؤالات و شبهات و یا برای تدریس در اردوهائی که بمنظور آموزش ضمن خدمت برای اساتید و دبیران و معلمان از سوی تربیت معلم و اداره آموزش ضمن خدمت تشکیل می شد به استانها و شهرهای مختلف آبادان و خرمشهر و رشت و بندر انزلی و حومه (از جمله دانشگاه گیلان و دانشگاه لاکان) و کرمانشاه و یزد و چندین نوبت در تهران (دانشگاه امام صادق (ع)، تربیت معلم، دانشگاه تهران و) ...سفر کرده، به تدریس عقائد و معارف و ایدئولوژی و اقتصاد اسلامی پرداختم که در هر یک از آنها از ۸- ۷ ماه گرفته تا دو ماه و یا حتی بیست روز سفر و برنامه ما طول می کشید و کار ما بصورت تشکیل کلاس یا پاسخ به سؤالات در دانشگاهها و دبیرستانها و یا بصورت مصاحبه و پاسخ و پرسش در مراکز تلویزیونی رشت و کرمانشاه و آبادان و گاهی سخنرانی انجام می گرفت که تا آنجا که بیاد دارم در رشت در کل یک ماه رمضان یک شب در میان و همچنین در کرمانشاه در مدت مشابه این مصاحبه منتشر می شد و موضوع و محور مصاحبه مسائل اقتصادی اسلام بود.

از سال اول بازگشائی دانشگاهها پس از انقلاب ظاهراً سال ۶۲- ۶۱ بنا به دعوت بعضی از مسئولان و معاونین دانشگاه شهید بهشتی و با توجه به وضع بحرانی دانشگاه ها در آن زمان که جولانگاه گروهکها بود، در این دانشگاه به تدریس دروس مختلف پرداختم که بطور عمده عبارت بود از: عقائد و معارف و اخلاق و نیز در مقاطعی نظام سیاسی و دولت در اسلام را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و حقوق بین الملل اسلام را نیز در همین دانشکده و بخشهائی از فقه را در دانشکده حقوق و تاکنون نیز که بیش از بیست سال از آن تاریخ می گذرد تدریس و همکاری حقیر با این دانشگاه ادامه دارد. همچنین، بنا به دعوت آیت الله میر محمدی که در آن تاریخ رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بودند و به توصیه آیت الله مصباح یزدی از سال ۶۴ در دانشکده الهیات بطور متناوب به تدریس فلسفه و کلام و فقه و اصول و فقه الحدیث و تفسیر و درایه پرداختم که تا بعد از دهه هفتاد ادامه یافت و سپس هم با یکی دو سال فاصله در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران به تدریس دروس فقه و ادوار فقه و فقه تطبیقی مشغول شدم که تقریباً تا حدود سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. علاوه بر این چند سالی هم در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تدریس فلسفه (روش رئالیسم) و فقه (مکاسب) و اصول (مظفر) اشتغال داشته، در دانشگاه آزاد قم نیز فقه و اصول و ...را در چند سال و در دانشگاه آزاد شهر ری از چند سال پیش تاکنون به تدریس فقه، اصول، آیات الاحکام، قواعد فقهیه، حقوق جزای خصوصی و حقوق بین الملل اسلامی اشتغال دارم.

البته اشتغال حقیر به تدریس در دانشگاهها بنا به نیاز جامعه پس از انقلاب بوده که حتی در سالهای اوّلیه و جو بحرانی جامعه بویژه دانشگاهها که محل تاخت و تاز گروهکها بود خطر جانی هم برای ما داشت؛ ولی حقیر با اشتیاق تمام این کار را ادامه دادم و علیرغم آنکه درحدود ده سال قبل وزارت علوم با گرفتن دو امتحان مفصل و نوشتن پایان نامه ای در موضوع قاعده" مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام مدرک دکتری (استاد یاری) در فقه و مبانی حقوق به اینجانب داده است. حقیر تاکنون به همان شکل ساده و بدون رسمیت به کار تدریس خود در دانشگاه ادامه داده ام و بین راه قم و تهران در رفت و آمد بوده ام.

پژوهش و تحقیق:

اوّلین کار تحقیق، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و در دورانی که تبلیغات دو ابر قدرت بویژه، تبلیغات گروهکهای کمونیستی بالا گرفته بود، مطالعاتی بود که همراه یکی دیگر از برادران عزیز (حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ حسین ایرانی) در مورد وضعیت نظامهای سوسیالیستی و کمونیستی بویژه شوروی شروع کردیم و یادداشتهائی برداشتیم که بصورت دو کتابچه با نامهای: ۱- "برادری برابری حکومت کارگری "

۲"- بهشت سوسیالیسم "در آن تاریخ به چاپ رسید و در مراکز حساس فرهنگی و دانشگاهی در دسترس مردم بویژه قشر فرهنگی و دانشجویان قرار داده شد و در آن روزها نیاز زیادی به آن احساس می شد.

ولی، کار عمده تحقیقی اینجانب با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که امروز بنام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نامیده می شود و پس از پیروزی انقلاب در حول و حوش سال ۱۳۶۰ تأسیس گردید شروع شد. حقیر به عنوان محقق و مسئول گروه حقوق و علوم سیاسی در این موسسه پژوهشی که بمنظور تحقیق در رشته های مهم علوم انسانی اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، جامعه شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی و ...به وجود آمده بود تا کتابهای مادر و مبنائی مربوط به رشته های نامبرده در دانشگاهها را با توجه به اصول و مبانی اسلامی در این گونه رشته ها تهیه و تدوین کند، مشغول به کار شدم که هر چند از آن تاریخ تاکنون نوسانات و شدت و ضعفهائی داشته است، ولی بیش و کم تاکنون این کار ادامه پیدا کرده است و ثمرات این کار کتابها و مقالاتی است که در سطور بعد بعضی از آنها را نام خواهم برد .

علاوه بر این، اینجانب در کار تحقیق و پژوهش با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نیز همکاری داشته ام و کار عمده تحقیقی که در رابطه با این موسسه انجام داده ام پژوهش، تحقیق و تدوین کتاب اخلاق در قرآن بوده است که اصل آن سخنرانیها و درسهای آیت الله مصباح یزدی بود و مسئوولیت پژوهش و تحقیق و تدوین آن به عهده اینجانب قرار داده شد و الحمدالله امروز در سه جلد و در بیش از هزار صفحه به چاپ رسیده و بعضی از مجلدات آن قریب ده بار به چاپ رسیده است. علاوه بر این از ۸-۷ سال قبل تاکنون با پژوهشگاه علوم انسانی در خیابان کردستان تهران در ارتباط با گروه علوم سیاسی و نقد کتابهای سیاسی و آموزشی دانشگاهها همکاری داشته ام که بصورت مقالات انتقادی نوشته می شود و چند سالی است که مجله (فصلنامه) به نام" نامه علوم انسانی "بمنظور نشر اینگونه آثار و مقالات بطور عمده انتقادی گروه های مختلف، تأسیس شده که حقیر نیز جزء هیئت تحریریه آن هستم .

اسلامبولچی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی (اسلامبولچی) از علماء و دانشمندان مبرز معاصر تهرانست وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و در بیت تقوا و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن فارسی و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از مرحوم آقا میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و مدرسین دیگر حوزه به پایان رسانیده و درس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران برگشته و در خیابان عین‌الدوله به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد (سادات اخوی) واقع در اول (کوی سقاباشی) و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند نگارنده. گوید: آقای اسلامبولچی دانشمندی متین و بزرگوار و دارای محاسن اخلاق و مبادی آداب و با سلسله سادات اصیله و ریشه‌دار تهران که منتهی به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) می‌شوند پیوند مصاهرت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامپور کریمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسلام پور کریمی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمائی با معدل ۲۰ یا بالای ۱۹ بر اساس علاقه ام به قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می کردم.

در سال ۶۴ در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم. در سال ۶۵ بر اساس وظیفه و لبیک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ ۱۴ / ۱۲ / ۶۵ در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال ۶۶ که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.

بعد از آزادی (۳۰ /۸ / ۶۹) و بعد از ۹ روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصییل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال ۷۳ به اتمام رسانده و سال ۷۴ وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال ۷۷ به اتمام رسد . همزمان در مقطع کارشناسی فعالیتهای چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه ۴ شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در سال ۸۱ از پایان نامه ام با موضوع" ادراکات فطری "در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.

از سال ۸۱ تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و عرفان و متون انگلیسی می‌پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی ارائه می‌دهم. از سال ۸۱ تاکنون در واحد کتابشناسی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم.

در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال ۸۲ تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه‌های بابل تحت عنوان‌های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامی اردکانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین اسلامی اردکانی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال ۵۶ رسما وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجریی اشتغال داشتم. در زیرفعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:

۱. سوابق آموزشی:

الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. در ین مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.

ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال ۱۳۷۹ دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان" شبیه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام "با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.

ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دروه های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.

۲. توانایی های علمی:

الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ا ی از متون ابتدایی آشنایی دارم.

ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده اند.

ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده عنوان کتاب بوده است.

د) عضویت در شوراهای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقد و نظر، میقات حج و حدیث زندگی، فعالیت مطبوعاتی داشته ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائرة المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده ام. و نیز در سمینارهای علمی کشوری مانند" همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها"، "سمینار بررسی سقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین المللی مردم سالاری دینی"، "همایش سراسری استادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین، "شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده ام.

ضمنا فعالیت های مدیریت پژوهشی مانند معاونت پژوهشی مراکز علمی و مسئولیت ترجمه نیز داشته ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.

ه) تدریس: اینجانب در موسسات آموزش عالی مانند دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه آموزش ضمن خدمت وزارت ارشاد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسفی معاصر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شناخت منابع مرجع اسلامی.

۳. حوزه های مورد علاقه:

اینجانب بیشتر به حوزه های فلسفه و کلام جدید، فلسفه اخلاق (اخلاق کاربردی با تاکید بر اخلاق زیستی)، دین شناسی، نقد اندیشه ها و مسائل اجتماعی، اسلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

۴. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود ۲۰ عنوان کتاب و ۹۰ مقاله است.

۵. جوایز علمی:

درسال ۱۳۸۰ تحقیق بنده با عنوان «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شد و به آن جایزه ویژه ریاست جمهوری تعلق گرفت. در همان سال مقاله بنده با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی ع» که برای دانشنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال ۸۲ نیز تحقیق اینجانب با عنوان «اخلاق نقد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیده شد. همچنین تحقیق (دروغ مصلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سال نیز کتاب «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دهمین سال کتاب دانشجویی برگزیده شد. در سال ۱۳۸۳ نیز جایزه یازدهمین کتاب سال دانشجویی به علت کثرت تالیف به بنده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنده با عنوان «گریش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ نیز مقاله بنده با عنوان «چالش علم و دین در مسئله شبیه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسلامی پناه، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی اسلامی پناه

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی اسلامی پناه در سال ۱۳۳۷ در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی بدنیا آمدم . تحصیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده ، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشنا شدم . در سال ۱۳۵۱ از کربلا اخراج شده و در قم سکونت کردم . در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شده ، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم . از دروس سطح ، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال ۱۳۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم . بیشتر درسها را نزد استاد مصباح یزدی و آیت الله معرفت و استاد فیاضی گذراندم . در سال ۱۳۷۳ پایان نامه خود را به راهنمائی استاد اعرافی دفاع کردم . از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع) ، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشتم و عضو گروه زن در اندیشه اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت . از سال ۱۳۸۰ در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن ، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد .

اسلامی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی اسلامی در سال ۱۲۷۵هجری شمسی در شهرستان مذهبی سبزوار از خاندان اصیل و رفیع اسلامی، فرزندی بس بابرکت و مسعود دیده به جهان گشود. خاندان ولایی اسلامی نام این کودک را به یاد فرزند رشید امام علی(ع) عباسعلی» نامیدند. وی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاه خویش(سبزوار) فرا گرفت، پس از طی مقدمات علمی عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف مشرف گردید و در جوار با کرامت امیرالمومنین (ع) از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلا کسب فیض نمود سپس به کربلای معلی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مجاورت اختیار کند. از کربلا روانه سامرا می گردد ودرکنار حرم با شکوه و روحانی عسکریین ماوی می گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب – که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. – از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : «پدر عباسعلی شیرازی الاصل و از قبیله قشقایی و جد مادریم از بزرگان بختیاری بودند. در حال حاضر (زمان تهیه کتاب «طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق») آن گروه از اقوام که در سبزوار به سر می‌برند، شناسنامه بختیاری دارند، سلسله اجداد شان به حسینقلی خان ابوقدّاره که مزار وی در اصفهان است، می‌رسد.حسینقلی خان و دو برادر وی، علی و حسین از رؤسای بختیار بودند ظاهراً در زمان فتحعلی شاه قاجار طی اختلافی که میان بختیاری‌ها و دستگاه حاکم پیش می‌آید، دولت وقت این سه تن را دستگیر و به سبزوار تبعید می‌نماید. در سبزوار بـا آنکه از وطن و قبیله و عشیره خود مطرود شده بودند، از موقعیت اجتماعی و منزلت و سیاست محروم نگشتند و مردم سبزوار

حرمت ایشان را نگاه می‌داشتند و از ایشان اطاعت می‌کردند جد مادریش هر گاه عملی را بر خلاف عدالت و انسانیت از فرماندار مشاهده می‌کرد، با تنی چند از زنان محله به مقرّ فرمانداری می‌رفت و نسبت به آنچه واقع شده بود، اعتراض می‌نمود. اعتبار این خاندان هنوز در میان مردم آن دیار پابرجاست و خاطره نیکشان هنوز در اذهان برقرار است...»تحصیلات رسمی و حرفه ای : گرچه مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی تنها فرزند خانواده و عزیزدردانه آن دودمان به حساب می‌آمد، مع الاسف در اوان کودکی او، اختلاف تلخ خانوادگی منجر به جدایی پدر ایشان از مادر می‌گردد، به گونه‌ای که ناچار از اول طفولیت تحت سرپرستی مادر و جد پدری و دایی خویش قرار می‌گیرد. آقای اسلامی، حقاً از استعداد فوق العاده و از حافظه بسیار قوی و بالایی برخوردار بوده است؛ تا آنجایی که در سن چهار سالگی کتب و نشریات را با علاقه خاصی به تقلید از بزرگان می‌خواند. و از سن پنج سالگی به مکتب رفته و شروع به یادگیری قرآن کریم می‌نماید و در شش سالگی به یادگیری کتاب گلستان سعدی می‌پردازد و در مدرسه بزرگ سبزوار زیر نظر عالمی به نام حاج شیخ محمد سبزواری به تحصیل خود ادامه می‌دهد و کتاب جامع المقدمات را نزد حاج آقا شیخ گل حسن، امام جماعت سبزوار فرا می‌گیرد.آقای اسلامی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را که شامل آشنایی با ادبیات، قرآن و سطح ابتدایی و فقه و احکام بود، در زادگاه خویش (سبزوار) فرا گرفت، - پس از طی مقدمات علمی - عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید. و از محضر علمای بزرگ مشهد به ویژه مرحوم آیت اللّه حاج میرزا احمدی اصفهانی و آیت اللّه حاج آقا حسین قمی و آیت اللّه کفایی (پسر مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایهٔ الاصول) بهره‌های علمی فراوانی کسب نمود. و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف اشرف - که در آن روز مهد علم و از بزرگترین حوزه‌های علمی، اسلامی به شمار می‌آمد. - مشرف گردید و در جوار باکرامت امیر المؤمنین علی(ع)از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلاـ کسب فیض نمود و تا حد توان بر مدارج علمی خود افزود؛ که متأسفانه در اثر کثرت مطالعات و اشتغال، دچار عارضه ضعف چشم گردید، به طوری که اطبا اکیداً او را از مطالعه و نگاه به کتاب منع نموده و برحذر داشتند که به هیچ وجه به کتاب نگاه نکند!! لذا بنا به پیشنهاد دوستان تصمیم گرفت که تا به دست آمدن بهبودی نسبی چشم خود، به کربلای معلّی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبداللّه الحسین(ع)مجاورت اختیار کند. و ظاهراً مدت یکسال در کنار تربت پاک سید الشهدا(ع)از محضر علمای بزرگ همچون حضرت آیت الّه خویی(ره) و آیت اللّه حاج شیخ جعفر رشتی(ره) به کسب علم و دانش می‌پردازد و به قدر توان بهره‌مند می‌گردد. در این روزها است که بار دیگر در اثر هوای گرم کربلای معلی ضعف چشم و عارضه آن شدت می‌گیرد که ناچار باز هم باید تغییر مکان دهد و از هوای مطلوبتری استفاده کند ؛ لذا با توفیقات الهی از کربلا روانه سامرا می‌گردد و در کنار حرم باشکوه و روحانی عسکریین(ع)مأوی می‌گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب - که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. - از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.خاطرات و وقایع تحصیل : «... هفت سال در سامرا مجاورت کردم، در این هنگام در مقام تحقیق برآمدم که قبور خلفای عباسی را - که ده سال استقرار حکومتشان در سامرا بود. - بیابم، اما هر چه بیشتر تفحص کردم، کمتر به نتیجه رسیدم. سرانجام خانه متروکه و مخروبه‌ای را یافتم که شهرت داشت: گور خلفا در آن مکان است!با آنکه اکثریت ساکنان سامرا را اهل سنت تشکیل می‌دهد و بر اساس بینش اینان، هر کس با هر پیشه و کرداری و منزلت و رفتاری - هر چند منحط و پست - بر اریکه حکومت تکیه زند، به حکم قرآن کریم «اولوالامر» است و باید از او فرمان برد!! ولی به رغم این باور عمومی، نام و یاد این حاکمان جائر تاریخ در مقر حکومتشان نیز فراموش شده است! در برابر، شکوه و عظمت امامان پاک سیرت روز به روز افزوده می‌شود و بارگاه ملکوتی حضرت عسکریین(ع) در قلب سامرا چشم آشنا و بیگانه را می‌نوازد!گنبد رفیع این بارگاه ملکوتی در طول اعصار متمادی نشانه شرافت و آزادگی بوده است و ضریح مزار آن امامان

همام – که به همت والای ایرانیان و در عهـد مرجعیت مرحوم آیت اللّه العظمی سـید محسن حکیم ساخته شده – بوسه گاه عاشـقان مشـتاق است. آیینه این تجربه تـاریخی، ترجمـان همـان آیه کریمه است که: «ای دارنـده ملک هستی! تو هر کس را که می‌خواهی، عزت و حشمت بخشی و هر که را خواهی، پست و فرومایه گردانی.»هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای عباسعلی اسلامی مرحوم نواب صفوی و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و امام خمینی را می توان نام برد.وقایع میانسالی : مرحوم عباسعلی اسلامی در اواخر عمر خود بـا کهولت سن می‌کوشـید به هر کیفیت خود را به جبهه‌هـای حق علیه باطل برسانـد و وظیفه دینی خود را نسـبت به اسـلام ایفا نماید.او در سـنگرهای بسـیجیان، دوشادوش جوانان رزمنده و دلاوران ایران اسـلامی به پیش می‌رفت. او در جبهه حق با جان و دل از حریم اسلام دفاع می‌نمود. ایشان در بازگشت از جبهه، قطعات کوچک خمپاره‌های دشمن را به عنوان سوغات با خود می‌آورد و بارها می‌گفت: «مدتها در انتظار بودم که قطعه‌ای از اینها نیز نصـیب من می‌گشت تا فوز عظیم شـهادت در راه خدا را در آغوش گیرم ولی نصـیبم نگشت!!»او با روحیه دشـمن ستیزی که داشت تا حـد امکان از حریم اسـلام و قرآن دفاع نمودزمان و علت فوت : عباسـعلی اسـلامی در اواخر عمر در میدانهای حق علیه باطل در کنار بسـیجیان جان برکف و در صف حزب اللّه و جنداللّه به عنوان مجاهـد فی سبیـل اللّه حضور یـافت و از قرآن و اسـلام حمایت نمود.مرحوم اسـلامی، در آخرین لحظات روزهای زنـدگی با قلبی مالامـال از نعمت پرفیض ولایت و با دلی از اسـتقرار جمهوری اسـلامی، در فروردین ماه ۱۳۶۴شمسی (مطابق با بییست و پنجم رجب شـهادت حضـرت موسـی بن جعفر(ع)) جـان به جـان آفرین تسـلیم و در جوار کریمه اهـل بیت، فـاطمه معصومه(س)در شـهر مقـدس قم، (عشق آل محمـد(ص)) در آرامگاه ابـدی خویش بیارمیـد. محل دفن: گوشه صـحن بزرگ دست چپ اولین حجره. از خداونـد منّان علوّ درجات مرحوم اسـلامی و همه علمای راستین اسـلامی را خواسـتاریم.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : عباسـعلی اسـلامی از راه نوشـتار و قلم نیز آثار پربرکتی از خود به یادگار گذاشت. ایشان علاوه بر تأسـیسات مهم عام المنفعه از قبیل مساجد، کتابخانه، حسـینیه، دارالایتام و... با دور اندیشـی خاصـی موفق شـد بیش از ۱۸۰باب مدرسه دخترانه، پسـرانه، دبستان و راهنمائی و دبیرســتان در تهران و در اکـثر شـهرهای بزرگ و کوچـک تأسیس نمایـد و بیش از ۵۰هزار دانش‌آمـوز، در هر دوره تحصـیلی از مدارس ایشان به کسب علم و دانش با تربیت اسـلامی مشـغول باشند و جامعه تعلیمات اسلامی عنوان همه مدارس ایشان است.او در مواقع حساس و خطرناک با شـهامت در مقابل دشـمنان اسلام و قرآن ایستاد. ایشان در راه دین با فدائیان اسلام و با مرحوم آیت اللّه کاشانی(ره) همکاری نزدیک داشت و در دوران انقلاب شـکوهمند اسلامی به رهبری بزرگ مرد تاریخ اسلام و جهان، نایب الامام حضـرت آیت اللّه العظمی امام خمینی:؛ با اطاعت کامل در کنار امام امت ایسـتاد و از اسـلام و قرآن دفاع نمود.فعالیتهای آموزشی : پس از سالهـا اقـامت در کشور عراق و بعـد از تحمـل زحمات طاقت فرسا همچون همه طلاب و علمای دین، جهت به دست آوردن مدارج علمی و معارف مذهبی، به حکم آیه مبارکه:(فلو لا نفر من کلّ فرقهٔ منهم طائفهٔ لیتفقهوا فی الدّین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهـم لعلّهـم یحـذرون)و حسـب الامـر حضـرت آیت اللّه العظمی آقـای حـاج سـید ابـوالحسن اصـفهانی(ره) – که زعـامت علمی و مرجعیت دینی آن زمان را بر عهـده داشـتند. – اسـلامی عزیز با کوله باری از انـدوخته‌های علمی و معارف مذهبی به ایران مراجعت می‌کنـد.و بعـد از چندی که در کنار تربت پاک امام هشـتم(ع)در مشـهد مقدس رضوی رحل اقامت می‌افکند، پس از مدتها تدبر و تفکر جهت انجام وظیفه خود، سـرانجام تصـمیم می‌گیرد که به تهران رفته و پایگاه تبلیغی و خـدمات معنوی خویش را در آنجا قرار دهـد، که این تصـمیم به جـا و منـاسب به مرحله عمـل می‌رسـد و رسـماً تهران را محل فعالیت برنامه‌های تربیتی و مـذهبی خود قرار می‌دهـد و برای نجـات نسل جوان از طوفان ویرانگر فرهنگ منحط غرب – که سـر تا سـر ممالک اسـلامی جهان و مخصوصاً کشور ایران را فرا گرفته بود. – جداً وارد میدان عمل می‌گردد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عباسعلی اسلامی برای نجات نسل جوان، خانه دو اتاقی خود را به مدرسه شـبانه تبدیل می‌کند که روزها خود در آن زندگی می‌کند و شبها مدرسه است و آرام، آرام برنامه‌های تربیتی و مذهبی خویش را آغاز می‌کند و عده‌ای انگشت شمار از آشنایان و همسایگان به عنوان شاگردان اولیه این

مؤسسه کوچک درآمده و مشغول فراگیری احکام الهی و مسائل اخلاقی می گردند.و از آنجایی که هدف، لله و قصد، یاری دین خدا بوده، طولی نکشید که این مؤسسه به ظاهر کوچک و ناچیز در سراسر ایران گسترش پیدا کرده تا جایی که به صورت جامعه تعلیمات اسلامی با تعداد بیش از ۱۸۰مدرسه و دبیرستان دخترانه و پسرانه با بیش از پنجاه هزار دانش آموز باایمان جلوه گر می گردد.از دیگر آثار فرهنگی آقای اسلامی، علاوه بر تأسیس چندین باب دارالایتام و حسینیه، قریب ۸۰مسجد و پایگاه مهم دینی است که با جدیت و کوشش فراوان تأسیس نموده و مورد بهره برداری همنوعان مسلمان او قرار گرفته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در عصر اختناق و روزهای استبداد و در زمانی که دشمن سر سپرده اسلام، رضا شاه خائن صریحاً فرمان کشف حجاب را صادر کرد! و در روزهایی که دختران و زنان مسلمان به حکم پهلوی مزدور حق نداشتند با حجاب اسلامی از خانه‌های خود بیرون بیایند! و به گفته پسر پست‌تر از پدر (محمد رضا پهلوی):«پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد ؛ به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت، و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا می‌شد، پاسبان از وی تقاضا می کرد که روبند خود را بردارد و اگر امتناع می کرد، جبراً چادر او را بر می‌داشتند! تا زمانی که پدرم سلطنت می کرد، در سراسر کشور این منع برقرار بود.»اسلامی شجاع و عالم به زمان، اوضاع و شرایط سیاسی، پس از ایستادن و استقامت در مقابل این فرمان ننگین و خلاف قرآن و بعد از رنجها و شکنجه‌ها و زندانها، از همان راهی که دشمن پیش گرفته و ریشه‌های دینی را یکی پس از دیگری قطع می کرد و پیش می‌رفت! از همان راه وارد میدان عمل می‌شود و برای دفاع از حریم دینی و قرآن به پیش می‌رود.جالب آنکه اسلامی بزرگ در مقابل قدرت دژخیمی و قلدری جاهلانه پهلوی و اربابانش، با دلی قوی و روحیه‌ای قویتر و استوار ایستاد.آرا و گرایشهای خاص : پیرو راستین امیرالمؤمنین علی (ع) مرحوم اسلامی در دوران زندگی خویش شعاری داشت که نه تنها در زبان بلکه از اعماق قلب او سرچشمه می گرفت و به مرحله عمل می‌رسید. او بارها در برخورد با علمای بزرگ و مراجع دینی می گفت:«روحانیت پاسدار اسلام و نوکران امام زمان(ع)هستند و باید با تمام وجود به دفاع از حریم اسلام و ارزشهای دینی به پا خیزند.»او با صراحت می گفت:«وظیفه روحانی بسیار سنگین است و روحانی وظیفه دارد، مساجد و محافل مذهبی را به پایگاه نشر معارف اسلامی مبدل سازد و رسالت روحانی در این خصوص دشوارتر از دیگران است. روحانی به لباس سرباز دینی درآمده است و باید راهدار طریق شرع باشد.»او می گفت: «امر به معروف و نهی از منکر بر همگان فرض و واجب است، ولی مسئولیت سنگین آن بر عهده روحانیت است. وظیفه روحانی است در سامان بخشیدن به نابسامانی‌های مسلمانان بکوشد و در اخلاقیات و اقتصادیات، اجتماعات و حتی مسائل شخصی و خانوادگی اعم از کلی و جزئی یار و مددکار آنان باشد. و از روحانی راستین جز این انتظار نمی‌رود. اعاظم روحانیون عالم تشیّع می کوشیدند که گام در جای پای ائمه خویش(ع) بنهند و جز این سان عمل ننمودند.»آثار : ۱ جهاد ۲ راه حسین و دوازیا رفته ۳ طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق ویژگی اثر : خاطرات آن مرحوم می باشد که پس از مرگ نشر یافت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k - /www.hawzah.net

اسلامی، عبدالستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستاراسلامی از مشاهیر علماء و دانشمندان آبادان است که بفضل و تقوا موصوف و بتعصب و غیرت در امور دینی معروف میباشند، بنابر اصرار و مراسلات عدیده اینجانب شمه‌ای از بیوگرافی و ترجمه خویش را

مکتوبا ارسال داشته‌اند که عینا می‌نگارم:

بسمه تعالی الذی خلق الانسان و علمه مالم یعلم و رفع مقامه بما شرفه من الکتابه بالقلم و جعل منهم انبیاء لهدایه الامم فکانوا کمصابیح لاناره الطرق من الظلم و مفاتیح لکشف المعضلات وایضاح البهم و صلی‌الله علی سیدهم و خاتمهم محمد اشرف من وطیء الثری بالقدم باعث ایجاد الخلق من العدم و علی آله الطاهرین المیامین ساده العرب والعجم.

و بعد بر خاطر عاطر پوشیده نماناد که بر حسب خواهش و امر سر کار که شرح حال این فقیر درگاه الهی و گوشه‌نشین خانه تنهائی را خواستار شدید برای اجابت و امتثال بیان حال را بمقدار خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول آن جناب باشد اگر چه خود مرا قابل این معنی نمی‌دانم که شرح حالم با شرح علماء درج و ثبت گردد. چون من نوکری برای علم و اهلش بیش نیستم (وافتخر بان اکون خادما للعلم و اهله و ما- نحن واهلم العلم اتهم جزاهم‌الله خیرا اتعبوا انفسهم و افادوا واسهروا اعینهم و کتبوا و اجادوا فقامت عمادالدین بافاداتهم و تعلم الناس بکتبهم و رسالاتهم و نحن لانلحق شأوحهم علی مضمار و لانصل الیهم فی حبار و لامعیار ولکن ما لایدرک کله لایترک کله اوجلّه فکتبت المیسور اذهو لایسقط بالمعسور و علی‌الله المعول فیما کتبت و شرح الصدور.

حقیر در سن ۱۲ سالگی وارد نجف اشرف شدم و مرحوم والد ماجد ممجد سمی خاتم‌الانبیاء محمد قدس‌الله‌سره که از شاگردان بنام مرحوم رئیس‌المله والدین السید محمد کاظم یزدی انارالله برهانه بودند مرا برای کسب معارف الهیه بنجف برد و بمقدار وسع در آن محل امن و امان مستمدا من برکات صاحب البقعه المبارکه العلویه کسب فیض نموده و از اساتید محترم که شمارشان از بیست متجاوز است اخذ و استفاده نمودم بحمدالله و منه که حضرت مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین اعجوبه لنکران آقای شیخ مجتبی طرید عراقیها که الآن در سن پیری در اصفهان است یکی از اساتید است و اجازات علمیه و امور حسبیه و اجازات حدیث از بسیاری از مراجع اموات و احیاء در دست دارم که صلاح در نشر و پخش آنها نیست یکی از آن اجازات حدیثیه از مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی است و یکی از جرثومه فضل و تقوا آیه‌الله المرعشی النجفی اطال‌الله عمره و نفع المسلمین بوجوده می‌باشد که بسیار مفصل و محتوی مطالب ارزنده که میرسد بمعصوم علیه‌السلام و یکی از مرحوم استاد علم الحدیث نابغه زمان خود آیه‌الله آقا بزرگ تهرانی قدس سره میباشد.

و پس از فوت مرحوم والد طیب‌الله و مسه مرحوم خلد آشیان پدر یتیمان علامه ثانی آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهبهانی مرا فرستادند برای رتق و فتق امور شرعیه در عشایر آبادن هشت فرسنگی که قریب پنجاه هزار یا بیشتر که بیش از چهار فرسنگ طول منازل آن عشایر است عرب و عجم شیعه و سنی اصولی و اخباری هستند و بفضل حق تعالی (قمت فیهم ثلاثین سنه احسن قیام) و ترویج شرع نمودم با حسن الترویج و دفع و رفع خرافات کردم که بحمدالله مشهور شدم بین عشایر علی اطلاقها (بانه لاتأخذه فی‌الله لومه لاثم و صرفت ما حصلته من الحقوق باقامها بین الفقراء والارامل والایتام والله المنه علی فی ذلک حتی خرجت من العشایر بعله ضعف المزاج) و مرضهای پی در پی برای بدی آب و هوای آنمحل و ساکن آبادان شدم در حالیکه مالک چیزی از مال نیستم نه دیناری و نه درهی نه ملکی و نه منزلی سپاس خدائی را که مرا چنین قرار داد و مرا از دینش اینطور تعلیم نمود و اکنون دوازده سال است که در آبادان بامور دینی و اقامه جماعت اشتغال دارم و میان اقران مشهور بزهد و تقوایم زیرا با هیچ اداری و ثروتمندی و شیخ عشیره‌ای معاشرت و آمیزش ننمودم و دندان طمع را از اموال مردم کندم و روی این جهت عزیزتر از دیگران شدم بجهت اینکه هرکس قناعت کند عزیز است و هر کس طمع در اموال مردم نماید موهونست و کسیکه از مردم عزلت گزیند از ایشان بسلامت خواهد بود.

و در هر شب بعد از نماز احکام خدا را بیان کرده و در منبر برای مردم اخلاق می گویم.

و جماعت و منابرم از فضل خدا مشهور و درب کتابخانه‌ام برای واردین و میهمانان و نیازمندان و ارباب سئوال باز است.

آثار قلمی از اینقرار است.

۱- نظریاتم را بر کتب مطالعه شده از سنی و شیعه نوشته‌ام.

۲- دفتری متوسط محتوی مطالب ارزنده و اشعاری مطلوب کامل است.

۳- کشکول اسلامی که در آن همه چیز موجود است.

۴- کتابی بنام المهدی و صفاته در دو جزء اولی تمام دومی ناتمام بعربی و فارسی.

۵- کتابی در تلخیص (بیان و تبیین) بنام الدرالثمین فی المنتخب من البیان و التبین جاحظ عثمانی.

۶- کتابی باز در کشکول بطرزی بدیع ناتمام.

۷- اربعین حدیث از کافی شریف و کتابها و رساله‌های دیگر در امور مختلفه.

۸- ایقاظ الانام عن خرافات العوام.

واما باقیات الصالحات ایشان.

۱- مسجد محمدی در نهر اردشیر- قصبه. (بضم قاف نام حومه آبادان)

۲- مسجدی محمدی در نهر حد- قصبه.

۳- حسینیه در نهر اردشیر- قصبه.

۴- حسینیه حاج یونس در سنافی.

۵- حسینیه ملا ابراهیم در نهر فجری- قصبه.

۶- ترمیم و اصلاح ساختمان مساجد منطقه مذکوره و فرش آنها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ قاسم واعظ تهرانی از وعاظ مجاهد و مبلغین مبارز و فداکار معاصر است تولدش در تهران واقع و پس از خواندن مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید و مدرسین بزرگ خوانده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی خونساری و بعضی از آیات دیگر حاضر شده و استفاده‌ها نموده آنگاه به تهران مراجعت و به ترویج دین و به تبلیغ اسلام و پیکار با منحرفین و فرقه ضاله از راه منبر پرداخته و حوادث ناگواری را تحمل کرده و تا هم اکنون به این سمت و پست حساس مفتخر و موفق به خدمات دینی و روحی می‌باشد.

مولف گوید: آقای اسلامی مزبور واعظی غیور و عالمی متعصب و از خود گذشته است آثار علمی و قلمی چندی دارد که از آنها کتاب پاسخ به دکتر علی شریعتی در دو جلد به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اسلامی، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اسلامی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات در مقطع راهنمایی تحصیل در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) گذراندم. دروس سطح حوزه را نیز از سال ۱۳۶۶ آغاز کردم و در درس حضرات اساتید علی محمدی خراسانی، آقارسول موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی و شیخ حسین توتونچی تهرانی (ره) شرکت جسته، این دروس را در حدود سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱ به پایان بردم.

از سال ۱۳۷۰ به صورت موقت و آزمایشی در برخی کلاس‌های درس خارج شرکت می‌کردم. تا این که رسماً از سال ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات سبحانی، وحید خراسانی و جوادی آملی شرکت جستم. در ضمن دروس و مباحثات حوزوی به پیشنهاد برخی از دوستان هم بحث، در دوره عمومی دروس موسسه در راه حق شرکت نمودم.

سال ورود من به موسسه در راه حق (که بعداً با نام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ساختمان جدید فعالیت خود را ادامه داد) سال ۱۳۷۱ (سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱) بود. پس از گذراندن دروس عمومی طی چهار سال، در سال تحصیلی ۷۶ ـ۷۵ در آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد در رشته تخصصی دین‌شناسی پذیرفته شدم. و پس از طی دوره تحصیلی در سال ۱۳۸۰ با دفاع از پایان‌نامه‌ای تحت عنوان" نقد و بررسی نظریه جان مارتین فیشر در باب مسئولیت اخلاقی "فارغ التحصیل شدم. البته ضمن تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را با پذیرفتن پروژه‌هایی از مراکز تحقیقاتی مختلف و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی، از سال ۱۳۷۸ آغاز نمودم و تاکنون فعالیت‌ها ادامه دارد.

پس از فارغ التحصیلی ابتدا حدود ۸ ماه با معاونت تدوین متون درسی معارف اسلامی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به عنوان کارشناس گروه اخلاق همکاری علمی پژوهشی داشتم. پس از آن از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تأسیس و تشکیل یک گروه علمی پژوهشی کارآمد در حوزه اخلاق اسلامی دعوت شدم و کار اصلی پژوهش خود را در این رشته ابتدا در قالب هسته‌ای علمی، پژوهشی آغاز نمودم و با رسمیت یافتن گروهی با نام گروه اخلاق و تربیت در این پژوهشگاه به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

اسلامی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا اسلامی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد رضا اسلامی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بهشهر دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله جوادی آملی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته معارف اسلامی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۶۱ از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، در این دانشگاه و دانشگاه آزاد گرگان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" حج "و "نبوت برآمدی بر فلسفه "و غیره را به رشته تحریر در آورده است و به زیور طبع آراسته است.

اسلامی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی اسلامی نجفی فرزند ارشد حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستار اسلامی بهبهانی که در این منطقه سکونت دارد و مورد احترام تمام‌بخش و رهبر دینی ساکنین بخش مزبور می‌باشد. معظم له در نجف اشرف به سال ۱۳۱۳ شمسی متولد شده و پس از فوت جدش مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد بهبهانی که وکیل مطلق مرحوم آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی در بخش قصبه بوده والد ماجدش که از طرف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی به عشایر بخش قصبه اعزام گردیده وی را به قصبه آورده و در سن هفت سالگی قرآن کریم و خواندن و نوشتن را در مکتب آموخته و در سن ۱۰ سالگی به شهر آبادان رفته و علوم جدیده را فراگرفته و در سن شانزده سالگی جهت تحصیل علوم دینیه و معارف الهیه به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدرسه مرحوم شر بیانی و بعد در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند به تحصیل پرداخته و دروس مقدماتی و متوسطه و عالی اعم از علوم صرف و نحو و معانی بیان و فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و حدیث و منطق و کلام را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید شکراللّه بهبهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد رشتی و حجهٔالاسلام حاج شیخ محی‌الدین مامقانی و حجهٔالاسلام آقا میرزا علی آقا فلسفی و حجهٔالاسلام آقا شیخ

محمدعلی سرابی و حجةالاسلام میرزا کاظم تبریزی و حجةالاسلام آقای آقا شیخ صدرا و حجةالاسلام آقا شیخ محمدعلی افغانی فراگرفتند و در همان اوان تدریس علوم ادبی را برای جمع کثیری از طلاب نموده سپس درس خارج اصول را از محضر آیت‌اللّه خوئی و خارج فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی استفاده نموده و در اثر حافظه قوی و جدیت شدید در تحصیل (به حدی که بیمار و مبتلا به عارضه چشم گردیده) و در سن ۲۶ سالگی پس از ده سال علوم مختلفه به سال ۱۳۸۰ قمری فارغ‌التحصیل گردیده و به مقامات عالیه علمی رسیده است چنانچه آیات عظام نجف مراتب فضل او را تصدیق و تأیید نموده‌اند.

جناب آقای اسلامی در سال ۱۳۸۰ قمری بنابر توصیه پزشکان و دستور مرحوم آیت‌اللّه حکیم جهت معالجه به کشورهای لبنان، سوریه، مصر، اردن، ایران مسافرت نموده و پس از مراجعت به نجف اشرف و مسافرت به کویت و ایران از طریق بحرین به مکه مشرف و پس از سفر حج و تشرف به عتبات عالیات عراق در سال ۱۳۸۱ ق حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و سائر مراجع تقلید نجف اشرف با وکالت مطلقه و توثیق آنان بوطن خود قصبه آبادان برگشته و ساکن شدند و از بدو عودت ایشان به قصبه و انتقال والد ماجدشان به شهر آبادان معظم له به ترویج مبانی مذهبی و تعظیم شعائر دینی و بیان احکام شرعی و رسیدگی به حال مستمندان و اصلاح بین مسلمین و حل و فصل اختلافات محلی و سایر وظائف شرعیه اشتغال دارند و در مسجد جامع محمدی در نهر علیشیر (معروف به مسجد الشیخ که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد می‌باشد و والدشان تجدید بناء نمودند) اقامه نماز جماعت می‌نمایند معظم له مضافاً بر انجام وظائف شرعیه از اول اقامتشان در قصبه منشأ خدمات ارزنده مذهبی از قبیل تأسیس مساجد و حسینیه‌ها و تجدید بناء آنها و همچنین منشأ خدمات ملی و عام‌المنفعه بوده و هستند

آثار وی از مساجدی که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس گردیده بدین قرار است

۱- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر علیشیر به تصدی آقای حاج عباس و شیخ ابراهیم بهبهانی

۲- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر حاج علی (به چاچره) به تصدی آقای حاج صالح بهبهانی

۳- مسجد نهر قائمیه به تصدی حاج علی جاسی ۴- مسجد نهر مچری معمره به تصدی حاج ملا ابراهیم فاضلی

۵- مسجد نهر بوچمپه به تصدی آقای سید قاسم ۶- مسجد نهر علیشیر که در شرف ساختمان است بوسیله آقای حاج جواد بهبهانی

اما حسینیه‌ها که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس یا تجدید بنا گردیده و از ساختمان گلی به ساختمان آجری و امروزی تبدیل شده زیاد است و از آنجمله است

۱- تأسیس حسینیه در نهر ابوالفلوس به تصدی سبهان حاج جابر

۲- تأسیس حسینیه زنانه در نهر عوفی به تصدی زایر جمد شلوان

۳- تجدید بناء حسینیه محمدی در نهر علیشیر (که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد بوده) که هر ساله طبق طریقه‌ی والد واجدشان دهه اول محرم مجلس سوگواری در آن برگذار می‌شود.

۴- تجدید بناء حسینیه حاج زباری در نهر علیشیر

۵- تجدید بناء حسینیه حویجی در نهر بلامه

۶- تجدید بناء حسینیه شعبان در نهر بلامه

۷- تجدید بناء حسینیه علویه در نهر مچری

۸- تجدید بناء حسینیه سلطانی در نهر قصر و غیر ذلک از آثار خیر و خدماتی که ذکر آنها موجب اطنابست و معظم له از غالب مراجع تقلید نجف اشرف و قم دارای اجازات و وکالت مطلقه در امور حسبیه و روایتی و شهادات آنان بر توثیق و مقام علمی می‌باشد

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامیان، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اسلامیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دلباخته خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. پدرش از کسبه شهر قم و از ارادتمندان به علما و مجتهدان این شهر عالم‌پرور بود که از راه چینی و بلورفروشی روزگار می گذرانید. حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه محمدیه قم به پایان رسانید. سپس به سفارش پدر، به نزد دایی خود که از فضلای حوزه علمیه قم بود، رفت و دروس حوزوی را نزد او آغاز کرد. پس از او خدمت چند استاد دیگر در زمینه ادبیات عرب مشرف شد، ضمن اینکه روابط علمی خود را با دایی خود قطع نکرد. پس از اتمام بخشی از دروس دوره مقدمات به مدرسه علمیه حقانی رفت. مدرسه علمیه حقانی در آن روزگار از مدارس مهم حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد که با روشی جدید به آموزش دروس حوزوی همت گماشته بود. در این مدرسه که مسؤول آن شهید آیت‌الله قدوسی (ره) بود، علاوه بر دروس حوزوی، دروسی که هر طلبه در امور تبلیغی خود بدان نیاز داشت، آموزش داده می‌شد، از جمله زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و... .

حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان در آن مدرسه، دروس مقدمات را پی گرفت و سپس دروس دوره سطح را در آنجا به اتمام رسانید و به درس خارج عالمان و استادان مشهور دوره خود راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد، ضمن اینکه در طی این سالها در دروس اخلاق نیز شرکت جدی داشت تا همواره علم خود را با عمل توام سازد.

حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالیان تحصیل خود به محضر استادان بسیاری راه یافت. او که دروس جامع‌المقدمات و سیوطی را نزد دایی خود و حجج اسلام علی طیبی و صدیقیان فرا گرفته بود، در درس مغنی حجهٔالاسلام والمسلمین فیاضی یزدی قمی و درس معانی و بیان آیت‌الله خزعلی و آیت‌الله گرامی شرکت کرد. او اصول فقه را نزد حضرات آیات خزعلی، جنتی و استادی، معالم الاصول را نزد استادان تقوی اشتهاردی، و شرح لمعه را نزد حضرات آیات حرم پناهی، گرامی، محمدی گیلانی، مظاهری، مصلحی اراکی، طاهری خرم‌آبادی، فاضلی اشتهاردی، شهید قدوسی و شهید سلطانی اشتهاردی آموخت و در درس رسائل حضرات آیات محمدی گیلانی، صانعی، آذری و درس مکاسب حضرات آیات خزعلی و احمدی میانجی حاضر شد. بخشی از کفایهٔ الاصول را نیز نزد آیت‌الله صانعی و تفسیر را نزد آیت‌الله مصباح یزدی فرا گرفت، ضمن اینکه در طی این سالها، دروسی همچون ادبیات فارسی، املاء و انشاء و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (ره)،

آیت‌الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، آیهًالله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیهًالله شاه‌آبادی رفت و سالها از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه چید. در بخش فلسفه نیز از محضر آیات عظام جوادی آملی، مؤمن قمی، امینی و صدر بهره برد. او در سالهای تحصیل خود با فضلا و عالمان بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان از حجج اسلام آقایان شب‌زنده‌دار، عندلیب، علی مؤمن و محمود رجبی نام برد.

حجهًالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالهای مختلف زندگی خود فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. که از جمله آنها شرکت در مجمع الفقه است که در آن به تألیف رساله‌ها و نوشته‌های گوناگون فقهی پرداخته می‌شود.

وی در طول سالهای تحصیل و پس از آن به مناطق گوناگونی سفر نموده و به تبلیغ عقاید شیعه پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به سفر او به شهر مهران و دره‌شهر در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین وی مدتی در دفتر امام (ره) به بررسی نامه‌های رسیده و اقدام مقتضی آن می‌پرداخته است.

حجهًالاسلام و المسلمین اسلامیان در طول سالهای رژیم طاغوت و پس از آن، همواره چون مردم ایران اسلامی، زندگی توام با مبارزه را طی نموده است. از فعالیتهای سیاسی وی در زمان رژیم شاه می‌توان به افشاگریهای او اشاره کرد که در سال ۱۳۵۱ به مدت دو ماه به زندان افتادند.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسماعیل پور نیازی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تابستان سال ۱۳۶۶ پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.

پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق دامان و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.

همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

در بهار سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال ۱۳۸۳ پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.

در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و پژوهشکده فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسماعیل پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

شروع به علوم قدیمه از سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.

بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایهٔ الاصول از سال ۱۳۵۷ شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.

در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اسماعیلی ایولی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسماعیلی ایولی

محل تولد : ساری

شهرت : اسماعیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.

دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.

همراه با تحصیلات سطوح عالیه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام ـ فلسفه اسلامی ـ عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم.

هم اکنون با جامعهٔ الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایرهٔ المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال ۷۹ تا ۸۴ همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اسماعیلی دهاقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن اسماعیلی دهاقانی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

اسماعیلی مبارکه، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیلی مبارکه

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اسماعیلی مبارکه در سال ۱۳۴۱ در روستای مبارکه از توابع جرقویه اصفهان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در روستای پیله وران جنوبی، و ادامه تحصیل را در شهر اصفهان گذراندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پایه اول تا سوم را در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، و سپس در سال ۱۳۶۶پایه های چهارم و پنجم را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) اصفهان گذراندم. در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۵ سطح را در قم یعنی پایه‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی شدم.

بعد از دو سال همراه با ادامه درس خارج فقه و اصول، تخصصی تبلیغ را در مدرسه عالی دارالشفاء شروع کردم و بعد از چهار سال موفق به گذراندن دوره تخصصی تبلیغ با گرایش ارشاد نوجوانان و جوانان تألیف کودک و نوجوان شدم و جزء ممتازین دوره سوم تخصصی تبلیغ، در سال ۱۳۸۰ از مرکز تخصصی تبلیغ مدرسه عالی دارالشفاء فارغ التحصیل شدم و همزمان با طی کردن ۶سال درس خارج فقه و اصول موفق به دریافت سطح چهار حوزه (دکتری) شدم.

در سال ۱۳۸۰ رسماً تدریس خود را در مراکز تخصصی حوزه:

۱- تخصصی تبلیغ تحت عنوان روش تدریس و کلاسداری و روانشناسی تبلیغ و تدریس مفاهیم دینی و تدریس دینی و قرآن، شروع کردم. ۲- تخصصی علوم حدیث، روش تبلیغ حدیث ۳- در تخصصی مهدویت، روش تفسیر برای جوانان را مشغول هستم. ۴- در دانشگاه باقر العلوم (ع) عناوینی مانند: الف) روش تبلیغ ب) روش ارائه مفاهیم دینی، عقاید، تفسیر، احکام، روانشناسی تبلیغ، روش تدریس و کلاس داری را تدریس می‌کنم. ۵- در مجموعه سفیران هدایت قم هم به تدریس مبانی اصول، روشهای تربیتی، روش تدریس، کلاس داری کودک و نوجوانان و روش تدریس و کلاسداری عمومی مشغول هستم. ۶ - در کارشناسی ارشد تخصصی تبلیغ، تدریس کلاسداری کودکان و نوجوانان مشغول می‌باشم. ۷ - در معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی نیز مشغول آموزش ۲۰۰۰ نفر از طلاب طرح هجرت بلند مدت می باشم.

اسماعیلی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل اسماعیلی

محل تولد : کریز کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از فراگیری قرآن در مکتب خانه روستای زادگاهم کریز و پایان تحصیلات ابتدایی کلاس ششم نظام قدیم در سال ۱۳۴۸ وارد مدرسه مرحوم حاج سلطان العلما حوزه علمیه شهرستان کاشمر گردیدم و طلبه شدم.

حوزه کاشمر در آن سالها بسیار پر رونق بود و از شهرهای گناباد، قاین، فردوس، بجستان و تربت حیدریه طلبه ها برای درس خواندن به کاشمر می آمدند. هر سه مدرسه کاشمر، مدرسه مرحوم حاج شیخ، مدرسه عتیق و مدرسه حاج سلطان پر از طلبه بود و با مدیریت مرحوم آیت الله سعیدی برنامه های آموزشی منظم و خوبی در جریان بود، امتحانات به طور مرتب برگزار می شد. در آن زمان تقریبا همه سطوح از ابتدایی و مقدماتی گرفته تا خارج فقه و اصول تدریس می شد. مرحوم آیت الله امامی که از شاگردان میرزای نائینی و هم مباحثه آیت الله خویی بوده است در مدرسه حاج شیخ خارج فقه می گفت. خود آیت الله سعیدی هم علاوه بر مدیریت حوزه و فعالیت های متعدد اجتماعی، مذهبی در چند مقطع تدریس می کرد.

بعد از انقلاب متاسفانه برخلاف بسیاری از شهرستانها حوزه کاشمر دچار رکود شد و اخیراً پس از تقریبا دو دهه بی نظمی و بی رونقی دوباره با همت حجت الاسلام عربی سامان گرفته است و کم کم رونق گذشته خود را باز می یابد. در سال ۱۳۵۲ به اتفاق پسر عمویم حجت الاسلام حاج شیخ علی اسماعیلی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتم.

در حوزه کاشمر دروس مقدماتی و ادبیات عرب مثل نصاب الصبیان، جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، شرح قطر، حاشیه ملاعبدالله در منطق و برخی دروس دیگر را از محضر استادان مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم حاج شیخ جواد آقا مدرسی، مرحوم حاج آقای فرقانی، مرحوم آقای شریعتی محولاتی، مرحوم آقا ضیاء اولیائی فرا گرفتم و در قم پس از چند ماه سرگردانی و نهایتاً استقرار در مدرسه حجتیه (پارک چهارم حجره ۷۵) و با استفاده از راهنمایی حاج آقای جراسیمی و حاج آقای عرب در برنامه های درسی حوزه شرکت کردم.

معانی بیان را از محضر استاد عرفانی استفاده کردم، شرح لمعه را از محضر آیت الله فاضل هرندی و بخشی از مکاسب را از محضر آیت الله صانعی و بیشتر آن را از آیت الله حاج سید علی محقق داماد و کفایه را از محضر آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. در همان زمان در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی و درس نهج البلاغه آیت الله حسین نوری همدانی نیز شرکت می کردم. قوانین الاصول میرزای قمی را نزد استاد آیت الله دوزدوزانی خواندم. معالم را از استاد فیاضی فرا گرفتم و رسائل شیخ را از محضر آیت الله فاضل هرندی استفاده کردم، مدت کمی نیز در درس آیت الله فانی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت می کردم.

در همین سالها فعالیتهای تبلیغی و سیاسی نیز داشتم و در برخی جلسات و فعالیتهای انقلابی شرکت می کردم. جلسه طلاب کاشمر که در آن سالها در منزل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم جلالی کاشمری در جوی شور به صورت هفتگی برگزار می شد و هنوز هم کم و بیش به صورت غیر منظم ادامه دارد، محور فعالیتهای سیاسی بود. در سال ۱۳۵۴ جلسه لو رفت مرحوم جلالی و حاج آقای عربی و آقای موسوی زیرک آبادی توسط ساواک دستگیر شدند و به زندان افتادند. جلسه را فردی که مدت کمی در جلسه شرکت می کرد و در ارتباط با جریان دیگری دستگیر شده بود لو داده بود، به لطف خدا من و پسر عمو و حاج آقای رضایی، احمدی، موسوی نژاد، یوسفی گنابادی، یعقوبی و ... با اینکه تحت تعقیب بودیم ولی دستگیر نشدیم.

دو بار برای دستگیری من و پسر عمویم نیمه شب ساواکیها به مدرسه حجتیه آمدند ولی من قبل از وارد شدن به حجره از آمدن آنها مطلع شدم و به حیاط مدرسه آمدم و تا آنها نرفتند با جمع زیادی از طلاب عبا به سر و مهر به دست در حیاط مدرسه و کنار حوض ماندیم و ماموران ساواک را دسته جمعی هو می کردیم. آنها بخشی از کتابها، نوار مرا از حجره بردند و از هم حجره مان آقای کاظمی پرسیده بودند که فلانی کجاست و او اظهار بی اطلاعی می کرده است. در هر صورت در جریان تظاهرات مفصل ۱۷ خرداد

سال ۵۴ در فیضیه که ماموران ساواک ریختند و عده ای را ضرب و شتم کردند و بردند و مدرسه را بستند، شرکت داشتم ولی قبل از بسته شدن درهای مدرسه از آنجا خارج شدم. روزنامه های آن زمان با عنوان مارکسیست های اسلامی تیتر کرده بودند. باز در فعالیتهای سالهای ۵۶ و ۵۷ جریان مجالس مرحوم حاج آقا مصطفی، جریان ۱۹ دی حضور داشتم.

بعد از انقلاب از دانشگاه قم مدرک کارشناسی گرفتم. در برنامه مرکز آموزشی زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شدم و مدرک سطح عالی گرفتم.

همچنین یک دوره درس خارجی فقه و اصول از محضر استادان حضرات آیات منتظری، وحید خراسانی، صانعی، تبریزی و فاضل لنکرانی استفاده کردم. بدایه و نهایه علامه را از استاد فیاضی درس گرفتم. مقداری از منظومه را نزد آیت الله انصاری شیرازی خواندم و از سالهای ۶۵ در ضمن درس کارهای پژوهشی و نوشتاری نیز می کردم. در تصحیح و تحقیق مفصل و ده جلدی مختلف علامه که بطور بسیار خوب چاپ شده و کتاب سال هم شد و جایزه دریافت کرد شرکت داشتم و بخش اعلام و تراجم و رجال آن را به اتفاق دوستم حاج شیخ علی اکبر ذاکری انجام دادم. از آن زمان تا به حال حدود یکصد مقاله مفصل علمی که بخش از آنها در مجله های فقه حوزه و برخی روزنامه ها و مجلات دیگر چاپ شده است نوشته ام و الان نیز جانشین مدیر مسئول مجله حوزه و عضو هیات تحریریه آن و دبیر شورای مطبوعات دفتر هستم.

اشتری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمّد علی اشتری فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّد حسن صاحب عنوان، واعظ فاضل، و زاهد متقّی، از موثّقین اهل منبر اصفهان، در شب جمعه ۱۸ رجب سال ۱۳۷۵ به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در بقعه آباده‌ای مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشراقی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا سعید بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد ارباب از گویندگان بنام و وعاظ گرام حوزه علمیه شهرستان قم است.

در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در قم متولد و در دامان فضل و تقوی تربیت یافته و مقدمات را نزد مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ ابوالحسن فقیهی و آقا شیخ احمد فقیهی خوانده و ادبیات را از مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید میرزا آقا نراقی دامغانی استفاده کرده و سطوح عالی را از حجج اسلامی چون مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله حاج آقا روح‌الله کمالوند استفاده نموده و چندی از درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر که در نجف اشرف به سر می‌برند بهره‌مند شده و به تبلیغ دین و ترویج احکام و وظائف روحی و دینی از اقامه جماعت در مسجد سیدون پرداخته و هم از راه منبر و مواعظ حسنه مردم قم و سایر

نقاط را بمبانی دینی و قرآن و اخلاقی آشنا می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشراقی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۳۱۳ ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌اللّٰه حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب‌نظر گردید. در حیات آیت‌اللّٰه حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌اللّٰه حائری؛ و تعلیقاتی برکتب فقهی و اصولی.[۱]

میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمنا علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال ۱۳۲۱ شمسی رسما در سلك روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبش فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:

۱- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیریست که با معیت آقای محمد فاضل نوشته است.

۲- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر ۳- سخن حق در تفسیر در ۲۰ مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان ۱- دانستنیهائی از اسلام ۲- شرح بر عروۀالوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید ۳- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.

میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال ۱۳۱۳ ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلك شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته

است

مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منیع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ در تهران سکته قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.

تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۱۹/۲۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴ -۱۸۳ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸ -۳۳۷ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ -۲۴۵ /۲).

اشرف الواعظین یزدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۷۸ ش)، محدث و واعظ. وی از حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و شیخ مرتضی آشتیانی و حاج شیخ‌عباس محدث قمی روایت می‌کرد. در سالهای آخر عمر به تهران مهاجرت کرد و در تهران درگذشت. از آثار وی: «جواهر الکلام فی سوانح الایام»؛«جواهر العدیدیه» یا «گنج جواهر دانش»؛ «الدرر السنیه فی المواعظ العددیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۶ /۱۸، ۱۲۷ -۱۲۶ /۸، ۲۷۷ /۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۱ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۹ - ۶۲۸ /۲).

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه، مجتهد.

تولد: ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی شهر).

شهادت: ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی

اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حوروزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده ۱۳۹۱ ق. (۱۳۸۵) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.

معظم له در حدود ۱۳۳۸ قمری در سده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول

نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشرفی، امیررضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیررضا اشرفی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده بردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.

بین سالهای ۱۳۶۷تا ۱۳۷۰ در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمه آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایهٔ الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود ۵ سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود ۴ سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده بردم.

همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال ۱۳۷۴ از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۸ از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد ۱۳۸۵ از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با

مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.
ضمناً از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن ۱۳۸۵ به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم. والحمد لله رب العالمین.

اشرفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اشرفی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای متوسط و کارگر دیده به جهان گشودم و در سن هفت سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و دوره راهنمایی و متوسطه را تا سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ پس از اتمام دوران سربازی وارد حوزه علمیه دامغان شده و پس از شش ماه با پایان رساندن سال اول حوزه به شهر مقدس قم عزیمت کردم و در مدرسه رضویه که تحت پوشش مرکز مدیریت بود، قبول شدم و دوره مقدمات و سطح را ۸ ساله به پایان رساندم.
در سال ۱۳۷۲ در درس خارج آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کردم و درس خارج فقه را به پایان رسانده و پس از آن در درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی شرکت نموده و همزمان درس خارج فقه آیهٔ الله نوری همدانی نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۷۲ با آزمون، وارد درس تخصصی تفسیر شدم و پس از چهار سال موفق شدم که دوره را به پایان رسانم. ضمناً در کنار درس فقه و اصول حوزه حدوداً ۲۰ سال است در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی شرکت می نمایم و مدت ۷ سال از درس خارج فقه ایشان نیز بهره جسته ام.
در سال ۱۳۷۶ وارد دوره تخصصی فقه شده و پس از ۴ سال آن را به پایان رساندم. ضمناً در زمینه های حدیث، رجال، فلسفه و عرفان بصورت ناپیوسته آموزش دیده ام. در سالهای ۸۰ الی ۸۳ توفیق تدریس فقه را در مدرسه صدوقی فاز ۴ داشتم و قبل از آن کتاب منطق مظفر را دو دوره تدریس نمودم.
نام اسا تید اصلی در حوزه:

۱. جوادی آملی/ تفسیر/ قرآن/ ۲۰ سال

۲. جوادی آملی/ خارج فقه/ مکاسب/ ۷ سال

۳. فاضل/ خارج فقه/ حج/ ۶ سال

۴. نوری همدانی/ خارج فقه/ مسائل مستحدثه/ ۴ سال

۵. سبحانی/ خارج اصول/ خارج کفایه/ ۶ سال

۶. مکارم/ فقه و اصول/ طهارت/ ۲ سال

۷. محقق داماد/ مکاسب بیع/ ۴ سال

۸. اعتمادی/ اصول/ کفایتین/ ۲ سال

اشرفی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی بن العلامهٔ الفقیه حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی مزبور از علماء و افاضل معاصر شاهرود می‌باشند.

ایشان در حدود ۱۳۵۴ قمری در شاهرود متولد شده و در دامن والد عالیمقامش آیت‌اللّه اشرفی تربیت یافته و مقدمات و اولیات و سطوح وسطی را در تحت نظر آن بزرگوار خوانده و بعد به ارض اقدس مشرف و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مشهد مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم قزوینی و آیت‌اللّه دامغانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت. و از محضر آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه حلی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب پرداخته و بیش از پنجاه نفر طلبه به درسش شرکت و به گفتن دروس نهائی سطح مشار بالبنان گردیده تا قبل از فوت والد مبرورش که مراجعت به ایران کرده و اکنون در شاهرود به جای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین اشعری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در شرائطی که سالهای ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدائی و ششم را به اتمام رساندم ۲ سال هم تا کلاس ۸ دبیرستان را شبانه خواندم ولی مشکلات مادی خانواده مرا به بازار و شاگردی و شغل آزاد کشانید و در کنارش با تشویق پدر دروس حوزوی را از نصاب الصبیان و جامع المقدمات آغاز کردم و در حالی که هنوز وارد حوزه نشده بودم، بالاخره با ادامه دروس مقدماتی حوزه در مسجد امام حسن عسگری (ع) و مسجد بالاسر در حالی که تازه ازدواج کرده بودم.

در اوایل سال ۱۳۵۰ قدم به حوزه علمیه گذاشتم و ادامه تحصیل با شرکت در دروس حوزوی سیوطی آقای فشارکی در مسجد امام

و شرکت در تفسیر آقای مشکینی و حاشیه ملاعبدالله و بالاخره در درس مغنی و مختصر اساتید بزرگ حوزه و لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایه و فراموش نمی کنم که در اولین سالهای شرکت در درس خارج گلپایگانی مباحث فقهی امام خمینی (رضوان الله) در مسجد اعظم و آیات عظام گلپایگانی و گاهی درس خارج آقای منتظری هم می رفتم و حتی در امتحانات سراسری که از طرف آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری انجام می شد با رتبه بالا و قبولی در رتبه سوم کتبی و شفاهی حضور پیدا کردم.

در حاشیه مباحث حوزوی از شرکت در همه صحنه های انقلاب کوتاهی نکردم بخصوص در سرودن اشعار حماسی چه در تقویت بنیه شعری مداحان و چه در پرشور کردن نوحه سرائی برای محرم و صفر و دسته جات و هیات که از استثنایی ترین سروده های شعر که جنبه حماسی و انقلابی داشت بصورت جزوه هایی چاپ شد، بنام نهضت کربلا و از عاشورا تا عاشوراها و سرودهای اسلامی و فلسطین کلاس انقلاب در اولین سالهای پیروزی چاپ شد و با تشویق بعضی از ناشران مانند آقای مصطفی زمانی و آقای حق جو به ترجمه دیوان حضرت علی (ع) در ۴۰۰۰ شعر و تألیف بعضی از کتب تاریخی و مراثی مانند: ۷۲ مجلس در عزای مظلوم و فاطمه زهرا (س) از دیدگاه قرآن و عترت و آموزش جوان و چاپ اشعار دوران بحرانی انقلاب و دفاع مقدس بنام شعر مسئول و شهید در آغوش مهدی، بسوی کربلا، شهید و شهادت و در ادامه ترجمه بعضی از دعاهای معروف که بیشتر در جلسات عمومی خوانده می شود اقدام کردم از قبیل ترجمه منظوم دعای کمیل و دعای ندبه و زیارت عاشورا و دعای توسل و زیارت ناحیه در حالی که به ترجمه منظوم نهج البلاغه حضرت علی (ع) در حاشیه درسهای حوزوی که درس فقه آقای مکارم و درس تفسیر آقای جوادی آملی کوشا بودم و هستم.

سرانجام آخرین سروده های منظوم که به پایان رساندم ترجمه منظوم قرآن مجید ولی متأسفانه موفق به چاپ سروده های نظمی نهج البلاغه و قرآن نشدم ضمناً با شرکت در هیات مذهبی مثل مجله مجمع عاشقان محسن علیه السلام با این مجمع در تألیف جزوه های فصلی و ماهانه این هیئت همراهی کردم و بیش از ده مورد مقالات و جزوه ها به چاپ رسانده شد و خلاصه در نیمه مناسبتهای دوره های سال حداقل چند شعری می سرودم و درباره اهل بیت علیهم السلام و مناسبتهای ارگانها و نهادها و شخصیتهای مذهبی و علما و مراجع و شخصیتهای رزمی و حماسی سروده های چاپ نشده دارم.

ممکن است سوال کنید که چرا در ارگانها و نهادهای مذهبی و انقلابی حضور فرهنگی و اجتماعی نداشم که شاید عمده چیزی که مانع بود و این توفیق را از من سلب کرد، فرزند مریضی بود که بیماری مادر زادی داشت و تا سن ۲۵ سالگی که فوت کرد خودم در کنار مادرش به سرپرستی او و جابجائی کردن و حتی حدود ۱۶ سال بود که هرگز از جا حرکت نمی کرد و خودم او را می خواباندم و برای قضاء حاجت بغل می کردم و... و ۲۵ سال بحرانی ترین دوره زندگی اینجانب به مساعدت و کمک و سرپرستی از این فرزند گذاشت ولی سر انجام حدود ۱۰ سال قبل این امانت الهی را خداوند از من گرفت و در خاتمه با کمال عذر خواهی از آنجایی که «تزکیهٔ المرء لنفسه قبیح» ولی از طرفی هم خداوند می فرماید: «و اما بنعمه ربک فحدث» به این مختصر بسنده می کنم خداوند شما و این حقیر را در انجام تکالیف موفق گرداند.

اصالت، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله اصالت

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱۲/۱۰

اصغری نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اصغری نژاد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اصغری نژاد فرزند یوسف متولد ۱۳۴۲ از پیش از سال ۱۳۶۰ به طلبگی رو آورده، حدود یک سال در قم به علوم حوزوی مشغول شدم. سپس وقفه ای در آن ایجاد گردید و مجدداً در سال ۱۳۶۱ در تهران و سپس در قم به ادامه تحصیل در این دروس مشغول شدم.

خدمت اساتیدی چون آیت الله ستوده و آیات عظام: محامی، بهجت، انصاری، ممدوحی و... به تحصیل پرداختم. البته آنچنان که باید به کسب علم مشغول نشدم و این به علت گرفتاریهای مالی و غیر آن بود. حدوداً از سال ۱۳۶۹و یا ۱۳۷۰ به کارهای نوشتنی رو آوردم و از آن زمان تاکنون مطالبی را گرد آوری و تالیف نموده ام.

اصغری، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصغری

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سالهای ۱۳۴۵ – ۱۳۴۶در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.

در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.

با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و درسال ۱۳۵۴به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.

در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است. بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام)خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی، جمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ جمال‌الدین بن حاج شیخ محمدباقر اصفهانی برادر مرحوم حاج آقا نوراللّه که پس از فوت برادرش به قم آمده و منبرهای داغ و با حرارت و پرسوز و گدازی رفت و سر و صدائی بلند کرد آن عالم جلیل از رؤساء علمای اصفهان بود در سال ۱۲۸۴ متولد شده در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرده آنگاه مهاجرت به نجف و در درس مرحوم میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی تلمذ نموده و سپس به اصفهان مراجعت کرده در جنگ بین‌الملل اول در سال ۱۳۳۲ روسها به تهرانش بردند و تا آخر عمر در آنجا ساکن و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت یکی دو سال قبل از فوتش تبعید به اصفهان شده و در شب یکشنبه ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۵۴ وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید معظم له از علماء متنفذ و محبوب‌القلوب عندالخواص والعوام بود شبهای جمعه در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و هم در موقعی که در اصفهان بود در تخت‌فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیاء می گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می‌نمودند در اصفهان در مسجد شیخ لطف‌اللّه و در تهران در مسجد حاج سید عزیزاللّه بازار امامت می‌فرمود.

ماده تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلم حبیب‌آبادی ضمن قطعه‌ای گفته است:

بماه و سال و تاریخ وفاتش

بگفت این شعر با حالی مرفه

جمادای یکم در بیست و پنجم

(جمال‌الدین بجنت رفت ناگه)

والده ماجده‌اش از سادات اخوی تهران دختر عموی داماد گرامی نگارنده آقای سید حسین تقوی تهرانی (سادات اخوی) و زوجه اولیه‌اش دختر مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن عراقی متولد ۱۳۲۵ و متوفی ۱۳۴۷ می‌باشد.

(۱۳۵۴ –۱۲۸۴ ق)، فقیه و امام جمعه. در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرد. آن‌گاه به نجف رفت و در محضر میرزا

حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ کرد، سپس به اصفهان بازگشت. در اوایل جنگ جهانی اول به علت مخالفت با روسیه‌ی تزاری از اصفهان به تهران تبعید شد. وی از علمای طراز اول تهران و یاران مدرس و مدتی نیز امام جمعه‌ی تهران بود. حاج آقا جمال از هنگامی که رضاخان می‌خواست جمهوریت را پی‌ریزی کند با او به مخالفت برخاست و سرانجام به اصفهان تبعید شد. وی در همان جا درگذشت و شایع شد که توسط عوامل رضاخان مسموم شد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره القبور (۲۳۷ -۲۳۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۱ -۱۸۹ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۶ -۲۳۵ / ۱).

اصفهانی، سمیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلای ساکنین نجف اشرف، عالم متقی، و فاضل صالح، در نهایت زهد و تقوا بوده، و در جمع کتب، مولع، و آنها را یا خود وقف نموده، و یا وصیت به وقف کرده.

در ۱۳۲۷ وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصفهانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالله اصفهانی در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ساری دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه مازندران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی، اخلاقی فراوان برد.

وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله مازندرانی، شیخ مهدی زمانی و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد.
استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد قائم شهر مشغول است و علاوه بر تدریس هم اکنون مدیر گروه معارف شبکه تلویزیونی طبرستان می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله "تفسیر موضوعی قرآن کریم "، "اخلاق اسلامی کلیات و مفاهیم" و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید احمد، عالم فاضل جلیل. پدرش از اهل علم و صلاح بوده، و برادرش سید محمد صادق در قریه‌ی دولت‌آباد ساکن، و به ترویج دین مشغول بوده، و در سال ۱۳۴۵ وفات یافته.
پس از آن صاحب عنوان بنا به تقاضای اهل محل بدانجا رفته، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته، در ۱۳۷۴ وفات یافته، در مقبره‌ی امامزاده نرمی مدفون گردید، و تألیفاتی دارد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفیانی شندآبادی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی، آیت‌اللّه حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم ایت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسرو شاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر سید اسماعیل اصفیانی شند آبادی «میرعبداللّه» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌اللّه حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی

و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدمرتضـی خسروشاهی در حـد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسـین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد سراغ دیگران می‌رفت.وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت:«ایشان هم ملّا هست تو هم ملائی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!»که من خندیدم و گفتم:«تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! امّا ما چی؟!»بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. امّا صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت. «دیشب چه گفتی راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتیم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!»فعالیتهای ضمن تحصیل : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیتهای مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل‌بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاک تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. با این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدّی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد.همسر و فرزندان : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتنداز:۱ – سیدعبداللّه فاطمی‌نیا وعظ شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران۲ – سیدمحمد اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی(ره)۳ – سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان۴ – سیدمحسن اصفیائی پیشه‌وروقایع میانسالی : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصا آیاتی را که عتاب آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاریشان مسجد را پر می‌کرد.آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید:«مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سئوال کردم و پرسیدم، آیا هرکس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنامت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «وینادیک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بربوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.»زمان و علت فوت : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۸، مطابق ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۱۰ هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر

پاک و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسؤلیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت.فعالیتهای آموزشی : روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می‌کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌اللّه بوسیله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تاسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولّی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهایی مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال ۱۳۳۸ شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می‌کنند و می‌گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دلهای ما رخنه دهد، آیت‌اللّه شندآبادی بود.آرا و گرایشهای خاص : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت.آثار : ۱ تحقیق و چاپ «محاسبهٔالنفس» سیدبن طاووس ویژگی اثر : شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده است۳ محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ۲ کشف‌الریبه

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

اصلانی، مختار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار اصلانی

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار اصلانی در سال ۱۳۵۲ در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمائی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.

روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمائی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.

در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام" تاریخ پیدایش شیعه "بوده است.

اصولی، احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان اصولی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهرماه ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه کاشان، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام قمصر وابسته به مدرسه علمیه حضرت آیهٔ الله یثربی قدس سره شدم. همزمان با تحصیلات حوزوی در قمصر و کاشان دروس دوره متوسطه را نیز به صورت متفرقه امتحان داده و در سال ۱۳۷۱ دیپلم رشته فرهنگ و ادب را اخذ نمودم.

همزمان با پایان سطح ۱ حوزه، در دانشگاه کاشان به صورت شبانه در رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی قبول شده و البته به دلیل آن که دروس حوزوی را نیز مشغول بودم از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ دوره کارشناسی را به پایان رساندم. از سال دوم حوزه ارتباط با برخی مراکز فرهنگی شهرستان برقرار نموده و در برنامه ریزی و تدریس در آن مراکز فعال بودم. از سال ۱۳۷۴ همکاری با جناب آقای بنی هاشمی در تدوین رساله توضیح المسائل مراجع را آغاز نمودم و پس از آن نیز فعالیتهای علمی و تألیفی مشترک ادامه داشته است.

در سال ۱۳۷۹ برای رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شده و همزمان با حضور در درس خارج فقه واصول، در دوره کارشناسی موسسه نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۸۵ نیز دوره کارشناسی ارشد علوم

سیاسی موسسه مزبور را شروع کرده و هم اکنون در آستانه نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد می باشم.

از سال ۱۳۷۵ تاکنون تدریس دروس مختلف مدیریت فرهنگی، روش تدریس، نظام سیاسی اسلام، نظام حقوق زن در اسلام و ... را در حوزه علمیه خواهران کاشان بر عهده داشته و بیش از بیست پایان نامه را راهنمایی نموده و یا در موارد بیشتر از این، مشاوره ارائه کرده ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون داوری و ارزیابی پایان نامه های حوزه های خواهران در استان اصفهان را با حکم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران عهده دار بوده ام.

همچنین از سال ۱۳۷۷ تاکنون توفیق مدیریت برنامه ریزی و اجرایی مرکز فرهنگی تبلیغی قرآن و عترت علیهم السلام وابسته به حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی کاشان را داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز تدریس دروس انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، آشنایی با قانون اساسی ج. ا.ا را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام داده ام.

در قم نیز از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ در مدرسه علمیه فاطمی به تدریس صرف و نحو و عقائد پایه ۱ تا ۳ و در مدرسه اهل البیت (ع) عقائد پایه ۷ (الهیات آیهٔ الله سبحانی) مشغول بوده ام. خداوند مهربان توفیق روزافزون عطا فرماید.

اعتماد کربلائی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی اعتماد کربلائی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محسن فرزند آقا سید محمد فرزند علامه شهیر آقا سید حسین بهبهانی حایری فرزند عالم بزرگ آقا سید سعید از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در ماه شعبان ۱۳۴۶ ق در کربلای معلی متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات خدمت اساتید بزرگ مقداری از علم بلاغت و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف بیاری شاهرودی استفاده نموده آنگاه به درس خارج اساطین علم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه میرزا هادی خراسانی و بیشتر حضرت آیت‌اللّه العظمی حج سید محمدهادی میلانی فقهاً و اصولاـ بهره‌مند شده و علم کلام و معقول را از مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدرضا اصفهانی فراگرفته و جدیت و کوشش در تحصیل نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل و موفق به اخذ اجازات اجتهاد از علماء اعلام گردیده و در موقع اقامتشان در کربلا در حرم مطهر حسینی اقامه جماعت و در صحن مقدس اشتغال به تدریس داشته و جمعی از طلاب از درس و محضر و فقه و اصولش استفاده می‌نمودند.

معظم له دارای آثار و تألیفات عدیده به اسامی زیر می‌باشند

۱- کتاب بلاغهٔالحسین (ع) که تاکنون هفت مرتبه به طبع رسیده است.

۲- کتاب وحی الفطره در اصول دین ۳- وحی الاخلاق.

۴- سیدالشهداء ۵- کتاب روائع در کلمات امام حسن (ع)

۶- شرح بر قصائد مثیرالاخوان ۷- شرح مزجی بر کفایه.

۸- شرح استدلالی بر بعضی از کتابهای تبصره ۹- شرح استدلالی بر مناسک آیت‌اللّه خوئی.

۱۰- شرح استدلالی بر عروهٔالوثقی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتماد کریمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کریمی اعتماد فرزند حاج میرزا عباس کریمی ذاکر الحسین علیه‌السلام در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در حومه اراک به دنیا آمد و در مهد دانش و ورع پرورش و پس از خواندن دروس ابتدائی اشتغال به تحصیل علوم دینی نمود.

و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء اعلام اراک آموخته و بعد مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از محضر مدرسین بزرگ قم فراگرفته سپس به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و بالاخص آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و دیگران شرکت و استفاده نموده و برای تبلیغ و ارشاد مردم مسافرت به بنادر دوردست چون بندرعباس و بندرلنگه و به ویژه شهرستان میناب نموده و در آن منطقه خدمات چشمگیر و ارزنده‌ای انجام داده و تا حال تحریر که سال ۱۴۱۱ قمریست اکثر سال را در آن منطقه گرمسیری و حرارت بیش از پنجاه درجه به سر برده و ایفاء وظیفه می‌نماید و چند مرتبه هم مشرف به حج بیت‌اللَّه الحرام شده و در سال ۱۳۵۴ شمسی در حج بودند که مرحوم والدشان حاج میرزا عباس پس از سخنرانی و گفتن مسائل حج و احکام اسلامی و بیان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دنیا را وداع گفته و در شب عید غدیر سال ۱۳۹۴ قمری به رحمت حق پیوسته و به لقاءاللَّه رسیدند.

آقای کریمی یاد شده دارای اجازات روائی و امور حسبیه و غیره از آیات عظام زیر می‌باشند:

۱- آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم

۲- آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی

۳- آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی

۴- آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی

۵- آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

۶- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی قدس سره

۷- آیت‌اللَّه میلانی طاب‌اللَّه ثراه

۸- آیت اللَّه مدرس تبریزی

دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- الشیعه و ولید الکعبه تحقیقی در پیرامون سنت

۲- نخبه المواعظ در خصوص صله رحم و حقوق والدین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اعتماد، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی اعتماد الواعظین شمس گیلانی رشتی از خطباء و دانشمندان مبرز و مشهور شهرستان رشت بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۲۳ قمری در رشت متولد و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری فقهاً و اصولا و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی آشتیانی معقولا و دیگران استفاده نموده آنگاه به گیلان و وطن خویش باز گشت.

و از راه منبر به ارشاد و هدایت مردم و نشر احکام و معارف اسلام پرداخته و شهرت بسزائی یافته و هزارها مردم غافل و منحرف را به سوی حق رهبری نموده وصیت و شهرتش به تمام گیلان و مازندران و آذربایجان و غیره رسیده و مورد استقبال مردم قرار گرفته که در ماه مبارک رمضان و محرم و صفر و غیر آن با دعوت قبلی از بیاناتش استفاده می‌نمودند.

و حقا مردی دانشمند و محقق و استاد در فن منبر و دارای معقول و منقول و مورد توجه علماء و مراجع گیلان و ایران و عراق بود در سال ۱۳۸۲ قمری پیامی از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله برای دو نفر از زعماء و مراجع بزرگ قم آورده بود که نگارنده هم با مصاحبت ایشان در یک روز چندین مرتبه خدمت علمین رفت و آمد نمودیم مرحوم اعتماد بعد از مراجعت به قم در سال ۱۳۸۷ ق در رشت وفات نمود.

از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش زبدهٔ الخطباء المعاصرین و عمدهٔ الوعاظ والمحدثین آقای حاج شیخ حسن شمس گیلانی واعظ که از گویندگان مشهور معاصر تهرانست.

وی در رشت متولد و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات به نجف مهاجرت و پس از استفاده از محاضر آیات عظام نجف به قم آمده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران بهره‌مند شده و به تهران رحل اقامت افکنده و تاکنون به خدمات دینی از راه منبر اشتغال دارد

وی دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از نظرتان جلوه می‌دهم

۱- تاریخ علماء و شعراء گیلان طبع: تهران

۲- ترجمه مکالمات حضرت رضا (ع) با ملل و مذاهب مختلفه طبع: تهران

۳- باغ‌وحش یا دورنمای دنیای روز طبع: قم

۴- کشکول شمس طبع: تهران

۵- اوراق سیاه یا گوشه‌ای از جنایات بنی‌امیه طبع: تهران

۶- شعله‌های آتش یا پاره‌ای از سخنان حسین و یارانش طبع: تهران

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اعتمادزاده، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقهٔالمحدثین حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین تهرانی از افاضل دانشمندان و وعاظ معاصر تهرانست، وی در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات و ادبیات در عصر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مدرسین دیگر متون فقه و اصول را به پایان رسانیده و پس از آن مراجعت به تهران و از محضر بعضی اعلام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه شاه‌آبادی و غیره استفاده و تا حال حاضر از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبانی اخلاق و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

نگارنـده گوید: جناب آقای حاج اعتمادزاده از وعاظ نامی و محدثین گرامی حاضـر است و در میان مردم تهران و بالاخص متدینین محبوبیت و موقعیت خاصی دارد، و جدا دانشمندی متین و واعظی با کمال و موصوف به تقوا و متانت است.

مرحوم والـدش حـاج شـیخ علی‌اکبر اعتمـادالواعظین از بزرگان اهل منبر تهران بودنـد که به عللی تهران را ترک و به عتبات عالیات مهـاجرت و تـا آخر عمر مجاورت کاظمین علیهاالسـلام را اختیار و در همانجا بـدرود حیات گفته و در جوار آن بزرگواران مـدفون شده است.

وی دانشـمندی ظریف و خوش‌مجلس و مزاح و دارای محـاسن اخلاـق و محامـد آداب بودنـد از باقیـات الصالحـات مـترجم گرامی فرزند ارجمند و فاضل او ثقهٔالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا نجم اعتمادزاده است که از وعاظ جوان و خطباء خوش‌بیان معاصر است.

ایشان در حدود ۱۳۵۴ ق در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و عمل پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصـیل علوم عربی و دینی به قم مهاجرت و چندین سال اشـتغال به تحصـیل داشته و متون فقه و اصول را از مدرسین معروف حوزه آموخته و چنـد سالی به درس خارج آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و بعضـی دیگر شـرکت نموده و پس از فـوت مرحـوم بروجردی بـه تهران برگشـته و تـا هم‌اکنـون بـه تبلیـغ دیـن و وعـظ و خطـابه اشـتغال دارد. و ماننـد والـد گرام وجد عالیمقامش واعظ شیرین و متین و اخلاقی و واجد مقام فضل و دانش می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد عباس اعتمادی بن حجهٔالاسـلام عالم فاضل آقا سـید محمود بن حجهٔالاسـلام آقا سـید رضـی بن العالم الجلیل آقا سـید مهدی کاشـانی از علمـاء و فضـلاء معاصـر کاشانست پـدرانش همگی از سلسـله سادات و علماء کاشان بوده‌انـد- وی در ۲۹ ماه ذی‌الحجه ۱۳۴۸ قمری در کاشان متولد شده و در مهد علم و فضـیلت پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به ارشاد والدش به تحصـیل علوم عربی پرداخته و مدت دو سال ابتداءاً در حوزه مرحوم آیت‌اللّه یثربی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود نجفی اشتغال داشته.

و در سال ۱۳۲۶ شمسی به قم مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۳۴ شمسی اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشـی مـدظله و آیـت‌اللّه العظمی گلپایگـانی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقـق دامـاد اسـتفاده نمـوده و نیز از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه حاج شـیخ عبدالنبی اراکی و آیت‌اللّه حاج شـیخ محمدعلی عراقی بهره‌مند شده و مدت چهار سال از دروس خارج آیات عظام مـذکور کامیاب گردیـده آنگاه به مشـهد مقدس رضوی مشـرف و دروس حکمت و فلسـفه را در آنجا از مرحوم کلباسـی و اسـتاد فیض اسـتفاده کرده سـپس مشـرف به نجـف و در مـدرسه آیت‌اللّه بروجردی اقـامت و از اول ورود به حوزه درس آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظلله حاضـر و نزدیک دو دوره از اصول آن بزرگوار و نیز در بحث فقه آن استاد بزرگ تا پایان توقف در نجف شـرکت نموده و هم از محضـر مرحوم آیت‌اللّه سـبحانی میرزا عبـدالهادی شـیرازی و آیت‌اللّه حـاج سـید محمود شـاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید یحیی مـدرس یزدی و آیت‌اللّه حاج شـیخ حسـین حلی و بالاخص بحث خصوصـی مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جواد طباطبائی تبریزی (قالب مثالی آیت‌اللّه بروجردی در شباهت) استفاده نموده تا در ماه شعبان ۱۳۸۱ قمری از نجف مراجعت و به امر والـداش به کاشـان رحـل اقـامت افکنـده و تـاکنون به وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسـجد اعظم (کرسـی) و

ارشاد انام و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند

از آثار ایشانست در این شهرستان ساختمان (دارالعلم اسلامی) که مرکز مطالعه عمومی و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه است و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد خدمات معظم له گشته‌ام

دیگر از آثار خالده معظم له- از این قرار است ۱- مسجد اعظم کرسی با سقف آئینه که در ایران کم‌نظیر است ۲- مسجد النبی (ص) که از مساجد آبرومند کاشانست ۳- مسجد خاتم‌الانبیاء که بهترین مسجد مدرن شهر است ۴- مسجد جامع حضرت امیرالمؤمنین (ع) که بسیار مجلل است ۵- مسجد مهدیه که در خارج شهر بنا نموده‌اند ۶- مسجد الحسین (ع) در همان محل ۷- مدرسه علمیه و کتابخانه عمومی که در مرکز شهر بنام (دارالعلم) اسلامی کاشان که اشاره نمودم- و اما آثار قلمی ۱- دیوان اشعار در دو جلد ۲- کتاب کشکول اعتمادی به نام (ویترین) ۳- حقیقت مرام در اجتماع یا یک ایده‌لوژی صحیح- معظم له دارای اجازه عدیده از مراجع نجف و قم می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، محمد هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی اعتمادی بلیانی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم. تا کتاب شریف معالم را نزد اساتید در مدرسه مبارکه امام مهدی (عج) زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) تلمذ نمودم. آنگاه در حوزه، اکثر ابواب لمعتین را نزد مرحوم آیت الله وجدانی فخر و حضرات آیات محقق داماد، شیخ علی پناه اشتهاردی، و... فرا گرفتم.

رسائل را در محضر آیهٔ الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب محرمه را در محضر آیت الله دوزدوزانی، بیع را در نزد آیت الله بنی فضل، خیارات و جلدین کفایه را در محضر استاد عالی قدر آیت الله ستوده فرا گرفتم. پس از اتمام سطح، اصول (درس خارج) را به مدت ۶سال در درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت داشتم. چند سالی هم در درس خارج یکی از اساتید و همچنین در محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده بردم. بدایه را از محضر آیت الله مدرسی یزدی که بعداً عضو شورای نگهبان شدند استفاده و از نوارهای استاد فیاضی هم بهره مند شدم. این بود اجمالی از مراحل تحصیلی در حوزه مقدسه علمیه قم.

اعرافی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اعرافی

محل تولد : میبد– محله شهیدیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال ۱۳۳۸ در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیك امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.

استاد اعرافی تحصیلات کلاسیك خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال ۱۳۴۹ به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدّی داشت.

او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجهٔالاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجهٔالاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، حجهٔالاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجهٔالاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیتهای بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التربیهٔ) اشتغال داشته است.

ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزین علوم است.

او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد. استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤولیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.

او در سال ۱۳۷۱ با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعرجی، محمد اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر ابو صالح حسینی سبزواری اصفهانی. امام جماعت و واعظ مسجد شاه، و صاحب تألیف و تصنیف بوده، از آن جمله است:

۱- رساله‌ای در اصول دین ۲- رساله‌ای در تجوید ۳- کتابی در ادعیه.

وفات او در اواخر قرن دوازدهم بوده، و ایشان را سه پسر است:

۱- میر محمّد رفیع ۲- میر محمّد تقی، شیخ الاسلام ماربین ۳- میر محمّد باقر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اعلایی بنابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اعلایی بنابی

محل تولد : بناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان ها مشغول این درسها بودم.

در سال ۱۳۷۵ پـدرم از دنیا رفتنـد و بنـده در همان سال رسـماً طلبه حوزه حضـرت ولی عصـر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقـدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضـمن تحصـیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صـرف ساده، عوامـل، صـمدیه، منطـق مظفر، مغنی، اصـول فقه مظفر و... . از اساتیـدی که در آن مـدرسه از وجود آنهـا بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای اسدپور و ... را نام برد.

در سال ۱۳۷۸ به قم مقـدسه آمـدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضـیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیـم و از محضـر حضـرت حجت الاسـلام والمسـلمین حـاج آقـای رحیقی و حضـرت حجت الاسـلام و المسـلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسـفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شـرح فصوص قیصـری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذراندیم. در ضمن تحصـیل علوم عقلی، از محضـر حضـرت حجت الاسـلام و المسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظله) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم.

بنده در ضـمن تحصـیل به تدریس کتابهای بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایهٔ الحکمه، مکاسب محرمه و رجال و سند شناسی مشغولم.

اعلمی حائری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسـین اعلمی حائری در سال ۱۳۲۰ ق. در خطّه کویری نـائین در روسـتای مهرجـان، که در حوزه جغرافیـایی جنـدّق از توابع شهرسـتان نائین قرار دارد، دیـده به جهان گشود.در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسـین اعلمی می گـذشت، به سال ه.ق روانه حوزه نجف شـد و درمـدت اقـامت خود دراین شـهر، شب و روز درس می خوانـد، پژوهش و مطـالعه می کرد و از محضـر بزرگان ومجتهـدان معروف کسب فیض می نموده تـا این که پس از هفـده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شـد.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیـات و معـارف اسـلامیوالدین و انسـاب : محمـد حسـین در خانـدانی به دنیـا آمـد که فضای آن، به نور دانش دینی و ارزش‌های متعالی مذهبی، روشن بود. او در سایه پر مهر و محبت پدرش، دوران کودکی را پشت سر نهاد و کتاب‌های دینی، بویژه قرائت قرآن مجید، را از پدر دانشـمند خود فراگرفت. پدر محمدحسـین اعلمی، به شـیخ سـلیمان مهرجانی، شـهرت دارد. با پژوهش و مطالعه در زندگی فرزندش، بر می‌آید که او یکی از عالمان آن دیار و از شأن و منزلت والایی برخوردار بوده است.تحصـیلات رسمی و حرفه ای : هنگامی که محمدحسـین اعلمی حائری ، به سن ده سالگی می‌رسـد، درسال ۱۳۳۰ ق، همراه پدر، روانه مشـهد مقدّس و حوزه پربار طوس گردید. از قرائن برمی آید در مدّتی که او در مشـهد به تحصیل اشتغال داشته، پدرش نیز با او بوده است.محمدحسین در جوار بارگاه حضـرت رضا (ع) به فراگیری دانش‌های رسمی دینی پرداخت و مقدّمات دروس حوزه، همانند صرف و نحو و منطق و مقـداری از اصول فقه، را نزد اسـتادان حوزه مشـهد، فراگرفت. در این که اسـتادان او در مشـهد چه کسانی بودند و چند بهار از عمر خویش را در این شـهر سپری کرد و دقیقـاً چه درس‌هـایی را آموخت، چنـدان روشن نیست؛ ولی گویا چهار پنـج سال در مشـهد به

ادامه تحصیل پرداخت. در نجف، تحصیل جدّی این طلبه جوان برای آموختن علوم دینی و مبانی اجتهاد آغاز می‌شود. در مدت اقامت خود در این شهر، شب و روز درس می‌خواند، پژوهش و مطالعه می‌کرد و از محضر بزرگان و مجتهدان معروف کسب فیض نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.او ضمن این که در درس بزرگان علوم فقه و اصول شرکت می‌جست، خود نیز کتاب‌های سطوح حوزه مانند مکاسب و رسائل و کفایه را تدریس می‌کرد و جمعی از طلاب و فضلا در حوزه درس او حاضر می‌شدند. این بزرگوار از دو تن از استادان برجسته نجف؛ مرحوم میرزا حسین نائینی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی، اجازه اجتهاد گرفت و نیز اجازه‌های روایتی فراوانی از بزرگان حدیث و رجال، دریافت کرد.محمدحسین اعلمی، وقتی که از مکّه به نجف برگشت، چندان در نجف باقی نماند؛ بلکه بلافاصله از آنجا به سوی کربلا حرکت نمود و در جوار قبر مقدس حضرت امام حسین (ع) اقامت گزید. او در حوزه کربلا نیز از تحصیل دانش باز نایستاد و از محضر فقیهانی چون: آیهٔاللّه آقاحسین قمی، آیهٔاللّه سیدمهدی شیرازی و آیهٔاللّه شیخ هادی، بهره جست. وی در سال ۱۳۷۴ ق. کربلا را ترک گفت و برای سومین بار، جهت زیارت مرقد نورانی حضرت علی بن موسی (ع) رهسپار خراسان شد. او در مشهد علاوه بر زیارت، از تحقیق غافل نبود و برای تکمیل دائرهٔالمعارف، که یکی از آرزوهای این مرد دانش‌پژوه بود، از کتابخانه پرمایه رضوی بهره‌های فراوانی برده، مطالعات دامنه‌داری را انجام داد و اندوخته‌های علمی خود را در فیش‌هایی یادداشت می‌کرد. مدت اقامت ایشان در مشهد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ ولی گویا بیشتر از سه چهار ماه در آنجا مقیم نبوده است.باری، وی بعد از تکمیل پژوهش، عازم تهران شد و از بیشتر کتابخانه‌های معروف آن زمانِ تهران نیز بهره گرفت؛ از جمله: کتابخانه مجلس شورای ملّی و مَلِک.خاطرات و وقایع تحصیل : محقّق بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری ، در دورانی که در حوزه نجف اشتغال به درس و تدریس داشت، برای اوّلین بار روانه مکه شد. او ابتدا، به شهر مدینه رفت، بعد از زیارت تربت پاک رسول اکرم (ص) و امامان معصوم شیعی و شهدای مدفون در قبرستان اُحد، راهی مکه شد و ضمن انجام مناسک حج، با شخصیت‌های برجسته اسلامی ملاقات و درباره مسائل علمی، با آنان به مباحثه و مناظره پرداخت و از مکتب شیعه و اندیشه‌های تابناک عالمان شیعی، جانانه دفاع کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسین اعلمی حائری در مقطع نوجوانی دل و جانش همچنان تشنه کسب معارف دینی بود و گویا حوزه مشهد، عطش علمی او را فرو ننشانده، از این رو، مترصد فرصتی بود تا به حوزه پرآوازه شیعه، نجف‌اشرف، هجرت کند.در حدود سال ۱۳۳۵ ق. همراه پدرش از مشهد به زادگاهش مهرجان، برگشت و برهه‌ای از عمر خود را در آنجا سپری کرد. در این ایام که محمدحسین به سن بیست سالگی رسیده بود، برابر مقرّرات آن زمان، به خدمت سربازی فراخوانده شد. حدود هشت ماه از خدمت را گذرانده بود که بنابر عللی از ادامه خدمت معاف شد. از این پس، عزم خویش را جزم کرد و راهی کعبه دل‌ها، نجف‌اشرف، شد. در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می‌گذشت، به سال ۱۳۴۰ ق. روانه حوزه نجف شد. او راه طولانی نایین تا بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع) را گاه پیاده و گاه سوار بر مرکب، طی می‌کرد. وی پس از ورود به عراق، ابتدا به زیارت قبر حضرت سیدالشهداء (ع) و سایر شهدای نینوا شتافت و سپس راهی شهری شد که از سال‌ها پیش، قلب او برای رسیدن به آن، می‌تپید. از آنجا که محمدحسین اعلمی شیفته فهم و حفظ احادیث امامان شیعه بود و زحمات فراوانی در این راه کشید، مفتخر به دریافت اجازه نقل روایت از مشایخ حدیث شد. آن زمان، که عصر مرجعیت آیهٔاللّه بروجردی بود، حوزه علمیه قم به تازگی به وسیله حضرت آیهٔاللّه حائری یزدی بنیان‌گذاری شده بود و از رونق خاصی برخوردار بود. مرحوم اعلمی برای غنا بخشیدن به مطالعات و پژوهش‌های خود، آهنگ قم کرد و بعد از ورود به این شهر، خانه‌ای برای سکونت خانواده‌اش خرید؛ ولی او که برای انجام تحقیقات و تکمیل دائرهٔالمعارف خود، بیشتر اوقات در حجره‌ای در مدرسه فیضیّه قم سکونت داشت تا هم بتواند بیشتر به حرم حضرت معصومه (س) مشرّف شود و هم از کتابخانه مدرسه فیضیّه بهره گیرد. زمان ورود او به حوزه علمیه قم اواخر سال ۱۳۷۴ ق. است. محمدحسین اعلمی با این که از آیهٔاللّه نائینی و بعضی دیگر از مراجع نجف، اجازه اجتهاد داشت، ولی باز وجود آیهٔاللّه بروجردی را غنیمت شمرد و چندی در حوزه تدریس آن بزرگوار در حرم

مطهّر و مسجد اعظم قم حاضر می‌شد.به هر حال در مدرسه فیضیه و حوزه علمیه قم، زحمات چندین ساله او نتیجه داد و برخی از مُجلّدات دائرةالمعارف اعلمی را به مرحله چاپ رسانید.استادان و مربیان : از استادان محمد حسین اعلمی حائری می توان به موارد زیر اشاره کرد: میرزا حسین نائینی مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در روزگاری که محمدحسین اعلمی در نجف درس می‌خواند، این حوزه در بهترین موقعیت علمی خود قرار داشت و استوانه‌های بزرگ علم در این حوزه زندگی می کردند. آقای اعلمی، نزد تعدادی از برجسته‌ترین آنان حاضر می‌شد و از دانش آنان، بهره می‌برد. در این جا به نام چند نفر آن‌ها بسنده می کنیم:.۱ مرجع بزرگ شیعه، آیةاللّه سیدابوالحسن اصفهانی؛.۲ مرجع عالی شیعه و بزرگ‌ترین اصولی عصر خود، آیةاللّه محمدحسین نائینی؛.۳ فقیه و اصولی نامور، آیةاللّه ضیاءالدین عراقی؛.۴ آیةاللّه محمدحسین اصفهانی؛.۵ زاهد و عارف مشهور، مرحوم شیخ علی قم؛.۶ سید محمد یزدی فرزند آیةاللّه سید محمدکاظم یزدی؛آقای اعلمی بعد از اقامت ۱۷ ساله در نجف، به قصد زیارت مرقد امام رضا (ع) به سوی مشهد مقدس حرکت کرد و بعد از زیارت قبر آن حضرت مجدداً به نجف بازگشت و سه سال دیگر در این شهر اقامت کرد. در همین زمان بود که مرجع بزرگ شیعه، آیةاللّه سیدابوالحسن اصفهانی دستور داد که جمعی از نخبگان دور هم گرد آیند و به تحقیق، تنظیم و ترتیب احادیث کتاب وسائل‌الشیعه بپردازند. از جمله اعضای این گروه، محمدحسین اعلمی و دیگری آیةاللّه سیدمحمدهادی میلانی بودند. این گروه روی چند نسخه از آن کتاب پژوهش و تحقیق می کردند. نوشته‌اند یکی از معتبرترین نسخه‌های وسائل‌الشیعه نزد محمدحسین اعلمی بوده است. از استادان کربلا می توان به موارد زیر اشاره کرد: آیةاللّه آقاحسین قمی آیةاللّه سیدمهدی شیرازی آیةاللّه شیخ هادیهمسر و فرزندان : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری صاحب چند فرزند بود که اکثر آنان، از کسانی بودند که راه پدر بزرگوار خود را ادامه دادند و در نشر و گسترش آموزه‌های دینی و نشر کتاب‌های علمی و دینی، نقش برجسته‌ای داشتند. مناسب است شرح حال کوتاهی از آنان را بیاوریم:.۱ محمدحسن اعلمی؛ در نجف به دنیا آمد. او سالیان درازی در حوزه علمیه نجف به فراگیری علوم دینی مشغول بود و به موقعیّت بالای علمی دست یافت. آن گاه از عراق به ایران آمد و در تهران اقامت گزید و برای نشر کتاب‌های دینی «مؤسسه طبع و نشر اعلمی» را بنیان نهاد..۲ محمدحسین اعلمی؛ او نیز، که همنام پدرش بود، در نجف دیده به جهان گشود و نزد پدر خود به تحصیل علوم دینی رایج در حوزه نجف پرداخت. وی نیز علاقه و شوق فراوانی به امور فرهنگی نشر آثار دینی داشت.وی بعد از حاکمیّت حزب بعث عراق، تبعید شد و روانه سوریه و لبنان گردید. وی «بیروت» را بهترین شهر برای تحقّق بخشیدن به اهدافِ بلند خود برگزید و از این رو، در آنجا مؤسسه انتشارات اعلمی را بنیان نهاد. این مؤسسه که یکی از پر رونق‌ترین و پرتلاش‌ترین بنگاه‌های انتشاراتی بیروت است، از گذشته تاکنون کتاب‌های زیادی را چاپ و منتشر کرده است.ایشان بخصوص شیفته نشر آثار امامان شیعی و عالمان بزرگ شیعه بود و مسافرت‌های فراوانی انجام داد؛ به مصر، هندوستان و چند کشور دیگر عزیمت کرد و با عالمان معروف این ممالك ملاقات‌ها و مباحثاتی داشت؛ از جمله در قاهره با شیخ شلتوت، عالم برجسته و مفتی اعظم مصر، ملاقات و مذاکراتی انجام داد..۳ شیخ محسن اعلمی؛ که گویا در کربلا پا به عرصه وجود نهاد. وی بعد از این که چند سال از عمر خود را در کربلا- سپری کرد، به ایران آمد و در قم اقامت گزید و در قم رحلت کرد..۴ علی محمداعلمی؛ او هم از عراق به ایران آمد و در مشهد مقدس ساکن شد.مرحوم محمدحسین اعلمی یك فرزند دختر هم داشت که شوهرش مرحوم سیدحسین شهرستانی بود.زمان و علت فوت : علامه بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری بعد از عمری زندگی، زهد و تقوا و تحصیل و تحقیق، از این دنیا رخت بربست. او در سال ۱۳۹۳ ق(۱۳۵۱ ش) در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (س) چشم از جهان فرو بست. برای تشییع بدن پاك او، جمعیت زیادی حضور یافتند و از او به خوبی تجلیل شد.(۲۳) سپس پیکر او را در جوار حضرت معصومه (س) در آستانه درب ورودی به صحن بزرگ، به خاك سپردند. نوشته لوح قبر او چنین است: «محمدحسین اعلمی حائری. عاش سعیداً و مات سعیداً».فعالیتهای آموزشی : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری در حوزه کربلا هم، از تدریس غافل نبود. هر چند به طور مشخص معلوم نیست چه کتاب‌هایی را درس می‌داد، می‌توان حدس زد که او به

تدریس کتاب‌هایی چون: مکاسب و کفایه اشتغال داشته است. گفته شده که او در مدرسه هندی، یک ساعت بعد از طلوع آفتاب تا یک ساعت به ظهر، چند کتاب را برای طلّاب کربلا درس می گفته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل کتابخانه بزرگ و ارزشمند محمدحسین اعلمی حائری در کربلا بود؛ حتی پاره‌ای از محقّقان، برای استفاده از نسخه‌های نفیس و کمیاب، به این مرکز فرهنگی مراجعه می کردند. در همین شهر بود که بنیاد تألیف دائرةالمعارف بزرگ شیعی تأسیس و مطالب اساسی آن گردآوری شد.آرا و گرایشهای خاص : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری ، دانشوری فرزانه بود که خود را به صفات ارزشمندی چون زهد، قناعت، پشتکار، عشق به عبادت و راز و نیاز به درگاه معبود زینت داده بود. در حالات او نوشته‌اند که همیشه ساعتی پیش از طلوع فجر، بیدار می‌شد و به عبادت می‌پرداخت. در مدت اقامت در نجف و کربلا و قم، نماز شب خود را در حرم امامان معصوم (ع) و حضرت فاطمه معصومه (س) به جا می‌آورد و سپس نماز صبح و مستحبّات و تعقیبات نماز را انجام می‌داد.ایشان فردی بسیار فروتن بود. به کوچک و بزرگ سلام می کرد و کمتر رخ می‌داد که کسی در سلام کردن، بر او پیشی گیرد.نمازهای واجب را غالباً با جماعت می‌خواند و تفاوت نداشت که خود، امامِ جماعت باشد یا در ردیف مأمومین قرار گیرد.او فردی بسیار قانع بود. از مال و منال دنیا به اندک بسنده می کرد و هرگز فریفته زرق و برق و ریاست‌های ظاهری دنیا نشد. او علاوه بر دوری از محرّمات، بیشتر مکروهات را نیز انجام نمی‌داد و بیشتر روزها، روزه می گرفت. او در زهد و پروا‌پیشگی به مقامی رسید که در میان عالمان حوزه علمیّه حتی مردم کوچه و بازار، به «ابوذر زمان» شهرت یافت.آثار : ۱ اعلام النساء ویژگی اثر : اثر دیگر ایشان کتاب تراجم «اعلام النساء» است که در کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.۲ مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر ویژگی اثر : کتاب عظیمی به نام مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر تألیف کرد که بعداً به «دائرةالمعارف اعلمی» اشتهار یافت.این اثر ارزشمند و جامع، حدود ۳۰ جلد است که تمامی آن‌ها به زیور طبع آراسته شده است و در دسترس پژوهشگران جهان اسلام، بلکه سایر ملل، قرار دارد. آغاز این کتاب ارزشمند با چند تقریظ از بزرگان حوزه نجف، آورده شده است که از مجموع این تقریظها، قدر و منزلت این کتاب بیشتر رُخ می‌نماید.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k - www.hawzah.net/

افشار، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا افشار

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۳۴۱ هستم. در شهرستان کرج مدت ۲۰ سال زندگی کردم و تا دیپلم تحصیل می کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم.

در سال ۱۳۶۲ که تا سال ۱۳۷۴ در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت ۱۲ سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.

مدت ۲ سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود ۹۰ مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رمضانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام ک این چهار سال را در مدت ۳ سال گذراندم. مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.

از سال ۸۴ نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهار می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.

منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

افضلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی افضلی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی افضلی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه، وارد حوزه علمیه مشهد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد.

پس از مدتها تحصیل و کوشش در مشهد، این بار به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه

(سلام علیها) و ادامه تحصیل در قم رهسپار قم و وارد حوزه علمیه گردید. پس از ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. با اتمام سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله صالحی مازندرانی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه در مقطع کارشناسی ارشد از خبرگان رهبری فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، در این دانشگاه و دیگر دانشگاههای استان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد.

وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" ترجمه تاریخ شیعه در هند "و مجموعه مقالات" تبیین اندیشه های سیاسی امام خمینی "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

افضلی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی افضلی

محل تولد : غزنی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال ۱۳۷۲ وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم.

در سال ۱۳۷۳ از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی ۷۶ – ۷۵ در تهران ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال ۱۳۷۶ با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.

همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال ۱۳۷۷ از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۱ مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی ۸۶ – ۸۵ از تحصیل فراغت یافتم.

افقی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول افقی

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی در یکی از روستاهای شهرستان هشترود شروع به تحصیل ابتدایی نمودم و در سال ۱۳۶۴ تحصیلات دبیرستان را به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسول اکرم (ص) شروع به تحصیل نمودم.

مهمترین استادان اینجانب در سه سال اول حوزه عبارتند از: استاد صفائی بوشهری برای درس مغنی، استاد علیزاده برای سیوطی و... بعد از سال سوم حوزه ازدواج کرده و درسها را بیرون از مدرسه ادامه دادم که از محضر اساتید بزرگوار استفاده کرده ام. شرح لمعه استاد محامی، استاد طالقانی، شب زنده دار، اصول فقه استاد صالحی، سید احمد خاتمی، رسائل استاد استادی و مکاسب استاد علی کریمی جهرمی، کفایهٔ الاصول متفرقه استفاده کرده ام. درس خارج استاد علی کریمی جهرمی، استاد ابوطالب تجلیل تبریزی، درس خارج اصول استاد سبحانی.

در کنار تحصیل تدریس متون ادبیات حوزه را شروع کردم و کتابهای سیوطی، ابن عقیل، صرف ساده و آموزش صرف را تدریس کرده ام. ضمناً پنج سال در مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس داشته ام. اینک در پژوهشکده دارالحدیث فعالیت می کنم و در تألیف نزدیک به ده عنوان کتاب با حضرت آیت الله ری شهری همکاری کرده ام.

اکبرنژاد، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اکبر نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی اکبر نژاد متولد تبریز هستم. دوره های تحصیلی را با موفقیت به پایان بردم و نهایتاً در دبیرستان سپاه مشغول به تحصیل شدم. بعد از شروع سال تحصیلی سوم نظری رشته ریاضی فیزیک، علاقه وافر به حوزه مانع از ادامه تحصیل شد و به حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) بناب رفته و در خدمت حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج آقای باقری بنابی مشغول به تحصیل شدم. دوره شش ساله را در دو سال به اتمام رساندم و به قم رفتم.

در قم از خدمت اساتیدی مانند حضرات آقایان عابدی، حسن تهرانی، ایزدی، الهی زاده بهره مند شدم. تا این که در سال ۸۱ به توصیه یکی از اساتید برای تدریس به شهرستان برگشتم. یک سال در شهرستان هادی شهر و سه سال در مراغه مشغول به تدریس ادبیات، منطق و فقه و اصول بودم. در کنار تدریس به کار پژوهش پرداختم و آثار متنوعی را ارائه دادم که اکثراً یا به چاپ رسیده اند و یا در شرف چاپ هستند که البته در ادامه ذکر خواهند شد.

علاقه شخصی بنده بیشتر به فقه و اصول میباشد و شاید حدود یک سال است که به نظرات فقهی خودم عمل می کنم. در سال ۸۵ قصد عزیمت به قم را داشتم که بنا به اصرار یکی از دوستان و وجود برخی از مشکلات مالی منصرف شدم و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را به عهده گرفتم و هم اکنون مشغول به خدمت در این حوزه می باشم. آن چه که مهم است این که، اشتغال به هیچ یک از این کارها مرا از تحقیق و پژوهش جدا نکرده است و تحقیق به عنوان مهم ترین شاخصه فعالیت های من حضور دارد.

اکبرنژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی اکبر نژاد

محل تولد : شیروان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهایه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و مومن قمی گذراندم.

در سال ۱۳۷۰ بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت و بدلیل رفتن به

شهرستان در سال ۱۳۷۴ پایان یافت.

در سال ۱۳۷۱ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال ۱۳۷۴ از رساله این دوره با عنوان" جدال در قرآن "دفاع کردم.

در زمستان ۱۳۷۴ بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدم تا سال ۱۳۸۰ که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون رساله دکترا آماده دفاع می باشد.

در سال ۱۳۸۱ با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اکبری کارمزدی

محل تولد : سواد کوه (عباس آباد)

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمائی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیهٔ الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال ۱۳۵۷ شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به نا چار در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۰ مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیهٔ الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیهٔ الله سبحانی به پایان رساندم . همگام با خارج اصول به مدت ۸سال خارج فقه را در محضر آیهٔ الله مکارم تلمذ نمودم. ضمنا سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیهٔ الله جوادی آملی بودم .حدود سال ۱۳۷۲ به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآ نی و تفسیر شدم. بعد از اتمام ۴سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها

و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به ۹ سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهائی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرهٔ المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرهٔ المعارف چاپ شده است. د رحال حاضر در درس فقه آیهٔ الله جوادی آملی مشغول می باشم.

اکبری معلم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبری معلم

محل تولد : معلم کلد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبری معلم دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در بابل (از شهرستان های مازندران) گذراندم. سیر مطالعات مذهبی و سیاسی را از دوره راهنمایی آغاز و در دوره دبیرستان و بعد از آن ادامه دادم. با تشکیل گروه مطالعاتی در دوره راهنمایی و دبیرستان سعی در تقویت مبانی فکری و اعتقادی کردیم. با استفاده از زمینه مذکور به مناسبت های مختلف، مقالاتی را تهیه و در مدرسه (سر صبحگاهها) و مراسم های مذهبی ارائه می دادم.

در سال ۱۳۶۳ وارد قم شدم و پس از اخذ دیپلم به تحصیلات حوزوی پرداختم. دروس حوزه را به طور منظم و مستمر ادامه دادم و پس از گذراندن سطح حوزه، دروس سطح خارج را تا شش سال به طور مستمر فرا گرفتم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزه وارد تحصیلات دانشگاهی شدم. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۶ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه ها شروع کردم و البته از سال ۱۳۶۶ تدریس دروس حوزوی را آغاز کرده بودم. کتاب و مقالاتی را در دوره تحصیل نوشته ام که تعدادی منتشر و تعدادی دیگر منتشر نشده است.

از سال ۱۳۷۴ تاکنون با نشریات علمی متعددی در زمینه علوم اسلامی و سیاسی و با سمینارهای متعدد همکاری علمی داشتم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری و در سال ۱۳۸۵ به عنوان استاد ممتاز منطقه استان مرکزی برگزیده شدم.

همکاری با سمینار انقلاب اسلامی و ریشه های آن و سر ویراستار سه کتاب مأخذ شناسی توصیفی (۱)، مجموعه مقالات جلد (۱) و (۲) که توسط معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

همکاری علمی در ارزیابی مقالات مجله رواق اندیشه وابسته به مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قم، فصلنامه علوم سیاسی و تاریخ اسلام (وابسته به دانشگاه باقر االعلوم علیه السلام قم)، همکاری با مرکز آموزش خواهران و دانشگاه باقر العلوم علیه السلام در تهیه و تدوین الگوهای ارزیابی آموزشی، طرح نگرش سنجی مراکز آموزشها و ارزیابی و تجزیه و تحلیل برنامه درسی و عملکرد استادان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵.

با گذراندن هفتصد ساعت دوره زبان انگلیسی دارای گواهی نامه پایان دوره مربوط هستم و از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدرک استاد یاری دارم.

هم چنین شرکت در کارگاه های آموزشی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، روش تحقیق، ارزیابی آموزشی و.... از فعالیت ها علمی ام به حساب می آید.

اکبری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکبری

محل تولد : بوانات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۱۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در بوانات از شهرهای استان فارس متولد شدم. تحصیلات خود را تا پایان دوره راهنمایی در همان جا به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه ولی عصر شهرستان بوانات تحصیلات خود را شروع نمودم. بعد از مدت ۲ سال در سال ۱۳۶۷ راهی قم شدم و باقیمانده مقدمات و دروس سطح خود را تا پایان کفایه در مدرسه شهیدین بهشتی و قدوسی (ره) قم گذراندم. در سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول اساتید برجسته قم شرکت جستم. در اصول از محضر آیت الله جعفر سبحانی و در فقه از خرمن دانش اساتبد بزرگی چون آیت الله مکارم شیرازی و استاد سید احمد خاتمی بهره بردم. همزمان با تحصیلات خارج، در رشته تخصصی تبلیغ در حوزه علیمیه قم مشغول تحصیل شدم. از آن پس در کنار دروس حوزوی خود، به فعالیت های رایانه ای و اینترنتی در زمینه علوم اسلامی و پایگاههای اسلامی نیز پرداختم و در این رابطه فعالیت‌ها و طرح‌های تحقیقاتی و اجرایی در زمینه طراحی و راه اندازی پایگاههای اسلامی و استفاده از قابلیت های اینترنت در پایگاه های اسلامی و نحوه عرضه اطلاعات در اینترنت نیز برنامه هایی داشته ام. علاوه بر فعالیت‌های مذکور، به تحصیل در دانشکده علوم حدیث قم پرداختم و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

اکبری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اکبری

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود اکبری در سال ۱۳۵۱ در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در دروس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.

بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال ۵۹ برنامه های تبلیغی در قالب کلاسداری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال ۷۴ شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون ۴۰ اثر چاپ شده و ۱۰ اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

اکبریان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد اکبریان

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال ۱۳۶۴به شهر قم آمدم سال ۱۳۶۸در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۲در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال ۱۳۷۶از پایان نامه با عنوان تحلیل آراءفلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال ۱۳۸۰در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.

در سال ۱۳۷۴در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال ۱۳۷۳ سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال ۱۳۷۳با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم.سپس از سال ۱۳۸۲ تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سا ل۱۳۷۶ تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت ۸سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

اکرمی ابرقویی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکرمی ابرقویی

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۴؛ اتمام دوره‌ی سطح در سال ۱۳۷۲؛ آغاز درس خارج از سال ۱۳۷۳ تاکنون. ورود به دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در دوره‌ی کارشناسی (رشته حقوق) سال ۱۳۷۱، اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۷۵. قبولی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در سال ۱۳۷۵ و اخذ مدرک کارشناسی ارشد با دفاع از پایان نامه (با موضوع: مطالعه تطبیقی مسئولین پرداخت دیه در فقه شیعه و اهل سنت و حقوق موضوعی با نمره‌ی عالی (۱۹) در سال ۱۳۷۸. همکاری با واحد اصطلاح نامه دفتر تبلیغات (نام کنونی: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی) از سال ۷۸ تاکنون با تدوین اصطلاح نامه بزرگ فقه (اتمام) و اصطلاح نامه حقوق (در حال انجام) همکاری علمی با مرکز تحقیقات قوه قضائیه – همکاری علمی با مرکز تحقیقات زنان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات شورای نگهبان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات اداره تعزیرات حکومتی و...

هم چنین همکاری با مراکزی همچون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، صدا و سیمای قم، مؤسسه باقرالعلوم(ع)، مجتمع آموزش عالی قم، مرکز احیاء و نشر آثار حضرت امام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و... در ویرایش مجلات علمی آنها.

اکرمی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم اکرمی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب به لطف و عنایت الهی از دوره دبیرستان به مطالعه در زمینه علوم اسلامی و تربیتی و اجتماعی علاقمند بودم . استاد مشوقم در دوره دبیرستان جناب میر خلیل سید نقوی بودند که خداوند عمرشان را دراز کند و موفق تر شنان بگرداند . در دوره کارشناسی که رشته روانشناسی را برگزیده و در دانشسرای عالی تحصیل می کردم (سال های ۳۹ ـ ۴۲) از دانشمندانی چون مجاهد نستوه آیت الله طالقانی ، استاد علامه محمد تقی جعفری ، استاد شهید مرتضی مطهری در حد استعداد خویش بهره برده ام . پس از شروع به کار معلمی در مدرسه آیت الله العظمی آخوند ملا علی همدانی به تحصل ادبیات عرب روی آورده و از استادانی مانند مرحوم حاج شیخ صمد سلیمیان و آقای سید عزت الله مرتضوی استفاده بردم . منطق و فلسفه را با خواندن منظومه مرحوم سبزواری خدمت آقای محقق واعظ معروف همدانی آموختم . در دوره کارشناسی ارشد که تحصیل خود را دررشته مشاوره و راهنمایی به پایان رساندم مدتی از درس منظومه آیت الله سید رضا صدر بهره بردم .

در سال های ۴۷ تا ۴۸ با مرحوم شهید حجت الاسلام سید محمد رضا سعیدی آشنا شدم و آن بزرگ مرد مرا به خواندن علم اصول تشویق کرد و دو سه درس از اصول الفقه مرحوم مظفر را خدمت وی خواندم . بعد از برگشت از همدان ، تمام اصول الفقه را از درس حجت السلام و المسلمین حاج آقا رضا فاضلیان امام جمعه محترم ملایر بهره مند شدم . مقداری هم از کتاب رسائل الجدیده آیت الله مشکینی را خدمت آقای فاضلیان خوانده ام . در فقه ، تبصره علامه حلی را در زندان از آقای محمد علی گرامی فرا گرفتم . بعد از اتمام دوره وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل شدم و بحمد الله موفق به اخذ درجه دکترا در رشته برنامه درسی که یکی از رشته های علوم تربیتی است گردیدم و اکنون حدود هفده سال است که در این دانشگاه تدریس می کنم . درسهایی که دراین دانشگاه ارائه کرده و می کنم غیر از برنامه درسی، تعلیم و تربیت در قرآن کریم ، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ، تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت در روایات است .

اکرمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت

آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال ۱۳۶۳ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۴ همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال ۱۳۵۶ به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلای حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

الحلو، مشتاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشتاق الحلو

محل تولد : –

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با تحصیل در مدرسه به طور غیررسمی مشغول تحصیلات حوزوی بوده ام و پس از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی به تحصیلات حوزوی توجه بیشتری نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه مفید در رشته علوم سیاسی شدم و همزمان تحصیلات رسمی خود را در حوزه آغاز کردم. در خرداد ۷۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته علوم و معارف اسلامی حوزه شدم و در سال ۷۸ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه اخذ نمودم.

از دی ماه سال ۸۰ حضور در درس بحث خارج را آغاز کردم و در سال ۸۱ فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه اخذ کردم. در سال ۸۳ مدرک کارشناسی ارشد حوزه را در رشته فقه و اصول اخذ کردم. از سال ۷۳ کار در برخی موسسات تحقیقاتی را در قم آغاز نمودم. و در ابتدا ترجمه از عربی به فارسی را آغاز کردم و از سال ۷۵ به نوشتن تحقیقات در همایش های مختلف مبادرت نمودم.

همزمان با تحصیلات، کار تدریس را در مراکز مختلف انجام می دادم که از مهمترین آنها دو سال و نیم تدریس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) از مهر ۸۰ بوده است. و همچنان به عنوان محقق با موسسات مختلف به همکاری ادامه می دهم. کار ترجمه به زبان عربی را در زمینه تخصصی (فلسفه دین و کلام جدید) برای برخی مجلات عربی ادامه می دهم و کار راهنمایی و مشاوره پایان نامه های حوزه را نیز انجام می دهم.

العلی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی العلی

محل تولد : کویت

شهرت

تابعیت : کویت

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

الله اکبری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد الله اکبری

محل تولد : بند قراء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال ۱۳۵۹به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال ۱۳۶۲ در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.

در سال ۱۳۶۷درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیهٔ الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیهٔ الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.

در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال ۱۳۷۲لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور ۱۳۷۵از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال ۱۳۷۴ همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال ۱۳۷۸ با قسمت دائرهٔ المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال۱۳۸۲.

از سال ۱۳۸۰در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال ۱۳۸۲.و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال ۱۳۸۱ جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال ۱۳۸۲ تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتم ادامه دارد. در مراکزی مانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی(ره)، باقر العلوم(ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الله بداشتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی الله بداشتی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی: ۱۳۵۶

اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد ۱۳۵۸

شروع به تدریس ریاضی: مهرماه ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم ۱۳۶۳

فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد ۱۳۶۸

شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه ۱۳۶۸

فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: ۱۳۷۱

شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: ۱۳۷۱ تاکنون

شروع به تحصیل دوره دکتری ۱۳۷۸.

فراغت از دوره دکتری ۱۳۸۲.

مدیر گروه فلسفه: ۱۳۸۱ تاکنون

شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: ۱۳۶۴ (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

النور، حلیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حلیم النور

محل تولد : عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حلیم النور طلبه عراقی در سال ۱۳۷۱ به ایران آمده و در حوزه مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. فعالیت تبلیغی خود را از سال ۱۳۷۳ شروع و ابتدا به مناطق فقیر و مستضعف خوزستان عازم شدم.

در سال ۱۳۷۷ اولین سفر تبلیغی خود را به خارج از کشور شروع نموده و به سوریه عازم شدم و به مدت ۳ سال هم به لبنان برای تبلیغ دین در ایام محرم و صفر و رمضان عزیمت نمودم. در سال ۱۳۸۱ به مدت ۴ سال به لطف خداوند و نظر بقیه الله الاعظم و ائمه اطهار علیهم السلام به آفریقا (کنگو) رفتم. و در این سالها تجارب خوبی کسب نمودم و مثمر ثمر برای آن کشورها بودم.

ناگفته نماند که به همت و یاری دوستان و محبان اهلبیت علیهم السلام توانستم مدرسه ای برای ترویج و تبلیغ اسلام و اصول اعتقادی و اخلاقی و دینی پایه ریزی نمایم که فعلا در دست اجرا می باشد و هم اکنون مشغول تحقیق در کتب تاریخ اسلام می باشم.

الهی خراسانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر الهی خراسانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

حجت الاسلام علی اکبر الهی خراسانی درسال ۱۳۲۱ در نیشابور به دنیا آمد.وی تحصیلات خود را در حوزه علمیه نیشابور آغاز کرد و پس از عزیمت به مشهد و کسب معلومات حوزوی ،د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود.نامبرده در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی می باشد. کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۳۵ برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ علمیه گلشن نیشابور شد. و سال بعد برای ادامهٔ تحصیل به مشهد عزیمت کرد و پس از چند سال موفق به اخذ اجازهٔ کتبی نقل حدیث از بزرگان علما نظیر مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی شد و اجازهٔ تصدی امور حسبیه از ناحیهٔ برخی از مراجع به وی اعطا گردید. د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهی خراسانی در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی، عضو هیأت تحریریه و هیأت مدیره مجله مشکوة، عضو شورای فرهنگ عمومی استان و در عین حال مدرّس حوزه و دانشگاه می باشد.فعالیتهای آموزشی : حجت الاسلام الهی خراسانی از سال ۱۳۶۴ به مدت هفت سال دروس علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد تدریس کرده است. اکنون چهار سال است که به تدریس علوم قرآنی و تفسیر برای طلّاب خارجی دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشتغال دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۴۲ نخستین صندوق قرض الحسنهٔ ایران را در حوزهٔ علمیه مشهد و پس از آن کتابخانهٔ مجهز رضوی و فروشگاه تعاونی طلّاب را تأسیس کرد. در سال ۱۳۶۳ در پی ریزی و راه اندازی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با مسؤولان آستان قدس و اساتید حوزه و دانشگاه مشهد، همفکری و همکاری داشت و از بدو تأسیس این بنیاد، به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل آن منصوب شد.جوائز و نشانها : کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال

جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین وی مصحح کتاب «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار» بود که این کتاب هم در دوره پانزدهم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد.چگونگی عرضه آثار : الهی خراسانی علاوه بر نگارش مقالات و کتابهای متعدد در تعدادی از کنگره ها و سمینارهای علمی بین المللی، از جمله کنگرهٔ بزرگداشت سعدی در هندوستان، کنگرهٔ هزارهٔ شریف رضی، کنگرهٔ شیخ مفید، کنفرانس اندیشه اسلامی، کنگرهٔ جهانی امام جعفر صادق علیه السلام در دمشق، کنگرهٔ نهج البلاغه، مجمع جهانی اهل البیت(ع)، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی و کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه السلام و ... شرکت جسته وبعضاً سخنانی ایراد کرده است. به چند عنوان از مقالات و سخنرانی های وی اشاره می شود: ۱. کتابنامهٔ امام رضا علیه السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۶۳. ۲. المسائل العکبریهٔ، للشیخ المفید (تصحیح و تحقیق)، کنگرهٔ هزارهٔ شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت۱۳۷۳. ۳. مکانهٔ السنهٔ المطهرهٔ فی التشریع الاسلامی، مجلهٔ الارشاد، شماره های ۱ تا ۶، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ق. ۴. حجهٔالحق شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ویژگیها و خاطرات، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹، آذر ماه ۱۳۶۳؛ یادنامهٔ ادیب نیشابوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، ۱۳۶۵. ۵. شناخت و پرورش تحقیق در نهج البلاغه ، کنگرهٔ نهج البلاغه، ۱۳۷۱. آثار : ۱ الدروس الشرعیه، تألیف شهید ثانی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، در دست انتشار.۲ الرسالهٔ العزیزهٔ فی الوجیزهٔ، تألیف مرحوم محدّث قمی، (تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : در دست انتشار.۳ المسائل العکربهٔ، شیخ المفید ویژگی اثر : (تصحیح و تحقیق)، کنگره هزار ?شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت ۱۳۷۳۴ تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف شهفورالفراینی، (تصحیح و تحقیق، با همکاری) ویژگی اثر : در دست انتشار۵ سفینهٔالبحار، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، تصحیح،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار»: بحارالانوار مهمترین دایرهٔالمعارف علوم شیعی است، و از زمان تألیف تاکنون همیشه مورد توجه و استقبال دانش پژوهان بوده است. نیاز این کتاب ۱۱۰ جلدی به فهرست بر کسی پوشیده نیست. مهمترین فهرست موضوعی این کتاب، اثر حاضر است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی، کتاب را برحسب حروف تهجّی مرتب ساخته است. وی در مقدم ?کتاب، روش خود را توضیح داده، ذیل هرعنوان به آیات و روایات و گاهی توضیح و تفسیر پرداخته است و هم ?آنها را با حروف ابجد به مجلدات مختلف بحار ارجاع داده است و در موارد بسیاری نیز خود، افزون بر مطالب علام ?مجلسی نکات بدیعی ذکر کرده است. تصحیح جدید کتاب براساس نسخ ?خطی مؤلّف انجام شده است و چون مرحوم محدث قمی همیشه با حروف ابجد و به مجلدات چاپ کمپانی ارجاع می دهد که استفاده از آن مشکل است و این امر با هدف اصلی فهرست نویسی منافات دارد، محققان محترم کتاب با حفظ رمزهایی که از طرف مؤلّف نوشته شده، تمام آنها را با عدد به مجلدات چاپ جدید بحارالانوار ارجاع داده اند. ضمناً با پانوشتهای سودمند آنچه را مؤلّف از کتابهای مختلف نقل کرده است به همان منابع ارجاع داده انـد. مقدم ?مفصل کتاب نیز بر امتیاز این تصحیح افزوده است. ۶ منتهی المطلب، تألیف علامه حلّی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : سه جلد این کتاب از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی انتشار یافته، سایر مجلات در دست چاپ است.این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب»: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ علام ?حلّی؛ تحقیق گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ هـ . ق. ۲ج. کتاب « منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» یکی از منابع مهم فقه شیعه در زمین ?فقه مقارن (فقه تطبیقی) است. امروزه، پرداختن به این زمین ?فقهی در بین مذاهب اسلامی یک ضرورت است که تدریس آن در حوزه ها و دانشگاهها نیز هرچه بیشتر، حس می شود. از امتیازات این کتاب: مقدم ?تحلیلی خوب؛ آیات، احادیث، اقوال و آراء استخراج شده؛ توضیح لغات و واژه

های دشوار؛ شرح حال موجز اعلام و روات کتاب در پا نوشتها، و توضیح هرچند مختصر در مورد برخی فِرق است.

الهی خراسانی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهی خراسانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مجتبی الهی خراسانی در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید.

از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون شیخ مهدی مروارید تلمذ کرد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ و کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که مقالات" بداء "و تصحیح" اسوه تقوی "و... از جمله آثار ایشان است.

الهی دوست، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الهی دوست

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمید الهی دوست دروس ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را تا سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم و در همین سال موفق به اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان ادب اصفهان شدم. روز نیمه شعبان همین سال که برای شرکت در مجالس جشن میلاد حضرت

بقیةالله اعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خانه خارج شدم به مدرسه میرزا حسین اصفهانی واقع در خیابان مسجد سید برای شرکت در جشن وارد شدم و با برخی از طلاب حوزه علمیه آشنا شدم و همان جا جرقه طلبه شدن و ورود به سلك روحانیت به ذهنم زد و برخی دروس مقدماتی حوزه را به صورت آزاد با یکی از اساتید همان مدرسه شروع نمودم و سپس بعد از ایام ماه مبارك رمضان در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی به صورت رسمی در مدرسه علمیه ذوالفقار ثبت نام نموده تا سال ۱۳۶۹ هجری شمسی تا سطح رسائل و مکاسب را از اساتید آن مدرسه استفاده نمودم.

سپس در شهریور ماه ۱۳۶۹ به اتفاق هم مباحث ارجمندم صدیق گرامی و متقی جناب حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حیدر بهرمن (حفظه الله تعالی) به شهر مقدس قم و به جوار کریمه اهل بیت (ع) هجرت نمودم و باقیمانده رسائل و مکاسب و سپس کفایه از سطوح عالی حوزوی را تا حدود سال ۱۳۷۱ هجری شمسی در حضور اساتید برجسته قم به پایان بردم.

شرح منظومه مرحوم حاجی سبزواری را در محضر استاد برجسته فلسفه آیت الله حاج شیخ حسین عشانیان (دامت برکاته) تلمذ نمودم و سپس از درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی (دامت برکاته) و درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی تبریزی قدس سره و خارج فقه آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (دامت برکاته) تا سال ۱۳۸۳ هجری شمسی بهره بردم.

از حدود سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ نیز دوره تخصصی فقه و اصول را در مدرسه آموزشی و تحقیقاتی حضرت بقیةالله عجل الله تعالی فرجه الشریف که به ریاست استاد معظم و بزرگوار آیت الله شیخ محمد مهدی شب زنده دار (دامت برکاته العالیه) اداره می شود گذراندم و از اساتید برجسته آن مرکز علمی نیز بهره فراوان بردم.

از همان اوائل طلبگی علاقه به مباحث کلامی و تفسیری داشتم علاقه من به این دو رشته همزمان با تلمذ در محضر آیت الله سید حسن امامی (دام ظله) شروع و سپس در قم مقدسه با شرکت در درس تفسیر حضرت آیت الله شیخ عبدالله جوادی آملی (دامت برکاته العالیه) و سپس مباحثه و مطالعه و تحقیق درباره این دو موضوع ادامه یافت. سپس در سال ۱۳۸۵ به وطن خود اصفهان برگشتم و اکنون در حوزه علمیه اصفهان به تدریس تفسیر، فقه، اصول و رجال اشتغال دارم و خداوند متعال را بر همه نعمتهای ظاهر و باطنه و معنوی و مادی اش شاکر و سپاسگزارم.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت:۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات:۱۳۸۸ق

محل دفن :قم

محل تحصیل: تبریز ، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....

شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و ....

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).
او از شاگردان مبرز مرحوم سید علي قاضي بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.
ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداك " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.
زماني که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود ": ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ "دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!
این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!
سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی منش، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا الهی منش

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.
اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت آلله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله

تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سیدکاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.

در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در ۱۳۵۸ از پایان‌نامه حوزه با عنوان" نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن "دفاع نمودم.

در سال ۱۳۸۲ برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان" ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واحد الهی نژاد

محل تولد : خرم آباد (بخش پاپی)

شهرت

تابعیت : ایران زندگینامه علمی

واحد الهی نژاد فرزند شمس الله متولد پاپی خرم آباد .وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت .درسال ۱۳۶۹ ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد.پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در ۱۳۷۵وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت ۲سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات .محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد .همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد .او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت .همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت .وی از آیت الله سید علی خامنه ای اجازه تصدی امور حسبیه را دارد

الهی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس الهی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۸۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.

حدود ۶ سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و ۴ بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره ۱۷ رو به پایان است.

و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرک فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

الهی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر الهی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم به جای تحصیل در دانشگاه، حوزه علمیه قم را انتخاب کردم. دروس مقدماتی را در مدرسه رسالت، رسائل را نزد جناب آقای راستی، مکاسب را خدمت آقای پایانی و بنی فضل و کفایه را خدمت آقای محقق داماد خواندم. از سال ۱۳۶۹ به بعد محضر آیات عظام موسوی اردبیلی و منتظری، وحید و جواد تبریزی به خارج فقه و اصول مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۹ همراه با تحصیل در خارج فقه و اصول، به دانشگاه مفید برای تحصیل اقتصاد نظری راه یافتم. تحصیلات در سال تحصیلی ۷۳ ـ ۱۳۷۲ با موفقیت کامل سپری شد و به مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران راه یافتم. در بهمن سال ۱۳۷۵ پایان نامه کارشناسی ارشد را تحت عنوان" بررسی مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف با تاکید بر مکتب اسلام "دفاع نمودم. پس از آن به دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام راه یافتم و اقتصاد پولی و بین المللی را گذراندم و از رساله خود تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر همگرایی و یکپارچه سازی حوزه تجاری کشورهای اسلامی (MENA) در اردیبهشت ۸۴ دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید به تدریس اشتغال دارم. تاکنون مواد درسی زیادی از جمله: ۱. اقتصاد کلان ۱ و ۲ مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۲. تجارت بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۳. مالیه بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴. اقتصاد منابع طبیعی کارشناسی ۵. اقتصاد سنجی کارشناسی ۶. تفسیر آیات اقتصادی ۷. زبان تخصصی را تدریس کرده ام.

سال ۱۳۷۵ مدیریت دفتر برنامه ریزی و خدمات پژوهشی دانشگاه مفید را بر عهده داشتم و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ قائم مقام رئیس دانشگاه بودم و اکنون مدیر مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه هستم.

الهیان، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهیان

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام الهیان در سال ۱۳۲۸ در شهرستان رامسر متولد شد. پدر ایشان محمد تقی به کشاورزی اشتغال داشته و همچنین مرجع حل و فصل مشکلات مردم آن سامان به حساب می آمده است. ایشان دوره ابتدایی و دروس مرسوم آن زمان را در رامسر به پایان رساند.

در ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و قبل از آن یعنی در سال ۱۳۴۲ همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مدت ۳ ماه را در باغ شاه سابق تحت نظر بود .

پس از ورود به حوزه دوره سطح را زیر نظر آیات عظام: فاضل و سبحانی گذراند. دروس خارج را نیز در محضر آیات: میرزا هاشم آملی، داماد، نجفی مرعشی و گلپایگانی شاگردی نمود.

همزمان با تحصیل حوزوی دیپلم را اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق شد که به دلیل شناخته شدن نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بلافاصله به رامسر آمد و سپس به قم جهت ادامه تحصیل نقل مکان نمود. سال ۱۳۵۹ در دانشکده الهیات تهران قبول شد اما پس از یک ترم تحصیل، تحصیلات خود را در مدرسه عالی قضائی و اداری قم (دانشگاه قم) ادامه داد و موفق به اخذ مدرک تحصیلی لیسانس علوم تربیتی گردید. ایشان دارای درجه اجتهاد (نقل حدیث) از آیت الله مرعشی نجفی است .

امام جمعه، قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید قاسم (امام جمعه) فریدن از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و آقای آشیخ محمدعلی برادر آقا نجفی بوده که پس از طی مراحل تحصیل به امر علماء بزرگ اصفهان به محل خود فریدن مراجعت کرده و تا آخر عمر به ترویج احکام و اقامه نماز جمعه و حل و فسخ امور دینی اشتغال داشته و حکومت شرعی به امر مراجع بزرگ آن وقت در تمام بلوک فریدن به عهده ایشان بوده تا در تاریخ ۱۱ ذی‌قعده ۱۳۳۹ قمری بدورد حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امام جمعه، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی.

از رؤسای علمای اصفهان، ملجأ و پناه مردم، و امام جمعه اصفهان بوده، در مسجد شاه اقامه جمعه می‌نموده، و می‌نویسند: تا سیزده صف این طرف میل‌های میدان شاه صف نماز از او می‌رسیده.

در دوّم محرّم سال ۱۲۴۸ وفات یافته، قبرش در بقعه سرقبر آقا است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امام جمعه، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد علی بن میرزا جعفر خاتون‌آبادی.

پس از فوت حاج میرزا هاشم، امام جمعه‌ی اصفهان شده، در اصفهان متولد، و هم در این شهر تحصیل نموده، در مسجد جامع امامت می‌نمود.

در ۳ رمضان‌المبارک ۱۳۴۸ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی مدفون گردید. وی آخرین امام جمعه اصفهان است که بعد از او تا بیست سال عنوان امام جمعگی منسوخ بود، تا در سال ۱۳۶۸ مجددا فرمان امام جمعگی اصفهان به نام آقای آقا میر محمد مهدی [خاتون‌آبادی] صادر شده و به لقب سلطان العلماء معروف گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام جمعه، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقای حاج سید محمد مهدی امام جمعه شهرستان اصفهان از احفاد و اسباط علامه مجلسی اول رضوان‌الله علیه و دانشمندان بنام و متنفذ آن سامان میباشد و منصب امام جمعه‌ای از صدها سال قبل در خاندان این سلسله بوده که در مسجد جامع اصفهان و مسجد شاه تهران اقامه نماز جمعه نموده و مینمایند.

مرحوم فتحعلی شاه قاجار بعد از بناء مسجد سلطانی تهران از یکی از اعمام معظم‌له دعوت نمود که بتهران آمده در مسجد شاه مزبور اقامه نماز جمعه و جماعت نمایند و منصب مزبور در خاندان وی تاکنون باقی و امام جمعه تهران با امام جمعه اصفهان پسر عمو و از یک سلسله و بیت میباشند.

معظم‌له در بیت علم و سیادت در حدود سال ۱۳۱۰ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح بدرس مرحومین علمین آیتین آیه‌الله حاج سید ابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی حاضر شده آقا بمدارج عالیه علم رسیده و از آن بزرگوار بدریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایتی مفتخر گردیده است.

و ایشان حدود بیست و پنج سال است که امام جمعه و جماعت مسجد جامع شهرستان اصفهان میباشند.

از آثار ایشان است رساله‌ای در میراث زوجه که مستدلا مرقوم داشته و مورد تحسین و تجلیل استادش مرحوم آیه‌الله دهکری قرار گرفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امام جمعه، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر سید محمد. آخرین امام جمعه‌ی مقتدر اصفهان، از رؤسا و متنفذین بوده، و در اوایل، زاهد و عابد و مورد وثوق مردم بوده، و مردم از محلات مختلفه جهت درک نماز ایشان به مسجد جمعه می‌رفته‌اند، لکن در اواخر در اثر حرکات ناشایسته برخی از اطرافیان ایشان، آن توجه و اعتماد از بین رفته، و دیگر بعد از ایشان امام جمعگی رونقی نیافت.

مشارالیه در ۱۲۵۰ متولد، و در شب ۴ شنبه ۱۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۱ وفات یافته، در مقبره‌ی سر قبر آقا مدفون گردید. قبرش در شاه‌نشین غربی بقعه قرار دارد.

یک نمونه از نفوذ و قدرت مرحوم حاج میرزا هاشم: در سال ۱۳۰۷ به شرحی که در کتب تاریخ مفصلا نگاشته شده است در اصفهان پیش آمدهایی روی داد که منجر به کشته شدن دو نفر از بهائیان گردید. ظل السلطان به دستور ناصرالدین شاه جهت ارعاب و تهدید علما جلسه‌ای تشکیل داده، و ضمن بیاناتی، از سیاست خارجی دول و قدرت شاه و خودش و این که چنین و چنان خواهم کرد صحبت می‌کند، و نسبت به جمع علما و بالاخص آقا نجفی، که شهرت داشت عمل به دستور ایشان و یا لااقل اطلاع ایشان انجام گردیده توهین نموده، و از کشتن و زندان کردن و تبعید سخن می‌گوید. با مقدمه چینی که قبلا نموده بود طوری سخن می‌گوید که حاضرین عموما ساکت و مرعوب شده، رنگ‌ها از صورت می‌پرد. همگی متحیر که چه باید گفت، و چه باید کرد؟ در این موقع ناگهان حاج میرزا هاشم در حالت عصبانی از جای برمی‌خیزد، و رو به ظل السلطان که عوام او را زلزله سلطان می‌گفتند نموده و می‌گوید: به چه قدرت به خودت حق می‌دهی به نایب امام زمان علیه‌السلام جسارت کنی؟ و از مجلس خارج می‌شود. علما نیز به یک مرتبه از جای برمی‌خیزند. ظل السلطان وحشت‌زده به یک یک علما متوسل می‌شود که امام را برگردانید و

از او عـذرخواهی کنیـد. بالاخره آقامیرزا محمـد هاشم چهارسوقی واسـطه شده، امام را برمی گرداند، و ظل السـلطان از او و دیگران عـذرخواهی می کنـد، و مخـالفین امـام جمعـه پی بـه عظمت روحی و قـدرت و نفـوذ کلاـم او می‌برنـد [!] و وی را برای این عملش ستایش می کنند.

ضمنا باید دانست که اختلاف سلیقه و دو دستگی ما بین آقایان مسجد شاه و امام جمعه زیاد بوده، و از همین اختلاف، ظل السلطان چندین مرتبه حد اعلای استفاده را برده بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال امام

محل تولد : رشکوئیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۷۳ وارد حوزه علمیه امـام خمینی (ره) یزد شـدم. در سـال ۷۵ به مـدرسه علمیه مصـلی یزد رفته و فقه و اصـول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال ۷۸ امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر ۷۹ به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشـته تاریخ موسـسه مشغول به تحصیل شدم.

پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال ۸۴ در امتحان ورودی کارشناسـی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه ۸۴ در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.

همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین ۸۶ به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه ۸۶ در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امامت، عزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عزاللّه بن آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از دانشمندان و ائمه‌ی جماعت معاصر کاشانست.

وی در سال ۱۳۰۹ شمسی در کاشان متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح و متون فقه و اصول را از مرحوم والدش آیت‌اللّه امامت و مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمود نجفی فراگرفته و آنگاه به مشهد عزیمت و چندی از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله استفاده نموده و بعد از آن به کاشان برگشته و به وظائف دینی از قبیل امامت و تبلیغ مسائل احکام و تألیفات تاکنون اشتغال دارند.

تألیفاتی که از معظم له به طبع رسیده است از این قرار است.

۱- کشکول امامت دو جلد.

۲- زندگانی سلطان علی و هلال بن علی.

۳- فضائل السادات.

نگارنده گوید: از همین سلسله جلیله است جناب آیت‌اللّه حاج سید عباس بن مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید علی‌اکبر کاشانی حایری که اکنون در شهرستان دینی و علمی قم اقامت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامت، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن العلامهٔ الزاهد السید محمدمهدی امامت حسینی کاشانی از آیات عظام و علماء بزرگ معاصر کاشان (داماد مرحوم آیت‌اللّه ملا حبیب‌اللّه کاشانی) بودند.

وی در حدود ۱۲۹۲ قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و عمل پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از دو عموی گرامش آیت‌اللّه آقا سید محمدحسین امام (متوفی حدود ۱۳۱۱) و آیت‌اللّه آقا سید محمدحسن امام (متوفی حدود ۱۳۳۰) و مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدحسین نطنزی و میرزا محمدحسین نراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی (متوفی ۱۳۲۵ قمری) و حاج میرزا ابوالقاسم نراقی سبط فاضل نراقی و پس از آن مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی (متوفی ۱۳۴۰) صاحب مقامات عالیه و تألیفات کثیره استفاده نموده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری بهره‌مند شته و پس از مدتی به کاشان مراجعت و اشتغال به تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که در سن صد سالگی بدرود حیات گفته و در جنب میدان و فلکه بزرگ کاشان (کامل‌الملک) در مقبره شخصی مدفون گردید.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه امامت از برکات شهرستان کاشان و مفاخر علمی و قدسی این شهرستان و از مشایخ اجازه عصر ما بودند و جماعتی از اعلام و آیات عظام که ذکرشان موجب اطنابست از ایشان اجازه روایتی داشتند و برای این حقیر هم در اواخر عمرشان اجازه مبسوطی صادر فرمودند تألیفات و آثار عدیده دارند که ذیلا می‌نگارم.

تألیفات مرحوم امامت

۱- هدایهٔالعوام فی مهمات الاحکام (رساله عملیه) مطبوع

۲- راه نجات او تنبیهات الغافلین منظومات بالفارسیه مطبوع

۳- راه خداشناسی فی اصول العقاید بالفارسی مطبوع

۴- وسیلة النجاة فی فضائل السادات بالفارسی مطبوع

۵- ثواب الزیارات بالفارسی مطبوع

۶- رسالة فی احکام الارث فارسی

۷- رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین عربی.

۸- رسالة فی منجزات المریض عربی

۹- رساله در حکم آب قلیل متنجس متمم

۱۰- رسالة فی عقد الفضولی عربی

۱۱- شرح بر منظومه استادش در اصول موسوم (به منیةالاصول).

۱۲- مرآت الحقیقه در حالات صوفیه فارسی

۱۳- کشکول در مواعظ در چند جلد فارسی.

۱۴- حاشیه بر شوایع

۱۵- حاشیه بر مکاسب

۱۶- رساله در مصرف سهم الامام (ع)

۱۷- در متفرقات از حواشی و غیره.

ادباء و بعضی از دانشمندان کاشان اشعاری بسیار در رثاء آن مرحوم سروده‌اند از جمله آیت‌اللَّه العلام آقای حاج آقا رضا مدنی دام ظله در ماده تاریخ وفاتش سروده.

سید اهل العلم فخرالدین

نجم الامامه و بدرالدین

یا لهف قد مضی فقل مورخا

(الی الجنان رام فخرالدین)

و در روز وفاتش گفته‌اند.

یا لهف مات سید جلیل

فخرالهدی مجتهد نبیل

للدین فخر کامل لبیب

عدل زکی عالم ادیب

(۱۳۹۲ -۱۲۹۲ ق)، عالم، فقیه و مدرس. در کاشان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، متون فقه و اصول را از دو عموی خود، آیت‌اللَّه آقاسید محمدحسین امام و آیت‌اللَّه آقاسید محمدحسن امام، فراگرفت. وی همچنین از حوزه‌های درس آیت‌اللَّه حاج ملاـ محمدحسین نظنزی، میرزا محمدحسین نراقی، آیت‌اللَّه حاج میرزا فخرالدین نراقی، حاج میرزا ابوالقاسم نراقی و آخوند ملا حبیب‌اللَّه کاشانی، پدر همسرش، استفاده کرد. در اوایل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند شد. پس از مدتی به کاشان بازگشت و به تدریس و تألیف و وعظ و اقامه‌ی جماعت در مدرسه‌ی سلطانیه اشتغال ورزید. وی از مشایخ اجازه عصر حاضر بود و بسیاری از علما از ایشان اجازه روایتی داشتند. او در کاشان درگذشت. از آثار وی: «هدایة العوام فی مهمات الاحکام»، رساله‌ی علمیه؛ «راه نجات»؛ «تنبیه الغافلین»، شعر فارسی؛ «راه خداشناسی»، در اصول عقاید، به فارسی؛ «ثواب الزیارات»، به فارسی؛ «رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین»، به عربی؛ «رسالة فی منجزات المریض»، به عربی؛

«رسالهٔ فی عقد الفضولی»، به عربی؛ «وسیلهٔ النجاهٔ»، در فضائل سادات.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۲ -۲۵۱ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ -۲۶۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۴ / ۴).

امامت، فضل‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فضل‌اللّٰه بن العلامهٔ المرحوم حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از علماء محترم معاصر کاشانست. وی در سال ۱۳۳۳ قمری در بیت فضل و فضیلت به دنیا آمده و در کودکی ادبیات را خوانده و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از محضر والدش وجدامی خود مرحوم آیت‌اللّٰه ملا حبیب‌اللّٰه شریف کاشانی و آیت‌اللّٰه آقا سید محمد علوی بروجردی استفاده نموده آنگاه به قم مهاجرت و از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّٰه صدر و غیرهم بهره‌مند شده آنگاه در شهر خود به امامت و انجام وظائف دینی پرداخته و تاکنون اشتغال دارد.

دارای آثاریست که از آنها تحفهٔالطالبین به طبع رسیده است و تألیفات دیگر ایشان در صرف و نحو و فقه و اصول تاکنون مخطوط مانده است.

(تو ۱۳۳۳ ق)، فقیه اصولی. در نوجوانی ادبیات را آموخت و در محضر پدر و جد مادری‌اش آخوند ملا حبیب‌اللّٰه کاشانی و نیز آقاسید محمدعلوی بروجردی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّٰه حائری و آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه سید محمد حجت و آیت‌اللّٰه صدر بهره‌مند شد. در بازگشت به کاشان به ترویج مذهب و تألیف کتاب پرداخت و آثاری در صرف و نحو و فقه نگاشت. از آثار وی: «تحفهٔ الطالبین».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ / ۶).

امامی اصفهانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۲، اصفهان.

درگذشت: ۴ آذر ۱۳۷۲(۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله سید احمد امامی اصفهانی، فرزند آیت‌الله حاج آقا عطاءالله امامی نیز از علمای مشهور اصفهان، بود. او پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی در نزد پدرش و حضرات آیات معلم حبیب‌آبادی، فیاض و فقیه قودجانی پرداخت و پس از تکمیل ادبیات و سطح جهت استفاده از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم بدانجا رفت و کفایه را از آیت‌الله

مجاهـدی و آیت‌الله سـلطانی طباطبـائی فراگرفت. سـپس خـارج فقه و اصـول را نزد آیت‌الله العظمی بروجردی و امـام خمینی (ره) و فلسـفه را هم نزد علامه‌ی طباطبائی تحصـیل نمود. از خدمات وی کتابخانه عظیم‌الزهرا با بیش از شـصت هزار جلد کتاب و توسعه و نوسازی مسجد سقا در اصفهان را می‌توان نام برد.

از تألیفـات چـاپ شـده‌اش چرا جمهوری اسـلامی و روش رهبران انقلابـی مـا و از کتابهـای چاپ نشـده‌اش می‌توان از اینها نام برد: تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ تقریرات درس اصول امـام خمینی؛ تقریرات درس فقه (مکـاسب) امام خمینی؛ اجتهاد و تقلید؛ جغرافیای کشورهای اسـلامی؛ شـرح دعای عرفه؛ جنگ در نظام کل اسلام؛ قواعد درایه و رجال؛ مبارزه و راه آن در قرآن؛ آیـات معجزه‌آسـای قرآن؛ انسـان در قرآن؛ ولایـت و امـامت از دیـدگاه قرآن؛ اخلاق در قرآن؛ تمثیلات و تشبیهات قرآن؛ قرآن و تعهدات اسـلامی؛ تفسیر جزء سی قرآن؛ تفسـیر قرآن (از سوره بقره تا انفال) اسـرار حج؛ سنت تغییر؛ راه مستقیم؛ بشر و رسالت او؛ قدرت و نیرو؛ جاسوسـی در اسـلام؛ انقلاب در پرتو وحی؛ جهاد؛ روحانیت و تبلیغ در اسـلام؛ انحرافات و مبارزه با استعمار؛ وظایف مردم در زمان غیبت؛ شـیطان در خانه ما؛ چگونه باید زیست؛ راهنمایی‌های حضـرت علی (ع) (هفت جلد)؛ قیامت (سه جلد)، اسلام تنها راه مبارزه با اسـتعمار؛ جامعه اسـلامی؛ خدمات اهل‌بیت پیامبر؛ فرهنگ واژه‌های علمی؛ فرازهای عالی صـحیفه سجادیه؛ اقتصاد؛ شناخت خط انقلابی حضرت مهدی (عج)؛ شرح نامه علی (ع) به مالک اشتر.

آیت‌الله امامی اصفهانی روز پنجشنبه چهارم آذر ۱۳۷۲ (برابر یازدهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.) در شصت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در امامزاده ابوالعباس خوراسگان به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی پور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امامی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد امامی پور فرزنـد محمـد علی متولـد ۱۳۴۲ مقطع دبسـتان و راهنمـایی را در مشـهد گذرانـدم و پس از پایـان دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تا مقطع دیپلم به طور آزاد ادامه تحصیل دادم.

سال های ۶۴ تا ۶۹ در دانشـگاه علوم اسـلامی رضوی به فراگیری زبان انگلیسی و دروس حوزوی تا سطح عالی مشغول بودم و پس از اعزام ۳ مـاهه به زامبیـا جهت تبلیغ و مراجعت به کشور، راهی قم شـدم و تحصـیلات حوزوی و دانشـگاهی را تا مقطع لیسانس از سال ۱۳۷۰ در آنجـا ادامه دادم. در سال ۷۴ با احراز رتبه هشـتم وارد دانشگاه تهران شدم و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در سال ۷۶ به پایان رسانـدم و ازنیمه ۷۷ به عضویت هیئت علمی دانشـگاه مفیـد در آمدم. سال ۸۲ وارد مقطع دکتری شـدم و اکنون با پایان یافتن واحـدهای آموزشـی و امتحان جامع در مرحله پایان نامه هسـتم. چنـدین طرح پژوهشـی مانند بررسـی قانون بیمه شـخص

ثالث و درآمدی به متون اسلامی و... را نیز به سامان رسانده ام.

امامی تربتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن حجه الاسلام حاج شیخ ذبیح الله بن العالم العلام حاج ملا عبدالله (امام جمعه تربت) ابن العلامه حاج حسینعلی (امام جمعه) از علماء مبرز معاصر خراسان و تربت حیدریه می‌باشد.

مرحوم حاج ملا حسینعلی و حاج ملا اسحق تربتی که در عصر خود اعلم علماء خراسان معرفی شده‌اند نسبشان منتهی می‌شود به مرحوم حاج ملا خداداد تربتی که معاصر با اوائل صفویه بوده‌اند.

جناب آقای امامی در محرم ۱۳۲۰ ق در تربت حیدریه متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و قرآن و اولیات را در مکتب خانه مرحوم آقا سید محمود مشلول خوانده و قسمتی از مقدمات را فراگرفته و ضمنا از نماز جماعت و مجالس وعظ مرحوم حجت الاسلام آخوند حاج ملا عباس تربتی (والد جناب آقای راشد) که از نظر زهد و تقوا و فضیلت کم نظیر بود استفاده نموده و در ماه ربیع الاول ۱۳۴۷ ق به حوزه علمیه مشهد مقدس منتقل و ادبیات را از جناب حاج شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و اساتید دیگر استفاده کرده و پس از آن سطوح فقه و اصول را از مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ شاهرودی و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفائی و آیت الله عالم ربانی حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاضه نموده و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی و آیت الله خونساری بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام آن سامان چون آیت الله حاج شیخ موسی خونساری و آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۴ ق به تربت برگشته و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام نموده و تاکنون اشتغال دارند. از آثار ایشان است:

۱- استرداد مدرسه اسحاقیه و تعمیر آن به همت مرحوم حاج ابوالقاسم هراتی (که اکنون به مدرسه هراتی شهرت دارد)

۲- رسیدگی به وضع طلاب و محصلین مدرسه مزبور.

۳- اعزام مبلغین دینی بقراء اطراف تربت.

۴- تهیه زمین برای ساختمان کتابخانه امامیه و تهیه مقداری کتاب برای آن.

۵- اقدام به تجدید ساختمان مسجد مرحوم حاج شیخ علی اکبر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی حجتی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر امامی حجتی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر امامی حجتی دوران کودکی و نوجوانی را در نجف اشرف گذراندم و در خانواده ای روحانی نشو و نما کردم. دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف گذارندم و درسال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد حضرات آیات شیخ علی پناه اشتهاردی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ احمد پایانی، کرباسی، محمد هادی معرفت و فاضل سطح را به پایان بردم. در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و فاضل، سال های متمادی شرکت کردم و بحمدالله موفق بوده ام که سطح را از مقدمات تا نهایه تدریس کنم و به مدت پنج سال در واحد آموزشی خواهران دفتر تبلیغات نیز تدریس کرده ام و علاوه بر تقریرات دروس اساتیدم با همکاری برخی از موسسات پژوهشی آثاری از خود به یادگار گذاشته ام.

از سال ۱۳۷۰ با بخش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کردم. نتیجه آن با همکاری دیگر برادران چهارده جلد "المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار "و سه جلد" المعجم المفهرس لاعلام احادیث بحار الانوار، "و نقد و پاورقی بر ترجمه کتاب" احداث التاریخ الاسلامی "و فیش برداری از مکتب های تاریخی زیر نظر دکتر آدینه وند و مقاله" تعداد یاران امام حسین علیه السلام "که در کتاب نگاهی نو به جریان عاشورا به چاپ رسیده است. ضمناً در برخی از موسسات دیگر نیز همکاری داشته ام که کتاب" مجمع الفوائد فی شرح الفرائد "با همکاری دیگران نوشته ام که به چاپ رسیده است.

از کارهای شخصی خودم نیز می توان اشاره کنم که تعلیقه توضیحی بر خیارات مکاسب نوشته ام و مقاله ای تحت عنوان مصرف سهم امام علیه السلام در زمان غیبت.

امامی کاشانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین امام کاشانی فرزند عالم جلیل آقا حسام‌الدین امامی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در بیت دانش پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده پس از آن به قم آمده و در دوره اول امتحان طلاب که شرکت نموده با نمره ممتاز و رتبه اول پذیرفته شده و در درس و مباحثه مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی که صحبت و اشکال می‌کرد و مورد توجه آیت‌اللّٰه قرار گرفته و با عنایات مخصوص به ایشان نگریسته و تعبیر به عالم عصر من می‌فرمودند و پس از دیدن یک دوره خارج و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه مرحوم علامه یزدی معروف به مدرسه سید سکنی گزیده و به مباحثات ادامه داده و حاشیه کامل بر عروه‌الوثقی زده سپس مراجعت به کاشان نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد بازار کاشان و تدریس فقه و اصول اشتغال دارند و جمع کثیری از محصلین و صلاب کاشان از محضرشان استفاده می‌نمایند دارای تألیفاتی در فقه و اصول می‌باشند. و در چند سال قبل کتابی به نام اصول‌الامامیه تألیف نمودند که با آنکه مختصرترین کتب اصولی است بسیار ساده و آسان و قابل

استفاده است و با این ابتکارشان زحمات طلاب را برای فهم کفایه الاصول علامه خراسانی کم نموده است.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ حسین امامی کاشانی سلمه‌اللّه از افاضل مجتهدین معاصر است که اجتهادش از حدود سی و پنج سال قبل مورد تایید و تصدیق آیات عظام نجف اشرف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره و دیگران و نیز مراجع بزرگ و زعماء حوزه علمیه قم مانند آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب اللّه ثراه و دیگران بوده.

آثار علمی ایشان مطبوعا و مخطوطا

۱- اصل اصول الامامیه یکدوره اصول که به طبع رسیده است.

۲- دراسات الاصول آماده طبع است.

۳- فقه الامامیه- سه جلد که آماده طبع است.

۴- حاشیه کامل بر عروه که در سال ۱۳۷۵ هجری قمری شروع و در سال ۱۴۱۰ هجری قمری پایان یافته.

۵- متفردات الامامیه مانند تقیه یا خبرئیت بسیم اللّه از سور قرآنیه.

۶- قاعده- لاضرر چاپ شده.

۷- قاعده- تقیه چاپ شده.

۸- قاعده- اعلمیت چاپ شده.

۹- ترجمه عروه که رساله عملیه فارسی است.

و ایشان داماد گرامی حضرت آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی کاشانیست که سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی صاحب تألیفات و تصنیفات کثیره مطبوع و غیره می‌باشند.

از آثار خیر معظم‌له تعمیر برخی از مساجد است که از آنهاست تعمیر اساسی مسجد میرعماد کاشان و بنیاد مدرسه امامیه برای طلاب خودشان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

امامی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امامی نیا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴به حوزه علمیه زنجان وارد شدم و با علاقه فراوان دروس حوزوی را تا پایان سطح در شهر زنجان گذرانده و در سال ۱۳۷۴به حوزه علمیه قم تشرف یافته و تا سا ل ۷۶ در دروس خارج اصول و فقه اساتید محترم همچون حضرات آیات سبحانی، مکارم و وحید خراسانی شرکت کردم.

در سال ۷۶ در دوره تخصصی کلام اسلام در سطح ۴ پذیرفته شده و به مدت ۴ سال این دوره را با معدل ۶۱/۱۹گذراندم.
از سال ۸۰ به مدت ۲ سال در مدارس علمیه الهادی، حقانی، معصومیه، کلام اسلامی را تدریس کردم. از سال ۸۱ تاکنون در دو سطح ۲ و ۳ فلسفه و کلام اسلامی را در مرکز تخصصی کلام اسلامی تدریس می کنم. در موسسه مذاهب اسلامی سطح ۳ چند دوره فلسفه تدریس کرده ام. در مدرسه بقیهٔ الله (ویژه طلاب محترم پاکستانی) به مدت ۳سال فلسفه اسلامی تدریس کرده ام.
ازسال ۸۵ تاکنون در مرکز تخصصی تربیت مدرس کلام و فلسفه اسلامی تدریس می کنم.
از سال ۸۲ تاکنون در مرکز پژوهشی دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی (موسسه امام خمینی) در کمیته علمی کلام عضویت دارم و چند مقاله برای آن مرکز تالیف کرده ام. از سال ۸۲ در شورای علمی دانشنامه کلام اسلامی (موسسه امام صادق) عضویت داشته و در ارزیابی مقالات، نظارت بر پرونده های علمی و تالیف مقاله فعالیت می کنم. به سفارش داانشنامه جهان اسلام مقاله" ذمیه "را تالیف کرده ام به طور خلاصه فعالیت این جانب در دو بخش تدریس و پژوهش در فلسفه و کلام اسلامی تمرکز دارد. از سال ۸۵ نیز راهنمائی، مشاوره و داوری چند رساله علمی را عهده دار بوده ام.

امامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی امامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه حقانی شدم. با گذراندن سالهای اولیه در آن مدرسه و تکمیل دروس در حوزه از محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات وجدانی، عندلیب، محقق داماد، اعتمادی، ستوده، نبوی، محفوظی و پایانی برای دوره های بعدی تا پایان سطح عالی بهره جستم. سپس از محضر اساتیدی چون حضرات آیات تبریزی و وحید خراسانی از سال ۱۳۷۰ به بعد استفاده نمودم.
همزمان از سال ۱۳۶۸ به تدریس سطح اول و سپس سطح عالی پرداختم که هم اکنون سالهاست به تدریس مکاسب و رسائل اشتغال دارم. (مدرسه حضرت آیهٔ الله بروجردی حجره ۱۵) در سال ۱۳۶۸ مقاله ای پیرامون کنکاشی پیرامون تورم به سمینار اقتصادی کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) ارائه دادم که در جلسه مطرح نمودم و توسط مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی منتشر گردید.
از سال ۱۳۷۹ مقالات و مطالب فراوانی به صورت سلسله ای و ادامه دار در مجلات فاطیما و میثاق با کوثر ارائه دادم که عناوین برخی از آنها عبارتند از": سخنی با نیکان ۲۴ شماره"، "سخنی با ایرانیان ۱۳ شماره"، "مشاوره روانشناسی ۱۷ شماره"، "تحلیل مسائل سیاسی روز تحت عنوان (چرا ؟) ۱۵ شماره"، "النکاح فی الاسلام ۱۵ شماره، "همچنین مدیر مسئولی مجلات فاطیما و میثاق با کوثر را عهده دار بوده ام که در مورد میثاق ادامه دارد.

امامی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: مرداد ۱۳۵۸، اروپا.

سید حسن امامی، فرزند ابوالقاسم تحصیلات خود را در سوییس به پایان رسانید و به درجه‌ی دکتری حقوق نایل گردید. پس از مراجعت به ایران وارد وزارت دادگستری شد و به ریاست دادگاه‌ها منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی حقوق به سمت استاد تاریخ عمومی و ثبت اسناد اشتغال داشت. بعد از وفات عموی خود که امام جمعه‌ی تهران بود، به جای وی به این سمت تعیین شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و وظایف این شغل اشتغال داشت. بعدا به ریاست مجلس شورای ملی نایل آمد و پس از چندی بالاجبار از شغل نمایندگی مستعفی و به اروپا مسافرت نمود.

از آثار اوست: حقوق مدنی ایران (در شش مجلد)؛ شرح قانون ثبت اسناد و املاک (۱۳۲۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل آقا حسام‌الدین امامی کاشانی از دانشمندان نامی و علماء سامی معاصر کاشانست وی در کاشان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و پس از آن به قم آمده و در امتحانات حوزه شرکت و رتبه اول و نمره عالی را دریافت و مکرر مکالمات علمیه با حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی نموده و مورد توجه معظم له واقع شده به طوری که بعضی از اوقات از ایشان تعبیر به عالم هم‌عصر می‌فرمودند و هر یک از طلاب و محصلین کاشانی و غیره را که توصیه و توثیق می‌نمودند آن مرحوم پذیرفته و بر ایشان حقوق و شهریه برقرار می‌کردند

آقای امامی پس از یک دوره تحصیلات و دیدن دروس خارج قم به نجف اشرف عزیمت نموده در حالی که در آن موقع بر عروۀالوثقی علامه یزدی حاشیه شروع نموده و در اقامتشان در (باب مدینه علم) تا باب خمس به اتمام رسانیدند

معظم له پس از چندی توقف در نجف و شرکت در دروس آیات عظام آنجا بالاخص مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و دیگران مراجعت به کاشان نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی باز به قم آمده و به تدریس خارج پرداخته و صدها نفر از طلاب در درسشان شرکت می‌نمودند. ولی متأسفانه روی بعضی از جهات دوباره به کاشان برگشته او تا حال تحریر و تألیف این کتاب (سال ۱۳۹۵ قمری) به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال دارند از آثار گرانقدر آنجناب کتاب (اصول الامامیه) است که زحمات فضلاء را آسان و راهی را که باید سالها در مبانی اصول فقه طی نمایند به چند ماه رسانیده

است

نگارنده گوید مترجم محترم ما از مجتهدین جوان عصر حاضر است آثار نبوغ و بزرگی در چهره و سیمایش نمایان است و امید است که بخواست خدا و عنایت صاحب ولایت در آینده از مراجع عالیقدر بوده باشند زیرا از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام همواره چه در قم و چه در کاشان و چه در نجف اشرف با کمال سادگی و دور از تظاهرات مجدانه اشتغال به تحصیل و تدریس و تصنیف داشتند و بحمد اللّه آثار علمی ارزنده‌ای مانند (اصول الامامیه) و حواشی بر عروةالوثقی و غیره دارند و ایشان داماد ارجمند حضرت آیت‌اللّه والعالم العلام آقای حاج آقا رضای مدنی کاشانی که از مجتهدین و مراجع عصر حاضرند در کاشان می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله امامی اول عالم معاصر شهرستان تربت است که اکنون باقامه جماعت و خدمات دینی و تدریس و سرپرستی محصلین و طلاب مدرسه تربت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر امامی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۰ پس از اتمام دوره ابتدایی وارد حوزه شدم و به موازات تحصیل در حوزه علمیه اصفهان دیپلم متوسطه را نیز اخذ نمودم. تحصیلات اینجانب از اوائل در حوزه به صورت مستمر با تدریس دروس حوزوی همراه بوده است. در سال ۱۳۵۸ پس از اتمام سطح در دوره‌های مختلف خارج فقه و اصول و همچنین فلسفه در حد اسفار نزد اساتید متعدد شرکت نمودم. یک دوره اصول در خدمت مرحوم آیت الله صافی اصفهانی شرکت کرده و در محضر مرحوم آیت الله صادقی و مجلسی اصفهانی مباحث فقه را شرکت کرده‌ام. تدریس اینجانب در مدارس صدر و امام صادق (ع) و دارالحکمه و جدّه بزرگ اصفهان تا سال قبل (۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۶) ادامه داشته است.

امامی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی امامی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی امامی در بهار سال ۴۷ در یک خانواده روحانی و اهل علم متولـد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در محل تولد که یکی از روستاهای بخش بهار همدان می باشد گذراندم. پایان دوران راهنمائی همزمان شد با شروع جنگ تحمیلی، بخشی از دوران راهنمائی (سوم) در جبهه و بخشی از آن را در مجتمع رزمندگان به اتمام رساندم.

همزمان با جنگ و دوران تحصیل در مدرسه در سال ۶۴- ۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از آن پایه اول حوزه را در مدرسه شهید مصطفی خمینی (ره) تهران گذراندم. و به جهت این که شهر قم شهر علم و اجتهاد بود و حرم حضرت معصومه (س) در آنجا بود، در امتحانـات حوزه شـرکت و قبول شـدم. از سـال اول تـا سـال سوم را در مـدرسه الهـادی واقع در خـاکفرج قم سپری کردم و همزمان با دروس حوزه دروس مقطع دبیرستان را در مجمع ایثارگران شهید زین الدین قم به اتمام رساندم.

در سال ۷۳ وارد دانشگاه شدم در رشته علوم سیاسی و همزمان با دروس حوزه و دانشگاه، در سال ۷۵ موفق به اتمام سطح دو حوزه و کارشناسـی در دانشـگاه شدم. در سال ۷۷ در مقطع کارشناسـی ارشـد در دانشـگاه باقرالعلوم (ع) قبول شـدم. و همزمان تا سال ۸۲ دروس دانشگاه و مصاحبه های خارج فقه و اصول را در شش نوبت به پایان رساندم.

از سال۸۰ همزمـان بـا دروس دیگر و تحقیقات مشـغول به تـدریس در دانشـگاه خواجه نصـیرالدین طوسـی و علامه طباطبائی تهران شدم. و در حال حاضر هم با اشتغال به کار آموزشی مشغول تدوین و نگارش کتاب و مقالات و تدریس در دانشگاههای یاد شده و اراک و پیام نور هستم.

امامی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر امامی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام والمسلمین محمد جعفر امامی در سال ۱۳۲۲ و در شب عید فطر در روستای لایزنگان (خشم علیا) از توابع شهرستان داراب استان فارس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش روحانی نبود ولی پدر بزرگش در کسوت روحانیت بود اما از راه باغ داری و کشاورزی زندگی خویش را اداره می کردند. وی دوران ابتدائی را در مسقط الراس خود، ابتدا در مکتب خانه و پس از آن در مدرسه ابتدایی آن روز به تحصیل گذراند.

در ۲۷/۷/۱۳۳۷ به حوزه علمیه داراب که تحت قیمومیت مرحوم آیت الله نسابه اداره می شد وارد شد و تا سال ۱۳۴۱ در آنجا بود. در طی این سالها دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را آموخت و سپس به حوزه علمیه قم آمد و در قم نخست به مدرسه رضویه رفت و دروس دوره سطح را پی گرفت و در مدتی کوتاه آن را به پایان برد. سپس به درس خارج استادان مشهور آن روزگار رفت و از محضر بسیاری از آنان بهره مند شد. اما استاد اصلی او در این بخش آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

حجةالاسلام والمسلمین امامی، در پیش و پس از (انقلاب اسلامی) در عرصه های گوناگون سیاسی حضور فعال داشته است. او در سالهای حکومت (پهلوی) برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور سفر می کرده و در آنجا ماهیت رژیم پهلوی را افشا می نموده است تا آنجا که رژیم پهلوی او را ممنوع المنبر کرد و تا پیروزی انقلاب این ممنوعیت ادامه داشت از آغاز ورود او به قم که مبارزه مرجعیت و روحانیت با تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بر ضد رژیم پهلوی شروع شد همواره در تمام صحنه‌های این مبارزه شرکت داشت.

وی در جریان رفراندوم و لوایح ششگانه در سخنرانی جلسه مهم مدرسین حوزه که پس از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی در مسجد اعظم قم که در آن آیة الله العظمی مکارم و مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری سخنرانی کردند و موضع مدرسین حوزه را اعلام داشتند و در کلیه سخنرانی های امام راحل چه آنها که در مسجد اعظم ایراد فرمودند و چه سخنرانی معروف مدرسه فیضیه در عصر عاشورا شرکت داشت. و نیز در صحنه پانزده خرداد در قم که ملت ایران به خاک و خون کشیده شدند، حضور داشت.

در شب و روز آزادی امام قدس سره از حبس و حصر و حضور مردم قم در بیت ایشان و ورود هیئت های دیدار کننده از شهرستانهای کشور و سخنرانی آن حضرت در مسجد اعظم و در جشن باز گشت امام که در فیضیه منعقد گردید و نیز در سخنرانی ضد کاپیتولاسیون که در بیت خود حضرت امام (ره) در محله یخچال قاضی قم انجام گرفت در تمامی این مراحل حضور داشت.

او پس از انقلاب نیز در صحنه های گونا گون همواره پشتیبان انقلاب و امام (ره) بوده است. در آغاز به نمایندگی از امام در آمادگاه منظریه قم و در ستاد انقلاب مدتی در سازمان برنامه و بودجه و مدتی در وزارت بازرگانی انجام وظیفه نمود. در طی سالهای دفاع مقدس نیز با تنظیم کتاب (نظام دفاعی اسلامی) و بحث های عقائد و اطلاعات رزمندگان اسلام را با مبانی دفاع و دیدگاه اسلام درباره آن آشنا می ساخته است.

حجةالاسلام و المسلمین امامی هم اکنون از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد و در شهر قم حضور دارد .

امامی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود امامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام سال دوم دبیرستان به علت علاقه شدید به دروس حوزوی، دبیرستان را رها کردم و به مدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهدی تهرانی) وارد شدم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ تحصیل دروس مقدمات (تا پایان لمعتین) را در این مدرسه سپری کردم. سپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.

شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت ۵ سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید مطهری بودم، الهیات شرح منظومه را نزد استاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائل را در قم در درس آیت الله سید رسول تهرانی شرکت کردم. در تهران بدایهٔ الحکمه را در درس آیت الله سید رضی شیرازی و نهایهٔ الحکمه را در درس استاد سید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شرکت کردم. جلد نخست کفایه را نیز خدمت آیت الله شیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.

سال ۱۳۷۱ به مدت ۴ سال در درس خارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضرات سید احمد مددی و استاد گنجی حاضر می شدم. مدت ۲ سال خارج فقه (خمس) آیت الله شیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت ۶ سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری زنجانی را بهره مند شدم. همچنین ۴ سال در درس خارج اصول حضرت استاد وحید خراسانی حاضر شده ام. نهایتا مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرده ام و از سال گذشته از حضور در دروس خارج منصرف شده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهای پژوهشی سپری میکنم.

در مدت اقامت در قم، مدت ۷ سال در درس کلام یکی از اساتید بزرگوار شرکت کردم (به علت عدم رضایت استاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت ۲ سال در درس اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

مدت ۵ سال که در مدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراراً تدریس کردم و مدت ۸ سال است که هفته ای یک روز به تهران می روم و به تدریس دروس معارف اسلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (۳ سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و ۵ سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.

از آغاز تحصیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (۱۶ سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با ۱۲۰ منبع به پایان رساندم. در مدتی که در تهران و قم بودم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم، در دوران اقامت در تهران و

مـدتی پس از ورود به قم به کارهـای تحقیقی پیرامـون متـون روایی و ترجمه آنهـا (ترجمه و تحقیـق فضائـل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، (تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیه تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم.
مدت ۷ سال است که با موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشـی دارم و مدت ۶ سال است که در کارهای پژوهشـی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امامی، منیرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد منیرالـدین امامی متولد ۱۳۵۲ قمری کـه از محصـلین حـوزه علمیـه قـم می‌باشـد. وی پس از رشـد و خوانـدن دروس فارسـی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشـی مدظله و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه روحانی دامت برکاتهم شـرکت نموده و از خرمن علوم آنـان خوشه‌ها چیـده و تا حال حاضـر نیز اسـتفاده می‌نمایـد و در ایام تعطیل ماه رمضان و محرم و صـفر برای نشـر احکام به منطقه و محل خود و غیره مسافرت نموده و می‌نماید. برادر ارجمند ایشان آقای حاج سید باقر امامی از فضلاء مهذب حوزه می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امانی، محمدصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صالح امانی

محل تولد : جنت رودبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد هشـتم ربیع الثانی سنه ۱۳۹۱ ه.ق مطابق خرداد ماه ۱۳۴۹ خورشـیدی در یکی از روستاهای خوش آب و هوای منطقه تنکابن به نام جنت رودبار از حوالی بخش مرکزی شهرسـتان رامسـر بـدنیا آمـدم. در خانواده ای که دینـداری، نوعدوستی، اصالت، تقوا، پاکـدامنی مشـهور و زبانزد خاص و عام بودنـد. از همان زمان طفولیت عشق و علاقه وافری که به مکتب اهل بیت (ع) داشـتم، همواره شوق و اشتیـاق را در اینجانب زیاد می کرد، تا اینکه پس از طی مراحل تحصـیلی مـدارس ابتـدایی و راهنمایی را در زادگاه خودم با موفقیت به پایان رسانیدم و دوره آموزش متوسطه و دبیرستان را در شهرستان آمل مازندران گذرانیدم و در خلال این مدت

قریب یک سال نیز در جبهه های جنگ علیه باطل شرکت کردم. و سرانجام وارد حوزه علمیه شهر شدم و با قبولی در آزمون و مصاحبه به پذیرش آن حوزه مقدسه درآمدم.

پس از ورود به حوزه نیز با برنامه ریزی دقیق و نظم و سلیقه خاص که از صفات لاینفک وجودم می باشد در کنار گذراندن دروس اصلی و فرعی به مطالعات و تحقیقات نیز پرداختم و عهد اینکه در کنار مطالعات همواره مطالب مورد نیاز و علاقه را بصورت فیش برداری یادداشت می نمودم که همچنان نیز ادامه دارد.

یکی دیگر از کارهایی که در کنار تحصیل داشتم و دارم تبلیغ و ترویج مکتب دین مبین اسلام بوده و هست که در ایام تبلیغ هر ساله با شور و شوق فراوان به آن پرداختم. و از کارهای دیگر تدریسی است که از همان اوایل خود را مقید به آن کردم که تاکنون اکثر کتب مقدماتی اعم از صرف، نحو، ادبیات، منطق، تجوید قرآن، حاشیه ابن عقیل، معانی، فقه و اصول، لمعه، تحریر الوسیله، مختصر النافع، مکاسب و رسائل، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را تدریس نمودم.

از بدو ورود به حوزه مقدسه علمیه یعنی سال ۱۳۷۷ خورشیدی تاکنون بطور مستمر و مداوم مرتباً در دروس سطح عالی و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال و حدیث و غیر آن از محضر پر برکت اساتید معظم و مراجع عظام تقلید (دامت تأئیداتهم) بهره بردم که بخشی از آن بزرگواران در صفحه ۲ همین فرم ذکر گردیده اند و از اکثر آن بزرگواران نیز به اخذ اجازات علمی، حدیثی و امور حسبیه نائل شدم.

امجد، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علّامه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود ۲۰ سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی است که از سال ۱۳۵۱ هـش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال ۱۳۵۰ با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده،

جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امیدی فرد، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الله امیدی فرد

محل تولد : فارمد مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیهٔ الله حاج آقای مروارید و حضرت آیهٔ الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیهٔ الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه ۱۳۵۰ بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.

در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیهٔ الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیهٔ الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیهٔ الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال ۵۸ رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیهٔ الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیهٔ الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.

باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال ۱۳۷۱ ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.

از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش کرده ام اندوخته های اندکم را به دیگران انتقال دهم در همین راستا مدتی را به عنوان مدیر یکی از مدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تدریس در مدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصی ادبیات و دروس سطح از سال ۱۳۷۴ با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیرخانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی امیرخانی

محل تولد : گونبان بخش دینور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال ۱۳۵۱در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال ۱۳۶۳ تحصیلات دوره راهنمائی را در کرمانشاه آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۷به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم.

دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال ۱۳۷۱برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. درسال ۱۳۸۰موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال ۱۳۷۲شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۷۳ همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعا ت با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امیری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد علی بن آقا جعفر بن حاج سیف‌الله امیری پاشا از علماء معاصر شمال و اکنون در بند پی بابل سکونت دارد. وی در قریه پادشاه امیر بنـد پی متولد شده و پس از پایان دوره تحصیلات مقدماتی مقداری از سطوح را در آن قریه در محضـر آیه‌الله آقا شیخ محمد فیروز جاهی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله العظمی اصـفهانی و آیه‌الله عراقی بوده‌اند خوانده و در سال ۱۳۲۵ شمسی بقم مهاجرت و پس از پایان دوره سطح خارجی را در محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و مراجع بزرگ معاصر قم تلمذ فرموده و چون جـد نامبرده‌اش که از متمکنین متـدین و خیر آن سامان بوده‌انـد، مدرسه علیمه‌ایکه دارای چندین حجرات فوقانی و تحتانی در جنب بارگاه حضـرت سـید نظام‌الدین که مزار اهالی است که واقع در قریه نامبرده میباشد ساخته و پنج هکتار زمین شلتوت کاری از بهترین املاک شخصـی خود را وقف معـاش طلاب سـاکنین مـدرسه مزبوره بضـمیمه ربع یـک مرتع بنام یک برای تعمیر بنای آن مـدرسه میباشـد و کلیه علماء و مروجین معاصـر آن سامان چه آنانی که مقیم آنجا میباشـند و چه آنانیکه در حوزه‌های مختلف قم و مشـهد و غیره مشغول بتحصیلند برای فرا گرفتن دوره مقدماتی و سطوح اولیه و وسطی در این مدرسه تلمذ نموده‌اند، تا پیش از سال ۱۳۴۶ شمسـی پس از فوت جد نامبرده‌اش و فوت آیه‌الله فیروز جاهی مدرسه علمیه بصورت مخروبه درآمده و نزدیک بود بتصـرف اجنبی درآید و آثارش بکلی محو شود که معظم‌له با تحمل زحمات فراوان و کمی بودجه از قم ببخش بند پی و قریه نامبرده رفت و آمد نموده تا آنکه مدرسه مزبوره را مجددا احیاء و مرمت و تأسیس و تشـکیل حوزه علمیه در بخش بند پی با همکاری و تشـریک مسـاعی مراجع بزرگ تقلیـد قم نموده بـالنتیجه جمعیت زیـادی از طلاب محـترم آن سامـان و سواد کوه بـاین بخش و این مدرسـه اجتماع نموده و در تحت برنامه خاص مطابق برنامه مـدرسه حضـرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی مدظله العالی اجراء می‌شود و با آنکه هر چند سال یکبار چندین نفر از طلاب آنحوزه پس از فرا گرفتن دوره مقدماتی و مقداری از سـطوح بحوزه‌های علمیه قم و مشـهد منتقل می‌شوند در حال حاضـر در حدود چهل نفر از طلاب آن سامان و سواد کوه در آنجا سکونت دارند و جناب مترجم محترم ما بتدریس و تربیت آنان و اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امین الواعظین، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد حاج محمّـد علی تاجر اصـفهانی، عالم و فاضل، و واعظ کامل بوده، در سال ۱۲۷۵ در اصـفهان متولّد شده، و در نزد فضلا و علمای این شـهرماننـد: حاج میرزا بـدیع درب امامی، و حاج سـید مهدی نحوی، و آقا سـید محمّد باقر درچه‌ای تلمّذ نموده، چندین سال نیز در اعتاب مقدّسه نزد اساتید آنجا تحصیل کرده، واعظی بلیغ بود.

در حدود ۱۳۲۵ به ایران مراجعت نموده، مدّتی در اصـفهان، و گاهی در یزد ساکن شده، و سـرانجام در قریه سده ماربین که اکنون به نام همایون شهر معروف است در سال ۱۳۵۸ وفات یافته، در قبرستان خوزان مدفون گردید.

وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:

۱- امان الخائفین، در امامت ۲- البراهین الباهرهٔ، در مذّمت دنیا و مدح آخرت ۳- تحفهٔ المعاد للعباد ۴- روح العالمین، در توحید ۵- شهـاب الثاقب در مـدح امام غائب علیه‌السـلام ۶- طریقـهٔ الحق، در نبوّت ۷- کهـف العـارفین، در اخلاـق و غیره از نظـم و نـثر ۸- قصیده‌ای در مرثیه استادش میرزای شیرازی گفته، و در آن نام عدّه‌ای از علما را مذکور داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امین زارع، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امین زارع

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره های وافری از ایشان می برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می باشد.

حدود سال ۱۳۶۱ به واسطه استادم حجهٔ الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.

هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می نمایم. سایر فعالیتهای بنده به ترتیب: در سالهای ۶۶ و ۶۷ دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال ۷۱ به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریبا همه مجموعه ها و هیئت های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.

گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیتهای سالهای ۷۳ و ۷۴ اینجانب بوده است از سال ۷۸ تاکنون در بخش های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال ۷۹ به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد امین

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای معتقد و متدین زاده شدم. بعد از دوران تحصیلات جدید در مشهد مقدس وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه نواب حجره گرفتم و مدت هفت سال بطور منظم به درس های حضرت حجت الحق استاد ادیب نیشابوری (محمد تقی) رحمهٔ الله علیه شدم و هر آنچه را معظم له تدریس فرمودند آموختم و نوشتم و از همان سال ها نیز به تدریس اشتغال ورزیدم.

شرح لمعتین و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی را به مناسبت کتاب ارث در خدمت استاد بزرگوار مرحوم حاج میرزا احمد قدوسی یزدی آموختم. پس از آن به شهر مقدس قم آمدم و از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس در مدرسه علوی که آن وقت جنب کوچه حاج زینل در خیابان تهران (امام) بود پرداختم.

ضمناً رسائل را خدمت حضرت آیت الله نوری همدانی، مکاسب و کفایه را خدمت حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، قوانین را خدمت حضرت استاد اعتمادی، هیئت تشریح الافلاک و هیئت چغمنی را خدمت حضرت استاد حسن زاده آملی و منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری را خدمت مرحوم شهید دکتر محمد مفتح و منطق منظومه را خدمت استاد بزرگوار آیت الله گرامی قمی آموختم. مدت هفت سال در مدرسه مبارکه منتظریه (حقانی) به دعوت شهید حضرت آیت الله قدوسی به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشتم و نیز درس هایی به صورت آزاد در حوزه علمیه که بیشتر در مسجد فاطمیه و مدرسه فیضیه و مسجد امام بود داشتم.

در این مدت به دروس خارج حضرات آیت الله مرحوم داماد، حاج آقا مرتضی حائری، آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی، حضرت آیت الله آقا میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی می رفتم که نوشته های دروس این بزرگواران موجود می باشد و کتاب های اشعار را محضر حضرت آیت الله جوادی آملی آموختم.

در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ مدتی قبل و مدتی بعد از آن حدود دو سال تا سه سال در شهر خوانسار که از طرف حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی ابن الرضا (زید عزه) دعوت شده بودم تدریس در مدرسه مهدیه و نیز فعالیت های فرهنگی و انقلابی در دبیرستان های آن شهر داشتم و مدت سه سال بعد از آن به دعوت حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی (دام عزه) در حوزه علمیه خرم آباد (فاطمیه) و ارگان های مختلف آن شهر به تدریس و کارهای فرهنگی و انقلابی اشتغال داشتم.

از این مدت به تالیف کتاب هایی همچون «البیع فی المعانی و البیان و البدیع» به زبان عربی و «اسلام پزشك بی دارو» به زبان فارسی که رشته غذا شناسی اسلامی است پرداختم سال ۱۳۶۲ مجدداً از جانب حوزه علمیه قم برای تدریس دعوت شدم و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در ابتدای خیابان شهدا (صفائیه) به تدریس «مختصر المعانی» پرداختم که نوارهای آن ضبط شده و فعلاً به صورت نوار و سی دی موجود است. از این زمان به تدریس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه دار الشفاء و فیضیه و بعضی کلاس های خصوصی مثل مدرسه معصومیه پرداختم و ضمناً به کار تبلیغ در شهرستان های مختلف مثل گیلان (انزلی، رشت) و مازندران، اهواز، آبادان و شهرهای مختلف شیراز مثل مرودشت و غیره (البته ایام تعطیل) مثل محرم و ماه مبارك

رمضان پرداختم و به کار تحقیق نیز ادامه دادم.

در کارهای تحقیقی شروع به استخراج قواعد ادبی از کتب پیچیده و مغلق علمی صرف و نحو و آمیختن آنها با آیات و روایات به جای مثال های مستهجن و اشعار نامربوط نمودم که مجموعه آنها در شش مجلد سه جلدی در علم صرف و سه جلد در علم نحو برای سه دوره مقدماتی، متوسط و عالی نمودم و شرحی بر کتاب (مختصر المعانی) در چهار مجلد نمودم و اینک نیز به کار تدریس ادامه داده و اشتغال دارم.

امینی پور، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله امینی پور

محل تولد : شوش دانیال

شهرت : عبدالله (امیر) امینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۶/۳

زندگینامه علمی

زندگی نامه علمی

نگارش و ترجمه:

کودکان و نوجوانان (۱۳۷۱– ۱۳۸۳)

آغاز نگارش و ترجمه از ۱۳۷۳ با مجله سلام بچه ها و در ادامه (۱۳۷۲ – ۱۳۸۳) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها شماره و در حدود ۱۰۰صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.

سردبیری(۱۳۷۴ — ۱۳۷۶)

کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت . چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در ۱۳۷۴ و ۷۵ با مجله تبیان همکاری (ترجمه).

همکاری با مجلات و روزنامه ها (۱۳۷۵ تا کنون)

از ۱۳۷۵ همکاری با روزنامه ها آغاز می شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله « فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد ۷۶).

نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار ۷۶) سپس در مجلات زیر ادامه می یابد: حوزه ، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه ، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه) ، کوثر، پیام زن و ...

در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ ۱۳۸۴شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.

زن پژوهی:

از ۱۳۷۹ به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات : پیام زن ، زنان و پگاه حوزه شروع می شود، که برآیند چاپ و

انتشار مقالاتی در این نشریه است:

پیام زن ، شماره ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و۱۱۶ و ۱۲۲ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۳۶

و پگاه حوزه ، شماره ۷۰ و ۷۱ و ۷۵ و ۹۳ و زنان ، شماره ۱۱۶

شرح حال: از ۱۳۷۶ به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده ، از جمله در : روزنامه کیهان و رسالت،

مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور ۷۶) بینات و پیام زن.

کتابها : شکوه فقاهت (۱۳۷۹) فرزانه ناشناخته (۱۳۸۱) مزربان وحی و خرد (۱۳۸۱)

قرآن پژوهی : نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که ۱۳۸۲ (چاپ اول) و ۱۳۸۷ (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید . نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (۱۳۸۰) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر ۷۸ مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان « تفسیر بیان» بدون ذکر نام محقق چاپ کرده است.

سپس مقالاتی در نشریات:

تبیان، کوثر (ش ۳۳) پیام زن (۱۱۶ و۱۳۵ و۱۳۶ و۸۷ و۸۸) کتاب ماه دین ، روزنامه جام جم (ش ۹۲۵) بینات(ش ۳۳) و میراث شهاب (ش ۱۴)

مهدی پژوهی:

افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی » (چ موعود عصر، ۱۳۷۸) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار

تدریس:

از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۲ در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال .

تبلغ: در جبهه جنگ (۱۳۶۲) و نیز زادگاه محقق .

مدیریت: مدیریت روابط عمومی و اموربین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (۱۳۷۳ – ۱۳۷۶)

مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (۱۳۷۸ – ۱۳۸۳) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور (۱۳۷۰ – ۱۳۷۳)

نوآوری:

تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده

روزنامه جام جم/ ۲۰ اردیبهشت ۸۳

روزنامه کیهان/ ۱۹ خرداد ۸۳

نشریه کتاب هفته / ۲۳ شهریور ۸۱ و ۶ تیر ۸۳

نشریه پگاه حوزه/ ۲۸ فروردین ۸۱

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم ۱۴۱۶ (مارس ۲۰۰۵)

نشریه پژوهش و حوزه / بهار ۸۱

کسب نشان و جوایز علمی:

تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین

تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی ، مشهد (دانشگاه فردوسی)

تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی ، همایش بانوی آفتاب ، گرگان

تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات ، تهران (دانشگاه رودهن)

تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی ، قم

نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی ، همچنین مجله پیام زن

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ –۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایهٔ الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود ۴۰۰۰۰ کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنهٔ والادب»، دایرهٔالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفهٔ الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرهٔ نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترهٔ الطاهرهٔ فی الکتاب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.

در سال ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیهٔاللّه حاج سید محمد مولانا و آیهٔاللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی

و آیه اللّه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیهٔاللّه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ ق و آیهٔاللّه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی ۱۳۴۵ ق و مرحوم آیهٔاللّه نائینی و آیهٔاللّه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.

علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۰ ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.

آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.

و آثار علمی او از این قرار است:

۱- دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

۲- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. ۳- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (۲۶/۱۶، ۲۵۹/۱۴۸۲/۲)، الغدیر، ترجمه (۱۶۳ -۱۵۴ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۷ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۳ -۷۲۲ /۳)، مستدرکات اعیان (۸۲/۱).

امینی گلستانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امینی گلستانی

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۱ شمسی از زادگاهم قریه گلستان در ۳۰ کیلومتری اردبیل به مدرسه علمیه ملاـابراهیم وارد و پس از گذراندن مقدماتی صرف و نحو در سال ۱۳۳۳ به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده و

در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده نمودم در تاریخ ۱۳۳۴ از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل به مدت یازده سال اقامت نمودم. در طول این مدت مشغول کارهای علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشتم.

۱- مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیة الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت ۸۰۰ متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات مسجد.

۲- احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

۳- بنا و تأسیس مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) در زادگاهم روستای گلستان، بعداً در زلزله ویرانگر سال ۱۳۷۵ شمسی اردبیل که تعداد یک صد و ده روستا را از ۲۵ درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد که در این باره کتاب شعر آغلار ساوالان(یعنی سبلان می گرید) را سرودم. و یکایک کشته شدگان زادگاهم را در آن کتاب نام بردم.

۴- تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از ۱۷ صندوق شروع و فعلاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فراگرفته است.

۵- در سال ۱۳۸۱ مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و توسعه دادم.

۶- در سال ۱۳۸۲ مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورقچی احداث و در سال ۱۳۸۴ تقریباً به اتمام رسید.

در سال ۱۳۵۱ شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نمودم و مقیم گشتم و در خلال مدت ۱۴ سال اقامت در اردبیل به کارهای تبلیغاتی اسلامی و سرپرستی حجاج بیت الله الحرام ادامه دادم.

در سال ۱۳۶۱ شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و مشغول کارهای روحانیت خود شدم و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشتم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ شمسی به شهر مقدس قم مهاجرت کرده و مقیم گشتم، در این شهر مقدس نیز به کارهای علمی و فرهنگی خود استمرار بخشیده و ثمره مهاجرت اخیر تألیفاتی است که بعداً شرح خواهم داد.

امینی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین امینی شاهرودی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.

وی در یکی از مضافات شاهرود بدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در شاهرود و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده و بنابر تقاضای بعضی از مؤمنین کرمانشاه و امریه بعضی از مراجع بزرگ نجف برای خدمت و ارشاد مردم به کرمانشاه عزیمت و رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخته.

و ضمناً مبتلا به سوانحی گردیده و مدتی در تهران و نقاط دیگر به طور اضطرار و اجبار و اکراه اقامت نموده و مجدداً به کرمانشاه بازگشت و به خدمات روحی و دینی اشتغال دارد از آثار ایشانست تأسیس درمانگاهی که با همکاری جمعی از مؤمنین برای مستمندان نموده‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

انتظاری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا انتظاری

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا انتظاری در سال ۱۳۴۰ در نجف آباد اصفهان متولد شده و پس از گذراندن دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های انقلابی در جلسات و تظاهرات شرکت می نمودم و در سال ۵۷-۵۶ در حادثه زلزله طبس به این شهر رفته و همراه با دانشجویان به کمک مردم زلزله زده شتافتم و در همین دوران عشق به تحصیل در حوزه و علوم حوزوی در من شکل گرفت.

لذا پس از گرفتن دیپلم به حوزه علمیه نجف آباد وارد شدم ولی به علت شرایط آن زمان و شروع جنگ تحمیلی قادر به تحصیل کامل نبودم حتی ضرورتاً در صدا و سیمای زاهدان در بخش تولید برای کشورهای همجوار مدتی مشغول بودم. به هر حال در سال ۱۳۶۵ به دانشگاه تهران رشته الهیات وارد شدم. ولی پس از آن تغییر رشته داده و رشته حقوق را دنبال کردم و در سال ۶۶ همکاری با سپاه را شروع کرده که مدت بیش از بیست سال به این نهاد خدمت نمودم ولی در ضمن خدمت تحصیل در حوزه و دانشگاه را کم و بیش دنبال می کردم. البته قبل از آن بصورت نیروی بسیجی خدمت می کردم.

در مدت تحصیل در حوزه از اساتید بزرگواری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر، مکارم شیرازی، و.... دیگران استفاده نمودم و در دانشگاه هم از اساتیدی همچون دکتر گرجی، دکتر شهیدی، محقق داماد و..... بهره بردم در این دوران مقالات مختلفی را نیز به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها منتشر شده است.

انتظام، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد انتظام

محل تولد : چناران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.

از سال ۱۳۵۸ در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۰ از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایهٔ الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.

در سال ۱۳۷۲ پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.

در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

اندرزگو، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اندرزگو : به علت تقارن ولادتش با ایام شهادت امیر مؤمنان(علی)(ع) این مولود را «علی »نامیدند. فرزندی که در هیجدهم ماه رمضان سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، به دنیا آمد نام خانوادهٔ «اندرزگو »را نه تنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ جهان جاودانه ساخت. پسری که در بازی سرنوشت سال ها از این نام استفاده نکرد و در غربت و تنهائی به سر برد و حتی در داخل خانه نیز در استفاده از نام «سید علی»، محذور و معذور بود. پدرش سید اسدالله، در ابتدا شغل بنائی داشت و سپس به خرده فروشی ابزار در میدان شوش تهران روی آورد و به علت ورشکستگی،از وضع زندگی خوبی برخوردار نبود. او مردی بود محب اهل بیت عصمت و طهارت و خانوادهٔ او نیز بر این طریق استوار بود. سید اسدالله دارای ۷ فرزند، چهار پسر و سه دختر بود که سید علی آخرینشان بود. او همانند تمامی همسالان پس از رسیدن به سن هفت سالگی، برای فراگیری علم و دانش، قدم به مدرسه گذاشت و در دبستان فرخی که در نزدیکی محله‌شان بود، ثبت نام کرد. پس از طی دوران ابتدائی، به علت فقر خانوادگی و برای کمک به معیشت خانواده، ترک تحصیل کرد و وارد بازار کار شد. سید علی که خود را برای مبارزه‌ای همه جانبه به وسعت ایران و انجام رسالتی بزرگ آماده می کرد و تحصیلات کلاسیک با شرایط آن روز را برای این منظور کافی نیافته بود، برای فراگیری دروس حوزوی به مسجد محل شتافت و در نزد اساتیدی چون حجج اسلام آقایان بروجردی و میرزا علی اصغر هرندی به یادگیری علوم اسلامی پرداخت . در طی این مدت، جامع المقدمات، تحف العقول، نهج البلاغه، فقه و اصول و ... را فرا گرفت. پس از آن بنابر

شرایطی که بعد از اعدام انقلابی حسنعلی منصور برای او فراهم شد، ابتدا مدتی به قم رفت و پس از مدت زمانی، راهی نجف اشرف شد . پس از بازگشت از عراق، مجدداً در حوزه علمیه قم، مشغول به تحصیل گردید. در این مدت از محضر آیات الله مشکینی و مکارم شیرازی از درس تفسیر و اخلاق بهره‌ها برد و از محضر آقای دوزدوزانی، قوانین و لمعه را فرا گرفت. سید علی اندرزگو که با نام شیخ عباس تهران در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکنده بود، به علت فعالیت‌هائی که داشت مورد شناسائی قرار گرفت و از لباس روحانیت خارج شد.ا و به چیذر آمد و در مدرسه ای که توسط حجت الاسلام سید علی اصغر هاشمی تأسیس شده بود،پناه گرفت و در آنجا به دروس حوزوی، ادامه داد. ولی دست تقدیر، پس از چند صباحی، مجدداً او را آوارهٔ دیار غربت کرد، تا پس از رفت و آمدهای طاقت فرسا به افغانستان و ... در کنار حریم رضوی سکنی گزید. شهید اندرزگو در مشهد نیز در درس مرحوم ادیب نیشابوری حاضر شد و بنابر نقل همسر، در مدت ۵ سال از محضر ایشان استفاده ها برد و در حسینیه اصفهانی ها در بازار سرشور نیز در درس آقای موسوی شرکت کرد. همانگونه که گفته شد شهید اندرزگو، پس از به پایان بردن دوران تحصیلات ابتدائی، چون شاهد زحمات طاقت فرسای پدر، برای تأمین معاش بود، برای یاری رساندن به پدر و کمک به اقتصاد خانواده، درس را رها کرد و در نزد برادرش، سید حسن که در بازار تهران،دارای نجاری بود، مشغول به کار شد و در حدود ده سال در این شغل ماند و با وارد شدن به شاخه نظامی هیئت های مؤتلفه، از شغل خود دست کشید و تا پایان عمر، مهمترین اشتغال او مبارزه و فعالیت برای سرنگونی رژیم ستمشاهی بود. به علت اینکه درمیان مردم و با مردم بود به ناچار هر از گاهی، به فراخور محیط و مرتبطین، پوشش شغلی خاصی را انتخاب می کرد که از آن جمله بود: روضه خوانی، تسبیح و انگشتر فروشی، فروش دواجات، طبابت سنتی، ساختمان سازی ،فرش فروشی و ... پوشش های شغلی او به حدی است که گاهی نزدیکان او را نیز به اشتباه می انداخت، تا جائیکه یکی از مرتبطین، در مصاحبهٔ با مجله سروش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی او را از تجّار بازار و چای فروش معرفی کرده است. در اوایل سال ۱۳۴۳، در حالیکه ۲۷ بهار را پشت سر گذارده بود، با معرفی شهید حاج مهدی عراقی، برای خواستگاری به منزل حاج رضا محمد علی رفت و بنیان زندگی او شکل گرفت. عروس برای شروع زندگی مشترک، به خانهٔ پدری داماد آمد، ولی این وصلت، بیشتر از چند ماهی دوام نیافت چرا که طرح اعدام انقلابی حسنعلی منصور، عملی شد و داماد بالاجبار زندگی مخفی را آغاز کرد. عروس و پدر عروس را با بدترین اهانت ها، به بازجوئی کشاندند و داماد را از آنان طلب کردند. تقدیر بر این تعلّق گرفته بود که یا این زندگی نوپا از هم بپاشد و سید علی، در زندگی مخفی، راه همرزمان شهیدش را ادامه دهد و یا با علنی ساختن خود، دستگیر و به جوخهٔ اعدام سپرده شود. بدیهی است که همسر سید علی، هرگز راضی نمی شد سنگر مبارزه خالی بماند چرا که او هم در دامان خانواده ای اهل مبارزه رشد یافته بود، هر چند فراق برای او مشکل بود ولی حال که تقدیر چنین خواسته بود. او هم بر این خواسته سر سپرد و در نهایت، این وصلت به جدائی انجامید. طلاق نامه ای که از طریق پست برایش ارسال داشت با خون دل پذیرا گشت. سید علی اندرزگو که سامانش در بی سامانی رقم خورده بود و در این بی سامانی، خانواده و منسوبین خویش را نیز دستخوش ناملایمات زندان، مراقبت دائم و ... کرده بود. پس از هفت سال سرگردانی، این بار با وساطت حجت الاسلام موسوی امام جماعت مسجد چیذربانام مستعار شیخ عباس تهرانی، برای ازدواجی مجدد، راهی خانه آقای عزت الله سیل سپور شد تا با خواستگاری از دختر وی، برای ادامه راه مبارزاتی خود، یاری همراه اختیار کند. بنابر نقل همسر شهید اندرزگو، چون در خواستگاری، رسم بر حضور خانوادهٔ داماد است، سید علی، تنی چند از زنان با ایمان محله چیذر را، به جای خانواده خود، برای صحبت های مقدماتی و تهیه امکانات اولیه به خانهٔ دختر فرستاد. سرانجام این ازدواج در کمال سادگی و بی آلایشی، انجام شد. ثمرهٔ این وصلت، چهار پسر است. بنامهای: سید مهدی، سید محمود، سید محسن و سید مرتضی. سید علی، نسبت به فدائیان اسلام و شهید سید مجتبی نواب صفوی، ارادتی خاص داشت و در جریان مبارزات آنان قرار گرفته بود و از طرفی دارای روحیهٔ شدید مذهبی و ظلم ستیزی بود. بر این اساس، پس از شهادت نواب صفوی، بر سر مزار او حاضر شد و با روح او پیمان بست تا از

ادامه دهندگان راهش باشد. شهادت مرحوم نواب صفوی، روح او را آزرده و قلبش را جریحه دار کرد و کینهٔ شاه و وابستگان او را در دلش، دو چندان کرد . از آن روز مترصد فرصت بود تا در راه اسلام عزیز، از انتقام گیرندگان و خونخواهان او باشد. با شکل گیری جمعیت های مؤتلفه اسلامی که خاستگاه آن، هیئت های مذهبی و بازار تهران بود و متولیان آن از مبارزین سال های دورِ مبارزه و بعضاً با شهید نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام در مبارزات، سهیم بودند و با اخذ نظر موافق از حضرت امام خمینی «ره» فعالیت را شروع کرده بودند، سید علی نیز، که در بازار تهران، در مغازه برادرش، به صندوق سازی، اشتغال داشت به هیئت شهید حاج صادق امان همدانی که یکی از هیئت های تشکیل دهندهٔ مؤتلفه بود، راه یافت و در پخش اعلامیه های امام خمینی «ره» و روحانیت به فعالیت پرداخت. شخصیت معنوی و مبارزاتی شهید امانی، تأثیری به سزا در ادامهٔراه او داشت و سید علی را به فعالیت‌های پنهانی سوق داد. در این دوران سید علی که در درس میرزا علی اصغر هرندی، با شهید صفار هرندی و شهید بخارائی آشنا شده بود، با آنان ارتباطی تشکیلاتی برقرار کرد و به عنوان رابط شهیدان، بخارائی، صفار هرندی و نیک نژاد با شهید صادق امانی وارد عمل شد و در شاخه نظامی به فعالیت پرداخت. اعدام انقلابی حسنعلی منصور در کمیته مرکزی، پس از اخذ فتوی از آیت الله میلانی تصمیم بر اعدام انقلابی حسنعلی منصور ـ نخست وزیر وقت ـ گرفته شد. چرا که او طراح لایحه ننگین کاپیتولاسیون و عنصر خود فروخته‌ای بود که از حمایت انگلیس و آمریکا، هر دو برخوردار و مجری سیاست غرب بود و می بایست دست جنایتکارش از صحنهٔ کشور کوتاه گردد تا درس عبرتی باشد برای دیگر کسانی که سند عبودیت و بندگی ایران را امضا می کردند. مسئولیت ها، تقسیم شد. گروهی، مسئولیت شناسائی را به عهده گرفتند و عده ای دست اندرکار تهیه ابزار لازم شدند و تعدادی نیز به عنوان مجری حکم الهی تعیین گردیدند. نقش شهید اندرزگو در این میان، به عنوان ناظر و تمام کننده، تعیین شد تا اگر گلوله های شهید بخارائی به منصور اصابت نکرد، او کار را تمام کند. . در شب قبل از عملیات، مجریان طرح در منزل شهید صفار هرندی جمع شدند و برای آخرین بار، طرح عملیات را مرور کردند و بعد از بررسی وسایل و ابزار و اسلحه ها و انتخاب بهترین شیوه و راه‌های فرار و احتمالات موجود به دعا و نیایش پرداختند، چرا که شب هفدهم ماه رمضان، از لیالی قدر است و برای اینکه رژیم فاسد و یا گروه های ملی گرا، چپی‌ها، التقاطیون و... نتوانند از این حرکت سوء استفاده کرده، این حرکت را به بیگانگان و یا بخود نسبت دهند، قطعنامه ای تهیه کردند و نوارهائی را به عنوان انگیزه عمل و وصیت نامه پر کردند که متأسفانه، این اسناد پس از دستگیری، به دست مأمورین شهربانی افتاد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اثری از آن به دست نیامد. شب گذشت، روز موعود فرا رسید، نخست وزیر در ساعت ۱۰ صبح به میدان بهارستان وارد شد و برای رفتن به مجلس شورای ملی، از ماشین پیاده شد. همرزمان شهدای این واقعه، کیفیت عمل را چنین نقل کرده اند: شهید بخارائی یک گلوله به طرف منصور شلیک می کند که به شکم منصور می خورد و او خم می‌شود و گلوله دوم را به گلوی منصور می زند و حنجره پلیدش را می درد و گلوله سوم را که می‌آید به مغز او بزند اسلحه گیر می کند و شهید بخارائی فرار می کند. مأمورین در تعقیب خود موفق می شوند شهید بخارائی را که هنگام فرار، بر روی زمین یخ زده می لغزد دستگیر کنند. شهید اندرزگو و نیک نژاد و هرندی، پس از مشاهده اوضاع طبق قرار با شهید امانی، به میدان شوش رفته و اسلحه ها را تحویل می دهند و مقرر می شود تا یک هفته هیچ یک از افراد به خانه نروند و زندگی مخفی داشته باشند. با دستگیری محمد بخارائی، تمامی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی اعم از شهربانی و ساواک به صحنه می‌آیند و نصیری که در آن زمان، ریاست شهربانی کل کشور را به عهده داشت شخصاً برای بازجوئی از وی، به کلانتری می آید. اولین برگ خبری که در این مورد منتشر می شود، بخارائی را نوجوانی ظاهراً لال معرفی می کند،چرا که او قصد بازگو کردن اسرار را نداشت و خود را برای وصال معشوق آماده کرده بود. از طریق پدر و مادر شهید بخارائی، دوستان نزدیک او شناسائی و سرانجام شهید نیک‌نژاد و صفار هرندی، نیز دستگیر می شوند و در بازجوئی های فنی و در زیر شکنجه های ددمنشانه، نام حاج صادق امانی و شهید سید علی اندرزگو نیز مطرح می گردد. دستور دستگیری شهید امانی و شهید اندرزگو را شاه، شخصاً

صادر می کند و پیگیری های جدی تر ادامه می یابد. پس از مدتی، همسنگران و همرزمان سید علی، بعد از دستگیری به بیدادگاههای دادرسی ارتش سپرده می شوند که حاج صادق امانی، محمد بخارائی، مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرندی به اعدام، تعدادی حبس ابد و بعضی دیگر به حبس های طویل المدت و کوتاه مدت و سید علی نیز غیاباً به اعدام محکوم می گردند و در روزی به بلندای عاشورا، هم پیمانان سید علی را در کربلای ایران به جوخهٔاعدام می‌سپارند تا با خلعت زیبای شهادت به ملاقات معبود بشتابند. دستور مستقیم شاه، نیروهای اطلاعاتی ساواک و شهربانی را بر آن داشت تا با هر آنچه در چنته داشتند به میدان آیند و همهٔ ترفندهای معمول و غیر معمول را به کار گیرند تا شاید به موفقیتی نائل گردند. به طور طبیعی، ابتدا به سراغ خانواده او رفتند. پدر، برادرها، همسر و پدرهمسر او را دستگیر کردند تا شاید از طریق آنان، راهی به دستگیری سید علی، بیابند. عکس سید علی را از طریق ثبت احوال و برادر وی، بدست آوردند. با تکثیر بسیار زیاد، آن را به همهٔ ساواک‌ها و شهربانی‌ها و مرزبانی‌ها ارسال کردند. سپس سید حسین اندرزگو را ـ برای اینکه سید علی موقع خداحافظی گفته بود به مشهد می روم ـ به همراه یک مأمور به مدت یک هفته به مشهد فرستادند تا سید علی را پیدا کند و برادر دیگر او سید محمد را به خاطر سکونت یکی از شوهر خاله های او در اصفهان به همراه یک مأمور دیگر به اصفهان اعزام کردند. شدت پیگیری ها در این مرحله به حدی بود که در یک روز چندین مکاتبه با مراجع مختلف اطلاعاتی و انتظامی صورت می گرفت تا شاید ردی از اندرزگو بیابند و عطش شناسائی و دستگیری خود را فرو نشانند. ولی از مراقبت های مکرر از محل سکونت پدر، برادر، پدر همسر، دائی و ... بازرسی همزمان منازل تعداد بسیاری از اقوام و بستگان و اخذ تعهدهای مکرر از آنان، نیز نتیجه ای نگرفتند؛ که «و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین» در این بین بودند افرادی که شباهتی با عکس ارسالی به شهرستان‌ها داشتند و به همین علت دستگیر و مورد بازجوئی قرار گرفتند که از آن جمله می توان به دستگیری محمد رضا شریف و محمد رضا قربانی اشاره کرد. جالب اینجاست که علت دستگیری محمد رضا شریف نشستن در کنار یک مغازه نجاری در شهرستان گلپایگان ذکر شده است! این پیگیری های مکرر ادامه می یابد و هر از گاهی تعداد کثیری عکس، چاپ و به مبادی ذیربط ارسال می شود ولی پاسخهای ارسالی اعم از شهربانی- ژاندارمری- مرزبانی و ساواک‌حکایت از عجز آنان در شناسائی سوژه دارد. غافل از اینکه مرغ عشق از قفس پریده است. سید علی چون حلقه محاصره را تنگ دید و تمامی یاران و همرزمان را در چنگال رژیم ستمشاهی در سیاهچالها اسیر یافت، پس از مدتی که بطور مخفی زندگی کرد به شوق دیدار جانان، با هوش و ذکاوت بالای خود، طرحی ماهرانه اندیشید و جلای وطن گفت و به عراق رفت. او که کمر همت به مبارزه ای جانانه با عمّال رژیم طاغوت بسته بود، پس از توقفی چند ماهه به ایران باز می گردد. در تیرماه سال ۱۳۴۶ یکی از همکاران افتخاری ساواک ـ که منافقانه در صف مبارزین قرار داشتند و با خیانت‌های خویش، بسیاری از مبارزین را به مسلخ می کشاندند ـ گزارش می دهد که سید علی اندرزگو به تازگی از عراق به ایران آمده و حامل پیش نویس اعلامیه امام «ره» در خصوص وقایع خاورمیانه است. ضمناً در خیابان غیاثی رؤیت شده است. به دنبال این گزارش منازل مسکونی برادر و دائی سید علی که در این آدرس قرار دارد، مورد بازرسی ناگهانی قرار می گیرد و از رفت و آمدهای آنان، مراقبت به عمل می آید، تا جائیکه شماره های دوچرخه و موتور برای پیگیری ساکنین استعلام می گردد. ولی باز هم گزارشهائی از سرعجز و ناامیدی در شناسایی و دستگیری وی تهیه و به سلسله مراتب ارسال می گردد. شهید علی اندرزگو که مقدمات دروس حوزوی را قبل از اعدام انقلابی منصور در نزد حجت الاسلام میرزا علی اصغر هرندی و ... فرا گرفته بود، بهترین راه را تغییر لباس تشخیص می دهد و از این رو عازم شهرستان قم می گردد و در حوزه علمیه مشغول به تحصیل می شود و با نام مستعار شیخ عباس تهرانی به زندگی مخفی خود ادامه می دهد و از آن روی که عکس های تکثیر شده و ارسالی به مرکز ساواک‌و شهربانی، عکس های شناسنامه ای او بوده اند، شناسائی او در لباس روحانی برای مأمورین، به مراتب سخت‌تر می شود. در سال ۱۳۴۷ که فردی به نام بشارتین، با حمایت رژیم برای درهم شکستن روحیه مبارزین مذهبی و وارد ساختن ضربه ای بر پیکرهٔ حوزهٔ علمیه قم، تصمیم به ساختن سینما در شهرستان

مذهبی قم می گیرد، شیخ عباس تهرانی وارد عمل شده و با جمع کردن عده‌ای از طلاّب، حرکت اعتراض آمیزی را شروع می نماید و برای اعلام انزجار از ساخت سینما و یاری طلبیدن به صورت جمعی به بیت مراجع تقلید حضرت آیت اله العظمی گلپایگانی و مراجع دیگر می روند که شیخ عباس ضمن سخنرانی های داغ مورد تشویق آنان واقع می گردد. علی رغم اعتراضات و تلاش های انجام شده، این سینما ساخته می شود تا اینکه گروهی که به نام گروه عباس آباد مشهور می شود با کمک سید علی اندرزگو، سینمای قم را منفجر می کنند. با ارسال گزارشهای منابع ساواک از حرکت های اعتراض آمیز به تحریک شیخ عباس پرونده ای بنام وی در قم گشوده و این گزارشها به مرکز ارسال می‌گردد. شهید اندرزگو، از حساسیت ساواک و تحت نظر بودن شیخ عباس تهرانی اطلاع می یابد و به کمک یکی از دوستان به مدرسه علمیه چیذر که تازه افتتاح شده بود، نقل مکان می کند. البته با لباس معمولی. سید علی اندرزگو، پس از مدتی که در مدرسه علمیه چیذر اقامت کرد، مجدداً طی مراسمی در روز نیمه شعبان ملبس به لباس روحانیت شد و در ظاهر مانند یک طلبه معمولی به فعالیت های تبلیغی پرداخت. در درس‌ها شرکت کرد، به تدریس پرداخت، روضه های خانگی قبول کرد، به منبر رفت و امام جماعت مسجد رستم آباد شد و در مدرسه چیذر با دعوت شخصیت های روحانی حوزهٔ علمیه قم از قبیل حضرت آیت الله مشکینی، به عنوان طلبه ای فعال شهرت یافت. ولی در پوشش فعالیت های ظاهری در نهایت پنهانکاری به فعالیت های تشکیلاتی خود نیز ادامه داد. شهید اندرزگو در این دوران با محمد مفیدی، ارتباط گرفت و با تأمین اسلحه و طرح های اطلاعاتی، در سازماندهی تشکیلات حزب الله شرکت کرد و در راستای ضربه زدن بر پیکرهٔ نظام ستمشاهی، وارد عمل شد. این فعالیت ها، ادامه داشت تا اینکه محمد مفیدی، بعد از اعدام انقلابی تیمسار طاهری، دستگیر شد. دستگیری محمد مفیدی، باعث شد در یک روز، سید علی با ترفندی خاص، تعدادی از اسباب و اثاثیه خانه را جمع کرده و به قم نقل مکان نماید و مدتی در رفت و آمد به چیذر با احتیاط عمل کرد، تا اینکه متوجه شد محمد مفیدی، اعترافاتی علیه وی نداشته است، پس با خیالی راحت به ادامهٔ فعالیت پرداخت. سید علی اندرزگو که نجات ایران را از چنگال استعمارگران و دست نشاندگان آنان، در برقراری حکومت اسلامی می دانست و برای این منظور، وارد مبارزه شده بود، از هیچ کوششی در راستای این هدف والا دریغ نکرد. مجاهدین خلق (منافقین)در این سال‌ها از حمایت مالی و فکری مذهبیون و روحانیت، برخوردار بود و هنوز زمزمه های پذیرش مارکسیسم به صورت آشکار در تشکیلات آنان شنیده نمی شد. سید علی که از ایام گذشته، در جلسات مذهبی مسجد هدایت و مکتب توحید و ... با احمد رضائی آشنائی داشت، با برقراری ارتباط با تشکیلات مجاهدین، با تأمین اسلحه و مهمات و کمک‌های مالی به آنان، در تسریع حرکت مسلحانه کمک های شایانی داشت. در یک تلاش برای واگذاری مقادیری سلاح به مجاهدین خلق، از سید مجید فیاضی که از شاگردان درس عربی او در مدرسه چیذر بود و ارتباطاتی با او برقرار کرده و آموزش‌هائی به او داده بود، استفاده کرد ـ واگذاری سلاح قبل از این مرحله توسط محمد مفیدی انجام شده بود ـ فیاض در برقراری تماس، موفق نشد و با دستگیری اسدالله تأملی که فیاض برای تحویل اسلحه به سراغ او رفته بود، فیاض نیز دستگیر شد و به علت تاب نیاوردن، در زیر شکنجه‌ها، شیخ عباس تهرانی را به ساواک معرفی کرد و محل اختفای اسلحه‌ها را به ساواک گزارش نمود. پس از اعترافات مجید فیاض، ساواک به سراغ خانوادهٔ همسر شهید اندرزگو آمده و با دستگیری عزت اله سیل سپور ـ پدر همسر ـ به همراه او، جهت دستگیری شیخ عباس تهرانی، عازم قم می گردند. سید علی در این زمان، به سفر تبلیغی رفته است و ساواک برای بازگشت او، در انتظار می ماند ولی شیخ عباس، دو روز زودتر از سفر تبلیغی باز می‌گردد و با شامهٔ قوی متوجه کنترل خانه می شود و با ترفندی وارد منزل شده، دست همسر و فرزند ششماهه‌اش را می گیرد و به تهران می آید و در منزل یکی از دوستان قدیمی‌اش که از سال‌های ۱۳۴۳–۴۲۱۳ با هم ارتباط داشته اند سکنی می گزینند. ساواک با یورش به منزل وی در چیذر و قم تمامی اثاثیه منزل وی را اعم از جهیزیه همسر و ... به یغما می برد تا عمق خشم خود را به نمایش گذارد. همراه بودن خواهر همسرش ـ که برای تنها نبودن خانواده در سفر تبلیغی به قم برده بود ـ در این مرحله بر مشکلات سید علی افزوده بود . در زمان فرار، خواهر

همسرش را نیز به همراه خود به منزل اسدالله اوسطی می برد. ساواک با مراقبت از منزل عزت الله سیل سپور و اطلاع از اینکه دختر کوچکتر وی همراه سید علی است، برای دستیابی به اندرزگو به تلاشی مضاعف دست می زند. سید علی پس از سه روز با تغییر لباس و تراشیدن صورت، به قصد خروج از کشور به همراه خانواده از منزل اوسطی خارج و عازم مشهد الرضا «ع» می شود و با دستوری احتیاطی خواهر همسرش را توسط اسدالله اوسطی، به نشانی منزل عمویش در ورامین می فرستد. پس از ورود به مشهد با مساعدت دوستان و همرزمان و با کمک حجت الاسلام و المسلمین واعظ طبسی، برای رفتن به افغانستان به زاهدان رفته و پس از رفت و برگشتی که به داخل افغانستان داشته، آنجا را برای اقامت مناسب تشخیص نمی دهد. بنابراین با توکل به حضرت حق جوار امن ثامن الحجج«ع» را برای سکنی انتخاب می نماید. با دستگیری چند تن از مرتبطین سید علی اندرزگو، توسط کمیته مشترک ضد خرابکاری در تهران، سید علی اندرزگو مجدداً شناسائی و تلفن یکی از مرتبطین، در اختیار ساواک قرار داده شد. با کنترل این تلفن بود که ساواک به آدرس وی در مشهد نیز دست می یابد و متوجه می شود این بار، سید علی با نام مستعار جوادی، به فعالیت پرداخته است. کمیتهٔ اوین در این مرحله با استفاده از تمامی شیوه های اطلاعاتی و با به کارگیری خود فروختگانی ذلیل، تا کنار دست شهید اندرزگو نفوذ کرده و از چگونگی فعالیت های او مطلع گردید.دستور داده می شود: تحقیقات کافی است او را دستگیر کنید و از طریق او بقیه افراد را شناسائی کنید. شهید سید علی اندرزگو شب نوزدهم ماه رمضان را در منزل دوستش رجبعلی طاهر افشار احیاء گرفت و در لیله‌القدر از صمیم دل دعای اللهم اجعل قتلاً فی سبیلك را زمزمه کرد. نزدیکی های افطار روز نوزدهم عازم منزل حاج اکبر می شود، تیم های عملیاتی ساواک در مسیر کمین کرده اند، مگر سید علی را می‌توان دستگیر کرد او به دوستان و همرزمانش بارها گفته بود که من زنده به دست ساواک نخواهم افتاد با حرکتی موجبات تیراندازی مأمورین را فراهم می کند، صدها تیر به طرف او شلیك می شود تا عمق خشم و غضب مأموران تیره دل را به نمایش بگذارد.تعداد زیادی گلوله در بدن او می نشیند تا با زبان روزه به ملاقات خدای خویش بشتابد و از دست ساقی کوثر علی (ع) جام گوارای وصال بنوشد. سرانجام در آخرین شنود تلفن منزل اکبر صالحی تماس دختر وی با مغازه پدر چنین منعکس است: بابا نزدیکیهای خانه صدای تیراندازی آمد و یك نفر را کشتند و آقای جوادی هم هنوز به منزل نیامده. منابع زندگینامه :نرم افزار چند رسانه ای منتشر شده از سوی بنیاد شهید وامور ایثارگران انقلاب اسلامی

اندرزیان، امرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امرالله اندرزیان

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

اندرمانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود انـدرمانی از علمـاء پرهیزکار ری بود و تحصـیلاتش در تهران نزد آیات و دانشـمندان بزرگ تکمیل نموده و در زاویه مقـدسه ری در مسـجد سـر تخت به اقامه جماعت و خـدمات دینی اشـتغال داشـته تا بعـد از سال ۱۳۰۰ قمری از دنیـا رفته و مرحـوم آخوند ملا رضا قلی مذکور بامامت و خدمات دینی بجای آن مرحوم اشتغال یافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اندروافر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اندر وافر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۷در مـدرسه ولیعصـر (عـج) تبریز شـروع به طلبگی کردم. سال ۱۳۶۰به حـوزه مقـدسه قم مهـاجرت کردم. و ادبیـات را از محضـر مرحوم آیت الله مـدرس افغـانی تلمـذ نمودم. بقیه دروس سـطح را از محضـر آیـات و حجـج الاسـلام آقایـان: خسـروشاهی، وجدانی، اشتهاردی، صالحی افغانی، اعتمادی و پایانی (ره) بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۰درس خارج را با شرکت در بحث فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شروع کردم. در سالهای بعد از درس خارج آیت الله بهجت، ملکوتی، محقق و بیش از همه از محضـر آیت الله معرفت در بحث فقه خصوصـی اسـتفاده بردم. (بیش ازده سال) در کنار تحصیل غالباً تدریس هم داشتم. و دو سال به عنوان استاد به مدارس دینی جمهوری آذربایجان اعزام شدم.

انصاری واعظ، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شـیخ مرتضـی انصاری ابن العالم التقی شیخ محمدحسین واعظ قمی رحمه‌الله از وعاظ نامی و مبلغین سامی حوزه علمیه قم است که در وعظ و تبلیغات دینی و ترویج و نشـر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السـلام گوی سبقت از اقران ربوده وصیت و صوت منبر و مواعظ حسـنه‌اش به سراسـر ایران رسـیده و در غالب مسافرتهای تبلیغی خود به شهرسـتان‌های کرمان و رفسـنجان و یزد و کاشان و تهران و همـدان و گیلان و خوزسـتان و خراسان و مبارزاتش بر علیه شـیخیها و صوفیها و فرق ضاله دیگر اثرهای نیکوئی از خود به

جای گذاشته و بسیاری از مردم را به راه دین کشیده و از انحراف نجات داده است.

در شهرستان قم و گرگان و آشتیان خدمات شایانی از تعمیر مساجد و غیره نموده است.

تولد وی در سال ۱۳۲۳ قمری در بلده طیبه قم واقع شده و سطوح را نزد اساتید بزرگ قم چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی رحمهماالله و آیت‌الله آقای آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و مرحوم آیت‌الله حایری فقها و اصولا استفاده کرده و مدتی حسب‌الامر آن مرحوم برای اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغات مذهبی به قصبه گرگان که در دو فرسخی آشتیانست سکونت نموده و پس از آن مراجعت به قم و به خدمات دینی همت گماشته تا در آخر ماه جمادی‌الاخره سال ۱۳۹۱ ق که در سن ۶۸ سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان جنب قبر زکریا بن آدم اشعری قمی که یکی از اسلاف و نیاکان بزرگوار اوست مدفون گردیده است.

برادران ارجمندی دارد که اول آنها جناب حاج میرزا محمدعلی انصاری صاحب تالیفات عدیده مطبوعه می‌باشد که ذیلا آن را می‌نگاریم.

۱- و ۲- محمد پیغمبر شناخته شده رد بر کتاب پیغمبری که از نو باید شناخت.

۳- پاسخ به بداندیشان یا حمایت از اسلام.

۴- رد بر دکتر علی شریعتی.

۵- دفاع از حسین شهید رد بر کتاب شهید جاوید.

۶- آئینه دل دو جلد در اخلاق.

۷- اختران ادب دو مجلد.

۸- غررالحکم. ۱- و ۲- و ۹- دیوان اشعار.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱۸

زندگینامه علمی

بنده خداوند متعال را شاکرم که بنا به توصیه حضرت امام راحل (ره) مبنی بر اهتمام جدی به صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تکمیل آن همواره در صدد غنا بخشی به این نظام الهی به ویژه در بخش علوم انسانی و بالاخص اقتصاد در حد توان خود بوده ام و توفیق داشته ام در ظل عنایات آن امام عظیم الشان (ره) و خلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) و نیز اساتید معظم و مکرم حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) و حضرت آیةالله خرازی (دام ظله

العالی) گام های موثری در این زمینه بردارم که اختصاراً به برخی موارد اشاره می کنم.

۱. در سال ۱۳۷۹ با نوشتن مقاله «اساسی ترین اقدام برای رشد پایدار و فزاینده اقتصاد ایران» سعی کردم توجه سیاستگذاران، قانونگذران و مسئولان اجرائی کشور را به اهمیت زاید الوصف بخش کشاورزی و دامداری و اتخاذ تصمیمات مقتضی جلب نمایم و خوشبختانه پس از انتشار این مقاله اقدامات بسیار چشمگیری نسبت به گذشته صورت گرفت امروز فضای حاکم بر کشور در قبل و پس از انتشار مقاله موید ادعای بنده است و بحمدالله ما امروز شاهد خود کفایی بسی در بخش کشاورزی و صادرات قابل ملاحظه در این بخش می باشیم و این افتخار بسیار بزرگی است.

۲. ابتکار در تنظیم و تالیف معارف اقتصادی قرآن کریم از دیگر توفیقات مهم اینجانب است. بنده توفیق شرکت در درس های معارف قرآن حضرت استاد مصباح (دام ظله العالی) را داشتم و اما متاسفانه نوبت به معارف اقتصادی که رسید درس ایشان تعطیل شد. از آنجا که علاقه وافری به انجام تحقیق در این زمینه داشتم با توشه ای که از درس های معظم له داشتم و تحت اشراف حضرت آیت الله خرازی (مدظله العالی) در ایام تعطیلات حوزه قدم های اولیه برای تدوین معارف اقتصادی قرآن کریم را برداشتم هر چند بیش از دو یا سه جلسه در حضور معظم له برگزار نشد ولی شروع کار با برکتی بود. پس از مدتی با همکاری دوستانی که بنا به توجه حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) در صدد تنظیم معارف اقتصادی قرآن کریم بود. مجموعه ای تحت عنوان «معجم موضوعی آیات اقتصادی» با پی گیری و مدیریت حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای سید کاظم رجائی (دام عزه) تدوین و چاپ شد. نکته شایان ذکر این است که به ویژه مطالب فصل اول این کتاب عمدتاً توسط بنده تدوین و نگارش یافت که از نوآوری خاصی برخوردار بوده و در جهت بخشیدن به دیگران در ورود به این حوزه از تحقیقات تاثیر بیشتری داشت. البته پس از مدتی مطالب فصل اول کتاب به صورت مقاله ای مستقل تحت عنوان «مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم» توسط اینجانب نگارش یافت و در مجله معرفت به چاپ رسید.

۳. اینجانب سالیان متمادی در زمینه بانکداری سنتی در غرب و ایران و ارائه جایگزین مناسب مبتنی بر آموزه های اسلامی، تحقیق و تامل فراوان داشته ام که حاصل آنها کتابی است تحت عنوان «مبانی نظام مالی با نگرش اسلامی» که در پاییز ۱۳۸۶ چاپ شد. اینجانب از معدود کسانی (و چه بسا اولین کسی) هستم که به نقد جدی نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران پرداختم و ضرورت تحول ساختاری در آن را مطرح نمودم که البته خوشبختانه در دولت نهم این ایده به صورت قابل ملاحظه ای پی گیری شد. هر چند بنده در نوشته های خود تصریح کرده ام که نباید شالوده نظام تامین مالی و سرمایه گذاری در جامعه اسلامی بر واسطه گری در مشارکت در سود (بانکداری بدون ربا) مبتنی باشد بلکه باید تامین مالی مستقیم و عمدتاً بازار بورس و شرکت های سرمایه گذاری تولیدی به صورت گسترده رواج داشته باشند. اینگونه شرکتهای سرمایه گذاری در کشور مصر تجربه بسیار موفقی داشته اند.

۴. یکی از بزرگترین عنایات خداوند متعال به اینجانب حساسیت و اهتمام شدید بنده نسبت به حفظ ارزش های اسلامی به ویژه در عرصه علوم انسانی از جمله اقتصاد، در طول بیش از پانزده سال فعالیتهای تحقیقاتی است. متأسفانه در سالهای پس از دوران دفاع مقدس رفته رفته فرهنگ و ارزش های غربی در عرصه های مختلف جامعه ما رسوخ روز افزون کردند و ارزش های اسلامی و انقلابی هر روز کم رنگ تر شدند و ایستادگی در برابر این امواج بسیار شکننده و طاقت فرسا بود تا جائی که کسی حتی در جمع محققان اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم به راحتی نمی توانست از ارزشهای اسلامی به ویژه از عدالت سخن بگوید.

انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ میرزا حسن بن العلامه آیه‌الله حاج میرزا محمد جعفر انصاری از علماء و مدرسین مبرز حوزه علمیه اهواز میباشند و در مسجد نور که یکی از مساجد مرکز شهر اهواز است اقامه جماعت مینمایند در ترویج دین بالاخص نقل تفسیر و اخبار و احادیث کوشش خاصی دارند و مورد احترام عامه مردمند. دارای تألیفاتی میباشند که نامهای آنها را می‌نگارم:

۱- خلاصه مناسک حج مطبوع ۲- کتاب سراج المؤمنین ۳- شرح صرف و نحو ۴- کتاب محمدیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در روستای نوایگان از توابع داراب متولد و پس از تحصیلات ابتدایی جهت تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه داراب رفتم و از اساتیدی چون آیت الله سید محمد علی نسابه و حجج اسلام حاج شیخ محمد علی عندلیبی و حاج میرزا محمد حسن عندلیبی شاگردی کردم. سپس جهت ادامه تحصیل به مدرسه آقا بابا خان شیراز رفتم و از محضر آیت الله حاج شیخ محمد علی موحد بهره بردم در آنجا ضمن تحصیل، صرف را برای عده ای تدریس می کردم.

در سال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم آمدم و از درس لمعه و قوانین آیات عظام: صلواتی و شیخ مصطفی اعتمادی، سپس مکاسب و رسائل و کفایه را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و نوری همدانی و شرح منظومه سبزواری و اشارات را از محضر آیت الله انصاری شیرازی و اسفار و فصوص الحکم از محضر آیت الله حسن زاده آملی بهره ها بردم. سپس در خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، میرزا هاشم آملی، وحیدی خراسانی و حسینعلی منتظری استفاده نمودم. مدت یک سال در حوزه علمیه کاشان (سال فتح خرمشهر) مشغول تدریس سیوطی، حاشیه، معالم و شرح لمعه و... بودم.

بعد در واحد خواهران دفتر تبلیغات مشغول فعالیت شدم و ضمن برنامه ریزی برای خواهران کتاب های شرح لمعه و مکاسب را تدریس می کردم و با مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات نیز همکاری نموده و در نوشتن معجم بحارالانوار با سایر محققان همکاری داشتم همچنین در تهیه مطالب مربوط به سیره معصومان (چهارده معصوم) حدود پانزده سال مشغول جمع آوری مطالب مناسب بودم. این کار عظیم نیز توسط تحقیقات دفتر انجام می شد.

از سالهای گذشته و هم اکنون نیز با برخی از دوستان مشغول نوشتن کتاب و مقاله هستم. چند مقاله در مجله پیام زن نوشتم، مقاله

ای درباره رهبری از دیدگاه مذاهب اسلامی برای کنفرانس وحدت اسلامی در حدود ۱۰ سال قبل فرستادم که در برخی روزنامه های کثیرالانتشار مانند اطلاعات و ... به چاپ رسید. در حال حاضر کتابی راجع به تاریخ حادثه عاشورا با یکی از دوستان در حال نوشتن هستیم که سعی شده از منابع تاریخی پیش از قرن دهم استفاده شود که کتابی به صورت مذکور تا آن اندازه که بررسی کرده ام درسده های اخیر نوشته نشده است.

علاوه بر نوشتن کتاب در دفتر آیت الله العظمی نوری همدانی، قسمت استفتاء با عده ای از دوستان مشغول پاسخگویی کتبی به سوالات فقهی می باشیم و در دفتر تبلیغات واحد تاریخ و سیره نیز کار تحقیقاتی انجام می دهم.

انصاری، عطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عطاء انصاری بن المرحوم العلامه حاج شیخ عباس انصاری از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در تهران متولد شده و پس از دوران صبا و خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیهٔاللّه محقق داماد و آیت‌اللّه شریعتمداری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران برگشته و بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

نگارنده گوید: اقای انصاری از افاضل با تقوی و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب و اکنون در مدرسه عبداللّه خان بازار بتدریس مشغول و در مسجد مرحوم والدش بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.

در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را

نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.

سال ۱۳۷۵ به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال ۱۳۸۰ ـ ۱۳۸۱ دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.

سال ۱۳۶۵ شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال ۱۳۷۵ که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید انصاری

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید انصاری در سال ۱۳۳۳ در روستای خانوك از توابع زرند کرمان به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان زادگاهش به پایان رساند. مقدمات دینی را در حوزه علمیه حضرت معصومه کرمان فرا گرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات دینی عازم قم شد و تحصیلات دینی خود را در این شهر ادامه داد.

فرا گرفتن علوم دینی و حوزه مبارزات سیاسی انصاری از همین هنگام آغاز شد و با نهضت امام اوج گرفت. او که در طی تظاهرات ۱۹ دی شهر قم مجروح شده بود، بعد از بهبودی مبارزات خود را ادامه داد و ابعاد آن را در سال های نزدیك انقلاب به تمام شهرستان های استان کرمان توسعه داد. او در سالهای پس از انقلاب در کنار برخی دیگر از همرزمان خود به تشکیل و سازماندهی کمیته های انقلاب اسلامی پرداخت.

وی در سال ۱۳۵۹ و در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زرند وارد مجلس شورای اسلامی شد. تجربه نمایندگی مجلس انصاری در ادوار بعدی هم ادامه یافت و او در مجلس دوم نیز به نمایندگی از مردم زرند و در مجلس پنجم و ششم به نمایندگی از مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حاضر بود و به جز دوره اول که عضو کمیسیون اقتصادی و معاون بود در تمام ادوار بعدی به عضویت کمیسیون های آیین نامه داخلی و برنامه و بودجه پیوست و با توجه به توانایی های خود نقش ویژه

در تحرکات مجلس ایفا کرد.

او در کنار مسئوولیت های تقنینی معاون پارلمانی وزارت کشور، معاونت برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بود. انصاری عنوان معاون حقوقی و پارلمانی خاتمی را در دو سال آخر ریاست جمهوی همراهی کرد. او همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو کمیسیون های زیر بنایی، اقتصاددانان و کمیسیون خاص تدوین چشم انداز ۲ ساله این مجمع بوده و ریاست پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی و همچنین معاونت برنامه ریزی را بر عهده دارد. انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز و کمیسیون سیاسی این تشکل سیاسی روحانی بود و از زمان حضرت امام تاکنون افتخار عضویت در مجلس خبرگان رهبری را داراست.

وی، با توجه به توانایی های متنوع خود یکی از برجسته ترین و شاخص ترین سیاستمداران مورد اعتماد جناح های سیاسی مختلف بوده که با توجه به تخصص خود در برنامه ریزی اقتصادی همواره نقشی ویژه در تدوین و سامان دادن به حرکت اقتصادی کشور ایفا کرد و در شرایط فعلی نیز می تواند همین نقش را در تنظیم سیاست های کلان کشور بر اساس متدهای علمی و تخصصی بر عهده گیرد. مجید انصاری سابقه مسئولیت های دولتی خود را از سن ۲۶ سالگی با نمایندگی در دوره اول مجلس شورای اسلامی آغاز کرد.

انصاری، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن العالم الجلیل الشیخ مرتضی معروف بشیخ آقا بزرگ بن العلامه شیخ محمد حسن انصاری سابق الذکر برادر ارجمند آیه‌الله شیخ علی انصاری مذکور. عالمی جلیل‌القدر فاضل پارسا و پرهیزکار میباشد.

وی صاحب ملکات فاضله و اخلاق حمیده و خصال و صفات جمیله و بارزی است که او را از همگنان ممتاز میسازد.

تولدش در سال ۱۳۲۲ قمری پس از فوت مرحوم والدش اتفاق افتاد و در دامن جد والا تبارش نشو و نما نمود و بعد از وفات او نزد برادر برومندش آقا شیخ میرزا محمد جعفر تربیت یافت و تحصیلاتش را بپایان رسانید.

معظم‌له فعلاـ از مدرسین حوزه علمیه اهواز و از جبینش اثار بزرگی و متانت و تقوی و ورع آشکار و هویداست و بدین جهت از موثقین ائمه جماعت شهرستان اهواز و مردم با او عقیدتی کامل دارند و کتابی در اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام تألیف نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۳

انصاری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا انصاری

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا انصاری در سال ۱۳۲۷ ش در شهرستان محلات متولد شدم. در دوران کودکی مدت سه سال در مکتبی که قرآن و خط و کتاب فارسی آموزش می دادند درس خواندم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصیلات ابتدایی را تا سال ششم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد استاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.

پس از ورود به مرحله دروس خارج، چندین سال به طور مداوم در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت جستم و برای خارج فقه، از آغاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) را انتخاب نمودم که تا پایان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.

از سال ۱۳۵۰ نویسندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشر شد، کتاب" اسلام بر فراز اجتماع "نوشته استاد محمد جواد مغنیه بود که در سال ۱۳۵۲ توسط انتشارات پیام اسلام در قم به چاپ رسید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.

در سال ۱۳۶۷ به پیشنهاد هیئت علمی دارالقرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی به منظور همکاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. استخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین" الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم "و نیز نگارش مقالات قرآنی در مجله" پیام قرآن ("نخستین نشریه فارسی قرآنی) و اقدام به ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسید، لکن با رحلت آیت الله العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیتهای علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف ماند. با پایان یافتن کار در دارالقرآن الکریم، از سال ۱۳۷۵ به دعوت سرپرست" مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی "در این مرکز به تحقیقات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه های فارسی قرآن کریم پرداختم که تاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.

در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثار خواهد آمد. در مجله تخصصی" ترجمان وحی "که مرکز ترجمه قرآن مجید آن را منتشر می سازد، نیز مقالاتی پیرامون مباحث قرآنی از این جانب به چاپ رسیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شرکت داشتم. این دو پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید "برای درج در تفسیر راهنما و دیگری" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان "بود.

انصاریان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۲۳ شمسی در خونسار متولد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شیخ عرفان بوده که در حمله افاغنه از اصفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه است و اصلا از طایفه انصار مدینه است.

والده ماجده‌اش علویه از سادات مصطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکدامنی موصوفه می‌باشد. و این توفیقات ایشان در راه تبلیغ اسلام و معارف اهل‌بیت و تألیفات عدیده از اثر دعاء مادرشان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری رحمه‌اللّه علیه می‌باشد که از خدای متعال خواستند او روحانی و خدمتگذار آستان ولایت و خاندان رسالت و بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام باشند.

ایشان در اوائل عمر با خاندانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مدرسه ابتدائی و دبیرستان مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر برهان انار اللّه برهانه دروس جدید را فراگرفته و به تشویق حکیم الهی میرزا مهدی الهی قمشه‌ای درسال ۱۳۴۱ شمسی به قم آمده و به دروس دیگر پرداخته و از محضر حاج شیخ محمد وحید و مرحوم حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی و آقای ناطق نوری و حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی استفاده و مقدمات و سطوح وسطی را خوانده و پس از آن سطوح عالیه را در طهران از حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی و حاج میرزا علی آقای فلسفی آموخته و باز به قم آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی و حاج شیخ ابوالفضل خونساری و آقای منتظری و مشکینی و یزدی شرکت و استفاده نموده و دروس اخلاق و عرفان را از محضر و بیانات آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و نشر معارف اشتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.

دارای تألیفات سودمندیست که به طبع رسیده است.

۱- اسلام و کار و کوشش

۲- اسلام و علم و دانش

۳- از اسلام چه می‌خواهید

۴- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر

۵- حج وادی ایمن

۶- لقمان حکیم چاپ چهارم

۷- مناجات عارفان طبع ششم

۸- عرفان اسلام حدود ۱۴ مجلد

۹- به سوی قرآن و اسلام

۱۰- مقدمه بر دیوان وحدت

۱۱- مقدمه حقوق کیفری

۱۲- مقدمه‌ای بر معاد

۱۳- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام

۱۴- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن

۱۵- سیری در اخلاق اسلامی

۱۶- مرز روشنائی

۱۷- شرح دیوان و کلمات باباطاهر

۱۸- فروغی از تربیت اسلامی

۱۹- حسینیه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاریپور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی انصاری پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۰ دیپلم تجربی ـ تهران ـ خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.

ورود به حوزه: مهرماه ۱۳۶۰، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.

اتمام دروس سطح: ۱۳۶۹ شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سیدکاظم حائری تا سال ۱۳۷۵ و ضمن درس خارج ورود به

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۰ اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی در ۱۳۷۸ ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال ۱۳۷۹ در حال حاضر در حال تدوین پایان‌نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.

در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

انگجی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بزرگترین فرزند مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن انگجی ره و از علماء اعلام و دانشمندان کرام تبریز است که در مهد علم و مجد تربیت شده و مقدمات و سطوح را از علماء تبریز مخصوصا والد ماجد خود و مرحوم آیه الله حاج میرزا صادق آقا و دیگران خوانده و مسافرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت کوهکمری استفاده کرده آنگاه به تبریز مراجعت و به وظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد مدرسه طالبیه و مباحثات پرداخته است ادام الله توفیقاته.

از تألیفات ایشان است رساله‌ای در کر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام آیت‌اللّه الملک العلام السید المیرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از علماء بنام طهران بودند و در مسجد ملک آباد اقامه جماعت می‌نمودند.

ولادت آن مرحوم در تبریز واقع شده و در مهد تربیت آیت‌اللّه والد پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۰ قمری مهاجرت به قم فرموده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی فراگرفته و بدرس خارج علامه بزرگوار آیت‌اللّه العظمی حجت و مدتی هم بدرس خارج آیهٔ‌اللّه حایری موسس حوزه حاضر شده و پس از آن به تبریز مراجعت و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و پس از آن مهاجرت به تهران نموده و در مسجد مذکور به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ارشاد مردم مشغول شده تا در سال ۱۳۸۳ که وفات نموده و با تشییع عظیمی جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد موزه مدفون گردیده است. دارای تألیفات عدیده می‌باشند: ۱- رساله‌ای در تنجیس متنجس و عدمه ۲- تقریرات اساتید در فقه و اصول. از باقیات الصالحات ایشانست ۱- جناب حجه‌الاسلام آقا سید علی انگجی که سالها در قم اقامت و از محضر آیات عظام بالاخص آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیهٔ‌اللّه علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و

بمدارج فضل و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار و تألیفات اوست:

۱- تفسیر سوره‌ی نور که جامع جهات مختلفه فقهیه و اخلاقیه و غیره می‌باشد.

۲- تقریرات دراسات آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی.

۳- تقریرات درس آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری.

۲- دومین فرزند معظم له است دکتر سید هادی انگجی که سیدی شریف و طبیبی معروف است در تبریز که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و تخصصی در جراحی دارد و اکنون رئیس بیمارستان (شیر و خورشید) تبریز است.

۳- سومین فرزند ایشان آقای مهندس سید رضا انگجی است که متصدی امور کارخانه برق و آب است در استان آذربایجان، خداوند توفیق آنان را در خدمات دینی و اجتماعی زیاد فرماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انواری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر انواری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر انواری در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.

در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.

در سال ۱۳۶۰ وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهایه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۶۳ در گروههای تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال ۱۳۶۱ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که ۱۸ سال تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.

با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در

سال ۱۳۸۰ بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

انواری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد انواری یزدی در سال ۱۳۲۲ ق در یزد متولد و پس از گذرانیدن دوران کودکی بتحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و منطق و قسمتی از شرح لمعه و قوانین و رسائل را خدمت مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای شیخ محمد باقر انواری در یزد خوانده و قسمتی از رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت سایر علماء و دانشمندان یزد آموخته و مقداری هم در مشهد مقدس از محضر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی استفاده کرده و آنگاه بقم آمده و از محضر مرحوم آیه‌الله حجت کوه کمری و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده آنگاه به یزد برگشته و بخدمات دینی پرداخته و در خلال آن بنابر دعوت همشهریهای مقیم بمبئی بهندوستان برای تبلیغ مسافرت و در پونه و نقاط دیگر خدمات ترویجی نموده و پس از آن مراجعت بوطن و بنابر دعوت جمعی از مؤمنین بندرعباس عزیمت بآنسامان نموده و تا حال تحریر شش سال است که در بندر مزبور و حومه آن بانجام وظائف دینی اشتغال دارد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اوجاقی، ناصرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصرالدین اوجاقی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم در مدرسه علمیه معصومیه تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم و در سال ۱۳۷۴ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم.

در کنار دروس حوزوی دوره عمومی این موسسه را نیز گذراندم و نیز در سال ۱۳۸۰ مدرک کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی را از این موسسه اخذ کردم در همین سال نیز موفق به اتمام پایه ۱۰ حوزه شدم. در ادامه به خاطر علاقه ای که به رشته دین شناسی داشتم با شرکت در آزمون به تحصیل در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه امام خمینی (ره) اشتغال

یافتم. در همین دوره حین تحصیل دوره کارورزی تحقیق را نیز گذراندم و موفق به اخذ مدرک این دوره شدم و در بهار سال ۱۳۸۶ مدرک کارشناسی ارشد دین شناسی را نیز اخذ کردم.

اکنون نیز در قسمت پژوهشی موسسه مذکور اشتغال به امر پژوهش دارم و علاوه بر آن با بخش دایرهٔ المعارف علوم عقلی نیز همکاری دارم.

اورعی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی اورعی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان دوره ابتدائی در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیهٔالله گلپایگانی خواندم و درس خارج را در محضر مرحوم آیهٔالله فاضل و حضرت آیهٔالله مکارم شیرازی شرکت کردم. زبان انگلیسی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. ۱۴ سال است که در نگارش دائرهٔ المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

ایازی، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی نقی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی نقی ایازی در خانواده ای روحانی متولد شدم . پس از گذراندن مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شدم و بطور همزمان در سال ۱۳۶۶ دروس جدید را بصورت متفرقه ادامه دادم وتا پایان ادبیّات در حوزه

علمیّه مشهد بودم . از ابتدای سطح به قم هجرت کرده و در مدرسه شهابیه قم ادامه تحصیل دادم ، تا اینکه پس از اتمام مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۹ در کنکور سراسری دانشگاه پذیرفته شدم و به ناچار برای ادامه تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی به وطن خود مشهد مقدّس عزیمت نموده و همزمان با دروس سطح عالی حوزه ، در دانشگاه فردوسی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم . از سال ۱۳۷۳ دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرتضوی ، حجج الاسلام آقایان رضا زاده و اشرفی شاهرودی آغاز کرده و قریب به ده سال دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردم و همچنین تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رساندم .

ایازی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سیّد محمّد علی ایازی متولد ۱۳۳۳ شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدّت ۱۵ سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت ۱۰ سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت ۳ سال در درس تفسیر آیهٔ الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال ۵۵ تا ۵۷ شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایدرم، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ایدرم

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان دراین مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارایه شده نکردم .در مرحله سطح ۱ و ۲ هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن ، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال ۶۷ شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال ۶۹ هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهارسال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال ۷۵ به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال ۷۸ تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال ۷۶ تا ۷۹ هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایرانپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ایران پور مبارکه

محل تولد : مبارکه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۳۶در روستائی بنام مبارکه در میان یک خانواده مذهبی که به تدین معروف اند متولد شدم و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم و به خاطر علاقه ای که به علوم اسلامی داشتم و در زادگاه ام این مکان فراهم نبود و از

طرفی وضع اقتصادی پدر بزرگوارم که یک کشاورز و کارگری بیش نبود اقتضای رفتن به شهر نبود آن هم با سخت گیری ساواک آن زمان برای رفتن به حوزه علمیه و مشکلات دیگر ، تا اینکه با توسلات و دست تقدیر و عنایات پروردگار و تمایلات باطنی خدادادی به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام این توفیق حاصل گردید و به حوزه علمیه اصفهان رهسپار شدیم و مقدار اندکی از نیاز علوم صرف و نحو- منطق معانی و بیان و بدیع تامین نمودم و برای تکمیل آن در رشته فقه و اصول و تفسیر توفیق تشرف به حوزه مبارکه علمیه قم و همجواری حضرت معصومه (س) حاصل گردید.امید است که در آن مهد علم بتوانیم کمال استفاده علمی و عملی را ببریم و پایان کار ختم به خیر و ترویج و نشر علوم آل محمد علیهم السلام باشد واخرالامر حشر با این خاندان را داشته باشیم و به شفاعتشان نائل گردیم

ایرانی، مصیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصیب ایرانی

محل تولد : سنقر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۳/۹

زندگینامه علمی

اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی وراهنمائی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده ودر سال۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره)شهر کرمانشاه شده،همزمان با دروس حوزه مدر ک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۵وارد حوزه علمیه قم شدم ودر دروس آقایان حجت الاسلام احدی واستاددریاباری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم.همزمان در قم وحضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات)وآموزش مبلغین این مرکزوحضور در موسسه تنظیم ونشرآثار امام خمینی (ره)دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی(کارشناسی ارشد) به پایان رساندم .در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده وشرح منظومه استاد دریاباری را تلمذ می نمایم.

وسلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند مارا از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایروانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی ایروانی از علماء برجسته معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق در تبریز متولد گردیده و مقدمات را در تبریز خوانده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شید محمد مولانا و آیت‌اللَّه حاج میرزا علی اصغر ملکی تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللَّه حجت کوهکمری استفاده فقه و اصول نموده و علوم عقلی و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمد علی شاه آبادی بهره‌مند و در سال ۱۳۵۵ قمری منتقل به تهران و در خیابان مولوی ابتداء و بعد مختاری (خیابان امیریه) سکونت و تاکنون بالغ بر چهل سال است که در مسجد چهار راه مختاری به اقامه جماعت و ترویج دین و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ایروانی عالمی با متانت و دانشمندی با کیاست و فضیلت و موصوف بفضل و تقوی و اهل ولاء و محبت و مواظب زیارت حضرت امام زاده عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و همه روزهای پنجشنبه مرتب با توجه مخصوصی موفق می‌باشند ادام اللَّه توفیقه و انار اللَّه برهانه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایروانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ یوسف ایروانی از افاضل علماء معاصر تهران، در سال ۱۳۲۹ ق در نجف متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر بزرگان نجف مرحوم آیـةاللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیةاللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیةاللَّه العظمی خوئی و مقداری از آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی در سال ۱۳۶۶ ق به تهران مهاجرت و در مسجد (قندی) خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

آثار معظم له از این قرار است: ۱- مستند الفتوی فی شرح عروةالوثقی ۲- تقریرات و دراسات اساتید نجف اشرف مرحوم والدش علامه ایروانی و اساتید دیگر.

دارای اجازات اجتهاد و روایاتی از آیات عظام نجف آیـةاللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و مرحوم علامه کاشف‌الغطاء و علامه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایزد پناه، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی- پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم.از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگرهٔ علامهٔ طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود ۹۰ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامهٔ علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود ۱۰ کارگاه علمی برگزار کرده ام.این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفهٔ علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که دغدغهٔ اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

ایزدپور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ایزد پور

محل تولد : قم

شهرت : ایزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ با رها نمودن تحصیلات متوسطه در سطح دوم دبیرستان و در رشته علوم تجربی، به حوزه علمیه قم وارد شده و تا سال ۱۳۷۰ شمسی علوم مقدماتی و سطوح حوزوی را به پایان رسانده و از همان سال به تحصیلات خارج فقه و اصول مبادرت ورزیدم، تحصیلات عالی فقه و اصول را برای مدت ۱۶- ۱۵ سال ادامه داده و اکنون نیز در حلقه اصول استاد معظم حضرت آیت

الله وحیـد مشارکت دارم. همزمان با تحصیلات فوق، سالها در حوزه علمیه به تـدریس کتابهایی همانند، الموجز، اصول الفقه، لمعه، رسائل و مکاسب و عقاید و در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران به تدریس مبانی نظری اسلامی و اخلاق کاربردی اشتغال داشته ام.

ایزدجو، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی ایزدجو

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ در آشتیان هستم سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه آشتیان شـدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصـر، مختصـر المعانی، شـرح لمعه و اصول فقه) و شـرکت در دروس جنبی عقایـد و تاریخ اسـلام و نهج البلاغه که توسط حضـرات حجج الاسـلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال ۱۳۶۵ راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شـدم و در امتحانـات شـفاهی کـه از سیوطی، مختصـر و مغنی تـا لمعـتین و وصـولین برگزار شـد قبـول شـدم. و در مـدرسه رسـول اکرم(ص) واقـع در خیابـان شـاه ابراهیم سـاکن شـدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضـر اسـتاد وجـدانی فخر و صـالحی اطفالی به پایان بردم.کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور اسـتاد تهرانی بهره بردم.در طی سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پای درس تفسـیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسـیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال ۶۵ سطح ۴ و ۵ و ۶ را امتحان دادم سال ۶۶ تا سال ۱۳۶۹ پایه‌های ۷ و ۸ و ۹ قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانـده بود که به علت سـفر به شهرسـتان ایـذه از طرف مرکز مـدیریت حوزه علمیه برای تـدریس دروس حوزوی در سـال ۷۳ انجام شد.در سال ۱۳۷۰ به دعوت مسـئول حوزه علمیه شهرسـتان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مـدیریت) بود و در شهرسـتان ایذه به تدریس مقدمات از سـیوطی، مغنی اللبیب، حاشـیه، مختصـر المعـانی و قسـمت متـاجر عصـر پرداختم و پس از گـذشت سه سـال از تـدریس در این شهرسـتان در سـال ۱۳۷۳ به علت قبـولی در دانشـگاه (مجتمـع آمـوزش عـالی قم) در رشـته فلسـفه در مقطع کارشناسـی به قم بازگشـتم. و طی چنـد سـال در این مقطع مـدرک تحصـیلی آن را بـه دست آوردم. در سـال ۷۳ پس از بـازگشت از ایـذه و در کنـار تحصـیل در دانشـگاه پـای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضـر می‌شدم (البته نه به طور کامل).و به علاوه در قسـمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسـلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شـدم که حاصل آن همکاری‌ها در چنـد جلد چاپ شده و در سال ۷۵ به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با ستاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقـد و بررسـی کتاب برای مناطق اهل سـنت به مـدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار

پی بردم از این نهاد جدا شم.و در سال ۱۳۷۶ با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال ۱۳۸۲ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم اینک نیز تدریس دروس معارف ۱ و ۲ اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم.تحصیلات حوزوی سال ۷۶ برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح ۲ را اخذ کردم و برای سطح ۳ نیز در سال ۱۳۸۰ موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم.در سال ۱۳۶۹ در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال ۷۰ دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرك را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (۱۳۸۶) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدهی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد ایزدهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ساکن شهر بابل متولد سال ۱۳۴۹

ایزدی المشیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ایزدی المشیری

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۵۳ هستم که در استان مازندران شهرستان قائم شهر روستای المشیر بدنیا آمدم و زمان هفت سالگی به مدرسه ابتدائی الهام المشیر رفتم و دوره راهنمایی را در مدرسه نهضت المشیر به پایان رساندم و در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ در حوزه علمیّه

امام صادق(ع)،کوننا که یکی از روستاهای قائم شهر است و مسئول آن حاج آقا سلیمانی می باشد مشغول تحصیل علوم دینی شدم. و در سال تحصیلی ۷۲ به قم آمدم و بطور آزاد در مدرسه آیت الله گلپایگانی { مدرسه المهدی(عج)}مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از دو سال چون به عنوان طلبه آزاد بودم از آنجا بیرون آمدم و در مسجد بازار عربها در محضر استاد بزگوار حاج آقا ایزدی که از همشهریان این حقیر بود مشغول تحصیل شدم تا سال ۷۸ و در این مدّت از محضر استاد بزرگوار حاج آقا سیّد مجتبی نور مفیدی و حاج آقا باقر شاهرودی و از اساتید دیگر درس گرفتم تا سال ۸۰ که در محضر استاد بزرگوار حاج آقا دریا باری مشغول خواندن کفایه الاصول شدم و در محضر استاد بزرگوار رحمانی سبزواری مشغول تحصیل فقه شدم تا اینکه الان در محضر این دو استاد بزرگواربه درس خارج مشغول هستم.البته لازم بذکر است که من تحت برنامه های شورای مدیریت نیستم و به شکل طلبه آزاد درس می خوانم و شهریه ای از آیات عظام دریافت نمی کنم و تحت امکانات حوزه هم نیستم و از مزایای حوزه هم استفاده نمی کنم.

انشاالله که خداوند متعال بر توفیقات شما بیفزاید.

ایزدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایزدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

ایمانی مقدم، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب رحمت الله ایمانی فرزند حیدر علی سال ۱۳۴۱ در خمینی شهر(هما یون شهر- سده-) به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس پرتو، کورش کبیر و صائب به پایان برده و سال ۱۳۵۷ سال سوم دبیرستان در برنامه های ضد رژیم و تظاهرات و... شرکت نموده، سال چهارم دبیرستان(رشتهٔ فرهنگ و ادب) با پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به پایان رسانده و سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمّیه قم شده و با اسکان در مدرسه مهدیّه- خ باجک- در مدرسه وثوق«المهدی(عج)» -صفائیه- شروع به درس نموده و پس از چهار سال وارد دروس آزاد حوزه علمّیه قم شده و در دروس آزاد حوزه- مدرسه فیضیّه و مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی- شرکت کرده و در سال ۱۳۷۰ سطح عالی را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مدّت چهار سال به درس خارج اصول استاد بزرگوار فاضل لنکرانی دام عزه شرکت نموده و پس از آن در درس فقه استاد بزرگوار

حضرت آیت الله تبریزی قدس سره شرکت نموده(این درس ۱۵ سال به طول انجامید و چه استفاده های مهمّ فقهی، علمی، رجالی و... که از این استاد بهره مند شدیم خداوند درجات او را متعالی گرداند و با اولیاء و اوصیایش مخصوصا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب(ع) محشور گرداند که او در دفاع از حریم ذات احدیت و ولایت سخت کوشا بود.) و در اصول وحید خراسانی «دام عزه» شرکت نموده (این درس از سال ۶۹ شروع و هم اکنون ادامه دارد) در دروس اساتید اخلاق مانند استاد مظاهری، استاد اشتهاردی و استاد مصباح شرکت نموده و از سال ۱۳۷۶ به اصرار یکی از دوستان در مدرسه علمیه معصومیّه مشغول تدریس شدم(این درس چهار سال ادامه داشت) در سال ۱۳۷۷ با راهنمایی یکی از دوستان وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شده(که این مرحله شروع تحقیقات علمی ماست) و با آموزش کوتاه مدّت – دو هفته ای – با بخش تشکیل پرونده علمی دائرة المعارف قرآن کریم شروع به همکاری کرده این بخش(بعد از تعیین مدخلها و موضوعات دائرة المعارف) مهمترین کار علمی دائرة المعارف است که با تحقیق و بررسی کامل موضوع و مدخل خاص از کتب لغات، تفسیر،روایات، تاریخ و دیگر کتب مربوط به موضوع و گرفتن کپی، عکس، مطالب و جمع آوری آن در یک پرونده علمی و تهیّهٔ گزارش از کار علمی،فهرست منابع و مدارک پرونده آماده ارزیابی و بررسی می شود و بعد از آن،ارزیابی و اشکالات و ایرادات وارده را رفع یا جواب داده پرونده برای نوشتن مقاله تحویل بخش تدوین مقالات می شود. بنده در بخش تشکیل پرونده نزدیک به بیست پرونده علمی تشکیل داده و در بخش ارزیابی نزدیک به بیست پرونده را ارزیابی و پس از سه سال فعالیّت در آن بخش وارد بخش مقابله و باز بینی علمی شده و الآن در آن بخش به فعّالیت مشغول هستم که علاوه بر مقابله و باز بینی علمی و غنی سازی مقالات به کتاب شناسی جلد دوّم تا ششم دائرة المعارف قرآن کریم هم مشغول بوده(هر جلد بیش از هشتصد منبع دارد) و همزمان کار یکسان سازی منابع و پانوشتها را انجام داده که نام بنده در ردیف همکاران علمی دائرة المعارف قرآن کریم که اکنون پنج جلد آن چاپ و جلد ششم آماده چاپ می باشد آمده است در کنار کار تحقیقاتی قرآن از سال ۶۴ تا حال هر سال ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر به تبلیغ احکام و معارف اشتغال دارم و از سال ۷۰ تا به حال بعنوان روحانی کاروانهای سوریّه،عمره و حج با سازمان حج و زیارت همکاری می کنم به حول وقوه الهی تا به حال ۱۴ سفر حج و عمره سه سفر سوریّه مشرف شده ام.

در طول سالهای جنگ تحمیلی(۵۹-۶۷) هر سال یکی دو بار بصورت رزمی و تبلیغی به جمع رزمندگان اسلام پیوسته و در عملیّات محرم مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و مجروح شده و الآن افتخار جانبازی جنگ تحمیلی را دارم.

ایمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایمانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

آبی، مجدالدین، صاعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه و واعظ. وی از فقیهان و واعظان شیعی قرن ششم ق است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۰).

آخوندی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن احمد آخوندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن آخوندی در سال ۱۳۴۱ در نجف اشرف در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم شیخ علی آخوندی بنیانگذار یکی از کهن‌ترین مؤسسه‌های نشر آثار اسلامی یعنی دارالکتب الاسلامیه در نجف اشرف بود و عمر خویش را در کنار تحصیل علوم دینی، به نشر آثار اهلبیت (ع) و میراث غنی فقه اسلام پرداخت. او کتب اربعه و کتاب‌های ارزشمند جواهر الکلام و حدائق الفاخره را همراه با کتاب‌های مرجع دیگر به چاپ رسانید. وی که داماد مرحوم علامه امینی (ره) صاحب کتاب گران‌سنگ «الغدیر» بود، همچون آن بزرگوار تمام تلاش خود را در احیاء شیعه و آثار آنان به کار برد.

به هر حال پس از گذراندن دوران تحصیل کلاسیک و اخذ دیپلم ریاضی و فیزیک در سال ۱۳۵۹ در مدرسه حکیم نظامی آن روز (دبیرستان امام صادق (ع) فعلی) وارد حوزه علمیه شدم و از آن زمان تاکنون به طور مستمر در حوزه به تحصیل اشتغال دارم. دروس مقدماتی حوزه را به سرعت گذراندم و در سال ۱۳۶۵ در پایه ششم حائز رتبه دوم شدم و از سوی مراجع تقلید وقت، جوایزی دریافت کردم. درس شرح لمعه را خدمت آقای وجدانی فخر، اصول فقه مظفر را نزد استاد محقق افغانی خواندم، رسائل را نزد مرحوم شیخ مصطفی اعتمادی، بخش استصحاب آن را نزد استاد راستی کاشانی و مکاسب را از محضر آقایان صلواتی و محقق‌داماد فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۷ در پایه هفتم در امتحانات سراسری حوزه علمیه قم مقام اول را کسب کردم. درس کفایه را نزد مرحوم ستوده فراگرفتم.

در سال ۱۳۷۰ در امتحانات ورودی جهت اخذ کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت کردم و موفق شدم که در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را دریافت کنم. در کنار دروس فقه و اصول، دروس نهایهٔ الحکمه و اسفار را از محضر آقایان ممدوحی و فیاضی آموختم. از سال ۱۳۷۴ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم و از آن سال تاکنون به تدریس معارف اسلامی و متون اسلامی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران اشتغال دارم. چندین سال نیز در دانشگاه آزاد واحد

جنوب دروس قواعد فقه و آیات الاحکام و فقه و اصول را نیز تدریس کرده‌ام.

در خلال این اشتغالات، کتاب تاریخ مکه را که به دنبال حادثه جمعه خونین مکه نگارش یافته بود و به قلم دایی اینجانب دکتر محمد هادی امینی به زبان عربی بود به فارسی ترجمه کردم و این کتاب دو بار در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ گردید و چندین مقاله از این کتاب اقتباس و در فصل‌نامه میقات حج، نشر گردیده است.

از سال ۸۰ تدریس در جامعهٔ الزهراء را آغاز کردم و تاکنون دروس رسائل و مکاسب شیخ انصاری و حلقات شهید صدر و کتاب فقه استدلالی مرحوم ایروانی و فلسفه را در این مرکز تدریس نمودم. دروس اصول فقه مظفر و رسائل را در مدرسه شهیدین تدریس کرده‌ام.

در زمینه فعالیتهای پژوهشی، اینجانب استاد راهنما و مشاور چندین پایان‌نامه در سطح ۳ حوزه علمیه بخش خواهران بوده‌ام. و به عنون استاد راهنما در مدرسه حجتیه در خدمت برخی از طلاب خارجی که درس خارج را می‌گذرانند، جهت استفاده هر چه بهتر و بیشتر از دروس خارج بوده‌ام. در سال ۱۳۸۵ در مقطع دکتری در دانشکده علوم حدیث پذیرفته شدم و هم اکنون این مقطع را در کنار تدریس خود دنبال می‌کنم.

آرزومندی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم آرزومندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم آرزومندی تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان خوانده ام. از سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه شدم و دروس سطح خود را به جز سه درس به پایان رسانده ام.

از سال ۱۳۷۷ قدم به عرصه مطبوعات گذاشتم و مقالات متعددی را در هفته نامه پرتو به چاپ رساندم، که متاسفانه تاریخ چاپ آنها را در دست ندارم. تعدادی مقاله نیز در شرح حال عالمان بزرگوار تشیع نگاشته ام که در کتاب گلشن ابرار، جلدهای سوم، چهارم، و پنجم به چاپ رسیده است.

علاوه بر اینها، فعالیت عمده حقیر در ویراستاری بوده است و در حال حاضر ویراستار مجلات (آیینه پژوهش) و (فقه) هستم. مدتی هم مجله وابسته به جامعهٔ القرآن را ویرایش کرده ام. افزون بر اینها، کتابهای بسیاری را هم ویراسته ام. مانند: جمع پریشان، اخلاق ایزدی، اعتکاف، شورا در فتوا، ماهیت حکم ظاهری و.....ضمنا بنده تاکنون مدیریت چندین کتابخانه را بر عهده داشته ام و دروس خوشنویسی و قرآن را هم تدریس کرده ام.

آشتیانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا آشتیانی

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در آشتیان به دنیا آمد. خانواده او خانواده ای مذهبی و دوستدار اهل بیت پاک پیامبر(ص) بود و پدرش با پیشه کشاورزی روزگار می‌گذراند. دوران تحصیل حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی، نخست به مکتبخانه رفت و پس از حدود ۲ سال که آن را به آموختن قرآن و ادبیات فارسی گذرانده بود، به دبستان رفت و پس از چند سال آن را به پایان رسانید.

موقعیت خانواده او به گونه‌ای بود که باید به کمک پدر می‌رفت و به او خدمت می‌کرد. از این رو همچون پدر پیشه کشاورزی را پیش گرفت و چند سال هم بدین عنوان گذرانید، تا اینکه بر حسب اتفاق یکی از وعاظ مشهور به نام آقای منتظری گلپایگانی به آشتیان آمد و با مشاهده استعداد او، از پدرش درخواست کرد که فرزند خود را به تحصیل علوم دینی بگمارد.

این امر مورد موافقت پدر او واقع شد. از این رو حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در حدود ۲۰ سالگی دروس مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان آغاز کرد. او با به پایان رساندن مقدمات، عازم حوزه علمیه قم شد تا از مواهب معنوی و علمی استادان آن دیار عالم‌خیز بهره ببرد. او در مدتی کوتاه دروس دوره سطح را در نزد بهترین استادان آن روزگار به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول عالمان آن دوره راه یافت. البته مهم‌ترین استاد او در این بخش، آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

او در طی این سالها ضمن تحصیل دروس رسمی، به تحقیق و پژوهش درباره مسائل گوناگون اسلامی نیز می‌پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول دوران تحصیل خود از محضر عالمان بسیاری بهره‌مند شد.

او که مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان به پایان برده بود، شرح لعمه را نزد آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای شب زنده دار و نیز قوانین را نزد آیت الله ستوده فرا گرفت و برای آموختن رسائل به درس آیت الله العظمی نوری همدانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی رفت. کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی طباطبائی(ره) و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی رفت و یک دوره اصول که حدود ۶ سال به طول انجامید و حدود ۱۵ سال درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت. او در طی این سالها به درس امام خمینی(ره) و نیز درس آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری(ره) می‌رفت. و در ایام تعطیل و روزهای پنج شنبه و جمعه در جلسات تفسیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی حاضر می‌شد.

حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول سالیان تحصیل با فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از میان آنها از حجةالاسلام والمسلمین امامی ـ از اعضای جامعه مدرسین ـ می‌توان نام برد.

حجة الاسلام والمسلمین آشتیانی تا به امروز فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری از خود بر جای نهاده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، شرکت در تدوین تفسیر نمونه است. کار تدوین و نگارش تفسیر نمونه از سال ۱۳۵۱ آغاز شد. این کار به پیشنهاد

آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود. ایشان بر این باور بودند که خلا وجود یک تفسیر فارسی که همگان بتوانند آن را بخوانند و از آن استفاده کنند، محسوس است. از این رو حجهٔالاسلام و المسلمین آشتیانی به همراه گروهی از فضلای آن روزگار تحت اشراف آیت الله العظمی مکارم، کار نگارش این اثر عظیم را آغاز کردند که با عنایت پروردگار در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید و در ۲۷ جلد در اختیار همگان قرار گرفت. از فعالتیهای مهم دیگر ایشان، شرکت در تدوین تفسیر موضوعی قرآن به نام «پیام قرآن» و نیز شرکت در نگارش تفسیر نهج البلاغه است که هر دو اثر هم اکنون منتشر شده و در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در اسفند ۱۳۸۲ به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی انتخاب شده است.

آصفی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی آصفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

محمد مهدی آصفی در سال ۱۳۱۶ ه.ش در یک خانواده روحانی در نجف اشرف متولد شد، پدر او، مرحوم آیت الله شیخ علی محمد آصفی بروجردی (ره) از علماء و فقهای نجف بود. مادر او دختر فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی بروجردی است.

ایشان از دوران نوجوانی با حوزه علمیه ارتباط پیدا کرد و پس از گذراندن مقدمات دروس علوم دینی، وارد مقطع سطح حوزه علمیه شد و از استادان بنامی استفاده برد، همچون آیات عظام شیخ مجتبی لنکرانی (درس فقه) شیخ صدرا بادکوبی (درس اصول)، سرابی (تفسیر)، شیخ محمد رضا مظفر(منطق)، شیخ عبدالمنعم فرتوسی (بلاغت و معانی و بیان).

او همگام با دروس حوزوی، درس‌های دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس دانشگاه بغداد در رشته معارف اسلامی ادامه داد. استادان گرانقدری که او در مرحله عالی حوزه یعنی درس خارج از آنها بهره جست عبارتند از: آیات عظام میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، حکیم، امام خمینی و ابوالقاسم خویی (رحمهٔ الله علیهم.)

وی دارای تألیفات زیادی از جمله «ملکیهٔ الارض فی الاسلام» است که در نجف نوشت و سی سال پیش آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین و آیت الله میرزا هاشم آملی با استناد به این کتاب، به وی اجازه اجتهاد دادند.

وی که در فقه و قرآن صاحب نظر می باشند، فعلاـ به تدریس خارج فقه (تخریج فقهی مسائل بانکداری) و تکمیل کتابهای فی رحاب القرآن (که در حکم یک تفسیر موضوعی است در ۱۲ جلد) اشتغال دارند.

از خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی او عبارتند از: تا چندی پیش حدود سی سال در کادر رهبری حزب الدعوه عراق بود و مدتی است که از این حزب به دلائلی بیرون آمده. مؤسسه خیریه امام باقر (ع) را تأسیس کرد که تقریباً ۶۷۰۰ خانواده پناهنده عراقی و افغانی را در بیش از ۳۳ نقطه از جمهوری اسلامی ایران، سرویس دهی می کند. ایجاد مجتمع های مسکونی (حدود ۱۱۰ واحد

مسکونی) برای ایتام در قم و ۲۲۰ واحد مسکونی برای کمک های مادی و معنوی به مؤمنین در داخل عراق و داخل کشور افغانستان.

آفتابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد آفتابی

محل تولد : سرپل ذهاب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۳/۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد آفتابی فرزند علیجان متولد روستای نقاره کوب از توابع شهرستان سر پل ذهاب استان کرمانشاه در تاریخ۴/ ۳/ ۱۳۵۶متولد. کلاس اول تا پنجم ابتدائی در روستای فوق الذکر مشغول تحصیل بودم. دوران راهنمائی را در شهرستان سر پل ذهاب (مدرسه ابوذر) به اتمام رساندم. مقطع متوسطه را در دبیرستان معلم سرپل ذهاب طی کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) شهرستان سرپل ذهاب که در همان سال هم تاسیس شده بود، مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم. در ادامه لمعتین و اصول فقه را در حوزه علمیه امام خمینی (ره) کرمانشاه در مسجد حاج شهبازخان که زیر نظر مرحوم حضرت آیت الله حاج آخوند کرمانشاهی بود سپری نمودم و در سال ۱۳۷۸ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم که فصل جدیدی در زندگی و تحصیلم آغاز گردید.

بعد از دو سال که در قم بودم، شروع به فعالیتهای علمی و تحقیقی نمودم که چند مقاله به نگارش درآورده ام و در حال حاضر هم مشغول تحقیقات علمی و پژوهشی در ابواب دیگر نیز می باشم و از محضر حضرات آیات مراجع معظم تقلید نیز بهره مند هستم و از وجود این عزیزان استفاده های علمی لازم را می برم که در بخش اساتید به آن اشاره کرده ام. انشاء الله خداوند سبحان به همه ما توفیق عنایت بفرماید که از سربازان واقعی امام عصر (عج) باشیم.

آفُرانی نسفی، ابوموسی، وُثَیر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، واعظ. او سخنان بزرگان و پارسایان گذشته را نقل می‌کرد و از حاتم بن عُنوان اَصَم بلخی داستانهایی حکایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ -۶۴ /۱)، دائرة المعارف البستانی (۱۱۴ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۰ /۱)، معجم البلدان

(۱/ ۷۴).

آقا پیروز، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقا پیروز

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ در شهرستان سمنان متولد شدم . تحصلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در شهر تهران به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۲ به دلیل علاقه زیاد به علوم اسلامی جذب حوزه علمیه ولی عصر علیه السلام تحت سرپرستی استاد گرانقدر و فرزانه حاج آقا بنابی (دام عزه) شده ، دروس مقدماتی (ادبیات عرب، منطق، اصول فقه، و معالم) را در آن حوزه به پایان رساندم . سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم عزیمت کردم و درسال ۱۳۷۰ با اتمام دوره سطح، وارد دروس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتید بزرگوار : حضرات آقایان مکارم شیرازی (۴ سال)، میرزا جواد آقا تبریزی (۷ سال)، وحید خراسانی (۱ سال)، محقق داماد (۱ سال)، و جوادی آملی (۲ سال تفسیر قرآن و ۲ سال خارج فقه و مکاسب) بهره مند گشتم ؛ شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در محضر استاد گرانقدر جناب آقای احمد بهشتی تلمذ کرده ، از محضر حضرت استاد انصاری شیرازی نیز استفاده کردم.در عرفان اسلامی نیز به مدت ۵ سال از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله احمد حجتی بهره بردم.تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپری کردم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پیش از اتمام این دوره تحقیقات نسبتا گسترده ای را در موضوع مدیریت اسلامی آغاز کرده و در طرح های متعددی به صورت مجری و یا همکار حضور داشته ام . در زمینه تدریس نیز در حدود ۷ سال مدرس جامعه الزهراء سلام الله علیها بوده و درس های معارف اسلامی، عقاید، و فقه را ارائه کرده ام در موضوع مدیریت اسلامی نیز در مراکز : دانشگاه آزادنراق، سفیران هدایت ، تربیت راهنما تدریس داشته ام . و چندین کارگاه آموزشی را با موضوع سازمان و مدیریت برای مدیران روحانی دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی برگزار کرده ام (به طور مشترک با جناب آقای منطقی) در زمینه تفسیر قرآن کریم مدت ۳ سال در سازمان بهسازی و زیبا سازی اطراف حرم مطهر، به تفسیر ترتیبی آیات نورانی هر هفته یک جلسه اشتغال داشته ام.

آقابابایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آقابابایی بنی

محل تولد : شهرکرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد سال ۱۳۴۷ در شهر بن از توابع شهرکرد هستم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و سالهای اول و دوم دبیرستان را در بن به انجام رسانده و سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شهرکرد شدم. تدریس را در کنار تحصیل از سال دوم حوزه آغاز کردم و تا درس لمعه ادامه یافت.

سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم و دوره سطح را به پایان رسانده و در دوره درس خارج همزمان تحصیلات دانشگاهی و حوزوی را ادامه دادم. در درس خارج اصول آیهٔ الله تبریزی به مدت ۶ سال شرکت و سعی کردم پس از مباحثه درسهای ایشان را به طور کامل تقریر کنم. در دروس فقه اساتید دیگر همچون آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی و فقیهی نیز شرکت کرده و مجموعاً به مدت ۸ سال کامل به تحصیلات خارج اشتغال داشتم. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد پژوهش را به عنوان شغل مورد علاقه خود در کنار تدریس در دانشگاه برگزیدم.

همچنین بخشی از فعالیت های من به ویرایش علمی و نگارش نوشته های حقوقی اختصاص یافته که تاکنون بیش از چهل کتاب و صد مقاله و گفتگو را ویرایش کرده ام و این آثار در مراکز متفاوت به چاپ رسیده اند. از نظر تالیف اولین نوشته من پایان نامه دانشگاهی بود که از طرف جهاد دانشگاهی از میان پایان نامه های سال دانشجویی شایسته تقدیر شناخته شد. پس از آن کتابی به عنوان بازداشت موقت به چاپ رسانده و کار بعدی به کتابی در زمینه پیوند اعضا اختصاص داشت که حائز رتبه دوم کشوری در جشنواره دین پژوهان گردید و از طرف وزیر محترم فرهنگ از این اثر تقدیر شد. و همچنین ارائه مقاله و سخنرانی علمی در دانشگاههای مازندران، اصفهان و مفید قم از دیگر فعالیتهای علمی اینجانب است. نگارش یک مقاله علمی، پژوهشی و دو مقاله در همایش های کشوری و مقالات از آثار دیگر است که تا کنون به چاپ رسیده اند. نقش جنسیت در میزان دیه و قانون گرائی و نقش اجتهاد در قضا، از طرح های در دست تدوین در دانشگاه مفید است و آخرین نوشته ای که در قالب کتاب امیدوارم به زودی به بازار نشر راه یابد، نوشته ای است تحت عنوان بررسی مسائل فقهی و حقوقی شرکت های هرمی که پژوهشگاه اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات طرف قرارداد طرح است. بطور کلی مسائل جدید در حوزه حقوق کیفری محور تحقیقات علمی اینجانب است و امیدوارم به یاری حق همچنان ادامه یابد.

آقابابایی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین آقابابایی

محل تولد : دلیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

آقاتهرانی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی آقا تهرانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.

ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی(دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در راه حق، امام خمینی(ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ گیل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، ۵ سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آقاجانی قناد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقاجانی قناد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

آقاجانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر آقاجانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دروس ابتدائی، در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شهر آستانه اشرفیه استان گیلان شدم. قریب به ۲ سال مقدمات علوم حوزوی را نزد حجةالاسلام مرحوم عسگری و مرحوم آیت الله دکتر ضیائی گذراندم.

حدود سال ۵۵ – ۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب را محضر استاد بنی فضل و استاد پایانی فرا گرفتم و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان بردم. دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگ حوزه : حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله وحید خراسانی و حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی (حفظهم الله) خواندم .

از نظر مدارک حوزوی پایه دهم، کتبی و شفاهی را تمام کردم و گواهینامه ۸ سال خارج فقه و ۳ سال خارج اصول را از آیت الله مکارم شیرازی دارم و نیز مدارج علمی و معادل خارج یک را از دفتر تبلیغات اسلامی قم اخذ نمودم. از نظر مدارک کلاسیک دیپلم اقتصاد را در سال ۱۳۶۱ در قم از دبیرستان صدوق (ره) فرا گرفتم.

در سال ۱۳۶۸ بصورت قراردادی فعالیتهای تحقیقی معجم نگاری بحار الانوار مجلسی را در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات شروع نمودم و به کارهای پژوهشی از قبیل فیش برداری، تصحیح و مقابله مربوط به کتب بحار الانوار اشتغال داشتم. مسئولیت تحقیقات کل را مرحوم عبائی خراسانی و مدتی آقای درایتی و بعد دیگران به نوبت بر عهده داشتند. مسئولیت بخش معجم بحار الانوار را هم حجةالاسلام حاج آقای مهدوی امام جمعه فعلی سرخه سمنان بر عهده داشتند. نتیجه این فعالیت تحقیقی، علمی و گروهی ۱۴ جلد بزرگ معجم بحار الانوار و ۳ جلد اعلام بحار می باشد، که در کتاب شناسی سال از جناب آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت)، کتاب سال معرفی گردید. حدود فعالیت ما در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳ سال بطول انجامید. ۱۰سال را در معجم بحار گذراندم و قریب به ۳ سال را هم در واحد سیره اهل بیت (ع) به فعالیت مشغول بودم. بخشی از فعالیت تحقیقی را در مکاتب تاریخی بصورت فیش برداری اشتغال داشتم که نظارت آنرا دکتر آئینه وند بعهده داشت و ریاست واحد را آقایان مدرسی و زمانی و آقای سلطانی و دوره پایانی آنرا آقای واسعی بعهده داشتند .

آقاجانی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله آقاجانی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۴ در شهرستان بابلسر، برای تحصیل در علوم دینی در همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه امام صادق(ع) به اتمام رساندم.

بعد از اتمام لمعتین، همزمان با ادامه درس سطح، در موسسه در راه حق تحت اشراف حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی شرکت نموده به مدت پنج سال دروس معارف اسلامی آن را گذراندم. و بعد جهت ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس در رشته جامعه‌شناسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت کردم و موفق به اخذ مدرك فوق لیسانس رشته فوق شدم (در سال ۱۳۸۱) همزمان با تحصیل قریب ده سال به تدریس و تحقیق مشغول هستم. تدریس دروس معارف اسلامی، تدریس درس جامعه‌شناسی در دانشگاه و مراکز آموزشی از جمله آنها است. مقالات مختلف در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به رشته تحریر درآمده است که برخی هم چاپ شده است. با تاسیس رشته اندیشه معاصر مسلمین در معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی، اکنون سطح ۴ حوزه علمیه را در این رشته در حال گذراندن هستم.

مدتی در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای مرکز قم، مدیریت علمی گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی آن را به عهده داشتم. اکنون هم مدیر گروه تربیت مبلغ معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم.

آقاسی خویی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ /۱۲۹۵ ش)، سخنران و شاعر، متخلص به دانش. در شهر خوی متولد شد. وی از نواده‌های حاج میرزا آقاسی نوری وزیر دوره‌ی قاجار است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس مشغول شد وی در شعر توانا و به سرودن غزل و قطعه و رباعی بیشتر راغب است. اثر او: «منتخب اشعار دانش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۳۴۷ -۱۳۴۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۷ -۴۶۶ /۵).

آقامیری دزفولی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید اسدالله معروف بامام بن سید نورالله بن سید اسدالله بن سید محمد حسین بن العلامه سید عبدالباقی مشهور بسید آقا میر دزفولی یکی از فضلاء نامدار خوزستان و فقهاء عظام اهواز بوده است.

وی در دزفول متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر علمین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده کامل نموده و چند سالی هم در تهران بتحصیل پرداخته و از درس علماء آن سامان بهره‌مند شده آنگاه باهواز منتقل و رحل اقامت افکنده و بوظائف دینی قیام و مورد احترام و تجلیل قرار گرفت و در مسجد جامع آن شهر باقامه جماعت و تدریس پرداخت تا در سال ۱۳۵۷ ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

فرزند ارشدش حجه‌الاسلام آقای حاج سید هبه‌الله امام از علماء محترم و متصف بفضائل اخلاق و تا هم‌اکنون در مسجد جامع اهواز بجای والدش بامامت اشتغال دارد.

(وف ۱۳۵۷ ق)، فقیه. معروف به امام. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول به دنیا آمد. پس از فراغت از خواندن علوم مقدماتی عازم نجف اشرف شد و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت کرد و از آنان استفاده کامل برد. چند سالی هم در تهران به تحصیل پرداخت. سپس به اهواز منتقل شد و در آنجا عهده‌دار وظایف دینی گشت. در همان‌جا درگذشت. پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۱ / ۳).

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیةاللّه الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایةالاصول».[۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و

فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- سفر غرب (سیاحت غرب) ۲- سیاحت شرق ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴- کتاب عذر بدتر از گناه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱ -۲۲۰ /۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷ -۱۸).

آقانظری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن آقانظری

محل تولد : شاهرود

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

آقایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا آقایی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

آل احمد، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آل احمد

محل تولد : نظر آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۷/۲۹

آل آقا، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوتراب بن العالم الجلیل آقای آقا شمس‌الدین بن العلامه آقا محمدهادی بن آقا محمدصالح آل آقا (حفید آیت‌اللّٰه العظمی وحید بهبهانی) از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه است

معظم له در حدود سال ۱۳۱۹ قمری در کرمانشاه متولد شده و در بیت اصیل آل آقا پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالیان دراز در باب مدینه علم اقامت و از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در این اواخر به حکم ضرورت به کرمانشاه وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل آقا، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّٰه بن العلامه الجلیل حاج آقا احمد آل آقا از علماء مبرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۱۷ ق در تهران متولد شده و در تحت تربیت والد ماجدش پرورش یافته و اولیات و سطوح را در تهران خوانده و در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آیهٔ‌اللّٰه میرزا همدانی فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر مرحوم آیهٔ‌اللّٰه العظمی حایری و پس از رحلت ایشان از آیهٔ‌اللّٰه حجت و نیز از موقع ورود آیهٔ‌اللّٰه العظمی بروجردی تا اواخر سال ۱۳۷۳ ق از محضر آن زعیم اعظم استفاده نموده تا سال مزبور که مرحوم والدش برحمت حق پیوست بالضروره به تهران عزیمت و به اقامه جماعت در مسجد آقا محمود و خدمات دیگر دینی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان اصیل و ریشه‌دار ایران و تهرانست زیرا آن جناب از احفاد نابغه بزرگ و علامه سترک وحید علی الاطارق آقای آقا محمد باقر بهبهانی قدس سره مجدد مذهب و دین در صده دوازدهم هجری بوده چنانچه حقیر در

فوائد البهبهانیه گفتم:

قد قام منها علماء الاهل

کآیه اللّه وحید الفحل

مجدد دین بعون الاکبری

فی مائه الثانیه و العشری

و شرح احوال این بیت عالیه و سلسله جلیله (آل آقا) در کتب تراجم بخصوص در کتاب زندگانی وحید بهبهانی تألیف دانشمند معظم استاد مکرم حجه‌الاسلام حاج شیخ علی دوانی مفصلا و مبسوطا مسطور است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آل بویه، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا آل بویه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱

زندگینامه علمی

علیرضا آل بویه در اول خرداد ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در این شهر همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیك شد و در سال ۱۳۵۸ در حوزه علمیه شروع به تحصیل علوم دینی کرد.

پس از گذراندن دروس مقدماتی و سطح و استفاده از محضر اساتیدی چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی، راستی کاشانی، پایانی و ستوده از سال ۱۳۶۷ با حضور در دروس خارج فقه (کتاب الحج) و اصول (جلد اول کفایه) آیت الله فاضل لنکرانی، از دروس تفسیر قرآن و خارج فقه (کتاب الاجارهٔ) آیت الله جوادی آملی و خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی بهره های علمی فراوان برد. در کنار دروس مرسوم حوزه به دلیل علاقه به مباحث فلسفی، کتاب نهایهٔ الحکمه و منظومه سبزواری را فرا گرفت و این در حالی بود که برخی از دروس از جمله ادبیات عرب، منطق، کلام، فلسفه و اصول فقه را تدریس می کرد.

در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرك کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شد. همزمان با این دوره، در گروه عقاید (دین شناسی) بنیاد باقرالعلوم علیه السلام (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی«ره») مشغول به تحصیل شده و سالهای متمادی خوشه چین اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام والمسلمین فیاضی، استاد مصطفی ملکیان، حجت الاسلام والمسلمین صادق لاریجانی، دکتر محمد لگنهاوسن و... بود و در سال ۱۳۷۸ در رشته دین شناسی فارغ التحصیل شد.

از سال ۱۳۷۴در کنار تحصیل در مراکز تحقیقاتی مشغول به کار شد و در پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، مدیریت گروه تاریخ و فلسفه فقه و حقوق را به عهده گرفت.
از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹ در سمت معاونت پژوهشی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در آن مرکز فعالیت داشت. در سال ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به عهده ایشان گذاشته شد که هم اکنون نیز در آنجا مشغول به فعالیت می باشد. در سال ۱۳۷۸تا ۱۳۸۲ همکاری به عنوان عضو هیات علمی با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را آغاز کرد. ایشان از اوائل سال ۱۳۸۲ سردبیری مجله نقد و نظر را برعهده دارد.

آل رسول، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، امام مسجد شمس‌آباد، متوفی در ۱۳۵۶، مدفون در تکیه‌ی ملك، و سپس در ۱۳۶۳ به نجف منتقل گردیده، در جنب پدر و جد خود مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

آل طاها، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سید محمد آل طاها از گویندگان نامی و وعاظ گرامی شهرستان مذهبی و دینی قم می‌باشد.
تولدش در قم واقع شده و در این شهر ایمانی در بیت مجد و عزت پرورش یافته و پس از دوران دروس جدید به تحصیل عربی صرف و نحو و منطق پرداخته و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید و مدرسین حوزه و علماء شهر آموخته و در رشته منبر و وعظ و خطابه زحمت فراوان و مطالعات بسیار نموده تا یکی از مبلغین شهیر گردیده است.
نگارنده گوید: جناب آل طاها منبری مفید و آموزنده و بیانی ملیح و جامع و ولایتی دارد نمونه‌ای از بیانات و سخنرانی ایشان راجع به فلسفه شهادت و قیام حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام جناب آقای تاج واعظ لنگرودی در گفتار وعاظش نقل نموده است...
معظم‌له مورد احترام و وثوق مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه و مردم قم و بسیاری از شهرستانها که برای تبلیغ رفته است می‌باشد.
آثار ارزنده من جمله کتابی در رد کتاب شهید جاوید نجف‌آبادی دارند که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

آل طبیب، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۹ قمری در شوشتر به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات مسافرت به قم نموده و از محضر آیات قم مرحوم ادیب تهرانی و آیت العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت استفاده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی از محضر آیتین اصفهانی و حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده کرده سپس به واسطه ضعف و کسالت والدش به اهواز آمده و در مسجد آن مرحوم که در خیابان وکیلی واقع است (خیابان کاشانی) تاکنون به امامت و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارد و از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به فضل و دانش می‌باشند و عده‌ای از محصلین اهواز دراسات ایشان استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن آل طه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دو ساله بودم، پدرم که از وعاظ معروف شهر بودند، بواسطه برخورد پلیس رضاخان قبول وکالت می شود و دارفانی را وداع می گوید و سرپرستی اینجانب را مرحومه مادرم و برادر بزرگوار حجهٔالاسلام سیدمحمد آل طه که خود از وعاظ مشهور است به عهده گرفته و بعد از گماردن در مدرسه فرهنگی و گذراندن دوره تحصیلی تا کلاس ششم، به دروس حوزوی راهنمایی نمودند و ابتدا در مدرسه رضویه و منزل، قسمتی از جامع المقدمات از محضر برادرم بهره مند شدم تا اینکه تحصیل را همانطور که ذکر شد، پیش اساتید دیگر ادامه داده تا در ماه رجب یا شعبان سال ۱۳۸۰ قمری موفق به شرکت در امتحانات شفاهی حوزه که از طرف مرحوم آیهٔ الله بروجردی برگزار می شد، شدم و در شوال همان سال که معظم له فوت نمودند و امتحان کتبی که از طرف مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی برگزار شد.

جهت امتحان کفایه و مکاسب شرکت نموده و بحمدالله نمره قبولی را بدست آوردم و تاکنون از محضر علماء و بزرگان حوزه بهره مند بودم و هم اکنون اشتغال به تحقیق و تدریس داشته و امید است خدای بزرگ سرمایه بخشد و یا دانش بزرگ به همه زعماء و اساتید مرحمت فرماید.

از خدای منان می خواهم بنده را شکر گذار آن همه الطاف و نعمتهای خود قرار دهد.

آل طیب شوشتری، عبدالسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در شوشتر به دنیا آمد. در خدمت برادرش آقا سید محمد مهدی آل‌طیب و آقا شیخ محمد کاظم ابن‌الشیخ تلمذ نمود تا به درجه اجتهاد رسید و از این دو عالم بزرگ اجازه اجتهاد گرفت. او از دیگر آیات نیز بهره گرفت. چون حاوی کمالات نفسانی بود و در پارسایی و تقوا پیشتاز، مواعظ و نصایح وی بسیار مؤثر بود.او را تألیفات و تصنیفات چندی در فقه است، از جمله: حاشیه استدلالی بر «عروهٔ الوثقی» طباطبائی یزدی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۵/ ۴۱۵).

آل طیب شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۳۱۱ ق)، فقیه، محقق، واعظ و زاهد. از خاندان سید نعمت‌اللّه جزایری است. در شوشتر به دنیا آمد. تحصیلات سطوح نهایی را نزد عم خویش آقا سید بزرگ آل طیب و حاج شیخ محمدکاظم شوشتری به پایان رساند و از محضر حاج شیخ محمد رضای دزفولی نیز بهره برد و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در زهد و پارسایی و موعظه و خطابه یگانه دوران خود بود. او عهده‌دار مرجعیت اهالی شوشتر بود. در شوشتر از دنیا رفت و همان جا دفن شد. آثار بسیاری از او به یادگار ماند که از جمله آنها: شرحی بر «کفایهٔ الاصول»؛ شرحی بر «معالم الاصول»؛ «معالی الاخلاق»؛ «الوسیلهٔ الکبری فیما یعم به البلوی»، فارسی، در اصول دین و فروع از طهارت تا آخر عبادات و نیز معاملات؛ شرحی بر وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵/ ۸۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۵ -۴۱۴ /۵).

آل طیب، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی فرزند سید جلیل و عالم زاهد آقا سید علی محمد آل طیب جزایری شوشتری از افاضل سادات و احفاد علامه بزرگوار و محدث عالی‌مقدار سید نعمت‌اللّه جزایری است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در شوشتر متولد شده و در بیت فضل و دانش پرورش یافته و مقدمات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و قسمتی از سطوح را نزد علامه آقا سید بزرگ آل طیب خوانده و از اساتید دیگر آن زمان استفاده کرده و پس از آن به دزفول عزیمت نموده و از محضر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدرضا معزی بهره‌مند شده و از شاگردان خاص آن مرحوم گردیدند و ایشان علاقه مخصوص به ایشان داشتند و اجازه اجتهاد بر ایشان نوشتند که عین آن نزد برادر عزیزش حاج سید کاظم آل طیب موجود است و در ایام تابستان که شیخ به بروجرد می‌رفتند برای گرمی هوای دزفول ایشان را همراه خود می‌بردند و ایشان هم از این فرصت استفاده کرده از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی (ره) که در آن موقع در بروجرد بودند استفاده کرده و کسب

فیض می‌نمودند و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حجت بهره‌مند شده و بعد از وفات شیخ به شوشتر آمده و بعد از چندی به اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی پرداخته تا در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان هزار و سیصد و شصت و پنج قمری سال فوت آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام در جوار جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلوه والسلام مدفون شده است.

خدایش رحمت کند که در استقامت رای و بودن فهم از ابناء ممتاز و در بیت شریف آل طیب مشار بالبنان بوده ولی متاسفانه که عمرش کوتاه و در سن ۳۶ سالگی از دنیا رفته ولی خوشبختانه به مضمون آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها ناتی بخیر منها او مثلها» ما هیچ آیه را منسوخ نکرده یا واپس نکردیم مگر اینکه بهتر از آن یا مانند آن را آوردیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل علی شاهرودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی آل علی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین حسینی آل علی شاهرودی طاب ثراه.

داماد بزرگ آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی در بیست و هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۴۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و به تحصیلات اولیات و ادبیات و سطوح عالیه پرداخته و پس از آن دروس خارج فقه و اصول و غیره را از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی قدس‌اللَّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارك علمی از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی قدس‌اللَّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارك علمی از آیات عظام گردیده و خود در نجف و چند سالی در مسجد یکی از محلات نجف به نام خوان مخضر (میدان میوه فروشان) اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین می‌نمود و سفرهای متعددی هم به عنوان بعثه دینیه آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی به حج مشرف و رسیدگی به امور حجاج مقلدین آن مرحوم را می‌نمود.

در سال ۱۳۹۵ شمسی به واسطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق به ایرانیهای مقیم عراق ناچار به مهاجرت به کویت شده و تا سال ۱۳۷۰ قمری اقامت و به خدمات دینی و روحی و علمی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و بخصوص نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام داشته و خدمات چشمگیری نموده است.

خدمات معظم‌له در کویت

۱- تأسیس مدرسه علمی از طرف حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله الوارف.

۲- تدریس در آن و سرپرستی و رسیدگی به امور طلاب آن.

تألیفات و آثار علمی ایشان در کویت

در مدت اقامتشان در کویت در مواقع فراغت تألیفات سودمندی نموده که فهرست آنها را از نظر کاوشگران می‌گذرانم.

۱- الامام المهدی و ظهوره.

۲- الانسان فی مراحل الست که چندین بار به عربی به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و بار دوم به وسیله حجهٔ‌الاسلام آقای نفسی در کراچی ترجمه باردو چاپ شده.

۳- کتاب آداب الحرمین که تا این تاریخ هفت نوبت طبع و منتشر شده است و ترجمه آن به فارسی دو مرتبه و هر بار در تیراژ بیست

هزار چاپ و نشر گردیده.

۴- شخصیه المسلم.

۵- الارث فی الجداول- مخطوط و بعضی مخطوطات دیگر.

و نیز از این بزرگوار خدمات دیگری در عراق و نجف اشرف و برخی از شهرستانی ایران (از قبیل کمک به بناء مسجد و حسینیه و خیریه‌های دیگر) شده که شایان تقدیر می‌باشد.

بیمارستان چشم پزشکی پیامبران

اخیرا آنجناب موفق شدند که در تهران فلکه دوم صادقیه خیابان باغ فیض- خیابان پیامبران- خیابان ابوذر، بیمارستانی به خیریه اختصاصی چشم پزشکی پیامبران به مساحت ۲۷ هزار متر مربع که زیربنای آن ۲۰۴۰۰ متر مربع و دارای پنج بلوک که بعضی در شش طبقه است و در آن عملیات و جراحی‌های چشم در سطح بالا انجام می‌گیرد که در واقع بیمارستان بی‌نظیریست در ایران بلکه در خاورمیانه.

ایشان پس از مدت پانزده سال اقامت در کویت در سال ۱۳۷۰ شمسی برابر ۱۴۱۰ قمری هجرت به قم نموده و به تتمیم طبع مولفات خودشان و رسیدگی بیمارستان مذکور مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل غفور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی آل غفور

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۳/۱

زندگینامه علمی

سید محمد تقی آل غفور در خرداد ماه ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان شوشتر متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی و در سال ۱۳۷۳ در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد و اکنون ضمن اشتغال به تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، در مقطع دکترای جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه امام صادق (ع) اشتغال به تحصیل دارد، وی هم اکنون به تحقیق، تدریس و تالیف مشغول است.

در دوره اول نمایندگی مجلس شورای اسلامی از شهرستان شوشتر به عنوان نماینده به مجلس شورای اسلامی راه یافت. مدتی در مؤسسه آموزشی عالی باقر العلوم علیه السلام عضو هیئت امنای آن مرکز بود. مدتی نیز ریاست آن مرکز را نیز بر عهده داشت. مدیر مسئولی فصلنامه های علوم سیاسی و تاریخ اسلام و مدیریت گروه رشته علوم سیاسی دانشگاه مفید نیز از دیگر فعالیتهای نامبرده است.

آل‌طاهر، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال آل‌طاهر فرزند آقا شیخ حسین (نواده مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد) از ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

تولد ایشان در سال ۱۳۰۷ شمسی در خمین واقع شده و تحصیلات مقدماتی خود را در نزد جدش تکمیل و چندین سال از محضر اساتید قم استفاده نموده و سپس در کرمانشاه متوطن گردیده و از محضر درس آقای اسلامی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی که مدتی به امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در کرمانشاه اقامت داشتند استفاده نموده فعلا در مسجد اشجاری به امامت و ارشاد خلق مشغول می‌باشد

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آملی طبری، ابوعبداللّه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۵ ق)، محدث و واعظ. معروف به غلام خلیل. اصل وی از طبرستان است. در بصره متولد شد و در بغداد سکونت داشت و شیخ بغداد بود. از دینار و قُرَّة بن حبیب و سهل بن عثمان و شیبان حدیث شنید، و محمد بن مخلد و عثمان سمّاک و احمد بن کامل و گروهی از او حدیث روایت کرده‌اند. محمد بن محمد کندی از راویان او است. ابن غضائری و نجاشی او را محدثی ضعیف شمرده‌اند. در بغداد درگذشت، در فقدش بازارها بسته شد و زن و مرد و کودک از منازل خارج شدند تا بر وی نماز گزارند. جنازه‌اش به بصره حمل و در آنجا دفن و بنایی بر آن افراشته شد. از آثارش: کتاب «الوصول الی معرفة الاصول»؛ کتاب «الکشف».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۸ /۳)، تاریخ بغداد (۸۰ -۷۸ /۵)، تنقیح المقال (۷۷ /۱)، الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۷۳ /۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۲۳ /۲)، رجال النجاشی (۲۴۳ /۱)، سیر النبلاء (۲۸۵ -۲۸۲ /۱۳)، لسان المیزان (۴۱۴ -۴۱۲ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۲۴ /۲)، معجم المؤلفین (۱۱۳ /۲).

آیت اللهی، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا آیت اللهی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر حمیدرضا آیت اللهی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای متدین و متعهد متولد شد. پس از سپری کردن تحصیلات مقدماتی در سالهای خفقان و سرکوب رژیم پهلوی به خاطر علاقه شدید به علوم اهل بیت (ع) و حمایت و تشویق خانواده از سوی دیگر به قم هجرت و وارد حوزه علمیه قم گردید.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به تحصیل در دانشگاه روی آورد. و تا مقطع دکترا ادامه تحصیل داد. دکتر حمیدرضا آیت اللهی در طی سالهای عمر خود تا به امروز خدمات علمی فراوانی انجام داده است. کتابها و مقالات فراوانی تألیف و شاگردان بسیاری تربیت و تقدیم عالم اسلام کرده است.

آیت‌اللّه زاده اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن السید العلام آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد حسین بن آیت‌اللّه السید علی بروجنی اصفهانی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است وی در سال ۱۳۴۵ ق در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و شرف و دامن والده ماجده‌اش صبیه‌ی آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّه سره تربیت یافته و از محضر مرحوم والدش و مرحوم آیه‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۱ شمسی مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و از محضر و ابحاث آیه‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و ضمنا بتدریس متون فقه و اصول و تفسیر و اقامه نماز جماعت در مسجد بازار و اول کوچه‌ی غریبان و چند سالی است که در مسجد ارباب محمدتقی واقع در خیابان دلگشا به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

و معظم له سبط مرحوم زعیم‌الشیعه فی عصره آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ موسی خونساری طاب ثراهما میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آیتی سجزه ای، نصرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرت الله آیتی سجزه ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

باباپور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی باباپور

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی باباپور متولد ۱۳۴۳ در روستای گل‌افشان از توابع قائمشهر (مازندران) به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و دوران راهنمایی و دبیرستان را در رشته علوم تجربی در همان شهرستان به اتمام رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه تهران شدم و پس از دو سال یعنی سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از ۸ سال دروس سطوح حوزه را اتمام کردم و به مدت ده سال در خارج فقه و تفسیر علوم آیت الله جوادی آملی و دو سال در جامع اصول آیت الله صالحی مازندرانی کسب فیض نمودم. در کنار تحصیل حوزوی از سال ۶۸ تحصیلات دانشگاهی را آغاز نمودم. کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران گذراندم و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشم. در کنار تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی تدریس در حوزه و دانشگاه را به مدت ۱۵ سال طی نمودم. در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء درس‌های مختلفی را ارائه نمودم. در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی نیز پنج جلد کتاب چاپ گردیده و دو جلد آماده چاپ می‌باشد. و ده‌ها مقالات علمی و راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه در سطح کارشناسی ارشد حوزه را نیز برعهده داشتم.

بابازاده، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابازاده

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر تا پایان ششم ابتدایی در مدرسه علوی آذر شهر تحصیل داشتم. همه ساله شاگرد اول، در پایان کلاس ششم در منطقه در امتحان نهایی ممتاز شدم. یک سال در مدرسه طالبیه تبریز تا پایان سیوطی و جامی تحصیل کرده سپس در قم به تحصیل پرداختم. سطح را در ۷ سال به پایان رسانده ودر سال ۱۳۵۱ در امتحانات خارج حوزه قبول شدم و از مدرسین و مراجع فعلی حوزه تلمذ نموده و بیش از ۲۰ سال دوره خارج دیده ام و به طور کتبی تاییدیه دارم. از تمام مراجع تقلید و شخص مقام رهبری در امور حسبی وکالت و نمایندگی دارم. در موسسه بسیار وزین علمی(دار التبلیغ سابق) که همچون علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، شهید مطهری، آیت الله شبیری و سایر رجال علمی و سیاسی از اساتید آنجا بودند، شش سال دوره عادی سپس دو سال دوره تخصصی و عالی را به پایان رسانده و پیوسته جزو دانشجویان ممتاز بودم. دراین میان از من درخواست شد که برای ادامه تحصیل و به عنوان مبادله دانشجو به آمریکا بروم که به جهت عائله مندی نپذیرفتم.مدت یک سال و اندی مدیریت مرکز تحقیقات و تالیفات موسسه امام صادق علیه السلام را به عهده داشتم که خود استعفا دادم.چهار سال در سازمان امور اداری استخدامی کشور در شعبه تحقیقاتی قم عضو ارشد و فعال پژوهشی و نگارشی بودم و چند اثر توسط حقیر نگارش شده از جمله (ولایت فقیه) که کتاب درسی برای موسسات و وزارتخانه ها می باشد.تا به حال ۲۸ جلد کتاب چاپ شده و تعدادی مقالات چاپ شده تقدیم داشته ام. در این میان کتاب (تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها) و اخیرا کتاب(سیری در سیره فاطمه زهرا«س»)رسما از طرف شورای مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه های بانوان سراسر کشور می باشد از مجموع کتاب هایم تا به حال سه عنوان کتاب های برتر و برگزیده حوزه علمیه انتخاب شده و مورد تقدیر مراجع بزرگ و گاهی تشویق و مقدمه آنان قرار گرفته ام. به ویژه از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تفقد واقع شده (هم نماینده ایشان تلفنی از برخی نوشته هایم تقدیر داشتند و هم رئیس بیت قم و معاونت فرهنگی معظم له جناب آقای مروی به همراه دیگران برای تفقد و تشویق و ابلاغ سلام و پیام به منزلم آمدند.) در حوزه علمیه از طرف شورای مدیریت و مدارج علمی حوزه در جایگاه استاد راهنما و استاد مشاور در خدمت فضلاء و دانشمندان حوزه در نگارش رسائل علمی و پایان نامه انجام وظیفه می کنم. در ضمن از اعضای نخستین نخبگان حوزه می باشم. مقاطع کوتاهی در دانشکده سپاه قم در رشته (حقوق) و (احکام و فقه) برای مدیران سپاه تدریس داشتم که به جهت مسافرت های زیادی که دارم ادامه ندادم. در حوزه علمیه در سال های آغازین درسم به تدریس حاشیه و معالم می پرداختم که سپس به جهت اشتغال زیاد در محورهای مختلف تحصیلی از ادامه آن خودداری نمودم. ناگفته نماند که دروس متوسطه را به طور متفرقه به پایان رساندم و حتی یک ساعت در کلاس نبوده ام. بنده در مسیر تحصیل و تعلیم روزانه ۱۶ ساعت مشغول کسب علم بودم. نظم، اخلاص، انگیزه ، پشتکاری و ... از ابراز موفقیت من بودند. از خداوند متعال می خواهم با نیت خالصانه در مسیر اهل بیت نگه داشته و عاقبت بخیری را روزی من گرداند و السلام علیکم و رحمه الله

بابایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بابایی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۴ در خلیل اکبر (یکی از روستاهای پل دختر) متولد شدم، تحصیلات ابتدائی را در پلدختر گذراندم.

در سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیه خرم آباد شدم و از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲ در آنجا بودم و از محضر آیت الله کمالوند بهره بردم و از سال ۱۳۴۲ به قم مهاجرت نمودم و در محضر اساتید آنجا به کسب علوم دینیه پرداختم و ضمن تحصیل بنا به فرموده حضرت امام ره و سایر علمای اعلام به مبارزه با رژیم شاه پرداختم و بیش از ۱۶ سال با رژیم مبارزه کردیم و در جنگ فیضیه شرکت داشته ام و ضرباتی به فک و کتف اینجانب وارد شد که هنوز هم آثار آن موجود است و بعد از پیروزی انقلاب همان مسئولیت هایی را که ذکر کردیم عهده دار بوده ام و نسبت به انقلاب و دستورات رهبر کبیر انقلاب هیچ گونه مسامحه و کوتاهی تاکنون نداشته ام و هم اکنون مسئول حوزه علمیه امام صادق که موسس آن خودم بوده ام می باشم.

این حوزه تعداد ۵۰ نفر طلبه برادر و ۴۰ نفر خواهر دارد. و فعالیت آنها بسیار خوب می باشد.

بابایی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابائی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر بابائی متولد ۱۳۳۳ در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال ۱۳۵۳ ه.ش وارد حوزهٔ علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم ، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خارج فقه و اصول این جانب از درس‌های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود ۱۲ سال در درس خارج اصول و حدود ۲ سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده‌ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشتهٔ تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت از سال ۱۳۷۳ تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلا دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج ۱ و ۲ تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بابکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بابکی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمـام مقطع سـیکل وارد حوزه علمیه قم شـدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریـخ تـاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سـال ۱۳۶۶ به درس هـای خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضـر بزرگانی چون حضـرات آیات نجفی مرعشـی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جـوادی آملی و حسن زاده آملی اسـتفاده بردم و هم اکنـون به تـدریس سـطوح عـالی حـوزه و تحقیق در عرصه هـای مختلف فقهی اشتغال دارم

بارانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد : سیرجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سـال ۱۳۴۴ در شهرسـتان سـیرجان به دنیا آمـد و پس از گذرانـدن تحصـیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرسـتان در سال ۱۳۶۳ شمسـی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان

خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف ـ تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳شمسی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.

۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.

۴. مدیر گروه تاریخ جامعهٔ الزهرا (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون

۵. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶

۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان

۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره

۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون

۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون

۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون

۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون

۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه

۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵

۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴

۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعهٔ الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون

۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.

۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵

۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵

۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱

۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ د- تدریس

ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.

۱) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.

۲) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.

۳) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه – گروه تخصصی تاریخ در سال های ۱۳۸۲ تاکنون

۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.

۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.

۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. هـ پژوهش های منتشر شده:

۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.

۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.

۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.

۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.

۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.

۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.

۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۵.

۸. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.

۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیة و المعتزلة فی عصر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.

۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.

۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر:

الف) مقالات

۱. امام هادی (ع) و علم و دانش

۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران

۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری

۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه

۵. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۸. تاریخ‌نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری

۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام

۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره

۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه

۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها

۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها

۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها

۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های

۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های

۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه

۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله

۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره

۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله

۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه

۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)

۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).

۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.

۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها

۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.

۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.

۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۴. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.

۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و

جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.

۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعهٔ التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.

۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.

۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.

۱۰. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه

۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش

۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش

۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

باریکلو، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا باریکلو

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۴

باستانی پاریزی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۹ ش)، واعظ و شاعر. در پاریز متولد شد. با علوم قدیم و جدید آشنا بود. خوش محضر و خوش حافظه بود. بر تاریخ عمومی احاطه داشت. ریاست دبستانی در کرمان به وی محول شد. دبستان پاریز به نام او موسوم است. وی پدر دکتر محمد ابراهیم باستانی پریزی است. از آثار او: «جغرافیای ایران» به صورت منظوم؛ «ایام نیکبختی از پس بدبختی ایران»؛ «سی و دو داستان». ملاعلی اکبر حتی در نوشتن نامه‌ها صورت منظوم به کار می‌برد و در آنها معایب اجتماعی را بر سبیل هزل بیان می‌کرد. از وی حدود بیست هزار شعر باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرامان (۹-۶)، ستارگان کرمان (۱۴-۱۱).

بافقی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۲ ق)، عالم دینی و فقیه. در بافق به دنیا آمد و در خانواده‌ای با تقوا تربیت یافت. برای تحصیل به یزد رفت و در مدرسه مصلی، ادبیات و سطوح را نزد حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی و دیگران فراگرفت. بافقی از ترس حکومت مستبد آن روز یزد گریخت و به نجف رفت و مورد توجه و تشویق آیت الله طباطبایی یزدی قرار گرفت و مدت ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و از محضر آیت الله یزدی و آیت الله کفایی خراسانی و حاج سید احمد کربلایی استفاده برد. آن گاه به ایران مراجعت و در قم سکنی گزید. وی در قم اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه کرد و از آیت الله حایری که آن روز در اراک بودند تقاضا کرد که حتما قم را مرکز قرار دهند و برای انجام این کار قدمهای مؤثری برداشت، و با ایشان همه گونه مساعدت، و طلاب و واردین را همه گونه تشویق و ترغیب می‌نمود. وی در ۱۳۴۶ ق به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به تهران تبعید شد و رحل اقامت در ری افکند و تا پایان عمر در شهر ری ماند. مؤلف «گنجینه‌ی دانشمندان» کتابی در شرح حال وی به نام «التقوی و ما ادریک ما التقوی» نگاشته که به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه و نشر یافته است.[۱]

مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه مجاهد و عالم متقی حاج شیخ محمدتقی بن حاج محمدباقر تاجر بافقی یزدی از علماء بزرگوار و مجاهدین پرهیزکار زمان معاصر ما و مربی و پدر روحانی نگارنده و از افرادی بودند که حقیقه حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و مردم ایران دارند زیرا اگر اصرار آن مرحوم بمرحوم آیت‌اللّه حایری موسس حوزه و همکاریهای ایشان نبود حوزه تأسیس نمیشد و آن مرحوم یگانه مشوق و غمخوار طلاب و محصلین علوم دینیه و وحید زمان در امر بمعروف و نهی از منکر و فرید دهر در قدس و ورع و ربیع الایام در حال و حقیقت و اویس الیمان در صفا و معنویت و سلمان عصر در زهد و ولایت و بوذر اوان در شجاعت قلب و رشادت و ترویج و حمایت از امام زمانش بود.

شرح احوال و مقامات معنوی او در این مختصر نگنجد رساله‌ی مستقلی بنام (التقوی و ما ادریک ما التقوی) نوشته و منتشر نموده‌ام. در اینجا هم بطور اجمال می‌نگارم.

وی در سال هزار و سیصد و نود و دو قمری در بافق یزد متولد شده و در دامن مادر علویه و پدر متدین خود پرورش یافته و از همان اوقات با کمال پاکی و پرهیزکاری زنده‌گانی نموده و از زادگاه خود برای تحصیل به یزد و پس از چند سال بواسطه ابراز حریت و شجاعت و ابلاغ اعلان مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی بر علیه عالم مفتون بدنیا و حب جاه مورد تعقیب دولتیان واقع و بناچار با پای پیاده شبانه مهاجرت به نجف نموده و در آن سرزمین هم کسب روزی حلال و هم تحصیل تا بمقام منیع اجتهاد و معنویت رسیده و چند سالی از اصول مرحوم علامه خراسانی و چندین سال از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به قم و نقشه‌ی تأسیس حوزه علمیه را طرح تا ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری که موجب شد آن مرحوم تصمیم بماندن در قم و انتقال حوزه اراك را باین سرزمین مقدس نماید و با ایشان همه‌گونه مساعدت و از طلاب و واردین از محصلین تشویق و ترغیب نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که بواسطه امر بمعروف و نهی از منکر تبعید به تهران و رحل اقامت قهری بری افکند و بخدمات دینی پرداخته تا در دوازدهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۶۵ قمری که در اثر عمل جراحی در بیمارستان فیروزآبادی با پیش‌بینی قبلی خودش از دنیا رفته و با تشییع مفصلی حمل به قم و در مقبره آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.

از کلمات اوست که می‌فرمود علی بن مهزیار اهوازی بیست سال از اهواز بمکه رفت تا حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام را

زیارت کند چرا یک مرتبه و یا شب نیمه ماه شعبان بکربلا نیامد تا حضرتش را در کنار قبر جدش حضرت امام حسین علیه‌السلام ملاقات کند، و آن مرحوم از متشرفین زمان بود که کرارا این توفیق نصیبش گردیده بود چنانچه حقیر در آثار الحجه والتقوی و بستان الرازی نگاشته‌ام.

حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی اباذر زمان خود بود که حوزه علمیه قم را به امر و اشاره حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف با دعوت از مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به اقامت در قم بنیان‌گذاری کرد و خود از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۶ قمری هجری معاون مرحوم حائری و پدر مهربانی برای طلاب و محصلین آن زمان و آن دوره بود و آقایان طلاب تمام نیازمندیهای خود را به ایشان مراجعه و رفع نیازشان می‌شد.

مرحوم بافقی گذشته از مقام علمی و فقاهت و زهد و پارسائی مردی مجاهد بر علیه بیدادگران و مبارز با منکرات و متظاهرین گناه بود و از ملامت هیچ ملامت کننده از شاه و روحانی و اقشار دیگر کمترین خوف و هراسی نداشت و با ستمگران و طاغوتان و رژیم پلید دولت رضاخان (زندیق) سرسختانه مبارزه می‌کرد و تنها کسی بود علنا جنایات و مظالم شاه را اعلان و برای وی پیامها و نامه‌های داغ سوزنده‌تر از هر آتشی می‌فرستاد.

امام خمینی که بسیار مورد علاقه مرحوم بافقی مجاهد بود از اصحاب و مریدان خاص آن مرحوم بود و غالبا در مدرسه فیضیه یا نقاط دیگر که آن مرحوم اقامه جماعت می‌کرد به ایشان اقتدا می‌نمود و در شبهای جمعه که آن مرحوم به مسجد جمکران می‌رفت با ایشان همراهی می‌نمود.

مرحوم مجاهد بافقی برای امام بهترین مربی و آموزنده‌ترین مدرسین اخلاقی بود که درس شهامت و شجاعت و صبر و استقامت را در حوادث و رویدادهای مبارزه از زندان و تبعید و شکنجه و آزار می‌آموخت.

این نویسنده در خاطر دارم که امام در عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق یعنی درس انسان‌سازی می‌فرمود و عنوان درسش آیه کریمه (یا ایها الذین آمنو اتقواللّه و لتنظر نفس ما قدمت لغد اتقواللّه ان اللّه خبیر بما تعلمون) بود

ای گرویدگان پرهیز کنید و باید هر انسانی بیاندیشد که برای آتیه‌اش چه پیش فرستاده و پرهیز کنید که خداوند آگاه است که چه می‌کنید.

امام غالبا وقتی می‌خواست یک انسان کا مل و مؤمن حقیقی و مجاهد واقعی را بعنوان الگو و نمونه زمان معرفی کند که شیاطین تسلیم او شده و به او ایمان می‌آورند می‌فرمود سفری به شهر ری زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) نموده و او را زیارت کنید. و خودشان در هر ماه یک یا دو بار برای زیارت و دیدار مرحوم بافقی مجاهد که در آنوقت در آنجا تبعید بودند راهی ری می‌شدند در خاطر دارم که بعضی از روشندلان و اهل معنی در آن زمان که از دور یا نزدیک به شهر ری می‌رفتند به زبان حال و قال می‌سرودند.

چه خوش بود که براید بیک کرشمه دو کار

زیارت شه عبدالعظیم (ع) و دیدن یار

(یعنی اباذر زمان و مسلمان دوران حجهٔالاسلام مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی)

امام در مدت شش سالی که مرحوم بافقی در قم با رژیم کثیف شاه و عمال خائن و ستمگران او در شهرستان علمی و مذهبی قم (فرماندار و رئیس شهربانی و..) مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد از نزدیک به ایشان مراوده و از کردار و گفتار او تمامی درس شهامت و مجاهده با ستمگری و مبارزه با گناه بود سرمشق می‌گرفت و خود را آماده برای قیام و نهضت بزرگ می‌نمود.

و مرحوم بافقی هم چون مؤمن پاکدل و یکی از مصادیق حقیقی (المؤمن ینظر بنوراللّه) در سیما و چهره درخشان امام آثار نبوغ با

طاغوتیان و مجاهده در راه حق مشاهده می‌کرد و در موقع اقامتش در قم عنایت مخصوص به امام داشت و در پاره‌ای از امور سفارش وی را به مرحوم آیت‌اللّه حائری می‌کرد و بعد از گرفتاری و تبعیدش به شهر ری به محصلین و دیگران توصیه آن بزرگوار را می‌نمود و حتی خود این نویسنده را که به ارشاد و رهنموئی معظم له برای تحصیل به قم آمدم به آشنائی و مراوده با امام تاکید فرمود. و به همین سبب این حقیر از اوائل ورودم به قم در سال ۱۳۵۷ قمری با آن بزرگوار آشنا و مورد تشویق و محبتشان قرار گرفته و تا این زمان که حدود چهل سال است افتخار ارادت به ساحت قدسشان را دارا و یکی از جان‌نثارانشان می‌باشم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۲۸۱ -۲۸۰ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۱ -۶۱۹ /۴، ۱۷۸ -۱۷۷ /۳).

باقرپور، یوسف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسفعلی باقر پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (۱۳۵۵) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (۶۱-۱۳۵۹) . در سال ۶۱ در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مغشول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم(۱۳۶۴). پس از آن و در سال ۱۳۶۸ در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال ۱۳۷۱ دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال ۱۳۷۶ در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می باشم.

از سال ۱۳۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه می باشم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می کردم و از سال ۱۳۷۹ به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی ، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می باشم.در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تردیس می کردم از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل ، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهیاه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت الله گرامی و ... استفاده کردم.در دروس خارج که از سال ۱۳۶۳ شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل

لنکرانی و ... بهره بردم و می برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمان باقرزاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر عبدالرحمن باقرزاده در سال ۱۳۴۹ در روستای آغوزبن از توابع شهرستان بابل و در خانواده ای متوسط، کشاورز و مذهبی متولد شدم. از همان کودکی به قرآن و مسائل دینی علاقمند بودم. لذا در مدتی کوتاه و در سایه لطف الهی و استعداد خدادادی قرآن را فرا گرفتم. در مدرسه نیز همواره شاگردی ممتاز از نظر پیشرفت درسی بودم لذا همواره مورد تشویق قرار می گرفتم که وارد مدرسه علمیه شدم.علاقه وافر قلبی و تشویق های مزبور دست به دست هم داد تا پس از اتمام اول راهنمایی در سال ۱۳۶۱ راهی مدرسه صدر بابل شوم. مدت یک سال در مدسه مزبور از محضر اساتید معظم آیات و حجج اسلام شیخ هادی روحانی(ره)، سید حسن محقق بهشتی(ره)، شیخ محمد حسن قائمی و سید مرتضی برهانی استفاده کردم. سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلا بهشهر شده و تحت انفاس قدسی عالم نامدار مازنداران مرحوم آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (قدس) به تلمذ و خوشه چینی پرداختم.

مدت پنج سال حضور در آن مدرسه، دوران طلایی عمر تحصیلی حقیر به حساب می آید.علاوه بر استفاده علمی از محضر آن فقیه فرهیخته و نامور، مورد عنایت و محبت زیاد آن بزرگوار بودم به طوری که سال ها بعد از مهاجرت به قم و تا پایان عمر آن عالم فرزانه، از محبت ها و توجهات خاص ایشان بهرمند بودم. ضمن آنکه در مدرسه مزبور مدت مدیدی خوشه چین محضر فرزند بزرگوار آن عالم بزرگ یعنی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد جواد ایازی (مدیر فعلی مدرسه علمیه رستمکلا) نیز بوده ام.

در سال ۱۳۶۷ عازم حوزه علمیه قم شده و سطوح عالی را از محضر آیات عظام شیخ مصطفی اعتمادی، سید علی محقق داماد، وجدانی فخر و شیخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و بعد از آن نیز به مدت ۱۰ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و چند سالی را هم در دروس آیات عظام وحید خراسانی و علوی گرگانی حضور پیدا کردم. از سال۱۳۸۱ نیز در جایگاه امامت جمعه شهرستان رامسر مشغول انجام وظیفه می باشم. علاوه بر مسئولیت امامت جمعه در حوزه علمیه اعم از برادران و خواهران و نیز دانشگاه به تدریس مشغولم. حقیر دارای دو فرزند پسر به نام های محمد مهدی و محمد جواد می باشم که ثمره ازدواج اینجانب در سال ۱۳۶۷ می باشند.

باقرزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا باقرزاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۸ وارد حوزه شد و پس از پنج سال که در ورامین و کاشان مشغول تحصیل بود وارد قم گردید. دروس سطح را از اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب" ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه "جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقری بیدهندی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر باقری بیدهندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین جناب آقای ناصر باقری بیدهندی به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی درروستای بیدهند قم در خانواده ای متدین و شهید پرور چشم به جهان گشود. قرآن را در کتب آموخت و سپس به مدرسه رفت و در اولین روز در کلاس دوم به تحصیل

پرداخت. نامبرده بعد از گذراندن تحصیلات جدید به سبب عشق و علاقه فراوانی که به اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» وروحانیت اصیل شیعه داشت در سلک روحانیت درآمد و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی تا مرحله سطوح عالیه را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام : سید محمد روحانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، جعفر سبحانی، میرزا جواد تبریزی و دیگران به مدت هفده سال شرکت و بهره مند شد. در ضمن با مباحث منطق و فلسفه استادان گرامی حوزه نظیر آیت الله یحیی انصاری و آیت الله گرامی و دکتر احمد بهشتی و تا حدودی آیت الله حسن زاده آملی کسب فیض کرد.

همچنین در بحث اخلاق از محضر آیت الله مظاهری و دیگران سود گرفت. مشار الیه همگام با تحصیلات حوزوی در سطوح متوسطه و عالیه به پژوهش و تحقیق روی آورد و تاکنون ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی از خود به یادگار گذارده و هم اکنون نیز به این مهم با کوشش زیاد اشتغال دارد و شمار قابل توجهی از آثار ایشان به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. معظم له علاوه بر تألیف و تحقیق به تدریس نیز اشتغال دارد و به عنوان استاد مشاور ، سامان دهی خطوط پژوهشی برخی از پایان نامه ها را نیز به عهده گرفته است . و در تعدادی از مراکز فرهنگی عضویت و فعالیت داشته و دارد.

باقری همدانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اصغر بن کربلائی شعبان باقری همدانی در تاریخ ۱۳۴۳ هجری قمری در یکی از مضافات دره جزین از توابع همدان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۵۸ قمری والی به سلک روحانیت گشته و پس از اکمال سطوح عالی از محضر آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله داماد و بعضی دیگر استفاده نموده و بالاخص اختصاصی و انقطاع فوق‌العاده‌ای به مرحوم آیت‌الله عراقی مذکور داشت و در تمام جلسات دروس معظم‌له شرکت می‌نمود و مورد توجه و علاقه شدید آن مرحوم بود و از وی به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است.

ایشان اجازات دیگری از مراجع بزرگ نجف اشرف و قم چون مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله آملی طهرانی و دیگران دارد.

آثار علمی ایشان عبارت است از جزواتی در اصول عقاید و مطالب منبری و نیز قسمتی از دراسات اساتید غیر منظم دارد.

وی از راه منبر خدماتی انجام داده و جلسات تفسیر و موعظه در قم و خارج از قم داشته و دارد و همه ساله مانند صدها نفر دیگر از فضلاء در ماه رمضان و محرم برای تبلیغ احکام دین و ترویج مذهب به اطراف مسافرت نموده و وظائف دینی و روحی خود را انجام می‌دهد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم باقری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم ابتدا در مدرسه علمیه داراب،سپس گویم و پس از آنان آشتیان و در سال ۱۳۶۷ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را یافتم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آیات پایانی و اعتمادی به پایان رساندم و پس از اتمام کفایه نیز که از محضر حضرت استاد اعتمادی کسب فیض نمودم در سال ۷۱ وارد درس خارج فقه و اصول گشتم ، در یک سال درس خارج اصول در محضر آیت الله مکارم شیرازی و یک سال خارج فقه در محضر آیت الله مشکینی و در سال ۷۲ به حوزه درسی استاد معظم ضمن اینکه چند سال نیز از درس خارج فقه حضرت آیت الله گرامی بهره مند شده ام.در کارهای تحقیقاتی به طور رسمی با کمیته تدوین متون قوه قضائیه همکاری نمودم، با مرکز پژوهشهای حوزه علمیه و مرکز نشرآثار امام خمینی(ره) نیز همکاری داشته ام و کارهای پژوهشی عمدتا در رابطه با حوزه تحقیقاتی فقه و حقوق انجام داده ام هر چند پیش از این نیز به طور پراکنده مقالاتی را برای برخی روزنامه ها نوشته ام ، برخی کارهای تحقیقاتی را خود به انجام رساندم که کار شخصی محسوب می شود.با یک توضیح سخن را به پایان می برم: در حوزه های علمیه در زمینه منطق، ادبیات عرب و اصول فقه تدریسی داشته ام در رابطه با همکاری با مراکز تحقیقاتی نیز یاد آور شوم: در همکاری با کمیته تدوین متون در رابطه با مسائل حقوقی مسائل مباحثی نظر احوال شخصیه، کلیات حقوق، معاملات واقعیات و.. در حقوق ایران و کشورهای اسلام نظیر مصر، سوریه، عراق، لبنان، اردن، امارات، را مورد تحقیق قرار داده و نوشته هایی را در این زمین ارائه نمودم.

در همکاری با مراکز تحقیقاتی فقهی بیشتر در مباحث جزایی و کیفری به پژوهش پرداخته ام، در آیین دادرسی کیفری مسائل مربوط به سوگند و شهادت و در قانون مجازات اسلامی مسائلی چون مباحث دیات اعم از دیه نفسی، عضو، دیه میت و مباحثی چون تشریح، پیوند اعضاء و ... را به تحقیق نشستم.ونیز در تهیه گنجینه آرا، فقهی قضایی و تبویب و ارزیابی آن در حدود ۲۰۰۰۰ بیست هزار استفتاء از مراجع عظام تقلید اشاره ای می شود که با تبویب ونمایه زنی آن کاری برای محققان آسان گشته است، با دوستان دیگر همکاری داشته ام البته در بخش مربوط به مباحث حقوقی آن.در مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم نیز در بخش مطبوعات همکاری داشتم بدین معنی برخی از مقالات مربوط به حوزه فقه و حقوق و بعضاً سیاست، ارتباط وثیقی با فقه یا حقوق دارد، را نقد می نمایم و گاهی هم مقالات اینترنتی را درهمین زمینه.

باقری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقری

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب علی باقری متولد ۱۳۴۳ در شهرستان اردبیل تحصیلات ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهران به اتمام رسانده و بمدت یکسال پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه تبریز رفته و در مدرسه ولی عصر(عج) مشغول تحصیل شدم و بعد از آن بمدت یکسال به حوزه علمیه تهران وارد شده و در مدارس علمیه باهنر و شهید بهشتی مشغول تحصیل بودم و از کلاس درس منطق ملا عبد الله آیت الله حق شناسی و سایر اساتید بهره بردم و در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مکاسب در رسائل کفایه را از محضر آیت الله دوزدوزانی — آیت الله پایانی- آیت الله راستی- آیت الله صالحی مازندرانی- آیت الله قدیری — آیت الله راستی بهرمند شدم. در همزمان به دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق وارد شده و به تحصیل نهایهٔ الحکمه، اقتصاد- فلسفتنا و.... در این مؤسسه پرداختم. بعد از اخذ دیپلم متوسطه بطور متوسط هر سال در جبهه های جنگ نیز حضور می یافتم و در چندین عملیات شرکت داشتم.

پس از پایان جنگ وارد دانشگاه مفید(ره) قم شدم و به تحصیل دوره کارشناسی اقتصاد پرداختم و در این ایام به تحصیل دروس خارج فقه و اصول نیز مشغول شدم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام وحید خراسانی(دام عزه).جواد آقا تبریزی(ره) آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره وافر بردم هر چند از اساتید دیگر نیز استفاده کرده ام.دوره کارشناسی اقتصاد را در سال ۱۳۷۲ به پایان رسانده و در همان سال در آزمون، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته شدم اما به دلیل تحصیل دروس حوزوی، و در دانشگاه مفید(ره) دوره کارشناسی ارشد را ادامه دادم و در سال ۱۳۷۵ پایان نامه دوره فوق لیسانس را با موضوع مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاسب دفاع نمودم و در آزمون ورودی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام پذیرفته شده و مشغول تحصیل شدم و دوره آموزشی مقطع دکترا با برگزاری امتحان جامع و موفقیت در آن به پایان رسید و مشغول انجام پروژه تحقیقی در موضوع هدف گذاری سیاستهای پولی شدم و هم اکنون مراحل نهایی پایان نامه را انجام می دهم.از نظر تدریس دروس حوزوی عمرماً قبل از تحصیلات دانشگاهی بوده است و به تدریس ادبیات و منطق پرداختم و دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی تدریس نموده ام دروس مانند، اقتصاد پول بانک- اقتصاد فرد- اقتصاد کلان، مبانی فقهی اقتصاد و اسلامی- نظام های اقتصاد صدر اسلام- تاریخ عقاید اقتصادی — معارف اسلامی. مالیه عمومی را در دانشگاه مفید(ره)- دانشگاه آزاد تهران و شهرستان نراق و آموزش های مدیریت دولتی تدریس نموده ام.در زمینه های تحقیقات علمی نیز پروژه تامین اجتماعی در اسلام با تکیه بر منابع مالی اقتصاد ایران با همکاری حجهٔ الاسلام کیاءالحسینی به انجام رسانیدم این پروژه توسط سازمان تأمین اجتماعی، تأمین شد و مدیریت آن را دانشگاه مفید بر عهده داشت این تحقیق علمی برنده دو جایزه گردید یکی بعنوان تحقیق برتر فرهنگی سال ۱۳۸۰ و پژوهش برگزیده سال ۱۳۸۲ حوزه اقتصاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت تحقیقات علمی دیگری نیز در حوزه اقتصادانجام دادم که منتشرنشده است یک مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی عدالت اقتصادی در مجله مفید از اینجانب به چاپ رسیده است و در سال ۱۳۷۷ منشتر گردیده و استاد واحد پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان نقش بازده سرمایه گذاری های سازمان تامین اجتماعی در تاخیر زمان سربسری منابع و مصارف» را نیز در ۱۳۸۴ بر عهده داشتم.

باقری، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله باقری

محل تولد : سر بند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله باقری در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی در بخش سر بنداران متولد شدم و ابتدا در مکتب خانه شروع به تحصیلات قرآنی و سپس در سال ۱۳۵۴ درسهای کلاسیک را در مدارس جدید آغاز نمودم سالهایی که در مقطع ابتدایی تحصیل می کردم در همان روستای آب بخشان از توابع سربند و سپس دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان بروجرد اشتغال داشتم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد شدم و در سال ۱۳۶۴ راهی شهر مقدّس قم شدم. ابتدا در مدرسه علمیه مهدی موعود(عج)تحت اشراق و ارشاد(حضرت الله العظمی نوری همدانی ادبیّات عرب را به پایان رساندم سپس وارد درسهای سطح حوزه گردیدم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیه الله وجدانی فخر، آیت الله اعتمادی، آیهٔ الله اشتهاردی و آیهٔ الله نکونام گلپایگانی و نیز آیهٔ الله سید احمد خاتمی بهره مند شدم.

درهمان سالهای اشتغال به تحصیل در دوران سطح سه تبلیغ علوم آل محمّد و معارف اسلامی نیزپرداختم. حدود سال ۷۳-۷۲ وارد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) زیر نظر حضرت آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله العالی شدم و درسهای معارف و روز را با توجه به ضرورتهای زمانه پشت سر گذاشتم و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی آن مؤسسه مبارک شدم. پس از اتمام تحصیلات در آن مؤسسه و هم زمان با اشتغال به درس خارج فقه و اصول که به ترتیب از محضر اساتید بزرگوار حوزه مبارک علمیه قم حضرت آیهٔ الله العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله جعفر سبحانی دام ظلّهما استفاده نمودم. پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) وارد مرکز تخصّصی قضاء حوزه علمیه شدم و با مسائل حقوق جدید و نیز مباحث عمیق تر قضاء و حقوق اسلامی آشنا شدم و پس از چهار سال تحصیل از آن مرکز مبارک فارغ التحصیل گردیدم.

نتیجه تحصیلات علاوه بر انجام وظیفه تبلیغی و مطالعات سریع ، اثر به طبع آراسته اینجانب تحت عنوان«مستضعفان از دیگاه اسلام» که توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران واحد پژوهشگاه اسلامی صدا و سیمای قم به چاپ رسیده است. نیز پایان نامه فوق لیسانس بنده نیز مراحل چاپ نشر خود را در آن مرکز محترم سیر می کند. مجّوز تدریس معارف از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دام ظله العالی و روحی فداه) جهت تدریس در مراکز آموزشی عالی را دریافت نموده ام و هم اکنون در دانشگاه علمی کاربردی شهر مقدّس اشتغال به تدریس معارف اسلامی دارم. همچنین پایان نامه مقطع فوق لیسانس مؤسسه هم اکنون تحت عنوان مبانی کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه نهج البلاغه می باشد که احتمالا در آینده به چاپ برسد. در حال حاضر ضمن مطالعات معارف و اشتغال به تدریس در دادسرای عمومی انقلاب نیزاشتغال به شغل شریف قضاء دارم، و در پس مقدّمات تدوین پایان نامه سطح چهار حوزه هستم.

باقریان ساروی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد باقریان ساروی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در آغاز پاییز سال ۴۲ وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال ۴۴-۴۳ در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلای بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) ۴۸ مجددا وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی وآیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی(کفایه ج ۱) و آیت الله حائری(سید محمد کاظم) (کفایه ج ۲) گذرانده و درس خارج را که از سال ۵۰ شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس ها را به صورت عربی نوشته ام. و در سال ۷۰-۶۹ برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پیرداخته ام و مجددا وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده ام ادامه می دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر ۸ جلد به چاپ رسیده است.

باقی، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی باقی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

زندگینامه علمی

بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته ریاضی در سال تحصیلی ۱۳۷۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شده و تحصیلات مقدماتی تا پایه ششم را در مدرسه مبارکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان رسانده ، سپس پایه هفتم تا دهم را در کلاسهای آزاد که در مدرسه مبارکه حضرت آیت الله مرحوم گلپایگانی برگزار می شد ادامه دادم و اکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی محمد علی اسماعیل پور دام ظله مشغول انجام وظیفه هستم. در زمینه تبلیغی نیز از سال ششم به بعد تاکنون در ایام ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به حسب وسع خود به این عمل شریف اقدام نموده ام.

بالادستیان، محمد امین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امین بالا دستیان

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

دروس ابتدائی خود را در سال ۱۳۵۵ آغاز و در روستای دارغیاث از توابع شهرستان بیجار به پایان رساندم. دوران راهنمائی و دبیرستان را در شهر بیجار به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۸ پس از اخذ مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان بیجار شدم. پس از یکسال و نیم تحصیل در آنجا به تهران رفته و در حوزه علمیه شهید شاه آبادی به ادامه تحصیل پرداختم و دوره مقدمات را در آنجا به پایان رسانیدم. پس از اتمام لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان با گذرانیدن سطوح حوزوی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم و مقطع کارشناسی ارشد را تمام نمودم و در کنار آن دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات و دوره کوتاه مدت تبلیغی را سپری نمودم. پس از اشتغال به درس خارج و اتمام دروس کلاسیک در رشته مهدویت مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم و دوره تربیت مدرس آنجا را به پایان رسانده، و پس از آن در دوره های کوتاه مدت مهدویت که عموماً در مراکز حوزوی استان ها بر پا می شود به تدریس انجام وظیفه کرده و در مراکز دانشگاهی مانند تهران، شهرضا، سنندج، همدان، قزوین، رفسنجان به ترویج مباحث مهدویت در مجامع دانشجوئی پرداخته ام و در کنار دروس حوزوی نیز کم و بیش در حد امکان به تدریس دروس پائین تر حوزه اقدام کرده ام.

بامبری، عبدالواحد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالواحد بامبری

محل تولد : ایرانشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب درسال ۶۵ به دلیل علاقمندی به معارف اسلامی، تحصیلات خویش را در مدرسه علمیه ایرانشهر آغاز نمودم و در سال ۶۹ جهت ادامه تحصیل توفیق حضور در مدرسه علمیه آیت الله یثربی کاشان را داشتم و از سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال ۷۹ فعالیت های علمی خویش را با انجام پروژه ای تحت عنوان پاسخ به شبهات مناطق مرزی ازمرکز تحقیقات صدا و سیمای قم آغاز نمودم و از همان سال در نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت قم به عنوان مسؤول پاسخگویی به سوالات و شبهات جذب شدم و در سال ۱۳۷۸ در رشته حقوق موسسه آیت الله مصباح به مدت چهار سال پذیرفته شدم و از سال ۸۱ جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی توفیق کسب معارف قرآنی را داشته ام.

دو مقاله برای همایش های علمی مذاهب اسلامی با عناوین (لیبرالیسم و تعارض آن با آموزه های دینی و حکومت اسلامی از دیدگاه فریقین) ارائه نمودم. قریب به ۳۰۰ پرسش علمی و مذهبی را در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم را پاسخ داده ام. با همکاری دو نفر از همکاران کتابی تحت عنوان (هفت آسمان جوانی) برای بخش فرهنگی دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (مد ظله العالی) تدوین و فراهم نمودیم و نیز کتابی با عنوان (پاسخ به پرسش های مذهبی از دیدگاه مذاهب اسلامی) با همکاری برخی از محققان برای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم در سال ۸۳ چاپ گردید. مقالاتی با عناوین (شاخصه های حکومت علوی، نگاهی به سیره درخشان کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه، دریافتی از معارف قرآنی، پروژه تحقیقی برای صدا و سیمای قم با عنوان پاسخ به سوالات برون مرزی، نگاهی به زندگانی صادق آل محمد (ص)، و ... از جمله مقالاتی است که در برخی از مجلات چاپ شده است.

باهنر، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متفکر.

تولد: ۱۳۱۲، کرمان.

شهادت: ۸ شهریور ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر تحصیلات خود را از پنج سالگی در مکتبخانه آغاز کرد. در سال ۱۳۲۲ برای ادامه تحصیل به

مدرسه معصومیه رفت و شروع به تحصیل علوم دینی نمود. در سال ۱۳۳۲ به قم عزیمت کرد و سطوح عالی علوم اسلامی را در محضر آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی ادامه داد. یک سال بعد در سال ۱۳۳۳ دیپلم نظام قدیم را به صورت متفرقه امتحان داد. در سال ۱۳۳۶ مجله و سالنامه و فصلنامه «مکتب تشیع» را تأسیس کرد. در تهران به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و موفق به اخذ لیسانس الهیات شد و پس از آن فوق لیسانس امور تربیتی شد. سپس در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و در این رشته نیز موفق شد و به اخذ مدرک دکتری نائل آمد.

حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر در مدت اقامت خود در کرمان با روزنامه «هدایت افکار» همکاری داشت و در شماره‌ی نوزده سال دوم به تاریخ شنبه ششم شهریور ۱۳۳۲ (برابر با هیجدهم ذیحجه ۱۳۷۲ ق.) روزنامه‌ی مذکور مقاله‌ای با امضای (م.ج.باهنر) زیر عنوان «اجتماع عظیم و پرشکوه ملت مسلمان تشکیلات سالیانه و جهانی اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر در سال ۱۳۳۷ به سبب اعتراض به رسمیت شناختن اسرائیل توسط شاه در آبادان دستگیر شد.

حجت‌الاسلام باهنر از سال ۱۳۴۲ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و به تدریس پرداخت. ضمنا در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی همکاری نزدیک داشت و برنامه‌های دروس دینی تحت نظر ایشان انجام می‌گرفت. در این زمینه نیز جهت دروس دینی مسئولیت تألیف کتب درسی را به عهده گرفت و حدود سی جلد کتاب و جزوه به رشته تحریر درآورد و تألیف نمود. ایشان در تأسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی، کانون توحید و مدرسه رفاه نقش مؤثری داشت. در اسفند ۱۳۴۲ پس از ایراد سخنرانی‌هایی در مسجد هدایت و مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد به مناسبت سالگرد حادثه‌ی فیضیه‌ی قم، دستگیر و چهار ماه زندانی شد. در سال ۱۳۵۰ ممنوع‌المنبر شد. از این زمان به بعد تا انقلاب اسلامی، وی چندین بار دستگیر شد. وی در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (ره) مأمور تنظیم اعتصابات با همکاری دکتر عزت‌الله سحابی و مهندس علی‌اکبر معین‌فر شد و همراه با آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی حزب جمهوری اسلامی را بنیاد نهاد و در همان سال به فرمان امام خمینی (ره) به عضویت شواری انقلاب اسلامی درآمد. سپس به نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان انتخاب شد. پس از آن نماینده شورای انقلاب در وزارت آموزش و پروش گردید. همچنین عضو شورای تنظیم مدارس بود و مدتی هم مسئولیت نهضت سوادآموزی را به عهده داشت، آنگاه از طرف مردم تهران به اولین مجلس شورای اسلامی راه یافت. اما از آنجا که در کابینه‌ی رجایی مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت، از نمایندگی مجلس شورای اسلامی استعفا داد. پس از فاجعه بمب گزاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ به دبیر کلی حزب انتخاب شد. در چهاردهم مرداد همان سال به نخست وزیری رسید و بعدازظهر هشتم شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب در دفتر نخست وزیری به شهادت رسید.

از آثار ایشان است: یادگار یک سفر (مجموعه سخنرانی)؛ بایدها و نبایدهای انقلاب، نقش قیامتی انقلاب اسلامی؛ چهار گفتار از دو شهید (با گفتارهایی از آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ فروغ اندیشه (مجموعه سخنرانی و مصاحبه‌ها)؛ انقلاب فرهنگی (سخنرانی)؛ اندیشه‌های شهید باهنر (سخنرانی)؛ سخنی درباره خداشناسی؛ مقالات از دوران خفقان؛ تعلیم قرآن مجید (با مشارکت آیت‌الله سید رضا برقعی) ؛ اصول دین و احکام برای خانواده (با مشارکت آیت‌الله برقعی) جهان بینی اسلامی (با مشارکت آیت‌الله برقعی) دین و دانش (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ شناخت اسلامی (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ معارف اسلامی (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ اسلام مذهب رسمی ما (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ گفتارهای تربیتی (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ انسان و خودسازی (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ موضع ما در ولایت و رهبری (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ خداشناسی (با مشارکت آیت‌الله برقعی و علی گلزاده‌ی غفوری).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بتولی رشتی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب بتولی رشتی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در حدود ۱۳۳۴ قمری در رشت متولد و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را در خدمت آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی و دیگران به پایان رسانیده و در دروس خارج از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده و بهره کافی برده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین و تجار و اصناف گیلانی و غیره مقیم تهران در اوائل ۱۳۷۰ قمری عزیمت به تهران نموده و در عاصمه تشیع رحل اقامت افکنده و در مسجد خیابان سیروس نزدیک سرچشمه به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای بتولی عالمی عامل و فاضلی کامل و مروجی شایسته است و بیش از سی سالست که وی را می‌شناسم جز پاکی و پرهیزکاری و علم و حلم چیزی از او ندیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بجستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد ابراهیم بجستانی خراسانی از علماء متعصب و مجاهد معاصر تهران است که بعلم و تقوا موصوف می‌باشد. وی در سال ۱۳۸۵ شمسی هجری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات، سطوح را نزد آقای آقا شیخ عظیمی خوانده و در درس خارج آیهٔ‌اللّٰه العظمی آقای حاج حسین قمی و آیهٔ‌اللّٰه آقا زاده کفائی و آقای حاج میرزا احمد کفائی فقها و اصولا شرکت کرده و از محضرشان استفاده کافی و وافی برده و معارف الهی را هم از اسناد الاساتید آیهٔ‌اللّٰه عالم ربانی مرحوم حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند شده تا سال هزار و سیصد و چهل و یک شمسی هجری که اجبارا از مشهد منتقل به تهران و بعد از آن ابتلائات فراوان رحل اقامت باین شهرستان انداخته و در خیابان شهباز جنوبی با منطقی پر شور و حرارت به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته و در مسجد رضوان اقامه جماعت و تنویر افکار می‌نماید. آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم. ۱- توسعه مسجد رضوان ۲- سبائک الذهب ۳- کشکول مخلاه ۴- انموذج اخلاق الرسول و آل.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی از علماء مبرز و مروجین ممتاز معاصر تهران بودند، وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه از محضر آیات عظام تهران و نجف اشرف استفاده نموده و در مسجد فخریه (خیابان امیریه) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در هیئت بنی فاطمه مردم را بمواعظ حسنه و بیانات رشیقه و متقنه‌ی خود مستفیض نموده تا در سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه بن موسی و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهماالسلام مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: بحرالعلوم شهرت و لقب جماعتی از علماء مبرز نجف و تهران و رشت و قزوین و غیره می‌باشد. و اشهر مشاهیر آنان مرحوم آیهٔاللَّه العظمی و العلامه الکبری حاج سید مهدی بحر العلوم بروجردی طاب اللّه ثراه عم گرام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی که از متشرفین مسلم بودند و کرارا بشرف لقاء مولای ما حضرت ولی اللّه اعظم صاحب الزمان عجل اللَّه فرجه الشریف مفتخر شده و قضایای آن در دار السلام عراقی و نجم الثاقب و منتهی الامال و کتب دیگر مسطور است.

از دانشمندان دیگری که باین لقب شهرت گرفته‌اند مرحوم علامه سید مهدی بحرالعلوم قزوینی بودند. وی نیز از علماء معاصر گذشته تهران بودند و با مرحوم حاج سید محمد باقر بحرالعلوم مذکور و حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالفضل خراسانی رحمه‌اللَّه و عده دیگری از علماء اتقیاء مراوده داشتند دارای علوم ظاهری و معنوی و مکاشفات و مقامات باطنی و حافظ قرآن و طرائف و نوادری بودند و با مؤمنین از جن رابطه داشتند. بعد از ۱۳۷۰ قمری در تهران از دنیا رفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون شدند.

و دیگر از معروفین باین لقب مرحوم حاج بحرالعلوم رشتی برادر ثقهٔالاسلام و حاج شریعتمدار رشتی بودند. و آنها از گیلان و سالها مقیم اعتاب عالیات و در اواخر در تهران اقامت و از دنیا رفتند.

و دیگر از معروفین باین هویت آیت‌اللَّه حاج سید حسن بحرالعلوم رشتی معاصر است که ترجمه‌اش در ضمن علماء رشت خواهد آمد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم کرمانی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد تقی بحرالعلوم کرمانی عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار است در کرمان متولد شده و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و ادبیات بقم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام حوزه و مدرسین بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه رسیده آنگاه برای تبلیغ به بندرشاه آمده و اهالی محترم بندر ویرا علما و عملا و خلقا پسندیده برای اقامت آنجناب اقداماتی نموده از جمله بحضرت آیه‌الله العظمی بروجردی ره نامه نوشته و از حسن عمل و خدمات معظم‌له تقدیر و تقاضای اقامت او را نمودند آیه‌الله مرحوم بایشان امر فرمودند که دعوت مردم را اجابت کنند پس ایشان پذیرفته و اکنون بالغ بر بیست سالست که در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند و چون در آن حدود ترکمان که اغلب سنی حنفی و یا شافعی هستند حسن عمل و خدمات و اخلاق حمیده او را دیدند بسیار بایشان گرویده و از مذهب پدرانه خود دست کشیده‌اند.

نگارنده گوید آقای بحرالعلوم از اصدقاء و دوستان نزدیک حقیر است دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و میهمان دوست و

رفیق میباشند. از سالیکه به بندرشاه مهاجرت نموده‌اند تاکنون خدمات بزرگی انجام داده و بین برادران تسنن آن حدود و شیعیان التیام داده و دوستی و رفت و آمد برقرار کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرانی، ابوالحسن سلیمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۲۱ -۱۰۷۵ ق)، فقیه، محقق، محدث، خطیب و شاعر امامی. معروف به محقق بحرانی. در ماحوز بحرین به دنیا آمد. در هفت سالگی «قرآن» را حفظ کرد. او در محضر درس علمای بحرین حاضر شد. شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی و شیخ سلیمان بن علی شاخوری و شیخ صالح بن عبدالکریم در تکوین حیات علمی وی نقش بسزایی داشتند. وی از شاگردان علامه مجلسی بود و از او و دیگر علمای معاصرش همچون علامه سید هاشم بحرانی، صاحب «البرهان فی تفسیر القرآن» و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید محمد بن ماجد بحرانی ماحوزی حدیث نقل کرده است. او در حفظ و دقت و سرعت انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش مرجع استفاده‌ی دانشمندان بود. ابوالحسن در روز جمعه نیز بعد از نماز، صحیفه‌ی سجادیه را تدریس می‌کرد. شیخ عبدالله بن حاج صالح سماهیجی و شیخ احمد بحرانی پدر صاحب «حدائق» از شاگردان وی بودند. در دونج، یکی از روستاهای ماحوز درگذشت و در مقبره‌ی شیخ میثم، جد ابن‌میثم، شارح نهج‌البلاغه، دفن شد. وی متجاوز از شصت تألیف دارد که از آن جمله: «بلغهٔ» یا «بلغهٔ المحدثین»، در رجال؛ «جواهر البحرین»، تاریخ علمای بحرین؛ حاشیه «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ حاشیه «خلاصهٔ الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «مشرق الشمسین» شیخ بهائی؛ «سر المکتوم فی حکمهٔ تعلم علم النجوم»؛ «الشفاء فی الحکمهٔ النظریه»؛ «معراج اهل الکمال الی معرفهٔ الرجال» یا «المعراج»، در شرح «الفهرست» شیخ طوسی؛ «هدایهٔ القاصدین الی عقائدالدین»؛ شرح «الباب الحادی عشر»؛ «النکت البدیعهٔ فی فرق الشیعهٔ»؛ «اربعون حدیثا فی الامامهٔ من طرق العامهٔ»؛ کشکول «ازهار الریاض»، در ادب، در سه جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۱/۳)، اعیان الشیعه (۳۰۷ -۳۰۲ /۷)، ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۷۶، ۶۶۹، ۶۱۶، ۱۹۱، ۷۱، ۱۲ /۲، ۱۵۹، ۱۱۰، ۱۰۴، ۶۶ /۱)، تلامذهٔ العلامهٔ المجلسی (۲۹ -۲۸)، الذریعه (۳۳/۲۵، ۴۶۶/۹، ۱۸۲ -۱۸۱ /۵، ۱۷۴/۴، ۱۴۸، ۱۴۷ -۱۴۶ /۳)، روضات الجنات (۲۲ -۱۷ /۴)، ریحانه (۲۳۸ -۲۳۷ /۵، ۲۳۱/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ سلیمان)، معجم المؤلفین (۲۶۷/۴)، هدیهٔ العارفین (۴۰۴- ۴۰۵ /۱).

بحری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بحری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری(طیبّی) فرزند محرم علی بحری(طیبّی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالك و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعهٔ الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بحری، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بحری بیناباج

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسن بحری بینا باج در سال ۱۳۲۱هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر قائنات دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال های خفقان و در سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای

ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میلانی و حجت الاسلام والمسلمین نیشابوری بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و دانشگاه آزاد تربت جام، مشغول می باشد.

بختیاری، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بختیاری

محل تولد : تاکستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک‌سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.

سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع ـ محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال ۱۳۶۹ ـ ۱۳۷۰ در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این‌جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

براتی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی براتی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارده حوزه شدم حدود ۱۲ سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به ۱۵ سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.

مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، داشنجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود.بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم.در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستنها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

برارپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برارپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم ، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال ۷۵ در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه ۶ به اتمام رساندم و در سال ۸۰ به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های ۷ و ۸ و در مدرسه علمیه قدیری پایه های ۹ و ۱۰ را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه

قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیپ ۸۳ امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

براری گاوزنی، عبدالحق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحق براری گاوزنی

محل تولد : رود بست

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجهٔ السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشاندیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر ۲۵ کربلا پیش رفته بود و در کربلای ۱۰ در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می گذراندم.

یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی(ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایهٔ و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود ۶ سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی(ره) استفاده

کردیم.روزها ساعت ۱۱ حدود ۵ سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد ـ فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می کردیم ـ حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.

متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد.سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذراندیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم.سال ۷۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال ۷۶ کارشناسی را تمام نمودم.در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم.بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود ۳ کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم.با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)

در سال ۱۳۸۰ در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام(ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم.الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

بربا، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد بربا

محل تولد : تویسرکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی محمد بربا در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان تویسرکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر او را راهی قم گردانید.

و در سال ۱۳۵۵ که سال های اوج خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله محقق داماد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد از سال ۱۳۶۶ تا کنون به امر تدریس در دانشگاه پیام نور تویسرکان و دانشگاه آزاد اسلامی تویسرگان مشغول می باشد که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. علاوه بر این وی به مدت ۱۰ سال بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان تکیه زده بود که در این مدت خدمات ارزنده ای به دانشجویان آن دانشگاه ارائه کرد. در ضمن استاد گرانقدر آقای بربا هیچ وقت از نگارش و پژوهش غافل نمانده و آثاری از قبیل" نقش استاد در سلوك روح الله"،"نقد نظری ترایون " و" عرفان و اهل بیت (ع")را به رشته تحریر در آورده است.

برجی، یعقوب علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب علی برجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ وارد حوزه علمیه" فضل ابن شاذان "نیشابور شدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حوزه فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه مشهد هجرت نموده و کتابهای«الرسائل» شیخ اعظم انصاری و کتاب «المکاسب» و نیز«کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال ۱۳۶۱ به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضرت معصومه(س)سکنی گزیدم. پایه های درسی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان«عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال(سال ۶۲) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه ۹ را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسی، خارج فقه حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی

و خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی را انتخاب نموده و تا سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۳ سال از محضر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم.«نهایهٔ الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی، «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضر استاد انصاری شیرازی و«الاشارات و التنبیهات» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضر استاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی ۷۰- ۶۹ در کنکور تربیت مدرس قم(دار الشفاء)شرکت نموده و قبول شدم و سال ۷۲ موفق به اخذ کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) با معدل ۵۱/۱۸ شده و در تاریخ ۲۰/۷/۷۲ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بدعت و دیدگاهای مختلف درباره آن» را در محضر دکتر محمد باقر حجتی(استاد راهنما)،حضرت آیت الله معرفت(ره)(استاد مشاور)، جناب دکتر بهشتی(ناظر)و جمعی دیگر از اساتید دفاع نموده و با نمره نوزده(۱۹)از ۲۰ و درجه عالی از آن مرکز فارغ التحصیل گردیدم و در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ در کنکور دکترای گرایش فقه و اصول دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کرده و قبول شدم و در این دانشگاه از محضر اساتید نام آوری همچون حضرت آیت الله مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره ها برده و در تاریخ ۲/۴/۸۰ رساله دکتری را با عنوان«سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضر آیت الله باقری کنی(استاد راهنما)، آیت الله مهدوی کنی(استاد مشاور)،مصباحی، مرعشی(اساتید داور)و جمعی دیگر از اساتید و بعضی از مسؤولان دانشگاه و تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره ۹۶ و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برزگر فاضلی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر برزگر فاضلی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب اصغر برزگر فاضلی در سال ۱۳۶۱پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب)وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهرستان نور شدم و پس از گذراندن پایه اول ودوم در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۹موفق به اتمام پایه ۹و سطح سه حوزه شدم که در این دوران علاوه بر گذراندن دروس اصلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسفه بدایه ونهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .

از سال ۱۳۷۰دروس خارج فقه واصول حوزه را شروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسفه اسفار، شرح اشارات ، بخشهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال ۱۳۷۴در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال ۱۳۷۷موفق به اخذ پایان نامه آن شدم و در طی سالهای ۸۲تا ۸۴در دانشگاههای کرج و اراک دروس معارف اسلامی را تدریس نمودم .

برزگر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی برزگر بفروئی

محل تولد : میبد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی برزگر بفروئی در سن بیست و هشت سالگی رسماً مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه اردکان یزد گردیدم و تا سال ۵۶ در آنجا مشغول بودم در سال ۵۷ موفق به سکنی در قم گردیدم و از اساتیدی مانند آقایان اعتمادی، ستوده، وزیری ، محقق ، آیات عظام سبحانی، تبریزی، وحید خراسانی بهره علمی بردم و در ضمن تحصیل به تحققات در بحارالانوار و کتابهای مربوط به سیره اهل بیت مدت ۹ سال سپری کردم و نیز در دانشگاه جنوب تهران مدت کوتاهی مشغول تدریس علوم اخلاق و معارف بودم که بعلت مشکلی که در تنفس داشتم از ادامه آن محروم گردیدم.

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۸/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۴/۲).

برقعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهرت سلسله‌ای از سادات رضویست که منسوب به جناب موسی المبرقع بن الامام ابی‌جعفر محمد التقی علیه‌السلامند که قبرش در بلده طیبه قم در محل چهل اختران زیارتگاه عالی و دانی و از امامزاده‌گان مسلم و بلافصل مدفون در قم می‌باشد شرح احوال آن جناب و آمدنش از مدینه به سامره و از آنجا به قم در کتب تواریخ و انساب مذکور است و چون آن بزرگوار در موقع ورودش به قم برقعی به روی مبارک انداخته بود از آنجا شهرت به مبرقع و اولاد او را برقعی خواندند و اکنون اکثر سادات قم منسوب به وی و به این لقب و یا رضوی و مبرقع و غیره معروف می‌باشند و عده‌ای از آنها هم به تهران و سایر نقاط منتقل و ساکن گردیده‌اند.

یکی از معاریف این سلسله در عصر ما مرحوم مبرور آیت‌الله حاج میرزا سید حسین برقعی بودند که در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند وی سومین فرزند مرحوم آیت‌الله آقاسید عبدالله قمی است که ترجمه‌اش در جلد اول با ترجمه برادر ارجمندش آیت‌الله آقا سید محمد بن عبدالله برقعی گذشت. معظم‌له در سال ۱۳۰۶ در قم متولد شده و مقدمات و سطوح را نزد اساتید قم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر دیده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید معروف مانند مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده و پس از آن مراجعت به وطن خود کرده و سالها از محضر و درس آیت‌الله حایری و بعد از ورود آیت‌الله بروجردی چند سال هم از محضر آن مرحوم استفاده و در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند و هم تدریس فقه و اصول می‌نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقعی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید مرتضی بن السید العلام السید عیسی (صدرالواعظین قمی) از وعاظ نامی و خطباء گرامی حوزه علمیه قم و واعظ مخصوص حسینیه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهر قم متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات ادبیات و سطوح اولیه و نهائی را از مرحوم علامه حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم سه‌دهی اصفهانی و آقاشیخ ابوالحسن فقیهی پائین شهری در مدرسه جانی خان و حضرت آیت‌الله العظمی نجفی فراگرفته و از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری استفاده کرده و هم چند سالی در درس آیت‌الله العظمی بروجردی ره شرکت نموده و معقول را هم در خدمت حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله امام خمینی... و آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای خوانده و حدود دو سال هم از دروس طب آقای دکتر علوی که در زمان مرحوم آیت‌الله حایری می‌گفتند استفاده نموده و از علم معرفت الاعضاء (فیزیولوژی) برخوردار شده و در امتحانات شرکت نموده و با تصدیق قبولی مفتخر و از سنین پانزده سالگی به منبر رفته و

تاکنون که شصت و یکسال از سن شریف وی می‌گذرد به این پست حساس اشتغال دارد.

مولف گوید: از خصایص ایشانست که نیاکان و اجدادش تا معصوم همه از اشراف و علماء و گویندگان نامی بوده‌اند و مانند سادات دیگر برقعی قم از احفاد امامزاده عظیم‌الشأن حضرت موسی مبرقع فرزن امام همام حضرت ابی‌جعفر محمد بن علی التقی علیهماالسلام می‌باشند که قبر شریفش در محله چهل اختران قم مزار معروف می‌باشد.

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- اسرار الصلوه ۲- تفسیر سوره یس ۳- تفسیر سوره والنجم ۴- تفسیر سوره الضحی و معوذتین ۵- گنجینه اسرار ۶- معدن الابرار ۷- مخزن المصائب ۸- صحیفه الابرار و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برکت، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد برکت

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد سال ۱۳۶۲ در همان سال وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه امام عصر (عج) مشغول به تحصیل شدم . این مدرسه توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ مجد الدین محلاتی در سال ۱۳۵۲ شمسی بنا شده است. پس از گذراندن دوره سطح در نزد اساتید حوزه علمیه شیراز، مرحوم حجهٔ الاسلام محمود مدرس تبریزی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین سید احمد آیت اللهی، مرحوم آیت الله محمد علی جعفری، حضرت آیت الله حسن پاکدل، حضرت آیت الله ملك حسینی و مرحوم آیت حاج شیخ محمد الدین محلاتی، در سال ۱۳۷۱ بمدت هفت سال در درس خارج آیت الله مجد الدین محلاتی شرکت نمودم.

در سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ به قم رفته و در درس استاد اعتمادی و استاد سید علی محقق داماد شرکت نمودم و همانجا بود که با راهنمائی های استاد علامه سید محمد رضا جلالی حسینی ، کار در دحوزه میراث مکتوب را آغاز نمودم.از سال ۱۳۷۴ تاکنون در مدارس مختلف شیراز مشغول به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه می باشم.از سال ۱۳۶۵ مدیریت کتابخانه مدرسه امام عصر (عج) را بعهده دارم. این کتابخانه اکنون با بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی که عمده آنها از کتب مرجع در حوزه علوم دینی و معارف اسلامی است و هزار جلد نسخه خطی ، یکی از کتابخانه های معتبر جنوب کشور است که مورد استفاده طلاب و دانشجویان می باشد.

از سال ۱۳۷۷ توفیق امامت جماعت مسجد حضرت ولی عصر (عج) نصیبم گشته است و از سال ۱۳۷۹ مدیریت مدرسه علمیه امام عصر (عج) بر عهده اینجانب قرار داده شده است امید به امام زمان سلام الله علیه که موفق به خدمت باشد. ان شاء الله.

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۱ -۹۲۹/۹۲۶ ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایة فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال ۹۶۷ ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال ۹۷۲ به پایان رسانیده؛ «رسالة فی عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال ۹۷۱ ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایة المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایة» صدر الشریعه ثانی. «دامغة المبتدعین و کاشفة بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ایضاح المکنون (۴۴۲/۱) تاریخ نظم و نثر (۳۹۵)، الذریعه (۱۲۵/۵)، کشف الظنون (۲۰۲۲ -۲۰۲۰، ۱۵۰۰، ۱۲۴۶، ۱۰۷۴، ۵۹۲، ۲۱۵ -۲۱۴، ۱۸۴ -۱۸۳، ۱۱۷، ۱۰۹، ۵۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ -۱۲۳ /۹)، هدیة العارفین (۲۵۲/۲).

برنجکار، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا برنجکار

محل تولد : آستارا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا برنجکار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۶۰ با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت.

همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید.

وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

بروجردی، ابوالمجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا ابوالمجد بروجردی از علماء قم و حوزه علمیه و ائمه جماعت این شهرستانست تولدش در بروجرد واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات هجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و سالهای آخر عمر مرحوم حایری را درک و از محضر پرفیض آن مرحوم استفاده و هم بعد از ایشان به درس آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر و از موقع ورود آیت‌الله بروجردی هم تا آخر عمر آن جناب حاضر درس معظم‌له شده و در پائین شهر قم به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج دین اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا مولانا فرزند ملا-علی‌اکبر بروجردی از افاضل اهل منبر و محدثین معاصر مقیم قم می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شهرستان بروجرد به دنیا آمده و خواندن و نوشتن و مقداری از مقدمات عربی را نزد والدش فراگرفته است، و سپس سطوح ادبیات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را از اساتید فنون یاد شده چون مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محسن شریعتمداری و مرحوم حجهٔالاسلام میرزا لطف‌اللّٰه و مرحوم حجهٔالاسلام حاج سیدعبدالحسین خندانی و حجهٔالاسلام حاج شیخ علی محمد خرم‌آبادی و حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد غروی و حجهٔالاسلام حاج شیخ علی جواهری و حدود هیجده سال تقریبا از محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و چند سالی در فصل تابستان از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید علی بهبهانی و رامهرمزی بهره‌مند شده و از خرمن آنان خوشه‌ها که بلکه دسته‌ها برداشته است.

اما آثار آقای مولانا

۱- تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌البیت از طریق منبر که بسیار جالب و موثر در قلوب شنوندگان است.

۲- درسهائی از توحید که دروسی است که در مدرسه ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف در بروجرد برای طلاب القاء شده است.

۳- تعلیقات بر کتاب صراط المستقیم که مقدمه‌ای است بر تفسیر قرآن تألیف آیت‌اللّٰه سید حسین بروجردی صاحب کتاب نخبه‌المقال که در مصر چاپ شده و از طرف جامع‌الازهر ممنوع الانتشار شد ولی در تهران به وسیله آقای صدرالسادات دزفولی جلد اول آن به طبع و نشر رسید.

۴- تعلیقات بر کتاب یاد شده بر جلد اول و دوم و سوم که در بیروت به طبع رسید.

۵- الخاتم لوصی الخاتم تحقیق و تفسیر آیه الولایه که در بیروت به طبع رسیده است.

۶- تذییل و تخریج الطالب فی شرح المکاسب تألیف آیت‌اللّه اردکانی که در بیروت چاپ شده است.

۷- تاریخ بروجرد از نظر جغرافیا و حکام و حوادث جلد اول در قم چاپ شد.

۸- تاریخ بروجرد جلد دوم- دانشمندان از قرن چهارم تا چهاردهم که در قم چاپ شده است.

۹- تحقیق و تخریج کتاب شریف عبقات‌الانوار تألیف میرحامد حسین هندی که ده جلد آن در قم به طبع رسیده است.

آثار مخطوط که در آستانه طبع می‌باشد

۱- جلد سوم تاریخ بروجرد دانشمندان و شاعران

۲- تعلیقات بر کتاب بحرانی که جلد اول در بیروت در آستانه طبع است.

۳- تنظیم و تخریج تقریرات مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در کفایه‌الاصول که در قم آماده طبع است.

۴- المنظومه الفارسیه فی تفسیر القرآن الکریم فی بحر الهرج المسدس المحذوف .

۵- المنظومه العربیه فی فقه اللمعه الدمشقیه

۶- فهرس الاسماء و الالقاب والکنی

۷- المواعظ و الخطب بالفارسیه چندین جلد

۸- کشکول

۹- دائر المعارف باللغه العربیه در مجلدات بسیاری.

۱۰- الاوائل بنهج جدید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

بروجردی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آیت‌الله‌زاده معظم آقای آقا سیدمحمد حسن بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج آقا حسین البروجردی طباطبائی از علماء حوزه فرزند برومند زعیم اعظم است که ترجمه وی را در دو کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی آقای دوانی و آقای علوی ذکر کرده‌اند خلاصه آن این است که وی در سال ۱۳۴۶ ق در شهرستان بروجرد متولد شده و در تحت تربیت و مراقبت آن پدر بزرگوار تربیت یافته و به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و از درس و بحث والد خود بهره‌های کافی برده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد اعظم که جای چندین جماعت است منحصرا به امامت اشتغال دارد و نیز تدریس هم می‌نمایند تکمیل مسجد اعظم هم در عهد تولیت و سرپرستی ایشان به کمک مردم و بعضی از مبادی عالیه گردیده و هنوز هم کاشیکاریهای قسمتی از آن باقیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل و فاضل نبیل مروج الاثار و معظم شعایر الله آقای حاج شیخ هادی بروجردی از فضلاء و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم آیت‌الله خونساری و بعد از ایشان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی است ولادتش در بروجرد واقع و پس از دیدن قسمتی از مقدمات و سطوح به قم مهاجرت و تکمیل سطوح نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و پس از آن مرحوم از آیات مذکوره استفاده نموده و در مسجد چهارمندان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و هم تدریس اشتغال دارد. مورد توجه مردم آن ناحیه و کلیه مراجع و زعماء حوزه علمیه است در تعظیم شعایر مذهبی و اقامه عزا در وفیات ائمه علیهم‌السلام و گرفتن جشن در موالیدشان بسیار ساعی و کوشامی‌باشد نصب پرچمهای الوان در اعیاد مذهبی و پرچمهای سیاه در ایام وفیات در خیابانهای ارم و چهارمندان و سایر نقاط شهر قم از آثار ایشانست ادام الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمّد شفیع. از علما و فضلا، و از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر اصفهانی و از معتمدین ایشان بوده، و بر حسب خواهش مردم حبیب آباد برخوار اصفهان و دستور استاد، بدانجا مهاجرت نموده و به امر ارشاد و هدایت و اقامه جماعت و منبر، روزگار می گذرانیده.

سرانجام روز ۳ شنبه ۹ شوّال سال ۱۳۲۱ قمری در بروجن مولد خود وفات یافته، همانجا مدفون شد.

وی را دو فرزند دانشمند است:

یکی: ملاّ ابوالقاسم و دیگری: ملا محمّد شفیع، از شاگردان آقا نجفی و دیگران در اصفهان بوده، هر دو برادر در عنفوان جوانی در ایّام حج در سال ۱۳۱۹ در مکّه معظّمه وفات یافتند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

برهان دیانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن ثقةالاسلام و فخرالخطباء الاعلام میرزا ابوالحسن واعظ تنکابنی معروف به (برهان دیانی) از علماء و وعاظ گذشته رامسر بوده‌اند وی در سال ۱۳۱۹ قمری در آخوند محله رامسر متولد شده و مقدمات و سطوح را تا رسائل و مکاسب در مدرسه علمیه نارنج بن رامسر نزد مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ حسین غریب (والد دانشمند گرامی آقای عبدالوهاب فرید مقیم تهران) که از فحول علماء و متنفذین علمی منطقه تنکابن بوده و نیز مرحوم آقا شیخ عبداللّٰه مدرس آخوند محله رامسر تلمذ کرده و آنگاه برای تکمیل مبانی علمی به قزوین و تهران مسافرت کرده و در تهران از مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمد تنکابنی صاحب (حاشیه کفایه)

استفاده نموده و سپس به قم مهاجرت و از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و دیگران بهره‌مند شده و پس از آن به نجف و از آنجا به شیراز و کرمان و بندرعباس و میناب و بم و رفسنجان برای تبلیغ دین و ترویج احکام مسافرتها نموده و در پایان عمر در سیرجان کرمان اقامت و متصدی دفتر ثبت اسناد گردیده و ضمناً در مواقع خود از راه منبر هم خدمت می‌نموده است.

دارای خط زیبا و نطق شیوا و ذوق سرشار و صوت خوشی بودند.

از آثار ایشانست رساله‌ای به نام اسرار دائمه قرآن که مقدمه آن را برادر ارجمند ایشان جناب آقای حاج شیخ محمدرضا برهان نوشته و بطبع رسانیده‌اند

آن مرحوم در سن ۷۱ سالگی در تاریخ ۴۹/۲/۱۷ شمسی برابر ربیع‌الاول سال ۱۳۹۰ قمری به عارضه سکته قلبی در سیرجان فوت نمودند از منسوبین ایشانست آقای دکتر کریمی‌نژاد مقیم تهران که از اطباء معروف خیابان خیام می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

برهان قزوینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی در سال ۱۳۰۶ ، در قریه « آغبلاق قاقازان » ، دیده به جهان گشود. او برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. و پس از شش سال تحصیل در این شهر ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصیلات دینی خود را تکمیل کرد. سید ابوالقاسم پس از رسیدن به مرتبه کمال علمی ، در منبر و محراب به کار ترویج دین کوشید. او به اخبار ، حکایات و روایات ، احادیث ، و قصه های قرآنی آشنایی و احاطه کامل دارد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : حاج سید صالح ، پدرسید ابوالقاسم برهان قزوینی ، فرزند سید حسین نورینی ابهری ، و او پسر میر مفید پسر میرزا آقا ، پسر حاج مرتضی خندابی فرزند آقا حیدر خندابی می باشد. سرسلسله این خاندان آقا میر خضر ، مدفون در قریه خنداب ، از توابع ضیاء آباد است که میر خضر نسبش به فرزندان امام چهارم ، حضرت زین العابدین (ع) می رسد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید ابوالقاسم برهان قزوینی فرزند سید صالح ، معروف به حاج سید آقا برهان ، در قریه « آغبلاق قاقازان » از مادری نیک نام و بزرگوار ، دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید ابوالقاسم برهان قزوینی پس از فراگیری علوم جدید تا ششم ابتدایی ، به مدت شش سال دوره مقدماتی علوم دینی را نزد اساتید و علمای نامدار و بزرگوار قزوین آموخت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. وی پس از شش سال تحصیل در قم ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصیلات دینی خود را تکمیل کرد.استادان و مربیان : سید ابوالقاسم برهان قزوینی در حوزه علمیه قم محضر درس آیت الله العظمی مرعشی نجفی را درک نمود. وی پس از بازگشت از قم ، در حوزه علمیه قزوین ، از محضر آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی به حد کمال استفاده علمی و عرفانی برد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید ابوالقاسم برهان قزوینی پس از رسیدن به مرتبه کمال علمی ، در منبر و محراب به کار ترویج دین کوشید و علاوه بر اطراف قزوین ، در ابهر ، زنجان و قم به تشریح و تحکیم مواضع قرآنی و فرامین ربانی مشغول شد.آرا و گرایشهای خاص : حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی به اخبار ، حکایات و روایات ، احادیث ، و قصه های قرآنی آشنایی و احاطه کامل دارد.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

برهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمّد برهانی یکی از دامادهای گرامی مرحوم آیه‌الله حاج سید محمّد مهری (رحمه‌الله) از علماء فاضل و محقق معاصر آبادانست.

وی در یک خانواده اصیل متولد و پس از تحصیلات مقدماتی بنجف اشرف مشرف شده و دروس مقدماتی را در مدرسه (بزرگ آخوند) بپایان رسانید و دروس عالی مذهبی را از محضر زعیم اعظم و مرجع اعلی آیه‌الله العظمی آقای خوئی مدظله کسب فیض نموده است. و پس از پایان تحصیلات و بازگشت بایران در مدارس علمیه تهران بتدریس و تعلیم پرداخته و سپس بقم رفته و از طرف آیه‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله به مأموریت مذهبی عازم شهرهای مختلف جنوب شده و در آبادان اقامت نموده و تاکنون بخدمت دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.

دارای آثار خیر و تألیفات سودمندی میباشد که بآنها اشاره میشود.

۱- مسجد برهانی.

۲- کتابخانه عمومی امام صادق علیه‌السلام که دارای چهار هزار جلد کتابهای ارزنده میباشد.

۳- کتابخانه شخصی که بیش از دو هزار جلد کتاب نفیس دارند که مورد استفاده فضلا و دانشمندان است.

۴- دانش در اسلام ۷ مجلد که جلد اول آن منتشر شده است و جلد دوم انشاءالله منتشر خواهد شد.

۵- حقوق اجتماعی بشر و معارف سجادیه که علوم مندرج در صحیفه سجادیه‌ی را تشریح و تفسیر نموده است.

۶- تفسیر الرسول که از بهترین تألیفات معظم‌له است.

۷- التفسیر عند الشیعه که حاوی بیوگرافی مفسرین شیعه است.

۸- مسانید الرسول که احکام و اخلاق و علوم مستند از حضرت رسول صلی‌الله علیه وآله را جمع‌آوری نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

برهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن مرحوم ثقهٔالاسلام والمحدثین حاج میرزا ابوالحسن واعظ شهیر تنکابن از علماء معاصر رامسر می‌باشد.

وی در حدود ۱۳۲۶ قمری در آخوند محله تنکابن به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در عصر مرحوم آیت‌اللَّه حائری به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه مانند مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی و آقا شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه گلپایگانی و حکمت را از مرحوم آیت‌اللَّه ترابی دامغانی و آیت‌اللَّه شاه‌آبادی و آیت‌اللَّه امام خمینی و آیت‌اللَّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای آموخته و پس از آن به درس خارج آیات عظام گذشته مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و خوانساری و صدر و فیض قمی و نیز مراجع حاضر شرکت نموده و از خرمن علوم آنان استفاده‌ها برده است اکنون در

رامسر رحل اقامت افکنده و در مسجد نارنج رامسر رحل اقامت افکنده و در مسجد نارنج بن ولیاسر به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند.

معظم له دارای فرزند فاضلی به نام مرحوم آقا جلال‌الدین برهانی بودند از فضلاء حوزه علمیه قم محسوب و در سن جوانی به عارضه قلبی در ماه جمادی‌الاولی ۱۳۶۹ قمری فوت و در قبرستان نو دفن شدند وی استعداد عجیبی داشت و در عنفوان شباب و بهار زندگی کتابی در اثبات امامی تألیف نمود ولی اجل محتوم بیش از این مهلتش نداد خداوند وی را با حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام محشور دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

برهانیان، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الحسین برهانیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ دوره ابتدائی رادر سعدی شیراز دوره راهنمای در مدرسه ابوذر غفاری و دوره دبیرستان در دبیرستان ابوذر(شاهپور سابق) تحصیل سال ۱۳۶۲ در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۶۵ درجه کارشناسی(معارف اسلامی) و در سال ۱۳۶۹ درجه کارشناسی ارشد(فقه و حقوق) را گذراندم.کارهای پژوهشی خود را از نوشتن رسالهٔ کارشناسی ارشد با عنوان«زمان و مکان در اجتهاد» شروع کردم که در آن موقع تنها عنوان مصوب دراین زمینه بود و حدود یکسال و نیم کار تحقیق آن به طول انجامید.مهمترین پژوهش انیجانب کار ابتکاری آموزش ترجمه قرآن است که در واقع یک شیوهٔ جدیدی برای تعلیم ترجمه قرآن به روشی اصولی و با استفاده از آمار کلمات قرآن است که در نوع خود یک گام به جلو محسوب می شود که البته بعد از شروع این کار چند نفر نیز در ضمن انجام آن از کار اینجانب نوعی تقلید نودند آموزشی ترجمه قرآن بارها تجدید چاپ گردید اما چون کار اداری محسوب می گردید متاسفانه در بیرون نمود چندانی پیدا نکرد چند سال بعد با کمک یکی از دوستان بنام کلید های آموزشی ترجمه قرآن(همراه با اضافات و تغییرات عمده بیشتر گردید.و بعد از آن دوره آموزشی غیر حضوری آن نیز تدوین گردید عناوینی که موفق به کار تحقیق و تالیفی گردیده عبارتند از:

کتابها

۱- آموزش ترجمه قرآن، ۲ جلد، چاپ شده

۲- آموزش غیر حضوری ترجمه قرآن، ۱۲ دفتر، چاپ شده

۳- کلید های آموزش ترجمهٔ قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۴- دشمن شناسی در قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۵- بررسی سیاسی بیمه در اسلام(قسمت مبانی و فرهنگی و..)، چاپ شده

۶-احکام اقتصادی خانواده، چاپ شده

۷- تاریخ اسلام و ایران، چاپ شده

مقالات:

۱- عبرت گیری تاریخی از دیدگاه قرآن،چاپ شده

۲- تاثیر قرآن در دوحیه رزمندگان،چاپ شده

بزنجانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بزنجانی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

بستان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بستان

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اتمام دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۶۹ پس از اتمام دوره های مقدمات و سطح به درس خارج راه یافتم. سهم بیشتری از اشتغالات حوزوی اینجانب به فقه اختصاص یافته است و حضور بیش از چهارده سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی و حضور بیش از هفت سال در جلسه بحث فقهی حجت الاسلام و المسلمین گنجی عمده فعالیت های فقهی رسمی اینجانب بوده است. به میزان کمتری در درس خارج اصول به ویژه درس آیت الله وحید خراسانی و درس حجت الاسلام و المسلمین هادوی تهرانی حضور یافتم و در کنار این دروس طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ به مطالعه و مباحثه فلسفه(بدایه و نهایه الحکمه) اشتغال داشتم. به موازات دروس رسمی حوزه از سال ۱۳۷۲ تا کنون در رشته جامعه شناسی فعالیت

دارم. در بهمن سال ۱۳۷۱ به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که وابسته به سازمان سمت بود در آمدم. پس از گذراندن دوره آموزشی در سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیتهای پژوهشی نمودم که حاصل آن تا کنون تدوین پنج کتاب و بیش از پانزده مقاله در موضوعات جامعه شناسی خانواده، مطالعات زنان، فلسفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی دین است. همچنین در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه شناسی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شدم و ان شاء الله در آینده نزدیک در دوره تحصیلات تکمیلی(دکتری) در همین پژوهشگاه شرکت خواهم کرد

بشار

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۶۷ -۹۶ ق)، شاعر، خطیب و ادیب. ملقب به مرعث، چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد. در بصره نابینا متولد شد. اصلا از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی، خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله‌ی ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز دست و ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آنرا نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه‌ی وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بود بشار به کثرت آثار معروف بود به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵ -۲۴ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۲، ۱۹۱، ۲۴ -۲۳ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۲۹۵ -۲۸۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۲ -۸۷/۱۷۰ -۱۶۱)، تاریخ بغداد (۱۱۸ -۱۱۲ /۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۴۲)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۶۱ -۱۶۰)، الذریعه (۱۳۸ -۱۳۷ /۹)، ریحانه (۲۶۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۵/۱)، سیر النبلاء (۲۵ -۲۴ /۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۰)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، لسان المیزان (۲۸ -۲۷ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بشار)، معجم المؤلفین (۴۵ -۴۴ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۴۱ -۱۳۵ /۱۰)، وفیات الاعیان (۲۷۴ -۲۷۱ /۱).

بشارت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه

تولد: ۱۳۲۴، در دهاقان شهررضا.

شهادت: ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعه مدرسین حوزه‌ی علیمه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیته کهکیلویه و بویراحمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.

علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه را تنظیم نمود و همچنین در ترجمه بخشی از مجموعه ورام نیز سهم داشت.

حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بطحایی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم بطحائی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .

در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران – مجتمع آموزش عالی – در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بکائی جزی، محمّد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از بزرگان صاحب نام نیمه اوّل قرن سیزدهم هجری در قریه گز، مرحوم حکیم ملّا محمّد بکائی جزی بوده است که در سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۲۹۵ هجری قمری در مسجد جامع گز کلاس درس و اقامه جماعت داشته و قرآن خطی کتابت می‌نموده است. اهل منبر و خادم‌الحسین بوده و به روضه دیر راهب بسیار علاقمند بود. از شاگردان وی، مرحوم آخوند ملّاعبدالکریم گزی که در آن زمان به عنوان اقل‌الطلبه کتابت می‌نموده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکائی جزی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پس از پدر اقامه جماعت در مسجد گز داشته و کلاس درس حوزوی پدر را در همین محل اداره می‌نموده است. معلم به علوم جدید و قدیم بوده و مرحوم حیدرعلی خان برومند جزی در دوران طفولیت در سالهای ۱۳۳۵ هجری قمری به بعد مدتی از شاگردان مرحوم ملّا مهدی بکایی بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکتاش، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بکتاش

محل تولد : ساوجبلاغ

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اوائل دهه ۶۰ وارد حوزه علمیه شدم ابتدا دروس مقدماتی را در شهرستان کرج وتهران طی نمودم وبعد از آن به حوزه علمیه قم آمدم ودروس سطح را درحوزه علمیه قم گذراندم والان هم مشغول تحصیل در دروس خارج فقه واصول می باشم .البته همزمان با تحصیل در دروس سطح در حوزه علمیه قم دردانشگاه قم به تحصیل دررشته علوم سیاسی پرداختم ودر سال ۸۰کارشناسی را از آن دانشگاه دریافت کردم وبعد ازآن در همان رشته در دانشگاه علامه طباطبائی به ادامه تحصیل پرداختم واز دانشگاه علامه طباطبائی مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم .بنده طی تحصیل دردانشگاه دردروس خارج فقه واصول هم شرکت کردم ودردرسهای خارج فقه آیات عظام جوادی آملی ،فاضل لنکرانی وخارج اصول آقای شیخ صادق لاریجانی چند سالی شرکت کردم .

در خصوص فعالیتهای پژوهشی وآموزشی باید یادآورشوم که حدوداً بیش از سه سال است یعنی ازسال ۸۲ که بنده در دانشگاههای مختلف مشغول به تدریس هستم، ودرامر پژوهش حدود چهار سال است در گروه حقوق وسیاست مرکز مطالعات وپژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم فعّالیت دارم ومقالات متعدّدی به عنوان نقد ویا پاسخ به شبهات ودیگر مقالاتی که مربوط موضوعات روزمی باشد به نگارش درآورده ام

وهم اکنون هم دراین باره انجام وظیفه می کنم.

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نایین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۱۸ ش به خراسان رفت و دو سال بعد به تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۴۱ -۴۳۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۲ -۹۱)، سخنوران نامی معاصر (۵۴۹ - ۵۴۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۴ -۵۳۳ /۳).

بلخی، سید اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل بلخی سال ۱۲۹۵ ش . در قریه ((سرپل بلخاب)) در یک خانواده روحانی زاده شد. بلخاب سرزمینی است خوش آب و هوا و کوهستانی که در قسمت جنوبی استان مزار شریف و در مسیر رودخانه ((بلخ آب)) که از ((بامیان)) سرچشمه می گیرد قرار گرفته است . این خطه از دیرباز مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب در ترکستان زمین بوده و امروز پس از گذشت قرنها نام ستارگانش چشم و چراغ ملت مسلمان به حساب می آیند اینک نیم نگاهی به گذشته این دیار می اندازیم .

فرزانگان بلخاب

بلخاب تا قبل از ورود ((میر سید علی فرزند میر سید جلال الدین بخارایی)) شهرت چندانی نداشته ولی بعد از سال ۸۱۰ ق . با ورود این عالم زبردست و دانشمند نام و آوازه این دره گمنام از ((سمرقند)) تا ((هرات)) پیچید. بدین مناسبت کاروانهایی از عالمان و دولتمردان به قصد زیارت و دیدار این عارف وارسته وارد بلخاب شدند. تا جایی که ((شاهرخ)) به این شخصیت علاقه مند شد و چندین بار وی را از بلخاب به مرکز حکومت خراسان یعنی ((هرات)) دعوت نمود و دخترش را به عقد او درآورد. و در آخرین سفر میرسیدعلی در حالی که شاهرخ در ((شهر ری)) دار فانی را وداع گفته بود بر طبق وصیتش جنازه او را به هرات حمل نمودند و میرسیدعلی ولی بر او نماز خواند!

بلخاب از دیر زمان با حوزه های بزرگ شیعه در نجف ، مشهد و قم در تماس بوده و در دشوارترین ایام این قافله از حرکت نیفتاد. بر همین اساس است که مدارس و روحانیت بلخاب از سایر مناطق پیشگام است . و نسبت به سایر مناطق شیعه نشین افغانستان بیشترین طلاب از این منطقه بوده اند.

در این بخش بیش از سی هزار نفر شیعه مؤ من و غیرت مند زندگی می کنند و بیش از دهها حسینیه و مسجد وجود دارد و تا قبل از انقلاب بزرگترین پایگاه فرهنگی مردم شمال به حساب می آمد.

برخی از بزرگان بلخاب به قرار ذیل است :

بنایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بنائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین علی بنائی در سال ۱۳۳۸ در یکی از محله‌های قدیمی خیابان انقلاب (چهارمردان) قم، در خانواده‌ای اصیل و متدین دیده به جهان گشود. وی با سپری کردن دوره ابتدایی در مدرسه شایگان، تحصیلات خود را در دبیرستان امام صادق(ع) (حکیم نظامی) ادامه داد. او که رایحه تعالی بخش و مسؤولیت ساز حوزه علمیه قم را از نزدیک استشمام کرده بود، در یکی از مدارس نظام‌مند و موفق آن روزگار (مدرسه مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی(ره)) دروس طلبگی را آغاز نمود.

دروس سطح را تا پایان مکاسب و کفایه نزد استادان بزرگوار همچون حضرات آیات: موسوی تهرانی، قدیری، مؤمن، طاهری

خرم‌آبادی، اشتهاردی و محقق داماد(دامت تأییداتهم) و آیت‌اللّه ستوده فرا گرفت. ایشان در این مدت با چهره‌هایی چون آیت‌اللّه سید مهدی روحانی، آیت‌اللّه احمدی میانجی و آیت‌اللّه العظمی بهاءالدینی(ره) آشنا و مأنوس شد و از چشمه‌سار زلال عرفان و اخلاق آن ستارگان پرفروغ بهره گرفت. وی همچنین از درس‌های تفسیر آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه جوادی آملی(مدّ ظلّهما) استفاده‌های فراوان و شایان برد و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی(دامت برکاتهم) بهره‌مند شد.

بنیادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بنیادی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد بنیادی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مؤمن و مذهبی در شهر شهید پرور ملایر متولد شد. پس از طی مراحل ابتدائی و راهنمایی در سال های احتناق و خفقان ، سالهایی که رژیم شاهنشاهی روحانیت مبارز و مردم مؤمن و انقلابی را شدیدا در فشار قرار داده بود یعنی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه ملایر گردید. پس از آن جهت ادامه تحصیل به شهرستان دماوند از توابع تهران عزیمت کرد و در نهایت برای طی تحصیلات عالی به حوزه علمیه تهران رهسپار گردید. پس از ورود به تهران به حلقه درس خارج حضرات آیات فاضلیان و صفاری وارد شد و از خرمن درس آنان خوشه ها چید. نامبرده تا به امروز کتابهای زیادی تألیف کرده است.

بورونی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بورونی

محل تولد : اصفهان

شهرت : برونی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۶ در اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم پس از ۷ سال در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم رفتم و در دروس خارج تنی چند از ایات عظام شرکت کردم و همزمان مدرک سطح عالی زبان انگلیسی را از واحد زبان دفتر تبلیغات اسلامی قم دریافت کردم .در سال ۱۳۷۹ به اصفهان مراجعت نموده و نیز مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تهران مرکزی در رشته ادیان و عرفان دریافت کردم و هم اکنون در تلاش برای قبولی در امتحان دکترا می باشم . عضو هیئت علمی گروه ادیان پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی قم و نیز مدرس دروس ادیان و عرفان و مذاهب و مترجم و مدرس دروس انگلیسی در اصفهان هستم

بهاءالدینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۹ فروردین ۱۲۶۷ (عید غدیر خم ۱۳۲۷ ق.)، قم.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۷۶(۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.)، قم.

آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.

سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.

در اسفند ۱۳۷۵ سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر ۱۳۷۶ (سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهاری، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ -۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در روستای بهار در دو فرسنگی همدان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۶ ق به تهران آمد و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ باقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۱ ق به قم رفت و نزد آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول به پایان برد و معقول را در خدمت آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی فراگرفت و از محضر آیت‌اللَّه یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حجت استفاده کافی برد. در سال ۱۳۶۰ ق به تهران آمد و به ترویج دین و تفسیر قرآن و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم حمل و در جنب مقبره آیت‌اللَّه حایری دفن شد. از آثارش: شرح بر «بیع مکاسب» شیخ انصاری؛ شرح بر جلد اول «کفایة»؛ سه رساله در «لباس مشکوک».[۱]

حاج اسمعیل بن العالم الجلیل آقا شیخ محمد رضا بهاری از علماء مبرز تهران و تلامذه با فضل و تقوی مرحوم آیةاللَّه العظمی حایری و آیةاللَّه آقای حجت کوهکمری رحمهمااللَّه بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری در قریه بهار که در دو فرسخی همدان محل و زادگاه عالم ربانی و سالک سجادی حجةالاسلام و المسلمین آیةاللَّه آقا شیخ محمد بهاری صاحب کتاب (تذکره المتقین) که از اوتاد عصر خود بوده بدنیا آمد و در سال ۱۳۳۶ قمری عزیمت به تهران نموده و نزد آخوند ملا علی همدانی و شیخ محمدباقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی بتحصیل پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت علمین مرحومین آیةاللَّه خونساری و آیةاللَّه میرزا محمد همدانی سطوح نهائی فقه و اصول را بپایان رسانیده و هم معقول را در خدمت مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و از محضر مرحوم آیةاللَّه آقای میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیةاللَّه حایری و آیةاللَّه حجت و مخصوصا مرحوم آیةاللَّه العظمی حایری استفاده کافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری رحل اقامت به تهران افکنده و در مسجد بازار آهنگرها به اقامه جماعت و تفسیر کلام‌اللَّه و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در سال ۱۳۹۰ قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جنب مقبره آیةاللَّه حایری بخاک رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجة (۲۴۴ -۲۴۳ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۱ -۴۰۰ /۴).

بهاری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بهاری که از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در قم متولد شده و در کودکی با مرحوم والدش به تهران آمده و در آنجا نشو و نما و پرورش یافته و پس از تحصیلات جدیده بتحصیل علوم دین پرداخته و اولیات را نزد مرحوم

والدش و مدرسین دیگر تهران خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی نزد مدرسین عالی حوزه خوانده و از درس خارج آیـهٔاللّه العظمی بروجردی و پس از ایشـان آیـات ثلاـثه آقـای شـریعتمداری و آقـای مرعشـی نجفی و آیـهٔاللّه گلپایگـانی و دیگران اسـتفاده نموده و از خرمن علوم آنـان خوشه‌ها و توشه‌ها ذخیره کرده و پس از فوت مرحوم والـدش به تهران منتقل و بجای ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد و حقا برای مرحوم والدش (ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بهبهانی پور، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بهبهانی پور

محل تولد : عماره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ دیپلم تجربی گرفتم در سـال ۷۰ وارد حوزه علمیه شـدم در سال ۱۳۷۴ وارد مؤسـسه اما خمینی شدم . در سال ۱۳۸۰ پایـان نامه ام را در موضوع انـدیشه کلامی شـهید صـدر دفاع کردم. در سال ۷۸ کتـاب تنبیه الا‌مه و تنزیه امله اثر محقق نـائینی را به عربی ترجمه کردم . بـا مرکز مطالعات حوزه علمیه مـدتی در نوشـتن مقاله در زمینه دین پژوهی (کلام) همکاری داشـتم و سه مقاله نوشتم. حدود ۴ کتاب به عربی ترجمه کردم و ندین مقاله برای مجلات عربی به ویژه مجله التوحید ترجمه کردم.

هم اکنون در رشـته مدرسـی معارف اسـلامی (مبانی نظری اسـلام) در مقطع دکتری مشـغول به تحصـیل هستم البته در کنار تحصیل حوزوی در مقطع خارج فقه و اصول .

اساتید بنده در حوزه علمیه :

۱. استاد مددی.

۲. استاد کعبی.

۳. استاد احمد عابدی.

بهجت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولاـدت: آیت الله العظمی محمـد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دینـدار و تقوا پیشه، در شـهر مـذهبی فومن

واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.

درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه: پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶–۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:

« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »

تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.

بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :

تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.

بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:

« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »

آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهّر می‌خواند.

در سال ۱۳۵۲ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:

« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقا ضیاء عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیتِ حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:

« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر. » سیر و سلوک وعرفان :

آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »

همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن ۱۸ سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.

آیت الله مصباح می گوید:

« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...

خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی

را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.
به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»
یکی دیگر از شاگردان آقا (حجّهٔ الاسلام و المسلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:
« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. » فلسفه :
آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :
با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.
آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:
« بعد از مرجعیت منزل آآیت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً ـ قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »
تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری(ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.
در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.
و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط

خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:

ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.

در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً ـ استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. » تدریس :

آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :

آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:

« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می کردند، ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.

در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »

آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:

« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند

استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »

آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:

« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :

حجة السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:

« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (۱۵سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.

شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کردهام. » جایگاه علمی :

گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:

از آن جمله گویند:

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.

یکی از دانشمندان نجف می گوید:

« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »

مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:

« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »

مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:

« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »

آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:

« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی وشافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »

آیت الله مشکینی می گوید:

« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »

حجهٔ السلام و المسلمین امجد می گوید:

« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :

آیت الله مصباح می گوید:

« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود ۱۵ سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهید بزرگوار استاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟

فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: « درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

الف) کتابهای چاپ شده:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)

۲. مناسک حجّ

دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.

۳. وسیله النجاهٔ

این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.

۴. جامع المسائل

این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.

ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوهٔ

آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.

۲. جلد اول از دوره اصول

این کتاب تقریبا "به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.

۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری

این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.

ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

۱. بقیه مجلّدات دوره اصول

۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

۳. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوهٔ » به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

۴. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوهٔ

همچنین ایشان در تألیف سفینهٔ البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینهٔ البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.

۲. عبدالمجید رشید پور.

۳. سید مهدی روحانی.

۴. علی پهلوانی تهرانی.

۵. مختار امینیان.

۶. محمدهادی فقهی.

۷. هادی قدس.

۸. محمود امجد.

۹. محمد ایمانی.

۱۰. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.

۱۱. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

۱۲- مسعودی خمینی

۱۳- سید رضا خسروشاهی.

۱۴- حسن لاهوتی

۱۵- عزیز علیاری

۱۶- سید محمد مؤمنی

۱۷- حسین مفیدی

۱۸- جواد محمد زاده تهرانی

۱۹- سید صابر مازندرانی

۲۰- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ مطابق با ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ قمری دار فانی را وداع گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهدار، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهدار

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا بهدار در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در شهرستان دزفول متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و متوسطه خود را در همان شهرستان محل سکونت به پایان رساندم. از همان دوران کودکی و نوجوانی اهتمام فراوانی به مسائل علمی و اعتقادی و دینی داشتم. از همین رو در همان دوران در مسجد محل خود برای کسب معارف دینی در جلسات قرائت قرآن شرکت دا ئم داشتم. و از اساتید و معلمین دینی کسب فیض می کردم و این خود سبب رشد علمی و اعتقادی فراوانی شد و خود دریچه ای شد برای ورود به حوزه علمیه و کسب معارف بیشتر . از این رو در سال ۱۳۶۶ به صورت غیر رسمی و متفرقه برخی کتب درسی و مقدماتی را پیش اساتید حوزه فرا گرفتم. در این بین مشغول گرفتن دیپلم بودم، که در سال ۱۳۶۹به صورت رسمی در حوزه آیت الله قاضی واقع در شهرستان دزفول درسهای مقدماتی حوزه را شروع کردم. در سال ۱۳۷۲برای ادامه تحصیل دروس سطح یک سال به قم مهاجرت کردم. اما به دلیل ازدواج و مشکلات خانوادگی برای ادامه تحصیل و تدریس به شهرستان برگشتم. بعد از سه سال یعنی سال ۱۳۷۶دوباره موفق شدم برای ادامه تحصیل به قم برگردم و دروس خارج اصول و فقه را دنبال کنم. درسال ۱۳۷۸در کنار درس خارج با قبولی در امتحان ورودی رشته تخصصی کلام اسلامی وارد موسسه امام صادق (علیه السلام)شدم و در سال ۱۳۸۱فارغ التحصیل سطح چهارم حوزه شدم و بعد از آن مشغول پایان نامه هستم. در بین سالهای ۱۳۷۹تاکنون با برخی از موسسات

علمی از جمله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مرکز مطالعات حوزه علمیه ارتباط داشته و مقالات و تحقیقاتی ارائه داده ام. از سال ۱۳۸۱تا حال به عنوان مدیر گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه مشغول همکاری و نظارت تحقیقات محققین هستم.

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بهرامی خوشنودی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

بهرامی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بهرامی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهرضا متولد شدم. اسفند ماه ۱۳۴۴ و پس از سیکل در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه شده و دو سال در حوزه علمیه اصفهان ، شهر رضا ، مدرسه علمیه صاحب الزمان مشغول تحصیل بوده و سپس در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شده از مغنی تا پایان شرح لمعه را در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی تحصیل نموده و سپس در ادامه تحصیل در حوزه از محضر حضرات آقایان ۱. ستوده، ۲. کریمی، ۳. اعتمادی، رسائل، مکاسب و کفایه را گذرانده و سپس دروس خارج حوزه (فقه و اصول) را از محضر حضرات آیات عظام آقایان فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، حسین مظاهری، سبحانی استفاده کردم.دوره تخصصی تبلیغ را به مدت چهار سال در حوزه خوانده ام.نظر به جایگاه ویژه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در نشر فرهنگ و معارف قرآن و اهل بیت علهیم السلام از سال ۱۳۷۳ تا کنون به عنوان مسئول بانک های اطلاع رسانی مرکز بوده ام.از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تدریس می کنم. که اکنون با عنوان استادیار در دانشگاه آزاد اراک تدریس می کنم.

بهرامی، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بهرامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۳

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین بهرامی در سال ۱۳۵۴ در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی(ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.

در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی(ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال ۱۳۷۵ و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی (ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال ۱۳۸۱ با نگارش پایان نامه" اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری درکتاب النجعه "فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال ۱۳۷۷ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

بهرامی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر بهرامی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر بهرامی در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم .و دروس بالاتر را مانند کفایه ،رسائل ،مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه ،حاج آقا مجتبی میبدی ،حاج آقا عبدالخالق عبداللهی ، فرا گرفتم .و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی ،مغنی ، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع)کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال۱۳۷۶وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خار ج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ،فاضل لنکرانی ،نوری همدانی ،جعفر سبحانی ،جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم . در این مدّت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم .

بهرمن، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر بهرمن

زندگینامه علمی

با تکمیل دروس ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۶۰با ورود به حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. سالهای اولیه دوره مقدمات را که عمدتاً آشنائی با ادبیات عرب چون صرف و نحو و معانی بیان و لغت و منطق بود به پایان رساندم و با شروع دوره سطح به تدریس علوم مقدماتی مشغول گشتم در کنار آشنایی با کتب فقه و اصول، همچون شرح لمعه و رسائل و مکاسب؛ کتب کلامی همچون باب حادی عشر و شرح تجرید الاعتقاد و نیز کتب فلسفه همچون بدایه و نهایه و شرح منظومه و قسمتی از اسفار و قسمتی از اشارات ابن سینا را فرا گرفتم سال ۱۳۶۹با هجرت به شهر مقدس قم و تکمیل دروس سطح وارد مرحله درس خارج فقه و اصول شدم و تا امسال حدود ۱۳سال است که درس خارج را ادامه می دهم .

از سال ۱۳۷۷تا کنون مدت ۹سال است که دوره اول و دوم تخصصی فقه واصول را در موسسه بقیه الله (عج)سپری می نمودم، در کنار فقه و اصول بحث های تفسیری نیز شرکت می نمودم. در طول مدت تحصیل به تدریس ادبیات منطق و فلسفه و فقه و اصول نیز اشتغال داشتم و عمده آثار قلمی اینجانب مربوط به رساله ها یی است که در طول مدت تحصیل در موسسه تحقیقاتی آموزشی بقیه الله(عج) به نگارش درآمده است.

بهروز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهروز

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۸/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا بهروز در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیلا ت وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی ، پایانی ، وجدانی فخر، ستوده ، قدیری . و اساتید دیگر فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی . وحید خراسانی . میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه واصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال ۱۳۷۰-۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام . در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافری برد ه و کتاب های بدایه و نهایه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی . حسن زاده . مصباح . و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام . و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا بهعنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم . ودر سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می توان به مسنجر بیلوکس ،پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را در یافت می نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حالحاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ژنجاه ساعت به ژاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و درگذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم . در مجموع درکلیه موضوهای اینترنتی حضور فعال داشته ام . در عرصه ژاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به ژاسخ آن می پردازیم.

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بهشتی مقدم

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۲ همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.

نهایتاً سال ۷۶ به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال ۷۹ امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال ۷۹ موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیة فی فقه الاملیة» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند. فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نمایندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی مهر، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بهشتی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه قم شدم و درکنار دروس حوزوی مقطع کارشناسی الهیات را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی آغاز کردم . در سال ۱۳۷۹ درس خارج مشغول شدم . در سال ۱۳۸۱ در موسسه رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۵ با دفاع از پایان نامه و با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم .دروس

تحقیقا ت و پژوهشهای خود را هم پیش از این نام بردم. از سال ۱۳۷۷ با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها همکاری می کنم و در ایام تبلیغ به تبلیغ در دانشگاهها می پردازم . پیش از سال ۷۷ هم در مراکز مردمی به تبلیغ می رفتم مناطق محرومی چون زابل و زاهدان و ایرانشهر را برای تبلیغ انتخاب کرده بودم .

بهشتی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بهشتی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیّه حاج فتحعلی بیک دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیّه قم آمدم و در مدرسه علمیّه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدّت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابولفضل بهشتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابولفضل بهشتی فرزند جعفر به سال ۱۳۳۹ شمسی در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد گردیده، پس از گذراندن تحصیلات عمومی (سطح دیپلم) با پیوستن به حوزه علمیه در دوره سطح از اساتیدی چون حضرت آقایان: ستوده، اعتمادی، پایانی، انصاری شیرازی استفاده برده و سالها نیز در دوره های خارج فقه اصول، فلسفه از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، وحید

خراسانی، تبریزی، حسن زاده آملی و.... بهره گرفتم و پس از پیروزی انقلاب همکاری فعال علمی و فرهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی و تبلیغی و انتشاراتی داشته و از بدو تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی در بخش های مختلف آن بویژه برنامه ریزی و نظارت و پژوهش فعالیت داشته ام و هم اینک نیز ادامه دارد. و همزمان به تهیه و تألیف آثاری در قالب مقاله و کتاب و انجام سفرهای تبلیغی همت گماشته‌ام. و در حال حاضر نیز در درس خارج شرکت فعال دارم.

بهشتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بهشتی بروجردی. تولد ایشان در بروجرد واقع شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی حسب‌الامر آقای گلپایگانی به شاه‌آباد مهاجرت و تاکنون اشتغال به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم دارند.

و در شاه آباد منشأ خدمات اجتماعی و آثاری گردیده‌اند که از جمله تأسیس کتابخانه‌ای برای جوانان که ضمن آن کتابهای مذهبی به قیمت مناسب در دسترس جوانان قرار می‌گیرد و دیگر با همکاری جمعی از متدینین اقدام به تأسیس درمانگاه مهدیه نموده‌اند که برای فقرا و مستمندان بسیار مفید و مؤثر است.

برادر ارجمندشان جناب حجهٔالاسلام حاج سید عبدالحسین بهشتی نیز از فضلاء محترم حوزه علمیه قم به شمار می‌روند که سالیان دراز است از زادگاه خود هجرت و در دارالعلم قم رحل اقامت افکنده و از محاضر آیات عظام آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و غیرهم استفاده نموده و تا هم‌اکنون از شرکاء درس آیتین علمین مذکورین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهشتی، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالباقی میر محمدرضا حسینی.

عالم و زاهد و فاضل بوده، در محله‌ی لنبان مرجع امور دینی بوده، و در مسجد لنبان امامت می‌نموده.

در سلخ ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۸ وفات یافته، در قسمت شمالی مسجد مصلی در تخت فولاد مدفون شده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهشتی، محمدحسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۵ – ۱۳۳۰) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.

در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلمیات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت.

در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.

با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ نماز چیست؟ (۱۳۶۶)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (۱۳۶۹)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (۱۳۶۵)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).

ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود ۱۳۴۵ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری- مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.

معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.

استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.

آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.

۱- خدا از دیدگاه قرآن که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۲ برابر ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده است.

۲- نماز چیست.

۳- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که

متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهشتی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محسن، معروف به ملك المتكلمین. فاضل ادیب خطیب توانا.

از گویندگان معروف، و خطبای مشهور، و از بنیان گزاران مشروطیت ایران است که در اثر نطقها و خطابه‌های او مردم برضد استبداد و دستگاه دولتی برانگیخته شدند، و به طوری که در کتب تاریخ مذکور است و مقام گنجایش ذکر آن را ندارد، وی و دیگر همکارانش توانستند که مملکت را مشروطه نمایند [!]

در اصفهان متولد گردیده، و نزد جمعی كثیر كه از آن جمله است: آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل نموده، و خدمت سید جمال‌الدین اسدآبادی رسیده، و از او نیز کسب فیوضات نمود، و تحت تأثیر افکار او قرار گرفته، در طهران در زمره‌ی آزادی خواهان وارد شده، و شروع به فعالیت نموده.

سرانجام در اواخر جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ به سن حدود ۴۷ سال در باغ شاه، به دستور محمد علی شاه کشته شد، و در جنب باغ شاه در قبرستان کوچکی به خاك رفت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهمنی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید بهمنی

محل تولد : باجیگران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۶۱-۶۰وارد حوزه علمیه قم شدم . ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس های حوزه را از استادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم . در سال ۷۱-۷۰ در دوره های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سال دوره عمومی آن را گذراندم و پس از یک سال دوره تخصصی فقه و اصول را طی کردم . این دوره ها پس از مدتی به نام رشته های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بی نیاز، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد علی اکبر بی نیـاز در سال ۱۳۰۷ ، در قزوین متولـد گردیـد. پس ازطی نمودن تحصـیلات مقـدماتی در قزوین ، برای فراگیری دروس بالاتر ، به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شـش سال در این مدرسه به تحصـیل پرداخت. حجت الاسـلام بی نیاز پس از ۶ سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسـلام مشغول شد ، و در مساجـد مختلف به امـام جماعت پرداخت.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسـلامی والـدین و انساب : سـید علی اکبر بی نیـاز فرزنـد سـید عبـدالنقی (مشـهور به اعتمـاد) می باشـد. جـد وی ، حاج سـید ابراهیم زرآبادی . یکی از شخصـیت های برجسته زرآباد و قزوین ، و درجه اجتهاد از مراجع عصر خود دریافت کرده بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی بی نیاز پس از تحصـیل دوره ابتدایی و دریافت مدرک ششم ابتدایی ، وارد حوزه علمیه مولاوردیخان شد و نزد اساتید این حوزه صرف و نحو و مقـدمات را آموخت. سـپس برای فراگیری دروس بالاتر به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شـهر ، تحصـیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصـیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مـدرسه عالی سـپهسالار قبول شده و مدت شـش سال در این مـدرسه به تحصـیل پرداخت.اسـتادان و مربیان : سـید علی بی نیاز در حوزه علمیه تهران ، تحت نظر حاج شـیخ محمدرضا تنکابنی ، والـد آقای فلسـفی (واعظ مشـهور ایران) قرار گرفت. از اساتیـد دیگر او عبارتنـد از: آیت الله طالقانی ، آیت الله مازنـدرانی ، آقای حسـین علی راشد ، سـید حسـین کاشانی ، بدیع الزمان فروزانفر ، سید حسین جمارانیفعالیتهای آموزشی : سید علی بی نیاز پس از ۶ سـال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسـلام مشـغول شـد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

بیات، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود بیات

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود بیات در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از ۳ سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام . در سال ۶۳ ـ ۱۳۶۲ به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم . در سال ۸۱ ـ ۸۲ به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام .

در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیهٔ الله واقع در حاجی‌آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام . اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد . نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیات، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بیات

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

بیاری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بیاری

محل تولد : جعفر آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۵/۴

زندگینامه علمی

بنده تا سوم راهنمائی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق(ع)، امام باقر(ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم ۶ سال شرکت داشتم، دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات را

گذرانده ام(شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیان شاهرودی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، شاعر و واعظ. وی اهل شاهرود بود و در وعظ بسیار توانا و دارای سحر بیان بود. طرز بیان وی طوری بود که فقهای زمانش به بیان او با حسن نظر نگاه نمی‌کردند. بیان در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۵۱)، یغما (س ۱۱، ص ۳۸۴ -۳۸۳).

بیدآبادی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید ابوالقاسم بن سید محمّد علی. عالم زاهد، امام مسجد سیّد، متوفّی در سال ۱۳۵۶، مدفون در بیرون بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی از علماء کاملین و ادباء و شعراء و فضلاء و علماء اخیار معروف بحاج آقا با پدر خود مرحوم حاج سید اسدالله حجه‌الاسلام از اصفهان بنجف مهاجرت نموده و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده و پس از فوت عم بزرگوار خود (۱۳۲۰) به ایران مراجعت نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص اهالی بیدآباد قرار گرفته و منشاء خدماتی شایان در مسجد سید شده است که از آنجمله:

۱- تهیه ضریح فولادی جهت قبر مرحوم سید حجه‌الاسلام و نصب آن در تاریخ ۱۳۲۲ و دیگر تهیه ساعت که در قسمت قبلی مسجد نصب گردیده است در نقباء البشر. گوید: در جریانات مشروطیت ایران بنجف مراجعت نموده و در سال ۱۳۷۳ مجددا باصرار مردم باصفهان معاودت کرده و مورد احترام و اکرام قرار گرفته و پس از شش ماه در سوم ماه رمضان همانسال وفات یافته و در

مقبره جد خويش مدفون گرديده است. از اشعار اوست كه بجد خويش حضرت اميرالمؤمنين عليه‌السلام خطاب كرده و گويد:

يابن عم النبى اى معال

لك فى ارفع المدائح تذكر

برگرفته از كتاب :گنجينه دانشمندان (جلد سوم)

بيدآبادى، مؤمن

قرن:۱۳

جنسيت:مرد

مليت:ايران

فرزند حاج سيد محمّد باقر. عالم فاضل كامل، پس از حاج سيد اسداللَّه اعلم و افقه اولاد سيّد بوده. وى بعد از فوت برادر، رياست و عنوان كلّى يافته و در مسجد سيد امامت داشته، و چون مادرش كنيز بوده، قدرى سياه چرده بوده است. در ۶ رمضان سال ۱۲۹۴ وفات يافته، در مقبره پدر مدفون گرديد.

مرحوم حاج ميرزا بهاء الدين عاملى در مادّه تاريخ وفاتش ضمن قطعه‌اى گويد:

ماه صيام نزد رسول آمد از جهان

آن سيّدى كه مؤمن آل رسول بود

برگرفته از كتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پا قلعه‌اى، اسدالله

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

فرزند ميرزا زين العابدين خاتون آبادى. عالم فاضل، در رياضيّات و هيئت و نجوم مهارت اشته و در اصفهان، فارسى هيئت تدريس مى‌نموده.

مادرش دختر ميرزا احمد نيريزى خطّاط معروف است.

در سال ۱۳۶۰ وفات يافته، در اطاق غربى تكيه ى خاتون آبادى مدفون گرديد.

مرحوم حسام الواعظين در مرثيه و تاريخ وفاتش گويد:

آن كه بُد زنده روانش ز تولّاى على

وان كه شد سر خوش و سر مشت ز صبهاى على

حاج سيد اسداللَّه كه در مدّت عمر

همچو عمّار بُد او واله و شيداى على

بود هم عالم و هم زاهد و همن روشندل

دل او طور و منوّر ز تجلّاى على

بهر تاريخ وفاتش ز وفا گفت حسام

شد بهشتی اسد اللّه ز اعطای علی

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پارسا، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود پارسا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوران دبیرستان و گذراندن دوره های زبان انگلیسی در موسسه شکوه تهران در سال ۱۳۵۵ و با قبولی در امتحانات کنکور و ورود به مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی در رشته برق عزم داشتم رشته ام را در دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر فعلی) ادامه دهم که در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی رخ داد و تمامی دانشگاههای کشور تعطیل گشت.

در سال ۱۳۵۷ در کمیته امداد امام خمینی (ره) در قسمت تحقیق خانواده شهدا همکاری داشتم و در سال ۱۳۵۸ وارد آموزش و پرورش شدم و چندین سال در رشته دینی و زبان انگلیسی به تدریس مشغول شده و بعنوان مدیر مدرسه و همکاری با معاونت منطقه ۱۴ تهران مسئولیت پذیرفتم. از سال ۱۳۵۲ به بعد گرایش بیشتری به مسائل مذهبی و علاقه به مطالعه کتب دینی پیدا کردم و با حضور در مجالس سخنرانی آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و مجتبی تهرانی و نوری و عبید زنجانی که هر کدام جلسات جداگانه ای در تهران داشتند بهره مند شدم.

در ابتدای انقلاب اسلامی با استاد علی صفایی حائری آشنا شدم که حاصل این آشنایی بینش جدیدی بود که نسبت به مذهب و دین در من ایجاد شد و با عمق بیشتری مسائل دینی را دنبال کردم و موجب ورود من به حوزه علمیه مجتهدی تهران در سال ۱۳۶۱ و سپس هجرت به قم در سال ۱۳۶۲ و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم گردید.

ادبیات را نزد اساتید : علوی طالقانی، مدرس افغانی، عرفان و اصول و فقه را نزد اساتید: فاضل ، محمدی ، محامی، محفوظی، موسوی تهرانی، پایانی، و آشیخ علی پناه و دروس خارج را نزد آیات عظام : وحید خراسانی، فاضل ، آشیخ جواد تبریزی ، مکارم شیرازی و علی صفایی حائری تلمذ نمودم. و چندین سال هم از محضر درس تفسیر آیهًالله جوادی آملی بهره مند شدم. در طول دوران تحصیلات حوزوی کار تحقیق با گروهی از دوستان در موضوعات: تاریخ، عرفان، تعلیم وتربیت و روانشناسی و تفسیر را دنبال کردم.

از سال ۱۳۶۹ به بعد در دو مقطع تدریس و تبلیغ علوم اسلامی در دانشگاههای تهران و امیر کبیر و علم و صنعت و شریف و علامه و شیهد بهشتی و خواجه نصیر الدین و شیهد مدرس و علوم پزشکی و دانشگاه قم و در استانها دانشگاه بوشهر و شیراز و قزوین پرداختم و چندین بار بعنوان مبلغ و استاد نمونه از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها انتخاب شدم. و همچنین در مدرسه امام خمینی(ره) و حوزه خواهران و دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم به تدریس دروس حوزوی پرداختم.

پاشایی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی پاشایی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد تقی پاشایی در فروردین سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال ۵۸ جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهارد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهری ادامه تحصیل داد و از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پاک نیا، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم پاک نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۴۱ در شهر تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی دروس جدید،وارد حوزه علمیه شد.پدرش حاج اسماعیل یکی از معماران متدین و عالم پرور آن شهر بود. عبد الکریم دروس مقدماتی حوزه و ادبیات عرب را،از اساتید آن زمان در مدارس علمیه طالبیه،صادقیه،حسن پادشاه و حاج صفر علی،فرا گرفت.با شتاب گرفتن انقلاب اسلامی ایران،در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در کنار دیگر طلاب درس را تعطیل،و همراه سایر اقشار مختلف جامعه به جمع انقلابیون پیوست.بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ برای تکمیل تحصیلات خود در عرصهٔ علوم اسلامی،به

شهر مقدس قم هجرت کرد.کتاب های مطوّل،حاشیه ملا عبد الله،شرح باب حادی عشر را نزد شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید هاشم خوئی و شرح لمعه را در نزد شیخ علی پناه اشتهاردی و شیخ کریم ملّائی تبریزی خواند.
درس تفسیر قرآن را از آیات عظام دکتر صادقی طهرانی و جواد آملی و دروس سطح عالی فقه و اصول را از بزرگانی همچون آقایان شیخ احمد پایانی،شیخ مصطفی اعتمادی،آقا سید رسول طهرانی و منطق و حکمت را نیز از آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسن مجد آموخت. درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات شیخ جواد تبریزی،شیخ حسین وحید خراسانی،شیخ حسین نوری،سید موسی زنجانی،شیخ مسلم ملکوتی و شیخ جعفر سبحانی بهره مند گردید. در کنار تحصیل از سال ۱۳۷۱ به تدریس ادبیات،معانی و بیان ، منطق ، فلسفه مقدماتی،فقه و اصول و سایر دروس سطوح عالی پرداخت.همچنین از سال ۱۳۶۶ تاکنون در عرصه تبلیغ به مناسب های مختلف در ۱۵ استان کشور به فعالیت های تبلیغی و خدمات در این وادی اشتغال داشته است.بالاخره در کنار این اشتغالات عمده ترین وقت خود را در عرصه پژوهش های علمی و تحقیقی در موضوعات مختلف دینی،تاریخی،تربیتی و اخلاقی- که بیشترین علاقه را داشت- صرف نمود.در این راستا،از رهنمودها و تشویق های استاد محمود مهدی پور بهره برد. حاصل تلاش های وی در قالب کتاب و مقاله،توسط ناشرین مختلف و یا در مطبوعات و رسانه های سراسری چاپ و منتشر شده است.مهمترین موضوعات این آثار عبارتند از:سیره و سخن پیشوایان معصوم(ع)،مناسبت های مذهبی،شرح حال شخصیت های تاثیر گذار در جهان اسلام،اندیشه های اهل بیت(ع) در مسائل اخلاقی ، عقیدتی ، تربیتی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی،مقالات قرآنی ، یاران اهل بیت(ع) و غیره.

پاکپور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پاکپور

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال ۱۳۶۳ دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم.
سال ۶۴ برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدّت چهار سال دوره مقدّماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال ۷۳ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کاورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد

فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم. در طول سال ۸۵ با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

پاکدل، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج میرزا عباس پاکدل از فضلاء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر شیراز است. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در طبس به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی در سن ۱۷ سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و تفسیر و اخلاق را در مدت هشت سال در حوزه طبس نزد اساتید آنجا مانند حاج شیخ محمد ابراهیم مجتهد نجفی و حاج شیخ محمدعلی امینیان مدرس و حاج شیخ غلامرضا نمائی و دیگران خوانده و بعدا به مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و مدت هفت سال توقف و سطوح عالی را (رسائل و مکاسب و کفایه) و نیز مقداری از تفسیر و فلسفه و معقول و اخلاق را در خدمت حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج میرزا جواد آقای تهرانی و حاج شیخ مجتبی قزوینی و سایرین تحصیل نموده و نیز مقداری از درس خارج آیت‌اللّه میلانی استفاده کرده سپس عزیمت به قم و از محضر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و سایرین بهره‌مند گردیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و حدود بیست سال در آن بلده طیبه اقامت و پس از مطالعه در دروس آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله العالی را اختیار و پس از شرکت در یکدوره اصول معظم له دیگر فقط به درس فقه معظم‌له حاضر و خود به تدریس سطوح اشتغال و در آن سامان به مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی طوبائی شیرازی، موفق و در سال ۱۳۵۹ شمسی عزیمت به ایران نموده و مدتی در قم اقامت و برای صله ارحام و دیدن بستگان سببی خود به شیراز آمده و با اصرار آنان و دوستان دیگر عزم رحیل مبدل به اقامت و توطن در شیراز شده و پس از استحضار علماء بزرگوار شیراز مخصوص مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و فرزند برومند و فاضلش حاج شیخ مجدالدین محلاتی ابراز خرسندی کرده و محل نمازش مسجد مولا را واگذار و به اقامه جماعت در آنجا در شبها و تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در ظهرها در مسجد ساجدین دروازه کازرون امامت نموده و مسئولیت و اداره تدریس دو حوزه علمیه شیراز را به عهده گرفته و آنها از این قرار است:

۱- حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام مدرسه مقیمیه و مسجد مشیرالملک و مکتب مقدس حضرت زهرا علیهاالسلام به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند.

۲- حوزه علمیه امام سجاد علیه‌السلام و مدرسه آقا قاسم مشغول می‌باشند.

مرحوم والدش حاج میرزا عباسعلی نیز از روحانیون خدمتگزار طبس و مورد وثوق و اعتماد و اطمینان مردم آن سامان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پاکدین، کامل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامل پاکدین

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۵۹ بمدت ۱۲ سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی , دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم.حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد , یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها , در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد , حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم.در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا "چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پایانی اردبیلی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال ۱۳۴۶ قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال ۱۳۶۶ به قم آمده و سطوح عالیه را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فراگرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۹۶(۵ رمضان ۱۳۴۶ ق.)، اردبیل.

درگذشت: ۶ اسفند ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فراگرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه‌ی ملاـ ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال ۱۳۶۶ ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و

رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایهٔ الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فراگرفت.
آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال ۱۳۷۰ ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.
آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.
آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمائی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.
تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایهٔ الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالهٔ فی احکام الاراضی و اقسامها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رسالهٔ فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.)
آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پاینده، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر پاینده

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال۱۳۴۴ به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم . این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال ۱۳۴۶ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی ۱۳۴۷ به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات : جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی ،درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی ،درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایهٔ الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی ،درس اخلاق و عروهٔ الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی ،درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی ،ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی ، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال ۵۲ که اوج اختناق در زمان شاه بود ، بنده از مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم .سال ۵۵ و ۵۶ در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان).در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال ۱۳۶۰ : درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی ،قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی،عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی ،درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی،درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی ،درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری ،درس خارج قسمتی از طهارت و صلوهٔ نزد آیت الله تبریزی ،نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پرور، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل پرور

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم ریاضی ، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم . از سال ۱۳۷۵ توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم . همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول ، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی - بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی- شرکت کردم و از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر درآوردم .

پرهیزکار، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پرهیزکار

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا پرهیزکار دبیرستان را در رشته ریاضی در زادگاهم استهبان به پایان بردم و پس از آن جهت تحصیل درعلوم دینی و در سال ۱۳۷۰؛ به حوزه علمیه قم آمدم. ۶ سال نخست را در مدرسه معصومیه(س) و پس از آن به سبک معمول در حوزه در درس های آزاد شرکت کردم و در سال ۱۳۸۰ و پس ازاتمام دوران سطح به درس خارج اشتغال یافتم و تاکنون (سال ۸۵) مشغول به تحصیل هستم. ضمن تحصیل در حوزه از سال ۷۷ به بعد در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) نیز مشغول تحصیل در رشته جامعه شناسی شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر گرایش به مهدویت در ایران و بررسی موردی زائرین مسجد جمکران» می باشم. و به تازگی نیز در گروه جامعه شناسی مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مشغول به فعالیت شده ام.

پریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پریمی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم وسال۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال ۱۳۸۰تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پزشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پزشکی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

پسندیده، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس پسندیده

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در شهر محلات متولد شدم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه القائم محلات شده و از محضر اساتید آن حوزه به خصوص مرحوم آیت الله سید طه مقدسی بهره بردم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه ولی عصر خوانسار شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله تقدیری و دیگر اساتید معظم آن حوزه استفاده کردم. در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از اتمام دروس سطح، در دروس خارج حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی و جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۳ همکاری علمی خود را با مرکز تحقیقات دارالحدیث آغاز کردم که همچنان ادامه دارد. همچنین از سال ۱۳۸۲ به تدریس در دانشکده علوم حدیث و از سال ۱۳۸۳ به تدریس در رشته تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم اشتغال دارم.

پناهنده، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۷۱ که تحصیلات اولیه خود را در گز و در مسقطالراس خویش شروع و سپس در مدارس حوزوی عصر خود در اصفهان بادامه تحصیل مشغول و دروس مقدمات و سطح و خارج را در محضر بزرگانی هم چون سیدابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی ادامه داده و به حوزه نجف مراجعه و پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی مجدداً باصفهان مراجعه و با عنایت به فضایل علمی و اجتماعی در مقام خطابه و منبر و اقامه جماعت و ترویج شریعت پس از یک بیماری طولانی در سن ۸۱ سالگی در سنه ۱۳۵۱ ه. ش وفات و در تخت فولاد اصفهان در تکیه کازرونی بخاک سپرده شدند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

پناهی، علی احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمد پناهی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمد پناهی فرزند شمس الله تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در فراهان اراک گذرانده و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی ،در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم گردیدم.دروس مقدماتی وسطح را در مدرسه علمیه امام علی (ع)و مدرسه معصومیه به پایان بردم و دروس سطح عالی و خارج را در مدرسه آقای گلپایگانی و مسجد اعظم،ادامه دادم.و الآن حدود ۹سال است که در درس خارج شرکت می کنم.هم زمان با تحصیلات حوزوی ،دروس جدید را از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)پی گیریی کردم.و دوره کارشناشی ارشد معارف را در این مؤسسه به پایان بردم و سپس در اداره کارشناسی ارشد

روانشناسی شرکت کرده و آن را در سال ۸۲به پایان بردم و الآن به عنوان محقق در مؤسسه امام خمینی مشغول هستم.ضمنا حدود ۱۵ سال است که از مراکز روستایی،سپاه،و بیشتر در مراکز دانشگاهی هم(در ایام رمضان،محرم،و غیره)به تبلیغ می پردازم.

پور طباطبایی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجید پور طباطبائی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در مورخه یکم شهریور ماه ۱۳۳۶ در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان ۱۳۴۵ به تهران منتقل شدم.دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال ۱۳۵۰ مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دورهٔ کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال ۱۳۴۹ به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلّط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری(ره) (مشهور به عین – صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.

در سال ۱۳۵۷ (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم.از اواخر سال ۵۹ با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال ۱۳۵۵ در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود.از مهر ماه ۱۳۶۰ به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود ۲۴ سال) و تلاش برخی از فضلای حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان بردم.تیر ماه ۶۱ با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین ۱۳۸۵ در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.

در اواخر سال ۱۳۶۱ با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور ۶۲ ادامهٔ دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقیهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه

و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجهٔ الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی(زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم.در سال ۱۳۶۹ موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلا با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود ۱۲ تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. پس از دوسال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.

در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور ۷ الی ۸ نفر پی‌می‌گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می‌کردم. در طول این مدت (از سال ۶۹ تا ۷۸) جمعی از فضلا به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می‌دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می‌یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می‌رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می‌داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم.از سال ۱۳۶۴ به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم،را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود ۳ سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفهٔ افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.

از سال ۱۳۶۷ همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعهٔ تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید.از سال ۱۳۷۱ با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجهٔ الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های ۵۸ – ۶۰ با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشال اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال ۱۳۷۵ با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۸ از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمرهٔ ۲۰ برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبهٔ اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر ۵ جلد و ۱۵۶۰ صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود ۱۰۰۰ صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پور منصوری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل پور منصوری

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. پس از اتمام دروس سطح حوزوی در سال ۶۶- ۶۵در درس خارج آیت الله منتظری و آیات عظام شرکت و در سال ۱۳۷۲ در کلاس های تخصصی قوه قضائیه شرکت نمودم . از سال ۱۳۶۸ به بعد نگارش و تحقیق را شروع و در همان سال کتاب نظریهٔ الوصف را نگاشته و در سال بعد به چاپ رساندم. پس از آن کتب متعدد و صدها مقاله علمی و قرآنی را تألیف و در مطبوعات کثیرالانتشار چون کیهان به چاپ رساندم.

پوراکبر، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی پور اکبر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

پورامینی، محمد باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پور امینی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد باقر پور امینی در سال ۱۳۴۷ متولد شد . تحصیلات ابتدائی تا دبیرستان را در قم گذراند و به سال ۱۳۶۶ مقدمات دروس حوزوی را آغاز کرد . سپس دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری همچون آیات و حجج الاسلام طالقانی (لمعه) ، محمدی خراسانی (لمعه) ، حسینی بوشهری (اصول فقه) ، احمدی میانجی (مکاسب) ، استادی (مکاسب) ، پایانی (مکاسب) ، موسوی تهرانی (رسائل و کفایه) و بیگدلی (کفایه) فرا گرفت . در سال ۱۳۷۲ کارشناسی علوم سیاسی را اخذ نمود . وی از سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه آیت الله زنجانی و اصول آیت الله کوکبی شرکت کرد و از سال ۱۳۷۹ تا کنون نیز در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور دارد و همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، به فعالیت های تبلیغی ، تدریس و تالیف نیز پرداخته است .

پورحسن امیری، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پورحسن امیری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شدم. دروس ابتدایی در حد قرائت قرآن و کتب فارسی ادبی از قبیل دیوان حافظ و نصاب و غیره را در مکتبخانه های متداول آن زمان آموختم. با توجه به گرایش های دینی و مذهبی خانواده و روش و منش شخصی خودم همسایه ها و هم محلی ها به پدرم پیشنهاد نمودند که وارد حوزه علمی دینی شوم . ابتدا به مدرسه صدر اعظم بابل که فعلا بعد از تجدید بنای مفصل به مدرسه خاتم الانبیاء (ص) تغییر نام یافته ، وارد شدم و بعد از فراگیری مقداری از جامع المقدّمات در حد صرف میر و مقداری از نجوم از محضر اساتید بویژه مرحوم شیخ اسماعیل قشقاوی که تسلط فوق العاده ای به صرف و نحو داشت در معیت یکی از طلاب منطقه که سید متدینی بود که جنبه سرپرستی و راهنمایی نسبت به من داشت وارد حوزه علمیّه قم شدیم و برنامه آموزشی ما با توجه به نبودن یک برنامه آموزشی در آن زمان و انتخاب استاد و حجره ، داستان مفصلی دارد . اجمالا بعد از گذراندن ادبیات در سطح سیوطی و حاشیه و مغنی و غیره وارد لمعتین و قوانین شدم . اساتید این دوره عبارت بودند از آقای صلواتی و مرحوم سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی که تا آخر در شورای عالی قضایی مشغول بود و جناب آقای شیخ مصطفی اعتمادی و غیره و اساتید دوره عالی سطح عبارت بودند از حضرات آقایان نوری همدانی، جعفر سبحانی و فاضل لنکرانی . حکمت و فلسفه را هم در حد منظومه و اسفار از محضر اساتیدی چون آقایان محمدی و امینی گیلانی و آقای جوادی آملی و بعضی دیگر استفاده نمودم ؛ ضمناً بعد از فوت آقای بروجردی و گذشتن چند سال وضع حوزه از نظر امتحان ، صورت جدیدی به خود گرفت و امتحان حوزه در دو قسمت کتبی و شفاهی در یک تشکیلاتی که زیر نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی عمل می کرد اداره می شد و سه رتبه داشت و من قبل از سال پنجاه حدود سال ۴۷ و ۴۸ امتحانات حوزه را در دو مرحله دوم و سوم

گذراندم . دروس خارج حوزه را در مقطع فقه و اصول از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم ؛ ضمناً دروس حوزه مخصوصا درس های خارج را در دفتر یادداشت می نمودم.

بعد از گذراندن چند سالی از شرکت در درس خارج با توجه به علاقه به کار علمی- تحقیقی از سال ۶۴ با شروع در مؤسسه آل البیت(ع) همراه اشتغال و ادامه تحصیل مشغول کار تحقیقی شدم و بعد از چند ماهی وارد انتشارات جامعه مدرسین گردیدم . ابتدا کارهای مقابله و استخراج و بعد از گذشت مدّتی به کارهای نهائی از قبیل تصحیح و انتخاب متن و بررسی نهائی منابع و غیرهما پرداختم و کارهای زیادی شد. از قبیل تصحیح متن و تنظیم فهرست حاشیه مرحوم آقا ضیای عراقی که به تنهائی انجام دادم ؛ تصحیح و انتخاب متن مختلف الشیعه علّامه که این قسمت مربوط به من بود و رفقای دیگر هم در بخش های دیگر کار می کردند که در مقدمه آن اشاره گردیده و بررسی مجدد سرائر ابن ادریس بعد از تحقیق دیگران و سایر کارها .

تا اینکه مقدّمات برگزاری کنگره شیخ انصاری فراهم گردید و تحقیق و بررسی کتب شیخ جزو کار اصلی آن بود و اینجانب توسط حاج آقای انصاری (مسئول بررسی کتب شیخ و مولف موسوعه الفقهیه المیسره) دعوت به همکاری شدم که با رفتن به آن موسسه فصل جدیدی در کار تحقیق برای من باز شد و تقریباً در همه کتاب های شیخ مخصوصا مکاسب و صلاهٔ و طهارت و غیره که مجموعا ۲۸ جلد می شود همکاری داشتم .

پورحسین، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پورحسین

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

فروردین ۱۳۶۳ از هنرستان فنی راه و ساختمان بابل وارد حوزه علمیه رستمکلاه در شهرستان بهشهر مازندران شدم. تابستان ۱۳۶۴ به حوزه علمیه اصفهان رفته در مدرسه ذوالفقار این شهرستان ادامه تحصیل دادم. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری بخشی از سطوح عالی حوزه، در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی سه سال با تطبیق دروس فراگرفته شده با سیستم رسمی حوزه قم و شرکت در امتحانات و با اتمام رسمی دروس سطح در سال ۷۳ وارد درس خارج شدم. و از محضر حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، جعفر سبحانی و یوسف صانعی بهره گرفتم. همزمان با فراگیری دروس خارج از محضر اساتید بزرگوار حوزه در سال ۱۳۷۱ وارد مرکز آموزش موسسه در راه حق شده سپس در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه تحصیل داده و در سال ۱۳۷۹ با اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ با آشنایی با حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین سروش محلاتی در درس‌های خصوصی فقه سیاسی بسیار پربار ایشان شرکت کرده که همچنان ادامه دارد. همچنین طی چهار سال از دروس خصوصی قواعد فقه و فقه حضرت حجهٔ الاسلام

والمسلمین سید ضیاء مرتضوی بهره بسیار بردم. در سال ۱۳۷۶ با پیوستن به جمع محققان و نویسندگان صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی در این راه قدم گذاشته، همچنان بر این افتخار باقی می‌باشم. در سال ۱۳۸۰ با دعوت استاد بزگوار مرتضوی همکاری با فصلنامه حکومت اسلامی وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان را آغاز و طی شش سال ضمن اداره بخش علمی این مجله، مقالاتی را نیز به رشته تحریر درآوردم. همچنین در سال ۱۳۸۴ با عقد قرارداد پژوهشی با مرکز تحقیقات حکومت اسلامی، همکاری با این مرکز خوشنام را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. تدریس در دانشگاه یکی دیگر از فعالیت‌های علمی بنده می‌باشد که ادامه دارد.

پورسید آقایی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود پور سید آقائی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

پورمحمد، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن پور محمد

محل تولد : --

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد ۱۳۶۸ ، حسین متولد ۱۳۷۳ ، محمّد مهدی متولد۱۳۸۱ و همسرم نیز معلّم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیّه قم رفتم و در مدرسه علمیّه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده ، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) واز درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی(ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در

محضـر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشـته ام. بعـد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با شـرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال ۱۳۷۳ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در رشـته دین شناسـی در مقطع کارشناسـی ارشـد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شـناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال ۱۳۷۶ در موضوع«روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدّت ۵ سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعّالیّت داشتم.
با توجه به اینکه از دروس اسـفار آیت الله مصـباح یزدی بهره منـد می شدم از طرف ایشان در سال ۱۳۷۳ ماموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعّالیّت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سـطح کشور تهیه نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسـلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعّالیّت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجّت الاسـلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهـاد نماینـدگی مقـام معظم رهبری در دانشـگاه ها، بنـده نیز به حسب وظیفه در آن شـرایط حساس، مسئولیت نهاد نماینـدگی مقام معظم رهبری در دانشـگاه علوم پزشـکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفّقیّت هایی در کار، از سال ۱۳۸۲ باحفظ سمت به عنـوان دبیر منطقه ۲ کشوری انجـام وظیفه می نمـایم و نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان امام جمعه موقت شهرسـتان ما سال توفیق خـدمت دارم.

پورمحمدی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس پورمحمدی از علماء متقی و خدمتگذار و شـجاع معاصـر است در رفسنجان وی پس از پرورش به شوق تحصیل علوم دینیه به قم مهـاجرت نموده و سـطوح وسـطی و عالیه را از اساتیـد فراگرفته آنگاه به رفسـنجان مراجعت و تا حال حاضـر به خـدمات دینی و روحی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام و تـدریس در مدرسه و اداره عده‌ای از طلاب رفسـنجان اشـتغال دارد و در ترویج دین و مبارزه با فساد سعی بلیغ و کوششی فراوان دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

پوریا منفرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین پوریامنفرد

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین پوریا مفرد در سال ۱۳۳۱، در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از طی مقدمات از محضر آیت الله علی اصغر حسینی به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ از محضر آیت الله نجومی، آیت الله خامنه‌ای در آن دیار کسب فیض کردو پس از آن به قم مهاجرت کرد. از دیگر اساتید ایشان می‌توان مرحوم آشتیانی فلسفی را نام برد. ایشان جهت تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای زیادی سفر کرده است که از آن جمله می‌توان فرانسه، برزیل، فنلاند و هلند را نام برد.

پهلوان، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور پهلوان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال ۱۳۷۲ در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع و دکترا پرداخت و تاکنون حدود ۲۵۰ مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.

ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه ۱ و ۲ سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

پهلوانیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .

از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیراسته خزرجی، ضیاء

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاء پیراسته خزرجی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۳/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین اینجانب ضیاء بیراسته معروف به خزرجی دریک خانواده مذهبی در نجف اشرف به دنیا آمده ام .تحصیلات حوزوی تا رتبه اول گذرانده ام وتحصیلات کلاسیک تا دیبلم ریاضی به اتمام رسانده ام و در سال ۱۳۵۹به ایران آمده ایم و در شهر مقدس مشهد در حدود ده سال رتبه دو و سه را کذرانده ام و سبس در سال ۱۳۷۲ به شهر مقدس قم مهاجرت کرده ام و دروس خارج را به مدت شش سال به اتمام رسانده ام

پیروزمند، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا پیروزمند

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در شیراز متولد و تا مرحله اخذ دیپلم ریاضی در شیراز اشتغال به تحصیل داشتم. زندگی سیاسی ام از مقطع راهنمایی همگام با خیل عظیم مردم در مقابله با رژیم شاه شروع شد. در دوران دبیرستان در قالب همکاری با انجمن اسلامی و تقابل با گروههای ضد انقلاب و ارتباط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی(قبل از انشعاب و در دوران نمایندگی آیت ا... راستی) ادامه یافت. توفیق حضور مکرر در جبهه های جنگ از همین ایام آغاز و تا سالیانی بعد ادامه داشت. زندگی علمی ام به شکلی هدفمند پس از اخذ دیپلم آغاز شد. در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در رشته فنی دانشگاه برای ادامه تحصیل به قم آمدم و به موازات فراگیری دروس حوزوی در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم به پژوهش مشغول شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترمی همچون آیات و حجج اسلام آقایان راستی کاشانی، وجدانی فخر، پایانی، ستوده، احمدی میانجی، حسینی بوشهری، موسوی ،اعتمادی و گنجی فرا گرفتم و از سال ۱۳۷۳ در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله وحید خراسانی توفیق حضور داشته و دارم. در طول این مدت از محضر اخلاقی حضرات آیات: بهاء الدینی، مظاهری، احمدی میانجی، منیر الدین حسینی، شب زنده دار و به ویژه راستی کاشانی به قدر بضاعت بهره برده ام. در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نیزر به ویژه از محضر استاد علامه منیر الدین حسینی (ره) بهره فراوان برده در موضوعات زیر مشغول بوده ام:

روشهای سنتی و انحرافی اجتهاد، موضوع شناسی، فلسفه علم و معرفت شناسی، مبانی اقتصاد سوسیالیسیتی و سرمایه داری، روش سیستمی ،الگوی سیستم سازی، فلسفه(با گرایش فلسفه حرکت) مبانی جامعه شناسی، مبانی نظام سیاسی، ولایت فقیه، روش مدل سازی، روش تحقیق، مبادی و مبانی اصول فقه احکام حکومتی و... .

در طول این مدت مسئولیت اجرایی نداشته ام. گذشته از مسئولیتهای پژوهشی گذشته، هم اکنون عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان، معاونت پژوهشهای بنیادی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی هستم علاوه بر مسائل بنیادی در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نیز با گرایش مسائل علمی فرهنگی در قالب همکاری با برخی مراکز کلان نظام فعالیت داشته ام از جمله به عنوان کارشناس مسائل علمی - فرهنگی - اجتماعی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۶ تا ۸۲ ، در طول این مدت علاوه بر مشاوره ، طرحهای تحقیقاتی را برای آنها به انجام رسانده ام، از سال ۱۳۸۲ تاکنون نیز به عنوان کارشناس مسایل فرهنگی با دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی همکاری دارم و طرحهای تحقیقاتی را نیز در همین ارتباط به انجام رسانده ام.

در سالیان گذشته علاوه بر ارتباط علمی با مراکز مختلف توفیق تالیف کتاب، مقاله و تنظیم طرحهای تحقیقاتی را داشته ام که در دو گرایش مبنایی و راهبردی انجام گرفته است، در موضوعات بنیادی، مباحثی همچون فلسفه علم، روش علم، روش سیستمی، فلسفه فیزیک و ریاضی... و در موضوعات راهبردی به مطالبی همچون، شبکه های اطلاع رسانی، رابطه دین و دولت و فرهنگ، طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور... پرداخته ام.

پیروزمند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پیروزمند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

ما تقریبا سال ۱۳۶۰ بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان ۱۴ سال خارج اصول و ۱۴ سال خارج فقه.بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم – زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم . بعد از مدتی ایشان جلد ۹ اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند.هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه ، نیم از نهایهٔ الحکمهٔ را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهایه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالهٔ البرائهٔ و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار ، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد الله رب العالمین.

پیش بین، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید پیش بین

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ که وارد بخش فرهنگی زندان قزلحصار زندان های سیاسی شده، ضمن آشنائی با سران گروهک ، مطالعات تاریخی خود را از مشروطیت تا انقلاب اسلامی آغاز کردم، بعد از جنگ با ورود به حوزه به دروس حوزوی مشغول و پس از اتمام سطح پایه ۱۰، در رشته الهیات و معارف اسلامی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم قبول و پس از اخذ کارشناسی ارشد به کارهای تحقیقاتی در تاریخ معاصر ادامه داده که محصول آن چند کتاب می باشد.

پیش نماز، رضا قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل، امام مسجد جامع عباسی در اصفهان بوده، و از دانایان به علوم قرآن و تجوید به شمار می‌رفته، و در این مسجد قرائت قرآن می‌فرموده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

پیشوا، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد پیشوا فرزند حاج سید محمدصادق پیشوا از دانشمندان خدوم و علماء اعلام و فضلاء کرام شیراز می‌باشند (که در سال ۱۳۱۸ شمسی به فشار حکومت وقت شهرت خود را از بحرالعلوم تبدیل به پیشوا نمودند).

معظم‌له در سال ۱۳۵۰ قمری در شهر کازرون دیده به دنیا گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و عموی بزرگوارش حاج سید محمدرضا شریعتمدار آموخته و در سال ۱۳۳۵ شمسی مشرف به نجف اشرف شده و از ابحاث و دراسات سطوح و خارج آیات عظام چون میرزا حسن یزدی و استاد حاج شیخ محمدتقی جعفری و علامه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله

استفاده نموده و پس از آن برای تبلیغ اسلام و ترویج احکام به زادگاه خود کازرون مراجعت و به اقامه جماعت و وظائف روحی و دینی و اجتماعی پرداخته و خدمات شایانی نموده تا سال ۱۳۴۸ شمسی شش سال پس از انقلاب پانزده خرداد چهل و دو به شیراز مهاجرت نموده و بنابر اصرار و استقبال گرم عده کثیری از مردم شیراز رحل اقامت افکنده و در مسجد نو برابر مشهد و مزار حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیهماالسلام به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال یافته و مورد استقبال پرشور و هیجان مردم شیراز قرار گرفته که محسود برخی از همگنان و ابناء نوع شده تا در سال ۱۴۰۵ قمری برابر ۱۳۶۳ شمسی روی جهاتی از رفتن به مسجد نو خودداری و در منزل شخصی به وظائف روحی خود تداوم داده و تا حال تحریر این کتاب موفق به تدریس فقه و اصول می‌باشند.

آثار و تألیفات ایشان

۱- کتاب آئینه سیاه، برداشتی از سوره مبارکه لقمان.

۲- علی علیه‌السلام، از دیدگاه دگران- مخطوط.

۳- تجدید و نوسازی مسجد جامع کازرون.

۴- تأسیس کتابخانه ولی عصر عجل‌اللّه فرجه متصل به مسجد.

۵- احداث لوله‌کشی قسمتی از شهر قبل از اقدام شهرداری کازرون به لوله‌کشی تمام شهرستان کازرون.

۶- خرید دویست هزار متر مربع زمین در قسمت شرقی کازرون به نام باغ فردوس جهت دفن مؤمنین.

۷- سنگ فرش و تعمیر مسجد نو شیراز.

۸- تأسیس بنیاد (مهدی) و صندوق قرض‌الحسنه.

۹- تأسیس بیت‌المهدی و مدرسه علمیه امام مهدی (ع).

نگارنده گوید: آقای پیشوا منتسب به علامه بحرالعلوم است که ترجمه‌اش زیب و زینت کتب تراجم مانند اعیان الشیعه و روضات الجنات و معارف الرجال و فوائد الرضویه و ریحانه الادب و ده‌ها کتاب رجالی و تراجم دیگر می‌باشد. و او شاگرد علامه وحید بهبهانی بوده و بارها به شرف و فیض ملاقات و زیارت مولایمان حضرت بقیه‌اللّه اعظم امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف رسیده که این نویسنده روسیاه همواره گفته و می گویم:

به امید دیدن او همه عمر زنده باشم

چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

حاج میرزا حسین نوری در جنه‌النعیم و نجم‌الثاقب خود حکایات تشرف آن بزرگوار را ذکر فرموده است. علامه بحرالعلوم قدس اللّه سره که بعد از استادش وحید بهبهانی ریاست عامه و مرجعیت تامه داشت در نجف از دنیا رفته و در نزدیک مقبره شیخ طوسی در مقبره شخصی دفن شده است طاب اللّه ثراه و قبرش از مزارات خاصه نجف است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پیشوایی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پیشوائی

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

•عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال ۱۳۴۹ تاکنون

•مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳

•طی دوره تحصیلات عالی دار التبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال ۱۳۴۹

•اشتغال به تحقیق و تألیف از سال ۱۳۵۱ تاکنون

•همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)

•همکاری با شبکه رادیو معارف (قم –) کارشناس عالی تاریخ و سیره

•همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس

•همکاری با فصلنامه میقات از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵

•همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال ۱۳۸۰

•همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال ۱۳۷۳ تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.

•مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

•سردبیر فصلنامه علمی - تخصصی "تاریخ در آینه پژوهش"

•همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

پیشوائی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقای حاج سید ابو طالب پیشوائی در سال ۱۳۳۲ ق در شهرستان رشت شروع بتحصیلات علوم دینیه نموده و دوره مقدمات و مقداری از سطوح را نزد اساتید وقت مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم رشاد و مرحوم حاج شیخ اسماعیل شفتی صرفی باتمام رسانیدند و در سال ۱۳۳۷ هجری برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات شدند و در کاظمین محضر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید اسمعیل صدر قدس سره مشرف شده و در باب توقف در حوزه نجف اشرف و سامرا با ایشان مشورت نمودند فرمودند لازم است شما بعد از زیارت عتبات نجف اشرف را انتخاب نمائید، زیرا از زمین نجف علم میجوشد.

بعد از تشرف بنجف سطوح عالیه را نزد اساتید وقت مرحوم آقای آقا شیخ اسمعیل تنکابنی و آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آقا میرزا مجید گنجه‌ای و آقا شیخ علی اکبر خونساری و آقا شیخ نعمت‌الله دامغانی و آیه‌الله میرزا احمد آشتیانی و مرحوم آیه‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی قدس سره باتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول مراجع و علماء وقت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و در سال ۱۳۵۰ ق به بندر پهلوی بازگشت نموده و تا حال حاضر باقامه

جماعت در مسجد جامع پهلوی و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین مبین اسلام و اقامه نماز جمعه و تربیت طلاب علوم دینیه در مدرسه قائمیه بندر پهلوی اشتغال دارند.

آثار معظم‌له در پهلوی و حومه آن از این قرار است: ۱- مسجد قریه بشمن ۲- مسجد قریه قلم گوده ۳- مسجد میان پشته ۴- مسجد سجاد ۵- مسجد قریه سنگاچین ۶- مسجد رضویه ۷- مسجد آذربایجانیهای غازیان ۸- مدرسه علمیه قائمیه که با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره و تحت نظر ایشان بنیان گردید که اکنون عده‌ای از طلاب در این مدرسه اشتغال بتحصیلات علوم دینیه دارند و در ضمن محلی است مناسب برای سکونت آقایان مبلغین که در ایام تبلیغ باین شهر وارد میشوند که از طرف ایشان پذیرائی کامل شده و باطراف اعزام میشوند و اکنون یکی از فرزندان معظم‌له بنام آقای آقا سید محمد جواد پیشوائی که جوان فاضل و نجیب و بسیار متدین و عفیف است در حوزه علمیه قم اشتغال بتحصیل دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

پیشوائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العالم الربانی آیةاللّٰه المرحوم حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ قمری ه. در نجف اشرف متولد شده و در سن کودکی در خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۴۱ قمری به قم مهاجرت نمود و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات، ادبیات را از مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و حجةالاسلام آقا سید رضای سید صفی و بعضی از آیات دیگر آموخته و در درس خارج مرحومین آیتین حجت و خونساری شرکت و پس از آن بالغ بر پانزده سال از محضر و دراسات فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده کامل و ضمناً تدریس متون فقه و اصول را نموده تا سال ۱۳۸۰ قمری که بنابر دعوت جمعی از مردم متدین خیابان سلسبیل تهران به تهران عزیمت و تاکنون در خیابان (بوستان سعدی) سکونت و در (مسجد الصادق) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مواعظ حسنه و غیره اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

پیشوائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی سابق‌الذکر از فضلاء و علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و ائمه جماعت مسجد امام است که به جای مرحوم والدش اقامه جماعت دارد دانشمندیست باتقوا و عالمی است با فضیلت در سال ۱۳۰۴ شمسی یعنی چهل و نه سال قبل در این شهرستان به دنیا آمده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و پس از دوران مقدمات با معیت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام حاج سید احمد پیشوائی مقیم تهران که ترجمه‌اش در جلد سوم خواهد آمد سطوح عالی را از اساتید حوزه مانند آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله امام خمینی و دیگران فراگرفته و پس از فراغت

از آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و دیگران حاضر شده و در غالب دروس با این نگارنده شرکت داشته و از بدو ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر ابحاث فقه و اصول آن جناب شده و پس از وی از دروس آیات و زعماء دیگر حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که نهایت توجه و عنایت را به ایشان داشته و دارند استفاده‌های کافی و سرشار نموده و در مسجد امام و محله خود کوچه معروف به حاج نوفل به ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و هم تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیغامی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل پیغامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۸/۱

زندگینامه علمی

آقای عادل پیغامی در سال ۱۳۵۲ ، در تهران از خانواده ای پاك و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دیده به جهان گشود. پس از طی دوران تحصیلات متوسطه در کنکور دانشگاه امام صادق (ع) پذیرفته شد و در سال ۱۳۷۱ همزمان با دورس دانشگاهی ، دروس حوزوی را نیز ادامه داده. از اساتید برجسته و بنام حوزوی ایشان می توان آیات هاشمی تبریزی، مجتهد زاده، باقری کنی، و مصطفوی را نام برد. نامبرده از اساتید موفقی است که طرحهای متعددی جهت آبادانی و عمران کشور ارائه داده است . از نامبرده تالیفات به قلم طبع آراسته شده است که از آن جمله اند:

۱. مبادی منابعه الطبیعی عدل از دیدگاه شهید مطهری.

۲. ساختار پیشنهادی درس نامه فقه الاقتصاد.

نامبرده در کنفرانس های متعدد علمی مشارکت و مقالات ارزشمندی ارائه داده است. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) می باشد. Cv زمستان ۱۳۸۶

الف) مشخصات فردی

نام و نام خانوادگی: عادل پیغامی.

نام پدر: قربانعلی.

سال تولد: ۱۳۵۲.

محل تولد: تهران.

شماره شناسنامه: ۷۷۶۴ صادره از تهران. ب) مشخصات دانشگاهی – تحصیلی

مدرك: کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی.

محل تحصیل: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

سال اخذ مدرک : ۱۳۷۹.

عنوان پایان نامه: تحلیل و شبیه سازی سیاستهای تثبیت اقتصادی با تکیه بر جانب عرضه در مورد ایران.

استاد راهنما: دکتر اکبر کیجانی.

آشنایی با زبانهای انگلیسی، عربی و ترکی استامبولی.

دانشجوی دکترای علوم اقتصادی.

پیوندی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پیوندی

محل تولد : لاسجرد - سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱۴

زندگینامه علمی

دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال۱۳۶۹ دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی خود را با معدل ۴۸/۱۸ در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۸ به عنوان نفر اول دوره و با معدل ۶۸/۱۸ و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم

لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم

الف شرکت در درس تفسیر ترتیبی قران به مدت ۱۰ سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

د شدکت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ه شدکت در درس خارج اصول به مدت ۵ سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)

همچنین لازم است که از اسابید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله ، استاد اعتمادی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، علیدوست و ... نیز یادی کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

پیوندی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پیوندی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی دیپلم گرفتم و در همان سال به حوزه علمیه کاشان راه یافتم. پس از گذراندن سطح اول در کاشان، در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و دروس سطح عالی را تا سال ۱۳۶۹ به اتمام رساندم و در این سالها از محضر اساتیدی چون آیت الله راستی کاشانی ، فخر وجدانی ، اعتمادی ، پایانی ، گنجی و خسرو شاهی استفاده فراوانی بردم. در همین سالها به یادگیری ادبیات داستانی و نمایشی پرداختم و درکنار دروس حوزوی به تدوین داستان و فیلمنامه حضور در کلاسهایی در این مورد بر اطلاعات هنری افزوده و در ضمن در نشریاتی چون مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم.

در سال ۱۳۷۰ به حوزه درسی خارج اصول آیت الله مومن قمی وارد و مدت ۴ سال از محضر استاد استفاده نموده و سپس به محضر درس خارج آیت الله سید عباس خاتم یزدی رفته و مدت ۳ سال نیر در درس فقه این استاد فرزانه به فراگیری فقه آل محمد پرداختم.در سال ۱۳۷۶ در امتحان ورودی دانشکده صدا و سیما شعبه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون، در این دانشکده مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۲ با تدوین پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد تهیه کنندگی از این دانشکده فارغ التحصیل شدم.

در همین حال با همکاری با مرکز پژوهشهای صدا و سیما، و سیمای عربی به تدوین و ساخت فیلمهای مستند پرداخته و توانستم حدود ۱۰ فیلمانه و سریال را تدوین نمایم که با تولید از سوی سیمای عربی در آن شبکه پخش گردید.سردبیری نشریاتی چون سرگرمی های آموزشی و مربی بسیج عقیدتی سیاسی از فعالیتهای دیگر حقیر بوده و هم اکنون نیز مرتبا در موضوعات مختلف در این نشریات مقاله می نویسم.مقالات دیگری نیز در زمینه شخصیت شناسی در فصلنامه «مربیان» دارم و باز مقالات دیگری در موضوعات علوم قرآنی ، تاریخی ، داستانی ، اخلاقی ، اجتماعی دارم که بعضی از آنها در فصلنامه های اندیشه بسیج مربی بسیج اخلاق به چاپ رسیده است.کتابهای« آن سوی پرده» که حاوی دو فیلمنانه است سیمای امام علی علیه السلام و نهج البلاغه «مهمان سپیده» «فریاد سرخ» حاصل فعالیت علمی حقیر در زمینه دین و هنر است. همچنین در تدوین ویراستاری دهها مقاله، و کتاب دیگرنیز همکاری داشته ام.

تازه کام، شعبان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبان تازه کام

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای شعبان تازه کام در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۲و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه ساری گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ساری به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله صانعی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه گرگان علاوه بر معاونت نهاد رهبری در دانشگاهها به امر تدریس نیز اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نبوده و آثاری از قبیل" چهل حدیث در باب ازدواج "و" کوثر رسول "را به رشته تحریر در آورده است

تالهی تویسرکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تألهی از علما اعلام معاصر است در تویسرکان که اکنون در آن سامان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد وی عالمی بزرگوار و جلیل القدر و از شیوخ و کبار دانشمندان حاضر است که تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رسانیده و از محاضر آیات عظام نجف اشرف استفاده نموده و در شهرستان تویسرکان را محل سکونت و خدمات دینی خود قرار داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم میرزا حسین تبریزی از افاضل حوزه علمیه و مبرزین تلامذه و مرحوم آیت‌الله حجت داماد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی به کثرت فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال قدس و صفا معروف و در نهایت تعفف زندگی می‌کرد و در میان شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت به زیادی فهم و بینش مشار بالبنان بود و برای این نگارنده و بعضی دیگر دروس استاد را تقریر می‌نمود و مقداری از مکاسب شیخ و بعض سطوح دیگر را خواندم بسیار متواضع و منیع‌الطبع و کثیرالصمت و قلیل‌الکلام بود فقط در موقع سوال به سخن می‌آمد کمتر کسی را از تلامذه سید استادمان به رتبه فضل و تهذیب و کمالات معنوی وی یافتم جناب حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس طهرانی که از علماء آن سامانست و در مسجد امین‌الدوله تهران امامت می‌نماید در میان حوزه ایشان را انتخاب و به وضع زندگیش رسیدگی می‌کرد و از تحقیقاتش استفاده می‌نمود.

در اوائل ماه شعبان سال ۱۳۶۵ ق وی را به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به تهران برده ولی متاسفانه در آنجا ناگهانی بدرود حیات گفته در سنین کمتر از چهل سال و دوستان خود را به مرگ خود داغدار نمود جنازه او را با تجلیل به شهر ری برده و در جوار مرقد محمد بن بابویه شیخ صدوق دفن نمودند رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ هادی تبریزی از علماء ابرار شهر ری بوده است.

وی در سال ۱۲۹۱ قمری در آذربایجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در تبریز خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محاضر آیات بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن علامه مامقانی و آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آقای شریعت اصفهانی و اعلام دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده. و در مصاحبت علامه بزرگوار مامقانی به ایران برای زیارت ارض اقدس رضوی علیه الصلوه والسلام در زمان (مظفر الدین شاه قاجار) به ایران آمده و مورد تجلیل دولت و ملت قرار گرفته میفرمود مرحوم مامقانی مشرف بزیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام گردیده و نماز مغرب و عشاء را در صحن مطهر بجماعت خوانده جماعتی که نظیرش را ندیدم زیرا سجاده آن مرحوم را نزدیک کفشن کن مردانه گذارده و تمام صحن و مسجد و بازار مردم ایستاده و به آن مرحوم در جماعت اقتدا نمودند و من چون آن روحانیت و منظره را دیدم از خدا خواستم مجاورت زاویه مقدسه را نصیب من فرماید و بعد از تشرف بزیارت حضرت رضا علیه الصلوه و السلام مراجعت به نجف نموده و پس از فوت مرحوم علامه مامقانی و مرحوم آخوند خراسانی به تبریز آمده و چون در اسکو و میلان شیخی‌ها نفوذ کرده بودند برای هدایت و ارشاد مردم به آنجا رفته و مدتی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با آن منحرفین نموده تا در سال ۱۳۶۱ قمری و غائله پیشوری و توده‌ئی‌ها که وی را مورد حمله اهانت قرار دادند مجبور به مهاجرت از آذربایجان و مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را اختیار و در صحن مطهر به اقامه

نماز جماعت و خدمات دینی پرداخته و حتی برای این که از وجوه شرعیه اعاشه نکند با یکی از اخیار شریک و مغازه‌ای گرفته تا در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ قمری در سن هشتاد سالگی وفات و در صحن مطهر در محل نمازش مدفون و تاکنون قبرش مزار خواص و مؤمنین می‌باشد.

نگارنده گوید: مرحوم حاج شیخ هادی جدا عالمی ربانی و آیتی سبحانی و عبادی زاهد و مجتهدی متعبد و دانشمندی متواضع و خلیق و در شهر ری محبوبیت تامه داشت.

داماد ارجمندش جناب ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا ابوطالب حایری خوئی از افاضل اهل منبر ری می‌باشد که در این ناحیه به خدمات دینی و ترویجی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ترابی، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر ترابی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲۹

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مذهبی دیده به دنیا گشوده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرستان شهرضا با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رسانیدم . در سال ۱۳۵۶ به حوزه علمیه قم وارد و در طی سه سال دوران مقدمات را طی کرده به تحصیل مکاسب و رسائل و کفایه در خدمت اساتید بزرگواری مانند آیت الله ستوده و استاد موسوی تهرانی و استاد اعتمادی پرداختم .در سال ۱۳۶۰ همزمان با درس کفایه به خارج قضا و درس رجال آیت الله جعفر سبحانی حاضر شدم . در سال ۱۳۶۱ در درس فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و مدت ۱۳ سال افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم . در خلال حضور در درس اساتید فوق به تدریس ادبیات و لمعه و اصول الفقه اشتغال داشته مدت ۲۴ سال فقه و اصول را تدریس کرده ام و از سال ۱۳۸۰ به تدریس مکاسب و رسائل مشغول هستم . در دوران دفاع مقدس مدت ۱۷ ماه در دفتر نمایندگی امام (ره ـ) پس از رحلت امام قدس سره به دفتر نمایندگی ولی فقیه تغییر نام یافت ـ در تدارکات سپاه به عنوان معاون، خدمت کرده بارها در جبهه دفاع مقدس همگام با رزمندگان دلاور بسیجی حاضر شدم .از کارهای فرعی علاوه بر تبلیغ و عهده دار بودن سمت روحانی کاروانهای حج و عمره , در امر تنظیم سوالات امتحانی حوزه و تصحیح اوراق و ممتحن امتحانات شفاهی حوزه نیز همکاری دارم ولله الحمد .

ترابی، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رشید ترابی واعظی توانا و خطیبی اریب و فاضلی حسیب بودند.

وی در آنجا پرورش و تحصیل خود را در مدرسهٔالواعظین هندوستان تکمیل و در کراچی که یکی از پایگاه‌های مهم شیعه هندوستانست اقامت اختیار و از طریق منبر به تبلیغ ولایت و فضائل اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و در شهرهای بمبئی و حیدرآباد و رنگون و مسقط و لگنهو وحیدآباد سند و لاهور و کویته ط و زنگبار و غیره مسافرت و منبرهای پرشوری رفته است.

مرحوم رشید ترابی بیشتر اساس و برنامه منبرش گفتن مطاعن غاصبین و ظالمین اهل‌بیت و خاندان مظلوم پیغمبر علیهم‌السلام و فضائل آن برگزیدگان عالم بود و مردم پاکستان و هندوستان و غیره توجه و علاقه تامی به منبر و سخنان او داشتند و در هر کجا منبر می‌رفت جای بر مردم تنگ می‌شد و ده‌ها هزار نفر برای استماع بیانات او شرکت و ابراز احساسات و تظاهرات به رسم و عادت خود می‌نمودند.

وی به زبان فارسی و عربی و اردو انگلیسی و غیره وارد و صحبت می‌کرد و همه طبقات را مستفیض می‌نمود.

نگارنده ده شب اول محرم را قبل از منبر وی در حسینیه انجمن ایرانیان در سال ۱۳۸۹ ق منبر رفتم و نسبت به حقیر محبت و علاقه داشت.

فرزندان متعددی داشت که در میان آنان جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فاضل علام آقای حاج میرزا عقیل ترابی از افاضل معاصر است.

وی چندین سال در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشت و در اواخر عمر آن مرحوم مسافرت به نجف و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه حکیم به لندن عزیمت و برای رهبری شیعه هندی انگلستان در آنجا اقامت و به خدمات دینی و تبلیغ دین اسلام و ترویج احکام اشتغال یافته و تا حال تحریر نیز در آنجا به انجام وظائف موفق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ترابی

محل تولد : سکردوبلستان

شهرت

تابعیت : پاکستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی ترابی فرزند احمد از کشور جمهوری اسلامی پاکستان دارای کد ۱۲۵۲۱۸۴ می باشم بنده در سال ۱۹۷۶م به دنیا آمدم در سن ده سالگی در دارالقرآن واقع در منطقه روندو مشغول به فراگیری کلام الله مجید شدم بعد از سن ۱۲ سالگی مشغول به

خواندن دروس دولتی شدم که در همان زمان بخاطر علاقه که به معارف علوم دینی داشتم در یک مدرسه دینی پذیرش شدم و ادامه تحصیلات علوم اسلامی را در کنار علوم دولتی ادامه دادیم. و مدرسه جامعه المنتظر تا حد لمعه ج اول فرا گرفته بودم در این هنگام به تشویق بعضی از استاد شدم برای ادامه تحصیل به کشور جمهوری اسلامی انقلابی ایران شهر مقدس قم آمدم هم اکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سطح ۲ مشغول به ادامه تحصیل می باشم. والسلام

ترابیان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ترابیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۷۲ جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و طی سه سال دوره مقدمات حوزه را طی نمودم و در سال ۷۵ در امتحان ورودی موسسه امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و در کنار دروس موسسه دروس سطح را در محضر اساتید حوزه استادان علیدوست ، محمدی ، حسینی ، عالی ادامه داده در سال ۷۹ دوره سطح سوم را به پایان رسانده در سال ۸۰ در درس خارج آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی شرکت نمودم ولیکن به علت های مختلف در سال ۸۳ به دادگستری رفته به شغل خطیر قضاوت پرداختم و در ضمن در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و اخذ نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم .

تربتی خراسانی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطیب و شاعر. اهل تربت حیدریه بود. وی واعظی فاضل و دانشمند بوده که گاهی هم شعر می‌سروده است. این بیت از او است:

شکستم عهد و پیمانی که با زهد و ریا بستم

چو بستم بر در میخانه با پیمانه پیمانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۱۲۸/۳).

تربتی نژاد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن تربتی نژاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی فنی ماشین افزار با وجود قبولی در کنکور سراسری در رشته مهندسی وارد حوزه علمیه امام خمینی شهرستان گرگان که زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود شدم. ادبیات عرب ، منطق مظفر و مختصر المعانی را به مدت چهار سال در نزد اساتیدی چون حجج اسلام رضمان پور ، برقرار، افضلی و ... پشت سر نهادم و فقه و اصول فقه مظفر ر ا نیز در نزد اساتیدی همچون حجج اسلام میر بهبهانی ، افضلی و مرحوم سید علی رئیسی گذراندم. و همچنین مکاسب محرمه را نزد آیت الله محمدرضا میبدی و رسائل و کفایه را نزد آیت الله نور مفیدی شاگردی نمودم. و در سال تحصیلی ۷۲-۷۱ برای ادامه تحصیل به حوزه علیمه قم مشرف شدم و در این سال کفایه ۲ را نزد استاد آیت الله موسوی تهرانی و بقیه ی مکاسب را محضر اساتیدی مثل حجهٔ الاسلام بیگدلی به اتمام رساندم. بعد از اتمام سطح سوم حوزه به مدت ۲ سال دردرس خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت نمودم و به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز شاگردی نمودم و همچنین لازم به ذکر است که به مدت ۷ سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شاگردی کرده ام.

اما اینجانب دروس دانشگاهی را در سال ۷۳ با قبولی در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در امتحاناتت اختصاصی دانشگاه مفید (مصاحبه ی علمی) در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شده ام. در سال ۷۶ کارشناسی را به اتمام رسانده و ۲ سال بعد یعنی سال ۷۸ با شرکت در کنکور ارشد و کسب رتبه یازدهم در گرایش اندیشه ی سیاسیی مجددا در دانشگاه مفید پذیرفته شده و ادامه تحصیل داه ام و در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم. ولی برای ادامه تحصیل در دکتری تا بحال اقدامی نکردم.

تربتی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ عباسعلی تربتی عالمی ناسک و دانشمندی زاهد و موصوف بتقوا و ورع و ضرب‌المثل مردم خراسان و برای او کرامات و مقاماتی حکایت کنند.

وی عمری را بپاکی و قدس واقعی گذرانیده و تبلیغ قولی و عملی و ایفاء وظیفه کرده و باجل موعود بموالیان طاهرین خود ملحق و در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام در صحن جدید (نادری) مدفون گردیده است.

واعظ نامی و استاد گرامی آقای حاج شیخ حسینعلی راشد فرزند ارجند اوست که شهرتش او را مستغنی از تعریف و ذکر ما نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تربتی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر بن العالم الجلیل تربتی از وعاظ نامی و گویندگان محترم حوزه علمیه قم است که به فضل و دانش موصوف بوده‌اند. در ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۵ قمری در قربه (با یک) که در سه فرسخی تربت حیدریه واقع است متولد شده و در سن هشت سالگی به خواندن ادبیات فارسی و بعد به تحصیل مقدمات عربی پرداخته و در سال ۱۳۴۴ قمری به مشهد مشرف شده و ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری تکمیل و سطوح وسطی و نهائی را نزد عالم جلیل و فاضل نبیل مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و در سال ۱۳۴۸ قمری مهاجرت به قم نموده و رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت مرحوم آقا میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و قسمتی از معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله که حق عظیمی بر ایشان دارند استفاده نموده و پس از فراغت از سطح و خارج به تبلیغ دین و ترویج اخبار و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام از طریق منبر و بیان نموده و در اثر تبلیغات دینی وی چند نفری از فرقه ضاله و مضله بهائیه را هدایت بدین نموده تا در ربیع‌الثانی ۱۳۸۳ قمری به کسالت سرطان از دنیا رفته و در قبرستان ابوحسین مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ترخان، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم ترخان

محل تولد : بن جی کول ، نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی

ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

ترشیزی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسماعیل ترشیزی (کاشمری) از بزرگان علماء و رؤساء روحانیون عصر از شاگردان آیت‌اللّه العظمی میرزاء مجدد شیرازی در سامرا و از رفقاء و اصدقاء مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (مقیم مشهد) بوده و در مشهد مقدس اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد داشته و نیز حوزه تدریس تا در حدود ۱۳۲۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترکاشوند، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ترکاشوند

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ پس از اخذ سوم راهنمائی به دلیل سکونت خانواده در کرمانشاه وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) آن شهر شدم و در محضر اساتیدی همچون استاد محسنی، شریفی ، نظری، به تحصیل ادبیات عرب ، منطق ، معانی، تفسیر مشغول شدم و البته مدتی نیز اصول را در محضر حضرت آیت الله نجومی تلمذ نمودم .

در سال ۱۳۷۴ به تهران عزیمت نموده و در حوزه علمیه مروی به ادامه تحصیل پرداختم لمعه را در نزد استاد قاسمی و اصول را در

نزد استاد سعیدی تلمذ نمودم و سپس رسائل را در نزد استاد شریف زاده ، مکاسب را در نزد آیت الله مقتدایی و آیت الله هاشمی تبریزی، فلسفه را در نزد استاد طبرستانی تلمذ نمودم و در این مدت در تهران نیز به امور تبلیغی و امامت جماعت اشتغال داشتم.در سال ۱۳۸۰ توفیق سکونت و تحصیل در بلده طیبه قم نصیب گردید و دوره سطح را در نزد اساتیدی همچون آیت الله استادی و مرحوم استاد روستا ارسنجانی و استاد موسوی تهرانی به پایان رساندم. در سال ۸۱ همزمان با ورود به دوره خارج و بهره گیری از محضر آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی در مرکز تخصصی علم کلام به عنوان دانش پژوه مقطع سطح ۳ مشغول به تحصیل شدم و از محضر اساتیدی همچون ربانی گلپایگانی مومنی ،خسرو پناه، توفیقی بهره مند شدم و پس از پایان دوره به تدوین پایان نامه با عنوان" بررسی مبانی فکری و اعتقادی معاویه "مشغول شدم.

از سال ۱۳۸۱ همزمان با تحصیل به امور پژوهشی و تحقیقی نیز مشغول شده و با مراکزی همچون مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه ، موسسه تحقیقاتی ولی عصر ، موسسه تحقیقاتی طه و ... همکاری داشته و مقالاتی را تدوین نمودم. در سال ۱۳۸۳ ضمن تدوین و آمده سازی یک متن درسی اعتقادی جهت تدریس در حوزه علمیه علوی به تدریس در آن حوزه شریفه نیز مشغول شدم که این همکاری هنوز نیز ادامه دارد و همچنین به تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهرا نیز مشغول می باشم. همچنین از سال تحصیلی ۸۵ نیز به صلاحدید مسئولین و بزرگان مرکز تخصصی علوم کلام به عنوان معاونت آموزشی این مرکز مشغول به خدمت گزاری می باشم. از خداوند تبارک و تعالی حسن عاقبت و توفیق شناخت و عمل به تکالیف را خواستارم.

ترکه، مظفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب و واعظ، معاصر شاه عباس صفوی. در هجو ساروتقی (بعداً به نام او اشاره خواهد شد) اشعاری دارد که از آن جمله است:

ساروتقی که امروز ایرانیان مدار است

یاران حذر نمائید الماس لکّه دار است

در گنجینه آثار تاریخی اصفهان(:۵۴۸) نقل از قصص الخاقانی(۲:۸۰) گوید:

در دوره شاه اسماعیل اول به منصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده، و تولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده. در سال ۱۰۷۶ جزو منشیان دربار شاه عباس ثانی بوده، مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده است.

نور صادقی در کتاب اصفهان(:۵۴۸) در ضمن شرح حال میرزا ابو تراب خطّاط اصفهانی گوید: در جنب مسجد لنبان در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه، که از اجلّه علما و فقها بود. دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تفسیری تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن فرزند حجت‌الاسلام مرحوم حاج میرزا علی مرندی یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران بودند- والد ماجدش در سال ۱۲۹۰ قمری پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف به تبریز مراجعت و در کوی امیرخیز اقامت و در آن موقع با مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کوهکمری که در آن محل بودند وصلت کرده و از طیبه عفیفه و صالحه آن مرحوم اولین فرزند را در سال ۱۳۰۰ همان مترجم ما دارا شدند. آن مرحوم در سن ۶ سالگی در مکتب مرحوم حاج ملا حسن که از ادباء و فضلاء عصر خود بودند مشغول تحصیل علم و کمال گشته و مقدمات را همان مکتب فراگرفته و در سن ۱۰ سالگی در مدرسه طالبیه به تحصیل علوم صرف و نحو اشتغال ورزیده و در حدود ۱۵ سالگی مطول را از مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ حسینعلی تبریزی که در علوم ادبی عربی شهرت به سزائی داشته و سپس شرایع و شرح لمعه را از عالم ربانی آمیرزا رضا نوری فراگرفته و در حدود ۲۰ سالگی رسائل و مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن انگجی فراگرفته و شرح اشارات و تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را در محضر مرحوم صراف تلمذ نموده و پس از پایان مراحل تحصیلات و کسب اجازه در نقل احادیث از مراجع عالیقدر آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و حاج عبدالکریم حایری و مرحوم آیت‌اللّه حجت در سال ۱۳۳۵ قمری بنا بر تقاضای اهالی کوی اهراب به آن محل منتقل و در مسجد معروف ملاـ محسن به اقامه نماز جماعت و ارشاد وعظ پرداخته و در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ شمسی به ترجمه و تفسیر قرآن با تشریک مساعی مرحوم حاج میرزا علی خیابانی موفق و در کتابفروشی اقبال چاپ و منتشر گردیده و در آن موقع از طرف یکی از اساتید شایسته دانشگاه تهران به لقب تفسیری مشهور و معروف شدند.

فقید سعید مدت ۳۰ سال به تهذیب اخلاق و تقویت روحی انسان‌ها پرداخت و عده‌ای از فضلاء و اخیار از بیانات و دروس آموزنده و سازنده او استفاده نموده و به مراتب عالیه رسیده‌اند که از آنهاست استاد محمد تقی جعفری تبریزی دانشمند محترم و نویسنده ارجمند معاصر که درباره ایشان چنین می گوید.

(یکی از موفقیت آمیزترین دورانهای زندگی اینجانب دورانی بود که در تبریز موفق به حضور در جلسات وعظ و ارشاد فقید سعید گذشته توصیف حالات ربانی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج شیخ حسن تفسیری قدس‌اللّه سره و نورانیتی در هنگام ارشاد چهره او را فرامی گرفت که امکان ناپذیر یا خیلی دشوار است آنچه توصیف و تشریح امواج روحانی که از دل سرمی کشد و در دل‌ها می‌نشیند امکان‌پذیر نباشد.

او که می گفت راه بروید خود در حال توقف وجود نبود بلکه خود راه میرفت و به دیگران می گفت راه بروید. می گفت راستگو باشید خود واقعا از دروغ متنفر بود او از آن جمله مربیان زندگی اسلامی بود که طعم سازندگی اسلام را حقیقتا چشیده بود هرگز فراموش نمی کنم که وقتی آیات قرآنی را تفسیر می‌فرمود همین که آیه یا آیاتی را می‌خواند خود الفاظ قرآنی تجسم معنی به خود می گرفت و درون شنوندگان را دگرگون می کرد. یکی دیگر از با عظمت‌ترین امتیازات آن مرد کمال یافته این بود که هیچ مطلبی را بدون ماخذ صحیح عظمی یا نظمی مطرح نمی کرد.

امتیاز دیگری که همه آشنایان آن مرحوم در او دیده‌اند خود سازی شایسته‌ای بود که در کمتر اشخاص دیده می‌شود حالات ربانی آن مرحوم به خوبی اثبات می کند که از خودخواهی گذشت به خودیابی رسیده وسپس به آن خود سازی که انسان را به بارگاه خدا رهنمون می‌شود موفق گشته بود.

شادروان تفسیری در سال ۱۳۲۴ شمسی به تهران مهاجرت و به علت استقبال علاقمندی مردم تهران و آذربایجانیهای مقیم مرکز در آن اقامت نموده و در یکی از مساجد بازار به اقامت جماعات اشتغال و به تدریج مجالس وعظ و خطابه مجدد آغاز گردیده در این مجالس عده‌ای از معاریف علماء مبارز از بیانات و منابر شادروان تفسیری استفاده می‌نمونند.

در طول زندگی حدود ۳۰ بار مشرف به عتبات عالیات و مشهد مقدس رضوی و دوازده بار توفیق زیارت بیت‌اللّه الحرام را داشته و

در خلال سفر حج همیشه به عنوان مرجع مسائل دینی حجاج بوده‌اند.
فقید سعید دارای فضائل اخلاقی فوق‌العاده بوده و در مراتب زهد و تقوا کم نظیر بوده‌اند به نحوه‌ای که عده‌ای از رفقا و دوستان نزدیکش وی را مقدس اردبیلی عصر خود می‌ستودند از صفات برجسته آن مرحوم امانت در قول و فعل که سخت مراقب و مواظب به معنی واقعی امین بود.
غیب و بدگوئی از دیگران در حضور ایشان غیر ممکن بود به احدی اجازه بدگوئی و غیبت از دیگران را نمیدادند. امر به معروف و نهی از منکر را برای خود فریضه می‌دانست (چنانچه بر هر متمکنی فریضه است) و عمل می‌کرد و از کسی باک نداشت. به نماز و قرآن عشق و علاقه عجیبی داشت و تمام نوافل را به جا می‌آورد.
در بزرگداشت مساجد و احترام معبدی آنها سعی فراوانی داشت. مساجد زیادی در تهران شاهد نماز و نیایش و سجود آن فقید سعید می‌باشد به زیارت عاشورا مداومت داشت و در وصیتنامه خود نوشته و تاکید کرده بود که زیارت‌نامه عاشورا موقع دفن به سینه او گذارند. عشق عجیبی به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام داشت و هر وقت یاد آن شهید مظلوم می‌کرد بی‌اختیار اشک می‌ریخت.
از مستمندان و فقیران دستگیری می‌کرده و برای خود یک امر لازم و واجب می‌دانست و برای علما و سادات احترام بسیاری قائل بود.
مرحوم تفسیری سه ماه قبل از فوتش کلیه کتابهای خود را به کتابخانه دارالتبلیغ اسلامی قم اهداء نمود و باقیات الصالحات بعد از مرگ خود قرار داد. و در بیستم جمادی‌الاولی ۱۳۹۷ قمری برابر نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۶ شمسی پس از یک دوره نقاهت کوتاه دعوت حق را لبیک گفته و در گورستان بهشت زهرا تهران در آرامگاه مخصوص (شماره ۳۲۸) به خاک سپرده شد در تهران و قم و تبریز مجالس عدیده‌ای از طرف علماء و مراجع عظام برای بزرگداشت او برگزار شد. دارای سه فرزند ذکور به نام آقایان حاج علی- حاج محمد- حسین آقا از تجار محترم تهران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تقدیری بشرویه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقدیری بشرویه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۶/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه ولیعصر (عج) شهرستان خوانسار وارد شدم و علوم مقدماتی را در نزد ابوی مرحوم حضرت آیت الله شیخ هاشم تقدیری سبزواری (ره) تلمذ نمودم. سطح فقه و اصول را در نزد اساتید بزرگوار حضرت حجهٔ السلام والمسلمین نیازی خرم آبادی و حجهٔ السلام و المسلمین رفیعان نیشابوری و دیگراستادان آن حوزه استفاده نمودم. در سال ۱۳۶۹ برای تکمیل دروس

حوزه به شهر قم عزیمت نمودم و سطوح عالی رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر حضرات اساتید حجهٔ الاسلام موسوی تهرانی، مرحوم آیهٔ الله پایانی (ره) ، مرحوم آیهٔ الله صالحی مازندرانی (ره) ودروس خارج حوزه را در محضرحضرات اساتید آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، آیهٔالله جوادی آملی و دیگر بزرگواران بسیاری بهره بردم.در حین تحصیل به جهت علاقه وافربه تربیت نسل جوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از محضر استاد هنرمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین راستگو؛ شیوه های مهارتی تربیتی و پرورشی را آموختم که تا کنون ازسرمایه های علمی آن مرکز در راه تبلیغ و تربیت نسل جوان بسیار بهره مند شده ام وهمچنین به عضویت گروه پژوهش کودك و نوجوان صدا وسیمای قم و دوره های نقد ادبی حوزه از محضر استادان حجهٔ الاسلام والمسلمین جواد محدثی و دهنوی درراه خدمت به فرهنگ علمی جامعه از شیوه های نگارش و ویرایش استفاده کردم. وپس از مدتی کوتاه به مؤسسه فرهنگی دار الحدیث توفیق تحقیق و مصدریابی یافتم و چندین سال از علوم حدیث و معارف اهل بیت هم در راه رشد فکری خویش از آن مؤسسه فرهنگی بهره ها بردم.ازتوفیقات بنده در راه خدمت به معارف اهل بیت علهیم السلام، ورود به مؤسسه مذاهب اسلامی جهت شرکت در دوره های آموزشی وتخصصی مذاهب اسلامی بوده است. ودرتبلیغ و اطلاع رسانی به ویژه در مناطق اهل سنت و مرزی واجرای برنامه ی کلاسی و اردویی ونویسندگی در خدمت بوده ام.

تقدیری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقدیری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در ۵ مسیر دارای فعالیت بوده‌ام:

۱- تحصیل: تحصیلات دبیرستان تا دیپلم در رشته ریاضی و فیزیك در دبیرستان امام صادق(ع) قم گذراندم پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مدرسه رسالت شدم و تا لمعتین در آن مدرسه تحصیل کردم از حضور اساتید معظم نکونام، طالقانی(ادبیات)، فشارکی (سیوطی)، (اصول)، کریمی، صالحی افغانی، نکونام، حائری، لمعه (اشتهاردی، محامی وجدانی فخر) استفاده کردم و رسائل را خدمت استاد اعتماد و موسوی تهرانی و مکاسب را خدمت استاد مرحوم پایانی، اشتهاردی، ستوده استفاده کردم و هم زمان فلسفه و بدایه و نهایه را خدمت استاد فیاضی تلمذ نمودم و سپس وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و آیت الله هاشم شاهرودی شدم و فقه را نزد آیت الله تبریزی و مکارم و مددی و سید کاظم حائری استفاده کردم و خارج بیع را نزد آیت الله هاشمی شاهرودی گذراندم و اکنون مدت ۵ سال است در درس خارج مکاسب محرمه نزد رهبر معظم انقلاب در تهران مشغول هستم همزمان با تحصیل حوزه کارشناسی ارشد الهیات رشته کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم و موضوع

افسردگی و حزن و اندون (مقایسه تطبیقی) در قرآن، سنت و متون دینی و روانشناسی پایان‌نامه‌ام بود همچنین دو سال و نیم دوره معارف در دانشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات گذراندم.

۲- تحقیق: به طور رسمی از سال ۱۳۷۲ در مؤسسه دارالحدیث جزو محققین همکار در تدوین میزان الحکمه قرار گرفتم که موضوعات تربیتی و اخلاقی و روانشناسی مانند اخلاق، حزن، خانواده، خیر و برکت، محبت و عناوین دیگر را تحقیق کردم که دو عنوان آن محبت در قرآن و حدیث، خیر و برکت در قرآن و حدیث منتشر شده است.

۳- تدریس: همزمان با دو عنوان قبل به تدریس دروس منطق، فقه و اصول، کلام، اخلاق و تفسیر اشتغال داشته‌ام مباحث روش تحقیق و روش تبلیغ از مباحث تدریسی بوده است.

۴- تألیف: علاوه بر کتب چاپ شده در تحقیق مقالاتی برای سمینارها و کنفرانسها ارسال می‌داشتم که بعضاً در همان سمینار قرائت شده و سپس چاپ شده است.

۵- تبلیغ: پس از اتمام لمعتین تبلیغ در مدارس، روستاها، سپس دانشگاهها را شروع کردم که مجموعاً ۲۰ سال تبلیغی سابقه دارم و تا سال ۱۳۷۹ که جهت معاونت فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم به تهران آمدم در ۶ دانشگاه کشور و خوابگاههای آن فعالیت داشته‌ام بدلیل آموزش و پرورش کار با کودکان و نوجوانان و تحصیلات دانشگاهی توانستم در تبلیغ مدارس و دانشگاهها اثرات مؤثری داشته باشم. هم اکنون نیز در مساجد شهری و تهران دانشگاه شاهد و مراکز و مجالس به سخنرانی و تبلیغ اشتغال دارم.

در سال ۱۳۷۹ به عنوان معاون فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در خدمت آن امامزاده وارد شدم که علاوه بر کارهای مدیریت ریاست مرکز نجوم آستان مقدسی، مسئول حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (خواهران و برادران –) تدریس در این دو حوزه و تحصیل درس خارج درس مقام معظم رهبری شرکت دارم. و علاوه بر تبلیغ مجموعه ای از خواهران و برادران را برای تبلیغ در مدارس آموزش داده‌ام که در مناسبت‌ها به تبلیغ اعزام می‌شوند. همچنین به عنوان استاد راهنما راهنمایی بیش از ده پایان‌نامه در موضوعات اخلاقی – تربیتی روانشناسی راهنمایی کرده‌ام.

تقدیری، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم تقدیری نیز یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوارند.

وی نیز تحصیلات خود را در مشهد و سایر حوزه‌های علمی به پایان رسانیده و در سبزوار به اقامه جماعت و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

و غیر از آقایان مذکور نیز چند نفری از فضلاء این سامانند، مانند جنابان حجتی‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدحسن علیمحمدی و آقای آقا شیخ حسین شهرستانی که در تهران به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تقوی شیرازی، محمدشریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدشریف بن العالم الجلیل سید محمدحسن بن الفقیه النبیه سید حسین بن السید الجلیل سید علی ابن الشریف الجمیل سید محسن بن سید شاه حسین بن سید زبیر تقوی برقعی رضوی مجتهد ونکی شیرازی نسبش با بیست و چهار واسطه بوسیله جناب موسی مبرقع به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود.

وی در سال ۱۲۷۰ ق در ونک متولد شد و در ۵ سالگی به مکتب رفت و در ۹ سالگی در محضر پدرش به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد و در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و با مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروة) که به اصفهان آمده بود دوستی پیدا کرد و متحدا در محضر درس اساتید اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم متداوله عصر مشغول شده تا آنکه سطوح را تمام کرده و سپس به درس خارج حاج شیخ محمدباقر اصفهانی حاضر و در ۱۷ سالگی مهاجرت به نجف نموده و از محضر درس مرحومین علمین حاج شیخ لطف‌اللَّه و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت دوازده سال تکمیل علوم نقلی و عقلی نموده و خود به اصرار طلاب و محصلین حوزه نجف به تدریس پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از محضرش استفاده نموده تا اینکه به مرض قلبی مبتلاـ و ناچار مراجعت به ایران و شیراز نموده و مورد توجه و احترام و تجلیل شایان علماء و اهالی شیراز قرار گرفته و پس از ورود و پذیرائی علماء او را به مسجد برده و عموم مردم از وی درخواست مجلس بحث و فحص و تدریس نموده و حوزه علمی تشکیل داده و قریب چهل سال به رتق و فتق امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال داشت و نیز کتب عدیده‌ای تألیف و تصنیف نمود که اسامی آنها را یادآور خواهیم شد.

مرحوم آیت‌اللَّه تقوی مزبور از مخالفین سرسخت مشروطه بود و از اینجهت در شیراز تحت فشار مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به اصفهان و تهران رفت و پس از شهادت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللَّه شهید نوری مسافرت به عراق نموده و با مرحوم علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم مباحثه و گفتگو نموده و بعد از چندی به شیراز برگشت و بار دیگر مجلس درس تشکیل و در سال ۱۳۴۲ ق به قصد زیارت مشهد مقدس حرکت و در اصفهان مریض و پس از معالجه چندی در مدرسه صدر مجلس درس و بحث قرار داده و پس از دو سال اقامت برای زیارت ارض اقدس به تهران آمده و در آنجا مرضش شدت تا در بیست و هشتم ماه رمضان ۱۳۵۲ ق وفات و جنازه‌اش را با تشییع عظیمی حمل به قم و به امر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری تعطیل عمومی و تجلیل فراوان از جنازه‌اش نموده و آن مرحوم بر وی نماز خوانده و حسب‌الوصیه‌اش در رواق جدش حضرت موسی مبرقع دفنش نمودند.

آثار علمی آن مرحوم از اینقرار است ۱- تبصرة الناظرین (در دواعی مسیحی) ۲- کشف‌المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و معایب آن) ۳- کشف‌البیان فی تربیة الانسان ۴- تذکرة المسلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر) ۵- رساله نفلیه (در نوافل) ۶- رساله در رد طائفه وهابیه ۷- مرآةالاصول (در اصول دین اسلام) ۸- رساله عملیه محشی به حاشیه خود آن مرحوم ۹- یک دوره فقه فارسی از عبادات تادیات (که در شیراز و اصفهان و تهران چاپ شده) ۱۰- قانون الهی که در شیراز به طبع رسیده است.

آن مرحوم فرزندان عدیده‌ای داشتند که تمامی از ارباب دانش و ادب و زبان و قلم بوده‌اند.

۱- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عنایت‌اللَّه تقوی.

۲- آقا سید عبدالحمید تقوی مدیر روزنامه آرین از نویسندگان معاصر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تقوی شیرازی، هدایت‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید هدایت‌اللَّه تقوی شیرازی بن آیهٔاللَّه سید محمد شریف مجتهد ونکی بن العالم الجلیل سید محمد حسن بن السید الزکی السید حسین بن العالم العلام السید علی از مشاهیر علماء معاصر تهران و دارای وجاهت تامه و مرجعیت عامه و در امر بمعروف و نهی از منکر جدی (ولا یخافه فی اللَّه لومه لائم) بوده و با مرحوم مبرور آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره رفاقت تام و صداقت مخصوص و در اهداف مقدس دینی و اجتماعی وی هم آهنگی داشتند.

در حدود هزار و سیصد و بیست (۱۳۲۰ ق) در شیراز متولد شده و مقدمات را در محضر پدر بزرگوارش آموخته و از علماء عصر شیراز نیز استفاده کرده و آنگاه به قم مشرف شده و چندی در درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه شرکت نموده و مورد توجه و عنایت استاد واقع شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در خدمت مرحومین آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و سایرین علوم دینی خود را تکمیل نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از اساتید مذکور نائل شده آنگاه بشیراز مراجعت و پس از فوت مرحوم والدش سال (۱۳۵۲ ق) بر حسب دعوت بعضی از علماء مرکز به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا آخر عمر سال ۱۳۹۰ ق به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و چندین نفر از صاحبان ادیان مختلفه کلیمی و مسیحی و بهائی در اثر بیانات سودمند ایشان مشرف به اسلام گردیده‌اند. مسجدش در خیابان ادیب‌الممالک (خیابان ری) معروف بمسجد سنگی، از مساجد معروفه تهران و از مراکز حساس تبلیغی دینی می‌باشد.

وی در سال ۱۳۹۰ ق در تهران در سن هفتاد سالگی رحلت نموده و با تجلیل فراوان حمل به نجف و در دارالسیاده (مقبره علماء) مدفون گردیده است.

دارای سه فرزند برومند بنام حجهٔالاسلام آقای آقا سید عبدالعلی و آقا سید غلامرضا و آقا سید عبدالحسین می‌باشند و در میان آنان جناب آقا سید عبدالعلی تقوی شیرازی سالها در قم اقامت و اشتغال بتحصیل داشته و از محضر آیات عظام و مدرسین گرام استفاده نموده و پس از فوت والدش به تهران برگشته و اکنون در مسجد والدش بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تقوی مقدم، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی تقوی مقدم

محل تولد : کهکیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۹ در سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیّه قم شدم. قبل از ورود به حوزه مقدمات ادبیّات عرب را نزد پدرم آموخته بودم. دوره مقدّمات را تا سال ۶۲ به پایان رساندم و از سال ۶۳ به محضر درس لمعه و قوانین حضرت آقای شیخ حسین راستی کاشانی وارد شدم و حقاً از آن محضر پر فیض استفاده بردم. در سال ۶۴ در کنکور سراسری شرکت کرده و با احراز رتبه ۱۵ برای تحصیل جامعه شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. همزمان با دروس سطح حوزه، به صورت پاره وقت و پراکنده درس دانشگاه را نیز تا پایان دوره لیسانس ادامه دادم. از آنجا که سطح علمی دانشگاه را پایین تر از تصور قبلی ام می دیدم، بعد از کارشناسی آن را ادامه نداده و ممحض در دروس حوزه شدم.مکاسب را از محضر مرحوم آقای شیخ احمد پایانی و مکاسب را اغلب از محضر شیخ مصطفی اعتمادی استفاده کردم.

کفایه را در خدمت آقای گنجی فرا گرفتم. در سال ۷۱ وارد مرحله خارج شده و پس از تتبع و شرکت در دروس مشهور، در فقه درس آیةالله آقای سیدمحمد هاشمی شاهرودی و در اصول درس آیةالله آقای شیخ حسین وحیدخراسانی را پسندیدم و ادامه دادم. ۸ سال درس فقه و ۹سال درس اصول را مستمراً شرکت کردم. گزیده درس اصول آقای وحید را از نواهی تا آخر برائت در ۱۰ دفتر یادداشت کردم. در حکمت، بخشهایی از منظومه سبزواری را نزد یکی از فضلا خواندم وبدایهٔ الحکمه را خود مطالعه کرده و نهایهٔ الحکمه را از نوارهای آقای مصباح استفاده کردم. به مقوله هنر و ادبیات مخصوصاً شعر تعلق خاطری داشته و مطالعاتی در این زمینه داشته ام، در شعر فارسی ممارست ورزیده و علاوه بر تتبع گاهی طبع آزمایی نیز کرده ام. از دریچه شعر به وادی عرفان نیز سری زده و مطالعاتی داشته ام. با حوزه علوم اجتماعی نیز چون رشته دانشگاهیم بود آشنایی دارم، با تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ معاصر نیز بیگانه نیستم.

در سال ۱۳۶۱ کتاب «امرئتان و الرجل» از نوشته های شهیده بنت الهدی صدر را که داستانی آموزنده بود تحت عنوان سرنوشت دو خواهر ترجمه کرده که انتشارت جامعه مدرسین آن را چاپ و منتشر کرد. از سال ۷۴ همکاری با مجله تخصصی فقه اهل بیت را آغاز کردم و مقالات فقهی خود را در آن منتشر کردم اغلب مقالات استادم جناب آقای هاشمی شاهرودی که در این مجله انتشار یافته با قلم این بنده به فارسی تقریر شده است. از سال ۷۸ تا ۸۰ مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات را بر عهده داشته و تقریباً همزمان با آن مسئولیت مرکز تحقیقات فقهی قوّه قضائیه نیز به عهده اینجانب واگذار شد. در طول سالهای گذشته مخصوصاً پس از اتمام دروس خارج به تدریس متون فقهی و اصولی نیز اشتغال داشته ام.

تقوی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن تقوی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین تقوی دهاقانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی

و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.

هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم تقوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدکاظم تقوی در سال تحصیلی ۶۳ـ۱۳۶۲ در حالی‌که در سال اول هنرستان ـ رشته راه و ساختمان ـ مشغول تحصیل بودم؛ تحصیل در هنرستان را رها کردم و وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلاء بهشهر در مازندران شدم و پس از سه سال تحصیل در آن حوزه علمیه، در ادامه وارد حوزه علمیه اصفهان ـ مدرسه ذوالفقار ـ شدم و تا سال ۱۳۶۹ در آن حوزه بودم و از سال تحصیلی ۷۱ـ۱۳۷۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و از آن سال تاکنون در این حوزه علمیه مقدسه مشغول تحصیل و استفاده از محضر اساتید می‌باشم. شرح تحصیل بنده در حوزه علمیه قم بدین صورت است که تمام امتحانات کتبی و شفاهی تا پایه دهم را به پایان رساندم و علاوه بر آن چهار نوبت مصاحبه درس خارج فقه و اصول هم انجام دادم که در پرونده ثبت است.

همچنین برای سطح سوم پایان‌نامه‌ای را انتخاب کردم و مشغول نوشتن آن می‌باشم. بیش از ده سال است که در مقطع خارج فقه و اصول از محضر اساتید بزرگوار بهره برده و می‌برم. در درس خارج فقه؛ چهار سال از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی تبریزی(ره)، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و نیز بیش از سه سال از درس تفسیر ایشان بهره بردم و نیز بیش از یکسال از درس‌های کلام جدید این حکیم بزرگوار بهره گرفتم. چهار سال از محضر حضرت آیت الله صانعی استفاده کردم. و اکنون بیش از هفت سال است که از درس‌های خارج فقه فاضل محقق آیت الله سروش محلاتی استفاده می‌برم. از مباحث فقه الحکومه، امر به

معروف و نهی از منکر و سال سوم مباحث قصاص است که مشغول می‌باشیم. همچنین یک درس خصوصی قواعد فقهیه و اکنون خارج حج را از محضر استاد محقق و فاضل حضرت حجةالاسلام والمسلمین سیدضیاء مرتضوی استفاده می کنم. در درس خارج اصول نیز از محضر اساتید بزرگوار به شرح زیر استفاده کردم! حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی یک سال، حضرت آیت الله سبحانی چهار سال، استاد محقق لاریجانی دو سال، استاد فاضل سروش محلاتی یک سال و نیز یک سال از محضر آیت الله صانعی. علاوه بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های جانبی و حاشیه‌ای هم مورد توجهم بود که بدانها اشاره می کنم: دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره‌ای یک ساله. دوره عمومی موسسه در راه حق ـ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی که سال اول و سال دوم را گذراندم ولی به خاطر تعارض درس‌های آنجا با درس‌های حوزه ـ چون درس‌های بعد از ظهر آنجا به صبح تغییر یافت ـ از سال سوم رهایش کردم. دوره اول آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی، دوره عمومی و دوره تخصصی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی ـ از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ـ یک دوره فشرده و کوتاه مدت آشنایی با علوم حدیث در دارالحدیث هم شرکت کردم. ضمناً پس از طی مراحل جذب و گزینش روحانی حج و عمره هم می‌باشم. سال دومی است که در دانشگاه آزاد ساوه درس انقلاب اسلامی را تدریس می کنم. چند سالی است که مجوز تدریس از امور اساتید حوزه نمایندگی ولی فقه در دانشگاه‌ها دارم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مناسبت‌های محرم و ماه مبارک رمضان و بعضی از سال‌ها دهه صفر و دو سال طرح هجرت ـ در همان سال‌های نخست ـ به تبلیغ موفق هستم. البته دو سال ماه رمضان و یک سال محرم مشکل داشتم و موفق نشدم. بیش از پنج سال در کارهای اجرایی و قلمی صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز فصلنامه حکومت اسلامی، فعالیت می کردم. اکنون ـ سال تحصیلی ۸۶ـ۱۳۸۵ در کنار تحصیل و تدریس، در حاشیه به نوشتن برخی مقالات نیز مشغول می‌باشم.

تقی خانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقی خانی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب علی تقی خانی در سال ۱۳۵۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه دماوند شدم بعد از اتمام دوره مقدمات از سال هفتم وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۸۳ شروع به درس خارج در محضر اساتید معظم جوادی آملی، ابوالقاسم علیدوست، آیت الله وحید خراسانی، استاد مددی کردم.

در سال ۸۰ با رتبه ۲۱ در تخصصی قضاء شروع به تحصیل در رشته حقوق کردم و در سال ۸۴ با رتبه ۱۳ در کنکور کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق در دانشگاه پردیس قم – تهران پذیرفته شده و در سال ۸۶ پایان نامه خود را با درجه عالی ۱۹ دفاع کردم.

از ابتدای مهر ۸۶ در دانشگاه آزاد اراک مشغول تدریس هستم.

تقی زاده، لطف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

آقای لطف الله تقی زاده در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال ۱۳۸۱ وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترادر سال ۱۳۸۷از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز "دفاع کرد .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی ، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب،ملکان،مراغه و عجب شیر مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" جنگ جهانی اول و دولت عثمانی "و "ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

توحیدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۲ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال ۱۳۶۳ ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوهٔ آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از

محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلاـ و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.

مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعتمداری.

آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضودهٔ فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفحهٔ القدیر فی شرح خطبهٔ الغدیر؛ القرآن والحجهٔ؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیه؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامه حلی، شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.

رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانمشندان بنام معاصر تبریز است.

وی در سال ۱۳۳۲ قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عفیف و پاکدامنی پرورش یافته است.

دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیه (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلاف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت ۲۵ سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت الله سید حسین حمامی و آیت الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمنا مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:

۱- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الکتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعه و سوره الحدید و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.

۲- نفحه القدیر فی شرح الخطبه الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.

۳- القرآن و الحجه، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.

۴- اربعینیات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهائی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.

۵- الدراسات الدینیه. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.

۶- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.

۷- شرح حدیث اهلیلجه بقلم امروز.

مشایخ اجازه مترجم معظم:

۱- آیت الله العظمی میلانی. ۲- آیت الله العظمی شاهرودی ۳- آیت الله العظمی خوئی ۴- آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی

۵- آیت الله العظمی حکیم طاب ثراه ۶- آیه الله العظمی شریعتمداری.

نگارنده گوید آیت الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوك و معنویت است در محرم و صفر سال ۱۳۹۱ قمری که باعتاب عالیات مشرف بودند چند روزی در کاظمین و سامرا درك مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توکل، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رحیم توکل

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم تجربی درسال ۴۹ ـ ۴۸ در سال ۵۱ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال ۶۰ ـ ۵۹ وارد دروس خارج شدم.دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود ۴ سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و درسال ۶۸ موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال ۷۷ به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال ۸۴ ـ ۸۳) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در میاحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

توکلی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله توکلی

محل تولد : ازنا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مشغول تحصیل بودم در این مدت از محضر آقایان حجهٔ الاسلام مرادی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین وحید میان آبادی- بهرهمند بودم در این دوره حدود ۱۳ بار هم به جبههٔ مقدس نبرد حق علیه باطل عازم شدم با قبولی در امتحانات پایهٔ های ۳و۵و۶ در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم سطوح مکاسب را نزد آیهٔ الله استادی، آیهٔ محفوظی و مرحوم آیهٔ الله وجدانی به پایان رساندم و رسائل نزد آیهٔ الله اعتمادی و کفایهٔ در محضر مرحوم آیهٔ الله پایانی تلمذ نمودم. در این سالیان در کنار دورس حوزوی مقطع دبیرستان را نیز به پایان رساندم و سال ۱۳۶۹ همزمان درس تفسیر و مقداری هم فلسفه را در محضر آیهٔ الله جوادی آملی کسب فیض کردم. از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران- پردیس قم در رشته مدیریت پذیره شدم و تا ۱۳۷۳ مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۲ وارد پژوهشگاه حوزه دانشگاه شدم وهمکاری اینجانب این نهاد مقدس کماکان ادامه دارد.

تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سید ابوالقاسم تهرانی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان قم بوده است که در اوائل تاسیس حوزه از تهران مهاجرت به قم نموده و سالهای متمادی از فیض محضر و درس مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و پس از ایشان از محضر و درس مرحومین علمین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری طاب ثراهما و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به درس ایشان حاضر شده و در زمان ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار فاطمه معصومه علیهاالسلام مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید حسن تهرانی فرزند سید ابوالقاسم تهرانی از علماء باتقوای حاضر حوزه علمیه و ائمه جماعت قم می‌باشند.

ولادتش در تهران واقع شده و در خدمت مرحوم والد به قم آمده و مقدمات و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و حاضر درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیات و زعماء سه گانه حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی می گردد مانند مرحوم والدش بی آلایش و متین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدتقی تهرانی از ائمه جماعت مسجد امام و علماء حوزه علمیه و تلامذه قدیمی مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردیست، پس از فوت مرحوم حایری برای ترویج دین و تبلیغ احکام به شهریار تهران و قصبه رباط کریم چند سالی اقامت نموده و آنگاه به قم مراجعت و تا حدود سال ۱۳۸۲ قمری به وظائف دینی و روحی شاغل سپس دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای باقی خرامیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی‌اکبر سیاه‌پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین‌شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می‌نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده‌اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده‌اند.

وی در اواخر ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شرکت نموده و ضمنا در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی- ره- به آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.

آثار ایشان ۱- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده‌اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).

۲- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه‌گویان) که همان تهافت و تناقض‌گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثابتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ثابتی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی ثابتی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی برابر با سال ۱۳۴۸ هجری قمری در همدان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. پدرش حضرت آیت الله میرزا محمد همدانی از علمای معروف همدان بود که خدمات بسیاری را در همدان انجام داد وی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها در قم به تدریس اشتغال داشته از شاگردان طراز اول آن مرحوم به شمار می‌رفت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ایشان به همدان عزیمت کرده و در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی برابر با محرم سال ۱۳۶۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. استاد ثابتی در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد. او در آغاز به دبستان رفت و در سال ۱۳۲۰ موفق به اتمام آن شد. پس از آن به کسب دروس دینی رو آورد و دروس مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش آغاز کرد؛ اما پس از مدتی پدرش به رحمت پروردگار شتافت و او ناگزیر به حوزه علمیه قم رو آورد تا در آنجا در محضر عالمان و استادان فرهیخته بهرهٔ بسیار ببرد. او در سال ۱۳۲۵ برابر با سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم آمد و ضمن اتمام باقیماندهٔ دروس دورهٔ مقدمات، به تحصیل دوره سطح رو آورد. پس از آن به درس خارج آیات عظام و علمای اعلام دورهٔ خود راه یافت و سالها از محضر علم و عمل آنان بهره‌مند شد. او در طی این سال‌ها از تحصیل اخلاق اسلامی و شرکت در درسهای اخلاق نیز غافل نماند و در کنار فراگیری فقه و اصول به تحصیل علوم فلسفی نیز مبادرت ورزید. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او که جامع المقدمات و بخشی از سیوطی را نزد پدر فرا گرفته بود، در قم در درس مطول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شرکت کرد و معالم را نزد او و نیز آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امام موسی صدر آموخت. او بخشی از لمعهٔ را نزد شهید آیت الله صدوقی(ره) و بخش دیگر آن و نیز رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مشکینی و کفایهٔ را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی(ره) فرا گرفت. با پایان یافتن دروس سطح به درس خارج آیات عظام بروجردی(ره)، امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و اراکی ـ رحمهٔ الله علیهم ـ راه یافت و سالهای متمادی از محضر آنان استفاده کرد. همچنین در بخش علوم عقلی، در درس شرح منظومه و شرح اشارات آیت الله منتظری شرکت جست. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان آیت الله نیری و آیت الله عراقچی اشاره کرد. آیت الله ثابتی در سالهای عمر خود تا به امروز، در عرصه علم و فرهنگ خدمات بسیاری از خود برجای نهاده است. از جمله آنها سفرهای تبلیغی به مناطق گوناگون، عضویت در شوارى استفتائات دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)، تدوین کتاب مجمع المسائل (حاوی استفتائات آن مرجع تقلید) و عضویت در شورای استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی(ره) است. همچنین وی سالها به تدریس کتب دورهٔ مقدمات و سطح اشتغال

داشته و از این رهگذر، طلاب بسیاری را در مکتب تشیع تربیت کرده است. فعالیتهای سیاسی آیت الله ثابتی در پیش و پس از انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشته است. او بارها به افشای ماهیت رژیم طاغوت در شهرهای گوناگون پرداخت همچنین وی از کسانی بود که به دیدار تبعید شدگان در مناطق گوناگون کشور می‌رفت؛ از جمله آ نها، سفر به ایرانشهر و دیدار با رهبر معظم انقلاب که در آن روزگار در تبعید به سر می‌بردند، بود. آیت الله ثابتی هم اکنون در قم حضور دارد و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است.

ثاراللهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمد ثاراللهی همدانی- که از دانشمندان موصوف به دیانت و تقوا و مروجین معروف به صفا و دانش است در سال ۱۳۲۱ ق در یکی از قراء همدان تولد یافته و در خاندان زهد و تقوا تربیت شده و مقدمات فارسی و عربی را در مکتب خانه آن قریه خدمت میرزا علی‌اکبر عالم آنجا آموخته و در سال ۱۳۳۹ ق به عراق سلطان‌آباد مسافرت و به ادامه تحصیل پرداخته و پس از انتقال مرحوم آیت‌الله حایری به قم ایشان هم در سال ۱۳۴۰ به قم آمده و سطوح را خدمت آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی خوانده و به درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و از فقه و احوال آن مرحوم استفاده و پس از فوت ایشان به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبارزه با فرقه ضاله نموده و چندی هم مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ و ارشاد مردم به کردستان و نقاط دیگر رفته و خدمات عالی انجام داده و مورد توجه آیت‌الله گردیده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثقهٔ الشریعهٔ، علی نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در غره‌ی صفر ۱۲۹۱ در اصفهان متولد، و به درس: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا میر محمدتقی مدرس، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی حاضر شده، سپس در مسجد محله نو به امامت و نشر احکام پرداخته، و هم در این شهر در ۱۳۷۶ وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ثقفی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیتهای سیاسی ـ اسلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثمری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ثمری

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و در موسسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. ادبیات و فقه و اصول تا اواسط رسائل و مکاسب را از محضر اساتید معظم صلواتی، تقوی، استادی، مقتدایی، تهرانی، و در ادامه از محضر آیت الله ستوده و آیت الله اعتمادی بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۵۹ با تاسیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم توسط شهدای بزرگوار بهشتی و باهنر در آزمون ورودی مدرسه مذکور شرکت نموده و به مدت یک سال از محضر اساتید آیت الله شاهرودی دکتر احمدی و بقیه اساتید اقتصاد اسلامی فلسفه روانشناسی ادبیات و بقیه دروس را با معدل ۱۸ و اخذ مدرک کارشناسی به پایان رساندم .

در سال ۶۰ در آموزش و پرورش مشهد مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد شدم. از سال ۶۳ مدتی به عنوان عضو هسته گزینش آموزش و پرورش خراسان و سپس معاون پرورشی آن اداره در ضمن تدریس در مراکز تربیت معلم و شرکت در درس کفایه آیت الله مرتضوی تا سال ۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم منتقل شدم انجام وظیفه نمودم.از سال ۶۵ ضمن تدریس در دبیرستان‌های قم در درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، سبحانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به مدت ۱۵ سال شرکت نمودم.

مدت ۵ سال با نظارت آیت الله نوری همدانی بحث حج و مسائل مستحدثه را به صورت استدلالی زیر نظر اساتید بزرگوار ممدوحی و خلیلی بررسی نمودم. از سال ۷۶ به عنوان روحانی حج و عمره در خدمت زائرین بیت الحرام می‌باشم و در طول سال علاوه بر تدریس از منبر وعظ و خطابه در مساجد شهر مقدس قم و بقیه شهرها برای تبلیغ معارف اسلام بهره‌مند می‌باشم به علاوه مدت ۳ سال است به عنوان استاد تاریخ اسلام در دانشگاه تدریس دارم.

ثمری، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد ابراهیم بن خیر الحاج آقای حاج اکبر آقای ثمری گلپایگانی از فضلاء محترم و بنام حوزه علمیه قم است در علیشاه عوض، وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در گوگد گلپایگان (زادگاه آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی) متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات را در حوزه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا هدایت وحید در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری به قم مهاجرت نموه و سطوح را در خدمت آیت‌اللّٰه صدوقی یزدی و آیت‌اللّٰه سلطانی و حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ اسداللّٰه نوراللهی و حجهٔالاسلام آقای حاج آقا رضای صدر تکمیل نموده سپس بدرس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه موسوی

شرکت نموده و از خرمن علوم آنـان بهره‌ها برده آنگـاه در سـال ۱۳۸۸ ق حسب‌الامر آیت‌اللَّه العظمی گلپایگـانی به علیشاه عوض عزیمت نموده و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.
از آثار ایشانست: تعمیر اساسی مسجد جامع و چند باب دکان و مؤسسه‌ی برای مصارف و مخارج مسجد و کتابخانه‌ای برای مسجد که در شرف تکمیل می‌باشد و نیز جلسات متعددی برای تنویر افکار جوانان و مبارزه با افراد منحرف و ضد ولایت در علیشاه عوض و مناطق دیگر شهریار دارند ادام اللَّه توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جاپلقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد اسمعیل بن المرحوم آقا محمد صادق صادقی جاپلقی از علماء و دانشمندان مبرز و مشهور بفضل و تقوای تهران میباشد. وی در سال ۱۳۱۳ ق در یکی از قراء جاپلق که از مضافات اراک است بـدنیا آمـده و پس از رشـد و طی مقدمات به اراک مسافرت نموده و از ابتـداء بـا حضـرت آیت‌اللَّه آقـای حـاج شـیخ محمـد علی اراکی رفیق بحث و شـریک تحصـیل بوده و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمـدعلی خان و آیت‌اللَّه حاج شـیخ محمـد سـلطان العلماء اسـتفاده سـطوح نهائی نموده و از اول ورود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حـایری یزدی در اراک حاضـر جلسـات درس فقه و سـطوح آنجنـاب شـده و پس از مهـاجرت و انتقال ایشان به قم مهاجرت بحوزه علمیه نموده و تا سال ۱۳۵۴ ق از مرحوم آیت‌اللَّه موسـس استفاده و هم چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی (در موقع تبعیدشان به قم) بهره‌مند شده و در سال مزبور منتقل به تهران و در خیابان صـفاری رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر که هشـتاد سال از سن شـریفش می‌گذرد به اقامه جماعت در مسـجد (صـفاری) و ترویج دین و خدمات مذهبی و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد. از آثار ایشان است تقریرات درس فقه و اصول کاملی مرحوم آیت‌اللَّه حایری.
فرزند برومند ایشان جناب ثقةالاسلام آقا شیخ خلیل اللَّه صادقی جاپلقی تهرانی از فضلاء محصلین حوزه علمیه قم است که مدت ده سال در مشـهد مقدس بتحصـیل اشتغال داشته از محضر مدرسین بزرگ استفاده نموده آنگاه به قم مشرف و چندین سال است که از محضر آیات عظام و مدرسین والا مقام حوزه کسب فیض و کمال می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جان محمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جان محمدی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۲/۷

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش" فلسفه روش "ادامه تحصیل می دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریبا بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم . تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جاودان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جاودان

محل تولد : میناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم.در سال ۱۳۴۸هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم.پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فراگرفتم.از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاسم دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال ۱۳۶۷ دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.

بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفقی بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: ۱. فعالیت‌های قرانی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم.۲. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را

نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی(ره) بودند فراگرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله.قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (۶۷) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.

اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند.سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف ۳ الی ۴ سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته.در سال ۱۳۷۶ به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در ۱۳۷۹ به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.

از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم.در سال ۱۳۸۴ به عنوان فلوشیپ (Felowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی ـ علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.

سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید.اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراهداشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد.در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام.هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم).متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد.از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی ـ الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جباری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـای حـاج شـیخ علی‌اکبر بن المرحوم مشـهدی عیسـی جبـاری از گوینـدگان نامی و ائمه جماعت سامی معاصـر تهرانست. وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در شـهر ری (حضـرت عبـدالعظیم حسـنی) متولـد شـده و در یـک خانواده عفیف و پاکـدامن پرورش یافته و به تحصـیل دروس کلاسـی پرداخته و بـا نگارنـده این گنجینه در کلاـس شـشم شـرکت داشـته و پس از پایان دروس جدیـد تا حـدود متوسطه بـه دروس عربی مشـتغل و مقـدمات و سـطوح را از علمـاء و مدرسـین تهران فراگرفتـه و در دروس خـارج آیت‌الله العظمی خونسـاری و آیت‌الله حـاج سـید ابوالحسن معـارف اسـلام در هیئت محترم بنی‌الزهراء و هیئات و مجالس دیگر مـذهبی اشـتغال و در مسجد محمدیه (واقع در خیابان زیبای تهران) به اقامه جماعت و تدریس و تفسیر قرآن مجید مشغول می‌باشند.
بیانی شیرین و ملیح و زبانی فصیح کلامی جامع و صوتی نیکو و منبری پر شور و حرارت دارد.
نگارنـده گویـد، جناب آقای جباری از علماء اخیار و گویندگان ابرار و پرهیزگار حال حاضـر است و از چهل سال قبل که ایشان را شنـاخته‌ام به پـاکی و صـداقت و تقوا یـافته و نقطه ضـعفی از ایشان ندیـده‌ام فرزنـد ارجمنـد ایشان جناب آقا مهـدی جباری از فضلاء اهل منبر و جوانان آراسته و با کمالست که در تهران و حومه به انجام این وظیفه خطیر اشتغال دارد.
آقـای جبـاری دارای آثار علمی و قلمی هسـتند که هنوز به طبع نرسـیده است عـده‌ای از جوانان مسـتعد را تربیت نموده و در سـلک روحانیت وارد نموده‌اند و غالب شبها در مسجد خود به گفتن درس تفسیر و مسائل احکام و مواعظه حسنه اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جباری، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب جباری زنجانی از علماء و ائمه جماعت معاصر زنجانست.
وی در حدود ۱۳۳۸ ق در زنجان متولـد شـده و مقدمات و سـطوح اولیه را در زنجان خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سـطوح عالی را از مدرسـین بزرگ حوزه فراگرفته و پس از آن از محضـر آیات عظام و مراجع بزرگ خارج فقه و اصول را استفاده کرده و به نجف اشـرف مسافرت و از دروس و ابحاث آیات و مدرسـین خارج نجفماننـد آیت‌اللّٰه مرحوم حاج میرزا محمـدباقر زنجانی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و دیگران بهره‌مند شده و به وطن مراجعت و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در شهر زنجان اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جباریان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا جباران

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در پنجم آذر ۱۳۳۷ هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن ۲۰ سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم.در سال ۱۳۵۶ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز ۱۳۵۹ از بروجرد به قم آمدم و تا سال ۱۳۶۵ جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین(ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال ۱۳۶۵ به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال ۱۳۶۸ در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد ۱۳۶۹ به مهاباد عزیمت کردم و به مدت ۱۵ ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال ۱۳۷۵ به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضربزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی ، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال ۱۳۷۵ به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال ۱۳۶۰ و نوشتن را از سال ۱۳۷۱ آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جبرئیلی، محمدصفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صفر جبرئیلی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صفر جبرئیلی در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شهرری آغاز کرده و در قم ادامه داده ام که

هنوز هم اشتغال دارم. طبق سنت حوزه از سال های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته ام.و لذا کتاب های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شهرری، کرج و قم تدریس کرده ام.با اینکه با سیکل وارد حوزه شدم اما در کنار آن چهار سال دبیرستان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و دروس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد.با شروع مراکز تخصصی حوزه به جهت علاقه و دغدغه ای که در مباحث کلامی داشتم در مرکز تخصصی کلام شرکت کردم و مدت چهار سال در سطح چهارم اشتغال به تحصیل داشتم و از اساتید بزرگواری چون آیت آلله سبحانی، حجج اسلام ربانی گلپایگانی، فیاضی و دیگران استفاده کردم.بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سطح ۲ و ۳ تدریس دارم.به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم.به جهت علاقه ای که به تحقیق داشتم از دهه هفتاد رسما "به نوشتن و تحقیق پرداختم که بعضی از مقالات در مجلات علمی چاپ شده است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشگاه اشتغال دارم.با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتباط و همکاری داشته و دارم.در خارج اصول حضرت آیت الله سبحانی و در خارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجانی بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جدیدیان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید جدیدیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اول فروردین ماه سال ۵۳ در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و دوران کودکی خود را در کنار خانواده و جو موجود آن زمان سپری نموده و در مدارس دولتی تحصیلات خود را شروع کردم که دوره ابتدایی و راهنمایی دورانی شیرین و در عین حال پرخاطره بود و سپری شد اما دوره دبیرستان برایم زندگی دیگری آغاز شد و در مدرسه‌ای درس خواندم که حال و هوایش حوزوی و دانشگاهی بود و به شدت مرا تحت تأثیر جو حاکم در این مدرسه قرار داد به نحوی که شیوه زندگی‌ام در آن دوران تغییرات قابل توجهی نمود و مرا به سمت و سوی حوزه متمایل کرد و هدفم را چند برابر متمرکز در حوزه نمود مدرسه‌ای که درس خواندم مدرسه علوم و معارف اسلامی شهید مطهری بود که تحت حمایت مدرسه عالی شهید مطهری تهران اداره می گردید که در این مدرسه با آموزش‌های کلاسیک و چند سالی نیز آموزش‌های حوزوی که کتاب‌های حوزوی همراه کتاب‌های دبیرستانی را فرامی گرفتیم. که در این سال‌ها بنده هم درس می‌خواندم و هم تدریس می کردم تا اینکه دیپلم گرفته و... ناگفته نماند که در دوران تحصیل دبیرستان با دروس حوزوی مأنوس بودم و به شدت علاقه به این دروس سیر زندگیم را به سوی هدف متعالی تغییر

می‌داد.

بعد از دیپلم بدون معطلی در امتحانات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و قبول شدم و رسماً از سال تحصیلی ۷۳ ـ ۷۲ وارد حوزه مقدس قم شده درس خود را آغاز نمودم و تحت نظر اساتید بزرگواری تعلیم دیدم که در این دوران علاوه بر تحصیل در مدرسه شریفه اباصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریس دروس حوزه تا حدی که در توانم بود پرداختم و بعد از گذشت ۸ ـ ۷ سال تحصیلی وارد مرکز تخصصی حوزه علمیه در رشته حقوق و قضای اسلامی شدم و در آنجا سطح دو را خواندم و فارغ التحصیل شدم و الان در آن مرکز مشغول به تحصیل سطح سه در رشته جزا می‌باشم که در این مدت نیز از تدریس بی‌بهره نبودم در عین حال تحصیلات خود را به پایان رساندم و چند سالی است که مشغول به درس خارج بوده‌ام که در این مدت چند سال که از آمدنم به قم می‌گذرد همواره به تحصیل و تدریس در دانشگاه و مراکز حوزوی مشغول هستم تا چه خواهد...

جزایری، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید صدرالدین جزایزی شوشتری ابن العلامه الجلیل السید حسین بن العالم النبیل السید محمد علی بن العلامه السید عبداللَّه بن العالم العلام السید علی اکبر بن العلامه المحدث (صاحب کتاب الاجازه) السید عبداللَّه بن العالم الجلیل السید نورالدین بن العلامه الکبری و الایه العظمی السید نعمت اللَّه جزایری موسویست.

معظم له از مشاهیر علماء مبرز معاصر تهران است که بعلم و فقاهت و فضل و وجاهت موصوف و متصف میباشد.

تولدش در هفتم ذی‌الحجه ۱۳۱۳ ق در نجف اشرف واقع شده و در حدود چهار سالگی در مدرسه مروی رفته و ادبیات و سطوح را تقریبا تا ۱۲ سال در تهران خدمت مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد تنکابنی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد رضا نوری و آیت‌اللَّه آقا میرزا احمد آشتیانی بپایان رسانیده و در ماه شعباه ۱۳۲۵ ق به مشهد مقدس مشرف و قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء آنجا مثل مرحوم حاج فاضل و مرحوم آیت‌اللَّه آقا محمد آقا زاده کفائی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی قمی و دیگران تلمذ نموده و از آنجا بعتبات عالیات مشرف و مدت ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی تلمذ نموده و غالبا از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده و از کلمات نفیسه و شریفه ایشان که نوعا استفادات معارف و اخلاقیات از کتاب ایشان بود استفاده نموده و پنجسال هم در کربلا از محضر مرحوم آیت‌اللَّه قمی فقها و اصولا بهره‌مند شده آنگاه برای زیارت والد ماجدش به تهران آمده و بالضروره رحل اقامت افکنده به اقامه جماعت در مسجد عباس آباد بازار و تدریس فقه و اصول و سایر وظائف دینی و روحی تا حال حاضر اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم گرامی از مدرسین و اساتید مبرز و ماهر مدرسه مروی می‌باشند و حوزه درس فقه و اصولشان مورد استفاده‌ی فضلاء و محصلین تهران بوده و میباشد ادام اللَّه توفیقه و ظله.

(۱۳۸۶ -۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. سید صدرالدین در نجف به دنیا آمد و در چهار سالگی همراه پدر به تهران آمد و از همان سال در مدرسه مروی به تحصیل ادبیات و سطوح، در نزد پدرش و آیت‌اللَّه سید محمد تنکابنی و آیت‌اللَّه شیخ محمدرضا نوری پرداخت و «شرح اشارات» را در محضر آیت‌اللَّه میرزا احمد آشتیانی فراگرفت. ۱۳۲۵ ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس آقازاده و آیت‌اللَّه حاج آقا حسین قمی مدت هفت سال بهره گرفت و سپس به عتبات رفت و مدت ده سال در نزد علامه نایینی و

حاج شیخ محمدحسین اصفهانی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی پس از آن مدت پنج سال نیز نزد آیت‌اللّٰه قمی در کربلا به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. آنگاه به تهران آمد و از مدرسان و استادان فقه و اصول مدرسه مروی شد. از آثار وی «یادداشتهایی در عقاید و مساله ولایت اهل بیت (ع)» را می‌توان نام برد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۲/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۳۰ -۲۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ -۴۲۱/ ۴).

جزایری، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر بن السید الجلیل و العالم النبیل حاج سید محمد حسین بن العلم العلام حاج سید محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللّٰه آقا سید محمد علی موسوی جزایری از علماء اعلام معاصر تهران و مشاهیر احفاد علامه جزایری است.

وی در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و پس از دوران صبا در معیت مرحوم والدش به تهران آمده و از محضر مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی مدرس مدرسه مروی متوفی ۱۳۲۷ ق که ماده تاریخ فوتش کریمه‌ی (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداللّٰه) و آیت‌اللّٰه حاج صید محمد تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده نموده و در اوائل تاسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و بعد مقداری از آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و مسافرتی هم به نجف اشرف نموده و مدت کوتاهی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی مستفیض گشته و در تهران بوظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد (حاج میرزا شفیع) در اول خیابان جنوبی خیام و ترویج دین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخرالدین بن حجهٔالاسلام حاج سید علی بن آیت‌اللّٰه میر محمد علی جزایری از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۰۸ ق متولد شده و در خاندان فضیلت تربیت شده و پس از خواندن متون فقهی و اصول نزد مدرسین و علماء تهران مانند آقا سید محمد مدرسی یزدی و مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی و آقا شیخ علی نوری و در سال ۱۳۴۳ قمری به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و آیات دیگر استفاده نموده و در اواخر مرحوم آقای حایری به تهران مراجعت و تاکنون به اقامه و ترویجات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزمه‌ای قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد جزمه‌ای از علماء مبرز و معروف شهرستان قزوین بوده‌اند. آن مرحوم در قزوین متولد شده و پس از رشد و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در زادگاهش به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال در آن سامان از محضر آیتین علمین علامتین آیت‌اللّٰه آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیت‌اللّٰه آقا سید کاظم یزدی صاحب عروه استفاده نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد و دریافت اجازه اجتهادی از معظم لهما شده که نسخه هر دو نزد نگارنده موجود است.

سپس به قزوین مراجعت کرده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و سرسختانه با منکرات و فحشاء و عاملین آن مبارزه کرده و تا پای ریشه‌کن کردن فساد و مفسدین چه یهود و چه غیر آن مقاومت می‌نمود و در موضوع کشف حجاب نیز در برابر رضاخان و عمالش مبارزه منفی نموده و از شهر مهاجرت و تا مدتی به شهر نیامده تا این موضوع نسبتا راکد و متوقف شد.

و آن بزرگوار در اثر تقوا و پرهیزکاری و پارسائی در نزد مردم محبوبیت داشت و او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. زیرا سالی در قزوین باران نیامد باغات و کشتها خشکید و مردم و کشاورزان به وحشت و هول و هراس قحطی و کمبود افتادند پس آن مرحوم بنا بر دستور والد ماجدشان مرحوم حاج سید ابوالقاسم جزمه‌ای به نماز استسقاء و باران رفته و دعا نموده و باران مفید و سودمندی بارید و مردم بخصوص کشاورزان از نگرانی درآمدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جزی، محمد جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملا عبدالکریم جزی از فضلا و ائمّه جماعت اصفهان، در سفر زیارت در ۱۴ ذی قعده ۱۳۸۳ در مشهد وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جزی، محمّد جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملّاعبدالکریم جزی، از فضلاء و ائمه جماعت اصفهان، در سفر زیارت مشهد در شب ۱۴ ذیعقده ۱۳۸۳ در مشهد وفات یافت و همانجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفر آقائی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن از علماء و ائمه جماعت حاضر شاهرودند که در مسجد خیانیها به نماز جماعت و تبلیغ احکام مشغول می‌باشند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جعفر پیشه فرد، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جعفر پیشه فرد

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد شهر اصفهان در سال ۱۳۴۰ می باشم. سال ۱۳۵۸ دررشته ریاضی فیزیک از دبیرستان ادب اصفهان موفق به اخذ دیپلم گردیدم. اواخر دوره دبیرستان در کنار دروس دبیرستان و همزمان با دوران خفقان و مبارزات علیه نظام ستم شاهی و شرکت در جلسات مذهبی به همراه شهیدان بزرگواری همچون مصطفی ردانی پور و شهیدان عبدالله و رحمت الله میثمی با الهام از اندیشه های متعالی امام خمینی (قدس سره) شروع به خواندن دروس حوزوی و جامع المقدمات کردم. سال ۱۳۵۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. تا سال ۱۳۶۱ دروس مقدماتی را نزد اساتید گرانقدر آن حوزه کهن شامل: جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، معالم الاصول وبخش هایی از مختصر المعانی ، بدایهٔ الحکمه، منظومه ، منطق ، شرح لمعه و غیره را به پایان بردم. درسال تحصیلی ۶۱ توفیق ورود به حوزه علمیه پر رونق و با نشاط قم نصیبم گردید و ادامه دروس سطح را که از اصفهان شروع شده بود نزد اساتید برجسته و مبرز حوزه در آن زمان همچون آیات و حجج بزرگوار، ستوده، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، سید علی محقق داماد، مسعودی، صالحی افغانی (حفظهم الله) به پایان بردم و از سال ۱۳۶۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حوزه، به ویژه حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ محمد تقی بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و غیره شرکت جستم.

ضمنا در طول دوران تحصیل همزمان با تحصیل در فقه و اصول از دروس حکمت اساتید بزرگوار حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و مصباح یزدی بهره جسته و موفق به تلمذ کتاب های منظومه، اسفار، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم، و غیره شد ه ام. در کنار خوشه چینی از محضر اساتید حوزه و تحصیلات حوزوی، در دوره اول کارشناسی ارشد تربیت مدرس دارالشفاء قم نیز به سال ۱۳۶۷ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۱ با دفاع از پایان نامه آن دوره را با عنوان " پدیده و علیت " موفق به اخذ مدرک آن گردیم. در بخش تدریس همزمان با تحصیل در حوزه اصفهان به لطف الهی درس و بحث متون خوانده شده را آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضر، با عنایت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم داشته است و از دروس مقدماتی و ادبیات تا شرح لمعه وسطوح عالی همچون حلقات الاصول، رسائل و مکاسب و کفایه تا خارج فقه و اصول و همچنین دروس منقول

همچون بدایه و نهایهٔ الحکمه و اسفار اربعه را ، به فضل پروردگار در مراکز مختلف علمی حوزه، همچون فیضیه، دارالشفاء ، مدرسه حجتیه، مدرسه شهیدین، جامعه الزهرا، یا دانشگاه ها ارائه کرده ام و هم اینک به عنوان هیئت علمی و عضو گروه فقه و اصول مرکز جهانی توفیق خدمت دارم ؛ ضمن آنکه از سال ۱۳۷۶ همکاری با بخش استفتائات کتبی و شفاهی دفتر مقام معظم رهبری ، نصیبم شده است. در بخش پژوهش و تحقیق، کار رسمی تحقیق و قلم زدن حقیر به طور رسمی از حدود سال ۷۲ با همکاری با ستاد مبارزه با مواد مخدر و تالیف کتاب اضرار به نفس، با کمک بعضی از دوستان شروع شد و در ادامه به همکاری در بخش تحقیقات دبیرخانه خبرگان و برخی مراکز پژوهشی دیگر پرداختم که حاصل آن ارائه چندین جلد کتاب بوده است، ضمن آنکه توفیق تهیه ده ها مقاله برای کنگره ها و نشریات معتبر داخلی و خارجی و روزنامه ها را داشته ام و اکنون افتخار عضویت در تحریریه برخی از مجلات مثل مجله حکومت اسلامی را دارا می باشم.

جعفری پور، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن جعفری پور

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

جعفری فرانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت

نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرك دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری همدانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غلامحسین جعفری همدانی از علماء ابرار معاصر تهرانست و در یکی از شبستانهای جنوبی مسجد جامع به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ ق در ده هنجرین در جزین همدان واقع شده و در تحت تربیت مرحوم والدش که مرد متدین و با تقوا و به عدالت موصوف و به تقوا و پرهیزکاری معروف بوده نشو و نما یافته و در محل خود تحصیل مقدمات نموده و به همدان آمده و قسمتی از ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به قم مشرف و مقداری از سطوح را چند سالی در حوزه علمیه قم فراگرفته و بعد مهاجرت به نجف نموده و کفایه را نزد مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی سطحا و خارجا استفاده نموده و بعد در درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی فقها و اصولاـ شرکت کرده و هم از دروس اصول و فقه فقیه اهل البیت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و مقداری هم در درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شده و از معقول مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین باد کوبه‌ای بهره‌مند گردیده است چندین سال در نجف بتدریس متون فقه و اصول اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۶۸ ق که به ایران مراجعت و در تهران رحل اقامت افکنده و تا هم اکنون بخدمات دینی و روحی و تدریس اشتغال دارند در امور دینی بسیار متعصب و غیور و در امر بمعروف و نهی از منکر حتی المقدور کوتاهی نمی‌کند و در همین زمینه ابتلا آتی داشته و تحمل مشاقی در راه دین نموده است.

از آثار قلمی ایشان است: ۱- جزاوتی از دروس و مباحثات آیت‌اللّه مشکینی. ۲- جزوات تقریرات دروس آیت‌اللّه اصفهانی. ۳- دوره‌ی تقریرات دروس آیت‌اللّه آقا ضیاء الدین عراقی ۴- تقریرات درس آیت‌اللّه نائینی. ۵- تقریرات دروس آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جعفری، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد جعفری

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیّه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان زنجان شدم و همزمان دوره دبیرستان را در مدرسه شبانه خواندم و دیپلم تجربی گرفتم. بعد از اتمام پایه ششم حوزه در زنجان، در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیّه قم شدم و طی ۳ سال مقطع سطح حوزه را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج فقه آایت الله العظمی سیّدموسی شبیری زنجانی و درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی شدم و همزمان در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. مدّت شش سال حضور مداوم در درس اصول و تفسیر داشتم و در درس فقه اینک نیز شرکت می کنم.

در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت قم شدم و سال ۱۳۸۳ سطح چهار حوزه (دکترا) را در آنجا تمام کردم. از بدو ورود به قم در درس شرح منظومه استاد مهندسی شرکت کردم و کلّ کتاب را با ایشان خواندم و بعد به درس شرح اشارات استاد غلامرضا فیاضی رفتم که بعد از دو سال آن درس را به استاد حشمت پور سپردند و بنده درس را با ایشان ادامه دادم. کتاب بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نیز با نوارهای استاد فیاضی خودم مطالعه کردم. در سال ۱۳۸۱ حدود شش ماه در کلاسهای حدیث دارالحدیث شرکت کردم. مقاله«جمال یار» در اوصاف ظاهری حضرت که در مجله انتظار فصل نامه تخصصی مهدویت در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده بود در اولین جشنواره مطبوعات، مقاله برگزیده شناخته شد.

حوزه اصلی پژوهش بنده موضوع امامت و مهدویت است و مقالاتی را غیر از مقاله جمال یارنوشتم که در قسمت مقالات به آنها اشاره خواهم کرد. بنده از سال ۱۳۸۳ شروع به تدریس منبع شناسی در مرکز تخصصی مهدویت در مقطع سطح سه حوزه کردم و در سال ۱۳۸۴ نیز مسئولیت واحد پرسش و پاسخ پژوهشکده مهدویت را بر عهده دارم و کارهای تحقیقی و پژوهشی برای پاسخ به سوالات و شبهات راجع به امام عصر(عج) را انجام می دهم و در تابستانها نیز از طرف مرکز تخصصی مهدویت برای تدریس دوره های فشرده مهدویت عازم شهرستانها می شویم و در حوزه های علمیّه تدریس می کنم.

جعفری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا جعفری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۰/۱۸

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۷۳بعد از اتمام خدمت سربازی به حوزه علمیه تهران وارد شدم و د ر مدرسه امین الدوله خدمت حضرت آیهٔ الله حق شناس دام ظله مشغول فرا گیری علوم حوزوی شدم. بعد از اتمام پایه ششم درسال ۱۳۷۶به مدت یکسال در مدرسه امام حسین علیه السلام تهران مشغول کار آموزشی بودم. بعد از آن به قم مقدسه آمدم .

در سال ۱۳۷۸ در دروس مکاسب و رسائل مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم و د رهمان سالها درکلاسهای به اصطلاح تابعه که از طرف دفتر آیه الله فاضل(ره) برگزار شده بود شرکت داشتم تا اینکه در سال ۱۳۸۳وارد مرکز تخصصی فقه واصول ائمه اطهار و درحال مشغول می باشم . در ضمن به طور غیر حضوری در مؤسسه امام خمینی(ره) در رشته کلام مشغول تحصیل می باشم.

جعفری، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رسول جعفری شیاده

محل تولد : شیاده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید رسول جعفری شیاده معروف به جعفری فرزند مرحوم سید علیجان جعفری شیاده در سال ۱۳۳۱ ه. ش در روستای شیاده از توابع شهرستان بابل به دنیا آمدم. دوران کودکی را در آنجا سپری کردم اما با وجود مدرسه دولتی در آن جا ، از تحصیل در آن محروم بودم؛ زیرا مرحوم پدرم چنین می پنداشت که در مدارس دولتی نه تنها بچه ها تربیت اسلامی پیدا نمی کنند که بی تربیت نیز می شوند! و بی دین بار می آینند لکن چون خود او سواد قرآنی یا خواندن و نوشتن داشت، مرا نیز بر این اساس خوانا و نویسا بار آورد؛ لذا در سن شانزده سالگی یعنی در اواخر سال تحصیلی ۱۳۴۷ ه ش، که به مدرسه علمیّه مسجد آقا عباس آمل به عنوان طالب علم مراجعه کردم.

زمینه تحصیل علوم حوزوی را داشتم و در سال بعد به حوزه علمیه مسجد جامع شهرستان آمل منتقل شدم و چون همزمان با دوران خدمت سربازی بود و می بایست کارت تحصیلی دوره آموزش و پرورش دریافت می کردم و این مشروط به داشتن حداقل مدرک ششم ابتدایی بود و من از آن محروم بودم، به ناچار به راهنمایی مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری مدیر حوزه علمیّه مسجد جامع، در کلاس ششم ابتدایی به صورت متفرقه یا کلاس شبانه در دبستان سعدی مشغول تحصیل شدم و پس از سه ماه در امتحانات خرداد ماه ۱۳۴۹ شرکت کردم و قبول شدم.

قبولی در این آزمون که به آسانی و صرف کمترین هزینه و وقت همراه بود، مرا وسوسه یا تشویق کرد که همزمان با ادامه تحصیل

دروس حوزوی ـ و البته به صورت قاچاق و به دور از چشم مدیریت مدرسه! ـ و هم چنان به صورت متفرقه، دروس دبیرستانی را پی گیری کنم و بنا بر این در خرداد سال ۱۳۵۰ در کلاس اول دبیرستان نیز قبول شدم. در همین سال ـ یعنی سال ۱۳۵۰ ـ برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه حاج شیخ عبدالحسین پاچنار یا مدرسه آذربایجانی ها مشغول شدم. در این مدرسه که با اشراف مرحوم آیت الله خسروشاهی اداره میشد، در مدت سه سال تحصیلی، قسمتی دیگر از مقدمات و نیز سطح و همزمان کلاس هشتم و نهم دبیرستان ـ نظام قدیم ـ به اتمام رسید. درسال ۱۳۵۳ به حوزه مقدسه قم وارد و مشغول تحصیل شدم و درسال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ قسمتی از مقدمات را تدریس می کردم و در این سال ها تا سال ۱۳۶۰ که البته در اثر انقلاب و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به طور طبیعی با تعطیلی دروس حوزوی همراه بود، لمعتین، اصول فقه، رسائل و مکاسب و کفایه و در علوم عقلی، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را به پایان رسانیدم.

در سال ۱۳۶۰ توفیق حضور در در س های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و بعدها آیت الله شیخ جواد تبریزی را یافتم. در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در کلاس های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کردم و به مدت دو سال، همزمان با تحصیل علوم حوزوی دوره مکالمه و انشاء زبان عربی و انگلیسی را به پایان بردم. در سال ۱۳۶۳ دوره آموزش یا معلمی زبان انگلیسی را در بخش زبان نیروی هوایی جمهوری اسلامی در تهران به اتمام رسانیدم و مدتی نیز در قسمت آموزش زبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تدریس این زبان اشتغال داشتم اما چون به نظر می رسید اشتغال به تدریس زبان با اشتغال به تدریس و تدرس دروس حوزوی برخورد دارد، از آن صرف نظر کردم.

در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ ضمن تحصیل در درس های خارج فقه و اصول وشرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار اربعه تا جلد چهارم را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی (دام ظله) تتلمذ کردم که در آن سال (۱۳۶۸) به علت منع پزشکان از تدریس حضرت آیت الله حسن زاده آملی، حوزه علمیه از افاضه این فیض الهی محروم شدم. در سال ۱۳۶۱ به مدت چهار سال تحصیلی، به صورت هفتگی جلسات ادبی فارسی به همراه دوستان برگزار می کردم و در این ارتباط، مقالات ادبی و وصفی و تحقیقی و اشعاری چند آفریده شد. در سال ۱۳۶۹ در ماه مبارک رمضان برای اولین بار به عنوان مبلغ عرب زبان به لبنان اعزام شدم که این مساله به لطف خداوند در ایام تبلیغی محرم و رمضان و گاه تعطیلات تابستان ادامه یافته است و هم چنان ادامه دارد.

البته در خلال این سال ها یعنی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ دو بار به عنوان مبلغ به یونان اعزام شدم که برای ایرانیان ، مهاجران عرب و پاکستانی به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی تبلیغ می کردم. هم چنین چند بار در سوریه مشغول تبلیغ بوده ام. از سال ۱۳۷۴ نیز به عنوان مبلغ زبان دان در ایام حج تمتع و عمره، توفیق تشرف دارم. ضمن اینکه در قسمت روحانیون کاروان ها نیز چند بار به عنوان حج تمتع و عمره مفرده تشرف حاصل کردم. در سال ۱۳۷۰ باتفاق تنی چند از دوستان به صورت گروهی مشغول تحقیق، تدوین و مباحثه در زمینه موضوعات فقهی شدم که با اشراف حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی صورت می گرفت و درسال ۱۳۷۶ این تحقیقات شکل دیگری به خود گرفت و به مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام که با دستور معظم له تاسیس شد، منتقل شد و از آن تاریخ تا کنون بنده توفیق همکاری با آن مرکز را دارم که در این ارتباط رساله های فقهی تنظیم و تدوین شده است. ضمنا به تدریس لمعتین، اصول فقه، شرح منظومه مرحوم سبزواری و بعدها در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس سطوح عالی: مکاسب محرمه، رسائل، کفایه و مکاسب اشتغال داشته و دارم. در ضمن در برخی از مدارس علمیه قم در زمینه ادبیات فارسی و دروس حوزوی مشغول تدریس بوده و هستم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

جعفری، عصمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عصمت الله جعفری

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۶/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۴۲ در حوزه علمیّه فیضیه/شهر قم

بنده در هفت سالگی مکتب خانه رفتم مشغول درس شدم چون آن زمان مدرسه نبود رسم معلّم را می گفتند ملّا هرهفته خانه یک نفر مشغول درس بودیم حروف تهجی الابجدوقرآن ومصیبت خواندن شش سال به مکتب رفتم درضمن یك درس ازمقدّمات را پیش مرحوم شیخ نجفی می خواندم ۵ سال بعد خودم برای بچّه ها درس میگفتم در آن روستا مقدّمات هم می خواندم سال ۴۲ آمدم قم در منزل امام رضوان الله امتحان کردند در ادبیّات قبول شدم شهریه ای مختصری درست شد بنده درس ها را با ردیف خواندم امتحان دادم قبول شدم شهریه ای رتبه ای یک می گیرم بعد هجرت به ساوه اول انقلاب بود در ستونهای قبلی کمّیت و کیفیت آنها را نوشتم واجبات شکیات نصاب الصبیان در روستا خواندم از برشدم به حساب الابجد آشنا هستم درس قرآن راباهیجاخواندم درضمن تحصیل حساب جمع تفریق ضرب چهار عمل اصلی رایادگرفتم وآشنا هستم تا بحال هر جابودم مشغول درس بودم ومن الله التوفیق از روستایان بخش نوبران ساوه عصمت الله جعفری

جعفری، محمد صابر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صابر جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه شدم، مدرک تحصیلی ام سیکل بود . کمی بعد، در کنار دروس حوزه، دیپلم گرفتم، در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم ثبت نام کردم ولی انصراف دادم. درس های حوزه را با شرکت در رشته تخصصی کلام (موسسه امام صادق علیه السلام) ادامه دادم . با پایان تحصیل آنجا جزء گروه اولی بودم که در مرکز تخصصی مهدویت شرکت جسته و کم کم

حوزه فعالیتم را بیشتر به این موضوعات اختصاص دادم. چند مقاله در مجله تخصصی کلام اسلامی و چند مقاله هم در فصلنامه تخصصی انتظار ارائه دادم. هم اکنون معاون پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) هستم، ضمنا جزء هیئت تحریریه فصلنامه علمی تخصصی انتظار از بدو تشکیل بوده ام. اکنون جزء هیئت تحریریه فصلنامه شرق موعود (فارسی)، الموعود (عربی) و Bright future (انگلیسی) هستم.

جعفری، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب فرزند مرحوم محمدحسین جعفری نیز از افاضل نویسندگان و مدرسین معاصر حوزه علمیه و مجتمع مجله مکتب اسلام می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدایی و اولیه در مدرسه جامع و مدرسه امامزاده مراغه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و مقداری از سطوح را در مراغه خدمت مرحوم آقا شیخ حسین پیشنماز و مرحوم حاج شیخ رضا ساجدی و حاج شیخ احمد امینی و حاج سید جواد مقدسی و آقای هبهٔ‌الهی خوانده و در سال ۱۳۴۱ شمسی عزیمت به قم نموده و علیرغم مشکلات مالی و کمبودهای شکننده‌ای با اهتمام تمام به درس و بحث پرداخته و دوره سطح را از محضر اساتیدی مانند آقایان ستوده و اعتمادی و مکارم و سبحانی به پایان رسانیده و همزمان با آن دروس عقلی را از مرحوم آیت‌اللَّه مطهری و آقای حسن‌زاده آملی استفاده کرده و خود نیز به تدریس کتب سطح مشغول بوده و در کنار این تدریس و تدرس دوره عالی دارالتبلیغ اسلامی قم را به اتمام رسانیده و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه گلپایگانی و آیت‌اللَّه آملی حدود پانزده سال شرکت و ادامه داده و در ایام تعطیل و موسم تبلیغ محرم و ماه رمضان در مساجد مهم شهر مراغه تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف جعفری نموده و خدمات ارزنده‌ای از ارشاد نسل جوان و روشن کردن افکار آنان نموده و در ضمن اشتغال به دروس متداوله به نویسندگی علاقه شدیدی داشته و در سن ۱۸ سالگی نخستین سلسله مقالات تحت عنوان درس زندگی در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده و از آن پس در روزنامه ندای حق و مجلاتی مانند نسل نو و پیام شادی و مکتب اسلام مرتبا مقالات ایشان منتشر می‌شد و مدتی هم سر دبیری مجله نسل نو و مدیریت داخلی مکتب اسلامی را به عهده داشته‌اند و در حال حاضر نیز عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام را دارا هستند.

آثار طبع شده ایشان به قرار زیر است:

۱- انسان در جهان بینی اسلامی

۲- ابعاد حکومت اسلامی

۳- بینش تاریخی قرآن

۴- مسلمانان در بستر تاریخ ۵- خوارج در تاریخ

آثار مخطوط آماده طبع

۱- قرآن در قرآن

۲- بینش تاریخی نهج‌البلاغه

۳- شرح دوازده بند محتشم کاشانی تحت عنوان (آن سر که شد به نیزه)

۴- تاریخ علم کلام

۵- حدوث و قدم قرآن- و غیره جزوه‌های دیگری مانند:

۶- نور هدایت در تفسیر قرآن

۷- آداب و اخلاق در حدیث

۸- النور المبین فی شرح تبصره المتعلمین

۹- طبقات متکلمین شیعه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جعفری، یعقوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب جعفری

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ یعقوب جعفری (جعفری نیا) فرزند محمد حسین در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۵ در شهر مراغه در یک خانواده متوسط مذهبی به دنیا آمد و از سن ۶ سالگی در یکی از مکتب خانه های قدیمی شهر به خواندن قرآن مشغول شد و پس از آن در حوزه علمیه مراغه به تحصیل ادبیات فارسی و عربی و متون درسی پرداخت و تا کتاب معالم الاصول را در آنجا خواند. برخی از اساتید ایشان در آن زمان عبارت بودند از: مرحومان شیخ رضا ماجدی و شیخ حسین پیش نماز و شیخ احمد امینی و شیخ حسین هبتی.

وی درسال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و ادامه تحصیل داد. برخی از اساتید ایشان در سطح عبارت بودند از: آیت الله آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی، آیت الله آقای حاج سید یوسف مدنی، آیت الله آقای شیخ ید الله دوزدوزانی، آیت الله آقای ستوده، آیت الله آقای مکارم، آیت الله آقای سبحانی و مرحوم آیت الله آقای سید رضا صدر. همچنین اساتید ایشان در دروس خارج که حدود ۱۵ سال ادامه داشت عبارت بودند از: مرحومان آیت الله شیخ هاشم آملی، آیت الله فیروز آبادی، آیت الله شیخ کاظم تبریزی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی. و نیز از دروس آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی هم استفاده کرد و در دروس عقلی از شهید مفتح و آقای انصاری شیرازی و آقای حسن زاده آملی بهره برد. در کنار خوشه چینی از دانش این بزرگان، خود نیز به تدریس بعضی کتاب های درسی پرداخت و همزمان در سال های ۵۰ تا ۵۶ چندین سال در دارالتبلیغ اسلامی که در آن زمان برنامه های منظمی داشت درس خواند و دوره عالی آن را گذراند و در آنجا از محضر اساتیدی مانند شهید مطهری و مرحوم صدر بلاغی و مرحوم سید مرتضی شبستری و مرحوم آیت الله حاج میرزا باقر ملکی میانجی و مرحوم آیت الله

شیخ اسحاق آستارایی و نیز آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی و آیت الله شبیری زنجانی و دیگران استفاده کرد. از حدود سال ۱۳۴۶ با مطالعه آثار نویسندگان بزرگ مذهبی و روشنفکران آن عصر و برخی از ترجمه کتابهای خارجی و آشنایی باشیوه نگارش، دستی به قلم برد و مقالاتی نوشت که اولین مقاله وی در نشریه مسجد اعظم چاپ شد، تا بالاخره وقت بیشتری را برای مطالعه و تحقیق و نوشتن صرف کرد و مقالات بسیاری را در مجلات مختلف نوشت و سردبیر مجله نسل نو شد که در آن زمان از سوی دارالتبلیغ اسلامی در سطح جوانان منتشر می شد و با استقبال فراوانی روبرو بود.

بعدها نیز سردبیری مجله مکتب اسلام و مجله تخصصی کلام اسلامی را بر عهده داشت. همزمان با این فعالیت های علمی و حوزوی، همواره در موسم های تبلیغی مانند ماه های رمضان و محرم و صفر به تبلیغ می رفت وبیشتر در مساجد و مجالس شهر مراغه انجام وظیفه می کرد. حجهٔ الاسلام جعفری علاوه بر فقه و اصول، در مطالعات و تحقیقات خود در آغاز بیشتر به رشته تاریخ گرایش داشت و در این رشته کتاب هایی را نوشت که بعضی از آنها چاپ شده است مانند: خوارج در تاریخ، مسلمانان در بستر تاریخ، بینش تاریخی قرآن، بینش تاریخی نهج البلاغه، و مقالاتی در تحلیل برخی از وقایع تاریخی. همچنین چندین دوره در مرحله کارشناسی ارشد رشته تخصصی تاریخ در حوزه علمیه تدریس کرده است. پس از آن در مطالعات خود به سوی علم کلام و تاریخ علم کلام و ملل و نحل گرایش یافت و در این رشته نیز کتاب های متعدد و مقالات بسیاری نوشت و در این مرحله بود که مجله کلام اسلامی از سوی موسسه امام صادق علیه السلام وابسته به آیت الله سبحانی، منتشر می شد و نیز در این مرحله به تصحیح برخی از متون کلامی متقدمان پرداخت که از جمله آنها می توان از کتاب شرح جمل العلم از سید مرتضی و کتاب مناهج الیقین از علامه حلی که هر دو با پاورقی های مفصل ایشان به زبان عربی چاپ شده است، نام برد.

سپس سیر فکری ایشان به سوی قرآن و علوم قرآنی و در نهایت تفسیر قرآن تغییر جهت یافت و مطالعات خود را در تفسیر و علوم قرآنی متمرکز کرد و نتیجه آن علاوه بر دهها مقاله در این موضوع که در مجلات مختلف چاپ شده است، چندین کتاب است که از جمله آنها می توان از کتاب سیری در علوم قرآن، پژوهشی درباره صابئین، رسم الخط مصحف، سیمای امام علی در قرآن، تفسیرسوره یوسف، تاریخ اسلام از منظر قرآن و از همه مهمتر مجلدات تفسیر کوثر نام برد که هم اکنون نیز به نوشتن آن مشغول هستند، تفسیر کوثر که یک تفسیر ترتیبی از اول قرآن تا آخر آن است با روش خاص و با توجه به نیازهای روز نگاشته می شود و تاکنون شش جلد آن منتشر شده و پیش بینی می شود که به خواست خدا در ده جلد تمام شود. به خاطر نگارش این تفسیر و سایر فعالیت های قرآنی، در سال ۱۳۸۰ در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تهران، طی مراسمی، ایشان از خادمان قرآن معرفی شدند و توسط رئیس جمهور لوح تقدیر و جایزه به ایشان داده شد. حجهٔ الاسلام جعفری نیا درباره انگیزه خود در نگارش این تفسیر، چنین اظهار داشتند: «باید بگویم همواره معتقد بودم که با نزول قرآن سفره ای از آسمان در زمین گسترده شده که بشر را در طول نسلها و قرنها به میهمانی فرا می خواند و مائده های خود را در اختیار همگان می گذارد و انسان در هر عصری می تواند به اندازه گنجایش استعداد و سعه وجودی خود از این خوان پر خیر و برکت تغذیه کند و بهره گیرد و قرآن مانند باران رحمتی است که هر کسی می تواند به مقدار ظرفیتی که دارد آن را در خود جای دهد "،انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها ".البته در طول تاریخ، اندیشمندان بسیاری در کنار این خوان نعمت نشسته اند و عمر خود را با آن سپری کرده اند و کوشیده اند که یافته های خود را به دیگران منتقل سازند و نتیجه آن، نگارش تفاسیر با ارزشی شده که ازآنها به یادگار مانده است و ما اکنون میراث دار مجموعه ای گران سنگ از تفاسیر گوناگونی هستیم که حاصل تلاش فرزانگانی است که خود را در خدمت قرآن قرار داده اند و سالیان بسیاری از عمر خود را به تفسیر و توضیح و کشف و بین آیات قرآنی گمارده اند و ثروتی عظیم و ماندگار برای ما پیش کش کرده اند.

ولی حقیقت این است که با وجود تمام این تفاسیر پرارزش، هنوز هم گنجینه پایان ناپذیر علوم و معارف قرآنی انباشته از نکات فراوانی است که کشف و استخراج آنها تعمقی دوباره و نگرشی تازه را طلب می کند. و میدان برای پژوهندگان و جویندگان بعدی

همواره باز است که همت گمارند و به اندازه درک و فهم خود در این دریای ناپیدا کرانه غور کنند و مطالب تازه ای بدست آورند. کم ترک الاول للآخر.بخصوص اینکه هر عصری زبان خاص و ادبیات خاص و نیازهای خاصی دارد و لازم است که در هر عصری تفسیرهای جدید و جدیدتری برای قرآن نوشته شود که ضمن وفاداری به مفاهیم قرآنی و پرهیز از تفسیر به رای، معارف بلند آن، مطابق با نیازهای عصر و با زبان روز ارائه شود. نگارش تفسیر کوثر برای رسیدن به چنین هدفی بوده است، ولی آیا این توفیق را به دست آورده است؟ پاسخ آن بر عهده صاحب نظران است.»

جعفریان، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جعفریان

محل تولد : خوراسگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در زادگاهش " خوراسگان "گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به دروس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون«نیماورد»،«نوریه»،«وجده کوچک» استفاده می کرد.

رسول جعفریان در سال ۵۷ هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال ۵۸ هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال ۵۹ هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال ۶۴ هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف،تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جلالی تهرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد ابن العالم الجلیل الحاج السید علینقی الموسوی الجلالی تهرانی مذکور از فضلاء دانشمندان تهران و سبط آیت‌اللّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری می‌باشد.

معظم له در حدود سال ۱۳۵۵ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت- در بیت علم و سیادت و تحصیلات ابتدائی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و بدروس خارج آیات عظام مانند آیت‌اللّه مرحوم محقق یزدی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت تا سال ۱۳۸۲ قمری که در تهران اقامت گزیده و بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مؤلف گوید: آقای جلالی دانشمندی با استعداد و فاضلی برومند و در میان اقران خود مانند والد ارجمندش بمتانت و ظرافت ممتاز و بشرافت حسب و نسب سرافراز میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جلالی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جلالی فرزند ثقةالمحدثین و عمادالذاکرین آقا شیخ محمدعلی واعظ از ائمه جماعت و فضلاء معاصر شاهرودند و در مسجد حضرت ابوالفضل به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد مسلمین موفق می‌باشند.

والد گرامیش از وعاظ و گویندگان معمر شهرستان شاهرود است که بالغ بر شصت سال از راه منبر و نشر احادیث اهل‌بیت (ع) خدمت به مذهب نموده و در حال حاضر هم که دوران تقاعد و کهنسالی را می‌گذراند باز حتی‌المقدور منبر رفته و مردم را از بیانات سودمند خود بهره‌مند می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جلالی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن جلالی شاهرودی از علماء و محدثین معاصر شاهرود بودند.

تولد آن مرحوم در شاهرود واقع شده و تحصیلات خود را در وطن و مشهد مقدس انجام و در زادگاه خود به خدمات روحی و ترویج دین از طریق منبر و جلسات انجام داده و به اجل موعود بعد از سال ۱۳۸۰ ه در شاهرود بدرود حیات گفته است از تألیفات ایشان کتابی در حدیث و مواعظ بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جمالی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جمالی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالا ـ دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم . درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام . در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .

در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایهٔ الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .

پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال ۸۲ به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی

ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال ۷۱ با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیما در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .

البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جنتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد جنتی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱۲/۳

زندگینامه علمی

آیهٔ الله احمد جنّتی در سوم اسفند ۱۳۰۵ هجری شمسی در روستای لادان از بلوک ماربین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرستان اصفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهای پایانی هفته را در روستا به سر می‌برد. مردم روستای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمدش منحصر به وجوه شرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزند بیشتر نداشت. مادر آیهٔ الله احمد جنّتی نیز زنی پاک و صبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تدریس و بعضی از جلسات مذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زندگی می‌گذارند. در زادگاه آیهٔ الله جنّتی و کل آن منطقه مدرسه‌ای وجود نداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، اندکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دورهٔ ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال ۱۳۲۴ در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوّز دریافت کنند و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سر طلاب برمی داشتند؛ کلاههای نمدی را پاره می‌کردند؛ از سر زنان چادر بر می‌داشتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشیده شده بود و مساجد به خلوتی می‌گرایید و ... آیهٔ الله

جنّتی خود، از نزدیک شاهد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل مقدمات و طی کردن برخی از دروس سطح، به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر عالمان و فرزانگان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دورهٔ سطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) شرکت می‌جست. در این مدت از شرکت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیهٔ الله جنّتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صدوقی آموخت و برای آموختن بخشی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیهٔ الله بهاءالدینی رفت. بخشی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سید محمد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی رفت. بخشی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت.با تکمیل دورهٔ سطح به درس خارج بزرگانی چون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره)، آیهٔ الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجّت کوه کمره‌ای(ره) و آیهٔ الله العظمی امام خمینی(ره) رفت و سالها در درس فقه و اصول ایشان به طور جدی شرکت کرد. او در طی این سالها در بعضی از درسهای اخلاق نیز شرکت می‌نمود،تا علاوه بر آموختن علم، عمل به آنها را نیز فراگیرد. آیهٔ الله احمد جنتی در دوران تحصیل خود با فضلائی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم‌پناهی، شهید مفتح، سید کرامت‌الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحدی کرمانی به مباحثه درس می‌پرداخت و با بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید قدوسی، آیهٔ الله مصباح یزدی، آیهٔ الله سبحانی، آیهٔ الله مشکینی و آیهٔ الله امینی رابطهٔ دوستانه و مصاحبت داشت. آیهٔ الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جای نهاده است. او مدت چهارده سال در مدرسهٔ علمیه حقانی به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سطح پرداخته است. مدرسه علمیهٔ حقانی، مدرسه‌ای بود که با هزینهٔ یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شهید قدوسی آغاز به کار کرد. این مدرسه که بسیاری از بزرگان کنونی حوزه، در ادارهٔ آن شرکت داشتند، با ابتکار شهید بهشتی و با طرحی نو و شیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می‌پرداخت که بسیاری از مدیران و متصدیان امور قضایی و اصحاب فرهنگ و پژوهشگران امروز جامعه در آن پرورش یافتند. طلاب این مدرسه در بسیاری از فعالیتهای علمی و سیاسی دورهٔ طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیهٔ الله احمد جنتی بود. آیهٔ الله جنتی به ترجمهٔ برخی از کتب حدیث پیشینیان، از جمله «اثبات الهداهٔ»، «ایقاظ الهجعه»، «تحف‌العقول» و «المواعظ العددیهٔ» پرداخته است.فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیهٔ الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پروندهٔ زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می‌درخشد. آیهٔ الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می‌پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی(ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام(ره) دعوت می‌کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می‌ساخت. او با عضویت در جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، به برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی(ره) ـ همانند جامعه روحانیّت مبارز ـ می‌پرداخت. آیهٔ الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام(ره) حفظ می‌کرد تا با الهام‌گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیرهٔ خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در

سال ۱۳۵۷، آیهٔ الله جنتی در مسؤولیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤولیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی(ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضات دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افرادِ مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجوداین مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیهٔ الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤولیتهای مهم آیهٔ الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می‌آید که با وجود آن، می‌توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره، مصوّبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت. این نهاد همواره مورد هجمهٔ دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیهٔ الله جنتی در طول عمر ۲۴ ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جوادی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالله جوادی دامت برکاته در سال ۱۳۴۱ ق بقم المحمیه مهاجرت نموده و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی حایری حاج شیخ عبدالکریم طاب‌الله ثراه و آیات دیگر استفاده نموده تا بدرجه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات در سال ۱۳۴۸ ق بابهر مراجعت و اقامت دائمی نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

تألیفات و نوشته‌های ایشان از این قرار است:

۱- رساله‌ای در لباس مشکوک.

۲- رساله در قاعده ید که از محضر درس مرحوم آیه‌الله نائینی استفاده نموده.

۳- رساله‌ای در قاعده لاضرر.

۴- جزواتی بعنوان حاشیه بر مکاسب و حواشی بر دررالفوائد آیه‌الله حایری.

۵- رساله مستقلی در ارث.

۶- رساله‌ای در رد مسلک باب و بهاء.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

جوان هوشیار، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر جوان هوشیار

محل تولد : لیلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد ازاخذ مدرک دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج)شهرستان بناب شدم و شش پایه حوزه را درعرض پنج سال تمام کرده وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدم و همزمان با دروس حوزوی در مؤسسه امام خمینی در رشتهٔ روانشناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۴از مؤسسهٔ امام خمینی(ع) با مدرک کارشناسی فارغ التحصیل شدم والآن مشغول تحصیل دروس حوزوی خارج فقه و اصول هستم.

جوانی گلوجه، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جوانی گلوجه

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۷۴وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهرستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم.بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح ۲ این رشته را نیز در تاریخ ۱۳۸۳به پایان رساندم.

در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ ۸۵ نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال ۸۶ می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم.در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم.

مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد.مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد.اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان

محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم.همینطور در پژوهشکده علمی – کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم.اخیرا نیز از پژوهشکده صدا و سیمای مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل چراغی کوتیانی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۲/۲

زندگینامه علمی

در دومین روز از بهار سال ۱۳۵۴،در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم.تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال ۱۳۶۸وارد حوزه علمیه قم شدم.پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال ۱۳۷۷ درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چینِ درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی(مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی(دامت افاضاتهم)،آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی،در سال ۱۳۸۲ در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال ۱۳۸۶ با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چرندابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدعلی چرندابی تبریزی از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در حدود ۱۳۳۴ ق در محله چرنداب تبریز متولد شده و پس از طی دوران صباوت و پرورش صحیح مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت کوه کمری و بعض دیگر استفاده نموده سپس هجرت به نجف اشرف و چندی از دروس و محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی

و آیات دیگر بهره‌مند شده و بواسطه عدم مساعدت هوا به ایران مراجعت و چندی از آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران مستفیض و بنابر اصرار و تقاضای عده‌ای از مومنین تبریز بوطن برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره پرداخته تا در سال ۱۳۷۶ قمری که بواسطه جهانی منتقل به تهران و تا اکنون به اقامه جماعت و وظائف روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای چرندابی دانشمندی ظریف و با تقوا و خوش مجلس و خوش سفر می‌باشد. در سال ۱۳۵۹ ق سفری در مصاحبت ایشان بقصد عراق نموده و حدود دو ماه از محضرشان استفاده خاطره‌های شیرین و عجیبی از آن سفر دارم که از آنها حادثه طوفان آبادان و خرمشهر و بصره و حومه آنها بود که در آن طوفان میلیونها خسارت مالی به ایران و عراق وارد و در اول طوفان ما بر بلم کوچکی سوار و از عراق به ایران برمی‌گشتیم که هوا منقلب و اگر لطف و ترحم پروردگار شامل حال این حقیر و مترجم محترم نشده بود غرق آن طوفان و طعمه کوسه ماهی‌ها و نهنگ‌های خلیج فارس شده بودیم بخاطر دارم که معظم له با حال عجیب و اضطراب غریبی متوسل بذکر غریق شده و مرتبا میگفت: (نجاه منك یا سید الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم اللَّه الرحمن الرحیم) پس خداوند مهربان بفضلش ما را از غرقاب و آن طوفان شدید نجات بخشید و الحمد لله رب العالمین.

و چون بساحل رسیدیم و در منزل میزبان خود وارد شدیم و شب را در آنجا ماندیم ثلثی از شب نگذشته بود که دیدیم آب از زمین اطاق می‌جوشد تا آمدیم حرکت کنیم که تمام اطاقها و منزل و کوچه‌ها و نخلستانها و خلاصه همه آن محیط را آب فراگرفت ناچار چند شبانه روز در کشتی بسر بردیم تا بعد از پانزده روز که آب فرونشست و ما از آنجا حرکت نمودیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

چهار سوقی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد جعفر بهشتی. عالم فاضل فقیه مجتهد اصولی زاهد، از علمای اصفهان، و ائمّه جماعت، پشت و پناه مردم، و در امور بدو استمداد می‌جستند.

مشارالیه در دوره سوّم مجلس شورای ملّی از طرف اعتدالیّون به نمایندگی انتخاب شده و در مجلس شرکت داشت.

در ۲۳ شوّال سال ۱۳۶۳ وفات یافته، در تخت فولاد جنب مسجد مصلّی مدفون گردید.

مرحوم آقا سید علی بدیع زاده متخلّص به «هور» در تاریخ وفاتیش گوید:

می جست خرد سال وفات اسداللَّه

آن حجّت والا گهر نیک دل آگاه

هورش یکی از جمع برون کرد و چنین گفت

پیش اسداللَّه علی رفت اسداللَّه

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل جامع واعظ، از فضلای اهل منبر اصفهان بوده، در سال ۱۳۳۹ وفات یافته، در یکی از حجرات تکیه صاحب روضات مدفون گردید. او را «فخر الواعظین» می‌خواندند.

فرزندش آقا میرزا علی فخر الواعظین نیز مردی کامل، و واعظی جامع بود، در حدود سال ۱۳۵۹ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چیذری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی (مدرس) نهاوندی از علماء اعلام و مدرسین عظام تهران بودند.

وی از شاگردان مبرز مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه الاصول و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و بعد از آنان از تلامذه و شاگردان و اصحاب خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی و المجاهد میرزا محمدتقی شیرازی بودند که پس از فوت آن بزرگوار به تهران آمده و در مدرسه سپهسالار و مروی بتدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در قضایای اتحاد شکل و کشف حجاب که از تهران به شمیران منتقل و چندی در تجریش اقامت و در مسجد همت واقع در بازار به اقامه جماعت و تربیت افراد پرداخته و چون آنجا هم از مفاسد عمومی مصون نماند در چیذر که نسبتا از مظاهر فساد بر کنار بود رحل اقامت افکنده و حوزه علمیه تشکیل و افراد صالحی تربیت نمود تا از دنیا رفت و در جنب امامزاده آنجا مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه چیذری عالمی ربانی و آیتی سبحانی خالی از هوا و تظاهرات و دارای نفس قدسی و ملکات فاضله اخلاقی و خصال حمیده و صفات پسندیده و سیمائی ملکوتی بود کرارا از محضرش استفاده نموده و از بیاناتش بهره‌مند شده‌ام.

از جمله مطالبی که از ایشان شنیدم این بود که فرمودند یکی از شاگردان و اصحاب حضرت امام صادق علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد وقتی من بمحل خود می‌روم اهل قربه من می‌گویند برای ما امامت کن شما اجازه می‌فرمائید. حضرت فرمود (ان لم یکن نظرک بالوراک فتامم) اگر نظرت به پشت سرت نیست. یعنی قلت و کثرت و کم و کیف مأمومین در تو تأثیر نمی‌کند امامت کن.

و این عجیب حدیثی است باید تمام ائمه جماعات این حدیث شریف را نصب‌العین قرار داده و درباره آن فکر نمایند.

فرمودند: این حدیث را برای مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی که مجسمه زهد و تقوا بود خواندم رنگ ایشان پرید و مدت هیجده شبانه‌روز از منزل بیرون نیامده و کسی را نزد خود نپذیرفت و مشغول باصلاح خود بود.

از آثار آن بزرگوار که بطبع رسیده است.

کتاب تنبیه‌الغافلین است که در شهریور ۱۳۱۲ شمسی منتشر گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حاج حسینی نبوی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاج حسینی نبوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن حاج حسینی نبوی در سال ۱۳۳۵هجری شمسی در رهنان اصفهان به دنیا آمد او در سن سیزده سالگی (۱۳۴۸ه ش) دروس حوزه را آغاز کرد، استاد در مورد علت آمدنشان به حوزه میگوید: علت اینکه آمدم طلبه شدم این است که قدیم ها قبل از اینکه بچه ها مدرسه بروند چیزهائی می خواندند که اسمش «پنجل حم» بود بعد هم آموزش فارسی، ابتدا بچه ها قرآن یاد می گرفتند و بعد فارسی ما پیش یک سید روحانی می رفتیم و پنجل حم می خواندیم ایشان روی ما حساس شده بود که طلبه شویم، به دلیل اینکه وقتی می خواست برود مسجد چند مرتبه در راه(مغازه پدرم در راه مسجد ایشان بود)به پدرم می گفت این را بفرست طلبه بشود، این پسر هوشش خیلی خوب است ، اصرار ایشان باعث شد بالاخره بعد از کلاس ششم ابتدائی پدرم بگوید که این آقا سید می گوید: خوب است که طلبه شوی اگر می خواهی و علاقه مندی می گذارم طلبه بشوی". استاد نبوی در همان ابتدا ،خود را با مطالعه کتب مختلف مأنوس کرد و توانست توشه ای گرانبها برای خود و دیگران جمع آوری کند او در این باره میگوید: من خیلی علاقمند به مطالعات عمومی بودم مدتها در مباحث مدیریت کار کردم، مدتی کار شخصی کردم، یعنی اینجور نبود که کلاس یا درس بروم، خودم کار کردم در حدی که حداقل در بعضی جاها تدریس می کنیم". استاد نبوی دروس حوزوه را در شهر اصفهان آغاز کرد و پس از مدتی به قم هجرت نمود، او دراین باره میگوید: در اصفهان درسم را بطور آزاد شروع کردم پیش یک بنده خدائی درس می خواندیم (حوزه در آن زمان خیلی بی برنامه بود)بعدها برنامه ای در اصفهان درست شد و آیت الله حاج آقا حسن امامی (خدا حفظشان کند) با بعضی دیگر از آقایان استارت این برنامه را زدند ما از اولین طلبه هایی بودیم که در این برنامه شرکت کردیم پنج سال در اصفهان بودم و از محضر آقایان حاج آقا حسن امامی، شیخ علی اکبر فقیه ،ابراهیمی ، عبودیت استفاده کردم و بعد هم به قم آمدم و اصول الفقه و لمعه را شروع کردم. لمعه را خدمت آقای فاضل هرندی خواندم رسائل و مکاسب را خدمت آیت الله مظاهری خواندم، البته گاهی هم از آقای ستوده(رحمه الله) استفاده می کردم کفایه را هم خدمت آیت الله مظاهری خواندم درس خارج را خدمت آیت الله سبحانی شروع کردم و ایشان آن زمان که تدریس می کردند هفت یا هشت شاگرد بیشتر نداشتند که برای ما خیلی مفید بود چرا که خیلی خوب می توانستیم اشکال کنیم و استفاده بیشتری ببریم چند سال خدمت آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله مکارم و آیت الله وحید و آیت الله جودی آملی بهره بردم در بحث فلسفه مدتی خدمت آقای انصاری شیرازی بودم مدتی هم خدمت آیت الله جوادی آملی در درس اسفار شرکت کردم".

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا حاج شریفی خوانساری

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا حاج شریفی خوانساری در سال ۱۳۴۱ شمسی در شهرستان خوانسار در حجر علم و ورع تولد و پرورش یافتم ؛ پدرم آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری ـ دام ظله ـ پدر بزرگم مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ و جدم مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ همگی از علمای عاملین بوده اند .در مدارس ملی رزاقپور و کامکار قم تحصیل نمودم . بر اثر جو آکنده از معنویت و تقوای خانوادگی فکر بهترین شغل برای آینده ام که رضای بیشتر خداوند و نیل افزونتر به کمال و معنویات و خدمت به دین مبین اسلام در آن باشد ، مرا بر آن داشت که از سال ۱۳۵۵ شمسی مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم بشوم و خود را در سلک سربازان حضرت ولی عصر ـ عج الله تعالی فرجه ـ درآورم .علوم اولیه و ادبیات را از محضر مرحوم علامه حاج شیخ محمد علی مدرس افغانی و برخی دیگر از اساتید حوزه استفاده کردم .سطح را از حضور حضرات آیات : آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی بهره مند گردیدم ، و سطح عالی را خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ محمد تقی ستوده و آقای حاج شیخ احمد پایانی به پایان رساندم .

علوم کلام، تفسیر، رجال و درایه را نیز از خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی بهره بردم .خارج فقه و اصول را هم از محضر آیات عظام : آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی ، آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی ، آقای حاج سید رضا صدر ، آقای حاج سید محمد روحانی ، آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت ، آقای حاج سید محمد شاهرودی و آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کافی نمودم . حکمت و عرفان را نیز از خدمت آیت الله حاج آقا رضا صدر بهره مند شدم .در کنار درس و بحث معمول حوزه ، علاقه شدیدی به خواندن کتب گوناگون در علوم و فنون مختلف داشتم. ساعتهای متوالی و بسیاری از اوقات تا پاسی از نیمه شب و گاه تا اذان صبح همچنان سرگرم مطالعه و پژوهش بودم ، و کرارا اتفاق می افتاد که شام خوردن را فراموش می کردم ؛ حتی در تعطیلات تابستان و دیگر تعطیلات حوزه ، تنها کارم مطالعه و تحقیق تمام وقت در کتاب ها بود ، هرچند از کثرت آن دیدگانم کم سو شد ، ولی هیچ وقت از آن سیر نشدم و خسته نگشتم و موفق به خواندن کتاب های بسیار زیادی در : تفسیر ، علوم قرآنی ، حدیث ، تاریخ ، اخلاق و ... شدم و بر برخی از آنها حواشی زدم .اواخر سال ۱۳۶۲ شمسی در زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ـ علیه آلاف التحیه و الثناء ـ درخواست توفیق انجام خدمات سودمندی به دین مبین اسلام را نمودم که باقیات الصالحاتی محسوب شود و بحمد الله حاجتم مقرون اجابت قرار گرفت و از همان سال در حاشیه تعلیم و تعلم دروس حوزه به نویسندگی نیز پرداختم و نخستین اثر خود را درسال ۱۳۶۵ شمسی به عنوان «سیمای ابوذر غفاری» تمام نمودم که استادم مرحوم آقای حاج آقا رضا صدر هم مقدمه اش را نگاشت (که کاملترین و تحقیقی ترین کتاب پیرامون زندگانی ابوذر است) و تا کنون توفیق تالیف ، تحقیق ، و تصحیح کتاب هایی در موضوعات مختلف رایافته ام و همچنان مشغولم و با امامت جماعت در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان باجک دو قم و رسیدگی به امور مسلمین انجام وظیفه نموده و با شماره تلفن : ۷۷۲۷۴۸۹ پاسخگوی مسائل شرعی و شبهات علمی و اعتقادی داخل و خارج از کشور می باشم ؛ و لله الحمد و له الشکر .

حاجبی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا حاجبی

محل تولد : بندر عباس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۷/۱

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره پیش دانشگاهی دررشته ریاضی و فیزیك و رها كردن قبولی دانشگاه ،در سال۱۳۷۹وارد حوزه علمیه شدم .ابتدا در مدرسه علمیه نبی اکرم (ص)شرق تهران قبول شدم و به مدت ۵سال دوره مقدمات رابه پایان رساندم .در این دوره ۵ساله از اساتیدی همچون آیهٔ الله نجفی تهرانی و مقدم قوچانی وحجج الاسلام آقایان :اسکندری ،جان نثاری ،دکتر قربانعلی و...استفاده بردم . از ابتدای ورود به حوزه شوق عجیبی به تحقیق و نوشتن داشتم لذا برای هر درس تحقیقی به دفتر و استاد مربوطه تحویل می دادم .که شامل تحقیق در اخلاق ،منطق ،فقه واصول و معانی بیان بود . پس از پایان مقدمات ملبس شدم و وارد حوزه علمیه قم گشتم اما لازم به ذکر است که در سال سوم و چهارم طلبگی ،بر اساس فرموده مقام عظمای ولایت در سال خدمت رسانی و پاسخگوئی ۲جزوه نوشته و به چاپ رساندم که بتوانم مقداری به منویات آن عظیم الشان نزدیک گردم .و ابتکاری که در این نوع نوشته ها داشتم این بود که چهل حدیث در مورد خدمت رسانی و پاسخگوئی را انتخاب کرده با ترجمه روان و سند آن ذکر شود و با داستان مربوط به آن تکمیل گردد که تفسیر حدیث به داستان می باشد .در این مدت نوشته جاتی درباره امر به معروف و نهی از منکر ،نماز جماعت ،معجم الذنوب (گناهان)،آیات النبی ، تهیه کرده ام که مجالی برای طبع و چاپ نداشتم .از ابتدای ورود به حوزه علمیه قم و آشنائی با آیهٔ الله غرویان ،در نوشتن فرهنگ مسجد و نوشتن مقالات برای مسجد همت گماشتم .معظم له در نوشتن و تالیف تشویق و مساعدتهای وافری کرده اند و ترجمه اصول کافی را به اینجانب سپرده اند که به کمك جمعی از دوستان به پایان رسانده ایم .کتاب اخلاق جوانان ازدیدگاه پیامبر اعظم (ص)در سال پیامبر اعظم (ص) را نوشته و با مساعدت یکی از دوستان درتیراژ ۵۰۰۰نسخه چاپ و در آموزش و پرورش بندرعباس به مسابقه گذاشتند .همین که در تالیفات جمعی و ترجمه ای جمعی و گروهی شرکت دارم .بنده سردبیر نشریه آموزش داخلی محراب نور وابسته به دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد می باشم .در پایه هشت حوزه مشغول به تحصیلم و.........

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حاجی ابراهیمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده ، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته ، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم ، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته ، درسال ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال ۱۳۶۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسما طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجددا دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل ، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است ، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجی احمدی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حاجی احمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در تحصیلات کلاسیک در رشته ریاضی ـ فیزیک با گرفتن دیپلم در دبیرستان جامع سعدی اصفهان در سال ۱۳۵۸ اولین مرحله را سپری کردم و در همان سال در رشته فیزیک وارد دانشگاه اصفهان شدم و بعد از چند ترم تحصیل به علت علاقه به دروس حوزوی با انصراف از دانشگاه به تحصیل در حوزه اصفهان پرداختم و در مدت کمی مقدمات را با موفقیت سپری نموده و منطق و فلسفه را نیز با خواندن کتاب‌هایی مانند شمسیه ـ شرح مطالع ـ منظومه و نهایه الحکمه و بدایه الحکمه ادامه دادم و سپس برای تحصیل در مقطع سطح به حوزه علمیه قم آمدم و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار آن حوزه مانند آیت الله پایانی ـ تهرانی ـ محقق ـ اعتمادی ـ جوادی آملی ضمن خواندن کتاب‌هایی لمعه ـ رسائل مکاسب و کفایه از تفسیر و اسفار آیت الله جوادی آملی

بهره بردم .

سپس از دروس خارج آن حوزه شریف به مدت ده سال با شرکت در دروس آیات عظام محقق داماد ـ وحید تبریزی بهره بردم. سال ۱۳۶۹ در امتحان مرکز تربیت مدرس قم (دانشگاه قم) شرکت نموده و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم و با سپری کردن بالغ بر ۷۴ واحد درسی و پایان‌نامه در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و سپس بنابر اقتضائات خانوادگی و ضرورت برای انجام فعالیت به دانشگاه اصفهان آمدم .

از سال ۷۶ تاکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم و فعلاً عضو هیئت علمی این گروه می‌باشم و در ضمن با دانشکده معارف قرآنی اصفهان همکاری علمی دارم و به طور مداوم به تدریس در آنجا اشتغال دارم.در سال ۱۳۸۵ در امتحان دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گرایش علوم قرآن و حدیث شرکت نمودم و بعد از موفقیت در آزمون کتبی و امتحان شفاهی فعلاً به عنوان دانشجو در آن مرکز پذیرفته شده‌ام.

حاجی اسماعیلی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حاجی اسماعیلی

محل تولد : وسفو نجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده دوران ابتدائی و راهنمائی را در روستای وسفونجرد از بخش خلجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می‌خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می رسیدیم و آموزش قرآن می دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می‌رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب

منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره محققی و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

حاجی رحیمیان، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاجی رحیمیان

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم از دبیرستان شهدا با عنایت به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشتم و با تشویقات ابوی مرحوم که از علماء و روحانیون عامل و مهذب و متقی بودند جهت فراگیری علوم حوزوی به قم مقدسه هجرت نمودم. ابتدا در مدرسه حضرت امام خمینی(ره) با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین عطایی مشغول به تحصیل شدم و مقدمات را در مدارس حضرت امام صادق(ع) و مدرسه مبارکه رضویه پایان بردم و سطح را در خدمت حجت الاسلام والمسلمین تهرانی و محمدی (اصول)، حضرت آیت الله پایانی و وجدانی (فقه) بهره بردم و پس از اتمام سطح از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی بهره‌مند شدم و فقه را در حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ نموده و اکنون نیز از محضر این بزرگواران کمال استفاده را می‌برم. در تفسیر لیاقت شاگردی علامه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی را داشته‌ام. در عین حال برخی موارد تحقیقی و نوشتن کتاب و مقالات پرداخته و اکنون نیز مشغول تدوین کتابی در زمینه موفقیت‌های استاد یا استاد موفق و نیز با توجه به آمار سازمان ملی جوانان که حدود ۱۴۲/۱۳۷/۲ نفر دختر متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ که اکنون ۲۶ تا ۳۱ ساله زیاد می‌باشند و اهمیت اجتماعی بودن این بحران و استفاده بهینه از فرصت و تبدیل بحران به فرصت و نیز وجود بانوان بیوه به تعداد زیاد و جهت پیشگیری از مشکلات جامعه و حل این معضل اقدام به کتابی به نام «ازدواج مجدد» نموده‌ام با عنایت به اهمیت موضوع و کار فرهنگی همه جانبه اینجانب با کمال خرسندی علاقمند به راهنمایی‌ها و ارشادات علمی و معنوی بزرگان می‌باشم.

حاجی رسولی، بهزاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد حاجی رسولی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر اصفهان متولد شدم و از آنجائی که از همان دوران کودکی علاقه به علوم اسلامی و مذهبی داشتم پس از گذراندن دبیرستان در سال ۱۳۵۴ شمسی علی رغم مشکلات و موانع ، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم (در مدرسه ذوالفقار و مدرسه صدر بازار) و نزد اساتید بزرگ مشغول به فرا گرفتن ادبیات و علوم اسلامی (مانند فلسفه، منطق، فقه، کلام و...) شدم. سال ۱۳۶۰ شمسی برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم گردیدم و در آنجا علوم فلسفه ، عرفان ، رجال ، فقه ، اصول ، دوره تخصصی تبلیغ ، و ... را فرا گرفتم و پس از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و نزد بزرگانی مانند آیات عظام فاضل، وحید، تبریزی، مکارم شیرازی، و غیره دروس منقول خود را تکمیل کردم.در فلسفه توفیق استفاده از محضر اساتید بسیاری ، برای حقیر فراهم شد از جمله : استاد جوادی آملی ، حسن زاده آملی و ...

بنده ضمن تحصیلات خود به تبلیغ، تدریس، و مشغول بودم که بعضی از آنها مطبوع شده است و بسیاری از آنها هنوز مخطوط باقی مانده است.

حاجی زاده، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله حاجی زاده

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد ۱۳۵۴ در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۷۹ همزمن با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم . در سال ۱۳۸۳ در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حار مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی ازجمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حاجی صادقی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حاجی صادقی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود وصلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.

این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم،نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه دراین گزارش خواهم آورد اولا نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیا اگر احتمالا در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش،چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»

اینجانب در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگواری مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالیه را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضاءات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن

از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

درسال ۱۳۶۹ در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم.در سال ۱۳۷۵ به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم وهم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم.درسال ۱۳۷۸ به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

۱. تدریس درمقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...

۲. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.

۳. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حاجیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حاجیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی حاجیان در سال ۱۳۵۶ در خانواده ای کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود ، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال ۱۳۷۶ وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال ۱۳۸۵ به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست.

وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاههای تربیت معلم تهران ، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حامدنیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حامد نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنام حق اینجانب طلبه حقیر حسین حامد نیا پس از دوره دبیرستان که دو رشته تجربی و ادبیات و علوم انسانی تحصیلات کلاسیکی را طی کرده و در سال۱۳۶۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و دوره ادبیات عرب را بمدت چهار سال در مدرسه المهدی (عج) که تحت نظرمرحوم مرجع عالی قدرآیت الله سید محمدرضا گلپایگانی اداره می گشت گذرانده که اساتید ادبیات ما عمدتاً ازتلامیذ استاد... حجتی هاشمی خراسانی و مرحوم مدرسی افغانی ...والحمدالله بهره های علمی ادبی فراوانی درآن مدرسه بودم و پس ازآن وارد مدرسه علمیه امام محمدباقرعلیهم السلام به تولیت مرحوم حاج آقا دیباجی اداره می شد که الحمدالله معنویت وقوت درسها و تدریسها واساتید بزرگواری در آن مدرسه مشغول بودند لمعتین و معالم الاصول و اصول مرحوم علامه مظفر که از شاگردان شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بودند و نیز بدایه المعارف را خدمت شاگردان خاص حاج آقا جوادی آملی تلمذ کرده و بحمدالله دراین سه سال هم برکات علمی و معنوی به عنایات الهی و حضرت ولی عصر(عج) نصیبمان گشت و پس از ۷سال وارد سطح گشته مکاسب و رسائل شیخ انصاری را درخدمت اساتیدی چون احدی امیرکلائی وعلم الهدی و موسوی تهرانی و نکونام و استاد احمد امینی شیرازی و کفا یه را محضرشیخ مصطفی اعتمادی زانوی تلمذ زده و بخاطرعلاقه به معقولات و درسهای فلسفه بدایه الحکمه را درخدمت استاد رمضانی و نهایه الحکمه را درخدمت استاد عباسی و منظومه مرحوم سبزواری را بمدت ۲سال در خدمت بهرام دلیر نقده ای و جلد اول اسفار را در خدمت استادان روز بهانی وغرویان وجلد دوم اسفار را درخدمت استاد گرانقدر و معظم علی زمانی و بخشی شواهد الربوبیه و حکمت الشراق و شرح آن را خدمت آقازاده آیه الله جوادی آملی (شیخ مرتضی)و۲سال درس خارج فقه دیات و نکاح در خدمت آیه الله مکارم شیرازی و یکسال اصول خدمت محمد علی گرامی و دو سال قصاص درخدمت آیه الله صانعی و دوره قصاص مجدد در خدمت مرجع آیه الله استاد محمد علی اسماعیل پور شهر رضائی و درس قضا بمدت یکسال شرکت در دروس حضرت آیه الله نوری همدانی و درس خارج اصول آیه الله شمس الواعظین فرمومدریی(شیخ شمس)و تعادل و تراجیح درخدمت حضرت آیه الله وحید خراسانی و مکاسب خارج شیخ انصاری بمدت ۲سال در درس آیه الله فاضل لنکرانی و دروس مترق دیگر چون درس الاهیات خدمت استاد سید رضا اسحاق نیا و مشغول ملاحثات و تدریس ادبیات عرب و منطق مظفر و تفسیر قرآنی و کتاب الصلوه را بمدت ۲سال دردرس سید احمد خاتمی وغیره ، انشاالله که با توجهات حضرت بیه الله (عج) درآینده عضو مفید و خادم قرآن و اسلام و مکتب تشیع باشیم و قریب ۱۴سال تمام درایام تبلیغ مسافرت تبلیغی اعزام شده ام و نیز ۲سال شرکت در درسهای تخصصی تاریخ و تفسیر حکمت و کلام و فقه و اصول حوزه اجتهادیه محسنیه داشته ام .

حایری گلپایگانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام و المسلمین آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل آیت‌اللّه حاج میرزا هدایت اللّه حایری گلپایگانی از علماء محترم و مبرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۲۲ قمری در گلپایگان متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمده و پس از انتقال حوزه به شهرستان قم مهاجرت ببلده طیبه قم نموده و حدود چهار سال از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی و دیگران استفاده نموده و از آنجا مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیات بزرگ مانند آیت‌اللّه محقق نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۳ قمری به ایران و شهرستان گلپایگان مراجعت کرده و مدت بسیت سال توقف و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تاسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصلین و غیره پرداخته تا سال ۱۳۷۳ ق به تهران منتقل و تاکنون بوظائف مقرره شرعی از اقامه نماز جماعت در مسجد (فخر الحاجیه) خیابان راه‌آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمندی می‌باشند که اجمالا به آنها اشاره می‌شود:

۱- مرحوم مغفور حجت‌الاسلام آقا سید جمال الدین حایری که از فضلاء حوزه علمیه‌ی قم بودند و پس از فراغت از تحصیل در تهران اشتغال بخدمات دینی و روحی داشتند و در ماه شعبان ۱۳۸۶ ق در سن جوانی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان قم مدفون گردیدند.

۲- جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید مرتضی حایری که نیز تحصیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

مرحوم مترجم معظم ما نیز از آیات عظام و علماء اعلام گلپایگان بوده‌اند که شرح احوال و آثارش در جلد چهارم گنجینه در باب گلپایگان خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حائری پور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی حائری پور

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیهٔالله العظمی یثربی ره کاشان شدم سال ۱۳۶۳ پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال ۱۳۶۶ به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال ۱۳۷۲ سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیهٔالله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود ۲ سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم.در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد.در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلا ـ با موسسه آینده روشن هم در زمینه مهدویت همکاری می کنم.در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر اقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد اقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم.فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی حائری

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۵ در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیّه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیّه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال ۱۳۷۳ و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه ، بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه نزد آیت الله فاضل ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که درسال ۱۳۶۹ کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم . و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم ، بعد به

عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند . مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم .

حبیب اللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حبیب اللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در شهر اصفهان درخانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند . با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۲ بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال ۱۳۶۹ علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی ، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم .در سال ۱۳۷۵ وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضرآیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال ۱۳۷۶ در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفراول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم . هم اکنون علاوه برتحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی(ره)نیز مشغول هستم .

حبیبی احمد آبادی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حبیبی احمدآبادی

محل تولد : کربلاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به تحصیل شدم . بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم . با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی ، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم . در کنار تحصیل در فرصت های مناسب برای تبلیغ به جبهه ها اعزام می شدم ، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت های کسب شده در امر تدریس و کلاسداری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم نمودم .

با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی ، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره های تربیت معلم قرآن کریم ، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان ها در تهران جمع می شدند برای برگزاری دوره های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت های تدریس قرآن کریم می پرداختم .

با گسترش فعالیت های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون های قرآن در مراکز استان ها و شهرستان هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان ها نمایندگی داشت ، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان ها و ماه مبارک رمضان ، آموزش لازم را دیده باشند و به تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند .

برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور ، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم ، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم . سپس آن جزوه در دو سطح : یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تالیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد الله اکنون به عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می باشد ، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می شود .

همزمان با فعالیت های قرآنی در شهرستان ها ، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می گردید .

در کنار فعالیت های قرآنی ، کار تحقیقات در زمینه های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب های قبلی ، کتاب های دیگری را تالیف که در ادامه آورده ام .

در سال ۱۳۷۶ واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علیه قم را راه اندازی و اقدام به برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می شد .

کتاب رسم و ضبط مهارت های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم .

خداوند را شاکرم که در حدود ۲۵ سال فعالیت های قرآنی بیش ازپنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ،

و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .
اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

حبیبی تبار، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حبیبی تبار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیهٔ الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیهٔ الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیهٔ الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیهٔ الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر آیهٔ الله جوادی آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزهما) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهرمند بوده ام و هم اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال ۱۳۶۴ آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگواری چون دکتر کی نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی ، دکتر سپهوند ، دکتر گودرزی ، دکتر یاوری ، دکتر جهانگیر ثانی ، جناب آقای شهری ، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.
از اینجانب یک جلد کتاب دراصول فقه ، یک جلد در تفسیر ، یک جلد در مدیریت ، یک جلد در حقوق خانواده ، یک جلد در امور حسبی ، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. ۸ جلد در حقوق مدنی ، ۴ جلد در متون فقه ، ۴ جلد در موضوعات حقوق به صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم : ۱. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند.۲. دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. ۳. دانشگاه قم درس های رویه قضایی

و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. ۴. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریبا از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. ۵. مرکز جهانی علوم اسلامی، دراین مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان.۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. ۷. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. ۸. صدا و سیما ، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حبیبیان نقیبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حبیبان نقیبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید حبیبان نقیبی با گذراندن دوران ابتدائی ، راهنمائی و دبیرستان در شهرستان بابل ، دیپلم رشته ریاضی فیزیک را در سال ۱۳۶۱ دربافت نمودم . در شهریور همان سال به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم و در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه بابل شدم که به واقع حضور در جمع با انگیزه طلاب انقلابی در محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله فاضل استر آبادی ، سعادت بزرگی بود که خداوند متعال ارزانیم داشت.

دروس مقدماتی و بخشهایی از سطح را در محضر ایشان آموختم . از سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم و تا سال ۱۳۶۹ بقیه دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات اعتمادی ، دوزدوزانی و استادی تلمذ نمودم و از آن سال تا کنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد تبریزی(ره) ، فاضل لنکرانی(ره) ، سید محمود هاشمی شاهرودی و سید جعفر کریمی به قدر توان بهره مند شده و می شوم.

در کنار تحصیل از سالهای اول تحصیل حوزوی ، به تدریس دروس مختلف حوزوی تا پایه ششم اشتغال داشتم . از سال ۱۳۶۹ به همراه تحصیلات و تدریس حوزوی ، در دانشگاه مفید قم و در رشته اقتصاد نظری به تحصیل دروس دانشگاهی پرداختم . در سال

۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل در مقطع کار شناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۷ از این مقطع فارغ التحصیل شدم . از سال ۱۳۶۷ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه به امر پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن کتاب ، طرح تحقیقاتی و مقالاتی است که منتشر و ارائه شده است .

در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در حوزه عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم می باشم و به تحقیق در موضوعات اقتصاد اسلامی و تدریس در آن دانشگاه اشتغال دارم .

حجازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالقاسم موسوی حجازی خراسانی یکی ا زعلماء محترم و ائمه جماعات طهران و موصوف به تقوی و ورع و زهد و پارسائی بوده و عمر خود را به پاکی و صداقت گذرانیده و خدمت به شرع انور نموده است در میان روحانیون و علماء محترم تهران شهرتی بسزا داشته و مورد توجه عموم آنان بوده و مردم بازار علاقه مخصوصی به ایشان داشته تا در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۱ شمسی در تهران بدرود حیات گفته و بنابر وصیتش با تجلیل فراوان و تشیع با شکوهی حمل به مشهد مقدس گردیده و در باغ رضوان در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام که چندین سال تولیت مدرسه پریزاد واقع در بازار و بالا سر حضرت را داشتند به خاک سپرده شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حجازی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر سید عبدالرضا حجازی از مشاهیر خطباء و گویندگان و معاریف وعاظ و نویسندگان عصر حاضر می‌باشد. در تهران و تمام نقاط کشور شهرت بسزائی دارند.

معظم‌له دارای بیانی شیرین و منطقی شیوا و علمی می‌باشند این واعظ عالیقدر به زبان عصری داد سخن می‌دهد و تمام طبقات مردم را از عالم و عامی و دیروزی و امروزی بخصوص نسل جوان را بهره‌مند می‌سازد.

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهرضای اصفهان متولد گردیده و پس از خواندن دروس جدید و مقدماتی به اصفهان آمده و مدت سه سال از محضر مرحوم حجه‌الاسلام عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی استفاده کرده و در سال ۱۳۲۹ شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیده است.

و پس از تکمیل نمودن سطوح عالیه از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌الله العظمی مجاهد امام خمینی استفاده کرده ایشان معقول و تفسیر قرآن را نزد علامه بزرگ آقای طباطبائی تبریزی فراگرفته و در سال ۱۳۴۰ به تهران آمده و در راه انتشار اسلام و تبلیغ احکام به اشتغال ورزیده است.

این واعظ گرامی در اثر نبوغ و استعداد ذاتی و تحقیقات علمی که دارد در شمار وعاظ نامی کشور درآمده است. استاد حجازی گوینده مجاهدیست که در این پست حساس مصائب فراوان و سوانح زیادی را تحمل کرده و مورد غبطه بسیاری قرار گرفته است. وی دوره لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دوره دکترا را در دانشگاه آنکارا طی نموده است و نه تنها از رهگذر خطابه و سخنرانی خدمات شایانی به اسلام کرده است‌بلکه با قلم شیوای خود نیز افکار نسل جوان را روشن و متوجه بمبانی اعتقادی و دینی نموده است.

آثار علمی ارزنده ایشان که به طبع رسیده و مورد استفاده عموم مخصوص نسل جوان و تحصیل کرده می‌باشد از این قرار است ۱- کتاب سیستم اقتصادی اسلام پیرامون مبادی اقتصادی و روشهای عالی اسلام و اولین کتابیست که در سال ۱۳۳۸ شمسی به زبان پارسی در این رشته به تحریر آمده است.

۲- کتاب رسالت قرآن در عصر فضا و از جمله شاهکارهای علمی و ادبی فارسی است که در طی یکسال سه مرتبه به چاپ رسیده و پر تیراژترین کتاب اسلامی است که در این چند سال اخیر منتشر شده است و اخیرا آقای سید علی که یکی از فضلاء نجف است آن را به عربی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجازی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حجازی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

نـا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال ۱۳۰۳ هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های ختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض .آیت الله حجازی در سال ۱۳۷۰ هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول ۱۷ سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون:حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی سید عبدالهادی

شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت.دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از :آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند:سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشتوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند.آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد:حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محسن بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد بن العلامه السید علی کوه کمری عالمی کامل و فاضلی بارع و در اخلاق و وقار ثانی آن پدر بزرگوار است در حدود سال ۱۳۳۵ ق در نجف متولد و با والد معظم به تبریز آمده و بعد از چند سال توقف به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از اساتید مبرز حوزه فراگرفته و به درس والد خود شرکت نموده و با اجازه و امر آن جناب به نجف مسافرت و چند سالی از دروس فقه و اصول آیات عظام‌خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده کامل نموده و در سال ۱۳۷۰ ق سفری به عزم زیارت والد و معالجه کسالت به ایران و قم آمده و مورد استقبال اهل علم و حوزه علمیه قرار گرفته و پس از آمدن در خدمت والد به شهر ری و توقف سه ماه مراجعت به نجف و تا چند سال بعد از فوت پدر توقف آنگاه به قم مراجعت و تاکنون به تدریس فقه و اصول و تالیف و اقامه جماعت در مسجد حجتیه اشتغال دارد.

و اما آثار و تالیفات علمی مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است:

۱- الجزءالاول من نهج‌الطالب مطبوعه.

۲- الجزءالثانی من نهج‌الطالب مطبوعه.

۳- کلمه موجزه مطبوعه.

۴- کلمه ثانیه مطبوعه.

۵- کلمه التقه مطبوعه.

۶- الرساله العلمیه مطبوعه.

و تالیفات مخطوط از این قرار است:

۱- تبصره فی کفاید الاصول.

۲- تبیان فی فرائد الاصول.

۳- ولایه الفقیه.

۴- مباحث الالفاظ.

۵- لبس اللباس السواد فی ایام شهادت امام الشهید ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام

۶- قاعده لاضرر ۷- حقیقه التجرشی ۸- المعنی الحرفی.

۹- الحکم فی اللباس المشکوک ۱۰- الاستصحاب ۱۱- العلم الاجمالی و فروعه.

۱۲- قاعده الید ۱۳- مکاتبات الائمه علیهم‌السلام.

۱۴- صحابه النبی الاکرم و ائمه‌الدین علیهم‌السلام.

۱۵- سلمان الفارسی ۱۶- ثقاه الرواه.

۱۷- الاربعین فی حیاه سلمان الفارسی.

۱۸- فاطمه بنت الامام الکاظم علیهماالسلام.

۱۹- قصار الکلمات فی الاحکام ۲۰- تعلیقه علی العروه الوثقی.

۲۱- تفسیر اوائل سور القرآن المجید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجتی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم حجتی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

حجتی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی حجتی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر این شهرستانست تولد ایشان در رشت واقع و پس از پرورش و خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم مسافرت کرده و سالیان دراز از محاضر آیات عظام و مدرسین کرام حوزه مخصوصاً آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه امام خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و شریعتمداری استفاده نموده و پس از نیل به مقام علمی و عملی به رشت برگشته و به انجام وظائف دینی از قبیل امامت در مسجد (حجتیه) و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین و غیره مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسام الواعظین، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا محمد علی علاقبند بن ملا اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی. واعظ جلیل، و فاضل محدث خبیر، ادیب شاعر و خطاط، از خطبای طراز اول اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت.

در ۱۳۰۱ متولد، و در شب جمعه ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۸۱ وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

در اصفهان خدمت: آقا سید محمود کلیشادی، و ملا محمد حسین کرمانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای تحصیل نمود. سال‌ها در طهران ساکن، و به وسیله‌ی شمس العرفا در سلسله‌ی فقر [!] وارد شده و به تصفیه‌ی نفس پرداخته، سپس به اصفهان مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد پرداخته، الحق واعظی شیرین بیان، و محدثی طلیق اللسان بود. شعر خوب می‌سرود، و خط نستعلیق را در نهایت استادی می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسامی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل حسامی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۸/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد ۱۳۴۱ آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی . نواب ، خسرو شاهی، رجائی ، موسوی تهرانی ، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی ، ستوده ، بهبودی ، مومن ، مظاهری ، مکارم شیرازی و خاتم یزدی .تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۶۵ تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) نام داشت ، پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم .به دلیل علایق حوزوی ، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه شناسی دین به خود گرفت .همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی ، دبیری گروه جامعه شناسی ، مدیریت مالی ، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری

تصحیح و تحشیه رساله تحفهٔ الملوک فی السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاهٔ القدس علی مصباح الأنس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند

آثار فلسفی و منطقی

اتحاد عاقل به معقول

نصوص الحکم بر فصوص الحکم

رساله جعل

صد کلمه

تصحیح اسفار اربعه

تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء

رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله ای در حرکت جوهری

ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم

رساله نفس الأمر

نهج الولایه

درر القلائد علی غررِ الفَرائد

النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی

مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار

سرح العیون فی شرح العیون

گشتی در حرکت

الحجج البالغهٔ علی تجرد النفس الناطقهٔ

گنجینه گوهر روان

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله مُثُل

تصحیح و تعلیق شرح اشارات

ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات

تصحیح و تعلیق شفا

ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین

رساله اعتقادات

الأصول الحکمیّهٔ

رساله رؤیا

من کیستم

رسالهٔ فی التضاد

دروس معرفت نفس

نثر الدراری علی نظم اللئالی

آثار فقهی

رساله ای در مسائل متفرقه فقهی

تعلیقات علی العروهٔ الوثقی فی الفقه

وجیزه ای در مناسک حج

آثار تفسیری

تصحیح خلاصهٔ المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلهٔالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالهٔ فی الإمامهٔ

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالهٔ حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّهٔ)

تکملهٔ منهاج البراعهٔ

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفهٔ الوقت و القبلهٔ

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعهٔ الأصطرلاب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفهٔ العسجدیّهٔ فی آلاتٍ رصدیّهٔ

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعلیق تحفهٔ الأجِلّهٔ فی معرفهٔ القبلهٔ

رساله قطب نما و قبله نما

تعلیقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلّی

رساله ظِلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّهٔ الابصار

رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور

رسالهٔ فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج

رسالهٔ فی الصّبح و الشّفق

رساله ای پیرامون فنون ریاضی

رساله ای در مطالب ریاضی

دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی

تصحیح و تعلیق شرح جغمینی

تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس

تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس

تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس

شرح زیج بهادری

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب

تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی

استخراج جداول تقویم

تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون

دروس معرفت اوفاق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده یَنبوع الحیاهٔ

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیقه بر باب توحید حدیقهٔ الحقیقهٔ

تصحیح گلستان سعدی

تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

– الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

– الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

– الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

– الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

– الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم

– الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد

– الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو

– الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار

– الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی

– الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است

– الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟

– الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!

– الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟

– الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!

– الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراك می‌شوند، هرزه کار می گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاك است، آن نبات هم پاك و میوه‌اش شیرین خواهد بود ;و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندك و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ;و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ;» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حسن زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۴ قدم به حوزه علمیه قم گذاشتم. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراندم.

سالیانی هم در درس خارج شرکت کردم. از سال ۶۳ پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشتم. در این زمینه درس های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلمبرداری، فیلنامه نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراندم. اکنون به عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه ها و پوپک و سردبیر سنجاقک و حدیث زندگی ، فعالیت می کنم.

حسنی اردکانی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول حسنی اردکانی

محل تولد : اردکان فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبد الرسول حسنی اردکانی در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان ۳۶ نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم . در سال ۴۳ به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانی شیرازی آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سبحانی استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت ۱۲ سال در دانشگاه تهران معارف اسلامی تدریس نمودم. مدت ۸ سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نموده ام. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام . از محضر آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی و مقداری هم از محضر استاد مطهری استفاده کرده ام.

دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال ۱۳۶۱، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال ۶۴ تا سال ۷۴ مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام.قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم ۵۶ به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود،عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفتم سلام و احترام کردم فرمود "سید علی خامنه ای" هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز ۱۳ محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسنی آملی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسنی آملی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

فرزندی از پدر و مادری متدین در سال ۱۳۵۴ دیده به جهان گشود او را علی نامیدند او فرزند سوم خانواده بود دوران کودکی و نوجوانی را در فضایی بی آلایش روستا سپری کرد و با اتمام دوره راهنمایی عازم شهری بزرگ و معروف که تاریخ طولانی در تشیع داشت و مرکز حوزه های علمی شیعه به حساب می آمد (قم) گردید و در مدرسه شهیدین (بهشتی و قدوسی ره) مشغول به تحصیل در علوم دینی شد. در حدود ده سالی که در این مدرسه ساکن بود مراحل مقدمات و سطح دروس حوز های علمیه را به پایان برد و هم زمان با شروع به تحصیل کتاب مکاسب و رسائل شیخ اعظم انصاری ره در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی معارف اسلامی گردید.بعد از اتمام دروس سطح حوزه در دوره تخصصی فقه و اصو ل مدرسه شهیدین شرکت کرده واز سوی دیگر همزمان با آن در دوره کارشناسی ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی قبول شده که ادامه آن منجر به قبولی در رشته ادیان در سطح دکتری همان مرکز شد.لازم به ذکر است او از زمانی که توانایی تبلیغ را پیدا کرده است به مدت ده سال هر زمان که فرصتی حاصل می شد به تبلیغ در جامعه و دانشگاهای کشور نیز می پرداخت

حسنی بسطامی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرسول بن العالم الجلیل ملا فضل‌الله بسطامی بن العلامه ملا نور محمد (از اعاظم شاگردان مرحوم حجه‌الاسلام شفتی اصفهانی) میباشد. وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در بسطام متولد شده و پس از رشد در سال ۱۳۴۸ قمری برای تحصیل بقم آمده و ادبیات را از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و مرحوم حجه‌الاسلام ادیب تهرانی فرا گرفته و سطوح را از آیه‌الله حاج شیخ علی‌اصغر صالحی کرمانی و آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله حاج

میرزا شهاب همدانی و مرحوم آقا شیخ حسین گیلانی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی بپایان رسانیده و از درس خارج مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله خونساری و دیگران استفاده نموده و پس از دوازده سال توقف در قم در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به بسطام نموده و تاکنون بتلبیغ احکام و ترویج دین و اقامه جماعت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر حسنی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله ، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم . در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسنی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم علوم تجربی از دبیرستان طالقانی ارومیه، در مرکز تربیت معلّم تهران قبول شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصیل در حوزه علمیّه جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقیّت به پایان بردم. در ضمن این تحصیل به تدریس ادبیات عرب در این حوزه پرداختم. در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم علوم تجربی از دبیرستان طالقانی ارومیه، در مرکز تربیت معلّم تهران قبول شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصیل در حوزه علمیّه جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقیّت به پایان بردم. در ضمن این تحصیل به تدریس ادبیات عربی در این حوزه پرداختم. این مدّت در حوزه علمیّه تبریز مقارن با وقوع جنگ تحمیلی بود که دروس عقب افتاده در اثر شرکت در جبهه های نبرد را در اوقات تعطیلی حوزه جبران می کردم. در سال ۱۳۶۷ جهت ادامه تحصیل در حوزه علمیّه قم، در مدرسه مبارکه امام صادق(ع) که زیر نظر حضرت آیت الله سیّد مهدی روحانی اداره می شد، حجره ای را گرفتم و در درس مکاسب حضرت آیت الله پایانی شرکت و کتاب مکاسب شیخ انصاری را از ایشان بهره بردم. البته مبحث خیارات مکاسب را از محضر حضرت آیت الله سیدعلی محقق داماد فرا گرفتم و همزمان کتاب الرسائل شیخ انصاری را از آغاز تا انتها در محضر استاد حضرت آیت الله اعتمادی بودم که تبحر و اسلوب بیان ایشان شاگردان را مجذوب درس می کرد. در سال ۱۳۷۰ جلد اول کفایهٔ الاصول را از محضر حضرت آیت الله مجد و جلد دوم را از محضر حضرت آیت الله موسوی تهرانی بهره بردم. در سال ۱۳۷۲ در آزمون سراسری دانشگاهها در دو رشته حقوق و اقتصاد نظری در دانشگاه مفید قم پذیرفته شدم که به علّت علاقه به رشته حقوق، در این رشته مشغول به تحصیل شدم. همزمان با دانشگاه در درس فلسفه حضرت استاد مومنی شرکت کردم و کتابهای بدایه و نهایهٔ الحکمه و شرح اشارات را از محضر ایشان بهره بردم و در ایام تعطیلی در طول سال تحصیلی دروس جنبی مثل عروض و قافیه و طب سنتّی را از محضر این استاد فرزانه استفاده می کردم. پس از اتمام دوره کارشناسی حقوق در سال ۱۳۷۶ در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه مفید پذیرفته شدم و پس از اتمام دوره تحصیل در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان« انگیزه و تاثیر آن در تحقق جرم» با درجه عالی دفاع کردم که راهنمایی این پایان نامه را جناب دکتر کوشا و مشاوره آن را جناب دکتر قربان نیا به عهده داشتند و داوری آن به عهده دکتر آشوری بود. در سال ۱۳۸۰ به عنوان پژوهشگر با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه شروع به همکاری کردم. و در آغاز همکاری پروژه ای تحت عنوان تبیین آداب شرعی اجرای قصاص در جهت اصلاح آیین نامه ماده ۲۹۳ آیین دادرسی کیفری را انجام دادم که حاصل آن اصلاح آیین نامه مذکور در سال ۱۳۸۲ بود. هم زمان با این پروژه در گروه تحقیقات جزائی مرکز تحقیقات به امور پژوهشی مشغول شدم. که حاصل آن مقالات متعددی است که در مجموعه نظریات مشورتی فقهی کیفری و حقوقی منعکس شده و در آنها به مسائل مبتلابه در قوه قضائیه نظرهای مشورتی داده شده است. از سال ۱۳۸۳ که بررسی و آسیب شناسی و اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی در دستور کار مرکز تحقیقات فقهی قرار گرفته به عنوان پژوهشگر با این مرکز همکاری دارم. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج اصول وحید خراسانی و درس فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی شرکت می کنم.

حسنی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدابراهیم حسنی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوره ابتدائی وراهنمایی تحصیلی را درنور مازندران پشت سرگذاشتم.واز همان آغاز ذائقه دینی ام درمسابقات قرآن و...باکسب امتیازات درسطح استان بروزکرد.برای ادامه تحصیل به تهران آمدم.مقدمات دروس حوزوی ازجمله مبادی العربیه،شرح ابن عقیل،اخلاق وقرآن تخصصی،تاریخ،متون و عقائد اسلامی و..رادرکناردروس رایج تحصیلی و علوم روز درمحضر اساتیدی چون دکترچیت سازیان،دکتر جعفر پور،حاج علی اکبری،دکترسعیدیان، استادمحفوظی،توجهی، علی اکبراشعری، استادمرحوم حدادی و استادادبیات دکترسید عبدالمجیدحیرت سجادی(که توان قلم ورمق حیاتم را مدیون تعلیمات وتشویقات ایشانم)دردبیرستان شهیدمطهری(رشته علوم ومعارف اسلامی)گذراندم.درک محضرعلمی و اخلاقی حضرات آیات امامی کاشانی،امجد،ضیاءآبادی وسیبویه (ره) و...آن سالها بسی غنیمت بود..

بعدازدیپلم،بسال۷۳باانتخاب،وانگیزه مناسبی که داشتم،علیرغم قبولی درکنکور،به ادامه تحصیل دروس حوزوی با گزینش اساتیدبرتر درفضاهای علمی ومعنوی مناسبی چون حوزه علمیه امین الدوله ومروی پرداختم.دروس سطوح حوزه ازجمله سیوطی،مغنی،لمعتین واصولین،معالم،رسائل ومکاسب وکفایتین رااز محضراساتیدبزرگواری چون افضل نژاد،جوادی افغانی،پورذهبی،مهاجری،علم الهدی،تقوایی،شریف زاده، دکترموسوی اصفهانی،مرحوم پاکتچی،دروازه ای وموسوی تبریزی(رحمهم الله)،ونوارهای درسی استادصالحی ووجدانی درکنارارتباط بامرکزمدیریت وبرخی اساتید حوزه علمیه قم فراگرفتم.علاوه براین غروب دوشنبه هایی پرباربهانه تنظیم آثار استادبزرگوارآیه الله سیداحمدعلم الهدی خراسانی ازمحضرایشان بهره های فراوانی بردم. آنسالها حضوردرپای درس اخلاق و مواعظ آیه الله مرحوم حق شناس،مجتهدی(ره)،مهدوی کنی وآیه الله مجتبی تهرانی نیزبسی ارزشمندوماندگار بود. محوربرخی فعالیتهای تبلیبی وقلمی بنده ازسال۷۳تاکنون چنین است: ۱-پیگیری نظام مندمطالعات وفیش برداری ازمنابع ومتون دینی ازجمله نهج البلاغه

۲- تدوین،ترجمه،بررسی وتالیف کتب ومقالات وارتباط بامراکزپژوهشی وفرهنگی

۳-ارائه مقالات به همایش ها،روزنامه هاومجلات علمی وتحقیقی قم وتهران

۴- مدیریت بروزوبلاگهای دینی وهمکاری علمی باسایتها وفضاهای مجازی

۵- فعالیتهای تبلیغی درهیئات ومساجدوادارات تهران وشهرستان

حسین زاده، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حسین زاده

محل تولد : زرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۸/۱

زندگینامه علمی

فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در روستای باب عبدان از توابع شهرستان زرند کرمان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را تا سال چهارم در همان روستا پشت سر گذاشتم و در سال پنجم ابتدایی به دهستان دشتخاک از توابع شهرستان زرند عزیمت نمودم.

با ورود به دوره راهنمایی عازم شهرستان زرند شدم و دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان مذکور به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۳ در رشته ریاضی و فیزیک فارغ التحصیل گردیدم در سال ۱۳۷۴ با قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه به قم آمدم و در مدرسه علمیه امام مهدی موعود (عج) واقع در نیروگاه دروس حوزوی را آغاز نمودم.

دروس مقدماتی و ادبیات عرب را به مدت سه سال در مدرسه فوق الذکر به پایان رساندم و سال چهارم وارد مدرسه علمیه معصومیه (س) شدم و ادامه دروس مقدماتی را تا سال ششم در آن مدرسه تکمیل کردم.

در طول سه سال که در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل بودم در کنار دروس اصلی حوزه مکالمه عربی را به صورت تخصصی فرا گرفتم و در طول این مدت مقالات متعددی به زبان عربی به رشته تحریر در آوردم که دو مقاله در مجله تخصصی «النافذه» به چاپ رسید.

بعد از اتمام دروس مقدماتی ، دروس سطح را در مدرسه آیهٔالله گلپایگانی آغاز نمودم و از محضر اساتیدی چون حجهٔالاسلام و المسلمین حضرات آقایان فقیهی، تهرانی، حسینی، دیباجی اصفهانی، طاهری مازندرانی، خسروشاهی و دیگران کسب علم نمودم و از علوم وافر و اخلاقیات آن اساتید بهره بردم در کنار دروس سطح و اصلی حوزه هم زمان در رشته تخصصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۴ در رشته کارشناسی تبلیغ فارغ التحصیل گردیدم و پس از آن در کارشناسی ارشد تبلیغ ادامه تحصیل دادم هم اکنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر حضرات آیات وحید خراسانی و مکارم شیرازی (حفظه الله) بهره می برم.

علاوه بر تحصیل در رشته تخصصی تبلیغ دوره آموزشی روایت سیره شهدا و دوره مدیریت مسجد را فرا گرفتم و به عنوان یکی از محققان مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم به سؤالاتی که از آن مرکز دریافت می کنم پاسخ می گویم و در کنار دروس حوزوی به امر تحقیق و پژوهش و تبلیغ می پردازم و به شکر خدا از سال ۱۳۷۹ که ملبس به لباس مقدس روحانیت گردیدم در ایام تبلیغی توفیق تبلیغ دین و نشر احکام الهی را در شهرها و روستاهای مختلف کسب کرده ام و با اقشار مختلف جامعه در ارتباط بوده ام.

ان شاء الله همه ی این فعالیت ها مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد. والسلام عباس حسین زاده.

حسین مقدم، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی حسین مقدم

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلأ (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال ۱۳۴۹ شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر(ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد(ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال ۵۴ و ۵۵ در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کرم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم.

لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسینعلی پور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید حسینعلی پور

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجهٔ الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه‌های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال ۱۳۴۹ به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیهٔ الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیهٔ الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری

هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج آیـةالله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیـة الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیـة الله تبریزی بیش از ۱۲ سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیـة الله شیرازی انصاری خواندم. نهایة الحکمه را از آیة الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیة الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد ۶ و ۷ را از آیـة الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیة الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیـة الله سبحانی را گذرنده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیة الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از:
آیةالله نوری همدانی، آیةالله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق(منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ادیانی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسلم حسینی ادیانی

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

حسینی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمد صادق، خطیب ادیب، و عالم جلیل، مؤلف کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین به فارسی، که آن را به اسم فتح علی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی اصفهانی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمدباقر، واعظ کامل، مؤلف: ۱ – جارح العینین فی مصائب الحسین علیه‌السلام که آن را در سال ۱۲۲۲ به نام فتح علی شاه تألیف نموده ۲ – عین الدموع؛ و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی حسینی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوران دبستان و دبیرستان در زمان سیکل دوم (قبل از دیپلم) بود که با وضعیت نامناسب مدارس در دوران شاهنشاهی در سال ۱۳۵۱ – ۱۳۵۲ دروس مدارس را ترک گفته و یک مرتبه عشق دروس حوزوی و تحصیل علم در من زنده شد. با علاقه وافری در کنار دروس کلاسیک درس جامع المقدمات را به طور خصوصی نزد استادی شروع به خواندن کردم و کم کم به حوزه علمیه در اصفهان ، مدرسه ذوالفقار پای گذاردم. اساتید بزرگواری مانند آیت الله حسن امامی، استادبزرگوار حاج آقا فقیه(حاج شیخ علی اکبر)، استاد بزرگوار حاج آقا صحبت ابطحی و دیگر اساتید را تلمذ نموده و کتابهای ادبیات و دوره سطح تا لمعتین را در آن مدرسه به اتمام رسانیدم. آنگاه به حوزه علمیه قم مشرف شدیم که حدود ۱۳۵۷ بود. و بقیه کتب دوره سطح را از رسائل و کاسب و منطق مظفر و معالم الدینی تا به دروس خارج فقه و اصول را به طور پیوسته در کنار اساتید بزرگوار همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی- دوزدوزانی – مظاهری- غیر خواندم و کم کم در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام فاضل لنکرانی- مکارم شیرازی – مرحوم حاج شیخ جواد آقا تبریزی – وحید خراسانی- نوری همدانی- شرکت میکردم و البته دروس جنبی دیگر همانند تفسیر – علم رجال- مباحث کلامی و دروس دیگر را به طور جزوه ها و غیره را اشتغال داشتیم و در امتحانات حوزه شرکت داشتیم. بعد از حضور در دروس خارج در کنار آن به حضور در مجالس تفسیر علاقه وافری داشتم . در جلسه تفسیر آیت الله خزعلی شرکت داشتم و با عشق به آن درس و عمق در آن به حفظ قرآن مشغول شدم و بیشتر قرآن را حفظ کرده و در کنار آن عشق به تفسیر در بنده زنده شد. که نخست بیشتر تفسیر نمونه را به طور کامل مطالعه کردم برای اینکه حفظ آیات در ذهن بنده بیشتر استقرار یابد. آنگاه مجموعه تفسیر المیزان را مطالعه عمیق نمودم و از آن نسخه برداری کردم. پی بردم برخی از مقالاتی هست که باید از قرآن استخراج شود ، در اینجا زمینه با عشق وافری که داشتم برخی از مقالات را استخراج نمودم از قبیل : توحید نظری، و عملی ، یهودیت و مسیحیت ، ولایت و امامت، هنر و دیگر مقالات که در قرآن زیاد بر آن تکیه شده و در همین دوران بود که کتابهای نوشته شده تا کنون به حدود ۴۵ عدد میرسد و بیشترین و بلکه همه آنها دقیقا در خصوص دردها و

امور مبتلابه مردم است و حتی برخی از اساتید با نظارت بر آنها اظهار داشته اند که شما دقیقا روی دردهای محسوس و ملموث جامعه قلم میزنید. امیدوارم خداوند با منتی که بر بنده حقیر نموده منت خودرا از بنده حقیر دریق ندارد تا بتوانم دینم را به اسلام و مسلمین ایفا بنمایم . از همکاری و لطف شما در این زمینه که بنده حقیر را تفقه نمود، به کمال تشکر و قدردانی می نمایم . والسلام

حسینی خاتون آبادی، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و امام مسجد جامع جدید عبّاسی بوده، وفاتش در سال ۱۱۹۳، قبرش در تخت فولاد تکیه ی آقا رضی.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی زفره ای، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر حسینی زفره ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن پنج سالگی یعنی در سال ۱۳۲۷ بهمراه والدینم از زفره اصفهان به کربلا رفتیم و یکسال در آنجا ماندیم و پس از یکسال به ایران بازگشته و بعللی که ذکر آن مفصل است عازم گرگان و در یکی از روستاهای آن به نام مرزنکلاقه مقیم گشتیم و در مدرسه آن روستا مشغول تحصیل شدم و تا ششم ابتدایی درس را ادامه داده و پس از آن درس را رها کرده به کار کشاورزی مشغول و در سال ۱۳۴۴ عازم سربازی شدم و پس از پایان خدمت ازدواج کرده و به تشویق یکی از روستائیان جهت تحصیل علوم دینی عازم مشهد مقدس گشتم و دو سال در مشهد جامع المقدمات را نزد اساتید آنجا خوانده و سپس عازم قم گشته و از سال ۱۳۵۰ در قم مشغول تحصیل و از سال ۱۳۶۰ علاوه بر تحصیل دروس حوزوی به تألیف کتاب مبادرت کرده که تا کنون حدود سی جلد کتاب نوشته ام که بیست جلد از آنها چاپ شده و ده جلد دیگر آن نیز آماده چاپ است.

حسینی شاهرودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین حسینی شاهرودی سومین فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی قدس‌اللّٰه سره می‌باشند که در حدود سال ۱۳۲۳ شمسی در نجف اشرف دیده به دنیا گشوده و در حجر والد بزرگوار و والده ماجده‌اش صبیه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری پرورش یافته و مقدمات را از اساتید حوزه نجف مانند آیت‌اللّٰه حاج سید کاظم حایری خوانده و سطوح عالیه را از مدرسین آن سامان فراگرفته و در درس خارج برادر بزرگوارش حضرت آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمد شاهرودی شرکت و فقه و اصول را از آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّٰه صدر شهید استفاده نموده، تا در سال ۱۳۹۴ ق که از طرف حکومت یزدی عراق تسخیر به ایران گردیده و مانند برادر بزرگوارش مقیم حوزه علمیه قم شده و به تدریس سطوح عالیه کفایه و مکاسب پرداخته و در ابحاث و دراسات برادرش نیز شرکت نموده و می‌نماید. به فضل و دانش و تقوا موصوف می‌باشند و در غیاب برادر عزیزش در حسینیه نجفیهای قم به جای معظم‌له اقامه جماعت نموده و مورد توجه خاص معاودین محترم و غیره می‌باشند.

نگارنده بارها از ایشان خواستار شدم که ترجمه خود را به نگارنده به جهت پارسائی اجابت ننموده تا بعد از مدتی چند سطری مرقوم داشتند که تلخیص آن را نگاشتم.

از تألیفات ایشان تقریرات بحث برادر بزرگوارشان آیت‌اللّٰه حاج سید محمد شاهرودی که جزو اول آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسینی شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۹ ق.، کربلا.

درگذشت: ۱۱ مرداد ۱۳۷۶، مشهد.

آیت‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی، فرزند حجت‌الاسلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پست سر نهادن دوران کودکی به سال ۱۳۴۶ ق. وارد مدرسه‌ی جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی‌اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فراگرفت. سپس به یادگیری رسائل و مکاسب و کفایهٔ و علوم هیئت و ریاضیات نزد حضرات آیات شیخ محمد رضا اصفهانی و سید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضر آیات عظام سید محمدهادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایاشن در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالیه پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال ۱۳۹۲ ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه‌ی جماعت در صحن حسینی (ع) پاسخگویی به مسائل دینی پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، اقدام به تأسیس مجله‌ی «اجوبهٔ المسائل الدینیه» کرد و در آن- با همیاری و

همکاری حضرات آیات سید محمدباقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین- به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ داد و حوزه‌ی خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.

ایشان به جز تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و تبلیغ شعائر دینی، با همیاری و مساعدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسهٔ الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنای تعالیم اسلامی در سال ۱۳۷۱ ق. تأسیس شد و تا سال ۱۳۹۵ ق. ادامه یافت)؛ مدرسهٔ اسلامیه (در این مدرسه به دانش‌آموزان دروس فقه؛ حدیث تفسیر و عقاید آموزش داده می‌شد)؛ درمانگاه کودکان؛ الجمعیهٔ الهریهٔ الاسلامیهٔ؛ المکتبهٔ الجعفریهٔ (این کتابخانه با پنج هزار کتاب چاپی و خطی در مدرسه هندی گشایش یافت)؛ لجنهٔ الثقافهٔ الدینیهٔ (که پاسخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را بر عهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سئوال را پاسخ دهد).

از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: مقالید الهدی فی شرح العروهٔ الوثقی (هفت جلد، که سه جلد آن به چاپ رسیده است)؛ حیاهٔ الامام الحسین بن علی (ع)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السجود علی التربهٔ الحسینیهٔ؛ صلاهٔ الجمعهٔ فی عصر الغیبهٔ؛ النوروز فی السلام نوروز در تاریخ و دین؛ اجوبهٔ المسائل الدینیهٔ (چهارده جلد که دو جلد آن به نام امید جوان ترجمه و چاپ شده است)؛ اجوبهٔ المسائل فی التفسیر (دو جلد)؛ اجوبهٔ المسائل فی العقائد؛ تقویم هجری (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۶۳ ق.). تألیفات مخلوط ایشان عبارت است از: المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه؛ الطریق القویم الی جنهٔ النعیم (پیرامون امامت)؛ دفع الشبهات و حل المشکلات؛ غایهٔ التقرب فی شرح منظومهٔ التهذیب؛ حاشبه بر مکاسب؛ حاشیه بر رسائل؛ حاشیه‌بر معالم؛ حاشیه بر قوانین؛ حاشیه بر شرح لمعه؛ الطریق المستقیم فی بیان اصول‌الدین؛ عقاید المؤمنین فی اصول الدین.

در سال ۱۳۹۷ ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصد ایران ترک کرد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس سطوح عالیه و عقاید، امامت جماعت (در مسجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد»- که از آن هفت شماره منتشر گردید پرداخت. اما در سال ۱۴۰۰ ق. به دنبال سکته‌ای ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی سرانجام پس از هفتاد و هفت سال زندگی در یازدهم مرداد ۱۳۷۶(۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) چشم از جهان فروبست و پیکرش در روز سه شنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول، پس از تشییع و نماز آیت‌الله شیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی عربی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حسینی عربی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال ۱۳۵۷و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال ۱۳۶۱ آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیّه وارد شدم.

دروس اوّلیّه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای ۱۳۷۰-۷۵ گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم .

دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون : استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیّه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربّی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.

پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکزی چون : مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیّه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی فر، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حسینی فر

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۸ در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم .عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیارسودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم .برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران بازگشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .

سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم. همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیبم شد .پس از اتمام سطوح عالیه ، از سال ۱۳۷۸ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کردهام.در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم.

از سال ۱۳۷۹ ضمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیبم شد . همچنین از سال ۱۳۸۳ توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال ۱۳۸۴ ،تدریس برخی از درس حو زوی از جمله – عقاید و فلسفه ـ را آ غاز کرده ام.

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال ۱۳۴۸ در شهرری متولد شدم. بعداز دوران تحصیلات ابتدایی و

راهنمایی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه شهری و سپس در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم منتقل گردیدم. از حدود سال ۱۳۷۱ در دروس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی(ره) و جوادی آملی بهره وافری برده ام. در سال ۱۳۷۱ وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی(ره) شدم و در سال ۱۳۶۷ در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی(۱۹) فارغ التحصیل گردیدم. در سال ۱۳۸۳ وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف(کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد : نکا- ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۷-۴۶ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .

مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.

حقیر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و

تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.

کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.

حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.

در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

حسینی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم حسینی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد ، در نهایت در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده ام.درسال ۱۳۶۲ با عنایت امام عصر (عج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال ۱۳۶۴ لمعتین را شروع کنیم.البته در سال ۱۳۶۳ ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم.در سال ۱۳۶۵ رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.

مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می دادم. نهایتا پس از برگشت از لارستان در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره ۲۰ از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم.درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۹ شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض

بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت ۲ سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم.همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدیده مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.

در سال ۱۳۷۴ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره ۱۹) با امتیاز عالی قبول شدم. (۱۳۷۹)از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم.در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مسئولت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی خود را با موسسه حفظ نموده ام. در طول سالیان ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه های آزاد اسلامی ساوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خواهران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتا در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم.بعد از انتقال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلا نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

حسینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید ابوالحسن بن السید الجلیل مرحوم حاج میر باقر بن میر محمد بن سید یوسف حفید برادر آیه‌الله آقا سید عبدالغفار مذکور از علماء معاصر بابل و فضلاء با تقوا حوزه علمیه قم است. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در قریه درزی کلاء بابل متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در شهرستان بابل خوانده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بمشهد مقدس مشرف شده و مدت ۹ ماه در آنجا توقف و بواسطه بروز جنگ بین‌المللی و ورود متفقین بایران با مشکلاتی روبرو شده که ناچار بوطن برگشته و مدت یکسال یا بیشتر توقف و مواجه با گرفتاریهای زیادی شده تا والدش وی را بقم آورده در سال ۱۳۶۳ قمری و شروع بتحصیل نموده و سطوح اولی و متوسط را نزد اساتید حوزه خوانده و سطوح عالی فقه و اصول را از محضر آیه‌الله آقای سلطانی بروجردی و آیه‌الله صدوقی و آیه‌الله فکور یزدی خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران استفاده کرده و ضمنا تدریس ادبیات و سطوح متوسط و عالی را نموده و در زمان آیه‌الله العظمی بروجردی امور طلاب و محصلین مازندرانی از قبیل تقسیم شهریه و غیره بایشان محوّل بوده و مدت هیجده

سال در قم اقامت و اشتغال بتحصیل و تدریس داشته تا اواخر سال ۱۳۳۹ شمسی که بموجب دعوت و اصرار اهالی شهرستان بابل و حسب‌الامر آیه‌الله العظمی بروجردی به بابل آمده و تاکنون باقامه جماعت در مسجد بی‌سر تکیه و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تدریس سایر امور دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما که این حقیر در قم آشنائی نزدیکی با او داشتم از علماء ابرار و فضلاء اخیار معاصر و در مکارم اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و قدس و تقوا شباهت تامی بعموی معظمش مرحوم آیه‌الله آقا سید عبدالغفار طاب‌الله ثراه دارد و در مدت توقفش در قم مکروهی از او ندیده و مارأیت منه الا ـ جمیلا ـ آری بایـد از بیت آن مرحوم که از شاگردان آیه‌الله عالم ربّانی حاج شیخ محمد بهاری و آیه‌الله التقی الورع الزکی حاج سید احمد کربلائی تهرانی بوده مانند آقای حسینی بیرون آید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حسینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد ۱۳۴۱ هجری شمسی/ بیست و سوم ذی الحجه ۱۳۸۱هجری قمری بیست و هشتم می ۱۹۶۲میلادی. آ غاز طلبگی: تهران/۱۳۵۹، ادامه در قم ۱۳۶۳. تحصیلات حوزوی: خارج فقه و اصول(یک دوره).استادان اصلی دروس حوزه: پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی . تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران(۱۳۶۷)و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۱). سوابق علمی: ویرایش حدود ۵۰ کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی ۳۰ اثر در زمینه های حقوقی،ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت،حدیث، پیشینه شعر از سال ۱۳۵۸ و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷. سوابق عملی: مسؤولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال ۱۳۵۸ . اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر . سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج . آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، داوود

قرن:۱۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

داوود حسينی

محل تولد : دستجرد آشتيان

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگينامه علمی

درسال ۱۳۶۰وارد حوزه علميه آيت الله مجتهدی تهرانی شدم و دروس صرف و نحو را در تهران گذراندم. از درس اخلاق آيت الله مجتهدی بهره بردم و در درس اخلاق آيت الله حاج آقا مجتبی تهرانی شرکت می کردم.

درس فقه لمعتين را از اساتيد بزرگوار آيت الله ضياء آبادی و رئوفی بهره بردم. در سال۱۳۶۷وارد حوزه علميه قم شدم و در درس رسائل آيت الله اعتمادی و مکاسب آيت الله پايانی و دوزدوزانی بهره مند شدم. همزمان در دوره های آموزشی موسسه در راه حق که زير نظر آيت الله مصباح يزدی برقرارمی شد شرکت می کردم.دو جلد کفائتين را از آيت الله تهرانی وحجۀ اسلام والمسلمين گنجی استفاده کردم.

با پايان دوره پنج ساله آموزشی موسسه در راه حق و تبديل اين موسسه به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمينی(ره) درکنار دروس خارج آيات عظام آيۀ الله مکارم شيرازی و جعفر سبحانی وجوادی آملی دوره کارشناسی ارشد روانشناسی را در موسسه امام خمينی(ره) به پايان رساندم ودر سال ۸۲ فارغ التحصيل شدم.

حسينی، فضل الله

قرن:۱۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

سيد فضل الله حسينی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعيت : ايران

زندگينامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علميه قم شدم. روز آغازين ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحميلی عراق عليه ايران به رهبری صدام و کمک آمريکا، اروپا،شوروی و هم پيمانانشان بود. پس از چهارماه تحصيل در حوزه علميه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم ميان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بيش از دو سال و نيم در جبهه بودم و پنج سال و نيم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقيدتی قرار گاه خاتم الانبياء و دفتر سياسی نمايندگی امام در نيروی زمينی سپاه

کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حسینی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی حسینی از فضلاء مبارز و فعال این شهرستانست تولد ایشان در این سامان شده و برای تحصیل به مشهد مقدس آمده و متون فقه و اصول را از مدرسین مشهد فراگرفته و از محضر و دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی حسینی میلانی بهره‌مند گردیده و پس از آن به وطن برگشته و به خدمات دینی پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای حسینی را که دو سه بار ملاقات نمودم دانشمندی حساس و فعال یافتم چنانچه در زابل در اثر فعالیتهای بسیار تأسیس کتابخانه‌ای بنام (حضرت صاحب الزمان (ع)) نموده و به واردین اهل علم که که جبراً و یا اختیاراً به زابل می‌آیند خدمات زیادی کرده و می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم حسینی

محل تولد : بوشهر

شهرت : حسینی بوشهری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری در سال ۱۳۳۵ در بخش بردُخون از حوالی بندر دیّر استان بوشهر به دنیا آمد. پدر او روحانی بود و اگر چه بسیاری از دروس رسمی حوزه را نخوانده بود، در منطقه خود مورد اعتماد مردم و به رتق و فتق امور مردم و حل منازعه بین آنها می‌پرداخت و خود از راه کشاورزی روزگار می‌گذراند. مادر او نیز خود دختر عالمی فرزانه بود و در شکل‌گیری شخصیت آیت الله حسینی بوشهری نقش بسزایی ایفا می‌کرد. آیت الله حسینی بوشهری پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به تحصیلات علوم دینی روی آورد. مشوق اصلی او در این امر پدرش بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از طی بخشی از دروس مقدمات به حوزه علمیه قم رو آورد. در قم درسهای باقیمانده از دورهٔ مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره سطح را آموخت و به درس خارج راه یافت. ضمن اینکه در دروس اخلاق استادان خود شرکت می‌نمود. وی همگام با تحصیل به تدریس آنچه آموخته بود نیز می‌پرداخت. آیت الله حسینی بوشهری در حوزه علمیه بوشهر و قم به محضر عالمان و

استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از فراگرفتن جامع المقدمات و بخشی از کتاب سیوطی به حوزه علمیه قم وارد شد. وی در قم ادامه کتاب سیوطی و نیز کتب مغنی و معانی و بیان و شرح لمعه‌را به صورت خصوصی از محضر اساتید آن زمان فرا گرفت. در دوره سطح نیز بخش عمده‌ای از رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله ستوده آموخت. ایشان بخشهایی از رسائل، کفایه و قوانین را از محضر آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی بهره برد. او بسیاری از مباحث کفایه را نیز از درس مرحوم آیت الله پایانی استفاده کرد. با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی رفت. در زمینه اصول نیز مدتی از محضر مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برد. سپس یک دوره کامل اصول را از خدمت آیت الله مکارم شیرازی و بخشهای بسیاری را نیز از محضر آیت الله وحید خراسانی فرا گرفت. در طی این سالها در بخش حکمت و عرفان به درس آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی رفت و اسفار را نزد این عالمان وارسته آموخت. آیت الله حسینی بوشهری از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که مصمم بود هر درسی که می‌آموزد، بیاموزاند. از این رو با شروع سیوطی، به تدریس اشتغال داشت که این مسأله هم اکنون نیز ادامه دارد. بسیاری از نوارهای تدریس او همراه مورد استفاده طلاب حوزه علمیه قم است. وی بارها دروس مقدمات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و بخشهایی از عروهٔالوثقی را تدریس کرد. در فن خطابه نیز پس از نگارش جزوه ای در این زمینه سالیانی چند به تدریس برای علاقه‌مندان به آشنایی با فن سخنوری اشتغال داشتند که در طی این سالها شاگردان بسیار را تربیت کرده‌اند.او در کنار این فعالیتها از تدریس در دانشگاهها باز نمانده و به گونه‌ای مستمر به تدریس در دانشگاههای تهران و قم اشتغال داشته است. آیت الله حسینی بوشهری در عرصه تحقیق و تألیف کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. آیت الله حسینی بوشهری در طول سالهای مبارزه امام و امت مسلمان ایران بر ضد رژیم پهلوی، همواره با این سیل خروشان همراه بوده است. او مبارزه را از سنین نوجوانی و در بوشهر آغاز کرد و در قم نیز آن را پی گرفت. او اعلامیه‌های امام(ره) را بین مردم منتشر می‌کرد که این مسأله موجب چندین بار دستگیری و بازجویی وی شد.

حسینیان، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تا سوم دبیرستان را در صفاد ، یکی از روستاهای آباده طی کردم .

سطح را در مدرسه حقانی قم (ادبیات را نزد آیت الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی، لمعه نزد فاضل هرندی ، مکاسب نزد آیت الله ستوده ، رسائل نزد آیت الله جنتی ، کفایه نزد آیت الله احمدی میانجی)

درس خارج را در تهران دو سال نزد آیت الله محمدی گیلانی، یک سال نزد آیت الله صانعی، دو سال نزد آیت الله خامنه ای و یک سال کتاب قضا و شهادات نزد آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم .

حسینیان، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جعفر حسینیان در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک دیپلم شده و در همان سال بنا به درخواست رسمی دانشگاهی از آمریکا ارسال ترجمه مدارک برای اخذ مدارک علمی بالاتر قصد آن دیار نمودم که با جریانات انقلاب مصادف شد، و با احساس تکلیفی که در جریان تحقق اسلام ناب در جامعه داشتم بعد از پیروزی انقلاب به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز فارس درآمدم و تا سال ۱۳۶۳ در بخش فرهنگی و تبلیغی سپاه پاسداران مشغول فعالیت بودم. بعد از آن به قم مراجعت نموده و در مرکز تحقیقات علمی فرهنگستان علوم اسلامی و در کنار آن در حوزه علمیه مشغول تحصیل فعالیت علمی شدم و موضوعات مطرح شده علمی در فرهنگستان علوم اسلامی و همچنین هدف این موسسه علمی و تحقیقی که تحت سرپرستی علمی علامه شهیر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید منیر الدین حسینی شیرازی (قد سره) بود به دلیل نوآوری آن بسیار مورد توجه و علاقه من قرار گرفت و اکثر اوقات علمی و تحقیقی خود را در آن موسسه علمی و تحقیقی گذراندم.

هدف عمده تحقیقات فرهنگستان علوم اسلامی بعد از آسیب شناسی جدی در موانع اجرای احکام الهی در جامعه و ریشه یابی آن و بزرگترین مانع را مدل ها و الگوهای علمی اداره کشور دیدن تحقیق پیرامون روش دستیابی به فلسفه شدن اسلامی بود در این راستا تمام عمر تحقیقی خود را در این موسسه و در محضر استاد عزیز علامه حسینی (ره) بودم و بعد از رحلت ایشان که بسیار برای من جانکاه بود به فعالیت های تحقیقی خود ادامه دادم.

حق جو، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین حق جو

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۲/۲۹

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین حق جو در۲۹ اسفند سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر نیشابور در خانواده ای متدین و مذهبی به دنیا آمدم.دوران تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان در شهرستان نیشابور و سپس در هنرستان فنی مشهد سه سال ادامه تحصیل دادم و سرانجام در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی برای کسب علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم.از آغاز کودکی به همراه پدرم در جلسات و هیئات مذهبی شرکت می کردم و از همان اوایل کودکی به جلسات قرآن و درس اخلاق و احکام علاقه فراوانی داشتم هنوز به سن تکلیف نرسیده بودم که در هیئات مذهبی شهرستان نیشابور فعالیتهایی اجرایی و فنی را بعهده گرفتم.

جلسات هفتگی ، تمرین سخنرانی، حفظ حدیث و تلاوت قرآن برگزار می کردم. در تابستانها تحت نظر مدیریت حوزه در قبل از انقلاب جلسات و کلاسهای قرآن،عقائد، احکام و اخلاق را با حضور اساتیدی از قم اداره می کردم. در سالهایی که برای ادامه تحصیل به مشهد رفته بودم با استفاده از تعطیلات پایان هفته، جلسات هفتگی با حضور نوجوانان و جوانان تشکیل می دادم و برای آنان از درآمد شخصی خود هدایایی تهیه می کردم.در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به قم سفر کنم که در ابتدا دوستان و حتی اولیاء با این امر مخالفت می کردند ولی با پایداری خود و توصیه برخی بزرگان وارد حوزه شدم.در آغاز ورود به حوزه با اساتید قلم، گفتار و عمل ارتباط برقرار کردم. در همان اوان ورود به حوزه به توصیه برخی عزیزان و اساتید، قلم به دست گرفته و اولین اثر خود را به نام خودسازی در مکتب قرآن و عترت (علیهم السلام)در سال ۱۳۶۱ با تقریظ حضرت آیت الله مظاهری و مقدمه استاد مصطفی زمانی (ره) به زیور طبع آراستم.

تاکنون حدود ۵۰ عنوان کتاب تألیف نموده ام و چند عنوان کتاب هم تحت نظر بنده تألیف گشته است چند سال در دانشگاه آزاد تهران،شهریار، کمیته انقلاب اسلامی،دفتر امام جمعه شهریار، فعالیت داشتم و همچنین چندین سال مسئول پاسخ گوئی به سوالات جوانان سراسر کشور در مؤسسه پیام اسلام بودم و حدود ۸ سال مدیریت بنیاد فرهنگی اسلام را عهده دار بودم که روزانه پاسخگوی صدها نامه و تلفن از سراسر کشور بودم و در کنار کارهای پژوهشی، تألیف، تدریس و تبلیغ به تحصیل پرداختم، دروس سطح را از آقایان باکوئی، اعتمادی، وجدانی،استادی،مظاهری،پایانی، ستوده، ممدوحی، مشکینی، شب زنده دار، جوادی، مصباح، خز علی و... کسب فیض کردم پس از گذراندن دروس سطح حوزه به مباحث عالی حوزه همت گماشتم و از محضر اساتید خارج آیات عظام، مرعشی، گلپایگانی، سبحانی، مکارم، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، نوری همدانی،که به تقریرات دروس این اساتید می پرداختم.همزمان با گذراندن تحصیلات خارج به تدریس نیز مشغول بودم، تا اینکه در سال ۱۳۷۳ به همکاری در معاونت تهذیب حوزه دعوت شدم و به عنوان مسئول مشاوران مدارس برگزیده شدم و به برنامه ریزی نظارت و اجرا می‌پرداختم به لحاظ ضرورت امر، لازم آمد که مرکز تخصصی مشاوره اقدام شود که تاکنون این مسئولیت را عهده دار می باشم و به یاری خدای متعال و کمک ۴۰ مشاور در رشته های مختلف اخلاقی، روحی، معنوی، پزشکی،روانپزشکی، حوزوی، اجرائی، آموزشی و خانواده ، به انجام ظیفه مشغول هستم.

کنون نیز علاوه بر کارهای علمی، پژوهشی و تبلیغی به تألیف موضوعات کاربردی جوانان مشغول هستم ولی متأسفانه بخاطر کمبود وقت و امکانات، توان نشر آن آثار را ندارم.ضمنا دو دوره بعنوان نماینده طلاب و فضلا نیشابوری مقیم حوزه قم برگزیده شدم که به عنوان رئیس کمیسیون اخلاق و تهذیب این مجمع نیز گزیده شدم.

اگر چه چندان موفق به تدریس نیستم، ولی با لطف الهی در مراکز تخصصی حوزه، مدارس علمیه قم و شهرستانها و موسسه امام خمینی (ره) ، مدرسه فیضیه قم و دانشگاهها تدریس مباحث اخلاقی و روانشناسی بصورت مداوم وپاره وقت مشغول میباشم.خدا را باید بر این الطاف فراوان سپاس و تشکر فراوان نمود که هذا من فضل ربی و از باب و اما بنعمه ربک فحدث یاد آور شدم.

حقانی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن حقانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک را تا سوم دبیرستان در دبیرستان جعفری اسلامی تهران ادامه دادم. اکثر اوقات فراغت خود را در آن دوران بویژه تابستان در کتابخانه مرحوم آیت الله حسن سعید واقع در مسجد جامع بازار تهران می‌گذراندم. همچنین عصرهای پنجشنبه از محفل درس اعتقادات آیت الله سبحانی در همان کتابخانه استفاده می کردم.در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از موفقیت در آزمون ورودی در مدرسه منتظریه(حقانی)تحت اشراف شهید قدوسی به تحصیل علوم دینی پرداختم و از محضر آیت الله قدوسی، آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی،آیت الله خزعلی، آیت الله مقتدایی، آیت الله حائری شیرازی، آیت الله معرفت و .... استفاده نمودم.همچنین از اساتید خارج از مدرسه تا سطوح عالیه چون استاد ستوده،استاد اعتمادی، استاد خرازی و استاد پایانی استفاده نمودم و یک دوره اصول و بخشی از فقه چون صلاهٔ، حج و ... را در محضر حضرت آیت الله مظاهری فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۹ وارد مؤسسه در راه حق شده و از برنامه‌های درسی آنجا تحت اشراف حضرت آیت الله مصباح یزدی استفاده نمودم و علاوه بر گذراندن دروس عمومی دانشگاهی در رشته تخصصی روان شناسی تا حد کارشناسی ارشد تحصیل نمودم و از محضر اساتید حوزوی و دانشگاهی ا ستفاده نمودم که به دلیل آنکه آن زمان مدرکی داده نمی‌شد فقط به گذراندن دوره اکتفا شد.در این دوره از محضر استاد معظم آیت الله مصباح در زمینه‌های فلسفه، علوم قرآنی و اخلاق بهره‌ها بردم.

در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه مک گیل واقع در شهر مونترآل از کشور کانادا پذیرش گرفته و کارشناسی ارشد را در رشته عرفان دریافت نمودم.در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه لنکستر انگلستان در مقطع دکتری پذیرش گرفتم که به عللی ترک تحصیل نموده و به ایران اسلامی بازگشتم.در مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،دانشگاه تهران تدریس دارم.تألیفاتی نیز داشته که برخی از آنها چاپ گردیده است. برخی از آنها نیز با همکاری دیگر برادران نوشته شده است. آخرین اثرصلح در اسلام به دو زبان فارسی و انگلیسی نگاشته شده است.

حقانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان رنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود با بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود ودر سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیهٔ الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع

نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیهٔ الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیهٔ الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیهٔ الله مجاهدی و آیهٔ الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیهٔ الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیهٔ الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایهٔ الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیهٔ الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیهٔ الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایهٔ الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیهٔ الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی

از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایهٔ الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاهٔ ، صوم ، زکوهٔ ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیهٔ العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیهٔ الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حقانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۰، قم.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از اسلام پیشرو نهضت ها؛ و برخی از جزوات مؤسسه در راه حق.

حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حق‌شناس، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس تهرانی از علماء مبرز و فضلاء بنام و مدرسین کرام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ ق در تهران متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را در تهران در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا تنکابنی و عرفان و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی خوانده و در سال ۱۳۵۸ که مرحوم ثقةالاسلام حاج شیخ محمد حسین زاهد تهرانی (امام جماعت مسجد امین‌الدوله) تهران وفات نمود مومنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسین و متدینین و اخیار تهرانند به قم آمده و از آیت‌اللّه بروجردی تقاضا کردند ایشان را بجای آن مرحوم برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرماید.

پس ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم بتدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارد و نزدیك چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و به پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی و تربیت یافتگان مکتب او در بازار و حوزه‌های علمی قم و مشهد بسیار است و از روز آشنائی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.

از آثار ایشانست: ۱- رساله‌ای در ارث زوجه. ۲- تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حجت. ۳- تقریرات اصول آیت‌اللّه خونساری. ۴- تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه بروجردی.

شریك بحثی در قم داشتند بنام مرحوم ثقةالاسلام استاد میرزا حسین نظر لوئی تبریزی که از افاضل تلامذه مرحوم آیت‌اللّه حجه و داماد مرحوم ایه اللّه قزوینی بوده بفضل و تقوا موصوف و مشار بالبنان بود و ایشان علاقه تام و ارادات کاملی بوی داشت او را دعوت نمود که به مشهد مقدس ببرد ولی متأسفانه در تهران مرگ ناگهانی او را ربود و در ری در جوار ابن بابویه با همت عالی معظم له دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حقوقی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـا شـیخ مهـدی، از مرثیه سـرایان و روضه خوانان خوش اعتقاد بود، ارادتی کامل به سادات و اهل علم داشت. در پنجم ربیع الاول سال ۱۳۷۳ به سن قریب به هفتاد وفات یافته، در همان اطاق مدفون گردید.

مرحوم حسام الواعظین در مرثیه و ماده تاریخ فوت برادر قطعه‌ای سروده، از آن جمله است:

هر که در کوی دوست منزل کرد

سر و جان داد و خدمت دل کرد

سال فوتش حسام چون می‌خواست

با حساب جمل مقابل کرد

یکی آمد به جمع و آن گه گفت

مهدی اندر بهشت منزل کرد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حقی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حقی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۸۱ به بعـد در درسـهای فقهی حضـرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شـرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شـیخ در مـدرسه خان و مـدرسه امام عصـر اشـتغال دارم و از سال ۸۳ تـاکنون به همراه دوست گرامی جنـاب حجهٔالاسـلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغـاز کرده ایم که احتمالاـ برای تکمیـل آن بین ۱۰ تا ۱۵ سـال نیـاز به زمان است و می توانـد آثار و نتایـج علمی خوبی برای محققـان حوزوی در برداشـته باشـد. طرح مـذکور در مرحله فیش برداری و مطالعـات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعـد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.

تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال ۷۷ تا ۸۴ نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای ۲روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم.همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی ۴ تا ۱۸ سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حکمت‌نیا، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمد باقر حکمت‌نیا آذرشهری از علماء معاصر آذرشهر است (در قصبه شاه آباد غرب کرمانشاه) در سال ۱۳۳۵ قمری در آذرشهر متولد شده و تا سن سیزده سالگی در محل خود پرورش یافته آنگاه در معیت برادر رضاعی خود آیه‌الله حاج سید اسدالله مدنی (مقیم خرم‌آباد) از آذرشهر بقم آمده و تا سن هیجده سالگی دوره سطح خود را بپایان رسانیده و در صراط تزکیه نفس و تهذیب اخلاق کوشیده و چندی در تهران توقف و چندی هم در شهر ری بتدریس و سرپرستی طلاب مدرسه برهانیه اشتغال داشته تا گاهیکه از طرف مرحوم آیه‌الله مجاهد کاشانی بمنظور مبارزه با منحرفین و جلوگیری از تبلیغات مسمومانه بهائیت اعزام بخلخال گردیده و پس از آن مدتی در تبریز اقامت نموده و بتبلیغ و خدمات مذهبی پرداخته و با تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی خدمات شایانی انجام داده است تا در سال ۱۳۸۵ قمری که باز بقم برگشته و چند سالی در حوزه تدریس فقه و اصول و تعلیم اعتقادات نموده و شاگردان چندی تربیت تا سال ۱۳۴۶ شمسی که بنا بر دعوت و اسرار بعضی از اهالی محترم شاه‌آباد غرب برای ارشاد فرق مختلف اسلامی در آن سامان بآنجا منتقل و شروع بتبلیغات نموده و خدماتی انجام داده‌اند که ذیلا مینگارم.

۱- ساختمان حجراتی در کنار مسجد شاه‌آباد بعنوان مدرسه علمیه و تربیت طلاب و مبلغین برای دهات اطراف.

۲- راهنمائی و اعزام مبلغین دینی بدهات اطراف شاه‌آباد غرب در ایام محرم و ماه مبارك رمضان.

۳- تصرف زمینی که گمراهان میخواستند در گوشه‌ای از شهر آنرا تبدیل به محفل کنند بنام مسجد امام علیه‌السلام.

۴- بنیانگذاری مسجدی در کنار بقعه شاهزاده محمد که زیارتگاه عمومی است.

۵- تعمیرات و تجدید بنای صحن و دیوار اطراف احمد بن اسحاق قمی در سرپل ذهاب با همکاری برخی از علماء و تجار کرمانشاه.

۶- تجدید بناء مسجد کرند با همکاری جمعی از متدینین و یکنفر از تجار کرمانشاه.

۷- رفع اختلافات مذهبی که میان فرق اهل حق و خانقاهیان و مؤمنین با بیانات جالب و تشکیل جلسات برای آقایان اهل حق و ارشاد آنان بمبانی شیعه و تبدیل نام (جمخانه) آنان به مسجد حق و تبدیل نام خانقاه به (مسجد مرتضی علی).

۸- اقامه نماز جمعه و خدمات ارزنده دیگر در شاه‌آباد و اطراف آن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حکیم طباطبائی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یوسف فرزند بزرگ آیت‌اللَّه حاج سیدمحسن طباطبائی حکیم قدس‌اللَّه سرهما از آیات عظام و حجج اسلام نجف اشرف بوده است.

مجله مکتب اسلام (۱۲) سال سی‌ام می‌نویسد روز بیست و هفتم رجب روز بعثت پیامبر گرامی اسلام در حالی که مردم در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام مشغول راز و نیاز و ابراز تهنیت و تبریک بودند ناگهان در سرتاسر شهر منتشر شد که فرزند ارشد مرجع بزرگوار و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم، آیت‌اللَّه حاج سیدیوسف طباطبائی حکیم دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

انتشار این خبر غم و شادی را به هم آمیخت هر چند از دوران تسلط بعثیها عراق و بالاخص قسمت سوافل فرات روز خوش و شادی به خود ندیده بودند اما همین شادی که با فرارسیدن بعثت منجی بشریت دست داده بود با غم و تلخی به هم آمیخت و تاثر و تاسف حوزه علمیه نجف و علماء بزرگ و بیوت علمی و دیگر طبقات را به خود گرفت.

حاج سید یوسف حکیم رحمه‌اللَّه در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در دوران جوانی ادبیات و منطق و سطوح عالی را از اساتید متخصص حوزه علمیه نجف فراگرفته آنگاه از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللَّه حاج آقا ضیاءالدین عراقی و والد ماجدش آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولاـ استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و در رشته سلوك و اخلاقیات از محضر عالم ربانی آیت‌اللَّه حاج سید علی قاضی رحمه‌اللَّه بهره‌مند شده و به مقام معنویت نائل گردیده بود.

مرحوم حاج سید یوسف در دوران مرجعیت گسترده والد بزرگوارش قسمتی از زحمات علمی مرجعیت را به دوش داشت و بررسی استفتاآت و پاسخ به اشکالات بر عهده او بود زیرا بر اثر حضور ممتد در درس مرحوم آیت‌اللَّه حکیم در صحن مقدس و مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد و شیفتگان فقه و اصول را با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت.

وقتی والد ماجدش از دنیا رفت او با اصرار مردم بر نشر رساله و قبول مرجعیت روبرو شد ولی زهد و پارسائی او و وجود مرجع بزرگواری چون حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله العالی (در حوزه علمیه نجف) باعث شد که این مسئولیت را نپذیرفت.

از بعضی از دانشمندان شنیدم که چون آیت‌اللَّه العظمی حکیم رحلت نمود مرحوم حاج سید یوسف به واسطه داشتن محبوبیت و موقعیت خاص بین مردم عراق بالاخص مقلدین والد بزرگوارش، مواکب عزا و دسته‌جات و عشایر عرب از اطراف و اکناف که برای شرکت عزاء و تسلیت مراجع تقلید نجف و حوزه علمیه هزار ساله نجف و به ویژه بیت جلیل حکیم به نجف آمده بودند اطراف بیت و دارالعلم آن مرحوم جمع گردیده و پس از عرض تسلیت و سوگواری خطاب به آن مرحوم کرده و فریاد می‌زدند و حماسه می‌کردند (سید یوسف قلدناك سید یوسف قلدناك) یعنی ای آسید یوسف ما شما را تقلید می‌کنیم و پس از پدر بزرگوارت رجوع به شما نموده و رشته تقلید شما را به گردن خود بسته‌ایم.

پس آن مرحوم برای قداست نفس و تزکیه روح و پاکی طینت و تهذیب اخلاقی که ذاتا داشت و از استادش مرحوم آیت‌اللَّه قاضی

آموخته بود. از آنان تشکر نموده و فرمودند اما با بودن مجتهد و مرجع تقلیدی چون آیت‌اللّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی دامت برکاته مرجعیت به مانند من نمی‌رسد همه باید به ایشان رجوع کنیم.

مصائب وارده بر آن مرحوم

نگارنده گوید: بزرگی روح و عظمت نفس و معنویت آن بزرگوار از صبر و ثبات و استقامت و پایداری آن مرحوم در برابر مصائب وارده و آزار و شکنجه‌های روحی که از ناحیه بعثیها و صدام تکریتی لعنهم اللّه معلوم می‌شود زیرا اگر یکی از آنها بر کوه وارد می‌شد آن را متلاشی کرده و از پای درمی‌آورد اما بنابر فرمایش حضرت امام محمدباقر صلوات اللّه علیه «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه والصبر علی النائبه» چون به کمال و تمام کمال نائل شده بود به گفته بیانیه مکتب اسلام. در دوران زندگی خود فشارهای سختی از جانب حکومت بعث عراق متحمل شد حتی در بیست و هفتم ماه رجب ۱۴۰۳ قمری همه خاندان آیت‌اللّه حکیم را از پیر و جوان با وضع فجیعی دستگیر کردند و به بغداد فرستادند و پس از مدتها بازداشت گروهی از آنان از جمله مرحوم حاج سید یوسف آزاد شده و در بیمارستان بستری شد و از آن به بعد ماموران امنیتی لحظه‌ای اطراف بیت او را ترک نکردند و حتی نزدیکترین افراد به ایشان نمی‌توانستند با وی تماس بگیرند.

داغهای جانفزاء آن مرحوم

مرحوم حاج سید یوسف قدس‌اللّه سره پس از بازگشت از بغداد و محصور شدن بعثیها مصائب و داغهای پیاپی دیده و تحمل نموده‌اند که از آنهاست شهادت دو تن از فرزندان جوان و فاضلش بنام ۱- حاج سید کمال حکیم ۲- حاج سید وهاب حکیم و شهادت چند تن از برادران گرامیش که در یک روز در بغداد خراب از طرف حکومت ظالمانه بعث به فیض شهادت رسیدند به نامهای یاد شده:

۱- آیت‌اللّه حاج سید عبدالصاحب حکیم.

۲- حجهٔالاسلام حاج سید علاء حکیم.

۳- حجهٔالاسلام حاج سید محمدحسین حکیم قدس‌اللّه اسرارهم و لعن‌اللّه اعدائهم و قاتلیهم.

و پس از چند سال برادر مبارز دیگرش مرحوم آیت‌اللّه زاده حاج سید مهدی حکیم را که همواره مورد تعقیب بعثیها و از وطن و زادگاهش آواره بود در یکی از کشورهای آفریقائی (سودان) ترور و شهید کردند که جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاسلام در مسجد بالاسر مدفون گردید.

و آن مرحوم همواره تحت نظر مامورین بعث بوده و چند بار می‌خواستند که ایشان را به بغداد منتقل کنند که با اعتراض شدید آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله مواجه شده و منصرف از انتقال ایشان شدند.

رحلت آن بزرگوار

سرانجام آن فقیه نبیه و شخصیت بزرگ علمی و دینی در روز بیست و هفتم رجب ۱۴۱۱ قمری در سن هشتاد و چهار سالگی در نجف اشرف در حالیکه شهرهای عراق زیر بمباران نیروهای چند ملیتی به سرکردگی امریکا بودند و هزاران زن و کودک و پیر و جوان بر اثر این بمبارانها جان می‌باختند. با دلی پر از غصه و اندوه از دنیا رفته و به نیاکان پاکش پیوست.

آثار علمی آن مرحوم

۱- بحث حول علم الاجمالی

۲- خیارات

۳- ابحاث فی التفسیر

این آثار را برخی از ارباب فضل از شاگردان ایشان به نام حاج سید محمدصادق حکیم و آقا سیدطاهر احسائی به رشته تحریر

آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حکیم، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن السید احمد بن سید علی‌اکبر بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد ابن السید طیب بن السید نورالدین بن العلامه السید نعمت‌اللّه جزایری موسوی از علماء معاصر است در نیاوران شمیران.

تولد ایشان در دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ قمری برابر ۹ تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی در شوشتر واقع شده و در کودکی دروس ابتدائی را خوانده و به تحصیل صرف و نحو پرداخته و از محضر آیتین آقا سید محمدحسن آل‌طیب و آقا سید محمدجعفر مروج سطوح اولیه را فراگرفته و به قم عزیمت نموده و پس از خواندن قسمتی از سطوح وسطی به نجف اشرف مهاجرت و سطوح نهائی را از حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدتقی ایروانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری بپایان رسانیده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی شرکت نموده و بالغ بر یک سال و نیم از محضر آنان استفاده کرده سپس به اهواز مراجعت و چندی بتدریس علوم ادبی فقه و اصول اشتغال داشته و در سال ۱۳۴۰ شمسی منتقل به تهران و در مسجد جامع (حصار بوعلی) نیاوران به اقامه جماعت و ترویجات دینی مشغول می‌باشد.

آن جناب دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت‌اللّه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- ترجمه حقوق زن در اسلام مطبوع تهران.

۲- ترجمه حقوق و حدود آزادی زن در اسلام.

۳- مناسک یا راهنمای اعمال حج چاپ هشتم.

۴- راهنمای تجزیه و ترکیب و قواعد صرف و نحو عربی چاپ ششم.

۵- سخنان حضرت موسی بن جعفر چاپ اول.

۶- پدر و فرزند چاپ سوم.

۷- فلسفه و اسرار حج چاپ دوم.

۸- الهام از گفتار علی علیه‌السلام چاپ سوم.

۹- درسهائی از مکتب امام صادق علیه‌السلام.

۱۰- حواشی متفرقه بر بعضی از کتب درسی مانند هدایه و صمدیه و سیوطی و شرح لمعه و غیره مخطوط.

۱۱- اربعین حدیث چهل حدیث اخلاقی و دینی و اجتماعی مخطوط.

۱۲- (تعجب) ترجمه کتاب التعجب کراچکی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حکیمی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل حکیمی شاهرودی از علماء و وعاظ معاصر شاهرود است.

وی در شاهرود در حدود ۱۲۲۴ ه تولد یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در محل خود از آقایان و مدرسین آموخته و برای تکمیل به مشهد مقدس عزیمت و سطوح عالی را از اساتید بزرگ مشهد فراگرفته و هم به درس خارج آیات عظام و مراجع فخام شرکت و بعد به وطن برگشته و از راه منبر ترویج دین و نشر احکام و معارف اسلامی نموده و بنابر دعوت بعضی از مؤمنین چند سالی در گرگان رحل اقامت افکنده و به امامت و تبلیغ دین اشتغال ورزیده ولی یک دو سالی است که به شاهرود معاودت و مانند سابق به افاده و افاضه مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حکیمیان، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حکیمیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی ، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال ۱۳۵۷ شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم . پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم . در سال ۱۳۶۰ با پذیرش در مدرسه حقانی قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم . پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال ۱۳۶۳ را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه ، علوم حوزوی از قبیل ادبیات ، اصول ، منطق و معانی و بیان را گذراندم . با آغاز درس شرح لمعه در سال ۱۳۶۳ ازدواج کردم و برای مدت ۱۰ سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد – مدرسه خان – شرح لمعه ، رسائل ، کفایه ، مکاسب و حدود ۳ سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه) ، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول) ، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج) ، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم . شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول ، کتاب شرح لمعه در فقه ، کتاب

مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام .
لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۳ همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل ۴۹/۱۸ در طول مدت ۳ سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلا فاصله با معدل ۳۹/۱۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۹ از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجل و آثار و احکام آن در حقوق ایران) دفاع نمودم . این پایان نامه به عنوان سطح ۳ حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح ۴ دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می باشم . متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم ، مفید قم ، مرکز جامعۀالاسلامیه قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی ، حقوق تجارت ، متون فقه ، آیات الاحکام و اصول بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

حلبی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان مبرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی
بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسدالله یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.
پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان گداز مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۳ شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجددا مراجعت به شهر نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال ۱۳۳۱ شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال ۱۳۵۲ خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت

زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثناعشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حمیدی

محل تولد : خشت فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۳/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۳۱ در محلی بنام خشت از توابع استان فارس در خانواده ای روحانی مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی و ابتدائی را در محل پشت سر گذاشته، دوران دبیرستان را در محل دیگر که تا زادگاهم ۱۰ کیلو متر فاصله داشت با دوچرخه تا سیکل به اتمام رساندم. در خرداد ماه ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه قم شدم(به لحاظ اینکه اجداد و پدرم همه روحانی بوند) مقدمات را نزد اساتیدی مربوطه خصوصا جناب آقای فلاح زاده فرا گرفتم- شرح لعمه را نزد سرور مکرم جناب آقای علوی گرگانی و موسوی تبریزی تلمذ نموده – قوانین خدمت جناب آقای دوز دوزانی بودم.

رسائل مرحوم شیخ انصاری را از محضر استاد اعتمادی بهره بردم. مکاسب را نزد حضرات آقایان موسوی تبریزی و ستوده فرا گرفتم. کفایه را نزد آقایان ستوده و سید علی محقق داماد بهره مند شدم. تا زمان در س خارج از محضر همه آیات عظام گلپایگانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی استفاده فراوان بردم. شرح منظومه را خدمت آقای محمد گیلانی و اسفار را در محضر مرحوم سید رضا صدر و حسن زاده آملی و انصاری شیرازی فرا گرفتم.

تا قبل از انقلاب بر حسب وظیفه در ایام تبلیغ (رمضان، محرم،صفر) به امر خطیر تبلیغ مشغول بودم. دوران انقلاب بر حسب وظیفه به توزیع اعلامیه، رساله حضرت امام و شرکت در راهپیمایی و.... سرگرم بودم. بعد از پیروزی انقلاب در سمت های مختلف انجام وظیفه می نمودم: مدت ۱۵ سال در سمت امام جمعه، مدت ۶ سال به عنوان نماینده امام در جهاد سازندگی شهرستان کازرون فارس، مدت ۶ سال در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور میمه و وزران از توابع اصفهان تدریس می نمودم (ضمناً در همین سنوات مسؤلیت امامت جمعه و مسؤلیت دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد میمه را به عهده داشتم).

در دوران دفاع مقدس جمعاً ۵ سال و اندی در جبهه های جنگ حضور داشتم. مدت سیزده سال مدیریت و تدریس در حوزه های علمیه کازرون، اندیمشک، فارسان را به عهده گرفته بودم. همه اینها وقتی لذت بخش و خوب است که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته و معصومین علیهم السلام راضی و خشنود باشند از ما و اعمال ما فعلاً هم در مدیریت (حوزه علمیه) به عنوان ناظر و بازرس و مدیریت مدرسه خوابگاهی امام حسین علیه السلام مشغول انجام وظیفه هستم. در حوزه علمیه قم هم مشغول

تدرّیس و تحصیل هستم.

حیدری فر، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری فر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه ولی عصر(عج)در تبریز وارد شدم و با رسالت سربازی امام زمان(عج)آشنا شدم پس از گذراندن سطح مقدّماتی در سال ۱۳۵۷ به حوزه علمیّه قم هجرت کردم و پس از دو سال هنگام اشتغال به دروس پایه ۷ و ۸ فعلی،با شروع جنگ تحمیلی به جبهه های نور رفتم و حدود اواخر سال ۱۳۶۴ به حوزه برگشتم و دوباره ادامه تحصیل دادم.

مجموعا حدود شش سال سطح را به پایان رساندم و در درس خارج حضرت آیات منتظری و فاضل لنکرانی و مؤمن قمی و تبریزی و وحید خراسانی درس تفسیر و جوادی آملی درس فلسفه ای و حسن زاده آملی شرکت کردم. در مراکز گوناگون آموزش حوزه و دانشگاه فیض حضور داشتم و نقش معلّمی ایفا می کردم و می کنم.

با مراکز پژوهشی گوناگون قم بحمدالله در ارتباط و همکاری نسبتاً خوبی دارم. افاضل پایان نامه نویس را در آماده سازی پژوهش نامه خوب راهنمایی می کنم و با آنان به مشورت می نشینیم به توفیق اللهی حدود ۲۰ سال است که در خدمت حضرت استاد علّامه آیه جوادی آملی و آثارایشان هستم و رد بسامان سازی آن مدد می رسانم. نوشته هایی نیز دارم که هنوز رخصت چاپ نیافته است و امیدمی رود بسترمناسبی برای چنین نوشته هایی فراهم گردد تا نانوشته هایی نیز رخ نماید!

حیدری نیک، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال ۵۷ دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان ، پزشکی بندر عباس ، بین المللی و پزشکی قزوین ، میرزا کوچک خان رشت ، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام . از سال ۷۶ تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .

در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم . تا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم . هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع) ، پیشینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش داردم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ حسین بن العابد الزاهد شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های درخشان و زبانهای گویای حوزه علمیه قم به شمار می‌رود.

در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در کاشان متولد شده و در اوان کودکی در معیت مرحوم والدش به قم مهاجرت نموده و پس از دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی در سن ۱۲ سالگی به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخته و در معیت برادرش در همان اوان برای تبلیغ مسافرت به اطراف نموده و در همه جا با پیروزی و استقبال مردم مواجه می‌شد و در سن ۱۷ سالگی به یزد رفته و مدت دو سال در آنجا توقف و به تحصیل پرداخته و ضمنا در مساجد بزرگ آنجا چون مسجد حظیره و مسجد برخوردار و مسجد میر چخماق و غیره منبر رفته و مردم را از بیانات سودمند خود بهره‌مند کرده، آنگاه مراجعت به قم نموده و سطوح نهائی در خدمت آیت‌الله سلطانی خوانده و پس از آن به دروس خارج آیات عظام شده و می‌شود.

مولف گوید: آقای حیدری واعظ در اغلب شهرستانهای ایران مخصوص تهران به عنوان تبلیغ مسافرت نموده و خاطرات مهمی از این مسافرتها دارد.

خدماتی از این راه به اسلام و قرآن نموده است دارای تالیفات ارزنده مطبوع و غیر مطبوع زیر می‌باشد:

۱- چرا به نوروز با بدبینی می‌نگریم، جزوه کوچکی است درباره‌ی نوروز و عید داری آن و اعمال آن و نظریات علماء در این باره.

۲- یکدوره اصول و فروع استدلالی بسیار ساده.

اما آثار غیر مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- گوناگون یا هزار و یک رنگ

۲- جهان نوین در حکومت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء.

۳- دیوان اشعار جمع‌آوری شده از شعراء مشتمل بر توحید مدایح غزلیات پند و اندرز.

۴- دیوان اشعاری که خود سروده است.

۵- فلسفه وجوب خمس.

۶- شرح منظومه حکمت که در این باره قسمتی از اشعار عربی منظومه به اشعار فارسی برگردانیده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حیدری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حیدری بهنوئیه

محل تولد : شهر بابک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

عباس حیدری بهنوئیه در سال ۱۳۴۴ در یکی از شهر های تابع استان کرمان ، به نام شهر بابک متولد شده پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شد . دوره مقدمات و سطح حوزه را طی کرده و مدت دوازده سال درس خارج فقه و اصول را گذرانده است. اساتید او در فقه و اصول عبارتند از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله سید محمد رضا مدرسی مشار الیه همزمان با فقه و اصول از مباحث فلسفی نیز بهره برده است ، منظومه سبزواری را نزد حجةالاسلام و المسلمین دکتر پرنده غیبی و نهایة الحکمة را نزد آیت الله موسوی گرگانی گذرانده است مباحثی از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی تلمذ نموده است. همزمان با مباحث حوزوی ، زبان انگلیسی را تا سطح عالی آن فرا گرفته است. وی پس از شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۴ و به دست آوردن رتبه هفتاد و هفت ، همزمان در دو رشته پزشکی و علوم سیاسی (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شد اما تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی ادامه داد و اکنون دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران و مشغول تدوین پایان نامه است.علاوه بر پایان نامه دکتری با عنوان «زبان، سیاست و دولت در عصر مشروطه» دو پایان نامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با عناوین «نظام سیاسی از دیدگاه فارابی» و «تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را تدوین و دفاع نموده است.

حیدری، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله حیدری

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در رشته ادبی درتهران ، در کنکور شرکت نمودم و در رشته علوم تربیتی قبول شدم و تا دو سال در دانشکده علوم تربیتی پارس (در مجموعه دانشگاه علامه (ره) فعلی) تحصیل نمودم و با شناخت حوزه علمیه قم و درک ضرورت دروس حوزوی دانشگاه را ترک کردم اما مطالعات را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی ادامه دادم . دروس مقدمات و سطح را در مدرسه رضویه و فیضیه و مسجد امام نزد اساتید محترم آقایان حبیبی ، مولوی نیا ، اشتهاردی ، سلطان محمدی ، گیلانی ، دکترضیایی ، مدرس افغانی ، کوه کمره ای ، مرحوم آیت الله ستوده ، گنجی ، مرحوم استاد علی صفایی حائری و درس خارج را نزد آیات عظام مکارم شیرازی ، نوری همدانی ، مازندرانی و تفسیر را نزد آیت الله جوادی آملی گذرانده ام .

کارهای تحقیقی و نوشتن کتاب و پاسخ به پرسش های کتبی و شفاهی در موسسه در راه حق و ارائه مقالات به مجلات و همکاری با مرکز فرهنگی وابسته به نهاد رهبری در دانشگاه ها ، تدریس در دانشگاه (دروس عمومی) و تبلیغات در مناسبت های مرسوم ، عمده اشتغالات اینجانب است .

عمده مطالعاتم در تفسیر ، حدیث ، ابعاد اخلاقی اجتماعی مکتب اصیل اسلام و تشیع و استخراج روش های کاربردی درمعارف و سازندگی اخلاقی می باشد .

حیدری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.

وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.

ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّه آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال ۱۳۵۱ قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یثربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.

معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.

وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و

مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.

مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان.

تولد: ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ ق.، اردکان.

درگذشت: ۱۰ آبان ۱۳۶۷.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۲۳۴۲ ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و ایت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال ۱۳۵۴ ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.

(ح ۱۳۶۷ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف‌آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه حایری یزدی در قم کسب فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی «آیینه‌ی مکارم» است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۲۵ -۲۴)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۹، ص ۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷ -۶۶/ ۳، ۲۹۱/ ۱).

خاتمی بروجردی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا بن العالم الجلیل و الزاهد النبیل حاج شیخ حسن خاتمی بروجردی از علماء مبرز معاصر شهر ری و اصدقاء این نویسنده است. وی در سال ۱۳۴۱ قمری در بروجرد متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و اولیات و مقدمات را در بروجرد خوانده و به قم آمده و با آشنائی و رفاقت با مرحوم والدش حدود دو سالی در قم با این نویسنده محشور و مأنوس بوده و قسمتی از سطوح وسطی را نزد حقیر و دیگران خوانده و در ماه ذی القعده الحرام ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر اساتید بزرگ چون آیت‌اللَّه حاج شیخ غلامحسین اردبیلی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی (صاحب تقریرات) استفاده نموده و در مدت کوتاهی در اثر استعداد ذاتی و مطالعه و زحمت گوی سبقت از اقران ربوده و بدرجه سامیه اجتهاد رسیده و از آیات عظام نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حجت مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده و در سال ۱۳۶۵ قمری مراجعت به

ایران و قم نموده و مدت سه سالی در قم بتدریس فقه و اصول پرداخته و در سال ۱۳۷۰ قمری بنابر استدعاء این حقیر برای تدریس مدرسه علمیه برهانیه شهر ری منتقل باین شهر شده و تا هم‌اکنون بتدریس و اقامه جماعت و تبلیغات دینی اشتغال دارد.

مرحوم والدش حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن کمره‌ای خاتمی از علماء محترم بروجرد و دوستان خالص حقیر بود و محبت تامی نسبت به این کمترین داشت ذکرش در علماء بروجرد گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خاتمی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد خاتمی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۱۸

زندگینامه علمی

سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۹ در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال ۱۳۶۴ از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر ۱۳۸۳) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درسهایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اشتهاردی، آیت الله خزعلی، آیت الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدّت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.

در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجهٔ السلام و المسلمین آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال ۱۳۶۴، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون ۴ دوره معالم الاصول، ۷ دوره اصول الفقه، ۳ دوره شرح لمعه، ۲ دوره مکاسب، ۳ دوره رسائل و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایهٔ الاصول است. وی مدت ده

سال است که به تـدریس خارج فقه و اصول اشـتغال دارد، دوره اول تـدریس خارج اصول را به اتمام رسانـده و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشـغول تـدریس دوره دوم خـارج اصول است و از کتابهـای فقهی بخشـهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریبا تمام کتاب الحـج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوهٔ دارد.

در این مدت صدها طلبه از محضـر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال ۱۳۶۵ به تـدریس سـیره پیـامبر و امامان (آذر ۱۳۸۳) در روزهـای تعطیـل (پنـج شـنبه‌ها) رو آورد که در سال ۱۳۸۰ یکـدوره از این دروس به پایان رسـید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال ۱۳۶۷ به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرس امام مدرسه فیضـیه دائر است و تا کنون تفسـیر ۸ جزء قرآن به پایان رسـیده (تفسـیر جزء آخر و ۷ جزء اول) و اینک مشـغول تفسیر هشـتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون ۱۶۶۰ جلسه تفسـیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند. خوشـبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود راتدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایـام تحصـیل به هیـچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهـد. در سـخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسـی در حـد نیاز هست. وی در صـدا و سـیمای جمهوری اسـلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رسالهٔ سطح چهار و سـطح سوّم حوزه و نیز به عنوان اسـتاد راهنما در مؤسـسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رسـاله متعـددی را در عرصه معـارف دینی، فعالیتهـای سیاسـی، راهنمایی و سامانـدهی کرده است. سـید احمـد خاتمی قبل از پیروزی انقلاـب همگـام با رهبر کبیر انقلاب اسـلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تـدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسـی خود را" موضع ولایت فقیه "قرار داده است تا زمانی که امـام راحـل در قیـد حیـات بودنـد همراهی بـا آن امـام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مـدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنـار کـار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسـی داشـته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شـده است. او در طول۸ سال دفاع مقـدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضـر شده و به وظیفه خود عمل نموده است.سـید احمـد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسـین حوزه علمیه قم، عضو کمیسـیون حوزه آن جامعه نماینـده مردم کرمان در مجلس خبرگـان رهبری، عضو هیـأت رئیسه مجلس خبرگـان، عضو هیـأت مـدیره مرکز تحقیقـات کـامپیوتری علوم اسـلامی، عضـو شورایعالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می باشد.

خاتمی، بیوک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیوک خاتمی از ائمه جماعت و فضلاء معاصر زنجانست وی در حدود ۱۳۴۸ قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسـمتی از سـطوح به قم مهاجرت کرده و سـطوح و متون درسـی را به پایان و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام حوزه استفاده

نموده.

آنگاه مراجعت به وطن و تا اکنون به خدمات دینی از نماز جماعت و ترویج شعائر و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات ایشانست فرزند برومندش زبدۀالمحصلین و ثقۀالمحدثین آقای آقا شیخ علی خاتمی که از جوانان روشنفکر و گویندگان بلیغ و شایسته حوزه و زنجانست که در محرم و صفر و ماه رمضان و بسیاری از اوقات دیگر از ایام مذهبی در تهران و حومه مجالس وعظ و سخنرانی دارند و دارای استعداد سرشاری در این فن می‌باشند و آینده درخشانی دارند و در حال حاضر دروس سطح نهائی را تحصیل می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون‌آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه طهران، فرزند محمّد محسن خاتون آبادی، عالم فاضل محقّق جلیل، در ۱۲۱۵ در اصفهان متولّد شده، و در ۱۲۳۷ به طهران مهاجرت نموده، و از سال ۱۲۶۳ پس از فوت عموی خود مرحوم آقا میر محمّد مهدی امام جمعه (اوّلین امام جمعه طهران از خاندان خاتون آبادی) به منصب امام جمعگی منصوب شده، و در سال ۱۲۷۱ وفات یافته، و در مقبره ی سر قبر آقا طهران مدفون گردید

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱- البلدان المفتوح عنوۀ ۲- رساله عملّیه ی فارسی، مطبوع ۳- منتخب الفقه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالباقی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد حسین (بن میر عبدالباقی بن میر محمد حسین) معروف به میر عبدالباقی صغیر، در برابر میر عبدالباقی سابق الذکر که او را کبیر گویند. از علمای اجلاء بوده، مانند دو برادرش میر علی نقی و حاج میرزا حسن امام جمعه و در اصفهان می‌زیسته، و هم در این شهر وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر عبدالواسع. عالم فاضل جلیل‌القدر و عظیم‌المنزلهٔ.

از سلسله‌ی سادات خاتون‌آبای، و خود داماد ملا محمد باقر مجلسی، و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملا میرزای شیروانی بوده، و پس از فوت علامه مجلسی، شیخ الاسلام اصفهان، و سپس امام جمعه‌ی اصفهان گردید، و مقام امام جمعگی اصفهان از آن تاریخ تاکنون در اولاد او باقی است.

و موقعی که فتح علی شاه قاجار مسجد شاه طهران را ساخت یکی از اولاد او را به طهران برده، مقام امام جمعگی آنجا را به او مفوض داشت، که تاکنون در اولاد اوست.

کتب زیادی تألیف فرموده، از آن جمله است: ۱ - احوال ملائکه ۲ - اسرار الصلاهٔ ۳ - اصول العقاید ۴ - اسماء علمای سنی که شیعه شده‌اند ۵ - ایمان و کفر ۶ - انوار المشرقهٔ ۷ - تفسیر سوره‌ی اخلاص ۸ - تفسیر سوره‌ی فاتحه ۹ - تحفهٔ الصالحین ۱۰ - تقویم الشرعی ۱۱ - تقویم المؤمنین ۱۲ - التهلیلیهٔ، در حکم تهلیل آخر اقامه ۱۳ - تکمله‌ی مرآهٔ العقول ۱۴ - الجامع فی اصول العقائد - جامع العقاید، شاید همان شماره قبل باشد ۱۵ - حدائق المقربین، در احوال ملائکه و غیره (فهرست مفصل این کتاب در فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان به شماره‌ی ۲۵ مذکور است) ۱۶ - ذریعهٔ النجاح، در اعمال سال ۱۷ - رساله در عصمت ائمه علیهم‌السلام ۱۸ - رساله در ثبوت هلال در اول رمضان و شوال - رساله در حکم اخلاق ۲۱ - شرح بر من لایحضر ۲۲ - شرح استبصار ۲۳ - شرح حدیث «الهلال اذا طلب فی الشرق» از تهذیب شیخ ۲۴ - منهج الشیعهٔ ۲۵ - خلف الوعد از مسائل فرعیه؛ و غیره.

فوت صاحب عنوان را در ماه صفر سال ۱۱۱۶ [یا ۱۱۲۶] نوشته‌اند، و قبرش در نجف در ایوان علما می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

و در جنب قبر اوست قبر میر محمّـد کاظم، عالم فاضل زاهد، از سلسله خاتون آبادی‌ها، متوّفی در ذیقعده ۱۲۶۲ مادّه تاریخ وفاتش را ضیاء شاعر اصفهانی گوید:

ضیاء گفت از بهر تاریخ او

مکان آمد او را بخلد برین

برادرش: مرحوم آقا میرزا ابوالحسن خاتون آبادی نیز از علمای کاملین بوده و در حدود سال ۱۳۳۰ وفات یافته، در تکیه خاتون آبادی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه‌ی طهران، فرزند سید مرتضی بن مهدی بن میرمحمد حسین خاتون آبادی (۱۱۸۵ - ۱۲۶۳) اولین امام جمعه‌ی طهران، مؤلف: ۱- تکملهٔ حیاهٔ [القلوب] در امامت ۲- شرح نهج‌البلاغه به فارسی، در ۵ مجلد؛ و غیره.

اولاد و اعقاب و خاندانش در طهران ساکن، و تاکنون منصب امامت جمعه در اولادش باقی است. مزار سر قبر آقا طهران، منسوب به صاحب عنوان است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خادمی شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خادمی دارابی شیرازی فرزند مرحوم حاج شیخ عبداللّه دارابی از افاضل دانشمندان و ائمه جماعت معاصر شیراز و مبلغین اسلام و مروجین معارف تشیع و بالاخص حضرت بقیه‌اللّه اعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه می‌باشد و در مسجد فلکه اطلس شیراز اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۶ شمسی در داراب به نام قریه الخیر علیا به دنیا آمده.

در نوجوانی وارد مدرسه علمیه داراب که در تحت تصدی و سرپرستی مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ علی‌اصغر نجفی رضوان‌اللّه علیه قرار گرفته و بعد از مدتی عزیمت به شیراز نموده و در حوزه علمیه شیراز مقدمات را شروع و بعد از مدتی هجرت به قم نموده و در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده و نیز از محضر آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس اللّه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده ونیز از محضر آیت‌اللّه سلطانی کسب فیض کرده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود سه سال اقامت و از محضر آیات عظام. حوزه علمیه هزار ساله نجف بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به قم نموده و مورد عنایت و لطف مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه علیه قرار گرفته و بنابر دعوت عده‌ای از مردم شیراز از طرف آن مرحوم اعزام به شیراز شده و بیش از بیست سالست که در آنجا از برکات حضرت ولی اللّه اعظم عجل‌اللّه فرجه الشریف به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات خالصه اشتغال دارند. دارای تألیفات سودمندی هستند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و تألیفات آقای خادمی

۱- نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف

۲- خورشیدی که از مکه طلوع می کند

۳- خورشید ناپیدای فاطمه سلام‌اللّه علیها (چهل حدیث)

۴- حجت منتظر و دعاء

۵- غیبت امام عصر (ع) یا پنهانی خورشید عدالت

۶- مکتب مهدی و تکامل جهانی

۷- خورشید هشتم امامت

۸- کتاب رجعت- که در نیمه شعبان ۱۴۱۱ قمری منتشر گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خادمی کوشا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۵

زندگینامه علمی

کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد . آغاز ورود به حوزه ۱۳۶۵ بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت.در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال ۶۸ در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت.از سال ۱۳۷۴ در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.

در سال ۷۳ و ۷۴ به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال ۷۶ تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال ۷۹ به تدریس سطوح عالی(رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید.همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال ۷۹ نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی(ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد.با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت(ع) در سال ۱۳۷۸ اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت(ع) نمود که عمدتا برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی سیاست مداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال ۱۳۸۰ چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال ۸۲ از چاپ خارج

گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خادمیان، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس خادمیان

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸-۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خاقانی، سلمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۳۲ ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).

درگذشت: ۲۴ بهمن ۱۳۶۶، قم.

آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال ۱۳۴۵ ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالیه‌ی تحصیلات خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدجواد بلاغی، آیت‌الله محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.

آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر) و انجمن «رابطهٔ الادبیه» و بالاخره «کلیه الفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبهٔالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.

هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.

آیت‌الله خاقانی در سال ۱۳۷۵ ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.

آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل‌بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.

کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانده عبارتند از: طریق المعرفهٔ، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیده است، مع الخطوط العریضهٔ لمحب الدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطل؛ السنهٔ و الشیعه فی المیزان کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جریان دفاع مقدس از میان رفت).

خانه‌ی وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.

آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).

آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن ۱۳۶۶ (برابر با بیست و پنجم رجب ۱۴۰۸ ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالصی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر خالصی

محل تولد : قائن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نام من، محمد باقر، شهرتم خالصی، پدرم مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس، در شب جمعه ۱۹ شوال سال ۱۳۶۱ مطابق با آبان سال ۱۳۲۱ در روستای بیهود از توابع شهرستان قائن که در جنوب خراسان قرار دارد، بدنیا آمدم. روستای نامبرده کوهستانی و از نظر آب و هوا معتدل ولی کم درآمد و مردم آن بزحمت می‌توانند مؤونه یعنی خرجی سال خود را بدست آورند پدرم پس از اتمام مقدمات ادبی و سطوح عالیه حوزوی در شهر قائن و سپس در مشهد چند سالی بقصد ادامه تحصیل در نجف سکونت کرد و از محضر علمای بزرگ آن زمان همچون آیه الله اصفهانی و آیه الله عراقی و آیه الله خوانساری و آیه الله غروی به تلمذ پرداخت و پس از اینکه مریض شد به دستور آیه الله اصفهانی بقصد معالجه به ایران مسافرت کرد و مدتی در تهران ماند و سپس به روستای بیهود آمد.

پدرم پس از ازدواج با مادرم به مشهد مهاجرت کرد و چند سالی در مشهد ساکن شد و در مسجدی در محله نوغان به امامت جماعت پرداخت. یادم هست که در سن ۶ سالگی مرا وادار کرد که نصاب الصبیان را بخوانم و به من دستور داد که قطعاتی از آن راحفظ کنم ولی در همان روز اول شروع بنصاب بخاطر اینکه مقدار معینی درس را خوب حفظ نکرده بودم مرا کتک زد پدرم بخاطر اموری که شرح آن طولانی است دو مرتبه بروستای بیهود برگشت و در این زمان بود که مرا به مدرسه دولتی فرستاد که دروس جدیده را فرا گیرم. من در یکسال چهار کلاس به فاصله چند ماه سپری کردم که شرح آن طولانی است. هنگامی که پدرم این مطلب را دید گفت: حیف است که بمدرسه دولتی بروی، در نزد خودم دروس حوزوی بخوان و مرا وادار کرد که امثله و شرح آن را نزد وی شروع کنم و پس از شروع به جامع المقدمات در سن هشت سالگی در همان روستا مرا معمم کرد. و پر واضح است که بچه‌ای در سن من با عمامه و قبا در بین مردم روستا چقدر مورد مسخره قرار می‌گرفت خصوصا که با همان عمامه و قبا با بچه‌ها بازی هم بکند. در هر حال در سن ۱۳ چهارده سالگی مرا به خوره مشهد برد. و در مدرسه ابدالخان اسکان داده در سال‌های اول تحصیل بخاطر استعداد ذاتی و ساده انگاشتن مطالب علمی چندان در بحث و مطالعه که لازمه درک عمیق علم است اهمیت نمی دادم ولی آنچه که مرا از این روش باز گرداند و بطرف جدیت و زحمت سوق داد درس استاد علامه مرحوم ادیب نیشابوری قدس سره بود. ادیب شخصی موقر و مسلط بر مطالب علمی بویژه مطالب ادبی بود.

خلاصه تدریس استادانه و شیرین جلوه دادن علم و دانش و علاوه بر آن تحقیق و توضیح و تبیین مطالب علمی، مرا دگرگون کرد. در سال ۱۳۴۰ پدرم مرا به قم آورد و در مدرسه فیضیه اسکان داد من در قم رسائل و مکاسب را خواندم و پس از خواندن مقداری از کفایه به همراهی یکی از دوستان که از قبل در نجف ساکن بود به نجف رفتم که این قصه بسیار جالب و تفصیل شنیدنی دارد که این مختصر جای بیان آن نیست در نجف پس از اتمام کفایه پا به درس خارج فقه و اصول گذاشتم و توفیق حضور درس محقق و علامه بزرگ استاد الفقها آیه الله سید ابوالقاسم خوئی را پیدا کردم و علاوه بر]آن[درسهای دیگری را شروع کردم که دارای تفصیل است. در نجف که بودم بخصوص قبل از تاهل بسیار موفق و اوقات مستغرقی داشتم و شبانه روز پا در درس و یا تدریس و

یا نوشتن و یا مطالعه می‌گذشت و می‌توانم بگویم بهترین اوقات عمرم زمان سکونتم در نجف بود افکارم یا در تحصیل و تحقیق و یا در عبادت سپری می‌شد ولی این شادی و توفیق با اصرار پدرم به مهاجرت به ایران به آخر رسید زیرا مهاجرتم به ایران و در آخر سکونتم در قم مسیر زندگی و برنامه اشتغالات مرا در حدی تغییر داد که این نیز خود جریان مفصلی دارد. مطلبی که در زمان سکونتم در نجف پیش آمد ورود مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه به نجف بود. شنیدم که ایشان با مرحوم آقا مصطفی وارد بغداد شده‌اند و از آنجا بکاظمین رفته‌اند و من سعی و کوشش کردم که همراه یکی از دوستان اولین ماشین از طلاب ایرانی را راه انداختیم و به دیدار ایشان به کاظمین رفتیم و این امر نیز جریان مفصل و شنیدنی دارد.

گفتم پدرم اصرار ورزید که من از نجف به ایران و به محل سکونت ایشان یعنی سرایان بروم ولی من از این امر جدا "اکراه داشتم ولی بر اثر اصرار و ابرام ایشان پذیرفتم که به ایران بیایم ولی سکونت در سرایان را نپذیرفتم و از ایشان خواهش کردم که محل سکونتم در ایران را به خودم واگذارد باز اصرار کرد که در مشهد ساکن شوم ولی من به جهاتی که جای ذکر آن نیست قم را اختیار کردم و از سال ۱۳۵۰ در قم ساکن شدم و در قم علاوه بر اشتغالات علمی برنامه تبلیغ و منبر و سخنرانی نیز پیش آمد که آنهم به برنامه‌هایم افزوده شد که این نیز شرح مفصلی دارد. در ابتدای امر تصمیم گرفتم که بدرس دو نفر که آن زمان در قم شاخص و مورد قبول بودند مدتی حاضر شوم تا اگر حضور در درس آنها بیشتر از تحقیق و بررسی خودم استفاده داشته باشد ازآن استفاده کنم و آن دو نفرآیه الله گلپایگانی و شریعتمدای بودند. البته اولی خارج حج و دومی خارج مکاسب تدریس می‌کردند. ولی پس از یکسال درس‌های آند ورا ترک کردم و بتحقیق و بررسی فقهی و اصولی شخصی ادامه دادم و در ضمن به تدریس مکاسب و رسائل و برهه‌ای هم کفایه و برهه‌ای هم خارج اصول در منزل پرداختم که حاصل تدریس اخیر قاعده لاـ ضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید شد که قاعده لاضرر بنام رفیع الغرر عن قاعده لا ضرر به چاپ رسید ولی سایر مباحث تا بحال با اینکه آماده چاپ است چاپ نشده ولی تدرس بخاطر پیش آمدن مریضی پدرم و سپس فوت ایشان و پی‌آمدهای رنج آور و بی حد ناگوار آن به تعویق افتاد و سپس تعطیل شد. امیدوارم خداوند توفیق عنایت فرماید تا دوباره شروع شود.

خالق پور، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید خالق پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید خالق پور در سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمائی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه ، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تا لمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم . دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز

همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم ؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم درسال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده ، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.

همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود خالقی

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال ۷۶ تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به اواسط سوره انفال رسیده ایم.

حدود نیمی از این برنامه ۲۵ دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود.پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات ۹۳ تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز مشتمل بر آیات اول تا ۷۰ سوره نساء طی سال های ۷۹ تا ۸۱ منتشر شده است.

متاسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز ، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است.امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری ۲ جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خان صنمی، شعبانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبانعلی خان صنمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تقریبا هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم.حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول ۱۳و ۱۴) و بحار الانوار(کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی- دام ظله- آموختم.از دروس خارج، قسمتهایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی...حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.

آثار علمی :

کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در ۲ جلد توسط نشر الهادی در سال ۷۳ به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان(ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.

کتاب علمی خاطرات امام صادق(ع) که در آستانه چاپ است.کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیدهٔ حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد.در سال ۷۸ به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبّس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت ۳ سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خان محمدی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم خان محمدی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب کریم خان محمدی در سال ۶۱ پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم .در سال ۶۷ پس از اتمام پایه ۶ (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم . تا سال ۷۰ ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم . از سال ۷۰ به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال ۷۰ در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه شناسی مشغول گشتم و در سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم . در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می کردم . دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم .

از سال ۷۸ پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از ۲۰ مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده ام . در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم . طرح پژوهشی (مفهوم شناسی جامعه شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است .علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست آوردهای جدید علمی است . کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است .

خائفی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله خائفی

محل تولد : بندرانزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱۱/۱۴

زندگینامه علمی

معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۹ شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و

وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔالله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال ۱۳۴۳ همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیهٔ الله العظمی خوئی (ره) به مدت ۲۷ سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیهٔالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری(قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال ۱۳۷۰ شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلای زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های ۴۳ و ۴۲ چاپ شده و کتاب ارزشمند "بحوث فی ولایهٔ الفقیه "در سال ۱۳۷۸ در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتا ئات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید". الربا و تحلیله با لحیل اشرعیه "و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائی اکنون از سفره علمی ایشان متنعم هستند.

خدامی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله خدامی

محل تولد : امام زاده قاسم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی را در روستای خودمان که امام زاده قاسم از توابع رزن میباشد گذراندم .آن هم در یک کلاسی که پنج پایه ابتدایی درآن تدریس می‌شد. البته باید به این مطلب اشاره کنم که وقتی پایه ای بالاتر می رفتیم معلم را در دیکته گفتن ومشق دیدن کمک می کردیم .دوره راهنمایی را در روستای همجوارخودمان یعنی نیّر گذراندم که آیت الله نیّری که در دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی می‌باشد اهل روستای نیّر می‌باشد. دوره دبیرستان رادرشهرستان کردۀ درجزین گذراندم و سال ۱۳۷۲ دیپلم گرفتم و با عشق وعلاقه ای که به حوزه داشتم با اینکه درس خوبی دردبیرستان داشتم آمدن به حوزه را بردانشگاه ترجیح دادم واز داشتن این توفیق خدای را شاکرم. تا پایان پایه ششم درحوزه ای بنام نبی اکرم(صلی الله علیه وآله وسلّم) تهران گذراندم در شرایط پذیرش این حوزه فقط داشتن دیپلم بود که در آن زمان این شرایط کمتر در حوزه رعایت می‌شد . سال ۱۳۷۷وارد حوزه علمیه قم شدم و یک سال بعد از ورودم به حوزۀعلمیه قم وارد تخصصی تبلیغ شدم. درطی سه سال و نیم موفق به اخذ سطح ۲ تبلیغ شدم و بعد از کارشناسی ارشد مشغول شدم که امسال سال آخر کارشناسی ارشد تبلیغ را می گذرانم که البته سال دیگر هم باید مکالمه یاد بگیریم چون گرایش تبلیغی من در کارشناسی ارشد خارج کشور می‌باشد . البته باید به نکته ای اشاره کنم از همان سال های ابتدائی که نوشتن انشاء شروع شد بهترین انشاء را می نوشتم حتی در راهنمایی و دبیرستان هم در نوشتن انشاء رقیبی نداشتم و تمام معلم های انشاء که داشتم دردوران ابتدائی وراهنمایی ودبیرستان هر جلسه مرا می بردند پای تخته تا ببینند این دفعه چه نوشته ام و در کار شعر هم از همان کودکی با نوشتن شعر علیه مضرات سیگار شروع کردم چون معلم درباره سیگار موضوع داده بود من هم بعد از نوشتن موضوع انشاء آنرا به شعر درآوردم . درحوزه هم این استعداد خدادای را رها نکردم . بیشترین اوقات من به نوشتن است .حتی تمام دروس را دسته بندی می‌کنم و یا کتابی که خوب باشد خلاصه نویسی می کنم . وظیفه اصلی خود را درحوزه خواندن درس و مشغول بودن به تبلیغ می دانم چون رسالت اول و آخر ما طلبه ها باید تبلیغ دین باشد .

خداوردی، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خداوردی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

طبق رویه معمول در سن ۷ سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و در سال ۱۳۷۷ از دبیرستان چمران اسلامشهر،تهران،در رشته علوم انسانی فارغ التحصیل شدم سپس به مدرسه علمیه قائم(عج)چیذر رفته و تحصیلات حوزوی را شروع نمودم،طی ۳ سال با ادبیات عرب(نحو و صرف) در حد مطلوبی آشنا شدم و بعد از آن ازدواج نمودم طی ۲ سال فقه و اصول مقدماتی(لمعه و اصول فقه)را گذراندم و در همین ایام بود که با جنجال یکی از حضرات دانشگاهی به نام آقای آغاجری به پژوهش در زمینه تقلید دست زدم که بعد از قریب

به ۳ سال با نام،اصلاح اصطلاح، به عنوان کتاب به چاپ رسید در این میان مدتی به دانشگاه رضوی مشهد رفته... رشته حقوق،اما به دلایلی انصراف داده و به قم آمدم و به فقه و اصول مشغول شدم.

نام برخی از اساتید:

۱. استاد فخار طوسی/فقه(مکاسب)/۱۳۸۲

۲. استاد فاطمی/اصول فقه/رسائل/۱۳۸۲

۳. استاد نکونام/فقه/مکاسب/۱۳۸۲

۴. آیهٔ ا... یوسف صانعی/فقه/خارج مکاسب/۱۳۸۳

خدایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا خدائی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خدائی به سال ۱۳۵۱ در شهر پلدختر که اینك شهرستان شده به دنیا آمدم، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم. پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران .... مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال ۱۳۷۱ راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان شدم.

پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.

دلبستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایهٔالحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایهٔ الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید.در سن ۲۴ سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم . هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام.با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینك مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..

اما بیشترین استفاده علم ام را از جشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر آیت الله جوادی آملی برده ام.

همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از انها به زیور طبع آراسته خواهند شد.هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خدمتی، ابوطالب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب خدمتی

محل تولد : تکاب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوطالب خدمتی فرزند یحیی درسال ۱۳۵۰ در یک خانواده مذهبی در حومه شهرستان تکاب به دنیا آمدم . پس از طی دوران ابتدایی و راهنمایی ، با تشویق و راهنمایی پدر بزرگوارم وارد حوزه علمیه شدم . درسال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب شدم و در مدت چهار سال دروس مقدمات حوزه را به اتمام رسانده و آماده هجرت به حوزه علمیه مبارکه قم شدم . لیکن به دلیل نیاز حوزه و با صلاحدید استاد بزرگوارم حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالمجید بنابی ، مدت یک سال برای تدریس در حوزه و کمک به ایشان در اداره حوزه ، در شهرستان بناب ماندگار شدم .
سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شده و درس رسائل و مکاسب و کفایه را محضر اساتید گرامی حضرات آیات و حجج اسلام : سید احمد خاتمی ، مرحوم محامی ، اعتمادی و... فرا گرفتم . همزمان در درس تفسیر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی (مد ظله) نیز شرکت می کردم . از سال ۱۳۷۱ نیز در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات : مکارم شیرازی ، جعفر سبحانی ، جوادی آملی ، شیخ جواد تبریزی ، وحید خراسانی و... شرکت کرده و از محضر آنان مستفیض شدم . همزمان با تحصیل در دوره خارج فقه و اصول ، دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی گذرانده و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی شدم .
همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، فعالیت های پژوهشی و آموزشی خود را نیز آغاز کردم ، (تدریس را از سال ۱۳۶۹ و پژوهش را از سال ۱۳۷۱) که به لطف الهی ادامه دارد . در زمینه تدریس علاوه بر تدریس ادبیات عرب ، منطق و اصول فقه در مقاطع مختلف حوزوی ، در مدیریت به ویژه مدیریت اسلامی ، مدیریت تبلیغ و مدیریت مساجد نیز فعالیت داشته ام . در زمینه پژوهش نیز ، علاوه بر تحقیق در موضوعات مختلف دینی ، تحقیق در مورد مدیریت اسلامی و مسائل و موضوعات مرتبط با آن ، موضوع اصلی پژوهش هایم بوده است .

خرازی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن خرازی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محسن خرازی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدیّن و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران ونیز در مسجد جامع تهران نماز می گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، امّا به زودی بازار را رها کرد و به حوزهٔ درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرّز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارشهای آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال ۱۳۳۶ به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیماندهٔ دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به فراگیری دروس دورهٔ سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال ۱۳۴۱ به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذّب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمدحسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی رفت و همواره مورد محبت او قرار می گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت الله میرزا علی مشکینی و کفایهٔ الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه‌آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه‌آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال ۱۳۴۱ به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد

خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، امّا دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزهٔ همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی چشمداشتِ مادیِ بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤولیت بخش پژوهش به عهدهٔ حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و نیز مسؤولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاده شد. این موسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی(ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدّیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیتهای آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، دربارهٔ مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دورهٔ سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی(ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیتهای مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال ۱۳۵۹ به دعوت اعضاء جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دورهٔ دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در تهران متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح نزد والد ماجد و دیگران از اعلام تهران به قم مهاجرت کرده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و دیگران کسب فیض نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مسجد مرحوم حاج شیخ عبدالحسین (مسجد آذربایجانیها) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و گفتن درس اخلاق پرداخته تا در سال ۱۳۹۱ ق که از دنیا رفته است.

از تألیفات ارزنـده و آموزنـده آن جنـاب است کتاب (سـفینه النجاه) فی المهلکات و المنجیات در چنـدین مجلـد که در سال ۱۳۶۹ قمری بطبع رسیده است.

از باقیـات الصالحـات آن مرحوم است: فرزنـد ارجمنـدش حجهٔالاسـلام حـاج شـیخ محسن خراسـانی که سال‌هـا در قم کسب علم و فضلیت نموده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان در مسجد مزبور بامامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج شـیخ محسن خراسانی از فضلاء معاصری است که بعلم و تقوا و متانت و اخلاق حمیده موصوف و بهترین یادگار و خلف صدق و صالح آن پدر بزرگوار است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

ابوالفضـل خراسانی دارای تحصـیلات سـطح ۴ رشـته تخصصـی کلاـم اسـلامی از حوزه علمیه قم وکارشناسـی ارشـد فلسـفه وکلام اسـلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم .حدود ۸ سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و۸ سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ ومعارف قرآن کریم ودائرهٔالمعـارف علوم عقلی اسـلامی ، دارای مقاله دردائرهٔ المعارف قرآن کریم وتألیف بهـداشت زنـدگی در پرتو قرآن ،احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی وکارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف وکارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد ۱۵سال .

خراسانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسـین فرزنـد عـالم ربـانی و خطیب سـبحانی حاج شـیخ محمـدعلی خراسانی نجفی از افضال وعاظ و گوینـدگان حوزه علمیه نجـف اشـرف می‌باشـند. وی در روز سوم جمادی‌الثـانی سـال ۱۳۴۵ قمری در نجـف اشـرف بـه دنیـا آمـده و در حجر تربیـت پـدر بزرگوارش پرورش یافته قرآن را در مدت شش ماه نزد خواهرش آموخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید آنجا فراگرفته است.

و از همان اوان کودکی ابیاتی را که والده‌اش صبیه مرحوم حاج شیخ مهدی کاشانی مقسم شهریه مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی به او آموخته بود در منابر قرائت کرده و مورد تشویق و تحریص ایشان به منبر رفتن می‌گردید تا در سن ۱۴ سالگی اشتغال به این امر

داشت و والد مرحومش ایشان را ترغیب به تحصیل علم می‌نمود.

پس مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر شیرازی و برادر گرامیش حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده و آقای شیخ علی‌اکبر کرمانی و آقا شیخ علی میامه‌ای و حاج شیخ ذبیح‌اللَّه قوچانی و حاج سید احمد اشکوری داماد آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و حاج سید علی قوچانی و حاج شیخ محمد حسین دهاقانی و حاج شیخ فاضل استرآبادی و حاج سید محمد حسن شیرازی نوه میرزا بزرگ شیرازی و حاج سید سجاد علوی گرگانی و آقاسید محمدباقر محلاتی خوانده و پس از آن به درس خارج فقه و اصول و تفسیر آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله المعارف شرکت و استفاده نموده و بسیاری از دروس ایشان را در فروع علم اجمالی و بسیاری از کتاب صلوه وصوم و زکوه و حج و غیر آنها را به رشته تحریر درآورده و نیز یکدوره کامل اصول ایشان را نوشته و یک دوره دیگر به صورت حاشیه بر دوره اول مرقوم داشته و همینطور از اساتید دیگری که از آنها استفاده نموده آیات یاد شده زیرند:

۱- آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم آملی

۲- آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی

۳- آیت‌اللَّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی

۴- آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی

۵- آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم

۶- آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی

۷- آیت‌اللَّه حاج سید محمد هادی میلانی

۸- آیت‌اللَّه حاج سید نصراللَّه مستنبط

داماد بزرگ آیت‌اللَّه الظمی خوئی که غالب تعطیلی‌های ماه رمضان و ایام عاشوراء و غیره از ایشان استفاده نموده است. و ایشان در ضمن تدریس سطوح در ایام عاشوراء و غیره در منازل آیات عظام منبر رفته و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر معارف و مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام نموده و ایفاء وظیفه می‌نمایند.

برادر بزرگوارشان جناب حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده که حدود بیست سال از ایشان بزرگتر و اکنون حدود هشتاد و هفت سال از سن مبارکشان می‌گذرد در نجف اشرف اقامت و به وظایف دینی و روحی اشتغال دارند و آن جناب از شاگردان مرحوم آیت العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی خوئی می‌باشد.

و ایشان نیز مانند والدشان از طریق منبر ایفاء وظیفه نمودند و مردم را متوجه به خاندان رسالت علیهم‌السلام می‌نمایند و ایشان دارای سه فرزند روحانی می‌باشند.

۱- میرزا احمد که در قم اشتغال به تحصیل دارند.

۲- آقا شیخ قاسم و آقا شیخ علی که این دو در نجف اشرف اشتغال به تحصیل علم و کمال دارند.

مترجم محترم پس از تسفیر به ایران از طرف بعث شوم عراق چندی در قم اقامت و چندین سال است که رسما در مشهد مقدس اقامت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی خراسانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۶۸-۶۹ پایه دهم حوزه را به پایان رساندم و سپس در دروس خارج شرکت کردم همزمان با اشتغال به دروس پایانی دوره سطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می‌کردم . در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم.در سال ۷۰ به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان به زاهدان رفتم و به مدت ۵ سال مدیریت مدارس دینی اهل سنت بلوچستان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسوولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم .

همچنین چند متن آموزشی از جمله «آشنائی با انقلاب اسلامی» و «آشنائی با اخلاق اسلامی» و «آشنائی با مذاهب اسلامی»را به عنوان درسهای جنبی مدارس اهل سنت تدوین و تنظیم کردم . در این سالها برخی از اشتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت.در اسفند ۷۶ به قصد ادامه تحصیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریخ فعالیت پژوهشی خود را با مسئولیت گزینش مدخل‌های دائره المعارف آغاز کردم و پس از مدتی در سال ۷۷ مسئولیت بخش تدوین مقالات دائره المعارف و جانشین ریاست دائره المعارف را عهده دار شدم .

در این سالها که طرح دائره‌المعارف قرآن کریم در مرکز مطرح شده بود ، آن را سازماندهی کردم و ضمن کار مسئولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مدت ۳ سال مستقیما عهده دار بودم از سال ۸۰ مدیریت دائره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دائره‌المعارف قرآن کریم بزرگترین دائره‌المعارف قرآنی و اولین دائره‌المعارف در جهان اسلام است که پیش‌بینی می‌شود در ۲۵ جلد منتشر شود.در سال ۸۳ مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسئولیت گروه دائرالمعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسئولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خراسانی، محمد جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد متقی، از ائمه‌ی جماعت اصفهان، در ۲۵ رجب ۱۲۷۱ متولد، و در ۱۳۵۲ وفات یافته، در تخت فولاد نزد قبر پدر مدفون گردید.

آقای حاج شیخ مهدی نجفی، عالم زاهد جلیل معاصر درباره‌ی او می‌فرماید: لم ار مثله فی الوثاقة و الجلالة و العبادة.
مشار الیه از جمله کسانی است که به شرف زیارت حضرت بقیة الله الاعظم امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - مشرف گردیده است.
وی را تألیفاتی است: ۱- رساله ای در شرح حال جد و پدر خود، مختصر ۲- رساله ای در تعبیر خواب ۳- رساله ای در رویاهای صادقه و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسین بن العالم العلام الشیخ محمد علی خراسانی در اوائل جوانی از خراسان مهاجرت به تهران نموده و پس از خواندن اولیات و سطوح عالیه از محضر علامه آشتیانی بزرگ و اعلام دیگر استفاده کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد توجه دانشمندان و مردم تهران گردیده و در مدرسه مروی حوزه تدریس سطوح و متون فقه و اصول داشته و کثیری مانند مرحوم علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و دیگران از وی استفاده نمودند و در مسجد حاج سید عزیزاللّٰه بازار اقامه جماعت و ترویج دین و نشر معارف جعفری در منبر می‌کردند تا در سال ۱۳۴۷ ق که مشرف به مکه برای مناسک حج گردیده و بعد از فراغ از اعمال و مناسک حج در ۱۷ ذی‌الحجه دعوت حق را لبیک گفته و در جوار خانه خدا در مقبره حضرت ابیطالب علیه‌السلام بخاک رفته است هنیئا له و طوبی له.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهرستان دامغان در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم از فعالان قبل از انقلاب که بعد از انقلاب هم در فعالیت‌های جمعی حضوری فعال داشت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دامغان گذراندم که البته غالباً در مقاطع تحصیلی از شاگردان ممتاز محسوب می‌شدم. سال ۶۷ وارد حوزه علمیه که ۶ سال در حوزه علمیه دامغان مشغول به تحصیل بودم و

از سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. که پایه‌های تحصیلی به اتمام رسید و قریب ده سال در درس خارج حضرات آقایان مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی(ره)، نوری همدانی، سبحانی و لاریجانی حاضر و استفاده بردم. سال ۷۹ در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) مشغول به تحصیل شدم که از همان ابتداء انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه را به اتفاق جمعی از دوستان راه‌اندازی نمودیم. که بعد از مدتی با فعال شدن سایر انجمن‌های علمی به عنوان دبیر انجمن‌های علمی دانشگاه انتخاب که در همین راستا طرح برگزاری همایش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و دبیرخانه طلبه دانشجویی نهضت نرم‌افزاری پایه‌گذاری گردید. چندین سال به عنوان مسئول دبیرخانه و طرح و برنامه ستاد کنگره شهدای روحانی سراسر کشور مشغول به فعالیت بودم که در کنار این فعالیت‌ها از تبلیغ و تدریس در مناطق مختلف نیز غافل نبودم. در حال حاضر از محققین مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم که با فعال شدن مجمع عالی حکمت اسلامی به عنوان مدیر اجرایی مجمع انتخاب شدم. در حین فعالیت در دانشگاه دو ماهنامه علمی دانشجویی نسل بعد را راه‌اندازی نمودیم و در خلال برگزاری یادواره‌ها، نشریه خبری اجتماعی دیگری نیز راه اندازی گردید. در حال حاضر مجوز تدریس درس انقلاب اسلامی و ریشه‌ها از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صادر که به علت دور بودن مراکز آموزشی مورد پذیرش اینجانب تاکنون واقع نشده است. در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های اجرایی به امور پژوهش و تحقیق به ویژه در حوزه علوم قرآنی مشغول می‌باشم.

خراسانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد بن المرحوم حجهٔالاسلام و العالم العلام الشیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ (محولاتی) خراسانی از علماء ابرار معاصر تهران است.

وی در سال ۲۵ ماه ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و حجر مادر علویه‌اش صبیه مرحوم سید المحدثین آقا سید محمد محولاتی واعظ مشهد مقدس پرورش یافته و دوران تحصیل را تا سطوح در مشهد مقدس نزد ادباء و فقهاء آنجا خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بزرگ آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه آقا میرزا آقا اصطبهاناتی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حسین بروجنی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و مقداری آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ ق به ایران مراجعت و قریب یکسال و نیم در مشهد و محولات توقف و در سال ۱۳۶۳ ق منتقل به تهران و تاکنون که سال ۱۳۹۴ قمریست در خیابان جوادیه (سر آسیاب دولاب) اقامت و در مسجد (حوادیه) آن به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تألیف کتت مفیده اشتغال دارند.

تألیفات و آثار علمی معظم له از این قرار است:

۱- تفسیر مبسوطی از قرآن مجید ۲- کشف الایات ۳- کشف اللغات و تفسیر لغات قرآن ببعض دیگر ۴- کشف مطالب الایات ۶- کشف مطالب القرآن ۶- ظواهر الاثار در اخلاق ۷- نخبه القضاء ۸- ترجمه حدیث اهلیلجه ۹- مقتل الحسین علیه‌السلام ۱۰- تاریخچه احوال حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم ۱۱- اربعینیات ۱۲- خلاصه وقایع و علائم ظهور ۱۳- منظومه در اصول عربی ۱۴- شرح منظومه مذکور ۱۵- تقریرات اصول ۱۶- رساله در بحث از تقلید اعلم ۱۷- رساله‌ای در طلب و اراده و دفع شبهه

حبر ۱۸- منظومه عربی در رجال موافق خلاصه علامه مطبوع ۱۹- دیوان عربی در مدایح و مراثی اهلبیت عصمت علیهم‌السلام ۲۰- دیوان فارسی در تظلم بحضرت ولی عصر (عجل) و پندیات ۲۱- البدعه و التحرف یا آئین تصوف مطبوع ۲۲- رضوان اللَّه اکبر در نقض خرابات و خانقاه مطبوع ۲۳- حجت قوی در ابطال مثنوی ۲۴- مهدی منتظر مطبوع ۲۵- معارف الشیعه که از بهترین تألیفات معظم له و جامعه تشیع است نظما و شرحا چاپ افست و ده‌ها رساله دیگر عربی و فارسی.

سنت سنیه آن جناب

از سنن سنیه ایشان تشرف به مشهد مقدس است پیاده که چند سال است با عده‌ای از مؤمنین و علاقمندان اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام از تهران حرکت و حدود چهل شبانه روز در راه و ترویج عملی و لسانی نموده و در تمام منازل اقامه جماعت و تبلیغ احکام فرموده تا به مشهد مقدس و بدون تظاهرات دو سه روزی توقف و مراجعت می‌کنند.

نگارنده گوید: گرچه مادیون و اهل دنیا و یا مردم قشری این روش را نمی‌پسندند و می‌گویند عصر فضا و جت و کیهانست و باید هر کاری را برقی انجام داد ولی غافلند از این که سیر الی اللَّه و هجرت بسوی حق هرچه رنج و تعبش بیشتر باشد ثواب و اجرش زیادتر است.

در حالات حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام مخصوصا حضرت امام حسین مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیهماالسلام مسطور و ماثور است که بیش از بیست مرتبه به حج مشرف شدند و با داشتن همه گونه وسیله آن روز خود پیاده می‌رفتند، تا جائیکه قدم‌های مبارکشان در اثر پیاده‌روی و تصادف با خار مغیلان و غیره مجروح می‌شد و وقتی اصحاب علت تحمل این مشقت را می‌پرسیدند پاسخ (افضل‌الاعمال احمزها) می‌شنیدند و چه خوب گفت حافظ شیرازی.

در بیان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

اوتاد و ابدال و رجال الغیب مسافرتهای مشاهد مشرفه را ماشیا حافیا انجام می‌دهند. حقیر در ماه رمضان سال ۱۳۶۸ ق که در دامغان بودم مرد نابیناء حافظ قرآنی را دیدم که پیاده به مشهد مشرف میشد و از آذربایجان پیاده آمده بود وقتی به او گفتم که تو نابینائی این کوهها و دره‌ها و فراز و نشیب‌ها و راه پر خطر را چگونه پیموده و میروی در جوابم گفت: (الذی خلقنی فهو یهدین) انشاءاللَّه داستان او را در ذکر دامغان در جلد چهارم خواهم نگاشت.

مرگ زائر مشهد و عنایت حضرت رضا علیه السلام

مناسب دیدم در اینجا حکایتی را که آیت‌اللَّه و عالم ربانی آقای حاج میرزا حسن لواسانی سلمه‌اللَّه در کتاب کشکول خود ذکر کرده خلاصه آن را نقل نمایم. گوید: مرد موثقی حکایت کرد که سه نفر از جوانان ثروتمند نجف اشرف خدمت یکی از علماء مبرز که در همسایگی وی بودند رفته و گفتند پدر ما حدود چهل سال است که تنها با یک الاغ به مشهد مقدس می‌رود و پنج ماه سفرش طول میکشد و حالا دیگر پیر و ناتوان و نیروی او کاسته شده ولی باز امسال هم عازم حرکت است هر چه ما او را منع می‌کنیم که از این مسافرت با این کیفیت باز داریم قبول نمیکند خواهش داریم شما بمنزل ما آمده و نصیحت فرمائید که از مسافرت خودداری کند زیرا می‌ترسیم در راه تلف شود پس آن عالم بمنزل آن شخص آمده و اظهار می‌کند فلانی شنیده‌ام عازم مشهد مقدس هستید می‌گوید آری انشاءاللَّه، آقا شروع بسخن کرده مطالبی را ذکر میکند که آن مرد را منصرف نماید پس آن شخص عرض میکند فرمایش شما درست و صحیح است لکن اصرار من بر این سفر جهت دارد من عرض می‌کنم و غرض خود را میگویم و با این هدف اگر منعم می‌فرمائید نمی‌روم. فرمودند بگو پس گفت آقا جان سی سال قبل رفیقی داشتم که با او این مسافرت را انجام میدادم پس در یکی از سفرها آن مرد مریض شد و در راه فوت نمود و من متحیر بودم که او را چکنم نه آب داشتم او را غسل دهم و نه کفنی که او را کفن کنم و نه برایم به تنهائی میسور بود که او را تجهیز نمایم و ترسیدم که اگر او را

همانطور بگذارم و بده و آبادی نزدیک روم و مردم را خبر کنم، درنده‌ای او را بخورد پس وی را در زیر سنگ پنهان کرده و به آبادی که سر راه بود رفتم و اهل آنجا را خبر داده و از آنها کمک خواستم گفتند حالا که شب است صبر کن صبح با تو می‌آئیم و او را تجهیز می کنیم.

پس شب را در آن محل مانده و صبح باتفاق چند نفر از جوانهای آن ده آمدیم تا محل فوت او و هرچه تفحص کردیم اثری از وی نبود خیال کردم درندگان او را از زیر سنگ درآورده و برده‌اند شروع بگردش در آن بیابان کردیم و من متحیر بودم چه شده که ناگاه دیدم شخص بزرگواری در کنارم ایستاده و نفهمیدم آیا از آسمان آمد و یا از زمین و فرمود فلانی (و اسم مرا برد) برای چه ناراحت و سرگردانی. جریان را گفتم فرمود راحت باش که من دیشب او را تجهیز نموده و دفن کردم و اینهم قبر اوست و اشاره کرد به نقطه‌ای و دیدم صورت قبر است و بعد فرمود تو هم به هدف رسیدی گفتم چگونه من بمقصدم رسیدم و حال آن که هدفم مشهد و زیارت حضرت رضا علیه‌السلام است فرمود اگر صاحب قبر را میخواهی که نائل شدی و اگر قبر را میخواهی برو گفتم آقا جان شما کیستید فرمود من ابوالحسن علی بن موسی الرضا هستم به شیعیان ما خبر بده که هر کدام در مسیر و طریق زیارت ما از دنیا بروند ما می‌آئیم و او را تجهیز می کنیم و اگر تو می‌خواهی برگرد بوطنت و اگر میخواهی برو به مشهد پس خودم را بقدم مبارکش انداختم که ببوسم پس کسی را ندیدم شروع کردم بگریه و افسوس از این که چگونه این دولت مستعجل و فیض بزرگ از دستم رفت و حالا از آن تاریخ من هر سال مشرف می‌شوم که شاید در راه اجلم برسد و به فیضی که رفیقم نائل شد منهم نائل شوم.

حالا با این کیفیت اگر شما مرا منع می کنید می‌پذیرم. آن عالم جلیل فرمودند خیر منعت نمی‌کنم بلکه من هم رفیق سفر شما هستم و بسیار گریست و با آن شخص مسافرت نمود چند سالی تا هر دو در راه سفر مشهد از دنیا رفته و بفیض و هدف مقدسشان رسیدند. هنیئا لهم رزقنا اللّه زیارتهم و شفاعتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ثقه‌ی جلیل، و فقیه مجتهد عادل عامل، از اجله‌ی علما و فقها و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده، عمری به زهد و عبادت گذرانیده، در ۱۳۵۷ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف قاینی از علمای کاملین، و ائمه‌ی جماعت در اصفهان بوده، و تاکنون علم و روحانیت از خاندان او منقطع نگردیده.

از معاصرین سید حجة الاسلام رشتی، و معزز و محترم نزد او بوده، و در اصفهان تدریس می‌نموده.

کتب زیر از اوست:

۱- حاشیه بر حاشیه‌ی ملا میرزا جان ۲- حاشیه بر مدارك ۳- الكواكب الضيائية، در شرح بر زبده‌ی شیخ بهائی در اصول، در دو ملجد بزرگ.

در شب ۲۴ ربیع الاول سال ۱۲۴۶ در اصفهان وفات یافته، جنب فاضل هندوی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خزائلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در ۲۶ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار ، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید ، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شانزده سالگی ، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان ، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، ستوده ، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانس ، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات : مرحوم ایزدی ، انصاری شیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار ، آیات : آقا موسی

شبیری زنجانی ، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .

در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت . طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .

نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود . بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد . اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد ، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه ، مراکز علمی ، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید . با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تدریس : سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان ۹ سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه

هستند . همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خزعلی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم خزعلی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۱/۱

آیهٔ الله ابوالقاسم خزعلی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت : در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانوادهٔ آیهٔ الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذرانید. دوران تحصیل آیهٔ الله خزعلی، در ۶ یا ۷ سالگی به مکتب خانهٔ محلهٔ «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محلّه درس می گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونهٔ کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن ۱۷ سالگی ـ هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین ـ به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزهٔ علمیهٔ مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و برای نخستین بار در درس خارج فقه آیهٔالله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینهٔ فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیهٔ الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارستهٔ بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا ۳ بوده اظهار خرسندی می کند و آن را به فال نیک می گیرد. با شروع به تحصیل در حوزهٔ مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللبیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فراگرفت. این دو، از استادان ممتاز

حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیهٔ الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیهٔ الله بروجردی (ره) و درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیهٔ الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیهٔ الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلای بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیهٔ الله مطهری، شهید آیهٔ الله بهشتی و آیهٔ الله ربانی شیرازی اشاره کرد.فعالیتهای علمی و فرهنگی آیهٔ الله خزعلی در سالهای تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دورهٔ طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعدّ و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهّد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به اُنس با علما روحانیّت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می‌کرد. در زمینهٔ فعالیتهای علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سورهٔ فاتحهٔ الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عینیه ابن ابی الحدید دربارهٔ امیرمؤمنان ۷ شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاشهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیتهای ایشان دربارهٔ قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیهٔ الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکتهای ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دستگیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیهٔ الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دستگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیهٔ الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیّت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیهٔ الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیهٔ الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیهٔ الله خزعلی در تشییع جنازهٔ فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیهٔ الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیهٔ الله شریعتمداری به امام(ره) بوده است. حضرت آیهٔ الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیهٔ الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقهٔ فقیه، و شناخت هوشمندانهٔ توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیهٔ الله در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایهٔ دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزهٔ علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست ، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرهٔ المعارف علوم عقلی و از سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعهٔ الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خسروشاهی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العلامه الورع آیه الله حاج سید مرتضی خسروشاهی از علماء اعلام معاصر تبریز است.
وی در بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق در تبریز متولد شده و در مهد علم و شرف تربیت یافته و سطوح را در تبریز نزد والد خود و مرحوم آیه الله انگجی به پایـان رسانیـده و برای تکمیـل مبانی علمی به قم مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه الله حایری یزدی و آیه الله حجت و بالاـخص مرحوم آیه الله حاج سـید محمـد تقی خونساری حاضـر شـده تا به مـدارج علم و کمال ارتقا یافته و ضـمنا سالهـا در حوزه علمیه تـدریس فقه و اصول و کلاـم اخلاـق نموده تا بعـد از فوت مرحوم والـدش به تبریز مراجعت و تا هم اکنون به اقامه جماعت در مسجد والدش و به تدریس فقه و اصول در حوزه تبریز اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروشاهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضـی بن العالم الجلیل السـید احمد بن العلم العلام و الحجه الاسـلام محمد بن العلامه السـید علی ابن آیه الله السید ابوالحسن خسروشاهی از علماء اعلام و مجتهدین عظام آذربایجان و تبریز بوده‌اند، معظم له در تاریخ ۱۴ شوال ۱۲۹۹ قمری در نجف الاشرف متولـد شـده و سـپس باتفاق والـد ماجدش به تبریز آمده و مشـغول تحصـیل گردیده و مقدمات و قسـمتی از فقه و اصول را در تبریز فراگرفته و در سن بیست سـالگی برای ادامه تحصـیلات عزیمت به نجف نموده و پس از تکمیل تحصـیل و نیل به مقام عالی اجتهاد دوباره به تبریز برگشته و دهها سال مشغول انجام وظائف علمی و معنوی از قبیل تدریس طلاب و وعظ و ارشاد در مسجد خود و امر به معروف و نهی از منکر شدند.
در سال ۱۳۱۳ شمسـی آن جناب به اتفاق جمعی دیگر از علماء تبریز به علت مخالفت با بعضـی از بـدعتها به سـمنان تبعید و زندانی شـده و بعد از چندی آزاد و به همراهی جمعی از علماء که با وی بودند به مشـهد مقدس مشـرف و عده‌ای از آنها اقامت و معظم له پس از چندین ماه اقامت بنابر تقاضا و اصـرار مردم آذربایجان به تبریز مراجعت نموده و در مسـجد بزرگ خود به مبارزه با دشـمنان اسـلام پرداخته مخصوصـا در زمـان فتنه پیشه‌وری‌هـا بـدون ترس و واهمه با خطابه‌های آتشـین خود وظیفه خود را در برابر خائنان و دشـمنان بـدین مقـدس انجام دادنـد و این مبارزات ایشان تا اندازه‌ای توده‌ای‌ها را عصـبانی و ناراحت نمود که تصـمیم قتل ایشان را گرفتند که در روز (عید خون) که بنا داشـتند عده‌ای از علماء و رجال آذربایجان را بکشـند ایشان را هم بقتل آورند که شب معهود بلطف پروردگار پیشه‌وری و یارانش فرار و آن فرقه مضمحل گردیده و آقایان مذکور از خطر آزاد شدند.
سید مرتضـی متولد ۱۲۹۹ ق بن العـالم الجلیـل حـاج سـید احمـد آقـا از علمـاء طراز اول و فقهاء طبقه اولای تبریز عالمی تقی نقی و فاضـل و فقیهی بـارع و جـامع و در امر بمعروف و نهی از منکر متصلب و در حفـظ قـوانین دینیه و نـوامیس شـرعیه و حرمـات الهیه

متعصب و خشن بوده‌انـد، آن جنـاب در شـشم مـاه رجب ۱۳۷۲ ق بـدرود حیـات گفت و از خود آثـار چنـدی از تألیفات و پسـران دانشمندی بجای گذارد.

تألیفات آن جناب

۱- فوائد الافهام فی شرح قواعد الاحکام که جلد طهارتش تمام شد.

۲- نثارات الکواکب علی خیارات المکاسب.

۳- اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر که به طبع رسیده است و چندین رساله دیگر.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خسروی همدانی فرزند مرحوم علی حسین از فضلاء مبلغین و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و دانش و ولایت و بینش آراسته و موصوفند.

ایشـان در سال ۱۳۴۱ قمری در سایان در جزین همـدان متولـد شـده و در محل خود پس از خوانـدن دروس فارسـی اشـتغال به علوم عربیت نموده و بعـد عزیمت به همدان کرده و در حوزه همدان مدت ۱۸ سال از اساتید و آیات عظام شهرسـتان استفاده نموده و در چهلمیـن روز درگـذشت آیـت‌اللَّه العظمی بروجردی اعلی اللَّه مقفـامه بـه قـم آمـده و بـا تشویـق و تاکیـد بعضــی از آیـات گذشـته رضوان‌اللَّه تعالی علیه وآیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی مدظله و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شـیخ راضـی نجفی تبریزی اسـتفاده نموده و از راه منبر و تبلیغ احکام اسلام و معارف فقه اهل بیت علیهم‌السلام خدمات بسیاری در قم و یزد و همدان و سایر نقاط نموده و می‌نماید.

نگارنـده گویـد: جنـاب حـاج آقـای خسـروی واعظی متعـظ و خطیبی بلیغ و ادیبی اریب و عـالمی عامـل و اهل ولایت و اخلاص به خانـدان رسـالت است منبری آموزنـده و سازنـده دارد که مستمعین و شـنوندگان را تحت‌تـاثیر حـال و قـال خود قرار می‌دهـد خود می‌گریـد و دیگران را می‌گریانـد یـا در منزل آیـات عظـام قم و مجـالس و محافل مـذهبی ایام محرم و صـفر و فاطمیه و زینبیه و ماه رمضـان که مـاه عبـادت و دعـا و تبلیغ است با سـخنان دلنشین خود همه را مجـذوب می‌نمایـد مخصوص در موقع خوانـدن مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام.

چند سالی در ایام شـهادت صدیقه صـغراء نایبه الزهراء زینب کبری علیهاالسلام در منزل بنده سخنرانی نموده و عموم مردم خصوص دانشمندان حاضر را مستفیض می‌فرمودند.

تألیفاتی درباره چهارده معصوم علیهم‌السـلام دارد که می‌فرمودنـد به هیـچ از نوشـته آثارم دلبسـتگی نـدارم چون عمل خالص کساد است مگر اسـامی شـهداء کربلا روحی لهم الفـداء که در مـدتی که اشـتغال به تشویق مؤمنین برای تکمیل کاشـیکاری مسـجد اعظم داشـتم به خواهش حقیر از آیت‌اللَّه زاده بروجردی حشـره‌اللَّه مع اجداده سـلام‌اللَّه علیهم اجمعین دسـتور فرمودند در دیوار مسجد به یادگار ماند که در قم سابقه نداشته که امید دارم قبل از رسیدن اجلم به فریادم برسند.

آقای خسـروی دارای فرزندانی می‌باشـند که یکی از آنها به نام آقا شـیخ علی خسروی از طلاب و محصلین حوزه علمیه‌اند و دو نفر دیگر آنان به نام آقا شـیخ مرتضـی خسـروی شـهید جنگ تحمیلی و دیگر به نام آقا شـیخ مهدی خسـروی شـهید و مفقود الجسد از قربانیان حوزه علمیه‌اند جزاه اللَّه اجر الصابرین.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خطیب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دمشقی. جلال‌الدین محمد بن عبدالرحمن شافعی قزوینی خطیب جامع دمشق و دانشمند (ف. ۷۳۹ ه.ق.) از آثار او تلخیص المفتاح و ایضاح است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

خطیب، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خطبا و وعاظ و دانشمندان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. در ۲۰ شوال ۱۲۹۶ وفات یافته، و جنب مقبره‌ی بابا قاسم، نزدیک طوقچی مدفون گردیده.

ماده تاریخ وفاتش این است:

سال وفات خطیب رفت چو هفتاد روز

هادی نام و نشان گفت خرد یا غفور

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خلخالی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم بن المرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی با دو برادر ارجمندش جنابان حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید جواد و حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی کاظمی موسوی، در تهران به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

والد معظم ایشان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمد کاظم بن سید الجلیل آقا سید زین‌العابدین در حدود سال ۱۲۷۰ قمری هجری در قریه (کیوی) از قراء خلخال متولد گردیده و مرحوم والدش که از اجله سادات و اهل تقوا و شخص متهجد و مورد احترام مردم بوده در خدمت والد خود از تبریز مهاجرت به خلخال نموده و دارای هفت فرزند ذکور که پنج نفر از آنان از علماء مبرز و روحانیین بزرگوار با اسامی زیر بوده‌اند:

۱- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی مترجم معظم ما.

۲- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد موسوی خلخالی مقیم و متوفی نجف (ترجمه وی در اعلام نجف خواهد آمد)

۳- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسن موسوی خلخالی مقیم تبریز.

۴- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید فاضل موسوی خلخالی مقیم رشت (ترجمه ایشان در ضمن ترجمه فرزند برومندش حاج سید محمد مهدی خواهد آمد)

۵- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسین موسوی خلخالی مقیم رشت و متوفی تهران ۱۳۹۳ مدفون قم.

و نامبردگان فوق هر یک در دوره حیات خود شخصیت بارز علمی و تقوائی و اجتماعی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد مهدی بن المرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی (متوفی سال ۱۳۴۶ ق در تبریز) از علماء محترم معاصر تهران است وی پس از فوت مرحوم والدش در سن چهار سالگی باتفاق والده ماجده‌اش از رشت مهاجرت به نجف اشرف نموده و در بیت علم و فضیلت مرحوم عم گرامش آیت‌اللّه آقای آقا سید محمد خلخالی «قده» پرورش یافته و علوم مقدماتی را فراگرفته و سطوح را از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و دروس خارج را چندی از محضر استاد بزرگ آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شید محسن حکیم فراگرفته و سپس از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فقها و اصولا استفاده نموده و تمحض بدروس ایشان یافته و مورد عنایت مخصوص آیت‌اللّه خوئی مد ظله العالی از جهت فراگرفتن دقائق علمی و مبانی رشیقه معظم له قرار گرفته و مدت چهارده سال تمام از سال ۱۳۷۰ ق تا سال ۱۳۸۴ ق از بحثهای عمومی و خصوصی آن جناب برخوردار شده و در سال مزبور به تهران مسافرت نموده و بنا به تقاضای جمعی از اهالی تهران در مرکز کشور عاصمه جهان تشیع توقف نموده و اقامت ایشان در تهران موجب تاثر عمیق استاد معظم آیت‌اللّه خوئی دام ظله گردید و در ضمن نامه تأثرات خود را بمعظم له ابلاغ داشتند زیرا وجود ایشان را در حوزه علمیه نجف اشرف لازم می‌دانستند و اکنون در تهران نیز به بحثهای علمی اشتغال داشته و در مسجد صدریه واقع در خیابان رسام میدان خراسان اشتغال به اقامه نماز جماعت و انجام خدمات دینی دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای بشرح زیر می‌باشند.

۱- یک دوره حاشیه کفایه در اصول غیر مطبوع.

۲- تقریرات درس آیت‌اللّه العظمی خوئی در مکاسب.

۳- تقریرات دوره کامل اصول معظم له.

۴- تقریرات درس طهارت شرح بر عروةالوثقی بنام فقه‌الشیعه که دو جلد آن بطبع رسیده و بقیه اجزاء آن آماده طبع است.

۵- شرح عروةالوثقی کتاب الحج.

۶- رساله‌ای در رضاع و تقیه تقریرات آیت‌اللّه خوئی.

و اما والد معظم ایشان حضرت آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی از اجله علماء و مشهور بتقوی و از شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی بودند و در سال ۱۳۳۷ ق پس از نیل بدرجه رفیعه اجتهاد از نجف اشرف به

شهرستان رشت عزیمت نموده و مورد علاقه و توجه عموم گیلانیها واقع گردیده و در مسجد معروف حاج سمیع بامامت جماعت و تدریس اشتغال داشتند و پس از چند سال اقامت در رشت اخیراً کسالتی عارض شد و برای معالجه به تهران و سپس برای تغییر هوا به تبریز حرکت نموده و در آنجا دار فانی را در سال ۱۳۴۶ ق وداع گفته و مدفن معظم له در شهر تبریز در امامزاده معروف به سید ابراهیم قرار دارد.

و آثاری از فقه و اصول تقریر اساتید بزرگ و یا تألیف خود ایشان غیر مطبوع باقی گذارده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسام الدین خلعتبری لیماکی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از ۲۰ سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم .طی ۱۰ سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح ۳ دفاع کردم و حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم.در سال ۱۳۷۰ در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت ۵ سال این دوره را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم.از سال ۱۳۷۱ تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم.در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلیفه سلطانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل زاهد، در ۱۳۳۴ وفات یافته، در صحن تکیه میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خلیلیان، محمدجمال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جمال خلیلیان اشکذری

محل تولد : اشکذر یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جمال خلیلیان اشکذری تحصیلات حوزوی را در تابستان سال ۱۳۵۶ در یزد شروع نموده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی(از اول سال ۱۳۵۸) به حوزه علمیه قم آمدم و تا سال ۱۳۶۴ دوره سطح را به پایان رسانده و به همراه آن از سال ۱۳۵۹ دوره سطح معارف و فلسفه موسسه در راه حق را نیز گذراندم از سال ۱۳۶۸ در کنار درس خارج فقه و اصول دوره کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد رشته اقتصاد را گذرانده و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه خود دفاع نمودم از سال ۱۳۷۶ در کنار دروس حوزوی مقطع دکترای اقتصاد را شروع نموده و در اوائل سال ۱۳۸۳ از رساله خود در زمینه شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام دفاع نموده و در حال حاضر به تدریس و تحقیق در رشته اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول بوده و در درس خارج فقه حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمایم.

خمینی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از تولد تا ۱۵ خرداد

وقتی که در روز بیست و چهارم اسفند هزار و سیصد و بیست و چهار هجری شمسی دیده به جهان گشود و نگاهش به چشمان پرجاذبه و سرشار از معنویت پدر افتاد، گوئی که از همان لحظه، سرنوشت زندگانی این نوزاد با سرنوشت شگفت‌انگیز پدر، برای همیشه و جدائی‌ناپذیر گره خورده است.

نخستین صدائی که در این عالم شنید آوای ملکوتی اذان بود که از زبان «روح‌الله» در گوش او طنین توحید می‌افکند. نامش را احمد برگزیدند، و چه نام بامسمائی: قرة العین امام و محمود همه آنان که دل به خمینی سپرده‌اند؛ و دیدیم آن روز هنگامی که رسانه‌ها از بیماری احمد خبر دادند مردمانی فداکار و بیشمار برای اهداء قلبهای خویش به این چهره‌ی محمود و محبوب انقلاب خمینی صف کشیدند و آن حماسه را آفریدند که قلم از وصفش عاجز و توصیفش جز با زبان عشق و مرکب اشک و بودن در آن فضای وصف‌ناشدنی ممکن نیست.

هنگامی که او به دنیا آمد، وطن مظلوم و اسلامی، چهارمین سال حکومت خیانت پیشه دومین عامل بیگانه از خاندان منفور پهلوی

را می گذرانید.

چهار سال پیش از این قوای متجاوز متفقین خاک میهن را اشغال، و در یک بازی جدید، محمدرضا پهلوی را بر اریکه سلطنت استبدادی نشاندند.

دو سال قبل از تولد احمد، امام خمینی که با دید تیزبین خویش دورنمای تیره و تاریک فرداهای ملت مظلوم ایران در سی و هفت سال آینده را مشاهده می کرد، اثر بزرگ سیاسی خویش را بنام «کشف الاسرار» تألیف و منتشر ساخت و در آن آشکارا از ایده‌ی تشکیل حکومت اسلامی سخن گفت و مبارزه در مسیر تحقق آن را، تنها راه نجات از سیطره‌ی حکومتهائی دانست که نصب و عزلشان جز در مسیر تأمین اهداف بیگانگان نبود.

سال بعد «اردیبهشت ۱۳۲۳»انتشار نخستین بیانیه سیاسی امام خمینی در دعوت مردم ایران و حوزه‌های علمیه به قیام در راه خدا، نشان از آن داشت که او زمان انجام رسالت تاریخی خود و دست زدن به قیام هم جانبه‌اش را ارزیابی می کند.

«حاج آقا روح‌الله» اینک در زمان ولادت احمد نامی پرآوازه در حوزه علمیه قم بود. مجتهد برجسته‌ای که مجلس درس فقه و اصول و فلسفه و عرفان او محفل انس فرهیختگانی چون شهید مطهری و امثال او بود. امام خمینی در کنار استاد عالیمقامش آیت الله العظمی حائری یزدی (ره) در تأسیس حوزه علمیه قم مشارکتی فعال داشت.

بدین ترتیب دوران طفولیت «احمد» در محیطی می گذرد که محفل روحانی خانواده خمینی کبیر را بحث از چگونگی انجام تکلیف الهی در آن فضای آشفته گرما می‌بخشد. نیمه‌های شب زمزمه مناجات ملکوتی پدر و آوای قرآن از زبان آن عارف بالله شنیده می‌شود و روزها سخن از علم و جهاد است، سخن از چگونگی نجات مردم مظلوم ایران از یوغ شاهان ستمگر، و سخن از کشف اسرار است.

احمد در دامن مادری پرورش می‌یابد که بحق او را «بانوی بزرگ انقلاب اسلامی» و بانوی صبر و استقامت لقب داده‌اند همان بزرگواری که خداوند لیاقت آن را عطایش کرده تا همسر و همدم و انیس دل شخصیتی چون امام خمینی باشد. زنان نسل انقلاب، اسوه‌ای چون او دارند که این چنین در صحنه‌های سخت گذشته و حال انقلاب، پیشتازان نهضت خمینی‌اند. دامن پرمهر بانوی فاضله و فداکار: «خدیجه ثقفی بود که فرزندانی چون «مصطفی و احمد» پرورانید و آنان را برای یاری دین خدا در آن هنگام که خمینی کبیر قیام الهی خویش را آغاز کند، از هر جهت مهیا ساخت. در محیط خانوادگی که احمد در آن رشد کرده است برخلاف فرهنگ حاکم بر اغلب خانواده‌های مذهبی آن دوران از فرمانفرمائی مقتدرانه‌ی پدر و تحمیلها و اجبارهای والدین در امور شخصی فرزندان اثری نیست. چارچوب برخوردهای تربیتی امام همان شرع انور است که در آن به شخصیت فرزند و آزادی عمل او در محدوده‌ی شرع بهای لازم داده می‌شود. محیط خانوادگی آنان بنا به شواهد و مدارک فراوان و نقلهایی که خوانده و شنیده‌ایم فضایی آکنده از محبت، سادگی و مسئولیت‌پذیری و آزادی عمل بوده است و بطور طبیعی در چنین محیطی رفتارها و راهنماییهای دلسوزانه‌ی والدین، تنها به عنوان معیارهایی در مسیر انتخابهای دائمی و آگاهانه و آزادانه فرزندان عمل می کند. و این خود فرزندانند که مسئولیت انتخاب و تعیین مسیر آینده و سرنوشت خویش را - به تناسب موقعیت‌های سنی و رشد عقلانی و عاطفی هر دوره - برعهده می گیرند.

او از کودکی بسیار پرتحرک و سرشار از جنب و جوش بود، نه از کودکان منزوی. سری پرشور و دلی غوغائی داشت. گوئی که در پی گمشده‌ایست که ابتداء هر چه می گردد کمتر می‌یابدش و با چنین احساس و نیازی ناشناخته بود که بعد از دوره‌ی ابتدائی، ادامه تحصیل در علوم جدیده را برگزید.

سال سوم دبیرستان به ورزش فوتبال روی آورد و همزمان با تحصیل، عضو تیم فوتبال قم شد و مدتی نیز کاپیتان این تیم بود. او در رشته طبیعی از دبیرستان حکیم نظامی قم دیپلم گرفت.

۱۵ خرداد سرآغاز تحولی بزرگ در زندگی احمد

قیام تاریخی پانزده خرداد سال ۴۲ که در پی دستگیری امام خمینی در سحرگاه پانزده خرداد اتفاق افتاد، نقطه عطف مبارزات مردم ایران و سرفصل انقلاب اسلامی، و سرآغاز هجرت و تحولی بزرگ در زندگانی «احمد» قهرمان فصل‌های آینده نهضت امام خمینی بود.

شاهد فریادهای حق طلبانه امام بودن و سرآسیمگی و ددمنشی رژیم شاه را دیدن و دستگیری پدر بزرگوار را هنگام نماز شب مشاهده کردن، و در پی آن، فریادهای «یا مرگ یا خمینی» زنان و مردان پیشتاز نهضت را شنیدن و با آنان همصدا گشتن.

احمد در سحرگاه سیزد آبان ۱۳۴۳ دوباره شاهد محاصره منزل پدر، از سوی صدها کماندوی اعزامی از مرکز و دستگیری رهبر قیام، در حال مناجات و نماز شب، بود. حضرت امام به اهل بیت خویش سفارش می‌کند که در آن لحظه مداخله نکنند و در برابر آنچه که مقدر الهی است شکیبا باشند، روح خدا خمینی کبیر را سراسیمه به تهران برده و از آنجا یکسره به نخستین تبعیدگاهش ترکیه می‌برند. رنجهای دوران غربت و تبعید در خاندان خمینی آغاز می‌شود. «مصطفی» در غیاب پدر پاسداری از ارزشهای انقلاب را برعهده دارد و دیگر اعضای خاندان نیز هر یک رسالت خویش را در این طریق مقدس به خوبی ایفا می‌کنند.

دیری نمی‌پاید که فرزند برومند امام، آیت الله حاج آقا مصطفی نیز دستگیر و پس از چندی نزد پدر به تبعیدگاه ترکیه و سپس عراق روانه می‌شود. کارگزاران رژیم شاه گمان می‌کنند آخرین سنگر را فتح کرده و پرونده‌ی نهضت را بسته‌اند، غافل از آن که خداوند حکیم و قادر، نگاهبان نهضتی است که آن عارف الهی بنیان نهاده است، و این خداست که راه استمرار آن را هموار خواهد کرد.

این ایام آغاز ارتباطهای گسترده احمد با چهره‌های برجسته روحانیت و عناصر مبارز و قشرهای دیگر جامعه است. او چندی است که گمشده خویش را با آگاهی و تجربه شخصی و شناخت عمیق یافته است. نور اندشیه و راه و رسم خمینی عزیز چون خورشیدی تابناک بر پهنه قلوب حق جویان تابیده است و به ویژه نسل جوان را به بازیابی خویش و موقعیت فرهنگ و دین و کشور خود در آن زمانه پرآشوب فراخوانده است. با داشتن حجتی آشکار چون «خمینی» که هیچ نقطه‌ی ابهامی در سراسر زندگی و اهدافش نیست، گرد جهان گردیدن و از حقیقت پرس و جو کردن آئین خردمندان نیست، و احمد در نسل خویش نخستین کسی است که پیمان بسته تا پایان عمر در این راه مقدس گام نهد و جانفشانی کند.

حضور یادگار امام بعد از تبعید پدر و برادر، در منزلی که کانون قیامش لقب داده‌اند و حضور تنی چند از محدود یاران وفاداری که هنوز ساواک به شناسایی و بازداشت آنان موفق نشده است، سبب گردیده تا مشعل قیام در این جایگاه شریف خاموش نگردد.

نخستین سفر مخفیانه به عراق و واکنش ساواک

وقتی که در بامداد سیزده آبان ۴۳ سپاهیان اعزامی شاه و مأمورین امنیتی، امام خمینی را برای اعزام به تبعیدگاه می‌بردند آنچنان سراسیمه و وحشتزده بودند که اجازه ندادند تا حضرت امام وظایف خطیر «احمد» را در روزها و سالهای آینده بازگو کند. بدین سبب، احمد از همان روزهای اولیه‌ی تبعید امام در پی آن بود تا در اولین فرصت به محضر پدر بشتابد و تکلیف را از او بجوید. نخست، راهی به ذهنش خطور می‌کند که اشاره آنرا از زبان بی‌تکلف و صمیمی خود او بشنویم که می‌گوید: «آمدم تهران و تیم شاهین دعوتم کرد راستش خواستم به وسیله‌ی آن تیم از ایران خارج شوم و بعد برنگردم، ولی انتخاب نشدم و بحق که انتخاب نشدم، چون سایرین بهتر از من بودند. چون در این مسئله [رفتن به خارج] شکست خوردم، آن وقت خودم دست به کار شدم و یواشکی روانه عراق شدم، از راه آبادان...» (روزنامه اطلاعات ۶۱/۲/۷ مصاحبه با یادگار حضرت امام.).

احمد در ایام نخستین اقامت کوتاه مدتش در نجف اشرف (در سال ۴۴ و ۴۵) تکمیل معارف دینی را در آنجا پی می‌گیرد و از محضر امام و برادر ارجمندش کسب فیض می‌کند، و حدود ۵ ماه بعد – و طبعا بنا به توصیه حضرت امام – کانون گرم خانواده را به

قصـد انجـام رسـالتش در ایران ترک گفته و مخفیانه راهی وطن می‌شود. در مسیر بازگشت در مرز خسروی بازداشت و به سازمان امنیت آنجا منتقل می‌شود و چنانکه اسناد فوق که تنها چند سند از صدها اسناد مبارزات او در پرونده‌های ساواک می‌باشند، نشان می‌دهند او در بازجوئیهایش زیرکانه مأمورین را فریب می‌دهد هویتش در مرز برای ساواك در این مرتبه شناخته نمی‌شود و پس از آزادی، از طریق کرمانشاه و همدان راهی قم می‌شود.

یادگار امام در زندان قزل قلعه (بازگشت از سفر دوم)

احمـد پس از بازگشت از عراق، تلاش خستگی‌ناپذیر خود را در تحصیل علوم دینی و دیـدار از خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان و انتقال پیام‌ها و سفارش‌های امام به منسوبین و مبارزین و نمایندگان شرعی امام در ایران و تنظیم امور بیت امام در قم، ادامه می‌دهد. در پایان همین سال (۴۵) دوباره عازم عراق می‌شود و این بار مخفیانه از طریق خرمشهر به آن سوی مرز می‌رود و پس از یک هفته مخفی‌کاری و طی طریق، خود را به نجف اشرف که قبله‌گاه مبارزین گردیده بود می‌رساند.

در همین سفر است که او رسما به سلک روحانیت درمی‌آید و «عمامه» را که نشانی است بر مسئولیت‌پذیری و تقدس راه انتخاب شده، به دست مبارک امام خمینی بر سر می‌نهد. در این سفر نیز او ضمن فراگیری سفارشها و وصایای مبارزاتی حضرت امام، از فرصت استفاده کرده و از محضر درس پدر و برادر بزرگوار و دیگر اساتید حوزه نجف بهره می‌گیرد.

حضرت حجت الاسلام و المسلمین احمد خمینی اینک لیاقت آن را یافته است تا رابط رهبری انقلاب با مبارزین مسلمان در کانون قیام یعنی ایران اسلامی باشد و از اینرو پس از چندی با ره‌توشه‌هایی گرانبها و پیامهای مبارزاتی امام به ایران رهسپار می‌شود. این بار نیز به هنگام عبور از مرز در روز هشتم تیر ماه سال ۱۳۴۶ دستگیر می‌شود.

حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی - رض - پس از تحقیق و مشورت با حضرت امام و دیگر اعضای خانواده در تاریخ ۱۳۴۸/۷/۱۱ با دختر فاضله حضرت آیهٔ الله سلطانی طباطبائی که از خاندانهای شریف و محترم روحانیت در قم می‌باشند که اعقابشان نسل در نسل از مجتهدین بنام حوزه‌ها بوده‌اند، ازدواج نمود و ثمره‌ی این وصلت مبارك سه فرزند پسر: جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب حجهٔ الاسلام حاج سید یاسر خمینی و آقای سید علی خمینی می‌باشند. این عزیزان نور چشمان حضرت امام و مورد مهر و عطوفت آن حضرت بوده‌اند و مطمئنا دعای خیر امام خمینی و پدر نامداری همچون حاج احمد آقا و مادر فداکارشان بدرقه راه پرمسئولیت آنان است.

سفر به مکه، عراق و لبنان

سومین سفر یادگار امام خمینی به نجف اشرف با دستی پر از اخبار مربوط به استمرار مبارزه در ایران و مشتعل بودن مشعل قیام در حوزه‌های علمیه صورت می‌گیرد. «احمد» فرزند برومند امام در سال ۱۳۵۲ ایران را به سوی سه مقصد مهم ترک می‌کند: زیارت خانه‌ی خدا و کسب ره‌توشه‌های معنوی برای جهاد در سالهای دشوار آینده؛ زیارت مشاهد مشرفه در عراق و بوسه زدن بر ضریح مطهر مولا ـ علی (ع) مظهر عدالت و صبر و مظلومیت، و عقده گشودن دل در جوار تربت سالار آزادگان و شهیدان (ع) و یاران باوفایش، و زیارت دیگر اماکن متبرکه‌ی آن دیار و دیدار با مرجع و امام و پدر بزرگوار خویش: «حضرت روح‌الله» و دیدار با مادر و برادر، که دست ظلم دودمان پهلوی - و البته - دست جنایتکار آمریکا، آن اولیای خدا را به دیار غربت روانه ساخته است؛ و سومین مقصد: سفر به لبنان و دیدار با فرزندان نهضت خمینی در آن سامان.

«احمد» چنانکه از خدا خواسته بود این سفر پرموفقیت را نیز همچون گذشته به انجام رسانید. او سخنهای فراوانی با پدر، از انتقال مسائل نهضت گرفته تا طرح سؤالات مربوط به دروس علمی و طرح مسائل حوزه‌ها و غیره داشت که در این سفر بازگو نمود، کسب فیض و تکلیف کرد و از امام خویش وظایف و مأموریتهای مقدس را برای سالهای آینده آموخت و برگرفت، و در لبنان با امام موسی صدر مسائل منطقه و وضعیت شیعیان و مبارزه‌ی افتخارآمیزی که در پیش روی داشتند را به ارزیابی نشست و در تماس

با شهید چمران و عناصر مبارزی همچون جلال‌الدین فارسی، پیگیری اهداف نهضت امام در آن سامان را به بحث گذاشت و مدت اندکی نیز در پایگاه نظامی شهید چمران آموزش نظامی دید و در اواخر سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشت.

احمد و هجرتی دیگر (چهارمین و آخرین سفر به عراق)

سال ۱۳۵۶ سالی تعیین کننده در نهضت امام خمینی است. در این سال وقایعی به وقوع پیوست که هر یک در اوج بخشیدن به ابعاد انقلاب اسلامی و جهانی کردن نهضت امام و تمهید مقدمات پیروزی ۲۲ بهمن سال بعد تأثیر بسزایی نهادند و از جمله‌ی این وقایع که خود تقدیری است شگفت از مقدرات الهی، هجرت تاریخی یادگار امام از ایران به نجف اشرف و وقایع پس از آن و هجرت او به همراه «امام انقلاب» از نجف به پاریس است.

همراه با امام در هجرت به پاریس

هجرت سرنوشت‌ساز امام خمینی از نجف به پاریس، آغاز فصل فروپاشی ارکان رژیم سلطنتی در ایران و بصدا آورنده‌ی زنگهای شکست آمریکا در حساسترین و امن‌ترین پایگاهش بود. در این هجرت و ماجرای شگفت نیز، «احمد» مشاور و همراه پدر بود. و این نقش تا بدان حد آشکار و مؤثر بوده است که حضرت امام خمینی - سلام الله علیه - حتی در وصیتنامه جاودانه‌ی خویش نیز از آن یاد کرده و تصریح می‌فرماید که تنها مشاور آن حرکت تاریخی و تاریخ‌ساز «احمد» بوده است.

سوگ امام، داغ بی‌التیام احمد

کسی که عشق را، و خمینی را، و مردم ایران را، و قدرشناسی آنان را، و رابطه خمینی و احمد را، و عشق احمد به خمینی را بشناسد، نیک می‌داند که داغ جگرسوز رحلت امام در شبانگاه ۱۳ خرداد ۶۸ با دل رنجدیده‌ی احمد چه کرده است. او ۱۳ سال رنج مبارزه در غیاب پدر تبعیدی خویش را به شوق روزگار وصل تحمل کرده است و وقتی که در سال ۵۶ به نجف اشرف رسید یوسف‌وار خود را در آغوش یعقوب انقلاب و پدر غمخوار اسلام انداخت و رنجهای دوران جدایی را گریه کرد و از آن پس لحظه‌ای از امام جدا نبود. هنوز شیرینی وصال محبوب را کامل نچشیده بود که فرزند ارشد خمینی بزرگ و امید امام و مردم، استاد و مراد عزیزش مصطفای انقلاب را دست ستم از آنان گرفت. تحمل داغ مرگ برادر، آنهم عزیزی چون مصطفی که آیتی از علم و حلم و حکمت و نمونه‌ای از خصائل و فضائل پدر بود و داغ کسی که دوران سخت مبارزه در غربت را با او تقسیم کرده بود، بسی دشوار و ناممکن می‌نمود. به گفته‌های پدر ایمان کامل داشت وقتی که از زبان پدر شنید که این «لطف خفیه الهی» است تحملش افزون شد، چند روز بیش نگذشت که پیش‌بینی پدر - که گویی آینده را نیک می‌بیند - محقق گشت و شهادت برادر آغازی شد بر قیامی که تا دست آمریکا را از ایران اسلامی قطع نکرد، فرونخفت. و در تمام این ادوار او با پدر بود. وجودش برای امام، و هوش و کیاست و لیاقتش جای خالی مصطفی را پر می‌کرد. امام انقلاب با مشورت او تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. همراه پدر به فرانسه رفت، ۵ ماه در آن روزهای پر از حادثه و ماجرا لحظه‌ای از امام جدا نشد. ۱۲ بهمن در آن سفر شگفت و خطرخیز به ایران آمد. هنوز شب سیاه حکومت جور به پایان نرسیده بود و ۱۰ روز به طلوع فجر انقلاب باقی بود. آمریکا ۱۰ روز فرصت داشت تا طرح کودتای خونینی که ژنرالهایش قبلا تدارک دیده بودند، عملی سازد. اما سخنان بیاد ماندنی امام در بهشت زهرا، و پس از آن فرمان عزل دولت طاغوت و تعیین دولت انقلاب، و پس از آن حماسه‌ی نبرد دلاورانه‌ی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماشین جنگی شاه و آمریکا را از کار انداخت. در تمام ساعات این ده روز که هر لحظه‌اش بیم صدها خطر و حادثه‌ی شوم بود، احمد پروانه‌وار گرد امام می‌چرخید. از آن روز فریاد و تکبیر، و از آن یوم الله کبیر، ۲۲ بهمن، تا اینک که دقایقی از ساعت ۱۰ بعدازظهر ۱۳ خرداد در سال ۶۸ می‌گذرد و جهان اسلام و فرد فرد ملت ایران بعد از شنیدن خبر سختی حال امام روی دل به جماران دارند و فریاد صدها هزار مؤمن در مساجد و معابر به دعا و تضرع بلند است که مبادا آن مصیبت عظمی اتفاق افتد، او از آن روز تا این ساعت بی‌وقفه و مدام شب و روز در کنار امام، و با امام بوده است و اینک این احمد خمینی و این تنها پسر باقیمانده از عزیز عزیزان، و این داغدار مرگ

مصطفی است که در راهروی بیمارستان بقیهٔ الله جماران دل دریائی‌اش را به خدا سپرده تا مبادا در این لحظه‌های سخت، تحمل از کف بنهد و مسئولیتی که در قبال مردم و عاشقان خمینی و خواهران و مادر فداکاش دارد فراموش کند.

در ارتباط با تحصیلات و بعد علمی یادگار امام چنانکه در ابتدای این کتاب نوشتم ایشان پس از اخذ دیپلم در رشته علوم طبیعی به تحصیل علوم دینی روی آورد، البته پیش از آن و توأم با تحصیل علوم جدید، نیز به فراگیری مقدمات علوم حوزوی پرداخته بود مطالعه کتب ادبی و سیاسی و دینی و فقهی و افزایش اطلاعات علمی در رشته‌های مختلف از جمله علاقمندیهای همیشگی ایشان بود و بدین لحاظ باید گفت او تا پایان عمر از هر فرصتی در این جهت استفاده‌ی کافی برده است.

فراست و تیزهوشی از جمله امتیازاتی است که تمام آشنایان آن مرحوم به آن معترفند و به همین سبب نیز دو دوره‌ی مقدماتی و سطح حوزه‌ی علمیه را با سرعت و در حد بسیار مطلوبی نزد بزرگان حوزه علمیه قم طی کرد و همزمان با تحصیل به تدریس سطوح قبلی نیز اشتغال داشت و پس از آن دروس خارج فقه و اصول را نزد اعاظم حوزه‌ی علمیه فراگرفت. مشوق و پشتوانه‌ی اصلی پشرفتها و موفقیتهای تحصیلی ایشان، نظارت دائمی پدر بزرگوارشان بوده است.

حضرت امام با وجود اقامت در نجف، هیچگاه از توجه به پیشرفت تحصیلی ایشان غافل نبوده و چنانکه در نامه‌های امام خطاب به ایشان (گنجینه‌ی دل، مصاحبه با آیهٔ الله محمدی گیلانی.) ملاحظه می‌کنیم اولین مسأله‌ای که بعد از تذکرات اخلاقی در صدر سایر مسائل مرتبا متذکر شده‌اند همین امر می‌باشد. اشراف حضرت امام برگذران تحصیل دوره سطح و موفقیت در پیگیری دروس خارج فرزندشان و همچون تدریس موفق ایشان را در همین نامه‌ها به وضوح می‌توان دید. مرحوم حاج احمد آقا وقتی که برای پیگیری امر مبارزه و کسب علم از محضر درس خارج فقه امام در سال ۱۳۵۶ به نجف هجرت نمود در سطحی از علوم حوزوی قرار داشت که در آنجا مکاسب و کفایه می‌گفت، مطمئنا اگر فرصتها امکان ادامه‌ی تدریس ایشان را می‌داد و اگر اشتغالات فوق‌العاده ایشان پس از هجرت به پاریس و همراهی با امام در جریان مسائل پیش از پیروزی انقلاب نمی‌بود، همان اشتغالاتی که امکان تدریس و افاضه علوم حوزوی را از امام نیز در این سالها گرفتند؛ با توجه به هوش سرشار و مدارج متقنی که او در مراحل مقدماتی و سطح و خارج فقه و اصول طی کرده بود در این وادی نیز همچون وادی مبارزه و سیاست و انقلاب، چهره‌ی تابناکش روشنی‌بخش حوزه‌های علمیه می‌شد. بعد از رحلت حضرت امام علیرغم محدودیتها و مشغله‌ای که هنوز استمرار داشت، فرصتی اندك پیش آمد تا ساعاتی را به تدریس ادبیات عرب و مکاسب و کفایه بپردازند. این حقیر نیز توفیق یافتم حدود ۱/۵ سال از محضر درس کفایه ایشان استفاده برم. با آن که کوچکتر از آنم که نسبت به سطح درس ایشان و قیاس آن با دروس سایرین اظهارنظر بکنم اما انصافا و باتوجه به این که قبلا ـ در حوزه‌ی علمیه در محضر درس بزرگانی که هم اینک دروس خارجشان زینت بخش حوزه‌ی علمیه قم می‌باشد و در عداد مراجع تقلیدند چندی حاضر بوده‌ام باید گفت که درس کفایه آن مرحوم سرشار از نکته‌بینیها و دقتهایی عالمانه و مجتهدانه بود که غالبا مورد غفلت دیگران قرار می‌گیرد.

تسلط او بر مبانی فقه و اصول در ضمن درس کاملا مشهود بود و تا نکته‌ای را عمقا تفهیم نمی‌کرد رد نمی‌شد. خصلت امانتداری ایشان در درسشان نیز کاملا ـ محرز بود و به همین سبب مقید بودند قبل از درس اقوال و آراء دیگر اصولیین را در موضوع مورد بحث ببینند و لذا درسشان توأم با نقد و تطبیق بود. خودشان می‌فرمودند و ما نیز شاهد بودیم که گاه چندین ساعت برای دریافت علت اختلاف رأی مرحوم آخوند (صاحب کفایه) با دیگر اصولیین و یا اختلاف آراء شارحین کفایه دربرداشت از عبارت کفایه، به کتب و اقوال اصولیین مراجعه دقیق می‌کردند.

بعضی از اساتیدی که مرحوم حاج احمد آقا نزد آنان علوم حوزوی را فراگرفته است عبارتند از:

حضرت آیهٔ الله العظمی امام خمینی (خارج فقه)، آیهٔ الله حاج آقا مصطفی خمینی (خارج اصول)، آیهٔ الله فاضل لنکرانی (خارج فقه) آیهٔ الله موسی زنجانی (خارج فقه) آیهٔ الله محمدی گیلانی (شرح منظومه)، آیهٔ الله رضوانی (اسفار)، آیهٔ الله ابطحی کاشانی

(سطح و خارج)، آیهٔ الله خلخالی (سطح) و آیهٔ الله طباطبائی.

ایشان علاوه بر فقه و اصول، به مباحث فلسفی و عرفانی علاقه‌ای وافر داشت و سالها از محضر درس بزرگان، شرح منظومه و اسفار آموخته بود و به دیگران نیز تعلیم داده در باب منطق و فلسفه غرب نیز مطالعات گسترده‌ای داشت و مکتبهای فلسفی و سیاسی معاصر غرب را می‌شناخت و نقد می‌کرد.

در شعر و ادب فارسی نیز پر مطالعه بود و بخصوص اشعار عرفانی حافظ و مولانا و سعدی و حضرت امام را بخوبی می‌شناخت و غزلیات فراوانی از حافظ و سعدی را حفظ بود.

در تفسیر معانی اشعار عرفانی بزرگان ادب فارسی، نظریات کارشناسی و متقنی داشت که گاه اهل فن را بشگفتی وامی‌داشت. ذوقی لطیف و شاعرانه داشت و از هنر و رشته‌های هنری استقبال می‌کرد و در برخی از آنها نیز سررشته داشت.

در وادی سیاست با آن که مدرک سیاسی نگرفته بود؛ به اعتراف دوست و دشمن یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان سیاسی جمهوری اسلامی و بلکه جهان اسلام بود. در پیش‌بینی اهداف و عملکردهای آتی دشمنان و شناخت مسائل جهانی چنان بود که کمتر موردی در جلسات مهم تصمیم گیری‌ها می‌توان یافت که وی به استدلال بر نظریه خویش پرداخته باشد و آگاهان حاضر در جلسه و حتی کارشناسان متخصصی که قبلا در آن مسأله نظر مخالف داشته‌اند به رأی ایشان گرایش نیابند. نقش راهگشای نظریات او را در جلسات سرانه سه قوه و شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام قبلا از زبان رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی نقل کردم.

شناخت وی از جریانات و افراد و گروه‌های سیاسی پرشمار تاریخ معاصر ایران و آشنایی به مبانی و مواضع و شیوه‌های سیاسی هر یک از آنان و حتی شناخت او از چهره‌ها و اشخصا ذی‌نفوذ در هر یک از این جریانات و نقاط ضعف و قوت آنها و همچنین شناختش از جریانهای داخل روحانیت و حوزه‌های علمیه و آشنایی او با بسیاری از پدیده‌های سیاسی تاریخ معاصر جهان و احزاب سیاسی عمده در کشورهای بزرگ به حدی بود که به جرأت می‌توان گفت وی از نادر افرادی بود که در این جهت، هم از قدرت درک و تحلیل بسیار بالایی برخوردار بود و هم آگاهیهای فراوان و عمیقی از افراد و چهره‌ها و احزاب و ایدئولوژی‌های آنان داشت و باید گفت که حافظه او در مسائل سیاسی روز، دائرهٔ‌المعارفی جامع و کم‌نظیر بود.

بیماری و رحلت جانگداز یادگار امام

صبحگاه روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳ خبر بستری شدن یادگار امام، نخست موجی از نگرانی در جماران و دقایقی بعد در شهر تهران و پس از آن در سرتاسر ایران پدید آورد و ساعاتی بعد با پخش خبر، به طور رسمی از صدای جمهوری اسلامی، در ایران غوغایی برپا شد که تنها نمونه آن را در پخش خبر بیماری امام دیده بودیم. گزارشات بعدی حاکی از آن بود که عارضه قلبی و تنفسی ناگهانی در حالت خواب سبب ایست کامل قلب و تنفس برای لحظاتی گردید و همین امر موجب بروز سکته مغزی شده است. خانواده‌ی معزز و رنجکشیده‌ی آن مرحوم، که خود در یکایک رنجهای دوران مبارزه و فداکاری‌های یادگار امام سهمی برابر با او داشته است، به محض اطلاع، درخواست کمک می‌کند و با توجه به مجاورت منزل با بیمارستان تخصصی قلب و عروق (بقیهٔ الله) بلافاصله امدادگران حاضر شده و پس از اقدامات ضروری امدادی، به فوریت او را به بیمارستان منتقل می‌کنند و با استفاده از تجهیزات کامل سی. سی. یو فعالیتهای فوری پزشکی آغاز می‌شود و لحظاتی بعد اطباء متخصص و برجسته، از تخصصهای مختلف به محض شنیدن خبر، سرآسیمه خود را بر بالین آن عزیز می‌رسانند و کار تشخیص و مداوا با سرپرستی جناب آقای دکتر عارفی و نظارت و همکاری آقای دکتر طباطبائی (متخصص قلب، و برادر همسر گرامی حاج احمد آقا) آغاز می‌شود. عزیزی که ناباورانه هم‌اکنون روی تخت بیمارستان در حالت اغما خوابیده است نورچشم ملت ایران و یادگار خمینی کبیر و پشتوانه‌ای مستحکم برای نظام و انقلاب است. رهبر معظم انقلاب اسلامی و ریاست جمهوری اسلامی و رئیس مجلس شورای اسلامی و بسیاری از مسئولین و

بلندپایگان کشور بی‌درنگ به عیادت فرزند شایسته امام و انقلاب می‌شتابند. اقشار مختلف مردمی که خبر را پیش از دیگران شنیده‌اند بسوی جماران در حرکتند. تیم پزشکی با بسیج امکاناتی که از سوی مسئولین امر دستور آن صادر شده است هر آنچه که در توان دارد به کار می‌گیرد و همزمان، انواع آزمایشهای ممکن و متداول در پزشکی را برای تشخیص منشأ عارضه‌ی قلبی انجام می‌دهد. کلیه گزارشات پزشکی حاکی از آن است که جز ایست ناگهانی قلب و متعاب آن اختلال شدید در دستگاه تنفسی و سپس سکته‌ی مغزی چیز روشن دیگری به چشم نمی‌خورد.

فضای عمومی کشور با پخش اخبار صادقانه ولی نومید کننده‌ی تیم پزشکی چنان غمگرفته و حزن‌آلود می‌شود که توصیف آن جز با بودن در آن فضا و همنوا شدن با مردم ممکن نیست و قلم از بیانش عاجز است. مردم دسته دسته و فوج فوج برای برپایی مراسم دعا و تضرع به درگاه خداوند عازم مساجد و اماکن مذهبی می‌شوند. کوچه‌های جماران و خیابانهای اطراف آن در تمام ساعات شاهد بسیجیان و خانواده‌های شهدا و دلدادگان کوی خمینی است که خانه و کاشانه را رها کرده و سر بر دیوار نهاده و بغض خویش را آهسته گریه می‌کنند مبادا کسی تصور کند که دیگر تفسیر کلام خمینی را از «احمد» نخواهد شنید. احمد تجسمی است از روح زیبای خمینی.

پنج روز سرتاسر ایران و هر جا که در جهان نام مبارك خمینی به بزرگی برده می‌شود، دستهای میلیونها انسان مؤمن به دعا و فریاد استغاثه بلند، و صدای هق هق گریه از دلهای شکسته در کوچه پس کوچه‌های جماران بتدریج بلندتر، و فضای حزن‌انگیز ایران هر لحظه اندوهبارتر، و دلهره و اضطرابها هر آن افزونتر، و نذر و نیازها فراوان و بیشمار می‌شدند. سیل نامه‌ها به جماران و دفاتر مسئولین نظام و صدا و سیما سرازیر بود، مردمانی که قدر خمینی و قدر خاندان او و نضهت الهی او و یارانش را می‌شناختند ایثارگرانه و با التجاء و التماس خواستار اهداء قلب و اعضای حیاتی بدن به فرزند امامشان بودند.

به خدا سوگند که راست گفت حضرت روح الله آن جا که فرمود: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله، صلی الله علیه و آله، و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی، صلوة الله و سلامه علیهما، می‌باشند» (وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی.).

در میان نامه‌های رسیده مواردی به چشم می‌خورد که یکایك افراد خانواده با ذکر مشخصات کامل خود و گروه خونی و اطلاعات پزشکی مربوط به قلب و کلیه و ریه‌ی خویش و با اعلام اینکه به بیمارستان مراجعه کرده و از سلامت اعضای خود اطمینان یافته‌اند و با دادن شماره تلفنهای متعدد از خود و همسایگان و منسوبین مصرانه خواستار اعلام نیاز تیم پزشکی شده‌اند تا به محض اطلاع در بیمارستان حاضر شده و قلبشان را تقدیم فرزند امام کنند. و تنها مکاتبه نبود، افراد متعددی همه روزه در جلو بیمارستان صف کشیده بودند تا نوبت را از دیگران در اهداء قلب خویش بستانند! براستی جز در مکتب عشق و ایمان به ولایت کدام فرهنگی و ملتی را این چنین بزرگوار و وارسته سراغ دارید؟ با وجود اعلامهای مکرر رادیو مبنی بر عدم نیاز به اهداء قلب، مراجعه این قبیل فداکاران و اصرار آنها بر تماس با پزشکان تیم و سماجت آنها در اهداء قلب بدانجا کشیده بود که کار را بر مأمورین و مسئولین بیمارستان و نیروی انتظامی دشوار ساخته بود.

با طولانی شدن مدت بیماری و حالت بحرانی یادگار امام و پخش خبرهای موذیانه‌ی رادیوها و خبرگزاری‌های بیگانه، دشمنانی که از هر فرصتی برای ضربه زدن به وحدت و همدلی مردم استفاده می‌بردند شایعات بی‌اساس را دامن می‌زدند و از سوی دیگر شدت علاقه عاطفی مردم به فرزند امام و جوانی ایشان و غیرمترقبه و ناگهانی بودن بیماری وی و عدم امکان عیادت عمومی از ایشان به دلیل رعایت اجتناب ناپذیر مراقبتهای بهداشتی ویژه در بخش قلب زمینه سازی طبیعی پذیرش برخی از این شایعات را نزد ساده‌لوحان فراهم می‌ساخت و البته سود آن را دشمن می‌برد. که باید برای این بیماری مزمن فرهنگی با کار عمیق فرهنگی چاره‌ای اندیشیده شود و راه بر سوء استفاده‌ی دشمن در چنین شرایطی مسدود گردد.

به هر حال پس از پنج روز، تلاش خستگی ناپذیر تیم پزشکی نتیجه‌ای نبخشید و «احمد خمینی» همان کسی که نامش، و یادش و تصویرش و فداکاری‌های بیمانندش تا ابد در کنار نام مبارک «امام خمینی» در قلب و روح و روان عاشقان انقلاب اسلامی پرجلوه و پراثر باقی خواهد ماند، ندای حق را در شامگاه ۲۵ اسفند ۱۳۷۳ لبیک گفت و به آرزویی که در تمام ایام بعد از رحلت امام برای آن لحظه شماری می کرد یعنی ملاقات با پدر در پیشگاه حضرت حق، رسید و جهانی از مؤمن‌ترین بندگان خدا را در سوگ خویش عزادار ساخت. «انا لله و انا الیه راجعون».

فریاد شیون و زاری دوباره از جماران برخاست، ایران در رثای سردار نامدار نهضت خمینی کبیر یکپارچه می گریست. و چه سوزناک و جانگداز گریه می‌کردند مردمانی که دیگر عطر خمینی را از وجود نازنین احمد در فضای جماران، و صدای دل‌انگیز یادگار عصر حماسه‌ی خمینی را نخواهند شنید، پرچمهای سیاه عزا بر در و دیوار شهرها آویخته شد.

فردای آن روز (صبح ۷۳/۱۲/۲۶) دهها هزار تن از پیروان امام از سراسر کشور به تهران آمده بودند تا در مراسم وداع با پیکر مطهر یادگار امام و تشییع و تدفین آن عزیز با صدها هزار زن و مرد تهرانی در ادامه‌ی راه او و دفاع از ارزشهایی که او مدافع آنها بود و تجلیل از خدمات بی‌حد و حصر فرزند امام به انقلاب و نظام اسلامی همصدا شوند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

خندق آبادی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد خندق‌آبادی تهرانی از گوینده نامی و وعاظ گرامی و مبارز معاصر در تهران بوده‌اند.

در حدود سال ۱۳۳۸ قمری در تهران متولد و در بیت علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده و در خدمت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام والعالم العلام آقا شیخ جواد خندق‌آبادی به قم آمده و سطوح را نزد معظم‌له و مدرسین دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی شرکت نموده آنگاه به تهران مراجعت و به خدمات دینی و روحی مخصوص تبلیغ دین و ترویج آئین از طریق منبر پرداخته و با بیدادگریها مبارزاتی نموده و بر علیه مخالفین ولایت اهل‌بیت عصمت و طهارت منبرهای آتشین و پرحرارتی رفته و مصایبی کشیده و صدماتی دیده است.

مولف گوید: مرحوم خندق‌آبادی از رفقاء نزدیک این نویسنده بود که در موقع توقفش در قم با برادر ارجمندش مراوده زیادی با حقیر داشتند و در روزهای جمعه در منزلم منبر می‌رفتند و تمرین منبر را در منزل حقیر نمود و وقتی قرض بسیاری پیدا کرد و برایش طاقت‌فرسا بود آمد روز جمعه‌ای در منزل حقیر و گفت دعا کنید که من در اضطرار و مضیقه قرار گرفته‌ام. بنده به رفقا گفتم امروز تنها حاجت ما فرج و اداء قروض آقای خندق‌آبادی باشد و پس از خواندن دعاء ندبه توسل به حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف پیدا نموده و فقط اصلاح حال و اداء قروض وی را در نظر گرفته و دعا نمودیم و رفقاهم حال مخصوصی در تضرع و گریه و دعا داشتند و پس از پایان مجلس که رفقا بیرون رفتند بنده هم برای کاری از منزل بیرون رفتم در اثناء راه یکی از رفقا رسید با خوشحالی گفت بشارت که دعاء امروز اثر کرد و تمام قرضهای آقای خندق‌آبادی من حیث لایحتسب اداء شد.

مرحوم خندق‌آبادی در تهران محبوبیت خاصی میان مردم پیدا کرده بوده و منابر بسیاری در مساجد و محافل تهران داشت در اثر ابتلائی که پیدا کرده بود مبتلا به سکته مغزی شد ولی شفا یافت و اطباء وی را از منبر رفتن و بلند سخن گفتن منع کردند ولی او

می گفت من نوکر امام حسین علیه‌السلام و سرباز حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام هستم و می‌خواهم تا آخرین لحظه زندگی و آخرین نفسم در سر خدمت و پست سربازی باشم و در موقع انجام وظیفه از این جهان بروم بالاخره هم به هدفش رسید زیرا در نیمه شب بیست و یکم ماه رمضان سال ۱۳۸۸ قمری در بالای منبر خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی تهران در هنگام قرآن به سر گرفتن و یک یاالله گفتن سکته قلبی نموده و از منبر به زیر افتاده و به مولایش حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام واصل گردید.
فرزندان برومندی دارد که از آنها جناب آقای آقا شیخ محمد خندق‌آبادی از اهل منبر تهران و موصوف به فضل و دانش می‌باشند.
جنازه آن مرحوم را با تشییع کم سابقه‌ای حمل به شهر ری و در مقبره ابن‌بابویه در کنار قبر مرحوم والدش به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خندق‌آبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ جعفر بن العالم الجلیل حاج شیخ احمد بن العلامه المرحوم آخوند ملا محمد کاشانی ره از علماء بزرگوار و وعاظ عالیمقدار معاصر است در تهران که سمت استادی بر بسیاری از گویندگان حاضر دارد. وی عالمی ناطق و واعظی عامل و محدثی بصیر و مفسری خبیر می‌باشد.
در سال ۱۲۱۰ قمری در تهران متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و پس از فراغت از علوم مقدماتی و ادبیات از اول بلوغ به تحصیل علم فقه و اصول و حکمت نزد اساتید بزرگ پرداخته و شوارق و اسفار و منظومه را نزد مرحوم حاج شیخ علی نوری و میرزا مهدی آشتیانی خوانده و رسائل شیخنا الانصاری را با قسمتی از اسفار از محضر آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و قسمت مهمی از فقه را از مرحوم والد و برادر ارجمندش مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ محمد خندق‌آبادی آموخته و از سن بیست سالگی به تبلیغ دین و وعظ و خطابه پرداخته و تاکنون که هشتاد و سه سال از عمر شریفش می‌گذرد متجاوز از شصت سالست که به این سمت مفتخر می‌باشد و هم مدت سی سالست که در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی تهران به اقامه جماعت اشتغال دارد. دارای تالیفات ارزنده‌ای می‌باشد که در اخبار و احادیث و تفاسیر اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نوشته و نگارنده آنها را دیده‌ام خداوند توفیق طبع و نشر آن را به ایشان عنایت فرماید. آنجناب حقا از برکات زمین و علماء راسخین و در ولاء اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام بسیار ثابت و شدید می‌باشد. خداوند امثال آنجناب را باقی بدارد و دهان و قلم و دست یاوه‌سرایان وهابی مسلکی که اهانت به خدمتگذاران کهن سال دین و ولایت می‌کنند شکسته و پر از آتش نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خواجوئی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب و واعظ، شاعر متخلص به «بهاء» از اعقاب اوست.

فوتش در ۱۳۱۶ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، زین‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ زین‌الدین علی بن عین علی خوانساری از اکابر علما و فضلا بوده، و در مدتی امامت جمعه‌ی اصفهان را داشته، و در سال ۱۱۶۷ وفات یافته، و در قبرستان آب بخشان مدفون شده، بقعه کوچکی داشت.

وی را تألیفاتی است از آن جمله است: ۱ - رساله در رد بر ملا حیدر علی شیروانی در نجاست غیر امامی ۲ - رساله‌ای در رد بر ملا محمد شفیع تبریزی در موضوع نماز در لباس ابریشم؛ و غیره.

اولاد مرحوم شیخ زین‌الدین دو دسته‌اند:

اول: اولاد پسری، که آقا محمد صاحب عنوان باشد.

دوم: اولاد دختری که حسین علی شاه و سعادت علی شاه و جمعی دیگر باشند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از منبریان معروف، و روضه‌خوانان مشهور اصفهان بوده، و در شدت مرضی نیز ترک ذکر مصیبت ننموده، در روز ۷ محرم سال ۱۲۹۳ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه آباده‌ای مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را پرتو شاعر گوید:

از پی تاریخ آن پرتو سرود

یا حسینی گفت پس دم درکشید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، علی اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی علی اکبر، عالم جلیل، از شاگردان و خواص اصحاب سید حجهٔ الاسلام، و مورد اعتماد و وثوق ایشان بوده، به طوری که آن بزرگوار پس از ساختن مسجد سید، مشارالیه را به امامت مسجد میرزا باقر منصوب نموده است.

پس از وفات او، جنازه به نجف اشرف منتقل شده، در وادی السلام مدفون گردید.

وی از شاگردان و مجازین از سید صدرالدین عاملی بوده (و در شب جمعه ۱۴ محرم ۱۲۶۳ وفات یافته است).
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوراسگانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملا احمد، از علما و اجلّا و ائّمه ی جماعت در شهر بوده، و در ۲۴ ذی حجه سال ۱۲۸۴ وفات یافته، در تخت فولاد در سمت جنوبی بقعه ی فیض مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوشنویس، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر خوشنویس

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر خوشنویس (معروف به جعفر الهادی) سال ۱۳۲۵ در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و به علت انتساب و ارتباط وی به خاندان دینی و علمی و تمایل شدیدی که به تحصیل و کسب علوم اسلامی داشت پس از طی چند سال در مکتبخانه و در مدارس رسمی به حوزه علمیه پیوست و دروسی را در سطح مقدمات (نحو و صرف و بلاغت) و مراحلی از علم کلام و تفسیر و فقه ، باب حادی عشر و مجمع البیان و تبصره علامه و عروه و شرایع الاسلام و لمعه و معالم و اصول و فن نگارش عربی به سبک معاصر را نزد اساتید معروف و مبرز حوزه گذراند.پس از ورود حضرت امام (قدس سره) به عراق و به دلایل سیاسی به لبنان رفته و حدود ۵ سال در بیروت به کارهای فرهنگی و تبلیغی از قبیل سخنرانی نگاشتن و نشر مقالات مذهبی در مجلات و روزنامه های اسلامی و شیعی از قبیل : العرفان و الحیاه (بین سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۳ هجری شمسی) پرداخت .
سپس به بحرین هجرت کرده و پس از مکث ۹ ماه در آن کشور که همراه با امامت جماعت و سخنرانی به عربی و فارسی در مجالس مذهبی و اجتماعی و نوشتن و نشر مقاله ، و ایراد سخنرانی هایی از طریق رادیوی منامه در مناسبتهای دینی شیعی بود به ایران آمد و در اواخر سال ۵۴ به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس کفایه حضرت آیت الله سبحانی در مسجد فاطمی شرکت کرد و به مدت ۱۵ سال به فراگیری علوم مختلف در زمینه فقه ، اصول ، رجال ، درایه ، فلسفه ، علوم قرآنی و کلام تطبیقی و تلمذ نزد دانشمندان عالیقدر : فقید سعید ستوده (قدس سره) و موسوی تبریزی ، دوزدوزانی ، و فقید سعید حقی تبریزی پرداخت.درس خارج

فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) آیت الله العظمی تبریزی ، آیت الله العظمی وحید خراسانی ، آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، آیت الله کوکبی ، آیت الله سبحانی استفاده نمود.

از اوائل ورود به حوزه شریف قم به تدریس پرداخت و به تعلیم زبان عربی ، فن نویسندگی معاصر ، خطابه در کنار فقه ، اصول ، عقائد و تاریخ اسلامی مشغول شد.ایشان به خاطر رغبت و علاقه ای که به نشر فرهنگ اسلامی علی الخصوص بین جوانان داشت به خطابه و ایراد سخنرانی در محافل و مجالس به زبان عربی و فارسی پرداخت و به مرور زمان یکی از فعالیتهای عمده وی تبلیغ از طریق منبر قرار گرفت.در همین راستا بر اثر دعوتهای مختلف به مناطق گوناگون در خود ایران و در دیگر کشورهایی مانند لبنان ، سوریه ، بحرین ، دبی ، شارجه ، چین ، مالزی ، سنگاپور ، سریلانکا ، تایلند ، ساحل العاج ، کرواسی ، مکررا سفر کرده و در میان مردم مختلف به سخنرانی پرداخت .به علت تسلط ایشان در دو زبان عربی و فارسی هم در عراق (پیش از حکومت منفور بعث) و قبل از هجرت از عراق و پیش از سالهای (۱۳۴۹-۱۳۵۴ ه.ش) از رادیوی سراسری عراق و همچنین در ایران (پس از انقلاب مبارک اسلامی) در کانال رادیویی ۱، ۲، ۳ فارسی و عربی سراسری و رادیوی قرآن و رادیوی محلی قم و اهواز و کیش و کردستان و سیستان و بلوچستان سخنرانی ، میزگرد و مصاحبه های متعددی در مسائل گوناگون اسلامی و اجتماعی داشته ، همچنین نظیر این برنامه ها از تلویزیون المنار حزب الله لبنان از وی پخش شده است.تدریس در دانشکده شهید محلاتی سپاه قم به مدت چهار سال و مدتی در دانشگاه شریف صنعتی تهران و جامعهٔ الزهراء قم و موسسه مذاهب اسلامی نیز داشته اند. از همان آغاز جوانی بر اساس علاقه به نویسندگی به نوشتن و نشر کتاب و مقاله هایی به دو زبان عربی و فارسی در مجلات گوناگون داخلی و خارجی همچون : القرآن یهدی ، ذکریات المعصومین ، نداء الاسلام ، منابع الثقافه الاسلامیه (عراق) و المواقف (بحرین) رساله القرآن ، پیام قرآن ، پرسمان (قم) و البصائر و رساله الحسین و میقات الحج (ایران) و الشهید (لندن) و دعوة الحق (مغرب) المرشد (سوریه و لبنان) پرداخت. وی عضو هیئت علمی مقام معظم رهبری و جامعه اهل البیت العالمیهٔ و دبیر کمیته تبلیغ و معارف مدارج علمی حوزه است و اینک مدیر مرکز تخصصی آموزشی علوم حدیث (درخیابان معلم) وابسته به حوزه علمیه قم می باشد.

خونساری، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فضل‌اللّه بن العالم الجلیل آقا سید علی‌اکبر خونساری خواهر زاده و داماد آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد موسوی خونساری مد ظله از علماء بزرگوار معاصر تهران است.

وی در خونسار متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و اولیات را در آنجا خوانده و به اصفهان مسافرت و یکسال در آنجا درس خوانده و در سال ۱۳۴۷ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه به اتمام رسانیده و حدود دو سال در حوزه درس آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی حاضر و استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم یک دوره اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت را دیده و از محضر آیت‌اللّه خونساری بهره‌مند شده و حدود نوزده سال فقه و اصول و علوم عقلیه و فلسفه و فلکیات را از آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری مد ظله دائی بزرگوار خود بهره‌مند شده و هم از ابحاث عرفان و فلسفه مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی استفاده نموده تا سال ۱۳۶۵ قمری که بر حسب تقاضا و اصرار جمعی از اهل تهران ساکن (خیابان شاه) برای اقامه جماعت در مسجد سجاد آن خیابان و ترویج دین مبین و ادامه بوظائف روحانیت مهاجرت به تهران نموده و تاکنون در آن محیط اشتغال به

خدمات دینی و تدریس فقه و اصول دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدباقر بن العلامه التقی آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری از علماء معاصر تهرانست وی در قم متولد و اولیات و سطوح را از مدرسین قم فراگرفته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللَّه اراکی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف و از مراجع آن سامان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران استفاده و چند سالی است مراجعت به ایران و در خیابان گرگان تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد شمال خیابان مزبور و ترویجات و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد علی بن العلامه الورع آیت‌اللَّه حاج سید محمد تقی موسوی خونساری از علماء فعال و مروج معاصر تهران است. وی نیز مانند برادرش در قم متولد و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و اولیات و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللَّه اراکی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین تهران رحل اقامت به آن سامان انداخته و در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه خیابان فرودگاه نزد کارخانه پپسی کولا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارد و در فن منبر نیز مهارت و استادی کامل دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن خوئی بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم بن آیه الله حاج سید مهدی بن حجه الاسلام سید صادق حسینی خوئی قدس سره دائی معظم آیه الله العظمی فقیه اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام فی عصره و جامع العلوم و الفنون فی دهره العلامه الکبری ابوالمعالی سید شهاب الدین النجفی مرعشی مدظله العالی از علماء بنام تبریز بوده‌اند.

سلسله نسب آن بزرگوار با نسب مرحوم آیه الله حاج سید حسین کوهکمری و آیه الله حجت کوهکمری یکی می‌شوند و منتهی

می‌شوند بسید حسن که در زنوز نزدیک شهر مرند قبرش مزار مؤمنین می‌باشد و نسب سید حسن هم منتهی به حضرت علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام منتهی می گردد. و آیه الله سید مهدی جد آقا سید حسن از اعاظم تلامذه شیخنا الانصاری بوده و آیه الله آقا سید ابوالقاسم والدشان از تلامذه فاضل شربیانی و آیه الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی بوده است.

مترجم معظم در سال ۱۲۸۹ در شهر تبریز متولد شده والده ایشان مخدره صالحه بانو حاجیه همای خانم صبیه مرحوم حاج منجم بانی پل معروف به پل منجم در شهر مذکور می‌باشد.

اساتید ایشان والدشان و عموی مکرمشان آیه الله آقای حاج سید رضا خوئی و سایر علماء تبریز بوده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و سالهای متمادی در درس مرحوم آیه الله حاج سید کاظم یزدی صاحب عروه و آیه الله شریعت تلمذ نموده و پس از وفات آن دو بزرگوار به تبریز آمده و به تدریس و اقامه جماعت و بیان عقاید و احکام دینیه پرداخته.

اجتهاد و روایتی

دارای اجازات عدیده از آیه الله یزدی و آیه الله شریعت و آیه الله فیروزآبادی و آیه الله آقا شیخ زین العابدین مرندی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می‌باشد:

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- مجالس المواعظ کتابی است به نحو مجلس مجلس ۲- شرح زیارت عاشورا ۳- شرح صحیفه سجادیه ۴- شرح دعاء سمات ۵- حاشیه بر عروه الوثقی ۶- غایه القصوی.

در سال ۱۳۷۹ قمری وفات نموده و پس از مدتی که در مزار سید ابراهیم امانت سپرده شده بود حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در قبرستان خانوادگی مدفون گردید. دارای دو پسر به نام آقا سید باقر که از تجار و ساکن مشهد مقدس است ۲- آقا سید عبدالکریم ساکن تبریز و داماد مرحوم آیه الله حاج میرزا مهدی انگجی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خوئی، عبدالصمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالصمد ابن المرحوم آقا میرزا مجتبی ادیب خوئی طاب ثراه (معروف به اولاد ملا محمدباقر خوئی) در سال ۱۳۲۷ ه. ق در شهر تهران متولد و در پنج سالگی در خدمت والدین خود عازم خوی شده و در آنجا تحصیلات ابتدائی و مقدمات عربی را نزد والد ماجدش خوانده و سطوح وسطی را نزد علمای بزرگ شهر خوی فراگرفته و در سن ۲۱ سالگی در مدرسه نمازی شهر خوی بتدریس طلاب مشغول و بواسطه پیش آمد بعضی از حوادث بقصبه شبستر عزیمت و مدت یکسال و نیم از محضر آیت‌اللّه شبستری استفاده نموده و آنگاه به تبریز آمده و در مدرسه طالبیه مشغول تدریس طلاب علوم دینیه شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی رسائل و مکاسب را فراگرفته و در سال ۱۳۵۰ ه.ق مهاجرت به قم نموده و مدت چهارده سال و نیم در حوزه مقدسه قم از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری و اندکی هم از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده کرده و مقداری از حکمت و فلسفه را هم نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی خوانده و در مدرسه دارالشفا و فیضیه به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و عده‌ای بسیار از طلاب و محصلین در حوزه دروسش شرکت و بامور مدرسه دارالشفا هم رسیدگی می‌کردند تا در سال ۱۳۶۳ ق. ه که از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مد ظله انتخاب و

با تصویب و موافقت آیات عظام قم اعزام به منطقه اسکرومیلان گردیده و سالهای متمادی در آن ناحیه که در تحت تسلط و نفوذ حزب منحله و منفوره توده‌ای‌های آذربایجان بود خدمات شایسته‌ای انجام داده و در مقابل حملات و تهمتها و اهانت‌های آن فرقه ضاله مقاومت و با عنایت حق جلت قدرته و الطاف حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه الشریف تحمل شداید نموده و انجام وظائف محوله دینیه را از قبیل: تشکیل مدرسه علمیه دینیه و جمع‌آوری طلاب از اطراف و قراء آن صفحات در قصبه میلان و اعزام منبریهای طلاب را بدهات و قراء برای ترویجات دینی نموده‌اند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان بسیار جدی و ساعی در امور دینی و از مروجین و خدمتگزاران بلیغ می‌باشد در مدت اقامتشان در میلان آثار بسیاری از قبیل ساختن حمام‌ها و مفروش کردن مساجد دهات و قراء آن سامان و تربیت طلاب و اعزام آنان به قم و غیره انجام داده‌اند تا در سال ۱۳۷۹ ق که جناب آقای حاج سید حسین مدنی (ابن عم مکرم حضرت آیت‌اللّٰه المیلانی دام ظله) متولی مسجد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام جوادیه تهران از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی اعلی اللّٰه مقامه کسب اجازه نموده و ایشان را به تهران دعوت و امامت مسجد مزبور را بعهده ایشان گذارده و تا حال حاضر حدود پانزده سال است در منطقه بزرگ و حساس جوادیه راه آهن بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند و خدمات شایسته‌ای انجام داده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین بن العالم الجلیل آقا سید کبیر خوئی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و کمال و خواندن مقدمات و سطوح متوسط به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه بپایان رسانیده آنگاه از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و بمدارج عالیه رسیده و بعد بنابر درخواست عده‌ای از دوستان و مومنین تهران منتقل به تهران گردیده و در مسجد سلمان واقع در خیابان شهباز تهران به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای خوئی مزبور از بنی اعمام مرحوم علامه متتبع میرزا حبیب‌اللّٰه هاشمی خودی صاحب شرح نهج‌البلاغه مطبوع می‌باشد، عالمی متین و دانشمندی باتقوا و متانت و دارای تالیفاتی می‌باشد.

مرحوم والدش حجهْ‌الاسلام آقا سید کبیر خوئی نیز از علماء محترم شهرستان خوی دارای تألیفات بوده که از آنها رساله‌ای بنام مثل و اندرز بسعی آن جناب بطبع رسیده است.

آن مرحوم در سال ۱۲۹۳ ق در شهرستان خوی محله شاهانه متولد و در سوم ذی القعده ۱۳۶۸ قمری در اثر تصادم از اسب همسایه‌اش بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خیرخواه، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خیر خواه

محل تولد : روستای طوسکلاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلا از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را درشهرستان های ساری(مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند.اینجانب در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللبیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی(ره) و کتاب مطول (در معانی وبیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب کفایهٔ الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی(ره)، صالحی مازندرانی(ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجانب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات قرآنی است متشکل از بخش ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرهٔالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می باشد و اینجانب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطق نظم الفبایی تدوین می شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت های قرآنی و با راهکارهای کاملاً تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می گیرد و به سامان می رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود ۲۵ جلد خواهد بود که ۱۰ جلد آن تا کنون از چاپ خارج

شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب جدای از تحقیق جمعی فوق مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرهٔالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته ام.

داداش زاده، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی داداش زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۷۱ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل – استان مازندران – شدم .بعداز مدتی وارد حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیل شدم ودرهمین میان به تدریس ادبیات عرب ومنطق پرداختم . ودرسالهای ۷۵- ۷۶ به عنوان شاگرد ممتاز،شناخته شدم و مورد تقدیر نماینده ولی فقیه قرار گرفتم . درسال ۷۸ رتبه سوم درپایه هشتم را کسب نمودم وسرانجام درپایه دهم رتبه اول رابدست آوردم و مورد تقدیر قرار گرفتم . همزمان باورود به درس خارج حضرات آیات، به تدریس پرداخته ، وکتاب بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔالحکمهٔ، رسائل، را تدریس نمودم وبعد ازمدتی وارد تخصصی تربیت مدرس شده وبه ادامه تحصیل درگرایش فقه واصول پرداختم واز آن مرکز نیز رتبه اول رابدست آوردم.درمیان تحصیل دررشته فقه واصول وفلسفه وتفسیر،ازآنجایی که احساس نمودم حملاتی برعقاید شیعه میشود و لکن کتابهای فارسی که به این شبهات بپردازد چندان نبود دست به ترجمه برخی ازکتب دردفاع ازکیان تشیع زدم که مورد استقبال بالاـ قرارگرفت وبا تیراژ فراوان چاپ و منتشرگردید که دوعنوان ازاین کتب ،رویکردعقلانی برباورهای وهابیّت ،وسلفی گری درگذرتاریخ بود .ودرادامه تحصیلات هم اکنون دررشته علوم حدیث باگرایش کلام وعقاید دردانشکده علوم حدیث قم درکارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می باشم .

دادجو، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله دادجو

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله دادجو در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم در هنگام ورود به حوزه علمیه تلاش کردم در عین پیشرفت علمی و فقهی با علوم جدید نیز آشنایی داشته باشم لذا در آن زمان توفیق اخذ دیپلم علوم تجربی را پیدا کردم.سپس در راستای ارتقای علوم دینی پس از پایان سطح به درس خارج بزرگان دین شرکت کرده و بیش از ۱۲ سال موفق شرکت در دروس خارج فقه و اصول شدم ضمنا در رشته تخصصی کلام اسلامی به تحصیل پرداخته و سرانجام پایان نامه ام را با عنوان تحلیل و بررسی پدیده وحی به پایان برده و دفاع نمودم و موفق به کسب مدرک سطح چهار دکتری شدم از سال ۱۳۸۲ مشغول به تدریس در دانشگاهها هستم و مقالاتی نیز از حقیر به چاپ رسیده و اکنون در حال تألیف کتابی هستم. البته در برخی از حوزه های علمی حوزه علمیه و به طور آزاد نیز توفیق تدریس داشته ام.از جهت تبلیغی نیز تاکنون به لطف خدا موفق به تبلیغ بوده ام.

دادمرزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی دادمرزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتح) تهران دیپلم گرفتم . همان سال به طوررسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم . همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم . در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم ؛ در سال ۷۰ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد خود را اخذ نمودم . در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم . در سال ۶۹ جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتا این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم .

از سال ۱۳۷۲ وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم . همکاری خود را با دانشگاه قم از سال ۷۰ - ۶۹ شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رششته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعهٔ الزهراء (س) ، دفتر تبلیغات واحد خواهران ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ،

مرکز جهانی علوم اسلامی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتا تدریس داشته ام . در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. درسال ۱۳۷۲ نیز دوره کار آموزی وکالت دادگستری خود را در تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کار آموزی و علی رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملاـ به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم .

حوزه پژوهش های اینجانب فقه ، اصول ، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می باشد . به زبان های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم . موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت درعقد نکاح دائم است .عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می باشد.

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل دارابکلائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۱برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا ۱۳۵۰ مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری(ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی(ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می پرداختم. در سال ۱۳۵۲ همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی- پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال ۱۳۶۱ همزمان با بازگشایی دانشگاههای کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاهها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال ۱۳۶۵ با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال ۱۳۷۸ دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای ۷۵ الی۸۳ برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت "دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها

را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ... اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال ۱۳۶۱ همزمان با تدریس در دانشگاه در دفترهمکاری حوزه و دانشگاه- که اخیرا به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت- به مدت ۲۰ سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال ۱۳۷۵ با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیتهای منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی- امام جمعه وقت لاهیجان- به لاهیجان رفتم و حدود ۶ ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگوئی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال ۶۱-۶۰ در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از : اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارا، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل دارا

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جلیل دارا در سال ۱۳۵۷هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در یزد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۶ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مصباحی مقدم، آیت الله زنجانی، آیت الله علیدوست و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.

وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام و در مقطع دکترا رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد، با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، دانشگاه شهید بهشتی و وزارت کشور به تدریس مشغول می باشد.وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده

است و مقالاتی از قبیل" دمکراسی جدید "و "مشارکت سیاسی در اسلام " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

دارینی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دارینی

محل تولد : دارین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد دارینی در سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هدایت و مبانی آن در قرآن "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

داعی علوی حسینی، ابوالخیر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، محدث و وعظ. وی مولف کتاب «آثار الابرار و انوار الاخیار»، در حدیث است که شیخ منتجب‌الدین آن را به واسطه‌ی استاد خود سید مرتضی بن مجتبی رازی از خود داعی حسینی روایت کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴/۶)، الذریعه (۵/۱)، ریحانه (۲۰۸/۲)، فهرست منتجب‌الدین (۷۱).

داعی نژاد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی داعی نژاد

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدعلی داعی نژاد سال ۱۳۴۲ درشهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی درسال ۱۳۶۱، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال ۱۳۷۲ تاکنون به مدت ۱۴ سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم بزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی(ره) ، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال ۱۳۷۰ تاکنون به مدت ۱۴ سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز متعددی اشتغال داشته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دائره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگوئی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

داماد، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید حسن، از فضلای اهل منبر و اتقیا، در ۱۳ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۴ وفات یافته، در بقعه مدفون گردید.
علّت شهرت ایشان به داماد آن است که پدرش داماد مرحوم حاج میرزا محمود کلباسی بوده است.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دامغانی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا عباس دامغانی از علماء و مروجین تهران و ساکن (کوچه دردار) خیابان ری و مورد توجه مردم آن حدود بوده است وی در سال ۱۳۱۰ قمری وفات نموده است.
دارای فرزند عالمی بنام آقای شیخ محمود که داماد عالم جلیل آقا شیخ باقر بن ملا محمد رفیع تهرانی بوده است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دانش آشتیانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدحسین دانش آشتیانی (برادرزاده آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالقاسم دانش) از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.
وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در آشتیان متولد شده و در بیت تقوا و دیانت و عنایت عم گرامش پرورش یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و قسمتی از مقدمات در سال ۱۳۶۳ ق به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده.
آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری حاضر شده و سالها از محضر و درس آنان فقهاً و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۷۸ ق به امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به محلات قم مسافرت و حدود ده سالی در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۰ قمری که به تهران منتقل و در خیابان ژاله سکونت و در مسجد آنجا در نزدیکی میدان ژاله به امامت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای دانش از فضلاء بارع و مهذب حوزه علمیه قم است و بیش از سی سال است که با ایشان رفاقت و دوستی داشته و دارم فاضلی متین و عالمی مبرز و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد. و آثار و خدمات ایشان بناء مسجد بزرگ و باشکوه و غسالخانه‌ای در محلات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

داودی لیمونی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید داودی لیمونی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید داودی لیمونی در سال ۱۳۵۳ شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوزانی ، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در درسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طورمتناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (۸ سال) بوده است.

بدایهٔ الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در درسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت ۳ سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی ، حضرات آیات : مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم.درسال ۱۳۸۱ پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم.از سال ۱۳۷۱ در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت ۱۳۸۵) هفت جلد ازآن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمومنین علیه اسلام)در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح ۳ و ۴ را به عهده دارم.علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود داودی نژاد اراکی در سال ۱۳۲۰ شمسی در داودآباد اراک متولد شده و پس از رشد به اراک آمده و در مدرسه مرحوم آقا ضیاءالدین مقدمات را از مرحوم حاج شیخ قنبر رفیعی خوانده و در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم آمده و سطوح را از حجۀالاسلام آقای ستوده و آقای صلوتی و آقای مشکینی و آیت‌اللّه سلطانی بپایان رسانیده و دروس خارج را از محضر استاد مشکینی و حجۀالاسلام منتظری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده آنگاه در سال ۱۳۵۱ شمسی حسب الامر آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی بکرشته شهریار که در جنب علیشاه عوض واقع است عزیمت نموده و تاکنون در مسجد آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

داور شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۵۱ ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[۱]

(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. ۱۲۵۱- ف. شیراز ۱۳۲۵ ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار العجم (۳۳ -۲۶)، ایضاح المکنون (۶۸۸، ۴۶۱، ۲۶۵، ۱۰۱ /۲، ۹۰ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۳ - ۲۴۷ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ -۴۹۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۸ -۲۶۷، ۱۲۷/ ۱۵، ۱۰۸۸ -۱۰۸۷، ۳۱۹/ ۹)، ریحانه (۳۶۰ - ۳۵۹ /۵)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱ - ۲۷۰ /۶)، هدیه العارفین (۴۶۹/۲).

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا داوودی کهکی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا داودی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا ۱۳۷۷ به طول انجامید. از سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره ۱۸ پذیرفته شد در سال ۱۳۸۳ در دوره تربیت مربی اخلاق زیرنظر حجت الاسلام دکتر آقاتهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال ۱۳۸۴ هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

دبیری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی دبیری زرندی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانند.

وی در زرند متولد شده و برای تحصیل به قم آمده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح رحل اقامت به تهران افکنده و سطوح را از مدرسین و علماء تهران به پایان رسانیده و نیز از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام استفاده نموده و اکنون در یکی از مساجد غرب تهران (خیابان سی متری) به اقامه جماعت و ترویجات مذهبی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

درب امامی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید عبدالعلی موسوی. عالم فاضل، و محدث کامل، از موثقین اهل منبر و محدثین اصفهان به شمار می‌رفت.

در عصر روز ۳ شنبه ۲۱ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۷۲ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در این اطاق مدفون گردید.

از آثارش کتاب «ثمرات الحیات» در دو مجلد، در مواعظ و اخبار به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درزی عزیزی، محمداسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمداسحق درزی عزیزی فرزند حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدمهدی بن العالم الجلیل آقا شیخ محمداسماعیل درزی (که از تلامذه سیعد العلماء بوده است) از دانشمندان معاصر و مقیم قریه (بهنمیر) مازندران می‌باشد.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری متولد شده و مقدمات را از مرحوم والدش که از شاگردان آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسن مازندرانی معروف به شیخ کبیر صاحب حاشیه (فرائدالاصول) آموخته و پس از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۲۲ شمسی در مدرسه مولانا و مدرسه صدر بابل تحصیلات مقدماتی خدمت حاج شیخ علی موحد نموده و در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم مهاجرت و چندی از آقای اعتماد تبریزی و پسرعموی خود آقا شیخ محمدحسین شریف‌زاده استفاده نموده.

ولی به واسطه کسالت شدید و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی ری رفته و پس از بهبودی به حوزه درس عالم ربانی و آیت سبحانی مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کوهستانی پیوسته و مقداری از فقه و اصول و تفسیر را در آنجا خوانده و مورد لطف مخصوص آنجناب قرار گرفته.

و بعد در سال ۱۳۳۴ شمسی مجدداً به امر آن مرحوم به قم آمده و به درس استاد علی مشکینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و علامه طباطبائی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالفضل زاهدی و درس هیئت مرحوم حاج شیخ محمد اردبیلی و رجال و فقه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ شمسی بنابر دعوت اهالی بابلسر و زادگاهش قریه (عزیزك) که از مضافات بابلست به آنجا آمده و به امر مرحوم آیت‌اللّه کوهستانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر آیت‌اللّه‌زاده مازندرانی به قصبه (بهنمیر) اقامت و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

قصبه (بهنمیر) زادگاه جد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ولی‌اللّه مدرس مازندرانی بوده ولی حدود یکصد و پنجاه سال از روحانی خالی بوده (با اینکه محیط آن حدود چهل هزار نفر جمعیت داشته است) از این جهت فرقه ضاله بهائیه در آنجا رخنه کرده و فعالیت زیادی نموده و در غالب شئون زندگی مردم خلط و آمیزش پیدا کرده بودند.

ایشان وظیفه خود دانسته که امریه آقایان را اطاعت و در آنجا ایفاء وظیفه نمایند و به حمداللّه موفق شدند در طول ۱۵ سال اقامتشان در آنجا جلوی نفوذ و پیشرفت آن حزب منفوره مردوده را گرفته و تعداد ۱۷ خانوار را که عددشان ۶۷ نفر می‌شود از زن و مرد ارشاد و هدایت نموده و بر گرداننند.

و خلاصه مبلغین ضال و مضل آنها را مجاب و محکوم نموده و شر رفت و آمدشان را از آن منطقه دور نمایند در سال ۱۳۴۲ شمسی مشرف به مکه معظمه و وراد در بیت‌اللّه الحرام شـده و با یکی از وزراء کشور سودان مباحثه در خلافت نموده و او را ملزم ساخته و نیز در سال ۱۳۴۷ شمسی با یکی از دانشمندان مصری گفتگو و او را مجاب ساخته‌اند.

آقای عزیزی دارای آثار خیر چندی می‌باشند که از آنهاست.

۱- کتابخانه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف در (بهنمیر).

۲- بناء پل آهنی جهت رابطه چند قریه و مسجد و تکایا و غیره.

دارای اجازات عدیـده‌ای در امور حسبیه و روایتی از آیات عظام قمماننـد آیت‌اللّه العظمی مرعشـی و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا هاشـم آملی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی عراقی و آیت‌اللّه العظمی میلانی مشهد مقدس می‌باشند.

از آثار قلمی ایشانست کتاب کشف‌الحقایق رد بر بهائیت و بابیت و ازلیت که مخطوط می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درگاهی، میثم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میثم درگاهی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سـال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه واقع در خ شـهید رجایی(جامعه علمیه امیر المومنین) شـدم. دروس مقـدمات را در همان مدرسه با اساتید مجربی همچون محمد حسـین کبیریان، شیخ محمد رضا کرباسی به پایان رساندم.در سال ۱۳۸۰ به علت علاقه وافر و زیادی که به قرآن داشـتم مشـغول به حفظ قرآن کریم شدم و یک سال درس های حوزه را رها کرده و فقط مشغول حفظ قرآن و مفاهیم و مفردات قرآن شدم و به حول و قوه الهی در سال ۱۳۸۱ قرآن را به پایان رساندم. درسال ۱۳۸۲ به توفیق تلبس لباس مقدس روحانیت شدم و از آن سال تا به حال مشغول به تبلیغ در سازمانهای راه آهن، آتش نشانی، ایران خودرو و در مساجد شدم، در سال ۱۳۸۴ به قم آمدم و ادامه تحصیل را در قم مشغول هستم.

دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم تبریزی مشهور به (دروازه‌ای) ابن المرحوم آیت‌اللّه العلامه السید مهدی قدس سرهما از مشاهیر و بزرگان علماء تبریز بوده که در زهد و جلالت شان و مکارم اخلاق و کرم اعراق نادره دوران و از لحاظ علم و قدرت و حلاوت بیان و تربیت صدها تن افراد فاضل و دانشمند مشار الیه بالبیان و در حسن اخلاق و معاشرت و سلوک و رفتار فایق بر اقران.

معظم له در ۱۳۱۳ ق در یکی از بیوتات سیادت و علم و روحانیت متولد و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در جلسات درس مشاهیر علماء تبریز از جمله مرحوم والدش آیت‌اللّه حاج سید محمد مولانا شرکت نموده سپس مدتها در حوزه درس بزرگان فقهاء و دانشمندان اسلامی تبریز از جمله مرحوم علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی حاضر و به دریافت مدرک کتبی اجتهاد از معظم له نائل بعدا مجتهدا به نجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه‌های علمی و درسی بزرگان فقهاء از جمله مرحوم آیت‌اللّه علامه کمپانی اصفهانی و علامه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت نموده ولی به جهت فوت والدش و استدعا اهالی تبریز نتوانسته زیاد در نجف بماند لذا به وطن مراجعت و مشغول خدمات دینی و تدریس در قسمتهای مختلفه علمی مانند ادبیات و تفسیر و کلام و فقه و اصول بوده است.

مرحوم دروازه‌ای علاوه بر مهارت در رشته‌های فقه و اصول در ادبیات عربی نیز ید طولائی داشته و تدریس کتابهای معروف ادبی مانند مغنی و مطول و مقامات حریری را از حفظ می‌خواند و از اشعار و کلمات بزرگان این فن به قدری استادانه استشهاد می‌کرد و تمثل می‌جست که شنونده را به اعجاب و تحیر وامی‌داشت.

وی در حلاوت بیان و قدرت و شیوائی منطق اعجوبه دهر بود در جلسه تفسیر افاضل و اهل علم شرکت می‌کردند و هم افراد عامی و تحصیل نکرده و عجب است که مطالب متنوع تفسیر را طوری القا می‌نمود که همه استفاده می‌کردند و از خرمن علمش خوشه‌چینی می‌نمودند.

از آن مرحوم نوشته‌جات زیادی در رشته‌های مختلف علمی به یادگار مانده که متأسفانه تا حال اقدام به طبع و نشر آن نشده از جمله حواشی بر لمعتین مرحوم شهید و حاشیه مکاسب و حواشی بر مغنی و مطول والتفسیر الوجیز و اللطائف الادبیه و تحفهٔ الاخیار فی علائم آخر الاعصار و رساله فی الصلوهٔ (که کتابی است عربی علمی و استدلالی) و دیوان شعر عربی.

آن مرحوم در اواخر عمر به جهت کسالت مزاج و ابتلاء به مرض قلب و اعصاب به قصد معالجه به تهران مهاجرت نمود ولکن معالجه‌ها مؤثر واقع نگردید بالاخره نهم ماه رجب ۱۳۸۱ ق با یک سکته قلبی دعوت حق را لبیک گفته و جنازه‌اش را با تشییع و تجلیل کم‌نظیر حمل به قم و در مقبره اتفاق در قبرستان نو به خاک سپردند و مجالس عدیده در قم و تهران و تبریز از طرف مراجع و علماء برای بزرگداشت ایشان برقرار شده و شعراء اشعار نغز و جالبی در سوکش سرودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درودی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی درودی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوران تحصیلات دبستان ، متوسطه و دبیرستان (در نظام قدیم آموزش و پرورش) را در طول یازده سال در تهران گذراندم و در سال ۱۳۵۶ در رشته ریاضی از دبیرستان جاویدان فارغ التحصیل شدم ، سپس به جهت علاقه به رشته نقشه کشی در دوره شبانه دانشکده هنرهای زیبا به طور آزاد ، دوره مقدّماتی نقشه کشی را پشت سر گذاشته و به خاطر جو فرهنگی نامساعد دانشکده از گذراندن دوره پیشرفته آن منصرف گردیدم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیّه مقدّسه قم برای فراگیری علوم دینی آمدم و پس از فرا گرفتن برخی از دروس مقدّماتی مانند جامع المقدّمات و ... پس از چند ماه به حوزه ملا جعفر معروف به مجتهدی تهران بازگشتم و پس از اتمام برخی از دروس از قبیل کتاب سیوطی، مجددا با شکل گیری شورای مدیریت حوزه علمیّه قم در سال ۶۱ ـ ۶۰ به مدرسه رضویه قم برای ادامه تحصیل رفتم و بقیه دروس دوره ادبیّات عرب را که شامل کتاب منطق ، حاشیه و کتاب مختصر با استاد موسوی گرگانی و کتاب مغنی را با استاد طالقانی به پایان رساندم و کتاب معالم را با استاد سیّد احمد خاتمی در آن مدرسه خواندم سپس در حوزه عمومی قم، کتاب قوانین و بخشی از کتاب لمعه را با آیت الله راستی کاشانی و الباقی لمعه را با مرحوم استاد محامی و آیت الله اشتهاردی و نیز کتاب اصول فقه ۱ و ۲ را با استاد سید احمد خاتمی و کتاب رسائل را با استاد اعتمادی و کتاب های مکاسب محرمه و بیع و خیارات را با اساتید محترم صلواتی و مرحوم پایانی و کتاب کفایتین را با اساتید مرحوم ملا صالح مازندرانی و پایانی خواندم. سپس از سال ۷۰ ـ ۶۹ به درس خارج برخی از آیات مانند مرحوم مصطفی نوراللهی، مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و استاد گنجی رفتم. در همین سال دروس عمومی مؤسسه در راه حق را آغاز کردم و در سال دوم آن همزمان به عنوان محقق به مرکز تحقیقاتی اسلامی در سپاه راه یافتم. سپس در مدیریت کمک آموزشی آن هم به عنوان دبیر هیات تحریریه سرویس عقیدتی برخی از مجلات سپاه (امید انقلاب ، پیام انقلاب و آشنا) که حدودا "تا سال ۷۲ ـ ۷۱ همکاری کردم. و مقالات گوناگونی در زمینه های فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی نوشتم. در سال ۷۱ـ ۷۰ با آغاز رشته آموزشی گروه مدیریت در بنیاد تخصصی باقر العلوم زیر نظر آیت الله مصباح یزدی حفظه الله پس از آزمون کتبی و مصاحبه مشغول به تحصیل گردیده و در سال ۷۷ با نگارش پایان نامه علمی، دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف و مدیریت دولتی را به اتمام رساندم.

دری مهریزی یزدی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴/۱۳۳۱ –۱۲۸۱ ش)، عالم دینی و خطیب. از شاگردان آیت‌اللّٰه شاه‌آبادی و آیت‌اللّٰه میرزا احمد آشتیانی بود. دری در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّٰه شهر ری دفن شد. از آثارش «چهار شب جمعه»، در رد بهائیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۷۰ –۶۹)، الذریعه (۳۱۳/۵).

دریاب، باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر دریاب

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ابتدای تحصیل اینجانب در نجف اشرف بود مرحوم والد ما حاج شیخ حسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه که از شاگردان مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم آقای نائینی رحمه الله و در نجف از اوان مبارزات سکونت داشت. از۱۲ سالگی در سلک روحانیت در آمدم یعنی مشرف به پوشیدن لباس مقدس روحانیت شدم. مقدمات را نزد ابوی محترم و برخی دیگر از دروس را همانند حاشیه ملا عبد الله و سیوطی و مغنی را نزد اساتید دیگر خواندم. بخشی از مغنی و بخشی از مطول را نزد مرحوم مدرس افغانی رحمهٔ الله علیه خواندم. بخش مهم لمعتین را نزد مرحوم حجهٔ الاسلام روشنی که یکی از ممتحنین حوزه علمیه قم بودند و آن زمان در نجف بودند خواندم.

لمعه جلد دوم(رحلی) و مکاسب هم مکاسب المحرمه و هم کتاب البیع را نزد آیت الله شیخ مسلم داوری حفظه الله که فعلا یکی از علمای قم هستند و درس خارج می دهند خواندم اصول الفقه مرحوم مظفر را نزد سید جعفر علم الهدی که یکی از علمای قم هستند خواندم. رسائل را نزد آیت الله شیخ حسن قدیری اصفهانی که فعلا یکی از علمای قم هستند در نجف خواندم. کفایتین را نزد آیت الله انواری که یکی از شاگردان خوب حضرت آیت الله العظمی خوئی(ره) بودند خواندم. شرح تجرید را نزد آقای حسین پاکستانی که فعلاـ یکی از علمای قم و نجف هستند خواندم در سن ۱۸ سالگی سطح را تمام کردم. لازم به ذکر است در نجف اشرف و همچنین در قم پس از آن که طلبه به رتبه بالاتری ارتقاء می یابد، رتبه قبل را تدریس می کند که ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم و دروس قبلی را تدریس می کردیم. مثلا وقتی رسائل می خواندیم اصول فقه تدریس می کردیم یا دروس قبلی آن را و همچنین هر درس بالاتری را که می خواندیم درس قبلی را تدریس می کردیم در ضمن دروس اخلاق از قبیل تدریس کتاب شریف منیهٔ المرید، معراج السعاده و .... تدریس می شد در آنها هم شرکت می کردیم. در نجف درس اخلاق آیت الله مرحوم شیخ مجتبی لنکرانی(ره) شرکت می کردیم. و نیز درس اخلاق شهید محراب حضرت آیت الله مدنی قدس الله نفسه الزکیه شرکت می کردیم. ضمناً در دروس جنبی همچون درس تفسیر توسط حجهٔ الاسلام سید علی مؤمنی حفظه الله و حجهٔ الاسلام سید کاظم سراجی– بعضاً درآیه و تجوید نیز شرکت کردم در نزد مرحوم حاج محمد دریوان (طلای نجف اشرف)، تمرین منبر و خطابه و نویسندگی را نیز در نجف آموختم که اساتیدی مجرب همچون حجج اسلام نعمتی، برقعی، و دیگران ما را با این فنون آشنا ساختند. بحمد الله تا سن ۱۸ سالگی موفق شدیم در اکثر زمینه ها تحصیلات خود را به پایان برسانیم ،از سن ۱۸ سالگی به بحث خارج رسیدیم. ابتداء از محضر آیت الله سید میرزا حسن بجنوردی رحمه الله بهره مند شدیم و سپس در درس آیت الله العظمی سیستانی حضور بهم رسانیدم. حدوداً در سالهای ۵۲–۵۳ می شد.

سپس جوان ترین درس که در نجف شروع شد درس شهید آیت الله سید عبد الصاحب حکیم(ره) بود که توسط صدام به شهادت رسید. حدود یکسال در آن درس شرکت کردم. سپس به درس حضرت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رضوان الله تعالی علیه

حضور بهم رساندم و بهره‌های فروانی بردم. الحق و الانصاف که این انسان هم از نظر علمی و هم از نظر عملی خود را ساخته بود/ – چون بیان فوق العاده خوبی داشت و از ابتکارات جدیدی در درسش برخودار بود– در فقه و اصول ایشان هر دو شرکت می کردم. تواضع، محبت، بزرگواری، تقوی، کیاست و... از وجود این انسان می باريد و اواخر روزهای چهارشنبه را اختصاص داده بودند به درس موضوعی تفسیر که تفسیر موضوعی بود و می گفتند البته چند جلسه بیش نبود که از طرف هیئت حاکم وقت ممنوع شد. به هر حال درس عالی بود. این انسان عالی مقام آن قدر عاشق امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود. که شب ۲۳ بهمن ۵۷ که ما در نجف دردرس ایشان حاضربودیم تقریباً بیش از نیم ساعت سخنرانی کردند.

تنها درس ایشان تعطیل شد و بجای درس سخنرانی کردند و فرمودند امروز کفر بر اسلام پیروز گردید احدی ها در جنگ احد و بدری ها در جنگ بدر و .... امروز برکفر و شرك پیروز گردیدند. و خلاصه مقداری از انقلاب و امام گفتند. (لازم به ذکر است در نجف آن زمان در مسائل سیاسی جز امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقداری شهید صدر کسی جرات نداشت وارد مسائل سیاسی بشود، سال ۵۷–۵۸ پس از پیروزی انقلاب وارد قم شدم ادامه بحث خارج را در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی فقه و اصول رابه پایان رساندم بیش از پانزده سال درس ایشان حاضر شدم– منظومه سبزواری نزد آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی– خواندم ونیز تدریس دروس حوزوی از قبیل اصول فقه و رسائل و مکاسب وکفایتین و... داشتم.

دزفولی شوشتری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ –۱۲۶۰ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات مدتی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. او را برای خطابه تشویق کردند و وی در این سنگر تا پایان حیاتش باقی ماند. از آثار وی: «تحفه الابرار»، در مدایح و مراثی و خطب؛ «احسن المقال»، در قصص و حکایات؛ «مخزن الدرر»، شعر، که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دفینه الاحباب»، در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۶ –۲۲۵ /۲۰ ،۲۵۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۹/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱ –۶۹۰ /۲).

دزفولی، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌محمد واعظ دزفولی از فضلاء محترم این شهرستانست وی در دزفول متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و دیگران فراگرفته و در درس خارج آیات عظام

شرکت و پس از نیـل به مقام عالی علم و ادب به وطن مراجعت و تاکنون از راه منبر و تبلیغ احکام و اقامه جماعت به خـدمات دینی اشـتغال دارند و معظم له عالمی ناطق و فاضـلی زاهد و متقی و مورد علاقه و توجه مردم دزفول و غیره می‌باشـند در ماه رجب ۱۳۹۴ قمری توفیق زیارت و ملاقاتشان را در حرم مطهر حضرت رضا علیه الصلوهٔ والسلام پیدا نمودم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دزماری قراچه داغی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۶۶ ق)، عالم و خطیب. زمانی که وی کتاب «مصابیح القلوب» شـیخ حسن سبزواری را ملاحظه کرد با خود پنداشـت که بهتر آن است که این کتـاب بسـط یابـد و فوایـد بیشتری بـدان الحـاق شود، لـذا کتـابی بزرگ با مطالبی سودمنـد به نام «مصابیح القلوب»، به فارسی، در چندین فصل، پدید آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۰/۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۸/۱۳).

دستغیب شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم، خطیب.

تولد: ۱۲۹۰ (عاشواری ۱۳۲۲ ق.) شیراز.

شهادت: ۲۰ آذر ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمـان در نجـف اشـرف ماننـد آیـت‌الله سید ابـوالحسن اصـفهانی و آیـت‌الله شـیخ محمـدکاظم اصـفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصـفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.

آیت‌الله دسـتغیب مسـجد جـامع عتیق شـیراز را که مخروبه شـده بود با همکاری مردم تجدیـد بنا کرد و آنگاه اسـباب تجدیـد حیات حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را مهیا نمود.

سـابقه مبارزاتی آیت‌الله دسـتغیب به زمان حاکمیت رضاشاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد ۱۳۴۲، در انسـجام مردم و حوزه‌ی علمیه‌ی شـیراز نقش به سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی، آیت‌الله دسـتغیب به عنوان نماینـده‌ی اول اسـتان فـارس، به عضویت مجلس خبرگـان درآمـد و در تـدوین قانون اساسـی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضـرت امام خمینی (ره)، به عنوان

امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزه علمیه‌ی فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.

آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوه بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همه آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: قلب سلیم (متمم گناهان کبیره، ۱۳۵۱)؛ حقایقی از قرآن (در تفسیر سوره شریفه قمر، ۱۳۵۴)؛ معراج؛ ماه خدا؛ صدیقه کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش (۱۳۳۷)؛ گناهان گبیره (دو جلد، ۱۳۶۰)؛ تفسیر سوره شریفه نجم؛ سید الشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوة الخاشعین؛ گناهان کبیره (دو جلد ۱۳۶۰)؛ استعاذه؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج اسلامی و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.

آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر توطئه منافقین در شیراز به شهادت رسید.

حاج سید عبدالحسین بن آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی مجتهد بن آیت‌اللّه العظمی هدایۀاللّه دستغیب شیرازی از دانشمندان و آیات بنام معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۲۸ قمری متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سیدمیرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل نموده و با دریافت اجازات عدیده اجتهاد و غیره به شیراز مراجعت و در مسجد جامع (عتیق) به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار پرداخته و خدمات شایان ارزنده‌ای نموده است.

نگارنده گوید آیت‌اللّه دستغیب از علماء با معنویت و خدمتگذار عصر حاضر است زهد و تقوای معظم له زبانزد خاص و عام و مورد علاقه همگانند از آثار و خدمات اجتماعی ایشان ساختمان و تعمیر اساسی مسجد جامع شیراز که از بناهای عمرو لیث صفار و بیش از هزار سال از تاریخ بنیاد آن می‌گذرد و به واسطه مرور و دهور سال رو به ویرانی گذارده و مسکن مار و مور و حشرات گردیده که معظم له اقدام به تعمیر آن نموده و به طور اساسی آن را مرمت نموده که گویا تازه بنا شده است.

۱- کتاب قلب سلیم که کتاب قطور و بزرگی است در رشته اخلاق و بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد و در قم بطبع رسیده است.

۲- حقایقی از قرآن ۳- معراج ۴- ماه خدا ۵- صدیقه کبرا علیهاالسلام ۶- کتاب داستانهای شگفت ۷- هشتاد و دو پرسش ۸- گناهان کبیره (مطبوع) ۹- سوره نجم ۱۰- سیدالشهداء ۱۱- معاد ۱۲- صلوۀ الخاشعین مطبوع ۱۳- شرح و حاشیه بر کفایۀالاصول ۱۴- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط می‌باشد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه دستغیب از روحانیون فعال و همواره وجودشان موجب ترویج احکام بوده و علاوه بر تدریس فقه و اصول بحث تفسیرش سالهاست که ادامه داشته و گروه کثیری هر شب از فرمایشاتشان بهره‌مند می‌گردند.

(ح ۱۳۲۸ ق- شهادت ۱۳۶۰ ش)، عالم دینی و مجتهد. در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل برد و به دریافت اجازات اجتهاد نایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع عتیق را که از بناهای عمرو لیث صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب سلیم»؛ «حقایقی از قرآن»؛ «هشتاد و دو پرسش»؛ «گناهان کبیره»؛ «معاد».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۳/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۴ -۴۴۳/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹/ ۳).

دستغیب شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۲ ش)، مجتهد و واعظ شیعی. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. پدرش روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف مردم بندرعباس به مجلس راه یافت. و به مبارزه با استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میرمحمد دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد کتاب در جوار مزارش به جای مانده است. از آثار قلمی وی «التوسل الحسینی» است که نظیر «اللهوف» است.[۱]

حاج سید محمدباقر بن میرزا هدایت‌اللّه مجتهد دستغیب متوفی ۱۳۳۶ شمسی هجری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۱ -۵۲۹ /۲)، الذریعه (۴۸۸/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۷/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴/۲).

دستغیب، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدصادق بدرالدین دستغیب بن سید محمود ابن آیت‌اللّه سید محمدرضا بن العلامهٔ میرزا هدایهٔ‌اللّه از وعاظ و گویندگان معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز متولد و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از تحصیل دروس جدید به تحصیل علوم قدیمه در محضر مرحوم والدش و آیت‌اللّه میرزا جمال‌الدین محلاتی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد حاج علی به اقامه جماعت و هم از راه منبر و وعظ و خطابه خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دشتی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال اول راهنمایی را در خرداد ماه ۱۳۵۶ در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هرحال با آغاز سال تحصیلی ۵۶ – ۵۷ بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه ۱۳۵۶ در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود ، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر است. مهرماه ۱۳۵۷ در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال ۱۳۶۰ در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال ۱۳۶۱ با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال ۶۱ معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم واز آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۶۴ در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال ۱۳۸۰ پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال ۱۳۶۸ به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یک سال درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۸ به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. درطی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمائی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم .

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۲/۴۰۵ ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر. در نیشابور به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسیر و تاویل آیات بصیر و بینا بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه‌گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گویند خواجه عبداللّه انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مدسه‌ی خو در سمت قبله‌ی کهن دز دفن کردند. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنیه»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «مواعظ»، که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۴)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه، ۲۹)، ریحانه (۲۲۳ -۲۲۲ /۲)، طبقات الصوفیه هروی (۶۳۱ -۶۳۰)، کشف الظنون (۱۴۳۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۶)، معجم المؤلفین (۲۶۱/۳)، نفحات الانس (۲۹۹ -۲۹۷)، وفیات الاعیان (۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶ /۳)، هدیه الاحباب (۱۳۵)، هفت اقلیم (۲۲۵/۲).

دماوندی، عبدالرحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد یونس اصفهانی کربلائی، عالم فاضل مصنف، از علما و ائمه‌ی جماعت حائر حسینی، در حدود سال ۱۱۶۰ در کربلا وفات یافته.

کتب زیر از اوست:

۱ - شرح حدیث حقیقت ۲ - مفتاح اسرار حسینی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دوانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده ارجمند و خطیب دانشمند حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی دوانی از مشاهیر گویندگان و معاریف نویسندگان و اساتید اهل منبر و وعظ و خطابه و عالمی کامل و فاضلی عامل و ادیبی ادیب و شاعری حسیب و محققی فرزانه است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در «دوان» نزدیک کازرون که تا شیراز بیست فرسنگ فاصله دارد و زادگاه فیلسوف نامی جلال‌الدین دوانی می‌باشد به دنیا آمده و در سن ۸ سالگی از موطن خود به آبادان نزد ارحامش که در آنجا ساکن بودند رفته و ۷ سالی در آنجا اقامت و دروس مقدماتی را در این شهر آموخته و سپس مهاجرت به نجف نموده و در تحت رعایت و توجهات مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی حدود ۴ سال و نیم در نجف اشرف اقامت و به فرا گرفتن علوم دینی از ادبیات و سطوح وسطی در خدمت مدرسین بزرگواری چون آقا شیخ کاظم تبریزی و آقا شیخ علی کاشانی و حاج شیخ علی‌آقا فلسفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی و غیرهم پرداخت و ضمنا خود به تدریس دروس خوانده اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۷ شمسی به واسطه کسالت عارضه عازم ایران و پس از زیارت حضرت رضا علیه‌السلام در محرم آن سال در شهر (نهاوند) برای نخستین بار سرگرم وعظ و تبلیغ گردیده و در همان شهر با صبیه مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهاوندی از احفاد مرحوم استاد کل آقا محمدباقر وحید بهبهانی ازدواج و ناگزیر رحل اقامت در قم افکنده و بقیه سطوح را از دانشمندان حوزه چون آیت‌الله صدوقی یزدی و آیت‌الله لاکانی و آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی به پایان رسانیده و دروس معقولی شرح منظومه را هم خدمت آیت‌الله فکوری یزدی و آیت‌الله آقا رضای صدر و قسمتی از اسفار و تفسیر قرآن را از محضر علامه بزرگوار آقای طباطبائی فراگرفته و پس از دادن امتحان در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خمینی حاضر و بهره‌مند گردیده است.

در سال ۱۳۳۷ شمسی با همکاری جمعی از افاضل حوزه‌ی علمیه قم مجله درس‌هائی از مکتب اسلام را تاسیس و خود یکی از اعضاء موسس و هیئت مدیره و تحریریه اصلی آن مجله بوده و پس از تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان استاد تراجم علماء شیعه مدت ۶ سال اشتغال به تدریس داشته است.

جناب آقای دوانی در مدت ۲۲ سالی که در قم اقامت داشت در محرم و صفر و ماه مبارک رمضان مانند اکثر فضلاء سخنگوی حوزه علمیه در اغلب شهرهای ایران و بعضی جزایر مانند (خارک) و کویت ۷ سال متوالی مسافرت کرده و در همه جا مواجهه به استقبال گرم مردم شده و خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای چون تاسیس مساجد و مدارس و نشر معارف اسلامی شیعه نموده و سفری هم به کشورهای عربی کرده که مشاهدات و مطالعات خود را طی کتابی به نام سفری به ممالک عربی خاورمیانه نوشته که هنور به طبع نرسیده است.

آقای دوانی از نویسندگان مشهور امروز به شمار می‌رود و تاکنون ۲۴ کتاب پر ارزش تالیف و تصنیف و ترجمه و منتشر نموده که می‌نگاریم:

۱- شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی.

۲- شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی.

۳- مقدمه و اصلاح کتاب شاه راه هدایت.

۴- فروغ هدایت ترجمه کتاب مصباح‌الهدایه آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی

۵- ترجمه سیزدهم بحارالانوار به نام:(مهدی موعود)

۶- مقدمه و اصلاح و اضافات تاریخ قم مرحوم ناصرالشریعه.

۷- شرح زندگانی آیت‌الله بروجردی.

۸- داستانهای اسلامی جلد اول.

۹- داستانهای اسلامی جلد دوم.

۱۰- نهضت روحانیون ایران.

۱۱- اجتهاد در مقابل نص ترجمه النص و الاجتهاد مرحوم شرف‌الدین عاملی.

۱۲- صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام ترجمه مواقف صانحه فی تاریخ الاسلام.

۱۳- داستانهای ما جلد سوم داستان‌های اسلامی.

۱۴- هزاره شیخ طوسی ۲ جلد.

۱۵- شعاع وحی بر فراز کوه حرا.

۱۶- سیمای جوانان.

۱۷- علی علیه‌السلام چهره درخشان اسلام.

۱۸- تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا- فرانسه- سویس- ایتالیا- جزایر دریای مدیترانه.

۱۹- سیری در زندگانی شیخ طوسی.

۲۰- شیعه در اندونزی.

۲۱- در پیرامون همسران پیامبر.

۲۲- موعودی که جهان در انتظار اوست.

۲۳- جهانگردی و جهان گردان نامی.

۲۴- آثار تمدن اسلام در اسپانیا و پرتقال.

مضافا بر آثار مطبوعه مذکوره ایشان مدت بیست سال است که سرگرم نگارش تراجم علماء شیعه و بیوگرافی دانشمندان اسلام بوده‌اند و از سال اول انتشار مجله مکتب اسلام تا سال پنجم را از کلینی تا شهید ثانی نوشتند و اکنون پس از مطالعات عمیق و جمع آوری منابع و مدارک سنی و شیعی وزیدی و اسماعیلی و داخلی و خارجی در بیش از ده جلد به عنوان (مفاخر اسلام) آماده چاپ دارند و کتاب (شرح زندگانی وحید بهبهانی) ایشان مورد توجه خاص آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شد و از طرف آن مرحوم به دریافت بهترین جایزه و عالیترین تشویق و تقدیر قرار گرفتند.

و تا سال ۱۳۹۰ ق در قم اقامت داشتند ولی مدت ۳ سال است که در تهران مقیم هستند و به کار تالیف و تصنیف و تبلیغ مبانی اسلام اشتغال دارند و ایشان گذشته از ذوق و شوق نویسندگی دارای طبع روان می‌باشند و اشعار بسیاری در مدایح و مرائی اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و فقدان مراجع بزرگ و قصاید دیگر سروده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دولت آبادی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید عبدالکریم بن میر محمد هادی حسینی.

عالم فاضل متنفذ که [به نوشته‌ی همایی:] به مزید کفایت و کاردانی، و حسن محاضره، و قوت نطق و بیان، از امثال و اقران خود مزیت داشته، و چون شخصا متمکن بوده، و علاوه بر آن که به مردم محتاج نبوده، از فقرا و مسکینان نیز دستگیری می‌نموده است، بدین جهت نفوذ فوق‌العاده یافته، و محسود جماعتی از رؤسای محراب و منبر شده [!] و ظل السلطان نیز آتش اختلاف را دامن زده، تا جایی که در ۱۳۰۷ مجبور به مهاجرت طهران شده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده، و در شوال ۱۳۲۶ وفات یافته، در ابن‌بابویه در اطاق مخصوص مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را طرب گوید:

آه افزود و رقم زد از پی تاریخ فوتش

شد سوی اقلیم باقی هادی راه هدایت

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دهدشتی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمد کاظم دهدشتی از علماء معاصر آبادانست. که پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در جوار مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اقامت و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ فرا گرفته آنگاه بدرس خارج فقه آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌الله حاضر و مبانی فقه را از این دو اسطوانه علمی فرا گرفته و مبانی اصول را از محضر زعیم اعظم معاصر حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی فرا گرفته و به مباحثات اشتغال داشته تا سال ۱۳۸۱ قمری که عده‌ی از اهالی آبادان طوماری بمحضر مقدس آیه‌الله العظمی شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی قدس‌الله سره مرقوم داشته که مترجم معظم ما را برای ارشاد و هدایت بآبادان اعزام فرمایند. پس حسب‌الامر آقایان مذکور بآبادان آمده و مسجد بزرگی بنام بهبهانیهای مقیم آبادان تأسیس و باقامه جماعت و تنویر افکار و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است.

از آثار ایشانست کتابخانه‌ای بنام حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه در جنب مسجد مزبور که تاکنون حدود پنجهزار جلد کتاب دارد و هر روزه حدود پنجاه نفر برای مطالعه مراجعه مینمایند و وسائل آسایش از هر جهت آماده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دهقان چاچکامی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید دهقان چاچکامی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ (پس از طی مقطع ابتدایی) وارد حوزه علمیه شهرستان ساری شدم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون مدرس افغانی، مرحوم اسحاقی، مرحوم عبایی خراسانی تا پایه ششم را تلمّذ کردم. رسائل را در

خدمت آیهٔ الله اعتمادی و مکاسب را از محضر مرحوم آقای ستوده و کفایتین را در حضور آیهٔ الله صالحی مازندرانی کسب فیض کردم. خارج اصول را در محضر آیهٔ الله فاضل لنکرانی و ادامه آن را پس از تعطیلی درس اصول آیهٔ الله فاضل از محضر آیهٔ الله مکارم و صالحی و مازندرانی بهره گرفتم. در تفسیر قرآن از محضر آیهٔ الله مشکینی، آیهٔ الله جوادی آملی، آیهٔ الله معرفت (علوم قرآنی) و آیهٔ الله خزعلی(علوم قرآنی) بهره مند شدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دروس کلاسیک را به صورت آزاد ادامه دادم و در سال ۱۳۶۶پس از اخذ دیپلم در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم. لیسانس و فوق لیسانس را در دانشگاه تهران گرفتم و اکنون در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی در مقطع دکتری در حال تهیه رساله در دانشگاه تربیت مدرس هستم.از سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی حقوق و فقه جزایی و قواعد فقهیه در دانشگاه های مختلف تهران، بین المللی امام خمینی(ره) و آزاد قم تدریس داشته ام. و در دروس معارف هم به تدریس رشته های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و اخلاق اسلامی پرداخته ام.

از سال ۱۳۷۰ وارد عرصه نویسندگی شدم. ابتدا با مرکز تحقیقات شهید محلاتی همکاری داشتم که حاصل آن چاپ دو جلد کتاب درسی با عنوان دانش اجتماعی که در سپاه تدریس می‌شود. دو جلد کتاب هم با موضوع انقلاب اسلامی تدوین و تالیف نمودم که با استقبال گسترده روبرو شده و در دانشگاه تدریس می شود.

از سال ۱۳۷۶ با پژوهشکده حوزه و دانشگاه در زمینه حقوق کیفری همکاری داشتم که حاصل آن چاپ جلد اول کتاب بررسی تطبیق حقوق جزای عملی اسلام و حقوق معوقه است که به عنوان کتاب سال دانشگاهیان در سال ۸۱ و کتاب سال حوزویان در سال ۸۴ انتخاب شده است.پس از طرح گفتمان عدالت و عدالت خواهی در سال های آخر کتابی تحت عنوان تحلیل مفهوم عدالت و شاخه در عدالت اجتماعی تألیف نمودم که طی کمتر از شش ماه چاپ اول آن تمام شد و برای چاپ بعدی به دلیل مسائل مالی اقدامی صورت نگرفته است.در حال حاضر نیز چندین پروژه و طرح تحقیقاتی دردست تکمیل دارم از قبیل بررسی مبانی فقهی و حقوقی آزادی بیان و مطبوعات و قلمرو آن، عدالت جنسیتی در نظام کشوری اسلام، و در آمدی بر مدیریت فرهنگی رسول خدا(ص) و منشأ خانواده در اسلام و غرب.

دهقان، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر دهقان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اکبر دهقان در سال ۱۳۴۳ در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطق و قسمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی،

صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال ۶۷ تا ۸۱ در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسیر استاد گرانقدر آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم و حدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنار رزمندگان دلاور اسلام بودم. در سال ۶۹ ـ ۷۰ در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال دروس دانشگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.

از سال ۷۵ تا کنون ۸۴ همکار استاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هستم به مدت ۵ سال است که مسئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمد الله در پرتو مطالعات تفسیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شده است. از جمله تدریس تفسیر به مدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد.بیش از ۲۰۰ جلسه مباحث قرآنی و تفسیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود ۲۰ کتاب در مدت ۱۰ سال است که نوشته ام و ۱۶ تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ است

دهقان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین دهقان اشکذری

محل تولد : اشکذر یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید.لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم.در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح ۳ و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر

شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال ۱۳۷۳ موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح ۳ گردیدم.پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح ۴ انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم.از سال ۱۳۷۴ تا کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم.در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد : کاشان

شهرت : دهقانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیهٔ الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله حسن زاده و آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیهٔ الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیهٔ الله حسن زاده و بخشی را نزد آیهٔ الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایهٔ الحکمه – شرح اشارات جلد سوم– رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره– المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم – اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس ۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهایهٔ الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیه النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق.[۱]

سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند.

وی در یکشنبه هفتم شوال ۱۳۵۳ ه در سن ۸۱ سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش ۱۲۷۲ هجری بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۱۷/۲)، تذکره القبور (۹۴ -۹۳)، الذریعه (۸۵ ،۸۴ /۲۵ ،۳۵۶/۲۲)، ریحانه (۲۴۴/۲)، علماء معاصرین (۱۶۹ -۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ -۲۴۵ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۵/۸)، مکارم الاثار (۲۰۱۱ -۲۰۰۷ /۶).

دهکردی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه دهکرد، فرزند سید محمّد باقر حسینی. عالم فاضل جلیل، در اصفهان و نجف تحصیل علوم نموده، و در شهرکرد به ترویج دین و شریعت پرداخته، در سال ۱۳۱۰ وفات یافته.

برادرش آقا سید احمد نوربخش در مادّه تاریخ وفاتش گوید:

به تاریخ گویند با پنج تن

بخلد است آقا محمّد جواد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیاری بیگدلی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی دیاری بیدگلی

محل تولد : بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی دیاری بیدگلی فرزند غلامرضا در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در حومه کاشان (بیدگل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال ۱۳۵۴ قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال ۱۳۶۶ به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری ، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۱ تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم .از همان زمان به مدت ۶ سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیباجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید احمد دیباجی حسینی بن السید الجلیل ثقةالاسلام و مروج الاحکام دین المبین حاج سید نصراللّه الدیباجی اصفهانی سدهی (همایونشهری) که منسوب بحضرت سید محمد دیباج فرزند بلافصل حضرت صادق آل‌محمد علیهم‌السلام می‌باشد.

از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر است در رستم‌آباد شمیران تهران. وی در سال ۱۳۵۲ ق- ه متولد شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس جدید و مقدمات در عصر زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی طاب ثراه به قم آمده و سطوح را از اساتید برجسته حوزه فراگرفته و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف و بتحصیل پرداخته و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمود شاهرودی و زعیم بزرگوار آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مد ظله استفاده‌های شایانی نموده و علوم مختلفه را نزد اساتید عالیقدر تعلم نموده و در علم حدیث و درایه و فن رجال از خریت این فن مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه) بهره‌های کافی و وافی برده است اجازات چند از آیات عظام و مراجع تقلید روایتی و علمی و غیره دارد.

ایشان در ماه رجب (۱۳۸۵) از نجف اشرف بقصد مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و از آنجا به تهران تشریف آوردند و در رستم‌آباد شمیران توقف و بنا بدعوت عده‌ای از موجهین و محترمین در مسجد مهدیه رستم‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی شایانی اشتغال دارد و ضمناً از درس فقه حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته استفاده می‌نمایند.

بعضی از آثار علمی و تألیفات ایشان کتب زیر است:

۱- تقریرات فقه.

۲- تقریرات اصول فقه.

۳- زبده المعانی درباره علم بدیع و عروض.

۴- مختصر المنطق.

۵- تفسیر القرآن العظیم.

۶- کشکول در علوم مختلفه در دو جلد

۷- الاجازات الی طرق الاحادیث و الروایات.

۸- تبویب الذریعه در شش مجلد که جلد اول آن چاپ و منتشر شده.

معظم له داماد حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین زمردی ذاکر تهرانی داماد معظم علامه کبیر تهرانی قده صاحب الذریعه، و برادر ایشان ثقه المحدثین عماد الاعلام صاحب مقالاتی در نامه دانشوران، آقای حاج سید رضا دیباجی واعظ محترم در اهواز. و برادر دیگر ثقةالاسلام آقای سید ابوالقاسم دیباجی داماد آیت‌اللّه آقا حاج سید اسماعیل مرعشی از محصلین بارع و گویندگان ماهر حوزه علمیه قم و آثار چاپ شده ایشان کتاب در «آغوش هماهنگی» و پاورقی به کتاب «سیمای بلال حبشی» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دین‌پرور دربندی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جعفر بن العالم الجلیل آیت‌اللّه السید ابوتراب بن العلامه الورع سید مهدی دربندی تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار تهران بوده و در سال ۱۲۶۳ شمسی در نجف اشرف متولد گردیده و در تحت مراقبت و تربیت والد معظمش پرورش یافته و پس از انقلاب عراق علیه انگلیسها و اخراج آنان باتفاق والدش به ایران آمده و مورد استقبال و اقبال مردم تهران و شمیرانات قرار گرفته و بخدمات دینی و علمی پرداخته والد ماجدشان آیت‌اللّه دربندی علاوه بر داشتن حوزه درس، در مجالس معمولی و مهمانیها به نشر حقایق اسلام و اخبار ائمه اطهار اهتمامی بلیغ داشت و در مجالسش غیر از اخبار و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام سخن دیگری نمی‌فرمود.

مترجم ما پس از مراجعت از عراق تحصیلات خود را در نزد والد خود ادامه داده و علاوه بر استفاده‌های علمی تقوا و فضائل و ملکات نفسانی را از آن بزرگوار فراگرفته و با لباس کرباس وطنی و کمال زهد و قناعت و مناعت طبع بخدمات دینی پرداخته و نشر حقایق و معارف اسلام مینمود. نماز جماعتش در شمیرانات و دربند بسیار باشکوه و مخصوصا ماه رمضان پر جمعیت بود و مردم از اطراف برای درک فیض از نماز و محضرش بدربند می‌شتافتند تا هشتم ماه رجب سال ۱۳۴۳ شمسی وفات نموده و با تجلیل زیاد جنازه‌اش حمل بشهر ری و در ابن بابویه مقبره شخصی خانواده‌گیش مدفون گردید.

نگارنده گوید: آن مرحوم ارادت مخصوصی بمرحوم آیت‌اللّه العظمی و مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی داشت خودم ناظر بودم که با آن کهولت و کبر سن با پای برهنه از تهران تا بشهر ری در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت داشته و اظهار تأثر و تأسف از فقدان آن مرحوم می‌نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد شخصی فقیه و اصولی و دارای علوم غریبه و مردی با ورع و متقی و اغلب اشتغال بتحریر مطالب علمی و عملی داشت و منزوی از مردم و عابد و شب زنده‌دار و اوضاع و عوالم عجیب و غریبی داشت رضوان اللّه علیه. کتابی موسوم به (نظام العالم) دارد بسیار نفیس و عالی ولی بطبع نرسیده و تألیفاتی در علوم غریبه دارد و اشعاری شیوا گفته و در تاریخ ۱۳۴۷ در اثر مبارزه با بدع با برادر کوچکش مرحوم آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد به سمنان تبعید و مدتی در آنجا حبس نظری بودند بعد بارض اقدس رضوی برده و در تحت مراقبت بودند پس از طی مدت یکسال و نیم دوره‌ی نفی به تبریز مراجعت بعد از فوت برادر بزرگش آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا مرحوم در مسجد آن مرحوم اقامه نماز جماعت کرده مقتدای مردم بود در سال ۱۲۸۳ در تبریز متولد شب دوشنبه ۲۳ شهر ذی‌القعده ۱۳۵۹ بدار بقاء رحلت و در وادی‌السلام نجف اشرف در مقبره مخصوص خودشان مدفون است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌اللَّه میرزا صادق آقا مرجع تقلید اهالی آذربایجان بود و مردم فریفته تقوی و عمل و علمیت این مرد برجسته بودند طوری که با تحریر و تقریر پایان نیابد شاگر آخوند ایروانی و آیت‌اللَّه فاضل شربیانی و آیت‌اللَّه آقا شیخ هادی تهرانی بود در فقه و اصول متبحر و شخصی دارای دقت نظر و تحقیق و صاحب تألیفات زیاد در فقه و اصول بود منجمله (مقالات غرویه) مربوط به مباحث الفاظ در تبریز بطبع رسیده و کتاب (مشتقات) اینهم در تبریز بچاپ رسیده و (کتاب فوائد) در مطالب مختلف از فقه و اصول و تفسیر مطبوع تهران که دوره تبعید خود در قم نوشته شده و کتابهای مفصله استدلالی در طهارت و صلوه و غیره دارد که بطبع نرسیده این شخص قریب سی سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس بوده نزدیک پنجاه سال ریاست روحانیت آذربایجان را در دست داشت در اثر مبارزه با بدع سال ۱۳۴۷ به قم تبعید و در سال ۱۳۵۱ شانزدهم شهر ذی القعده الحرام شب جمعه برحمت ایزدی رفته و در رواق حضرت معصومه سلام‌اللَّه‌علیها در مقبره مخصوص مدفون است اشعار عالی عربی در مدائح و مراثی زیر دارد رضوان اللَّه علیه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا علاءالدین دینوری بن آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا احمد مجتهد از علماء محترم معاصر تهرانست. معظم له شمه‌ای از ترجمه و بیوگرافی بیت جلیل و خاندان اصیل خویش را بشرح زیر مرقوم داشته‌اند:

راقم علاءالدین دینوری پسر مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد دینوری از اولاد محمد دینوری که از اصحاب حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام بوده وی را بجهت تبلیغ مذهب حق به آذربایجان اعزام نموده‌اند در قریه (پیر کندی) از قراء حسن‌آباد از محال قراجه داغ وفات نموده و در همان قریه بخاک سپرده میشود او را مزاری است که اهالی بزیارتش میروند و نذوراتی به مرقدش میبرند. والد مرحوم پنج برادر بودند بزرگترین این پنج برادر مرحوم آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب کتاب (تبیین المحجه الی تعیین الحجه) در تبریز بطبع رسیده توان گفت یگانه تألیفی است در اثبات حجه در سال ۱۲۶۷ هجری این شخص در تبریز متولد و در سال ۱۲۸۸ برای تکمیل معارف دینی به نجف اشرف مشرف و بعد به تبریز مراجعت و به حج بیت‌اللَّه‌الحرام موفق و در سال ۱۳۴۴ مبتلا بدرد چشم بود در اثر شدت مرض چهارم محرم‌الحرام ۱۳۵۲ دار فانی را وداع و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و جنب قبر والد ماجدش در وادی السلام دفن میشود. این شخصیت بزرگ فقیه و اصولی و درستکار و عاقل و مسیس و مورد شور رجال و عقلاء بوده ریاست روحانیت شهر تبریز را داشت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا احمد مجتهد بن العالمه الحجه المیرزا محمد مجتهد قراچه داغی تبریزی برادر زاده مرحوم مبرور آیه الله حاج میرزا صادق آقای تبریزی از علماء مبرز معاصر تبریز و از بیوتات اصیله و علمیه آذربایجان می‌باشند که تا هفت پشت تمامی از مراجع اعلام و آیات عظام آذربایجان بوده‌اند. وی در تبریز متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مبادی علوم سطوح فقه و اصول را خدمت مرحوم والد و دیگران فراگرفته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله ضیاء الدین عراقی و آیه الله نائینی و آیه الله غروی اصفهانی و دیگران استفاده نموده سپس به وطن مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین پرداخته و تاکنون باین سمت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ذاکری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ذاکرخمی

محل تولد : بردسکن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :۱. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی ؛ معالم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم . سپس در

امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرك لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم . در سال ۱۳۶۸ با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد . ازسال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر استفاده از اساتید در فقه ، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصطفی نورانی ، صلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی ۵۵ – ۵۴ دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذراندیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی ۵۶ – ۵۵ وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الوندیه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمنا از

دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی ۵۷ – ۵۶ وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های

مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ – ۵۷ درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصرا قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی ۵۹ – ۵۸ پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ – ۵۹ پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ – ۶۱ بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در

بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی ۷۴ – ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذوعلم فشارکی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد باقر. عالم عامل، و فاضل بزرگوار، از شاگردان آخوند محمد حسین فشارکی و داماد ایشان، و امام مسجد یزدآباد. از موثقین علمای اصفهانی، و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود.

تألیفاتی دارد، از ان جمله است: نور الآفاق، در شرح دعای مکارم الاخلاق که بسیار خوب و محققانه نوشته شده، و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است، در دو مجلد.

مشارالیه در ۷ ماه صفر سال ۱۳۷۳ در مسافرت در رامسر وفات یافته، جنازه به قم منتقل گردیده، در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رازانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین رازانی بروجردی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال ۱۳۲۲ ق در بروجرد چشم بجهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بروجرد بانجام رسانیده و برای تکمیل و خاتمه‌ی تحصیل در ابتداء تاسیس حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به آن دیار مهاجرت نموده در سلک شاگردان آن مرحوم قرار گرفتند. پس از فوت آن مرحوم

به بروجرد مراجعت نموده اشتغال بتحصیل و مباحثات علمی داشتند.
این مرد علمی مجددا در زمان مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم معاودت کرده و در ضـمن اشـتغال بتدریس به پاره‌ای از اصلاحات و انتظامات حوزه علمیه حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی توفیق یافت.
چند سال قبل مشارالیه مسافرتی به آمریکا کرده و در ضـمن تحقیق و بررسـی اوضاع مسلمانان و انجام پاره‌ای مراسم دینی و مذهبی حضـرات مراجع قم مخصوصـا حضـرت آیت‌اللّه العظمی آقـای گلپایگـانی را بگرفتـاری مسـلمانان آن منطقه و احتیـاج مبرم آنهـا به رهبران مذهبی متذکر نمود که خوشبختانه از طرف معظم له در این قسمت اقداماتی شده و میشود.
حجهٔالاسـلام رازانی پس از مراجعت از آمریکا در طهران ساکن و به اشـتغالات علمی و تـدریس سـطوح عالیه در پاره‌ای از مدارس می‌پردازند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رازی، ابوزکریا یحیی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۸ ق)، واعظ و زاهد. اهل ری بود. در بلخ اقامت داشت و در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «کتاب المریدین» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۸/۹)، الفهرست لابن الندیم (۲۶۰)، معجم المؤلفین (۲۳۲/۱۳)، هدیه العارفین (۵۱۶/۲).

رازی، ضیاءالدین، ابوالقاسم عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۹ ق)، عالم، متکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری. ساکن و خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف ۶۰۶ ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. نثر نوشته‌هایش آنقدر زیباست که حریری در «مقامات» خود از آنها بسیار نقل می‌کند. از آثارش: «غایه المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (۳۳۷ -۳۳۶ /۲)، ریحانه (۱۴۹ -۱۴۸ /۲)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۴/۱).

رازی، محمد شریف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسـلام و المسـلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شـهر ری به دنیا آمد.

در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّٰه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّٰه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجَّه یا دایرهٔالمعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌ‌له سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

رازینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای میرزا حسن بن حاج رجبعلی رازینی همدانی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه قم می‌باشد در تاریخ ۱۳۱۶ قمری در قریه رازین همدان متولد شده و در خانواده اصیل و پدر سخاوتمندی تربیت یافته و مقدمات را در آن حدود خوانده و با شوقی فراوان برای ادامه تحصیل به همدان آمده و با فشار و سختی فراوان در همدان توقف نموده و مقدمات و ادبیات را خوانده و به اتفاق برادر خود آقاشیخ علی مهدوی به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید حوزه و بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و در شدت و عسرت طاقت‌فرسائی در آن زمان به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۱ ق با مرحوم آیت‌الله حایری به عنوان تبلیغ و تدریس به همدان مراجعت نموده و در اطراف همدان به اقامه جماعت و ارشاد عوام اشتغال یافته تا در سال ۱۳۹۰ هجری که مهاجرت به قم نموده و رحل اقامت افکنده است دارای پنج فرزند ذکور به نامهای ذیل است که همه اهل فضل و کمال و در حوزه به تدریس و درس و بحث اشتغال دارند.

۱- میرزا محمد ۲- میرزا ابوالقاسم ۳- میرزا محمود ۴- میرزا اسماعیل ۵- میرزا علی رضای رازینی ادام‌الله توفیقاتهم و برکاتهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

راستگو علی آبادی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر راستگو علی آبادی

محل تولد : جیرفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به علت علاقه به دروس حوزوی وارد حوزه علمیه یزد شدم بعد از دو سال تحصیل آمدنم به قم المقدسه فراهم شده و تحصیلات خویش را در حوزه مقدسه قم ادامه دادم.همراه با دروس حوزوی در سال ۶۸ در رشته اقتصاد بازرگانی دانشگاه مازندران (بابلسر) قبول شدم، دو ترم خواندم که متأسفانه با بحران اقتصادی مواجه شده و ترک تحصیل کردم.تا اینکه بار دیگر در سال ۷۳ در رشته علوم سیاسی شرکت کرده و در دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم قبول شدم. سال ۷۶ لیسانس گرفتم، (که متأسفانه به علت مشکلات اقتصادی توفیق ادامه تحصیلات دانشگاه را تاکنون پیدا نکردم) و در دفتر تحقیقاتی یاسین مشغول به کار شدم تا اینکه در سال ۱۳۷۸ برای تدریس در مدرسه عالی امام خمینی(ره) دعوت شدم و از همان سال تاکنون مشغول به تدریس شدم.همچنین همراه با مدرسه امام(ره) در مراکز حوزوی (تخصصی قضاء و تربیت راهنما و همچنین هوا ـ فضا تهران) مشغول به تدریس هستم.در ضمن در دروس: زبان انگلیسی، اندیشه‌های سیاسی امام(ره) انقلاب اسلامی، دانش سیاسی و اخلاق توفیق تدریس دارم. ناگفته نماند اولین سال ورودم به مدرسه الهادی رفتم و در این مدرسه واقع در خاکفرج به دروس حوزوی خویش ادامه دادم.

راستگو، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن راستگو

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد ، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تتمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان ونوجوانان به صورت کلاس ، اردو ، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی ، مراکز تربیت معلم ،حوزه های علمیه و صدا وسیمای جمهوری اسلامی است (برنامه های بازی با کلمات ، راز دایره ها و عیره) تحقیقات او در زمینه های عقاید ، تعلیم و تربیت ، روانشناسی ،

اخلاق ، احکام ، تاریخ ، قصص قرآن، قصص کودکان ونوجوانان ، مشاوره و راهنمایی ، تفسیر قرآن ، مسائل اجتماعی ، ادبیات عرب ، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است.

در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می توان دید، ۲ جلد کوچک آی بچه ها آی بچه ها ، گرد آوری کتاب شعر و سرود (سردودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را میتوان از ایشان یافت از آن جمله می توان : الیاس پیغمبر خدا ، مهاجرت به حبشه ، با شهامت می پرم و . . .را نام برد. از دیگر فعالیت های ایشان • :همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره • مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت های ذیل قابل توجه است • :تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاسداری ، امور اردو داری ، قصه گویی ، روش های برخورد با کودکان ونوجوانان ، مسابقات ، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت ، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ۱۰ دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد ، که بیش از ۴۰۰۰ نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک ، نویسنده کودک ، برنامه ریز کودک ، طراح برنامه های تلوزیونی ، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است .

•کتابهای ره توسه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف وجزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیرآنها ثمره این مدیریت بوده است.

•ارتباط با ۱۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت های اسلامی دراینترنت • سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی ، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات ، سوریه ، لبنان ، ترکیه ، پاکستان ، قطر ، امارت متحده عربی ، مراکش ، اسپانیا ، عراق و ....

•همکاری بااکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره • ... تدریس موارد زیر در دانشگاههای آزاد اسلامی قم ، دانشکده اصول دینی ، دانشکده ارشاد در قم:

•قصه گویی و نمایش خلاق • مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان ونوجوانان • بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا

•نقش ریتم و سرود در تربیت

•نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی • بررسی سیستم ها • سخنرانیها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره • جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی ، آموزشی ، اجتماعی و غیره را می توان نام برد

راستی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین راستی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال ۱۳۰۶ در شهرستان کاشان در محلّه سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیهٔ الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، امّا متدیّن و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیّت به حدّی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معمّمی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایهٔ ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.

پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرّب فرا گرفت؛ امّا به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره ببرد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم واطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ امّا با شرفیابی حضرت امام(ره) به شهر امیرمؤمنان علی (ع) ، آیهٔ الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی(ره) شرکت کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.

وی در کاشان، دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را نزد استادانی همچون آیهٔ الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیهٔ الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیهٔ الله غروی کاشانی، آیهٔ الله شیخ علی اکبر صمدی و آیهٔ الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیهٔ‌الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیهٔ الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیهٔ‌الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیهٔ الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت.در دورهٔ تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیهٔ الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیهٔ الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری رفت.

از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیهٔ الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیهٔ الله شیخ محمد علی سرابی و آیهٔ‌الله العظمی آقای خویی آموخت در این مدت ایشان از جلسات خصوصی اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، آیهٔ الله راستی به درس ایشان شتافت و از محضر وی بهره‌های بسیار برد. آیهٔ الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای استفتای آیهٔ الله خویی شرکت داشت. آیهٔ الله راستی کاشانی در دوران تحصیل در قم با آیهٔ‌الله مرحوم حاج شیخ علی حیدری، آیهٔ‌الله حاج سید جلال فقیه ایمانی، آیهٔ الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسی آنان شرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیهٔ الله حاج سید نصر الله

مستنبط، آیةالله حاج سید حسن قزوینی، آیة الله حاج سید مرتضی نجومی و آیة الله حاج سید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوستان نزدیک وی، آیة الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیة الله شیخ محمد فکوریزدی و مرحوم آیةالله حاج سید مرتضی خلخالی است. آیة الله راستی کاشانی با مرحوم آیة الله حاج سید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.

آیة الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همهٔ آنها در این مختصر نمی گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضلایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خدمت به جامعهٔ تشیع می‌پردازند. برخی نیز در پستهای مهم و حساس نظام اسلامی، خدمت می‌نمایند. آیة الله راستی، در زمان حیات امام(ره) به نمایندگی ایشان برای ساماندهی امور حوزه و ایجاد تشکیلات شورای مدیریت حوزهٔ علمیه قم منصوب شد و مُجاز به تصرف در امور شرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تا هم اکنون نیز بر جای مانده است. آیة الله راستی به پژوهش در زمینه‌های گوناگون دینی، پرداخته که برخی از آنان در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشته و حواشی و دستنوشته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیة الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازنداشت.

وی از نخستین روزهای نهضت، به جمع مبارزان پیوست و همواره با اطاعت از رهنمودهای امام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیتهای سیاسی وی که پیش‌تر، ذکر آن آمد، تعطیل کردن درس خود در نجف و حضور در درس امام(ره) به منظور مطرح نمودن و تقویت نهضت امام خمینی(ره) بود. دیگر اینکه وی در سال ۱۳۴۳، مسألە تقلید از امام خمینی(ره) را به طور جدی مطرح کرد. آیة الله راستی، با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شد و امضای او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیتهای وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امام خمینی (ره)، برای حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسجد دانشگاه تهران متحصن شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، فعالیتهای سیاسی معظم له پایان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راشد، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، واعظ.

تولد: ۱۲۸۴، تربت حیدریه.

درگذشت: ۱۳۵۹، تهران.

حسینعلی راشد تحصیلات مکتبی و طلبگی را در تربت حیدریه و مشهد انجام داد و بعد به نجف رفت. در بازگشت به امور دینی و منبری پرداخت. مدتی از ایام را در اصفهان به این امور پرداخت. از زمانی که رادیو تأسیس شد، برنامه وعظ آنجا را در عهده

گرفت. او حدود چهل وعظ هفتگی از رادیو کرد.

وی سال‌های دراز در دانشگاه تهران (دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، و نیز در مدرسه سپهسالار تدریس کرد. از نوشته‌های او دو فیلسوف شرق و غرب: ملا صدرا و اینشتین چند بار چاپ شده است (چاپ اول ۱۳۱۸). مجموعه سخنرانی‌های او در رادیو، در شش جلد به چاپ رسیده است.

از وعاظ و خطباء و منبری‌های معروف و مشهور ایران، در ۱۲۷۶ در کاریزک تربت حیدریه متولد شد. پدرش شیخ عباس تربتی در کسوت روحانیت و به شغل وعظ و خطابه اشتغال داشت. راشد از ۷ سالگی تا ۱۶ سالگی در تربت حیدریه مقدمات زبان و ادب فارسی و عرب، صرف و نحو، منطق و معانی بیان را فراگرفت، سپس وارد حوزه‌ی علمیه مشهد شد و نزد حاج‌آقا حسین قمی و آقازاده خراسانی و آقابزرگ که هر سه از علمای طراز اول بودند، علم اصول و فلسفه قدیم را به تفصیل تحصیل نمود. در ۲۸ سالگی عازم نجف اشرف شد ولی مدت توقف او طولانی نشد و به ایران بازگشت. چندی در شیراز و زمانی در اصفهان به کار وعظ و خطابه مشغول بود. پس از واقعه‌ی مسجد گوهرشاد، او را در اصفهان بازداشت کردند و چندی در زندان به سر برد. بعد به تهران آمد و در شرکت مطبوعات استخدام شد که کار او غلطگیری کتابها بود. در آن شرکت بود که یادداشتهای خود را تنظیم نمود و تحت عنوان دو فیلسوف شرق و غرب انتشار داد. در همان زمان در روزنامه‌های ایران و اطلاعات و مجلات مهر و ایران امروز مقاله می‌نوشت. در سال ۱۳۲۰ او را برای ایراد یک سلسله سخنرانی‌های مذهبی به رادیو تهران دعوت کردند و قریب سی‌سال همه هفته یک سخنرانی از او پخش می‌شد که مجموعه سخنرانی‌های او در مجلات چاپ و نشر یافته است. همزمان با سایر کارها برای تدریس به مدرسه عالی سپهسالار دعوت شد و چندی بعد استاد دانشکده معقول و منقول که بعد الهیات و معارف اسلامی نام گرفت، گردید و در دوره‌ی لیسانس و دکترای فلسفه‌ی قدیم تدریس می‌کرد.

در انتخابات دوره‌ی هفدهم از طرف بازاریان تهران کاندیدای انتخابات شد و بدون اینکه خود در این زمینه فعالیت کرده باشد، به آراء طبیعی مردم به مجلس شورای ملی رفت ولی چون محیط مجلس را مناسب ندید، چند جلسه‌ای بیش در مجلس نماند و خود را کنار کشید.

راشد مردی به تمام معنی دانشمند و روشنفکر و راستگو و ساده‌دل بود. آنچه بدان معتقد بود بر زبان جاری می‌ساخت، منبر را هرگز وسیله‌ی کسب قدرت مادی و معنوی نکرد. در فلسفه‌ی قدیم ید طولانی داشت. در ۱۳۶۰ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

راشدی نیا، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی

از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال ۱۳۷۵در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایهٔ الحمهٔ، المظاهر الالهیهٔ ، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام . حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهدایهٔ الاثیریهٔ ، رسائل اجوبهٔ المسائل ، المظاهر الالهیهٔ ، رسالهٔ اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرهٔ المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راشدی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی راشدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

با اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۸ دروس حوزوی را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار از توابع استان اصفهان شروع نموده و پس از گذراندن دوره سطح دو سال درس خارج در همان مدرسه در محضر حضرت آیت الله مرحوم تقدیری شرکت کردم و سپس در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و مدت ده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی بهره جستم. در این میان در دروس تفسیر و فلسفه در حد نیاز شرکت نمودم.

در زمینه تدریس نیز مدت پنج سال دروس مقدماتی را چند بار در مدرسه علمیه خوانسار و معالم الدین و شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری را در حوزه علمیه قم تدیس نمودم. در کنار اشتغال به تحصیل و تدریس در موسسه مجمع الفکر الاسلامی با جمعی از دوستان به کارهای تحقیقاتی پرداختم که آثار شیخ اعظم انصاری در ۲۸ مجلد و شرح لمعه در ۴ مجلد و مطارح الانظار در دو مجلد منتشر شده است. و برخی از آنها به نام کتاب سال برگزیده شده است.در کنار کار تحقیقاتی در کنگره شیخ انصاری و کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد حضرت امام خمینی (ره) در تصحیح مقالات از نظر کیفی و ادبی و برگزاری کمیسیون های بررسی مقالات همکاری داشتم و مدتی نیز به عنوان عضو هیئت علمی با کنگره شهید آیت الله صدر فعالیت نمودم.از سال ۱۳۷۶ وارد موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل البیت علیهم السلام که به فرمان حضرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) تاسیس گردیده است شدم و در بخش معاونت تحقیقات دائره المعارف همکاری نمودم و اکنون نیز عضو شورای سرگروه های

علمی آن موسسه می باشم که سرپرستی تدوین جلدهای ۱۵ و ۱۸ دائره المعارف به عهده اینجانب می باشد

ربابه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

حدود ۱۲۹۷ ق، از زنان فاضل، سخنور، محدث و متکلم. وی دختر ملا محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و آمنه خانم قزوینی و خواهر فاطمه ملقب به قرةالعین بود. او از خاندان علم و دانش بود که بسیاری از مردان و زنان آن از علما و فضلای مبرز زمان خود به شمار می‌رفتند.

وی مقدمات زبان عربی و ادبیات را نزد مردان خانواده و خواهرش قرةالعین فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش و عمویش ملا محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق)، معروف به شهید ثالث، آموخت. یک دوره حکمت و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی گذراند و در عرفان نزد عمویش ملا علی برغانی و برادرش میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با میرزا هبةاللّه رفیعی قزوینی ازدواج نمود.

او در جایگاه درس و وعظ و ارشاد قرار گرفت و به استنباط احکام شرعی می‌پرداخت و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به نظر و احکامش عمل می‌کرد، تا جائی که امید و پناهگاه مستمندان و درماندگان بود. در سخنرانیها و مجالسش فراوان از ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) و درباریان و نزدیکانش انتقاد و بدگویی می‌کرد و هیچگاه ناصرالدین شاه متعرض او نگردید.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۱۰۵ -۱۰۴ / ۴.

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد : اصفهان

شهرت : ربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به

تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیهٔ الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.

از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که ۱۶ مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.

عالم.

تولد: ۱۳۰۳، دارالفضیله شیراز.

درگذشت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان- محلات.

آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در

حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمهٔ الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاهٔ و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در ۹۴ صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصببین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربانی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر ربانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را نزد مدرس افغانی فرا گرفتم و طی دو سال به پایان رساندم. آن گاه مختصر المعانی و معالم الاصول و اصول الفقه و لمعتین را نزد استاتیدی همچون استاد وجدانی فخر و استاد سبحانی و بعضی اساتید خصوصی می آموختم و در درس اخلاق بعضی آیات عظام شرکت می کردم. از ابتدا علاقه زیادی به تدریس و نوشتن داشتم و در پی فرصتی برای پی ریزی این دو برنامه بودم و جسته و گریخته فعّالیتهای اندکی در این دو زمینه داشتم. کلاسداری یکی دیگر از برنامه های من بود کلاسهای قرآن و عقاید و تاریخ در شهرستان تربت حیدریه و سایر شهرستانهای دیگر از جنبه های زندگیم را سفرهای تبلیغی تشکیل می داد سفرهای مختلف به شهرها و روستاهای کشور اسلامی و عزیزم که با فرهنگ های گوناگون آشنا می شدم . ولی سطح عالی مانند مکاسب و رسائل و کفایه را نزد اساتیدی همچون استاد اعتمادی، دوزدوزانی، ستوده، پایانی، صالحی مازندرانی آموختم.

در سال ۱۳۷۱ رسماً مشغول تدریس دروس دینی در یکی از مدارس حوزه علمیه قم گردیدم و در سال ۱۳۷۵ در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی شروع به تدریس نمودم. و اینک نیز به لطف خدای مهربان اشتغال به تدریس دارم و برکاتی از این طریق نصیبم گردیده. نوشتاری را تقریباً از سال ۱۳۷۴ شروع کردم.مشوق اصلی من در این رشته جناب حجهٔ الاسلام مهدی مهدوی

پور بودند که سرپرستی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) را در سازمان تبلیغات اسلامی بر عهده داشتند به تشویق ایشان اوّلین کتاب خود را نوشتم(کتاب معلی بن خنیس معلم استقامت)

بی انصافی است اگر از تشویقات همسرم در این زمینه نامی نبرده باشم به هر حال، روز به روز علاقه مندی به نوشتن و تحقیق در من بیشتر می شد و پس از مدّتی دومین کتابم را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسانید(کتاب خلیل بن احد) و در این بین مقالاتم به لطف خدای مهربان یکی پس از دیگری چاپ می شد ولی اینک نزدیک به بیست مقاله در موضوعات مختلف نوشتم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح ۳ را با موضوع عدالت خداوند به رشته تحریر در آوردم و با عنایت الهی رساله ای جالب و تحقیقی به مرحله دفاع رسید و آقایان داور با اعطای نمره ۱۹ اینجانب را بسیار تشویق نمودند و با توفیقی الاباالله. اینک به لطف ایزد پاک خود را برای نوشتن پایان نامه سطح چهار(دکترا) آماده می کنم و امیدوارم هم یاریم نماید.

باورم بر این است که طلاب علوم دینی علاوه بر تقوا ورزی طلبگی و سایر شؤن دینی و سیاسی و اجتماعی ناگزیر از چهار نکته می باشد: تدریس، تحقیق، تبلیغ، تحصیل. باور دیگر من در زندگی علمی طلاب آنست که از پایه ۶ باید رشته تخصصی انتخاب نمایند و علاوه بر رشته عمومی دوره تخصصی را نیز بگذرانند تا پس از مدّتی در جهتی خاص، صاحب نظر گردند.

از دیگر مراحل علمی زندگیم، شرکت در دروس خارج است که به مدّت ۱۳ سال دروس حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت نمودم و بهره ها گرفتم. دیگر از باورهای علمی من این است که طلاب ناگزیر از تسلط یکی از زبانهای خارجی و زبان اینترنت و کامپیوتر هستند تا با اطلاع رسانی سریع تر برای همه مخاطبان خود مفید و نافع باشند در پایان امیدوارم خداوند عمر ما را سرتاسر نور و در جهت نشر معارف اهل بیت (ع) بندگی خودش بنماید.

رجایی رامشه، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم رجایی رامشه

محل تولد : سمیرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کاظم رجائی رامشه در شهریور ماه ۱۳۳۹ در شهر حناء «استان اصفهان » به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران راهنمایی به حوزه علمیه شهرضا و در سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم عزیمت و وارد حوزه علمیه قم شدم .موقعیت زمانی و شور انقلاب در بین طلاب آن زمان تقریباً تمامی طلاب را به صحنه های پر شور انقلاب و پس از آن به جاذبه های دفاع مقدس می کشاند و طبیعی بود که بنده در این مجموعه قرار داشتم .

حدود سالهای ۶۳ وارد مؤسسه درراه حق شدم از گذراندن دروس معارف اسلامی به رشته اقتصاد گرایش پیدا کردم. سال ۶۷ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد نظری را شروع و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه

کارشناسی ارشد خود با عنوان:« قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی » با راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین نمازی و مشاوره استاد گرانقدر دکتر سید کاظم صدر دفاع کردم و همان سال وارد مقطع دکتری شدم و سر انجام در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود با عنوان « ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن » به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر پرویز داودی و مشاوره اساتید محترم حجهٔ الاسلام حسن آقا نظری و دکتر عباس شاکری دفاع کردم . در ایام تحصیل افزون بر تدریس دروی اقتصاد، تا حدودی به مطالعه و تحقیق پرداختم که حاصل آن انتشار چندین مقاله ، طرح و دو مجلد کتاب با عنوان های « معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن » و « ماهیت بهره و کارایی آن » می باشد.

رجبی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود رجبی

محل تولد : جاسب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاك طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیهٔالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستهٔ آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجستهٔ حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیهٔالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیهٔالله امینیان و حجهٔالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیهٔالله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیهٔالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیهٔالله طاهری خرم

آبادی و آیهٔالله مؤمن و در درس مکاسب آیهٔالله ستوده، آیهٔالله مصلحی اراکی و آیهٔالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایهٔالاصول نیز به درس آیهٔالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیهٔالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج آیهٔالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیهٔالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیهٔالله العظمی وحید خراسانی، آیهٔالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیهٔالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیهٔالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیهٔالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

رحمانی فرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحمانی فرد

محل تولد : سبزوار

شهرت : رحمانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدیده نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیك را تا سیکل خواندم و در اوایل سال ۱۳۵۳ به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه ۶و ۷) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواك رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۵۴ دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول میباشم.

رحمانی همدانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند مالك رحمانی همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست که در تاریخ ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۵ قمری در جوقیات همدان که دو فرسخ شهر فاصله دارد، متولد شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس فارسی مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی عالمی دامغانی خوانده و سطوح وسطی نهائی را در خدمت مرحوم حاج شیخ اسداله حجت همدانی و مرحوم حاج سیدمصطفی هاشمی و حاج شیخ علی انصاری به پایان رسانیده و کفایه‌الاصول را متنا و خارجا و نیز معارج عروه‌الوثقی علامه یزدی و تفسیر را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملاعلی همدانی بهره‌مند گردیده و استفاده کامل نموده است.

و از معنویات و اخلاقیات آن عالم ربانی حظ وافر برده و در سال ۱۳۴۴ شمسی برابر ۱۳۸۵ قمری به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از راه و طریق منبر رفتن به تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته و تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۱ قمری مفتخر به این خدمت می‌باشد و جدا منبری ولایتی و آموزنده و سازنده دارد. دارای تألیفات مفید و ارزنده است که از آنها کتب زیر است:

۱- الامام علی بن ابی‌طاب علیه‌السلام که به طبع رسیده و مطبوع همگان بالاخص اهل فضل می‌باشد.

۲- فاطمه الزهراء علیهاسلام که جامع و مفیدترین کتاب در فضائل و زندگانی آن حضرت است. و با بهترین کاغذ و جلد منتشر شد.

۳- مقاله تکامل در سایه اهل‌بیت که در گفتار وعاظ به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رحیمی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد : فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدالله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم، پایه ۱۰ را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمه است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات ـ فقه و مبانی اسلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحیمیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین رحیمیان در سال ۱۳۵۹ مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد ، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم . خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خدمت ایشان بود ه ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام.بجز تقریرات فقه و

اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری دردانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.

ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است.همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کارخود ادامه میدهد.

رسولی محلاتی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن السید عباس محلاتی از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند.

وی در محلات که در ۱۸ فرسخی قم است متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی سطوح را فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده و آنگاه بنا بر دعوت مردم امامزاده قاسم شمیران و امریه حضرت آیت‌اللَّه بروجردی عزیمت به آنجا و بوظایف دینی پرداخته تا در ۲۵ جمادی‌الثانی سال ۱۳۸۶ قمری که در سن ۵۹ سالگی بدرود حیات گفته و فرزند صالح و دانشمندی چون مترجم معظم را بجای گذارده که تا هم اکنون در مسجد آن محل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و وظائف دیگر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی محلاتی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هاشم بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین رسولی محلاتی از افاضل دانشمندان و نویسنده‌گان معاصر شمیران و مقیم امامزاده قاسم شمیران میباشند.

وی در ۲۸ ماه رمضان سال ۱۳۴۸ قمری در محلات متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات سطوح عالی را از مدرسین قم چون آیت‌اللَّه صدوقی و حاج شیخ اسداللَّه اصفهانی و حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت‌اللَّه سلطانی و دیگران فراگرفته و از دروس و محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی موسوی و غیر هم استفاده نموده و چندی هم در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و خوئی و شاهرودی بهره‌مند تا بمدارج عالیه علم ارتقاء یافته است.

آثار ارزنده از تألیفات و ترجمه کتب مفیده علمی و حدیثی دارد که از آنها کتب زیر است:

۱- تصحیح اثبات الهداه شیخ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) در هفت جلد بطبع رسیده است.

۲- ترجمه مقاتل الطالبین که بسعی مکتبه صدوق بطبع رسیده است.

۳- ترجمه مفاتیح الجنان محدث قمی که بسعی مطبوعات فراهانی طبع شده.

۴- ترجمه قسمت آخر اصول کافی طبع اسلامیه.

۵- ترجمه روضه کافی در ۲ جلد طبع اسلامیه.

۶- تحقیق و بررسی مولفات شیخ طوسی و شروح و تعلیقات آنها.

۷- ترجمه ارشاد مفید در ۲ مجلد طبع اسلامیه.

۸- ترجمه سیره ابن هشام در ۲ جلد طبع اسلامیه.

۹- ترجمه الانصاف مرحوم بحرانی طبع قم در یک مجلد.

۱۰- ترجمه صحیفه علویه.

۱۱- کیفر گناه بطبع رسیده است.

۱۲- آداب معاشرت در اسلام.

۱۳- راه مبارزه با گناه.

۱۴- تاریخ انبیاء در ۲ مجلد که علمیه اسلامیه بطبع رسانیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمدعلی رسولی اراکی از فضلاء باتقوا و فعال حوزه علمیه قم است که به زیور علم و حلم و حسن اخلاق آراسته است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در کرم‌رود اراک متولد شده و پس از تحصیل ابتدائی با شوق فراوان به مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک وارد و به تحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن ادبیات خدمت آقا شیخ قنبر رفیعی به قم مشرف و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله فکور یزدی فراگرفته و در حوزه خارج آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر مدت ۱۸ سال از آن نابغه علم و فقاهت استفاده نموده و در ضمن آن نیز به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر حاضر و از خرمن علم و فیضشان بهره‌ها برده است.

آقای رسولی در خلال تحصیل و تدریس در اوقات تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای تبلیغ دین و ترویج مذهب مسافرتهائی به اطراف نموده و آثار و باقیات الصالحاتی از خود گذارده است که به بعضی از آن اشاره می‌شود.

۱- مسجد آبرومند و مجللی در سه بند خوزستان نزدیکی بندر ماه‌شهر و بندر شاه‌پور با تمام وسائل آن از خانه‌ای برای امام جماعت آن و غیره.

۲- مسجدی در قریه آجین و دوجین

۳- مسجدی در اطراف ساوه.

۴- مسجد بزرگ کوچه حاج زینل قم که رو به ویرانی نهاده بود ولی اکنون با وضع جالبی تعمیر و بنا و مورد استفاده عموم است.

۵- مسجدی در قریه ثامن ملایر

۶- حسینیه‌ای در هندیجان.

۷- کمک مستقیم و غیرمستقیم در ساختمان چند مسجد در اراک.

۸- رساله‌ئی در لزوم وفا به عهد دارند. و اکنون جلساتی در هیآت مذهبی دارند که برای مردم تفسیر و بیان احکام و اخلاق و معارف می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رشاد، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک ۱۳۷۷ هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفهٔ اسلامی را نزد اساتید برجستهٔ حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینهٔ فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجهٔ الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوائز و نشانها : علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائهٔ مقاله در کنفرانس‌های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم دین ـ تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و نظریه‌پردازی دینی ـ سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، ۷ جلد ـ سرپرستی تألیف دانشنامهٔ فرهنگ فاطمی، ۶ جلد ـ نظارت بر

تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، ۳ جلد --

آثار :

۱ از گفتمان امروز

ویژگی اثر : (در دست ویرایش)

۲ تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی(ع)

۳ دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام

ویژگی اثر : سرپرست تدوین کتاب فوق،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.ـتهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی؛۱۲ ج + ۱ ج درآمد، ۱۳۸۰]توزیع: ۱۳۸۱[.یکی از آثاری که به همّت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۰ ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامهٔ امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی دربارهٔ شخصیّت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در ۶۰۰۰ صفحه و ۱۲ مجلّد سامان یافته و شامل ۱۳۰ مدخل اصلی و حدود ۳۰۰۰ مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزهٔ دین‌پژوهی ایران در سال ۱۳۸۰ شناخته شده است. دانشنامهٔ امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیرهٔ امام علی(ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوّع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیّت و اندیشهٔ امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلّی گویی، دوری از تقلید و عدم اتّکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نهراسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبّع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اوّل در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتمال بر شبکهٔ معنایی جامع و نمایه‌ها و فهارس موضوعی

۴ دموکراسی قدسی

۵ سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی(س)

ویژگی اثر : ۶ جلد

۶ سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی

ویژگی اثر : ۴جلد

۷ سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن

۸ شهود و شیدایی

ویژگی اثر : تأملاتی در فلسفه هنر

۹ شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)

۱۰ علم‌النفس اسفار صدرالمتألهین

ویژگی اثر : تصحیح و تحقیق

۱۱ گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی

ویژگی اثر : گزینش، مقدمه و تصحیح

۱۲ نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن

ویژگی اثر : ۳ جلد

رشاد، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر رشاد زنجانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهران است. وی که حدود هشتاد سال از عمرش می گذرد عالمی متقی و فاضلی منزوی و از مدافعین جدی ولایت و مقیم خیابان عباسی (خیابان شیر و خورشید) تهران میباشد.

معظم له بیش از سی سالست از طون خود مهاجرت و رحل اقامت بمرکز کشور و عاصمه تشیع (تهران) انداخته و از شرکت در اجتماعات و مجالس و محافل عمومی و خصوصی خودداری و در مسجد (صاحب الزمان عجل اللّٰه فرجه) به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی و مبارزه با مخالفین ولایت وهابی مسلکیها و سنی مآب‌ها اشتغال دارد.

رساله‌های بسیاری در رد منکرین دعاء ندبه و مخالفین ولایت تکوینی اهلبیت رسالت حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین امام الکل فی الکل علی علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام بنام حقیقت ولایت و غیره تألیف و بطبع رسانیده و بسهم خود جواب یاوه سرائیهای بوالفضول‌ها را داده است.

نگارنده یک مرتبه موفق بزیارت این عالم ربانی شده و از سیمایش نور خدا و محبت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و بالاخص مولای متقیان علیه صلوات اللّٰه المنان را مشاهده کرده و درک فیض نموده‌ام.

محمدباقر بن آیت‌اللّٰه آقا شیخ کاظم بن حاج محمدعلی از علماء زنجانی معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۱۲ ق در زنجان متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و خواندن مقدمات و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و درس مرحوم علامه یزدی حاج سید محمدکاظم (صاحب عروهٔ) و بالاخص علامه کوه‌کمری مرحوم آسید محسن شاگرد مخصوص علامه تهرانی حاج شیخ هادی ره استفاده سرشار نموده و پس از آن مراجعت به زنجان و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و غیره اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۱ شمسی و فتنه (پیشروری) عزیمت به تهران نموده و در خیابان عباسی رحل اقامت افکنده و در مسجد حضرت (صاحب‌الزمان عجل اللّٰه فرجه الشریف) آنجا به امامت و ترویج مذهب و دفاع از حریم ولایت پرداخته و غالباً در انزوا در منزل خویش به مطالعات کتب علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه رشاد عالمی بارع و مهذب و متقی می‌باشد.

آثاری که از آنجناب منتشر شده کتب و رسالات زیر است.

۱- وسیله راجع به شعائر مذهبی مربوط به حضرت سیدالشهداء اروحنا له الفداء (سینه‌زنی و غیره)

۲- اکمال الوسیله نظما و نثرا در همان موضوع.

۳- حقیقت ولایت راجع به ولایت تکوینی.

۴- دفع‌الاوهام شرح چند جمله از فرمایش مولای متقیان علی (ع).

۵- برهان قاطع جواب شبهات طباطبائی علیه ما علیه همکار بوالفضول برقعی

۶- ذخیره راجع به استخاره و مشروعیت مهر نماز

۷- نشریه راجع به مأثور بودن و مستحب بودن دعا شریف ندبه

۸- حاشیه به رباب نکاح ریاض (شرح کبیر) مخطوط کتب و حواشی و رساله‌های دیگر.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رشیدی زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رشیدی زاده

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای حسن رشیدی زاده در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در اراک دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمامتر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه تهران گردید.پس ازمدتی تحصیل در حوزه علمیه تهران برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت، از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبر ده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می توان همچون آیت الله وحید خراسانی، مرحوم آیت الله شیج جوادتبریزی، استاد اعتمادی و ... نام برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نمانـد و برای تبلیغ مذهب انسان ساز تشیع به کشوورهای متعددی از جمله لبنان، مالزی و... سفر کرده است، سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی مشغول است.وی در زندگی سراسر علمی خویش از نگارش و تألیف غافل نبوده است و آثار متعددی از جمله " حیاط برتر در عالم برزخ"، "حیاط برزخی "و....را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

رضاپور، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم رضاپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ پس از اخذ دیپلم در اواخر تیرماه وارد حوزه علیمه فیضیه مازندران شهر بابل با مدیریت حاج آقا فاضل استرآبادی شدم. تمام دروس تا لمعه و باب صوم را خدمت ایشان گذراندم و در سال تحصیلی ۶۶-۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادامه دروس سطح را خدمت اساتید برزگواری مثل حجج اسلام وجدانی فخر ، دوستی زنجانی ، حسینی بوشهری ، محلاتی ، پایانی و سیفی گذراندم. در سال ۶۸ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته ادیان و عرفان تحصیل کردم و در دوره عربی تا دوره تکمیلی را در کلاسهای آموزشی و دفتر تبلیغات گذراندم ، پس از ۶ سال یعنی در سالهای تحصیلی ۶۹-۷۰ شروع به آموختن دروس خارج کردم و از محضر اساتید بزرگوار حوزه آیات عظام مکارم شیرازی ، دوستی زنجانی، وحید خراسانی ، سید جعفر کریمی و ... بهره بردم و در سال ۱۳۸۶ در آزمون ورودی دانشگاه ادیان و مذاهب شرکت کردم و الان آخرین ترم را گذراندم ان شاء الله بتوانیم با بار علمی بیشتر به مکتب تشیع اثنی عشری و مردم خدمت نمائیم و مورد رضای خداوند قرار گیرید.

رضایی موسوی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر رضایی موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر رضائی موسوی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم . بعد از گذراندن مباحث مقدماتی (ادبیات ، منطق ، معانی بیان و ...) در مدرسه الحجه و در خدمت اساتید حوزه علمیه مشهد تلمذ نمودم.از جمله اساتید بنده ، آیت الله فلسفی ، مرتضوی و مهدی مروارید می باشند . در سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمدم و در بحث خارج آیت الله وحید خراسانی حضور داشتم .

رضایی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی رضائی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوران تحصیل در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و هنرستان صنعتی (مکانیک عمومی) را در شهرستان کرمانشاه گذراندم. از سال ۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا کنون مشغول به تحصیل و تحقیق هستم و مدت ۱۰ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت دارم. اساتیدی که از آنان بهره علمی برده ام عبارتند از: آقایان طالقانی، هادوی، میرباقری، موسوی تبریزی، آیت الله راستی کاشانی، علامه سید منیر الدین حسینی الهاشمی(ره)، آیت الله جوادی آملی.در ادامه فعالیت های علمی همزمان با ورود به حوزه علمیه قم با دفتر فرهنگستان علوم اسلامی آشنا شدم و طی یک دوره ۱۲ ساله آموزشی، پژوهشی موفق به اخذ دکتری در مدیریت تحقیقات شدم و از سال ۷۳ تا۸۱ مدرس رشته مدیریت تحقیقات در دانشگاه بقیه الله (عج) بوده ام و طی دو دوره دکتری PH.D دانشجویان در مقطع فوق لیسانس را پذیرش و تربیت نمودیم و هدایت دو پایان نامه در مقطع PH.D در موضوعات مدیریت شبکه ای تحقیقات، مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید با رویکرد مبتنی بر منطق الهی نظام گرا را به عهده داشته ام. از سال ۷۶ تا سال ۸۲ به عنوان کارشناس و مشاور علمی در سازمان مدیریت صنعتی مشغول به فعالیت های علمی در زمینه مدیریت شبکه ای تحقیقات شدم و با فعالیت های علمی مستمر و فشرده و ارتباط های علمی با مجامع بین المللی و دانشگاه های خارج از کشور موفق به انجام کارهای علمی در راستای طرح دیدگاه های جدید و نو شدیم از جمله ارئه طرح و مدل اقتصادی از نگاه اسلام به دانشگاه برانشویک آلمان، طراحی کلیات مدل خصوصی سازی در ایران ۲۰۲۰، و درسال ۲۰۰۰ – ۲۰۰۱ با گرفتن پذیرش از دانشگاه ST.Regis امریکا و همکاری بصورت پروژه علمی درسال ۲۰۰۳ موفق به اخذ دکتری در رشته تحقیق در مدیریت فرهنگی و فوق دکتری دررشته مشاوره در امور توسعه اجتماعی شدم. دانشگاههای امام صادق و شیخ طوسی اصفهان، نیروی انتظامی مشغول به تدریس بوده ام. مسئول گروه بنیادی پژوهشکده توسعه و تکنولوژی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف می باشم و مسئول گروه" روش "و عضو هیئت علمی در فرهنگستان علوم اسلامی قم هستم. در ضمن عضو واحد نخبگان و فرهیختگان حوزه علمیه قم می باشم.

رضایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضایی

محل تولد : بیرجند

شهرت : رضایی بیرجندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۳

زندگینامه علمی

در سوم فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانوادهای مذ هبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال ۱۳۵۰به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال ۱۳۵۶وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال ۱۳۷۳ با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کار شناسی ارشد در رشته الهیات و معار ف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رضایی

محل تولد : رهنان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۲/۱

زندگینامه علمی

محمدعلی رضایی اصفهانی در سال۱۳۴۱شمسی درخانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان وراهنمایی را در محل تولد ودوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی(خوارزمی) گذراند، درسال۱۳۶۱وارد حوزه علمیه(مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید وتا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.

در سال ۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم گردید وبه مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم

شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد وموفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم ودکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضوانی راد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رضوانی راد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

به فضل الهی سال ۱۳۴۹ شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالیه را گذراندم و در سال ۱۳۵۵ وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالیه را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره ۲۰ را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره ۱۹ را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاهٔ مسافر و خمس و خیارات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و ۱۴ سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزاجواد آقا تبریزی ۵ سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.

البته برخی از کتب سطوح عالیه را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج ۲ را نزد ۲ استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش‌ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال ۱۳۵۱ شمسی تاکنون تا عالی‌ترین سطوح را تدریس کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت ـ معاد ـ حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی ـ امام خمینی ـ شهید بهشتی ـ آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری ـ انسان کامل ـ عنصر امر به معروف ـ فلسفه اخلاق ـ و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سال‌های ۱۳۶۱ ـ ۱۳۶۲ چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات ـ حماسه و عرفان ـ عرفان حج و دیگر

کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوانی فسائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ملقب (به فصیح‌الزمان) و متخلص به رضوانی فرزند سید ابوالقاسم فسائی از خطباء و وعاظ و شعراء عصر قاجار و بعد از آن بوده است. وی در سال ۱۲۴۰ شمسی در شهر فسا متولد و در ۱۶ سالگی به اصفهان رفته و دو سال در آن شهر به تحصیل مقدمات پرداخت سپس به قم آمده و ده سال در این شهر مذهبی و علمی تکمیل علوم عقلیه و نقلیه نموده و در بیست و هشت سالگی به تهران مهاجرت و به وعظ و خطابه پرداخت و در دربار ناصرالدین شاه راه یافت و از او لقب (فصیح‌الزمان) گرفت.
برای نگارنده حکایت کرد که وقتی ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) هدف تیر میرزا رضای کرمانی قرار گرفت و مقتول شد من از ملازمین رکاب بودم و صدر اعظم وی مرده او را به سینه چسبانیده و با او صحبت می‌کرد که مردم ندانند شاه کشته شده تا اغتشاش و بلوا کنند.
و پس از قتل شاه در سال ۱۳۱۳ قمری برای تسلیت ولیعهد مظفرالدین میرزا به تبریز رفت و با وی به تهران برگشت و ملقب به (سلطان الواعظین) شد.
مرحوم فصیح‌الزمان سالهای متمادی در تهران منبر می‌رفت و شور و نشوری برپا می‌کرد و همواره خاص و عام برای استماع اشعار نغز و گفتار سراپا مغزش بر یکدیگر سبقت جسته و استفاده می‌کردند. وی در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران وفات نمود و باسلاف پاک خویش پیوست.
(۱۳۲۴ -۱۲۵۵/ ۱۲۴۰ ش)، شاعر. ملقب به فصیح‌الزمان. در فسا به دنیا آمد. در شانزده سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و مدت دو سال در آن شهر به کسب دانش پرداخت و از آنجا به قم رهسپار گردید و قریب ده سال نیز در این شهر به تکمیل علوم عقلی و نقلی اشتغال ورزید. در سی سالگی به تهران آمد و در سلک وعاظ درآمد و چون مردی ادیب بود به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و به فصیح‌الزمان ملقب شد. پس از قتل ناصرالدین شاه به تبریز رفت و با مظفرالدین‌شاه آشنایی یافت و از آن جا به اتفاق او به تهران عزیمت کرد و لقب سلطان الواعظین یافت. در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن است. اثر وی «کلیات» اشعار است که منتخبی از آن به نام «گلهای فصیح‌الزمان رضوانی» به کوشش سید هادی حایری در شیراز به چاپ رسیده است.[۱]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۷۱ -۳۷۰/ ۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۱ -۶۱۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۵۶ - ۱۵۵۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، گلزار معانی (۲۹۵ -۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۴/ ۵)

رضوی برقعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی برقعی بن السید الجلیل آسید جعفر بن سید محمدتقی بن سید رضی‌الدین از علماء و ائمه جماعت معاصر قم می‌باشد

وی در شب عاشورای سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۵ شمسی از مادر علویه متولد شده و از هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از خواندن دوره‌ی ابتدائی به خواندن علوم عربیه و دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را در قم نزد فضلاء حوزه علمیه قم تکمیل نموده و در سن ۱۷ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح عالی فرائد و مکاسب و کفایه را از مدرسین بزرگ نجف چون آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه مدنی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و مرحوم حاج میرزا حسن یزدی و آقای حاج شیخ محمدحسین دهاقانی و آقای آشیخ احمد فیاض فراگرفته و قسمتی از منظومه را از مرحوم حکیم ربانی آشیخ صدراء بادکوبه‌ای و هیئت و تشریح الافلاـک را خدمت مرحوم آقا شیخ جمیل عرب و مرحوم آقا میرزا محمد اردبیلی آموخته و بعد از فراغت از سطوح به درس خارج سیدالفقهاء والمجتهدین زعیم حوزه علمیه نجف آقای خوئی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی حاضر شده و پس از هفت سال استفاده از محاضر و دراسات آیات عظام نجف به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان شیخ‌الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد داماد بهره‌مند گردیده و بعد از آن اشتغال به تدریس متون فقه و اصول و ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد سنگ‌بند و مسجد گذرسیدان تا حال حاضر دارند. از آثار قلمی ایشانست تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، اسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء باتقوا و در مسجد امام حسن به جماعت نماز می‌گذارد در سال ۱۳۳۲ وفات نمود و در شیخان بزرگ مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوی، سیدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۳ متولد شدم. خانواده ما از سابق روحانی بودند. گرچه پدرم روحانی نبوده است، در خانواده متدین و اصیل رشد و نمو داشتم، دروس ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را با موفقیت و درجه عالی گذراندم و در همین مراتب و دوره‌ها به عنوان نفر اول شهر انتخاب و شناخته شدم. بعد از اتمام دروس کلاسیک با توجه به اصالت خانوادگی روحانی بودن، قدم در عرصه حوزه و روحانیت گذاشتم و در حوزه علمیه حضرت ولی عصر(عج) شهرستان خوانسار در سال ۱۳۵۹ درس حوزه را شروع کردم و در مدت خیلی کم دروس ادبیات عرب را تمام کردم و درس فقه و اصول را آغاز کردم به طوری که پس از مدت ۸ سال در درس خارج فقه و اصول که در شهرستان مذکور برقرار شده بود شرکت نمودم و از استاد بزرگ و گرانقدر جناب حاج آقای تقدیری سبزواری بهره بردم.در مدت مذکور در کنار درس به تدریس نیز مشغول شدم. و از آن زمان تا حال این تدریس ادامه دارد و تا بحال کتب لمعتین،رسائل و مکاسب تدریس رسمی و خصوصی داشتم.در کنار تدریس امور مربوطه، مدیریت مدرسه نیز برعهده اینجانب بود که وقت زیادی را صرف آن نمودم در روزهای جمعه و پنجشنبه در دانشگاه پیام نور شهرستان مشغول تدریس کتب اخلاقی،تاریخی،مدیریت اسلامی،انقلاب اسلامی، ادبیات عرب بودم و این تدریس در سالهای ۶۵ تا سال ۷۵ ادامه داشت که مجوز تدریس از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را نیز داشتم.

در مدت تدریس، در حوزه نیز رتبه اول و جزء نفرات برتر حوزه بودم.در سال ۱۳۷۳ وارد قم مقدس جهت ادامه تحصیل و استفاده از محضر شریف اساتید شدم و بعد از مدت کمی اساتید دلخواه خودم را یعنی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی جهت درس اصول و حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی جهت درس فقه شناسایی و در کلاس درس آنها به تلمذ پرداختم. در کنار بهره مندی از اساتید خارج فقه و اصول به کارهای اجرایی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس در حوزه جامعهٔ الزهرا و مدارس تحت پوشش مرکز جهانی و تدریس در دانشگاههای محلات و همچنین خوانسار پرداختم و در سالهای اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه خوانسار و قم در سالهای اوج مبارزه با طاغوت و سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز فعالیت اجرایی و جبهه‌ای داشتم که انشاء الله خداوند قبول نماید.

رضوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء متقی فرزند مرحوم حاج سید اسحاق و در مسجد امام اقامه نماز جماعت می‌نمود. شرحی بر خطبه حضرت صدیقه سلام‌اللّه‌علیها به عربی نگاشته که در تهران به طبع رسیده و در سال ۱۳۳۴ ق فوت نمود و در شیخان مدفون شد.

(۱۳۴۴ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی. از علمای متقی بود. در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن شد. از اثر معروف وی «الدره البیضاء فی شرح خطبه فاطمه الزهراء (ع)» که دارای عناوین: متن و شرح و لغت و اعراب و معنی است. هر یک از قطعات خطبه تا پایان تحت این عناوین آورده شده است. این کتاب به همت برادرش آقا حسین بن اسحاق رضوی در ۱۳۵۴ ق به طبع رسید.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۳/ ۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۵/ ۲).

رضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین ملقب (به علم الهدی) بن سید هبهٔاللّه بن سید محمد بن سید عبدالحی بن محمد بن عبدالغفار ابن عبدالرزاق بن ابراهیم رضوی کاشانی عالمی جلیل و متقی بوده است.

وی در کاشان متولد و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات و سطوح از مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه و دیگران در کاشان به نجف مهاجرت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیر آنان از اعاظم علماء و اکابر مدرسین استفاده نموده و در سال ۱۳۵۲ قمری به کاشان مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج پرداخته تا سال ۱۳۸۶ قمری که بدرود حیات گفته است.

دارای تألیفات عدیده مانند بهجهٔالتنزیل در تفسیر و تأویل و (العندبیل) در تمیز بین صحیح و علیل و (المائدهٔ العرشیه) و غیر ذلک بوده است.

نگارنده در سال ۱۳۶۴ قمری که با جنابان فاضلان باذلان آیتین علامتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی و دانشمند گرامی حاج شیخ مرتضی مطهری به کاشان مسافرت کردم از نزدیک آن مرحوم را ملاقات کرده‌ام. آن مرحوم در کاشان مخصوص محله خود بسیار متنفذ و مورد توجه بود و مردم به او علاقه بسیاری داشتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارهٔ ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال ۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلهٔ دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلهٔ دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نقی رفعت نژاد

محل تولد : ارومیه

شهرت : رفیعی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر(عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه ومدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید).در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد

جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می کردم، در سال ۱۳۶۷ بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی(ره) به مدت ۲ سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و ۱۵ سال ازخارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت ۱۷ سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی(قدس سره) استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی(ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده¬های علمی تفسیری داشتم.در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۶۷ در قسمت دایرهٔ المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از ۶۰ پرونده علمی و بیش از ۱۰۰ شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایرهٔ المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از ۱.ابتکار،۲.اختلاف،۳.اسماعیل صادق الوعد،۴.آل لوط،۵. آزمایش ۶.احترام،۷.استثمار،۸.استضعاف۹.اصطفاء،۱۰.استدراج،۱۱. ... . در سال ۱۳۸۲ با دفاع از پایان نامه سطح ۴ با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح ۴ در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم.در کنار تحصیل و تملذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال ۱۳۷۴ بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه،دانشکده علوم قرآنی ،دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن ۴ ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیعی پور، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس رفیعی پور

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عباس رفیعی پور علوی علویجه در سال۱۳۳۵ بدنیا آمد . وی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شد و مقدمات را در آن حوزه از محضر آیت الله مرحوم شیخ عباس ایزدی (امام جمعه سابق نجف اباد) فرا گرفت . سپس برای تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در دروس آیات عظام فاضل لنکرانی و مشکینی شرکت نمود . در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ مدرک تحصیلی سطح ۲ (معادل کارشناسی) از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۹ با کسب مجوز از معاونت امور اساتید نهاد رهبری در دانشگاهها ، تدریس برای دانشجویان دانشگاه علمی - کاربردی علویجه اصفهان را

بعهده داشته است ؛ سپس بنا به دعوت صدا و سیمای قم (مرکز پژوهش های اسلامی) از سال ۱۳۸۱ تا کنون با این نهاد بعنوان کارشناس همکاری داشته است .

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعاظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال ۱۳۱۲ ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس اللّه اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فراگرفته تا سال ۱۳۳۸ ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصرا از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۴۴ ق به امر مرحوم آیت‌اللّه حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دویست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال ۱۳۴۹ ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال ۱۳۸۰ قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام‌اللّه مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

از تألیفات معظم له است: ۱- رساله در رجعت بقواعد عقلیه ۲- شرح بر دعاء سحر. ۳- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی. ۴- رساله عملیه ۵- حواشی متفرقه.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعاظم حکماء متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا درروز اول محرم ۱۳۹۵ قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند. نگارنده. گوید آیت‌اللّه رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی محمدی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر رفیعی محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصررفیعی محمدی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس قم درخانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده ودر سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم .

در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی وجلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه وشرکت در تظاهرات در حد وسع واقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم . درسال ۱۳۶۲ با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی ۵ سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحارالانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.

دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری وصانعی شرکت داشتم.

همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.

درسالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم وفوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده ودر سال ۱۳۷۳ با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن وحدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم .سال ۱۳۷۷ بادفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

رفیعی، حمیدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الله رفیعی

محل تولد : زابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسهای ابتدائی وراهنمائی را در محل تولد استان زابی افغانستان به پایان رساندم وتحصیلات دبیرستانی را در مدرسه ابن سینای کابل به اتمام رسانده و سپس در سال ۱۳۵۵بعد از امتحان کنکور دردانشکده پزشکی دانشگاه کابل در رشته طب عمومی تحصیلاتم را ادامه دادم که متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و پیدایش هرج و مرج درکشور مجبور به ترک کشور گردیده و د رسال ۱۳۵۹وارد خاک ایران شدم. برای مدّت سه سال با یکی از گروههای جهادی همکاری فرهنگی داشته و بعد از آن در سال ۱۳۶۳درس حوزوی را از ابتدای جامع المقدمات در مدرسه حاج ابراهیم اراک آغاز نمودم .هرچند در ابتدا با این نوع درسها و محیط نامأنوس بودم ولی بعد از تحمل فشارهای روحی و روانی زیاد خودم را با این محیط و درس منطبق داده که الحمد الله تا حدودی نتیجه داد .و در سال ۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم گردیده ،بعد از اتمام سطوح درسال ۱۳۷۲درس خارج را در کلاسهای آیت الله وحید خراسانی ،آیت الله فاضل لنکرانی آغاز نمودم و یک سال هم در درس خارج آیت الله مکارم شرکت کردم .در سال۱۳۷۳درس تخصصی کلام را درمؤسسه امام صادق (ع) در سطح دکترا آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶از این مرکز فارغ التحصیل شدم که متأسفانه هنوز هم بنا به دلائلی موفق به اخذ موضوع پایان نامه نشده ام ودر حال حاضر با مرکز مطالعات حوزه و ستاد پاسخگوئی به شبهات دفتر تبلیغات و معاونت تبلیغ و دانشنامه کلام همکاری دارم.

رفیعی، رمضانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم. در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...

سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله

مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .

در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال ۱۳۶۳ مجددا به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رکنی دزفولی، عبدالصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالصالح رکنی دزفولی

محل تولد : لارستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

مهرماه سال ۱۳۴۱ وارد قم شدم. (یعنی شش ماه پس از رحلت آیت الله العظمی آقای بروجردی) در حالیکه مقداری از جامع المقدمات را نزد برادرم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری خوانده بودم. قسمتی از سیوطی و مغنی را در حوزه و بقیه آن را نزد آیت الله حاج شیخ احمد جنتی،معالم را نزد آیت الله جنتی،مختصر المعانی را نزد آیت الله حاج شیخ حسن تهرانی،رسائل را نزد آیت الله حاج شیخ احمد آذری قمی وآیت الله محمد محمدی گیلانی،مکاسب را نزد آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی وآیت الله احمدی میانجی وآیت الله محمدی گیلانی، کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و آیت الله آذری قمی و آیت الله وحید خراسانی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی(ره) و آیت الله فاضل لنکرانی(ره)، خارج فقه را نزد آیت الله حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله حاج سیدموسی شبیری زنجانی.تفسیر را نزد آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، معارف اسلامی را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی خواندم.بدایهٔ الحکمهٔ و اسفار اربعه را نزد آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، نهایهٔ الحکمه را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، فصوص الحکم را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی و نیز کتاب کلیله و دمنه را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم.ادبیات فارسی املاء و انشاء و مقاله‌نویسی نزد حجهٔ الاسلام والمسلمین آقای علی حجتی کرمانی و آیت الله مومن العابدین قربانی و آیت الله دکتر حاج شیخ احمد بهشتی فسائی.زبان انگلیسی را پس از دوران دبیرستان نزد آقای امجدی و آقای رخشانفر که هر دو دبیر دبیرستان بودند و سپس نزد حجهٔ الاسلام آقای خلیلیان که تحصیل کرده انگلستان بود آموختم.اخلاق را نزد آیت الله حاج شیخ علی قدوسی، آیت الله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی(ره) و آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی و آیت الله احمدی میانجی.از بدو شروع به خواندن معالم درس کلاسیک هم شروع کردم و سالی یک کلاس خواندم و پس از ۴ سال موفق به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شبانه حکیم نظامی شدم.از سال ۴۵ به تدریج مواجه با کسالت‌های مختلف و عمل‌های متعدد جراحی در اعضاء بدنم انجام شد که سیر مطالعه و فعالیت‌های تحصیلی و تدریسی مرا کُند نمود و در همه حال شاکر درگاه خداوند هستم.

رمضان نژاد لری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا رمضان نژاد لری

محل تولد : سیرجان

شهرت : رضا

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا رمضان نژاد در سال ۱۳۵۵ در اطراف شهرستان سیرجان در خانواده ای عشایر متولد شد و با شروع دروس ابتدایی پدر و مادرم برای تحصیلات فرزندانشان وارد شهر شدند و من نیز تحصیلاتم را در شهرستان سیرجان آغاز نمودم . تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اسدالله ستاری گذراندم و بعد تحصیلات راهنمایی ام را در مدرسه راهنمایی امیر کبیر سپری کردم

و بعد از آن در هنرستان منتظری همان شهر ثبت نام نمودم و در رشته برق شروع به تحصیل کردم اما متاسفانه به دلیل یک سری مشکلات ترک تحصیل نمودم و در جایی مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۴ عازم حدمت مقدس سربازی شدم و سپس در سال ۱۳۷۶ کارت پایان خدمت ۲۴ ماهه را دریافت نمودم و بعد از آن به صورت متفرقه شروع به ادامه تحصیل دادم و مشغول کار در کارخانه پلی اتیلن تک سیرجان نیز بودم . در سال ۱۳۷۸ یا ۱۳۷۷ بود که وارد بسیج اداری شدم و هم اکنون نیز جزء نیروهای فعال بسیج حوزه مقاومت شهید نصیری نجف شهر سیرجان نیز می باشم و جزء مربیان آن نیرو نیز هستم.در اواخر سال ۱۳۷۹ طالب تحصیل علوم دینی و اسلامی شدم و از کار در کارخانه استعفا دادم و در سال ۱۳۸۰ شروع به تحصیل علوم دینی و اسلامی در شهر مقدس قم نمودم چونکه من اضافه سن داشتم در آن زمان ما را پذیرش نکردند و هم اکنون هم با هزینه شخصی و به صورت متفرقه خودم ادامه تحصیل می دهم و بحمد لله تا امروز شش جلد کتاب تالیف نموده ام که چهار تای از آنها چاپ شده و یکی از آنها در دست چاپ نیز می باشد و دیگری را قصد چاپ آن را ندارم.

رنجبری سلطان احمدی، ایوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایوب رنجبری سلطان احمدی

محل تولد : سلماس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۵۱ در شهر سلماس متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در مدارس آن شهر خواندم. در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دوره مقدمات را با ممتازی به پایان رساندم و در دروس سطح عالی کفایه و رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار خواندم. از سال ۷۶ وارد دروس خارج حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی، سبحانی، بهجت ، عابدی، فاضل گلپایگانی شدم.

به مدت ۲ سال در کشور آذربایجان شوروی به عنوان مدرس اعزام به آن کشور شدم و در تخصصی تبلیغ سطح چهار با رتبه ممتازی به پایان رساندم.در مرکز تربیت محقق و نویسنده علوم قرآنی در حد کارشناسی ارشد حدود ۵/۲ سال مشغول تحصیل کردم و در مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان با رتبه ممتازی دوره را به اتمام رساندم.

مدت ۱۵ سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر استفاده کردم و چندین سال است که به عنوان روحانی حج تمتع و عمره مفرده در خدمت زائران بیت اللهی و عاشقان اهل بیت هستم.از سال ۷۲ به صورت رسمی در وقفه های رمضان و محرم و صفر و دهه فجر و ... .به عنوان مبلغ نمونه در خدمت قشرهای مختلف نظامی ، انتظامی، اطلاعاتی و دانشگاهی و حوزوی و روستایی و شهری و ..... برده ام.از محضر ۱۲ مجتهد و مرجع تقلید اجازه نامه کتبی در ...... امور حسبیه که بنده به اذن فقیه جامع الشرائط می باشد و موارد دیگر دارم.

روحانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمدعلی بن العلامه الحاج میرزا ابوالقاسم بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی از علماء اخیار و ائمه جماعت مسجد امام دارای مقام علم و کمال و قدس و تقوا می‌باشد. عالمی است موفق و سالکی است موید، در غالب زیارات مخصوصه حضرت رضا علیه‌السلام با شوقی وافر به مشهد رضوی مشرف و افاضاتی از حضرتش دریافت نموده و می‌نمایند. نگارنده در بسیاری از اوقات وی را با توجهی مخصوص در آن روضه منوره دیده و التماس دعا گفته‌ام. تحصیلات مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول را از اساتید بزرگ حوزه مرحوم والد خوانده و از آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی و پس از فوت ایشان آیت‌الله العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده و ضمنا مباحثات اصولی و فقهی داشته و در ظهر و شب هم در مسجد امام علیه‌السلام به جای والد مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۸ -۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولد شد، تا پانزده سالگی در خدمت پدرش به تحصیل مقدمات پرداخت. سطوح معقول را نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّٰه میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّٰه حائری یزدی و آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به عزم تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد و در حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللّٰه قمی شرکت کرد و بهره‌ها برد. سپس به تهران و قزوین رفت. احتیاج شدید جامعه آن روز به امرتبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. او بارها به هندوستان، برای ترویج دین سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «سر السعاده»، به عربی؛ کتاب «خاطرات»؛ کتاب «تسلیه المریض»؛ کتاب «کفایه النحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۹/۱).

روحانی نژاد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین روحانی نژاد

محل تولد : موسویه بیرجند

شهرت : روحانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب حسین روحانی نژاد در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیّه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال ۱۳۵۳ – ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه رسالت – که شبیه مدرسه حقّانی و تحت برنامه خاصی بود – به تحصیل ادامه مقدّمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم . بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی ، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم . در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه) ، مصباح (نهایه) ، حسن زاده آملی و جوادی آملی (قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه) ممدوحی (قسمتی از بدایه) بهره برده ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.

چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته ، حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید ، مدّتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدّتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدّتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.

از سال ۱۳۶۳ با مرکز تحقیقات عقیدتی- سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال ۱۳۷۱ ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام ، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن ، مقالاتی در مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...

سال ۱۳۶۰ مدّتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سنندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه – به صورت مشترک با یکی از دوستان – تدوین کردم. سال ۱۳۶۱ در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم.در اواخر دهه شصت، مدّت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.

سال ۶۸ در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم – شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال ۷۰– ۷۱ در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال ۷۱ از آن دفاع کردم.از سال ۷۱ تا ۷۶ به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و ۵ سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلّم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد – واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.

سال ۷۶ به دانشگاه قم منتقل شدم. مدّتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام در. سال ۷۷ به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدّتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدّتی مدیریت پژوهش را بر عهده داشتم. حدود ۴ – ۵ سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته

تحریر کشیده ام.

روحانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام حاج آقا احمد بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی عالمی فاضل و واعظی کامل و خوش‌مجلس و نیکو محاوره بود در قم متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح معقول را خدمت آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی خوانده و فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حایری استفاده نموده آنگاه به نجف مهاجرت و چند سالی را از محضر و درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه عراقی و نائینی و اصفهانی و قمی قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و بعد مراجعت به تهران و قزوین و از راه منبر و موعظه به تبلیغ دین پرداخته و سفری هم به هندوستان برای ترویج اسلام مسافرت نموده و در سال ۱۳۷۴ به اصرار بعضی از علماء و عده‌ای از مؤمنین در مسجد بنی‌هاشمی واقع در خیابان گرگان به امامت جماعت مشغول گردیده و مردم را از نماز و بیانات خویش بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۸۸ قمری که به رحمت حق واصل و از تهران به قم منتقل و در شیخان نزدیک قبر میرزای قمی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

روحانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد روحانی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم . پس از طی مراحل مقدمات وسطح به درس خارج پرداختم ود رسال ۱۳۷۱ه.ش دررشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم ومدّت ۴سال زیر نظرآیت الله مکارم شیرازی دردرس های تفسیری مشغول بودم .وحدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم وکتابهائی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی وپژوهشی وترجمه های دیگری را هم انجام دهیم .

روحانی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سعید روحانی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۶/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید سعید روحانی در مورخه ۲۰/۶/۴۸ در یکی از روستاهای قائمشهر(اوجابندان) در خانواده مذهبی چشم به جهان گشودم. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساندم و در یکی از روستاهای مجاور،تحصیلات دوره راهنمایئ را گذرانده وبرای دوره دبیرستان در رشته علوم تجربی رهسپار شهرستان قائمشهر شدم.

در سال ۱۳۶۷ که همزمان با پایان دوره دبیرستان بود به پیشنهاد حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای قرائتی در امتحانات ورودی حوزه علمیّه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون ورودی در مدرسه علمیّه حضرت رسول الکرم(ص) مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدّماتی را نزد استاتیدی چون حجج اسلام آقایان غلامعلی صفایی،فلاح زاده،نوبهار،سیّد عبّاس موسوی و آهنگران به پایان رساندم پس از اساتیدی چون حجج اسلام ایّوبی،غرویان،معصومی،نجفی مازندارنی،فقیهی،طاهری مازندارانی،حسینی بوشهری،احدی و موسوی تهرانی بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۷ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر اساتید چون حجج اسلام و المسلمین حسینی خراسانی،سید احمد خاتمی،آیت الله سبحانی و صانعی و شیخ احمد عابدی شاهرودی و نکونام بهره مند گردیم. در سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد مسئول گروه تاریخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای جناب حجّت الاسلام والمسلمین محمّد خردمند مبنی بر تدوین و گرد آوری تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری بر اساس سر فصل نهاد مشغول به تدوین شدم که نتیجه این تلاش پس از ۱۵۰۰ ساعت صرف وقت دو جلد کتاب بود که در ۷۱۰ صفحه در پائیز ۷۸ به چاپ رسیده است.

بنابر در خواست برخی از اساتید دانشگاهها و یراست جدید آن در سال ۷۹ در ۲۳۲ صفحه به چاپ رسید که تاکنون بارها تجدید چاپ شد. در اواخر سال ۱۳۸۰ به پیشنهاد مسئول جدید گروه تاریخ نهاد جناب آقای محمّد نصیری فصل پنجم کتاب تاریخ اسلام،تألیف جمعی از نویستدگان که زیر نظر دکتر صادق آئینه وند در زمستان ۸۱ به چاپ رسید،به بنده واگذار شده بود.

پس از تدریس دو ترم از این کتاب ویراست دوم آن نیز در زمستان ۸۲ از چاپ خارج شد. از آنجایی که کتاب دو جلدی تاریخ اسلام و آثار شهید مطهری چند ترمی متن درس گروه الهیات دانشگاه های پیام نور قرار گرفته بود(و به سبک متن درسی تدریس نشده بود)به پیشنهاد سرپرست محترم گروه الهیات دانشگاه پیام نور مرکز اقدام به تألیف کتاب تاریخ اسلام نمودم که جلد اول آن در بهمن ۸۲ به چاپ رسیده و جلد دوم آن در دست آماده سازی است.

علاوه بر این از سال ۱۳۸۲ تاکنون در دانشگاه پیام نور قم به تدریس دروس چون«مبادی اصول»،«اصول فقه ۲»،«فقه مقارن ۱»،«فقه مقدماتی ۱»،«احادیث فقهی»و«اعراب قرآن»مشغول هستم. حدود ۲ سال نیز(البته از زمان تأسیس)عضو انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمیّه هستم. از سال ۱۳۷۹ نیز به در خواست سردبیر محترم فرهنگ کوثر جناب حجت الاسلام والمسلمین محمود مهدی پور اقلام

به ارائه مقالات در زمینه های مختلف تاریخی نمودم که بیش از ۱۰ مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است. به امید آن روزی که قدمهای کوچک وناقص ما راهگشا باشد.

روحانی، سید شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین روحانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدشمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالیه را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنکرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی" حفظه الله "که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم .

از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود ۲۵ سال در محضرایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

روحانی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاءالدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدهادی روحانی در رودسر متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه به قم آمده و ادبیات و مقدمات و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه فراگرفته و پس از آن به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و دیگران شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والدش به رودسر مراجعت و تا هم‌اکنون بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روحانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ هادی روحانی (کله بستی) از ائمه جماعت و علماء معاصر شهرستان بابل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رودسرابی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن رودسرابی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ ـ ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.

در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبهان بقلی فسایی، صدرالدین ابومحمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۶ -۵۵۲ ق)، صوفی. معروف به شیخ شطاح. در شهر فسا متولد شد، در شیراز تربیت یافت و جامع علوم ظاهری و باطنی بود. وی دکانی داشت که در آن بقل می‌فروخت و به همین سبب به بقلی معروف شد، و نیز به علت داشتن شط حیات زیاد به شیخ شطاح معروف است. وی با شیخ ابوالنجیب سهروردی در شنیدن صحیح بخاری در مرز اسکندریه شریک بوده است. او خرقه از شیخ سراج‌الدین محمود بن خلفه بن عبدالسلام بن احمد گرفته، چندی نزد فقیه ارشادالدین نیریزی شاگردی کرده است. علاوه بر این پنجاه سال در مسجد جامع عتیق مردم را موعظه و ارشاد می‌کرد. از مشایخی که در محضر وی حاضر می‌شدند، علی لالا ـ و بهاءالدین یزدی و ابوالحسن کرد و شیخ ابوالقاسم خاوی و ابوالفتح نیریزی می‌باشد. از وی بیست و هشت تصنیف در تفسیر، فقه، حدیث و اصول و تصوف به جای مانده است. از جمله: «عبهر العاشقین»؛ «حقایق الاخبار»؛ «العقائد»؛ «مشرب الارواح»؛ «لوامع التوحید»؛ «رساله النفس فی روح‌القدس»؛ «لطائف الایمان فی تفسیر القرآن»؛ «شرح شطحیات»؛ «الموشح فی مذاهب الاربعه»؛ «عرائس البیان فی حقایق القرآن»؛ «الانوار فی کشف الاسرار»؛ «سیر ارواح»؛ «صفوه مشارب العشق».[۱]

(قس. روزبه) ابومحمد بن ابونصر بقلی(ه.م.) شیرازی دیلمی مشهور به شیخ شطاح (و. فسا ۵۲۲- ف. ۶۰۶ ه.ق.) عارف بزرگ بزرگ قرن ششم. وی نزد ارشادالدین ابوالحسن علی نیریزی، فخرالدین مریم، صدرالدین ابوطار احمد بن محمد سلفی علم آموخت. شیوخ وی در ارشاد جمال‌الدین بن خلیل فسایی،جاگیر کردی، سراج‌الدین محمود بن خلیفه، ابوبکر بن عمر بن محمد معروف به برکر بودند و زندگی او بیشتر در شیراز به مجاهده و وعظ و تذکیر گذشت. او در علوم قرآنی و تفسیر و حدیث و فقه و عرفان براعت یافت و مدت ۵۰ سال در جامع عتیق شیراز موعظه کرد. آرامگاه او در محله «بالاکفت» شیراز است. از آثار اوست در تفسیر، لطائف البیان فی تفسیر القرآن، عرائس البیان (ه.م.)، در احادیث: مکنون حدیث، حقائق الاخبار، در فقه: الموشح فی المذاهب الاربعۀ، در اصول: العقاید،الارشاد،المناهج، در تصوف: مشرب الارواح، منطق الاسرار به بیان الانوار، شرح شطحیات (ه.م.)، لوامع التوحید، مسالک التوحید، کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، شرح الحجب و الاستار، سیر الارواح، العرفان فی خلق الانسان، رسالۀ الانس فی روح‌القدس.

شیخ روزبهان ابومحمد بن ابی‌نصر معروف به شیخ شطاح که مدت ۵۰ سال در شیراز وعظ می‌نمود و در سال ۶۰۶ ق وفات کرد برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان شیراز (۲۲۴ -۲۲۰)، بزرگان نامی پارس (۲۴۳ -۲۳۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۹)، تاریخ گزیده (۶۷۵ -۶۷۴)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۹۳ -۲۸۹)، جستجو در تصوف (۲۲۵ -۲۱۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۴ -۱۷۱ /۱)، الذریعه (۲۴۲ /۱۵، ۱۹۰ -۱۸۹ /۱۴، ۳۹۰ /۹)، ریحانه (۳۲۴/۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۷ -۲۲۶ /۱)، شیرازنامه (۱۶۱ -۱۵۹)، طرائق الحقائق (۶۴۱ -۶۴۰ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۹ -۱۱۶۷ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۲)، کشف الظنون (۱۱۳۱، ۱۰۷۹، ۱۰۱۱، ۱۹۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۰ -۲۹۹ /۱)، معجم المؤلفین (۱۷۶ -۱۷۵ /۴)، نفحات الانس (۲۶۳ -۲۶۱)، هدیه العارفین (۳۷۱/۱)، هفت اقلیم (۱۸۳/۱).

روشن تن، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل روشن تن

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸–۶۹وارد حوزه علمیه تبریز شدم و بعد از دو سال تحصیل در آنجا، سال ۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی و مدرسه معصومیّه مقدمات را به اتمام رساندم. در سال ۷۷ موفق به اتمام سطح شدم و اتمام سطح هم بخاطر شرکت در آزمون به صورت ارتقایی بود سرانجام در سال ۷۹–۷۸ وارد رشته تخصصی سطح ۴ حوزه شدم و سال ۲–۸۱ فارغ التحصیل گشته و هم اینک موضوع رساله سطح ۴ خود را در ردّ آرای یکی از دین پژوهان مهاجر عرب آقای نصرحامد ابوزید در دست طرح و تدوین دارم و انجام می‌دهم لازم به ذکر است که مقالات متعددی را اینجانب تألیف کرده‌ام که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی به زیور طبع آراسته نشده است و در خلال کارهای علمی دو رساله تصور و تصدیق از صدر المتألهین و قطب شیرازی را ترجمه کرده‌ام که چاپ نشده‌است و هم چنین رساله بحوث فی التوحید و الشرک حضرت استاد آیت الله سبحانی را به عنوان تحقیق درسی ترجمه نموده ام هم زمان با اشتغال به روش سطح در خارج فقه (بیع) حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقیه مرحوم حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و اصول حضرت آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی شرکت کردم و حاصل آن حضور، تقریراتی است که نگاشته شده است و هم اینک علاوه بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی ضمن تدریس دروس حوزه به کارهای فقهی و تحقیقات فروع فقهی با تنی چند از دوستان مشغول هستم با این امید که مرضی رضای حق تعالی قرار بگیرد. انشاءالله

روشنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین روشنی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هدایت‌اللّه وحید گلپایگانی می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ ق در (گوگد) که یکی از مضافات گلپایگان است متولد و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت (چندی در مدرسه دارالشفاء هم حجره نگارنده بودند) و در حوزه علمیه سطوح را از مدرسین عالی حوزه خوانده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و بعضی آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۴ ق به تهران منتقل و تاکنون در مسجد خیابان ایرانمهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنـده گوید: جناب آقای روشن از دانشـمندان متقی و با متانت و موصوف بورع و محامد اخلاق و آداب می‌باشد و هرگز از وی مکروهی ندیده و نشنیده‌ام ادام اللّٰه توفیقه و کثر اللّٰه آثاره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌اللّٰه آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌اللّٰه اقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال ۱۳۴۷ ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی حایری فراگرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی اعلی اللّٰه مقامه بهره‌مند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصا مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نماز گزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتم همواره موفق بوده و میباشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:

۱- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت ۱۲ سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراک نموده که با اصل روضات طبع میشود.

۲- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (۳۰۰ صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبوسط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی میباشد.

۳- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:

۱- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال ۱۳۷۷ ق بطبع رسیده.

۲- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذییل ایشان در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.

۳- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.

۴- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.

۵- کتاب (میزان‌الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذییل زیادی از ایشان در سال ۱۳۷۳ ق چاپ شده است.

۶- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال ۱۳۸۵ در اصفهان چاپ شده است.

۷- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.

۸- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.

۹- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.

۱۰- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: ۱- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. ۲- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم ۳- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. ۴- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.

۱۱- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون از شماره ۱۴۲ تا (۱۵۵) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.

اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:

۱- السبیل المسلوک در لباس المشکوک.

۲- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد ۱۴ کتاب الذریعه ص ۷۰) و در حرف میم هم در جلد ۲۱ ص ۲۹۳ آن را ذکر کرده است.

۳- رساله در عدالت.

۴- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.

۵- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی ۶۴ آنرا معرفی کرده است).

۶- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد ۲۱ ص ۳۹ آن را یاد کرده است.

۷- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد ۲۰ ص ۱۳۳ آنرا تعریف نموده.

۸- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاته العلمی)

۹- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.

۱۰- کتاب مناظرات مذهبی در ۳ مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.

۱۱- صوفی بازی در ۲ جلد رد بر صوفیه.

۱۲- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.

۱۳- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.

۱۴- فلسفه نماز.

۱۵- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.

۱۶- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.

۱۷- گمراهان باب و بهاء.

۱۸- کتاب (الفوائد النمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد ۱۶ صفحه‌ی ۳۲۹ یاد کرده است.

۱۹- قلائد العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.

۲۰- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.

۲۱- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.

۲۲- حواشی بر کتب درسی.

۲۳- حواشی بر کتب رجالی.

علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین میباشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت‌بخش کتب رجالی میباشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه، عالم فاضل، از ائمّه جماعت مورد وثوق و احترام مردم، در ۱۳۰۸ متولّد، و در ۱۲۷۹ وفات یافته، در بقعه تکیه گلزار مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ری شهری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ری شهری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۸/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری‌شهری» در آبان سال ۱۳۲۵ در شهری در خانوده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، درسال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه شهری (مدرسه برهان) شد و در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالیه را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۴۷ در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی‌بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.

حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۴ توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال ۱۳۴۵ ضمن تمرد از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود ۱۸ ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۵۶ به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهاوند آبادان، مشهد، هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.

حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبدکاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب دراین رکن مهم، در اواسط سال ۱۳۵۸ به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیراطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ به این سمت منصوب گردید.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۶۸ به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۷۰ در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال ۱۳۶۹ به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی دراین سمت، آغاز تحول اساسی درعمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.

حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۷۰ به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد. حجت الاسلام ری‌شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال ۱۳۷۴ به همراه جمعی از شخصیتهای صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری‌شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج

فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری‌شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از ۳۰ کتاب پژوهشی در۵۹ جلد منتشر شده است.

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تصحیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است.

وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، آیینه‌ی دانشوران (مقـدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسـی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵ -۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶ -۵۶۵ /۴).

ریزی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلا و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان، در ۱۲۹۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیس الواعظین، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل، و واعـظ کامـل، سالها در اصـفهان مردم را موعظه و ارشاد نموده، از شاگردان میرزا محمّـِد حسن نجفی، و حاج شـیخ محمّد باقر مسجد شاهی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران بوده.

در سال ۱۳۳۱ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

فرزندش: مرحوم آقا حسن رئیس زاده فاضل و ادیب و شاعر بوده، و «رئیسی» تخلّص می‌نموده. واعظی صالح بود.

در ۲۶ شوال ۱۳۸۶ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیسی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی رئیسـی بن السید الجلیل حاج سید مصطفی رئیس‌الذاکرین گرگانی از افاضل دانشمندان معاصر گرگانست وی در گرگان متولـد شـده و در حجره والـد ماجـدش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده و پس از فراگرفتن سـطوح فقه و اصول برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از دروس خارج و محضـر آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و مراجع دیگر اسـتفاده نموده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل امامت و تدریس و اداره عده‌ای از محصلین علوم دینیه گرگان پرداخته و تا حال تحریر اشتغال به انجام وظائف دینی و روحی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئیسی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن مرحوم آقا شیخ حسین (معروف به شیخ رئیس) از علماء معاصر قوچان است. وی در سال ۱۳۱۲ قمری در قوچان متولـد شـده و مقدمات فارسـی و عربی را در قوچان تحصـیل کرده و فقه را نزد مرحوم آقا شـیخ محمد کبیر آموخته آنگاه به نجف اشـرف مشرق شده و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و خارج را خدمت آن مرحوم و آقا ضیاءالـدین عراقی خوانـده و بعـد به قوچان مراجعت و به تـدریس فقه و اصول پرداخته و پس از چنـدی به مشـهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنـده و تاکنون حدود سـی سالست که در ارض اقدس به تدریس مکاسب و رسائل و کفایه و امامت در مسـجد امین مشهد اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زابلی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید رضا بن مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمد امین‌الرعایا زابلی از علماء معروف معاصر شهرستان کرج است، وی در سال ۱۳۲۲ ق در شهر زابل متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سن ۱۸ سالگی با معیت برادر بزرگشان مرحوم حجهٔالاسلام آقا سـید حسن زابلی جهه تحصـیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و پس از چنـد سـال برای تکمیـل مبـانی علمی مهـاجرت به نجف اشـرف نموده و در مـدرسه قوام اقـامت و از محضـر آیات عظام مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصـفهانی و ضـمناً مباحث اخلاقی و سـلوکی جمال السالکین و سـید العارفین آیت‌اللَّه آقا سـید علی آقـای قاضـی طباطبائی اسـتفاده نموده آنگاه به امر مرحوم آیت‌اللَّه اصـفهانی منتقل بسامرای و چنـدی سـرپرستی مـدرسه علمیه مرحـوم میرزاء شـیرازی را بعهـده گرفته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه اصـفهانی به قم آمـده و مورد لطف و محبت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قرار گرفته و به امر آن بزرگوار برای ارشاد و هدایت مردم کرج به این شهرسـتان عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا اکنون در مسجد اعظم خیابان کشاورز آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام مشغول میباشند.

دارای فرزندان برومندی هستد که همگی در پستهای حساس روحانیت اشتغال بخدمات دینی دارند و آنها از این قرار می‌باشند:

۱- جناب حجهٔالاسلام آقا سید محمد زابلی که اکنون در مدرسه سپهسالار قدیم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۲- جناب حجهٔالاسلام آقای سید علی زابلی مقیم نجف که از تلامذه و مشترکین مباحث آیت‌اللَّه العظمی خوئی هستند.

۳- جناب حجهٔالاسلام آقا سید ابوالحسن زابلی که در بروجرد سکونت و به اقامه جماعت و تبلیغات احکام دین اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

زابلی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین زابلی از علماء بنام و محترم این شهرستانست و اکنون با کهولت سن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند. برادر ارجمندشان حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا بزرگ زابلی نیز از علماء این شهرستانست که تا حال تحریر در قید حیات و در آن سامان به خدمات دینی و روحی مشغول می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زارع، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز الله زارع

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب عزیزالله زارع فرزند خلیل متولد ۱۳۴۰ از شهر آمل در سال تحصیلی ۳ـ۱۳۵۲ برای تحصیل علوم حوزوی وارد مدرسه علمیه مسجد جامع آمل شدم مقدمات دروس حوزوی مانند گلستان سعدی و نصاب الصبیان و برخی از کتاب‌های جامع المقدمات را در آن مدرسه فراگرفتم و چون مدرسه آن زمان از نظر مدیریت دچار مشکلاتی بود و برنامه مدونی برای طلاب وجود نداشت سال آینده به مدرسه مسجد هاشمی آمل رفتم عدم استاد و فضای مناسب آموزشی و مشورتی که با حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره) داشتم سبب شد به حوزه جعفریه رستمکلای بهشهر که تحت اشراف حضرت آیت الله ایازی رضوان الله تعالی علیه اداره می‌شد بروم و در سال ۷ـ ۱۳۵۶ به حوزه مقدسه علمیه قم آمدم و چون در قم مواجه شدیم با تعطیلی حوزه به جهت قیام و انقلاب و تظاهرات خیابانی، غالباً درس‌ها را تا لمعه جلد اول نزد اساتید خصوصی می‌خواندم کتابهای که قبل از لمعه جلد اول خوانده شد عبارت‌اند از جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر جلدین اصول فقه مغنی باب رابع، معالم الاصول و جلد دوم لمعه را در درس حضرت استاد وجدانی فخر(ره) شرکت کردم. رسائل شیخ انصاری را نیز در محضر معظم له خواندم. بیشتر مکاسب شیخ را در محضرت آیت الله پایانی بودم و بخشی را نیز از نوار مکاسب آیت الله ستوده استفاده کردم. کفایه الاصول را نزد آیت الله صالحی مازندانی و بخشی را نزد حضرت آیت الله پایانی خواندم.

همراه دروس سطح حوزه درس فلسفه را نیز از بدایهٔ الحکمهٔ شروع کردم و بعد از آن نهایهٔ الحکمهٔ را خواندم و سپس بخشی از کتاب منطق و فلسفه شرح منظومه حاجی سبزواری فراگرفتم مدتی در فلسفه شرح منظومه از درس حضرت استاد آیت الله انصاری شیرازی استفاده می کردم.

سپس به اسفار ملاصدرا پرداختم بعضی از مجلدات آن را در درس حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی و بعضی دیگر را از محضر حضرت استاد جوادی آملی فراگرفتم همزمان جلد سوم اشارات را در محضر حضرت استاد حسن‌زاده آملی می‌خواندم.

بعد از خواندن مجلداتی از اسفار به درس مصباح الانس ابن فناری حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی پرداختم که متأسفانه به سبب ایجاد مزاحمت بعضی جهالِ مخالفِ درس عرفان برای شاگردان شناخته شده کارت ورود به جلسه درس تهیه شده است و بعد از اینکه مدتی با کارت ورود به جلسه درس برقرار بود. استاد به جهت پایه این از مزاحمت‌ها درس را تعطیل نموده‌اند و شاگردان را از این نعمت عظمی محروم شده‌اند.

تمام کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را در عرفان نظری را با نوارهای درسی حضرت استاد جوادی آملی خواندم و بخشی از شرح فصوص الحکم قیصری را نیز با نوارهای استاد جوادی آملی و استاد حسن‌زاده آملی خواندم و باقیمانده را نیز مترصد فرصتی هستم که بخوانم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی سالهای زیادی شرکت کردم و چون مباحث فقهی معظم له در ابواب عبادات بود چهار سال نیز در درس فقهی حضرت آیت الله وحید خراسانی که در معاملات (خارج (بیع مکاسب) بود شرکت نموده‌ام. با تشکیل مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار تحت اشراف آیت الله فاضل لنکرانی بعد از قبولی امتحان شفاهی دوره تخصصی فقه را در حد اجتهاد متجزی در آن مرکز گذراندم و اکنون مشغول تحقیقات فقهی در برخی از موضوعات می‌باشم و تدریس تفسیر المیزان را نیز در مدرسه آیت الله بروجردی (خان) مشغولم و بحمدالله از جهت تبلیغ و منبر نیز چه در قم در بیوت و دفاتر علما و چه در خارج قم و چه در اوقات مخصوص تبلیغ مانند ماه مبارك و محرم الحرام و دهه آخر صفر و چه در غیر آن، وقتم بسیار مشغول است. چند سالی در صدای جمهوری اسلامی استان مازندران تحت عنوان درس‌های از نهج البلاغه یا تبیین اسمای ماه مبارك رمضان مباحثی از این کمترین پخش می‌شد.

در سال ۱۳۶۲ رساله این تحت عنوان اخلاقی در دوجهان بینی اسلام و کمونیسم نوشته‌ام که مدتی جزوه درسی سپاه پاسداران استان کردستان قرار گرفته است و نسخه آن نیز موجود است در سال ۱۳۷۶ نیز مقاله‌ای از این حقیر تحت عنوان حوزویان طائفان بیت الله انفسی در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

زاهد علایی بخاری، ابوعبداللّٰه، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زاهد قمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بن شیخ ابراهیم بن شیخ محمدعلی قمی نجفی از علماء نامی و زهاد سامی و معروف به (زاهد قمی) معاصر ما بوده است وی در ۲۷ رمضان در سال ۱۳۸۰ ق در تهران از دختر علامه شیخ مشکور نجفی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در تهران خوانده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و از ابحاث میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آسید محمدکاظم یزدی و آشیخ رضا همدانی صاحب (مصباح الفقیه) استفاده نموده و به مدارج علم و کمال رسیده و بیشتر به علم و عبادت و زهد و قناعت پرداخته و در مسجد هندی اقامه جماعت نموده و خود نگارنده مدتها ناظر و شاهد بودم که وجوه آیات عظام و علماء اعلام و مراجع کرام مانند آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی و حاج شیخ موسی خونساری و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج سید محسن حکیم و آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آسید محمود شاهرودی و آیت‌اللّٰه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و آشیخ عبدالکریم جزایری و صدها نفر امثالهم به وی اقتدا نموده و درک جماعت او را فوز و فیض عظیم می‌شمردند

آن مرحوم در درس اخلاق ناسک و سالک بزرگ الی‌اللّٰه آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی (۱۳۱۱) شرکت و استفاده سرشار نموده و روش آن عالم ربانی را گرفته و علم حدیث و درایه را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری بهره‌مند شده است دارای تألیفات عدیده می‌باشد که صاحب الذریعه آن را کتابش ذکر کرده است و از آنهاست کتب زیر:

۱- شرح التبصره در ده جلد بزرگ ۲- صلوة المسافر بحث فقهی استدلالی. ۳- تقریرات استادش میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی.

۴- الرجال- تراجم اسانید کافی ۵- الاجاره ۶- الکشکول در چندین جزء دارای فرزندان صالح و برومندیست که ذیلا می‌نگارم.

۱- علامه فاضل مرحوم آقا شیخ حسن قمی داماد شیخ مشکور صغیر که در راه کربلا بدست قطاع الطریق در حیاة والدش مقتول گردید.

۲- شیخ شریف که به مرض سل در زندگی پدرش در تهران وفات و در مقبره‌ی ابن‌بابویه مدفون شده است.

۳- شیخ محمد نیز در زمان پدرش وفات نمود و او اهل فضل و تقوا بود.

۴- حجة‌الاسلام والعالم العلام حاج شیخ موسی که از معاودین و اعلام معاصرین قم می‌باشد.

۵- حاج محمدجعفر که از اخیار تجار و اصناف می‌باشد.

۶- یک دختر که همسر علامه شیخ محمد مؤمنی قوچانی نجفی بوده است.

آن مرحوم در سال ۱۳۶۶ ق مبتلا به کسالت شده و در بغداد و تهران معالجه نموده ولکن مفید نشده تا در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ ق وفات نموده و در جوار مولی‌الموحدین مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد، حبیب‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّٰه داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا فخرالدین قمی سبط مرحوم محقق قمی صاحب (قوانین‌الاصول) از علماء قم مقیم شاهی بودند.

و آن مرحوم به زهد و تقوا و قدس و ورع و فضل و دانش موصوف و معروف بودند تولد ایشان در قم واقع و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگرن استفاده نموده.

و پس از پایان مراتب علمی و عملی در شاهی اقامت و به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در شب چهارم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۷۴ ق وفات و جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان شیخان در نزدیکی قبر میرزاء قمی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زاهدی، ملامحمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ملا محمود زاهدی از وعاظ برجسته و توانمند قم بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی همسر و فرزندان : محمود زاهدی (ره) پنج پسر داشت. سه نفر از آنها که اهل علم و روحانی بودند، عبارتند از:- ۱آقا حسین زاهدی؛ که دانشمندی خوش حافظه و قریب الاجتهاد بود و در جوانی دار دنیا را وداع گفت. مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری که از استادانش بود، در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. سرانجام جنازه وی را در قبرستان شیخان، نزدیک مرقد مطهّر زکریا بن آدم و در ناحیه شرقی آن، به خاک سپردند.- ۲آقا مصطفی زاهدی(ره)؛ به زبان فرانسه تسلط کامل داشت.- ۳حضرت آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که شرح زندگی اش را در این مقاله می‌خوانیم. او وصیت کرد که پیکرش را در قبر برادرش آقا حسین دفن کنند و به این وصیت عمل شدوقایع میانسالی : محمود زاهدی در این باره خود می‌گوید: «در کتابخانه‌ام، بی خبر نشسته بودم که خبر آوردند، مردم شما را برای نمایندگی و وکالت مجلس شورا برگزیده‌اند.» او با اجازه مراجع تقلید آن عصر، روانه مجلس شد و در دفاع از حق، عدالت و حریم تشیّع علوی به خوبی از عهده این مسؤولیّت مهم برآمده؛ ولی به خاطر دفاع از حق، استعفا داد و مجلس را ترک کرد.زمان و علت فوت : محمود زاهدی سرانجام در ۸۷سالگی، در سال ۱۳۵۱ه. ق هنگامی که فرزندش آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی حدود ۴۱سال داشت، رخت از جهان بربست. مردم به صورتی کم نظیر، جنازه‌اش را به حرم مطهّر حضرت معصومه(س)آوردند و پس از طواف، در صحن عتیق، مقابل بقعه محمد شاه به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سلوک و مقبولیّت عمومی ملامحمود موجب شد قمی‌ها او را به عنوان نماینده شان در مجلس شورای ملی در دوره دوم مشروطیّت، برگزیدند و جالب اینکه وی از این امر خبر نداشت و مردم به طور خودجوش، متوجّه او شدند و چنین تصمیم گرفتند که محمود زاهدی را که - بیان شیوا و رسا در دفاع از حق و عدالت داشت و درد آشنا و دلسوز مردم بود. - به مجلس بفرستند. وی در یک قسمت از مسجد امام، اقامه نماز جماعت می‌کرد و مرحوم آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی(ره) در قسمت دیگر نماز می‌خواند. یک روز پس از نماز ظهر، دید مردم در نماز جماعت او بیشتر از مأمومین آیت الله شیخ ابوالقاسم قمی(ره) شرکت کرده‌اند، برخاست و به مردم گفت: «به من اقتدا نکنید، به آیت الله العظمی حاج شیخ ابوالقاسم قمی اقتدا کنید.» آنگاه صحنه را برای توجه بیشتر به مقام مرجعیت و تقوای آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی، ترک کرد. به این ترتیب با نفس خود مبارزه کرد و تجلیل از عالم ربّانی زمان آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی را آشکار ساخت.در زمان ناصرالدین شاه بین ظلّ السلطان، حاکم اصفهان و آیت الله آقا نجفی، مرجع تقلید آن عصر که در اصفهان می‌زیست، رابطه خوبی برقرار نبود. آیت الله حاج ملّا محمود، (پدر آیت الله العظمی حاج میرزا ابوالفضل زاهدی) به اصفهان رفت و با سخنرانی‌ها و ظرافت‌های خاصی، کار را به جایی رساند که در خانه ظلّ السلطان برای آیت الله آقا نجفی(ره) دعا کرد و همین امر برای واعظان دیگر نیز سنّت شد و موجبات افزایش قدرت

و شوکت آیت الله آقای نجفی و تضعیف دستگاه ظلّ السلطان را فراهم ساخت.فعالیتهای آموزشی : محمود زاهدی ، مجتهد بود، مجتهدی که منبر می‌رفت با وعظ و خطابه پرمحتوا و شیوا، عام و خاص را بهره‌مند می‌کرد. علمی صحبت می‌کرد. از ویژگی‌های او در منبر، «شجاعت خوانی» بود. او با این شیوه، شجاعت خاندان رسالت، از جمله امام حسین(ع)و حضرت عباس(ع)و امام سجّاد(ع)را بازگو می‌کرد و مردم سییل آسا به پای منبر او می‌آمدند تا شجاعت خاندان رسالت را از زبان او بشنوند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علت منبری شدن محمود زاهدی ، این بود که در آن عصر در مجلسی که علما و مراجع قم حاضر بودند، یک روز منبری نیامده بود؛ از ایشان می‌خواهند که به منبر برود. وقتی تسلّط ایشان را بر مباحث و مطالب دینی با استدلال و تمسّک به آیات و روایات مشاهده کردند، برای جلوگیری از رونق کار افراد ضعیف و کم اطلاع، ایشان را تشویق کردند تا در مکان‌های حساس و پر جمعیت به منبر برود، به این ترتیب او واعظ معروف شهر شد.آرا و گرایشهای خاص : محمود زاهدی ، از وعاظ و شخصیتهای برجسته و توانمند قم بود و همه مردم، خاص و عام، از گفتار متین و پرمحتوایش استفاده می‌کردند. او به ویژه از ذوقی سلیم و طبعی سرشار از استعداد و خلّاقیت برخوردار بود. و قصاید و اشعار پرمحتوا و روانی در مدح و سوگ خاندان رسالت می‌سرود. آیت الله حاج ملّا محمود، مردی غیور، ملّا و صاحب نفوذ بود. سخن درباره حافظه، استعداد، اطلاعات وسیع در علوم مختلف، توانمندی و کفایت در امور اجتماعی و سیاسی ایشان بسیار استچگونگی عرضه آثار : محمود زاهدی چهار جلد کتاب در مواعظ و مطالب سودمند بر جای ماند که با شیوه‌ای زیبا، متنی روان، سلیقه‌ای خوب و نتیجه‌گیری‌های ارزشمند، تدوین شده است. همچنین در اواخر عمر، کتابی در فضیلت صلوات تألیف کرد.آیت الله آقای حاج ملّا محمود(ره) ادیب زبردست بود و در سرودن شعرهای متین و پرمحتوا تسلّط فراوان داشت. وقتی به مکه رفت، وضع ایرانیان را در جدّه، نامناسب دید، ضعف و ناتوانی سفیر ایران در جده را مشاهده کرد. لذا به انتقاد از او پرداخت. زمانی که به ایران بازگشت، قصیده‌ای غرّا پیرامون سفرش به حج، نامناسب بودن وضع ایرانیان در جده و انتقاد از سفیر ایران، سرود. این قصیده بین مردم گسترش یافت و سرانجام به گوش ناصرالدین شاه رسید. شاه از انتقاد به سفیر خود ناراحت شد و از ایشان خواست تا اشعارش را منتشر نکند

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم./ بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net

زرآبادی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلیل حسینی فرزند عالم جلیل سید موسی فرزند سید علی فرزند سید مهدی فرزند میر بزرگ ابن میر بابا بن میر فاضل که منسوب و منتهی به جناب زید شهدید فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌شود. در یازدهم ذیقعده الحرام ۱۳۳۱ قمری در شهر قزوین سالروز میلاد مسعود حضرت رضا علیه‌السلام به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پروش یافته و در حجر و دامن مادر موسویه با فضیلت دختر عالم متقی حاج سید احمد تنکابنی تربیت شده و مقدمات و ادبیات را در خدمت والد ماجدش خوانده و پس از رحلت آن بزرگوار در تحت سرپرستی و ارشاد مجسمه تقوا و ورع عالم زاهد مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان که از نوادر عصر در محیط قزوین بودند و تربیت روحی و معنوی قرار گرفته و در همان ایام نیز از انفاس قدسیه و رهنمودهائی دائی بزرگش استاد اخلاقش مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی صاحب بیان لقرآن بهره‌مند گردیده و سطوح را در قزوین در خدمت آیات عظام حاج سید ابوالحسن رفیعی و حاج آقا سید هبه‌اللّه کلانتری و حاج سیدمحمد تنکابنی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۶۷ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس اعلام قم چون مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آقا سید محمد حجت و حاج سید محمدتقی

خونساری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی استفاده کرده و از درس و بحث اصول امام خمینی (ره) مدت ۸ سال حداکثر استفاده را نموده و همینطور مدت هفت سال از اسفار و تفسیر علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض شده تا سال ۱۳۷۷ قمری که با مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مدت سه سال در آستانه اشرفیه لاهیجان اقامت و سرپرستی حوزه علمیه آن سامان و مراجعات حومه را به عهده داشته و در سال ۱۳۸۰ قمری به قزوین مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارند. دارای اجازات عدیده اجتهاد و روایتی از آیات گذشته و حاضرین می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زروندنی رحمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد زروندی رحمانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۶ در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره های خوب به پایان برسانم . سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته ، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت- هشت روز تمام کردم . بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود ، پذیرفته شدم . اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود .

دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمه را خدمت مقام معظم رهبری خواندم .

سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم . سال ۵۶-۵۵ بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم ؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم . کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل ، سلطانی ، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم . در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم .اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از : آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو- سه سال خارج فقه و اصول) ، شیخ جواد تبریزی (هفت- هشت سال خارج فقه) ، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی .دروس فلسفه (منظومه ، نهایه الحکمه ، اسفار ، فصوص الحکم و اشارات) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی ، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی ، مصباح یزدی ، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم .

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم ، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات ، دروس سطح از جمله رسائل ، مکاسب ، کفایه ، بدایه و نهایه را سالهای سال تدریس کرده ام

. در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب (که در دست چاپ می باشد) ، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است .

زکی زاده زمانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا زکی زاده زمانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ در خانواده ای مذهبی در شهر رضا،شهر ستان اصفهان چشم به جهان گشودم. در سال ۱۳۶۶ تحصیلات ابتدایی را در شهر رهنان و در سال ۱۳۷۲ تحصیلات راهنمایی را نیز در همانجا به پایان بردم. و در سال ۱۳۷۵ تحصیلات دوره متوسط را نیز در دبیرستان شهید دستغیب رهنان به پایان رساندم . در سال ۱۳۷۶ دروهٔ پیش دانشگاهی را تمام نمودم و یک هفته قبل از کنکور تصمیم بر گرایش علوم حوزوی گرفتم که البته با مخالفت زیاد نیز روبرو شدم به هر حال تصمیم قطعی را گرفته بودم و به محض دادن امتحان کنکور پست کردن رشته ها،دیگر راه حوزه را در پیش گرفتم. در سال ۱۳۷۷ با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا الفدا وارد حوزه علمیّه دار الحکمه در شهر اصفهان شدم که ازلحاظ سطح علمی مقامی والا را داشت.

در آنجا در محضر اساتید بزرگوار همچون حاج آقا کشکولی،حاج آقا یزدیانپور و آیت الله مهدوی و حاج آقا مجید مهدوی و...دروس خود را شروع نمودم و علاوه بر آن در زمینه حفظ قرآن نیز وارد شدم و موفق به حفظ ۱۰ جزء از قرآن شدم که البته به علّت مشکلاتی این حفظ را ادامه ندادم.در همان سالها بود که از اولین دروس حوزوی دست به قلم بردم و کتابهای حوزوی را به شکلی نموداری و تلخیصی و بعدا شرح و تفسیر می نوشتم. و با مشورت اساتید بزرگ آن رشته ها همچون حاج آقا سنایی و دیگران مورد تشویق قرار گرفتم. در دروان حفظ قرآن،روی به نوشتن مباحث قرآنی آوردم و کتابی به عنوان احسان به پدر مادر در آینه قرآن و روایات را تنظیم نمودم که در زیر آن عنوان محقّق را برای خود انتخاب نمودم که با خندهٔ بسیار دوستان واطرافیان مواجه شدم ولی به هر حال شوقی و انگیزه ای وصف ناشدنی برای نوشتن پیدا کردم.

در دومین اثر خود به نام«ظلم از دیگاه قرآن و روایات»به اصطاح دستم بیشتر روانتر شد و موفّق شدم طی چهار ماه کتاب را به پایان رسانم و مقام اول را در کتاب برتر مرکز تحقیقات امیر المؤمنین به اسلام بدست آوردم. سومین اثر خود را چنین شروع نمودم. در فکر موضوعی کار نشده و نایاب در حوزه،و شبهات آن،فکر میکردم و شب معراج پیامبر صلی الله علیه و اله را در ۳ جلد در سال ۱۳۸۱ به پایان رسانیدم که با اسقبال خوب اساتید نیز روبرو شدم و برای انتشار آن،مطلب عربی و مباحث دیگر را حذف نمودم و آن را در یک جلد به نام«معراج پیامبر صلی الله علیه و اله»به چاپ رسانیدم که با استقبال بی نظیری مخاطبان طی چهار ماه،چاپ دوم آن نیز صورت گرفت.

در سال ۱۳۸۳ به لطف و عنایات الهی وارد حوزهٔ علمیّهٔ قم شـدم و طی چندماه اول ازذوق و شوق نمی دانسـتم چه کنم؛دریایی که فقط غوّاص ما هر وزیرک می خواهـد؛از همان روزهای نخستین وارد مرکز تحصصـی علوم حـدیث شدم و گویا آرامش خود را در این رشـته؛وضوح حس می نمودم برای همین تلاشـی بی حد خود را در این رشـته صرف نمودم و به لطف الهی تحقیقات خوبی در این رشـته انجام دادم که مورد تعجب و تشویق بسیار اساتید این رشته قرار گرفتم و هم اکنون نیز در این رشته مشغول به تحصیل می باشم.

زمانی، محمد هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هاشم زمانی

محل تولد : مرودشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از انقلاب اسـلامی بنابر ضـرورت درک اسـلام و باورهای صـحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شـروع کردم و از همیـن ابتـدا به قرآن و مبـاحث تفسیری پرداختم و در کنـار آن به مبـاحث علمی و پژوهشـی می‌پرداختم و در سـال ۶۷ در جبهـه به اسارت عراق درآمـدم و در آنجا در حـد توان به ترویـج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال ۶۹ پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضـمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال ۷۵ پس از طرح‌های بسـیاری که برای رسـیدن به اطلاعات منسـجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی بپردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سـال ۷۹ به تأسـیس مؤسـسه‌ای تحت عنوان «نور فرقـان» اقـدام کردم تا فعالیت و پژوهشـها موجه و نتایـج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد.مدتی کوتاه در معاونت پژوهشـی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعهٔ الزهرا و نیز دو ترم برای خـواهران حـوزوی درس قرآن و تفسـیر آن و عـدم تحریـف قرآن را بحـث داشـتیم و نیز در نمایشـگاههای قرآنی بسـیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشـگاههای قرآن شـرکت می کنم در نمایشـگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشـگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشـگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می کنیم.

زمانی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن زمانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و ۴ سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم.سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم.از سال ۶۱ درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک ۱۵ سال گذراندم.در این دوره تحصیلی ۵ جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است وانگیره این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهبدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست.سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تالیف کردم.فلسفه اسلامی را با خواندن کتب : منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگواری چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم.عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم.جهت فرا گیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمائی ، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره ۴ جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموش عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم.سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره ۲۰ حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد.سال ۷۷ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال ۸۰دوره آموزشی را با معدل ۷۸/۱۸ به پایان رساندم.

در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم.در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها ودروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود زمانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته" دین شناسی "از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان" ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن "دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زنجانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالفضل زنجانی برادر حجةالاسلام حاج شیخ علی شمس زنجانی از دانشمندان فاضل و باتقوای حوزه علمیه قم است. وی در حدود سال ۱۳۴۰ قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن دروس مقدماتی در سال ۱۳۵۸ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را خدمت آیت‌اللّٰه حاج سید احمد زنجانی و مدرسین سطوح قم خوانده و پس از آن از محضر و درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به امر زعماء و مراجع عظام حوزه علمیه قم به صحنه مهاجرت و به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و فضائل

امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم صلوات المصلین اشتغال دارد.

نگارنده گوید. مترجم محترم ما از فضلاء پرهیزکار می‌باشد در سال ۱۳۶۱ ق باتفاق ایشان و جناب حجهٔالاسلام حاج سید قوام‌الدین موسوی زنجانی مسافرتی از طریق (صلوات) به عتبات عالیات نموده که خاطرات شیرین آن سفر پس از گذشت سی و سه سال هنوز از خاطرم نرفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنجانی، عبدالواسع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۱ -۱۲۳۵ ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۸ -۱۹۷ /۱۰ ،۱۷۷ ،۱۰۰ /۶ ،۲۷۲ /۱)، ریحانه (۳۸۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۸۰۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۶).

زنجانی، عزالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شهر زنجان به دنیا آمد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد استادان ادبیات، چون آقا میرزا علی‌اصغر فصاحتی، به همراه استاد رضا روزبه، منطق «حکمه الاشراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پدرش تحصیل نمود. بعد از فراغت از کتابهای سطوح، «رسائل» و «مکاسب» و قسمت عمده‌ای از «طهاره» شیخ انصاری را نزد آقا شیخ حسین زنجانی که از مجتهدین زنجان و از شاگردان آخوند خراسانی بود، خواند. «کفایه الاصول» را در خدمت حاج شیخ عبدالکریم خویینی زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان «تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور ۱۳۲۰ به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیهٔاللّه حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیهٔاللّه صدر و آیهٔاللّه خوانساری شرکت نمود، و در معقول «اسفار» را به همراه استاد شهید مطهری و آیهٔاللّه حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیهٔاللّه بروجردی تکمیل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیهٔاللّه حکیم و آیهٔاللّه آقا سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای

تبلیغی. از آثـار علمی‌اش «تقریرات» اصول آیـهٔاللَّه بروجردی؛ شـرح قسـمت اعظم «وسـیله»؛ حواشـی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۱ -۲۳۹ /۵).

زنجانی، علی نقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر محسن جـدّ سادات موسوی زنجان و اصـفهان است که نواده او حاج میرزا علی نقی به اصـفهان، مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامـات عـالیه علم و اجتهاد به تـدریس و اقامه ی جماعت در مسـجد خیاطها که آن را مسـجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته، دارای تألیف و تصنیف بوده.
در ماه صفر سال ۱۲۵۸ وفات یافته، در تخت فولاد، جنب فاضـلان مدفون گردید. دارای خطّی نیکو بوده و حواشـی بر کتاب ذریعهٔ الضراعه تألیف محقّق فیض کاشانی در سال ۱۲۲۱ نگاشته. نسخه ی آن در کتابخانه آستانه ی رضویّه موجود است.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زیارتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد زیارتی فرزند مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی در سال ۱۲۸۰ شمسی در روستای زیارت از توابع مهدی شهر سمنان به دنیا آمـده و دروس ابتـدائی و مقـدمات را نزد والـد ماجـدش و نیز پدر همسـرش خوانده و بعد عزیمت به تهران نموده و چند سالی مقدمات و ادبیات و سطوح را از اساتید و مدرسین آن سامان در مدرسه سید نصرالدین و مدرسه فخریه (مروی) استفاده کرده و بعد به قم عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشغول تکمیل مبانی علمی فقه و اصول شده و از محضر آیات عظام حوزه چون آیت‌اللَّه حاج سیـد محمـدتقی خونسـاری و حاج شـیخ محمـدعلی اراکی و آیت‌اللَّه العظمی حایری مؤسـس یزدی و دیگران اسـتفاده نموده، تا به مدارج علمی اجتهاد رسـیده و به تهران آمده و در مدرسه خان مروی یاد شده به تدریس فقه و اصول و غیره مشغول شده تا در سال ۱۳۶۶ قمری که به سنگسر (مهدی شهر) برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و بالاخص مبارزه با فرقه ضـاله (بهـائیه) پرداخته و مجاهـدات طـاقت فرسـائی نموده و صـدمات و لطمـات طاقت‌فرسائی متحمل شـده و از آشـنا و بیگانه مصائبی را به جان خریـده و مدتی هم از طرف دولت طاغوتی به تحریک منافقین و فرقه گمراه تبعید به کاشان شده و پس از چندی آزاد و به تهران آمده سپس به محل خود برگشـته و به وظائف خویش مشغول گردیده تا در روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال ۱۴۰۰ قمری برابر سال ۱۳۵۹ شمسـی در سن هفتـاد و هشت سالگی در تهران از دنیا رفته و با تشـییع و تجلیل کم‌سابقه‌ای حمل به سنگسـر (مهدی شهر) و در حسینیه المهدی (ع) آنجا مدفون گردیده است.
آثار و باقیات الصالحات ایشان

۱- حسینیه المهدی (مهدی شهر)

۲- غسالخانه قریه زیارت

۳- تجدید بناء مسجد پامنار مهدی شهر

۴- تجدید بناء مسجد صاحب الزمان

۵- حمام ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف

دارای دو فرزند روحانی می‌باشند که به خدمات فرهنگی و علمی و دینی اشتغال دارند.

۱- آقای سید حمید روحانی زیارتی مؤلف کتاب نهضت امام خمینی در دو مجلد بزرگ .

۲- حاج سید محمدعلی روحانی زیارتی که در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند.

بیوگرافی آقای زیارتی به قلم یکی از فرزندان ایشان در سالگرد درگذشت ایشان

از درگذشت مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سیداحمد زیارتی یکسال می‌گذرد.

ابر عالمی که عمر گرانبهای خود را در خدمت به اسلام، نشر احکام، ترویج دین و هدایت انسانها ارشاد مسلمانها گذراند و از مبارزه با کفر و الحاد، انحراف و گمراهی و سیاهی و تباهی هیچگاه باز نایستاد.

آیت‌اللّه زیارتی در مورخه ۱۲۸۲ در دهکده‌ی زیارت چشم به جهان گشود. تقریبا در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم اسلامی راهی حوزه علمیه‌ی قم گردید و از محضر پر ارج علمای عظیم‌الشان عصر خویش چون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضلی قمی (اعلی اللّه مقامهم) به کسب فضائل علمی پرداخت و دیری نپائید که قوه استنباط و مقام اجتهاد را احراز کرد. در سال ۱۳۲۰ به تهران منتقل و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات علمی، اسلامی، برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و نیز عهده‌دار تولیت مسجد مروی شد. علیرغم استقبال شایان توجهی که اهالی تهران به ویژه دانش‌پژوهان مدرسه دارالفنون از جلسات ارزنده ایشان به عمل می‌آورند طبق دستور صریح قرآن که اعلام می‌دارد (فلولا نفر من کل فرقهمنهم طائفه...).

در سال ۱۳۲۲ مهدی‌شهر سمنان که به صورت پایگاه مخوف و مرکز مرموزی برای حزب صهیونیستی بهائیت درآمده بود مهاجرت کرده و به یاری شهروندان بی‌پناه خویش که از هر طرف مورد هجوم دشمنان اسلام و دین‌سازان بین‌المللی قرار گرفته بودند شتافت و یک تنه در برابر راهزنان عقیده و ایمان که با به راه انداختن بساط بهائیگری و صوفیگری می‌خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند ایستاد و به روشنگری پرداخت و چراغ هدایت را فرا راه توده‌های مستضعف مسلمان نهاد و دست آنان را گرفته یکی پس از دیگری به صراط مستقیم رهبری نمود و از کجروی، کج‌اندیشی و غلطیدن در سراشیبی انحراف و انحطاط جلوگیری کرد.

بدخواهان، کج‌اندیشان، زراندوزان، دین‌سازان و دزدان عقیده و ایمان که با مبارزه منفی و قاطع آیت‌اللّه زیارتی بایکوت. ایزوله و منفور شده بودند به توطئه‌چینی دست یازیدند و با همکاری مزدوران دولتی به پرونده سازی واهی علیه ایشان پرداخته نقشه تعقیب و محکومیت ایشان را فراهم ساختند که منجر به مهاجرت ایشان به تهران در سال ۱۳۳۱ گردید. لیکن از آنجا که آیت‌اللّه زیارتی هماره مشمول الطاف خداوندی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف قرار داشتند در این برهه حساس توانستند با پشتکار و پایداری و اتکال بر لایزال این توطئه خائنانه دشمنان اسلام را خنثی سازند و پیروزمندانه و مقضی المرام به مهدی شهر بازگردند و رسالت مقدس خود را در ارشاد توده‌ها و ریشه‌کن ساختن کجرویها و کج‌اندیشی‌ها دنبال کنند و «سنگسر» کفرخیز و فسادانگیز را به «مهدی شهر» اسلام پناه بدل سازند و اهالی محل را هرچه بیشتر از گروه‌های کافر پیشه و منحرف دور داشته به اسلام آشنا و اولیای خدا متوجه کنند و ده‌ها نفر دانشمند در مسائل دینی تربیت نمایند.

آقای زیارتی علاوه بر ارشاد و هدایت توده‌ها به عمران و آبادی شهر نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و با امکانات محدود و با کمک

مردم مستضعف و مستمندی که با دسترنج خود ایشان در مسائل عمرانی یاری می‌کردند توانستند سه باب حمام، دو مسجد، یک حسینیه، یک غسالخانه، و یک داروخانه تأسیس نمایند و بدین وسیله تا حد امکان وسائل رفاه و آسایش اهالی را فراهم سازند.

حزب صهیونیستی بهائیت که هیچگاه از توطئه و دسیسه علیه اسلام و ایران بازنمی‌ایستد، در سال ۱۳۳۸ با همدستی بعضی از خوانین محل به منظور ضربه زدن به اسلام در مقام تأسیس کانون فساد و جاسوسی به اسم «مشرق الاذکار» در مرتفع‌ترین مکان شهر برآمدند که با همت مردم مسلمان و غیور شهر درهم کوبیده شد و پس از سالها کشمکش سرانجام در سال ۱۳۵۱ بار دیگر عنایت ویژه حضرت امام مهدی منتظر شامل حالی اهالی گردید و آن مکان حساس در اختیار مسلمانان قرار گرفت که به اراده آیت‌اللَّه زیارتی ساختمان حسینیه باشکوهی در آن مکان به نام آن حضرت تأسیس شد که اکنون مرکز نشر و تبلیغ اسلام و محل مراسم هفتگی نماز جمعه می‌باشد.

آقای زیارتی طبق فرامین اسلامی با رژیم ضد اسلامی ایران موضع آشتی‌ناپذیر و استواری داشت و نه تنها هرگونه مراوده و ارتباط با مقامات دولتی را مردود و محکوم می‌شمرد بلکه حتی عقد طلاق در محضرهای دولتی را جایز نمی‌دانست و در طول عمر پر افتخار خویش هرگز با مقامات مزدور رژیم پهلوی ارتباط برقرار نکرد در مراسم رسمی دولتی شرکت ننمود و علیرغم فشار همه جانبه‌ی ساواک از دعاگوئی و مدیحه سرائی برای رژیم به شدت خودداری کرد و دست رد بر سینه‌ی نامحرم زد. این موضع انعطاف‌ناپذیر و سرسختانه آیت‌اللَّه زیارتی در برابر رژیم طاغوت و ضربه‌های سنگینی که بر حزب صهیونیستی بهائیت وارد کرده بود موجب گردید که بار دیگر توطئه ننگین و خائنانه‌ای علیه ایشان به مرحله‌ی اجرا درآمد و در تاریخ اسفند ماه ۱۳۵۴ بدون محاکمه و اثبات بزه به ۲ سال تبعید در کاشان محکوم گردید و بر اثر کسالتی که در تبعیدگاه دچار شد برای همیشه زمین‌گیر و سرانجام در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۹۹ به رحمت ایزدی پیوست.

انا لله و انا الیه راجعون

ذیحجه ۱۴۰۰- آبان ۵۹

باقیات الصالحات مرحوم زیارتی

در سنگسر مکان مناسب و مرتفعی به نام (قلعه) از قرنها پیش برای مسلمانان محل دعا و خیرات و عزاداری ماه محرم بوده در سال ۱۳۱۰ ش منکرین امام زمان عجل‌اللَّه تعالی فرجه بقصد لطمه به دین مبین اسلام در خفا با نیرنگ و تشبث آنجا را به ثبت رسانیدند و در سال ۱۳۳۸ به عنوان کانون ضد اسلامی مشغول بنائی شدند که از جانب عموم مسلمین سنگسر منهدم گردید و پس از یکسال کشمکش بالاخره شورای عالی ثبت پرونده ثبتی قلعه را باطل اعلام نموده و کار به دادگستری کشید.

چون مبارزه دینی محض بود حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای بروجردی اعلی‌اللَّه مقامه و حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری ادام‌اللَّه عزه و حضرت آیت‌اللَّه آقای حاج سید احمد زیارتی ادام‌اللَّه عزه در امر آن توجهات مخصوصه فرمودند در مدت ۱۴ سال جریان محاکمات که دوران اضطراب و درماندگی مؤمنین سنگسر بود جز دعا و استغاثه به درگاه پروردگار و توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه تعالی فرجه که فریادرسی از شیعیان شیوه آن بزرگوار است راهی نبود پس از سالها تلاش الحمدلله در سال ۱۳۵۱ رای قطعی بر حقانیت مسلمین صادر گردید و قدرت اعجاز حضرت حجه منتظر (فرزند برومند فاتح قلعه خیبر) در تمام مراحل مشهود بوده است پیروان و دوستداران آن حضرت برای بزرگداشت این موهبت عظمی و افتخار بی‌همتا و برای عرض ادب به ساحت مقدس حضرت بقیه‌اللَّه لازم دانستند ساختمان حسینیه مجلل و باشکوه که جلوه‌گر معجزه نمائی آن حضرت باشد بنا نمایند تا آن نور دیده اهل ایمان به آستان تابناک جد گرامی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام اهداء نماید امید است این خدمت ناچیز قبول حضرتشان باشد و به یادگار معجزه امام زمان برای قرون و اعصار بماند.

و سنگسر به نام نامی حضرت مهدی منتظر (ارواحنا فداه) مهدی شهر نامیده شود. «ان‌شاءاللَّه تعالی».

خاطره نگارنده (از مهدی‌شهر)

نگارنـده گوید: در ماه رمضان ۱۳۶۷ قمری برای تبلیغ به شـهمیرزاد واقع در یک فرسخی (۶ کیلومتری) مهدی‌شـهر که در آن وقت معروف به سنگسر بود رفته بودم و در آن موقع هشتاد درصد (۸۰ درصد) مردم آنجا منحرف و پیروی مرام سـخیف و کثیف باب و بهاء بودند و در شـهمیرزاد هم چندین خانواده از آنان بودند پس همه روز بر علیه آنان سـخنرانی کرده و بدعتها و انحرافات آنان را فـاش نموده و تبلیغ می‌نمـودم و آنهـا ناچـار مبلغی برای منـاظره بـا من از محفـل خـود خواسـتند و وی که مرد سـالخورده‌ای بود و می‌گفت کرارا به حیفا وعکا رفته‌ام بحمـداللّه و فضـله در یک مجلس مباحثه و مناظره محکوم شده و عده‌ای ازآنها برگشـته و یا در مرامشـان متزلزل شدنـد و پس از ماه رمضان که عازم مراجعت گردیـدم و عـده‌ای بسیار برای مشایعتم آمدنـد و چون از شـهمیرزاد خارج و به سنگسـر (مهدی شـهر) رسیدم جماعتی به استقبال آمده و مرا به گرمی از ماشین پیاده نموده و به منزلی بردند و می‌گفتند شما یک ماه در شهمیرزاد افاضه نموده یک شب هم به ما می‌رسد.

پس از ورود به منزل آنان و وضع آنجا و قیافه آنها ناگهان ملهم شدم که شاید اینها بهائی و منحرف از اسـلام باشـند و نقشه‌ای برای کشـتن مـن داشته باشـند وحشت عجیـبی به من دست داد تفـال به قرآن مجیـد زدم تـا مطلب برایم روشن گردد پس چـون قرآن را گشودم این آیه آمد «ان الملاء یأتمرون بک لیقتولک» به تحقیق که این گروه نسبت به تو سوء قصد دارند و نقشه می‌کشـند که تو را بکشـند. پس فورا از آن محفل بیرون آمده و فرار را برقرار اختیار نموده و خود را به خدا و حضـرت ولی‌اللّه اعظم روحی و ارواح العـالمین لتراب مقـدمه الفـداء سپرده و به راه آهن سـمنان آمـده و با وسـیله قطار به مشـهد رسانیـدم و از حضـرت رضا علیه الصـلوه والسـلام تشـرف مکه را خواسـتم پس من حیث لا ـ یحتسب موفق و مشـرف در مراجعت به ایران پـایم که در اثر درد کوتاه و مرحوم دکتر علوی که طبیب معالجم بود و می‌گفت پایت باید عمل جراحی شود چون استخوان پای سیاه و ۷۰ درصد حتما از ساق بریده و یا سی درصد کوتاه خواهد شد در اثر توسل به باب الحوائج الی اللّه حضرت موسی ابن جعفر علیهماالسلام شفا یافت.

و داستان سنگسر هم قبل از آمدن مرحوم آیت‌اللّه زیارتی بسنگسر (مهدی‌شهر) بوده است و الحمدلله علی العافیه و التوفیق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زیبایی نژاد، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا زیبایی نژاد

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۰ موفق به اخـذ مـدرک دیپلم در شـیراز شـدم در این سال دروس سال اول حوزه علمیه به صورت آزاد فراگیری شد. سال ۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شـدم . سال ۶۱ – ۶۲ در مـدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مـدرسه رضویه . از سال ۶۴ به مدت ۱۱ سال مشـغول به تدریس ادبیات (جامع المقدمات، سـیوطی، مغنی) و در مدارس رضویه، معصومیه، حقانی و مرعشـیه بودم . شـرکت

در ده ها سمینار و همایش به عنوان سخنران و یا شرکت در میزگرد در موضوعات مختلف از جمله فعالیت های انجام شده از سال ۷۶ تا کنون بوده ، بعلاوه تدریس در دوره های آموزش مباحث زنان برای طلاب سطح ۳ حوزه، خواهران، دانشجویان، اساتید حوزه و دانشگاه و اعضای نهادهای تخصصی زنان از جمله این فعالیتها ، از سال ۷۷ تا کنون بوده است. (حداقل ۵ دوره آموزشی) همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان عضو شورای علمی دانشنامه زینب فاطمی (س) و مسئول گروه زن در این دانشنامه از سال ۸۱ از جمله فعالیت هاست. در سال های ۷۴، ۷۵ و ۸۰ به دلیل احساس خلأ در آثار دین شناسی و فقدان متنی که مسیحیت را در نگاه مسیحی و در نگاه اسلامی به صورت مقایسه ای تبیین کند مطالعات شخصی در آثار اسلامی (آیات ، روایات و متون) و آثار مسیحی انجام دادم که نتیجه آن ۲ جلد کتاب در این موضوع شد. در سال ۷۸ هم پیشنهادات تالیف کتابی را برای حوزه علمیه خواهران در موضوع زن ارائه شد که نتیجه آن تدوین یک جلد کتاب (با همکاری حجه الاسلام محمد تقی سبحانی) بود. در سال ۱۳۶۷ رتبه دوم پایه ۷ حوزه در سال ۱۳۶۸ رتبه اول پایه ۸ حوزه شدم. همچنین ایشان در سال ۷۷ مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه فروزان هستند

زین العابدینی مرندی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی زین العابدینی مرندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت : زین العابدینی

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

موسی زین‌العابدینی فرزند مرجع زاهد و عارف شیخ هادی که از نوادگان شیخ بهائی عاملی است در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمده ام. پدرم متولی امر تربیتی و آموزشی مرا از همان بدو کودکی به عهده گرفت و خواندن و نوشتن قرآن را به من آموخت که من ۶ ساله بودم. از نوجوانی صرف و نحو و تمامی سطوح را تا انتهای آن نزد پدرم به پایان رساندم. و علاوه بر ایشان مکاسب را نزد محقق بزرگوار شیخ حسن یزدی و کفایه را نزد استاد محقق شیخ فاضل قائنی خواندم. درس خارج اصول را به مدت ۱۰ سال حدود یک دوره و نصف و خارج فقه اکثر ابواب فقه را نزد مرجع عالی قدر سید ابوالقاسم خوئی و حدود ۵ سال نزد امام خمینی(ره) خارج فقه خواندم. مسائل مستحدثه را نزد محقق بزرگ شیخ حسین حلی و بعضی ابواب فقه را نزد سید عبدالهادی شیرازی و بعضی از علوم دیگر را مثل عروض، هیات، طب و غیر اینها را نزد استاد عالی مقام شیخ مرتضی گیلانی به پایان رساندم. و اجتهاد خویش را از پدرم شیخ هادی زین العابدینی و حضرت آیت الله العظمی خویی بحمدالله گرفتم. از همان سنین جوانی تألیف و نوشتن کتاب را آغاز کردم. البته تقریرات تمامی دروس خارج را به دقت می‌نگاشتم و نگهداری می‌نمودم. ولی متأسفانه بعد از اینکه ما را از نجف اشرف بر روی مرز ایران قرار داده و اجازه ندادند حتی مدارک هویتی و سجله‌های خود و خانواده ام را بردارم تمامی زندگی و مایملک اعم از پول و وسائل شخصی خانه و کتابهای چاپی و خطی و

تقریرات علمی اینجانب را صد افسوس و صد افسوس و... به یغما بردند ـ البته حدود دو سال به جرم مبارزه سیاسی در زندانهای عراق مثل ابوغریب و غیره محبوس بودم تا با توسل به حضرت ثامن الحجج(ع) از حبس رهائی یافتم. شرح منطق به صورت تعلیقی و زندگانی و سرگذشت علمی و تاریخی داوود بن الحسن(ع) حدود ۵۰۰ صفحه بود و نیز در زندگانی کمیل بن زیاد و حیات علمی او در زمان امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب(ع) دیوان شعری هم درباره زندگانی و مدح ائمه اطهار(ع) نوشتم و سرودم از بیشتر علماء نجف اجازه در امور حسبیه داشتم و اکثر مراجع قم نیز اجازه حدیث یا امور حسبیه را به بنده مرحمت نموده اند. مدت ۸ سال برای تبلیغ به منطقه کوت که شهر بسیار مهم ولی از لحاظ علمی و شرعی ضعیف بود، که در مدت ۸ سال تأسیس مسجد ، حسینیه ، مدرسه و تربیت جوانان بسیار زیاد با پشتوانه مراجع آن زمان سیدمحسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی کار مهمی بود و بیشتر وقتها با شهید سعید محمدباقر صدر در امور اداره فرهنگی این شهر که بین بغداد و بصره واقع شده مشورت می‌نمودم و ایشان از حامیان اصلی اینجانب بودند. سال ۱۳۵۹ بعد از انقلاب اسلامی ما را به عنوان ایرانیان مقیم عراق از نجف بدون اخطار قبلی و به بهانه‌ای، حضور ما در کلانتری را خواستند و بعد از اینکه در کلانتری (امنیت نجف) حاضر کردند با تمامی عموها و بسیاری از علمای نجف با ماشینهای ارتشی، لب مرز ایران و عراق قرار داده و تمامی اموال و کتابها را مصادره نموده و یا به آتش کشیدند.و کار تبلیغی و علمی خود را در تهران منطقه دولت آباد شهر ری مجدداً آغاز نمودم و تا سال ۷۷ در تهران به کار تدریس و تبلیغ در حوزه قائم ـ مروی ـ دانشگاه امام صادق حسینیه معیری که با همت اینجانب برای عراقیها تأسیس شد که زمین آن تاکنون به اسم اینجانب است و از سال ۷۷ به بعد بر اثر بدی هوای تهران به قم منتقل شدم. و به تدریس در حوزه گلپایگانی و فرصتی دست یافت تا خیلی از تألیفات خویش را به اتمام برسانم. که اکثر تألیفات اینجانب هنوز به عللی که خدای سبحان صلاح دیده و می‌داند چاپ نگردیده بجز کتاب احسن المقال فی حکم الصلاة علی النبی و آله که اهل خیری آن را به چاپ رسانید.

زین العابدینی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی زین العابدینی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی(ره) در تهران توفیق حضور یافتم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت،اصول،فقه،بدایهٔ الحکمه،نهایهٔ الحکمه،مکاسب محرمه،رسائل، کلیات فی علم الرجال،درایهٔ الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درسهایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب،رجال،درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زین‌الدینی، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی بن السید الاعلام آقا سید سیف‌الله مدفون در قریه رشیدی چاپلق در تاریخ ۲۵ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۱۵ قمری متولد شده و پس از پایان کودکی در حجر تربیت پدر معظم خود بتحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراغت از آن مقداری از مقدمات را نزد وی استفاده کرده آنگاه باراک آمده و مقدمات را نزد مرحوم حاج ملا عبدالحمید انجدانی که یکی از علماء نحو بوده استفاده و مقداری از سطح را خدمت مرحوم آقای حاج شیخ عباس اردیس آبادی مدرس که یکی از علماء جلیل و از صاحبان مقامات عالیه و کرامت باهره بوده خوانده و پس از چند سالی در سال ۱۳۴۱ بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و بعضی دیگر استفاده کرده و ثانیا باراک برگشته و از محضر مرحوم سلطان العلماء و مرحوم آیه‌الله میرزا ابوالحسن مجتهد بهره‌مند شده و مدتی هم از محضر مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی خارج فقه و اصول را استفاده کرده و اکنون بالغ بر چهل و پنج سال است که در اراک اقامه جماعت دارد و هم بتبلیغ احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام مشغول می‌باشد.
فرزند ارجمند ایشان آقای عزالدینی از علماء و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سادات فخر، محمد محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال ۱۳۳۴در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال ۱۳۴۹ آغاز در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های ۱۳۶۵ ـ ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید.ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع البیان از انتشارات اسوره ۱۳۸۳ می‌باشد. نیمه دوم سال ۱۳۶۹ تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید ۸۰ دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل‌سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال ۱۳۷۲ به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع‌نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید.طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۷۲ در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال ۱۳۷۷ بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود.اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد.بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام

پروژه‌های فاز اول موضوع‌نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

سادات، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا میرزا حسن دکمه چین. عالم فاضل، امام جماعت مسجد علی قلی آقا، در بعد از ظهر چهارشنبه ۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۸ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ساداتی نژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمهدی ساداتی نژاد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمهدی ساداتی‌نژاد در سال ۱۳۴۸ در خانواده ای مذهبی در سفیدشهر از شهرهای اطراف کاشان متولد شده و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و دروس مقدمات و سطح را در حوزه علمیه امام خمینی(ره) و سپس مدرسه مرحوم آیت الله یثربی به پایان برده و در سال ۱۳۶۷ در کنکور سراسری در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شدم.در سالهای تحصیل در حوزه علمیه به صورت داوطلب دروس دبیرستان را به عنوان مقدمه ورود به دانشگاه ادامه دادم. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم(ع)شهری و مدرسه برهان شدم و دروس سطح و خارج را در این دو حوزه ادامه دادم. در سال ۱۳۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ در آزمون دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پذیرفته و مشغول تحصیل شدم. همزمان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در گروه معارف اسلامی از سال ۱۳۷۴ مشغول تدریس دروس معارف اسلامی بوده ام و تا کنون افتخار همکاری و تدریس در دانشگاه های مختلف را داشته ام.

ساروی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ساروی از علماء اعلام و فضلاء بنام از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و اقران او بوده و در ساری به خدمات دینی از تدریس و تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر و خدمات دیگر اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۲۰ ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر ساروی از علماء ساری مازندران بوده و در عهد ناصرالدین شاه در ساری به خدمات دینی از امامت و غیره اشتغال داشته است و بعد از ۱۳۰۶ ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساریخانی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل ساریخانی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالبا با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می رسیدم ولی پس از اخذ

دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتم و جمعاً حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعاظم حوزه شرکت می کردم.از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات ، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می نمایم . و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به ۱۵ سال تدریس می کنم . به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های علمی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۱ لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال ۱۳۷۵ به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره ۵/۱۹ مورد تصویب قرار گرفت . در همان سال بلافاصله در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال ۱۳۸۱ توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود ۱۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی باسیستم قضایی و مشکلات آن پروانه وکالت پایه یک اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می گمارم . در سال ۱۳۸۴ به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیک امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

سالاری فر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا سالاری فر

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهر قزوین متولد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصفهان رفتیم. تا سال ۱۳۶۵ در اصفهان سکونت داشتم و از آن سال تا کنون (۱۳۸۴) در قم زندگی می کنم.در سال ۱۳۶۰ در اصفهان مدرک دیپلم ریاضی فیزیک را اخذ نمودم. از دبیرستان در کنار دروس دیگر به تحصیلات حوزوی مشغول بودم. پس از سال

۱۳۶۳ به طور تمام وقت به دروس حوزه مشغول شدم. درسال ۱۳۶۵ با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی اساتید دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال ۱۳۷۰ به دروس روان شناسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نامه ام مربوط به مقایسه دیدگاه اسلام با برخی دیدگاههای روان شناسی در بحث خانواده است.اکنون به تحقیق در حوزه روان شناسی و اسلام و ساعاتی تدریس روان شناسی اشتغال دارم. عمده تحقیقات من به حوزه های روان شناسی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می شود.

سالاری نژاد، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسعود سالاری نژاد

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد مسعود میر سالاری نژاد در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم مکانیک خود را از هنرستان فنی شهداء اهواز اخذ نمودم و از همان سال در مدرسه علمیّه امام صادق نیروگاه قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی شدم .همزمان باتحصیل دروس سطح حوزه به رشته اقتصاد دانشگاه مفید همت گماشتم و پس از اندکی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم . در سال ۱۳۷۸ به عنوان مدیر دفتر تحقیقات نور رایانه منصوب و نسبت به پژوهش و تحقیق در مباحث ادبیات فارسی آشنائی پیدا کردم و مشغول به تحقیق شدم . در سال ۱۳۷۹نسبت به تولیدچند رسانه ای مثنوی معنوی و کارهای تحقیقاتی این پروژه تحت عنوان مدیر و متکفل پروژه ،همت گماشتم ودر سال ۱۳۸۱ کارهای تحقیقاتی پروژه شاهنامه فردوسی را مدیریت نموده و در دو لوح فشرده به جامعه فرهنگی عرضه نموده ام . همچنین بعضی از مقالات و نوشته های موجود در این دو پروژه از اینجانب می باشد.

هم اکنون هم نسبت به تولید نرم افزار چند رسانه ای حافظ شیرازی و کارهای تحقیقاتی آن و پیگیریهای متعدد با مراکز علمی ، پژوهشی « مرکز حافظ شناسی و انجمن شاعران تهران » مشغول به کار هستم. همزمان با همکاری با مرکز به دروس خارج استاد سبحانی «اصول » و استاد مکارم «فقه» مشغول می باشم.

سالاری، مظفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظفر سالاری

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

از دوم دبستان عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده و همواره با کتاب و کتابخوانی انس والفت داشته ام . از سال ۶۷ همراه با شرکت در کلاس های ادبی و هنری دفتر تبلیغات ، اداره کتابخانه ادبی آن جا را پذیرفتم . از سال ۷۱ همکاری ام را با مجله سلام بچه ها به عنوان مسئول داستان آغاز کردم و دو سال بعد با همین عنوان با مجله «پوپک» نیز همراه شدم . برای بچه ها داستان ، نمایشنامه ، فیلمنامه ، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی تربیت کرده ام . در آن زمان که به طور مرتب نقد می نوشتم ، در سه سال پیاپی در جشنواره مطبوعات کانون در زمینه نقد برگزیده شدم . کتاب ها و داستان هایم بارها برگزیده جشنواره ها شده و مورد تقدیر قرار گرفته است . رمانم با نام «نیمه شبی در حله» می تواند الگویی باشد برای نگارش داستان با صبغه دینی" . نیمه شبی در حله "نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ، برگزیده کتاب سال ولایت و کتاب سال سلام بچه ها و پوپک در سال ۸۳ بوده است . بارها داور کتاب سال بوده و با عناوین کارشناس ، عضو هیات علمی ، مشاور و مدیر در امور ادبی و هنری دعوت به همکاری شده ام . به دلیل خدمات فرهنگی و تولید و تدریس داستان طی سال ها ، در دهمین کنگره شعر وقصه طلاب ، برگزیده ویژه شناخته شدم . از سال ۸۳ با معرفی شورای فرهنگ عمومی و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان عضو هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان ، در تدوین آیین نامه نظارت ، همکاری موثر داشته ام . نخستین جلد از مجموعه پنج جلدی داستان نویسی قدم به قدم با نام «گشایش داستان» در سال ۸۳ از من به چاپ رسیده و مورد استقبال قرار گرفت . در کنار مسئولیت هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات ، سر دبیری فصلنامه «آفرینه» را نیز به عهده دارم و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه ها و نگارش دایرهٔ المعارف موضوعی قرآن برای ایشان نیز می اندیشم .

سالک کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌حاج محمد اسماعیل عالم فاضل زاهد جامع واعظ کامل. در حدود ۱۳۲۸ در کاشان متولد گردید، پس از تحصیل مقدمات به قم مهاجرت نموده، در آنجا در محضر جمعی از اساتید وقت به تکیل معلومات خود پرداخته، و به درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر شده، و اختصاص به آیهٔ الله مرعشی نجفی یافته، سپس به مناسبت عدم سازگاری آب و هوای قم به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر متوطن شده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت و ارشاد و هدایت مردم پرداخته؛ واعظی شیرین بیان، و سالك طریق حق بوده. الحق می‌توان او را انسان واقعی و مسلمان حقیقی دانست.

در شب غره‌ی ربیع‌الاول سال ۱۳۸۹ وفات یافته، در تخت فولاد در بقعه‌ی تکیه‌ی آقا سید محمد لطیف خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سالکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد فرزند رکن‌الاسلام معروف بسالکی بابلی از فضلاء این شهر بوده و در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی حایری برای تحصیل و تکمیل مراتب علمی بقم آمده و پس از چند سال با احراز مقامات فضل و دانش از حیث فقه و اصول و حکمت و ادبیات مراجعت ببابل نموده و از راه منبر و وعظ و خطابه و تبلیغات و مبارزات با منحرفین خدماتی انجام داده تا در چند سال قبل از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سالمی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم سالمی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۱وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه شهیدین وسپس رضویه و امام محمد باقر (ع) مقدمات را تا لمعتین و اصول فقه به اتمام ودر مدت بسیار کوتاهی سطوح را به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۸خارج فقه، اصول، رجال، درایه، کلام و تفسیر را نزد استاد گرانقدر و محقق عالی مقام سیفی مازندرانی شروع و تا به الان ادامه دارد.

همزمان با تحصیل درسهای مرسوم حوزه رادر سطوح مختلف تدریس کرده و به طور رسمی در دو مدرسه عالی امام خمینی (ره) و شهیده بنت الهدی مشغول تدریس دروسی مانند مبانی علم رجال، درایه، منبع شناسی حدیثی شیعه و اهل سنّت، تاریخ حدیث، فقه حدیث و شیعه شناسی با دو زبان فارسی و عربی هستم که متن برخی از آنان را خود تهیّه و تدوین نمودم و در ضمن تحصیل و تدریس به تحقیق و تدوین در حوزه های فقه، اصول، رجال، منابع حدیثی و ادبیات پرداخته ام و تنها اثری که موفق به چاپ و نشر آن شدم کتاب الاسلام والحریه می باشد.

سامت قزوینی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱- ز ۱۳۶۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در قزوین به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت‌اللَّه شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللَّه شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت‌اللَّه نایینی و آیت‌اللَّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللَّه شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نمود. در سال ۱۳۶۲ ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد ملا باشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت‌اللَّه اصفهانی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود. از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت‌اللَّه اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره‌ی کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن مشکینی در «صلاه» و مباحث اصول در «حجیت ظن» و «اصل برائت»؛ «تقریرات» مباحث فقه آیت‌اللَّه نایینی، در «خیارات»؛ «تقریرات» آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی، در «غصب» و «قضاء» و «زکوه».[۱]

میرزا عبدالرحیم بن العالم الجلیل والفاضل الجمیل میرزا حسن از احفاد ملا محمد رفیع‌الدین واعظ قزوینی صاحب (کتاب ابواب الجنان) در مواعظ و اخلاق متوفی ۱۰۸۹ ق می‌باشد.

معظم له از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر قزوین و دانشمندان بنام آن سامانست. وی در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ ق در شهرستان قزوین متولد شده و پس از رشد مدت پنج سال در قزوین تحصیل و بعد از آن به قم مسافرت نموده و مدت پنج سال در قم توقف و از محاضر آیات و مدرسین حوزه مانند آیت‌اللَّه آقا شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللَّه حاج شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی فقها و آیت‌اللَّه عراقی آقا ضیاءالدین اصولا-و آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللَّه حاج آقا شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به قزوین و تا هم‌اکنون به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد سلطانی و مسجد ملاباشی و تدریس فقه و اصول و غیر ذلک اشتغال دارد. و دارای اجازات روایتی و اجتهادی و غیره از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و غیره می‌باشد.

آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات مباحث مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی در طهارت و بیع و حج ۲- تقریرات اصول مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی یک دوره کامل ۳- تقریرات مباحث فقه مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی در صلوة و نیز اصول ایشان در حجیة ظن و اصل برائت.

۴- تقریرات مباحث فقه مرحوم نائینی در خیارات.

۵- تقریرات مباحث فقه مرحوم آقا ضیاء عراقی در غصب و قضاء و زکوة و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲ -۱۶۱ /۶).

ساوجی، اسداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللَّه ساوه‌ای از علماء و دانشمندان ساوه می‌باشند.

وی در ساوه متولـد و برای تحصیل به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و آیات دیگر قم استفاده و در حدود ۱۳۶۷ قمری به ساوه مراجعت و به اقامه جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا مبتلا به سکته ناقص شده و چند سالی در بستر کسالت افتاده تا به اجل محتوم و موعود از دنیا رفته است.

فرزند ارجمندش حاج شیخ محمود ساوجی مدتها در قم از محضر آیات عظام مرحوم خوانساری استفاده کرده و بعد به نجف مشرف و چندی هم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی سبحانی نیا از سال۱۳۶۶ همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال ۱۳۷۶ به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیهٔ الله شبیری زنجانی شرکت نموده ام.

از سال ۱۳۷۱ با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم . سپس چند سال در گروه موسوسعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسئولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشدخود را در سال ۱۳۸۳ اخذ نمودم.

سبحانی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ هجری برای آغاز درس های طلبگی به شهر مقدس قم آمدم و دروس مقدماتی را در مدارس کرمانی ها و رضویه گذراندم. در ادبیات از اساتید بزرگواری چون جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای عالی بهره بردم و لمعه و اصول را نزد اساتید گرانقدری،همچون آقای قاروبی تبریزی و خسرو شاهی تلمذ کردم. درس مکاسب و رسائل را نیز از حضرات حجج اسلام و آیات عظام آقایان حسینی خراسانی،علیدوست،موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی،جاودان و عالی(دامت برکاتهم) بهره بردم.از سال ۱۳۷۸ در دروس خارج حوزه از محضر علمای بزرگ حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی(ره) و مددی(حفظهم الله تعالی) بهره ها ی فراوان بردم. در کنار درس های طلبگی در موسسه فرهنگی دارالحدیث توفیق خدمت به حدیث را یافتم و هر چند در سال های اولیه کمتر به کارهای علمی و پژوهشی موفق می شدم، اما از سال ۱۳۷۸ با گذراندن واحدهایی از درس تربیت مربی حدیث در کنار کارهای پژوهشی و تحقیقی حدیث وارد عرصه تدریس علوم حدیث شدم. در مجموعه با برکت موسوعه نگاری دارالحدیث توفیق همراهی با محققان این مرکز جهت نشر کتب حدیثی تحت اشراف جناب آیه الله ری شهری(دام عزه) را داشتم. تدریس در دانشکده های اصول دین قم، حدیث شهری و رشته تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و جامعهٔ القرآن کریم قم در رشته های علوم حدیثی و معارف حدیثی از خدمات حقیر بوده است. همکاری و مشاوره و راهنمایی با طلاب محترم حوزه و دانشجویان دانشکده های علوم حدیثی و قرآنی از افتخارات بنده بوده است.هم اینک در موسسه دارالحدیث در بخش تخریج و مصدر یابی احادیث خدمتگزار دوستانم هستم و افتخار خدمتگزاری به حدیث معصومین (علیهم السلام) بهتر از هرافتخاری است.

سبزواری، پیرشمس الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیر شمس الدین سبزواری درحدود ۵۷۰ هجری قمری درسبزوار متولد شد .پدرش از مبلغین اسماعیلی و گماشته امام قاسم شاه اسماعیل بود .بنابراین پیر شمس از کودکی تحت تعلیمات فلسفی و مذهبی اسماعیلیه قرار گرفت و در سفرهای پدر به بدخشان وتبت همراه وی بود . وی پس از وفات پدر ،از سوی امام اسماعیلی بعنوان «حجت» منصوب شدو برای تبلیغ به سند وهند اعزام گردید. آنجا فعالیت های تبلیغی بسیار وسیعی رادر ایالات وسیع هند و تبت و مناطق دیگر به راه انداخت و بسیاری از مردم را به مذهب اسماعیلی در آورد. اصلی ترین عامل موفقیت پیر شمس الدین گرایش های صوفیانه و اشعار هندی وی بود که مردم را به خود جذب می کرد. او در سال ۷۵۷ هجری قمری درگذشت و فرزندانش راه وی را ادامه دادند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و

معارف اسلامیوالدین و انساب : صلاح الدین پیر شمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه (امام اسماعیلی در هند)بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صلاح الدین پیر شمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه بود و با سلسله مغولان تاج مبارزه می کرد. یکبار هم پیر معین الدین حسن سبزواری اجمیری در سبزوار و در سال ۵۶۰ هجری قمری دیداری باوی کرده بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : پیر شمس الدین سبزواری از کودکی تعلیمات مذهبی و فلسفی مذهب شیعه اسماعیلی را از پدر خود آموخت و به سرعت در این علوم به مهارت بسیاری دست یافت. خاطرات و وقایع تحصیل : پیر شمس الدین سبزواری در ۱۹ سالگی به همراه پدر به بدخشان رفت .ومدتی را در تبت بود و دوباره به سبزوار بازگشت . همسر و فرزندان : مهمترین باز مانده وی پسر و جانشین پیر شمس الدین سبزواری ،«نصیر الدین » (۷۶۴-۶۲۵)بود که در پنجاب و اوچ به تبلیغ پرداخت .از نصیر الدین هفت پسر بنام های پیر صدرالدین ،سید رکن الدین،سید بدرالدین ،سید شمس الدین دوم ،سید نورالدین ،سید غیاث الدین . سید نصیر الدین قلندر شاه باقی ماندند وتعلیمات وی را ادامه دادند. زمان و علت فوت : پیر شمس الدین سبزواری در ۷۵۷در گذشت و در مولتان به خاک سپرده شد.برخی مورخین مدت عمر وی را ۱۱۵ سال نوشته اند. یکی از نوادگان پیر شمس ،که نامی از وی در منابع نیامده است ، مقبره ای را برای او بنا نمود . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پیر شمس الدین سبزواری پس از وفات پدرش از سوی امام قاسم شاه بعنوان حجت منصوب شد. و برای تبلیغ از دیلم به سندو هند اعزا م گردید.وی مدتی به سفرهای تبلیغی درباره مذهب اسماعیلی در بدخشان و تبت پرداخت و درغزنه از سوی شاهزاده آنجا به بدخشان به سفارت رفت .وی درسال ۷۱۵ به کشمیر رفت و قبایل چاک و چانگاد را اسماعیلی مذهب نمود ، در سال ۷۲۵ به مولتان سفر کردو بسیاری از پیروان فرقه مومن شاهی را به مذ هب اسماعیلی گرایش داد . پس از آن به تبت. گیلگیت و حدود هیمالیا رفت وبه غزنه بازگشت ،در سال ۷۲۷ به اوچ شریف (مقصد سفارت خود) رسید. امراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پیر شمس الدین سبزواری در سفرهای دورو دراز خود در هند در هر جا بویژه در پنجاب و کشمیر مریدانی یافت و برای آنان خانقاهی برای عبادت بنام «خانه «تاسیس نمود. شاگردان : دو تن از مریدان پیر شمس الدین سبزواری که در سفر وی از اوچ به راجستان همراه وی بودند ،ویمراس (vimras)و سوربهان(surrbhan) نام داشتند . زنی عارفه بنام جی جی دوی(gigi devi) نیزاز مریدان وی بود. آثار : گینان ویژگی اثر : شامل تعالیم مهمی از تصوف و مذهب اسماعیلی و نماد گرایی است . وی توصیف زیبایی از طبیعت را همراه با فلسفه دینی در آثار خود در آمیخته است . و خدمات بسیاری رانیز به رشد زبان اردو نموده است.۲ منظومه اشعار هندی تحت عنوان گبریس ویژگی اثر : اشعاری است درباره مذهب اسماعیلی که پیر شمس الدین آن را در گجرات سرود و باخواندن آن با آواز خوش در معبد هندوان بسیاری از آنان را اسماعیلی مذهب کرد.این منظومه به سبک شعر گجراتی سروده شده و بیانگر فرهنگ مردم گجرات در آن زمان نیز می باشد.

سبزواری، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۶ ق)، قاری، خطیب و شاعر. معروف به خطیب قاری سبزواری. وی در عصر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهد رضوی به شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد تبحر و به عرفان تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب برسی، که به دستور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «ابواب البیان»، فارسی، در خطب و مواعظ که در ۱۰۸۶ ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدوثها» یا شرح «حدوث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الخطب» به عربی و فارسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۱ -۱۰۰ /۵)، الذریعه (۱۴۲ -۱۴۱ /۲۱ ،۱۸۷/۱۳، ۱۸۴/۷، ۷۴/۱)، ریاض العلماء (۳۰۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۲/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۲۷/۳).

سبزواری، عبدالصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصالح سبزواری از علماء و ائمه جماعت معاصر است در تویسرکان. وی در بیت علم تولد و پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر مرحوم آیات عظام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تویسرکان مراجعت و تاکنون بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و غیره اشتغال دارند.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبزواری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر فقیه سبزواری از علماء معاصر سبزوار و در اول ماه شعبان ۱۳۳۴ ق در سبزوار متولد و در خدمت والد خود به نجف مشرف و در آنجا قرآن و دروس فارسی را مقداری خوانده و با آن مرحوم مراجعت به سبزوار نموده و مقدمات و ادبیات عربی را از اساتید بزرگ مثل مرحوم محقق نوقانی و ادیب نیشابوری و ادیب بجنوردی فراگرفته و سطح فقه و اصول را از محضر مرحوم حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ محمد نهاوندی و آقای حاج شیخ محمد قوچانی و آقای حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته و فلسفه و کلام را از مرحوم سیدالحکماء آقای میرزا ابوالقاسم الهی و آقای شیخ سیف‌اللّه ایسی و خارج را از محضر حجهٔالاسلام والمسلمین مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی فقیه سبزواری والد بزرگوار خود فراگرفته. و در سال (۱۳۱۷ شمسی) به دریافت تدریس علوم معقول و منقول از وزارت معارف نائل گردیده و فعلا در شهرستان سبزوار موطن اصلی خود اشتغال به اقامه جماعت در شبستان جدیدالبناء مرحوم والدشان در مسجد جامع و تدریس فقه و اصول در مدرسه مرحوم حاج ملا هادی و مدرسه محمدیه دارند و رهبری مسلمین و انجام امور شرعی اهالی سبزوار و مؤمنین آن سامان را عهده دارند و مورد توجه و اعتماد عموم طبقات و قاطبه سبزوار می‌باشند.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضای بن سید ابوالحسن سبزواری از علماء و ائمه‌ی جماعت معاصر سمنانست.

وی پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح عالی و نهائی و استفاده از محضر آیات عظام و مراجع فخام و نیل به مقام علم و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه علامه حایری برای اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام به سمنان آمده و در حال حاضر در مسجد شاه (سلطانی) به امامت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبوحی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالله واعظ تهرانی طاب ثراه از وعاظ و گویندگان مشهور تهران که در عصر خود ریاستی بر وعاظ مرکز و اهل منبر داشت واعظی بود دانشمند و خطیبی بود ارجمند و در زمان خود مجاهدی فداکار و از مخالفین سرسخت مشروطه و از شاگردان و خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری بود که تا آخرین لحظه‌اش با کمال صراحت از مشروطیت و مشروطه‌خواهان و مجلسین انتقاد می‌کرد.

منبری داشت جامع و با بیان صریح و بدون هیچ ترس و بیمی امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود بسیار خوش مجلس و خوش محاوره و قابل استفاده و غالب منابرش مهیج قلوب و محرك افراد و بسیاری از منابرش انقلابی بود و جوش و حرارتی به شنوندگان می‌داد خاطراتی نگارنده از آن مرحوم دارم که اگر بخواهم آنها را بنویسم و خاطرات دیگران را درباره آن مرحوم یک کتابی خواهد شد.

دو خاطره از آن مرحوم در بیداری و خواب دارم که چون جنبه آموزندگی و تنبه دارد می‌نگارم.

۱– در شهر ری در ایام فاطمیه سال ۱۳۱۲ شمسی در منزلی ده روز منبر رفت و جمعیت بسیاری از مردم ری و تهران برای استفاده می‌آمدند. نگارنده که در آن تاریخ بیش از دوازده سال نداشتم در روز وفات حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله علیها در آن مجلس رفته و مجذوب بیانات پرشور و مهیج ایشان بودم تا رسید به روضه و فریاد زد که مردم چرا ساکت و آرامید مگر نمی‌دانید این ساعت چه ساعتیست همانا این ساعت موقع احتضار حضرت فاطمه سلام‌الله علیهاست که صدای شیون مردم برخاست و من که از اول منبر ایشان منقلب بودم ناگاه صیحه‌ای زده و مدهوش شدم و در آن حال دیدم انوار خمسه طیبه علیهم‌السلام را که در آن مجلس حاضر شده و مردم را مورد لطف خود قرار داده‌اند مردم از وضع من منقلب شده و مجلس به هم خورد و من بعد از ساعتی به هوش آمدم و دیدم مردانی از اشراف و اعیان ری اطراف مرا گرفته و مرا ماساژ و مالش می‌دهند و من دست و پایم و زبانم به حالت فلج آمده و چند روزی با این وضع بودم و مردم می‌آمدند و از من استفسار کرده و دست بر بدن من می‌مالیدند و می‌گفتند نظر کرده شده است.

۲– در شب دوشنبه جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ در قم خوابیده بودم در عالم خواب مجلس بزرگی دیدم که مرحوم حاج میرزا عبدالله واعظ بالای منبر و از همان منبرهای پراحساسات رفته و ناگهان فریاد زد چرا مردم آرام و ساکت نشسته‌اید مگر نمی‌دانید. امشب چه شب است شب وفات و شهادت مسلم بن عقیل نایب خاص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است برخیزید عزاداری کنیم این جمله را گفت و از منبر به زیر آمده در حالی که او و یا دیگری فریاد می‌زد (مات ولی الحجه مات الحجه) و این جمله را گفت و همه می‌گفتند من با وحشت از خواب پریده و مترصد حادثه‌ای گردیدم تا ظهر آن روز که بلندگوها و رادیو ایران اعلام کرد آیت‌الله

حجت از دنیا رفته و تعبیر خواب مزبور را همان روز دیدم که چگونه علماء و محصلین می گریستند و می گفتند (مات ولی الحجه مات الحجه) آن مرحوم در سال ۱۳۸۳ قمری از دنیا رفته و جنازه‌اش چندی در ری امانت و بعد حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سپهر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی سپهر

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این سطور مختصری از دوران زندگی به اصطلاح علمی من – محمد علی سپهر همدانی- است و در شهر همدان در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی متولّد شدم و در سال ۱۳۲۹ شمسی به دبستان رفته و تا سال ۱۳۴۰ به تحصیلات ابتدائی و متوسّطه به سبک قدیم در رشته ریاضی اشتغال داشته و در ضمن از سال ۱۳۳۷ ش همراه دروس کلاسیک به تحصیل علوم اسلامی مشغول شده از مقدمات ادبیات شروع کرده و تا سیوطی (شرح بر الفیه نحو، در حوزه علمیه همدان اشتغال داشتم و بالاخره سال بسیار خوبی در زمان ریاست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره برای ما بود و شبهای پنجشنبه از درس اعتقادات حضرت آیت الله مکارم شیرازی که در آن زمان در مدرسه حجتیه برگزار می شد استفاده کرده و شبهای جمعه و روزهای جمعه در مجلس اخلاقی مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی که از بهترین و شاگردان حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود و همچنین مجلس شاگرد دیگر ایشان در مسائل اخلاقی دینی مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی مستصرفن می شدم و بالاخره تا تتمیم دروس متوسطه در سال ۱۳۴۱ شمسی دیپلم ریاضی قدیم را گرفته و سپس به طور مداوم وارد دروس حوزه علمیّه قم شدم و همانطور که در حوزه مرسوم بود کسی نمی پرسید از کجا آمده ای و به کجا میروی تاکنون به طور آزاد دروس ادبیّات مختصر المعانی را نزد دکتر سیّد ابراهیم میر باقری و حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و معن البسیت را در محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا آدینه وند خرم آبادی معروف به نحوی و محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن گلستانی تهرانی برجسته و معالم را (من ادله الی آخره) در محضر آیت الله حاج آقا رضا استادی تهرانی خواندم و در سال ۱۳۴۲ منطق شمسیه را بدون استاد مباحثه نموده و در سال ۱۳۴۳ شرح لمعتین را خدمت اساتید عالیقدر حضرات آیات جناب آقای حاج شیخ غلامرضا صلواتی ،آقای شیخ محمد علی گرامی قمی و مرحوم آقای حاج سیّد محمّد علم الهدی خراسانی و آقای حاج شیخ محمّد عمانی همدانی و آقای حاج شیخ علی ثابتی همدانی خواندم و در تابستان همان سال خدمت حضرت آیت الله شهید مدنی آذر شهری اولین شهید محراب قدس الله نفسه الزکیه ارث شرح لعمه را خوانده بودم و بتدریج د ر سالهای بعد درس قوانین حضرت آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تا نواحی حاضر شدم بحشی از درس منظومه را نزد آیت الله مؤمن قمی و آیت الله شیخ محمد علی گرامی

خوانده و ابتدا درس رسائل را خدمت آیت الله آقای اعتمادی سابق الذکر حضور پیدا کردم. درس توحید صدوق را در خدمت آیت الله جوادی حدود سالهای ۵۳ و ۵۲ حاضر شدم و پانزده روز یکبار در جلسهای در منزل که برای سؤالات بود در خدمت آیت الله علّامه بزرگوار طباطبائی قدس سره تفسیر بزرگ حاضر می شدم و استفاده ها می بردم و در محضر آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت استفاده اخلاقی و درک فیض حضور نمودم اما درس خارج در حدود سال ۱۳۴۹ رسماً در دروس خارج حوزه با دلهی زاید الوصف حضور پیدا کردم ولی متأسفانه استا به زندان و تبعید میرفت یا محروم میشد حدود سه سال فقه و اصول درس خارج خمس در فقه و خارج اصول تا اجتماع امر ونهی در خدمت استاد آقای آیت الله العظمی وحید خراسانی خارج اصول از بر است تا آخر معتال و تراصیح را در خدمت ایشان حاضر شدیم و در محضر آیت الله العضمی گلپایگانی قدس سره خارج فقه حج را بخشی حاضر شدم و درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری قدس سره با عشق تمام به صفای ایشان حضور پیدا کرده و بخش عظیمی ضلل کتاب صلاة مسافر را در محضر ایشان استفاده بردم و بخشی از خیارات و مکاسب را در سالهای بعد از انقلاب مستفیض شدم و قسمت عظیمی از خارج اصول حضور یافتم و از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شریعتمداری دو سال خارج طهارت را حاضر شدم البته قبل از انقلاب سال ۱۳۵۴ و قبل از حادثه نوزده دی ۵۶ درس اصول آیت الله شبیری زنجانی یک سال و پی از انقلاب از درس مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی فقید سعید حاج میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره متضاد شهادات بخشی از درس خارج اصول دورهٔ دوم بخشی از خیارات ، مکاسب و طهارت عروهٔ را اسفتاده بردم و ازدرس اصول مرحوم آیت الله فانی اصفهانی نیز بهره گرفتم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ از خدمت آیت الله العظمی تبریزی استفاده ها بردم و در جلسهٔ استفتاء ات ایشان به خواستهٔ خود ایشان حضور یافته و در نگارش جواب سؤالات در زمان مرجعیت ایشان خدمت می نمودم و استفاده های فراوان از درس خصوصی فقه بهمراه فضلاء و سن در محضر ایشان داشتم(درس خصوصی برای فضلات گردانشان در منزل داشتند که به دعوت ایشان حاضر شدم) تفهره الله برحمته و استکنه بجبوحهٔ جنانه. رد سال ۱۳۶۱ به خواستهٔ گارگزان قضا و فریاد استغاثهٔ هل من معین شورای عالی قضائی آن روز اجابت گفته مدتی در قضاوت و زمانی دوجوابگوئی استفتاء است قضات و بخشی در حوزه معاونت شوار به نظارت کار قضات تا سال ۱۳۶۴ اشتغال داشته و سپس به حوزهٔ علمیهٔ بازگشتم و بتدریج همانطور که سابقاً سطوح را تدریس میکردم با جدیت بیشتر به تدریس شرح لمعه، رسائل و مکاسب تا حدود و بیست سال پرداختم سال ۱۳۸۴ درس خارج فقه را شروع کردم. ناگفته نماند که از سال ۱۳۷۲ در مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی در قسمت فقه و اصول به اصطلاح مرکز به تحقیق پرادختم و تا کنون ادامه دارد در دفتر حوزه دانشگاه جزوات علمی بهرماهی بعضی از فضلاء نگاشتم و در همان سالهای حدود ۱۳۷۲ ؟؟؟؟؟ که نمیدانم سرنوشت جزوات پژوهشی ما دوستانمان چه شد و الحمد لله رب العالمین ۲۵/۱۰/۸۵.

ستوده نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا ستوده نیا

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال ۱۳۷۱ عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه واصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت.شایان ذکر است که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال ۱۳۷۵ موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره ۲۰ دفاع نمود.این پایان‌نامه در زمره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال ۱۳۷۸ به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

سجادی تبار، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین سجادی تبار

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین سجادی تبار در سال ۱۳۴۳ شمسی در روستای تیل از توابع شبستر استان آذربایجان شرقی متولد شدم و تحصیلات کلاسیک را تا دیپلم در منطقه شبستر به اتمام رسانده در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شدم و تاسال ۱۳۶۶ دروس حوزه را تا اتمام لمعه و اصول فقه درآنجا تحصیل نمودم.در سال ۱۳۶۶ بهمن ماه وارد حوزه علمیه مقدس قم گشتم و دروس حوزوی را با جدیت تمام پی گیری نموده و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام: طاهری خرم آبادی، سید احمد خاتمی، اعتمادی، پایانی، محقق داماد، وجدانی فخر استفاده نموده و باقیمانده دروس سطح را تا سال ۱۳۷۰ تحصیل نمودم، و از آن زمان به بعد در درس خارج اساتیدی چون آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.همزمان با تحصیل دروس حوزه در دوره آموزش عالی دفتر تبلیغات نیز ۴ سال مشغول به یادگیری بودم و ضمنا رشته تخصصی کلام را نیز به مدت ۴ سال تحصیل نمودم . به خاطر شوق و اشتیاق فراوان به تحقیق از سال ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقر العلوم (ع) سازمان تبلیغات اسلامی همکاری را شروع کردم که ابتدا در قسمت فهرست نویسی کتب اسلامی مشغول شده و از سال ۱۳۷۱ با ایجاد گروه حدیث جهت تحقیق و تالیف کتب حدیثی همکاری را به این بخش کشانده و با دیگر دوستان در این زمینه به تلاش و تحقیق پرداختیم .

سجادی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران اینجانب حاج سیّد احمد سجّادی در سوّم اسفندماهِ سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان بدنیا آمدم.

پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عفیفه ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.

اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.

من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاقْ ودوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و ودر همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم ، دربسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت ، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود ۲۰ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعدّدی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.

حضور در حوزه علمیّه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی‌اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت اللّه حاج سیّد احمد امامی، آیت اللّه حاج سیّد حسن امامی، آیت اللّه حاج حسن صافی، آیت اللّه حاج محمد ناصری، آیت اللّه حاج سید محمد علی صادقی، آیت اللّه حاج عباسعلی ادیب و آیت اللّه العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال ۱۳۶۳ به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.

اینجانب در سال ۱۳۶۸ در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت اللّه سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخّر به لباس روحانیّت گشته و منصب امام جماعت را در مسجد حضرت جوادالائمّه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان ۱۵ خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال ۱۳۸۷ این افتخار قرین زندگیم بود.

از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجلّه‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات فراوانی که ازمن در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعدّدی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلًا به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:

۱ «ـ فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه » (در ۳ جلد) : در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجّادیّه پرداخته ام و اثری زیبا با بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی ۱۰/۰۰۰ زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجّادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.

۲ – «اسرار دلبران» : این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.

۳ – «پرچم‌داران سعادت» : این کتاب تدبّری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی

و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهصد آیه، روایت و حدیث در ۵۰۰ صفحه اشاره نموده‌ام.

۴ - «نجوای عارفانه» : این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتمِ کتاب صحیفه مبارکه سجّادیه می‌باشد. مؤلّف، این کتاب را در ۱۸۰ صفحه به تألیف رسانده ام.

۵ و۶ «میراث حوزه علمیه اصفهان » (دفتر اوّل و دوّم): این کتاب ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنانِ این خطّه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اوّل این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوّم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.

۷ - «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجّادیه» : این کتاب در ۳۸۴ صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجّادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده ام.

۸ - « صحیفه سجّادیه به روایت ابن اشکیب»در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است

هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجّادیّه تحقیقات جالب و وافری به انجام رسانیده ام که بزودی به چاپ خواهم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام دارم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.

علاوه بر کتاب های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:

۱ - «بایسته‌های صحیفه سجادیه» : مقاله‌ایست ۱۶ صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده‌گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهانِ شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدّس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.

۲ - «دعا در نبردهای نامتقارن» : مقاله‌ای ۱۷ صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشر امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.

۳ - «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجادیه» : این نوشتار در ۶۴ صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعاهای صحیفه سجادیه به چشم می‌خورد .

شایان ذکر است علاوه بر فعالیّت علمی ، اینجانب در سال ۱۳۷۷ از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان ، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سِمَت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیّه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفّق به تولیدِ سی و پنج نرم‌افزار گشته ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه ، تحقیقات و پژوهش نرم افزار به عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:

۱ - «طنین وحی» : متن، ترجمه و صوت قرآن کریم ، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق ، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش های مختلف ، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه های انگلیسی پیکتال، یوسف علی و شاکری) ، امکان مقایسه ترجمه ها با یکدیگر ، املای لاتین قرآن

۲ - «امثال» : ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از ۶۰ دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.

۳ - «دانش‌نامه جامع نهج‌البلاغه» : حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه ۲۵۰ جلد شرح و ۴۱ عنوان

ترجمه ، نمایش ۱۶۰۰۰ موضوع متنوع ، لغت نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن ، نمایش مصادر خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به صورت فعال در متن ، معرفی اعلام و شخصیت های نهج البلاغه با زندگی نامه هر یک به صورت فعال در متن ، لیست آیات قرآن به صورت فعال در متن با امکان تلاوت آیه ، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک ، نمایش قدیمی ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن ، امکان مقابله ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه با یکدیگر

۴ – «دانش‌نامه جامع صحیفه سجادیه» : شامل ۳۷ جلد ترجمه و ۵۲ جلد شرح ، متن ۲۵ جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو ، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجاد علیه السلام شامل ۱۲۰ جلد کتاب و مقاله ، کتابشناسی صحیفه سجّادیه ، معجم کامل الفاظ صحیفه سجادیه ، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجادیه.، لیست آیات موجود در صحیفه سجادیه ، لغت نامه صحیفه سجادیه به صورت فعال در متن

۵ – «مدینه العلم» : حاوی متن ۳۳۰ کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) در موضوعات تاریخِ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا ،

۶ – «باب العلم» : شامل متن ۸۸۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیّت سخنان ، سیره ، فضائل ، تاریخ ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب ، معرفی ۱۴۹۰۰ کتاب، مقاله و پایان نامه

۷ – «ریحانه» : متن ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .

۸ – «کریمانه» : شامل متن ۱۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .

۹– «سفینه‌النجاه» : شامل متن ۷۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و...

۱۰ – «شمس الشموس» : شامل متن ۳۲۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ ، بارگاه ملکوتی و ...

۱۱ – «موعود» : شامل متن ۶۲۶ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز روایات، احادیث و دعاهای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام ، معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه

۱۲ – «به سوی حقیقت» : متن ۶۰۰ جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکال‌ها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.

۱۳ – «بصائر »: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمّه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.

۱۴ – «مشاهیر» : معرفی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.

۱۵ «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه ، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم ، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان ، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه ، امکان جستجو در ترجمه ها و شرح ها ، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت ، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون

۱۶ – «دانش‌نامه جامع وقف » شامل متن ۱۳۴۲ جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف

علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام امام صادق علیه السلام » و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.

حقیرعلاوه برانجام فعّالیّت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال ۱۳۸۳ و«خادم قرآن کشور» در سال ۱۳۸۴ (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» درسال ۱۳۸۵ (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و«خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال ۱۳۸۶ (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده ام که از آن جمله می توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال ۱۳۷۰ تا۱۳۷۷ ، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۶، مشاور امور روحانیون استاندار اصفهان از سال ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۶ اشاره کرد.

اینجانب هماکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان ، مشاور پژوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه بوده و مدیرموسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایتWWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت های آن موسسه است.

شایان ذکر است حقیر در کنار فعالیتهای علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های« بزرگداشت فیض الاسلام» سال ۱۳۸۳ و دبیر علمی «بزرگداشت آیت اللّه العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال ۱۳۸۸، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی ، علمی وهمایش های فرهنگی ، در برنامه های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری ها و تمامی صبح ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید احمد سجادی

سجادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد سجادی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس

حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمدیم. مرحوم والد که دائیشان حضرت آیةالله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی،آیت الله شاهچراغی،آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیگ ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم.سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثی هایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری،استاد احمدی میانجی،استاد شریعتی،استاد محمدی ری شهری،استاد نعیم آبادی،استاد فهیم کرمانی،سید یحیی موسوی،حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم.پس از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین،از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل واز محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی رسایل را به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کرده و بعد از قبولی وارد دروس سطوح عالیه شدم.از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی(ره)خارج اصول،از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول،از محضر آیت الله علی مشکینی(ره)فقه و تفسیر و اخلاق،از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت،واز محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته و تا کنون ادامه دارد. فعلا از محضر استاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیررا بیش از ۲۰ سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.فعالیت سیاسی – علمی:در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی و تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم. لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم بمحض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته.ومجدد تا چندین ماه به تهران رفتم.تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مورد تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محققی محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم،فیضیه،حجتیه،خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم بدیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیرشده و بعد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.سپس به قم آمدم و در منازل دوستان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام(ره) و سایر علماء قم شروع شد.اینجانب نیز شرکت در راهپیمائیها و بعضا سخنرانی های آتشین و بیان اعلامیه هارا وظیفه خود می دانستم. بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی(ره) برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم.بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام(ره) در سازمان عقیدتی- سیاسی شهربانی به مدت ۵ سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی

مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲، و صیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه، مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم. بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده و بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ساله در سفری که مقام معظم رهبری به قم داشتند و سوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه آقای مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار(ع) که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در حرم مطهر، شیخان و ... چه کردید؟ آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا تولیت آستانه دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بعنوان مسئول و این حقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان شدیم.عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارک"ستارگان حرم "می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می شود. و روزهای چهار شنبه تلویزیون از همین کتاب ها بیوگرافی راویان،محدثان،وکلاء و علماء را شرح می دهد.ضمنا بیش از ۱۴ مقاله تحت عنوان زندگینامه علماء ربانی که به تحقیق و نگارش اینجانب در ستارگان حرم و گلشن ابرار چاپ گردیده است. خدمات اجتماعی:۱-در فاصله سی و سه سال تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف شهرها و روستاهای ایران تاسیس بیش از بیست کتابخانه با کتابهای متنوع برای مردم مخصوصا نسل جوان. ۲-ایجاد حمام بهداشتی برای روستا به صورت نمره.۳- ترمیم راههای روستا و ایجاد پل در چند روستا.۴-کمک به فقرای آبرومند بیش از دویست مورد.

سحاب، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم سحاب در ۲۰ فروردین سال ۱۲۶۶ شمسی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. وی تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه شد. سپس جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شد. سحاب ، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور شد. پس از مدتی به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید. سحاب بنا به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درآمد. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سحاب در روز ۲۱ دی ۱۳۳۵ به سرای

باقی شتافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء ، نصاب الصبیان ، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین ، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه ، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء ، ابوالقاسم به صلاحدید خانواده ، مدتی را نزد مشهدی عبدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیاط معین الملکی ، متولی باشی ارض اقدس (مشهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با استاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم ، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و « شرح لمعه » شهید ثانی را بدین شکل فراگرفت. از این رو ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهل علم و دانش قرارگرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سحاب پس از مدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله ، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال ، از تلاش های خویش در راه تکمیل یافته ها و تحصیلات خود ذره ای نمی کاست و لذا ، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه ، به کامل کردن تحصیلات درس های ادبی و عربی خود مبادرت می ورزد. در این هنگام ، وی دریافت که دیگر محیط کوچک تفرش نمی تواند طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شهر ، من جمله شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله و دانشمندان دیگر ، به تکمیل معلومات خود پرداخت. او که در این زمان ، به همت سناءالدوله جهت تحصیل به مدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود ، بنا به برخی ضوابط قانونی مدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشته و در نتیجه ، به اتفاق میرزاحسین خان و اسماعیل خان (پسران دبیرلشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه ، واقع در خیابان پستخانه شد. آن مدرسه زیرنظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شد و سحاب نیز نزد وی به تکمیل آموخته های زبان فرانسه ی خود اقدام کرد. او پس از چندی درصدد برآمد که برای تحصیل کلام و اصول و فقه ، از محضر استاد حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس ، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شده و از محفل استادانی چون : دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان و میرزا غلامحسین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور ، شیمی ، طبیعیات و فیزیک را فراگرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصیل فرانسه ، دفترداری و ... مشغول شد. پس از آن ، بعد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضر استاد عبدالرحیم دماوندی ، تصمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد ، بر آن می گردد برای ورود به رشته ی فلسفه و حکمت ، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود ، بهره جوید. وی در خدمت استاد ، ضمن مطالعه ی کلمات مکنونه ی مرحوم فیض و منظومه و اسفار حاجی سبزواری ، به فراگیری شواهدالربوبیه ملاصدرا پرداخت. سحاب ، زبان انگلیسی را نیز زیرنظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی ، رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری ، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله ، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن پانزده سالگی ، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسخ ساخت و نزد معلمی به نام میرزا عباسقلی به تعلیم خط پرداخت و در اندک مدتی ، خود در هنر خطاطی و نوشتن خطوط مختلف نستعلیق ، نسخ ، ثلث و شکسته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام ۱۹ سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان ، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی های سحاب ، ذوق و قریحه ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه ی فوق العاده به

مطالعه و فراگیری سروده های شعرای مشهور بود. وی تحت تأثیر تشویق های میرزا اسماعیل خان دبیر در تفرش ، به نوشتن مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت.استادان و مربیان : استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از : ملاحسین شاهمیری ، مشهدی عبدالرحیم ، میرزا عباسقلی ، میرزا موسی خان سناءالدوله ، شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله ، مسیو ویژور ، حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی ، دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان ، میرزا غلامحسین خان رهنما ، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی ، مسیو جاسموس ، مسیو ژان دوشن ، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی.همسر و فرزندان : معصومه ، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب ، پدر کارتوگرافی ایران ، عذرا ، صغری و بهجت خانم ، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می باشند.زمان و علت فوت : پس از نزدیک به ۶۰ سال فعالیت علمی و فرهنگی ، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم ۲۱ دی ۱۳۳۵ به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س) ، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه ی او در صحن یادشده نماز خواند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان ، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید ، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو ، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۳۸ قمری ، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۶ از سوی وزارت معارف و اوقاف به سمت عضویت در هیئت ممتحنه ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد ، به همان سمت در مدرسه ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن ، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می کند. سپس در ۸ فروردین ۱۳۰۷ به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه ، این وزارتخانه در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ جهت تهیه ی سواد نظامنامه ی شورای عالی معارف دعوت می شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از حضور به آن شورا خودداری می کند. همچنین استاد در اول مهر ۱۳۰۷ از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درمی آید. یک سال بعد ، در ۱۹ فروردین ۱۳۰۹ به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف ، از شغل منشی گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می شود. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در تاریخ ۴ مهر ۱۳۱۰ در وزارت معارف داخل می گردد. وی در سال ۱۳۱۷ ، معاونت کتابخانه ملی و در سال ۱۳۲۳ ، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش ، ملاحسین شاهمیری ، به علت توانایی های فوق العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه ، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب ، از دادن شهریه معاف بود ، اما پرداختن به این مهم ، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می داد و بر این اساس بود که از همان زمان ، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می کرد. به علاوه ، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه ، اصول و کلام ، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه ، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده های تفرشی نیز به او واگذار شد. در رمضان سال ۱۳۲۶ قمری ، به واسطه ی اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه طلبان و حاکم شدن استبداد صغیر ، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناء الدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند ، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان ، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام ۲۲ سال داشت ، واگذار می نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی های فوق العاده

ی سحاب از طرف دیگر ، سبب شد تا وی زیرنظر سناءالدوله به فراگیری زبان های اروپایی و به ویژه ، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان ، پس از ورود به مدرسه ی آلیانس فرانسه ، هم زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور ، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم زمان ، بر آن می گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما ، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه ی غیرمجانی ، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می شد ، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه ی حسن اداره کردن کلاس ، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله ، وزیر معارف از مدرسه ی مزبور ، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد ؛ بعدها به آموزش در مدرسه ی تدین می پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نهاوند ، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه ی شرف ، مدرسه ی ایران ، مدرسه ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین ۱۳۰۶ به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی ، به جای ایشان به آموزش در مدرسه ی کمالیه می پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه ی تدریس در مدارس تهران ، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی ، تهران ، ستاره جهان ، شفق سرخ ، قانون ، تجدد ایران ، حبل المتین کلکته ، رستاخیز ، عصر گلشن ، تهران ، مجله ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال ۱۳۰۵ به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن ، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر : گلشن ، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه ی خبر و ترجمه ی مطالب آنها ، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین شکل تأمین می کند. در همین رابطه ، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه ی خبرهای روزنامه ی ترقی ، از مرداد همان سال با روزنامه های اطلاعات ، فرخی و طوفان نیز همکاری می کند. وی مدیریت داخلی مجله ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال ، به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع آوری و استنساخ مجموعه ای راجب به کتابخانه های ایران اقدام می ورزد. به علاوه ، در ادامه ی بی مساعدتی های وزارت معارف ، جهت گذراندن زندگی در امر کسب وارد می گردد.جوائز و نشانها : ابوالقاسم سحاب، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود ، در ۲۶ آذر ۱۳۱۹ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۳ از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه ی یک و دو نائل گردید.آثار : استنساخ « نخبه التواریخ » میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی ، تاریخ خجسته ویژگی اثر : این مجموعه ، حاوی اطلاعات پرباری درباره ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال های اول سده ی ۱۴ هجری شمسی و به ویژه ، دهه های اول سلطنت خانواده ی پهلوی است.۳ درباره ی وزارت معارف ایران ویژگی اثر : در این مجموعه ، شرح حال و اقدامات و آثار ۴۳ نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرارگیرد.۴ زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع) ، زندگی حضرت امام علی النقی (ع) ، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) ، فلسفه و اسرار حج ،مشارکت در تدوین و تنظیم « دیوان دبیر تفرشی »

منابع زندگینامه :روزنامه ی اطلاعات ، ۱۴ اسفند ۱۳۷۹ ، صص ۴-۲

سحرخوان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سحرخوان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد سـحرخوان در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مـذهبی در کاشان به دنیا آمـدم بعـد از تحصـیلات ابتـدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتیـد بزرگوار خوانـدم و در سال ۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۰ با خانواده ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مـدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال ۱۳۷۰ در دوره سوم تخصصـی تفسیر شرکت کرده و در سال ۷۴ به پایان رسید و در سال ۷۶ تـاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائرهٔ المعارف ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکـاری می کنم و در سـال ۸۲ بـا مرکز تحقیقاتی اسـراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سـید علی محقق دامـاد، آیت الله فاضـل لنکرانی ، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سـبحانی و آیت الله وحیـد خراسانی بهره منـد شـده ام. خداونـد انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرمایـد و اساتیـد بزرگوار را خیر عنایت فرمایـد و از ما راضی نگه دارد.

سدهی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، عـالم دینی و واعـظ. او واعظی کامـل و کـثیر التـالیف بود. پس از اعمـال حـج در مکه وفـات یـافت و در قبرسـتان ابوطالب مدفون گردید. از آثارش: «بدایع الاخبار»، در اخلاق؛ «بشاره الابرار فی احوال شـیعه الکرار فی دار القرار»؛ «برهان الرساله»، در اثبات نبوت خاصه؛ «حسام الشـیعه»، در اثبات امامت امیرالمومنین (ع)، در چهار مجلـد هر مجلـد هزار بیت؛ «خصائص الایام»، در وقایع ایام سال؛ «دلائل الربوبیه»؛ «لمعات الانوار»؛ «نفائس الاخبار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۳/۲)، الذریعه (۲۳۹/۲۴، ۳۴۴/۱۸، ۲۵۰/۸، ۱۶۶، ۱۲/۷، ۱۱۴، ۹۵، ۶۱ /۳)، ریحانه (۴۵۳ -۴۵۲ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲/۱۴)، علماء معاصرین (۳۶۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۱/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۰/۸).

سدهی میردامادی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و روحانی متنفذ، از شاگردان آقا میرزا محمدهاشم و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و حاج میرزا بدیع و دیگران بوده، در سده در مسجد ملامحسن امامت می‌نموده، و در رجب ۱۳۴۲ به سن قریب به هفتاد وفات یافته، در مقبره‌ی ملا محسن در محله‌ی شمس‌آباد قریه‌ی خوزان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سراج، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ رضا معروف بسراج تهرانی از علماء و وعاظ مبرز معاصر تهرانست. وی در حدود سال ۱۳۳۲ ق در تهران متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح از اساتید و علماء تهران به قم آمده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمد همدانی و دیگران استفاده و پس از آن مدتی از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه موسس حایری مستفیض و پس از فوت آن مرحوم مستقیما و منقطعا از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد تقی خونساری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به تهران و در خیابان شهباز ساکن و بناء مسجد سلمان را نموده و چندی در آنجا به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال داشته و بعد تعمیر مسجد سرچشمه را نموده و به آنجا آمده و تاکنون در آنجا مشغول خدمات دینی می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای سراج از مصادیق (عالم ناطق مستعمل لعلمه) زمان ما و بیانی نافذ و منبری جامع و مفید و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شدید و در گریانیدن مستمعین بسیار قوی و کم نظیر است. مجالس و محافلی را که اداره می‌کند پر شور و هیجان و انقلابی و کثیر البکاء خواهد بود.

در امر بمعروف و نهی از منکر لسانی صریح و بیانی ملیح دارد. در دوره سال و بالاخص دو ماه محرم و صفر و ایام فاطمیه ایفاء وظیفه نموده و معارف و حقایق دینی را با منطقی مؤثر بیان و تنویر افکار و قلوب می‌نمایند، و بیش از چهل سال است که باین سمت موفق و مفتخر است و صدها کیلوگرم از چشم مردم مسلمان و شیعه اشک در مصائب اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام گرفته است. جزاه اللَّه عن اهلبیت نبیه خیرالجزاء.

قال الصادق علیه‌السلام فی دعاء ندبه... فعلی الاطائب من اهل‌بیت محمد و علی صلی اللَّه علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع الی آخره.

از آثار ایشان ترجمه و تفسیر قرآن مجید است که در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سراج، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم سراج

محل تولد : فیروز کوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدابراهیم سراج در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان دماوند شدم. پس از گذراندن دروس مقدمات در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را گذراندم و در سال ۱۳۷۲ به تحصیل دوره خارج حوزه پرداختم و از دانش حضرات آیات،مکارم شیرازی،وحید خراسانی،فاضل لنکرانی(ره)و برخی اعاظم دیگر بهره‌مند شدم. در کنار تحصیلات حوزوی و تألیف کتب، به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه نیز مشغول شده‌ام که به لطف خداوند با ارتباط نیکویی که با دانشجویان برقرار نمودم، توفیق انتقال مفاهیم ناب دینی و رفع شبهات از آنها را یافتم که اکنون نیز این ارتباط تداوم دارد.لازم به ذکر است که در خلال تدریس در دانشگاه، موفق به نگارش مقالات متعددی شده‌ام از جمله: آفاتی که جوانان را تهدید می‌کند،پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان،شناخت صهیونیزم،انسان شناسی،استقامت در سیره پیامبر اعظم(ع)،که مقاله اخیر را برای یکی از همایش‌ها ارسال نموده‌ام که حائز رتبه گردید و از مقالات منتخب محسوب شد.امیدوارم خداوند متعال توفیقات خویش را بر این حقیر و همه ره پویان راه علم و ایمان افزون فرماید.

سرائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سرائی ابن المرحوم حاج محمد رضا از مشاهیر علماء و اعاظم دانشمندان معاصر تبریز است. وی در سال ۱۳۲۹ ق در قریه سرای از مضافات تبریز در یکی از خانواده‌های با تقوا و معنویت بدنیا آمده و بنابر اقرار والد ماجده‌اش در سراسر دوران شیرخوارگی او را با طهارت و وضو شیر داده و در پرورش وی سعی بلیغ نموده و در سال ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به شهرستان تبریز آمده و مقدمات علوم را در محضر اساتید ارجدار فراگرفته سپس به قم مشرف شده و علوم و فنون مختلفه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه مانند حضرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی و آیه الله لنکرانی و مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی فرزند آیه الله آقا میرزا صادق آقا و دیگران استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام حوزه نجف چون مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی آقا سید محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه علم و کمال و اجتهاد ارتقاء یافته و از آیات مذکوره نائل باخذ اجازه اجتهاد گردیده پس از آن مراجعت به وطن و بنابر اصرار بسیاری از مردم متدین تبریز اقامت در دار الایمان تبریز نموده و به خدمات دینی

از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس علوم پرداخته و بحمد الله تاکنون موفق به خدمات مذکوره می‌باشد. آثار معظم له از این قرار است:

۱- تربیت مبلغ و طلاب علوم دینیه و تکفل مخارج ضروری عده‌ای از آنان که تربیت شدگان مکتب ایشان از روحانیون فعال و خدمتگزار در نقاط مختلف آذربایجان و غیره می‌باشند.

۲- دو فرزند برومند و فاضل معظم له بنام: ۱- آقا میرزا عبدالرحیم ۲- آقا شیخ اسحق سرائی داماد آیت الله باقری بنابی که در حوزه علمیه قم بتدریس متون فقه و اصول اشتغال دارند.

۳- مسافرت به ممالك مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد بالاخص مکه معظمه که چندین بار رهبری مردم تبریز را داشته و خالصا تعلیم مناسک حج را نموده‌اند.

۴- بناء منازلی برای علماء و اهل علم که در اثر تبلیغات و فعالیتهای ایشان انجام یافته است.

۵- نجات بسیاری از مردم مستمند و بینوا در زمان قحطی که بامر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی در شهرستان هریس انبار بیت المال تشکیل داده و حقوق واجبه ثروتمندان را از قبیل: زکوه، رد مظالم و غیره در آن جمع و بین بیچارگان و فقراء تقسیم و بدین وسیله آنان را از خطر مرگ و هلاکت بحول و قوه الهی مصونیت دادند.

۶- بناء و تأسیس حمام در چندین قریه و آبادی که فاقد حمام بود و مردم نمی‌توانستند وظائف تطهیر خود را انجام دهند و همچنین لوله کشی و اجراء نهر آب در بعضی از آبادیهای اطراف تبریز و سرای.

۷- شهریه بطلاب و محصلین آذربایجانی حوزه علمیه قم که چند سالی موفق باین خدمت بودند.

۸- مبارزه با وهابیها و منحرفین دیگر و مجادله حسنه با آنها که موجب ارشاد و هدایت عده‌ای از آنها شدند.

نگارنده گوید: آن طوری که از دانشمندان متدین و بی غرض تبریز و غیره شنیدم آیت الله سرائی دانشمندی خدوم و متقی و پارسا و موصوف بفضل و کمال و معنویت می‌باشد و در میان مردم آذربایجان و بالاخص تبریز و محل خود محبوبیت خاصی دارند، از خداوند بزرگ توفیق و عزت این گونه افراد خدمتگزار روحانی حقیقی را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرباز زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سرباز زاده

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب احمد سربازراده (اهری) در سال ۱۳۴۸ طلبگی را شروع نمودم . ۱ سال در اهر، ۳ سال در تبریز و از سال ۵۲ به شهر مقدس قم مشرف شدم و در مدرسه حجتیه حجره گرفتم و معمم شدم . از همان تبریز تدریس ادبیات (مقدمات و سیوطی) را شروع کردم و در قم هم توام با تدریس به دروس اساتید سطح ، آقایان: آیت الله اعتمادی ، اشتهاردی و صلواتی و در منظومه، آقایان:

احمـد بهشتی و محمـدی گیلانی و درس خارج آقایان: آیت الله کوکبی و شیخ جواد تبریزی و شیخ کاظم تبریزی و آیت الله سید محمد روحانی و ... مشغول شدم .

همیشه مشغول تـدریس همه دروس سطح ولو خصوصی بودم. چنـد سال درجامعهٔ الزهراء تـدریس نمودم و چند سال در مدرسه مرعشیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی .

از سال ۶۰ و ۶۱ توام با کارهای قبلی تحقیقات را شروع نمودم . حدود ۶ سال در موسسه دایرهٔ المعارف شیعه ۲۰۰ اثر لغوی و فقهی اصطلاحات فقهی را بین ۳ صفحه ای الی ۱۲ و۱۵ صفحه ای تحقیق نمودم که در اوائل بحوث فقهی کتاب نفیس دائرهٔ المعارف شیعه درج و چاپ می شود .

سرخه‌ای، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللَّه آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن المرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ ق در تهران متولـد شـده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ باقر معزالدوله و حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشگوری فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه بهبهانی بهره‌منـد گردیـده و چنـدی در مشـهد مقـدس از درس و بحث آیت‌اللَّه زاده کفائی مرحوم آقا محمـد و مرحوم حاج فاضـل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.

۱- حاشیه مبوسطی بر کفایهٔ‌الاصول.

۲- حواشی بر شوارق.

۳- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودنـد و ایشان قیام و مقاومت و اقـدامات جـدی نموده تا آن را برگردانیـده و بهتر از اول تجدیـد و بناء گنبـد و صـحن و سـرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم‌السلام داری.

۴- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه‌السلام.

(تو ۱۳۰۷ ق)، عـالم دینی و فقیه. در تهران به دنیـا آمـد. مقـدمات و ادبیـات و سـطوح را نزد پـدر خود و سـپس نزد حاج شـیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌اللَّه بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌اللَّه‌زاده آقا محمد کفایی و حـاج فاضـل اسـتفاده نمود. آنگـاه در حـالی که مجتهـد بود به نجف رفت و از محضـر میرزا محمـدتقی شـیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت. سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء

و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق».[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱ –۴۸۰/ ۴).

سرشار تهرانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباد الله سرشار تهرانی

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدین در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السید الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، اینجانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تاکنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تاکنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

سرکوهی دارابی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بن شیخ زکریا (نصیرالاسلام) انصاری سرکوهی دارابی از علماء معاصر شیراز است. وی در سرکوه داراب متولد شده و پس از پرورش در خدمت مرحوم والدش که از علماء مجاهد و مبارز گذشته بوده و بدست فرقه ضاله بهائیه شهید گردیده و خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از علماء شیراز و غیره به پایان رسانیده تا به مدارج عالیه علم رسیده و به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد وکیل شیراز و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سعادت، فضل‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌اللَّه بن مرحوم التقی الزکی آقا اسماعیل بن العالم الجلیل ملا ـ عبدالصانع بن ملا ـ محمدباقر گیلانی رشتی. از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۲۹۴ شمسی در رشت متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در آنجا از آیت‌اللَّه حاج سید حسن بحرالعلوم و دیگران خوانده و در سال ۱۳۵۲ قمری مهاجرت به قم نموده و مکاسب و کفایه را در خدمت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی به پایان رسانیده و هم از مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی استفاده کرده.

سپس در درس خارج آیت‌اللَّه العظمی حجت و حاج سید محمدتقی خوانساری و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت نموده و پس از چند سال به امر آن مرحوم به رشت آمده و در صالح‌آباد رشت نزدیک سبزه‌میدان به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و مسجد و مدرسه آنجا را تعمیر و آباد نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به جهت پاره‌ای از مصالح رحل اقامت به تهران افکنده و تاکنون در مسجد محله (حمام گلشن) که قبلا مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی بودند به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای سعادت که داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ ابوالقاسم حجتی گیلانی دانشمندی وارسته و مانند اسمش موصوف به فضل و تقوا دارای اثر نفیسی در موضوع حج می‌باشند که هنوز بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سعادت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد علی بن السید الاجل الحاج سید محمد هاشم بن العالم الجلیل عبدالهادی بن العالم العلام السید محمد بن السید هاشم بن السید ابوالحسن بن السید هاشم بن العلامه الفقیه المجتهد السید عبدالله بلاد بحرینی مشهور بسعادت از فضلاء کرام و علماء اعلام شهرستان بهبهان و اصدقاء این نگارنده است و ولادتش در بهبهان واقع شده و در خاندانی اصیل و نجیب و شریف تربیت

یافته والدش گرچه تاجر و در کسوه روحانیت و از اخیار بهبهان بشمار میرود.

آقای سعادت بعد از فراغت از دروس جدید بتحصیل علوم قدیمه پرداخته و مدت ده سال در مدرسه عالی سپهسالار و مدارس تهران مقدمات و ادبیات و سطوح را خوانده آنگاه بنجف اشرف مشرف و ده سال هم در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله کسب فیض و استفاده فقه و اصول نموده آنگاه بایران مراجعت و چند سالی است در وطن مألوف و مسقط الرأس خود بهبهان باقامه جماعت و ترویجات دینی و وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

دو هجرت بزرگ از بهبهان و آثار آن

جناب مترجم ما آقای سعادت برای نگارنده نقل کردند که دو نفر دانشمند بزرگوار برای خدا از بهبهان مهاجرت کردند و بریاست دنیوی و دینی رسیده‌اند.

اول- علامه کبیر آیه‌الله وحید فی‌العالمین آقا محمد باقر وحید بهبهانی و جریان هجرتش از این قرار است که این بزرگوار در مسجد خود نماز میخواندند و عالم دیگری که از جهت معلومات رتبه شاگردی او را هم نداشتند در محله‌ی دیگر نماز میخواندند جماعت او بسیار بودند پس کدخدای محل آقا باقر میرود و مردم آن محل و محله‌های دیگر را بزور و تهدید و غیره میآورد بطوریکه مسجد پر شده و مردم در خارج مسجد میایستند و چون آقای آقا باقر میآید و آن مردم را میبیند تعجب میکند که چطور این مردم اجتماع نموده‌اند، پس کد خدا نزدیک آمده و ابراز میکند که آقا این مردم را من جمع کرده‌ام که نماز شما پر جمعیت‌تر از نماز فلان آقا باشد، آقای آقا باقر ناراحت شده ولی چیزی نمیگوید، نماز مغرب را خوانده و ببهانه تجدید وضو بمنزل آمده و میگوید من رفتم کربلا و نماز عشا را در بقعه بشیر و نذیر که در یکفرسخی بهبهانست میخواند و با زحمت فراوان خود را بکربلا رسانیده و در اثر این مجاهده با نفس کم کم کارش بجائی میرسد که وحید علی‌الاطلاق گردیده و مرجع کل فی‌الکل میگردد.

دوم- آیه‌الله العظمی حاج سید اسماعیل موسوی بهبهانی که در مسجدی نماز خوانده و در مقابلش آیه‌الله حاج سید محمد صالح طباطبائی در مسجد دیگر و همواره میان مریدان وی و مریدان آقا نزاع و اختلاف بوده تا جائیکه شبی مریدان آن آقا بروی مریدان وی آب گل و خاک پاشیده و آنها را توهین و اذیت میکنند.

مردم خدمت آقا سید اسمعیل رسیده جریان را گفته و اجازه میخواهند که متقابلا آنها را مورد حمله قرار دهند پس آقا سه روز مهلت میخواهد و در این سه روز تمام اموال خود را جمع کرده و مردم را دعوت میکنند آقا قصد حمله بآنها دارد وقتی حاضر میشوند میفرمایند بهبهان یک شهر کوچکی است و برای آن یک عالم مانند آیه‌الله آقا میر محمد صالح کافی است و من در اینجا وجودم بیهوده است، من بنجف خواهم رفت و هرچه مردم اصرار کردند نپذیرفت بنجف رفته و در درس شیخناالانصاری شرکت کرده و مورد توجه آن بزرگوار میشود تا وقتیکه ناصرالدین شاه مشرف شده از جناب شیخ عالم و مجتهدی برای تهران میخواهد شیخ انصاری ایشان را معرفی کرده و شاه ایشان را بتهران آورده و یکی از علماء و مراجع بزرگ تهران شده و بیت بهبهانی را در تهران تشکیل میدهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعید تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمرتین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان ۱۳۳۳)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (۱۳۲۶)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۱۲ ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (۱۳۹۶ ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳۹۹ ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، ۱۳۶۷)، خدا و رمضان (۱۳۹۱ ق.)؛ خدا و ولی الامر (۱۳۹۲ ق.)؛ خدا و مهدی (۱۳۹۴ ق.)؛ دایرۀالمعارف قرآن (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (۱۴۰۶ ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (۱۳۶۱)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (۱۳۶۱)؛ ما با خدا کار داریم (۱۴۰۶ ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (۱۴۰۲ ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (۱۴۱۲ ق.)؛ مسئولیت (۱۴۰۹ ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (۱۴۰۴ ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (۱۴۱۵ ق.)؛ نگهبان مکتب ما (۱۴۱۰ ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (۱۴۰۳ ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (۱۳۸۰ ق.)؛ الرسول یحدثنا (۱۳۹۴ ق.) الرسول یدعوکم (۱۳۹۸ ق.)؛ الرسول الشیعه (۱۳۹۸ ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق. جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ شیعتنا (۱۴۰۲ ق.)؛ موسوعۀ المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبداللّٰه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.

تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللّٰه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار

ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.

(۱۴۱۶ -۱۳۳۸ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللَّه حیکم و آیت‌اللَّه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللَّه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللَّه حلی؛ نشریه «دائرةالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[۱]

حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه حاج میرزا عبداللَّه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌اللَّه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص ۴۸۳ گذشت معظم‌له در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللَّه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ ۱۳۹۹ قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.

۱- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.

۲- شرح مکاسب سه جلد.

۳- اصول دین.

۴- افکار پریشان.

۵- همه در انتظار اویند چاپ شده.

نویسنده گوید: آیت‌اللَّه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.

خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللَّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللَّه عجل اللَّه فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللَّه عنهم خیرالجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار حضرت آیت‌اللَّه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۳/ ۴).

سعید تهرانی، عبداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیا آمد. مدتی در تهران نزد علمای دین چون شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح تهرانی و میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تحصیل علوم دینی کرد. در ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه نایینی و آیۀاللَّه شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کربلایی استفاده نمود. در ۱۳۳۳ ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و از آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه کبیر بهره‌ها گرفت. در ۱۳۵۶ ق به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبداء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)».[۱]

آیت‌اللَّه مرحوم حاج میرزا عبداللَّه ابن آیت‌اللَّه حاج میرزا مسیح مشهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصر تهران بوده است در سال ۱۳۰۵ ق در تهران متولد شده و نزد علماء تهران چون مرحوم آقای شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامان رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه شریعت و آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی و عالم ربانی حاج سید احمد کربلائی و غیر هم استفاده نموده و در سال ۱۳۳۳ ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والدش (در سال ۱۳۳۴ ق) چند سالی امامت مسجد جامع تهران را نموده تا سال ۱۳۴۲ ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقدر شیعه از عراق تبعید به ایران شدند وی باستقبال آنان شتافته و در خدمت آنان به قم آمده و بافاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال ۱۳۵۶ ق پس از فوت آیت‌اللَّه حایری به تهران مراجعت نموده و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر دینی و اجتماعی اشتغال داشته تا در ذی‌الحجه سال مزبور در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:

۱- حاشیه بر مکاسب ۲- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سنه و عقل و تفسیر ۳- اصول فلسفه ۴- رساله‌ای در مشتق ۵- سنن النبی (ص) ۶- متفرقات دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۵۸/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۹ -۲۰۸)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵۳/۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/ ۴۸۲- ۴۸۳).

سعیدی زاده، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول سعیدی زاده

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال ۱۳۴۴ هـش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید.

پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.

او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس درسال ۱۳۶۲ هـش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی درسال ۱۳۶۶ هـ. ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست درسال ۱۳۷۲ هـ. ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.

از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد.وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.

سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهاوندی در نهاوند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سعیدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد کاظم بن المرحوم حجه‌الاسلام آشیخ غلامحسین بن‌العلام آخوند ملا محمد فرشه‌ای از علماء اعلام معاصر آمل است که در این شهرستان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۰۹ شمسی هجری در قریه فرشه بالا ولایت کاشمر خراسان متولد شده و مقداری از ادبیات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و سطوح را در کاشمر فرا گرفته و بمشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین بزرگ مشهد استفاده نموده و در سال ۱۳۴۱ شمسی بنابر دعوت و تقاضای عده‌ای از مؤمنین آمل مهاجرت

باین شهر نموده و رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات روحی و دینی اشتغال دارد. آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان از این قرار است:

۱- تشکیل کتابخانه مجهز در محیط مسجد جامع. ۲- اداره حوزه علمیه آمل. ۳- تشکیل انجمن درس قرآن که تاکنون شصت شعبه در شهر و حومه آن دارد و در تمام شعبات هفته دو شب تشکیل جلسه داده و برنامه‌های مذهبی را از درس تفسیر و مسائل احکام و اعتقادات اجراء مینمایند. ۴- تأسیس دو دستگاه پایگاه تبلیغات معارف جعفری بنام سالن انجمن درس قرآن شهرستان آمل شماره ۱ و شماره ۲.

اما تألیفات ایشان: ۱- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن که ناظر کتاب فصل الخطاب حاجی نوری رحمه‌الله است. ۲- رساله‌ای در اعجاز عموما و در اعجاز قرآن خصوصا. ۳- کتابی بنام خطریکه اسلام را تهدید میکند که در آن کتاب از نیرنگهای کلیسا و استعمار پرده برداشته شده و خطراتی که از طرف اقلیت‌های مذهبی متوجه اسلام است شرح گردیده است. ۴- ترجمه کتاب المحاسن والمساوی ابراهیم بن محمد بیهقی بنام خوبیها و بدیها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان المتکلمین، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۵۳ ق)، عالم دینی، رجالی و واعظ. مدتها در تهران و مشهد به وعظ و خطابه می‌پرداخت. از وعاظ مشروطه طلب بود، و همه‌ی طبقات از منبرش سود می‌جستند. وی دارای تالیفات چندی است. از جمله آثارش: «زبده المآثر»، در شرح حال برادرش حاج ملا باقر واعظ تهرانی و ذکر تالیفات او؛ منظومه‌ی «تریخ امالمصائب سیدتنا زینب بنت امیرالمومنین (ع)»، به فارسی، در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اساس السیاسه فی تاسیس الریاسه»، در ابتدا عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالك اشتر شرح داده شده و سپس سایر اخلاق و آداب ریاست بیان شده؛ «بشارات الامه»، در موالید ائمه (ع)، که در ابتدای آن اصول عقاید مفصلا بیان شده؛ «ترجمه موسی المبرقع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲/۱۲، ۱۶۶/۴، ۲۶۳، ۱۱۲ /۳، ۷/۲)، شرح حال رجال (۱۹۸/۵)، ریحانه (۶۲ -۶۱ /۳)، علماء معاصرین (۳۶۸ -۳۶۷)، معجم المؤلفین (۵۸/۹).

سلطان الواعظین شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۱۴ ق)، عالم دینی، متکلم، نویسنده و واعظ. در تهران به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه پامنار تهران فراگرفت و در ۱۳۲۶ ق همراه پدرش به عراق رفت و مدت دو سال در کربلا توقف کرد و سطوح متوسطه را نزد فاضل مرندی و شهرستانی خواند و در خدمت پدر به کرمانشاه رفت و به تبلیغ شریعت پرداخت. او برای تکمیل علم و دانش و انجام وظائف و افاضه و استفاضه

مسافرتهائی به عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصر و هندوستان نمود و با بسیاری از دانشمندان یهودی و مسیحی و علمای هند و همچنین با قادیانیها و بهائی‌ها مناظرات ینی و مذهبی کرد که مهمترین آنها دو مناظره‌ی بزرگ وی، در ۱۳۴۵ ق، یکی با برهمائیان در حضور قائد بزرگ هند، گاندی، در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب بود. جریان مناظره‌های وی در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. سلطان الواعظین در تهران درگذشت و در قم دفن شد. از آثارش: «شبهای پیشاور»، در یک هزار و پنجاه صفحه، گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور؛ «صد مقاله سلطانی»، در بر یهود و نصارا؛ «گروه رستگاران یا فرقه‌ی ناجیه»، در دو مجلد.[۱]

معروف به سلطان الواعظین شیرازی طاب الله ثراه عالمی کامل و واعظی عامل از جمله ستارگان درخشنده و مشعلهای فروزان حوزه علمیه قم است

وی فرزند ارجمند مرحوم حاج سید علی‌اکبر (اشرف الواعظین) معروف به اکبر شاه می‌باشد در ماه ذی‌القعده الحرام سال ۱۳۱۴ قمری در تهران متولد شده و در حجر والد ماجد تربیت کامل یافته و مقدمات اولیه را در مدرسه پامنار تهران خوانده و در سال ۱۳۲۶ قمری با والد مبرورش مشرف با عتاب عالیات شده و مدت دو سال در کربلا توقف و تحصیلات سطوح متوسطه را در نزد مرحوم فاضل مرندی و شهرستانی خاتمه داده و در خدمت پدر به کرمانشاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرتهای بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و هنود و منحرفین از دین از قبیل بهائیها و قادیانیها مناظرات دینی و مذهبی نموده که اهم آنها دو مناظره بزرگ در سال ۱۳۴۵ قمری در هندوستان بوده است.

۱- در دهلی (پایتخت امروز هندوستان) با دانشمندان و براهمه بت‌پرستان هند در حضور زعیم و قائد هند (گاندی) معروف که به اثبات حقانیت دین مقدس اسلام و خاتمیت پیغمبر عظیم‌الشان مسلمین خاتمه پذیرفت که در تمام جرائد آن زمان درج گردیده است.

۲- مجلس مناظره بزرگی با حضور دویست نفر تقریبا از رجال و بزرگان فریقین (شیعه و سنی) در شهر پیشاور پنجاب هند (پاکستان امروز) با دو عالم بزرگ از هشت ساعت انجام داده شد که مخبرین چهار روزنامه و مجله بزرگ گفتگوی طرفین را نوشته و در جرائد و مجلات خود نشر می‌دادند که در پایان شب دهم شش نفر از اکابر بازرگانان و اصناف و ملاکین و اشراف پیشاور فی المجلس مذهب حقه جعفریه را اختیار نمودند و همان مناظرات که در مجلات و روزنامه‌های پاکستان چاپ شده با تجدید نظری به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت کتابی بزرگ به نام شبهای پیشاور به طبع رسیده است.

مرحوم سلطان الواعظین که با این نگارنده صداقت تام و محبت زیادی داشت و گاه گاهی موفق به زیارتش می‌شدم وی را عالمی بلندهمت و منیع‌الطبع و کریم‌النفس می‌دیدم حدود ده سال در اثر کسالت قلبی از منبر ممنوع و به کلی خانه‌نشین و قادر بر حرکت نبود ولی باز در همین بازنشستگی از راه تالیف خدمات ارزنده نمود و آثار مفیده‌ی گذاشت که ذیلا می‌نگارم.

۱- کتاب شبهای پیشاور در یکهزار و پنجاه صفحه که تاکنون بیش از بیست مرتبه به طبع رسیده و موجب استبصار هزاران نفر سنی ایران و افغان و پاکستان و غیره شده است.

۲- صد مقاله سلطانی رد بر یهود و نصاری مکرر به طبع رسیده است.

۳- گروه رستگاران جلد اول در بیش از پانصد صفحه.

۴- گروه رستگاران جلد دوم در بیش از پانصد صفحه.

مرحوم سلطان‌الواعظین در ماه شعبان سال ۱۳۹۱ ق در تهران وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله از آن جناب شد در مقبره ابوحسین مدفون گردید حشره الله مع اجداده

الطاهرین و رزقنا الله شفاعته یوم الدین.

پس از فوتش جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حایری تهرانی مرحوم ثقه‌الاسلام حاج سید جواد سه‌دهی را که از منبریهای برجسته تهران بودند در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است می‌گوید آقای سه‌دهی چطوری می‌گوید بسیار خوبم و از وقتی که آقای سلطان‌الواعظین آمده است به هر کدام از ما یکدرجه داده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۵۴ -۱۵۰ /۲)، الذریعه (۲۰۶/۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷ -۳۷۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۷ -۵۰۶ /۵).

سلطان محمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل سلطان محمدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل سلطان محمدی پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی درمقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم و با فرا گرفتن دروس مقدماتی ، دروس سطح را در نزد استادان معظم آقایان : وجدانی فخر ، اعتمادی ، قدیری ، بنی فضل ، صالحی مازندرانی و استادی به پایان بردم و در سال ۱۳۶۹ به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم و اکنون بیش از پانزده سال است که در درس خارج فقه حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نموده و از محضر علمی ایشان استفاده می نمایم هم چنین در سال ۱۳۶۸ در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) در دوره کارشناسی علوم سیاسی پذیرفته شدم . پس از گذراندن این دوره در سال ۱۳۷۳ با مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی دفتر تبلیغات ، در حوزه تحقیق و پژوهش ابتدا در واحد اطلاع رسانی (نمایه سازی مجلات کتب و روزنامه ها) و سپس در پژوهشکده اندیشه سیاسی وابسته به این مرکز در گروه فقه سیاسی با گرایش فقه سیاسی ، تاریخ اندیشه عالمان شیعی ، احادیث و روایات اهل بیت (ع) به همکاری و فعالیت های تحقیقی و پژوهشی پرداختم که این همکاری در قالب پروژه های تحقیقی تا کنون ادامه یافته است .

محصول دوازده سال تلاش علمی اینجانب چهار کتاب و تعدادی مقاله بوده که در موضوعات گوناگون به نگارش درآمده و غالب آنها به چاپ رسیده است و برخی در دست تحقیق است .

سلیمان اف، معصوم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معصوم سلیمان اف

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه ۱۰ کلاسی، در سال ۱۹۸۴ میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال ۱۹۹۱ و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الآن مشغول نهایه الحکمه در سطح ۳ موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالفضل سلیمی نیز یکی از علماء و ائمه جماعت زنجانست که در این شهر به خدمات دینی از امامت و ترویج دین و غیره اشتغال و مانند شهرتش سلیم‌النفس و پرهیزکار می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۶ ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در ۵۴۲ ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳ -۲۲ /۸)، ایضاح المکنون (۱۶۸/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۸۱۳، ۱۶۹۷، ۱۵۸۰، ۷۱۷، ۵۷۱، ۵۶۵)، معجم المؤلفین (۱۳۷/۱۲).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۹ -۴۲۶ ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا این که فقیهی برجسته شد و از ارکان مذهب حنفی به شمار آمد. او از شاگردان ابوغانم کراعی و ابوبکر ترابی و عبدالصمد بن مامون و ابوصالح موذن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم زنجانی بود. پس از سی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و ازین رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشید. اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امام شافعیان گشت و موافق آن مذهب تدریس کرد و فتوی داد و تالیفات بسیاری در فقه شافعی از خود بجای گذاشت. فرزندانش و عمر بن محمد سرخسی و ابونصر محمد کاشانی و محمد سنجی و ابونصر غازی و ابوسعد بن بغدادی از شاگردان وی می‌باشند. و از وی روایت کرده‌اند. او در تفسیر، فقیه و اصول و حدیث آثاری دارد که از آن جمله‌اند: «الاصطلام»، که شهرتی عالمگیر داشت؛ «القواطع»، در اصول فقه؛ «الانتصار»، در حدیث، در رد مخالفین؛ «المنهاج اهل/ لاهل السنه»، در رد قدریه؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر السمعانی»؛ «الف حدیث عن مائه شیخ»؛ «الرهان»، حاوی هزار مساله از مسائل خلافیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۴ -۲۴۳ /۸)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۱۱۹ -۱۱۴ /۱۹)، کشف الظنون (۱۸۷۰، ۱۳۵۷، ۴۴۹، ۲۰۲، ۱۷۳، ۱۵۱، ۱۰۷)، لغت نامه (ذیل/ منصور)، معجم المؤلفین (۲۰/۱۳)، هدیه العارفین (۴۷۳/۲)، وفیات الاعیان (۲۱۱/۳).

سمعانی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن مصنور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۱۰ -۴۶۶ ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی. در مرو به دنیا آمد. در نیشابور و اصفهان و همدان و کوفه و حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه‌ی نظامیه بغداد وعظ گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املای حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املاـ در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبداللّه طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصراللّه بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن بندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و ابوغالب عدل و ابوبکر، نوه‌ی ابن‌مردویه، و ابوالفتح حداد شنیده بود، بیان می‌کرد. سلفی و ابوالفتوح طائی و ابوطاهر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. او رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماما شست و محو کرد. سرانجام در مرو درگذشت او دارای آثاری در زمینه‌ی حدیث و وعظ می‌باشد که از آن جمه کتاب «الامالی» «امال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲/۷)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۳۷۳ -۳۷۱ /۱۹)، الکامل (۲۷۷/۸)، الکنی و الالقاب (۳۲۳/۲)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۱۲)، الوافی بالوفیات (۷۵/۵)، وفیات الاعیان (۳۱۱ -۳۱۰ /۳).

سند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سند

محل تولد : بحرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.

در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاهٔ و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاهٔ و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاهٔ و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی ۱۲ سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سه چهاری، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از معروفین سلسله‌ی شیخ زین الدین است: مرحوم ملا محمد هاشم سه چهاری، از منبریان اصفهان، واعظ صالح کامل، در ماه صفر ۱۳۶۱ وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سه دهی واعظ، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سید الذاکرین وثقه المحدثین حاج سید جواد سه‌دهی از منبریهای معروف تهران بودند و در مرثیه و روضه خواندن نفس بسیار گرم و حال بسیار خوبی داشتند منبری بسیار موثر و مهیج داشت و کمتر مستمعی بود که تحت‌تاثیر و نفوذ منبر او قرار نگیرد و یا در موقع روضه خواندن ایشان نگرید مسجد بزازهای تهران در ایام عاشورا شاهد منبرهای داغ و پرشور و حرارت آن مرحوم می‌باشد. غالبا خودش می‌گریست و دیگران را نیز می‌گریانید جدا با حال و بااخلاص بود و نمی‌شد نگارنده در پای منبر و روضه خواندن وی منقلب نشوم در سال ۱۳۸۷ قمری در تهران وفات نموده و با تشییع مجللی به شهر ری منتقل و در صحن مطهر در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی مدفون گردید.

جناب حجه‌الاسلام حاج آقا مهدی حایری تهران می‌فرمود خواب دیدم وارد حسینیه جواهری تهران شدم و دیدم مجلس روضه برقرار است و مرحوم حاج سید جواد سه‌دهی منبرند و بسیار باشور و حرارت روضه می‌خوانند و مردم گریه می‌کنند وقتی از منبر آمده و خواست برود من جلو رفتم و گفتم آقا حال شما چطور است گفت بسیار خوبم و از وقتیکه حاج سلطان الواعظین شیرازی آمده‌اند به هر کدام از ما منبریها یک درجه به احترام ایشان داده‌اند.

مرحوم سه‌دهی فرزندان چندی دارند که در میان آنان دانشمند گرامی و واعظ نامی آقای حاج سید محمود سه دهی از گویندگان و وعاظ جوان تهرانند و منبری آموزنده دارند که در محرم و صفر و ماه رمضان و اوقات دیگر به این شغل خطیر اشتغال و در اوقات دیگر به شغل تجارت فرش مشغول می‌باشند. وی در تهران متولد و پس از خواندن دروس جدید به قم آمده و مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و چندی از محضر آیت‌الله العظمی خ... و دیگران استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به تهران مراجعت و تاکنون به انجام وظائف دینی و تبلیغی و اجتماعی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سه دهی واعظ، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمدعلی سه‌دهی که سالها خدمتگذار آستان ولایت و مانند مرحوم برادر و والد ماجدش از راه منبر به خدمات دینی و روحی اشتغال داشتند ولی چندین سالست که با لباس مقدس روحانیت و اسلاف و نیاکان خود در سلک تجارت فرش اشتغال و بسیار ظریف و خوش محاوره و مجلس و در رفاقت صدیق و در صداقت شفیق می‌باشند و با جناب مستطاب واعظ نامی

معاصر آقای حاج سید محمد موسوی رفیق صمیمی و خالص و با معیت و مصلحت وی مسافرتهای مهمی به خارج کشور اروپا و افریقا و امریکا و هند و پاکستان نموده و خاطرات شیرینی دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سه‌دهی واعظ، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید ابوالقاسم سه‌دهی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید محمدعلی حسینی تهرانی عالمی فاضل و واعظی کامل و کثیر التالیف بود در سال ۱۳۳۹ قمری پس از اعمال حج در مکه معظمه وفات یافت و در قبرستان معلی (قبرستان ابوطالب) مدفون گردید.

دارای تالیفات عدیده و مفیده می‌باشد که ذیلا می‌نگارم.

۱- بدایع الاخبار در اخلاق ۲- بشاره الابرار در احوال شیعه الکرار فی دار القرار در چهل هزار بیت ۳- برهان الرساله در اثبات نبوت خاصه ۴- حسام الشیعه در اثبات امامت امیرالمومنین علیه‌السلام.

۵- خصایص الایام در وقایع الایام.

۶- دلائل الربوبیه که به طبع رسیده است ۷- لمعات الانوار مطبوع ۸- نفایس الاخبار و غیره.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سیبویه کربلائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند ملا علی‌اکبر سیبویه حایری کربلائی از مخلصین اهل‌بیت و مبلغین احکام و مروجین اسلام و خدام مخلص اهل‌البیت علیهم‌السلام بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌الصلوه والسلام است. ایشان در بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ قمری در کربلا به دنیا آمده و در بیت علم و حدیث تربیت یافته و پس از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات سطوح را نزد والد ماجدش و عموی بزرگوارش مرحوم حاج شیخ محمدعلی سیبویه که از علماء محترم کربلا بودند خوانده و سطوح نهائی و خارج فقه را از مرحوم علامه فقیه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی که از مجتهدین و علماء مبرز کربلا بودند استفاده نموده و در سال ۱۴۰۰ قمری برابر با ۱۳۵۹ شمسی از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر و رانده به ایران شده پس از ورود رحل اقامت به تهران انداخته و تا حال تحریر کتاب ۱۴۱۲ قمری در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ذکر مصائب خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوه والسلام از طریق منبر اشتغال دارند و جدا مخلصانه و خالصانه این وظیفه را ایفاء می‌کنند و لذا اثر عمیقی در مستمعین و شنوندگان خود می‌گذارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه یزدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فرزند عالم ربانی حاج شیخ محمدعلی فرزند آخوند ملا عباس یزدی ابرندآبادی از دانشمندان کربلا بوده که دولت بعث عراق او را با ده‌ها هزار نفر دیگر به ایران رانده و ایشان رحل اقامت در مشهد مقدس انداخته و تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام نموده و به خدمات دینی در آنجا از اقامه جماعت و تدریس و اداره عده‌ای از طلاب و محصلین اشتغال دارند.

جد ایشان آخوند ملا عباس در ابرندآباد یزد متولد شده و پس از خواندن مقدمات به اتفاق آقا سید محمدکاظم یزدی که با او رفاقت تامی داشته به اصفهان هجرت نموده و قسمتی از سطوح در آنجا خوانده و مهاجرت به کربلا نموده و چندی که اقامت داشتند کسی از شخصیت ایشان مطلع نبوده تا آنکه کم‌کم مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر حجت کربلائی و آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل صدر متوجه و مطلع می‌شوند از آمدن ایشان.

پس از ایشان دیدن کرده و تجلیل می‌کنند پس از آن شروع به تدریس و اقامه نماز جماعت در صحن شریف و بعضی از مساجد کربلا- می‌نمایند و بعد از آن برادر بزرگوارش مرحوم آخوند ملا-علی سیبویه از ابرندآباد یزد عازم کربلا شده و در آنجا اقامت نموده و پس از چندی قبل از برادرش مرحوم ملاعباس از دنیا می‌روند و لقب سیبویه اختصاص به ایشان داشت و پس از فوتشان علماء کربلا لقب مذکور را به ایشان دادند و این نام خانوادگی اولاد و اعقاب ایشان گردید و خلاصه هر دو آن بزرگوار از علماء مبرز و مجتهدین بزرگ کربلا بودند و مرحوم آخوند ملاعلی سیبویه عقیم و بدون اولاد بود و مرحوم آخوند ملاعباس دارای دو فرزند عالم و دانشمند به نام:

۱- حاج شیخ علی‌اکبر والد ماجد حاج شیخ احمد سیبویه مقیم تهران.

۲- حاج شیخ محمدعلی سیبویه والد ماجد مترجم ما بودند.

و این دو بزرگوار حاج شیخ علی‌اکبر و حاج شیخ محمدعلی از علماء مبرز کربلا بوده‌اند که در حوزه کربلا اشتغال به تدریس و امامت در صحن شریف و مسجد می‌نمودند.

و مرحوم حاج شیخ محمدعلی دارای فرزندانی بودند که بیشتر آنها در حال کودکی از دنیا رفتند و دو فرزند فاضل و دانشمند از ایشان به نام:

۱- حاج شیخ محمدحسن سیبویه که دانشمندی فاضل و ارزشمند بودند و پس از سفر به ایران در اثر ناراحتیها و صدمات وارد در مشهد بیمار شده و از دنیا رفته و در صحن نو مشهد مقدس مدفون شدند.

۲- مترجم ما جناب حاج شیخ حسین سیبویه که در کربلاء معلی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی و مقدماتی و سطوح را از مدرسین کربلا بالاخص مرحوم والدشان و حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ محمدرضا جرقوئی اصفهانی و حاج شیخ محمدعلی منتظری و حاج شیخ محمد خطیب و دیگران خوانده سپس عزیمت به نجف اشرف نموده و سطوح عالی را از محضر حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آقا سید احمد اشکوری و حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و بعد به درس مرحوم میرزا باقر زنجانی و بعد از آن به درس میرزا حسن بجنوردی سپس درس آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری خوئی مد ظله و آقای خمینی استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و غیره پرداخته و مدرسه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام تأسیس و عده‌ای از محصلین و طلاب مشهد را تربیت و تعلیم می‌دهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سید العراقین (عبدالحسین)

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حـاج میرزا عبدالحسـین خـاتون آبـادی فرزنـد آقـا میر محمـد مهـدی بن حـاج میر معصوم بن حاج میرزا محمـد علی بن میر ابوالمحسن بن میر محمـد اسـماعیل [بن میر محمد باقر بن میر محمد اسـماعیل] مدرس کبیر خاتون آبادی. پدرانش عموما از علمای بزرگ اصـفهان، و رؤسـای این شـهر بوده، و به مناسـبت سـکونت در محله‌ی پـاقلعه (از محلات اصـفهان) به سادات پاقلعه معروف شده‌اند.

مرحوم سـید العراقین در سال ۱۲۹۴ در اصـفهان متولـد شده، و مقدمات علوم را در این شـهر آموخته، سـپس جهت تکمیل به عراق عرب رفته، سال‌ها در نجف اشـرف از محضـر اساتید بزرگ آنجا در فقه و اصول اسـتفاده نموده، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردیده، به اصفهان مراجعت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت، و فصل خصومات، و ترویج دین پرداخته.

سرانجام در شب چهارشـنبه ۱۰ شوال ۱۳۵۰ وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص در مجاورت تکیه‌ی خاتون آبادی‌ها مـدفون گردیـد. (پس از آن جمعی کـثیر از فضـلا و علمـا در مجـاورت او در بقعـه و خـارج آن مـدفون شدنـد که ذیلاـ به نـام برخی از آنهـا اشـاره می‌شود.

مرحـوم سـید العراقین آخرین مـدرس معروف مـدرسه‌ی چهاربـاغ به شـمار می‌رفت که پس از فوت او، به مناسـبت چنـدی، سـال‌ها مـدرسه تعطیـل، و خـالی از طلبه و محصـل بوده، و امورات وقفی آن زیر نظر اداره‌ی اوقـاف اداره می‌شـد، تـا پس از وقایع شـهریور ۱۳۲۰ مجـددا مـدرسه به تصـرف وقف داده، و حق به من له الحق بازگشت. سـپس طلاب در آن ساکن شـده و به تحصـیل مشـغول شدند، و به حمدالله تاکنون دایر، و صبح و عصر جلسات تدریس فقه و اصول حکمت و ادب در آنجا دایر است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سید هاشمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد سیدهاشمی

محل تولد : کاظمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمد میرهاشمی از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان

در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (۶۶ ـ ۱۳۶۵) در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال ۱۳۷۵ فارغ‌التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۶ بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ و نیز سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم(ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده ولکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال ۱۳۸۰ به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال ۱۳۸۳ به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می‌باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال ۱۳۸۴ با اخذ موضوع پایان‌نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق‌گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح ۳ حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای ۱۳۸۲ به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم ۸۶ ـ ۸۵) در جامعهٔ الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شد ه ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و

دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیك یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیدی ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۲/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سبز اردیبهشت ۱۳۴۳ در ساری شهری که همسایه دریا و کشتزاران است وعطر شالیزار درآن می وزد چشم به جهان گشودم. اولین کاری که در عمرم کردم این بود که با آمدنم پدر و مادرم را به گریه انداختم و بعد فامیلهای دیگر را (باغی که نکوست از بهارش پیداست) تا یازده سالگی در کوچه های آکنده از عطر درختان نارنج به دنبال سنجاقک و پروانه می دویدم. رگهای برگها را می شمردم و لطافت پرهای سار و سبز قبا را با نگاهم لمس می کردم. با اینکه آن روزها هم شهر نشین بودم اما گوشم با شیهه اسب و زنگوله گوسفندان آشتی داشت.در سال ۱۳۵۳ برای فرو نشاندن تشنگی روح به حوزه علمیه قم وارد شدم . تا سال ۱۳۵۹ برگهای دفتر عمرم خالی از رنگ شعر و ادب و هنر است. از همان سال حرفهایی از چشمه روحم جوشیدند و در جویبار شعر جاری شدند . در یک برخورد از نوع معمولی با استاد " صادق موسوی گرمارودی " آشنا شدم و ایشان به پاکسازی و پالایش این چشمه پرداخت . در مدت یکی - دو سال هر بار که خار جفا در پای دل می رفت و یا پرنده شادی بر شاخسار احساس می خواند چشمه می جوشید و چند نفری هم از شنوندگان رادیو " ساری " و خوانندگان مجلات آن روزها از ان نوشیدند .از سال ۱۳۶۲ باز به تشویق همان استاد به ترجمه روی آوردم که تا امروز ۴۰ تایشان در قفسه های کتابفروشی ها و کتابخانه ها نشسته اند.

این شعله هر چند وقت یکبار از زیر خاکستر پراکنده کاریها سر بر می کشد و تا فاصله ای را روشن و درون عده ای – وبیشتر بچه ها – را گرم می کند . سال ۱۳۶۳ بود که پس از مدتی کلنجار رفتن با روحم او را به دوربین فروشی بردم و از پشت " ویزور" دوربین دنیا را نشانش دادم . آن قدر خوشش آمد که از آنروز تا الآن همیشه از آنجا به عالم و آدم نگاه می کند . تا حالا هم بیش از ۱۲ جایزه عکاسی به من هدیه کرده است. معطل کارهای دیگری هم شده ام که هرگز این پراکنده کاریها را به کسی توصیه نمی کنم .

سیستانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید زین‌العابدین حسینی سیستانی از علماء محترم و ائمه جماعت جامعه گوهرشاد مشهد و مورد احترام و وثوق مردم مشهد بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیستانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر عالمی جلیل و فاضلی باکمال از دانشمندان سیستان بوده و در آنجا قیام به وظائف شرعی از اقامه نماز جمعه و نشر احکام و هدایت و ارشاد انام نموده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیفی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد : بابلسر

شهرت : سیفی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با

پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازندران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

سینی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمدعلی حسینی. واعظ صالح، متوفی در رجب ۱۳۷۷، مدفون در جنب برادر [سید مهدی بدری].

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شاکر اردکانی، سید اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل شاکر اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۲/۱۸

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد اسماعیل شاکر اردکانی فرزند سیّد حسن متولد ۱۸/۱۲/۱۳۵۶ در اردکان یزد هستم .پدر بنّا و سخت در کار و کسبش کوشا و پر کار است و مادرم خانه دار.از میان ۶ فرزند پدرم،فرزنددوّم هستم.از ابتدای نوجوانی علاقه زیادی به علوم دینی و مجالس امام حسین(علیه السلام)داشتم.پس از گرفتن سیکل تصمیم بر رفتن به حوزه گرفتم امّا عده ای به من گفتند دیپلم بگیر و بعد برو در دبیرستان به رشته علوم تجربی مشغول شدم و با وجود آنکه قبول شدم ،سال اوّل را ادامه نداده، به حوزه رفتم و در اردکان طلبه شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم حاج شیخ علی بهجتی و حاج شیخ محمّد شاکری و حاج سیّد مهدی حسینی نژاد و همچنین از استادانی دیگر مثل حاج شیخ علی محیطی،حاج شیخ رضا جعفری،حسین ثقفی،مجید جعفری،شیخ رضا مختاری،شیخ علی جدیدی و.... استفاده نمودم.

پس از اتمام سطح (پایه ششم) به قم آمدم و دروس حوزه را ادامه دادم و همراه آن به رشته تخصصی تبلیغ ادامه تحصیل دادم واکنون نیز به کارشناسی ارشد آن مشغولم.

شاکری، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاکری زواردهی

محل تولد : قم

شهرت : شاکری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شاکری زواردهی ،فرزند عیسی متولد ۱۳۴۵ محل تولد قم ،دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر[خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم ، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم ، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم ، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم . دوره سطح را در نزد

اساتیـد بزرگوارحـوزه که خیلی از آنـان در قیـد حیـات هسـتند گذرانـدم اگر چه دو بزرگـواری که بسـیار بر بنـده حق دارنـد و در شکوفایی فکر و انـدیشه ام نقش داشـته در قید حیات نیسـتند آیهٔالله وجدانی فخر که لمعه و شـرح آن را محضـر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیـهٔالله پایـانی که مکـاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سـطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضـرت آیهٔالله العظمی شـیرازی– مدظله – به مدت هفت سال اسـتفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضـرت آیهٔالله العظمی سبحانی– مدظله – به مدت شش سال – یک دوره گذراندم .

به موازات درس خارج در رشـته کلام اسـلامی مقطع سـطح چهار [دکتری] قبول شـدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم،و بعـد در آزمون تخصصـی تربیت مـدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشـی کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . دراین سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سا ل اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مـدارس برادران و خواهران و مراکزتخصصـی مشغول و در دانشـگاه هم درعلوم معارف اسـلامی چند سال مشـغول تدریس می بـاشم . یکی از رسالتهـای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مـدت ۱۵ سال به عنوان مبلغ از روسـتاها گرفته ،شـهرها و تا دانشگاه ها ،ازتبلیغ سـنتی ،غیر سـنتی و کلاسـیک توفیق داشته ام . درعرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکرین، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصـیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شـدم. درس خارج را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضـر اساتیـدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحـدی خراسانی بهره جسـتم. درس فلسـفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسـمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمـدتا در عرصه مباحث فلسـفی و کلامی، بویژه کلام جدیـد مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲/۱۳۳۰ ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللَّه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۰۳/۲)، الذریعه (۲۹۴/۱۸، ۱۶۴/۶)، ریحانه (۱۶۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱).

شاه آبادی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الاسلام «مهدی شاه آبادی» در سال ۱۳۰۹ هـ ش در دوران اوج اختناق رضاخانی در خانواده‌ای روحانی، در شهر مقدس «قم» دیده به جهان گشود. پدرش حضرت آیت الله العظمی «میرزا محمدعلی شاه آبادی» از فقها و عرفای نامدار دوران خود بود. وی استاد عرفان امام خمینی (ره) و نیز تعداد دیگری از علمای بزرگ معاصر بود. مهدی در سن چهارده سالگی در معیت پدر بزرگوار خود عازم تهران شد و به مدت دو سال مشغول فراگیری مقدمات قرآن در مکتب خانه امامزاده یحیی گردید. وی در سن شش سالگی به همراه دو تن از برادرانش به دبستان «توفیق» رفت و در مدت شش سال دوره دبستان را پشت سر نهاد. مهدی همزمان با تحصیل در دبستان، در درس پدر بزرگوار خود در منزل حاضر شده و به فراگیری صرف و سایر مقدمات ادبیات عرب پرداخت. در سال ۱۳۲۳ هـ ش در حالیکه او چهارده ساله بود، برای فراگیری علوم قدیمه به مدرسه مروی رفت و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه در سن هیجده سالگی ملبس به لباس روحانیت گردید. شیخ مهدی در سال ۱۳۲۸ هـ ش از نعمت پدر، معلم و مراد خود محروم گردید. دو سال پس از وفات پدر برای ادامه و تکمیل دروس اسلامی عازم حوزه علمیه قم گردید و از محضر اساتید معظم قم کسب فیض نمود.

در سال ۱۳۳۴ هـ ش وی پس از اتمام دوره سطح، در درس خارج فقه و اصول حضرت امام (ره) و سایر علمای عظام در«قم» حاضر گردید. دو سال بعد او به منظور تشکیل خانواده، با خانم «آیت الله زاده شیرازی» از نوادگان میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتوای تنباکو) وصلت نمود که حاصل این ازدواج شش فرزند می‌باشد.

با آغاز مبارزات سیاسی – مذهبی امام خمینی(ره) در سالهای اوایل دهه چهل، شهید شاه آبادی نیز به منظور یاری زعیم و مقتدای خود وارد عرصه مبارزه علیه رژیم پهلوی شد. تبلیغ رهبری و مرجعیت امام (ره) اولین وظیفه‌ای بود که وی بر عهده گرفت و به رغم خطرات و مشقات این راه، در جهت تحقق آن رنجهای بسیاری را متحمل شد. وی به همراه خانواده خود برای تبلیغ دین و

شناساندن مقام والای امام (ره) در ایامی که حوزه‌های علمیه تعطیل بودند، به مناطق دور افتاده مسافرت می کرد. او با صبر و استقامت و رفتار پاک و بی‌آلایش خود، قلوب بسیاری از مردم مناطق مختلف را از عشق و محبت نسبت به اسلام و افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) مملو می کرد. در کنار این فعالیتها، او ضمن تهیه و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی (ره) در بین انقلابیون سراسر کشور، به همراه برخی دیگر از روحانیون، نقش مواصلاتی بسیار قوی با امام (ره) داشت و برای ایجاد هماهنگی‌های لازم بین مراجع عظام و حضرت امام (ره) نقش فعالی را بر عهده گرفت.

در سال ۱۳۵۰ به «تهران» عزیمت نمود و با دعوت اهالی «رستم آباد»در« شمیران»، امامت مسجد این منطقه را بر عهده گرفت. با حضور وی دراین منطقه، فعالیتهای فرهنگی و مبارزات سیاسی انقلابیون منطقه، وارد مرحله جدیدی گردید و او به عنوان رهبر مسلمانان انقلابی شرق «شمیران» شناخته شد. فعالیتهای انقلابی او موجب جذب جوانان مسلمان و پرشور منطقه به فعالیتهای سیاسی – مذهبی شد و از پایگاه مسجد رستم آباد، انقلابیون جهت فراگیری آموزش‌های نظامی و یا دیدار با حضرت امام (ره) به خارج از کشور هدایت می‌شدند.

مبارزات و فعالیتهای او باعث گردید ، به عنوان یک روحانی مبارز و فعال از سوی دستگاه امنیتی رژیم پهلوی مورد شناسایی قرار گیرد و با حساسیت ساواک نسبت به وی در طول سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ هـ.ش به پنج بار زندانی و یک بار تبعید محکوم شد. در طول دوره‌های بازداشت و بازجویی، شهید «شاه آبادی» از جمله انقلابیونی بود که به رغم تحمل شکنجه‌های سخت و طاقت فرسا از سوی دژخیمان رژیم، از ارائه هر گونه اطلاعات و اخباری که موجب شناسایی و دستگیری دوستان و همرزمانش می‌شد، خودداری می‌ورزید. دوران تبعید وی نیز در شهر بانه استان کردستان که از مناطق سنی نشین کشور بود، سپری گردید. روحیه بالا، اخلاق اسلامی و رفتارهای انسان دوستانه وی با اهالی منطقه و نیز ارتباط و مصاحبت با برادران اهل تسنن و به خصوص شرکت در نمازهای جماعت مساجد آنان، باعث ایجاد رابطه عمیق بین آنان گردید. انس وی با مردم و بویژه علمای اهل سنت منطقه، در راستای تحقق اهداف مبارزات علیه رژیم و روشنگری مردم، تاثیر بسزایی داشت. بر اثر فعالیتهای انقلابی گسترده و شبانه روزی حجت الاسلام« شاه آبادی »در منطقه، رژیم به منظور جلوگیری از تشدید فعالیتهای انقلابیون، از ادامه تبعید وی منصرف شده و او پس از شش ماه تبعید آزاد گردید.

آخرین دوران زندان شهید «شاه آبادی» در سوم بهمن ۱۳۵۷ هـ ش و در آستانه ورود حضرت امام (ره) به میهن خاتمه یافت. وی به همراه سایر انقلابیون نقش فعالی در بازگشایی فرودگاههای کشور داشت. نقش او در کمیته استقبال از امام خمینی(ره) و نیز اداره بیت ایشان در تهران در کنار سایر انقلابیون برجسته، قابل توجه بود. وی در روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب با صدور فرمان تاریخی امام (ره) در خصوص لغو حکومت نظامی روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، ماموریت خطیر ابلاغ این پیام به مراکز و اماکن انقلابیون را بر عهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیتهای حجه الاسلام شاه آبادی وارد مرحله جدیدی گردید. با صدور فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی(سابق) و به دعوت آیت الله «مهدوی کنی»، وی به عضویت شورای مرکزی این نهاد درآمد و علاوه بر مسئولیت یکی از ستادهای کمیته «شمیرانات»، در تشکل و سازماندهی این نهاد انقلابی نقش برجسته‌ای داشت. در اسفندماه ۱۳۵۸ هـ ش و در آستانه برگزاری انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، حجه الاسلام شاه آبادی به نمایندگی از سوی جامعه روحانیت مبارز، تلاشهای گسترده‌ای را برای ائتلاف گروههای انقلابی و حزب اللهی انجام داد که ثمره آن انعقاد ائتلاف بزرگ بین جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. پس از این ائتلاف نامزدهای گروههای انقلابی از جمله شهید «شاه آبادی» به مجلس راه یافته و اکثریت مجلس اول شورای اسلامی را در دست گرفتند.

در سال ۱۳۵۹ هـش حضرت امام (ره) فرمانی در خصوص ضرورت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان صادر نمودند. هیائی جهت این بررسی تشکیل شد که حجت الاسلام «شاه آبادی» از اعضای موثر و فعال هیئت بررسی کننده، بودند. نتیجه این بررسی پس از تهیه و تدوین به محضر امام (ره) عرضه شد. با پایان یافتن دوره نمایندگی مجلس اول شورای اسلامی که شهید شاه آبادی به خصوص در کمیسیون قضایی آن نقش مهمی داشت و در آستانه برگزاری انتخابات مجلس دوم، وی به اصرار جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی، نامزد نمایندگی مجلس شد و با کسب اکثریت آراء به عنوان نماینده مردم تهران برگزیده شد. در فاصله بین پایان کار مجلس اول و آغاز به کار دوره دوم مجلس شورای اسلامی، شهید شاه آبادی طبق روال هیشگی خود که از زمان آغاز جنگ تحمیلی انجام می‌شد، برای بازدید از مناطق جنگی عازم منطقه جنوب گردید. وی در روز پنجشنبه ۶/۲/۱۳۶۲ هـ.ش در منطقه جزیره مجنون، در خطوط مقدم جبهه نبرد، بر اثر انفجار گلوله‌های توپ دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

منابع زندگینامه : لوح فشرده چند رسانه ای تولید شده توسط بنیاد شهید وامور ایثارگران در مورد شهید

شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد طاهر بن العالم الجلیل الشیخ محمد کاظم اصفهانی دانشمندی جلیل و عالمی متبحر بوده. وی از اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده بعد از آن که مقدمات علوم را در وطن خود خوانده و در نجف بدرس مرحوم آیت‌اللّٰه فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیر آنها حاضر شد و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد گردید به ایران بازگشت نموده و در شهر ری جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام رحل اقامت افکند و بانجام وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال یافت و در ترویج دین و تعظیم شعائر شرع مبین اهتمام بسیار نمود و مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفت و مرجعی بزرگوار گردید تا در سال (۱۳۱۰) قمری هزار و سیصد و ده وفات نمود.

مرحوم والدش شیخ محمد کاظم نیز از علماء مبرز اصفهان و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد، و در همان جا پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در سال ۱۲۷۲ ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل نمود. از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت‌اللّٰه شیخ ملا علی خلیلی رفت و مدتی نیز در محضر آیت‌اللّٰه میرزای شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت‌اللّٰه خلیلی، که پدرزنش بود، استفاده‌ها نمود تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. پس از فوت استادش، آیت‌اللّٰه خلیلی، به سامراء رفت و باز به محضر آیت‌اللّٰه میرزای شیرازی رسید. آنگاه به نجف بازگشت و مورد توجه و اقتدای عموم مردم گشت. وی در حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع) باز می‌گشت، در طویرج درگذشت و در نجف در ایوان طلای علوی، جنب مقبره‌ی علامه

حلی به خاک سپرده شـد. از جمله آثار وی: «الایقاد»؛ «الایقاظ»؛ «الاربعون حـدیثا»؛ «موعظه السالکین»؛ «الجوهره»، منتخبات سه گانه از «الکـافی» موسـوم بـه «مسـتند الفقهـاء» و از «التهـذیب» موسـوم بـه «اتمـام المسـتند»؛ «حلیـه الزائریـن»؛ «حلیه المعاشـرین»؛ «منتخب الخلاصه»، در رجال؛ «لب التفسیر»؛ «وجیزه» در فضائل ضیافت؛ «غرفه المعجزات»؛ «منتخب کتب الرجال الاربعه»، «رجال الطوسی» و «الفهرست للطوسـی» و «رجـال النجاشـی» و «رجـال الکشـی». از او آثـار خطی بسـیاری نیز بـاقی مانـده که می‌توان در «طبقات اعلام الشیعه» از آنها نشانی گرفت.[۱]

السید محمـدعلی بن السـید الجلیل السـید میرزا محمد بن میرزا جان معروف به میرزا هدایهٔاللّه حسـینی شاه عبدالعظیمی نجفی قدس اللّه سره فقیهی پرهیزکـار و عـالمی بزرگوار بود در ۱۷ جمـادی الاـولی هزار و دویست و پنجاه و هشت در زاویه مقـدسه شـهر ری متولـد شـده و در آنجـا پرورش یـافته و اولیـات و قسـمتی از علـوم مقـدماتی را خوانـده و در سـال ۱۲۷۲ قمری در ســن ۱۴ سالگی مهاجرت به نجف اشـرف نموده و سـطوح را به پایان رسانیـده و چنـد سالی از محضـر مرحوم شـیخنا الانصاری اسـتفاده کرده آنگاه بـدرس فقه و اصول آیت‌اللّه آقـا شـیخ علی خلیلی و آیت‌اللّه العظمی مجـدد شـیرازی حاضـر شـده و از این دو بزرگوار و بالاـخص آیت‌اللّه خلیلی که ابوالزوجه و جـد امی فرزندانش بود اسـتفاده کامل نموده تا بدرجه سامیه علم و اجتهاد و اخلاق رسـیده و پس از فوت اسـتادش مهاجرت بسامری نموده و از محضـر آیت‌اللّه مجدد شیرازی باز بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به نجف نموده و شهرت بزرگی در علم و کمـال و تقـوی و مقامـات معنـوی و موثـق در نزد عـوام و خـواص مردم گردیـده و در صـحن شـریف علوی اقـامه جماعت داشـته و عموم مردم حتی محتاطین بوی اقتداء نموده و روش او را برنامه عملی خویش قرار می‌دهند و آن جناب در ظاهر و باطن از علماء ربانی و مروجین شـریعه اسلامی و در زهد و اعراض از دنیا مافوق توصیف و تعریف و با این حال به تألیف و تصنیف اشـتغال داشت تـا در مـاه رمضان ۱۳۳۴ قمری در حـالی که از زیـارت مخصـوص حضـرت سیدالشـهداء علیه‌السـلام برمی‌گشت در طویرج در منزل فرزندش مرحوم آیت‌اللّه سید محمدحسین که مرجع مردم طویرج بود از دنیا رفته و حمل به نجف و در ایوان طلای علوی علیه صلوات المصلین مدفون گردید.

اسـتاد بزرگوارم حضـرت آیت‌اللّه العظمی مرعشـی نجفی مد ظله می‌فرمود که آن بزرگوار دارای کمالات نفسانی و مقامات معنوی بود و ملاـئکه نقـاله که مرده‌ها را از مکانی بمکان دیگر می‌برنـد با چشم خود دیـده و قصه‌ی آن چنین بوده که ایشان حجره‌ای در صحن مطهر داشته که غالب شبها در آن بیتوته می‌نموده تا یکی از شبها مشغول عبادت بوده می‌بیند اشخاصی آمدند قبری در صحن نبش کرده و جنازه‌ای را بیرون آورده و بردند بعد فردای آنشب تحقیق میکند معلوم میشود یکنفر فاسق و ستمکاری بوده است.

تألیفات بسیار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا دارد که در جزء چهارم اعلام‌الشیعه ص ۱۵۲۳ مذکور است.

دارای هفت فرزند عالم و دانشمند بزرگوار بنامهای زیر بوده است.

۱- آیت‌اللّه سید محمدحسین شاه عبدالعظیمی

۲- آیت‌اللّه سید محمد رضا شاه عبدالعظیمی.

۳- آیت‌اللّه سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی

۴- آیت‌اللّه سید محمد کاظم شاه عبدالعظیمی

۵- آیت‌اللّه زین‌العابدین شاه عبدالعظیمی

۶- آیت‌اللّه سید محمدباقر شاه عبدالعظیمی

۷- آقای آقا سید احمد که اهل تقوا بوده است

۸- صبیه تقیه که همسـر آیت‌اللّه آقا سـید مرتضی کشمیری بوده است و آن مرحوم دارای سه خواهر کریمه بوده که هر کدام همسر آیتی از آیات عظام روحانی بوده‌اند.

۱- همسر آیت‌اللَّه حاج سید عزیزاللَّه تهرانی

۲- همسر آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدباقر قمی

۳- همسر آیت‌اللَّه آقا سید محمدحسین همدانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۱/۲۵، ۲۷۰/۲۳، ۴۴/۱۶، ۸۱/۷، ۲۹۲/۵، ۵۰۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۴ -۱۵۳۱ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۷ -۶۲۵ /۴).

شاه منصوری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عباس شاه منصوری مقیم حیدرآباد دکن (امام جماعت دربار حسینی آنجاست) وی بعد از غائله مسجد گوهرشاد ۱۳۵۳ ق به هندوستان رفته و در حیدرآباد مورد توجه مرحوم نظام حیدرآباد قرار گرفته و متعهد رهبری شیعیان ایرانی آن سامان گردیده است.

دارای چند زبان انگلیسی وارد و فارسی و غیره می‌باشد. نوشته‌هائی از ایشان به زبان اردو و فارسی در مجلات و روزنامه‌های حیدرآباد به طبع رسیده است در جلوی دربار حسینی که مسجد و عزاخانه شیعیان حیدرآباد است در شب آخر ماه محرم آتش بسیاری نمودند که طول آن پنج متر و عرضش سه متر بود دیدم با چشم خود که دسته سینه زن از دربار بیرون آمد و چند مرتبه در حال سینه زدن و نوحه خواندن اطراف آن آتش گردیده آنگاه عده‌ای از آنها وارد آتش شده و از این طرف به آن طرف دویده و به سلامت بیرون آمدند در حالی که ما از حرارت آتش ناراحت بودیم با اینکه بین ما و آتش بیش از ده متر فاصله بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه منصوری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا شاه منصوری خراسانی از علماء و ائمه جماعت محترم تهران است. وی در حدود سال ۱۳۲۷ ق در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات، ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه مشهد استفاده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه شاهرودی و دیگران کسب فیض نموده و بعد به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در مسجد (حجت) واقع در سر آسیاب دولاب باقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و نشر معارف و حقایق اسلام مشغول می‌باشد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از علماء باتقوا و فضیلت و دانشمندان موصوف بورع و دارای مقام معنوی و با حرارت و متعصب و غیور در دین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه‌چراغی، مسیح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسیح شاه‌چراغی که در صداقت و وثاقت بی‌نیاز از توصیف است و اکنون در مدرسه مرحوم حاج فتحعلی بیک در زمره مدرسین و مورد وثوق اساتید فن مخصوصاً حضرت آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدکاظم مهدوی دامغانی نزیل مشهد مقدس می‌باشند ایشان در حال حاضر در یکی از مساجد دامغان به اقامه جماعت و ترویج احکام بیان واجبات و محرمات اشتغال دارند. وی والد شهید سید حسن شاه‌چراغی نماینده‌ی شهید حسام دامغان می‌باشد همچنین فرزند دیگر ایشان جناب عمدهٔالطلاب آقای حج آقا سعید شاه‌چراغی می‌باشند که هم‌اکنون در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تحصیل و تهذیب مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جعفر شاهرودی از علماء اعلام تهران بوده‌اند.

وی در شاهرود متولد شده و پس از خواندن مقدمات به مشهد مقدس رفته و مقداری سطوح را در آنجا خوانده و از آنجا در سال ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت نموده و سالها از محضر عالم ربانی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و اساتید دیگر حوزه قم استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و چندین سال از درس و بحث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی نائینی و آیت‌اللَّه عراقی و آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و اجتهاد رسیده و صاحب رای و فتوا گردیده و در سال ۱۳۶۴ ق مراجعت و چند ماهی در شهر ری توقف آنگاه به تهران منتقل و بنابر اصرار و تقاضای مردم سلسبیل تهران رحل اقامت بدانجا انداخته و بخدمات دینی و روحانی و اقامه جماعت در مسجد خیابان شیر و خورشید و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی مشغول گردیده تا در ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۳ ق که دعوت حق را اجابت گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آن مرحوم از دانشمندان و مراجعی بود که بزیور علم و حلم آراسته و دارای معنویت و صفاء قلب و تزکیه نفس و بر کنار از تظاهرات و هواهای نفسانی بوده است.

خواب و مکاشفه آن مرحوم

برای این نویسنده فرمودند در اوقاتی که در شاهرود تحصیل می‌کردم شبی حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف را در خواب دیدم که در صحرائی تشریف دارند و شیخ بزرگواری در کنار آن حضرت ایستاده است که مورد لطف و توجه مخصوص آن بزرگوار است قیافه او را در خاطر سپردم و چون از خواب بیدار شدم برای این که او را پیدا کنم به مشهد مقدس رفته و چند سالی توقف و جستجوی آن شخص را نمودم او را در مشهد نیافتم پس به قم آمده و در تکاپوی او گردیدم تا روزی در مدرسه فیضیه

آمده و لب ایوان یکی از حجرات نشستم و دیدم بعضی از آقایان طلاب به آن حجره می‌روند متوجه شدم که در اینجا جلسه درس است نگاه کردم ببینم مدرس کیست دیدم آقائی که درس میگوید و درسش مفاتیح فیض است قیافه‌اش بنظرم آشناست چون دقت کردم فهمیدم این همان شخصی است که در خواب در کنار حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دیده بودم پرسیدم این آقا کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست پس خدمتش رسیدم و تا مرا دیدند گویا مدتها آشنائی داشته‌اند مرا با خود بمنزل برده و از وجود ذیجود و بیاناتش استفاده کامل نمودم تا شبی در عالم رویا و مکاشفه دیدم درهای آسمان برایم باز تا در ظل عرش و آقای حاج میرزا جواد آقا در آنجا بمناجات و قنوت می‌باشند و من از قرب او در تعجب بودم که ناگاه از صدای درب منزل متنبه شده و برخاستم و آمدم در را گشودم دیدم یکی از دوستانست در حال گریه گفت بیا که آقا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی طاب اللّه ثراه یکی از دانشمندان فعال و خدوم معاصر شهرستان شاهرود می‌باشند.

ایشان در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت فقاهت و مرجعیت پرورش یافته و اولیات و ادبیات و سطح متوسط و عالی را از اساتید و مدرسین نجف بالاخص برادر بزرگوارش آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی استفاده نموده و از دراسات خارج فقه و اصول والد ماجدش بهره‌مند شده و متصدی بسیار از امور مرجوعه و مربوطه به پدر بزرگوارش از قبیل پرداخت حقوق و شهریه طلاب و محصلین حوزه علمیه نجف و رسیدگی به امور آنان را متعهد بوده تا بعد از رحلت معظم‌له در سال ۱۳۹۴ قمری که از طرف دولت ظالمانه بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و چندی در قم اقامت تا بنا بر دعوت بسیاری از مردم محترم شاهرود منتقل به وطن مالوف خود و در مسجد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی (ره) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام گردیده و منشاء خدمات بسیاری شده‌اند که از آنهاست تأسیس بیمارستانی به نام حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شاهرودی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ مهدی شاهرودی مقیم بهشهر از علماء آنسامان بوده و دارای موقعیت و عظمت مخصوصی بودند و تا پایان عمر باقامه جماعت و ترویج احکام اشتغال داشته است.

فرزند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد شاهرودی اول عالم معاصر بهشهر است. وی پس از پایان تحصیلات و استفاده از محضر بزرگان علمی نجف اشرف و غیره به بهشهر مراجعت و بجای مرحوم والدش در مسجد جامع باقامه

جماعت و ترویج دین و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شبستری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد شبستری عالمی جلیل و متقی از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه کوه‌کمری و مقرر درس مرحوم آیت‌اللّه سید حسین کوه‌کمری مذکور بوده و تألیفاتی در فقه و اصول و حاشیه بر مکاسب شیخ دارد در صحن شریف علوی امامت می‌نمود و در حدود ۱۳۰۵ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبیری، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی شبیری زنجانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متتبعین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۶ قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه والدشان در این شهر مقدس متولد شده.

این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:

سال تاریخ ولادت عجب الهامم شد

از مبارك رمضان هشت کم هنگام سحور

مبارك رمضان که با ۱۳۵۴ مطابق است بعد از کم کردن هشت با ۱۳۴۶ قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمنا در این بیت به ماه و روز و ساعتند نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند. باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدیده در سال ۱۳۵۹ قمری به مقدمات علومی دینی اشتغال پیدا کردم و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتا کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال ۱۳۶۳ قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم در محرم ۱۳۶۴ در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌اللّه داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق

تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.
در سال ۱۳۷۴ قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال ۱۳۷۵ بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود ۶ ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌اللّه خوئی استفاده کرده ضمنا مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعاظم دوستان خود بحث کرده است.
اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.
۱- مرحوم آیت‌اللّه والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالیه ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.
۲- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌اللّه گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.
۳- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌اللّه خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.
۴- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.
تألیفات معظم‌له
ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متاسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبییض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شجاعی پور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شجاعی پور

محل تولد : اراك

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی شجاعی پور در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۲۳ هجری شمسی در شهر اراک پای به عرصه وجود گذاشتم پس از سپری نمودن دوران کودکی در دبستان امیرکبیر به تحصیل علوم ابتدایی پرداختم و دوران تحصیل متوسطه را در دبیرستان صمصام الملک بیات تا سال چهارم دبیرستان گذراندم و به علت فوت پدر و وضع اقتصادی نامطلوب خانواده مجبور به ترک تحصیل شدم که جهت تامین مخارج خانواده به کارگری بپردازم پس از مدتی به صورت معلم روز مزد در اداره فرهنگ اراک به خدمت روستا در آمدم و چون در بعضی از روستاها تنها معلم روستا بودم کلاسهای شش پایه یعنی از کلاس اول تا ششم که در یک اتاق بودند را اداره مینمودم و مدت ده سال در روستاها به خدمت شریف معلمی اشتغال داشتم و چون شغل معلمی نیازمند مطالعه و کسب معلومات لازم بود به ادامه تحصیل مشغول شدم و دیپلم دانشسرای مقدماتی را در کوتاهترین مدت اخذ نمودم و چون با این پایان نامه نمی توانستم به دانشگاه راه یابم لذا در اواخر رژیم ستمشاهی و اوائل رژیم مقدس و انقلاب اسلامی موفق به اخذ دیپلم کامل گردیدم در این ایام هنگام با همکاران فرهنگی انجمن اسلامی معلمان را تشکیل ویکی از اعضای فعال انجمن بودم که با همکاری دو تن از همکاران دیگر از سهمیه یک روز نفت استانها و از سهم آموزش و پرورش مشغول ساختن مدارس در روستاهای محروم شدیم و تعداد ۲۵ مدرسه با فضاهای مختلف و مناسب روستا در سختترین شرائط و شروع اشغال عراق و نبود مصالح ساختمانی ساخته شد و چون افراد فامیل این جانب اکثرا در قم ساکن بودند و تمایل اینجانب به زندگی در قم و شروع تحصیلات حوزوی به قم منتقل گردیدم و از مهرماه ۱۳۶۰ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم ضمن تحصیل در حوزه در آزمون سراسری دانشگاهی شرکت و در رشته روانشناسی و مشاوره در دانشگاه شهید بهشتی رحمت الله علیه پذیرفته شدم و با زحمات فراوان ایاب و ذهاب و مشکلات خانواده و وضع مشکل اقتصادی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته مذبور گردیدم و ناگفته نماند که در ایام جنگ تحمیلی بنا به ضرورت تابستانی در جبهه های دفاع مقدس شرکت مینمودم که مجموعا یک سال را در جبهه ها حضور داشتم و به وظایف رزمی تبلیغی مشغول بودم وپس از پایان دوره کارشناسی در دبیرستان امام صادق علیه السلام به وظیفه مشاوره و تدریس مشغول گردیدم از سال ۱۳۷۵ به دعوت معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی در صدای مشاور به خدمت شهروندان محترم قم در آمدم و به دلیل نیاز خانواده ها و جوانان به آموزش و اطلاع رسانی مسائل خانوادگی و مسائل جنسی پرداختم و چون با مشکلات تربیتی کودکان توسط خانواده ها آشنا گردیدم مبادرت به تالیف جزوات لازم به منظور آشنایی و آگاهی دادن به خانواده ها نمودم و در همایش های مربوط به مشاوره از دیدگاه اسلام در استان یزد و قم و همایش انجمن مشاوران ایران در تهران که یکی از اعضای این انجمن میباشم شرکت نمودم و بنا بر ضرورت و احساس وظیفه و مسئولیت دوره های زیادی در رای گیری ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس به عنوان ریاست حوزه های انتخابیه فعالیت داشتم و در دوره پنجم نمایندگان مجلس کاندید نمایندگی در شهرستان شدم که به علت مشکل اقتصادی موفق به تبلیغ و معرفی خود نگردیدم و در طول مدت خدمت در مسئولیت مشاوره به خدمت شهروندان محترم به کمک نوجوانان و جوانان و خانواده ها مشغول گردیدم و تحصیلات حوزوی را هم تا دو سال شرکت در دروس خارج ادامه دادم که ان شاالله و با توفیق پروردگار تصمیم دارم که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا پایان درس خارج و دکترای رشته تخصصی ادامه دهم

شجاعی سمنانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شجاعی سمنانی والد ماجد حجهٔالاسلام و مروج‌الاحکام حاج سید حسین شجاعی معاصر از علماء و ائمه جماعت و اهل منبر سمنان بوده.

و در حدود ۱۳۷۰ قمری به تهران منتقل و مدتی در حیات مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ علی‌اکبر برهان و بعد از وفات او در مسجد آن مرحوم بنام مسجد لرزاده اقامه جماعت نموده و در حدود ۱۳۸۰ قمری بدرود حیات گفته است.

و اکنون فرزند ارجمند و فاضلش آقای حاج سید حسین شجاعی مذکور در تهران در مسجد امیرالمؤمنین خیابان عباس‌آباد اقامه جماعت و به تبلیغ و ارشاد از راه منبر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شجاعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حسین بن العالم الجلیل و المحدث النبیل حاج سید محمد سمنانی واعظی بزرگوار و گوینده‌ای عالیقدر است در سمنان متولد شده و پس از تحصیلات جدید مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح را خدمت حجه‌الاسلام حاج شیخ جواد خندق‌آبادی و مدرسین دیگر تکمیل و به دروس خارج آیات عظام بروجردی و آیت‌الله مجاهد... و دیگران حاضر شده و از هر گلستان گلی و از هر خرمن خوشه‌ها به دست آورده و به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و از راه منبر و اقامه جماعت در مسجد امیرالمومنین علیه‌السلام خیابان شمالی عباس آباد تاکنون اشتغال دارد و در هیئت الغدیر و سایر هیئات و جلسات انجام وظیفه و دفاع از حریم ولایت می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شجاعی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید قاسم شجاعی تهرانی از وعاظ نامی و گویندگان مشهور معاصر است که در تهران متولد شده و در بیت علم و سیادت تربیت یافته و تحصیلات جدیده را تا متوسطه تکمیل نموده و سطوح را از نزد حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی و علماء دیگر خوانده و بیشتر در تحت تعلیمات و راهنمائی استادی چون خندق‌آبادی مزبور به وضع منبر و تبلیغ و خطابه آشنا شده و در اثر داشتن استعداد ذاتی و نبوغ فکری در اندک مدتی به درجه و مرتبه وعظ و خطابه ارتقاء یافته تا هم اکنون که یکی از خطباء مشهور و وعاظ معروف تهران می‌باشد منبری آموزنده دارد و مورد توجه عموم طبقات می‌باشد.

مولف گوید: مترجم محترم گذشته از مقام سخنوری اصولا ریشه‌دار و اصیل و از خاندان مجد و شرافت و دارای عفت و نجابت و مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و محلی به ملکات فاضله و دوستی و صداقت است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شجونی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ جعفر شجونی گیلانی از فضلاء برجسته و وعاظ شایسته و گویندگان نامی معاصر تهران است وی در گیلان متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین قم به پایان رسانیده و چندی از محضر آیات عظام بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با بیدادگری‌ها و پیکار با منحرفین اشتغال دارد.

منبری مهیج و بیانی تحریک‌آمیز دارد در تهران و حومه آن شهرت بسزائی پیدا نموده و مورد علاقه بسیاری از مردم پایتخت گردیده است.

نوشته‌هائی در موضوعات مختلفه دارد که تاکنون موفق به طبع و نشر آن نشده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شربیانی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شربیانی از بیت آیه الله العظمی مرحوم فاضل شربیانی نجفی و از علماء فضلاء معاصر تبریز است سالها در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل علوم داشته و از محضر مرحوم آیه الله العظمی حجت و آیه الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به تبریز مراجعت و باقامه جماعت و تدریس و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد. موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شرعی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین دارابی شیرازی معروف به شرعی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان دینی قم بوده‌اند. وی در داراب متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات به شیراز آمده سطوح را از علماء فارس فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه به پایان رسانیده سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّه العظمی حائری یزدی و آیت‌اللّه حجت و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد فیض قمی شرکت نموده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از ورودش به قم حاضر و استفاده نموده و در پائین شهر قم در مسجد رضویه اقامه جماعت و تبلیغ احکام نموده تا

در سال ۱۳۹۱ ق وفات و در قبرستان شیخان مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شرعی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شرعی

محل تولد : داراب فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان درآمیخته است.

از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است. حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.

با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان مبرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمهٔالله فشارکی آموخت. علاقهٔ به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است باید تأثیر قریحهٔ ادبی و علاقه و توجه پدر وی ـ مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیهٔالله ستوده

و آیـةالله شب زنـده‌دار و بخشـی از آن را نزد پـدر خود فرا گرفت وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شـیوه متکلمان در معیت آیـةالله طاهری خرم آبادی و حجةالاسـلام شـهید حق دان و حجةالاسـلام مرعشـی از محضـر آیـةالله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیةالله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیةالله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.
سپس قسـمتی از رسائـل و مکـاسب را از محضـر آیـةالله مشـکینی و بخشـی از کفـایه را نزد آیـةالله منتظری و بیشـتر آن را از آیـةالله سلطـانی و آیـةالله حرم پنـاهی آموخت. بـا اتمـام این دوره در درس خارج حضـرت امام خمینی (قـدس سـره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فاروبی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسـی مراوده و دوستی داشـتند که از آن جمله می‌توان به حضـرات آیات احمدی میانجی، سیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصـفهانی، عندلیب شـیرازی، شـیخ حسین امراللهی و مرحوم آیةالله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیةالله محی الدین و نیز آیةالله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.
دامنهٔ ارتباطات مردمی آیةالله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشـر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیـدتی داشت که غالباً به صـمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردیـد. در این راه و روش به عنوان عـالمی روحـانی و مبـارزی پرتلاـش علیه نظـام منحوس پهلوی بـا عـده کثیری از علمای بزرگ شهرسـتانها ارتباط و آشـنایی پیدا نمود همچنان که رشـته مودّت میان وی و عموم دوستان پدرش ـ مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و مراودهٔ وی با آیةالله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیةالله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.
حضـرت آیـةالله حـاج شـیخ محمـدعلی شـرعی از معـدود دانشوران حوزوی است که عمر بـا برکت وی در نشـر و گسترش معارف خانـدان عصـمت و طهـارت : و ارائه خـدمات گونـاگون فرهنگی، علمی، سیاسـی و اجتمـاعی و تربیتی سپری شـده است که در این قسـمت به برخی از تلاشـهای علمی و فرهنگی این روحانی خسـتگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسـی اسـتنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر و... را به شیوهٔ علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، بـا اخلاق ازانجام هیـچ تلاشـی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سـرمایهٔ ارتقـا و اعتلاـی آن است بنـابراین تمـام تلاـش خویش را برای فراهم نمودن شـرایط مساعـد تربیت بکـار گرفت و پس از بازسـازی مدرسهٔ رضویه با پیشـنهاد شـهید آیةالله قدوسـی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیسـتم منظم آموزشـی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیةالله شـرعی پس از آشـنایی با مرحوم شـهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلای حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.
سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شـد پاورقی‌هـای جلـد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشـکیل می‌دهـد. آیـةالله شـرعی با توجه به لزوم ایجاد تشـکیلات منسـجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسـته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در مقاصد گوناگون استفاده نماید.
این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیةالله شـرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر

علنی بـا آنهـا پرداخت و بـا بر پایی جلسات مناظره از فضـلایی همچون آیـﺔالله مصـباح یزدی و حجـج اسـلام حاج شـیخ محمدرضـا آشتیانی و حاج شـیخ جعفر امامی اسـتفاده نمود تا شـبهات ایجاد شـده را پاسـخ گوینـد. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیﺔالله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیّه رهایی بخشـید. در بررسی خدمات گوناگون آیﺔالله شرعی باید مجموعهٔ آنها را در دو دورهٔ قبـل و بعـد از پیروزی انقلاـب اسـلامی مورد توجه قرار داد. اعتقـاد راسـخ وی به حقانیت مکتب اهل البیت (علیهم السـلام) و پیروزی حـق بر باطـل در فرجـام امـور، رویکردی آینـده شـناسانه را به وی ارزانی داشـته که براسـاس آن به بسـیج تمـامی نیروهـا و امکانات جامعه برای اعتلای کلمهٔ حق و امحاء باطل کوشـیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زنـدانی شـدن در زنـدانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفـدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشـی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشـرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجﺔالاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمنـد وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیﺔالله شـرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیﺔالله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌تـوان یکی از چهره‌هـای سیاسـی و فرهنگی معاصـر دانست. جمع‌آوری مجمـوعه‌ای از خـاطرات این دانشـی مردنسـتوه می‌تواند بسـیاری از زوایای سیاسـی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسـلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شـد تا در عاشورای سال ۱۳۴۲ که برای تبلیغ به مشـهد اردهال رفته بود توسط ژانـدارمری دسـتگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چنـدی وی را در سـاواک قم مـورد بـازجویی قرار دادنـد. سـپس به پادگـان عشـرت‌آباد فرسـتادند و چنـدی او را در زنـدان انفرادی نگه داشـتند. پس از انتقال به بنـد عمومی زنـدان از محضـر عالمان مبارزی چون آیـﺔالله بهاءالـدین محلاتی، آیـﺔالله خادمی اصـفهانی، آیﺔالله قاضـی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیﺔالله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقـل گردیـد. در ایـام پـانزدهم خرداد این زنـدان محـل بـازداشت اهـل منبر و وعاظ معروفی همچون حضـرات آیات شـهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی وآیﺔالله مکارم شیرازی و... بود.

آشـنایی آیﺔالله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوسـتان خود روزنامهٔ «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیتهای سیاسـی بود که آیﺔالله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشـر سـخنرانی مشـهور حضـرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال ۴۲ می‌باشد. پس از موضع‌گیری صـریح امام (قـدس سـره) در برابر کاپیتولاسـیون، آیﺔالله شـرعی با همکاری حجﺔالاسـلام سـیدمحمود دعایی اعلامیه آن مرجع نسـتوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسـر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جسـتن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیﺔالله شرعی و جمعی از فضلا گردید.

وی را ابتـدا بـه زنـدان قزل قلعـه و سـپس به زنـدان قصـر منتقـل نمودنـد. در گیرودار همین دسـتگیری بـود که مأموران سـاواک به سرکردگی جلاد معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانهٔ آیﺔالله شرعی یورش بردند. جلاد ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت که زنان خانواده در آن حضور داشـتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگـان منتقـل نماینـد. سـرهنگ ازغنـدی که قصـد داشت با ایجاد ارعاب وارد اطاق شود با فریاد و سـیلی خشم آهنگ

آیهٔالله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیهٔالله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.

هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیهٔالله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیهٔالله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیهٔالله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعهٔ نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سرّی به کلیه علما و فضلای مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.

وی در هماهنگ سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیهٔالله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیهٔالله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصه ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشورابلاغ و پیگیری می‌نمود.

آیهٔالله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیهٔالله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیهٔالله شرعی در این ستاد نمایندگانی را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از ۱۳ هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم در دوران استیلای رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیهٔالله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیهٔالله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیهٔالله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل آمدند.

حضرت آیهٔالله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن

سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برازنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیهٔالله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامهٔ ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دورهٔ دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل ۹۰ پیوست و ۲۳ هزار پروندهٔ راکد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.

تغییر اساسنامهٔ کمیسیون اصل ۹۰ و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیهٔالله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیهٔالله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزهٔ علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی ، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی ، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمرهٔ اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیهٔالله شرعی با پشتوانهٔ تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعهٔالزهرا(س) انجامید.

همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیهٔالله شرعی برای بی نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصصهای گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژهٔ بانوان به عنوان ایجاد نمونه عینی و تحقق امکان پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزهٔ هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقعی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیهٔالله شرعی درگسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی را از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی ۴ سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاشهای مؤثر وی بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیهٔالله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیهٔالله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم

اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی بپردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعهٔ قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامهٔ نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق(ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلای وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلای بزرگ قم اقدام نماید. ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیهٔالله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتام کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیهٔالله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتام ویژگی خاصی را قائل شوند.

این پیشنهاد مورد قبول مؤسسین واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیهٔالله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتام اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتام قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام اقدام نمود حضرت آیهٔالله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتام تلاش وافری را به منصه ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیهٔالله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از رونق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در زمرهٔ جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیهٔالله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال ۱۳۷۰ حضرت آیهٔالله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.

این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژهٔ تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزهٔ علوم انسانی است در کارنامهٔ خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزهٔ جغرافیای انسانی و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیهٔالله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیهٔالله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینهٔ پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه

پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه، واعظ و شاعر. مشهور به شفروه و شرف اصفهانی. وی از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه به مناسبت نـام جـدشان به شـفروه معروف بوده‌انـد. وی در زبان فارسـی و عربی مهارت داشت. وی از قران جمال‌الـدین عبـدالرزاق و رفیع‌الـدین لنبـانی بود. در خـدمت اتابک شیرگیر لقب ملک‌الشـعراء داشت و می‌گوینـد که او جمال‌الـدین و مجیرالـدین بیلقانی را اهـاجی رکیـک گفته است. از ممـدوحان وی اتابک مشیرگیر برادر اتابک ارسـلان از سـران دولت سـلاجقه‌ی عراق بوده است. از جحمله مولفـاتش: «اطبـاق الـذهب فی المواعـظ و الخطب». که به زبـان منشیانه فصیـح و به زبان عربی نگاشـته شـده است؛ «دیوان» اشعارش مشتمل بر هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۰ -۹۴۸ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴۳ - ۷۴۰ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۷ -۷۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۲)، تذکره الشعراء (۱۷۲ -۱۷۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۵۱۳/۹، ۲۱۶/۲)، ریاض العارفین (۲۱۳ -۲۱۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ /۳)، فرهنگ سـخنوران (۴۹۹ -۴۹۸)، کشـف الظنون (۱۱۶)، لبـاب الالباب (۲۷۳ -۲۶۸ /۱)، لغت نـامه (ذیل/ شفروه) هفت اقلیم (۳۶۶ -۳۶۱ /۲)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۴ -۲۱۳ /۵).

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، واعـظ، فقیـه اصـولی، متکلـم و محـدث حنبلی. معروف بـه ابـن حنبلی واعـظ. اصـل وی از شـیراز است. از پـدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شـیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۶۸، ۵۲۹ /۲)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۱۰۳ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۶).

شریعت، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فرزند آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی عالم معاصر کراچی می‌باشند.
وی در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در نجف اشرف متولد شده و در حجر والد ماجدش که از مراجع بزرگ تقلید و مدرسین و زعماء روحانیت نجف اشرف بودند پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء و اساتید نجف آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی شرکت و استفاده نموده تا حدود سال ۱۳۷۰ قمری که بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی پویا به کراچی مهاجرت و رحل اقامت افکنده و تاکنون شاغل وظائف دینی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شریعتمداری، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد صادق بن السید الجلیل السید حسن بن العالم النبیل السید محمد شریعتمداری (برادر آیت‌اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری) از علماء اعلام معاصر تهرانست.
وی در سال ۱۳۲۵ قمری در تبریز متولد شده و در کودکی وی مرحوم والدش حجهٔالاسلام آقا سید حسن در سال ۱۳۳۲ قمری وفات نموده و ایشان در حجره والده فاضله عفیفه‌اش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خوانده آنگاه به قم مهاجرت و مقداری از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری و پس از وی از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و مشرف به نجف اشرف شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بواسطه عدم مساعدت هوای نجف مجبور بمراجعت و در قم بتدریس فقه و اصول نهائی پرداخته تا ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی که چند سالی هم در جلسات فقه و اصول آن جناب شرکت نموده تا سال ۱۳۷۲ قمری که به تهران منتقل و به خدمات دینی پرداخته و چندی هم در مشهد مقدس تدریس خارج فقه و اصول نموده و باز بواسطه عدم سازگاری آب مشهد به تهران بازگشت و تاکنون در خیابان مولوی قریب چهار راه گمرگ شاهپور به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
معظم له دارای اجازات اجتهادات مطلق و صریح که اساتیدشان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و سایر اساتید که تصریح باجتهاد ایشان نموده‌اند و بصحه برادر بزرگوارشان آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و سزاوار بود که حوزه‌های علمی بالخصوص حوزه مقدسه قم از افاضات ایشان مستفیض باشند ولکن مع الاسف در اثر ضعف مزاج و عدم مساعدت آب و هوای قم فعلا در تهران و حوزه علمیه از فیض آن جناب محروم است و لعل اللّه یحدث بعد ذلک امرا. آثار قلمی و علمی ایشان عبارت است از حواشی بر جواهر و قسمتی از کفایه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریعتمداری، نور الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدنورالدین شریعتمداری

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی وارد حوزه شوشتر شدم و از مقدمات تا سطح عالی را در مدت ۷ سال در خدمت مرحوم آیت الله سید محمد حسن آل طیب و مرحوم آیت الله سید محمد موسوی جزائری به پایان برده و در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه نجف اشرف گشته و در درس خارج امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری و سید محمد جعفر مروج مولف منتهی الدرایه شرکت نمودم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و از دروس خارج اساتیدی مانند آیات عظام شیخ کاظم تبریزی و علامه فانی اصفهانی و وحید خراسانی و میرزا هاشم آملی بهره ها بردم . از سال ۱۳۷۲ شرکت در درس خارج را رها ساختم و در سال ۱۳۷۴ به اخذ اجازه اجتهاد از دو نفر از مراجع و بزرگان حوزه علمیه گشتم .

در سال ۱۳۵۰ شمسی که وارد حوزه علمیه قم شدم تدریس سطح را شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۶ تدریس سطح را به تدریس خارج فقه مبدل کردم و از همان سال تا امسال (سال ۱۳۸۴) به تدریس خارج فقه اشتغال دارم . تحقیق و نویسندگی را از همان دوران اشتغال به فراگیری سطح شروع کردم ؛ درس را پس از فراگیری از استاد خلاصه می کردم و می نوشتم و زمانی که در نجف اشرف به محضر اساتید می رفتم درس های خارج را به زبان عربی می نوشتم و تقریرات درس فقه و اصول اساتید را نگاشتم که اکنون موجود است .

بیش از ۶۰ مقاله علمی در علوم مختلف به زبان فارسی و عربی به مناسبت کنگره ها و همایش ها به نگارش درآمده که بسیاری از آنها در مجموعه مقالات به چاپ رسیده و در جلسه ارئه شده است و یا در برخی از مجلات و جزوه ها به چاپ رسیده است.

تدریس در دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام به مدت ۵ سال ، فقه سیاسی در کارشناسی ارشد ، تدریس در مرکز جهانی در مدرسه حجتیه ، سطح عالی مکاسب و کفایة الاصول و تفسیر موضوعی به مدت ۶ سال ، ارزیابی بیش از صدها مقاله در ارتباط با کنگره ها و همایش ها و مجلات و موسسات پژوهشی ، همکاری با موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع فقه و فقه و حقوق وابسته به دفتر تبلیغات و موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) و همکاری با نوشتن و ارزیابی مقالات فقهی و اصولی موسوعه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) که ۵ جلد از آن تا کنون به چاپ رسیده است . نوشتن قواعد اصولی در یک جلد و قواعد فقهی در دو جلد قواعد اصولی صد قاعده و قواعد فقهی در بیست قاعده با همکاری برخی از محققین و فضلای حوزه علمیه قم ، همکاری با موسسه مجمع فقه به مدت ۱۰ سال ، عضو هیئت علمی و عضو هیئت تحریریه مجله فصلنامه علوم سیاسی و نگارش مقاله هایی در آن مجله ، تدریس فقه تطبیقی برای کسانی که به عنوان روحانی حج امتحان داده و برگزیده شده اند ، همکاری با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) با مقالات گوناگون و ارزیابی مقالات وارده در ارتباط با کنگره ها و نگارش مقالات علمی فقهی و اصولی ؛ تفسیر ، هر شب پس از اقامه نماز جماعت در مسجد تکیه یزدیهای بازار قم و استاد راهنما شدن در بسیاری از پایان نامه های مرکز جهانی و حوزه علمیه قم و دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام از سال ۱۳۴۰ ، در آغاز در شوشتر اشتغال به امامت جماعت و تبلیغ در ایام ماه محرم وصفر و رمضان داشته و پس از ورود به قم نیز تا امسال ادامه داشته و در ضمن سپری کردن یک عمر در نگارش و تحقیق ، خداوند فیض اقامه جماعت و تبلیغ را نیز به من عنایت کرده است .

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه‌نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال ۱۲۷۸ هجری شمسی و در نجف اشرف می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر – علی محمدشریف زاده نجفی – از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است.مادر ایشان – بانو سلطان بیگم – علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است.خاطرات کودکی : مادر محمد جوادشریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌اللّه محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجّاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگزارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجّاده را با خود داشت و حتّی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجّاده در یکی از مساجد مفقود گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی ، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقّه و عصر تبلیغ.اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّا، یعنی از تولد تا حدود سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ هجری شمسی، صرف‌نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها وجهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون شک تنفس در فضایی که معطّر به قبور ائمه طاهرین (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها.علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ وجوهات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا برود و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ – که زمزمه مرجعیت حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. – ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت.وقایع میانسالی : چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است:مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه – امام رضا (ع) – وارد شهر قم شد و

مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود - که به افرادی معدود اختصاص می‌داده - در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد.در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلاء اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌اللّه بروجردی داده می‌شود.در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌اللّه بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول اللّه؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)»سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می‌کند، درخواست مردم ابرقو را - مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. - خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از آن مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌اللّه بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می‌کنند.در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌اللّه بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می‌گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، درصدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می‌کند.روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می‌گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم بر می‌گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می‌گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زند.زمان و علت فوت : نوروز سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، آخرین بهار را فراروی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد.علاقه به ثامن الائمه - امام علی بن موسی الرضا (ع) - آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند.همراه ایشان در این سفر می‌گوید:با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم.پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی‌گیرد. (نقل به مضمون) و فرمودکه این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی‌گیرند. سپس ادامه داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید.ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت ۱۲ شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود.فرزند ایشان می‌گوید:حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند!قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می‌کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می‌گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مخیّر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع) ، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرای تهران، که با توجه

به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد.مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل‌مکان می‌کنند. کوته نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، ۳۲ الی ۳۳ سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ لغایت ۱۳۵۸ هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌اللّه بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد شده است.این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انذار، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً قابل تبیین است.فعالیتهای آموزشی : اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباده - در ۷۲ کیلومتری ابرقو - عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند.ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا ۴ - ۵ روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودن سطح علمی کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلاً تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» - در کربلای معلا - و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفقه عمر آن مرحوم می‌باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید!مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد!اما مرحوم آیت‌اللّه بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بداند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را براستخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد.مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس وعظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعیه و مواردی از این نمونه بپردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد.مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز

نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محلّ اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت.آرا و گرایشهای خاص : چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگوارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. – ایشان به رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمدللّه ربّ العالمین» می‌گفت.– غذا را با دست راست می‌خورد.– مقید بود که رو به قبله بخوابد.– هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً تبسّم بود.– به نماز اول وقت و رعایت پرهیزکاری توصیه فراوان می‌کرد.– هنگام منبر چنان غرق در آیات و روایات می‌شد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دستش خارج می‌گردید؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد.– ایشان برای شرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود.– نسبت به قرائت صحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود.– از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسیده بود: «مگر شما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربوط به «اصلاح ذات البین» بوده است.– ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان را هر سه وعده با معنای فارسی برای مستمعین می‌خواند.– نسبت به کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» توجه خاصی داشت و می‌گفت:«هرکس اقبال سید را ندارد، اقبال ندارد!– یک لحظه دیده نشد که ایشان بدون ذکر باشد. منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzeh.net

شریف عسکری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالحسن بن العلامه المتتبع آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد عسکری تهرانی از علماء محترم معاصر شمیرانست.

وی در حدود سال ۱۳۲۴ قمری در سامرای متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و از محضر مرحوم والدش و علماء دیگر سامرای چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود شیرازی و غیره استفاده نموده و پس از فوت والد ماجد و فرزند برومندش مهاجرت به ایران و چند سالی در قم رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری بهره‌مند گردیده و در حدود ۱۳۷۸ ق به تهران منتقل و در شمیران سکونت و در مسجد ایستگاه رضائی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای شریف عسکری از دانشمندان غیور و متقی و موصوف بورع و پارسائی و نسبت بمرحوم آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره ارادت خاصی داشت و جنازه آن مرحوم را از تهران با پای برهنه تشییع نموده و بحقیر

می‌فرمود آقای کاشانی مجهول القـدر در تهران بود زیرا من شاهد و ناظر بودم که با آن مقام علمی چه فداکاریها و مبارزاتی بر علیه انگلیسها نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریف نژاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شریف نژاد از علماء محترم و خدمتگزار بابل میباشد که باقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شریفی اقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریفی اقدم

محل تولد : شریف آباد قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

محمود شـریفی اقدم در شـریف آباد قزوین متولد شد، او دروس ابتدایی در همانجا خواند وسپس وارد حوزه علمیه قزوین شد، پس از خواندن جامع المقدمات در سال ۱۳۴۶ عازم حوزه علمیه قم شد، سال اول را درمدرسه علمیه مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بود و سیوطی را همانجا خواند ، در همان سال وارد مدرسه منتظریه(حقانی) شد و سطح را در آنجا تمام کرد و درس خارج فقه و اصول رادر محضر اساتیدی چون حضرات آیات : مرحوم احمدی میانجی ،محمدی گیلانی ، شهید آیت الله قدوسی ، شهید مفتح ، جنتی ، صانعی ، آذری قمی ، مؤمن ، مصباح و راستی ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت شهید آیت الله قدوسی(ره) به مدرسه رفاه و سپس به دادسرای انقلاب اسلامی مرکز رفته و به عنوان دادیار انقلاب مشـغول خـدمت شـد. سـپس به عنوان دادسـتان انقلاب اسـلامی گنبـد منصوب شـد ، پس از حدود دو سال دوباره به تهران آمـده و مسؤلیت گزینش دادسـتانی محل را پـذیرفت، آنگاه به دعوت آیت الله جنتی وارد سازمان تبلیغات اسـلامی شد، ابتدا به عنوان معاون فرهنگی آن سازمان مشـغول کار شد و سـپس در سال ۱۳۶۹ به قم منتقل شد و پس ازتاسـیس پژوهشکده باقرالعلوم(ع) توسط ایشان وتعـدادی از فضـلاء مسـئولیت آن مرکز را پـذیرفت، ایشان هم اکنون مشـغول پژوهش در حدیث وامور فرهنگی هستند.

شریفی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت شریفی

محل تولد : سیاهکل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی را آغاز و در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیّه قم شدم و به مدّت هشت سال دوره مقدّمات و سطح را در دروس: ادبیّات عرب، منطق، فلسفه اسلامی، اصوف فقه و فقه و ... گذراندم. در سال ۱۳۷۰ دروس خارج فقه و اصول فقه را آغاز و بعد به مدت هشت سال از محضر حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی بهرهمند شدم.

در سال ۱۳۷۳ همزمان با تحصیل خارج فقه و اصول فقه و همکاری تحقیقاتی با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، در مرکز تخصصی تبلیغ حوزه علمیّه قم پذیرفته شدم و پس از هشت سال تحصیل و تدوین رساله علمی سطح چهار با عنوان «روابط فقه و اخلاق» و دفاع از آن با کسب امتیاز خوب و نمره ۴۳/۱۶ فارغ التحصیل شدم. و به مدت پنج سال است که با دانشگاههای علامه طباطبایی تهران، تربیت معلّم تهران و علوم پزشکی ایران در تدریس معارف اسلامی(۱و۲) ، اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام و متون اسلامی همکاری دارم و هم اکنون به عنوان هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی مشغول تدریس در آن آموزشگاه می باشم. ضمنا به مدّت پانزده سال است که با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام دفتر تبلیغات اسلامی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی دارم

شعوانه

قرن:۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دوم هجری، از زنان زاهد، عابد و عارف. به نوشته عبدالرحمان جامی (۸۹۸ -۸۱۷ ق) وی از ایرانیان ساکن ابله بود و با آواز خوش خود مردم را وعظ می‌کرد و زاهدان، عابدان و صاحبدلان در مجلس وی حاضر می‌شدند. او از زمره‌ی زنان مجتهد، خداترس، گریان و گریاننده از خوف الهی بود. به گفته جامی شعوانه غالبا می‌گریست و زنان با وی می‌گریستند. وی را گفتند «می‌ترسیم که از بس گریه چشم تو نابینا شود، گفت در دنیا کور شدن از گریه، بسیار مرا دوست‌تر است از کور شدن از عذاب النار». از اوست که «چشمی که از لقاء محبوب خود بازماند و به دیدار وی مشتاق باشد بی‌گریه نیک نمی‌ماند.»

عارفان بزرگی مانند ابوعلی فضیل بن عیاض بر علو مقام و زهد وی گواهی داده‌اند.[۱]

(س دوم ق)، واعظ و عارف. وی از ایرانیان ساکن ابله بود و با آواز خوش خود مردم را وعظ می‌کرد و زاهدان، عابدان و

صاحبدلان در مجلس وی حاضر می‌شدند. او از زمره‌ی زنان مجتهد، خداترس، گریان و گراینده از خوف الهی بود. وی غالبا می‌گریست و زنان با وی می‌گریستند. عارفان بزرگی مانند ابوعلی فضیل بن عیاض بر علو مقام و زهدی وی گواهی داده‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منابع: اعلام‌النساء، ۳۰۰ -۲۹۹ / ۲؛ تاریخ مشاهیر کرد ۶۶ / ۱؛ نفحات‌الانس، ۶۱۸ -۶۱۷.

[۲] مشاهیر زنان (۱۳۶)، نفحات الانس (۶۱۶ -۶۱۵).

شفتی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد رضا بن العالم العلام والحجه الاسلام الحاج السید محمد باقر الثانی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج السید اسدالله بن سید الفقهاء والمجتهدین و حجه‌الاسلام والمسلمین آیه‌الله فی العالمین الحاج السید محمد باقر الشفتی الاصفهانی المشهور بحجه‌الاسلام المطلق (صاحب مسجد السید در خیابان بیدآباد) از علماء عاملین معاصر اصفهانست.

تولدش در اصفهان واقع و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی دوران صبا و دروس فارسی، مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم والد گرامش و دیگران خوانده و سطوح وسطی و عالی را از علماء اعلام و مدرسین کرام اصفهان فرا گرفته و خارج فقه و اصول را نیز از آیات عظام آن سامان استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش که در سال ۱۳۳۳ ق واقع شده، بجای ایشان در مسجد جدشان باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و تاکنون در آنجا اشتغال بوظائف مقرره دینی و روحی دارند.

نگارنده گوید: گرچه تاکنون توفیق زیارت معظم‌له را از نزدیک نیافته‌ام ولکن بطوریکه از ثقات و دانشمندان قم و اصفهان شنیده‌ام آنجناب از علماء ربانی و آیات سبحانی و متصف بصفات روحانی و دارای مقامات معنوی میباشند و در خاطر دارم که در تابستان ۱۳۹۳ ق که برای امری باصفهان رفته بودم صبح برای اداء فریضه بمسجد سید رفته و در کناری انتظار وقت را میکشیدم که دیدم ایشان با چند نفر از دوستانش وارد بصحن مسجد شده و با حال مخصوصی شروع بزیارت استغاثه حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه‌الشریف... سلام‌الله الکامل التام... نموده و دعاء بر فرج آن بزرگوار نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفیعی دارابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شفیعی دارابی

محل تولد : ساری

شهرت : شفیعی مازندرانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حجت الاسـلام سـید محمـد شـفیعی دارابی (معروف بـه شـفیعی مازنـدرانی) متولـد ۱۳۲۸ در دارابکلی سـاری است و پـدرش ازکشاورزان مازنـدران است و پـدر بزرگش از شاگردان شـیخ مرتضـی انصاری بود پس از گذراندن تحصـیلات ابتدیی وارد حوزه علمیه داراب کلا شد و دوره مقدمات و بخشـی از دوره سـطح را در انجا گذراند و از محضـر آیت الله شیخ محمد باقر داراب کلیی بهره برد سپس در حدود سال ۱۳۴۸-۱۳۴۹ به حوزه علمیه قم پـا نهـاد و دوره هی سـطح و خارج را در انجا تا اجتهاد ادامه داد او از استادانی ماننـد آ یـات عظام، محمـدی گیلانی ، سـبحانی ، مکارم شـیرازی ، مصـباح یزدی ، صالحی مازنـدرانی ، فاضل لنکرانی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، آیت الله العظمی گلپیگـانی ، میرزا هـاشم آملی ، وحیـد خراسانی و اراکی علوم منطق، اصول فقه، فلسـفه، تفسیر، رجـال و غیره آموخت همچنین اجـازه نقل حـدیث و اجازه اجتهاد از چنـد مرجع تقلیـد دارد و همچنین دارای درجه علمی که جهت تبـدیل به استاد یـاری که پرونـده از سوی دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد قم به تهران انتقـال یافته است دکتری علوم حوزوی از حوزه علمیه قم و فوق لیسانس فلسفه و کلام از وزارت علوم دارد در حوزه و دانشگاه به تدریس و تحقیق میپردازد عضو هیئت علمی و مـدیر گروه الهیـات دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد قم بوده و ساکن قم است کتاب مینویسـد و شـعر میسـرید انتشارات (فرهنگ آفتاب) را دارد و به عنوان عضو علمی با دیره المعارف فقه شیعه همکار است که زیر نظر آیت الله مکارم شـیرازی تـدوین میشود فهرست اثار او به رقمی نزدیک به هشتاد میرسد .

شفیعی دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب و واعظ. در دزفول به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما کرد. ادبیات را از فضلای آن شهر فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به اهواز مهاجرت کرد و در آن شـهر ساکن شد و در محضـر سـید ابراهیم شوشتری و سید اسداللّه دزفولی و شیخ میرزا جعفر انصـاری و دیگران به تکمیل تحصـیلات خود پرداخت. او دارای اجازه از جماعتی بود که از آن جمله شـیخ محمدحسـین آل کـاشف الغطـاء و آقـا شـیخ آقـا بزرگ تهرانی را می‌توان نام برد. وی از خطبای بنام آن شـهر و وعاظ معروف آنجا بود. از آثارش: «شاه راه هدایت»، در اثبات امامت شاه ولایت، در ترجمه‌ی «مصـباح الهدایه» حاج سـید علی موسوی بهبهانی؛ «تنزیه سـید الانبیاء فی کتب الانبیاء»؛ «تنزیه العلماء»؛ «فضائح الصوفیه»؛ «اتمام الحجه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۷۶۳- ۷۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۸/۳).

شفیعی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شفیعی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۷ در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم ، در سال ۱۳۵۰ به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم راه یافتم.بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی(قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی ، استادی ، صلواتی ، مقتدائی و تهرانی بهره بردم . بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم .در سال ۱۳۶۵ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستم . سال ۱۳۷۰ نقطه عطفی در زندگی علمی من بود ، زیرا به توفیق الهی ، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم . به موازات تدرس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می پرداختم . در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم . همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم . تصحیح برخی متون نسخه های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود . به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسما "نخستین مقاله خود را به رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید . در سال ۱۳۷۳ به موسسه "اسرا " راه یافتم و به تدوین ، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختم . طی این مدت ، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیتهای تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال ۱۳۶۳ مسئولیت امامت موقت جمعه زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه" بر کرانه نور "رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم .

شکری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی شکری

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد علی شکری۲سال در مدرسه امام عصر (عج) وسه سال در مدرسه الهادی(ع) ویک سال در مدرسه رضائی ویک سال در مدرسه معصومیه (س) مشغول تحصیل بودم وهم اکنون پایه ۹و۱۰را به صورت آزاد مشغول تحصیل هستم . چند سال را به

صورت ارتقائی خواندم با طلاب زیادی هم بحث بودم من جمله :علی حاتمی,سید پور آذر,اکبر نجفیان ,مجید غلامی ,مرتضی عالی پور ,سیدهادی زمانی ,داود میرزائی ,محمد حسن زاده و...وهمچنین ازاساتید فراوانی بهره برده ام من جمله استاد فروزانفر,استاد کوشا,استاد شکوری ,استاد سنائی ,ستاد پور رضا,استاد علی محمد خراسانی ,استاد گنجی ,استاد جوادی آملی ,استاد حیاتی ,استاد رضوی ,استاد متقی و...که خدا حفظشان کند ود رزمینه تفسیر وکلام ونحو وصرف وفقه واصول وحدیث ونهج البلاغه زیاد کار کردم .

شمس زنجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی شمس (حایری) زنجانی (برادر معظم ایشان) از دانشمندان فعال و مبرز معاصر است در مشهد مقدس. وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در زنجان و قم در عصر ریاست و زعامت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح فقه و اصول را از مدرسین آنجا خوانده آنگاه بدرس خارج آیت‌اللّه اصفهانی و آیات دیگر مانند آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده تا به مدارج علم و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به ایران مراجعت و چند سالی در تهران به خدمات دینی اشتغال داشتند ولی چند سالیست که منتقل به مشهد مقدس و مجاورت حضرت ثامن ائمه (ع) را اختیار و بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شمس، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید شمس

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سعید شمس فرزند محمد در سال ۱۳۴۵ در یکی از بزرگترین محله‌های شهرستان مسجد سلیمان به دنیا آمده خانواده ما از قشر کم در آمد و پایین‌تر از متوسط بود پدرم خیاط بود. دوران ابتدایی را در دبستان نوروز در همان محله گذراندم و دوران راهنمایی را در مدرسه ابو ریحان بودم که سال دوم راهنمایی درگیری‌های انقلاب آغاز شد با همان سن پایین در حد خودم در تظاهراتها شرکت می‌کردم. در سال ۱۳۵۹ همزمان با آغاز جنگ تحمیلی وارد هنرستان فنی شریف واقفی شهرستان شده و در دوران دو سال تحصیل، عضو فعال انجمن اسلامی بودم. سپس جذب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی که آن زمان کانون انجمن دانش‌آموزان بود شده و مسئولیت کتابخانه را عهده دار شدم. علت این علاقه وافر اینجانب از دوران کودکی به کتاب بود

که برخلاف کودکان هم سن و سال خودم همواره از پدرم درخواست می کردم برایم کتاب بخرد. در سال ۱۳۶۱ هنرستان را رها کرده وارد حوزه علمیه المهدی در مسجد سلیمان شدم. ابتدا دروس مقدماتی را در این مدرسه فراگرفتم از جمله اساتید اینجانب استاد میری، واعظی، شیروانی، مهریزی و... بودند.

شوشتری، عبدالقائم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال ۱۳۶۵ هـ.ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود ۱۳ ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال ۱۳۳۹ شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه ۱ که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعض از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیلم را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی ۲ را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان حاضر و استفاده می نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منوَّر و منوِّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشرف می یافتم و خدمت بزرگ مردی سلمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص ۳ بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل ، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی

صاحب المیزان می رسیدم کـه دربـاره ایشـان فقـط می گـویم: یـک دهن خـواهم به پهنـای فلـک تـا بگـویم مـدح آن والاـ ملک توضیحات: ۱- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. ۲- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تـذکره المتقین شیخ محمـد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصـفهانی. ۳- «من اخلص لله اربعین یومـاً فجر الله ینـابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هرکس چهل روز خودش را برای خـدا خالص گردانـد، خداونـد چشـمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شوشتری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمدرضا شوشتری از علماء و ائمه جماعت سامره بودند و در حرم مطهر عسـکریین اقامه جماعت می‌نمودند تا در سال ۱۳۹۲ قمری وفات کردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شهرستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمـد، و در همان شـهر نشو و نما یافت. پدرش، سید علی‌اصـغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشـمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌اللَّه شیخ ابوالحسـین مشـکینی و آیت‌اللَّه نـایینی و آیت‌اللَّه آقـا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه شـیخ محمـدحسن اصـفهانی و آیت‌اللَّه آقـا سـید ابوالحسن اصـفهانی اسـتفاده نمود تـا به مـدارج کمال رسـید. وی از همه اساتیـدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشـتغال داشت و در مسـجد سـنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس اسـتادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «تضویح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری».[۱]

حاج سـید احمد شهرسـتانی ابن العالم الجلیل آیت‌اللَّه حاج سـید علی اصـغر شهرسـتانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانست.

وی در ۱۹ ذیقعده‌الحرام ۱۳۲۴ قمری در نجف اشـرف متولـد شـده و در مهـد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سـطوح از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه مشـکینی و آیت‌اللَّه نـائینی و آیت‌اللَّه آقـا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شـیخ محمدحسـین اصـفهانی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سـید ابوالحسن اصـفهانی اسـتفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسـیده و از نامبردگان در سال ۱۳۵۰ مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلًا می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:

۱- شـرح وقـت و قبله لمعه که در سـال ۱۳۴۶ قمری فارغ شـده ۲- توضـیح الکفایه شـرح بر کفایه الاصول ۳- رساله الصراط الاقوم

لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم در سال ۱۳۵۲ قمری فراغت یافته ۴- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال ۱۳۵۴ اتمام یافته است.

نگارنده گوید مترجم گرامی ما آقای شهرستانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب است و سالهای متمادیست که در مدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد سنگی واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت نموده و بنشر معارف اسلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله روحانیت و سر سلسله آنها مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا شهرستانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌اللَّه علامه بحرالعلوم نماز خوانده و در سال ۱۲۱۶ وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین علم الاعلام آیت‌اللَّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله شهرستانی بوده و ترجمه‌اش در اعیان الشیعه آیت‌اللَّه حاج سید محسن امین و اعلام‌الشیعه آیت‌اللَّه آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.

فرزند آن بزرگوار جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید احمد شهرستانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲/۱۵، ۱۷۰/۱۴، ۴۹۴/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۷۲/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۸ -۴۹۶ /۴).

شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالرضا شهرستانی از دانشمندان متقی و علماء بزرگوار و ائمه جماعت حرم مطهر سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین علیه‌السلام بوده که به تفسیر دولت شوم عفلقی بعث عراق در سال ۱۳۹۷ قمری به ایران آمد و حل اقامت در مشهد مقدس جوار سرسیر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام افکنده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

این بزرگوار از بیت جلیل شهرستانی است که در میان آنان آیات عظامی چون آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا سید علی شهرستانی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید هبه‌الدین شهرستانی و عالم ربانی آیت‌اللَّه سید احمد شهرستانی و ده‌ها نفر دیگر برخاسته‌اند.

در سال ۱۲۲۹ قمری هجری در کربلاـ معلی به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و ادبیات و مقدمات را در خدمت اساتید آن سامان به پایان رسانیده و سطوح عالی فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا جرقویه اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللَّه اسرارهم اتقان نموده و سپس تأسیس سه یا چند دیگر از افاضل کربلا تأسیس مجله اجویه المسائل الدینیه (پاسخ سوالات دینی) نموده و در مدت بیست سال ۱۴ جلد از آن جوابها را تدوین و منتشر ساخته است.

معظم‌له دارای تألیفات بسیار دیگری می‌باشند که مهمترین آنها ۴ جلد مقادیر الهدی در شرح عروه‌الوثقی است که چند جزو آن صادر شده است.

۲- المعارف الجلیه فی تبویب المسائل الدینیه.

۳- النیروز فی الاسلام.

۴- السجود علی التربیه الحسینیه.

۵- الصلوه معراج المومن.

۶- الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

۷- نوروز در تاریخ و دین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شهرستانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلای معاصر این سلسله، در محله‌ی تلواسکان ساکن، و در یکی از مساجد آنجا امامت می‌نمود، و گاهی منبر تشریف برده و مردم را موعظه می‌نمود. در شب ۳ شنبه ۱۰ ربیع‌الثانی سال ۱۳۸۷ وفات یافت. [و در حوالی تکیه‌ی ملک مدفون گردید.]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهریاری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شهریاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره- جوائزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیهٔ الله سید کاظم حائری و مرحوم آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.

در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به

مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد. شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت) ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریکندی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، روستای قاجر (اطراف مهاباد).

شهادت: ۲ فروردین ۱۳۶۱، مهاباد.

ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه له‌ر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلای بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال ۱۳۱۸ به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالیه خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال ۱۳۲۱ به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.

در سال ۱۳۳۱ به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصا دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصا در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر

بود.

وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین ۱۳۶۱ هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهشهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به سیّد الاسلام، فرزند [سید ابوالحسن بن]سید ابراهیم بن سید عبدالصمد حسینی. عالم فاضل، از علمای متنفّذ اصفهان، و امام مسجد صفا در محلّه شهشهان بود.

در ۲۵ محرّم سال ۱۳۵۷ وفات یافته، در داخل بقعه ی میر سید محمّد شهشهانی، عمّ امجد خود مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته‌اند:

خواست چو تاریخ فوت بانوی محزونه گفت

شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهید ثالث، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید حاج ملا محمدتقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاهت و بحث ید طولائی داشته.

و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال ۱۲۶۳ قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به تحریک فرقه ضاله بابیه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال ۱۲۶۴ قمری.

و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجللی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.

آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.

۱- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه ۲- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا عبداللّه امام جمعه ۳- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد ۴- حجهٔالاسلام آقا میرزا ابوالقاسم ۵- حجهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم ۶- ثقهٔالاسلام آقا میرزا محمود ۷- ثقهٔالاسلام آقا شیخ جعفر ۸- ثقهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ باقر ۹- ثقهٔالاسلام آقا تقی ۱۰- حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین

مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ عبداللّه امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.

۱- عیون‌الاصول ۲ جلد ۲- منهج‌الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل ۲۴ جلد ۳- شرح بر شرح لمعتین ۱ جلد ۴- رساله‌ای در نماز جمعه ۵- رساله‌ای در دیات ۶- مجالس المتقین.

مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی از آن را می‌نگارم ۱- اجازه به خط العلامه خریت الفقاهه شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء ۲- اجازه به خط العلامهٔ الفقیه السید محمد بن العلامهٔ صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.

۳- اجازه به خط محقق الشهیر به علامهٔ بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهیدی خراسانی، حبیب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حبیب بن آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم شهیدی و نواده مرحوم علامه میرزا مهدی شهید از علماء بزرگ و ادباء عالیقدر مشهد مقد است وی در سال ۱۲۶۶ ق متولد شده و مقدمات را در مشهد تکمیل و با عتاب عالیات مهاجرت و از محضر میرزا بزرگ شیرازی و میرزاء رشتی و فاضل دربندی و دیگران استفاده نموده تا سرآمد اقران گردیده و در حدود ۱۳۰۰ ق با دریافت اجازه اجتهاد به وطن خویش و مراجعت و به ترویج دین و احکام شرع مبین از طریق منبر و موعظه و درس و بحث پرداخته تا در ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ قمری به رحمت حق پیوست و در حرم مطهر پشت سر مبارك مقبره خانوادگی مدفون گردید. از آثار او دیوان بزرگی است که قسمتی از آن به نام گنج گهر به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی صالحی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود شهیدی صالحی در سال ۱۲۶۴ ، در قزوین بچشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات مقدماتی و حوزوی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد. شهیدی از سال ۱۳۱۶ فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : میرزا محمود شهیدی صالحی (فخرالاسلام) ، (۱۳۴۸ ـ ۱۲۶۴) یکی از چهر فرزند میرزا علی اصغر (فخر الاسلام) است ، که خود از نوادگان پسرس مجتهد بزرگ حاج ملا محمد صالح برغانی ، برادر کوچك تر شهید ثالث ، بانی مدارس صالحیه قزوین

و کربلا معلی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمود شهیدی صالحی در مدرسه مکتب خانه خانوادگی صالحیه مقدمات لازم را برای دست یابی به مراحل بالا فراگرفت. او در مدرسه التفاتیه و سردار جدید محضر علمای بزرگی را درک نمود. او پس از فوت والدین و برادر مدت ۱۰ سال به سیر آفاق و انفس پرداخت و در حوزه ی های علمیه ی بسیاری همچون اصفهان ، کرمان ، یزد ، شیراز ، مشهد ، گناباد ، بیرجند و دیگر شهرهای خراسان و حتی سیستان ، مازندران ، همدان ، تبریز و کردستان به تحصیل پرداخته و با شخصیت های فرهنگی مهمی آشنا گردید و با شنیدن نکته ها و گفته ها از افواه رجال به زادگاه خود بازگشت. وی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد.استادان و مربیان : میرزا محمودشهیدی صالحی محضر استادانی چون عیسی بن الشهید ، ملا علی اکبر سادهنی ، ملا محمد طاهری ، حاج شیخ عیسی لهاردی و ملا ملک محمد را درک نمود.همسر و فرزندان : میرزا محمودشهیدی صالحی در سال ۱۳۱۶ با دختر عموی خود ، که او هم نتیجه ی شهید ثالث بود ، ازدواج نمود و در فرزند به یادگار گذاشت.وقایع میانسالی : میرزا محمودشهیدی صالحی با آنکه وارث بلافصل موقافات کلان اجدادی بود ، به این کار دست نزد و در حاشیه به احقاق حق طلاب و احیای آثار و اصلاح و اجرای منویات ، واقف بود. او سال های بسیرای را در مبارزه با مسوولین اوقاف و معارف و عدلیه ، و دیگر ادارات مربوطه گذرانید، ولی آنچه که می خواست امکان داشت.زمان و علت فوت : میرزا محمد شهیدی صالحی در روز دهم بهمن ۱۳۴۷ ، در سن ۸۲ سالگی درا فانی را وداع گفت و در صحن جدید امامزاده حسین دفن گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمود شهیدی صالحی از سال ۱۳۱۶ فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص۱۹۵

شهیدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج عبدالله بن العلامه العلام الحاج شیخ عبدالحسین امام جمعه بن العلامه شیخ مرتضی شهیدی بن میرزا محمدتقی امام جمعه بن آقا عبدالله بن العلامه الکبری حاج ملاتقی شهید داماد معظم مرحوم مبرور سیدنا الحجه العلامه المحقق الایه العظمی آقا سید محمد حجت رحمت‌الله از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه و خواص اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله موصوف به فضل و متانت و تقوا و مناعت است، در محرم‌الحرام ۱۳۴۰ قمری در قزوین متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد مرحوم والد و دیگران خوانده و آنگاه در سال ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به قم نموده است، و مخفی نیست که ایشان ایدالله از بیوتات اصیله و ریشه‌دار قزوین و حفید مرحوم مبرور علامه قمقام و المجاهد الفهام الایه الحجه الحاج ملا محمدتقی شهید ثالث صاحب تالیفات عدیده مفیده می‌باشد.

وی پس از مهاجرت به قم سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت شرکت کرده و پس از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی بالغ بر ۱۸ سال نیز به درک و بحث آن مرحوم حاضره شده و پس از فوت آن مرحوم به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی ایده‌الله پیوسته و تا هم اکنون که متجاوز از ده سال است از رفقاء صادق و اصحاب خاص آن جناب و مورد توجه و عنایت مخصوص آیه‌اللهی می‌باشند.

وی در سال ۱۳۷۲ ق به افتخار مصاهرت و دامادی سیدنا الاستاد آیت‌الله حجت نائل گردیده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن

بزرگوار گردیدند.

آثار قلمی ایشان: ۱- تفسیر سوره یوسف ۲- کتابی درباره معراج می‌باشد معظم‌له بعد از فوت مرحوم والد در آستانه مبارکه حضرت سلطان محمد که از اولاد حضرت صادق علیه‌السلام اقامه جماعت می‌نمودند و بنا بر پیشنهاد و تقاضای اهالی قزوین ظهرها را در مسجد جدشان (مسجد شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و چون آستانه مبارکه امامزاده سلطان محمد رو به انهدام و ویرانی گذارده بود به سعی و کوشش معظم‌له اصولا تجدید ساختمان شده و در جنب مزار آن امامزاده حسینیه‌ای هم در دست ساختمان دارند قسمتی از ترجمه مرحوم والد و نیاکانشان را در ضمن علماء شهرستان قزوین در جلد سوم خواهم نگاشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شهیدی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل المرحوم الحاج سید هاشم گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی عالمی فعال و در ترویج دین جدی و صاحب تألیفات عدیده می‌باشد. ترجمه مفصل آنجناب در اول کتاب (درد و درمان) یا امراض جامعه و علاج آن ترجمه کتاب (الامراض الاجتماعیه و علاجها که در سال ۱۳۷۷ قمری در تهران چاپ شده و نیز در اول کتاب (راهنمای سعادت) ترجمه کشف المحجه سید بن طاوس که در سال ۱۳۸۲ نیز در تهران منتشر شده است مسطور و اجمال آن اینست.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و مقدمات را در نزد اساتید محل خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد علماء اعلام آن آستان عرش بنیان مانند مرحوم آیت‌اللّه مشکینی فراگرفته و بسامری مشرف و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ قمری که مرحوم والدش فوت نموده به ایران مراجعت و پس از یکسال توقف در گلپایگان به اصفهان مسافرت و از محضر علماء اعلام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق بهره‌مند شده و در سال ۱۳۴۵ قمری مجددا به نجف اشرف مشرف و از محضر مقدس مرجع وقت آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ قمری استفاده کامل نموده و در ماه رجب ۱۳۴۹ بشهر رنگون عاصمه (برما) (هند و چین) مسافرت نموده تا اول سال ۱۳۶۱ قمری در آنجا بانجام وظائف دینی و تبلیغ احکام اسلامی اشتغال داشته و در اثناء جنگ جهانی دوم و حمله دولت ژاپن به آن دیار پس از متواری بودن دو ماه در جنگلها بفضل خداوند متعال از آن بلیه رهائی یافته و به ایران مراجعت و در شهر اراک بانجام وظائف دینی پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری پس از زیارت عتبات عالیات به تهران آمده و تا حال حاضر بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

معظم له در سال ۱۳۷۶ قمری بمنظور شرکت در جشن چهاردهمین قرن ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در پاکستان منعقد شده بود بدعوت انجمن یادگار مرتضوی کراچی باتفاق عده‌ای از علماء اعلام و وعاظ محترم که از آنها بود علامه فن وعظ و سخنوری جناب استاد فلسفی واعظ مسافرت به پاکستان نموده و در آن جشن بزرگ و باشکوه که یک هفته در کراچی برقرار بود و هر شب حدود سی هزار نفر افتخار حضور داشتند و از تمام بلاد اسلامی هم عده‌ای از علماء و وعاظ و خطباء و محترمین شرکت کرده بودند حاضر بوده و پس از شرکت در جشن شهر (لاهور) و (حیدرآباد) سند که بهمین منظور منعقد بود از

طریق عراق و توفیق زیارت عتبات عالیات به ایران مراجعت و تا اکنون در غرب تهران میدان قزوین و خیابان غفاری و مسجد آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام اشتغال دارد.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از این قرار است.

۱- کتاب درد و درمان ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها.

۲- (راهنمای سعادت) ترجمه کتاب کشف المحجه ۳- کتاب (نسیم الصباح) ترجمه و شرح دعاء صباح ۴- کتاب (ادعیه و تهلیلات) من الایات البینات و این کتب بتمامه بطبع رسیده است.

(تو ۱۳۱۸ ق)، الم دینی، مدرس و فقیه امامی وی در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را در نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌اللّه مشکینی آموخت. سپس به سامراء رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق، که پدرش درگذشت، به مولدش بازگشت سپس به اصفهان رفت و نزد بزرگانی چون یت‌اللّه سید محمدصادق تلمذ کرد. در ۱۳۴۵ دوباره به نجف بازگشت و از محضر آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده‌ها نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تبلیغ احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود. پس از سفری به عتبات به تهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطبا در ۱۳۷۶ ق در کنگره‌ی چهاردهمین قرن ولادت امیرالمومنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان» که ترجمه‌ی کتاب «الامراض الاجتماعیه و علاجها»؛ «راهنمای سعادت»، ترجمه‌ی کتاب «کشف المحجه»؛ کتاب «نسیم الصباح» ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعیه و تهلیلات من الایات البینات».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۶ -۴۹۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳/ ۲).

شیخ الاسلام، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا رحیم شیخ الاسلام، از علمای اصفهان، و صاحب ریاست و مقام، و دارای منبر و محراب بوده، و در سلخ ذی حجه سال ۱۲۷۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیخ‌الرئیس دامغانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن ملا علی‌اصغر معروف به شیخ‌الرئیس دامغانی از علماء و وعاظ و گویندگان نامی دامغان و بلکه ایران بوده‌اند تولد ایشان در روز دوشنبه نیمه شعبان ۱۲۸۹ قمری بوده آقای شاه‌چراغی در (ارمغان دامغان) گوید. من کراراً منبر ایشان را در دامغان

دیده‌ام از وعاظ و خطباء ناطق و نامی بودند در عصر خودش یگانه و بی‌نظیر و بهره کاملی از صوت داشتند نه تنها در دامغان مشهور بودند بلکه اشتهار ایشان در شهرستانهای دیگر مخصوص استان مازندران و بالاخص در عصر مرحوم برهانی حاج سید حبیب‌اللّه رستم کلائی و پدرش حاج سید کریم به آن حدود زیاد دعوت می‌شدند و مردم شهرستان سمنان هم به ایشان علاقه زیادی داشتند. مرحوم شیخ‌الرئیس عالمی باوقار و وزین و مقتدر و بسیار بلند طبع و بی‌اعتنا بودند از معقول هم بی‌بهره نبودند و تدریس ادبیات هم می‌کردند.

در حاشیه جلد یازدهم بحار کیفیت تحصیل و اساتید خود را بیان کرده است.

خارج فقه را خدمت حاج آقا سید علی ساروی خوانده شرح منظومه حاجی و شوارق و بعضی از کتب منطقیه را خدمت جناب استاد حاج شیخ علی نوری تهرانی و آقا شیخ باقر تهرانی و آقا سید علی شیرازی تلمذ نموده و شرایع و تفسیر صافی را خدمت آقا شیخ اسماعیل سرخه‌ای سمنانی خوانده است (درباره خویش گفته است).

شیخ‌الرئیس شیخ محمدعلی ولی

در شهر خویش بود بمانند بوعلی

در علم و عقل و نقل بدی خواجه زمان

عرفان او شبیه بشیخ شبستری

الحق برای وعظ و نصیحت برای خلق

کمتر به روزگار نشان داشت منبری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیخ‌الرئیس قاجار، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/۱۳۳۶ -۱۲۶۴ ق)، خطیب، عالم و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به شیخ‌الرئیس. در تبریز متولد شد. مقدمات علوم را در تهران و مشهد تحصیل کرد و حکمت قدیم را در تهران در محضر آقا علی مدرس فراگرفت سپس به عتبات سفر کرد و در مجلس درس میرزای شیرازی در سامرا حضور یافت به تهران بازگشت و پس از چندی ناصرالدین‌شاه لقب شیخ‌الرییس را به او داد و مامور خدمت در آستان قدس رضوی گردید. در خراسان با آصف‌الدوله حاکم آن ولایت درافتاد و از راه عشق‌آباد به استانبول رفت و در آنجا به عضویت انجمن اتحاد اسلام درآمد و مورد توجه سلطان عبدالحمید قرار گرفت و کتاب «اتحاد اسلام» را برای او نوشت. بعد از چندی به ایران بازگشت و در نهضت مشروطه با مشروطه‌خواهان همراهی کرد و در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس به نمایندگی مردم مازندران انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «اتحاد اسلام»؛ «کتاب الابرار»؛ «منتخب النفیس»؛ «رساله نقد فرقه‌ها»؛ «فصل الخطاب»؛ «سفرنامه‌ی استانبول».[۱]

قاجار، ابوالحسن میرزا متخلص به حیرت ابن شاهزاده محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه و نواده فتحعلی شاه (و. تبریز ۱۲۶۴ ه.ق.– ف. ۱۳۳۶ ه.ق.). وی سالها به کسب علوم متداول مشغول بود و در شمار دانشمندان عهد درآمد. او بر نظم و نثر پارسی تسلط داشت و دیوانش در بمبئی به چاپ رسیده. وی از آزادیخوانان مشهور بود و بعد از بمباران مجلس (زمان محمد علی شاه) در باغشاه محبوس گردید.

سال تولد: ۱۲۶۴ ق.

فوت: ۱۳۳۶ ق.

آثار: کتاب منتخب‌النفیس؛ اتحادالاسلام؛ الابرار؛ دیوان حیرت؛ سفرنامه استانبول؛ رساله نقد فرقه‌ها؛ نافع و سراج لامع؛ فصل الخطاب؛ نافع‌الافهام و رافع‌الاوهام

مناصب: رئیس کتابخانه آستان قدس در زمان ناصرالدین شاه، نماینده مجلس در دوره دوم

ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس و متخلص به حیرت پسر محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه از ادبا و خطبای قاجار در سال ۱۲۶۴ ق در تبریز متولد و در سال ۱۳۳۶ ق. در تهران درگذشت و در محوطه آرامگاه ناصرالدین شاه مدفون گردید. شیخ‌الرئیس در زمان ناصرالدین شاه چندی در خراسان متوطن بود ولی به واسطه اختلافاتی که با آصف‌الدوله شیرازی والی خراسان پیدا کرد رهسپار بلاد عثمانی گشت. در ربیع‌الاول ۱۳۰۴ ق. به فرمان ناصرالدین شاه به ایران بازگشت. پس از استقرار مشروطیت و مرگ مظفرالدین شاه با آنکه وی از تبار قاجار بود در منابر و مساجد علناً از شاه بدگویی می‌کرد. بعد از انهدام مجلس و مشروطیت وی نیز از جمله کسانی بود که دستگیر و در باغشاه محبوس گردید. بعد از فتح تهران به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

مناصب: ریاست اصطبل سلطنتی (۱۳۳۹)؛ ریاست اداره کل شکاربانی و گاراژ سلطنتی (۱۳۴۴)؛ ریاست کل سازمان فنی و خدمات عمومی دربار (۱۳۴۷)؛ آجودان کشوری محمدرضا شاه (۱۳۵۳)؛ ریاست فدراسیون فوتبال؛ مدیرکلی وزارت دربار؛ مدیرعامل انجمن سلطنتی اسب؛ سرپرستی امور انتظامی و اجرایی دربار؛ مسئول رادیو نجات ایران (قاهره) (بعد از انقلاب)؛ ریاست دفتر فرح پهلوی (در حال حاضر)

آثار:

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۵۳۰ -۵۲۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۲ -۱۵۲۱ /۲)، الذریعه (۲۷۵ -۲۷۴ /۹)، ریحانه (۳۲۳ -۳۲۱ /۳)، شرح حال رجال (۴۳ -۴۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۸ -۱۵۶ /۱).

شیخانی، علی باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقر شیخانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال ۱۳۶۱ در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.

در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات

اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنابی شده و تا سال ۶۶ در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم

در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهرهمند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمه و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.

در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جستم.

از سال ۷۱ به بعدتا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی ، بهجت ، محقق داماد ، موسوی اردبیلی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جسته بهرهمند گردیدم.

همچنین در سال ۷۲ در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جسته و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جسته در سال ۸۱ به پایان رسانده ام.

شیرازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال ۱۳۴۵ قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .

پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهلبیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آبشار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم وستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت

او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالالت کوبنده ای را منتشر میساخت.

در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی اللهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .

ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعة العلما برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.

چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنانب به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود

ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت سال ۵۹ انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، مجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجد فرزند مرحوم میرزا احمد اصطهباناتی از خطباء نامی و وعاظ گرامی معاصر شیراز مقیم تهرانست.

وی در حدود ۱۳۲۵ ق در اصطهبانات متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به شیراز آمده و دروس معقول و منقول را از مدرسین آن سامان آموخته و برای خدمت به دین و ارشاد مسلمین رشته منبر را اختیار و از این طریق تبلیغ اسلام و نشر معارف مذهب جعفری نموده و مردم را متوجه به مقام ولایت کلیه حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌نماید و چند سالیست که به منظور خدمت بیشتری مهاجرت به تهران نموده و در مرکز عاصمه تشیع به خدمات تبلیغی اشتغال دارد و حقا منبری شیرین و جامع و ارزنده و آموزنده دارند.

نگارنده در ماه رجب ۱۳۹۴ ق که برای عتبه بوسی سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیهم‌السلام به مشهد مشرف شدم چند روزی در مدرسه حضرت آیت‌اللَّه العظمی میلانی از بیانات سودمند و جامع ایشان در پیرامون ولایت استفاده نمودم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از ۲۰ سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللّه نوری، میرزا حسین

نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطَّهارَه، نِجاةُ العِباد، رسالةٌ فی الرَّضاع و رسالَةٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرازی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نورالدین بن میرزا ابوطالب بن محمدهاشم حسینی شیرازی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز بوده‌اند.

وی در شیراز متولد و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی استفاده نموده و چون در سال ۱۳۴۲ ق مرحوم والدش به رحمت ایزدی پیوست به شیراز مراجعت و در مسجد وکیل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ و ارشاد مسلمین پرداخته و جمعیتی بنام برادران و حزب نور تشکیل داده و خود بنام نایب‌الامام شهرت یافته بود.

آیت‌اللّٰه شیرازی مذکور مضافاً بر مقام رفیع اجتهاد به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنا بود و خط زیبائی داشت و شعر هم نیکو می‌گفت و در امور اجتماعی ید طولائی داشت.

وی در سال ۱۳۶۷ قمری مسافرتی به قم و تهران و ارض اقدس با صدها نفر از حزب برادران نموده که بسیار پرصدا و باهمیت بود.

و آن مرحوم با اینکه شب و روزش مستغرق خدمات بود تالیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که به آنها اشاره می‌شود.

۱- اسلام و جهان امروز

۲- اصل الاصول در دو جلد

۳- تفسیر قرآن مجید

۴- حاشیه بر عروةالوثقی

۵- حکمت الهی

۶- سیاست اسلام

۷- علم خطابه و منبر

۸- علم رجال و درایه

۹- علم کلام

۱۰- مثنوی و تالیفات دیگر.

در سال ۱۳۶۷ قمری سال فوت مرحوم حاج شیخ کاظم فوق‌الذکر شخصیت برجسته‌ای که حقاً مجسمه فضائل و کمالات بود از شیراز حرکت و با صدها نفر از حزب برادران شیراز وارد شهر دینی و علمی قم گردید. آیت‌اللّٰه حاج سید نورالدین که در فارس و خصوص شیراز مشهور بود (نایب‌الامام) می‌بودند از رجال علم و بیان و قلم و سیاست و کیاست عصر ما و از علماء طراز اول شیراز و بلکه کلیه ایران است.

در سال مزبور به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام و بعضی اقدامات دینی با حدود پانصد نفر از جمعیت حزب برادران که در تحت ریاست و رهبری آنجناب بود از فارس حرکت و با عظمت بسیاری به اصفهان و از آنجا به قم وارد و به منزل مرحوم آیت‌اللّه صدر نزول فرموده و مورد تجلیل مراجع عظام حوزه علمیه واقع شده و پس از چند روز به تهران و شهر ری عزیمت و از آنجا به مشهد و پس از مدتی مراجعت به شیراز نمودند و در تمام ایاب و ذهابش مجللانه وارد و حرکت فرمودند در موقع ورود به تهران یکسره به مسجد شاه آمده و باده‌ها هزار نفر نماز جماعت و پس از آن به منبر رفته و بیانات حاد و پرحرارتی ایراد نموده و بعضی از پیشنهادهای دینی به دولت وقت نمودند. خود نگارنده، در موقع ورودشان به ری و تهران حاضر و ناظر احساسات مردم شیراز و تهران بودم.

معظم له از اساطین علم و سیاست زمان ما بودند از تلامذه مبرز مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه میرزا علی آقای شیرازی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و صاحب تألیفات و تصنیفات و جمعیت متجاوز از ده هزار نفر حزب برادران بودند که در شیراز خدماتی نموده‌اند در شیراز از دنیا رفته و در مقبره مخصوص خود در مقابل بیت‌العباس که از آثار اوست مدفون شده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرجعفری، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم شیر جعفری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۶۵هجری شمسی پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی از تهران برای ادامه تحصیل وارد قم شدم و دروس مقدمات را تا سه سال در مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) طی نمودم و سپس تا اتمام کفایتین را به صورت آزاد با دروس جنبی سپری کردم و پس ازآن چندین سال در دروس خارج فقه واصول اساتیدی چون :آیت الله جعفر سبحانی ،آیت الله مکارم شیرازی ،آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم .

صابری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای حاج شیخ احمد بن غیاث‌الدین صابری همدانی از افاضل دانشمندان و اکابر نویسندگان حوزه

علمیه قم است در سال ۱۳۰۴ شمسی در یکی از مضافات همدان متولد شده و پس از طی دروس ابتدائی در محل خود در سال ۱۳۲۰ به همدان رفته و در مدرسه آیت‌الله آخوند ملاعلی مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۴ شمسی عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری سطوح عالی را به اتمام رسانیده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شرکت در درس وی نموده و تقریرات آن مرحوم را تنظیم و مهذب کرده و سپس در درس زعیم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی فقها و اصولا شرکت نموده و آنها را به رشته تحریر آورده و به نظر شریفشان رسانیده و مورد تشویق و تمجیدشان قرار گرفته و در همان اوقات هم به درس آیت‌الله گلپایگانی حاضر شده و آنها را هم ایضا به عنوان تقریرات نوشته و به طبع رسانیده است.

در سال ۱۳۴۳ شمسی برحسب دعوت شیعیان ترکیه از طرف حوزه علمیه قم به عنوان نماینده مذهبی به کشور ترکیه اعزام گردیده و مدت ۷ سال در استانبول اقامت و منشاء آثار بزرگ و تحول و خدمات شایان مذهبی گردیده است.

مباحثات و مناظراتی با علماء اهل سنت ترکیه و بالاخص علماء حنفی استانبول مانند عمر نصوح انجام داده تا جائی که طرف را به زانوی تسلیم درآورده که بگوید

مگر کسی از علی به خلافت اعلی بوده ولی چه باید کرد اختلافی واقع شده و قابل رفع نیست آنگاه تقاضا نمود که کتابی درباره شخصیت امام صادق علیه‌السلام و مذهب جعفری تالیف نموده و به نظر وی یعنی عمر نصوح مفتی قدیم استانبول برساند و این کتاب هم برحسب خواهش این مفتی و وزارت امور داخله ترکیه نگارش یافته است.

جهت ارشاد گروه علویین کشور ترکیه که بالغ بر ۱۴ میلیون نفرند تصمیماتی اتخاذ کرده و چندین کتابی در این زمینه پرداخته و برای معرفی اهل بیت مذهب جعفری سعی بلیغ نموده نشریه به نام اهل‌بیت به همت عده‌ای از نویسندگان علاقمند به خاندان رسالت هر ۱۵ روزی منتشر می‌ساخت.

علامه صابری مترجم محترم در کشور ترکیه قدمهای بزرگی برای پیشرفت اهداف مقدس اسلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان رسالت برداشت که اگر ایادی مرموز استعمارگران و دشمنان اسلام و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام گذارده بود نتایج مهمی گرفته شده بود و بعید نبود که میلیونها نفر از علویین که از شیعیان پر حرارت و محبت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و اولاد معصوم اویند و بسیاری از افراد دیگر به حقیقت واقف شده و پیرو حضرت صادق و ائمه اثنی‌عشر علیهم‌السلام شوند.

ولی در سال ۱۳۵۰ شمسی بر اثر مشکلات و فعالیتهای دستگاههای ضد دین ناچار شد ترکیه را ترک گفته و به ایران برگردد، و فعلا در شهر قم ساکن و به اشتغالات علمی و دینی و تالیفات پرداخته است.

ایشان را تالیفات و آثار ارزنده‌ایست که ذیلا نگاشته و به نظر اهل علم و ادب می‌رسانم:

۱- کتاب محمد و زمامداران پیرامون نامه‌های سیاسی پیغمبر اسلام ابتکاری دینی انتقادی سیاسی که مکرر چاپ شده است.

۲- الهدایه الی من له الولایه در موقعیت اجتماعی فقهاء به عربی چاپ شده و آن تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

۳- حول قصیده البرده که در اول قصیده برده که شیخ عبدالحسین وکیلی قمی تخمیس نموده چاپ شده است.

۴- تاریخ همدان در سه جلد در تراجم علماء و شعراء و ادباء و تاریخ بنای همدان.

۵- الطریق المسلوک فی حکم اللباس المشکوک تقریر درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به نظر آن مرحوم رسیده و تمجید نموده‌اند.

۶- نخبه الاشارات فی احکام الخیارات تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی.

۷- نصایح الاباء للابناء نصایح پدران را به فرزندان از انبیاء و حکماء و امامان و پادشاهان جمع‌آوری در این کتاب نموده است.

۸- حماسه الشهید اشعار و تمثیلات حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام به ضمیمه دیوان منسوب به آن حضرت که از کتاب

خانه‌های اسلامبول به دست آورده.

۹- رساله لاضرر تقریر بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.

۱۰- صلوه مسافر تقریر بحث آیت‌الله بروجردی.

۱۱- خداشناسی مجموعه بحثهائی که در انجمن جوانان استانبول ایراد شده است.

۱۲- راه روشن در اسلام راه اهل‌بیت که به ترکی لاتین در استانبول چاپ شده.

۱۳- روزه در اسلام در فوائد طبی و روحی روزه و مسائل لازم اتفاقی بین فقهاء به ترکی لاتین چاپ شده.

۱۴- شخصیت امام صادق علیه‌السلام این کتاب مجموعه بحثهائی است درباره مذهب جعفری نوشته شده و پاسخ اشکالات به مذهب جعفری و تحقیق در اختلافات اصولی و فروعی است اصل کتاب فارسی و به ترکی لاتین ترجمه شده.

۱۵- رساله‌ای در عشق و حقوق درباره حقوق زن از نظر اسلام.

۱۶- طوبی الاخبار در اخباری که مصدر به لفظ طوبی است کتابی است بسیار ظریف.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صابری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صابری

محل تولد : همدان

شهرت : صابری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهًالله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. نام پدرش غیاثعلی بود و روستای او همواره زیستگاه علمای بزرگ بوده یکی از اجداد مادری ایشان حاج محمد شفیع بیوک آبادی که رساله‌ای در عرفان نوشته و همچنین عارف بزرگ و فقیه بزرگوار مرحوم حاج محمد جعفر مجذوب در آنجا می‌زیسته است. آیهًالله صابری همدانی تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از آن به دبستان رفت. دورهٔ دبیرستان رانیز تا کلاس چهارم گذراند و کتب گلستان، کلیله و دمنه و... را به خوبی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۹ به حوزه علمیه همدان عزیمت کرد و در مدرسهٔ آخوند سکونت داشت. او دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. در مشهد به نزد مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی رفت و نامهٔ استاد خود حاج میرزامحمدعلی دامغانی را به او نشان دهد. در آن نامه درخواست شده بود که وی در مدرسه مرحوم دامغانی به تحصیل ادامه بدهد. حاج شیخ کاظم دامغانی نیز وی را مورد احترام قرار داد و به او سفارش کرد به حوزه علمیه قم برود؛ زیرا آن حوزه برای ترقی او مناسب‌تر بود. او نیز مدتی در مشهد ماند تا اینکه مقدمات سفر او به قم فراهم آمد. او در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و...

بهره‌های بسیار برد. او در سالهای تحصیل خود بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظ کرده بود. همچنین به ادبیات علاقه ویژه‌ای داشت و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از بر کرده بود.آیةالله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات و سطح خود را در حوزه علمیه همدان در محضر استادانی چون حاج سید مصطفی هاشمی، حاج میرزا محمدعلی دامغانی، حاج شیخ محمد حسین بهاری، حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی، حاج میرزا اسدالله حجت و حاج شیخ علی انصاری به پایان برده بود. مدتی در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره)، آیةالله العظمی بروجردی(ره)، آیةالله العظمی امام خمینی(ره)، آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و آیةالله العظمی محقق داماد(ره) حاضر شد و از آن بهره‌های بسیار برد وی همچنین مدت قابل توجهی از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری کسب فیض نمود. او در زمینهٔ علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) رفت. همچنین او در سالهای تحصیل خود در دروس اخلاق امام خمینی(ره)، حاج آقا حسین قمی(ره)، حاج آقارضا بهاءالدینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) و آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیةالله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود. آیةالله صابری همدانی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروسی را که آموخته بود، با آنها مباحثه می‌کرد که از میان آنها از مرحوم آیةالله احمدی میانجی می‌توان یاد کرد.آیةالله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او از نخستین سالهای تحصیل خود، به امر تدریس اشتغال داشت و در حوزه علمیه همدان و قم، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. او کتب دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده است.او در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروههای گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است. بسیاری از این تألیفات ایشان به زبانهای لاتین و روسی ترجمه شده است.او همچنین مقالات فراوانی به زبانهای گوناگون و در زمینه‌های مختلف نگاشته که برخی در مجله «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده است وی تقریرات زیادی از اساتیدش نوشته که به چاپ رسیده است. آیةالله صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیهٔ آن مبارزان را در خود بپروراند و حماسهٔ دینی و مذهبی را با علم توأمان سازد. کتاب «از فیضیهٔ ۴۲ تا فیضیه ۵۷» از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها تجدید چاپ شده است. آیةالله صابری دراین کتاب وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲ و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شعف بسیار می‌کند. آیةالله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی(ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۹ -۳۷۳ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از

وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورك در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۱۹۸ / ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۹ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۸ / ۷)، سیر النبلاء (۴۴ -۴۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۸۳ -۲۸۲ / ۳)، العبر (۲۹۴ / ۲)، الکامل (۸۱ / ۸)، کشف الظنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۹ -۱۶ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۷۶ -۲۷۵ / ۲)، النجوم الزاهره (۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۴۴ -۱۴۳ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۰ / ۱).

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

صادقی پناه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صادقی پناه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۶/۲۱

زندگینامه علمی

سال ۷۵–۸۰ همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال ۸۰ در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدالله در سال ۸۲ به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی(ع) درمکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزهٔ علمیه قم در سال ۸۲ رساله سطح ۳ بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی درمدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی– اجتماعی در بین سالهای ۷۸–۸۱ نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.

تدریس در حوزه و دانشگاه از سال ۷۸ تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح ۴ حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم.

البتّه جهت انجام راهنمایی ومشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صاعدی فراوی نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۰ –۴۴۱ ق)، مسند، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. «صحیح» مسلم را از ابوحسین عبدالغفار بن محمد فارسی و «جزء» ابن نجید را از عمر بن مسرور زاهد استماع کرد و از ابوعثمان صاوبنی و از ابوسعد کنجرودی و حافظ ابوبکر بیهقی و محمد بن علی خبازی و ابویعلی اسحاق صابونی و احمد بن منصور مغربی و عبدالله بن محمد طوسی و ابوالقاسم قشیری و ابوسعید محمد خشاب و محمد به عبدالله عدوی هروی و نصر بن علی طوسی حاکم و علی بن یوسف جوینی و اسماعیل بن مسعده بن اسماعیلی و ابوالولید حسن بن محمد بلخی و قاضی محمد بن عبدالرحمان نسوی و امیر مظفر بن محمد میکالی و دیگران حدیث شنید. مدتی ملازم امام الحرمین بود و از وی فقه آموخت. خود نیز مدتی در حرمین شریفین اقامت گزید و به فقیه حرم مشهور گردید. ابوسعد سمعانی و یوسف بن آدم و ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوالخیر قزوینی و منصور بن عبدالمنعم فراوی و ابوالفتوح محمد فاطمی و موید بن محمد طوسی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور از دنیا رفت. از آثارش: «المجالس فی الوعظ و التذکیر»، که به آوردهٔ ذهبی بیش از هزار مجلس املاء است؛ «اربعون حدیثا»، کتابی در «فروع الفقه» شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۲۹ / ۲)، سیر النبلاء (۶۱۹ –۶۱۵ / ۱۹)، شذرات الذهب (۹۶ / ۴)، العبر (۴۳۹ –۴۳۸ / ۲)، الکامل (۳۵۶ / ۸)، معجم البلدان (۲۴۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۲۷ / ۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۲۳/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۹۱ –۲۹۰ / ۴)،هدیه العارفین (۸۷ / ۲).

صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۶ ق)، خطیب، فقیه، قاضی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی خوارزم بود. از برجستگان خاندان صاعدی است. وی از پدر و جد و سایر نزدیکانش حدیث شنید. او گرچه بسیار حدیث شنیده، اما احادیث کمی را روایت کرده است. او و اعظی شیرین‌بیان بود. نام وی در «هدیه العارفین» تحت عنوان نیشابوری کرمانی آمده است. گفته‌اند که کتابی در مناقب ابوحنیفه و احادیث وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، پاره‌ای از آن را روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۱)، النجوم الزاهره (۲۰۱ / ۵). هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

صافی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صافی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ در شهرستان قم در خانواده ای مذهبی و روحانی متولد شدم. بعد از تحصیلات متوسطه در سال ۷۳ وارد حوزه شدم از سال ۷۱ شروع به حفظ قرآن کردم در سال ۷۸ بیش از ۲۸ جزء را حفظ کردم و بهمین دلیل بیشتر فعّالیّتها در زمینه حفظ قرآن و تربیت حافظ بوده در مراکزی مثل مهد قرآن و مجتمع های فرهنگی و سازمان تبلیغات. در سال ۸۱ با آشنایی با جامعه القرآن الکریم قم بعنوان مسئول شعبه ازنا چهارده ماه در این شهرستان مشغول به تربیت حافظ بوده و زمینه یک مقالات رمزگردانی آیات مشابه فراهم شد و بعد از بازگشت به قم با انتشار آن مقالات در نشریه که هنوز ادامه دارد در دوره های تربیت مربی جامعه القرآن بعنوان مدرس رمزگردانی مشغول بوده و با اصرار جامعه القرآن الکریم انشاء الله تبدیل به کتاب خواهد شد.

صالح، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن صالح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳در شهر قم به دنیا آمدم سال ۱۳۵۷به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیّه آیت الله مجتهدی شده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.

همزمان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشگاه شده دررشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.

حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدّمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی وبخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحپور، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله صالحپور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگی نامه اینجانب مدت ۵۰ سال به عنوان واعظ شهیر شهر در مجالس و مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان عزاداری کرده ام و افتخارم این است که توانسته ام عمرم را در این راه سپری می کنم از طرف دانشگاه های اصفهان و تهران و مراکز حوزه ی علمیه های قم و اصفهان و دانشگاه های آزاد شهرضا، مجلسی، دهاقان، پیشنهادهایی برای تدریس ارائه شد که اینجانب منبر را بر تدریس ترجیح دادم بنابراین زندگینامه اینجانب وقف حسین بن علی علیه السلام آقا و سرورمان شده است و در اکثر شهرستان های ایران منبر رفته ام.

صالحی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا سید محمد صالحی امام جماعت مسجد جامعه بابلسر سالهای متمادی است که در این منطقه که تابستان تاریکی از جهت مسافرین دریائی دارد بوظائف دینی و روحی خود اشتغال دارد.

معظم‌له از سادات اصیل و نجیب و ریشه‌دار بابلسر است که در خاندانی توانگر و متمکن بدنیا آمده و والدش که در سلک تجار و مالکین محترم آن سامانست ویرا برای تحصیل علوم قدیمه پس از فراغت از علوم روز و جدید تشویق نموده و ایشان مدتی در بابل آنگاه مراجعت بمشهد مقدس نموده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مدرسین حوزه مشهد خوانده و بعد از آن بقم آمده و چند سالی از محضر آیات عظام و مراجع کرام حوزه آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و سایرین فقها و اصولا استفاده نموده و بعد بوطن مراجعت و تاکنون بانجام وظائف و خدمات دینی مشغول میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صبری حلوایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید صبری حلوایی

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۵ هفتم مهر در آذرشهر متولد شدم. هفت سالگی وارد دبستان بیژن آذر شهر شدم. سال۱۳۴۷ وارد دبیرستان آذرشهر شدم.سال ۱۳۵۱ وارد دبیرستان توحید شیراز شدم. ۱۳۵۶ در رشته طبیعی دیپلم گرفتم. سال ۱۳۸۳ در جشنواره مبتکران ـ مخترعان ـ نو آوران و ممتازین دانشجوی بسیجی به عنوان ممتاز علمی شناخته شدم در همان سال و همان جشنوار با کسب مقام اول پروژه

کارشناسی ارشد ممتاز پروژه نیز معرفی شدم سال ۱۳۸۴ برگزیده مؤلف نمونه در همایش اهل قلم سازمان صدا و سیما تجلیل شدم.
در پاییز سال ۱۳۸۴ به عنوان برگزیده کنگره بین‌المللی روابط عمومی و در بهار همان سال برگزیده کنگره بین‌المللی جنبش نرم‌افزاری که در سالن اجلاس سران سال ۸۴ برگزار شد معرفی شدم.
در جشنواره‌های گوناگون تحقیقاتی سازمان صدا و سیما رتبه‌های پژوهش برتر را اخذ نمودم از جمله:
الف: جشنواره هفتم شیراز اردیبهشت ۷۶ با پژوهش بیوگرافی شهید آیت الله قاضی.
ب: در جشنواره ۱۲ یزد با پژوهش نهضت خدمات رسانی.
ت: در جنشواره ۱۳ تبریز با پژوهش نهضت پاسخگویی به مطالبات مردم.
ج: در جشنواره ۱۴ که در اصفهان برگزار شد ۳ عنوان پژوهش تا مرحله عالی داوری راه یافت با عناوین.
۱. معراج. ۲. مشارکت عمومی. ۳. کندوان بهشت گمشده
ث: در جشنواره ۱۵ با پتروشیمی تحت عنوان و ماه بشکافت شق القمر معجزه پیامبر اعظم(ص)
فعلاً مدیر مسئول و صاحب امتیاز هفته نامه تبریز می‌باشم.

صبوری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد صبوری قمی از علماء معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۴۴ قمری در قم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و متون فقه و اصول را از علماء آن سامان تکمیل و چند سالی از محضر و درس خارج آیات عظام نجف مانند آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده و به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از چند سالی به تهران منتقل و در حوزه علمیه تهران (مدرسه مروی) بتدریس پرداخته و ضمنا شروع بتعمیر اساسی مسجد خیابان ناصر خسرو واقع در (در اندرون) که رو به ویرانی گذارده بود نموده و با مقاومت و استقامت عجیبی در مقابل سوداگران مسجد را با همت و مساعدت مردم خیر تهران و اصناف خیابان مزبور بصورت آبرومندی بنا و اکنون در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای صبوری از علماء فعال تهران و مورد توجه آیات عظام قم و نجف اشرف و تهران می‌باشد. آثار علمی چندی دارند که از آنها رساله‌ای در حکم و حرمت تراشیدن ریش است که در نجف بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

صحبت، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) لاری (ملا) محمد باقر متخلص به صحبت، شاعر ایرانی (و. حدود ۱۱۶۲ ه. ق- ف. ۱۲۵۱ ه.ق.) وی از مردم بیرم لار (از

توابع فارس) است. در آغاز در مدرسه قریه رونیز به تحصیل پرداخت. سپس به شیراز رفت و به فراگرفتن علوم مشغول شد. آنگاه به لار بازگشت و به امامت جماعت و تألیف رسایل پرداخت. وی در تاریخ و لغت فارسی و عربی و فنون ادب مهارت داشت. دیوان او حاوی بیش از ۳۰۰۰۰ بیت است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صحفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صحفی، متولد سال ۱۳۱۳ شمسی در قم.

تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم دینی در نزد اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم آیت‌اللّه صدوقی یزدی، آقای آقا میرزا علی مشکینی، سید موسی صدر، آقای سلطانی، آیت‌اللّه گلپایگانی و محضر درسی مرحوم آیت‌اللّه بروجردی انجام داد.

از سال ۱۳۴۱ شمسی بنا به دعوت شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان به درود منتقل و دفتر مذهبی آن شرکت و کتابخانه‌ی کارخانه سیمان را تأسیس نمود.

دفتر مذهبی سیمان درود یک سلسله نشریات علمی- مذهبی دارد که دو ماه یکبار منتشر می‌شود و به طور رایگان برای درخواست کنندگان سراسر کشور و خارج آن ارسال می‌دارد و کتابخانه‌ی سیمان، از کتابخانه‌های ممتازی است که در حدود پنج هزار جلد کتاب در رشته‌های مختلف دارد و به طور متوسط ماهیانه سه هزار نفر برای استفاده به آنجا مراجعه می‌کنند.

تالار ولی عصر (عج) و مسجد کارخانه سیمان هم جزء مجتمع مذهبی این شرکت است که به تمام وسائل، از تهویه‌ی مطبوع و سالن مجلل و مبلمان تمیز برای برگزاری کنفرانسها و مجالس علمی- مذهبی آماده است.

او علاوه بر سخنرانیهای مذهبی به تألیف و نشر حقایق اسلامی اشتغال داشته و تاکنون کتب زیر را نگاشته و منتشر نموده است:

۱- تعالیم آسمانی اسلام، در سه جلد.

۲- قصص قرآن، در دو جلد.

۳- سفر آسمانی، یک جلد.

۴- داستانهای تاریخی اسلامی، یک جلد.

۵- تحفهٔ الادبا یا بهار شعر و ادب، یک جلد.

و چندین کتاب را ترجمه نموده از آن جمله

۱- زندگانی رهبران اسلام (ترجمه‌ی انوار البهیه مرحوم محدث قمی ره).

۲- زندگانی اباعبداللّه الحسین (ترجمه‌ی اللهوف علی القتل الطفوف سید بن طاووس ره).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صحفی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صحفی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره مقدماتی (ادبیات عرب ، منطق و معانی بیان) را در مدرسه ناصریه مقابل مسجد جمعه قم نزد اساتید متعدد و مختلف گذراندم . قسمتی ازفقه را از محضر استاد فقید شهید صدوقی و سپس از محضر استاد آیت الله مشکینی و بخشی از اصول را از محضر استاد شهید امام موسی صدر و آیت الله سلطانی و دیگر اساتید استفاده نمودم . دردروس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع را شرکت داشته ام . از تفسیر علامه فقید طباطبایی و دروس علامه بزرگوار نیز استفاده کردم .

صدر اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ش)، واعظ و خواننده. وی در خانواده‌ای روحانی، در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از خطبای با قریحه‌ی زمان خود و در اصل اهل خوانسار بود. عبدالحسین تحصیلات قدیم و جدید را در اصفهان فرا گرفت. سپس به تهران رفت و با صدای خوشی که داشت از وعاظ و خوانندگان معتبر شد. صدر آواز دو دانگ را در حد اعلی می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۶۷۹ -۶۷۸۲، ۴۰۱ / ۱).

صدر الواعظین آزادانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واعظ صالح زاهد، در رمضان ۱۳۶۰ به سن متجاوز از هفتاد سالگی وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدر، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال صدر

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال صدر در سال ۱۳۴۹ در شهرستان محلات متوّلد شدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همانجا به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمّیه شدم و از محضر اساتیدی چون سیدطه مقدّسی، معصومی، عظیمی و دیگران بهره بردم. پس از اتمام دوره مقدّمات به شهرستان قم آمدم و در حوزه علمیّه قم ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۹ در مرکز تخصّصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم. درسال ۱۳۸۲ به عنوان روحانی مستقر از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به شهرستان بومهن عزیمت نمودم و علاوه بر تبلیغ به تدریس و تحقیق مشغول شدم. در همان سال از طرف امام جمعه بومهن به سمت امام جمعه موقت آن شهرستان برگزیده شدم وهم اکنون در همانجا مشغول تدریس و تحقیق و تبلیغ می باشم.

صدر، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی مشهور در همه آفاق به (امام موسی صدر) فرزند برومند آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید صدرالدین ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و سبط آیت‌اللّه العظمی ازهد الفقهاء والمجتهدین حاج آقا حسین طباطبائی قمی یکی از ستارگان فروزان و چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم است که سالها در مغرب خاوری طلوع نموده و در آسمان لبنان و سوریه و فلسطین نورافشانی می‌کند آن جناب در حدود سال ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس به دنیا آمده و در سال ۱۳۴۹ در معیت والد خویش به قم مهاجرت و به تحصیل دروس ابتدائی اشتغال یافته و در بیت علم و شرف پرورش یافته و پس از پایان دروس جدید به تحصیل علوم عربیه منقول و معقول پرداخته و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته سپس از محضر مرحوم والد ماجد و دیگر آیات چون آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده علوم عقلی و نقلی نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و اتقان رسیده سپس عزیمت به نجف اشرف و چندی هم از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین زعیم و مرجع شیعیان لبنان بنابر دعوت رسمی بیت شرف‌الدین و شیعیان لبنان برای زعامت و سرپرستی شیعیان مهاجرت به لبنان نموده و با آگاهی و کیاست و فراست موهبتی از عهده مسئولیت سنگین زعامت به خوبی درآمده و محبوب‌القلوب مردم عالی و دانی آن سامان گردید و به اکثریت نزدیک به اتفاق به ریاست مجلس اعیان (سنا) شیعیان لبنان انتخاب و رهبر بزرگ و قائد اعظم مردم مستضعف در آن منطقه گردیده و خدمات ارزنده چشمگیری نموده وصیت و صوتش به شرق اقصی و اوسط و بلاد باختری رسیده و در ردیف یکی از سیاستمداران به نام معاصر درآمده و محسود حکومت طاغوتی و محمدرضا پهلوی گردیده که چرا و برای چه یکی از روحانیون و آیت‌اللّه زادگان قم به این

پایه عظمت و سیاست برسد که کلیه روساء جماهیر اسلامی غربی مصر و لیبی و مراکش و تونس و سودان و گینه و سعودی و سوریا و عراق از او دعوتهای رسمی نموده و مراسم استقبال و تجلیل را انجام دهند و این موقعیت چنان دولت طاغوتی ایران را به وحشت انداخت که برای اسقاط او از انظار مردم دست به افتراء به وسیله عوامل ساواك در جرائد و روزنامه‌ها اکاذیبی جعل که از موقعیت معظم‌له بکاهد غافل از آن که به گفته شاعر:

چراغی را که ایزد برفروزد

هر آنکس پف کند ریشه‌اش بسوزد

این نویسنده که قسمتی از فعالیتهای و خدمات ایشان را در جلد سوم گنجینه نوشتم اداره نگارش و عمال روسیاه سازمان امنیت (باصطلاح خودشان) کتاب را توقیف که با شرح حال و ترجمه و عکس آقای صدر قابل نشر نیست و چند ماهی مرا اسیر و بالاخره با حذف شرح زندگینامه و آثار معظم‌له کتاب را ناقص و اجازه نشر داد. خدا روی همه آنها مخصوصا روحانی‌نما را سیاه و در دادگاه انقلاب به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نماید.

باری امام موسی صدر از مفاخر عالم تشیع معاصر و افتخارات کشور ایران بلکه مسلمین جهان است که با لباس روحانیت (عمامه و عبا و قبا) در عداد بزرگترین شخصیتهای سیاسی جهان و با چندین زبان زنده از عربی و فارسی و فرانسوی و انگلیسی و غیره آشنائی کامل و سخن می‌گوید. و دارای مدارک علمی از اجتهاد و دکترا و غیره می‌باشد.

آثار و خدمات و باقیات الصالحات این رادمرد علم و سیاست به اندازه‌ای است که ذکر آن در این مختصر نگنجد بلکه کتاب مستقلی لازم دارد و قسمتی از آن رد مجلدهای لبنانی و غیره یاد شده است. ولی متاسفانه که دست استعمار امپریالیسم صهیونیستی اسرائیل و آمریکا و جبهه‌های طاغوتی شرقی و غربی - راست گرایان و چپ گرایان خخاوری و غیره این نادره دوران را به توسط دولت لیبی (سرهنگ قزافی) به عنوان دعوت رسمی از لبنان به لیبی برده و از ماه رمضان ۱۳۹۸ قمری برابر ۱۹۷۸ میلادی تاکنون که ماه رجب ۱۳۹۹ برابر مه ۱۹۷۹ مسیحی است اثری از ایشان نیست و هرچند تاکنون از لبنان و سوریا و کشورهای اسلامی و بالاخص ایران به لیبی و غیره مراجعه شده ردپائی پیدا نشده و دولت لیبی مدعی است که ایشان به رم رفته‌اند و حال آن که کشور ایتالیا و رم از ورودشان به آن کشور تکذیب می‌کند. خلاصه جهان تشیع در فقدان و هجران این عزیز گمشده خود که برای ریاست جمهوری اسلامی ایران برازندگی و شایستگی دارد در سوك و غم فرورفته و همه روز چشم انتظار دوخته تا از لیبی و یا کجا ظاهر و پیدا شود.

نگارنده که بیش از چهل سال سال است افتخار دوستی و ارادت به بیت جلیل صدر و بالاخص ایشان را دارم و آخر عهدم با ایشان را فراموش نمی‌کنم در شب جمعه هفدهم ذی‌حجه ۱۳۹۷ قمری بود در مسجدالحرام نزدیکی حجراسمعیل که مرا در آغوش مهر گرفته و ساعتی با هم سخن گفتیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صدرا، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراك به دنیا آمد و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده‌ی سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفت. در اوایل تأسیس حوزه،شانزده ساله بود که به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد و از اول دوره‌ی دوم درس

اصول آیت‌الله حایری و درس فقه ایشان که «خیارات مکاسب» بود استفاده نمود. همچنین از درس آیت‌الله یثربی بهره برد و سطح و «کفایه» را در خدمت آیت‌الله میراز محمد ثابتی همدانی خواند و مقداری از «فرائد» را خدمت آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی همراه «منظومه‌ی حکمت» خوانده و همچنین «مکاسب» را خدمت این دو استاد استفاده کرد و نیز از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از «منظومه‌ی حکمت» و «رسائل» شیخ را بهره گرفت. وی دارای طبعی موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش. تأسیس کتابخانه در مسجد اراکیهای مقیم تهران و جمع‌آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن ابی‌طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «ابوطالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان ابی‌طالب از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکعبه و ولیدها»؛ «توشه‌دان گدا»؛ «جهاز عروس و داماد»؛ «ادب گفتار»؛ «ادب کردار»؛ «تناثر النجوم فی ارض الطفوف»؛ «دیوان» شعر؛ «افاضه الحرمین»؛ «سراح الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «منهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی، رساله‌ای در «رد عشره‌ی مبشره»؛ «انقلاب اسلامی قرن ۱۴»؛ «صراط مستقیم کی و کجاست؟».[۱]

حاج شیخ محمدتقی صدراء اراکی از علماء اعلام و مبلغین گرام و وعاظ به نام معاصر است در تهران در حدود سال ۱۳۱۹ ق در اراک متولد شده و در آنجا مقدمات و ادبیات را آموخته و سطوح را در نزد مرحوم سلطان‌العلماء اراکی و آیت‌الله آقانور و علماء دیگر حوزه علمیه حوزه اراک خوانده و پس از انتقال حوزه علمیه از اراک به قم مهاجرت به قم نموده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و بالغ بر بیست سال اقامت جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی کرده و به واسطه بعضی از جهات و دعوت عده‌ای از مردم اراک مقیم تهران و دیگران مهاجرت کلی به تهران نموده و در خیابان گرگان در مسجد آبرومندی به اقامه جماعت و در هیئت محترم بنی‌فاطمه که از هیئات باعظمت و مجد تهران و مجالس و مسجد دیگر تهران و شهر ری و حومه تهران و روی به منبر رفته و داد سخن داده انجام وظیفه دینی می‌نمایند.

مولف گوید: معظم‌له از وعاظ با فضل و منبری بسیار آموزنده و مفید دارد و عموم طبقات از منابر وی استفاده کرده و بهره‌مند می‌شوند. دارای طبع شعر و ذوق سرشاریست و اشعاری در مراثی و مدایح و مواعظ و نصایح دارد و نیز دارای تالیفاتی می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.

شیخ محمدتقی بن العالم المجاهد المحامی حاج شیخ محمدباقر از علماء مبرز و خطباء نامی و مبلغین سامی اراکی مطهر تهران است.

ایشان در سال ۱۳۲۶ ق در اراک به دنیا آمده و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفته و در سال تاسیس حوزه علمیه قم که آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی مؤسس و بنیان‌گذار حوزه به اصرار قمین و تهرانین از اراک به قم هجرت کردند و چهل شب تمام ائمه جماعت قم نماز جماعات خود را تعطیل و به ایشان اقتدا نمودند و مواجه با اصرار و ابرام قمیین و تهرانیین شدند که باید در قم توطن فرموده و حوزه علمیه اراک را به قم منتقل فرمائید. و ایشان مردد بودند و استخاره کردند که آیا حوزه علمیه را به قم انتقال دهند یا نه پس تفال به قرآن زدند پس باز قرآن مانند همیشه معجزه کرد از آن معجزه‌هائیکه فراموش شدنی نیست زیرا این آیه آمد (و اتونی باهلکم اجمعین) که یوسف به پدر و برادرت پیام داد که من عزیز مصر شدم و همه با خانواده‌هایتان نزد من بیائید و کسی را باقی نگذارید.

مرحوم آقای حایری هم به مفاد همین آیه برای حوزه علمیه اراک نوشتند که همه‌تان با زن و بچه حرکت کنید.

مترجم ما در آن موقع شانزده ساله بود و والدش راضی به مسافرت نمی‌شد و از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری سئوال شده بود ایشان ادامه تحصیل را برای مشتغل واجب عینی می‌دانستند بنابراین تصمیم می‌گیرند که بدون اجازه والدشان به قم بیایند ولی خوشبختانه راضی شده و گریه شوق و رضا نموده پس به قم عزیمت و پس از ورود در سلک مهاجرین الی‌اللّٰه در آمده و سطوح را در قم

تکمیل و از اول دوره دوم درس اصول آیت‌اللّه حایری و درس فقه‌شان که (خیارات مکاسب) بود حاضر و استفاده نموده و پیش از آن صبح‌ها در درس مرحوم آیت‌اللّه یثربی که از مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بوده بهره‌مند شده و سطح کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی همدانی خوانده مقداری از فرائد را هم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی با منظومه حکمت خوانده و همچنین مکاسب را خدمت این دو بزرگوار استفاده نموده و نیز از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از منظومه حکمت و رسائل شیخ را استفاده نموده و در سال ۱۳۴۳ ق که آیات عظام نجف (مرحوم اصفهانی و نائینی و غیره که تبعید به ایران و قم شده و شروع به تدریس نمودند نسبت به مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی ارادتی شدید داشته‌اند...

سلطنت غاصبانه طاغوتی رضاخان (زندیق) پیش آمد و با آنکه همه طلاب امتحان داده و دارای جواز بودند مامورین جهنم اهل بهشت را تا (در بهشت) علی بن جعفر و حتی خود بهشت (که فرمودند یک در بهشت در قم باز می‌شود) تعقیب می‌کردند و چون مامورین که داخل مدرسه فیضیه می‌شدند طلاب از طبقه دوم اطاق‌ها خود را در رودخانه پرتاب می‌کردند.

عوامل جنایتکار رضاخان به دستور وی با بودن آیت‌اللّه العظمی حایری و قمی و اصفهانی و سایر آیات کشف حجاب (یا کشف عورت) نموده و حرم حضرت ثامن‌الائمه علیه و علیهم‌السلام را به توپ و تفنگ بسته و هرکس از اهل علم که مأمنی سراغ داشت به آنجا گریخته و مابقی هم در قم در هر دقیقه و ساعتی مواجه با گرگان آدم‌نمای از عمال جنایت‌کار دولت می‌شدند آقای صدرا در آن موقع از روی اضطراب به اراک رفته و به جهت اداره یتیمانی که عهده‌دار مخارج آنها بود به منبر و وعظ پرداخته و از این راه هم خدمت به عائله والدش نموده و هم بهترین خدمات را در ارشاد مردم به شرع بنماید.

سال ۱۳۵۷ شمسی پیش آمد و فرمان اتحاد شکل و پوشیدن کت و شلوار و کلاه پهلوی به سر گذاردن صادر شده و با گذرانیدن از مجلس شوم قانونی کردند و با هزاران دسایس و وسائل عده‌ای از پوشیدن لباس متحدالشکلی به نام محدث مجتهد - مدرس طلبه‌ای واجد یکی از سه رتبه باشد و متصدی امور حسبیه و امام جماعت و هاخام یهود و کشیش نصاری و مرید زردشتی که تمام آنها هم باید جواز مخصوص از وزارت معرف و علوم آن روز داشته باشند.

خلاصه شرح زندگینامه معظم‌له بسیار و در خور کتاب جداگانه‌ای است و تا جائیکه برای نگارنده امکان داشت فشرده آن را انتخاب و اقتباس نموده و در اختیار عموم قرار دادم مترجم گرامی در شهرستان اراک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی و بالاخص مکتب ولایت پرداخته و خدمات چشمگیری در شهر و حومه آن نموده و آثار خالده‌ای از خود به جا گذارده و پس از آن سفری به تهران نموده و در آنجا روی اصرار و ابرام اراکی‌های مقیم پایتخت اقامت در آن سواد اعظم را اختیار و در مسجد همشهریهای خود به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و باقیات الصالحاتی از خود مانند تاسیس کتابخانه و جمع آوری کتابهای مختلف سودمند و مفید دینی تا حدود نه مغازه کوچک و بزرگ برای تامین مخارج آب و برق و خادم مسجد و مازاد آن برای امام مسجد ساخته و تا کنون از آن بهره‌برداری می‌شود.

آقای صدرا دارای بیانی جامع و قاطع و آموزنده هستند و بسیاری از گم‌گشتگان دینی از مواعظ و اندرزها و خطابه‌های ایشان به راه آمده و متنبه شده و پابند دین و نماز و مبانی دینی گشته‌اند.

دارای طبعی موزن و ذوقی کامل و جالب و ادیبانه و خردمندانه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۱ -۱۹۴ / ۸ ،۳۸۰ -۳۷۹ / ۲).

صدرالاسلام، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

والدین و انساب : نسب حاجی میرزا سید محمد ملقب به صدر الاسلام متخلص به خاک به امام جعفر صادق (ع) و از جانب مادر به فتحعلیشاه قاجار می رسد . سلسله شجره نامه «صدرالاسلام» یک نسخه درکتابخانه امام رضا(ع) و نسخه ای دیگر درقم در کتابخانه حضرت معصومه (ع) موجود می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدرسید محمد صدرالاسلام ، حاجی میرزا عبدالحسین نایب صدرقزوین و پدربزرگش میرزا سید عبدالله صدر دیوان خانه تهران بود که درزمان سلطنت ناصر الدین شاه درسال ۱۲۷۸ ه.ق دروزارت عدلیه ضیاءالملک متصدی شغل صدارت دیوانخانه عدلیه تهران بود . صدر دیوانخانه ازمشاغل مهم دوره قاجاریه بود . کسی که در منصب این شغل قرار می گرفت درحقیقت رییس محکمه یا دادگاه وزارت عدلیه محسوب می شود و رسیدگی به امور ملکی و شرعیات را انجام می داد و اجداد صدر الاسلام پشت اندر پشت لقب صدارت وسمت خطابت و حضور درمجالس بزم و سرور دربار قاجار را داشته اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد صدرالاسلام پس از آنکه دربار قاجار راترک گفت در قزوین و مدرسه حاجیه آقاسی درخیابان دولت خانه صفویه مشغول تحصیل علوم رسمی مقدماتی شد . بعد از این مقطع به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس درصدد تحصیل علوم غریبه برآمد .او دراین سالها به تهران ، کرمانشاه ، همدان ، کربلا ، نجف، مکه سفر نموده و برتجربیات خود افزود . او همچنین مدتی نیز به تحصیل الهیات پرداخت .استادان و مربیان : سید محمد صدرالاسلام درالهیات حاجی میرزا ابوالقاسم تفرشی بود .همسر و فرزندان : سید محمد صدرالاسلام بانورسته خانم دختر میرزا مسعود شیخ الاسلام ازدواج نمود او ۷ پسر داشت ۵ تن از پسران او هرگز دارای اولاد نشدند ویکی از آنها که احد نام داشت ازدواج نکرد و بعدها مفقود اثر شد . فقط یکی از پسران اوبه نام آمیر مهدی دارای ۴ فرزند شد که پس از فوت او فرزندانش تحت نکاست و سرپرستی صدرالاسلام درآمدند.وقایع میانسالی : درجریان انقلاب مشروطه سید محمد صدرالاسلام از مخالفین سرسخت مشروطه به شمار می رفت درهنگام مشروطه عده ای از رجال و اعیان قزوین طی تلگرافی به محمد علی شاه خواستار برچیده شدن بساط مشروطیت شدند که امضای صدر الاسلام نیز درزیر این تلگراف به چشم می خورد . در جنگ جهانی دوم که رس ها قزوین را به اشغال خود درآورده بودند ، روزی به باغ صدرالاسلام ریختند و کلیه جواهرات و عتیقه جات قدیمی او را به تاراج بردند . این حادثه تاثیر ناگواری برروحیه او به جای گذاشت و به همین نظر ۷ سال پایانی عمر خودرا درپریشانی خیال گذراند.زمان و علت فوت : سید محمد صدرالاسلام درسال ۱۳۲۷ ه.ش درسن ۸۶ سالگی درگذشت و درخانقاه خودبه خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد صدرالاسلام درابتدای جوانی به تبعیت از شغل اجدادی ، مدتی خطیب حضورمخصوص ناصر الدین شاه جهت خواندن خطبه خاص ساعت تحویل سال نو بود . او این سمت را بعدها ترک گفت و به تحصیل کمالات معنوی همت گماشت . او اگر چه یکباره دیگر درزمان غیبت برادر بزرگش حاجی میرزا علی نایب صدر به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . لیکن پس از قتل این شاه قاجار به ناچار ترک خدمت نموده و به کشاورزی پرداخت .فعالیتهای آموزشی : سید محمد صدر الاسلام درخانقاه الهیه به تدریس فقه .اصول ،منطق و طب پرداخت .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید محمد صدر الاسلام خانقاهی به نام الهیه را جهت فعالیت های آموزشی و دستگیری از فقیران دایرکرد و او همچنین خانقاهی دیگردر خارج از شهرقزوین ایجادکرد و این خانقاه اگرچه امروز درداخل شهرقرار دارد ولی آثاری از آن به جای نمانده است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محمد صدرالاسلام مدتی عضو انجمن بلدیه بود . این انجمن دردوره مشروطه ازمیان اصناف و سرشناسان شهرانتخاب می شد و وظیفه امور شرعی رسیدگی به خوابار را عهده دار بود . اما فعالیت این انجمن به دلیل فقدان بودجه کار موثری را به انجام نرساند .صدرالاسلام به پرورش کل نیز علاقه بسیار دشاات و در وسط باغ باصفا و پرگل و درخت خو د،

استخری قرار داده بود و دوستانش برای او از خارج تخم گل می آوردند . آثار : دیوان صدرالاسلام ، شرح الصدور فی حقایق الامور ،قانون الریاضه فی سبیل الهدایه ، منظومه زور عشق

منابع زندگینامه :مشاهیر قزوین ، پژوهش و تالیف : مهدی نورمحمدی ،قزوین : سایه گستر .سال ۱۳۸۱، ص ۱۸۷ـ۱۹۱

صدرالذاکرین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ –۱۲۵۱ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به واله. در شهر و دیارش به صدرالذاکرین معروف بود. وی یکی از مشاهیر وعاظ و خطیبان بزرگ و از اهل فضل و ادب و کمال بود. از صدرالذاکرین آثار مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود.از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، به نظم، فارسی؛ «الدیباجه الموضونه فی تضمین الآیات المؤذونه»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» واله افشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۵۵ / ۹ ،۴۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸–۳۰۷ / ۴).

صدرالذاکرین، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد طباطبائی، از روضه خوان‌های معروف اصفهان، متوفی به سال ۱۳۱۰، و مدفون در مقبره‌ی سر قبر آقا.

ماده‌ی تاریخ وفاتش را که طرب گفته این است:

چو رخت بست ز دار فنا به عالم قدس

ز مرگ او ز طرب خاست شور و ناله و شیون

نوشت خامه‌ی مسکین برای سال وفاتش

به صدر محفل جنت نمود منزل و مسکن

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدراللهی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صدرالهی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ایجانب حسن صدراللهی در سن ۸سالگی به مدرسه ابتدای رفتم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدائ را سپری کردم وچند سالی در محیط روستا (حاجی آباد)مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم .اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع)و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود:اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای حاجت را عمل کن ،صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سئوال کردم فرمودند:همین کتاب دعا است .مفاتیح تهیه کردم درآخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد ودر رقعه ای از گل بگذارد ودر آب جاری بیاندازد خداوند حاجت اورا روا می کند .

آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم ،پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماءشهر ،به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن ،پدرم دست مرا گرفت ودردست آن عالم فاضل گذاشت .مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت .پس از دوسال روانه قم شدم ودرمدرسه حجّتیه در پارک ۸اطاق ۷۳با آقای رفیعی که از طلاب فاضل ومتدین بود هم حجره شدم .در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من درآن زمان شکل گرفت .خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.

زمانیکه در قم بودم دوران پرفرازو نشیبی داشتم گاه مریضی وگاه بی پولی ،تا جائی که برای امرار معاش در تهران بعضی از تعطیلات کارگری می کردم .وایام هفته درقم درس می خواندم .روزگار سختی بود.در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشر احکام اسلامی داشتم لذا در قم وشهرستانها کلاسهای قرآن . عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کند در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شهید محراب صدوقی رفتم مشکل را بیان داشتم که امنیت ندارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هستم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود وهمین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دستگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست .پس از پیروزی انقلاب احساس می شد که وضعیت تغییر کرده .دیدگاههای انحرافی به وجود آمده وروزبه روز رشد می کند .لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم واصطلاحات سیاسی داشته باشم .این کار انجام گرفت .دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم درسالهای اول انقلاب ،موسسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال)گزینش کردند که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسی ،تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق،فلسفه غرب اشنا شدم .با دیدن این دوره وتکمیل ان با مطالعه ، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق وغیره شدم .وهمین مطالعات باعث شد به دانشگاه راه پیدا کنم .

مدّت ۱۳سال در دانشگاه حقوق ،فقه ،اصول ،ادبیّات عرب تدریس کردم تا این که در سال ۷۸همسرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانستم به دانشگاه ادامه دهم .د رحوزه مشغول تحقیق شدم وبعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاها در حوزه نشر شد.تا اینکه دفتر

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (محمد جواد فاضل)از بنده دعوت کرد که بخشی درمرکز فقهی راه اندازی کنم تحت عنوان شبهات فقه واصول .

این کار ابتکاری را شروع کردم شبهات ابواب فقه بر اساس کتاب شرایع جمع اوری شد به اضافه شبهات جدید .شبهات در اختیار دانش پژوهان قرار میگیرد .پس از بررسی خلاصه جواب به نام محقق ثبت می شود وهم اکنون عضو گروهی هستم که در زمینه های علمی فعّالیّت دارند ودر کنار جامعه مدرسین هستم .

صدرالمحدثین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا عبدالحسین صدرالمحدثین، از وعاظ معروف اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت. در حدود سال ۱۳۱۰ در اصفهان متولد گردیده، و در نزد جمعی از فضلای این شهر تحصیل نموده، به طهران رفته، آنجا نیز چندین سال به تحصیلات جدید و قدیم پرداخته، و به ترویج دین پرداخته، در نهضت تجددخواهی و دگرگونی وضع قدیم به صورت تمدن جدید، و تشکیل شرکت‌ها و تأسیس کارخانجات، در اصفهان و سایر شهرهای ایران، مردم را با بیانات شافیه و سحر کلام خویش مشغول می‌داشت.

در اواخر عمر، سودا بر مزاج ایشان غلبه یافته، در حدود سال ۱۳۶۷ در شیراز خود را در چاه انداخته، وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالمحدثین، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا محمود صدرالمحدثین از منبریان معروف اصفهان بوده که در نقل مطالب و ذکر مصائب سلیقه‌ای مخصوص داشت، و به حسن صوت و لحن زیبا شهرت داشته، و به همین علل در عداد روضه خوانان طراز اول به شمار می‌رفته، در ۲۳ رجب ۱۳۳۲ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

احمد افزای و گو به تاریخش

مرد صدر المحدثین محمود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرایی اشکوری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، فقیه، خطیب و واعظ. سبط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۵ ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمد و در شهر لنگرود ساکن شد. بعد از آن به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمد رضا اعمی و شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح را از آقا شیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی آموخت. معقول را خدمت امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد تقی خواسناری و آیت‌الله سید احمد خوانساری و میرزا محمد همدانی و «اسفار» و «خلاصه الحساب» را خامت شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد اشراقی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم فصول خواند. سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. دروس خارج را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری فرا گرفت و مدت یک سال در حوزه‌ی درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شرکت نمود تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسید. صدرایی از مراجع بزرگی همچون آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر اجازه‌ی اجتهاد گرفت، آن‌گاه به موطن خود گیلان بازگشت و به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی پرداخت. از آثارش: «حقایق اسلام»، مجموعه سخنرانیهای صدرایی در رادیو تهران؛ «وظائف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسلام»؛ «پرتو حق در زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ رساله‌ای در «رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین ومکتب دیالکتیک مارتیالیست»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «روح اسلام»؛ «رساله نبویه»، در رد اعتراضات مسیحیان به دین اسلام؛ «سفر نامه‌ی مکه»؛ «بوستان اسلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گلزار احمدی»؛ «هفته نامه‌ی طلوع اسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۲ - ۳۸۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۵ -۲۹۴ / ۴).

صدرائی اشکوری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمدعلی بن العالم البارع الکامل حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله السید موسی الموسوی اشکوری و سبط العالم الجلیل السید محمد صدرائی حسینی بنی کلائی لاهیجانی از گویندگان نامی و مشاهیر خطباء و وعاظ معاصر گیلان می‌باشد.

در سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف که روز جمعه ۱۷ شوال‌المکرم بود متولد شده و در سال ۱۳۴۵ به اتفاق والدش از نجف اشرف به ایران آمده و در شهر لنگرود سکونت نموده و مترجم ما پس از شش ماه توقف به قم مهاجرت نموده و ادبیات را در نزد مرحوم شیخ محمدرضا اعمی و حاج شیخ ابوالقاسم نحوی خوانده و سطوح را از آقای آقا شیخ عباس تهرانی و آقای آقا نورخمینی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس علی شاهرودی و معقول را خدمت آیت العظمی امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی مرحوم خونساری و آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری و مرحوم میرزا محمد همدانی و اسفار و خلاصه‌الحساب را خدمت آقا شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد مرحوم استاد اشراقی بزرگ و مرحوم حاج سید تقی اصفهانی و رجال و علم حدیث را نزد مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم فصولی خوانده و به تدریس ادبیات و سطوح پرداخته و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و مدت یک سال هم در درس فقه و اصول زعیم اعظم شیعه آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و از مراجع بزرگ چون آیت‌الله العظمی

اصفهانی و آیت‌الله حجت و خونساری و صدر و آیات دیگر رضوان‌الله علیهم نائل به اجازه اجتهاد شده و برای خدمات دینی و تبلیغات مذهبی به وطن خود گیلان معاودت و در رشت مرکز استان گیلان رحل اقامت افکنده و از راه منبر و قلم به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای تالیفات ارزنده و مفیده‌ای می‌باشد که بعضی از آن مکرر به طبع رسیده و برخی مخطوط می‌باشد و آنها از این قرار است:

۱- جلد اول از کتاب حقایق اسلام سخنرانیهای (صدرائی اشکوری در رادیو تهران) طبع شده.

۲- جلد دوم از کتاب حقایق اسلام سخنرانیهای (صدرائی اشکوری در رادیو تهران) طبع شده.

۳- کتاب وظائف ایرانیان در موقع انتخابات.

۴- کتاب معارف اسلام که نیز به طبع رسیده.

۵- کتاب پرتو حق در زندگانی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که بیش از چهار مرتبه به طبع رسیده.

۶- رساله در رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین و مکتب دیالیک تیک ماتریالیست.

۷- تفسیر سوره یسین و تحقیقات علمی در اطراف آن.

۸- کتاب با من به خوزستان بیایید جنایات انگلیسها و خیانت عمال آنها.

۹- کتاب روح اسلام که سوال و جوابیست که ایشان داده‌اند.

۰۱- رساله نبویه در رد اعتراضات مسیحیین به دین اسلام و به پیغمبر اسلام صلوات‌الله و سلامه علیه با کتاب عهدین عتیق و جدید و دلائل عقلی و نقلی و اثبات تحریف تورات و انجیل مخطوط.

۱۱- سفرنامه مکه مشتمل بر مباحثه با علماء مذهب اربعه شافعی مالکی حنفی حنبلی و مشاهدات در ممالك اسلامی مخطوط.

۱۲- کتاب بوستان اسلامی مشتمل بر مقالات متنوعه خود که در جرائد دینی و سیاسی تهران و ولایات طبع شده.

۱۳- دیوان اشعار بر قصائد- مرائی- غزلیات به نام گلزار احمدی در ۳۷۶ صفحه وزیری به طبع رسیده است.

۱۴- هفته‌نامه طلوع اسلام که در هر هفته منتشر می‌شود و در آن همه‌گونه مطالب دینی، اخلاقی، سیاسی، انتقادی، فرهنگی، اجتماعی مرقوم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صدوقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم اسلامی.

تولد: ۱۲۸۷(۱۳۲۷ ق.)، یزد.

شهادت: ۱۱ تیر ۱۳۶۱، یزد.

آیت‌الله محمد صدوقی، از احفاد شیخ صدوق صاحب من لا یحضره الفقیه، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسر عموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نز اساتید آن شهر فراگرفت و در سال ۱۳۴۸ ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی ۱۳۴۸ ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجددا در ذی‌الحجه سال ۱۳۴۹ ق. برای پایان تحصیل با خانواده‌ی خود به قم حرکت نمود.

اساتید سطوح عالیه وی عبارت بودند از آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالیه و نیل به درجه اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب‌صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال ۱۳۷۱ ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان جا ساکن شد.

از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان، مدرسه صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.

مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسدیده است.

آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر ۱۳۶۱ (برابر با دهم رمضان ۱۴۰۲ ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید شد.

آقای حاج شیخ محمد صدوقی بن العالم الجلیل میرزا ابوطالب بن العلامه میرزا محمدرضا مجتهد کرمانشاهی اول عالم و دانشمند معاصر یزد می‌باشد.

پدران این عالم بزرگوار که از احفاد صدوق‌الطائفه جناب ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و صدها کتاب دیگر همگی از دانشمندان مبرز و علماء زبردست شیعه بوده‌اند.

جد دوم ایشان مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدمهدی فرزند آخوند ملا محمد کرمانشاهی در زمان فتحعلیشاه قاجار از کرمانشاه مهاجرت به یزد نموده و خاندان صدوقی یزد را تشکیل داده است.

تاریخ ورود ایشان به یزد در دست نیست ولی سال فوت به موجب لوح قبری که در مزار بزرگ یزد معروف به (جوی هرهر) است از این قرار است.

هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الایقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلاء السابقین و اعلم العلماء اللاحقین فی بیضه الاسلام والدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق عمده المحققین و زبده المدققین الواصل الی جوار رحمه‌اللّه الملک الغنی مولانا ملا محمدمهدی الکرمانشاهی اعلی‌اللّه مقامه فی شهر جمادی‌الثانیه من شهور ۱۲۳۶:

و در سفرنامه مرحوم آیت‌اللّه آقا محمدعلی بن آیت‌اللّه علی الاطلاق آقا محمدباقر وحید بهبهانی این جمله قید شده است که در یزد وارد بر آقای آخوند ملا محمدمهدی کرمانشاهی شده و شرح مفصلی در خصوص یزد و اخلاق اهالی آن نگاشته است.

خلاصه مترجم معظم ما در هشتم صفر سال ۱۳۲۶ قمری در یزد متولد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در نزد اساتید آن شهرستان تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ به اصفهان عزیمت و چندی در آنجا در خدمت استادان آن سامان درس خوانده و سرمای تاریخی زمستان و طاقت فرسای سال ۴۸ که در اسفهان و سایر شهرستانهای ایران حکمفرما شده ایشان را مجبور کرد که از اصفهان به یزد مراجعت و مجددا در ذی‌الحجهٔ ۱۳۴۹ ق برای پایان تحصیل با عائله خود به قم حرکت نموده و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده

و هم سطوح عالیه را تدریس تا در سال ۱۳۷۱ ق برای دیدن ارحام به یزد عزیمت نموده و با استقبال کم‌نظیری وارد یزد و پس از چند روزی تصادفا پدر همسر ایشان مرحوم حجهٔالاسلام آقا میرزا محمد کرمانشاهی که از علماء و ائمه جماعت یزد بودند وفات و به درخواست و اصرار مردم یزد عزم رحیلش بدل به اقامت گردیده و تا حال تحریر مرجع بزرگ و مطلق امور دینی مردم یزد و حومه آن می‌باشند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه صدوقی از دانشمندان کم‌نظیر معاصر ما در فضل و اخلاق و علم و عمل و تقوی و دیانت و پاکدامنی و اصالت خانوادگی و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و صفات حمیده و فضائل نفسانی می‌باشند و اکنون سرپرستی حوزه علمیه یزد را به عهده دارند و به عموم محصلین مدارس یزد ماهیانه و شهریه می‌پردازند.

آثار و باقیات الصالحات بسیاری در یزد و نقاط دیگر دارند که به آنها اشاره می‌شود.

۱- مسجد حظیره که با طرز جالب و زیبائی تعمیر نموده و اکنون در آن در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم‌خان

۳- تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه مزبور که در شرف ویرانی بود.

۴- مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی

۵- موسسات خیری در شهرستان قم و اماکن دیگر.

دارای فرزند برومند فاضلی به نام ثقهٔالاسلام و زبده الفضلاء الکرام آقای آقا شیخ محمدرضا صدوقی می‌باشد که از جمله محصلین مهذب حوزه علمیه قم و در روحیات و فضائل اجتماعی نسخه ثانی آن پدر بزرگوارند.

و نیز دامادهای دانشمند چندی دارند که در میان آنان حضرت مستطاب حجهٔالاسلام و عمادالاعلام آقای حاج شیخ محمود جعفری تبریزی مشهور همگان و در میان اصحاب و خواص یاران آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری در فضل و تقوا و پاکدامنی مشارالیه بالبنان می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای جعفری که بیش از سی سالست ایشان را می‌شناسم و در زمان حیات و ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت ره از خواص اصحاب و ملازمین آن مرحوم بودند و به درس فقه و اصول ایشان شرکت داشتند از همان تاریخ موصوف به تقوا و متانت بودند و هیچ مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده‌ام و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت بنابر خواسته آیت‌اللّه شریعتمداری متصدی بعضی از کارهای معظم‌له گردیده و تاکنون موفق و مورد توجه و علاقه عموم محصلین و زعماء و مراجع حوزه علمیه و بالاخص زعیم روشن و مرجع بزرگواری چون آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری مدظله العالی می‌باشند.

(۱۳۶۱ -۱۲۸۷ ش)، عالم دینی و فقیه. گویند اجدادش از فرزندزادگان شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی بوده‌اند. در یزد به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در مدرسه عبدالرحیم‌خان نزد اساتید زمان تلمذ نمود. در ۱۳۴۸ ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در ۱۳۴۹ ق برای تکمیل تحصیلات با خانواده‌ی خود به قم رفت و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر درس آیت‌الله حائری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. ساله مقسم شهریه آیت‌الله صدر و آیت‌الله بروجردی بود. از ۱۳۷۱ ق در یزد اقامت گزید و مرجع امور دینی مردم گشت. وی پس از ایراد خطبه‌های نماز جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. از آثار وی: تعمیر مسجد حظیره، احداث کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عبدالرحیم‌خان؛ تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه‌ی عبدالرحیم خان، احداث مدرسه‌ی صدوقی در مشهد مقدس رضوی؛ ایجاد موسسات خیریه در شهرستان قم و اماکن دیگر. از آثار علمی‌اش: «حدیث کساء»؛ «قصد السبیل»، در امر بین الامرین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۵ -۴۴۲ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۶ / ۵).

صدیق، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذارند و در ۱۳۰۹ ش به فرانسه رفت. تحصیلات پزشکی را تا آخر سال دوم در بوردو و بقیه را در پاریس به پایان رساند. او پس از نگارش پایان‌نامه خود درباره‌ی «نگاهداری و اصلاح نژاد انسانی» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد. سپس در رشته‌ی بهداشت و بیماری کودکان مدت یکسال و نیم تحصیل کرد و گواهینامه تخصصی از آموزشگاه پرورش کودکان پاریس دریافت نمود. پس از آن از طرف دولت انلگستان برای تحقیق، به الجزیره رفت و پس از شش ماه توقف در آن کشور، در ۱۳۱۷ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری بهداشت کودکان در دانشسرای عالی منصوب شد. وی بعدها به دانشیاری کرسی بهداشت و پس از آن به سمت استادی بی‌کرسی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب گردید. از آثار وی: «بهداشت غذایی،بهداشت نسل»؛ «فن بچه‌داری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۲۴۶۷ / ۲ ، ۵۴۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۰ -۸۵۹ / ۴).

صدیقی یار، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صدیقی یار

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۹/۴

زندگینامه علمی

پس ازگرفتن مدرک سیکل به دروس علوم دینیه مشغول وتادرسیوطی درمدرسه امام صادق (ع)ورامین مشغول به تحصیل شدم تا در زمان جنگ جهت نگهداری ازپدرم هشت ماهی در دروسم فاصله افتاد ولطما تی را دیدم و به پیشنهاد یکی ازدوستانم به مدرسه عبدالعظیم واقع درشهرری رفتم واز عوا مل فی النحومجدداً دروس خودراغازکردم وبعد ازاتمام ادبیات عرب وشروع به تحصیل اصول وفقه به تدریس دردروس پایه مانند صرف ،تصریف ،صرف ساده وعوامل فی النحومشغول شدم تا اینکه با مشکلات جدیدی مواجه شدم و یکسالی ازدروس حوزه دورافتادم واین وضع به خاطر جبران عقب ماندگی ها وتکمیل دروس و.... وبدون هیچ شهریه ای به قم امدم وبا داشتن یک فرزند وهمسر وبا سختی امتحانات خودرابه صورت متفرقه دادم وشهریه خودرا وصل نمودم و در کنار آن در مؤسسه ای که قبل از وصل شهریه درآن کارمی کردم مشغول کار تحقیقات رجالی وحدیثی بودم که بعداز مدتی از آنجا

بیرون آمدم ودرجای دیگری که هم کار علمی درآن به چشم میخورد وهم از لحاظ مادی با تعداد چهار فرزند تأمین می شدم درکناردروس خود مشغول شدم وحتی دردروس تخصصی تبلیغ دو سال مشغول بودم وبه خاطر لطمه خوردن دروس اصلی حوزه ام که ناقص مانده بود انصراف دادم والان مشغول به کار درمجله مبلغان هستم وهم مشغول به تحصیل، و سطح ۲ حوزه را دارا هستم .

صرامی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیف الله صرامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال ۶۰ توفیق حضور در حوزه علمیه قم ، مدرسه امام صادق(ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی، مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.

تا اواخر سال ۶۶ دروس مقدمات و سطح را تقریبا به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال ۶۸ شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج ۱ و ۶ در سال های ۶۷ تا ۶۹ خواندم.سال ۶۹ دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال ۷۳ به پایان رسانیدم.از سال ۶۹ با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال ۶۷ غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.

از سال ۷۵ همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای علمی آن و از سال ۷۶ تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم .

از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس

سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صرفی پور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی صرفی پور

محل تولد : قم

شهرت : صرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) شد. اگر چه قبل از ورود رسمی به حوزه نزد پدرش تا لمعه تحصیل نمود . بعد از دوران مقدمات رسمی وارد دروس فقه و اصول شده و نزد آقایان آیهٔالله اشتهاردی، اعتمادی، ستوده سطح را تمام نمود. دروس خارج را از دروس آیات عظام مکارم، تبریزی و فاضل بهره برد. تاکنون در حوزه های علمیه شهرستانهای اندیمشک، اسدآباد، مینودشت و صحنه وپلدختردروس حوزه را تا لمعه و اصول ورسائل ومکاسب تدریس نموده است.

همچنین مسائل اخلاقی و اعتقادی و تاریخی و سیره ائمه را در این شهر ها برای گروه های مختلف مردم تبیین نموده است. ودر دانشگاه آزاد نیز تدریس داشته اند.تاکنون ۲۷ جلد کتاب تالیف نموده و بیش از ۵۰ جلد کتاب اماده نشر می باشد. وتقریبا بیست مقاله آماده عرضه دارند همچنین بیش از سیصد جلسه رادیویی در رادیو لرستان ازایشان به عنوان کارشناس دینی برنامه های معارف اسلامی ضبط و پخش و یا برای پخش منظور شده است.

صفاری، سعدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعدی صفاری

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعدی صفاری در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای تسمکلایه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (۱۳۶۳) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم.پس از اتمام دیپلم اقصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کِلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با دروس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم.در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین نخبه العلماء العاملین آقای حاج شیخ عباس بن العلامه الکبری و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی حایری قمی (صاحب حاشیه بر کفایه) از علماء اعلام و دانشمندان عظام شهرستان قم معروف به فضل و کمال موصوف به علم و تقوا در سال ۱۳۲۲ ق در شهر سامرا متولد شده و تحصیلات خود را بیشتر نزد والد بزرگوار خود خوانده و هم از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۵۸ ق به جای آن مرحوم در (مسجد نو) واقع در خیابان شیخان به اقامه جماعت و ترویجات دینی قیام نموده و تاکنون که نزدیک هفتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به تدریس و تالیف و سایر خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صفرعلی پور، حشمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حشمت الله صفرعلی پور

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی و راهنمایی از محضر پدر روحانی آیت الله سیدمجتبی میبدی (که خداوند درجات ایشان را متعالی فرماید) بهره‌ها گرفتم و قبل از انقلاب از امام خمینی(ره) تقلید می‌نمودیم دو رساله بدون جلد ایشان را داشتیم. دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به صورت پاره‌وقت در حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه از محضرات آیات و از جمله آیت الله اشرفی اصفهانی شهید محراب در معارف و اخلاق و تفسیر بهره‌مند می‌شدم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش به طور رسمی تحصیل علوم حوزوی را در قم آغاز نمودم و تمامی کتابهای درسی اصلی سطح و جنبی مرسوم در حوزه را نزد اساتید برجسته و مشهور فراگرفتم و در ادبیات از مدرس افغانی و صنایع بدیع و منحصر المعانی و مطول از حاج آقای علوی گرگانی و ادیب دوم حجت هاشمی (به مدت شش ماه در مشهد مقدس) تلمذ نمودم و در منطق و فلسفه بدایهٔ الحکمه و منطق مظفر و حاشیه را نزد آیت الله ربانی گلپایگانی و نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه را نزد آیت الله ممدوحی آموختم و باب حاوی عشر را تلمذ نموده و شرح تجرید را مطالعه و گاهی بحث می‌نمودم و تابستانها گاهی به تدریس ادبیات و اصول اشتغال داشتم و در تفسیر از محضر آیت الله جوادی آملی، معارف و نهج‌البلاغه از آیت الله مکارم شیرازی و در دروس اخلاق از محضر آیات عظام همچون آیت الله بهاء الدینی(ره) و آیت الله مظاهری بهره می گرفتم. شرح لمعه را نزد آیت الله شب زنده‌دار، محامی، استادی و سید احمد خاتمی آموختم و رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیت الله اعتمادی، پایانی و استادی فراگرفتم. رجال و ملل و نحل و درایه را نزد آیت الله سبحانی و علم حدیث و سیره رانزد آیت الله سید احمد خاتمی بهره گرفتم. در سال ۶۶ به دست آیت الله بهجت حفظ الله ملبس شدم و در این میان به صورت تبلیغی در جبهه‌های نبرد غرب و جنوب حضور پیدا می‌نمودم. دروس خارج فقه و اصول را بیشتر از محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و وحید خراسانی تلمذ نمودم برقی از کتابهای مباحث خارج فقه و اصول را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی(ره) و آیت الله جوادی آملی استفاده نمودم.از سال ۷۰ با مراکز تحقیقاتی قم همکاری داشتم و در کنار دروس حوزه به تحقق و تألیف در زمینه عقائد و امامت و ولایت پرداختم و آثاری را تألیف و به چاپ رسانیدم و در زمینه کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین(ع) به صورت گزارشی، تخصصی و کاربردی بیش از دو سال در کتابخانه‌ها و مراکز تخصصی تحقیق نمودم و کتاب «کتابشناسی اختصاصی امام حسین(ع) را تدوین و در اختیار علاقمندان و محققان قرار دادم و ثواب معنوی آن را هدیه به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نمودم. پایان‌نامه سطح سوم به عنوان معادل فوق لیسانس در موضوع خیار عیب در سال ۷۳ و پایان‌نامه سطح سوم به عنوان مدرک رسمی کارشناسی ارشد در موضوع نقش علم اجمالی در اصول را در سال ۸۱ به پایان رسانیدم و هم اکنون پایان‌نامه مقطع دکتری و سطح چهارم در دست تدوین دارم. در ضمن چند سال در ایام تبلیغ از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها توفیق حضور در جمع دانشجویان دانشگاههای دولتی و آزاد مختلف تهران و شهرستاها را پیدا نموده‌ام و از معاونت امور اساتید در دانشگاهها مجوز تدریس دارم.

صمدی شاه آباد، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر صمدی شاه آباد

محل تولد : تفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۷

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علیمه یزد شدم پس از گذراندن مقدمات و مقداری از سطح در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم مشرف شدم و نزد اساتید ذکر شده بهره مند شدم. از آنجا که از ابتدا به امر منبر و تبلیغ علاقه زیادی داشتم به این امر مقدس روی آموردم که به لطف خداوند در این زمینه موفق بودم به گونه ای که در شهرهای مختلف کشور منبر رفته و می روم و گاهی ایام تبلیغی را از یکسال قبل وعده می دهم . در قم نیز در بیوت رهبری ، آیت الله فاضل و مکارم نیز گاهی منبر رفته و می روم ۰ سفرهایی به خارج از کشور مثل امارات بحرین جهت تبلیغ رفته ام۰ سفرهایی از طرف بعثه مقام معظم رهبری به عربستان و سوریه جهت تبلیغ رفته ام . در کار تالیف نیز علاقه دارم که تا کنو ۵ جلد کتاب و ده ها مقاله نوشته ام و تالیفاتی نیز در دست دارم

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۹ / ۴۸۴ ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهد و سلوک روی آورد و از دیدار سلاطین روی برتابید. روزی ملك شاه سلجوقی در مسجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شما با زیارت علماء از اخیار ملوك باشید نه این که ما با زیارت ملوك از اشرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی به صورت صیدلی و در «معجم المولفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۷)، الاعلام (۸۲ -۸۱ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المولفین (۶۷ / ۷)، هدیه العارفین (۶۹۳ / ۱).

صنعانی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل، و واعظ کامل، در بسیاری از علوم و فنون صاحب نظر بوده، در اصفهان مردم را موعظه می‌فرموده، در ۱۱۵۰ در شهر

صنعاء یمن ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته است.

قبرش در جنوبی شهر صنعاء زیارتگاه است

مادّه تاریخ وفاتش را ادیب احمد بن حسین الرکیحی گفته است:

هذا صریح الواعظ المتقی

علّامهٔ العصر فصیح اللسان

ناداه رضوان بتاریخه

یا خلد ابراهیم اسنی الجنان

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صنوبری قزوینی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند آخوند میرزا جانی قزوینی معروف به صنوبری از علماء مبارز و مجاهد شهرستان قزوین بوده است تولدش در دیال آباد از مضافات قزوین در سال ۱۲۹۰ قمری اتفاق افتاده و در بیت ورع و تقوای پدر روحانیتش مرحوم آخوند میرزا جانی پرورش یافته و مقدمات را در قزوین خوانده و نیز سطح فقه و اصول را در این شهرستان از مدرسین و علماء بزرگ به پایان رسانیده و پس از آن در سال ۱۳۱۸ قمری عزیمت به نجف اشرف کرده و حدود ده سال تا ۱۳۲۸ هجری قمری اقامت فرموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون حضرت آیت‌اللَّه العظمی آخوند خراسانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدهادی تهرانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ ملا فتح‌اللَّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن خود قزوین مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه نماز جماعت و نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و مبارزه با ستمگران و منحرفین از ولایت خاصه مرام کثیف بهائیت و بابیت پرداخته و غالب خود لباس رزم پوشیده و در خط مقدم با آنان جنگیده و مبارزه می‌نمود.

آن مرحوم حدود دویست آبادی را در منطقه ساوج بلاغ تا تاکستان قزوین و نیز بخشی از قزوین را در زیر پوشش تبلیغی خود داشت و امور شرعی مردم این سامان را به عهده داشت و به خاطر مبارزه با طاغیان زمان و خشونت با دشمنان و شدت در امر به معروف و نهی از منکر مشهور و زبانزد همه بود و جدا مجاهدی نستوه بود در زمان خود و دائما برای دفاع از حریم اهل‌بیت علیهم‌السلام و عوامل حکومت مستبد آن زمان مبارزه می‌نمود و با این اوصاف مردی متعبد و عالمی متهجد و اهل حال و اهل مستحبات و ساعی در قضاء حوائج بندگان خدا بود.

اجازات چندی از آیات عظام نجف اشرف دارند که نزد این نگارنده موجود و عبارات و عنایات آنان را نسبت به آن مرحوم می‌نگارم و از نقل تمام آن پوزش و معذرت می‌خواهم.

۱- آیت‌اللَّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه درباره ایشان چنین فرموده چون جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام آقای آقا شیخ محمدباقر قزوینی سلمه‌اللَّه تعالی که سالها در نجف اشرف مقیم و مشغول تحصیل علم و کمالات نفسانیه بوده و به کمال صلاح و سداد آراسته و به مدارج علم و کمال نائل می‌باشند و سزاوارند که ترویج دین و شریعت سید المرسلین صلی اللَّه علیه و آله نمایند...

۲- آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد هادی طهرانی نجفی درباره ایشان گوید: مخفی بر عموم اخوان ایمانی و اخوان روحانی وفقهم اللَّه

تعالی نیست که جناب مستطاب علم الاعلام رکن الفقهاء عین العلماء قدوه المحققین و عمده المدققین العالم العامل و المحقق الکامل سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی نجل مرحوم مبرور آخوند ملا میرزاجان طاب ثراه...

۳- آیت‌اللّه مرحوم شریعت اصفهانی قدس‌اللّه سره بعد از حمد و ثناء الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی درباره معظم‌له فرماید: و بعد فان العالم العامل و الفاضل الفاصل الباذل ابالفضائل والفواضل صاحب القریحه القویمه و السلیقه المستقیمه الورع المهذب الصفی والتقی النقی الزکی المولی محمدباقر القزوینی.

۴- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی الحسینی القزوینی شهیر به سید آقا قزوینی رحمه‌اللّه در شان ایشان فرماید:

چون جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء العظام العالم العلام المحجه المسدد زین الفقهاء الکرام آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی بکمال سداد آراسته...

از باقیات الصالحات او فرزند ارجمند و پرهیزکاری وی حاج میرزا ابوالفضل صنوبری برادر خوانده این نگارنده است که جدا به زیور ورع و تقوا آراسته و به محامد آداب و محاسن اخلاق متصف می‌باشد زیرا که وی سالها از محضر و بیانات حکیمانه عابد صالح مرحوم آقا شیخ رجبعلی خیاط استفاده کرده و خاطرات سازنده و آموزنده از آن مرحوم دارد که برای نمونه یکی از آنها را می‌نگارم.

وی برای نگارنده نقل نمود که مسجد خیابان اکباتان سابق (ملت) امام جماعتی داشت سید و عالم که به زیور تقوا و ورع آراسته و بسیار بزرگوار بود که من گاهی موفق به شرکت نماز او شده و به وی اقتدا می‌کردم. او مریض شد و از دنیا رفت و من در مجلس فاتحه و یادبود او شرکت کردم و چون چند روزی از درگذشت او گذشت روزی در یکی از خیابانهای آن منطقه (سعدی) دیدم که او در حاشیه آن خیابان می‌آید تعجب کردم با خودم گفتم این آقا که از دنیا رفته بود آیا رجعت کرده و زنده شده پس به سوی او رفتم که از او سوال کنم از من گذشت دیگر او را ندیدم.

پس به منزل آمده و پس از خوردن غذا خوابیدم در عالم خواب به منزل جناب شیخ رجبعلی رحمه‌اللّه رفتم و پس از تعارفات به او گفتم فلان سید را می‌شناسید فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم در پیاده‌رو فلان خیابان می‌آید رفتم به سوی او که بپرسم شما رجعت کرده‌ای به او نرسیدم.

فرمود: ابوالفضل باید یک سور (یعنی ولیمه و غذا) بدهی گفتم چرا گفت آقا امام زمان روحی فداه بوده.

پس از خواب برخاستم و به سوی منزل جناب شیخ رفتم و چون به منزل او رسیدم دیدم آماده است که به جائی برود. گفتم داداش فلان سید پیش نماز مسجد اکباتان را می‌شناسید. فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم زنده شده و در فلان خیابان راه می‌رفت. گفت ابوالفضل باید یک سور بدهی گفتم چرا گفت او آقا امام زمان روحی فداه بود باید به صورت آن آقا دیدی.

پس خواب خود را با بیداری و گفتار او را در خواب بیداری مطابق یافتم.

حفید آن مرحوم آقا حاج اسمعیل صنوبری در حال حاضر قائم مقام آقای ری شهری تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم حسنی است که در حال حاضر افتخار خدمتگذاری به آستانه را دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

صهری، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جمال‌الدین صهری بن السید الجلیل السید جعفر میردامادی سه‌دهی واعظ کامل و عالم فاضل و ادیب شاعر بودند در اصفهان که چندی در خوزستان و مدتی هم در تهران اقامت داشتند در سال ۱۳۲۱ ق در قریه ورنوسفادران از قراء ثلثه سده (خمینی‌شهر) حاضر متولد گردیده و در اصفهان خدمت اساتید تحصیل نموده سپس به جهت ارشاد و هدایت مردم به منبر رفته والحق واعظی بلیغ و شیرین‌بیان بود و چون به آنچه می‌گفت خود معتقد بود بیانش بیشتر موثر واقع می‌شد محبوبیتی غریب داشت و مورد احترام و اکرام عموم طبقات بالاخص علماء و خطباء بود سرانجام در بعد از ظهر پنجشنبه هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۸۸ قمری وفات یافته جنازه روز جمعه با تجلیل کامل مشایعت عموم طبقات بر سر دست به سده (۹ کیلومتری اصفهان) منتقل شده در مقبره خانوادگی جنب پدرش مدفون گردید دیوان و غزلیاتش به نام الفین صهری غیرمطبوع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ضیا بادی قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق). عالم دینی و واعظ. در ضیاباد قزوین به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نمود. در مدرسه‌ی فیضیه سکونت اختیار کرد و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه خواند و چندین سال در درس خارج آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و امام خمینی و دیگران شرکت نمود. آن‌گاه به تهران آمد و به انجام خدمات دینی و اقامه نماز پرداخت. آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها «قساوت» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۳ / ۲).

ضیابادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج سید محمد ضیابادی قزوینی از فضلاء وعاظ و گویندگان معاصر تهران است به فضل و تقوا و نطق و بیان موصوف و به متانت و متاعت متصف می‌باشد در ضیاآباد قزوین تولد یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نموده و در مدرسه فیضیه سکونت اختیار و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه خوانده و چندین سال در درس خارج آیات عظام بروجردی و گلپایگانی و آیت‌الله العظمی امام خمینی و دیگران شرکت کرده و از خرمن پرفیض هر کدام خوشه‌ها و بهره‌ها چیده و برده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و در خیابان شهباز اقامت و از طریق منبر به خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مولف گوید: این نگارنده بیش از بیست سال است که با آن جناب سابقه آشنائی و دوستی دارم مکروهی از وی ندیده‌ام.

جدا واعظی متعظ و خطیبی بلیغ و عالمی ناطق و مستعمل لعلمه است.

آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها به نام قساوت به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ضیایی فر، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید ضیائی فر

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال ۱۳۴۶ به اتمام رسانید و به مدّت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال ۱۳۷۷ تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علیمه قم و عضو هئیت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان نامه‌ها را بر عهده داشته است.

ضیایی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ضیایی نجف آبادی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در استان خوزستان، شهرستان آبادان در یک خانواده کارگری متولد شدم، در سال ۱۳۳۵ (پدر ۵ کلاس سواد ـ مادر ۲ کلاس

قرآنی) دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان (در رشته ریاضی) را با تلاش و کوشش بسیار و با موفقیت پشت سر گذاردم در سال ۱۳۵۶ به خدمت نظام رفتم و یک سال بعد به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی پادگان را ترک کردیم و پس از پیروزی انقلاب شکوه‌مند اسلامی به فرمان امام دوباره به پادگانها برگشتیم و به پاس این لبیک‌گویی به فرمان امام(ره) یک سال تشویقی گرفته و از خدمت نظام بیرون آمدم. و چندی بعد به فرمان امام(ره) وارد «جهاد سازندگی» شدم ۲۷/۳/۵۸ و با عشق و علاقه خدمت به روستائیان در این نهاد انقلابی به خدمت مشغول شدم در سال ۱۳۶۱ پس از شکسته شدن حصر آبادان به اصفهان هجرت نمودم و در کنار کار به تحصیل در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان (دروس حوزوی) مشغول به تحصیل شدم و پس از تمام کردن جامع المقدمات به مدرسه علمیه صدر بازار رفته و «سیوطی» را فراگرفتم و در سال سوم به مدرسه علمیه امام صادق(ع) رفته و «مُغنی» (باب اول و باب رابع) را فراگرفتم. در سال ۱۳۶۴ تصمیم گرفتم وارد دانشگاه شوم در رشته علوم انسانی ثبت نام نموده و با تلاش و کوشش بسیار موفق شدم در دانشگاه علامه طباطبایی تهران قبول شوم و از مهرماه سال ۱۳۶۵ مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی شدم. در سال ۱۳۶۹ (بهمن ماه) مقطع کارشناسی را با معدل ۷۵/۱۶ به پایان رساندم و تصمیم گرفتم به حول و قوه الهی در مقطع کارشناسی ارشد نیز شرکت کنم، سرانجام پس از دوبار شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی در رشته برنامه‌ریزی آموزشی شدم. از مهرماه سال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل شدم و در تاریخ ۷۵.۳.۲۵ این مقطع تحصیلی را نیز با معدل ۱۷.۷۷ به لطف خدا پشت سر گذاشتم. (شایان ذکر است در زمان تحصیل، همکاری فعال با انجمن اسلامی دانشگاه، بسیج دانشجویی و جهاد دانشگاهی داشتم). با توکل بر خدا تصمیم گرفتم آخرین قدم را نیز بردارم و در مقطع دکترا وارد شوم که متأسفانه رشته تحصیلی مرا در داخل نداشتند و باید در خارج از کشور ادامه می‌دادم که به دلیل شرایط زندگی (با داشتن سه فرزند) عملاً نتوانستم وارد این مقطع شوم. تصمیم گرفتم با تقویت زبان انگلیسی، در آزمون وزارت علوم جهت عضویت در هیأت علمی دانشگاهها شرکت کنم که با لطف و عنایت خدا و تلاش شبانه‌روزی موفق شدم در سال ۱۳۷۷ در امتحان مربوط به عضویت در هیأت علمی دانشگاهها، موفق شدم و از آن سال به عضویت هیأت علمی موسسه آموزشی عالی علمی ـ کاربردی وزارت جهاد کشاورزی درآمدم. در این سالیان علاوه بر تدریس دروس عمومی و تخصصی به انجام طرح‌های تحقیقاتی، مقاله‌نویسی و تألیف کتاب نیز پرداخته‌ام و در کنار آن مسئولیتهای اجرایی نیز داشته‌ام که به حول و قوه الهی توانسته‌ام به تکالیف و وظایف محوله به خوبی عمل کنم. همواره عشق به یادگیری مطالب بیشتر در زمینه تخصصم و علوم دیگر در وجودم زبانه می‌کشد و از خداوند سبحان می‌خواهم این عشق و علاقه را همواره در وجودم مستدام بدارد و بتوانم در وهله اول برای خود ، خانواده و فرزندانم و در وهله بعد جامعه‌ام (محیط کاری و دانشجویان دختر و پسری که با آنها سر و کار دارم) مفید و مثمر ثمر باشم.

ضیائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر ضیائی از فضلاء معاصر است در آستانه.

وی سالهای متمادی در قم اقامت داشته و از آیات عظام گذشته چون مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از پایان تحصیلات به گیلان مراجعت و در آستانه رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

وی از اعضاء موثق انجمن ضـد بهائیت است و در این رشـته مطالعات بسـیاری دارد و افراد زیادی از مبتدیها و حتی افراد متعصبی را ارشاد و از انحراف نجات و براه هدایت رهبری و از خرافات و موهومات بهائی گری خلاص و رهائی بخشیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ضیغمیان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین ضیغمیان

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در فروردین ماه سال۱۳۴۴به دنیا آمـدم .مرحوم والد از روحانیون کرمانشاه بودند.پس از طی دوران ابتدائی و راهنمائی که مصـادف با انقلاب شـکوهمند اسـلامی بود و بعـد دفاع مقـدس که دراین زمان بود به علّت حضور در جبهه حق علیه باطل وقفه ای چنـد سـاله در راه تحصـیل اینجـانب گردیـد. که خداونـد را شـاکرم توفیق حضور هر چنـد کم ارزش در کنار رزمنـدگان اسـلام را داشـتم.پس از ایام دفاع مقدس و بعد از قبول قطعنامه از آنجائی که علاقه ای وافر به حوزه داشتم وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) (حوزه حضرت آیت الله بروجردی)کرمانشاه گردیدم.

همزمـان دروس دبیرسـتان را هم تـا مقطع دیپلم علـوم انسـانی گذرانـدم . و پس از اتمـام لمعتین به قم هجرت نمـودم .در قم نیز از اساتیـدی همچون حجـج الاسـلام آقایان علوی.ابراهیمی .نکونام .موسوی تهرانی .ربانی .حسـینی قزوینی .الهی زاده .عزیزالهی .بهره منـد گردیـدم .و در دروس خـارج آیات عظام مکارم .سبحانی و دکترعابـدی بهره منـد شـدم. وهم اکنون در درس آیت الله مکارم حضور دارم. اینجـانب وقتی در دوره راهنمـائی تحصـیل می نمودم سه جزوه پیرامون مسئله دروغ .چگونه بیـد بود وغیره با امکانات تکثیر مدرسه نوشتم و در بین دانش آموزان توزیع کردم.

در سالهای اخیر چنـد زنـدگینامه علماءومقالاتی برای سـتارگان حرم نوشـتم . و یک جلد کتاب پیرامون موانع اسـتجابت دعا وکتاب لاله های زاگرس پیرامون زندگی چهار تن از شهدای اطلاعات عملیاتی نبی اکرم(ص)و کتابی هم در رابطه با علماء و کرامات آنها در دست تـألیف دارم که هنوز در مراحـل اولیه چـاپ قرار دارد. وهمچنین مقـاله ای هم تحت عنوان عیـد قربـان دردست چـاپ می باشد.

طالبی نیا، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید طالبی نیا

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۲ قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون

استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال ۱۳۷۸ عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی ،نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم. در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۰ -۵۱۲ ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابوعبداللّه فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن‌قشیری و ابن‌بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن‌القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن‌جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القران»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السوال» آمده است؛ «حظائر القدس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۳/۱)، ریحانه (۹۳/۷)، سیر النبلاء (۱۹۳ -۱۹۰ /۲۱)، کشف الظنون (۳۴۱،۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۸ -۴۶ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ /۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۰۳ -۲۸۷ /۸)، هدیه العارفین (۸۸/۱).

طالقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید احمد بن العلامه السید محمدتقی بن السید الجلیل السید احمد بن السید العلام السید محمد بن السید احمد حسینی اوزانی طالقانی تهرانی یکی از مشاهیر علماء معاصر و مراجع امور دینی مردم تهران بودند در گذر قلی خیابان (خیام).
وی در سال ۱۳۰۲ ق در تهران متولد شده و در بیت مجد و شرف پرورش یافته و مقدمات را از فضلاء عصر خود فراگرفته آنگاه از محضر جماعتی از علماء اعلام تهران مانند علامه آقا سید هادی طالقانی و دیگران از مدرسین مدرسه مروی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ ق که والدش آیت‌اللّه آقا سید محمدتقی وفات نمود در مسجد پاچنار بجای ایشان به اقامه جماعت و مرجعیت امور پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود زندگی گفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبداللّه طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال ۱۲۸۷ ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن ۱۶ سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی) و آیت‌اللّه ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجهٔالاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدرس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفا و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که دعوت حق را در سن ۸۴ سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند.
از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غصب بیادگار مانده است.
(۱۳۷۱ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی‌خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات،در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم

قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدرس و تدرس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۷ -۵۰۶ / ۴).

طالقانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدرضا آل محمد طالقانی از علماء اعلام قم و قدماء حوزه علمیه است که به فضل و کمال موصوف و سالهاست در قم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد نسب این بزرگوار به امامزاده سید نصرالدین مدفون در تهران در خیابان خیام دارای قبه و بارگاه می‌باشد می‌رسد و آن جناب با مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد طالقانی و کلیه اعلام طالقان که در تهران و نقاط دیگرند بنی‌اعمام و از یک سلسله می‌باشند.

ولادت ایشان حدود ۱۳۳۰ قمری در طالقان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به تهران و از آنجا به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح از آیات عظام و مدرسین والامقام حوزه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی به درس مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بعد بالغ بر هیجده سال از ابحاث علامه الکبری و زعیم الاعلی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمهم‌الله استفاده نموده و ضمنا در محل خود به ترویج دین و اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

نسب شریف ایشان و کلیه سادات طالقانی تهران و قم منتهی به امامزاده سید نصرالدین تهران و از او به امامزاده واجب‌التعظیم و لازم‌التکریم جناب ابوالحسن سلطان علی بن امام الهمام ابی‌جعفر محمدالباقر علیه‌السلام مدفون در مشهد قالی کاشان شهید در روز هفدهم مهرماه (هفدهم پائیز) می‌شود و همه ساله در روز مذکور ده‌ها هزار نفر از اطراف بلاد در آن محل حاضر شده و مراسم خاصی را از برداشتن قالی و غیره انجام می‌دهند و نگارنده چندین مرتبه در آن مراسم شرکت داشته و ناظر بوده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طالقانی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محی‌الدین طالقانی بن السید الجلیل سید کاظم از علماء با فضل و تقوای معاصر تهران بودند که در یکی از قراء طالقان بدنیا آمده و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته و پس از طی مقدمات در محل در سن شانزده سالگی به تهران آمده و ادبیات

و سطوح را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و ابوالزوجه خود مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی مذکور خوانده و در سال ۱۳۴۲ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت ۹ سال از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی حایری بهره‌مند گردیده علم اصول و اخلاق را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفته و در شوال ۱۳۵۱ ق بنابر تقدیر الهی که مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی وفات نمود برای انجام وصیت ایشان به تهران آمده و پس از انفاذ وصیت مجددا معاودت به قم نموده و در آن موقع جماعتی از محترمین محله قنات آباد تهران به قم آمده و از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری تقاضای ایشان را نموده و آن مرحوم هم وی را ملزم برفتن تهران نمودند و ایشان پس از ورود به آنسامان تا آخر عمر به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد مقدس اقامه جماعت نموده و نشر معارف اسلام و مذهب جعفری نموده است.

از آثار ایشان است: ۱- شرح زیارات وارث ۲- شرح دعاء ندبه ۳- رساله مفتاح السعاده ۴- رساله در اثبات افضلیت مومنین عجم بر عرب.

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. از کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقدمات در طالقان، در شانزده سالگی به تهران آمد و ادبیات و سطوح را از میرزا طاهر تنکابنی و آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، پدر همسر خود، فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت کرد و مدت نه سال از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید. علم اصول و اخلاق را از آیت‌الله شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفت. برای مدت کوتاهی به تهران آمد ولی دوباره به قم بازگشت.اما به درخواست مردم قنات‌آباد تهران و الزام آیت‌الله حایری، مجددا به تهران آمد و در محله قنات‌آباد به انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: شرح «زیارت وارث»؛ شرح «دعاء ندبه»؛ رساله‌ی «مفتاح السعاده»؛ رساله در «اثبات افضلیت مؤمنین عجم بر عرب».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۵۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱۲-۵۱۱ / ۴).

طالقانی، نظر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[۱]

ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّٰه اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشتراط الحس فی قبول الشهاده ۳- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴- حجیة الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فنا ۶- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷- مناط الاحکام.

مرحوم آیةاللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی‌رسد.

پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیةاللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلاـ به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.

۳- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.

۵- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظرعلی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.

و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است

می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاك در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد. پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.

تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بینند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.

پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.

- نظر علی.

- اهل کجائی.

- طالقان.

آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.

پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.

۱- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.

۲- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.

۳- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.

۴- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.

۵- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.

۶- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.

۷- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند

و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۸ / ۲۲، ۲۳۴ / ۱۷، ۱۵۹ / ۱۵، ۶۲ / ۱۶، ۲۶۹ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸ -۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷ -۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ / ۴).

طالقانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محی‌الدین طالقانی از علماء دانشمندان معاصر تهران است. تولدش در تهران واقع شده و پس از پرورش در بیت علم و سیادت و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر بزرگان و مراجع و مدرسین حوزه کسب علم و فضیلت نموده آنگاه به تهران مراجعت و بخدمات دینی و روحی پرداخته و در جای مرحوم والدش نیز اقامه جماعت و رهبری مردم آن محیط را بعهده دارند، دارای تألیفات عدیده و آثار بسیاریست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا یحیی عبادی طالقانی بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه مرحوم حاج شیخ محمدحسن طالقانی از علماء بنام و افاضل کرام معاصر تهرانست در سال ۱۲۹۵ شمسی در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید تا پایه سیکل اول متوسطه شروع بتحصیل علوم عربی و دینی نموده و مقدمات را در تهران خوانده و برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۳ قمری بامر مرحوم والدش مهاجرت به قم نموده و ادبیات را خدمت مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح را محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی و آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی تکمیل نموده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه صدر حاضر شده و چند سالی هم از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده کرده تا بدرجات سامیه علم رسیده و در سال ۱۳۷۱ قمری به تهران مراجعت و پس از فوت مرحوم والد در مسجد آن مرحوم که در خیابان ظهیرالاسلام شاه‌آباد واقع است به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب حجهٔالاسلام آقای عبادی از دانشمندان باتقوا و متانت و مانند والدش بملکات فاضله اخلاقی و کمالات نفسانی و معنوی متصف و موصوف می‌باشند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است ۱- رساله‌ای در جبر و تفویض ۲- اثبات امر بین‌الامرین ۳- تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه حجت مباحث الفاظ در اصول و لباس مشکوک در فقه.

آثار خیر آن جناب بسیار من جمله ۱- تعمیر اساسی مسجد طالقان ۲- تعمیر مسجد کوچک سراج‌الملک واقع در خیابان ملت ۳- تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان ۴- مساعدت به تأسیس دبستان اسلامی کنی در حسین‌آباد مزبور.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهر، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا طاهر در سال ۱۳۰۷ شمسی در قمشه (شهرضای کنونی)متولد شد. وی در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد. وی ضمن تدریس در مدارس شهرضا، به مطالعه و تحقیق و ترجمه متون از عربی به فارسی پرداخته. آثاری نیزبه طبع ونشر رساند در اندک مدتی به عنوان محققی دقیق در جامعه دانشگاهی مطرح شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تصحیح تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا طاهر پس از تحصیلات مقدماتی . متوسطه . رشته معقول و منقول را به عنوان تحصیلات دانشگاهی برگزید و درسال ۱۳۳۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگا ه تهران شد .هم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا طاهر توسط دکتر خانلری به کار در بنیاد فرهنگ ایران دعوت شد واوبه فعالیت دراین بنیاد مشغول گردید . استاد ایرج افشار یزدی نیز در تهیه اکثر نسخ خطی و تسهیل مراحل چاپ مصححات استاد طاهر ،کمک شایانی به وی نمود. وقایع میانسالی : غلامرضا طاهر در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۷ دچار عارضه سکته مغزی شد و این مساله باعث شد که زبانش از تکلم افتاده و دست راست و پای چپش نیز تحرک خودرا از دست دهد . در این ایام و در بستر بیماری استاد طاهر جز مطالعه قرآن کریم ،حوصله مطالعه کتاب و نشریات دیگر نداشت . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامرضا طاهر علاوه بر از تدریس در دبیرستان های شهر رضا ، از سال ۱۳۵۳ به دانشگاه اصفهان دعوت شد و تا سال ۱۳۵۷ با آن دانشگاه همکاری کرد. پس از تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی ایشان در دانشگاه های واحد دهاقان ،نجف آباد ،شهرضا و دانشگاه پیام نور شهرضا فعالیت علمی و آموزشی خود را ادامه داد. فعالیتهای آموزشی : غلامرضا طاهر پس از اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران به مدت ۳۰سال دبیر دبیرستانهای شهرضا بود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نقدهای دقیق و مقالات علمی غلامرضا طاهر همواره درمجلاتی چون یغما و راهنمای کتاب و یاد نامه های بزرگان و پس از انقلاب اسلامی در مجلات آینده و پژوهشنامه آستان مقدس رضوی به چاپ می رسید . شهرت او باعث گشت تا دکتر خانلری شرایط انتقال وی را از آموزش و پرورش به بنیاد فرهنگ ایران فراهم آورد ولی او تنها دو روز در آن بنیاد به سر برد و چون روحیه خود را با حال و هوای تهران مساعد ندید آن جا را ترک کرد و به زادگاه خود برگشت . آثار : تالیف فرهنگ لغات طبی یونانی در کتاب های فارسی ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۷۴ توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید .۲. ترجمه پنج داستان کوتاه ویژگی اثر : این اثر از زبان عربی ترجمه شده و در نشریه یغما از سال ۲۲تا سال ۳۱ آن منتشر شده است .۳. ترجمه رمان اللقاد ویژگی اثر : اثر میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۴. ترجمه رمان الیوم الاخیر ویژگی اثر : اثری از میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۵. تصحیح قانون ادب لغت عربی به فارسی ویژگی اثر : این اثر تالیف حبیش تفلیسی از دانشمندان قرن ششم است و تصحیح انجام شده در سه جلد توسط بنیاد فرهنگ ایران در سالهای ۱۳۵۰و ۱۳۵۱ شمسی منتشر شد.۶. تصحیح لطایف الحقایق ویژگی اثر : تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است که در سال ۱۳۵۵ توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در دو جلد منتشر شد.۷. حدود چهل مقاله و نقد ویژگی اثر : این آثار عمدتا در نشریه های مختلف ادبی و یادنامه ها به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :نگاهی به المختارا ت من المرسائل ،مسعود تاکی ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه مهر ماه ۱۳۷۹ شماره ۳۶

طاهری آزاد، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر طاهری آزاد

محل تولد : بردسیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر طاهری آزاد در سال ۱۳۳۵ در بردسیر کرمان متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۶۰ شروع به درس خارج نمودم که از محضر اساتید حضرات آیات وحیدخراسانی ، فاضل لنکرانی، و مکارم شیرازی بهره جستم .

طاهری شاهرودی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر فرزند عالم جلیل مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری شاهرودی (امام جمعه) شهرستان شاهرود از افاضل دانشمندان آن سامان و مدرسین حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در تاریخ ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۰ قمری به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در شاهرود به قم عزیمت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی فقها و اصولا و نیز آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده.

و بعد از رحلت والد ماجدش در سال ۱۳۳۷ قمری به شاهرود آمده و پس از مدت کوتاهی توقف باز به نجف و ادامه به تحصیل داده و جمعا حدود بیست و دو سال در شاهرود و قم و نجف اشرف جدیت و کوشش در راه علم و دانش نموده تا به مدارج عالیه رسیده و پس از آن به وطن مالوف برگشته و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تدریس فقه و اصول پرداخته و پس از پیروزی انقلاب و تبدیل حکومت شاهنشاهی به جمهوری اسلامی به سمت امام جمعه‌ای شاهرود منصوب گردیده و تا حال تحریر و تألیف این کتاب به خدمات یاد شده اشتغال دارند و ضمنا از سال ۱۴۰۸ قمری برابر

۱۳۶۶ شمسی برای تدرس به حوزه‌ی علمیه قم آمده و جز روزهای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل که باید در شاهرود ایفاء وظیفه کند در قم در مدرسه علمیه آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی به تدریس سطح عالی و خارج مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا احمدعلی طاهری سبط علامه آخوند ملا محمدطاهر قمی از فضلاء معاصر است در بردسیر کرمان ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در بلده طیبه قم به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی بتحصیل علوم و عربی پرداخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید قم مانند مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران فراگرفته و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی خمینی و غیرهم فراگرفته و پس از پایان به درس خارج آیات نظام مخصوص آیهٔاللّٰه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ی کامل نموده و به امر معظم له عزیمت به (بردسیر کرمان) و تا حال تحریر که نزدیک بیست سالست که در آن سامان به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارند.
آنجناب همسر سبط مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی (مؤسس) حوزه علمیه قم و داماد آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد تویسرکانی (و شوهر خواهر حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد غروی سبط حایری می‌باشد) و به تقوا و فضل و متانت موصوف و در بردسیر و میناب و منطقه استان کرمان خدمات تبلیغی بسیار نموده و منشأ آثار بزرگی شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی طاهری قمی نیز از افاضل مبلغین و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند که اکنون از طرف آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی در (قروه کردستان) اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال دارند تولد ایشان نیز در قم واقع و سالیان دراز از محضر آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی و گلپایگانی و غیرهم استفاده و برای تبلیغ مسافرتها به کویت و بحرین و پاکستان و هندوستان و غیره نموده است در مرم سال ۱۳۸۸ قمری ایشان را در کراچی ملاقات و در انجمن ایرانیان آنجا از طریق منبر و موعظه مردم را ارشاد و تبلیغ می‌نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـا جلال طـاهری اصـفهانی از علماء مجاهـد و مبرز معاصـر اصـفهان است تولـد ایشان در حـدود سال ۱۳۴۷ قمری در حسـین‌آباد اصـفهان که اکنون جزو شـهر شـده است واقع شـده و دروس فارسـی و مقدمات و ادبیات را در اصـفهان خوانده و در عصـر مرحوم آیـت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهـاجرت نمـوده و سـطوح عـالی را از مدرسـین بزرگ حـوزه فراگرفته و به درس خـارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق دامـاد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامـام آقـای خمینی شـرکت و از محاضـر و دراسـات نامبردگاه و بعضـی دیگر اسـتفاده کامل نموده و چون در میان اقران خود به ذکاوت و خوش‌فهمی معروف بوده از بعضـی همگنان گوی سـبقت ربوده و در حوزه علمیه جلسـات بحث و تـدریس گـذارده تـا بعـد از تبعیـد نایب‌الامام که به اصـفهان مراجعت و به اقامه جماعت و تـدریس و مبـارزه بـا بیـدادگران و رژیم طـاغوتی پرداخته و چنـدین بـار گرفتار عمال جنایتکار شاه مخلوع و به زنـدان افتاده و آزاد گردیـده تا در سال گذشـته (۱۳۹۸ ق) که منزلش مـورد حمله مـامورین و سـربازان مغـولی و چنگیزی (محمـدرضا پهلـوی) سـواللّه وجهه- گردیـده و گرفتـار آن جلادان شـده که این بار مردم اصـفهان قیام و دولت را محکوم و پشتیبانی خود را به روحانیت و امام ملت اعلام و آزادی ایشان را خواسته و حتی قربانیها داده و خونهای جوانان عزیز و رزمندگان خود را اهداء و او را آزاد نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طاهری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حبیب‌اللّه طاهری گرگانی از علماء و ائمه جماعت معاصر گرگانست.

وی در گرگان متولـد شـده و مقـدمات و ادبیات را در آنجا آموخته آنگاه به قم عزیمت و به تحصـیل سـطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسـین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند و به نجف مهاجرت و از محضـر دروس آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر استفاده نموده پس از آن به وطن مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویـج احکام و غیره اشـتغال و منشأ آثار و خدمات بزرگی در گرگان گردیده‌اند و ایشان افتخار مصاهرت با آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی را نیز دارا می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن طاهری

محل تولد : خرم‌آباد

شهرت : طاهری خرم آبادی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی در روز اول خرداد ماه ۱۳۱۷ هجری شمسی در خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حیدر طاهری خرم‌آبادی از شاگردان برجستهٔ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از دوستان نزدیک حضرت امام(ره) و آیت‌الله گلپایگانی(ره) بود که پس از سالها تحصیل و بهره بردن از محضر عالمان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، مشهد و قم با درخواست مردم شریف خرم آباد به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت. از ویژگیهای بارز مرحوم حاج سید حیدر برخورداری از محبوبیت فراوان بین مردم و علمای شهر، حلم و بردباری و عدم علاقه به زخارف دنیا و مادیات بود. آیهٔالله سید حسن طاهری خرم آبادی که شیفتگی زائدالوصفی به پدر داشت، در سن ۹ سالگی مجبور به بردوش کشیدن داغ هجرت پدر شد و این یتیمی زودهنگام در پرورش و استواری آیندهٔ او تأثیر بسزایی داشت. وی از خاطرات شیرین همراهی با پدر، خاطره سفر به عتبات عالیات را ذکر می‌کند که در آن، ضمن باریابی به حرم ملکوتی ائمهٔ هدی، به محضر علمای بزرگ آن دیار نیز شرفیاب شدند. مادر او نیز که زنی پاکدامن و از طائفهٔ اشعریون قم بود، در حدود سال ۱۳۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفت. آیهٔالله طاهری خرم آبادی تحصیلات خود را در یکی از دبستانهای خرم آباد آغاز کرد. وی اصرار داشت که با لباس روحانیت به مدرسه برود؛ اما بسیاری از معلمان شدیداً با این مسأله مخالف بودند که پشتیبانیهای مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید احمد طاهری، عموی ایشان، آنها را وادار به سکوت می‌کرد. وی در همان دورهٔ دبستان، با دیگر شاگردان مدرسه به مناظره در باره مسائلی چون علم و ثروت می‌پرداخت و گاهی که نماز جماعت برپا می‌شد، امامت آن را به عهده می‌گرفت. با پایان یافتن دوره ابتدایی، به مدرسه علمیه کمالیه رفت و طی دو سال جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. سپس به همراه مادر خود، به قم عزیمت کرد تا تحصیلات حوزوی خود را در آن دیار عالم پرور ادامه دهد. در نخستین روز سکونت در قم، به حرم مطهر حضرت معصومه(س) آمد و در کنار صحن بزرگ، مشغول وضو گرفتن شد که ناگاه چهره‌ای ملکوتی، او را به خود جلب نمود که در حال بازگشت از حرم بود. بی اختیار از یکی از طلاب پرسید: این آقا کیست؟ و او پاسخ داد: حاج آقا روح الله خمینی! بدین ترتیب از همان آغاز ورود به قم، شیفته امام(ره) شد و بعدها، به سبب رفاقت نزدیک امام(ره) با پدرش، مورد تفقد و عنایت ویژه ایشان قرار گرفت. در همان سال اول ورود به قم، مغنی، حاشیه ملاعبدالله و مقداری از سیوطی که باقی مانده بود فرا گرفت. در سال بعد معالم الاصول و شرح شمسیه و در دو سال بعد از آن، لمعه، قوانین و مطول را آموخت و در سال پنجم رسائل و مکاسب شیخ انصاری را آغاز کرد. ظرف سه سال آن کتابها را به همراه جلد اول کفایه به پایان برد و جلد دوم کفایه را هم زمان با رفتن به درس خارج امام(ره) شروع نمود. مقداری از درس خارج قضا را در محضر آیهٔالله العظمی بروجردی فرا گرفت که به دلیل فوت ایشان، از ادامهٔ آن باز ماند. هم زمان در درس بیع امام شرکت می‌جست و پس از تبعید امام نیز به درس مرحوم آیهٔالله داماد و آیهٔالله حاج آقا مرتضی حائری یزدی رفت. حضرت آیهٔالله طاهری خرم آبادی در دورهٔ تحصیل خود از محضر استادان و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود که حوزه‌های علمیه خاطرهٔ مبارزات و مجاهدتهای آنان را هرگز از خاطر نمی‌زداید. وی با ورود به قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد آقای هاشمی رفسنجانی فرا گرفت. برای تحصیل معالم الاصول و مطول به نزد آقای شب زنده‌دار رفت و لمعه را نزد مرحوم حاج آقا حسین جزایری از فضلای خرم‌آباد، آقایان باقری کنی و ستوده خواند و رسائل شیخ انصاری را نزد آقایان مکارم شیرازی، شب‌زنده‌دار، مشکینی و سبحانی فرا گرفت و برای آموختن مکاسب محرمه با آقای حاج سید علی محقق داماد به مباحثه پرداخت کتاب بیع را نیز نزد آیهٔالله خزعلی فرا گرفت. کفایهٔالاصول را نیز در محضر مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی (جبل عاملی) و مرحوم سلطانی (طباطبایی) آموخت. برای تحصیل درس خارج، به درس مرحوم آیهٔالله بروجردی و مرحوم

امـام خمینی رفت. ایشان در باره ویژگی علمی امام(ره) می‌فرمایـد: «بحث ایشان، شاگرد پرور بود و فکر را به کار می‌انـداخت. تنها نقل عبارت دیگران نبود. درس ایشان تفاوت زیادی داشت با کل درسـهایی که ما تا آن موقع در حوزه دیده بودیم. الان هم معتقدم که نوشته‌های فقهی و اصولی ایشـان قابـل طرح و اسـتفاده و درخور دقت است. البته نمی‌خواهم بگویم که نظری فوق نظرات ایشان نیست. شاگردان ایشان همان موقع به نظرات ایشان اشـکال می‌گرفتنـد و خود ایشان هم مشوّق بود؛ اما نظرات ایشان در همهٔ ابعاد به قـدری عمیق و دقیق است که همیشه قابـل طرح و بحث خواهـد بود. از نظر علمی می‌توان گفت که حضـرت امـام در ابعـاد مختلف فقهی، اصـولی، فلسـفی و عرفـانی در عصـر خـویش فقیه و اندیشـمندی اسـتثنایی بود. حضـرت امـام از یـک نبوغ و اسـتعداد بالا-یی برخوردار بود. بـدون هیچ گونه مبالغه‌ای می‌توانم بگویم بعد از معصومین(ع) حضـرت امام یک انسان اسـتثنایی بود». آیهٔ‌الله طاهری خرم آبادی، پس از تبعید امام، در درس آقایان گلپایگانی، شـیخ مرتضـی حائری و داماد شـرکت نمود و از محضـر مرحوم حاج آقا حسن فرید اراکی بهره‌های فراوان برد. در بخش فلسـفه نیز، ایشان منظومه ملاهادی سبزواری را نزد مرحوم آیهٔ‌الله حاج آقا مصـطفی خمینی و آیـهٔ‌الله امینی آموخت. اشارات و الهیات شـفا را نزد آیـهٔ‌الله جوادی آملی و مقداری از اسـفار را نزد مرحوم علامه طباطبایی فرا گرفت. بخشـی از اسفار را نیز در محضر آیهٔ‌الله شهید مطهری خواند. ایشان در دوره سطح با آقایان سید احمد مرعشی، سید علی محقق، عمیـد زنجانی به مباحثه می‌پرداخته است و از هم مباحثه‌ایهای دورهٔ تحصـیل درس خارج، از آقایان مؤمن، حسـینی کاشانی، ربـانی املشـی و حـاج حسن تهرانی نـام می‌برد. آیـهٔ‌الله طـاهری خرم آبادی، در سالهای متمادی حضور در حوزه علمیه قم، خـدمات علمی و فرهنگی شایـانی را به این حـوزهٔ سترگ تقـدیم داشـته است. در بخش تـدریس، ایشـان بسـیاری از کتب دوره سـطح را به نوآموزان حوزه درس داده است و هم اکنون نیز به تدریس درس خارج فقه و اصول مشـغول است و طلاب و فضـلای بسیاری را به جامعـهٔ علمی و فقهی کشـور ارزانی داشـته اسـت. در کنـار تـدریس، از سالهـای پیش از انقلاـب تـاکنون، در نشـریات گونـاگونی، مقاله‌هـای جـامع علمی و سیاسـی خود را به چـاپ رسانـده است که برخی از آنها به صورت کتاب منتشـر شـده است.برخی از کتب ایشان در دست چاپ است که از آنها می‌توان به کتابی در ردّ شبهات وهابیهٔ و کتابهایی چون منابع مالی اسلام در حکومت اسلامی و کتاب الخمس و ذبایـح اهل کتاب و کتاب ولایـهٔ الفقیـهٔ اشاره کرد. زنـدگی عالمان مجاهد در عصـر ما، همواره با مبارزه با رژیم منحوط پهلوی همراه بوده است. آیهٔ‌الله طاهری خرم آبادی نیز، چون دیگر عالمان عصر خویش و مانند پیر و مراد و مقتدای خویش، حضـرت امـام خمینی(ره) حکـومت ننگین پهلوی و سـکوت در مقابـل سـتمهای آن را برنمی‌تابیـد و روز و شب را به مبـارزه بـا آن می‌گذراند. سخنرانیها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها، به زندان رفتنها و شکنجه شدنهای وی نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و پیروزی آن ایفا می‌کرد کـه ذکر نمونه‌هـا و شـرح آن، در این مختصـر نمی‌گنجـد. در سـال ۱۳۴۱، شـاه و عوامـل آن، لوایـح ششـگانه‌ای را با ظاهر اصـلاحات و ایجـاد رفـاه برای مردم تـدوین کردنـد و می‌خواسـتند آن را به رفرانـدوم بگذارنـد. امـام(ره) که به خـوبی از حیله‌هـا و عوامفریبی‌های شاه اطلاع داشت، مخالفت خود را با لوایح اعلام نمود و به آیهٔ‌الله طاهری خرم آبادی نیز دسـتور داد که به خرم آباد برود و مسائل مطرح شـده را با علما و مردم آن دیار در میان بگـذارد. تلاش آیهٔ‌الله طاهری خرم آبادی در آن روزگار برای رساندن پیـام امام(ره) و گرد هم آوردن علمای خرم آباد و تصـمیم‌گیری برای مسائل پیش آمـده، نقطـهٔ عطفی در مبارزات ایشان می‌باشـد. همچنین ایشان پس از مدتی به قم رفت و گزارش مذاکرات علما و جریانهای پیش آمده در شهر را به اطلاع امام(ره) رساند. وی در اوایل سال ۱۳۴۲ به منظور تبلیغ و در آسـتانه مـاه محرم، تصـمیم به عزیمت به کاشـان گرفت و آن را بـا امام(ره) در میان گـذاشت. امام(ره) موافقت فرمودنـد و پیامهایی برای علمای کاشان با موضوعیت جریانهای پیش آمـده و ضـرورت مبارزه با رژیم شاه، دادند. وی ضـمن رسانـدن این سـخنرانیهای مهم و افشـاگرانه‌ای را در ایام ماه محرم انجام داد که شور عجیبی در مردم کاشان ایجاد کرد و سـاواک و عوامـل رژیم پهلـوی را هراسـناک سـاخت. همچنین سـخنرانی وی پس از حـادثه پـانزدهم خرداد در حرم مطهر حضـرت معصومه(ع) در حمـایت از امـام(ره) و محکوم کردن جنایـات رژیم، در کارنـامه مبـارزاتی او می‌درخشـد. در طول سالهـای مبارزه،

آیـﺔالله طـاهری خرم آبـادی، بارهـا و بارهـا مورد تعقیب سـاواک قرار گرفت و بارها تبعیـد یا زنـدانی شـد. اما بینش صـحیح وی از انقلاب و همچنین اطاعت محض از امام(ره) و علاقهٔ وافر به ایشان، تبعیـد و زنـدان و... را بر ایشان هموار می‌ساخت. ایشان هـدف امـام خمینی(ره) از نهضت را اینگونه بیان می کنـد: «از پای درآوردن حکومت سـلطنتی در حـد ساقط کردن آن و یا ضـعیف کردن آن، به عنوان هـدف میان مدت برای همه روشن بود. اما هدف نهایی نمی‌خواهم بگویم برای همه، ولی برای بسـیاری از مبارزان نیز مجهول بود. به هر حال تا قبل از مطرح شدن مباحث ولایت فقیه حضـرت امام، بحثی در مورد نظام جایگزین رژیم شاهنشاهی نشده بود. مبـاحث امام افق مبارزه را وسیع‌تر کرد و یک هـدف مشـخص و روشن را برای نهضت ترسـیم کرد و آن، حکومت اسـلامی و مسأله ولایت فقیه بود». آیـﺔالله طاهری خرم آبادی، در حدود سال ۵۶ به عضویت رسـمی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد، هر چند پیش از آن نیز در فعالیتهای مبارزاتی با اعضای این مرکز همکاری داشت. فعالیتهای سیاسـی آیـﺔالله طاهری خرم آبادی به پیش از انقلاب محـدود نیست. ایشان پس از پیروزی شـکوهمند انقلاب اسـلامی نیز در مسؤولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداختنـد و خدمات ارزشمندی را در عرصه‌های گوناگون به انجام رساندند

طاهری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخر الدین بن آیت‌اللّٰه حاج سید محمد جعفر بن العالم الجلیل السید محمد طاهر طاهری شیرازی از علماء و ائمه جماعت معاصر شمیرانست و در مسجد دزایشیب به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

ایشان در شیراز تولـد و در بیت علم پرورش یافته و پس از خوانـدن مقـدمات و قسـمتی از سـطوح به قم مهاجرت و سالها از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر اسـتفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت عـده‌ای از مؤمنین شـمیران و تصویب آیت‌اللّٰه بروجردی بشمیران منتقل و در مسجد مزبور ایفاء وظیفه مینماید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شـیخ محسن بن العالم الجلیل الشـیخ طاهر طاهری قمی از علماء محترم معاصرند در شهر ورامین، وی در سال ۱۲۸۹ شمسی در شهر مـذهبی قم متولـد شـده و پس از رشـد و فراغت از دوره تحصـیلات فارسـی در سـال ۱۳۰۴ شمسـی درسن ۱۵ سالگی مشغول بتحصیل علوم دینیه گردیده و حدود ۱۳ سال سـطوح وسطی و نهائی و غیره را در خدمت آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شـیخ مهـدی مازنـدرانی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌اللّٰه آقا سـید کاظم گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی حـاج سـید احمـد خونسـاری و غیره به پایـان رسانیـده و مـدت سه سـال از دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی حایری و آیت‌اللّٰه عالم ربانی آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه فیض و دیگران استفاده نموده

و در سال ۱۳۲۰ شمسی بنابر دعوت و اصرار جمعی از مردم متدین و اصناف شهر ورامین مهاجرت به این شهر نموده و تاکنون که مدت سی و سه سالست در مسجد بزرگ ورامین (مسجد خاتم‌الانبیاء) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

آثار آن جناب از این قرار است:

۱- تأسیس مسجد بزرگ که در آن اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- تشکیل حوزه علمیه

۳- جامع التفاسیر

۴- راهنمای مبلغین و غیره

ایشان از غالب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازه روایتی و امور حسبیه می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر طاهری از ائمه جماعت حاضر شاهرودند و در مسجد مصلی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیت‌اللّه حاج سید محمد جعفر طاهری (مجتهد) شیرازی برادر دانشمند طاهری مذکور است، وی نیز در شیراز متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح وسطی به قم عزیمت نموده و غالبا شریک تحصیل برادر خویش بوده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه مرعشی و دیگران بپایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم زعیم اعظم حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده دروس خارج نموده و بنا بر تقدیر و تقاضای جماعتی از مردم متدین تجریش و امریه حضرت آیت‌اللّه بروجردی مهاجرت به آن سامان نموده و تا هم‌اکنون در مسجد تکیه (پائین) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طائی همدانی، ابوالفتوح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۵ -۴۷۵ ق)، حافظ، محدث و واعظ. در همدان به دنیا آمد. در خراسان و عراق و جبال از فید بن عبدالرحمان شعرانی و عبدالرحمان بن حمد دونی و ظریف بن محمد نیشابوری و ادیب محمد بن ابی‌العباس ابیوردی و اسماعیل بن حسن سنجبستی فرائضی و عبدالغافرین بن محمد شیروی و علامه ابوالمحاسن رویانی و ابوالقاسم بن بیان رزاز و شیرویه دیلمی و ابن‌طاهر مقدسی و ابومحمد حسین بن مسعود بغوی و تاج‌الاسلام ابوبکر سمعانی حدیث شنید و نزد محیی السنه بغوی و تاج‌الاسلام سمعانی فقه آموخت. محمد بن عبدالله بن بناء صوفی و ابوعبدالله حسین بن زبیدی و برادرش، حسن، و گروهی در بغداد از وی حدیث شنیدند. وی در همدان درگذشت. اثر وی کتاب معروف «الاربعون حدیثا» یا «الاربعین فی ارشاد السائرین الی منازل الیقین» یا «الاربعین الطائیه». که چهل حدیث از چهل شیخ و استاد و هر یک از احادیث از یکی از صحابه پیامبر (ص) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۴ / ۲). سیر النبلاء (۳۶۲-۳۶۰ / ۲۰). شذرات الذهب (۱۷۵ / ۴). العبر (۲۵ / ۳). کشف الظنون (۵۶). معجم المؤلفین (۲۵۱ .۱۸ / ۱۱). النجوم الزاهره (۳۱۸ / ۵). الوافی بالوفیات (۱۴۴ / ۱). هدیه العارفین (۹۳ / ۲).

طباطبایی فر، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبایی فر

محل تولد : نطنز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس طباطبایی فر درسال ۱۳۴۱درروستای اوره از شهرستان نطنز درخانواده ای روستایی به دنیا آمدم ودرسال ۱۳۵۹ از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم ویک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم یرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه وطلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرارگرفت ومن نیزدرمدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم وپس ازاتمام مقدمات وشروع سطح ،دردرس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر – محامی– واستاد علوی سرشکی(خصوصی) بهره بردم وعلم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی وصالحی مازندرانی وسپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم ورسائل را نزد آیت الله راستی وپس ازبیماری وتعطیلی درس ایشان از اساتید دیگرازجمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم ودرکفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم وضمناً برای اینکه ازتعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمتهای رسائل کفایه ومکاسب را ازطریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده وبا دوستان بحث میکردیم .درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم وبا ورودبه رشته تخصصی کلام که عصرها برگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم

ومقداری نیزآیت الله سبحانی وحدود هفت سال فقه آیت الله مکارم ویک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره)که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه واصول را رها نمودند وبه مباحث فلسفی وکلام جدید پرداختند واین درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه)دارند که شرکت مینمایم وبحث ها نوشته وچاپ میشود .ضمناً ازپایه چهارم درایام تبلیغی خصوصاً محرم ورمضان به امر تبلیغ میپردازم درزمان جنگ برای تبلیغ به جبهه ها نیزرفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید .مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی درمدارس را شروع کردم وچند سالی است (هفت یا هشت سال)که این برنامه را دارم والان نیز درجامعهٔالزهرا(سلام الله علیها)به تدریس مباحث کلامی مشغولم .

طباطبائی نجف‌آبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر طباطبائی متخلص به هاشمی از علماء و ائمه جماعت و روحانیون خدوم معاصر شهرستان نجف‌آباد می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۲۹ قمری هجری در یکی از روستاهای کرون نجف‌آباد به نام احمدرضا چشمه به دنیا آمده و از سن چهار سالگی در مکتب خانه‌ای مشغول به تحصیل شده و تا سن چهارده سالگی دروس فارسی و قرآن را آموخته آنگاه با تشویق جدشان مرحوم آقا سید اسداللّه رحمه‌اللّه برای تحصیل علوم عربی به اصفهان آمده و در مدرسه جده بزرگ سکونت و خدمت مدارس آن مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی سطوح متوسط فقه و اصول را خوانده آنگاه به عللی به زادگاه خود مراجعت و پس از چند سال مجددا برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شهرستان نجف‌آباد مهاجرت نموده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی مشغول به تکمیل مبانی علمی گردیده و رسائل و ریاض و کفایه‌الاصول را خوانده و از محضر آن بزرگوار استفاده اخلاقی و تربیتی نموده است.

در حال حاضر ایشان در مسجد صفای نجف‌آباد به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند. و مورد توجه خاص و بسیاری از مردم این منطقه می‌باشند که در اجراء عقود شرعیه به ایشان مراجعه می‌نمایند دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- ارکان دین درباره اصول عقاید (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) که در سال ۱۳۶۳ به طبع رسیده است.

۲- باغستان که کشکولی است از احادیث و روایات مختلفه که مخطوط مانده است.

۳- دیوان شعر بنام دیوان هاشمی.

۴- دیوان انقلابی هاشمی که هر دو به طبع رسیده است.

۵- کلیات دیوان هاشمی

جناب آقای حاج سیدجعفر طباطبائی خاطرات آموزنده‌ای دارند که اگر به رشته تحریر آوردند به صورت کتاب مفید و سازنده‌ای خواهد بود.

دارای هفت فرزند می‌باشند که سه تن آنان در حوزه علمیه اشتغال به دروس خارج فقه و اصول دارند و یکی از فرزندانشان به نام سید محمدعلی در عملیات محرم به فیض شهادت رسیده‌اند و آقازادگان مقیم حوزه علمیه قم نامبردگان زیرند:

۱- جناب آقا سید محمدرضا

۲- جناب آقا سید محمدباقر

۳- جناب آقا سید محمدصادق حفظهم اللّه تعالی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید احمد مهریزی یزدی یکی از چهره‌های درخشان استان یزد و حوزه علمیه قم می‌باشند که در دوره دوم مجلس جمهوری اسلامی نماینده محترم مردم استان یزدند، تولد ایشان در روز جمعه نهم دی‌ماه ۱۳۲۲ شمسی در مهریز یزد واقع شده و پس از رشد و تربیت در سال ۱۳۳۵ شمسی در مدرسه مصلی مشغول به تحصیل گردیده و پس از یکسال در سال ۱۳۳۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و ضمن فراگرفتن درسهای حوزه تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم ادامه داده و با آغاز انقلاب به رهبری آیت‌اللّه خمینی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی فعالیتهای سیاسی خود را شروع کرده و بارها مورد تعقیب رژیم گذشته قرار گرفته و در رابطه با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۵ شمسی مخفیانه به عراق مسافرت و به نجف اشرف مشرف گردیده و پس از بازگشت به قم در همان سال به حوزه درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد شرکت و ضمنا فعالیتهای سیاسی خود را از طریق سخنرانی و سرود اشعار و تنظیم و تکثیر اعلامیه دنبال کرده و در آذر سال ۱۳۵۷ شمسی سفری به پاریس نموده و به محضر امام راحل راه یافته و نامه‌ها و اعلامیه‌هائی که همراه داشت تقدیم ایشان نموده و بعد از چند روز به منظور رسانیدن پیام انقلاب از پاریس به شهرهای لندن و هامبورگ و قاهره و دمشق و عمان مسافرت و از اردن با لباس مبدل و ناشناس به فلسطین اشغالی رفته و از شهرهای بیت‌المقدس و قدس خلیل و بیت‌اللحم دیدن نموده و طی تماس با جوانان فلسطینی به تشریح مواضع انقلاب اسلامی پرداخته و پس از آن مسافرت به عربستان و عمره مفرده بجا آورده و در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ شمسی از طریق ترکیه به ایران برگشته و مدت چندین ماه در دفتر امام راحل در قم مشغول رسیدگی به برخی از مراجعات بوده و در طول اقامت خود در قم گذشته از اشتغال به تدریس به تألیف و ترجمه آثاری توفیق یافته که برخی از آنها به چاپ رسیده و آنها را می‌نگارم.

۱- حماسه جاوید

۲- فرهنگنامه حج و عمره دو جلد

۳- پرچم پیروزی حق

آقای طباطبائی به زبان عربی تسلط و به زبان انگلیسی آشنائی دارد و نیز چندین مسجد و حسینیه و کتابخانه و غیر آنها از آثار خیر را بنا و باقیات الصالحاتی از خود به یادگار گذارده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از پنج پسر مرحوم حاج سید محمود است وی نیز از علماء متقی قم بود و در صحن نو اقامه جماعت می‌نمود در سال ۱۳۳۴ در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.

یکی از برادران ایشـان مرحوم سیدالعباد آقـای حـاج سید ابراهیم طباطبائی بود که نگارنـده او را زیارت کرده بودم سیدی پارسا و متورع و از صلحاء و اخیار قم بود کراراً به مکه و عتبات عالیات مشرف گردیده بود در حدود سال ۱۳۶۰ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبائی ابن العلامه الاستاذ آیت‌اللَّه السید محمد طباطبائی فشارکی الاصفهانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر و داماد آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد آشتیانی می‌باشد.

تولد این بزرگوار و مرحوم برادرش حجهٔالاسـلام و المسـلمین حاج سـید علی‌اکبر طباطبائی داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی در سامره بوده و در سـنین کودکی پدر بزرگواری چون علامه فشارکی معروف بسید استاد را از دست داده و در مهد علم پرورش یـافته و پس از خوانـدن اولیات و سـطوح از محضـر مراجع بزرگ استفاده نموده تا بـدرجه سامیه علم و کمال ارتقاء یافته و مهاجرت به تهران نموده و بتدریس در مدرسه مروی و انجام وظائف دینی و روحی تا هم اکنون اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه طباطبائی دانشـمندی متین و عالمی با معنویت است و در بی هوائی و سادگی و احتراز از سر و صدا و تأسی بمرحوم والدش سید استاد نموده که هر چه شاگردان مبرز وی چون مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و دیگران به وی اصرار می‌کردند که رساله عملیه بنویس و فتوا بده زیرا پس از آیت‌اللَّه مجدد شیرازی متعین است که شما از دیگران اعلم هستیـد در جـواب میفرمـود: آری من خود را مجتهـد و از اقرانم افضـل می‌دانم ولی رسـاله نمی‌دهم و هرگز خود را در معرض مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداونـد می‌فرمایـد: تلـک الـدار الاـخره نجعلهـا للـذین لاـ یریـدون علوا فی الاـرض و لاـ فسادا و العاقبه للمتقین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا مصـطفی ابن العالم الجلیل السـید جواد طباطبائی قمی از دانشـمندان نامی و وعاظ گرامی دارای مقام فضل و دانش و جامع معقول و منقول و فروع و اصول و صاحب مرتبه حسب و نسب و سیادت و وجاهت بین مردم می‌باشد.

در سال ۱۳۲۷ قمری در قم به دنیـا آمـده و پس از رشـد و خوانـدن مقـدمات و مشـرف به مشـهد مقـدس شـده و پانزده سال توقف سطوح عالی و خارج را از مرحوم ادیب نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق نوغانی و والد خود و حاج شـیخ محمد رضای زنجانی

و آیت‌الله العظمی قمی و آقازاده کفائی استفاده نموده و معقول را خدمت مرحوم آقابزرگ حکیم و فرزند وی آقا مهدی حکیم خوانده و در سال ۱۳۵۶ مشرف به کربلاء شده و مدت شش سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی قمی و آیات دیگر آنجا استفاده نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری مراجعت بـه قـم و پس از ۶ سـال توقـف و تـدریس علوم عقلی و نقلی مهـاجرت به تهران و تاکنون در مسجد امیرالمومنین علیه‌السلام مهرآباد اقامه جماعت و هم به وظائف روحی و دینی و تبلیغات مـذهبی اشـتغال دارنـد و ایشان داماد مرحوم محدث بزرگوار و عالم متقی حاج شیخ عباس محدث قمی می‌باشند.

دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله و خصال حمیده می‌باشند. برادر ارجمندش آقای حاج اصغر آقای طباطبائی داماد مرحوم آیت‌الله حاج میرزا سید حسن برقعی قمی از فضلاء اهل منبر است که سالها در نجف سرپرست فرهنگی ایرانیان مقیم نجف را داشته و هم‌اکنون در تهران از راه فرهنگ و هم منبر خدماتی انجام می‌دهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبرستانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد علی طبرستانی یکی از علماء ممتاز و محترم معاصر بابل است.

وی نیز سالهـا از محضـر آیـات و مراجع بزرگ استفاده نموده آنگـاه بوطن خود بـازگشت و بانجـام وظائف از قبیل اقامه جماعت و تدریس و گفتن تفسیر و غیره تاکنون اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، ابوذر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ اباذر بن‌المرحوم العالم الربانی آشیخ محمد طبرسی از علماء اخیار و فضلاء ابرار این شهرستان است و در سال ۱۳۰۰ شمسی تقریبا متولد شده و پس از آموختن تحصیلات ابتدائی و مقدماتی در خدمت والد مرحوم و عم کرام و دائی فاضلش آقای آقا محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۲۴ مسافرت بتهران نموده و پس از طی دوره شش ساله مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات با دریافت لیسانس مهاجرت بقم نموده و از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله فکور یزدی و آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ شمسی بعد از مراجعت از سفر بیت‌الله الحرام بوطن خود آمل برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات مذهبی و ترویج احکام پرداخته و تاکنون باین سمت افتخار دارد.

مؤلف گوید مترجم معظم از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و از خاندان زهد و تقوا و علم و فضیلت است و دارای مقام حسب و نسب میباشد.

والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام و ملجاءالانام آقای آقای شیخ محمد طبرسی از علماء مبرز آنسامان بوده و در سن ۶۶ سالگی در

سال ۱۳۱۶ شمسی از دنیا رفته است و عموی بزرگوار ایشان مرحوم آیه‌الله آقا شیخ عزیزالله طبرسی از علماء موجه و محترم آنسامان بوده و در ۱۳ محرم الحرام ۱۳۸۷ قمری در سن ۸۳ سالگی رحلت نموده است.

دائی فاضل و دانشمندش آقای میرزا محمد تقی دانش پژوه نیز از افاضل شمال است و بعد از فوت والدش چند سالی در قم استفاده نموده تا سال ۱۳۱۰ شمسی که بتهران آمده و فلسفه را از مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفته و دوره دانشکده الهیات را هم طی نموده و کرسی استادی را اشغال نموده و هم متخصص در کتاب شناسی در ایران میباشند.

و از این خاندانست مرحوم مبرور دانشمند پارسا و مجتهد فقیه حاج میرزا احمد درکائی بن العلامه میرزا مهدی فقیه که از شاگردان آیه‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی و سالها در آمل مشغول تدریس و ترویج دین بوده و در سن ۸۳ سالگی در ماه رمضاه ۱۳۴۷ قمری بدرود زندگی نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبسی واعظ، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسأله‌گو. از مشاهیر اهل منبر در تهران و مورد توجه خاص و عام، به ویژه نیکان و اهل تقوی، بود. از آثارش: ترجمه‌ی «الطرائف فی مذهب الطوائف» سید ابن طاووس؛ ترجمه‌ی «کشف المحجه لثمره المهجه»، سید ابن طاووس؛ «منهج السداد»، در ترجمه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، با حواشی شیخ مرتضی انصاری و میرازی شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۱ / ۲۳، ۱۳۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶ -۴۹۵ / ۳).

طبسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم طبسی از علماء معاصر شهرستان طبس می‌باشد وی در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید ابوالحسن اصفهانی ره و آیات دیگر استفاده و در زمان حیات استادش به طبس آمده و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج شـیخ غلامرضـا طبسـی واعـظ از مفـاخر خطبـاء و معـاریف وعاظ و گوینـدگان حوزه علمیه قم بوده و در عصـر خودش آوازه شهرتش به تمـام کشـور ایران و ممالـک مجاور عراق و افغـان رسـیده بود، تولـدش در سـال ۱۳۱۳ ق در طبس کـه از بلاـد اسـتان خراسـانست واقع شـده و پس از رشـد و خوانـدن مقـدمات و ادبیات در سال ۱۳۴۱ ق به قم آمـده و سـطوح را در نزد مرحـوم میرزا همـدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله العظمی مرعشـی نجفی خوانده و در سال ۱۳۴۵ ق مسـافرت به یزد و سایر بلاد نموده و منابر مهیج و پرشور و حرارتی رفته که در همه جا سـخن از منبر سـحرآمیز او در میان بوده است، و این چنانچه در جلد دوم کتـاب آثار الحجه ص ۱۳۶ نگـاشتیم در اثر کرامت و توجه مخصوص حضـرت فـاطمه معصومه علیهاالسـلام بوده که به این موهبت الهی رسیده بود تفصیل آن را در کتاب مزبور بخوانید.

خلاصه: مرحوم طبسـی با آن شـهرت عجیب دولت معجل بود زیرا از اول شـهرت و طلوعش تا هنگام غروب و افول عمرش بیش از هشت سال نشد در سال ۱۳۵۲ ق در سبزوار بـدرود حیات گفته در اثر کسالت سل ریوی و جنازه‌اش حمل به مشـهد و در مقبره پیر پاره دوز که از اوتاد خراسان بوده مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طرفه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طرفه

محل تولد : دشت آزادگان

شهرت : طرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسـلام و المسـلمین حاج شیخ علی طُـرفه مشهور به شیخ علی طُرفی ۱- نسب ۲- معرفی نیای پدری ۳- زندگینامه ۱- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصـیت معروف تاریخ که به بخشـش و کَرَم مشـهور است از دیار یمن است. و از عشـیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صـفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داسـتان هایی که از فـداکاری ها و ارادت او و فرزنـدانش نسبت به خاندان عصـمت و طهارت خبر می دهند بسـیار است. خـانواده عـدی پس از اسـلام آوردن به خـدمت پیامبر مکرّم اسـلام به مـدینه آمدنـد و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکـومت امیرالمـومنین به کوفه هجرت کردنـد. عشـیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هسـتند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزسـتان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشـیره انـد. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجـداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدنـد و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شـهره اند.. ۲- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شـیخ علی طرفی فرزند شـیخ عیسـی فرزند شـیخ سالم فرزنـد شـیخ محمـد... آیت الله حاج شـیخ عیسـی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزسـتان است. ایشان در جوانی به عشق معارف

اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به ۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت ا لله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانیشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: ۰ شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی

قم. ٭ تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. ٭ تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان ٭ تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. ٭ سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. ٭ سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. ٭ تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: ٭ تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل برکمیته های مهم مرزی اروندرود بود. ٭ حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. ٭ مبارزه با قاچاق. ٭ مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. ٭ مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. ٭ تشکیل مجمعا لخطبای آبادان. ٭ تشکیل مجمعا لشعرای آبادان. ٭ تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. ٭ راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارها ی از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: ٭ حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی ٭ بیش از ۱۲ سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). ٭ تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. ٭ حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. ٭ رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. ٭ نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. ٭ نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. ٭ رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. ٭ رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. ٭ سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت الاسلام طُرفی: ٭ بیش از ۳۰ سال تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. ٭ بنای بیش از ۴۰ باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلای دشت آزادگان. ٭ مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. ٭ مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. ٭ سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان. ٭ رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتابب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاۀ و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّبین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طسوجی، ملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ملک موسوی که جامع معقول و منقول و دارای علوم غریبه بوده و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری در طسوج وفات نموده و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

سید ملک ملکی (طسوجی) از علماء و ائمه جماعت معاصر شیراز است.

وی در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج آیات عظام حوزه بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه. العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی خمینی شرکت و از خرمن علوم آنان استفاده و بهره‌های کافی برده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی منحصراً از درس و بحث آقای شریعتمداری بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۹۴ قمری که حسب‌الامر معظم له به شیراز عزیمت و در مسجد امام حسین (ع) (خیابان شاه شیراز) به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ملکی که داماد عموی گرامش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید عباس ملکی طسوجی است. از افاضل وارسته این بیت است مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ملک موسوی طسوجی از علماء بزرگ و بنام طسوج بودند و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری وفات و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

و برایش مقبره‌ای بنا و فرزند برومند و بزرگش آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد جمال که از علماء اعلام نجف و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و غیرهما می‌باشند مرتجلا در مدفن والد ماجد خود دوبیتی انشاد نموده و به کاشی بالای درب مقبره‌اش کتیبه شده است که در اینجا می‌نگارم.

زر جمال‌الدین فی هذا المقام

فهو للاسلام قد کان امام

فاراد اللّه ان یرفعه

فزهی کالنجم فی وادی‌السلام

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طوسی، ابومحمد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۹ ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به بلاذری صغیر. او از محمد بن ایوب بن ضریس و تمیم بن محمد حافظ و عبدالله بن محمد بن شیرویه و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم گوید که او یگانه‌ی دوران خویش در حفظ و وعظ بود و مشایخ بزرگ همچون حافظ ابوعلی در محضرش حاضر می‌شدند و از حدیث‌خوانی او فرحناک می‌شدند و هیچ‌گاه درباره‌ی اسناد یا اسمی و یا حدیثی بر او خرده نگرفتند. او در طابران طوس از دنیا رفت. از آثارش تخریج «صحیحی» به سبک «صحیح» مسلم است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۴۹ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۶ -۳۶۵)، العبر (۵۶ / ۲).

طوسی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله طوسی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از روستاهای ییلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران , بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی ۱۳۶۳ به حوزه علمیّه قم وارد شدم . شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود . آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود .

سال ۱۳۶۷ یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح ۴ حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت . پس از اتمام دوره عمومی در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم . پس از اتمام دوره تخصصی در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن با نمره عالی ۵/۱۸ دفاع کردم . فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعّالیّت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت . همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .

با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بودم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعّالیّت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم . همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

ظهیری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن ظهیری امام جماعت مسجد سیمان ری از علماء و دانشمندان این شهر است ولی تولدش در تهران و بعد از خواندن مقدمات و اولیات به عراق مهاجرت نموده و مدتها در نجف و کربلا اقامت و از محضر آیات عظام آن سامان فقها و اصولا استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در سال ۱۳۶۶ قمری مراجعت به تهران و در مدرسه مروی بتدریس و

مباحثات پرداخته تا در حدود سال ۱۳۷۶ قمری که برای امامت مسجد مزبور انتخاب و تاکنون در آنجا از طریق محراب و منبر به تزویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ظهیری، مختار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار ظهیری از علماء و ائمه جماعت امروز شهرستان رشت می‌باشد. وی در گیلان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را تکمیل آنگاه به درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت نموده و به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و به رشت مراجعت و در مسجد بیستون رشت به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عابدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عابدی

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بسمه تعالی

تولد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۲ ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بناروانی که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال ۶۹ به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیک (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و ... خواندم.ظاهرا در سال ۷۳ به حوزه علمیه قم آمدم. در مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رمضانی، و....

دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال ۸۱ وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و .... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و ۲ سال به درس خارج ادامه دادم. ۲.۵ سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم.آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم.و اینک هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم.در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عابدینی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولّد شدم از طرف مادرم نسبم به مرحوم آیۀالله میر سیّدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیّدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روخوانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکلهای گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیۀالله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیۀالله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه کردیم و ایشان نپذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق دانست.

از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایهٔ الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.

از جمله اساتیدمان مرحوم شیخ محمّدعلی صفر نورالله بود که هدایه، عوامل ملامحسن، مقداری سیوطی و مغنی و مقداری تحریرالوسیله را نزد او خواندم. در عرض این دروس، بدایهٔالحکمه، منطق مظفر، مقداری اصول فلسفه و روش رئالیسم با مقداری نهایهٔالحکمه را نزد مرحوم آیهٔالله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتند و آن را گوش می دادم هرگاه خبردار می شدیم که عملیات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.

در سال ۱۳۶۱ دوباره به قم وارد شدم و در ایام تحصیل با عشق و علاقه به درس خواندن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیهٔالله ستوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیهٔالله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد ۹ آیهٔالله جوادی شرکت کنم.

زمانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیهٔالله ایزدی شرکت می کردم ولی این شرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضرت آیهٔالله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیّت زیاد شد و درس به مسجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شرکت می کردم. بالاخره در خرداد ۱۳۶۵ دروس سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شرکت کردم در واقع شروع رسمی طلبگی بنده اواخر شهریور ۱۳۵۹ بود که تا خرداد ۱۳۶۵ که حدود ۶ سال میباشد طول کشید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی ۱۰ سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.

از خاطرات به یاد ماندنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوستان گفتم هرجا مطلب مشکل است و خود صاحب کفایه نمی فهمد می گوید خالی از دقت نیست، دقت کن و ... در اثر همین توهین به ایشان یک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هرچه کردم متن کفایه را نمی فهمیدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوستان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضرت معصومه (س)نیز توبه و انابه کردم تا مقداری از آن فهم و حافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیفِ شسته شده هیچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.

از خاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمام درسها تلاش می کردیم قبل از درسها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میدادیم و نیازی نمی دیدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شدیم، روزی مرحوم آیهٔالله پایانی در ضمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی نشینند به درد سر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و

ایام تعطیل دروس، برنامه های دیگری داشتیم. تابستان ۱۳۵۶ قبلاً بیان شد. تابستان ۱۳۵۷ را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایام تعطیل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می زدیم. تابستان ۱۳۵۸ را در جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری شهرستان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال ۱۳۵۹ در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایّام عملیات در جبهه می گذشت.

تابستان سال ۱۳۶۰ به سر پل ذهاب رفتیم ، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه های کرمانشاه قدم می زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت ۷۲ تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیّات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد ، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته ها می نگرم باز بسیار وقت تلف کرده ام که امکان بهره برداری بهتر از آنها وجود داشت.

در تابستان ۱۳۶۴ کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حظور استادهای عربی و محضر مرحوم استاد آیةالله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان ۱۳۶۵ و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره های طرفین از بالای مدرسه عبور می کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.

همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع)(محل اقامه نماز توسط آیةالله سید محمدحسین فضل الله) به مدت ۱۰ روز برگذار شد.

هرهفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می کردم.پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.

در آنجا صبح ها خدمت آیةالله سید محمدحسین فضل الله درس خارج فرا می گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی شدند من خودم را موظف می دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به ۱۱ عدد می رسید که ۲ تا ۳ تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسرم مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می گفتم.

بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می دادم. حدود ۳۰ تا ۴۰ دانشجو در آن کلاس شرکت می کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را خیره کرده بود و می گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.

در بین تمامی این برنامه ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و

مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.

اوایل تابستان ۶۶ لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا بر گردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در ۲۰ جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال ۷۷ به مدت ۱۲ سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم.نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای ۶و ۷و ۸ اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم،دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ....

در سال ۷۰ با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی ، در همان سال به حج مشرف شدم_ البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های متعدد نوشته شد که از سال ۷۴ یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.

در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال ۷۷ با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزنند.

در تابستان ۸۱ و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اوّل مهر ۸۱ در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد. برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم. و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.

شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را - اگر واقعاً موجود باشد- ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هرکسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها،ورود به ارگانها و ...را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ... .

از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه ۸۳ شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عارفچه، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد علی عارفچه، واعظ فاضل صالح، و ادیب شاعر، از فضلای اهل منبر، و از مرثیه خوانان و مداحین خاندان نبوت بود. عمری به زهد و قناعت گذرانید.

در شب جمعه ۱۹ ذی قعدة الحرام سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

کتب زیر از اوست که همه‌ی آنها مطبوع می‌باشد:

۱ - تحفة المعصومین ۲ - دیوان اشعار ۳ - زبدة القصاید ۴ - صد قصیده و زیارات ۵ - منتخب کبیر، در ادعیه و زیارات ۶ - هدیة المعصومین؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالم نجف آبادی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد فقیه مجتهد عادل، از مدّرسین و ائّمه جماعت اصفهان، و مورد وثوق و احترام کلّیّه طبقات، از تلامذه حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند ملا محمّد حسین کرمانی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی و جمعی دیگر بوده، سالها در مدرسه جدّه تدریس می‌فرمود و جمعی کثیر از مستعدّین از محضرش مستفید می‌شدند.

کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، و ضمناً کتابی به نام «فضیلة السیادة» درباره سادات و اهمّیّت مقام

آنان، و احادیث وارده در این موضوع تألیف فرموده و به چاپ رسیده است.

در شب ۳ شنبه ۱۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۴ به سنّ متجاوز از نود و هفت سالگی وفات یافته، در بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالمی، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل عالمی

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال ۱۳۸۰ در مدت ۸ سال به پایان رساندم همزمان در سال ۱۳۷۷ (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال ۱۳۸۳ وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال ۱۳۸۰ در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد.

تقریباً از سال ۱۳۷۹ در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد.که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی عالمی از ائمه جماعت و علماء معاصر همدان است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در همدان متولد شده و در بیت علم و کرامت نشو و نما یافته و در سیزده سالگی پدر را از دست داده ولی در همان اوقات با شوقی فراوان در همدان به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را در نزد اساتید عالی رتبه به پایان رسانیده و در سال ۱۳۲۹ شمسی به قم مشرف و اقامت نموده.

و در حدود ده سال از دروس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه امام خمینی و غیرهم استفاده نموده

و تقریرات درس آنان را تدوین و تنظیم نموده.

و ضمنا از درس تفسیر علامه گرانمایه و استاد عالیقدر آقای حاج سید محمدحسین طباطبایی بهره‌های وافری برده و نیز قسمتی از معقول منظومه حاجی سبزواری و بحثهایی از علم اخلاق را خدمت بعضی دیگر از اساتید حوزه بهره‌مند شده تا اینکه در اثر عارضه مزاجی حوزه قم را ترک و به درخواست عده‌ای از اهالی همدان از مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و امریه معظم‌له به همدان برگشته.

و در مسجد معروف به خانه دراز به اقامه جماعت و نشر احکام و تدریس سطوح عالیه و تربیت بعضی از محصلین و طلاب پرداخته و تا حال تحریر و تألیف این کتاب اشتغال و چند سالی است که بنا بر خواهش اهالی بازار قرار دارد به اقامه جماعت و تبلیغات وسیعتری مشغول و در ماه رمضان در مسجد مزبور پس از اداء فریضه به وعظ و ارشاد مردم موفق می‌باشند.

دارای تألیفات و آثار و خدمات ارزنده و ارجداری از پرداخت شهریه به طلاب همدان و رسیدگی به امور سادات و بینوایان آبرومند از تهیه خانه برای آنها و سرمایه به بعضی از آنها دادن و تشریک مساعی در (مهدیه) همدان که دارای درمانگاه و بانک قرض‌الحسنه، کمک به ایتام و... می‌باشند. ادام‌اللّه توفیقانه و آثاره. اما تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- نقد و اصلاح در امامت (مطبوع) ۲- بحثی درباره ارتباط حوادث با اعمال انسانها (ناتمام) ۳- شرح زندگانی خود ۴- عقاید الشیعه ۵- رساله در نجاسات اهل کتاب ۶- رساله‌ای در جواز جمع بین صلوتین رد بر اهل سنت ۷- قرآن و اعتقاد به خدا ۸- مجموعه‌ای نفیس.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عامری شهرابی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی عامری شهرابی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی عامری شهرابی درسال ۱۳۴۶ درتهران متولد شدم. پس ازاتمام تحصیلات کلاسیک درسال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شدم وازاساتید بزرگوار حوزه کسب فیض نمود م، همراه با دروس رسمی حوزه دررشته تخصصی کلام نیز مشغول شدم و درسال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل شدم وپایان نامه خود را با موضوع اثبات خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام ارائه دادم. همزمان باتحصیل به تالیف نیز پرداختم که فهرست آثار درصفحات بعد آمده است.

عاملی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی عاملی دزفولی از فضلاء بزرگوار معاصر اهواز می‌باشند وی در دزفول متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و دیگران خوانده و از ابحاث خارج آیات عظام بهره‌مند گردیده آنگاه به وطن مراجعت و پس از چندی منتقل به اهواز مرکز استان خوزستان شده و از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی بهبهانی مدظله استفاده نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام از راه منبر و غیره پرداخته است. و ایشان مانند رفیق صدیقش حاج شیخ علی محمد سابق‌الذکر عالمی متین و فاضلی کامل و خدوم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۷ –۴۹۱ ق)، واعظ، فقیه و محدث. ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی. در روستای سنج عباد، از قراء مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنه به وعظ پرداخت و مردم بر گردش ازدحام می‌نمودند. او در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزه بن قبیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن‌جوزی گوید که او زیبا کلام بود و از مواعظ او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید که از او رساله‌ای در «شرب الخمر» دیده است. عبادی در عسکر خوزستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۲۴ –۱۲۳ / ۴)، ریحانه (۹۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۳۲ –۲۳۱ / ۲۰)، لغت‌نامه (ذیل/ابومنصور)، معجم المؤلفین (۲۹۸ –۲۹۷ / ۱۲)، النجوم الزاهراه (۲۹۱ / ۵)، هدیه العارفین (۴۶۳ / ۲).

عباسی فردویی، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب غلامعلی عباسی فردویی درسال ۱۳۳۴شمسی در یکی از روستاهای قم به نام فردو به دنیا آمده و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال۱۳۵۱به حوزه علمیه وارد شده و د ر مدرسه حضرت آ یت الله العظمی گلپایگانی به تحصیل مشغول شدم. سطح را در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار چون :میر احمدی معروف به طالقانی ،حججی ،نکونام ،حاج آقاحسن تهرانی ، صلواتی ، حاج شیخ مهدی بیگدلی ،امینیان ، مقتدائی ،رضا استادی ،اعتمادی و ستوده به پایان رساندم. فلسفه را نزد اساتید معروف حکمت و فلسفه حضرات آیات :انصاری شیرازی،مصباح یزدی ،صالحی مازندرانی ،و امینی فرا گرفتم .و نیز از سال ۶۴در درس خارج فقه و

اصول حضـرات آیـات :فاضـل لنکرانی ،مکـارم شـیرازی ،و جعفر سـبحانی شـرکت نمـودم. د رسـال ۱۳۶۰موفق به اخـذ مـدرک کارشناسـی شـده و در سال ۱۳۷۱بـا ارائه پایـان نـامه خود باعنوان(سـیر علم کلام تا قرن سوم) مـدرک کارشناسـی ارشـد الهیات و معارف اسلامی را از دانشگا ه تربیت مدرس دریافت نمودم.

از فروردین ۱۳۷۳تا آغاز مهر ۸۵ به عنوان مدیر مسـئول فرهنگی آسـتانه مقدسه به خدمت مشـغول و از آغاز مهر سال ۸۵ به عنوان مدیریت پژوهشـی این آسـتان مشـغول به خدمت در این عرصه نورانی هسـتم. دو سال تبلیغ سـیار در مناطق عشایری اسـتان فارس از سال ۵۸-۵۹ از ارزشمندترین سنوات عمر اینجانب بوده است . و نیز د وسال ازسال ۶۱تا ۶۲در منطقه شازند به عنوان کارشناس امور تربیتی در آموزش و پرورش به خدمت مشغول بودم.

تا کنون موفق به تالیف :فروغ آفتاب ،تاریخ علم کلام تا قرن چهارم ،قم در عصر حضور ائمه ،تذکره مشایخ قم ،فلسفه بست و بست نشـینی، در پرتو مکتب زهرا (س) و مشـروطیت و عبرتها شده ام . امید است با توجها ت حضرت ولی عصر (عج)بتوانم دراین عرصه خدماتی را داشته باشم.

عباسی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی عباسی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی عباسی در سال ۱۳۶۱ پس از اخـذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم . مدت یک سال در اراک تحصـیل نمودم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شـدم . دوره سـطح را در سال ۱۳۷۰ به پایان رسانـدم . از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ به مدت ۱۱ سال در درس خـارج فقه و اصول حضـرات آیـات وحیـد خراسـانی , تبریزی , فاضـل لنکرانی و هاشـمی شاهرودی شـرکت نمودم . در سال ۱۳۶۷ همزمـان بـا تحصـیلات حوزوی به تحصـیل در رشـته فیزیک در دانشـگاه تهران پرداختم و در سال ۱۳۷۱ مدرک کارشناسی فیزیـک با گرایش اتمی دریافت نمودم . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ نیز دوره کارشناسـی ارشد فیزیک را در رشـته فیزیک ذرات بنیادی در دانشـگاه تربیت معلم تهران گذراندم . از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دوره دکترای فلسـفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی , آماده دفاع کردم . در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشـتغال داشتم . اکنون عمده فعالیت علمی من , تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است . تدریس فلسفه اسلامی , فلسفه غرب , تاریخ فلسفه غرب , کلام اسـلامی , کلام جدید , انسان شناسی , معرفت شناسی , شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی , موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) , مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به پژوهش در مباحث حدیثی

در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره , جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از ۵۰ کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه "به تنهایی بیش از ۵ مجلد خواهد شد . از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از ۴۰ مورد است. از سال ۱۳۸۱ در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهه است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم .مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز برعهده اینجانب است .

عباسی، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله عباسی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال ۱۳۵۰ در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هرچند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیتم را مدیون دعاهای مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیـۀالله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجۀالاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال ۷۲ با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن ۲۲ سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم.سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال ۷۸ درس های سطح ۳ را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به ۷۹ ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال ۸۱ به پایان رسید.با توجه به تمام

شدن تحصیل سطح سه در سال ۷۸-۷۷ برای شرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال ۸۰ تا ۸۲ شرکت نمودم.برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی ۷۹ با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال ۸۳ استفاده نمودم.در کنار دروس حوزوی و در سال ۷۱ به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال ۷۲ اخذ کردم. ازسال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متاسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: ۱. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛۲. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ ۳. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ ۴ . رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال ۸۵ ازسوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال ۸۴ در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند ۸۶ به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای ۲۶ صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود.در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال ۸۳ به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله ۱۰ صفحه ای نوشتم تحت عنوان: ۱. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی ؛ ۲. راه کارهای فقرزدایی که در سال ۸۴ در روز نامه کیهان به چاپ رسید.همچنین از سال ۸۳ تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از ۲۸۰ مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود ۱۱ نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه، اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.از دی ماه ۸۵ نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح ۳ حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال ۱۳۷۲ به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال ۸۵ و ۸۶ در درس خارج نکردم ولی از سال ۸۷ در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام . باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عبداللهی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر عبداللهی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمدباقر عبداللهی فرزند رمضانعلی به سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متوسط و کشاورز در روستای نیسیان برزاوند اردستان به دنیا آمدم. پدرم کشاورزی خداشناس و دینداری بصیر بود، که به خاطر کردار حکیمانه و رفتار خردمندانه اش مورد تکریم و اعتماد اهالی محل بوده رویاهای صادقه و نمازهای عارفانه اش اسراری بود که کمتر آن را ابراز می کرد یا کسی از آن خبر داشت، مادرم سیده طباطبایی مریم بیگم معلم قرآن بود که از پدر و مادرش که آنها نیز از سلسله جلیله روحانیت و سادات و دارای درجات و کمالات بودند به ارث برده بود.در سال ۱۳۵۳ پس از پایان دوره متوسطه و دبیرستان در رشته ریاضی، برای آغاز دور جدید زندگی و سرنوشت، وارد حوزه علمیه قائم(عج) در ...... تهران به اشراف روحانی عالی مقام حاجی سید علی اصغر هاشمی شدم و در آنجا با اساتید بزرگوار علم و اخلاق و مبارزه همچون شهید مفتح، شیخ علی اندرزگو، حاج شیخ مصطفی ملکی و... آشنا شدم و پس از مدت کوتاهی اقامت برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودم.در این زمان، قرآن‌واسلام و روحانیت بسیار غریب و مظلوم و منزوی بودند. چون از طرفی مکتب الحادی مارکسیستی، کمونیستی پرچم مبارزه علیه استکبار جهانی را بلند کرده بود و خود را طرفدار طبقه محروم و مستضعف قلمداد می کرد و خدا را ساخته ذهن بشری و دین را افیون جامعه معرفی می کرد که ساخته و پرداخته زورمداران می باشد، و از سوی دیگر استکبار جهانی و رژیم طاغوت مانع مهم و سد اصلی در برابر خود را برای چپاولگری منابع ملت ایران را اسلام و روحانیت می دانست. لذا به انواع ترفندها و به هر بهانه ای حوزه و روحانیت را تضعیف می کرد، تا با خاطری جمع و فراغ بال به اهداف استکباری خود جامه عمل بپوشاند. در چنین شرایطی طلبه شدن و به حوزه آمدن یک جهاد بزرگ بود که شهامتی عظیم و ایمانی قوی می طلبید. به هر صورت درسهای حوزه را با حفظ روحیه مبارزه ادامه دادم. درسهای لمعه، اصول، رسائل، مکاسب، کفایه را نزد اساتیدی بزرگواری همچون وجدانی فر، فاضل هرندی، بنی فضل، اعتمادی، پایانی، آل عصفور، رضازاده و... تلمذ کردم. دروس خارج اصول و فقه را در پای کرسی تدریس آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، وحیدخراسانی و فقه القضای اردبیلی و... زانو زدم.و از درسهای تفسیر استاد جوادی آملی توشه ها برگرفتم و از درسهای اسفار و مصباح الانس استاد ذوالفنون حسن زاده آملی نیز خوشه ها چیدم. البته در حاشیه درسهای حوزه به حسب نیاز و ضرورت زمان، مطالعات جانبی و پی گیر و فشرده ای در زمینه های اعتقادی، کلامی، فلسفی، اجتماعی و غیره داشته ام و ضمناً علاوه بر اتمام دروس کلاسیک دوره عالی زبان خارجی (انگلیسی) را گذرانده ام. در کنار دروس حوزه، دروس تخصصی تبلیغی را در گرایش ادیان شناسی به پایان بردم، و در سال ۱۳۸۴ از رساله علمی سطح چهار خود با امتیاز خوب دفاع کردم.کار تحقیقی و

پژوهشی خود را از سال ۱۳۷۶ با چندین سوال شروع کردم که ضروری ترین و فوری ترین آنها که باید پاسخ داده می شد این بود که: چرا ملتی که اعتقاد به خدا یگانه با چنین اسمای حسنایی دارد و پیامبری همچون محمد امین(ص) و رهبران معصومی همچون علی(ع) و فرزندانش دارد از نظر اجتماعی، اخلاقی، روابط خانوادگی و... در سطح ملتهای کفر و شرک یا کمتر از آنها باشد. لذا در این زمینه پژوهش و تحقیقی چندین ساله برای یافتن ریشه و علل آن انجام گرفت که نمره آن کتاب ۵۳۰ صفحه ای به نام «بهانه راز» پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن شد. البته ذکر به معنای قرآنی آن، یعنی حضور و توجه دائمی به خدای متعال، که با این معنی خود قرآن، نماز، پیامبر(ص) و همه چیز می تواند ذکر باشد و انسان را به خدا توجه دهد و به دنبال این کتاب تحقیقی، ده جلد کتاب پالتویی با چشم انداز اعتقادی اخلاقی تألیف گردید که ویژه ائمه جماعات می باشد که ترتیب و تنسیق آنها بر حسب معیارهای حساب شده و دقیق چینش یافته اند که به شرح ذیل می باشند.

۱. صبای وصال (نماز)

۲. گنجی پنهان (آشنایی و دولتی با خدای مهربان)

۳. مراد دل (در جستجوی حق تعالی)

۴. عیار (به معیار و میزان ایمان می پردازد)

۵. طلعت یار (که جهان همه طلعت و جلوه و چهره اوست می پردازد)

۶. محک تجربه (ادعای اسلام و ایمان موقعی سودمند است که در مرحله عمل با احکام پنجگانه به اثبات برسد، می پردازد).

۷. رندان بلاکش (مؤمن بیدار و هوشیار و دورنگر، همیشه در تاب و تب و بی قراری است).

۸. جاودانگی و خلود (بزرگترین دغدغه و آروزی انسان، فرار از نابودی و رسیدن به جاودانگی است).

۹. جان عبادات (ذکر به معنی قرآنی که حضور و توجه دائمی به خدای عزوجل می باشد، جان و روح تمامی عبادات و کارهای مؤمن است)

۱۰. سنتهای الهی (به بیش از چهل سنت و قوانین ثابت و فراگیر و تبدیل و تحویل ناپذیر الهی که در همه زمانها، مکانها و اقوام جاری و ساری است می پردازد).

سه کتاب اول چاپ شده اند و هشت مجلد دیگر آن انشاء الله حداکثر تا دو ماه دیگر به زینت طبع آراسته خواهند شد.

ضمناً مقالات و جزوه های دیگری نیز آماده و یا در حال تألیف می باشند که انشاء الله امید است تا پایان سال جاری به مرحله طبع سپرده شوند.

عبداللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود عبداللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام(ص) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دورهٔ دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت‌آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و با سرپرستی و اشراف آیةالله شهید بهشتی و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دورهٔ سطح در درس استادان مشهور دورهٔ خود حاضر شد.

با اتمام دورهٔ سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیةالله شیخ حسن تهرانی و حجةالاسلام والمسلمین یثربی فراگرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیةالله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیةالله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیةالله شاه‌آبادی، آیةالله اعتمادی و آیةالله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیةالله ستوده آموخت و در درس کفایة الاصول آیةالله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیةالله شهید مفتح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی و کلام را از محضر آیةالله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیةالله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیةالله خزعلی شرکت جدی داشت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی دارای فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیتهای علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیةالله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.

همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «۲۵ داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیتهای سیاسی غافل نمانده است. از فعالیتهای سیاسی وی در پیش ازانقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد.با حضور در فعالیتها و حرکتهای سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عبدمنافی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عبدمنافی از ائمه جماعت و مروجین دین و خدمتگذاران مذهب و ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام میباشد.
تولـد ایشان در تهران واقع و در آنجا از محاضـر دانشـمندان و علماء اعلام کسب فیض و کمال نموده و بنا بر درخواست و اراده حق تعالی رحل اقامت بزرگنـده افکنده و در مسـجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشـتغال دارد، دارای اخلاق حمیده و صـفات پسـندیده و مورد توجه مردم زرگنده و قلهک میباشـند، فرزند برومند ایشان ثقهٔالاسـلام آقا سید محسن عبدمنافی از محصلین بارع و مودب حوزه علمیه‌اند که بتحصیل علم و کمال اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

عبشمی‌اصفهانی، ابواحمد معمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۴ -۴۹۴ ق)، حافظ، محـدث و واعظ. معروف به ابن فاخر. اهل اصـفهان بود و مورد احترام مردم. وی از ابوالفتـح احمـد حداد و ابوالمحـاسن رویـانی و ابـوعلی احمـد بن محمـد بن فضـل بن شـهریار و ابوزکریـا بن منـده و عبدالواحـد دشـتج و بسـیاری دیگر در اصـفهان، و هبه‌الله بن حصین و ابوغالب بن بناء و احمد بن رضوان و عده‌ای دیگر در بغداد حدیث شنید. هفت بار به بغداد مسافرت کرد. او از ابوالحسـین بن علاف و اسماعیل بن حسن سنجبستی اجازه‌ی روایت داشت. بزرگانی چون ابوسعد سمعانی و ابن‌عساکر و ابن جوزی و ابوحفص سـهروردی از وی روایت کرده‌انـد. سـمعانی وی را از چهره‌هـای درخشـان اصـفهان بـا اخلاقی نیکو و دستی گشـاده و قلبی تپنـده برای یـاری همنوعـان معرفی می‌کنـد و ابن‌جوزی حدیث‌شناسـی وی را می‌سـتاید. به آورده‌ی ذهبی وی کتب بسیاری در حدیث و تاریخ و فرهنگ لغت تصنیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۱ -۱۹۰ / ۸)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۸۱ / ۲)، سیر النبلاء (۴۸۷ -۴۸۵ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۱۴ / ۴)، العبر (۴۵ / ۳)، الکامل (۱۰۵ / ۹)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳۲ -۲۳۱ / ۱۹)، النجوم الزاهراه (۳۶۲ / ۵).

عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ / ۷۱۸ ق)، واعـظ و شـاعر. وی از خطیبـان و واعظـان برجسـته‌ی ایرانی در دوره‌ی ایلخانـان مغـول اسـت کـه بـا خـواجه رشـیدالدین فضل‌الله همـدانی مصاحبت داشت.عتیقی در فصاحت و بلاغت مقامی بلنـد داشت و غالبا در مـدرسه‌ی غیاثیه تبریز وعظ می‌کرد. جلال‌الدین به مانند پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتیقی تخلص می‌کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱) جلال‌الدین عتیقی تبریزی بن قطب‌الدین عتیقی، دانشـمند و خطیب و واعظ (ف. ۷۱۸ یا ۷۴۱ ه.ق.). وی مصاحب خواجه رشـیدالدین فضـل‌اللّه بود. در فصاحت و بلاغت مقامی بلنـد داشت و غالبا در غیاثیه تبریز (که از ابنیه غیاث‌الـدین محمـد بن خواجه رشـیدالدین بود) وعظ میکرد. فرزندان وی نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انوع فضایل و کمالات آراسته بود. دیوان بزرگی از او که در سال ۷۴۴ ه.ق. استکتاب شده در کتابخانه استانبول موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ گزیده (۷۴۵)، تـذکره‌ی روز روشن (۵۳۵ -۵۳۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۱ -۲۶۹)، الذریعه (۷۰۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۲۴ -۵۱۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۵)، مجالس النفائس (۳۲۹)، هفت اقلیم (۲۲۷ -۲۲۶ / ۳).

عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین، ابوالفتوح اسعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۰ -۵۱۵ ق)، زاهـد، واعظ و فقیه شافعی. در اصـفهان به دنیا آمـد و همان جا نشوونما یافت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوزدانیه «معجم صـغیر» و «معجم کبیر» را استماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غانم بن احمد و ابن‌بطی و گروهی دیگر حـدیث شـنید. ابـونزار ربیعـه یمنی و حافـظ ضـیاء و ابن‌خلیـل از وی روایت کرده‌انـد.ابن ابی‌خیر و ابن‌بخـاری از وی اجـازه‌ی روایت داشـتند. او املای حدیث می‌کرد و وعظ می‌گفت و شـیخ شافعیه در اصفهان و صاحب فتوا بود. وی زاهدی بود که از دست رنـج خویش روزگار می‌گذرانید بدین ترتیب که به اسـتنساخ کتب می‌پرداخت و حاصل کار خویش را به فروش می‌رسانید. زمانی ترک وعـظ گفت و به تـألیف کتاب پرداخت. از جمله آثارش: «آفات الوعاظ»؛ شـرح مشـکلات «الوسـطی» و «الوجیز» غزالی؛ «تتمه التتمه»، در فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴ / ۱)، تذکره القبور (۸۴)، روضات الجنات (۹ -۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۳ -۴۰۲ / ۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۸، ۲۰۰۲، ۱۹۱۳، ۱۳۱)، معجم المؤلفین (۲۴۸ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶)، هدیه العارفین (۲۰۴ / ۱).

عدنانی سادات، عبدالمالک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالمالک عدنانی ساداتی

محل تولد : سادات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر به سنه ۱۳۴۴ در روستایی محروم به نام سادات از توابع استان چهار محال و بختیاری و در خانواده ای بسیار ساده و مذهبی که مذهبیت خود را چون سیادت خویش نسل به نسل از اجداد گرامی از شجره مبارکه محمد و آل محمد(ص) به ارث برده اند به دنیا آمده و پس از شش سال دوران کودکی تحصیلات خود را (جهت محرومیت منطقه و نبودن امکانات مدرسه دولتی) در مکتب خانه سنتی آغاز نموده و پس از مدت دو سال و آمدن سپاه دانش وارد دوره ابتدایی شدم و پس از کلاس دوم ابتدایی به سبب زلزله ای بسیار شدید در سال ۱۳۵۴ که باعث تخریب روستا و پراکندگی مردم و نیامدن معلم و محرومیت محسوس، منجر به چهار سال ترک تحصیل شد ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به برکت بیداری مردم و بینش دینی مجددا در شهرستان بروجن ادامه تحصیل داده و پس از پایان دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۹ وارد مدرسه صاحب الزمان شهرستان شهرضا شدم و مقدمات دروس علمیه را شروع نموده و پس از چهار سال جهت ادامه تحصیل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علیمه قم گردیده که ابتدا در مدرسه المهدی واقع در خیابان صفاییه که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی اداره می شد از محضر اساتیدی گرامی چون آیت الله سید محمد حسین دیباجی و ربانی گلپایگانی و ... بهره مند شده و پس از سپری کردن دروس مدرسه وارد نظام حوزوی شدم که در این مقطع دروس سطح را از محضر اساتیدی بزرگواری چون حضرت آیت الله رضا استادی و آیت الله وجدانی فر و صالحی افغانی و محسن دوزدوزانی و آیت الله اعتمادی استفاده نمودم و پس از اتمام سطوح مدونه، دروس خارج حوزوی را از محضر آیات عظام آیت الله سبحانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله فاضل لنکرانی، و آیت الله جوادی آملی بهره وافر برده و هم اکنون که سال ۱۳۸۶ را سپری می کنم از افتخار شاگردی مکتب نورانی این عزیزان برخوردار بوده و هستم و امیدوارم خداوند سایه بلند ایشان را طولانی قرار دهد تا بتوان از خرمن پرفیض ایشان بهره کامل گرفت.

و لازم به تذکر است که از سال ۱۳۶۱ همزمان با تحصیلات حوزوی به امر تبلیغ که همان رسالت انبیا عظام است پرداخته که به لطف الهی در زمینه منبر و سخنوری رتبه یکم را به خود اختصاص داده به شماره پرونده ۸۷۴۷ در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم مثبوت است و در این جهت نوار کاست و سی دی هایی هم وجود دارد که امید است مورد استفاده دوست داران اهل بیت(ع) قرار گیرد.

و با توجه به مطالبی که ذکر شد و به واسطه فیض و عنایات خاصه دائمی امام زمان(عج) بیش از ۲۵ سال سابقه تبلیغی در شهرهای مختلف کشور که حتی همین شهرستان مقدس قم از جمله آنها به امر تبلیغ و انجام وظیفه می پردازم و با توجه به اهمیت موضوع تدوین کتبی چند که نتیجه تجربه چندین ساله است پرداخته که این توفیقات را منحصرا از ناحیه پروردگار علیم و رحیم می دانم امیدوارم آنچه که انجام شد و می شود مورد توجه خاص ولی الله الاعظم روحی له الفداء گردد. و همه سعی و کوشش ما مورد تایید امضای سبز و نورانی حضرت واقع شود و خداوند تمام اعمال و کردار و گفتار و رفتار و حرکات و سکنات ما را مورد رضای خویش قرار دهد.

عراقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابراهیم. عالمی جلیل و غیور بوده، و در نهی از منکر و رفع ظلم، و اشتغال به تدریس و امور شرعیّه، و طریقه زهد و تقوی ممتاز، و مسجد سلام بوده که جهت او بنا کرده‌اند.

وفاتش در ۱۳۲۳ روی داده، قبرش در تکیه شهشهانی در تخت فولاد.
در نجف از شاگردان حاج میرزا حبیب اللّه رشتی بوده و تقریرات استاد را نوشته، و در اصفهان نیز خدمت آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران تلمّذ نموده، و مجاز از چهار سوقی است.
در مدرسه صدر تدیس می‌نموده و جماعتی کثیر از محضرش مستفیض می‌شدند.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عراقی، صابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه رازی در اعلام الشیعه قسم دوم از جزء اول ص ۸۵۰ گوید: وی شیخ آغا صابر بن مولی محمد حسین کوهرودی سلطان آبادی عالمی بارع و فاضل و جلیل، از معاصرین است فقه و اصول و غیر آنرا در نزد عده‌ای از علماء و رجال فضل و اعلام دین خوانده و بعد بوظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و نشر احکام و غیر آنها پرداخته است، و او از علماء موجه و موثق شهرستان اراک بوده است.
نگارنده گوید: مسجد وی در اراک بنام مسجد حاج آقا صابر از مساجد معموره اراک است که اکنون سلیل و فرید ایشان آقای صابری در آن اقامت جماعت و ترویج دین مینمایند.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عرفان، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان(طباطبائی)بود.
شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی)زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.
سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش بر گرفتم.
سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمهٔ الله علیه باز گفته ام.
چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام .

تاکنون به عربستان،عراق،سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواندو امیر محسن در مدرسه شهیدین.

کتب:

کرانه ها / سه مجلد

شرح جواهر البلاغه / دو مجلد

شرح و ترجمه تهذیب البلاغه

فرهنگ غلط های رایج

پژوهشی در اعجاز قرآن

خاطر و خاطره

آفت ها و لطافت های جنسی

زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی

درمان نازائی. مقالات:

ازلابلای متون / حدیث زندگی ۳

رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی/ گفت و گو /دیدار آشنا ۲۳

موفقیت و شانس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۱۲

عفت در اندیشه، گفتار و رفتار /حدیث زندگی ۶

اعتماد به نفس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۶

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۵

عرفانی راد، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن عرفانی راد

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محسن عرفانی راد در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان هشترود دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۵۶، سالهای حکومت خفقان و ظلم رژیم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله موسوی اردبیلی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر معاونت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، به تدریس دروس معارف اسلامی در این دانشگاه مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "وحی تعامل خدا و بشر "و "مبدأ و معاد " را به رشته تحریر در آورده و به زیور طبع آراسته است.

عزیزکیا، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی عزیزکیا

محل تولد : بندر آباد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در ۳۰ کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان ۱۷ شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر ۱۳۵۷ به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجهٔ الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال ۱۳۶۱ هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیهٔ الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیهٔ الله

مظاهری نیز شرکت می کردم.

در سال ۱۳۶۷ در درس خارج فقه آیهٔ الله میرزا جواد آقا تبریزی(ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی ۶ سال یک دوره خارج اصول جناب آیـهٔ الله مکارم مـدظله را درک نمودم، در همین ایام(از ۱۳۶۷- ۱۳۷۳) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) شرکت کردم و با معدل ۳۳/۱۸ از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.

پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال ۱۳۷۹ این کتاب منتشر شـد.) سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد(بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد.در سال ۱۳۷۸ در مؤسسه امام خمینی(ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری درهستی شناسی زن در سال ۱۳۸۲ منشر شد. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال هـای گذشته آثار نـاچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیـهٔ الله مصباح یزدی دام ظله را تحقیق و تـدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/روایات تفسیری/متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعهٔ الزهرا، مرکز تحقیق تفسیر،مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عزیزی تبریزی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمحدثین مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر عزیزی واعظ تبریزی مقیم تهران از اساتید منبر و خطباء مبرز آذربایجان بوده که در زمان خود شهرت بسزائی داشت و منبر بسیار شیرین و آموزنده‌ئی می‌رفت. و هزارها نفر را بمبانی اسلامی معتقد و به معارف حقه آشنا و صدها نفر را از انحراف برگردانیده بود در امر به معروف و نهی از منکر از هیچکس نمی‌هراسید و در مبارزه با بیدادگریها و ستمگران مسامحه نمی‌کرد در تبریز تولد یافته و سالها در آنجا تحصیل و ضمنا تبلیغ نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تا پایان زندگی در آنجا به ترویجات دینی مشغول و خدمات شایسته‌ای انجام داده تا در ماه رمضان در سنین بیش از هفتاد سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در این زمین مقدس مدفون گردیده است.

خاطرات عجیبی دارد که از آنها این قصه جالب را می‌نگارم.

که ارباب منبر متوجه به مریدان خود شده و مغرور نگردند فرمود همه ساله وقت اول را در ماه رمضان در مسجد تهران منبر می‌رفتم و وقت دوم را در مسجد مروی و سوم را در مسجد ملک بازار در مسجد مجد جوانی همه روزه جلوی منبر هم نشسته و توجه کامل به سخنان من داشت و می‌دیدم گاه‌گاهی آهی کشیده و دست بر دست زده و تظاهر به حالاتی می‌کرد تا در روزهای آخر که خود را به من رسانیده و گفت آقا من جوانی منحرف و گمراه بودم ولی بحمدالله در اثر بیانات شما متنبه شده و توبه نموده و روزه‌هایم را گرفته و نمازهایم را که تاکنون نمی‌خواندم خوانده و مصمم هستم که بعد از ماه رمضان به کربلا رفته و توبه حقیقی نموده و تدارک و جبران گذشته را کنم.

من بسیار مسرور شده و گفتم اگر در این ماه رمضان هیچ عملی نکرده باشم مگر هدایت و ارشاد این جوان مرا کافیست. پس او را دعا گفته و تشویق کردم.

روز آخر مجلس که از منبر پائین آمدم و بانی مجلس تا درب مسجد مرا بدرقه نموده و پاکت حق‌القدم منبر مرا داده و در جیب بغلم گذاشتم و آمدم تا کسی بنشینم و به مسجد مروی بیایم دیدم جوان مذکور جلو آمده و تذکره‌ای به من نشان داد و گفت آقا گذرنامه‌ام را گرفته و فردا به کربلا می‌روم لطفا شما دعائی در گوش من بخوانید البته شما را فراموش نخواهم کرد من او را در بغل گرفته و به گوش راست و چپش دعاء سفر خوانده و التماس دعا گفتم او دست مرا بوسید و گفت آقا لطفا مرا حلال کنید مزاحمت کردم جدا مرا ببخشید وقت شما را گرفتم گفتم حلالت کردم و تو را بخشیدم پس به تاکسی نشسته و به مدرسه مروی آمدم و دست در جیب کرده که پول به راننده تاکسی بدهم دیدم آن جوان تائب جیب مرا زده و پاکت پول و ساعت مرا درآورده است. آن وقت متوجه شدم که یکماه این جوان سارق نقشه لخت کردن مرا کشید و در روز آخر ماه نقشه خود را عملی و با اصرار هم از من حلیت خواسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عشاقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عشاقی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۸ زندگینامه علمی

از حدود سال ۱۳۴۷ همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال ۶۴ به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام درسال ۶۴ برای تکمیل تحصیلات مخصوصا فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود ۹ سال در درس خارج فقه وا صول آن بزرگان شرکت نمودم.علاوه بر تحص

یلات بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصا علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهایه الحکمه ، شرح منظومه ، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نموده ام و اینك چند سالی است به تدریس در سطوح عالیه فلسفه و عرفان مشغولم.در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها ، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرهٔ المعارف علوم عقلی و غیره

عصاری طابرانی طوسی، ابومحمد عباس

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۹ ق)، عالم دینی، واعظ و محدث. وی «کشف البیان» ثعلبی را از طریق محمد بن سعید فرخرادی، از مؤلفش، روایت کرده است. از ابوالحسن بن اخرم حدیث شنید. مؤید طوسی و عبدالرحیم سمعانی و ابوسعد صفار از وی حدیث شنیدند. وی در فتنه غز در نیشابور کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۲۸۹ -۲۸۸ / ۲۰).

عطاء خراسانی، ابوایوب، عطاء

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵ -۵۰ ق)، مفسر، محدث و واعظ. اصل وی از خراسان بود، اما در دمشق و بیت‌المقدس زندگی می‌کرد. از صحابیانی چون ابن‌عباس و ابوهریره و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارسال روایت کرده است. او از ابن‌بریده و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی‌رباح و نافع و عکرمه حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیخش، عطاء بن ابی‌رباح، نیز از وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود و معروف به فتوا و جهاد. اما بخاری و عقیلی و ابن‌حبان او را از جمله ضعفاء محدثین ذکر کرده‌اند. در اریحا درگذشت و در بیت‌المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التفسیر»، که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (۴۷۵ -۴۷۴ / ۶)، تهذیب التهذیب (۱۸۶ -۱۸۴ / ۷)، الجرح و التعدیل (ج ۳ ق ۳۳۵ -۳۳۴ / ۱)، سیر النبلاء (۱۴۳ -۱۴۰ / ۶)، شذرات الذهب (۱۹۳ -۱۹۲ / ۱)، طبقات ابن‌سعد (۲۶۱ / ۷)، العبر (۱۴۰ / ۱)، کشف الظنون (۴۵۳)، معجم المؤلفین (۲۸۳ / ۶).

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۳ / ۵۷۱ -۴۸۶ ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازه حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (۵۴۸ ق) به عراق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن وعظش همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعد سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود واز عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان رواسی و نصار بن احمد

عیاضـی حدیث شـنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشـتم. ابواحمد بن سـکینه و ابن‌الاخضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بـدل تبریزی بزوری و ابوالمواهب بن صصـری و قاضـی بهاءالـدین یوسف بن شـداد و ابوالمجـد محمد بن حسـین قزوینی از وی حـدیث شـنیده‌اند. وی در تبریز درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجوبه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۶ / ۶)، سیر النبلاء (۵۴۰ -۵۳۹ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۴۰ / ۴)، العبر (۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۵۰ / ۹)، النجوم الزاهره (۷۱ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۰۳ -۲۰۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۳۹ -۲۳۸ / ۴).

عطایی کوزانی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت عطایی کوزانی

محل تولد : فومن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عنایت عطائی فرزنـد محمّد دوران متوسـطه را در رشـته ریاضـی فیزیک، در سال ۱۳۷۱ به پایـان رسانـدم، و در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیهٔ قم شدم، که تا کنون مشغول تحصیل فقه، اصول و فلسفه هستم.

عظیمی، شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین عظیمی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱ زندگینامه علمی

از روحـانیون قبـل از انقلاب و طلاب مـدرسه حقانی (به مـدیریت شـهید قدوسـی) و بعـد از آن مؤسـسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (المهدی فعلی) بوده و همان زمان در کنار دروس حوزوی به تدوین و نوشـتاری و مقاله‌نویسـی مبادرت می‌نمودم به کتب آن زمان

استاد محقق و آیت الله فعلی مکارم شیرازی و مدرس آن موقع حوزه و آیت الله فعلی نوری همدانی علاقه زیادی داشتم روش رئالیسم مرحوم مطهری و ماتریالیسم و دیالکتیک استاد آیت الله فعلی جعفر سبحانی را مطالعه می‌نمودم به مراکز مختلف اعم از روستاها و شهرهای کشور نیز جهت انجام خدمات تبلیغی مهاجرت می‌نمودم دروس سطح را قبل از انقلاب اتمام نموده مدتی در کرمانشاه در درس خارج فقه مرحوم آیت الله میبدی شرکت می‌کردم یک دوره شرح تجدید نزد مرحوم حقی سرابی در مسجد فاطمیه گذرخان (قبل از انقلاب) تلمذ نمودم. سه سال بحث مسیحیت را نزد استاد عبدالقائم شوشتری (الأن از ائمه جمعه هستند) برادر وزیر سابق دادگستری تعلیم گرفتم نزد ایشان دو سال هم تصوف خواندم، یکسال هم مبحث بهائیت و ردّ آن را نزد استاد قدرت الله نجفی خواندم پیوسته از شاگردان ممتاز استاد شوشتری بودم الان بسیاری از شاگردان آن موقع و همدرسان حقیر از مسئولین طراز اول نظام هستند اوائل انقلاب به تهران هجرت نمودم مدتی درس خارج فقه جواهر مرحوم حقی سرابی در مدرسه و مسجد امام حسین(ع) فعلی شرکت نمودم آنگاه در میدان بهارستان (دبیرستان شریعتی روزانه) به تدریس عربی و دینی چهارم دبیرستان و در دبیرستان شهید رجائی و شبانه ابتدایی پاسداران به همان دروس پرداختم مدتی در مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر پورجوادی مصحح کتب و مقابله کتب دینی و غیردینی بودم همان زمان از سری دوازده گانه کتب محمدعلی دخیل از علمای نجف جلد اول آن یعنی الأمام امیرالمؤمنین علی(ع) را به فارسی ترجمه کردم و به بنیاد بعثت تحویل دادم سپس وارد ارتش شدم و ضمن قبول مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر به تدریس اصول عقاید و ماتریالیسم و ریشه‌های انقلاب و خدمات متقابل اسلام و ایران اشتغال داشتم از اساتید مرکز آموزشهای هوایی بودم پس از ارتش به سپاه رفتم و آنجا نیز ضمن داشتن مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر مربی و مدرس بودم یکسال ورامین، یکسال نقده، یکسال سقزّ بودم و سپس به خدمت در سازمان تبلیغات اسلامی درآمدم در دانشگاه خواجه نصیر استاد اخلاق و ریشه‌های انقلاب شدم امام جماعت نیز بودم در سازمان هم ضمن داشتن مسئولیت به نوشتن مقاله و همکاری فرهنگی و تبلیغی ادامه دادم.

پس از ۲۰ سال متارکه رسمی دروس حوزوی مجدداً به قم برگشتم و ضمن انتقال کار اداری از تهران به طور موقت به قم شروع به تجدید و مرور به دروس قبل از انقلاب نمودم سطح ۲ و سطح ۳ را گرفتم و چون فرصت خوبی برایم پیش آمد و تدریس در دانشگاه‌ها هم نیاز به مجوز پیدا کردم مبادرت به امتحان و مصاحبه علمی معاونت اساتید معارف دانشگاه‌ها را نمودم و موفق به اخذ دو مجوز تدریس اخلاق اسلامی و معارف (اندیشه ۲) گردیدم هم اکنون در تهران در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی طی ۱۲ ساعت در هفته (بعد از ظهرها) اشتغال به تدریس دارم هفته‌ای سه روز یعنی روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه در درس خارج فقه (مکاسب محرمه) مقام معظم رهبری شرکت می‌کنم تدوین پایان‌نامه با عنوان (حکمت الهی در ادیان توحیدی) دارم که قائل ارائه می‌باشد جزوه دیگری آماده چاپ تحت عنوان ۱۴ درس اخلاق برای دانشجویان که تقریباً تدریس برای یک ترم دانشگاهی است دارم با هیئت رزمندگان اسلام در تهران در بخش فرهنگی آن همکاری فرهنگی دارم که مصاحبه اخیر حقیر در مجله ماهانه آنها چاپ می‌گردد با مرکز مشاوره جناب دکتر افروز در ارتباط هستم و بیش از ۵ سال است که به بصورت تجربی و روانشناسی و دعا درمانی اسلامی و سنتی خانواده‌ها را سرویس‌دهی مشاوره‌ای می‌نمایم و اخیراً با مرکز مشاوره جهت اخذ مجوز ارتباط برقرار نموده‌ام ناشر نیز هستم تحت عنوان انتشارات مه‌رویان و کتاب شرح کامله کلیله و دمنه را که بیش از هزار صفحه و در یک مجلد و تألیف ۱۴ ساله حجت الاسلام دکتر موسوی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب می‌باشد حدود ۵ الی ۶ ماه است که چاپ و نشر نموده‌ام و آماده عرضه می‌باشد و در پایان باید بگویم که هم‌اکنون در تهران و قم (بیشتر تهران) اشتغال به کار اجرایی، مشاوره، دعا درمانی، شرکت در درس خارج فقه رهبر انقلاب، تدریس در هفته در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و... دارم.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال ۱۳۶۱ ه.ق (مطابق با ۱۳۲۰ ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در ۶۵ کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه درسال ۱۳۷۸ ه .ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیه فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، ازمحضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.

هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا درسال ۱۳۹۱ ه.ق (۱۳۴۹ ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم،با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسما از سال ۱۳۴۰ ه . ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص) » را در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتح به چاپ رسید تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.

محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به ۱۱۰ جلد بالغ می شود.که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲ سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب

«دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکترا» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. ازآن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که ازآنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد: ۱. احداث دو باب دبیرستان ۱۲ کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال ۱۳۶۶ ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. ۲. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (۱۰ دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال ۱۳۷۰ ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. ۳. احداث و مرمت جاده شوسه ۱۴ کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال ۱۳۶۷ که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. ۴. فراهم آوردن مقدمات جاده کشی ۱۲ کیلومتری راه کردکندی، اشتلق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. ۵. خرید زمین، به مساحت ۴۰۰۰ متر و پی ریزی دبیرستان ۸ کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. ۶. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. ۷. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود ۲۵۰ عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی،آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. ۸. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. ۹. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

علاقه‌بند، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا محمدعلی، از محترمین اهل منبر اصفهان بوده، و سال‌ها در این شهر به وعظ و ارشاد و هدایت مردمان پرداخته، در سال ۱۳۲۵ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، قبرش در همین اطاق می‌باشد.

پدرانش همگی اهل علم و منبر اصفهان بوده و در این شهر می‌زیسته‌اند.

دیگر از مدفونین در این اطاق: مرحوم حاج سید مصطفی مؤید الاطباء فرزند میرزا محمد تقی حسینی درب امامی، از پزشکان

معروف اصفهان، و از شاگردان حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی و دیگران است. در ۱۳۷۳ به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علامه حایری، محمدصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصالح بن العلم العلام الحاج الشیخ میرزا فضل‌اللّه مجتهد حایری مازندرانی متوفی (۱۳۴۶ ق) از مشاهیر علماء و معاریف مجتهدین معاصر ما بوده‌اند که در شهر ساکت و آرام سمنان چون یوسف (ع) و چاه کنعان بسر می‌بردند.
وی در سال هزار و دویست و نود و هفت قمری در کربلا متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و مرحوم والدش در ماده تاریخ ولادت این فرزند برومند گفته (بالخلف الصالح قولوا مرحبا).
علامه حایری ره در دامن پرمهر مادر عفیفه و صالحه‌ای که دختر مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدیوسف استرآبادی صاحب کتاب (صیغ‌العقود) و کتب دیگر تربیت شده و مقدمات را از محضر آخوند ملا عباس اخفش و آخوند ملا علی سیبویه استفاده کرده و در همان اوقات الفیه‌ی ابن مالک را تخمیس نموده و پس از مقدمات به خواندن سطح فقه و اصول پرداخته و به نجف اشرف عزیمت نموده و از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۲۴ قمری در باب مدینه علم از محضر مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی فقه و اصول را استفاده نموده و معقول را از حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری فراگرفته و در اوائل بلوغ بسر حد اجتهاد رسیده و پس از تکمیل مبانی فقه و اصول و علوم عقلی در مدت دوازده سال به واسطه کسالت ضعف چشم به ایران آمده و مدتی در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن به بارفروش (بابل) فعلی رحل اقامت افکنده و مرجع تقلید جماعتی گردیده و از آنجا اجباراً به سمنان منتقل و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال داشتند و در سال مزبور در سن نود و شش سالگی وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل حمل به مشهد مقدس و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیهٔ والثناء مدفون گردیده است.
مرحوم علامه سمنانی در قدرت ادبی به عربی و فارسی وحید عصر و فرید دهر خود بود و تمام بزرگان و ادباء عراق و ایران او را به استادی تعظیم و تکریم نموده و به نبوغ می‌ستودند بیش از سیصد مجلد تألیف از کتاب و رساله دارد که همه در کتابخانه شخصی ایشان آماده برای چاپ می‌باشد.
فهرست تألیفات و تصنیفات این فقیه اصولی و متکلم رجالی و ادیب اریب و شاعر ماهر و حکیم ربانی در فنون مختلف در کتب تراجم مانند ریحانهٔ‌الادب والذریعه و علماء معاصر و غیره مذکور است.
علامه حایری در فن سرودن قصائد عربی متبنی عصر خود و در سرودن قصائد غزلیات فارسی سعدی زمان بود در انشاد مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع) ید طولائی داشت بلکه از جهاتی بی‌نظیر بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علامه شهریاری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در حدود سال ۱۳۲۵ ق متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات در زادگاه خود و تهران در اوائل تاسیس حوزه علمیه قم مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول (شرح منظومه) و غیره را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی پائین شهری استفاده و در درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه حجت و غیرهم حاضر و کسب فیض نموده آنگاه برای خدمات دینی و اجتماعی و تبلیغ احکام مراجعت و در علیشاه عوض مرکز شهریار اقامت و تاکنون بانجام وظائف دینی و غیره اشتغال دارند.

دارای اجازات روایتی و غیره از مرحوم ثقةالمحدثین حاج شیخ عباس قمی و دیگران می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای علامه شهریاری عالمی بصیر و فاضلی روشن ضمیر و دارای طبع روان و ذوق فراوان و خوش مجلس و محاوره می‌باشند. دیوان اشعاری در مدایح و مراثی و نصایح و مواعظ دارند که بنظر آیت‌اللّٰه العظمی و العلامه الکبری آقای مرعشی نجفی مد ظله رسیده و تقریظ جامع و کاملی که مقام علمی و ادبی مترجم معظم را معرفی می‌کنند بر آن مرقوم فرموده‌اند ولی متاسفانه تاکنون بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی هشترودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد علامی بن العلم العلام آقا شیخ محسن علامی از فضلاء آذربایجان مقیم قم می‌باشد.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در سراسکند که از محال هشترود می‌باشد و در سن پانزده سالگی به تبریز آمده و بتحصیل علوم دینی پرداخته و در سن بیست سالگی مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا فتاح شهیدی صاحب کتاب (هدایه الطالب الی اسرار المکاسب) و کتاب فرائد را محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود دوز دوزانی خوانده و ضمنا بتدریس مطول و لمعه اشتغال داشته و در سن ۲۵ سالگی در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم آمده و کفایه را از محضر مبارك آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه العظمی برجرودی شرکت نموده و استفاده کامل کرده و بتدریس رسائل و مکاسب پرداخته و چند سالی است که در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام حسین (کوچه شیخ مهدی) ترویج دین اشتغال دارد. معظم له حکمت و فلسفه را هم از محضر آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن رفیعی و علامه بزرگوار آقای طباطبائی آموخته است.

دارای آثار علمی میباشد که از آنها است:

۱- ایضاح المطالب فی شرح المکاسب که بطبع رسیده است.

۲- جلد دوم غایه الایضاح که دارای پنجاه ماده است.

۳- رساله‌ای در اصول‌الدین که تحقیقی و اجتهادی و استدلالی نوشته‌اند.

۴- کتاب جامع الروایات والمطالب.

۵- تقریرات درس طهاره مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی.

۶- تقریرات بحث بیع مکاسب مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علامی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلای حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علامی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد علامی تبریزی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است وی در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات

در مدرسه طالبیه تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری حاضر و حدود ده سال استفاده نموده و مورد توجه مخصوص آنجناب گردیده تا سال ۱۳۹۴ قمری که پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسن علامی مذکور به تقاضای اهالی مسجد آن مرحوم و حسب‌الامر آیت‌اللّٰه شریعتمداری به کرمانشاه مهاجرت و تااکنون به اقامه جماعت در مسجد ترکها و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارند

نگارنده گوید: آقای علامی فاضلی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و صفا و صداقت می‌باشند

و در مسجد مزبور کتابخانه‌ای برای جوانان تأسیس و شبها جلسه پاسخ به پرسشها بعد از نماز مغرب و عشا دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علائی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدابراهیم علائی از فضلاء اهل منبر و دانشمندان خطباء معاصر می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۲ ق در اراک متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن دروس جدید تا درجه دیپلمی به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین اراک آموخته و متون و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّٰه آقای گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا حسن فرید و دانشمندان دیگر آن سامان فراگرفته و هم به بعضی از زبانهای زنده روز کاملا آشنا شده و بواسطه مطالعه در علوم و فنون مختلفه اطلاعات وسیعی در علوم روز کسب نموده و با اینکه فرهنگ اراک و غیره می‌خواست با دادن حقوق زیادی از مقام استادی وی برای تدریس دبیرستانها استفاده کند معظم له نپذیرفته و رشته منبر و سخنرانی را انتخاب و از این راه در اراک و غیره خدمات بارزی به دین نموده و بسیاری از نسل جوان و روشنفکر آن را ارشاد و از انحراف و مسیر غلط گردانیده است.

جناب آقای علائی از سال ۱۳۹۰ ق منتقل به تهران شده و تا حال حاضر از طریق منبر و وعظ در هیئت محترم (فاطمیون) تهران و مساجد و مجالس دیگر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

مؤلف گوید: قریب سی سالست که معظم له را از نزدیک می‌شناسم دانشمندی وارسته و واعظی شایسته و ادیبی فرزانه و خطیبی پرمایه و فاضلی خلیق و دوستی صدیق می‌باشد. بیانی ملیح و منطقی صریح دارد.

منبرش اخلاقی و آموزنده و در بحث ولایت و فضائل خاندان رسالت بسیار ارزنده می‌باشد. از خداوند بزرگ موقعیت و پیروزی امثال ایشان را خواسته و برادران دینی را به قدردانی از این گونه خدمتگذاران که زبان گویای شیعه و خلفاء رسول ص هستند توصیه می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علماء، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید رضای قمی معروف به علماء از افاضل دانشمندان و قدماء حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان مذهبی قم است.

تولدش در قم واقع شده و سطوح را از مدرسین حوزه بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله فراگرفته و بالغ بر ۱۸ سال از ابحاث زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و بعد منحصرا به درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و می‌شود.

عالمی ظریف و دانشمندی لطیف و خوش اخلاق و محاوره است همواره چهره‌اش گشاده و لبانش متبسم و در اکثر بحثها و دروس سیدنا الاستاد فقیه اهل البیت علیهم‌السلام آقای مرعشی نجفی سلمه‌الله با ما شرکت داشته و دارند.

برادر ایشانست ثقه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا حسین علماء که نیز از شرکاء درس آیت‌اللهی مرعشی نجفی هستند و از طرف معظم‌له در هفته یکشنبه یا دوشنبه در مسجد جمکران اقامه جماعت نموده مردم را در پیرامون ولایت مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و نیز در شهر قم از طریق منبر ارشاد مردم نموده و بیان احکام و معارف اسلام می‌نمایند و همه روزه ظهر و شب در نماز جماعت آیت‌الله مرعشی شرکت نموده و استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علم‌الهدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد بن العالم الجلیل الحاج السید علی بن الحسین معروف بعلم الهدی خراسانی از علماء اعلام و وعاظ کرام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۸ ق تقریبا در مشهد مقدس متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات (در خدمت آقای ادیب نیشابوری و محقق نوغانی) قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر و دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه موسوی و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان برای تبلیغ احکام و تنویر افکار بنا بر دعوت به شهرستانها و بالاخص بمرکز و عاصمه تشیع (تهران) مسافرت و از راه منبر و بیان خدماتی انجام داده و مورد توجه بسیاری از مردم متدین و دانا و روشن فکر قرار گرفته که از ایشان برای اداره مسجد (صاحب الزمان) انتهای خیابان شاهپور دعوت و از سال ۱۳۹۰ ق تاکنون در مسجد مزبور به اقامه جماعت

و گفتن تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند و در مجالس بسیار دیگری از هیئات مذهبی انجام وظیفه می‌نمایند.

نگارنده گوید: آن جناب دارای منطقی گویا و بیانی شیوا و محامد آداب و محاسن اخلاق و موصوف بفضل و تقوا و با برادر ارجمندش که ترجمه‌اش ذیلا خواهم نوشت ستاره درخشان از آسمان علم قم و خراسان می‌باشند که در محیط تهران به نورافشانی و روشن کردن دلها و افکار روشنگران فروزندگی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علمی عراقی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی از علماء محترم و دانشمندان معظم و قدماء مکرم حوزه علمیه قم‌اند که به محامد آداب و محاسن اخلاق و متانت موصوف و و به فضل و تقوا معروف می‌باشند. در ربیع‌المولود ۱۳۲۳ قمری در اراک متولد شده و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۴۰ قمری به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مرحوم میرزا محمد ثابتی همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌الله صدر استفاده کرده و به درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالغ بر هیجده سال از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و چندین سال تصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف آن مرحوم با ایشان بوده است و پس از آن مرحوم به آیت‌الله العظمی شریعتمداری پیوسته و تا هم اکنون به مباحثه معظم‌له شرکت می‌نمایند.

حکایت کردند برای نگارنده که در ماه شوال ۱۳۹۲ ق شبی در خواب دیدم که حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف ظهور کرده‌اند پس شرفیاب شدم حضورشان دیدم عده‌ای از آقایان هستند محضرشان که در میان آنها جناب آقای قاضی طباطبائی حاج سید حسین و آقای حاج سید مرتضی برقعی واعظ معروف بود و می‌خواستند قبل از قیامشان منبر بروند پس آقای قاضی گفتند منبر آقا را مقابل قبله بگذارند آقای برقعی گفتند منبر آقا را رو به کشور ترکیه بگذارید که آقا با مردم ترکیه صحبت کنند پس منبر را به سمت ترکیه گذاردند و آقا به منبر رفتند و من از خواب بیدار شدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علوی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین علوی طباطبائی فرزند حجهٔ‌الاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید ابوالقاسم علوی دومین داماد آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و از بنی اعمام ایشان از خاندان طباطبائی بروجرد هستند. جد ایشان مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدحسین از علماء بزرگ بروجرد و حوزه علمی ایشان در عصر خودش از حوزه‌های بزرگ بروجرد بوده است.

و نیز جد بزرگ او مرحوم حاج سید ابوتراب از بزرگان سلسله طباطبائی در جود سخا و حسن خلق زبانزد خاص و عام بوده است. مقبره‌اش در نجف اشرف در بقعه مرحوم بحرالعلوم علیه‌الرحمه است.

مترجم گرامی ما در سال ۱۳۰۴ شمسی در بروجرد متولد شده و در دبستان و دبیرستان آن شهر تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داده و بعد از تشرف مرحوم آیت‌اللّٰه فقید به قم بفاصله شش ماه به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینی نموده و بعد از فراغت از سطوح در نزد اساتید معظم حوزه هفت سال در محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی حاضر و از خرمن فضیلت آن مرد بزرگ خوشه‌ها چیده و در سال ۱۳۲۸ شمسی بمصاهرت آن بزرگوار مفتخر و پس از فوت آن مرحوم مهاجرت به تهران نموده و در مسجد فخریه تهران بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین و تنویر افکار جوانان و روشنفکران پرداخته و تا هم‌اکنون به این خدمات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آقای علوی علاوه بر تحصیلات جدید و قدیم بزبان انگلیسی نیز تسلط دارند و دانشمندی ادیب و آشنای به ادبیات

عربی و فارسی می‌باشند و در نویسندگی نیز توانا هستند.

از آثار مطبوع ایشان کتاب خاطرات زندگانی حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی است که در بیست و پنج هزار نسخه منتشر گردیده.

و دیگر از آثار وی تأسیس حسینیه علوی در خیابان فرهنگ نزدیک به خیابان امیریه می‌باشد که پایگاه و مرکز حساسی برای نشر معارف اسلامی است و در روزهای جمعه از اول آفتاب تا قریب بظهر خطباء و گویندگان بزرگ برای صدها نفر مردم مرکز موعظه نموده و سخنرانی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محمدباقر بن سید الاعلام السید علی بن السید حسین علوی مسجد حوضی تهران از علماء معروف تهران بودند و در مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک محله سرپولک اقامه جماعت می‌نمودند و در میان علماء و اهالی تهران بسیار محترم و مکرم و مورد وثوق قاطبه مردم بودند و با مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی صداقت تام و رفاقت تمامی داشتند.

وی در سال ۱۳۰۵ قمری هجری در تهران متولد و در کودکی قرآن و تجوید را از آخوند ملاـ علی فراگرفته و در مدرسه ادب تحصیلات جدید را آموخته و فقه و اصول را نزد آقا میرزا کوچک ساوجی که از علماء مشهور عصر و مدرس مدرسه صدر بودند خوانده و معقول را نزد حکیم دوران و فرید زمان آیت‌اللّه حاج عبدالنبی نوری طاب ثراه آموخته و پس از فراغ از تحصیل مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده کرده و نائل به درجه اجتهاد شده آنگاه مراجعت به تهران و در مدرسه عبداللّه خان واقع در بازار بزرگ مشغول تدریس گشته و احکام تجارت و مکاسب را برای تجار بیان نموده و عده‌ای از بازرگانان از محضرش کسب فقه و معارف اسلامی نموده تا در ماه شعبان‌المعظم سال ۱۳۸۶ ق در تهران وفات و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرام خویش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد رضا بن الایه حاج سید محمدباقر علوی آنف‌الذکر از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۳ ق در تهران تولد یافته و در مهد علم و سیادت پرورش نموده و پس از خواندن دروس عالیه جدید، ادبیات و سطوح وسطی را در تهران آموخته و در سال ۱۳۶۴ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ قم فراگرفته و از دروس خارج مرحومین آیتین علمین آقای حجت و آقای خونساری استفاده نموده و پس از رحلت ایشان از محضر آیت‌اللّه العظمی زعیم اعظم آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و علامه معاصر آقای طباطبائی بهره‌مند شده و در سال

۱۳۸۶ ق پس از فوت مرحوم والدش به تهران مراجت و در مدرسه سپهسالار قدیم و مسجد حضرت امیر علیه‌السلام به اقامه جماعت و در مدرسه‌ی مزبور بتدریس و ترویج دین پرداخته و هم از محضر مرحوم وحید عصر آیت‌اللَّه شعرائی حاج میرزا ابوالحسن قدس اللَّه سره هیئت و نجوم و ریاضیات را آموخته و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی شهیدی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا محمّد باقر علوی شهیدی عالم فاضل زاهد، از ائمّه جماعت اصفهان که به جای پدر در مسجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می‌فرمود.

از شاگردان پدر خود، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی درچه‌ای، و میرزا حسین همدانی، و آخوند کاشی بود.

در شب ۲۵ محرم سال ۱۳۸۵ بسنّ متجاوز از هفتاد و پنج وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

علوی قزوینی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد فرزند عالم جلیل حاج آقا بزرگ علوی قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر دارالمؤمنین قزوین است. در سال ۱۳۰۷ شمسی در بلده طیبه قم متولد شده و تحصیلات مقدماتی و سطوح را در شهرستان قزوین نزد والد بزرگوارش و سایر اساتید گرانقدر آن سامان عموی آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن رفیعی و آقا سید محمد تنکابنی به اتمام رسانیده و در سال ۱۳۳۵ شمسی برابر ۱۳۷۵ قمری عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگوار آن دیار بهره‌مند گردیده و بالاخص افتخار شرکت در درس و محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه خمینی و نیز حکیم متاله و فیلسوف الهی و مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبائی صاحب تفسیر و زین المیزان و عالم ربانی حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللَّه اراکی و حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللَّه اراکی و حاج شیخ محمد فکوری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل مراتب علمی مراجعت به قزوین و به تدریس علوم مختلفه دینی و اقامه جماعت در مسجد سلطانی (مسجدالنبی- ص) و مسجد محله مسکونی خود (مسجد شیشه گرها) پرداخته و تاکنون اشتغال دارند. از آثار علمی ایشان تقریرات اساتید حوزه علمیه قم می‌باشد.

و از باقیات الصالحات معظم‌له:

۱- بناء حسینیه سیدالشهداء در قزوین است و واقف آن مرحوم آقا میر عبدالباقی است که تولیت آن را با علماء و دانشمندان از خاندان علوی می‌باشد و این حسینیه مدتها به صورت مخروبه درآمده و تعطیل بود که به همت والای ایشان تعمیر و به صورت عالی و باشکوهی درآمده و اکنون مورد استفاده عموم علاقمندان می‌باشد و در آن نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و ذکر احادیث و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی علوی از دانشمندان و مستخرجین حوزه علمیه قم می‌باشند وی سالها از محاظر آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و مرحوم والدش و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به قزوین آمده و پس از چندی اقامت مهاجرت به تهران و تا حال تحریر در قسمت غرب تهران به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر ابوترابی علوی سومین فرزند آن مرحوم و دارای مقام فضل و تقوا و مانند مرحوم والدش متعبد و متقی می‌باشند. تولد ایشان در قم واقع شده و در حجر تربیت چنان پدر بزرگواری پرورش و دوران کودکی را گذرانیده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و از محضر مدرسین سطوح استفاده نموده و پس از تکمیل آن از دروس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی آقای مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه شریعتمداری و دیگران بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۲ قمری به قزوین وطن اصلی خود منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن ابی‌تراب بن مرتضی الحسینی القزوینی عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا فقیهی عابد و ناسکی زاهد از علماء محترم حوزه علمیه قم بوده است

وی در سال ۱۲۹۱ ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۱۹ مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیتین علمین کاظمین علامه یزدی صاحب (عروة) و آخوند خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته تا سال ۱۳۴۲ ق که به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حائری (مؤسس) حوزه علمیه در نشیید حوزه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده و در مسجد

بالاسر حضرت معصومه و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته و هم تدریس بعضی از متون فقهی نموده تا در ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری بعد از کسالت ممتد بدرود حیات گفته و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه حائری مدفون شده است.

نگارنده گوید: مرحوم آقای قزوینی از عباد و زهاد علمائی بودند که توفیق زیارتشان را یافتم نسبت بحقیر محبتی داشته و همواره تشویقم بتحصیل علم و تهذیب اخلاق می‌فرمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی گنابادی، سلمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلمان علوی گنابادی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۸

ورود به حوزه علمیّه ۱۳۷۳

پس از آشنایی با انجمن شعر و قصّه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم.

در سال ۸۴-۸۵ خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.

گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.

پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعّالیّت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال ۸۱ (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تر پی گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام.

گاهی نیز تحقیقاتی – نه در این دو حوزه – داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی مهر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علوی مهر

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان اهواز در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای ۶۱ و ۶۲ در کنکور امتحان داده و پذیرفته می شود اما ترجیح می دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت میکند. از سال ۱۳۶۳ به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالیه را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می رساند. از سال ۱۳۶۸ در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال ۱۳۷۱ در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می شوند و در سال ۷۶– ۷۵رتبه ممتاز را کسب می نماید. و با یک سال مرخصی در سال ۱۳۷۷ سطح چهار را به پایان می رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت،شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح ۴ = دکترا شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش ها و گرایش های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع(مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علوی، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد بن آقا سید قاسم علوی گرگانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر گرگانست.

معظم له در سال ۱۳۳۲ قمری در قریه (النگ) از قراء کرد کوه گرگان متولد شده و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و قرائت قرآن نموده و در سن پانزده سالگی والدین خود را در مدت یک هفته از دست داده و در تحت نظر حجهٔالاسلام مرحوم

ملا محمدهاشم کردکوهی ادامه به تحصیل داده تا سال ۱۳۴۵ قمری که به مشهد مقدس رضوی عزیمت و حدود سه سال در آن سامان از مرحوم فاضل بسطامی و ادیب بزرگ نیشابوری (میرزا عبدالجواد) و آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم و سید بحرالعلوم و مقداری مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده و تکمیل ادبیات سطوح عالی را نموده.

و در سال ۱۳۴۷ ق مهاجرت به قم و مکاسب و رسائل و کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و طهارت شیخ را هم از مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمد فیض قمی فراگرفته و حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی استفاده و از درس خارج صلوهٔ مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی و درس اصول آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری با توصیه و تصویب مرحوم آیت‌اللَّه حایری (مؤسس حوزه) مهاجرت به نجف و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا برحسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللَّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی مراجعت به ایران و چندی در گرگان و زاده‌گاه خود اقامت و در سال ۱۳۶۶ ق بقصد توطن به قم عزیمت و در حوزه علمیه به تدریس مکاسب و کفایه پرداخته و بعد از چند ماه با اصرار اهالی گرگان و امریه مرحوم آیت العظمی بروجردی به گرگان برگشته و تا حال تحریر در مسجد جامعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه علوی گرگانی به واسطه داشتن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و قدس و تقوا و بیان شیوا و جامع در مواعظ و نصایح و ملاحت سخن در تفسیر قرآن مورد توجه قاطبه اهالی گرگان و اطراف آن و محبوبیت بخصوص دارد.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی می‌باشد که از باقیات الصالحات و مصداق حدیث شریف (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشند و آنها از این قرار است.

۱- جناب حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدعلی علوی که از مدرسین و افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند و در ج ۲ ص ۲۰۶ ترجمه اجمالی وی گذشت.

۲- ثقهٔ‌الاسلام آقای آقا سید حسن علوی که از محصلین جدی و بارع حوزه علمیه و آینده درخشانی دارند.

۳- ثقهٔ‌الاسلام آقای آقا سید حسین علوی که از محصلین جدی و یا برادر مذکورش در حوزه اشتغال بتحصیل و از دانشمندان بزرگ آتیه خواهند بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلیمان علوی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید سلیمان علوی در سن بزرگ‌سالی پس از معاف شدن از سربازی در سال ۱۳۴۹ به طور رسمی در سبزوار تحصیلات حوزوی را آغاز و در سال ۲۲/۶/۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات را از جامع المقدمات آغاز نمودم دروس معمول حوزه سطح را گذراندم سپس درس خارج آغاز و تاکنون شرکت در درس فقه و اصول ادامه دارد.و در سال ۱۳۶۵ در امتحان پایه ۹ قدیم حوزه موفق شدم.

کاری علمی:

مدتی با دایرهٔ المعارف قرآن و دائرهٔ المعارف فقه فارسی حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی همکاری داشتم.مدتی در نهاد مقام معظم رهبری به سوالات شرعی دانشجویان پاسخ می‌دادم.همچنین به سوالات اینترنتی مرکز اینترنتی حوزه پاسخ کتبی می‌دادم.از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه آزاد اراك شدم و به عنوان کارشناس از دفتر فرهنگ مشغول و از آن تاریخ تا سال ۱۳۸۰ به تدریس مشغول و نیز از مهرماه سال ۱۳۸۵ دوباره به تدریس متون مشغول شدم.و از سال ۱۳۷۸ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی تهران به طور حق التدریس مشغول تدریس می‌باشم.

تالیف:

تاکنون به لطف الهی موفق کتابی با نام «آوای ملکوتی» تفسیر چهل پیام از زیارت عاشورا تألیف نمایم که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

علوی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مشهور به (حاج آقا بزرگ) علوی موسوی بن العلم العلام میر سید محمدباقر بن العلامهٔ السید علی قزوینی صاحب (حاشیه بر قوانین) که ذکرش گذشت از علماء اخیار معاصر قزوین بودند. نسب آن مرحوم منتهی می‌شود به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام.

نسب کمثل الشمس اشرف نوره

فاضائت الاقطار بالنور الجلی

من حیث جدهم النبی محمد (ص)

و ابوهم الکرار حیدرهٔ علی

وی در سال ۱۲۸۱ شمسی در قزوین متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفته آنگاه به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه و ترویج دین پرداخته است.

از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی‌کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می‌نمود مانند بناء مساجد و اعانت به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت و غیر آنان از آنچه را که رضای امام (ع) را در آنست و برای خود و خاندان خود چیزی ازاین وجوه نمی‌گذاشت حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود اندوخته

نکرده و نداشت با اینکه مرجع اموال مردم بود.

و کـان رحمه‌اللّه حافظاً لـدینه فی حوادث دهره و داعیا الی اللّه بقوله و فعله و صائنا لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظاً لـدینه و تقویهٔ لعقائد الناس و کان موته ثلمهٔ فی الاسلام.

وی روز اربعین ۱۳۹۴ قمری از دنیا رفته و در تشـییع جنازه‌اش بسـیاری از مردم قزوین از عموم طبقات شرکت و حمل به قم نموده و در قبرستان نو. مرحوم حایری دفن نمودند.

دارای آثـاری در مواعـظ و اخلاـق بوده‌انـد که تـاکنون بطبع نرسـیده است. از باقیـات الصالحات ایشانست فرزنـد ارجمنـدش جناب حجهٔ‌الاسـلام آقای آسـید جواد موسوی علوی که در رشـته‌ی اسـلاف و نیاکان خود و بجای والـد مبرورش به خدمات دینی اشـتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علی اکبری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین علی اکبری

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۳۲ در روسـتایی به نام تقی آباد، از توابع شـهر بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) در خانواده ای مذهبی به جهان دیده برگشودم. پـدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. دوران کودکی را در مهـد مهر و محبت مادر و سایه رافت پدر گذراندم و پس از آن برای فراگیری علم و ادب اجتمـاعی قـدم به دبسـتان نهـادم. به لحـاظ اینکه در آن زمان بسـیاری از روسـتاهای کشور ما از جمله روسـتای ما فاقد دبسـتان بود، هر روزه دوره ابتدایی را از طی مسافت شش کیلومتر، فاصله تا دبستان را در فصل سرما و گرما ناگزیر بودم. پس از پایان مقطع یاد شـده مقدّمات ورود به حوزه علمیّه فراهم گردید و علیرغم همه وسوسه ها و موانع با عنایت الهی حدود سال ۱۳۴۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه شهرستان بیرجند راه یافتم و ادبیات عرب و اخلاق را در کنار حوزه مقدّسه از محضر استاد فرزانه حضـرت آیت الله شـیخ جواد عـارفی (ره) فرا گرفتم. سـرانجام بعـد از قریب پنـج سال تلمـذ با استیـذان و مشورت از اسـتاد به منظور ادامه تحصـیل عازم شـهر مقدس قم گردیده به حوزه مقدّسه قم راه یافتم. البته در آغاز ورود به حوزه مشکل حجره و شهریه وجود داشت که پس از مهمـانی یـک مـاهه در مـدرسه فیضـیه و موفّقیّت در آزمون خوابگاه، حجره ای در مـدرسه مؤمنیه حضـرت آیت الله نجفی مرعشـی(ره) به بنـده و یکی از دوسـتانم تحویل و مشـکل حجره برطرف گردیـد، چنانکه موضوع شـهریه نیز، پس از یک سال کوشـش و تلاش و شـرکت در آزمون و موفقیت درآن مرتفع شد گر چه به حق در آن یک ساله خدا یار بود و نه تنها در آن ایام بلکه پیش از آن کمک هزینه تحصـیل فراهم گردیـد. حـدود پنـج سال در مدرسه یاد شده سـکونت داشـته و هر روز آن را صبح و شام، برای حضور در حوزه های درسـی و تلمذ از محضر اساتید، با پای پیاده، مسافت تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) را

می پیمودیم و به وقت آمدن به حجره با خستگی از راه و درس و بحث می بایست به تهیه غذا بپردازیم. زیرا بر خلاف این زمان و امکانات آن در آن روزها نه چیزی از آشپز و آشپزخانه در مدارس بود نه از ماشین لباسشویی و غیره. البتّه جد و جهد و تهجد، مباحثه های از پیش مطالعه و جدی حتی گاهی پیش از اذان صبح بود حرم و زیارت شب های جمعه و تشرف به مسجد جمکران با پای پیاده از یاد نرفته ترک نمی شد.

چنانکه امروزه هم برای بسیاری از طلاب حوزه علمیّه بحمد الله آن شور و نشاط و اخلاص و گرایش به تزکیه و طهارت هست. به هر حال در این مقطع تحصیلی، در معانی و بیان از محضر استاد گرانمایه، امین شیرازی، در اصول از اساتید بزرگواری همانند استاد عرفانی و سلیمی و در فقه از محضر اساتیدی همچون استاد گرانقدر فاصل هرندی و عندلیب شیرازی و در منطق نیز از محضر استاد ارزشمند دیگری چون جناب استاد فقیهی بهره وافر بردم. پس از گذر از این مرحله به حوزه فقه و اصول استدلالی راه یافته مکاسب و رسائل را در محضر اساتیدی فرهیخته حضرات آیات سیّد علی محقق داماد و شیخ علی کرباسی فرا گرفتم.

در تفسیر قرآن کریم پای کرسی فرزانه زمان حضرت آیت الله جوادی آملی زانوی ادب زدم و در عرفان و کلام و فلسفه از اساتید کم نظیر و یا بی بدیل فرهیخته ای همچون آیت الله علامه حسن زاده آملی و انصاری شیرازی بهره ها و نکته ها آموختم و به اندیشه و جانم حیات بخشید. و هم اکنون که بیست و ششمین سال از انقلاب شکوهمند اسلامی را پشت سر می گذاریم، می توان گفت بیست و پنجمین سالی است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات، آیت الله العظمی وحید خراسانی، و شیخ جواد تبریزی و برخی دیگر از اساتید حضور داشته و از محضر پر فیض و دانش بی کران آن برجسته فرزانگان عرصه علم و تقوی همواره روح تشنه ام را سیراب می کنم.

شایان ذکر است که در همه مقاطع تحصیلی جز چند سال نخست آن امر مهم تبلیغ را به یاد داشته، ایفای مسئولیت کرده ام همچنان که از حضور در عرصه تحقیق و پژوهش غفلت نورزیده آن را وظیفه ای در راه جبران کاستی های حوزه های علمیّه شیعی و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه، بلکه جوامع بشری می دانسته ام.

از همین رو است که از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت خویش را در این حوزه نیز آغاز کرده، تا سال ۱۳۷۴ به فیش برداری از منابع اوّلیه حول موضوع تاریخ و سیره اهل بیت اشتغال داشته و پس ازآن با عنایات الهی و قرین شدن توفیق، قلم برداشته، ـ هر چند با بضاعت اندکی علمی ـ در پاره ای از موضوعات صفحاتی را به رشته تحریر درآورم.

علیزاده، اکبراسد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر اسد علیزاده

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه شهرستان اردبیل وارد شدم. پس از دو سال و نیم تحصیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصیل و استفاده از محضر اساتید مجرب در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.

پس از اتمام دوره سطوح در سال ۱۳۷۲در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی شرکت کردم و همزمان از درس کلام و فلسفه استاد علامه جعفر سبحانی و مصباح یزدی نیز استفاده می کردم. و در سال ۱۳۷۴ رشته تخصصی کلام اسلامی را شروع و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل گردیدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می باشم.

به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال ۱۳۷۱ شروع و در حال حاضر بیش از ۶۰ اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسیده است. این فعالیت سبب شد در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السلام) در اولین جشنواره فرهنگی صدا و سیما در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

عماد الواعظین، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا احمد عماد الواعظین نیز از افاضل اهل منبر و اخیار بود، عمری به زهد و قناعت گذرانید، در خدمت آقا سید محمود مغنی و آخوند ملا محمد حسین کرمانی و جمعی دیگر تحصیل نموده، در صبح روز جمعه سوم جمادی الثانیه سال ۱۳۸۴ وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عمادالاسلام، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ جمال‌الدین نجفی.

عالم فاضل زاهد دائم‌الذکر، در اصفهان تحصیل نموده، در مسجد منشی الممالك اقامه‌ی جماعت می‌فرمود، و مورد احترام و وثوق عموم طبقات مردم اصفهان می‌بود.

در ظهر دوشنبه ۲۶ جمادی‌الثانیه ۱۳۸۶ به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در تخت فولاد در جنب تکیه‌ی بابارکن‌الدین در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید، و جهت او بقعه‌ی عالی بنا گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عمومی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عمومی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد:۱۳۴۳ دیپلم:۱۳۶۱ ورود به دانشگاه:۱۳۶۲ و ۲ سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس حوزوی به صورت متفرقه از سال ۱۳۶۱ اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال ۱۳۶۴ اشتغال به خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۱ در اصفهان هجرت به قم در سال ۱۳۷۴ تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال ۱۳۸۰همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم(ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از ۱۳ سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال ۱۳۸۵ همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت‌اللّٰه میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال ۱۳۷۰ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمنا علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال ۱۳۴۰ شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر دو نابغه علمی آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّٰه آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌اللّٰه بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال ۱۳۴۷ شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نموده تا سال ۱۳۹۱ ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه عالم ربانی حاج شیخ علی‌اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی

اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۲- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۳- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۴- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر

۵- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.

۶- اسلام و سیستم بیطرفی.

۷- مبانی تفسیر.

۸- رساله‌ای در نکاح کتابیه.

۹- رساله‌ای در ترتب.

۱۰- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.

۱۳ -۱۲ -۱۱- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.

۱۴- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات حوزوی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عنایتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی عنایتی بن مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ جعفر عنایتی از علماء معاصر است در گنبد کاووس.

ایشان در سال ۱۳۱۱ شمسی در قریه «رودبار قانچی» از قراء گرگان متولد شده و پس از پرورش و خواندن قسمتی از مقدمات خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۶۵ قمری برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف گشته و ادبیات و سطوح را در محضر اساتید وقت دانشمند گرانمایه آقای ادیب نیشابوری و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی و غیرهما به پایان رسانیده و در سال ۱۳۷۰ قمی به نجف اشرف مهاجرت و در حوزه درس فقه و اصول مرجع عالیقدر آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی حاضر و استفاده نموده و یک دوره تقریر درس اصول و قسمتی از درس مکاسب آیت‌اللَّه خوئی مدظله العالی را به رشته تحریر آورده و نیز از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی حکیم بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۰ قمری به ایران مراجعت و در تهران اقامت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین پرداخته و در سال ۱۳۸۴ قمری با اصرار جمعی از مؤمنین گنبد کاووس به جهت امامت و تبلیغ دین و ارشاد مسلمین بدانجا آمده و تاکنون به خدمات دینی و انجام وظیفه روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست بناء مسجد رضوی گنبد که به سعی و اهتمام معظم له و همت مردم خیر گنبد توسعه و تجدید گردیده است.

اکثر اجداد ایشان از علماء زمان بوده است یکی از اجداد ایشان مرحوم حجهٔالاسلام شیخ زین‌العابدین بن شیخ محمدباقر است که تعلیقات سودمندی بر شرایع محقق حلی نوشته و اکنون در حواشی نسخه نفیسی از شرایع که استنساخ آن هم بخط آن بزرگوار است و در تاریخ هفتم ذی‌الحجه ۱۲۱۷ قمری پایان یافته است در کتابخانه شخصی ایشان موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر

می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباجه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباجه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به پایان رسیده است.[۱]

(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. ۶ و اوایل قر. ۷ (بین ۵۷۲ ه.ق./ ۱۱۷۶ م.- ۶۳۵ ه.ق/ ۳ -۱۲۳۲ م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. ۶ در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصرةالدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباجه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب (ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباجه آغاز نمود. ناصرالدین در سال ۶۲۵ ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعد جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباجه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۰ -۱۰۲۶ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰ -۷۷ / ۲)،تاریخ نظم و نثر (۹۸ -۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۰۱، ۷۷۵ / ۹ ، ۵۰، ۵ / ۴۵، ۴)، ریحانه (۲۱۹ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۸ -۳۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۶۰)، لباب الالباب (ترجمه مصنف/ یب- که)، لغت‌نامه (ذیل/ عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س ۳، ص ۹۳ -۸۹)، مجمع الفصحا (۱۱۶۸ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۷ -۷۷۶ / ۵).

غروی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸- ز ۱۳۶۳ ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف اشرف ب دنیا آمد و تا ۱۳۵۰ ق در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، و مدت دو سال از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حجت بود. در ۱۳۶۳ ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله حجت، در اصول فقه؛ کتاب «اسلام و شیعه»، به فارسی؛ کتابی در «امامت حضرت ولی‌عصر (عج)»؛ کتابی در «اخلاق».[۱]

عبدالحسین غروی تبریزی از افاضل دانشمندان و علماء تبریز است.

وی فرزند رکن العلماء الاعلام آیه الله آقا شیخ مرتضی چهره قانی است که در سال ۱۳۲۸ قمری در نجف اشرف تولد یافته و تا سال ۱۳۵۰ در آنجا به تحصیل علوم پرداخته و از محضر اساتید آیه الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در سال مزبور به تبریز آمده و تا سه سال در آن سامان اقامت و در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت دو سال درک فیض از محضر آیه الله حایری و آیه الله حجت فقها و اصولا نموده و تا سال ۱۳۶۳ قمری که مراجعت به تبریز و اقامت گزیده و به وظائف دینی و روحانی از قبیل تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع و غیره می‌باشند.

آثار قلمی آن جناب از این قرار است: ۱- کتاب اسلام و شیعه فارسی مطبوع در تبریز.

۲ و ۳- تقریر دروس مرحوم آیه الله حجت اصول و فقه ۴- کتابی در موضوع امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه.

۵- کتابی در اخلاق. دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله محقق آقا ضیاءالدین عراقی و سیدنا الاستاد آیه الله حجت قدس الله اسرارهم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ -۳۱۹ / ۳).

غروی علیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲ رمضان ۱۳۱۹ ق.

درگذشت: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷، تبریز.

آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال ۱۳۵۰ ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال ۱۳۵۰ ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.

از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غصب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید

محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاهٔ و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرح عروهٔ الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروهٔالوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاهٔالرجل و المرأهٔ فی الصلاهٔ، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیهٔ المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیهٔ، فروع تقلید؛ شرح وسیلهٔ النجاهٔ (سه جلد)؛ کتاب الطهارهٔ؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایهٔ الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملك (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقلیه و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رسالهٔ فی الرجعهٔ؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجهٔ فی احوال الحجهٔ (ع)؛ الکواکب الحسینیهٔ؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۶۷(۱۳ ذیحجهٔ ۱۴۱۷ ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاك سپرده شد.

علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه ۱۲ ماه مبارك رمضان سال ۱۳۱۹ قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا ابوالحسن مشگینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:

۱- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی

۲- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی

۳- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی

۴- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی

۵- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری

۶- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)

۷- تقریرات ابحاث آیه الله مشگینی (قده)

۸- شرح دعاء سمات ۹- شرح دعاء صباح ۱۰- شرح اربعین حدیث ۱۱- اصول دین مبسوط فارسی ۱۲- رسائل متفرقه در اصول و فقه ۱۳- رساله در ملازمت ۱۴- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه ۱۵- رساله در غیبه ۱۶- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی ۱۷- رساله در بعض فروع عروه الوثقی ۱۸- رساله در مواکب الحسینیه ۱۹- رساله در رضاع ۲۰- رساله در منجزات مریض ۲۱- رساله در قاعده من ملك و در قواعد دیگر ۲۲- رساله در قاعده لا ضرر ۲۳- رساله در نجاسه متنجس ۲۴- رساله‌ای در لباس مشکوك و چندین رسائل دیگر.

از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل غروی

محل تولد : باغملك

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۷ سالگی احکام دینی و خواندن و نوشتن را در محضر پدر خود فرا گرفتم سپس به مکتب جهت خواندن قرآن و سایر کتاب های دینی مدت ۴ سال مشغول شدم ۲ سال دیگر از محضر پدر استفاده کردم.

در سن ۱۴ سالگی راهی حوزه علمیه اهواز شدم .

مدتی از استادانی مانند سید شمس الدین ، سید عبد الکریم موسوی نجفی ، شیخ مروج (استاد جامع المقدمات امام) سپس از مرحوم سید محمد کاظم آل طیب و از سید اسماعیل مرعشی و مرحوم امامی ، مرحوم علم الهدی و شیخ ابوالحسن انصاری ، مرحوم آیت الله بهبهانی ، آقای شیخ مرتضی انصاری وسایر اساتید محترم مانند مرحوم آیت الله کرمی و... استفاده کردم .

مدتی در حوزه علمیه شوشتر از اساتید بزرگواری از علماء شوشتر مرحوم صاحب قاموس رجال و دیگران بهره وافری بردم .

پس از آن به نیشابوررفتم و مدت چهار سال در نیشابور از اساتیدی مانند مرحوم آقای مروی و ضیائی ، حاج آقا رضا نجفی و آیت الله موسوی نیشابوری استفاده کردم .

بعد از آن به مشهد مقدس رفتم از ادیب خراسانی مرحوم کفایی مرحوم شیرازی میلانی مصباح واعظی مرحوم افتخاری و دیگر اساتید محترمی که در مشهد مقدس بحث داشته اند بهره بردم .

سپس به قم آمدم و از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی ، گلپایگانی و مرحوم آیت الله سلطانی هم درس و هم مشی زندگی بهره بردم .

از اساتید فوق الذکر صرف ، نحو ، منطق ، احکام ، اصول ، فقه تا سطح خارج استفاده کردم در قسمت طب از مرحوم والد و از دکتر جزایری و دکتر خراسانی دکتر موسوی و از دکترهای روان شناس استفاده نمودم و در قسمت جامعه شناسی از اساتید بزرگواری استفاده نمودم .

غروی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر غروی که سالها در نجف اشرف اقامت و در خدمت مراجع بزرگ و مدرسین عالیمقام و آیات عظام آنجا تلمذ نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم قدس اللّٰه سره به قصر آمده و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در قصر شیرین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

غروی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن العلامهٔ الورع آیت‌اللّٰه آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی از علماء معاصر رفسنجان برادر بزرگوار مرحوم آیت‌اللّٰه نجفی سابق‌الذکر است وی در حدود سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از والدش فراگرفته و مدتی به اصفهان و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام فیروزآبادی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و دیگران بهره‌مند گشته آنگاه مراجعت به وطن نموده و به وظائف دینی و روحی پرداخته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد و در علم و تقوی نمونه بارز برادر بزرگوارش می‌باشد.

محمدحسین غروی برادر مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه نجفی از علماء اعلام معاصر رفسنجانست

وی در سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و تا سن ۱۷ سالگی ادبیات و فقه و اصول را از محضر والد ماجدشان که از نوابغ زمان خود بودند و در اکثر علوم تبحری کامل داشتند فراگرفته و سپس عزیمت به اصفهان نموده و در آنجا از محضر اساتید و فحول علمی چون مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی و آیت‌اللّٰه ارباب به تکمیل فقه و اصول و حکمت و هیئت پرداخته و در معیت و مصاحبت مرحوم برادرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه آقا

ضیاءالـدین عراقی و آیت‌اللَّه حـاج سـید محمـد فیروزآبـادی و دیگران اسـتفاده نموده تا به مـدارج عالیه اجتهاد رسـیده و با دریافت اجـازات اجتهاد در سال ۱۳۴۶ قمری به ایران مراجعت و پس از فوت مرحوم والـدشان آیت‌اللَّه آخونـد ملا محمـدعلی طاب ثراه در رفسـنجان توقف نموده و تا حد قدرت و استطاعت مشغول ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی و پرورش و تربیت طلاب علوم دینی و تأسیس مـدرسه علمی به همراهی مرحوم اخوی خود آیت‌اللَّه نجفی گردیـده و در مـاه رمضـان به موعظه و ارشاد مردم پرداخته و تاکنون بحمداللَّه به اقامه جماعت و انجام وظیفه اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌اللَّه نائینی

۲- حکومت عقل در پیرامون خلافت بلافصلی امیرالمؤمنین (ع).

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

غرویان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن غرویان

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن غرویان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بـدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شـد و در سال ۱۳۵۸ رسـما شـروع به تحصـیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقـدمات و سـطح را به پایان رسانیـد و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تـا اینکه برای کاندیـداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شـرکت نموده و آن را با موفقیت پشـت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسـسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسـسه آموزشـی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینک عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غرویان عضو هیئت علمی و اسـتاد موسـسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسـیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسـیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبـان انگلیسـی و عربی آشـناست و تـاکنون در همایشـها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشـان هم اکنون به تـدریس خـارج اصول و اسـفار ملا صـدرا اشـتغال دارد و در کناراشـتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسـی با ارائه کنفرانس و سـخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان

مبلغ زباندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .

در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زباندان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است. محسن غرویان یکی از داوران و صاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی – اعتقادی می کند و با شماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غزالی طوسی، مجدالدین، ابوالفتوح احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۰ / ۵۱۷ ق)، عارف، واعظ و شاعر. وی که برادر کهتر امام محمد غزالی طوسی است، در طوس دیده به جهان گشود و در اوان کودکی پدر خویش را از دست داد و در نهایت فقر درویشی زندگی را سپری کرد. احمد اگر چه فقه را فراگرفت اما به زهد و تصوف گرایش داشت. در طریقت، شیخ او ابوبکر نساج بود و از برجسته‌ترین شاگردان غزالی، باید از عین القضات همدانی، سنائی غزنوی و ابوالنجیب سهروردی نام برد. وی پس از کناره‌گیری برادرش امام محمد غزالی از تدریس در نظامیه، یک چند به جای او تدریس کرد. غزالی علاو بر این در تصوف نام‌آور بود و صاحب آثار. در وعظ و خطابه نیز استاد بود، مواعظ او در هشتاد و سه مجلس توسط صاعد بن فارس لبانی جمع‌آوری شده است. احمد غزالی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «سوانح العشاق»؛ «احیاء الاحیاء» یا «لباب الاحیاء»، در تلخیص «احیاء العلوم» برادرش؛ «الذخیره فی علیم البصیره»؛ «بحر المحبه فی اسرار الموده»؛ تفسیر سوره‌ی یوسف؛«تازیانه‌ی سلوک» یا «رساله‌ی عینیه».[۱]

(ع.) احمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی، فقیه و عارف ایرانی (ف. قزوین ۵۲۰ ه.ق) وی مانند برادر بزرگش محمد غزالی (۲- غزالی) پس از فوت تحت تعهد و نگاهداشت احمد رادکانی قرار گرفت و مقدمات تحصیل علوم دینی را در نزد او آموخت. احمد از جمله‌ی فقهای شافعی بود و به وعظ علاقه داشت و مدت ۱۰ سال (از ۴۸۸ تا ۴۹۸ ه.ق) بجای برادر به تدریس در نظامیه‌ی بغداد اشتغال داشت. در طریقت پیرو ابوبکر نساج بود. ذهبیه او را از کبار سلسله‌ی خود می‌دانند. او راست: لباب‌الاحیاء که اختصار احیاء علوم‌الدین است، الذخیرة فی علم البصیرة- بحرالحقیقة، رساله‌ی عشقیه، سوانح العشاق، مکاتیب، کتاب مجالس شیخ احمد، کتاب الحق والحقیقة.

ضح.- بعضی او و برادرش را غزالی منسوب به غزال یا غزاله قریه‌ای از قرای طوس دانند (۲- غزالی).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۸ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۵۵، ۹ / ۲ ،۵۶۶ ،۴۴۰، ۱۹۷ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۵ –۹۳۲ / ۲)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۴۲۵ –۴۲۳)، تاریخ گزیده (۶۶۵ –۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۹)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۱۹۳ ،۱۹۰ ،۱۸۹، ۱۸۴ –۱۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ / ۲)، روضات الجنات (۲۸۸ –۲۸۵ / ۱)، شذرات الذهب (۶۴ ،۶۰ / ۴)، العبر (۴۱۳ –۴۱۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹۰ ،۱۴۱۳ ،۱۰۰۹ ،۹۸۵، ۹۰۱ ،۸۲۵)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ / ۲)، لسان المیزان (۴۴۲ ،۴۴۰ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۸ –۴۱۵)، مجالس النفائس (۳۱۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۱ –۸۰ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ –۴۲۹ / ۱)، النجوم الزاهره (۲۲۴ / ۵)، نفحات الانس (۳۸۰ –۳۷۹)، وفیات الاعیان (۹۸ –۹۷ / ۱).

غفاری ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین غفاری ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال ۱۳۳۳ در ساری متولد شدم. درسال ۱۳۴۸به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال ۱۳۶۶ آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفاری فر، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن غفاری فر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن غفاری فر در سال ۱۳۶۱ دیپلم را اخذ و در سال ۶۱-۶۲ وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم . ابتدا مدت کوتاهی را در تهران ، سپس در بابل و نهایتا در سال ۶۷-۶۸ برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم ، تقریبا در همان سال تحصیلی ، دروس سطح را به اتمام رساندم ، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام ، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید . از سال تحصیلی ۶۷-۶۸ تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می کنم ، قابل ذکر است تقریبا از سال ۷۸ به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می کنم . از سال تحصیلی ۷۱-۷۲ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال ۷۵-۷۶ به اتمام رساندم ، سپس از سال ۷۶-۷۷ وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن ۸۰ واحد پیش نیاز و بیش از ۳۰ واحد اصلی و دفاع از پایان نامه) در سال تحصیل ۸۰-۸۱ به اتمام رساندم .

قریب به پنج سال در موسوعه فقه اهل بیت(ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای ۷۵ -۸۰ همکاری پژوهشی داشتم و قریب به ۶ ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اشتغال داشتم .

به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم ، همکاریهای نظارتی بر کتابها می نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم ، قریب به ۶ ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از ۱۰ عنوان در حوزه های تاریخ اسلام ، تاریخ ایران ، تاریخ تشیع ، مهدویت ، جامعه شناسی ، عقاید ، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی ، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غلامعلی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی غلامعلی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۱ از دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری تهران فارغ التحصیل شدم در کنار دروس دبیرستان ، دروس حوزوی را نیز از اساتید معزز مدرسه عالی شهید مطهری فرا گرفتم . پس از اخذ دیپلم توفیق حضور در حوزه علمیه مروی (تهران) را یافتم و با امتحان سه پایه نخست به من اجازه دادند در درس های پایه چهارم شرکت کنم . بخشی از ادبیات عرب ، معانی و بیان ، شرح لمعه ، اصول مظفر ، منطق ، فلسفه و بخشی از رسائل و مکاسب را از اساتید بزرگوار آن مدرسه آموختم . بعضی از اساتید

گرانقدر اینجانب در آن دوران عبارتند از حجج اسلام و آیات اعلام : مرحوم سید ابوالفضل موسوی تبریزی ، مرحوم پاکتچی ، اصطهباناتی ، رجایی ، کثیری ، تقوایی ، شریتعمداری ، جورابچی (قفقازی) و شریف زاده .

در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مشرف شدم و تا کنون نیز در حوزه علمیه قم مشغول فراگیری علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام می باشم ؛ کتب شریف رسائل ، مکاسب و کفایه را در محضر حضرات آیات و حجج اسلام آقایان مرحوم احمدی میانجی ، نکونام ، اعتمادی ، سید احمد خاتمی ، حسینی خراسانی ، محمدی (فیضیه) و احدی آموخته ام . مدت شش سال است که در دروس خارج فقه آیات عظام آقایان حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج محمد فاضل لنکرانی(ره) ، حاج سید احمد مددی و حاج مهدی گنجی (گنجعلی) شرکت می کنم . بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه را نیز از جنابان حجج اسلام محمدی همدانی، و حاج مرتضی جوادی آملی فرا گرفتم . همچنین از سال ۱۳۷۵ تا کنون در موسسه تحقیقاتی دار الحدیث به مطالعه و پژوهش پیرامون مباحث حدیث مشغول هستم . در این مدت از کلاس ها و کارگاه های علمی حجج اسلام آقایان استاد عبدالهادی مسعودی ، استاد سید کاظم طباطبایی ، استاد محمد کاظم رحمان ستایش و استاد محمد احسانی فر استفاده کرده ام .

در طول مدت حضور در موسسه تحقیقاتی دارالحدیث با گروه های دانشنامه نگاری ، تفسیر روایی ، تاریخ و سیره و مصدریابی همکاری علمی داشته ام و مدخل های متعددی را تنظیم نموده ام.

غیاثی طرزی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا غیاثی طرزی

محل تولد : راور کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

جناب استاد غیاثی ضمن معرفی کامل خودتان ،آثار برتر ومنتخب خودتان را که طی ۳۰سال گذشته تالیف کرده اید،معرفی نمایید . بسم ا...الرحمن الرحیم ،اینجانب سید محمد رضا غیاثی کرمانی متولد سال ۱۳۳۸در روستای زیبای «طرز»از توابع شهرستان راور کرمان از سال ۱۳۵۴وارد حوزه ی علمیه شده وتا کنون یعنی سال ۱۳۸۷مدت ۳۳سال است که به تحلیل وتالیف وتدریس اشتغال دارم .تا کنون ۷۰عنوان کتاب تالیف کرده ام که ۷مورد از آنها به عنوان کتاب سال وآثار مکتوب برتر وقابل تقدیر ،شناخته شده اند که عبارتنداز : ۱ـ اختران هدایت (سال ۷۲)،۲ـفضیلت های اخلاقی (سال ۷۸)،۳ـ ابومسلم اصفهانی (سال ۷۹)،۴ـ آیات الاحکام (سال ۸۰)،۵ـ صحیفه کاظمیه (ع)(سال ۸۱)،۶ـ پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی (سال ۸۶)،۷ـ در محضر علامه شعرانی /پرسش ها وپاسخها ی قرآنی (سال ۸۷) لازم به ذکر است ،کتاب پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی دو مرتبه به عنوان کتاب سال برگزیده شده است .یکی در کرمان از سوی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی ودیگری از سوی کمیته ی انتخاب کتاب سال دانشجویی تهران . ـ استادغیاثی،اگر ممکن است نام کتابهای خود را بفرمایید . چون نام بردن از ۷۰ عنوان اولاًـ در خاطرم نیست ودر ثانی از حوصله یک مصاحبه روزنامه ای خارج وبرای خوانندگان عزیز هم خسته کننده است ولذا از ذکر آنها خوداری می کنم ،ولی لازم است که

از روزنـامه وزین کرمـان امروز که همواره ابراز محبت نموده وبه ویژه سـردبیر محترم ومسوول وصـاحب امتیاز آن،جناب آقای «فتح نجات» که خود فرهیخته ای خدیم علم ونديم قلم هسـتند ،تشـكر كنم كه همواره در مسير نشر فرهنگ دینی کوشا هستند در فرصتی بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد ،ان شاءا.....

فارسی مهر، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فارسی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم . بعـد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشـگاهها به سـپاه پاسـدارن پیوسـتم . در سال ۱۳۶۱ در تهران طلبه شـدم و در سـال ۱۳۶۳ به قم آمـدم، مقدمات و سـطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شـیرازی اسـتفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سـید محمود هاشمی بهره بردم . در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم . در سال ۱۳۶۲ کتاب جامع المقـدمات را اصـلاح و نو نویسـی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ شـشم هم رفت . و سـپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشـتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشـتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند . سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسـنن را نوشـتم زیرا مناطق تسـنن، نیازها و مشـکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد . در زمینه معالجات پزشـکی از راه طبیعت تجربیـات خوبی دارم، در زمینه روان شناسـی به اذن خـدا کارآمـدی بالا‌یی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمنـدیها را اشـباع کنم . کتابهایی که در حال حاضـر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشـکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فارمدی طوسی خراسانی، ابوعلی فضل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۷ -۴۰۷ / ۴۰۵ ق)، محـدث، زاهـد، صوفی و واعظ. در فارمـد طوس به دنیا آمـد. از مشایخ بزرگ صوفیه خراسان، و به گفته‌ی سمعـانی زبـان گویـای خراسـان و شـیخ آنجـا بود. او از شـاگردان امام محمـد غزالی و اسـتاد حجه‌الاسـلام ابوحامـد غزالی است. از ابوعثمـان صابونی و دیگران فقه آموخت و از ابوعبـدالله بن باکویه و ابومنصور عبـدالقاهر بغـدادی و ابوحسان مزکی حـدیث شـنید.

عبدالغافر بن اسماعیل و عبدالله بن علی خرکوشی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. فارمدی به نیشابور رفت و مدتی از نزدیکان و مریدان خاص امام ابوالقاسم قشیری شد. سپس در پی تحولات روحی به طوس بازگشت و در آنجا با ابوالقاسم کرگانی آشنا شد و مرید او گردید و سپس داماد او شد. از دیگر استادان وی در تصوف ابوالحسن خرقانی را نیز می‌توان نام برد. فارمدی معاصر شیخ ابوسعید ابوالخیر بود و در مجلس درس وی نیز حاضر می‌شد. مجالس ذکر و موعظه‌ی فارمدی شهرت فراگیر داشت، به این دلیل او را لسان‌الوقت می‌خوانده‌اند. عبدالغافر از او تعبیر به شیخ الشیوخ کرده، گوید که طریقه او در وعظ ممتاز بود و آنچنان نیکو ادا می‌شد که در دلها می‌نشست. او بیشتر دارایی خویش را بر صوفیه انفاق کرد. وی در طوس درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید (۶۶۹ –۶۶۸ / ۲)، انساب سمعانی (۳۳۵ / ۴)، سیر النبلاء (۵۶۶–۵۶۵ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۶ – ۳۵۵ / ۳)، العبر (۳۳۷ / ۲)، کشف المحجوب (۲۱۱)، کیمیای سعادت (۱۵۶، ۳۵ –۳۴ / ۲)، معجم البلدان (۲۵۹ / ۴)، نفحات الانس (۳۷۵ –۳۷۳).

فاضل اژه‌ای، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، واعظ کامل، فوت صبح چارشنبه ۱۷ صفر ۱۳۲۹.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فاضل بسطامی، نوروز علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ. در بسطام به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در خدمت علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید. از آثارش: «التحفه الحسینیه»، در بیان حالات حضرت سیدالشهداء (ع) و اهل‌بیت او، در دو مجلد؛ «التحفه الرضویه»، در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع)؛ «سرور العارفین»، در احوال مختار؛ «نجاه لخافقین فی ثواب زیاره الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیره المعاد»، در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتهجدین»، منتخبی از «تحفه الابرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «لولوه البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)».[۱]

نوروزعلی معروف به (فاضل بسطامی) متوفی ۱۳۰۹ ق عالمی با عمل و فاضلی بی‌بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه‌اطهار علیهم سلام‌اللّه الملک الغفار بوده وی در بسطام متولد و از کودکی مهاجرت به مشهد نموده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نموده تا به درجات سامیه فضل و کمال رسیده و چندین کتب تألیف کرده که از آن جمله (تحفه الحسینیه) در دو مجلد در بیان حالات و مراثی حضرت سیدالشهداء و اهل‌بیت طیبات آن جناب و دیگر کتاب تحفه الرضویه در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع) و کتاب سرورالعارفین در احوال مختار و نجات الخافقین در فضیلت زیارت حضرت سید الشهداء و کتاب ذخیره المعاد و کتاب (سراج‌المتهجدین) و کتاب (لؤلؤة البحرین) و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۸ -۵۷ / ۲۴ ،۳۷۸ / ۱۸ ،۱۷۵ ،۱۶۱ -۱۶۰ / ۱۲ ،۲۱ / ۱۰ ،۴۳۶ ،۴۳۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۲ -۱۵۱ / ۷).

فاضل جم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عـالم، ادیب، خطیب و شـاعر، متخلص به فاضـل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روسـتای جم وزیر در چهار فرسخی سیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری است که مدتی در شیراز در محضر شیخ حاضر شد و از او کسب اجازه نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه‌کمری در نجف شاگردی نمود تا از سید حسین کوه‌کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. وی اخلاق نیکویی داشت و شعر را روان می‌گفت. از آثـار وی: «جام‌جم فی آثار العجم»، کشکول مانندی است مشتمل بر فواید علمی و تـاریخی، از آن جمله ذکر ادوار تـاریخی سیراف که امروزه به بنـدر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثـار برجسته و قـدیمی، مانند مسجدی که در نزدیکی کوه آنجا بنا شـده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتل، در مواعظ و تواریخ و سیر و مصائب؛ «المنشآت اللطیفه» نظم و نثری به فارسی و عربی است که آن را با سفرنامه حجش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه‌ی «لیلی و مجنون» را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۵ / ۶)، الذریعه (۲۷ / ۲۳ ،۳۳۷ / ۱۱ ،۲۳ / ۵)، ریحانه (۲۷۹ / ۴)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۲ - ۶۴۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل جم).

فاضل کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود معروف به فاضـل کاشانی فرزنـد ملا محمـد حسـین فاضل فرزنـد ملا علی‌اکبر فاضل از افاضل وعاظ و مشاهیر خطباء و اهل منبر معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۲ قمری در دارالمؤمنین کاشـان به دنیا آمـده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و مقـدمات و ادبیـات را در مـدرسه مرحـوم آیت‌اللّه حـاج میرزا سـید علی یـثربی خوانـده و به دست مبـارک آن مرحوم معمم و ملبس به کسوت مقـدس روحانیت گردیده و پس از فوت آن بزرگوار در سال ۱۳۸۰ قمری مهاجرت به تهران نموده و سـطوح را از مرحوم حاج سید مرتضـی لنگرودی امام مدرسه و مسـجد حاج ابوالفتوح تهران و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد جناب آقای فلسفی واعظ استفاده نموده و حدود بیست سال از دروس نهائی و خارج آیت‌اللّه حاج شـیخ محمد غروی کاشانی فقها و اصولا و تفسیرا و حدیثا بهره‌مند گردیـده و حظ وافری از مقامـات علمی و معنوی معظم‌له رحمه‌اللّه برده و بعـد به ترویـج دین و تبلیغ احکام و نشـر معارف اهل‌بیت

علیهم‌السلام گرویده و مورد توجه خاص دانشمندان و اهل ایمان خاصه پیروان قرآن و خاندان رسالت صلوات اللّٰه علیهم اجمعین گردیده و تا حال تحریر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل لنکرانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد فاضل لنکرانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة‌الاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۴۱ در قم و در میان خانواده‌ای از سلك روحانیت به دنیا آمد. پدرش آیة‌الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)است. او پیش از تولد فرزند خود در خواب دیده بود که خدا به او پسری عطا می‌کند که به بدن او متصل است که آن را به روحانی شدن فرزند خود تعبیر کرده بود. مادر او نیز از سادات مکرّم قمی است که نقش بسیاری در تربیت و پیشرفت وی داشته است. حجة‌الاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و تا پنحم ابتدایی به پایان برد. پس از آن به دلیل تبعید پدرش به یزد، دروس خود را در آنجا پی گرفت و سپس به قم باز گشت. او پس از به پایان بردن سال اول دبیرستان، با مشورت با بزرگان و به دلیل شوق بسیار برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم پا نهاد و همزمان دروس دبیرستان را نیز پی گرفت تا موفق به کسب دیپلم شد. سالهای نخستین تحصیل او در حوزه علمیه قم با راهپیمایی ملت ایران برای سرنگونی رژیم شاه مصادف شده بود و او که از طلاب مدرسه رسالت بود نیز از خیل عظیم ملت ایران باز نماند و هماره با مبارزه همراه بود. او پس از سالهای اندکی دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم، از جمله پدر گرامی خود راه یافت. حجة‌الاسلام والمسلمین فاضل لنکرانی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او دروس دورهٔ ادبیات را نزد استاد بیگدلی که هم اکنون نیز از استادان برجسته دورهٔ سطح است، گذراند و در رسائل، به درس آیة‌الله سید رسول تهرانی و آیة‌الله مصطفی اعتمادی راه یافت. برای فراگیری مکاسب نیز به درس آیة‌الله پایانی (ره) رفت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول پدر گرامی خود ـ حضرت آیة‌الله العظمی فاضل لنکرانی ـ راه یافت و حدود ۱۵ سال از محضر ایشان بهره برد. همچنین در حدود هفت سال در درس خارج فقه و اصول آیة‌الله العظمی وحید خراسانی و در حدود دو سال در درس آیة‌الله سید کاظم حائری شرکت کرد. در بخش دروس عقلی نیز اشارات را نزد آیة‌الله حسن زادهٔ آملی و اسفار را نزد آیة‌الله جوادی آملی فرا گرفت. او در طی این سالها با فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشت و دروس فرا گرفته را با آنان مباحثه کرد که از میان آنها می‌توان به شیخ عبدالله اسلامی و شیخ علی حکیم را می‌توان نام برد. حجة‌الاسلام والمسلمین فاضل در طول سالهای تحصیل خود هماره به امر تدریس نیز عنایت ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که ۵ بار کتاب معالم، ۴ بار کتاب اصول فقه، چند بار کتاب شرح لمعه، ۳ بار کتاب مکاسب و بیش از ۵ بار کتاب کفایه را تدریس کرد و

هم اکنون هشت سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. او در طی این سالها مقالات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول و... نگاشته که برخی در کنگره‌هایی همچون کنگره شیخ انصاری و مرحوم نراقی و مقدس اردبیلی ممتاز شناخته شده است. همچنین بر کتابهای اصول فقه، مکاسب و کفایه حاشیه‌هایی نگاشته که هنوز به چاپ نرسیده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، ادارهٔ مرکز فقهی ائمه اطهار است که در آن طلاب و فضلای بسیاری به تحصیل و پژوهش می‌پردازند و تاکنون کتب بسیاری در آنجا به چاپ رسیده است. از کارهای مهم این مرکز برگزاری لجنه‌های فقهی گسترده است که سهم بسزایی در پیشبرد مباحث فقهی و اصولی داشته است. حجهٔالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل، در طول سالهای مبارزه ملت ایران، هماره با آنان همگام بوده است. او در سنین نوجوانی در روز عاشورا در محفلی مقاله‌ای در باره نهضت امام حسین (ع) و اهداف آن خواند که در همان زمان رئیس ساواک را که خود در جلسه حاضر بود، به خشم واداشت. او که در سالهای تبعید با پدر خود همراه بود، همواره از مسائل مهم نهضت آگاه بود و ظلم رژیم شاه را به چشم خود می‌دید. حجهٔالاسلام‌والمسلمین فاضل، پس از پیروزی انقلاب نیز هماره مدافع نظام وانقلاب بود و در سالهای جنگ تحمیلی و پس از آن، به حراست از دستاوردهای نظام، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در شهر قم به تدریس و تربیت طلاب می‌پردازد.

فاضلی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابوطالب فاضلی بن حجهٔالاسلام آقا شیخ خلیل بن العلم العلام حاج شیخ عبداللَّه بن آیت‌اللَّه آخوند ملا ابوطالب از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۵ قمری در خوی متولد شده و مرحوم والدش از نظر دوراندیشی که به آینده ایشان داشت مشارالیه را بنام جد بزرگوار خود مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا ابوطالب- ره- موسوم کرده ایشان بعد از فراگرفتن علوم مقدماتی فارسی و عربی و قسمتی از سطح در شهرستان خوی و تبریز جهت تکمیل مراتب عالیه بحوزه علمیه قم وارد و بعد از دادن امتحان از کتابین رسائل و مکاسب (مرحوم شیخ انصاری- ره-) و قبولی از طرف اساتید حوزه مدت ده سال از آیات عظام وقت بالاخص از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اعلی اللَّه مقامه استفاده نموده بطوری که مباحثی از تقریرات آن مرحوم را در دو قسمت اصول و کتاب صلوه نوشته‌اند بعد در سال ۱۳۷۴ ق بنابر دعوت حضرت بندگان سید الطائفه آیت‌اللَّه العظمی خوئی دامت برکاته عازم نجف اشرف و قریب نه سال در آستان ملک پاسبان علوی از مباحثات آیت‌اللَّه خوئی بهره‌های شایانی برده و غیر از عنوان استفاده‌های درسی از ملازمین خاص و مورد علاقه شدید آن بزرگوار بوده بطوریکه خاطرات فراوانی از آن شخصیت بزرگ دارند و اکنون چند سالیست که در یکی از مساجد و محله‌های معروف تهران موسوم به گذر مستوفی (مسجد مستوفی) مشغول انجام وظیفه هستند.

و اما آثار علمی ایشان در دو قسمت خلاصه می‌شود:

(تألیفی)

۱- القضاء فی الاسلام (ناتمام).

۲- الآیات المستشهد بها فی الکتب الادبیه (ناتمام).

۳- خاطرات من از استاد حاضر.

(تقریراتی)

۱-اصول یکدوره تمام تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

۲- مباحثی از بیع و خیارات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

۳- از اول طهاره الی احکام الاموات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

اجمالی از احوال اسره فاضلی در ذکر اعلام شهرستان خوی در جلد چهارم خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد : بیارجمند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندک رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی

بیش از ۱۵ سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، جابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صاحب ترجمه ۱- یعنی حضرت حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ جابر فاضلی در سنه ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف موقع اشتغال به تحصیل مرحوم والدش از صبیه مرحوم حاج شیخ عبدالنبی ایروانی که عالم مشهور نجفی بود متولد شده و در سال ۱۳۳۴ به خوی آمده تحصیلات ابتدائی فارسی و عربی را در آنجا انجام داده و در سال ۱۳۵۵ جهت تکمیل علوم به حوزه‌ی علمیه قم وارد سطوح را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آقا شیخ مهدی مازندرانی و حضرت آیت‌اللّه نجفی مدظله تحصیل نموده و به دروس خارج آیات اللّه آقای حجهٔ آقای صدر آقای خوانساری رضوان‌اللّه‌علیهم حاضر و استفاده کرده و در سال ۱۳۶۵ به خوی مراجعت و در مسجد خانوادگی‌شان که از آثار اجدادش می‌باشد معروف (حاج بابا) به اقامه‌ی جماعت و تبلیغات دینی مشغول و ضمناً تدریس طلاب علوم دینیه هم می‌نماید.

و در شرح حال علمای ماضین خوی که تألیفات دارند تذکرهٔ نوشته که هنوز بطبع نرسیده و ضمناً بعضی آثار متفرقه قلمی هم دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فاضلی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فاضلی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از به پایان رساندن دبیرستان در رشته ریاضی، فیزیک سال ۶۹ – ۷۰ وارد حوزه شدم و سه سال در مدرسه معصومیه از محضر بعضی اساتید مانند آقایان عاملی، نائینی، حیائی و حسینی ادبیات عربی را فرا گرفتم و سه سال بعد در مدرسه رضویه از محضر اساتیدی چون استاد علی دوست و قاروبی لمعتین را خواندم و اصول مرحوم مظفر را نیز به پایان رساندم. پس از این شش سال با گذراندن دوره سطح وارد درس خارج شدم و خارج اصول را نزد آیت الله کرباسی شروع کردم و دو سال از محضر ایشان بهره بردم در همین سال خارج فقه آیت الله جوادی آملی را نیز شروع کردم و با شرکت در درس ایشان از وجود درس وی نیز بهره بردم. علاوه بر استفاده از محضر این دو استاد درس خارج فقه آیت الله زنجانی نیز در دروسی بود که در دو سال با شرکت در آن درس استفاده لازم از درس ایشان نیز بردم. سال ۱۳۸۴ در درس مرحوم آیت الله العظمی تبریزی حاضر شدم و از وجود با برکت ایشان نیز بهره بردم تا اینکه ایشان به رحمت ایزدی نائل گشت. در این سالها یعنی از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول انجام کارهای تحقیقی و احیاء آثار بعضی از دانشمندان و بزرگان گذشته شدم و با تصحیح و تحقیق در حدود ۱۰ رساله قرآنی و شرح صحیفه سجادیه شیخ علی اصغر از نوادگان شهید ثانی مشغول فعالیت هستم.

فاطمی، عمیدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عمیدالدین فاطمی از فضلاء و علماء حوزه علمیه قم است. وی در تویسرکان متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین حوزه خوانده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و حضرت آیت الله العظیم بروجردی بالغ بر ۱۸ سال شرکت نموده و پس از آنان از محضر آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی گلپایگانی بهره‌مند و تا هم اکنون در حوزه علمیه قم اشتغال دارند و نگارنده بالغ بر سی سال است که آن جناب را می‌شناسم (و ما رایت منه الا جمیلا) او را عالمی متین و فاضلی محمود دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاکر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فاکر

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام محمدرضا فاکر در سال ۱۳۲۴ در مشهد مقدس و در میان خانواده‌ای متدین و ارادتمند به ساحت بلند علی بن موسی الرضا (ع) چشم به جهان گشود. حجهٔالاسلام فاکر به دلیل شغل پدرش، به اتفاق دیگر اعضای خانواده مدتی به اصفهان آمد و در آنجا ضمن طی نمودن دروس دورهٔ ابتدایی، با بخشی از دروس دورهٔ مقدمات حوزه آشنا شد. سپس به مشهد بازگشت و تحصیلات خود را به صورت جدی در کنار مرقد علی بن موسی الرضا (ع) پی گرفت و پس از چندی دورهٔ مقدمات را در خدمت ادیب نیشابوری به پایان برد. او در سال ۱۳۴۳ پس از طی نمودن بخشی از دروس دورهٔ سطح به قم آمد. در قم، باقیماندهٔ شرح لمعه را خواند و سپس در دروس رسائل، مکاسب و کفایهٔ استادان مشهور زمان خود شرکت کرد. سپس به درس خارج رفت و در این میان از شرکت در دروس جنبی، همچون تفسیر نیز غافل نماند. حجهٔالاسلام فاکر در طول سالهای تحصیل به خدمت استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس مقدمات را بیشتر نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفته بود، برای فراگیری شرح لمعه به نزد مرحوم مدرس یزدی رفت و بخشهایی از شرح لمعه را نزد او آموخت. در قم، باقیماندهٔ شرح لمعه را نزد حضرات آیات صلواتی و دوزدوزانی آموخت و در درس مکاسب آیهٔالله خزعلی و آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد، ضمن اینکه رسائل را نزد آیهٔالله العظمی نوری همدانی می‌خواند. حجهٔالاسلام فاکر در درس کفایه الاصول مرحوم آیهٔالله سلطانی طباطبایی و آیهٔالله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد و سپس به درس خارج فقه و اصول راه یافت. او در این دوره بیشتر در درس آیهٔالله العظمی گلپایگانی

(ره) و آیهٔالله العظمی وحید خراسانی شرکت کرد. همچنین در زمینهٔ تفسیر، به درس آیهٔالله مشکینی می‌رفت. او در طی سالهای تحصیل در دروس اخلاق استادان خود نیز شرکت جدی داشت. حجهٔالاسلام فاکر در طی سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله شهید شیخ عباس شیرازی و حجج اسلام هادی مروی، آقا ضیاء مسجد جامعی و محمد حسین امراللهی را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام فاکر در سالهای تحصیل خود، بسیاری از دروسی را که آموخته بود، تدریس می‌کرد و پس از آن نیز، سالها به این امر مهم در حوزه‌های علمیه اشتغال داشت. او تقریرات دروس خارج را نگاشته و در طول سالهای تحصیل و پس از آن بارها به مناطق مختلف سفرهای تبلیغی و سیاسی کرده است. حجهٔالاسلام فاکر از مبارزان خستگی‌ناپذیر سالهای پیش از انقلاب و از مدافعان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. او مبارزات خود را در دوره‌ای آغاز کرد که در مشهد به خواندن ادبیات مشغول بود. در آن زمان او بسیاری از اعلامیه‌های امام (ره) را در حجرهٔ خود تکثیر و یا از روی آن می‌نوشت و سپس آن را به طور مخفیانه بر در و دیوار شهر نصب می‌کرد یا به اطلاع دیگر هواداران انقلاب می‌رساند. او نخستین بار در سال ۱۳۴۱ دستگیر و روانهٔ زندان شد و دومین بار در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بازداشت شد و در زندان با حضرت آیهٔالله خامنه‌ای، آشنا شد. رژیم شاه آنها را به بیگاری کشیده بود تا آنها ضمن این کارها، تحمل و صبر خود را از دست بدهند. او دیگر بار در اوایل سال ۱۳۵۲ دستگیر و روانه زندان شد. و تا آخر سال ۱۳۵۵ در زندان بسر برد علت آن هم سخنرانی وی در نهاوند بر ضد رژیم شاه و افشاگری عملکرد آن رژیم مزدور و همکاری با گروه ابوذر بود.

رژیم شاه پس از انتقال وی از مشهد به تهران او را روانه زندان کرد. از فعالیتهای مهم حجهٔالاسلام فاکر طرح مرجعیت امام (ره) به همراه بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم، پس از درگذشت آیهٔالله العظمی حکیم(ره) بود. او در این زمینه، تصمیم گرفت طی سفری به خرمشهر و آبادان و زاهدان و... علمای آن دیار را با تصمیم فوق آشنا کند و برای این کار عزم سفر کرد و ضمن ارائه آخرین اطلاعات و اخبار در بارهٔ نهضت مردم ایران، آنان را از تصمیم علمای حوزه علمیه قم آگاه ساخت. فعالیتهای وی به پیش از انقلاب منحصر نماند. پس از انقلاب نیز وی همواره مدافع نظام بود و مدتی نیز به عنوان نمایندهٔ امام (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت. او چند دوره به نمایندگی از مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و در سالهای ظهور خط نفاق و لیبرالیسم، همواره به افشای ماهیت پلید آنان می‌پرداخت که از این رهگذر، بارها مورد حمله گروههای به اصطلاح اصلاح طلب قرار گرفت او پس از انقلاب لااقل سه بار مورد سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت که از همه آنها جان سالم به در برد. حجهٔالاسلام فاکر در پیش و پس از انقلاب با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است و امضاء او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز به چشم می خورد

فانی یزدی،حسن، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۸۱ ق)، عالم، خطیب، مصنف، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقایی. وی ساکن اصفهان بود. از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس روی به خطابه آورد تا در این فن سرآمد شد. او ادیبی شاعر و نویسنده‌ای پر تلاش بود. فانی در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی ملك از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد: جلد اول در توحید و

صفات‌الله، جلد دوم در فضائل ائمه اطهار (ع) و نصوص امامت و بعضی از خطب و مواعظ امیرالمومنین (ع)، و دو جلد دیگر در اخلاق و مواعظ؛ «التوفیقات الالهیه»، در مواعظ ماه رمضاه در سی مجلس؛ «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «فلاح الایمان»، به فارسی در مواعظ و مصائب؛ «غوث الامه فی اثبات الغیبه»؛ «عقیده الحق»، در شرح «باب الحادی عشر»؛ «هدایه السالکین»؛ «حبیب العاشقین»؛ «درر اللئالی فی اسرار الموالی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۶۰)، الذریعه (۳۰۱ -۳۰۰، ۷۲ / ۱۶، ۳۰۶ / ۱۵،۸۰۴ / ۹، ۱۳۳ / ۸، ۳۹۴ / ۶، ۵۰۰ / ۴، ۲۷۸ -۲۷۷ / ۱)، ریحانه (۲۹۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴ -۳۹۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۱۷ / ۳).

فائزی پور، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اکبر بن مرحوم حاج محمد مهدی تهرانی از افاضل دانشمندی معاصر مقیم قصبه کن تهران می‌باشند.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بتحصیل دروس ابتدائی پرداخته و با شوق مفرطی قدم در سلک روحانیت گذارده و از اوائل بلوغ در خدمت مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدحسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله که از علماء عاملین تهران بود بخواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی مهاجرت به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و سطوح فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر حاضر شده و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در میان فضلاء و محصلین تهرانی قم مشار بالبنان گردیده و بتدریس کفایه الاصول و مکاسب اشتغال یافته تا در ماه شعبان سال ۱۳۷۷ قمری که عده‌ای از اهالی کن از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی تقاضای یکنفر روحانی دانشمند و با تقوا نموده و معظم له ایشان را برای امورات دینی و سرپرستی مؤمنین قصبه کن و حومه آن انتخاب و اعزام نموده و با تجلیل شایسته بمحل مذکور عزیمت و اقامت نموده و تاکنون در آنجا مشغول به انجام وظائف دینی و روحی می‌باشند.

دارای آثار و تألیفات مفیده و ارزنده میباشند که اشاره به آنها می‌نمایم.

۱- جزوه‌ای در توحید ۲- نبوت عامه ۳- نبوت خاصه ۴- امامت عامه ۵- امامت خاصه ۶- معاد ۷- خاتمیت ۸- جبر و تفویض ۹- جزوه‌ای درباره امام زمان عجل اللّه فرجه الشریف.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما از افراد برجسته و دانشمندان متقی و پارسائی است که جمع علم و عمل و محامد آداب و محاسن اخلاق نموده و از اول ورودش در قصبه کن (که پنج محل بزرگ بنام ۱- در قاضی ۲- سر آسیاب ۳- میان ده ۴- اسماعیلون ۵- بالون می‌باشد و همواره در میان آنان اختلاف و نزاع بوده که گاهی بقتل و جرح منجر می‌شده) ایجاد اتفاق و اتحاد و برادری انداخته و به آن چند دسته‌گی خاتمه داده و آنجا را یک محل آرام و دینی نموده است مردم قصبه کن و حومه آن علاقه شدید بایشان دارند و چون هر هفته به مسجد یکی از آن پنج محل برای اقامه جماعت می‌روند مردم محل‌های دیگر هم شرکت نموده و از وجود این عالم ربانی استفاده می‌کنند برادر ارجمند ایشان جناب حجهٔالاسلام و عماد الاعلام آقای حاج اصغر آقای تهرانی می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ کاظم فائق از علماء اعلام و موصوف به تقوا و ورع تهران بودند و عمری را به قدس و پرهیزکاری و زهد و پارسائی و فضل و دانش و پاکی قلب و صفا و سادگی و متانت و انزوا به آخر رسانیده و بسهم خود ایفاء وظیفه روحی و دینی نموده و در سال ۱۳۹۳ ق بدرود حیات گفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مصطفی بن المرحوم العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج شیخ کاظم فائق از علماء بارع و ائمه جماعت معاصر تهرانست.
وی در حدود ۱۳۳۸ ق در تهران متولد شده و در حجر علم و فضیلت تربیت و پس از خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه تکمیل و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و مسافرتهای عدیده بعتبات عالیات کرده و از محضر و دروس مراجع بزرگ نجف مانند آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و اعلام دیگر بهره‌مند شده و به تهران بازگشت و در مسجد مرحوم والدش بنام (مسجد فائق) واقع در کوچه روحی خیابان عین‌الدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فتحی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فتحی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۲/۲

زندگینامه علمی

سال (۱۳۶۵-۱۳۵۹) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال

گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت ۲ یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.

سال (۶۸-۱۳۶۵) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با ۴ نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود ۲۰ کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهارنفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم. با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجهٔ الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را درمدرسه شهیدن(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.

همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیهٔالله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.

کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایهٔ و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعهٔالزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعهٔالزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...

کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل ۸۶/۱۸، موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن درموسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیهٔ الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...

(ج) دکتری ۸۷ – ۸۶: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و جاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۶۰۶ -۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین،

معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماوراالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[۱]

رازی، ابوعبداللَّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴- ف. هرات ۶۰۶ ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایهٔ‌العقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیهٔ، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیهٔ فی المطالب المعادیهٔ، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدهٔ، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایهٔ‌الاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمهٔ، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷ -۱۰۱۶ / ۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۱۳ -۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ -۱۸۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۴۴ -۳۶ / ۸)، ریحانه (۳۰۱ -۲۹۷ / ۴)، ری باستان (۳۷۷ -۳۷۴ / ۲)،

سیر النبلاء (۵۰۱ -۵۰۰ / ۲۱)، شخصیت‌های نامی (۳۶۴ -۳۶۳)، شذرات الذهب (۲۲ -۲۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۶۸ - ۳۶۷)، الکامل (۳۰۲ / ۹)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۰۵، ۱۸۶۴، ۱۸۴۰، ۱۸۱۹، ۱۷۷۴، ۱۷۵۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶، ۱۷۱۴، ۱۶۹۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۵۷۸، ۱۵۷۷- ۱۵۶۱، ۱۴۶۷، ۱۴۴۵، ۱۳۱۲، ۱۱۸۶، ۱۱۴۱، ۱۱۱۳، ۱۰۳۵، ۹۹۳، ۹۸۹، ۹۵۴، ۷۶۰، ۷۳۹، ۷۳۰، ۷۲۵، ۶۳۳، ۶۰۵، ۵۶۵، ۵۱۵، ۴۵۴، ۴۴۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۳۳، ۲۶۲، ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۶۷، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۱۶ -۱۳ / ۳)، لسان المیزان (۴۳۵ -۴۳۰ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۶)، معجم المؤلفین (۸۰ -۷۹ / ۱۱)، منتخب التواریخ (۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴ -۶۴۲ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۶ -۱۷۵ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۵۲ -۲۴۸/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۵۲ -۲۴۸ / ۴)، وقایع السنین و الاعوام (۳۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۹۵ / ۶).

فخرالمحققین شیرازی، محمد هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، عالم امامی، واعظ، عارف و نویسنده. در اصطهبانات به دنیا آمد و برای فراگیری علوم اسلامی به شیراز مهاجرت کرد. پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تألیف پرداخت. وی به اکثر شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرد. از آثارش: «بستان معرفت» یا «کشکول شیخ‌الاسلامی»، در چند مجلد؛ «دانش‌نامه‌ی شیخ‌الاسلامی»، در اصول معارف، در پنج جلد؛ «فلسفه شهادت» یا «رمز محبت»، به عربی و ترجمه‌ی آن به فارسی.[۱]

شیخ محمدهادی شیخ‌الاسلامی ملقب به فخرالمحققین بن میرزا احمد ملقب به شیخ المحققین اصطهباناتی از فضلاء و عرفا و وعاظ مشهور و نویسندگان معروف معاصر شیراز است.

وی در ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۸ ق در اصطهبانات به دنیا آمده و برای تحصیل علم و معرفت به شیراز مهاجرت کرده و پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تالیف پرداخته و با کثر بلاد و شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرده و از راه منبر خدمات ارزنده‌ای نموده است.

تألیفات و آثار عدیده دارد که بعضی مطبوع و برخی مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- بستان معرفت یا کشکول شیخ‌الاسلامی چند مجلد است که جلد اول آن بطبع رسیده است.

۲- دانش‌نامه شیخ‌الاسلامی (در اصول معارف پنج جلداست و تاکنون دو جلد آن در توحید و نبوت عامه و نبوت خاصه و امامت و معاد است).

۳- فلسفه شهادت یا رمز محبت (به عربی).

۴- ترجمه فارسی فلسفه شهادت.

معظم له برادر ارجمند جناب حاج آقای مجد واعظ شیرازیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۰۸ / ۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۵ / ۵).

فرازی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس فرازی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مرحوم آیه الله آیتی در شهرستان بیرجند شدم در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس مدرسه علمیه سلمانیه شدم و طی ۷ سال حضور در حوزه مشهد ضمن شرکت در درسهای مدرسه و استفاده از برنامه های خوب مدرسه از محضر استاد حجت هاشمی در ادبیات و اساتید چون استاد سائلی، استاد سید عباس صالحی، استاد آیه الله فقیه سبزواری، آیه الله صالحی و استاد شیخ جواد مروی آیه الله رضازاده و آیه الله فلسفی بهره بردم و در سال ۷۱ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. ابتداء از دروس اخلاق آیه الله اشتهاردی، احمدی میانجی و استاد خاتمی بهره بردم و در درس فقه واصول حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و سید احمد خاتمی شرکت کردم. و در کنار تحصیل دروس رسمی حوزه از دروس تفسیر آیه الله جوادی آملی و استاد خاتمی بهره بردم و به مدت ۴ سال در رشته تخصصی تبلیغ شرکت کردم که واقعاً دوره طلائی بود زیرا در موضوعات مختلف از اساتید زبده و جوان مانند استاد کرمی، استاد عابدی، استاد ربانی گلپایگانی، استاد نبوی و استاد دشتی استفاده کردم. پس از هجرت به تهران توفیق حضور در درس فقه مقام معظم رهبری و اصول آیه الله هاشمی شاهرودی را پیدا کردم و پس از هجرت به چالوس به عنوان امام جمعه در حوزه علمیه برادران و خواهران و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس حوزه و معارف و اخلاق پرداختم. ضمناً در کنار تحصیل و تدریس و تبلیغ همواره در محضر اساتید و دوستان از خود بهتر به امر تحقیق نیز پرداخته ام که امید وارم خدای مهربان در این میدان بر توفیقات من بیفزاید انشاء الله ...

فروغی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله فروغی

محل تولد : مبارکه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود ۱۰ سالی است که در دروس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال ۸۱ موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یک دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می نمایم.

فرهادیان، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا فرهادیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۶/۱

زندگینامه علمی

به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال ۱۳۲۷ در جوار آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرق شیخ الرئیس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمائی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال ۱۳۵۲ با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد ماندنی تدریس و مشاوره تعلیم و تعلم در زندگی فرهنگی او آغاز شد. با ارتباطی که با مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) داشت جهت فعالیتهای فرهنگی قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ به سمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسفند ماه سال ۱۳۵۷ با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی(ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال ۱۳۵۸ به سمت مدیر صدا و سیمای استان کردستان منسوب گردید و در سال ۱۳۶۰ به سبب احساس نیاز و علاقمندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شد و با علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهای خدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها

نقش موثری در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت داشته و مسئولیت مرکز مشاوره خانواده در آموزش و پرورش استان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش بوده است در سال ۱۳۶۷ طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشتغال داشته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکارم شیرازی، وحید خراسانی بهره برده است و دوره تخصصی فلسفه اسلامی از منطق منظومه تا فلسفه و عرفان اسلامی را گذرانده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحید در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تلاش نموده و حاصل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشی و تربیتی، تالیف بیست جلد کتاب و مقالات مختلف در مجله پیوند و تربیت و سایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضر کماکان مدیر موسسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشی دخترانه و پسرانه توحید می باشند و با طرح ارزشیابی توصیفی، حرکتی نو در جامعه آموزشی ایران ایجاد نموده و اخیرا با وزارت آموزش و پرورش در جهت تالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر ۱۳۸۵)

فرید گلپایگانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، ۱۳۶۳)؛ تفسیر سور، اسرا، مؤمنون و ملك (۱۳۶۶)؛ تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، ۱۳۶۴)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فی صلاهٔ الجمعه و ساله فی التقیه (۱۳۶۴)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، ۱۳۶۴)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، ۱۳۶۴).

حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.

وی در ماه صفر ۱۳۱۹ ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۰ ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال ۱۳۴۵ ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّٰه اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال ۱۳۶۵ ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می گذرانم:

۱- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال ۱۳۳۴ بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.

۲- راه بزرگواری که در سال ۱۳۳۶ بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.

۳- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ ۱۳۴۹/۵/۲۷ منتشر شد و در تاریخ ۱۳۵۰/۵/۱۰ تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.

۴- ارمغان فرید که در سال ۱۳۵۰ ق منتشر گردیده است.

۵- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.

۶- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.

۷- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان ۱۳۴۵ ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در ۱۳۶۵ ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۶ / ۶، ۵۲۲ –۵۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ –۶۵۳ / ۲).

فشارکی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آخوند ملا محمدباقر فشارکی بن ملا محمدجعفر از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و از مدرسین عالیمقام بوده است.

وی در اصفهان متولد شده و نزد حاج شیخ محمدباقر صاحب حاشیه معالم و در نجف خدمت علماء بزرگ تحصیل نموده و پس از مراجعت در مسجد محله نو و مسجد قطبیه اقامه جماعت و تدریس نموده و عده‌ای کثیر از فضلاء بدرس او حاضر شده و از دراساتش استفاده نموده‌اند.

مرحوم فشارکی اول دانشمندی است که در اصفهان احیای شب جمعه را در تخت فولاد رسم نمود. که با جمع زیادی از فضلاء و اصناف در مسجد مصلای آنجا رفته و شب را بقرائت قرآن و نماز و دعاء کمیل و توبه و انابه می گذارنید که پس از وی مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران این سنت سنیه را تا هم‌اکنون اجراء می‌نمایند.

و آنمرحوم پس از نماز در مسجد خود منبر رفته و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می‌فرمودند.

تألیفات عدیده‌ای از خود بیادگار گذارده که ذیلاً می‌نگارم:

۱- آداب الشریعه ۲- آداب نماز شب ۳- اعمال سه ماه (رجب- شعبان- رمضان) ۴- اسباب الفقر والغناء والمغفرة ۵- اصول دین ۶-

اربعین ۷- تنزیه المؤمنین ۸- حواشی بر شرح لمعه ۹- حواشی بر فرائد ۱۰- حواشی بر قوانین ۱۱- حواشی بر متاجر ۱۲- ذخیرة العباد ۱۳- رساله‌ای در تداخل اسباب ۱۴- رساله در خیار غبن ۱۵- رساله در حیض ۱۶- رساله در رضاع ۱۷- رساله‌ای در شرط ۱۸- رساله در شهرت ۱۹- رساله در صحت عبادت جاهل ۲۰- رساله در طهارت ۲۱- رساله در عدم جواز حق الرجوع ۲۲- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم ۲۳- رساله در غناء ۲۴- رساله در قرعه ۲۵- رساله در منجزات مریض ۲۶- رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم ۲۷- رساله در اموری که سبب طول عمرو حفظ از امراض می‌شود ۲۸- رساله عملیه ۲۹- عشریهٔ ۳۰- عنوان الکلام که مطبوع می‌باشد.

آنمرحوم در شب یکشنبه ۲۶ رجب سال ۱۳۱۴ ق وفات و در بقعه تکیه محقق خونساری آقا حسین در تخت فولاد مدفون گردید در مآثر و آثارش ۱۸۴ ذکر او گردیده است.

فرزندش مرحوم حجهٔالاسلام میرزا محمدمهدی مشهور به آقا میرزا عالم فاضل و زاهد و خلیق و مهربان و بسیار ساده و با صفا بوده و در دوم جمادی‌الاول سال ۱۳۴۰ ق وفات و در جنب والد مغفورش به خاک رفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقاهتی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین فقاهتی فرزند آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالرحیم مجتهد زنجانی.

وی در زنجان متولد شده و در بیت علم و فقاهت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در نزد والد ماجد و علماء دیگر زنجان خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مدرس زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده.

و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته و کثر اللّه امثاله.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقیه امامی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فقیه امامی (معروف به امامی) فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید عطاءاللّه فقیه امامی العریضی در سال ۱۳۱۲ شمسی در اصفهان متولد شده و نسب شریفش به جناب علی بن جعفر عریضی فرزند کوچک امام جعفر صادق علیه‌السلام منتهی می‌شود وی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان گذرانیده و سطح را در اصفهان نزد اساتید ادبیات و والد ماجدش به پایان رسانده است.

در سال ۱۳۳۲ شمسی از اصفهان به قم آمده و بقیه سطوح عالی را در حوزه علمیه قم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و

آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان رسانیده و در ۱۴ صفر ۱۳۳۳ شمسی به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رضوان‌اللَّه علیه شرکت نموده و در همین ایام هم مدتی در جلسه درس مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و مرحوم علامه طباطبائی حاضر و استفاده نموده و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الاول ۱۳۷۶ در جلسه درس خارج مکاسب آیت‌اللَّه العظمی خمینی (که همان روز شروع شده بود) شرکت نموده و نیز از ابحاث خارج اصول معظم‌له استفاده کرده و تقریرات درسهای ایشان را تا روز سه‌شنبه ۱۸ جمادی‌الاولی سال ۱۳۸۴ قمری نوشته است.

در ماه شعبان همین سال به اصفهان مراجعت نموده و اشتغال به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت و تأسیس کتابخانه و تألیف کتب و رتق و فتق امور مردم فرموده و تا حال تحریر این کتاب و این ارقام چهارشنبه چهاردهم صفرالمظفر ۱۴۱۲ قمری موفق می‌باشند. ادام اللَّه توفیقه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن قدس اللَّه اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌اللَّه فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.

سید محمدرضا بن آیت‌اللَّه مرحوم حاج سید اسداللَّه دزفولی اجمالی آنجناب در سال ۱۳۳۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه زانیانی، مصطفی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد ورع، از علما و ائمه‌ی جماعت اصفهان. در مسجد تکیه‌ی ظلمات امامت می‌فرمود، و مورد وثوق و اعتماد عموم بود، از

شاگردان حاج میر محمد صادق مدرس و حاج سید علی نجف‌آباد و دیگران بوده.

در ۲۶ ربیع الاول این سال وفات یافته، در نزدیک تکیه‌ی ملک، در روی سکویی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

الحق بجمع خمسهٔ ارخ و قل

فی الخلد عند المصطفی قد اسکنا

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیه قمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملا-علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت.[۱]

حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.

آن جناب در سال ۱۳۲۱ ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمده و بالغ بر ۱۸ سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۲۳ –۱۲۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۸۲ –۲۸۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۰ –۲۱۹ / ۲).

فقیه، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن فقیه جد مادری حجهٔالاسلام سید مجدالدین مترجم عزیز ماست، که از مجتهدین بزرگ شیراز و از شاگردان آیات عظام میرزا نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی بوده و از آنان اجازه اجتهاد داشته، مجلس درس این فقیه گرامی مورد توجه فضلاء بوده است.
مجله‌الاسلام که در ایران و کشورهای اسلامی از اول رژیم پهلوی منتشر می‌شد نشانه رشد فکری این فقید بود.
مرحوم حجهٔالاسلام شیخ جمال‌الدین اسلامی و شیخ کمال‌الدین فقیهی فرزندان ذکور این مرحوم می‌باشند و خاندان اسلامی و فقیهی در شیراز از ارحام این مجتهد بزرگند.
مدفن ایشان در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه است. فرزندان این دانشمند بزرگ هم اکنون به خدمات ذی‌قیمت دینی و اجتماعی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیهی آملی، شکرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا شیخ شکرالله بن کربلائی جعفر بن ملا ـ فرج‌الله ملقب به فقیه‌نیا و معروف به فقیهی از علماء آمل میباشند. در ۱۳۱۴ خورشیدی در یکی از مضافات آمل بدنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی بشهر آمل آمده و مدت سه سال در مسجد جامع آمل تحصیل سطوح وسطی نموده و آنگاه بمشهد مسافرت نموده و چند ماهی توقف کرده و در سال ۱۳۳۴ شمسی بنجف اشرف مهاجرت نموده و مدت ده سال اقامت و از محضر آیات عظام آنجا بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال ۱۳۴۴ شمسی مراجعت بایران و در شهرستان آمل اقامت نموده و در مسجد جامع باقامه جماعت و خدمات روحی و دینی پرداخته است.
دارای تألیفات ارزنده‌ای میباشد که فهرست آنها را مینگارم:
۱– تفسیر قرآن شریف ۲– شرح استدلالی بر لمعه شهید اول ۳– رساله‌ای در قاعده لاضرر ۴– شرح استدلالی تبصره علامه حلی اعلی‌الله مقامه ۴– کشکول فقیه ۵– شرح دعاء سمات
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فقیهی بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بن مرحوم حاج آقا رضا فقیهی بروجردی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در سال ۱۲۹۳ شمسی در بروجرد متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید مقدمات را در آنجا خدمت مرحوم حجهٔالاسلام آقا میرزا لطف‌اللّه فقیهی خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از حضرت آیت‌اللّه العظمی آقا نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی به پایان رسانیده و در دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر معظم له شرکت نموده و بافتخار مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری نائل شده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی به تهران منتقل و تا اکنون در مسجد (خلیلی) به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

از نوشته‌های ایشانست مقداری از تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت قدس اللّه سره دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ قم و نجف در امور حسبیه و روایتی و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیهی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی از علماء اعلام حوزه علمیه بودند عالمی با فضل و تقوا بود که در سال ۱۳۲۱ قمری در قزوین متولد شده و از کودکی در دامان روحانیت تربیت یافته تا در سال ۱۳۴۴ به قم مهاجرت نموده و در مدرسه حاجی سکونت و مشغول به تحصیل گشته و در ایام تحصیل به اصفهان مسافرت و در مدرسه جده نیز اشتغال داشته و مدت قلیلی هم در نجف در مدرسه صدر توقف و از محضر آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر شده و مدت هیجده سال هم از محضر زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از ایشان چند سالی از طرف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی برای خدمات دینی و ترویج احکام و اقامه جماعت رحل اقامت به تهران افکنده تا سال ۱۳۸۵ که ترک دنیا گفته و به سرای جاودان شتافته است رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فلاح تفتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

پدرم اصالتا اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال ۷۶ دیپلم ریاضی گرفتم. معدلم ۹۸/۱۸ بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم .اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم.فضای خانواده و بویژه شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم.مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال ۸۱ وارد دروس سطح شدم. سال ۸۴ هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاح زاده

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ ه.ش دروس حوزوی را در مدرسه علمیه حکیم شیراز که زیر نظر شهید محراب، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اداره می شد شروع کردم. یک سال بعد به قم آمدم و در مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) که به مدیریت شهید آیت الله قدوسی اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترم آن مدرسه و برخی دیگر از اساتید حوزه به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ دروس دبیرستان را به طور جهشی به صورت شبانه در کنار دروس حوزه امتحان دادم و دیپلم اقتصاد گرفتم. پس از دروس سطح، درس خارج فقه و اصول را به مدت بیش از ده سال خدمت اساتید بزرگ حوزه علمیه قم گذارندم. در کنار دروس فقه و اصول، علوم حدیث، منطق و فلسفه و کلام را نیز به طور متداول در حوزه خدمت اساتید این فن فرا گرفتم. از سال ۱۳۵۸ تحقیق، بازنگری، بازنویسی و تدریس احکام دین را به صورت تخصصی آغاز کردم، تمام ابواب فقه را به سبک جدید بازنویسی و تنظیم و دسته بندی کردم و در کنار آن تدریس احکام را در مدارس علمیه قم و برخی از دانشگاهها آغاز کردم که این روش جدید آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و در نتیجه، نگاشته های خود را برای استفاده بیشتر علاقه مندان به چاپ رساندم که با عنایت الهی تا کنون بیش از ۲۰ نمونه آن منتشر شده و برخی از آنها در تیراژ بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون نیز به امر تبلیغ و نگارش و نیز تحصیل مسائل دینی مشغول و از خدای بزرگ آرزوی توفیق و قبولی اعمال و حسن عاقبت را دارم. انه ولی التوفیق

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونهٔ دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و درسال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفهٔ» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمةٔ الاشراق و جلسات فلسفهٔ بود. دروس فقه و اصول پس از پایهٔ ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجةٔ الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجةٔ الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال

۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ ـ ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاحتی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول فلاحتی

محل تولد : صومعه سرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رسول فلاحتی فرزند معصوم متولد سال ۱۳۴۲ شمسی در یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در سال ۱۳۵۷ با معدل ۱۷ و اندی در دبیرستان بازرگانی رشت سال اول دبیرستان را سپری کردم و با شروع سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد حوزه مقدسه قم شدم و دوم دبیرستان را در این شهر خواندم البته همراه با دروس حوزه. دروس مقدمات را در مدرسه امام صادق (علیه السلام) به اتمام رسانده و شرح لمعه را نزد حضرات آیات وجدانی فخر قدس سره، اشتهاردی و شب زنده دار و اصول فقه را از آیت الله صالحی بهره بردم. رسائل شیخ اعظم را از استاد آیت الله اعتمادی و مکاسب را از حضرات آیات صلواتی، بنی فضل و دوزدوزانی استفاده بردم. کفایه جلد اول را از آیت الله دوزدوزانی، تبریزی و جلد دوم را از حضرت آیت الله ستوده بهره مند شدم. فلسفه را از حضرات آیات جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کرده ام و درس خارج فقه و اصول را به محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی، تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، باریافته و استفاده کرده ام که بیشتر این ایام در محضر حضرت آیت الله فاضل سپری گردیده است که مباحث خارج حج و اصول ایشان را به عربی به رشته تحریر درآورده ام. حدود سه سال نیز در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با اشراف آیت الله العظمی فاضل لنکرانی کار فقهی تخصصی انجام داده ام که حاصل آن طرح مباحثی پیرامون مسائل مستحدثه حج بود که مجموعه ای بنام نور الفقه تنظیم گردید. از سال ۱۳۶۵ به تدریس سطوح درسی حوزه مانند شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه تا کنون مشغول می باشم. البته به صورت خصوصی بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی را نیز تدریس داشته ام و هم اینک نیز مشغول تدریس سه کتاب رسائل، مکاسب و کفایه هستم.

فلاحتی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاحتی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین فلاحتی در سال ۱۳۲۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۴۱ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید. پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله سید جواد سبزواری و آیت الله واعظ طبسی بهره ها برد. و در سال ۱۳۶۷ به حلقه درس خارج ستارگان مشهد پیوست. ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر تدریس در دانشگاه آزاد سبزوار، آموزش و پرورش سبزوار و ... مشغول می باشد.

فلسفی شیرازی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی فلسفی مرحوم درویش علی دارابی شیرازی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شیرازند که در مرکز استان فارس به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

ایشان در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهرستان داراب به دنیا آمده و در خانواده‌ای مومن و مسلمان پرورش یافته و پس از تحصیلات ابتدائی به تشویق مرحوم والدش به حوزه علمیه داراب وارد و پس از فراگرفتن مقدمات به همراهی پدر و مادر به شیراز آمده و در مدرسه علمیه خان به ادامه تحصیل پرداخته است.

و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) شیرازی واقع و در خدمت والدین خود عزیمت به کربلا نموده و حدود پنج سال اقامت کرده و ادبیات و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین کربلا چون حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ یوسف بیارجمندی (شاهرودی) فراگرفته و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالیه را در خدمت آیات و مدرسین

نجف چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید اسداللَّه (شهید) مدنی (امام جمعه شهر تبریز) و نیز مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی سرابی و آیت‌اللَّه حاج سید ابوالقاسم کوکبی و دیگران به پایان رسانیده و همدوش اساتید سطح به درسهای خارج فقه و اصول حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله الوارف و آیت‌اللَّه حاج آقا محمد روحانی و آیت‌اللَّه خمینی شرکت و استفاده نموده تا در سال ۱۳۵۰ شمسی که از طرف دولت بعث عراق برابر ۱۳۹۰ قمری به تنهائی از بغداد اخراج و به شیراز وطن اصلی خود آمده و رحل اقامت افکنده و چون با استقبال گرم مردم شیراز بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی مواجه شدند که محل نماز جماعت خود را به ایشان واگذار فرمودند ایشان با همفکری معظم‌له به ارشاد مردم توصیه و جلسات جامعه روحانیت و کارهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ارشادی بپردازند.

خدمات آقای فلسفی در عراق و ایران

۱- ایشان در ماه ذیقعده ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف به همراهی جمعی از فضلاء نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه دومین مجله ماهنامه فارسی به نام پرتوهائی از اسلام منتشر کردند که متاسفانه بیش از ۱۲ مجله از آن منتشر نشد.

۲- در سال ۱۳۸۵ قمری به نمایندگی حضرت آیت‌اللَّه العظمی حکیم رحمه‌اللَّه به بغداد جدید آمده و به ارشاد اهالی آن منطقه پرداخته و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس علوم اسلامی برای طلاب علوم دینی پرداخته تا اینکه موفق شدند مدرسه سلومیه را در بغداد پایتخت کشور عراق تأسیس نمایند که جمعی از طلاب شیعه در آن به تحصیل مقدماتی پرداخته و بعد برای تکمیل به نجف اشرف عزیمت می‌نمودند.

۳- از آثار پر ارج ایشان تألیف دائره‌المعارف القرآنیه است که طبق لغت آیه شروع نموده و سپس به تفسیر آیه مربوط و ارجاع به کلیه تفاسیر می‌گردد که معالاسف این کتاب با کتابخانه ایشان در بغداد مانده است و تاکنون توفیق چاپ آن را نیافته‌اند و آن حدود پنجاه جلد است که جلد اول و دوم آن فقط در حرف الف است.

آثار علمی مطبوع ایشان

۱- قصه الموجود که داستان وجود و فلسفه آن را با سبک رومانی نوشته و در سلسله منابع الثقافه الاسلام به طبع رسیده است. چاپ بغداد.

۲- جزوه‌ای در فلسفه نماز- چاپ بغداد.

۳- فلسفه روزه.

۴- الامام الحسین و الحرکه الفکریه که در بغداد به طبع رسیده است.

اما خدمات اجتماعی و فرهنگی ایشان در شیراز

۱- تأسیس صندوق قرض‌الحسنه در داراب شیراز.

۲- ماهنامه دینی و ادبی پیام مهدی.

۳- صندوق قرض‌الحسنه مهدی موعود.

۴- خیریه مهدی موعود برای اداره جمعی از فقراء و مستمندان.

۵- کانون ازدواج که دفتر خاصی دارد و زیر نظر عده‌ای از خواهران مومن اداره می‌شود.

۶- خدمات مطبوعاتی مهدی موعود.

از آثار علمی ایشان پنج جلد از مستند الرسول الاعظم صلی اللَّه علیه و آله به طبع رسیده است و این موسوعه حدود سی مجلد است که معظم‌له مشغول به تألیف آن هستند.

دیگر از آثار ایشان مدرسه علمی است که جمعی از طلاب و محصلین در آنجا اشتغال به درس و بحث دارند و خود ایشان مشغول

به تدریس فقه و اصول در آن می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فلسفی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۹ -۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد.سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی او منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظرعقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[۱]

حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می کند.

این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم‌گیر شده و شهرت و ملاحت سخن‌وری و سخنرانیش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسریست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا

طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدماء گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.

من نمی‌گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.

چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت

ابن‌جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت

(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید

کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت

در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت

از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت

ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش

انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۶۵ -۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰ -۳۸۷ / ۲).

فلسفیان، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید فلسفیان

محل تولد : دهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عبدالمجید فلسفیان با شروع به تحصیل در سالهای اخیر مطالعات خود را به قرآن و نهج البلاغه اختصاص داده ام که در زمینه نهج البلاغه دو کتاب «علی و پایان تاریخ» و «علی و جاری حکمت» را توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و انتشارات لیله القدر ناشر آثار استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) عرضه شده است که کتاب اول عنوان فرعی آن امام زمان (عج) در نهج البلاغه است و کتاب دوم شرح چهل حکمت از حکمتهای نهج البلاغه می باشد. در زمینه قرآن نوشته هایی همچون پیش زمینه های برداشت از قرآن تفسیر سوره روم، لقمان، قمر و یوسف به رشته تحریر در آمده که هیچکدام به چاپ نرسیده است. و فعالیت دیگری که چند سال اخیر به آن مشغول بوده ام همکاری با دوستان و شاگردان زنده یاد استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) برای نوشتاری کردن سخنرانیهای ایشان در زمینه های مختلف معارف دینی بالاخص مباحثی در حوزه نهج البلاغه از جمله روش برداشت از نهج البلاغه شرح شقشقیه با عنوان مشکلات حکومت دینی شرح حکمت ۱۴۷ با عنوان خط انتقال معارف و شرح خطبه ۳۲ با

عنوان روزگار ستمگر و...

فوزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فوزی نماینده‌ی (حضرت آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری) از فضلاء خدمتگذار معاصر و دانشمند مجاهد و فعال شهرستان رضائیه است. وی سالها در حوزه علمیه قم کسب علم و کمال نموده و پس از وصول به مراتب عالیه حسب‌الامر آیت‌اللهی برای خدمات دینی در رضائیه اقامت و خدمات ارزنده دینی و اجتماعی بسیاری از قبیل بناء مساجد و حمام و غیره در شهر و حومه آن نموده و اکنون به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف حقه‌ی اثنی عشریه در آن منطقه حساس مرزی که از طرفی مرز اسلام و کفر و از سمتی هم مرز ولایت و تسنن است اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فومنی اریب، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم اریب فومنی از علماء محترم شهرستان فومن می‌باشد. وی در این شهر متولد شده و در بیت سیادت و شرافت پرورش یافته است. اسلاف و نیاکان آنجناب همه از اشراف و اجلاء گیلان و منطقه فومن بوده‌اند. ایشان مقدمات را در فومن و سطوح را در شهرستان رشت خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقای حج شیخ محمدرضا تنکابنی (والد ماجد خطیب توانا و واعظ شهیر جناب آقای فلسفی) و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تنکابنی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه خود مراجعت و بیش از چهل سالست که در فومن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده. در حدود سی سال قبل که برای دیدن یکی از دوستان به فومن مسافرت کردم آنجناب را ملاقات او را دانشمندی ادیب و مانند شهرتش اریب یافتم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی حایری، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجعفر فومنی حایری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و ائمه جماعت بزرگوار کربلای معلی بوده است. وی در فومن متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در فومن و رشت مهاجرت به عراق نموده و در نجف و پس از آن در

کربلا اقامت و از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللَّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به اقامه جماعت و خدمات دینی و توسل به ذیل عنایت سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام پرداخته تا در ۱۳۵۷ قمری که به مولایش ملحق و در جوار حضرتش مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدجعفر فومنی مذکور از علماء فعال تهران بودند. وی در سال ۱۳۳۰ ق در کربلای معلی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات سطوح را در آنجا از مرحوم والدش و دیگران فراگرفته و پس از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران استفاده علمی نموده و در سن ۲۷ سالگی در سال ۱۳۵۷ قمری که والد مبرورش فوت نمود به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان اقامت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن در مسجدش و جلسات مذهبی پرداخته و در اثر مبارزات با فحشاء و منکرات مبتلاء به حوادث و طوفانها گردیده و سوانح و خاطرات عجیبی دیده تا در شب بیست و سوم ماه رمضان ۱۳۸۴ قمری در اثر کسالتهای روحی و جسمی بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه کم‌نظیری با دوش مردم عالم‌دوست تهران حمل به شهر ری و در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره واقع در قسمت شرقی صحن معروف به مقبره (علائی) مدفون گردید.

آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم

مرحوم فومنی با فداکاریها و پیگیریها و مجاهدات طاقت‌فرسائی که داشت آثار گرانمایه‌ای از مساجد و دبستانهای اسلامی و مجامع مذهبی از خود به یادگار گذاشت که ذیلا اشاره می‌شود.

۱- مسجد نو واقع در خیابان خراسان (شماره ۱)

۲- کودکستان فومنی در خیابان خراسان

۳- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (پسرانه)

۴- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (دخترانه)

۵- مسجد نو شماره (۲) واقع در کوچه نظام

۶- شرکت تعاونی روزی (دهشاهی).

۷- از آثار باقیه وجود فرزندان برومند مخصوص ثقهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ حسین فومنی فرزند ارشد ایشان می‌باشد که اکنون به جای ایشان در مسجد نو خیابان خراسان امامت و به خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در تهران متولد شده و تحصیلات جدی و مقدماتی را در آنجا خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی به تحصیل سطوح وسطی و نهائی مشغول و پس از فوت مرحوم والدش دیگر نتوانست در قم مانده و ادامه به تحصیل دهد ناچار به تهران برگشته و به خدمات دینی و اداره‌ی مؤسسات مذهبی والدش اشتغال دارد و واقعاً مصداق حدیث نبوی (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فهری زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فهری زنجانی ابن السید الجلیل و العالم النبیل الحاج سید سجاد فهری زنجانی از دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال ۱۳۰۱ شمسی در زنجان متولد گردید. والد معظم ایشان در مقام منبر (به اعتراف همه شناسایان) شخصیت بارز و منحصر بفرد زنجان بوده و هستند و اکنون اواخر دهه‌ی هشتم یا اوائل دهه نهم عمر را می‌گذرانند.

حجهٔالاسلام سید احمد فهری تقریبا یکسال پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حائری یزدی به قم مشرف شده و پس از یکسال و اندی توقف در آن دیار و استفاده از درس سطح حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی در سال ۱۳۲۰ شمسی تشرف به نجف اشرف حاصل کرده و از محضر آیات عظام آقای آقا میرزا باقر زنجانی سطحا و خارجا و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللَّه سید جمال گلپایگانی استفاده خارج نمود.

و پس از استماع یک دوره و نیم درس خارج اصول حضرت آیت‌اللَّه خوئی در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت و مدت ۱۴ سال در کرمانشاه اقامت داشته و در مسجد جمعه کرمانشاه اقامه جماعت می‌نمود و ضمنا در زمینه‌ی تبلیغات مذهبی در کرمانشاه که مرکز فرقه‌ی علی‌اللهی‌ها می‌باشد زحمتی فراوان متحمل شدند.

و سپس در سال ۱۳۴۵ به تهران مهاجرت نموده و اکنون نیز در آنجا به انجام وظایف مذهبی اشتغال دارند و در مدت اقامت در تهران آثاری علمی از ایشان به طبع رسیده که ذیلاً می‌خوانید.

۱- کتاب سالار شهیدان در تحلیل انگیزه واقعی امام شهید علیه‌السلام در خروج از مدینه و حرکت بکربلا.

۲- ترجمه‌ی خصال صدوق.

۳- ترجمه‌ی عبداللَّه سبا در دو جلد تألیف آقای حاج سید مرتضی عسکری

۴- اسس المنطقیه.

۵- آهی سوزان بر مزار شهیدان ترجمه‌ی «اللهوف علی قتل الطفوف»

۶- معراج روحانی. معظم له در سال ۱۳۸۵ ه.ش وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فهری، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد فهری زنجانی والد ماجد حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید احمد فهری زنجانی از وعاظ و گویندگان مشهور زنجان بوده است وی در شهر زنجان متولد شده و قسمتی از مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و از راه منبر به تبلیغ دین پرداخته تا در سال ۱۳۹۴ قمری که در تهران وفات و در قم به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فهیمی، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله فهیمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز الله فهیمی در سال ۱۳۴۰ در بخش خلجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح ۲ و ۳ و ۴ را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده ام. از سال ۱۳۷۰ مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح ۴ خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال ۱۳۸۵ دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح ۳ حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال ۱۳۷۱ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال ۱۳۷۷ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح ۴ اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده ام.

فیروزآبادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ -۱۲۵۱ ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از روستاهای ری در خانواده‌ای فلاحت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی‌اکبر تفریشی و سید ریحان‌الله کشفی بروجردی و دیگران استفاده برد. سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزاحسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید

اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی‌المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را تصرف نکرد و حقوق جمع شده‌ی چندین ساله را با اجازه‌ی مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار عیادت می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بیمارستان هزار تخت‌خوابی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی؛ پرورشگاه و دارالایتام؛ مسجد جامع فیروزآبادی؛ مقبره‌ی فیروزآبادی؛ مدرسه‌ی رضائیه؛ مسجدی در فیروزآباد.[۱]

از علمای روحانی معاصر (ف. تهران امرداد ۱۳۴۴ ه.ش). وی از مردان خیر عصر بود و بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری به همت وی تأسیس شده.

مرحوم حاج سید رضا بن السید الجلیل السید هاشم بن السید عبدالکریم الحسینی فیروزآبادی عالمی جلیل و دانشمندی خدوم از مشاهیر علماء متقی و خدمتگزار معاصر ما بود که شب و روز خود را مصروف خدمات اجتماعی بالخصوص طبقات بیچاره‌گان و بینوایان قرار داده و شهرت اخلاق کریمانه‌اش بشرق و غرب عالم رفته.

ولادتش در سال ۱۲۸۸ قمری و یا بنابر نقل صاحب (الذریعه) (در قسم دوم از جزء اول) نقباء البشر (۷۷۹) در سال ۱۲۹۰ قمری در قریه فیروزآباد شهر ری واقع شده و در سال ۱۳۸۵ قمری در سن نود و هشت سالگی در شهر ری از دنیا رفته و در مقبر مخصوص خود جنب مسجد جامع فیروزآبادی و بیمارستانش که از آثار اوست مدفون و اکنون از مزارات عموم مردم ری و تهران میباشد.

وی در خانواده متوسط الحال و نجیب و اصیل فلاحت پیشه‌ای پرورش یافته و از دوران کودکی بفکر خدمت بخلق خدا و بیچاره‌گان بود و حتی المقدور از آنها دستگیری می‌کرد. مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را در تهران و ری در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر تفریشی مدفون در ری و آیت‌اللّه آقا سید ریحان‌اللّه کشفی بروجردی و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی در نجف و آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر در کربلاـ استفاده نموده سپس مراجعت به ایران و در زادگاه خود (فیروزآباد) به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تعلیم احکام نموده و در اوائل مشروطیت چهار دوره از مردم ری و تهران انتخاب برای مجلس شوراء ملی گردیده و ایشان جهت دفاع از حقوق ملت و خدمت به مردم به مجلس مزبور رفته ولی یک ریال از حقوق آنجا را تصرف ننموده تا چندین سال که حقوقش در صندوق جمع شد باجازه از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی و بعضی دیگر از مراجع اقدام ببناء بیمارستان در شهر ری نمود و خود تا اواخر عمرش از رسیدگی کردن بوضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و نیمه شب به قسمتهای مختلف بیمارستان رفته و از بیماران عیادت نموده و از آنها تفقد می‌فرمود. آثار بسیاری از این عالم بزرگوار مانده که قسمتی از آنها را می‌نگارم:

۱- بیمارستان فیروزآبادی که اکنون بیش از هزار تخت و سه ساختمان سه طبقه بزرگ دارد.

۲- زایشگاه که نیز مجهز به همه گونه وسائل برای آسایش و زایش بانوانست.

۳- درمانگاه فیروزآبادی.

۴- پرورشگاه و دار الایتام برای اطفال بی پدر و بینوا.

۵- مسجد جامع فیروزآبادی که اکنون فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام حاج سید محمد فیروزآبادی در آن اقامه جماعت می‌کنند.

۶- مقبره فیروزآبادی جنب مسجد و بیمارستانش.

۷- مسجدی در قریه فیروزآبادی.

۸- مدرسه رضائیه در خیابان سیروس جنب حسینیه و مسجد تکیه رضاقلی خان.

فرزند سیدهاشم فیروزآبادی است. در ۱۲۵۰ در قریه فیروزآباد متولد شد. از سن ده سالگی به تحصیلات قدیمه نزد علمای عصر در تهران پرداخت و مدتی نیز در نجف اشرف علوم معقول و منقول را فراگرفت و پس از مراجعت به ایران، به تکالیف شرعی پرداخت و حوزه‌ی درس دائر نمود. در دوره‌ی سوم که انتخابات مجلس مصادف با جنگ بین‌المللی اول بود، از طرف مردم شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در ادوار ششم و هفتم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس شورای ملی بود. آخرین بار در دوره‌ی چهاردهم وکیل شد. در مجلس به خاطر سن او که از هفتاد تجاوز نموده بود، سر و صدا شد ولی سرانجام اعتبارنامه‌ی او به تصویب رسید. وی در مجلس از وکلای پر سروصدا شد و با تمام لوایح دولت مخالفت می‌نمود. فیروزآبادی مردی خیر و نیکنام بود و در تمام مدت نمایندگی دیناری از مجلس حقوق نگرفت و آن را اختصاص به تاسیس بیمارستانی در شهر ری داد. ابتدا باغ حرمت‌الدوله را در شهر ری با کمک مردم خیر خریداری کرد و یک بیمارستان صدتختخوابی در آنجا احداث نمود، مجددا یک بیمارستان سیصد تختخوابی در جنب آن بنا کرد و سرانجام بیمارستان را به هزار تختخوابی تبدیل نمود. همچنین یک دانشگاه بزرگ و مدرن و مسجد معظمی جنب بیمارستان ساخت و یک پرورشگاه و دارالایتام نیز پی‌ریزی کرد. وفات او در سال ۱۳۴۴ در سن ۹۴ سالگی اتفاق افتاد. روزی که دار فانی را وداع گفت، از مال دنیا چیزی جز دوازده فرزندش باقی نگذاشت. این مرد خیر غالبا هزینه‌ی شخصی خود را صرف بیمارستان می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] شرح حال رجال (۹۸ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۰ -۷۷۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۳۲ -۶۳۱ / ۴)، یاد نامه‌ی آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی.

فیروزکوهی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن مرحوم ثقةالاسلام آشیخ محمدباقر فیرزوکوهی متوفی ۱۳۲۸ شمسی و ۱۳۶۹ قمری از فضلاء معاصر است در حومه آمل- وی در سال ۱۳۴۰ قمری در قریه آسور فیروزکوه متولد شده و پس از رشد اصول عقاید و قرآن و کتب فارسی و غیره را نزد والدش و مکتب‌دار محل فراگرفته و در سال ۱۳۱۱ شمسی داخل دبستان دانش آمل شده و با استعداد زیادی که داشتند دروس فارسی جدید را در مدت کوتاهی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۱۴ شمسی مشغول به تحصیل مقدمات گردیده و در سال ۱۳۱۵ شمسی به قم مهاجرت نموده و در ایام تحصیلی در آنجا و ایام تعطیل هم در قصبه آسور به خواندن پرداخته و در قم ادبیات مانند مطول و غیره را از مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی فراگرفته و شرح لمعه را خدمت آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی خوانده و چندی هم در آمل توقف و بقیه شرح لمعه را نزد آیت‌اللّٰه آقای آقا محمد غروی تکمیل نموده و باز به قم آمده و رسائل را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و مرحو آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و بعد مشرف به عراق و در کربلای معلی از درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند گردیده ولی بواسطه موانعی از ادامه و اقامت در آنجا محروم و بوطن برگشته و باز به قم آمده و کفایه را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد داماد و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خوانساری و مقداری مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا روح‌اللّٰه کمالوند خرم‌آبادی استفاده نموده و بعد به درس خارج حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی

مازنـدرانی و خـارج اصول مرحوم آیت‌اللَّه آقـای داماد و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی حاضـر شـده و از محاضـر و خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و هم درس تفسـیر قرآن را از مرحوم شـیخ مهدی ذکور و آیت‌اللَّه علامه طباطبائی آموخته و نیز درس معقول منظومه را از اسـتاد منتظری و اسـفار را از علامه طباطبائی مستفیض شده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی بنابر اصرار عده‌ای از مردم آمل و اهالی محترم محمودآباد که سابقه ممتـدی در آنجا داشـتند منتقل به محمود آباد شـده و از سال ۱۳۴۹ تا حال تحریر در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند ادام اللَّه توفیقاته

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزمهر، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی فیروز مهر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۶۲ وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلای بهشهر شدم تا سال ۶۴ مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی ۶۵ روانه مشـهد شدم و تا سال ۶۹ در حوزه مشـهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شـدم و دروس سـطح حوزوی را ادامه دادم. سال ۷۲ سـطح را به اتمـام رسانـدم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشـته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال ۷۷ دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال ۷۶ دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلاـم اسـلامی در دانشـگاه قم را آغاز کردم که در سال ۷۹ از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مـدرک این رشـته را اخـذ کردم. همزمـان بـا تحصـیل در تخصصـی تفسـیر و علوم قرآن و تحصـیل در دانشـگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم قرآنی همکاری می کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبداللَّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیب‌اللَّه بن سید ولی الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبداللَّه بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن

سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبداللَّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی که بـا بیست و هفت واسطه بامـام هفتم منتهی می‌شود در حـدود سـال ۱۳۱۴ قمری در دزفـول متولـد شـده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضـر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌اللَّه معزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزنـد برومنـد ایشان جناب حجهٔالاسـلام آقا سـید علی فیض از ائمه جماعت معاصـر تهرانست. وی در سال ۱۳۴۹ قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیکم صبیه مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والـدش به تهران آمـده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشـرف گردیده و از محضـر مدرسـین حوزه بهره‌منـد گردیـده و جهت کسالت مزاج پـدر گرامیش به تهران برگشـته و تـاکنون در تهران و حومه آن (و صـفنارد) بانجـام وظائف دینی اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلاً توضیح میدهم.

۱- کتـاب کربلا یا کانون انقلاب ۲- مقـاله‌ای در بعثت نبی اکرم صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم ۳- مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشـت مرحـوم آیت‌اللَّه حجت ۴- مقاله‌ای تحت عنوان سـعادت واقعی کـدام است ۵- شـرح مرحوم ضـیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.

سیـد فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سـید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال ۱۳۱۱ قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیه مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطـوح را در محضـر مرحـوم آیت‌اللَّه آشـیخ محمدمهـدی بیگـدلی دزفـولی و مرحوم آیت‌اللَّه آقـا سـید عبدالمهـدی داعی دزفولی استفاده نمـوده و هم از محضـر مرحـوم آیت‌اللَّه حـاج شـیخ محمـدرضا معزی دزفـولی و آیت‌اللَّه آسـید ابوالقـاسم موسوی دزفولی پسـرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌اللَّه آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تـدریس و تسـجیل معاملات و خـدمات دینی پرداخته و هم فصـل دعـاوی و خصومـات می‌نمودنـد که شـرح و بسط آن بسـیار و موجب اطناب است.

آنجنـاب سـفری به عتبـات عالیـات جهت زیـارت و شـرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمنـد و بزرگتر خود مرحوم حجهٔالاسـلام والمسـلمین آیت‌اللَّه حـاج سـید اسـداللَّه فقیه دزفولی (پـدر عیـال فرزنـد گرامیش) که مقیم نجف اشـرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌اللَّه فیروزآبادی و مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه اصـفهانی قدس اللَّه اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.

معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌اللَّه آشـیخ حسـین آسـتانه‌ای (صاحب مدرسـه علمیه در آسـتانه لاهیجان) و مرحوم حجهٔالاسلام عارف و عالم ربانی دائی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجهٔالاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دائی خود مرحوم سید محمدعلی سیـدالحکماء که قریب پـانزده سـال در هندوسـتان به تحصـیل طب و گیاه‌شناسـی اشـتغال داشت فراگرفته بود. و به اذکـار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.

در سال ۱۳۶۱ قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجهٔالاسـلام آسید محمدمهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف

و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه ۱۲ ذیحجةالحرام ۱۳۹۴ قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی‌السلام در آرامگاه مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمدمهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم و آیت‌اللّه صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره اللّه مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقا.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجةالاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی فیض

محل تولد : لاهیجان

شهرت : فیض گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله محمدعلی فیض گیلانی در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در یکی از روستاهای لاهیجان و در میان خانواده‌ای متدیّن به دنیا آمد. پدرش دروس حوزوی را تا لمعتین به پایان رسانیده بود و به دلیل عارضه لکنت زبان، به کار کشاورزی می‌پرداخت و از همان راه روزگار می‌گذراند. او که به اخلاص و پرهیزگاری مشهور بود مورد اعتماد مردم روستا و مرجع حل مشکلات و اختلافات آنان بود. استاد فیض گیلانی تحصیلات خود را از مکتب خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبستان به دلیل هوش سرشار و توانایی بسیار، مورد استقبال معلمان قرار گرفت و با تصمیم آنان تحصیلات خود را از سال سوم دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود، در مدت کوتاهی دروس مقدمات را به پایان رسانید و در محضر استادان بزرگواری دروس دوره سطح را پی گرفت و پس از اتمام سطوح عالی به درس خارج استادان مشهور آن روزگار راه یافت. او در سالهای تحصیل خود، همواره در دروس اخلاق شرکت جدی داشت و می‌کوشید علم خود را با عمل درهم آمیزد و نیز به مطالعه کتابهای جنبی علاقهٔ بسیار داشت. استاد فیض در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری راه یافت. او مطوّل را در محضر شهید آیهٔ الله مطهری (ره) و سیوطی را نزد شیخ اسدالله اصفهانی آموخت. شرح لمعه را در محضر شهید آیهٔ الله صدوقی (ره) و شیخ حسن علی اصفهانی فرا گرفت. دروس رسائل و مکاسب و کفایه را نیز در نزد آیهٔ الله سلطانی طباطبایی (ره) که از استادان بنام آن روزگار بود آموخت.

با پایان یافتن دروس سطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام خمینی (ره) نیز شرکت داشت. استاد اصلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با تبعید آن مرجع حماسه آفرین، وی مجبور شد در دروس دیگر شرکت کند که از جمله آنان درس آیهٔ الله العظمی محقق(ره) بود. استاد فیض، در طی این سالها در دروس اخلاق امام خمینی (ره) شرکت جدّی داشت و با بسیاری از فضلای آن روزگار، رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می کرد که از جمله آنان حجهٔ الاسلام و المسلمین امینیان ـ امام جمعه آستانه اشرفیه است. استاد فیض گیلانی در سالهای عمر پربرکت خود، خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانیده است، از جمله آن می‌توان به ساخت چند مسجد در مناطق محروم اشاره کرد که خود باعث تحولات عظیمی در آن مناطق شد، او پیش از انقلاب و پس از آن در ایام حجّ در بعثه امام (ره) خدمات بسیاری را برای حجّاج فراهم آورده و در ساماندهی امر حجّ و آشنایی واقعی با احکام و اهداف آن نقش مهمی را ایفا کرده است. او سالها در دانشگاهها به تدریس علوم و معارف اسلامی می‌پرداخته، و مدتی نیز نماینده امام (ره) در دانشگاه الزهرا(س) بوده است. استاد فیض چند کتاب تألیف نموده که هنوز به چاپ نرسیده است؛ از جمله آنان تاریخ و زندگی عالمان لاهیجان است. استاد فیض گیلانی در سالهای حکومت خاندان پهلوی، فعالیتهای مبارزاتی بسیاری را به انجام رسانیده است. او که خود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسیاری شرکت کرده است. او در زمان رژیم طاغوت منزلی را که در قم به تازگی خریده بود، به درخواست اطرافیان امام (ره) در خدمت امام (ره) قرار داد. این قضیه، مدتی پس از تبعید امام(ره) به تهران بود. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلاب نیز در عرصه‌های گوناگونی به خدمت پرداخت. او در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شعف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت.

فیضی طالب، عزیز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز فیضی طالب

محل تولد : الشتر لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز فیضی طالب در خانواده ای روستایی با آداب و سنن مذهبی سنتی در اسفند ماه ۱۳۴۴ شمسی چشم به جهان گشودم. دوران ابتدایی را همزمان با اعزام سپاه دانش به مناطق روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۵۱ شمسی آغاز نموده و در سال ۱۳۵۵ شمسی تحصیلات ابتدایی را با موفقیت سپری کردم. دوره راهنمایی را با تشویق برادرم آغاز کرده و برای صعود از نردبان ترقی علمی از روستای زادگاه خود مهاجرت نموده و به شهر خرم آباد (مرکز استان لرستان) هجرت نمودم و تا پایان دوران متوسطه در آن دیار به تحصیل مشغول بودم که به علت اوج جنگ تحمیلی به مدت دو سال و چهار ماه در مناطق جنوب مشغول سپری کردن دوران خدمت وظیفه بودم، همین ایام در امتحان ورودی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت نموده و در آن آزمون رتبه قبولی

کسب نمودم و عملاً در آبان ماه ۱۳۶۷ تحصیل دورس حوزوی را با شیوه جدید در دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد مقدس) آغاز کردم و علاوه بر دروس پایه به مکالمه زبان انگلیسی و عربی تسلط نسبی پیدا نمودم. در سال ۱۳۷۲ همزمان با مهاجرت از شهر مشهد مقدس به قم در کنکور سراسری شرکت و در رشته حقوق دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی گردیدم. پس از یک سال وقفه در سال ۱۳۷۸ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه کارشناسی ارشد که بررسی فقهی ـ حقوقی مبانی ریاست شوهر نام داشت، دفاع کردم. در فاصله ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ پایه و اساس تحصیلات، دروس حوزوی بود و فعالیتهای دانشگاهی در وضعیت جانبی قرار داشت. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی کانون وکلای مرکز شرکت کردم که پس از موفقیت در آزمون ورودی دوره کارآموزی را سپری کرده و در اختبار کتبی و شفاهی نیز رتبه قبولی دریافت کردم و در ۲۰/۹/۱۳۸۲ پروانه پایه وکالت دادگستری را اخذ نمودم که اکنون با محور قرار دادن دروس حوزوی از پروانه وکالت به عنوان ابزاری برای ارتباط با عالم نظر و عمل بهره می گیرم.

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۵ ق)، مدرس، خطیب، محدث و فقیه شافعی. نزد محیی‌الدین محمد بن یحیی شهید فقه آموخت، و در خلاف نامی شد، و در این طریقه «تعلیقه»ای نگاشت که گویای فضل و برتری وی بر بسیاری از همگنان اوست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس کرد.در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش «تعلیقه» و «طریقه»، در خلاف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۹۹ / ۱)، سیر النبلاء (۲۲۷ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۸۲ / ۱۲)، وفایت الاعیان (۱۷۴ / ۵)، هدیه العارفین (۴۰۴ / ۲).

قاضی زاده، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم قاضی زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال ۱۳۵۶ (۱۶ سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و ازسال ۱۳۶۶ به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال ۱۳۸۰ (به مدت ۱۵ سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷ که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی درسال ۱۳۷۱ همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیتهای علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال ۱۳۶۰ تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال ۱۳۸۰ نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز اشتغال دارد.

قاضی زاهدی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم قاضی زاهدی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۳۳ شمسی تحت تربیت والد معظم پرورش یافته پس از خواندن دروس ابتدائی و اولیه در گلپایگان برای تحصیل علوم دینیه در سال ۱۳۴۹ شمسی به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در خیابان تهران نزد جمعی از فضلاء و علماء خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان مدرسه آیت الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره رفته و سطوح نهائی فقه واصول را از آیات عظام و حجج الاسلام مرحوم آیت الله ستوده اراکی و سید ابوالفضل موسوی نیریزی (ره) و صلواتی و فاضل لنکرانی و نوری همدانی و سبحانی به تکمیل رساندم و سپس شرکت در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره و مرحوم آیت الله شیخ

مرتضـی حائری یزدی قـدس سـره و نجفی مرعشـی تا پایان عمر شـریفشان از ابحاث فقهی مستضـعفین و اکنون از دراسات آیت الله وحیـد خراسـانی مـدظله العـالی اسـتفاده و تقریرات ایشـان را به رشـته تحریر در آورده و از غـالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریـافت نمـوده و اکنون به عنوان یـک واعـظ نـامی کشور در اکـثر شـهرهای ایران منـبر می روم و مورد تشویق مؤمنین در مجـالس سنگین ادای وظیفه اسـلامی نمـایم و از طریق منبر و خطابه خـدمات ارزنـده و چشـمگیری نموده چنـد سالی هم در یکی از حجرات صحن تدریس لمعه و مکاسب داشتم و کتابهای خطی نوشتم که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی.

تولد: ۱۲۸۹(۱۳۳۱ ق.)، تبریز.

شهادت: ۱۰ آبان ۱۳۵۸، تبریز.

آیت‌الله محمدعلی قاضـی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.

ایشـان در سال ۱۳۴۷ ق. مقـارن بـا قیـام مردم تبریز به سـبب شـرکت در مبارزات به دسـتور رضاشاه به همراه پـدرش از تبریز اخراج گردیـد، مـدت دو ماه در تهران سـکنی گزیـد و پس از آن محل تبعیـد آنها به مشـهد تعویض گردیـد و پس از یک سال اقامت در مشـهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشـغول شد. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضـر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم اسـتفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیـل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سـید محمـدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سـید محمـد حجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله محمـدعلی قاضـی طباطبـایی با تکمیل سـطوح در قم، در سال ۱۳۲۷ عـازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردیـد. پس از سه سـال تحصـیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.

در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسـی به ویژه در فاصله ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌هـای سیاسـی وی همزمان با قیام مردم در سال ۱۳۴۲ ابعـاد دیگری یافت. در سـیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دسـتگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرسـتاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزای وی بـا قیـد ممنوع‌الملاقـات توأم بود و مـأموران سـاواک در اجرای این امر نظارت داشـتند. پس از چهار ماه به قم می رونـد تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.

وی پس از دیـدار با امام خمینی به مشـهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعیـد بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد اسـتقبال مردم قرار گرفت و به همین سـبب همـان شب در منزلش دسـتگیر و به سـلطنت‌آباد تهران منتقل شـد. بعـد از

مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر ۱۳۴۳ پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.

مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال ۱۳۴۷، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجددا در تیر ۱۳۴۸ به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیر به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان بازگرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان ۱۳۴۸ به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر ۱۳۴۸ به تبریز مراجعت کرد. در تبریز در کنار تدریس و تألیف همچنان به مبارزه ادامه داد و در عین حال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌ها، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال ۱۳۵۶ در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شد که در آن رهبری آیت‌الله قاضی و نفوذ وی در میان راهپیمایان آشکار بود. ایشان در مدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.

عنوان‌های برخی از نوشته‌های ایشان به این شرح است: الاجتهاد و التقلید (عربی و خطی)؛ الفوائد (فقهی و تاریخی)؛ خاندان عبدالوهاب (فارسی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب (عربی خطی) ؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارهٔ (عربی، خطی)؛ اجوبهٔ الشبهات الواهیه (فارسی، خطی)، رسالهٔ فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سفرنامه بافت (فارسی، خطی)المباحث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ مرتضی انصاری و کفایهٔ الاصول محمدکاظم بن حسین آخوند خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ تاریخ قضاء در اسلام؛ صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهر علیهماالسلام؛ حدیقهٔ الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباهله، رسالهٔ فی مسألهٔ التربت؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شیخ کاشف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیهٔ تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المستقیم (فارسی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره (فارسی ومطبوع) تعلیقات بر کتاب کنزالعرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت الصلوهٔ، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنهٔ الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیهٔ فی المباحث الکلامیهٔ اثر علامه حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی

(ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانهٔ النصرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال ۱۳۹۱ ق. در تهران افست گردید)؛ ترجمه مسائل قندهاریهٔ (اثر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات متعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).

اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌اند: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمدباقر طباطبایی؛ بانو علویه هاشمیه؛ آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بجنوردی آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسینی شاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.

آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.

سید محمد علی قاضی طباطبائی ابن العلامه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضی بن السید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمد علی بن العلامه الکبری آقا سید میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی که ابا عن جد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.

وی در سال ۱۳۳۳ قمری در تبریز متولد و در مهد علم و شرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و استفاده خصوصی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی متوفی ۱۳۴۸ قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی را با سطوح عالی نزد مرحوم والد مکرم خوانده و در سال ۱۳۵۷ در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نموده تا سال ۱۳۵۹ که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را استفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال ۱۳۶۹ قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال ۱۳۷۲ که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است.

آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصر حاضر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:

۱- رساله فارسی در ترجمه آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد ۲- تقریرات اصول آیت الله حجت. ۳- تقریرات فقه آن مرحوم. ۴- تاریخ قضاء در اسلام بفارسی ۵- کتاب صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهماالسلام بفارسی ۶- حدیقه الصالحین که در ج ۶ کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص ۳۷۸ ذکر شد ۷- تقریرات دروس اساتید نجف ۸- المقالات مجلدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبعه صید المنان منتشر شده. ۹- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. ۱۰- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) ۱۱- الاجازات که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست ۱۲- ترجمه مسائل قندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطام مد ظله رحمه الله.

۱۳- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام.

۱۴- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در ۴ جلد.

۱۵- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است

۱۶- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام

۱۷- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه‌السلام در هر زمان.

۱۸ سفرنامه بافت.

۱۹- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.

(۱۳۳۳- شهادت ۱۳۹۹ ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در ۱۳۵۷ ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجددا به تبریز بازگشت. در ۱۳۵۹ ق برای تکمیل مبانی. علمی به حوزه‌ی قم رفت و در محضر استاتیدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۶۹ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در ۱۳۷۲ ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۸۸ -۳۸۷ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۴۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۵ -۳۲۲ / ۳).

قاضی عسکر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی قاضی عسکر

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۳/۵

زندگینامه علمی اینجانب سید علی قاضی عسکر در روز پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و سه شمسی برابر با ۲۳ رمضان المبارک ۱۳۷۳ هجری قمری در یک خانواده مذهبی در خیابان مسجد سید اصفهان متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان جعفری وابسته به تعلیمات اسلامی که در محله بیدآباد اصفهان واقع شده بود سپری کردم و دوره راهنمائی را نیز در مدرسه

احمدیه که مدیریت آن را یک نفر روحانی به نام حجت الاسلام آقای سید ابوالحسن بدری بعهده داشت گذراندم. پدرم آقای حاج سید مصطفی قاضی عسکر که کارمند کارخانه صنایع پشم اصفهان و از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) بود بسیار علاقه داشت تا یکی از فرزندان خود را به حوزه فرستاده تا دروس حوزوی بخواند، از این رو در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و جامع المقدمات را آغاز کرده از اساتید بزرگوار آن حوزه بهره مند شدم. سپس با گذشت یک سال به دلیل آوازه و شهرتی که قم داشت تصمیم گرفتم به قم آمده و در حوزه کهن قم ادامه تحصیل دهم در قم به ترتیب در مدرسه مومنیه واقع در خیابان چهارمردان، مدرسه آیت الله نجفی مرعشی واقع در خیابان ارک قم، مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه سکونت داشتم. دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگواری از جمله مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کافی اصفهانی، مرحوم شهید حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن بهشتی طاب ثراه امام جمعه موقت اصفهان پس از انقلاب که به دست منافقین به شهادت رسیدند، حجت الاسلام و المسمین آقای حجازی اصفهانی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای یحیی سلطانی و ... فرا گرفتم. سپس به درس مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله خزعلی، آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم و مکاسب را در درس آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و کفایه را در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی بهره گرفتم. و سپس در دروس خارج آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله منتظری، آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی حاضر شده سالها از محضر این اساتید بهره مند شدم در دروس تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله مشکینی استفاده کردم در دروس تخصصی مرحوم شهید آیت الله مرتضی مطهری که در مسجد ارک قم برگزار میشد شرکت داشتم و بخشی نیز از محضر آیت الله جوادی آملی استفاده کرده ام و بر اساس تاییدیه مکتوبی که از اساتید بزرگوار و اعزه همچون حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله سبحانی، حضرت آیت الله خاتم یزدی، حضرت آیت الله محمد حسن قدیری و ... دارم بیش از ده سال از دروس خارج حوزه استفاده کردم. بنده از ابتدای تکلیف مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودم و از آنجا که پدرم درحادثه ۱۵ خرداد در قم حضور داشت و شاهد حمله کماندوهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و شهادت و مجروحیت طلاب و روحانیون حوزه علمیه بود و با روحانیون مبارزه و تلاشگر مانوس بود بطور طبیعی اینجانب از همان سال اول تحصیل با قیام حضرت امام همراه شدم، در همان سال اول طلبگی در مدرسه ملا عبدالله گاهی شبها نوارهای کاست که از نجف ارسال شده بود را همراه با تنی چند از طلاب آن روز مدرسه که حاوی سخنرانیهای امام خمینی (ره) بود استماع و در توزیع اعلامیه های ایشان مشارکت داشتم، و پس از آنکه به قم آمدم این فعالیتها ادامه یافت و با اکثر چهره های انقلابی حوزه آشنا و همراه شدم.

قاینی، جلال‌الدین جلال

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محدث و مدرس. وی از احفاد نجم‌الدین عمر نسفی است. به گفته‌ی مؤلف «بزرگان قائن» نامش را به اشتباه جلال‌الدین محمد بن ابن عبدالله قاینی، محمد بن محمد قاینی، جلال‌الدین ابومحمد بن نجم‌الدین محمد قاینی، جلال‌الدین محمد بن عبدالله قاینی و غیره ذکر نموده‌اند. در قاین به دنیا آمد. به بخارا رفت و در آنجا مدتی به تحصیل پرداخت. وی شاگرد شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد جزری و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله سمرقندی بود و از آنها اجازه‌ی روایت داشت. پس از گذراندن دوران تحصیل به هرات رفت و در دانشگاه و در مقصوره‌ی جامع آنجا به تدریس پرداخت. فصیح‌الدین محمد بن محمد قاینی و محمد بن شیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصحین»، و جلال‌الدین یوسف اهل، مورخ و

محدث سده‌ی نهم هجری، و حسین ابن جمال قهستانی، صاحب «شرح قصیده‌ی ابن‌سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تدریس مدتی نیز منصب احتساب شهر هرات را عهده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگذشت و در مدرسه‌ی جغرتان به خاک سپرده شد. از آثار وی: مدرسه‌ی علمیه‌ی جغرتان، که امروزه به صورت مسجد درآمده، و به جامع جغرتان معروف است؛ کتابخانه‌ی بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»؛ «اربعین»، مشتمل بر چهل حدیث؛ «مفتاح الفرائض»؛ «شعب الایمان»، در ادیان و جامعه‌شناسی دینی؛ شرح «نصاب»؛ «اجازات»؛ «نصایح شاهرخ شاهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۱۲۰ -۱۱۳)، بهارستان آیتی (۱۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۵)، حبیب السیر (۱۳ / ۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۸۳۸)، مزارات هرات (۹۰ -۸۹).

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا قائمی مقدم

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا قائمی مقدم فرزند محمد در بهمن ماه ۱۳۴۴ در روستای روئین از توابع شهرستان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شدم. تحصیلات ابتدائی و نیز آشنایی با قرآن و عربی را در روستا گذراندم و تحصیلات راهنمایی را در شهر اسفراین به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۰ برای تحصیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال ۱۳۷۰ کلیه دروس سطح و نیز چند سالی از درس خارج را زیر نظر مدرسه شهیدین گذراندم و سپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شرکت می کردم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیهٔ الله تبریزی و...غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمان در طول تحصیل گرفتم در سال ۱۳۷۰ همزمان با دروس حوزه برای گذراندن تحصیلات دانشگاهی وارد برنامه های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) شدم که همزمان با تحصیل به کار تحقیق نیز مشغول شدم و در نهایت در سال ۱۳۷۹ از مقطع کارشناسی ارشد با گرایش تاریخ و فلسفه آموزشی و پژوهشی فارغ التحصیل شدم و هم اکنون نیز به تحقیق و بررسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در خصوص روشهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسؤلیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعهٔ الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشنایی با دوره های کامپیوتر IcdL را نیز گذرانده ام. بیشترین تدریس بنده در جامعهٔ الزهرا (س) بوده است که شامل دروس ادبیات عرب، اخلاق اسلامی، درایه رجال، روانشاسی عمومی، اصول (طبقهٔ اولی) الموجزئی علم الاصول و... می شود. راهنمایی چندین پایان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهده

داشته و دارم.

قائمی نیا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا قائمی نیا

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال ۱۳۴۳ در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسهای قرآنی و هیئت های مذهبی شروع به فعالیت کردم و با شروع انقلاب اسلامی در سال ۵۷– ۵۶ به فعالیتهای سیاسی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تحصیلات دولتی در دبیرستان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال ۶۱ – ۶۰ برای ادامه تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و تا تحصیلات درس خارج پیش رفتم و در دروس خارج برخی از مراجع شرکت نمودم. همراه با تحصیل سطح، به صورت تخصصی در رشته فلسفه در موسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و در سال ۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته فلسفه شدم و پس از اندکی در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی ودانشگاهی به تدریس اشتغال داشته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قائمی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی فرزند ثقه‌الاسلام مرحوم شیخ فرج‌الله دیزچه‌ای غفرالله له از مشاهیر علماء معاصر آبادان است. وی در سوم ماه رمضان هزار و سیصد و بیست یک (۱۳۲۱ ق) متولد شده و در خدمت والدش که یکی از متوسطین اهل علم بوده پرورش یافته و پیش از بلوغ در قریه دیزچه درس مقدمات را خدمت مرحوم آقا شیخ فرج‌الله شریعت که یکی از اعلام محل بوده آموخته و در سن نوزده سالگی باصفهان آمده و سطوح فقه را در محضر حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد درب امامی و آقای آقا شیخ علی یزدی استفاده کرده و در درس خارج آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی و آیه‌الله العظمی حاج سید علی

نجف‌آبادی و آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی (مقرر درس مرحوم آخوند خراسانی) استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ ق مشرف بمکه معظمه شد و در مراجعت از طریق کویت به آبادان وارد شده و چون عده‌ای از همراهان حجش اهل آبادان بودند چند روزی ایشانرا نگاهداشته و پذیرائی شایانی نموده و در این میان مطلع میشوند که حدود پنجهزار نفر از پیروان کسروی در آنجا هستند و بر خلاف ضروریات دین فعالیت میکنند و نسبت بمقدسات مذهبی جسارت میکنند ایشان تصمیم گرفتند چند شبی در مسجد مرحوم سید علینقی منبر رفته و مسلک کثیف و مرام باطل و مضلّه آن ملعون منحرف را بدون بردن اسم و عنوان بیان کرده تا جائیکه در مدت هشت شب پنجاه نفر از پیروان احمد کسروی توبه نمودند.

پس عده‌ای از متدینین آبادان بمرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قدس‌الله سره نوشتند که آنکس که بتواند با این گروه گمراه مبارزه کند آقای قائمی است.

و چون ایشان متوجه نامه اهالی آبادان شدند فورا حرکت باصفهان نمودند از طرف مرحوم آیه‌الله اصفهانی جواب آمد که باید آقای قائمی در آبادان بمانند. اهالی جواب نوشتند که ایشان باصفهان رفته‌اند و آدرس او را نوشتند مرحوم آیه‌الله مستقیما به آدرس اصفهان نامه نوشتند که لازم است شما به آبادان بروید و اقامت کنید و سد گمراهان گمراه‌کننده باشید ایشان معذرت خواستند که من مشغول تحصیل و هوای آنجا هم ناسازگار است با مزاج من. نامه‌ی دوم آیه‌الله- ره- آمد که تا شما بخواهید اسلحه تهیه کنید جنگ بر علیه اسلام تمام شده لازم است به آبادان بروید. ایشان عین نامه را به آیه‌الله خراسانی ارائه دادند فرمودند حکم نموده و حکم آیه‌الله اصفهانی لازم‌الاجراء است و باید بروید، پس بر حسب امر مرجع علی‌الاطلاق شیعه آیه‌الله العظمی اصفهانی به آبادان آمده و به مبارزات دامنه داری پرداختند، از چند طریق:

۱- از طریق منبر خرافات و گفتار او را با بیان رسائی که همه عوام نیز استفاده می‌کردند تشریح می‌کرد که خرافات و مبانی او مخالف صریح قرآن مجید و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است.

۲- مضرات سیاسی برنامه احمد کسروی را بمتصدیان و مأمورین دولت تذکر میدادند و آنها را بعواقب وخیم برنامه‌های وی متوجه مینمودند.

۳- چند نفر از متدینین را دستور دادند در تیپ آنان وارد شده و از برنامه‌های آنها و کیفیت فعالیت آنها اطلاع تا بسهولت بتوان از آنها جلوگیری نمایند.

در یکی از شبها شخص مراقب آمد و در مسجد نو آبادان محل اقامت جماعت آقای قائمی خبر داد که امشب بناست چهل نفر در فلان منزل اجتماع نموده و برنامه کشتن شما را ترتیب دهند ایشان اعتنا نکرده ولی بعد از مغرب غیر از چند نفر پیر مرد و پیر زن همه‌ی مردم بخانه‌ی مزبور حمله کرده و آنها را تنبیه و مجازات و کیفری بسزا دادند تا بعضی از آنان فرار و بخانه‌ی عربها پناه بردند و زنهای عرب با چوب بجان آنها افتاده و آنها را کوبیده و بیرون کردند.

کسروی ملعون پس از اطلاع در تهران شکایت و فعالیت کرد تا عده‌ای از مسلمانان غیور و بعضی از گمراهان پیروان کسروی را بزندان بردند و در زندان نیز تحریکاتی شده تا آن بدبختها را کتک زدند تا مأمورین اتباع کسروی را در یک اطاق گرم زندانی کردند که کشته نشوند و مسلمانان با قید کفالت آزاد شدند و طولی نکشید که بحمدالله انحراف آنان روشن و شکست عجیبی بر آنها وارد و جز معدودی همه توبه کردند و فتنه آنان خوابیده و دیگر اثری از آنان در شهرستان آبادان نیست.

سپس جریان نهضت کمونیستها پیش آمد و آقای قائمی در مقابل آنها قیام نموده و دو مرتبه مسجد ایشانرا سنگباران کردند و ایشانهم بعد از مبارزات منبری و سیاسی در مقابل آنها قیام کرد و در یکشب که ۱۴ نفر آنها قصد خرابکاری در مسجد داشتند مورد حمله مردم متدین شده و مجروحانه فرار کردند و بخواست خداوند و قیام مردانه ملت مسلمان کوبیده شدند.

در تمام قهوه خانه‌های شهرستان آبادان قمارخانه دائر بود و بهمت ایشان فعلا بحمدالله وجود ندارد و البته این پیشرفتها از توجهات

حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف بود همانطور که در توقیع شریف آن حضرت است در اکمال الدین صدوق که میفرماید: (بی یدفع البلاء عن اهلی و شیعتی).

در موقع ورود ایشان در آبادان غیر از چهار مسجد خرابه کوچك متروکه بیشتر نبود ولی فعلا از اقدامات علماء فعال و مردم متدین این شهرستان دارای ۳۳ مسجد مدرن با بهترین ساختمان و نظافت و پرجمعیت میباشد.

علماء آبادان دارای اتحاد و هم‌آهنگی عجیبی هستند و لذا مردم آن در اخوت و یگانگی و حسن معاشرت در ایران کم‌نظیر است و اکنون دوازده سالست که جلسات روزهای جمعه در مساجد این شهرستان دائر و تمام روحانیون شرکت میکنند و هر جمعه بطور سیار در یکی از مساجد است و همچنین دعاء ندبه صبح جمعه با کیفیت جالبی برگزار و ببرکت حضرت ولی‌عصر دائر و منتج نتیجه بوده و میباشد.

یکی از آثار آقای قائمی تأسیس پرورشگاه ایتام است که در سنه‌ی ۱۳۲۷ شمسی تأسیس نموده و فعلا قریب یکصد و شش نفر یتیم را تربیت نموده و چند نفری از همین ایتام از طلاب مبرز شده و در حال حاضر در بعضی از شهرستانها مشغول ترویج و اقامه جماعت هستند و برخی هم کاسب متدین شده و بعضی هم در رشته دکتری وارد و یا سخنگوی رادیو شد و چند نفری از آنها هم با زن و فرزند بمکه مشرف و ۳ نفر از آنها در دبیرستان انصاری که بدست علماء این شهرستان تأسیس شده و بهترین دبیرستانهاست فعلا مشغول تحصیل میباشند.

دیگر از آثار ایشان مدرسه‌ی علمیه است که برای طلاب و وعاظ وارد بنا نموده و تمام وسائل تابستانی و زمستانی را دارد و در محرم و صفر قریب هفتاد نفر از واردین در آنجا اقامت و استفاده میکنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد حسن قائمی از ائمه جماعت و علماء اعلام معاصر بابل است که باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائنی، حمزه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملاـ حمزه قائینی از علماء شهرستان طبس بوده وی بنابر دعوت امیر محمدحسن خان حاکم از قائن مهاجرت به طبس نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات پرداخته تا هم‌اکنون که بیت او در آنجا موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مدد بن سید حسین بن سید علی مدد بن سید حسین بن میر سید حسن موسوی قائنی از علماء بزرگ و مراجع معاصر بوده است.

تولد آنجناب در (۲۱ محرم ۱۳۰۱ ه) در قریه (سیددان) قائنات واقع شده و مرحوم والدش بعد از سه سال در سنه ۱۳۰۴ ق وفات نموده و برادرش مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید علی (متوفی ۱۳۴۲ قمری) وی را متکفل گردیده پس مقدمات و اولیات را از او فراگرفته و در سال ۱۳۱۶ به قائن آمده و در مدرسه جعفریه اقامت و حدود یکسال توقف نموده و در سال ۱۳۱۷ مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از ابحاث شیخ حسن برسی و شیخ حسن کاشی و فاضل سود خروی و فاضل بسطامی و شیخ محمدباقر نوقانی و سید میرزا محمدباقر رضوی و میرزا ابی‌القاسم معین‌الغرباء و آیت‌اللَّه آقا سید علی سیستانی و شیخ اسماعیل کوه سرخهی و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آقا سید اسداللَّه قزوینی و آیت‌اللَّه آقا میرزا محمد آیت‌اللَّه‌زاده خراسانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ قمری مراجعت به قائن و با دختر عموی خود ازدواج و به زیارت حضرت رضا (ع) مشرف و به زادگاه خود قریه (سیددان) برگشته و تا سال ۱۳۳۲ به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخته و در سال مزبور به تنهائی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف به درس علامه یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب (عروه) و شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و بالاخص آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدحسین نائینی حاضر و استفاده‌های سرشاری نموده و تقریرات وی را به رشته تحریر درآورده و متصدی تدریس سطوح عالی شده تا در سال ۱۳۷۵ قمری که به مشهد مقدس معاودت و در مسجد بالای سر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۸۴ که به عزم زیارت به عتبات عالیات مشرف و در شب جمعه ۱۸ رمضان سال مزبور وفات و در حجره دوم صحن شریف مرتضوی قسمت شرقی مدفون شده است.

نگارنده گوید: حقیر در آنسال مشرف و در تشییع جنازه آن بزرگوار شرکت نموده و از مسجد بهبهانی جنب وادی‌السلام با حضور مراجع بزرگ مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و هزاران نفر دیگر از عموم طبقات و بالاخص فضلاء و طلاب حوزه نجف تا صحن شریف تشییع مجللی نموده و در جوار جد گرامش به خاک سپرده شدند.

آن مرحوم از آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و نائینی اجازه اجتهاد و از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و علامه سید حسن صدر و سید ابی‌تراب خونساری و میرزا محمد تهرانی عسکری و محدث قمی و سید محسن امین و علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) اجازه روایتی داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن قائنی عالمی فقیه و ورع و بزرگوار از اهل خوسف از دهات قائن و بیرجند بوده است وی پس از تلمذ در نجف و مشهدالرضا به خوسف آمده و به وظائف دینی پرداخته تا حدود (۱۳۲۵) قمری که وفات نموده است کتابی در رد بابیه و کتابی در غیبت امام (زمان) (ع) نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدردان قراملکی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن قدردان قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن قدردان قراملکی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در محله قراملك تبریز دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شد ودوره مقدمات و سطح را توانست در پنج سال با موفقیت به پایان رساند. ایشان به مدت دوازده سال از دروس خارج آیات عظام شیخ جواد تبریزی در فقه و جعفر سبحانی در اصول و در فلسفه از محضر استاد جوادی آملی و آیت الله گرامی خوشه چینی کردند. وی در اولین دوره تخصصی علمی کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شرکت کرده و از پایان نامه دکترای خود با امتیاز عالی ۲۰/۱۹دفاع نمود، از ایشان بیش از ده جلد کتاب و سی مقاله چاپ و منتشر شده است. کتاب «خدا و مساله شر» به عنوان کتاب سال حوزه سال ۱۳۷۸ و «قرآن و پلورالیزم» دیگر کتاب سال حوزه ۱۳۸۱ و مقاله «اسلام، قرائتها و امام خمینی (ره) » به عنوان مقاله برگزیده جشنواره مطبوعات کشور در سال ۱۳۷۸ ومقاله «پاسخهای متفاوت به ارتداد» به عنوان مقاله برگزیده اولین جشنواره مطبوعات اسلامی در رشته فقه ۱۳۸۳ برگزیده و انتخاب شد. وی استادیار هیئت علمی گروه کلام ودین پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی است.

قدسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین زاهد قدسی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین می‌باشند که در این ظهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قربان زاده، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی قربان زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی قربان زاده متولد ۱۳۵۳ ازشهرستان بابل می باشم. دیپلم خود را دررشته ریاضی فیزیک درسال ۱۳۷۴دریافت نمودم ودرسال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه شدم. تحصیلات حوزوی را درشهرستان بابل واز مدرسه علمیه فیضیه مازندران شروع کردم. درسال ۱۳۸۰ وارد حوزه علمیه قم شدم ودر همین سال مدرک اتمام سطح یک را دریافت نمودم و چند سال بعد درسال ۱۳۸۵ مدرک سطح دوم را دریافت کردم . درسال ۱۳۸۵سطح سه را نیزبه پایان بردم. ازسال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مؤسسه فرهنگستان علوم اسلامی وارد شده، دوره آموزشی آن مؤسسه را به پا یان رسانیدم. لازم به ذکراست که فعالیت آموزشی وپژوهشی این مؤسسه درزمینه فلسفه اسلامی وبا گرایش فلسفه شدن اسلامی است. ازسال ۱۳۷۸ وارد عرصه مطبوعات شدم و تا به حا ل چهل مقاله ازاین جانب درمطبوعات اعم از هفته نامه و فصل نامه به چاپ رسیده است. درسال ۱۳۸۴ نخستین کتاب خود را با نام راز آبرومندی به چاپ رسانیدم وسپس درهمین سال به کمک دوتن ازدوستان کتاب نهضت نرم افزاری ازنگاه مقام معظم رهبری را به نگا رش درآوردیم واین کتاب درسال ۸۶ به چاپ رسید درحال حاضردردروس خارج آیات عظام مشغول میباشم.

قربانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ زین‌العابدین قربانی از فضلاء مبلغین و افاضل نویسندگان معاصر گیلان و لاهیجانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۸ ق در لاهیجان متولد شده و دروس فارسی و مقدمات را در آنجا خوانده و پس از آن به قم مهاجرت و سطوح فقه و اصول از اساتید بزرگ حوزه تکمیل و درس فلسفه و تفسیر را از علامه طباطبائی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه شریعتمداری و بالاخص زعیم اعظم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ها نموده و به تألیف و تدریس و تبلیغ دین و نوشتن مقالات دینی در مجله مکتب اسلام پرداخته از آثار ارزنده و تالیفات ارجدار معظم‌له کتب زیر است.

۱- اسلام و صلح جهانی ۲- به سوی جهان ابدی ۳- بلاهای اجتماعی قرن ما ۴- زن و انتخابات (این دو کتاب اخیر به همکاری آقایان علی حجتی کرمانی و محمد شبستری و آقای عباسعلی عمید زنجانی و حسین حقانی نگارش یافته و کتاب اسلام و صلح جهانی به همکاری آقای حاج سید هادی خسروشاهی ترجمه شده ۵- اسلام و حقوق بشر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قربانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر قربانی ده برزوئی

محل تولد : ده برزو

شهرت : قربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ اوّل فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیّه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثله را در محضر استاد شیخ حسن کلّه (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال ۵۷ حدود پنج ماهی زندان وکیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه وهشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را)و استاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شمّاعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمیم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تقسیر ایشان را هم شرکت کردم. درس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال ۶۰ رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدودا ۶۴ طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، امّا مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندارانی رحمهٔ الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الطهاره و بخشی از کتاب الصلاهٔ و کتاب القضا را(البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی(ره)از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی

مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد. این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاۀ بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و تراجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قرنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی اللَّه عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال ۱۳۳۳ ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی قدس اللَّه سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:

۱- سوقات سفر دو جلد مطبوع

۲- اسرار معراج دو جلد مطبوع

۳- منهاج الدموع دو جلد مطبوع

۴- منهاج‌السرور ۳ جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع

۵- منتهی المقال دو جلد مطبوع

۶- در المنظوم دو جلد مطبوع

۷- آینه عمر دو جلد مطبوع

۸- پیوند دو گل دو جلد مطبوع

۹- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع

(تو ۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسد. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگیری ادبیات فارسی و مقدمات در گلپایگان در ۱۳۵۷ ق به قم مهاجرت نمود و سطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود. سپس به قم مراجعت کرد و از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر استفاده نمود. قرنی به دستور آیت‌الله بروجردی برای نشر معارف اسلامی به علیشاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر»، در دو جلد؛ «اسرار

معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷۶ -۶۷۵ / ۴).

قرنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد قرنی گلپایگانی از علماء و فضلاء محترم حوزه علمیه قم است در شهر ورامین، وی در گوگد که در یک فرسخی گلپایگان است در حدود ۱۳۳۴ قمری متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در حوزه مرحوم آیت‌اللّه وحید به قم عزیمت نموده و متون فقه و اصول را از آیت‌اللّه گلپایگانی و غیره تکمیل و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر شده و از خرمن علوم آنان کامیاب گردیده تا حسب الامر حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی بشهر ورامین اعزام و اکنون چند سالیست که در آن رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند.

و ناگفته نماند که ایشان با حجهٔالاسلام حاج شیخ علی قرنی صاحب تألیفات عدیده مطبوعه مقیم علیشاه عوض پسر عمو و منسوب بتابعی جلیل القدر زاهد حقیقی و شهید راه علوی جناب اویس قرن رضی اللّه عنه که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله اشتیاق ملاقات او را می‌نمود می‌باشند.

در حال حاضر بیش از بیست نفر از شهر ورامین و حومه آن در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند که از مشاهیر آنهاست جناب حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ احمد علی باغ خواصی ورامینی که بیش از سی سالست در قم سکونت دارد و بفضل و تقوا و حسن اعمال و اخلاق موصوف و معروف می‌باشند. وی در یکی از مساجد قم اقامه جماعت و تبلیغ دین نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی منحصراً استفاده نموده و می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای

محل تولد : کوه کمره

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای فرزند سید علی اکبر فرزند سید جلیل فرزند سید حسین در تاریخ ۱۴ صفر الخیر سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۳۱۰ ش در روستای « کوه کمر» در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سیّد تاج الدین حسن معروف به « سید حسن بابا » صاحب آرامگاه معروف در روستای کوه کمر به امام زین العابدین حضرت سید الساجدین علیه السلام می رسد. علوم مقدماتی را از عالم زاهد آقا میر رسول بن سید عبد الله کوه کمری فرا گرفت و سپس درمعیت پدرش به شهرستان خوی مهاجرت نمود و در مدرسه نمازی سکونت نمود و آنگاه در پیش استادانی همچون : حاج میر علی محدث (مطول)، حاج شیخ جابر فاضلی خویی، حاج شیخ علی مجتهدی خویی، عالم زاهد حاج شیخ حبیب فیاضی خویی، حاج شیخ ابوالفتح خویی (حاشیه و معالم)، آیت الله شیخ صادق خویی (قوانین و رسائل) و آیت الله سید ابراهیم علوی خویی به تحصیل دروس حوزوی همّت گماشت و پس از آن به شهر عش آل محمّد علیهم السلام مهاجرت نمود و دروس فقه اصول و درس خارج را از محضر فرزانگان حوزه علمیّه قم مانند : آیت الله شیخ محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه سید محمد حسین قاضی طباطبایی، آیت الله سید حسن حجت، آیت الله سید محسن حجت، آیت الله شیخ احمد کافی الملکی (رسائل و مکاسب)، آیت الله شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی (رسائل و مکاسب و کلام)، آیت الله سید حسین مشهور به « حاج آقا حسین بروجردی »، آیت الله سید محمد رضا گلپایگاتی، آیت الله حاج سید روح الله خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت و خود به تحقیق و تالیف پرداخت.

قزوینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مولی آغا قزوینی از افاضل خطباء کربلاء بوده و در خطابه ید طولائی داشته و قبل از ۱۳۰۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی اصفهانی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد باقر موسوی، از احفاد سید عبداللّه مدفون در حوالی قزوین. در حدود سال ۱۲۴۵ متولّد، و در خدمت میرزای بزرگ شیرازی، و آقا سید محمّد فشارکی، و حاج سید اسماعیل صدر تحصیل نموده، و به امر ایشان جهت ترویج دین و نشر احکام به حیدر آباد هند مسافرت نموده و در آنجا شب جمعه دهم ذی قعدهٔ الحرام سال ۱۳۲۷ وفات یافته، و هم آنجا مدفون گردید.

کتب خویش را به دستور استاد اخلاقی خود حاج ملّا فتحعلی عراقی به آب انداخته و از بین برده است، آنچه باقی مانده تقریرات فقهیّه اوست.

فرزندش سید حسن نیز از علمای ازکیا بوده، در ذی قعده سال ۱۳۶۵ در حیدر آباد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی رازی، نصیرالدین، ابوالرشید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم امامی و واعظ. اصل وی از قزوین و ساکن شهر ری بود. او از دانشمندان بزرگ شیعه و در زمان خود در بین اقران ممتاز بود. در عصر او یکی از غلاه اهل تسنن و نواصب نواحی ری مجموعه‌ای در در مذهب شیعه نگاشت. علمای شیعه در آن وقت همگی اذعان داشتند که جوابگویی به آن شایسته عبدالجلیل قزوینی است. از آثار وی: کتاب «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض»یا «کتاب النقض» یا «نقض الفضائح»، به فارسی، که آن را به دستور سید مرتضی کبیر شریف‌الدین محمد بن علی دیباجی در ۵۵۶ ق نوشته و آن را به نام صاحب الزمان (ع) آغاز کرده است؛ «البراهین»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «السؤالات و الجوابات»، در هفت مجلد؛ «مفتاح التذکیر» یا «مفتاح الراحات فی فنون الحکایات»؛ «تنزیه عایشه».
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۲۵)، الذریعه (۲۸۴ -۲۸۳ / ۲۴ ، ۳۳۰، ۳۲۲ / ۲۱ ، ۲۵۱ / ۱۲ ، ۴۵۷ / ۴ ، ۱۳۰، ۷۸ / ۳)، ریاض العلماء (۷۳ / -۷۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵ -۱۵۴/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۲۹).

قزوینی شیرازی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، عالم امامی، واعظ و فقیه اصولی. وی به سبب مهارت در اصول به اصولی مشهور بود. اصل وی از قزوین است که در پی تحصیل علم به عتبات رفت و در کربلا سکنی گزید و حائری نیز نامیده شد. از محضر آقا محمد باقر وحید بهبهانی استفاده نمود و از او و از سید بحرالعلوم به دریافت اجازه نایل شد. وی علاوه بر تحصیل به تجارت نیز می‌پرداخت، در پی تجارت به بصره و از آنجا به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد و در مسجد نو به امامت جماعت پرداخت و تدریس و همچنین وعظ نیز می‌کرد و در طی آن به امر تجارت نیز مشغول بود. فرزندش، حاج محمد حسین، و حاج علی‌اکبر نواب بسمل و آقا لطفعلی فگار شیرازی از شاگردان او هستند. در شیراز درگذشت و جنازه‌اش را به عتبات بردند و در کربلا در رواق، پایین پای شهدا، در جوار استادش، آقا محمد باقر بهبهانی، دفن کردند. از آثار وی: «مصابیح الهدایه»، در شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی، در فقه؛ «کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتداء»، در اخلاق که مورد قبول اخلاقی بزرگ ملا حسینقلی همدانی بوده و به تمام شاگردانش رجوع به این کتاب را سفارش می‌کرده؛ «ریاض الشهاده و کنوز السعاده فی مناقب الساده و و مصائب الغرر المیامین القاده»، مقتل فارسی، و مختصر آن به نام «نورالعیون»؛ «ملخص الفوائد السنیه و منتخب الفرائد الحسنیه»، در تلخیص کتاب «الفوائد الحائریه» استادش آقا محمد باقر بهبهانی، و این ملخص را شرح کرده و آن را « تنقیح المقاصد الاصولیه» نامید.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳ / ۶)، اعیان الشیعه (۱۷۸ / ۹)، ایضاح المکنون (۶۰۱، ۳۱۸ / ۱)، الذریعه (۳۷۴ / ۲۴، ۲۱۰ -۲۰۹ / ۲۲ ، ۹۳ -۹۲ / ۲۱، ۴۶ -۴۵ / ۱۸، ۳۲۸ / ۱۱، ۴۶۵ / ۴)،روضات الجنات (۲۹۶ -۲۹۵ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۵۵ -۳۵۴ / ۱۳)، طرائق الحقائق (۳۴۳ -۳۴۰ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۴، ۱۱۱۹، ۱۱۱۵، ۹۴۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۳ / ۹)، مکارم الآثار (۱۱۰۲ -۱۰۹۹ / ۴)، هدیه العارفین (۳۵۷ / ۲).

قزوینی قمی، زکریا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سامره خدمت حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی قدس سره تحصیل و تلمذ نموده بود و به طوری که شنیده‌ام از معظم له اجازه اجتهاد داشته پس از آن به قم اقامت و مشغول ترویج شرع و امامت جماعت و منبر شد. تا در قم مرحوم و مدفون گردید.
آن مرحوم ابوالزوجه مرحوم آیهٔاللّه آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده‌اند.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قزوینی، بهشتی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید بهشتی از اعلام علماء قزوین و ائمه جماعت در مسجد جامع آن بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا رضی از علمای محقّقین، و واعظ صالح، و عالم کامل معاصر اواخر صفویّه بود.
در ریحانهٔ الادب (۱: ۵۵) گوید: از شاگردان ملاّ خلیل قزوینی، و مؤلّف کتب عدیده است، از آن جمله: ۱- ابطال الرمل تاریخ علمای قزوین [=ضیافهٔ الاخوان] ۳- رساله ی شیر و شکر ۴- رساله ی نوروز ۵- ضیافهٔ الاخوان ۶- قبله الآفاق ۷- کحل الابصار ۸- لسان الخواص ۹- هدیهٔ الخلّان، و غیره.
وفاتش در ۱۰۹۶ رویداده است.
مولی ادهم به مناسبت نام او صاحب عنوان و بستگانش نام فامیلی ادهم انتخاب کردند عالم فاضل محقق بوده.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی، صدرالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ صدرالدین قزوینی بن ملا حسن شعبان کردی قزوینی عالمی خطیب و نویسنده‌ای ادیب در تهران بوده و حدود ۱۳۳۰ وفات کرده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، فتح الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ فتح الله قزوینی (متوفی سال ۱۰۵۰هـق) از علمای بزرگ قزوین بود. وی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسی او پیوستند. او در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. شیخ فتح الله آثاری به تالیف رسانده که عموماً حوزه علوم دینی را در می گیرد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : تبار و ذریه شیخ فتح الله به دو شاخه تقسیم می شوند: خاندان شفائی و خاندان سامت. بقیه خاندان سامت را امروزه در قزوین با شیخ العلما میرزا عبدالرحیم سامت می شناسند. اصل این طایفه از قریه صفی آباد در نواحی قزوین بوده و نخستین شخصی که در عصر صفوی قزوین را مسکن خویش قرار داده و به تحصیل علوم دینی پرداخته است. علمای دیگری نیز از این خاندان برخواسته اند از جمله شیخ عبدالکریم صاحب کتاب نظم الغرر و شیخ محمد یحیی صاحب ترجمان اللغه و... تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ فتح الله قزوینی پس از تکمیل مقدمات متداوله ، به فراگیری فنون ادب و علوم عقلی و نقلی مشغول شد.استادان و مربیان : شیخ فتح الله محضر درس شیخ بهایی و فخرالدین سماکی قزوینی را در ک نموده است.همسر و فرزندان : شیخ فتح الله قزوینی سرسلسله خاندان واعظ قزوینی و پدر شیخ ملا رفیع الدین محمد قزوینی متخلص به واعظ و متوفی سال ۱۰۸۹ هـق صاحب کتاب ابواب الجنان است. شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴هـق) نیز در امل الآمل شیخ فتح الله را پدر ملا رفیع الدین محمد دانسته است.زمان و علت فوت : شیخ فتح الله قزوینی متوفی سال ۱۰۵۰هـق می باشد.فعالیتهای آموزشی : شیخ فتح الله قزوینی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسی او پیوستند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ فتح الله در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. او همچنین آثاری به تالیف رسانده که حوزه علوم دینی را در می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ فتح الله از متکلمان شیعه و شیوخ مجتهدین عصر خویش در قزوین بود. همچنین او را ردیف عالمان علوم عقلی و نقلی قرار داده اند.آثار : رساله در امامت ،رساله در عرفان

منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان ۱۳۷۵ ، ص ۱۶۰

قزوینی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.

در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج‌آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌اللَّه میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللَّه میلانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.

در سال ۱۳۹۳ هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال ۱۴۰۰ قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند.

معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللَّه العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالیه دارند.

۱- حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی

۲- حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی

۳- حاج سید مصطفی موسوی قزوینی

۴- حاج سید محسن موسوی قزوینی

۵- حاج سید جعفر موسوی قزوینی

تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:

۱- شرح نهج‌البلاغه- سه مجلد

۲- علی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۳- فاطمه الزهراء (علیهاالسلام) من المهد الی اللحد

۴- الامام المهدی (علیه‌السلام) من المهد الی الظهور

۵- الامام الجواد (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۶- الامام الهادی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۷- الامام العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۸- سیره الرسول الاعظم (صلی اللَّه علیه و آله و سلم)

۹- فاجعه الطف

۱۰- الاسلام والتعالیم

و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد

خواهد رسید.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله محمدکاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکرالله احمدی، قم، ۱۳۷۰)؛ الامام المهدی علیه‌السلام من المهد الی الظهور (بیروت، ۱۳۷۰)؛ الامام الهادی علیه‌السلام من المهد الی اللحد (قم، ۱۳۷۱)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، ۱۳۷۴)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، ۱۳۷۱، ۱۳۶۵)؛ موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام (قم، ۱۳۷۲). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی قدس سره (۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم قزوینی از بزرگان علماء و مدرسین معاصر حوزه مشهد بودند ولادت ایشان در قزوین اتفاق افتاده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در قزوین و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده نموده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت آستان قدس رضوی را اختیار و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه کفائی معروف به آقازاده و اعلام دیگر و بالاخص مرحوم مبرور زین العلماء العاملین و قدوه الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه فی العالمین آقای آقامیرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمرش استفاده نموده و خود به تدریس سطوح نهائی و خارج پرداخته و صدها نفر از علماء و دانشمندان معاصر مشهد و نقاط دیگر از محضر و دراساتش بهره‌مند شده‌اند.

نگارنده گوید مرحوم قزوینی مذکور از علماء عظام بل آیات کرام عصر ما و از اساتید حقیر بوده‌اند زیرا جلد اول کفایه را در خدمت ایشان خوانده و در خدمتشان به مباحثه مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی رحمه‌اللّه علیه می‌رفتم و ایشان نسبت به مرحوم میرزا اصفهانی اعتقاد و خلوص عجیبی داشت و همواره بر فقاء توصیه می‌کرد که در بحث میرزا صحبت نکنید بلکه سراپا گوش استماع و استفاده نمائید.

مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هاشم میردامادی نجفی می‌فرمودند حاج شیخ هاشم از میرزا اگر اعلم (ملاتر) نباشد قطعا کمتر نیست ولی چطور است که آنقدر نسبت به میرزا تواضع و ابراز اخلاص و علاقه می‌کند.

خلاصه بسیار متواضع و فروتن مجتنب از تظاهرات و (مبرء من کل شین) بود.

وی در ۱۳۸۰ قمری فوات و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قشیری، ابونصر عبدالرحیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۴ ق)، عـالم و واعـظ. به علت نسـبت به بنی‌قشـیر، به قشـیری، شـهرت یافت. در زیارت حـج به بغـداد رفت و در آنجا وعظ گفت. به خـاطر او بین حنـابله و شافعیـان اختلاـف افتـاد، نظام‌الملک برای فرو خوابیـدن فتنه او را به اصـفهان دعـوت کرد و وی به اصـفهان رفت و در آنجـا مورد اکرام واقع شـد. سـپس به نیشـابور بـازگشت و در آنجا به وعظ و تـدریس مشـغول شـد. قشـیری در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «المقامات و الآداب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۰ / ۴)، انساب سمعانی (۵۰۳ / ۴)، العبر (۴۰۳ / ۲).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۸ -۵۰۵ ق)، محـدث، مـدرس، مفسـر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پـدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سـلطان، و در مرو نزد ابواسـحاق ابراهیم بن محمـد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سـهل سـیدی و عبـدالجبار خواری حـدیث شـیند. قطب‌الـدین از پـدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمـد و در روزگار اساتیـدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در ۵۳۸ ق به بغـداد رفت و وعـظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سـلطان صـلاح‌الدین ایوبی کتـاب «عقیـده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائـل دینی مورد نیـاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق سـاکن شـد و بـا ابونصـر قشـیری ملاقـات کرد. در روزگـار فقیه ابوالفتـح مصیصـی در دشـمق مـورد تـوجه قرار گرفت و در مجاهـدیه درس گفـت و پس از مرگ ابوالفتـح تـدریس در غزالیـه را عهـده‌دار شـد، سپس راهی حلب شـد و در آن جا در دو مـدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همـدان رفت. مـدتی در آنجـا تـدریس کرد. سـرانجام بـه دمشق بـازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شـاگردانش فقه آموخت. او همچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفراینی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حـدیث داشت. ابوالمواهب ابن صـصری و برادرش حسـین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشـق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، سـیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۶ / ۲۱)، شـذرات الذهب (۲۶۳ / ۴)، النجـوم الزاهره (۸۶ / ۶)، وفیات الاعیان (۱۹۷ -۱۹۶ / ۵).

قمشه ای شمس آبادی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ملّا قاسم از احفاد میرزا حیـدر علی مجلسـی، واعظ کامل جامع، در جمعه ۱۸ ذیحجهٔ الحرام سال ۱۳۷۰ وفات یافته، داخل بقعه

مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمی طباطبائی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا باقر بن العالم الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام معاصر تهرانست.

وی در ماه ذی الحجه ۱۳۳۵ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را نزد اساتید و علماء مشهد فراگرفته و سپس در سال ۱۳۵۳ قمری در خدمت والد ماجدش بعتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلاء معلی اقامت و از دروس خارج مرحوم والد و آیت‌اللّه العظمی میلانی (مقیم مشهد) استفاده نموده و بعد از آن مدتی در نجف اشرف از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی بهره‌مند و نیز چندی از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مستفیض گردیده آنگاه در سال ۱۳۶۶ قمری بعد از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّه العظمی قمی به تهران منتقل و تاکنون بخدمات دینی و روحی و اقامه جماعت در مسجد (نوریان) خیابان شمیران (باغ صبا) و مباحثات علمی و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قمی وزوائی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در مآثر و آثار گوید: شیخ محمدحسن قمی وزوائی مقیم دارالخلافه عالمی عادل است و فقیهی فاضل او را با خاندان مرحوم حاج ملاـ محمد کرمانشاهی که عالمی ربانی بود و با خاقان مغفور، فتحعلی شاه قاجار معاصرت داشت ارتباطی من‌القدیم است «و اختصاص عن الصمیم» در سال ۱۳۱۰ وفات نموده و در شیخان بزرگ قم مدفون شد (وزواء) از بلوک قم است که تا شهر ده فرسخ مسافت دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق قمی عالمی جلیل و متقی از شاگردان شیخ انصاری بوده و در سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن قمی

محل تولد : مامازند ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال ۱۳۵۰ ودر سن ۱۱ سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجهٔ الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجهٔ الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء و وعاظ درجه اول قم بود که در ترتیب مطالب منبری و حسن ابتکار آن ربطی عظیم داشت و منبرش برای عموم خصوصاً طبقه عوام زیاد نافع بود. در سال ۱۲۶۶ در قم متولد شده و در اوائل جوانی تحصیل فقه و اصول نموده و چندی هم در قم امامت جماعت داشت دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود و در مراثی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و خاندان مظلوم پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم اشعاری داشت که اکنون نزد فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی موجود می‌باشد.

در دوره اول مشروطی از طرف اهالی قم به وکالت مجلس شورا و پارلمان انتخاب گردید و می‌فرمود من در کتابخانه خود بدون

اطلاع و خبری نشسته بودم که خبر دادند اهالی شما را به وکالت مجلس انتخاب نموده‌اند. پس در همان دوره اول به تهران عزیمت نمود و در مجلس شرکت کرد.

از آثار آن مرحوم است چهار جلد کتاب که در مواعظ و مجالس منبری ترتیب و تألیف نموده که خیلی با سلیقه و مفید و خوب نوشته‌اند. دیگر در اواخر عمر کتابی هم در فضیلت صلوات مرقوم نموده‌اند در سن ۸۷ سالگی در سال ۱۳۵۱ هجری وفات نموده و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قوامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی قوامی

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاة به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوچانی صغیر، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن شیخ محمدرضا بن شیخ محمدعلی بن محمدصادق بن محمد بن اسماعیل بحرانی قوچانی عالمی فاضل و اصلا از بحرین بوده است. جد چارمش محمد بن اسماعیل از بحرین مهاجرت به خراسان نموده و ایشان در سال ۱۳۱۶ ق در قوچان به دنیا آمده است. وی در اوائل عمر به نجف مهاجرت نموده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر ملا محمدحسین قمشهی

بزرگ و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی و دیگران استفاده نموده و بعد از فوت استادش به قوچان آمده و به وظائف دینی از اقامت جماعت و غیره پرداخته تا در یازدهم ماه رمضان ۱۳۴۵ قمری وفات و در مزار سلطان ابراهیم قوچان قدیم مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی نجفی از علماء اعلام و فضلاء کرام معاصر این شهرستان است در مشهد مقدس. معظم له در سال ۱۳۲۹ قمری در خیرآباد قوچان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی برای تحصیل به قوچان آمده و در مدت سه سال مقدمات و ادبیات را تحصیل کرده و در سال ۱۳۴۵ قمری به مشهد مقدس عزیمت نموده و در حوزه علمیه ارض اقدس به تکمیل سطوح پرداخته و بعد از شش سال توقف در مشهد در سال ۱۳۵۱ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محاضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۷۱ قمری به قوچان مراجعت و به امور شرعی از اقامه جماعت و تردس طلاب علوم دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۱ قمری به مشهد مقدس انتقال و تاکنون به خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه ذبیحی قوچانی از دانشمندان وارسته و دارای کمالات نفسانی و معنوی و مهذب و بارع می‌باشند دارای آثاری از جمله تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروج و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاردن سلمانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا کاردان سلمانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا کاردان سلمانی در سال ۱۳۱۹ در مشهد مقدس به دنیا آمدم. برخی از کتب ادبیات عرب را در مشهد نزد استاد معروف مرحوم «ادیب نیشابوری (ره)» خواندم و حدود سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و کتاب شرح لمعه را نزد استاد مرحوم آقای «ستوده (ره)» و مکاسب را از استاد آقای «خزعلی» و رسائل را از استاد آقایان «نوری و اعتمادی» و کفایه را از آقایان

«سلطانی و فاضل لنکرانی» بهره گرفتم و نزدیک یک دوره درس خارج اصول مرحوم «حاج شیخ هاشم آملی (ره)» شرکت کردم و درس خارج فقه «آیهٔ الله گلپایگانی» و «حضرت امام» (قدس سرهما) و بیش از یک دوره خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» و خارج فقه مکاسب ایشان نیز شرکت کردم.

کاشانی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ملا) حبیب‌اللّٰه بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا هادی سبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرارالعارفین فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیهٔ، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحهٔ فی تفسیر الفاتحهٔ، ایضاح‌الریاض (حاشیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرهٔالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانهٔالادب، لغ.)

حبیب‌اللّٰه الشریف بن ملا علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّٰه یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب‌الالقاب) و (توضیح‌البیان) و (منتقدالمنافع) در شرح مختصر النافع در ۱۲ جلد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیهٔالاصول) و (درهٔالجمان) و تذکرهٔالشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱- مرحوم حجهٔالاسلام آقا حسین شریف ۲- ثقهٔالاسلام آقا احمد شریف ۳- ثقهٔالاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید فخرالدین امامت ۲- مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللّٰه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّٰه چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللّٰه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.

در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که

مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملاـ هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحهٔ فی تفسیر الفاتحهٔ»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صباح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبهٔ التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیهٔ الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۵۵۹/ ۴)، الذریعه (۴/ ۲۳، ۲۷۷، ۲۱۵/ ۱۸، ۲۸۲/ ۱۵، ۲۱۴/ ۱۴، ۳۲۴- ۳۲۳، ۶۷/ ۱۱، ۲۳۱/ ۹، ۹۸/ ۸، ۲۷۱/ ۷، ۴۹۲- ۴۹۱، ۱۸۲/ ۴)، ریحانه (۲۰ -۱۸/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۱ -۳۶۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۲ - ۲۵۰/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللّه)، معجم المؤلفین (۱۸۷/ ۳).

کاشانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۳۰۳ ق)، عالم دینی، خطیب و مرجع تقلید. در نجف به دنیا آمد. مادرش دختر عالم بزرگ شیخ اسداللّه شوشتری است. مقدمات و سطوح را فراگرفت. او در کنار پدرش که از علمای برجسته بود و در بمبئی به وظائف شرعی و تبلیغی می‌پرداخت، نشو و نما یافت و پس از پدر عهده‌دار وظائف وی گشت و مرجع تقلید مردم بمبئی شد. وی سرانجام در همان جا درگذشت. سال تولد او در «طبقات اعلام الشیعه»، ۱۳۳۳ و در جای جای «الذریعه» ۱۳۰۳ ق قید شده است. همچنین در چند جای «الذریعه» و به تبع آن در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام محمد حسین و صاحب کتاب‌های «اسرار الغیبیهٔ» و «برق الخاطف» و «التحقیق الجدید» و «چهار مقاله» ذکر شده است. او را تصانیف بسیاری است که اکثر آنها به زبان گجراتی است. وی «فهرست کتب خزانهٔ الشیخ محمد حسن» را که مشتمل بر فهرست دو هزار کتاب و تألیف موجود در کتابخانه‌اش بود تنظیم نموده و در آن به اثرهای خود که متجاوز از چهل تصنیف می‌باشد، اشاره کرده است. از جمله: «احکام الجمعهٔ»؛ «احکام العیدین»؛ «احکام النیروز»؛ «دین الاسلام»؛ «عقاید النجفی»؛ «فلسفه نماز»؛ «قید شرق و آزادی غرب»؛ «محرم و عاشورا»؛ «معرفهٔ الامام»؛ «مقدمه‌ی منطق»؛ «مناسک النجفی»؛ «نجاهٔ الصائمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹/ ۲۴ ،۲۷۷، ۱۰۲/ ۲۲ ،۲۴۷/ ۲۱ ،۱۵۰/ ۲۰ ،۲۲۴/ ۱۷ ،۳۹۰، ۳۱۰/ ۱۶ ،۲۸۶/ ۱۵ ،۲۹۱/ ۸ ،۳۱۴/ ۵ ،۴۸۱، ۸۶/ ۳ ،۵۳/ ۲ ،۳۰۳، ۳۰۰، ۲۹۶/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۰/ ۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۷، ۴۸۵، ۲۰۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱/ ۲).

کاشانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن بن شیخ ابی‌القاسم بن شیخ عبدالحکیم کاشانی مشهور به (نجفی) عالمی مؤلف و مرجعی بزرگوار و امام مسجد (خوجه‌ها) بوده است وی در سال ۱۳۳۳ متولد و در سال ۱۳۸۷ در تهران وفات و در قم مدفون شده است.

نگارنده گوید: این عالم جلیل و مرحوم والدش در بمبئی خدمات بسیار نموده و منشاء آثار زیادی شده و ده‌ها هزار از شیعه‌های اسماعیلی را مستبصر و ارشاد نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق- (برادر سید محمدتقی) ابن سید عبدالحی حسینی پشت مشهدی کاشانی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و علامه سید محمد فشارکی و میرزا محمدتقی شیرازی بوده و در سال ۱۳۱۶ به کاشان مراجعت و در پشت مشهد اقامت و در مسجد حبیب بن موسی امامت و به خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۵۰ که وفات نموده است.

فرزند این بزرگوار مرحوم سید استاد ما آیت‌اللّٰه العظمی آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی شریک بحث مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۰ ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان

می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضهٔ الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفهٔ الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیهٔ»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضهٔ الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلاـ که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّٰه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در ۹۰۷ ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّٰه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعهٔ الکاشفیهٔ»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[۱]

(بخش ۱: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) وی در علوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی ۸ جدول و ۲۰ دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالهٔ العلیهٔ فی الاحادیث النبویهٔ (این کتاب به فارسی و حاول ۴۰ حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعهٔ‌الاشعار، تحفهٔ‌الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضهٔ‌الشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (۷ رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفهٔ‌الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللّٰه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیهٔ (مواهب العیله) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۸۱، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴- ۶۴۳، ۶۴۱- ۶۳۹، ۶۳۶، ۶۲۸، ۳۲۹)، اعیان الشیعه (۱۲۴ - ۱۲۱ / ۶)، ایضاح المکنون (۶۷۴، ۲/ ۴۱۶، ۱/ ۷۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۶ -۵۲۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸ -۲۴۵)، حبیب السیر (۳۴۶ -۳۴۵/ ۴)، الذریعه (۱۹۴ -۱۹۳/ ۲۰، ۲۹۱ -۱۹۰/ ۱۸، ۱۲۵۲، ۸۹۹/ ۹، ۵۸، ۵۷- ۵/ ۴۵۵، ۳/ ۴۳۰، ۲/ ۵۰، ۱)، روضات الجنات (۲۲۳ -۲۱۷/ ۳)، ریاض العارفین (۲۳۱ -۲۳۰)، ریحانه (۳۲ -۲۹/ ۵)، طرائق الحقائق (۱۱۴/ ۳)، کشف الظنون (۱۹۱۶، ۱۸۹۶، ۱۶۴۸، ۱۵۷۴، ۱۳۰۵، ۳۹۸)، الکنی و الالقاب (۱۰۵/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشفی)، مجالس المؤمنین (۵۴۸ -۵۴۷/ ۱)، مجالس النفائس (۹۳)، معجم المؤلفین (۳۵ -۳۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶ -۸۱۰/ ۲).

کاشمری، حبیب‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللَّه کاشمری از علماء و خطباء و محدثین کاشمر بوده و با نگارنده هم عنایت و محبتی داشته است وی تحصیلات خود را در کاشمر و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و بیشتر از راه منبر تبلیغ دین و ترویج احکام مبین نموده تا حدود ۱۳۷۰ قمری که وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، واله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واله کاشمری از فضلاء اخیار و مبلغین ابرار معاصر مشهد مقدس است.

وی در کاشمر متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و قسمتی از سطوح به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سطوح را تکمیل و پس از آن از دروس خارج آیات عظام مشهد بالاخص آیت‌اللَّه العظمی میلانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا جواد آقای تهرانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به ترویج دین و تبلیغ احکام و گفتن تفسیر قرآن و اقامه نماز جماعت در یکی از مساجد مشهد پرداخته و تا حال حاضر به انجام وظائف مذکوره اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم از دانشمندان و وعاظ با تقوای خراسان و به فضل و ورع موصوف و مورد وثوق و اعتماد مردم مشهد و بالاخص علماء و فضلاء مشهد می‌باشد که بعضی از آیات در نمازشان شرکت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل کامل، و واعظ جامع، از مشاهیر گویندگان و خطبای اصفهان بوده، در قدرت بیان کم نظیر بوده. در کاشان متولّد بوده و در اصفهان خدمت اساتید و بزرگان تحصیل نموده، و سالها مردم را به مواعظ شافیه ارشاد و هدایت می‌نموده.

در سال ۱۲۹۵ به دستور ظلّ السلطان حاکم جابر اصفهان کتابی در تفسیر آیه «اولی الامر» نوشته، و در آن اولی الامر را حکاّم و سلاطین تفسیر نموده، و آن را به خرج ظلّ السلطان به چاپ رسانیده و منتشر ساخت.

انتشار کتاب در بین علما و مجتهدین سر و صدایی راه انداخته و موجب شد که چند نفر از مجتهدین بزرگ مانند میرزا محمّد حسن نجفی اصفهانی، و حاج سید علی اکبر فال اسیری شیرازی، و آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی حکم کفر او را صادر کردند. در نتیجه، حاج سید حسن مدّتی از اصفهان نفی بلده شده و به طهران رفت؛ سپس مجدّداً به اصفهان مراجعت نموده و در غرّه ربیع الثانی سال ۱۳۲۰ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در اطاقی مخصوص مدفون گردید.

وی علاوه بر کتاب سابق الذکر، کتابی به نام «منهج الواعظین» دارد که فرزندش مرحوم آقا اسد اللَّه الواعظین به نام آن اشاره کرده

است.

در شرح حال آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی می‌نویسند که در امر انشاءات و خطب و نوشتجات، مسجّع و مقفّی می‌نوشته، به حدّی که جواب استفتاء و حکم را نیز چنین می‌نوشته است.

حکم تکفیر حاج سید حسن بدین عبارت بوده است: این سیّد کاشی، مشغول به دین تراشی، یا در متن کفر است یا در حواشی.

آن مرحوم را فرزندانی فاضل و اهل علم و منبر می‌بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاظمی موموندی هرسینی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. مقدمات را در نجف اشرف فراگرفت. چند سالی هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم در محضر اساتید سطح، به خواندن سطح فقه و اصول پرداخت. وی سپس بر اساس احساس وظیفه به تدریس در فرهنگ و آموزش عالی مشغول شد. او از خطبا و مبلغین اسلامی در محیط دانشگاه بود. از آثارش: «نقش اسلام در تمدن بشریت»؛ «مشاعره مذهبی».[۱]

محمدکاظم کاظمی موموندی که سالهای اول تحصیل در نجف اشرف بوده و مقدمات را خوانده و چند سالی هم در حوزه علمیه قم در محضر اساتید سطح اشتغال به خواندن سطح و علوم عربیت و فقه و اصول داشته تا در این اواخر به عنوان احساس وظیفه و خدمت به جوانان در فرهنگ مشغول به تدریس گردیدند. نامبرده دارای روحی بلند و زبانی گویا و در محیط دانشگاه و فرهنگ از مبلغین اسلامی بشمار می‌روند و با ایراد سخنرانیهای مذهبی و تشکیل جلسات برای جوانان به خدمات مذهبی خود ادامه می‌دهند.

آثار قلمی ایشان که هنوز چاپ نشده عبارت از ۱- مشاعره مذهبی و ۲- نقش اسلام در تمدن بشریت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۳ -۳۷۲/ ۶).

کاظمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی کاظمی موموندی که در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان هرسین متولد شده و پس از تحصیل در مکتب و خواندن چند کلاس در مدارس اسلامی کرمانشاه و قم و گذرانیدن دوره ادبیات و مقدمات در کرمانشاه زیر نظر مرحوم والدشان مدت یکسال در حوزه خرم‌آباد تحصیل نموده و در سال ۱۳۸۱ قمری به قم مهاجرت و در مدرسه فیضیه سکونت و به ادامه تحصیل پرداخته و بعد از طی دوره سطح اکنون نزدیک هفت سالست که در درس آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی شرکت و ضمناً از فرصت ایام تعطیل تابستانی و غیره استفاده نموده و به تألیف و ترجمه بعضی از کتب دینی اشتغال و از این راه خدمات شایانی انجام داده‌اند که ذیلا قسمتی از آثار قلمی ایشان را اشاره می‌نمایم و آن مطبوع و مخطوط می‌باشد.

اما آثار خطوط: ۱- عون‌الادیب فی شرح مغنی اللبیب ۲- شرح فارسی بر معالم ۳- شرحی بر کبری در منطق ۴- شرح بر عوامل

ملامحسن ۵- حقایق و اباطیل ۶- اخلاق اسلامی برای همه ۷- ترجمه الدرة الباهرة مرحوم شهید ۸- رساله طهارت اهل الکتاب ۹- رساله ملاک الانفعال فی عدم الانفعال ماءالقلیل.

اما آثار چاپ شده از جزوات و کتابها و رساله‌های کوچک از این قرار است.

۱- آنچه هر مسلمان باید بداند ۲- یکتا خدای جهان‌آفرین ۳- مناظره مسلمان و داروین ۴- گسترش اسلام در جهان ۵- نبوت و عقل ۶- در پرتو اسلام ۷- ارکان اسلام ۸- مفاسد شراب ۹- فلسفه نماز ۱۰- آداب و دستور نماز ۱۱- داستانهای قرآن در ۱۱ جزء ۱۲- راهی به سوی بانک اسلامی ۱۳- نظری به چهره‌ی اگزیستانسیالیسم ۱۴- نقش مدیریت در پیشرفت ملتها ۱۵- چرا و چگونه مسلمان شدند ۱۶- عقاید اسلامی برای همه ۱۷- ترجمه بلاغةالحسین (ع) ۱۸- کربلائی که من دیدم ۱۹- راه سوم در موضوع قیام مقدس حسین بن علی علیهماالسلام ۲۰- اسلام در عصر قضا ۲۱- ترجمه زیارت عاشوراء ۲۲- چهل حدیث.

مضافاً بر آثار مذکوره. ایشان با همکاری جمعی اقدام به تأسیس کتابخانه سیار و نشر یک سلسله جزوه‌های مجانی نموده برای نشر معارف اسلامی در بین جوانان و تاکنون بیش از شش هزار جلد کتاب و بیست هزار جزوه به طور رایگان در اختیار محصلین شهرستانها گذارده‌اند.

از والده محترمه ایشان که زنی پاکدامن و متقی است نقل شده که در ایام شیرخوارگی ایشان هرگز بدون طهارت و بدون وضو پستان در دهانش نگذارده و از این رو امید موفقیت بیشتری به آینده ایشان دارد.

پدر همسر ایشان جناب حجةالاسلام آقای حاج میرزا محمدباقر حکمت‌نیا که از افاضل دانشمندان با معنویت است می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج‌اللّه کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده‌اند آن مرحوم در سال ۱۳۰۴ ق در نورآباد لرستان به دنیا آمده و تا پانزده سالگی در آن سامان به سر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج‌السعادة) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده و بخصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله و مدت سه سال با آنها مبارزه و در تحمیلات و فشارهای آنها آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی صبر نموده تا سال ۱۳۲۲ از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان‌زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی رضوان‌اللّه‌علیه درآمده و از محضرش استفاده نموده تا موقع جنگ بین‌المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال ۱۳۳۸ ق به نجف اشرف عزیمت و از اساتید و مدرسین آن زمان چون مرحوم آشیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نموده تا سال ۱۳۵۱ ق که به ایران مراجعت و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده و حدود صد هزار نفر را ارشاد و از ضلالت

نجات تا سال ۱۳۷۱ ق که برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند مذکور و نه فرزند اناث می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظمی

محل تولد : کرکوک

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیهٔ التربیه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال ۱۹۹۱م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.

در ایران بعد از دو سال خدمت در لشگر «بدر» در سال ۱۹۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۸ بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۱ این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی ۱/۱۹ گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال ۱۹۸۳ به عنوان کتاب چاپ کرده است.

در سال ۱۳۸۴ بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاظمی، محمدایوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدایوب کاظمی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا دوم دبیرستان در بیرجند، درس خواندم و دو کلاس آخر دبیرستان را در تهران، همزمان با سال چهارم به عنوان «مربی تربیتی» در منطقه ۱۵ تهران مشغول شدم. در سال ۶۲ که دیپلم گرفتم؛ در دانشگاه قبول شدم اما حوزه را برای ادامه درس انتخاب کردم و همزمان با حوزه در امور تربیتی هم فعالیت می کردم و تا سال ۱۳۷۳ این دو فعالیت، همزمان ادامه داشت و در این سال در رشته تخصصی «تبلیغ» در حوزه قم مشغول شدم. همزمان با تحصیل در رشته مذکور، در پژوهشکده باقرالعلوم به نوشتن مشغول شدم و حاصلش ۳ کتاب بود که دوتای آن چاپ شده است.

تحقیقات زیادی در حدود ۱۵ جلد کتاب جمع آوری کردم که در فرصت مناسب به چاپ برسانم. از سال دوم دبیرستان، شعر می گویم و تاکنون بیش از ده هزار بیت شعر گفته ام و نیز از سال سوم راهنمایی خاطرات روزانه ام را می نویسم. بعد از اتمام دروس تخصصی در دانشگاههای آزاد و دولتی تدریس می کنم و بهترین کارم در زمان فعلی، تحقیق و کار بر روی طرح «اصلاح نظام آموزشی حوزه» است که با گرفتن نظرات بزرگان حوزه، تصمیم در این طرح را به سر منزل مقصود و به نتایج قابل قبولی برسانم. تصمیم دارم تحقیقات و مطالعاتی با کمک نرم افزارهای موجود و کتابهای مرجع درباره بسیاری از موضوعات انجام داده و به جامعه ارائه نمایم.

کاظمینی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدعلی بن السید الجلیل و العالم النبیل آقای حاج سید طاهر کاظمینی بروجردی از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی تولدش در بروجرد واقع شده و در سن هیجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد و به تحصیلات علوم دینی پرداخته و پس از چهار سال به نجف مهاجرت و در مدرسه بادکوبه‌ای‌ها مشغول بتحصیل شده و لکن بواسطه عدم سازگاری هوای نجف با مزاج

ایشان مبتلا بکسالت شدید گردیده و با این که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی عنایت مخصوص بایشان داشتند و در معالجات ایشان کوتاهی ننمودند نتوانستند در آنجا توقف و ادامه بتحصیل دهند پس بامر زعیم عالیقدر اسلام آیت‌اللّه اصفهانی بهمراهی حجةالاسلام حاج شیخ صادق ایروانی مراجعت به ایران و بروجرد نموده و با کوشش‌ها و دعاهای والد ماجدش پس از چند ماهی بهبودی یافته از بروجرد حرکت به قم نموده و حدود چهارده سال در قم اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم استفاده و در سال ۱۳۷۵ ق به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان بمرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر برهان وارد و در اثر تشریک مساعی آن مرحوم به اقامه جماعت در آن خیابان اشتغال و در مسجد بعد از نمازها بگفتن تفسیر و مسائل احکام و معارف اسلام ترویج دین و تنویر افکار نموده و بعد از چند سال بنابر دعوت بانی مسجد فروتن (مسجد نور) و عده‌ای از محترمین آن حدود بامامت مسجد مزبور منصوب و تا اکنون در آن مسجد که از مسجدهای زیبا و پر جمعیت شرق تهرانست بوظائف دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای کاظمینی که با حقیر عقد اخوت و برادری دارند دانشمندی است متین و بزرگوار و دارای مناعت طبع و سلامت نفس و خدمتگزار بخصوص در تعظیم شعائر دینی (ایحاء اعیاد مذهبی و موالید حضرات معصومین علیهم‌السلام بسیار ساعی و جدی و همواره به ترویجات قولی و فعلی اشتغال دارد و تاکنون کتب آموزنده‌ای تألیف و منتشر نموده‌اند که ذیلا می‌نگارم:

۱- نهایه المقام لابناء الامام بطبع رسیده در سال ۱۳۸۱ ق.

۲- جلد دوم نهایه الکلام فی حق رسول الاسلام در سال ۱۳۸۲ ق بطبع رسیده.

۳- در سال ۱۳۸۴ ق جلد سوم (اسلام از نظر دیگران).

۴- جلد چهارم (منتخب اللئالی در سئوال و جواب و داستانهای اسلامی بطبع رسیده.

۵- جلد پنجم بنام (گنجینه معارف) در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند.

۶- جلد ششم بنام (منشورات) بطبع رسیده در سال ۱۳۹۰ ق.

۷- جلد هفتم بنام جواهر الولایه در امام شناسی در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده‌اند.

۸- جلد هشتم منشورات مقدس نور راجع بشیعه شناسی در نظر فریقین ادام اللّه برکاته و توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌اللّه اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری و آیت‌اللّه شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۵ ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایة المقام لابناء الامام»؛ «نهایة الکلام فی حق رسول الاسلام»؛ «اسلام از نظر

دیگران»؛ «منتخب اللآلی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»؛ «منشورات»؛ «جواهر الولایة»، در امام شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین.[۱]

سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال ۱۳۷۶ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.

مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.

فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۱ -۵۳۰/ ۴).

کاغدی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۴ -۵۰۱ ق)، محدث، قاضی و خطیب. از ابوعلی حداد و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل اخشید و فاطمه جوزدانیه حدیث شنید. یوسف بن خلیل از وی حدیث روایت کرد و احمد بن سلامة از وی اجازه حدیث داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعلام بوفیات الاعلام (۴۰۰/ ۲)، سیر النبلاء (۲۴۶/ ۲۱)، شذرات الذهب (۳۱۷/ ۴)، العبر (۱۰۹/ ۳).

کافی خراسانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمبلغین و عماد المله و الدین آقای حاج شیخ احمد فرید العالم الجلیل و العابد النبیل حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ احمد کافی یزدی از وعاظ و گویندگان نامی و خطباء سامی معاصر تهرانیست که شهرت و آوازه‌اش از تهران به اکثر شهرستانها رسیده و مورد توجه غالب مردم ایران گردیده است.

تولدش در مشهد مقدس در سال ۱۳۵۰ قمری واقع شده و در حجر تربیت خاندان تقوا و فضیلت نشو و نما یافته و مقدمات و ادبیات را خوانده و از همان اوان شوق و علاقه شدید به منبر و تبلیغ دین داشته زیرا به خاطر دارم در سال ۱۳۶۴ قمری که در مشهد مشرف بودم و روزهای جمعه در منزل جد ماجدش منبر می‌رفتم و ایشان هم آنجا بودند توجه مخصوصی به فراگرفتن مطالب و قضایا

داشت. شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت رضا علیه‌السلام برای صدها نفر مردم زائر و غیره دعاء کمیل می‌خواند در حالیکه از عمرش بیش از ۱۵ سال نگذشته بود شور و انقلاب عجیبی در مردم ایجاد می کرد در سال ۱۳۶۶ قمری برای تکمیل مبانی علمی در معیت مرحوم جدش آیت‌الله کافی مهاجرت به نجف اشرف نموده و چند شبی را در منزل شهر ری حقیر توقف آنگاه به عراق عزیمت کرده و چند سالی در کنار مشهد امیرالمومنین علی علیه‌السلام به تحصیل پرداخته و از درس و بحث و محضر آیات نجف چون آیت‌الله مدنی و آیت‌الله خوئی و دیگران استفاده نموده و برای تبلیغ مسافرتها به شرق و غرب و شمال و جنوب کشور کرده و در همه‌جا مورد استقبال و توجه مخصوصی مردم قرار گرفته تا بالاخره تهران را که عاصمه تشیع و از هر جهت محل فعالیت است اختیار و رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی و روحی و انجام وظائف مذهبی پرداخته است.

مولف گوید حاج آقای کافی واعظی دین و خطیبی غیور و در امور دینی متعصب و بسیار مبارز و مجاهد در مقابل انحرافات و منکرات و در جلوگیری از تبلیغات مسموم بیگانگان و وهابی‌های وطنی چون دکتر شریعتی‌ها و برقعی‌ها و... مجامله و مسامحه نکرده و از میدان آمدن و مبارزه کردن با آنان هراس و تقیه را رواندارد. بسیار موفق و موید و تاکنون هجده سفر به حج مشرف شده و در مدینه طیبه منبرهای مهمی رفته و از حریم ولایت آل محمد علیهم‌السلام و بالاخص حضرت علی علیه‌السلام در مقابل اهل سنت و وهابی‌ها دفاع نموده است. آثار و باقیات الصالحاتی در بسیاری از اماکن و بلاد گذارده است که از آنهاست پایگاه شیعیان منتظر به نام مهدیه.

مهدیه تهران

این موسسه در اول خیابان ولی عصر تهران از طرف میدان راه‌آهن واقع است مساحتش از هزار متر متجاوز و مجمع هزارها نفر از مردم متدین و منتظرین حضرت مهدی عجل‌الله فرجه الشریف در شبها و صبحهای جمعه که برای دعاء کمیل شب و دعاء ندبه صبح می‌آیند می‌باشند و از جهت کم و کیف اولین مجلس دینی ایرانست و در این مجلس از تمام طبقات روحانی و بازاری و لشکری و کشوری و محصل و آموزگار و دبیر و غیره شرکت نموده و رغما لانف منکرین دعاء ندبه این دعاء را جناب حاجی آقای کافی واعظ با لحنی مهیج و آتشین خوانده و صدای ناله و فریاد (یابن الحسین) حاضرین به اوج آسمان می‌رسد و مردم غالبا توجه مخصوصی به این سنگر دارند و در این محفل هزارها نفر به حوائج خود از شفاء بیماران و رفع پریشانها و گرفتاریها و اداء دیون خود رسیده‌اند.

این موسسه که میلیونها تومان خرج زمین و بناء آن شده تمام مردم متدین تهران داده‌اند.

مهدیه مرکز تعلیم و تعلم قرآن و عقاید و اخلاقیات و اخبار و احکام اسلامیست بسیاری از کارهای خیر و امور اجتماعی و دینی از قبیل تعمیر مساجد و عیادت بیماران سرطانی و مجذومین و مسلولین و مصروعین و بیماران بیمارستانها و رسیدگی به ایتام از همین محل انجام می گیرد.

در اغلب اوقات برنامه آن اجراء و بالاخص در ماه رمضان و شبهای قدر و در نیمه ماه شعبان که جشن باشکوه و کم‌نظیری در آن گرفته می‌شود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کافی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام ومبلغ الاحکام آقای حاج شیخ حسن کافی از وعاظ و گویندگان معروف تهران و خراسانست. تولدش در مشهد واقع و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و در رشته منبر مطالعات فراوان نموده تا در این فن تخصصی تحصیل کرده و در ردیف گویندگان نامی درآمده است.

وی در بسیاری از نقاط و شهرستانهای ایران برای امر ارشاد و تبلیغ مسافرت نموده و خدماتی انجام داده آنگاه تهران را که پایتخت کشور است مرکز و محل اقامت خویش ساخته و در دو ماه محرم و صفر و ماه رمضان و اغلب اوقات دیگر سال در مجالس بزرگ و حساسی داد سخن داده و تنویر افکار و نشر آثار و معارف دینی نموده و می‌نمایند.

جناب تاج واعظ لنگرودی نمونه‌ای از منبر و سخنرانی ایشان را در کتاب گفتار وعاظ خود نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کبیر، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجۀالاسلام مرحوم آقا حسین بن علامه آیت‌اللَّه میرزا محمد کبیر از علماء قم و ائمه مسجد امام علیه‌السلام بودند که در شهرستان قم متولد یافته و در مهد علم و تقوا تربیت و از اساتید و مدرسین حوزه چون مرحوم ادیب تهران و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه فیض و مرحوم والدش و هم چندین سال از آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده تا بعد ۱۳۸۴ قمری بدرود حیات گفته و در جوار پدر بزرگوارش در قبرستان شیخان مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کربکندی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا یوسف بن علی. واعظ صالح، و فاضل ادیب محدث، از فضلای اهل منبر بوده، و به عماد الواعظین شهرت داشته.

در خدمت فضلای اصفهان تحصیل نموده، در ۹ صفر سال ۱۳۲۳ وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آباده‌ای مدفون گردید.

از آثارش چندین مجلد کتاب و بیاض در مواعظ منبری و اخبار به صورت مجلس است که در نزد اولادش موجود است.

پدرش: مرحوم ملا یوسف نیز واعظ و صالح بوده، و در ۱۲۹۸ وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آباده‌ای مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانشاهی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۲۸۰ ق)، عالم دینی و واعظ. نیای بزرگش ملا محسن فیض کاشانی است. عالمی جلیل بود. قبل از برادرش آقا محمد مهدی کرمانشاهی (م ح ۱۲۸۰ ق) در کرمانشاه درگذشت. از آثار وی: ترجمه‌ی «مواعظ اصول کافی»، که در ۱۲۵۰ ق آن را نگاشت؛ «بهجة الناظرین»، در اخلاق، که در ۱۲۶۰ ق از تألیف آن فراغت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۸/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۲۵۸/ ۹).

کرمانی حایری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌اللّٰه کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه‌ی علمیه قم از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت‌کنندگان درس آیت‌اللّٰه شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار».[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمیه قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص ۱۸ سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است ۲– مجمع‌الانوار مطبوع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳ –۲۴۲/ ۲).

کرمانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید زین‌العابدین موسوی. عالم فاضل، جهت تکمیل تحصیلات به اصفهان مهاجرت نموده، و در این شهر خدمت حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و با آقایان مسجد شاه ارتباط یافته، در مسجد شیخ لطف‌الله اقامه جماعت می‌نموده.

در سال ۱۳۱۸ فوت شد، جنازه به نجف منتقل گردید.

وی را دو پسر بوده:

۱- آقا سید جعفر، متوفی در ۱۳۵۶، مدفون در تکیه‌ی زنجانی جنب تکیه‌ی کازرونی در تخت فولاد.

۲- آقا میرسید علی، متوفی در ۶ جمادی‌الاولی ۱۳۷۸، مدفون در تکیه‌ی حاج آقا محمد مقدس در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرمانی، نظر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، عالم دینی و واعظ. در کربلا درگـذشت. از آثارش: «انیس النفس»، در مواعظ و اخلاق؛ «لجة اللآلی»، در مواعظ؛ «جامع الشتات»، به سبک «کشکول»؛ «جلیس النفس»، در حکایات و «جلیس الواعظین و انیس الذاکرین»، در قصص انبیاء و مرسلین (ع)، به فارسی؛ «جمال الامۀ»، در فضیلت صلوات و درود بر پیامبر (ص) و ائمه (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۰/ ۸)، اعیان الشیعه (۲۲۳/ ۱۰)، الذریعه (۲۹۶/ ۱۸، ۱۲۹، ۶۰/ ۵، ۴۶۷/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۰۲/ ۱۳).

کرمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین کرمی اسفه

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۱۲

تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی

مقاطع ابتـدایی و راهنمایی را در شهرسـتان شـهرضا گذرانـدم و سـپس وارد شهرسـتان قم شـده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال ۱۳۶۵)، در سال ۱۳۸۵ در مؤسـسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسـی مارکسیسم را گذرانـدم. در همـان سـال و در آزمـون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذرانـدن یـک دوره ۶ سـاله الهیات و معارف اسـلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسـفه، تفسـیر قرآن کریم، فلسـفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیهٔ الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.

پس از آن به دوره تخصصـی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسـسه آموزشـی و پژوهشـی امام خمینی (ره) وارد شدم. در

سال ۱۳۶۷ همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کسائی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید غلامرضا کسائی داماد مرحوم آیه‌الله مجاهد امینی صاحب‌الغدیر که سالها مقیم کربلا بودند و در سال ۱۳۹۱ قمری مانند هزارها نفر دیگر از دانشمندان و طبقات دیگر از طرف دولت بعثی عراق اخراج و راهی بایران شده و در قم رحل اقامت افکنده و بدرس آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی شرکت نموده و در ماه ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۳ قمری رحلت و در قم مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کشفی بروجردی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل السید محمد بن العلامه الورع السید ریحان‌اللَّه بن العالم العلام و الحجه القمقام الایه العظمی السید جعفر کشفی بروجردی (صاحب کتاب تحفه الملوک و اجابت المضطرین و کتب دیگر از علماء اعلام و دانشمندان کرام معاصر تهرانست.

وی در ماه رجب ۱۳۲۱ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت و رشد در مهد علم و سیادت و شرف و اصالت و خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح در تهران به قم مشرف شده و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری استفاده کرده آنگاه به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و کسب فیض نموده و به تهران مراجعت و در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان امیرکبیر به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تا حال حاضر که قریب سی و پنج سال است بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. از آثار ایشانست تفسیر سوره یوسف علیه‌السلام و تقریرات اساتید قم و نجف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی بروجردی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی کشفی بن العلامه التقی السید ریحان‌اللَّه بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه السید جعفر کشفی بروجردی از علماء گذشته تهران و عموی مترجم سابق‌الذکر است که در سال ۱۳۱۶ قمری در تهران متولد شده و پس از تحصیل علوم جدیده نزد ادیب تهرانی و آقا شیخ علی رشتی به تعلیم علوم ادبی و عربی پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت حاج شیخ فاضل و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه رفیعی قزوینی و مرحوم میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی تلمذ نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللَّه موسس حایری استفاده کرده تا پس از فوت آن مرحوم که به تهران مراجعت و به ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی و تفسیر که در حوزه علمیه هم اشتغال داشت پرداخته و اثرات و خاطرات نیکوئی از خود در دل مردم تهران باقی گذارد تا سال ۱۳۶۷ قمری داعی حق را اجابت و با تجلیل فراوان جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان آیت‌اللَّه حایری مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: مرحوم حاج سید مهدی کشفی مانند اسلاف پاکش از علماء مروج و پرهیزکار زمان خود بوده و شاگردان متدین و با تقوائی تربیت نموده و اجدادش دارای مقامات کشف و معنویت بودند مخصوصا مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید جعفر کشفی که صاحب تألیفات عدیده مفیده و واجد مراتب کمال و کرامت بودند و در بسیاری از کتب تراجم شرح احوالش مسطور می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشمیری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شید محمد رضی رضوی کشمیری که اکنون از ائمه جماعت تهران می‌باشند.

تولد ایشان در نجف اشرف واقع شده و در حجر چنان پدر متقی و عالمی پرورش یافته و علوم معموله را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه نجف آموخته و به تألیف پرداخته تا در این تحولات و انقلابات اخیر عراق که ناچار به مهاجرت به ایران گشته و در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین از طریق بیان و قلم اشتغال دارد و از آثاری که از ایشان به طبع رسیده کتب زیر است.

۱- التحفهٔ الرضویه فی مجربات الامامیه دو بار به طبع رسیده.

۲- الاولیات من الحادثات والمستحدثات ج ۱ به طبع رسیده.

۳- لماذا اخترناالدین الاسلامی ج ۱ به طبع رسیده.

و کتب دیگری که در شرف طبع می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کعبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کعبی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجةالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیةالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج‌گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجةالاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجةالاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجةالاسلام و المسلمین کعبی فعالیتهای بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبة»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیة المعاصرة»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایة»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»،

«تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیهٔالله نائینی و آیهٔالله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیتهای علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرا... به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی ـ اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کلباسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی.

عالم فاضل زاهد محقق جامع، امام مسجد حکیم، و مدرس در آنجا. عمر عزیز خود را به تألیف کتب و رسائل، و درس و بحث، و اقامه‌ی جماعت، و رفع خصومات و مرافعات می‌گذرانیده، و مواظب آداب شرعیه بوده، به طوری که کمتر مستحبی از او فوت می‌شده.

در خدمت پدر بزرگوار و جمعی دیگر تلمذ نموده، و از پدر و حاج سید محمد باقر [شفتی] و شیخ حسن نجفی [صاحب جواهر] اجازه داشته.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ - انوار النزول ۲ - رساله در آداب نفس ۳ - رساله در میراث ۴ - رساله در صوم ۵ - رساله در جنایز ۶ - رسائلی در رجال ۷ - شرح تهذیب علامه ۸ - شرح خلاصهٔ الحساب ۹ - شرح «نتایج» سید ابراهیم قزوینی ۱۰ - کتابی در حدود و دیات ۱۱ - کتابی در طهارت و صلات، با استدلال ۱۲ - منبع الحیات، در اصول، که به فرموده‌ی حاجی، جمع عبارت علمای اصول نموده، از متقدمین و

متأخرین، در ۱۵ مجلد ۱۳ – نور حدقة الناظرین، در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ ۱۴ – هدیة الشیعة، که رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.

در روز جمعه ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۹۲ وفات یافته، داخل بقعه‌ی پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کماری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی ابن العالم الجلیل الحاج سید محمد کماری که به بیست و شش واسطه بامام هفتم علیه‌السلام می‌رسد از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تهرانست.

وی در بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۳۲۳ قمری در تبریز متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات سطوح را در خدمت مرحوم حاج مولینا و آیت‌اللّٰه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خوانده و در سال ۱۳۴۶ قمری به قم آمده و در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللّٰه العظمی حایری و آیت‌اللّٰه حجت قدس اللّٰه اسرارهم تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۰ مهاجرت به نجف و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان اللّٰه علیهم استفاده کافی و وافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری با دریافت اجازات اجتهاد از آیات عظام نجف مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و تا اکنون بتدریس و امامت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در مسجد امامزاده زید واقع در بازار تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

از آثار علمی ایشانست کتابهائی که نگارنده مطالعه کرده ولی متأسفانه بطبع نرسیده و بعضی از آن هم تکمیل نشده است و آنها از این قرار است ۱- مباحث الفاظ دو جلد ۲- مباحث عقلیه ۲ جلد ۳- رساله‌ای در اجاره ۴- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۵- کتابی در حج و مناسک آن علمی و استدلالی ۶- شرحی بر وسیله.

(۱۳۲۳– ز ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و فقیه. نسب وی به بیست و شش واسطه به امام هفتم (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پدرش، آیت‌اللّٰه سید محمد کماری از علمای معروف تبریز بود. او میان خانواده‌ای اهل کمال پرورش یافت. پس از فراگیری مقدمات، سطوح را در خدمت حاج مولانا و میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خواند. در ۱۳۴۶ ق به قم رفت و در خدمت میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد علی حایری قمی و آیت‌اللّٰه حایری یزدی و آیت‌اللّٰه حجت تلمذ نمود. در ۱۳۵۰ ق به نجف مهاجرت کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّٰه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کافی برد و در ۱۳۶۰ ق با دریافت اجازات اجتهاد از استادانش در نجف، به تهران آمد و به تدریس و امامت و انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: «مباحث الفاظ»، در دو مجلد؛ «مباحث عقلیه»، در دو مجلد؛ رساله‌ای در «اجاره»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ کتابی علمی و استدلالی در «حج و مناسک»؛ شرحی بر «وسیله».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۵ –۵۳۳/ ۴).

کمالی دزفولی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر و خطیب. وی نواده‌ی سید حسین ظهیر الاسلام بود. در دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و اهواز به پایان رساند. سپس به تهران آمد و در دانشکده‌ی معقول و منقول به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. او به فعالیت‌های دینی و تبلغیی و اجتماعی می‌پرداخت و در سرودن شعر مهارت داشت. وی چندی نیز مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ و رئیس انجمن معتمدین محل بود. از کارهای فرهنگی او «هزار سخن» محمد حجازی است. از دیگر آثار وی: «عزیز و نگار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۹۶۷ -۲۹۶۴/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۷/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۳ -۳۵۲/ ۴).

کنی سلطان العلماء، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مهدی سلطان العلماء فرزند شیخ جواد شاه عبدالعظیمی کنی سالها در قم تحصیل کرده آنگاه به نجف مهاجرت و چندین سال در آن سامان از آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّٰه اصطهباناتی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ ق بوطن مراجعت و در مسجد بالاسر به اقامه جماعت اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۸۹ ق که از دنیا رفته و در مسجد بالا سر محل نمازش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی شاه عبدالعظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده مشرف به نجف شده و خدمت میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملاـ محمد کاظم خراسانی تلمذ نموده آنگاه مراجعت به ری و قیام بوظائف دینی از امامت و غیره نموده است تألیفاتی بنامهای زیر دارد:

۱- نور الافاق ۲- خصایص العظیمیه که طبع شده ۳- تذکره ری ۴- تحفه العظیمیه ۵- اخبار العظیمیه ۶- زبده الانساب و غیرها در سوم جمادی‌الثانی ۱۳۵۵ وفات نموده و در ایوان آئینه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرحیم بن العالم الجلیل حاج آغا بزرگ بن العلم العلام حاج شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی یکی از اسباط علامه کنی و علماء معاصر و بنام شهر ری میباشند.

وی در سال ۱۳۲۳ ق در زاویه مقدسه شهر ری و جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد شده و در بیت اصیل و ریشه‌دار و محیط علم و روحانیت پرورش و دروس جدیده را طبق معمول خوانده تا آنگاه بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات را نزد والد ماجد خود شروع نموده و پس از اتمام آن مهاجرت به قم کرده و سطوح را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی استفاده و سطوح عالی را از مرحومین آیتین آقا میرزا محمد فیض و آقا میرزا محمد کبیر بهره‌مند شده سپس از حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری مؤسس حوزه استفاضه نموده و در طول سالها با رشته‌های علوم اسلامی آشنا و باخذ دانشنامه مدرسی در رشته معقول و منقول و نیز موفق و مسافرتی باعتاب عالیات نموده و از محضر آیات عظام نجف مانند مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند و بدریافت اجازه نائل آنگاه بوطن برگشته و در مسجد صحن مطهر به اقامه جماعت و ترویجات دینی و انجام وظائف مذهبی و روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان متین و با صفاست و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و می‌نماید ادام اللّه عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد رضای کنی داماد معظم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای امام مسجد جلیلی واقع در خیابان ایرانشهر، وی در کن در خاندان ایمان و تقوائی بدنیا آمده و پس از خواندن دروس جدید. به قم مهاجرت و مقدمات و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و بدرس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و بعض آیات دیگر شرکت نموده و پس از آن در تهران رحل اقامت و تاکنون در مسجد مذکور به امامت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، ملا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الحاج ملا علی کنی عطراللّه مرقده، تولدش در سال ۱۲۲۰ ق در قصبه کن در شمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفرط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با استعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشته از کتب سطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌اللّه العظمی شیخنا الانصاری شرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاهت رسیده و در فقه و اصول و حدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیدا کرده و بتصنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال ۱۲۲۴ ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل حرکت بـاین طرف و آن طرف نموده تا خداونـد منان توفیق داده و ثانیا مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می‌گفت اگر آیت‌اللّه کنی مرا از سلطنت خلع کند چه می‌توانم بکنم، در سال چندین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می‌کرد.

مآثر و آثار ص ۱۳۸ گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می‌نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.

اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسیدند، عمده تلمذ او بر شیخ‌الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیره‌ها تصنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش از آسیا بقسمتهای کره ارض نیز رفته و همه جا را فراگرفته بود احترام و اکرامی که این پادشاه (ناصرالدین شاه) بـاین عالم عامل و فقیه کامل می‌فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.

احسن الودیعه (ج ۱- ص ۱۰۱) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسیر و مناعت حدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صاحب اختراعات و استنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعاظم و حکام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لا- تاخذه فی اللّه لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌اللّه العظمی بلا کلام و النائب المرضی عن الامام علیه‌السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام ۱۳۰۶ در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه‌اش برای تشییع و تجلیل و غیره مانده و روز یکشنبه غره صفر سال مذکور حمل بشهر ری و جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام با ازدحام عام و احترام تمام گردیده و در مسجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصرالدین شاه معروف است دفن گردید و در رثاء او شعراء عرب و عجم قصائدی سروده و ماده تاریخ مناسبی سرودند منجمله مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا

علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:

۱- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب ۲- کتاب طهاره ۳- کتاب صلوه ۴- کتاب بیع ۵- کتاب قضاء و شهادت که در ۱۴۰۴ ق در تهران چاپ سنگی شده ۶- توضیح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده ۷- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.

نگارنده گوید: شرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار این اندازه قناعت. فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم.

نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-

۱- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:

حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت‌اللّه علی الاطلاق میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی قدس اللّه اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:

مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدم شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برایم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.

پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عباء خود خاک و خاشاک را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.

و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدم گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.

نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت‌اللّه علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.

۲- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.

۳- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.

۴۴- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوایج و کیفیت آن باین طریق است.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجهٔالاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن

نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.

نگارنده گوید: البته در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءاللّٰه حاجتش برآورده خواهد شد انشاءاللّٰه.

(۱۳۰۶ –۱۲۲۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملا علی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسداللّٰه بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولاوی حاضر شد و در لغت، فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلة القرآنیة»؛ «توضیح المقال فی علم الدرایة و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهارة»؛ «الصلوة»؛ رساله «ارشاد الامة»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۳۸ / ۵)، اعیان الشیعه (۳۰۲ / ۸)، الذریعه (۵۷ / ۱۱، ۴۹۹ –۴۹۸، ۴ /۴۲۷، ۳ /۴۸۲– ۴۸۳، ۳ /۴۹۹ / ۲)، ریحانه (۹۸ –۹۷/ ۵)، شرح حال رجال (۳۵۲ –۳۴۹/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۰۷ –۱۵۰۴/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۷ –۲۵)، فوائد الرضویه (۲۹۹ –۲۹۸)، قصص العلماء (۱۲۲)، المآثر و الآثار (۱۳۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۷۱/ ۷)، مکارم الآثار (۶۹۹ –۶۹۷/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۳/ ۸).

کوزه کنانی تبریزی نجفی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷/ ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و واعظ. اصل وی از کوزه‌کنان تبریز بود. از شاگردان شیخ حسن فاضل مامقانی و سید حسین کوه کمری و فاضل ایروانی بود. او به علامه فاضل مامقانی بسیار نزدیک بود و از وی روایت می‌کرد و دخترش را به شیخ عبداللّٰه، فرزند فاضل مامقانی، تزویج کرد. وی پیرو مسلک اخباری بود. در کاظمین درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی استادش، شیخ حسن مامقانی، دفن شد. کوزه کنانی در اخبار آل محمد (ع) تتبعات بسیار داشت. از آثار وی: «ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء»؛ «روضة الامثال»؛ «هدایة الموحدین»، در اصول دین، به فارسی، در سه مجلد؛ «مباحثة النفس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۱)، الذریعه (۱۹۷/ ۲۵، ۴۰/ ۱۹، ۲۸۸/ ۱۱، ۵۰۴/ ۲)، ریحانه (۱۰۲/ ۵)، سخنوران آذربایجان (۱۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۹/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۹۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۹ –۴۴۸/ ۱).

کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی کوشا

محل تولد : بیجار گروس- سیرلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۱ در یکی از روستاهای توابع شهرستان «بیجار گروس» واقع در استان «کردستان» به نام «دولت آباد» به دنیا آمده ام که به گفته مرحوم پدرم پس از ۱۴ روز به روستای «سیرلان» کوچ می کنند و تا کلاس ششم ابتدایی در سیرلان تحصیل نمودم و پس از آن وارد دبیرستان در شهر بیجار شدم. تا کلاس یازده نظام قدیم در بیجار و سال آخر دبیرستان را در شهرستان «سقز» به پایان رساندم و سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مقدمات را خواندم و سپس در حلقه های دروس دیگر تا شروع لمعه شرکت کردم و سپس دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان بردم و آنگاه در درس خارج شرکت کردم.

پا به پای دروس سطح عالی در مدرسه «الهادی» و «امام عصر» حدود ۱۲ سال یا بیشتر تدریس نمودم و در زندانهای سیاسی کشور از جمله «اوین» در تهران و نیز «ساحلی» در قم و همچنین در اراک و همدان برای افراد سطح عالی به تدریس عقاید پرداختم و اکنون مدت ۱۰ سالی است که به کار تحقیق و نوشتن مشغول هستم. جمعاً ۲۶ اثر تألیفی، تحقیقی و تصحیحی را ارائه نموده ام که عمده آنها به چاپ رسیده است. اخیراً به علوم قرآنی بیشتر توجه نموده ام و ترجمه های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده ام که کتاب معروف اینجانب به نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» مورد توجه محافل ادبی و دانشگاهی به ویژه قرآن پژوهان، با استقبال خوبی مواجه بوده است و حدود ۱۱ مجله مثل آیینه پژوهان، ترجمان وحی، بینات و ... مقالات این بنده را در موضوعات کتابشناسی، نقد، ترجمه و ... چاپ کرده اند و همچنین با شماری از روزنامه ها و هفته نامه ها مصاحبه داشته ام و مقالاتی نیز در آنها به چاپ رسانده ام.

هدف اصلی من از طلبه شدن «فهم اسلام و فهماندن آن» بوده و چیزی جز این هم از خدا نخواسته ام به هر حال (از خدا جوییم توفیق ادب – بی ادب محروم ماند از لطف رب). ضمناً در ایام تعطیلی برنامه های وسیع تبلیغی در پیش و پس از انقلاب اسلامی داشته ام که می توانم بگویم در تمام آنها موفق بوده ام. از جمله: در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت جام، آبادان، زابل، شیراز، فیروز آباد فارس، همدان، تویسرکان، نهاوند، ملایر، بیجار و لار علاوه بر سخنرانی، کلاسهای تدریس اصول عقاید و پاسخ به پرسش ها و تفسیر قرآن را نیز برقرار نموده و در همه آنها موفقیت چشمگیری داشته ام.

کوشکی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملاـ ابراهیم. عـالم فاضل، و فقیه کامل [؟]، از ائمه‌ی جماعت، در ماه محرم سال ۱۳۱۷ در اصـفهان وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوه کمره ای، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کوه کمره ای

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمـدلله المفیض علی الاطلاـق المتّجلی علی الاـنفس و الاخلاـق، و الصـلوهٔ و السـلام علی النّبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین.

بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشـیده نیست که یکی از کارهای ارزشـمند و مفید بر حال همهٔ طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشـکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقـدهٔ علمی را با بنان، تا صاحب تصـنیف و تألیفی باشم شایسـته تحسـین و سـزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شـرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مسـتحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسـلامی نور (شکر الله مساعیهم) لبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشـته و بازگویی می نمایم: اینجانب سـید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنـا)، به سال یک هزار سـیصد و نوزده هجری شمسـی و روز چهاردهم شـعبان المعظم در شهرسـتان تبریز دیـده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفـالت پـدر و مادر الهی تربیت یافته و از شـیر مادری مؤمنه و عفیفه تغّذی نموده ام (سـقاهما الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شرابا طهورا) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با ۲۹ واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضـرت سـید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسـین (علیهما السـلام) می رسد و از سادات صـحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرسـتان تبریز شـمرده می شود؛ می باشـد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متـذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمهٔ الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

امّا مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می باشند (وفقهم الله لمرضاته) و در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔ الله علیه) به حوزه مقدسه علمیّه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشّرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم مّلائی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیهٔ الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جستم. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام خیرا).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفّتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظله العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلّمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطّهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضهٔ فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دورهٔ سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاهت و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستّمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهرهٔ دل آرای او لذت می بردم؛ شخیصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و ارادت بی‌شائبه‌ای که به ایشان داشتم؛ بعد ازظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت ۱۲ سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).

(و اما خدمات اجتماعی): از ۲۲ سالگی وظیفهٔ سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محل‌های مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام. و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که

شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارك این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاك خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا ...) تداعی می شد.

و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال ۱۳۸۷ هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفاتین ادامه دارد و از خداوند منّان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاك پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبّل نموده و مشغول هستم.

کیاالحسینی، ضیاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاء الدین کیا الحسینی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ضیاء الدین کیا الحسینی در مرداد ماه سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متوسط در روستا به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در گرگان به سال ۱۳۵۸ به اتمام رسانده و در همان سال برای تحصیلات عالیه در یکی از مراکز عالی مشهد در رشته تأسیسات حرارتی قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. با شروع انقلاب فرهنگی در خرداد سال ۱۳۵۹ به کارهای فرهنگی دینی در شهرستان «کردکوی» مشغول بودم.

در سال ۱۳۶۰ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم و موفقیت در آنان (که از قبل علاقه مندی به این دروس در اینجانب وجود داشته و با مطالعه آثار شهید مطهری بیشتر شد)، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه (امام صادق علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را تمام کرده و مشغول درس خارج گشتم که عمده اساتید سطح اینجانب در شرح لمعه «حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر مدنی» و در رسائل از محضر استاد «مصطفی اعتمادی» و در مکاسب از محضر مرحوم

استاد «احمد پایانی» و در کفایه و خیارات مکاسب از محضر استاد «محمد حسن قدیری» بهره بردم. خارج اصول را عمدتاً از محضر اساتید: «وحید خراسانی» و «تبریزی» بهره بردم. و این حضور به مدت ۷ سال ادامه داشت.

با اتمام دروس سطح و تاسیس دانشگاه مفید توسط «حضرت آیت الله موسوی اردبیلی»، در آنجا مشغول به تحصیل رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی شدم و در سال ۷۳ با اتمام مقطع کارشناسی وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۷۷ با نوشتن پایان نامه خود با عنوان: «زکات در قرآن و تخمین تابع آن در ایران» مطالعه موردی سال های ۷۵ ـ ۱۳۶۱ فارغ التحصیل شدم و به عنوان عضو هیئت علمی در آنجا مشغول به فعالیت علمی شدم. در طی این مدت به تدریس و تدوین بعضی از مقالات و آثار علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۰ در امتحان ورودی اولین دوره دکتری این دانشگاه قبول و در حال حاضر (۱۳۸۴) امتحانات آموزشی و جامع را پشت سر گذاشته و مشغول تدوین پایان نامه می باشم.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل کیاشمشکی

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۶۳ ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیذر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم. همزمان در سال ۱۳۷۲ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال ۱۳۷۴ پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال

داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۷۷ ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌اللّه رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در ۱۳۱۳ ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر.[۱] عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا-عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین ۱۲۷۷- ف. ۱۳۷۷ ه.ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملا-سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»، «استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۴/ ۱۸ ،۵۸/ ۱۰ ،۹۲۸/ ۹)، شرح حال رجال (۱۳۰/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۱۸/ ۲ ، ۹۳۴ ،۵۴۶/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۵ -۴)، لغت‌نامه (ذیل/ کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (۶۹۴ -۶۹۳/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۷/ ۸).

گرجیان عربی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی گرجیان عربی

محل تولد : عربخیل بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در ۲۰ تیرماه ۱۳۴۲ در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی ر ا نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریبا در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال ۱۳۶۴ به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال ۱۳۷۵ همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت ۷ سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از ۱۹ سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و ۱۷ سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بارتدریس نموده ام).

گرم آبدشتی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۵

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در روستای جیرکل که نزدیک روستای خودمان می باشد تمام کردم و بعد دوره راهنمایی را در مدرسه افجه ای و متوسطه را در دبیرستان شهید بهشتی شهرستان رودسر و بعد در سال ۱۳۶۳ شمسی رهسپار حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان لنگرود شدم و در درس حجت الاسلام مرحوم آقای ممجد رحمهٔ الله شرکت کردم. در آنجا رسم بر این بود که طلبه های یک سال درس می خواندند و اگر استاد صلاح می دید برای تازه واردیها تدریس می کردند و این حقیر یکی از همان طلبه ها

بودم که استاد برایم تدریس گذاشت و بعد از دو سال به استان اصفهان و در حوزه علمیه ذوالفقار و صدر رفتم. حدودا بیش از سه سال در آنجا درس خواندم و نزد اساتیدی همچون حجج اسلام آقایان: سید مصطفی ابطحی، شیخ علی اکبر فقیهی، نظری، حیدری و شهید زنده استاد محمد تقی سنایی که به حق استاد مبرز در ادبیات عرب هستند تلمذ کردم. در حوزه علمیه اصفهان تدریس هم داشتم و شرحی هم از اوایل مغنی باب اول را داشتم و بعد در سال ۱۳۶۸ شمسی به حوزه علمیه قم آمدم و در دروس حجج اسلام آقایان: محمدی خراسانی، اعتمادی و درس حضرت آیت الله محفوظی شرکت کردم و هم اکنون در دروس خارج حضرت آیت الله العظمی بهجت و حضرت آیت الله محفوظی شرکت می کنم.

گرم آبدشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد گرم آبدشتی متولد ۱۳۵۰ در روستای گرم آبدشت شهرستان رودسر متولد شدم. دوران ابتدائی وراهنمائی را در روستای همجوار سپری کردم. بعد از آن در آزمون سراسری حوزه علمیه شرکت کردم وپذیرفته شدم. دوران مقدمات حوزه را به ترتیب در مدارس حقانی، الهادی و رضویه شهر مقدس قم به پایان رساندم ودرسهای پایه هفت تا ده را به صورت آزاد گذراندم. درکنار تلمذ دروس خارج فقه واصول مدیریت معارف اسلامی حوزه را هم به عهده دارم و در کنار آن تدریس نیز می نمایم. در روش کلاسداری برای دانش آموزان در سال ۱۳۷۹به عنوان مدرس نمونه کشوری انتخاب شدم.

گریان اردستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا عبدالله. واعظ صالح، و ادیب شاعر متخلص به «گریان» از نویسندگان زبردست، و شعرای عالی‌قدر، و وعاظ محترم بوده.

کتابهای زیر از اوست:

۱ - انوار المجالس، دو جلد [مطبوع] ۲ - تخمیس دوازده بند محتشم ۳ - تذکرة الحال ۴ - حمله‌ی مختاریه ۵ - صومیه ۶ - طریق البکاء [مطبوع] ۷ - عشرة النساء؛ و غیره

در سال ۱۳۱۰ به مرض وبا در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلایری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلایری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۵ شهریور ۶۵ وارد حوزه علمیه مازندران شدم و مدت ۴ سال تا لمعتین در آنجا از محضر استاد ارجمند حضرت آیت الله فاضل دام ظله بهره بردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله اعتمادی و حاج آقا محمدی و درس خارج حضرات آیات تبریزی، مرحوم صالحی مازندرانی و جوادی آملی استفاده کردم و در این مدت ۴ سال در موسسه تخصصی کلام حضرت آیت الله سبحانی و مدت ۴ سال کلاس فن خطابه در دفتر تبلیغات اسلامی گذراندم و از سال ۸۲ همکاری خود را با مجله وزین رواق اندیشه شروع نمودم که حاصل آن چاپ دوازده مقاله بوده است.

گلپایگانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی در روز ششم سال ۱۳۲۴ قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی در سال ۱۳۳۸ قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قم باتفاق بعضی از اعاظم حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول بخواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطحی قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را باصفهان فرستاده و سطوح عالیه را در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف‌آبادی خوانده و در سنه ۱۳۴۴ قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری به اراک هجرت نموده و تا سال ۱۳۸۲ قمری بالغ بر سی و یکسال توقف و بخدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در مختاری خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: معظم له عالمی منیع‌الطبع و بزرگوار می‌باشد در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته‌گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

گلستانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلستانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۹/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی

سال ورود به حوزه ۱۳۳۳ درشهرهمدان/ همان سال شروع به درس خارج ۱۳۵۰،اینجانب شیخ علی گلستانی در سال ۱۳۱۷ در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیّه همدان مدرسه آیه ا... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه ا... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و ازآنان کسب فیض کرده و سپس به محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدّت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گلسرخی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ رضا گلسرخی کاشانی از افاضل گویندگان و نویسندگان حوزه علمیه قم و اساتید دارالتبلیغ اسلامی می‌باشد. وی در کاشان متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته آنگاه به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری حاضر شده و از خرمن علوم آنان استفاده شایانی نموده و در رشته‌ی منبر و تبلیغات مطالعات متنوع و مختلفی کرده تا در این سمت مهارت و تبرزی یافته و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان و ایام مناسب دیگر بنابر دعوتهای قبلی مسافرت به بلاد و شهرستانها نموده و از طریق تبلیغ و ارشاد مردم و تنویر افکار روشنفکران خدماتی انجام داده است مقالات ارزنده‌ای در مجله مکتب اسلام و تالیفات مطبوع و

مخطوطی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

گنج افروزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محسنی‌پور از فضلاء و مروجین شهرستان بابل است که بخدمات دینی از خواندن نماز جماعت و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

گنجی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد باقر بن حسین بن ابی تراب موسوی گنجی اصفهانی، عالم فاضل، و خطیب بارع، از بنی اعمام آیت اللّه اصفهانی است. در شهر گنجه متولّد، و هم در آنجا ساکن بوده، و در سال ۱۳۳۵ به سنّ قریب به هشتاد سال وفات یافته.

کتب و رسائل عدیده‌ای نوشته و برخی از آنها بطبع رسیده، از آن جمله است: ۱- الایقان ۲- تبیان المقال (الاحوال) در رجال ۳ - روض الجنان، در مواعظ شهر رمضان، مطبوع ۴- عبقات الاصول، در فقه ۵- مرقاة الایمان، مطبوع، و در مقدّمه ی آن تألیفاتش نامبرده شده است.

۶- مزامیر الاولیاء؛ و غیره.

پدرش: آقا سید محمد حسین نیز عالمی کامل، و فقیهی محقّق بوده، در حدود سال ۱۳۳۰ به سنّ متجاوز از یکصد و بیست سال در گنجه وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا گندمی نصرآبادی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱۰/۱۰

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه ۱۳۶۱) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۴ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال ۱۳۸۲ در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمنا از سال ۱۳۷۹ تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گودرزی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود گودرزی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله رب العالمین و الصلوهٔ و السلام علی سیدنا و نبیّنا محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اینجانب محمود گودرزی پس از گذراندن دوران ابتدائی در سیزده سالگی به سال ۱۳۴۷ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شدم و از همان ابتدا به مدرسه روزانه مرحوم آیت الله العضمی گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه که در آن زمان تنها مرکز علم ای بود که با برنامه ای جامع و حساب شده و نظم و انضباطی در خور توجه با حضوراساتیدی مجرب و شناخته شده همچون آقایان صلواتی، حاج حسن آقا تهرانی، مقتدائی، بنی فضل، طالقانی و .... اداره می شد، راه پیدا کردم و بمدت هفت سال آنجا بودم و دروس اصلی حوزه را از امثله تا مقدار قابل توجهی از رسائل و مکاسب را در این مرکز مقدس فرا گرفتم، باقی مانده رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح تجرید را در خارج از آنجا گذارندم سپس در حلقه دروس خارج فقه و اصول و درسهای جنبی دیگری مانند شرح منظومه حاج ملا هادی ره و اسفار اربعه شرکت می کردم تقریبا در سالهای ۵۶ و ۵۷ بود، امتحانات کتبی شفاهی:در سال ۱۳۵۰ رتبه اول و در سال ۱۳۵۳ رتبه دوم و در سال ۵۶ یا ۵۷ امتحانات رتبه سوم را با موفقیّت به پایان رساندم. نا گفته نماند که در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا شرح لمعه و مقداری از رسائل نیز می پرداختم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ در امتحانات

مقطع دوم جهت تدریس شرکت نمودم و پس از قبولی کتبی و شفاهی از سوی مرکز مدیریت حوزه در زمان آقای استادی برخی حوزهای شهرستانها مانند نطنز و دامغان اعزام شدم و درس تا پایه پنجم را تدریس می کردم در سال ۱۳۷۷ به مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم دعوت شدم و تاکنون در این مرکز مقدس و پر برکت قرآن کریم افتخار خدمت و بهره وری از خرمن پر فیض معارف والای قرآن را دارم امید است مورد قبول و رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد و تا آخرین نفس هم ادامه دهنده این را بوده باشم. و آخر دعولنا الحمد لله رب العالمین.

گیوه چی مفرد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن گیوه چی مفرد

محل تولد : مشهد

شهرت : پویا

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال ۵۵ ـ ۵۶ به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال ۵۹ که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایهٔ را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایهٔ آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتا در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهائی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریبا یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمنا از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریبا تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر،

اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و... عمدتا از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال۱۳۷۳، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمنا قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدودا ۷۵ ـ ۷۶ از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال ۱۳۷۹ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال ۸۳ مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لاریجانی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق لاریجانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف

اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبهٔ اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Apostol . Tom و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده برده‌ام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می کنم.

آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.

۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۴. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰

۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲

۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴

۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،

کتابهای زیر در حال تدوینند:

۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوهٔ مسافر» به شکل شرحی بر عروهٔ الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...

ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاکانی رشتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۱ ق به همراه پدرش به ایران آمد و در رشت سکنی گزید. پس از فراگیری مقدمات و نیز تحصیلات جدید، سطوح را نزد پدرش و شیخ حسن رشاد و شیخ ابوطالب شفتی و شیخ احمد طاهری فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّٰه سید احمد خوانساری و آیت‌اللّٰه شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّٰه سید محمد حجت و آیت‌اللّٰه سید صدرالدین صدر استفاده نمود. در ۱۳۶۳ ق به قصد زیارت به عراق رفت و در نجف از محضر آیت‌اللّٰه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه شیخ ضیاءالدین عراقی بهره برد و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به قم

بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و خود از مباحث آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۰ ق به قصد زیارت به مکه و مدینه و عتبات رفت و در بازگشت از سفر به علت بیماری پدرش در رشت سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت، تدریس و انجام امور دینی اشتغال یافت. از آثار وی: شرح مباحث «الفاظ» و «برائت» از «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ شرح «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «اعتقادات»؛ رساله‌ای در «علم اخلاق»؛ رساله‌ای در «علم درایه»؛ رساله‌ای در «نفس»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ـ ضرر»؛ رساله‌ای در «قواعد فقهیه و اصولیه»؛ رساله‌ای در «اقتباسات آخوند خراسانی از دیگران»؛ رساله‌ای در «جمع بین الرأیین» (اصالهٔ الماهیهٔ و الوجود).[۱]

سید محمود ضیابری فرزند عالم جلیل آقا سید مهدی موسوی از علماء معاصر رشت است که در سال ۱۳۰۷ ق در قریه ضیاءبر که در چهل و هشت کیلومتری رشت قرار دارد تولد یافته و در تحت تربیت مرحوم والدش پرورش و در سال ۱۳۱۴ ق در سن ۷ سالگی نزد ملا کاظم مکتب‌دار محل قرائت قرآن و خواندن را آموخته و در همان محل صرف میر و تصریف را از آخوند ملاعلی فراگرفته و برای ادامه تحصیل به رشت و دو سالی در مدرسه حاج سمیع و پس از آن در مدرسه مستوفی ادبیات را نزد فضل‌اللّه در مدرسه خوانده و سطوح وسطی را در خدمت مرحوم حاج شیخ حسن کوچصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد زاهد استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالی را از فضلاء گیلانی مقیم نجف تعلیم گرفته و از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه شیخ‌الفقهاء آقای شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی قدس اللّه اسرارهم استفاده نموده و در سال ۱۳۱۳ شمسی برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام به ایران وارد و پس از تشرف به مشهد مقدس به رشت عزیمت نموده و چند ماهی در قریه ضیابر توقف و به تبلیغ پرداخته و بعد از آن مراجعت به نجف و به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام مشرف و پس از بازگشت در مدرسه قزوینی‌های نجف به تدریس سطوح وسطی پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی برای گذرانیدن ایام تابستان به همدان آمده و چون مصادف با جنگ جهانی دوم بود ناگزیر به گیلان عزیمت و رحل اقامت به رشت انداخته و بدواً در مسجد خمیران و مسجد چهل تن و مسجد مرحوم حاج محمدکریم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال تا در سال ۱۳۲۸ شمسی پس از فوت مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه حاج سید مهدی رودباری برای اداره امور حوزه علمیه رشت و تربیت طلاب و محصلین به مسجد جامع کاسه‌فروشان و مدرسه مهدویه منتقل و به وظائف دینی و روحی از اقامه نماز جمعه و جماعت و تدریس و قضاء حوائج و رفع خصومات و حل و فصل قضایا و توجه و دستگیری از مساکین و عجزه و تأسیس مساجد و تعمیر مدارس و ایجاد کتابخانه و ابنیه خیریه و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۱ –۱۸۹/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۲۰/ ۳).

لاله‌زاری تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی تهرانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۱۲ قمری در سامرا متولد شده و با مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ابراهیم به تهران آمده و پس از طی دوران صبا و خواندن مقدمات در سال اول تاسیس حوزه علمیه قم ۱۳۴۰ قمری به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی و آیات دیگری استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیتین اصفهانی و نائینی در موقع توقفشان در قم بهره‌مند گردیده تا به درجه رفیعه علم و اجتهاد نائل آنگاه به تهران مراجعت و بیش از

پنجاه سالست که بخدمات دینی اشتغال و چندین سالست که در مسجد (اباذر غفاری) در پل چوبی خیابان شاهرضا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام موفق میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدصادق بن العالم الجلیل السید ابراهیم بن السید علی‌اصغر الحسینی تهرانی عالمی فاضل و کاملی عامل و پدرش از علماء بزرگوار درکه تهران بوده.

وی در سال ۱۳۰۰ قمری در سامره متولد و در تحت مراقبت و تربیت والدش پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد وی و بعضی از فضلاء سامره خوانده و در حدود سال ۱۳۲۰ قمری باتفاق مرحوم والدش مسافرت به تهران نموده و فقه و اصول و بعضی از معقول را نزد علماء تهران تکمیل نموده و چون والدش در سال ۱۳۳۲ قمری وفات نمود حمل به قم و در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام دفن و به تهران مراجعت و بجای والدش در مسجدی که در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس نموده به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تحول عجیبی در کسبه و اصناف خیابان مزبور ایجاد کرده که اغلب آنان در مواقع نماز به مسجدش حاضر و از نماز و بیاناتش استفاده می‌کردند تا در ۱۶ صفر ۱۳۷۰ قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام بخاک سپرده شده است.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی است که از علماء اعلام معاصر تهران و ری می‌باشند.

۱- جناب آیت‌اللَّه حاج سید مهدی حسینی لاله‌زاری که ترجمه‌اش را بعد از این خواهد آمد.

۲- جناب حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید محمدحسین لاله‌زاری دومین فرزند آن جناب است که در تهران تولد یافته و پس از خواندن مقدمات به قم مسافرت و در مدرسه حجتیه اقامت و بتکمیل سطوح پرداخته و چند سالی از محضر مرحوم آیه اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله و دیگران استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده آنگاه مراجعت به تهران و در مسجد قائم واقع در خیابان سعدی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ضمناً تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۳- جناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید عبدالصاحب لاله‌زاری از فضلاء و علماء معاصر می‌باشند که چندین سال در قم و سالها در نجف اشرف کسب علم و کمال کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن آیت‌اللّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری تهرانی از فضلاء معاصر تهران است. وی در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و به تحصیل علوم فارسی و دروس جدید پرداخته و پس از تکمیل آن مشغول به تحصیل علوم عربیه گردید. و برای همین منظور در عصر ریاست آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه آموخته و چندی از محضر آقای بروجردی و مدرسین خارج دیگر استفاده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دراسات آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بعد به ایران مراجعت و در تهران به اقامه جماعت در مسجد لاله‌زار و انجام وظائف دینی و روحی دیگر مشغول می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

لاهیجی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود ۱۳۲۳ قمری از اعاظم علماء و بزرگان فقهاء و دانشمندان و از آیات باهرات و مدرسین محققین و عرفاء اخیار و اصحاب رأی و مبنی بلکه به گفته صاحب (الذریعه) قدوه ارباب التدقیق و قطب فلک التحقیق و جامع معقول و منقول و مسلط و متبحر در فروع و اصول و از شاگردان اول بزرگ شیخنا الانصاری و علامه آسید حسین کوه‌کمری و غیر آنها بوده و بعد از وصول به مقام عالی علم و اجتهاد و فقه و سداد بدون تودیع و خداحافظی با استادش شیخ انصاری به تهران آمده و به طور ناشناس درب حجره یکی از تجار خیر و پرهیزگار بازار به نام مرحوم حاج ملا حاجی والد مبرور آیت‌اللّه حاج شیخ عباس حایری تهرانی رفته و به عنوان شاگردی مشغول کار می‌شود.

رفقاء وی خدمت مرحوم علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری رفته و از عزیمت او به تهران خبر می‌دهند مرحوم شیخ از اینکه او بدون ملاقات با وی به ایران آمده ناراحت فوراً نامه‌ای به علامه حاج ملاعلی کنی نوشته و از مقامات علمی و ورع ایشان خبر داده و توصیه و تأکید می‌کند که حتماً او را یافته و از وجودش تقدیر و استفاده کنند

بعد از وصول نامه به مرحوم علامه کنی در انتظار آمدن او شده و در صدد یافتن او می‌شود و عده‌ای از فضلاء و غیره را مأمور می‌کند که در مدارس و یا مسافرخانه‌ها و غیره ایشان را پیدا کنند حدود شش ماه می‌گذرد و از او خبری نمی‌رسد.

پس از شش ماه روزی مرحوم حاج ملا حاجی مذکور به آقا سید عبدالکریم می‌گوید به منزل حجهٔالاسلام حاج ملا علی کنی رفته و می‌گوئی چند استخاره نمایند و جواب آن را فوراً می‌آوری.

آقای لاهیجی به منزل مرحوم حاج ملاعلی آمده در موقعی که حاجی بالای منبر مشغول تدریس هستند و جمع کثیری از علماء و فضلاء تهران سر تا پا گوش به بیانات حاجی می‌دهند.

پس دم در نشسته و گوش به درس حاجی می‌دهد ناگاه اشکالی به نظرش رسیده ایراد می‌کند بعضی می‌گویند آقا سید ساکت شو اینجا جای حرف زدن نیست.

مرحوم حاج ملاعلی می‌بیند اشکال وارد است می‌فرماید آقا ایرادش به موقع ما باید جوابی درست کنیم مباحثه بین حاج ملاعلی و آقا سید عبدالکریم ادامه پیدا نموده ناچار درس را حاجی تعطیل و فکر می‌کند. این آقا باید شخص بزرگ و عالم جلیلی باشد.

پس می‌گوید: آقا اهل کجا هستی. می‌گوید: لاهیجان نام شما چیست. می‌گوید: سید عبدالکریم. مرحوم حاجی متوجه می‌شود که گم شده خود را یافته فوراً از جا برخاسته و او را در آغوش گرفته و معانقه می‌کند و به جای خود می‌نشاند. و می‌گوید. آقاجان

نزدیک شش ماه است که در انتظار شمایم. و استفسار کامل از او می‌کند.

مرحوم حاج ملا حاجی می‌بینند که شاگردش آقا سید عبدالکریم نیامد تعجب می‌کند زیرا در این مدت سابقه نداشت که او کاری را زود انجام ندهد. بگمان اینکه شاید منزل حاج ملاعلی را پیدا نکرده یا اتفاق دیگر روی داده. خود به منزل مرحوم حاجی می‌آید و می‌بینند آقا سید عبدالکریم بالادست حاجی نشسته ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید عجب سید بی‌ادبی است که بالادست حاجی نشسته است پس اشاره به او می‌کند که بیا پائین آنجا جای تو نیست.

حاجی ملاعلی مرحوم متوجه شده می‌گوید حاج ملا حاجی‌چی به آقا اشاره می‌کنی. می‌گوید. چون بالادست شما نشسته است آخر این شاگرد حجره من است.

مرحوم حاجی می‌فرمایند. حاج ملا حاجی این آقا مخدوم من و سید من و آقای منست. پس حاج ملا حاجی عذرخواهی نموده و دست آقا سید عبدالکریم و حاج ملاعلی را بوسیده و عقب کار خود می‌رود.

مرحوم حاج ملاعلی دختر خود را به او ترویج نموده و تدریس (مدرسه مروی) را که آن روز مرکز حوزه علمیه تهران بود با امامت مسجد آنها را به عهده معظم له می‌گذارد مرحوم آقا سید عبدالکریم بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بودند و صدها نفر از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی تهرانی و آیت‌اللّه آقا شیخ آقا بزرگ (هفت تنی) و آیت‌اللّه آقا شیخ بزرگ صاحب (الذریعه) و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر معزالدوله والد آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی معزی معاصر و آیت‌اللّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و غیرهم از محضر و دراسات استفاده و استضائه نموده‌اند.

آثار عدیده از جمله حواشی بسیاری بر متون فقهی درسی مانند (الروضهٔالبهیه) شهید و ریاض و قوانین و فصول و غیرها دارد.

وی در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در تهران وفات و در قبرستان شیخان شیخان معروف به چهارده معصوم واقع در اوائل خیابان (رزم‌آراء) جاده شاه عبدالعظیم که امروز (کوی شاه) می‌گویند دفن نمودند و بواسطه کرامت و جلالت شأن و مقام او علماء بزرگ مانند آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی (والد حجهٔالاسلام حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی واعظ معاصر) و ده‌ها نفر دیگر را بنابر وصیتشان در جنب و جوار او دفن نمودند.

بعضی از علماء و ثقات آن بزرگوار را از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف می‌دانستند.

آمدن حضرت صاحب‌الزمان (عج) بر سر قبر او

جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ محمود یاسری تهرانی در روز چهارشنبه بیست و سوم محرم ۱۳۹۴ قمری حکایت کرد برای بنده (مؤلف) که مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) فرمود: آقای آسید کریم محمودی (والد حاج سید علی محمودی مداح معروف به جورابی معاصر) که از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف بود گفت شب جمعه‌ای در صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت حضرت رسیدم فرمود سید کریم بیا برویم به زیارت جدم حضرت رضا علیه‌السلام.

پس چند قدم برداشته و خود را در صحن حضرت رضا (ع) دیدم پس به حرم مشرف و زیارت کرده و با همان کیفیت یعنی (بطی‌الارض) به تهران آمدیم حضرت فرمود بیا برویم به زیارت قبر سید عبدالکریم پس تا به قبر سید رسیدیم دیدم آقا سید عبدالکریم از قبر بیرون آمده و به استقبال حضرت ولی عصر امام زمان روحی له الفداء شتافت و پس از عرض ارادت و اخلاص به من فرمود آسید کریم سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد رسانیده و بگو شرط رفاقت همین است که مرا یاد نکنی و به دیدن من نیائی پس حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه فرمود: آسید عبدالکریم حاج شیخ مرتضی را معذور دار چون گرفتار و مریض احوالست و نمی‌تواند بیاید من به جای او به دیدن تو خواهم آمد.

نگارنده گوید: تعجب نکنید عزیزان من از این حکایت و استبعاد و انکار ننمائید. اولا مقام مؤمن حقیقی و متقی واقعی و عالم ربانی و سید صالح مانند آیت‌اللّٰه آقا سید عبدالکریم لاهیجی مزبور بالاتر از اینهاست امام صادق علیه‌السلام فرمود اگر به درختی که ریشه آن در اعماق زمین فرورفته است فرمان دهد اطاعت او می‌نماید.

و ثانیاً قدم مبارک همایونی حضرت ولی عصر حجهٔ بن الحسن المهدی عجل اللّٰه فرجه الشریف این اثر و برکت را دارد که به تن مرده جان می‌دهد چنانکه گفته شده

همچون مسیح جان به تن مردگان دمد

گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

(وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، محقق و مدرس. در نجف از شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر علامه سید حسین کوه کمری نیز استفاده نمود. پس از اینکه در فقه و اجتهاد به مقامات عالی رسید به تهران آمد. حاج ملا علی کنی با توجه به مقام علمی ایشان، منصب تدریس مدرسه‌ی مروی و امامت مسجد آنجا را به وی تفویض نمود. او بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بود. آیت‌اللّٰه شیخ محمد رضا تنکابنی و آیت‌اللّٰه سید محمد تقی تهرانی و آیت‌اللّٰه شیخ آقا بزرگ هفت تنی و آیت‌اللّٰه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّٰه شیخ علی اصغر هزار جریبی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّٰه شیخ محمد حسین قزوینی تهرانی و آیت‌اللّٰه سید صادق تنکابنی و آیت‌اللّٰه شیخ احمد خندق آبادی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) از شاگردان وی بودند. فرزند ارشدش سید مهدی لاهیجی نیز از شاگردان پدر بود و در حیات پدر درگذشت. همچنین شیخ ابراهیم رشتی و شیخ عباس لاهیجی در سطوح فقه و اصول شاگرد وی بودند. سید عبدالکریم لاهیجی مابین سالهای ۱۳۱۳ -۱۳۱۰ ق به نجف رفت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان تهران، معروف به چهارده معصوم (ع)، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الروضهٔ البهیهٔ»؛ حاشیه بر «الریاض»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۳/ ۸)، الذریعه (۱۶۶/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵۴ -۱۱۵۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۵ -۶۲/ ۶).

لبیبی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا لبیبی کرمانی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شهرستان کرمانند. ایشان در کرمان به دنیا آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در آن سامان خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و از دروس خارج آیات عظام حوزه نیز استفاده کرده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص زعیم اعظم و مرجع اعلاء جهان تشیع حضرت آیت‌اللّٰه خوئی و متع اللّٰه المسلمین به طول بقاه استفاده کرده و سپس به زادگاه خود مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لبیکی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی لبیکی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مصطفی لبیکی در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شدم. دروس مقدمات را در حوزه علمیه الیگودرز شروع نموده و سپس برای ادامه دروس سطح و عالی وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۷۵ تا کنون از محضر اساتید بزرگواری چون مرحوم وجدانی فخر، وحیدی، حسینی بوشهری، علیدوست، عندلیب همدانی ودروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی ودکتر عابدینی، استفاده نموده وهم اکنون نیز در محضر این بزرگان زانوی تلمذ را بر زمین زده و از خرمن پر فیض آنان استفاده می کنم.

لشکری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا لشکری

محل تولد : بهبهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ مدرک دیپلم مشغول به تحصیل در علوم حوزوی در حوزه علمیه امیریه خوزستان شدم. سال ۱۳۶۲ به قم مهاجرت کرده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه مقدس دنبال کردم. تحصیل در دانشگاه: از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه مفید قم آغاز به تحصیل در رشته اقتصاد نمودم و در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شده و بلافاصله در

همان رشته مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده و در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. در سالهای ۷۷ و ۷۸ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری علمی داشتم و از سال ۱۳۷۸ به بعد همکاری خود را با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آغاز نمودم و هم اکنون این همکاری ادامه داشته و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد این پژوهشگاه می باشم.

لطیف خواجویی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد شفیع بهبهانی ابرقویی طباطبایی.

عالم فاضل زاهد، در حدود سال ۱۲۸۵ در ابرقو متولد شده، در اصفهان خدمت: حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج شیخ محمدعلی مسجد شاهی، و میرزا حسین همدانی، و آقا سید محمدباقر درچه‌ای و جمعی دیگر تلمذ نموده، عالمی غیور، و در امر به معروف و نهی از منکر متعصب بود. در مسجد علی‌اکبر بیک در محله‌ی خواجو امامت می‌فرمود، و در روز اربعین (۲۰ صفر) سال ۱۳۷۸ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی مخصوص به نام خود مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لک زایی، نجف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجف لک زایی

محل تولد : سیستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نجف لک زایی در سال ۱۳۴۸ در سیستان متولد شد. وی هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه، از سال ۱۳۶۰ تاکنون، موفق شده است تا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ادامه دهد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام و سر دبیر فصلنامه علوم سیاسی است.

لبانی بهشتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسن. عالم فاضل واعظ زاهد، از ائّمه جماعت، و مورد وثوق مردم، در سال ۱۳۶۳ وفات یافته، جنب مسجد مصلّی مدفون گردید، و بعداً جهت او تکیه‌ای ساختند (تکیه ی زرگرها)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌ملا ـ فتح علی، از اهالی قریه‌ی بابا شیخ علی. عالم فاضل، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی، و خود ساکن در محله‌ی خواجو، و امام جماعت مسجد خرابه در آن محل بوده، در ۱۸ شوال ۱۳۴۷ وفات یافته، در بقعه‌ی امامزاده باقر مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لنکرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا جعفر بن العالم الجلیل حجهٔالاسلام مرحوم حاج ملا رجب طاب ثراه لنکرانی از علماء معاصر تهران و دارای کمالات نفسانی و متصف بعلم و تقوا می‌باشد.

وی در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ ق تولد یافته و تا سن ۱۵ سالگی در لنکران خدمت والد خود بوده و مقداری از ادبیات را خوانده و در ماه صفر سال ۱۳۳۷ ق به تهران عزیمت و حدود هشت سال خدمت اساتید فقه و اصول و معقول تهران تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۵ ق به قم مهاجرت و از مرحوم میرزای همدانی و آیت‌اللّه حایری یزدی حدود سه سال استفاده آنگاه به نجف اشرف مشرف و از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه ایروانی سالها بهره‌مند شده و در اثر کسالت مزاج به تهران مراجعت و در خیابان خانی آباد اقامت و در مسجد (وزیر دفتر) بامامت و ترویج دین و نشر معارف شرع مبین و تفسیر کلام‌اللّه مجید و سایر وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای لنکرانی دانشمندی فاضل و دارای رشته‌های معقول و منقول و بسیار متین و بزرگوار و پرهیزکار می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنکرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بن العالم العلام حجةالاسلام آقا شیخ محمدرضا بن حسن اللنکرانی از علماء متین و با تقوای معاصر تهران مقیم خیابان خراسان میباشد.

تولدش در ۱۳۳۶ ق در لنکران واقع شده و در زمان انقلاب شوروی حرکت به مشهد و در آنجا مقدمات را نزد والد خود و دیگران خوانده و در سن ۱۷ سالگی به قم مشرف و مدتی توقف و از مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران استفاده نموده و بعد به تهران منتقل و در مسجد طوس خیابان خراسان به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته است.

از آثار اوست تعمیر و توسعه مسجد طوس و تأسیس کتابخانه در آنجا و از نوادر توفیقات ایشانست نماز خواند بر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان که در جده فوت کرد و ایشان مطلع شد (در آن محیط تعصب وهابیت) و در تجهیز و تغسیل و نماز آن مرحوم شرکت و نگذارد بروش وهابیت و مرام باطل وی را دفن کنند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمدحسین مرتضوی که پس از فوت مرحوم والدشان، آیت‌الله سیدمرتضی لنگرودی بنا بر تقاضای مردم تهران عزیمت به مرکز نموده و در مسجد حاج ابوالفتح که مرحوم والدشان سالها اقامه جماعت داشتند به امامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند حقا جوانی فاضل و دانشمند و آراسته به زیور علم و علم و تقوا و فضیلت حسبی و نسیب می‌باشند.

سید محمدحسین مرتضوی لنگرودی فرزند بزرگ آیت‌اللَّه لنگرودی از ائمه جماعت تهران و فضلاء بارع معاصر و در مسجد حاج ابوالفتح میدان شاه تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لواسانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن سید محمد بن سید ابراهیم حسینی لواسانی از علماء ابرار تهران بوده. وی در حدود ۱۲۷۶ قمری در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و سیاتت پرورش یافته و تحصیلات مقدمات و سطوح را از دانشمندان و علماء آن زمان فراگرفته سپس به اعتاب عالیات و نجف اشرف مهاجرت و از محضر و ابحاث آیات عظام حوزه علمیه نجف چون حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نموده تا به درجه اجتهاد نائل و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آنان شده و ضمنا از دروس اخلاق و عرفان شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی چون حاج شیخ محمد بهاری و حاج سید احمد تهرانی کربلائی بهره‌ها برده و در این رشته نیز به مدارج عالیه اخلاقی ارتقا یافته و پس از آن به سوی ایران و وطن خود مراجعت ولی در همدان مورد توجه و استقبال مردم آن سامان شده و بنابر درخواست آنها رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر روحی پرداخته و پس از چندی به تهران آمده و در آنجا هم قیام به

وظائف دینی و روحی نموده تا در عصر جمعه بیست و هشت (۲۸) ماه رمضان المبارک سال ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفته و پس از تشییع و تجلیل فراوان حمل به نجف اشرف شده و در جوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است .
دارای فرزندان برومندی بوده‌اند که اغلب آنها از علماء و دانشمندان معاصرند و آنان از این قرارند:

۱- حاج سید احمد لواسانی که در مسجد بالاسر قم مدفون می‌باشند.

۲- حاج سید محمدصادق لواسانی متوفی ربیع‌الاول ۱۴۱۱ قمری مدفون در مسجد بالا سر قم.

۳- حاج سید علی لواسانی.

۴- حاج سید زین‌العابدین لواسانی.

۵- حاج سید محمود لواسانی.

۶- حاج سید رضا لواسانی.

۷- حاج سید یحیی لواسانی.

۸- حاج سید حسین لواسانی.

۹- حاج سید حسن لواسانی.

۱۰- حاج سید محسن لواسانی.

عموی آن بزرگوار حاج سید عبدالکریم لواسانی از فضلاء و اعلامی بودند که حدود یکصد و ده سال زندگانی کرده و سرانجام در ۱۳۹۷ قمری از دنیا رفته و در جوار شیخ صدوق مدفون است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لواسانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ -۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللّٰه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّٰه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّٰه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّٰه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّٰه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّٰه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّٰه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّٰه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللّٰه آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۸ ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در ۱۳۷۰ ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیهٔ»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاهٔ جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعهٔ السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبی احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»،

ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[۱]

حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال ۱۳۱۷ قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال ۱۳۳۱ قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط ۱۳۳۳ قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال ۱۳۴۰ قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب ۱۳۴۴ قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال ۱۳۷۰ قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.

تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه ۲- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام ۳- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. ۴- تاریخ النبی احمد صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش ۵- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد ۶- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. ۷- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب ۸- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۵۸، ۲۹۲/ ۲۴، ۳۱۳/ ۲۰، ۲۷۵/ ۱۶، ۱۸۶/ ۱۴، ۱۴۴/ ۸، ۲۹۰/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴۹ -۵۴۶/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۵ -۱۱۳۳/ ۳).

لواسانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدصادق بن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم بن العالم العلام حاج سید محمد لواسانی از علماء بزرگوار معاصر تهرانست.

وی در ماه صفر ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در ربیع الاول ۱۳۳۹ قمری در خدمت مرحوم والدش به ایران و همدان آمده و در آنجا اقامت نموده وی با معیت مرحوم برادرش حجهٔ‌الاسلام حاج سید احمد در ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری به اراک آمده و شروع به مقدمات نموده و در ماه رمضان ۱۳۴۱ قمری مهاجرت به قم و پس از تکمیل مقدمات و مقداری از سطوح در سال ۱۳۴۸ قمری عزیمت به نجف نموده و سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی خوانده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و در اثر کسالت و عدم رضایت والدش مراجعت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۲ قمری از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت بهره‌مند گردیده و در سال مذکوره با مرحوم برادرش به نجف مشرف و در ۱۳۵۳ قمری به ایران بازگشت و به مشهد مقدس رفته و چند ماهی از محضر آیت‌اللّه العظمی قمی و آیت‌اللّه آشتیانی و آیت‌اللّه آقازاده کفائی مستفیض ولی بواسطه حوادث ناگوار مسجد گوهرشاد و تعطیل حوزه مشهد به قم مراجعت و بدرس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت حاضر شده و در سال ۱۳۵۶ قمری به تهران آمده و حدود یکسال توقف تا حسب‌الامر آیات ثلاثه قم بحوزه برگشته و بتولیت و اداره مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف مراجع حوزه علمیه منصوب تا سال ۱۳۶۴ قمری که در اثر کسالت و امریه والدش به تهران منتقل و تاکنون در مسجد و مدرسه میرزا ابوالحسن معمار واقع در محله امامزاده یحیی علیه‌السلام به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برادران دانشمند و با تقوائی دارند که اجمالا آنها را مینگارم:

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی که قبلا یاد نمودم.

۲- حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی لواسانی که از علماء اعلام و افاضل دانشمندان تهران و سالها مقیم نجف بوده و چندین سال است که به ایران مراجعت و در تهران به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

۳- حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین لواسانی که وی نیز از علماء ابرار معاصر تهرانست و ایشان هم سالها در

اعتاب عالیات تحصیل علم و کمال نموده و بعد به ایران مراجعت و در تهران بخدمات روحی خود مشغول و مانند برادرانش وارسته و بعلم و تقوا آراسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لواسانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مصطفی بن السید العلام الایه القمقام حاج سید محمد لواسانی از علماء صالحین و دانشمندان ناسکین این سلسله موصوف به تقوا و تزکیه نفس و معروف به تـأثیر نفس و اجابت دعا و مقامات معنوی و مورد ابتلاء مردم بوده و همه روزه از تهران و حومه و حتی نقـاط دیگر مردم بمنزلش واقع در گـذر لوطی صالـح آمـده و طلب دعـا نموده و حـل مشـکلات مادی و احیانا معنوی خود را می‌خواستند و بوی معتقد بودند.

شبهای پنجشنبه در منزلش مجلس تفسیر و جلسه دینی برقرار و گویندگان معروف مانند مرحوم حاج قوام و دیگران و گاهی هم این نگارنده بیان معارف اسـلامی و فضائل اهل‌بیت عصـمت علیهم‌السـلام نموده و مردم را بهره‌مند می‌نمودند مجلس بسـیار با حال و پر فایده و ارزنده‌ای بود در مسـجد محل نامبرده اقامه جماعت و ترویج دین می‌کرد و اکنون بجای ایشان فرزند برومندش حجهٔالاسلام آقای حاج سید مهدی لواسانی امامت نموده و به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارد. وی دانشمندی فعال و نیکو خصال می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مازندرانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد ملاـ محمّـد باقر. عالم و فاضل و واعظ بوده، در روز ۵ شنبه ۶ محرّم الحرام سـال ۱۳۲۲ وفات یافته، در صـحن تکیه آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

بجویید تاریخ این خوش سرشت

محمّد حسن شد میان بهشت

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقةالاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّٰه مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۲ قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌اللّٰه شاه آبادی و آیت‌اللّٰه میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه یزدی و اعاظم دیگر کسب فیض نموده و در اواخر ۱۳۵۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:

۱- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر) عربی و در نجف بطبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل ۲- رساله‌ای در طهاره ۳- رساله در معاطاه و بعضی از مسائل بیع ۴- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عدم آن ۵- رساله در صوم ۶- رساله‌ای در غصب ۷- رساله‌ای در رضاع ۸- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع ۹- تقریرات در اصول دوره کامل ۱۰- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب ۱۱- دیوان فارسی در مدایح و مراثی ۱۲- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله ۱۳- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده ۱۴- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللّٰه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم اسلام منتشر شده است.

حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال ۱۳۹۹ قمری و اول سال ۱۳۵۸ شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.

(۱۳۹۹ -۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللّٰه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّٰه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللّٰه شاه آبادی و آیت‌اللّٰه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّٰه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر ۱۳۵۰ ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه نایینی و آیت‌اللّٰه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش:

«العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارة»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاة و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۹/ ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵۴ -۵۵۳/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۱/ ۳).

مامقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد مدرس مامقانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۲۶ قمری متولد شده و ادبیات و متون فقهیه را خوانده و پس از آن از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه ایروانی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه میرزا نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاء الدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد (شهاب‌الملک) واقع در سه راه خیابان ری و بوذر جمهری نو به اقامه جماعت و خدمات دینی و مباحثات کمپانی با علماء محترم تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب مدرس مامقانی که افتخار قرابت سببی با ایشان را دارم سیدی جلیل و عالمی نبیل و موصوف بمتانت و مناعت و بزرگوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ماندگار، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی ماندگار

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۸۷/۴/۲

زندگینامه علمی

تولد بنده در ۲ تیر ماه ۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی در مشهد مقدس، پدر روحانی مادر خانه دار، تحصیلات دبستان از سال ۱۳۴۸ لغایت ۱۳۵۴ در دبستان هروی مشهد مقدس. تحصیلات دوره راهنمایی ۱۳۵۴ لغایت ۱۳۵۷ در مدرسه راهنمایی مجلسی مشهد مقدس. تحصیلات دوره متوسطه ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۶۱ در دبیرستان دکتر علی شریعتی مشهد مقدس. تحصیلات حوزوی غیر رسمی از

سالهای ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۶۲ در مشهد مقدس با استاد خصوصی. تحصیلات رسمی حوزوی از سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه قم: دوره ادبیات و مقدماتی در مدرسه رضویه، دوره سطح محضر اساتیدی همچون خاتمی، وجدانی، استادی، هادوی تهرانی، اعتمادی، پایانی، دوره درس خارج محضر اساتیدی همچون وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی، سید کاظم حائری، هادوی تهرانی. ازدواج سال ۱۳۶۳ تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۹ در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم، پایان نامه ارشد «خطی مشی های سیاسی در نهج البلاغه» حضور در جبهه ها به توفیق الهی از ابتدا تا پایان مجموعا حدود ۲۲ ماه به صورت متناوب (رزمی ـ رزمی تبلیغی) امامت جمعه موقت طبس از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۴ مسئولیتهای آموزشی و مدیریتی در دفتر تبلیغات از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۸۲ در مرکز آموزش خواهران، مرکز تحقیقات، مرکز آموزش مبلغین مسئولیت نهاد رهبری دانشگاه علم و صنعت از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۲ راه اندازی گروه تفحص سیره شهدا که کار تربیت مبلغ و راوی عرصه فرهنگ ایثار و شهادت را بعهده دارد از سال ۱۳۷۹ و مسئولیت این گروه از سال ۱۳۸۲ تاکنون می باشم.

مبارکه‌ای، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید علی امام جمعه، فرزند محمد علی بن علی موسوی.

عالم فاضل، و واعظ کامل، از مشاهیر اهل منبر اصفهان، بلکه از مشاهیر خطبا و گویندگان ایران.

در ۱۷ ذی حجهٔ الحرام ۱۳۱۶ در مبارکه از قرای لنجان متولد شده، در اصفهان و طهران و خراسان نزد اساتید معروف تحصیل نموده، مدتی در ایران و هندوستان مسافرت‌ها نموده، و از فضلا و دانشمندان هر شهر و دیار استفاده‌ی علمی نموده، واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای فصیح زبان بود.

کتب و رسائل زیادی نوشته، از آن جمله است:

۱ – اسرار حج ۲ – اسرار و فلسفه‌ی احکام ۳ – اسلام خالص ۴ – انوار السعادهٔ، در فضیلت بنی‌هاشم ۵ – تاریخ اصفهان، در ۵ مجلد ۶ – تاریخ امکنه و بلدان، که سفرنامه است ۷ – تاریخ زندگانی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۸ – تحصیل الثمن، در شرح حدیث حب الوطن ۹ – ثمرات العلوم ۱۰ – جامع العلوم، در چهار مجلد ۱۱ – جنهٔ الاداء در آداب ۱۲ – دیوان اشعار به تخلص «صفائی» ۱۳ – دانشوران اصفهان، در ۶ مجلد ۱۴ – راهنمای ریاضیات ۱۵ – سرادق دوشیزگان، در حجاب [مطبوع] ۱۶ – سفرنامه‌ی غرب ۱۷ – سوانح العمر ۱۸ – صراط المستقیم، در نماز، مطبوع ۱۹ – کشف المهمات فی سموم المهلکات، در ۴ مجلد ۲۰ – کشف الغیب ۲۱ – مرآت الغیب ۲۲ – منهج القویم ۲۳ – مثنوی سقراطیه، در عرفان ۲۴ – مواعظ ۲۵ – نورالانور، در اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام، مطبوع ۲۶ – نور القدسی، در احوال [علامه‌ی] مجلسی؛ و غیره.

مشار الیه داماد عالم جلیل حاج میرزا محمدباقر تویسرکانی بوده، و در قبل از ظهر روز جمعه ۷ رجب سال ۱۳۶۵ به مرض سکته وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مبلغی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـای حاج شـیخ عبـدالله مبلغی یکی از گوینـدگان توانا و شـجاع حوزه علمیه می‌باشـند. وی در سال ۱۳۰۴ شمسـی در شهر آبادان متولـد و در سن ۱۶ سالگی برای فراگرفتن مقـدمات به بهبهان هجرت و در محضـر مرحوم آیت‌الله حاج شـیخ عبـدالهادی مجتهـدی مقـدمات را آموخته و بـا آبادان مراجعت و پس از یک سال به رامهرمز رفته و مقـداری از سـطوح فقه و اصول را از محضـر آیت‌الله العظمی حـاج سـیدعلی بهبهانی آموخته و در سال ۱۳۲۵ شمسـی به قم مشـرف و بقیه سـطوح را از محضر آیت‌الله صدوقی و مرحوم وحیـد گیلانی و کلام را از آیت‌الله فکور و حکمت را از آقای حاج سـیدرضا صـدر و کفایه را از آیت‌الله سـلطانی آموخته آنگاه به درس خارج فقه و اصول زعیم‌الشیعه آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله حاضر شده و تا هم اکنون بالغ بر پانزده سالست که از شرکاء درس معظم‌له می‌باشد.

آقای مبلغی زبان گویا و بیان شـیوائی دارند و مدت ده سال در محرم و صفر به آباان رفته و تبلیغات سودمندی نموده و اثرات جالبی از بنـاء مسـجد بهبهانیهـای مقیم آبـادان و غیره از خود گذارده‌انـد و اکنون بـالغ بر ده سـالست که در اسـتان سـاحلی شـهر مینـاب و بنـدرعباس از طرف مردم، آن سامان دعوت شـده و در محرم و صـفر در آنجا انجام وظیفه می‌دهنـد و نیز به نقاط مختلف دیگر هم مسافرت تبلیغی نموده و خدمات کرده‌اند.

آثـار و خـدمات وی در این منـاطق بسـیار منجمله دو مسـجد در میناب یکی به نام امام زمان علیه‌السـلام و دیگری به نام فاطمه زهرا علیهاالسلام ۳- تجدید بناء مسجد کوفه بندرعباس که در اثر بیانات گرم ایشان به همت اهالی انجام یافته و در آنجا بی‌نظیر است ۴- مسـجد پشت شهر بندرعباس به نام امام زمان ۵- مسـجدی در تایبند بندر که از محله‌های شـهر عباسی است به نام مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام که این دو مسجد با بناء گلدسته به دستور و امر به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی انجام گرفته است.

امـا آثـار قلمی ایشان از این قرار است ۱- زنـدگانی دوازده امام ۲- زندگانی امام حسـین و یارانش ۳- زندگانی حضـرت خدیجه و فاطمه و زینب علیهم‌السلام ۴- مجموعه سخنرانیهای او ۵- ارشاد الواعظین از نظر آیات و روایات

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مبینی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مبینی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمنا عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متانت، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا متانت از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۱۰ شمسی در (کنجد جان گلپایگان) متولد شده و تحصیلات مقدمات و ادبیات خود را نزد مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم نحوی به پایان رسانده و در کرمانشاه فقه و اصول و فلسفه را از محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسن علامی استفاده نموده و از ابتداء تأسیس مدرسه مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی تا به حال به تدریس سطوح عالیه مشغول بوده و در مسجد صباغ مشغول به امامت مسجد و ارشاد و تبلیغ مردم کرمانشاه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

متفکر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین متفکر

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آی در یک خانواده کاملا مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به

دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهای جوان و انقلابی پرداخته و حدود هزار نفر از افراد کشکسرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشنفکرمأبان، متحجرین و مقدس مأبان، شرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

متقی راد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا متقی راد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

قبل از انقلاب اسلامی درسال ۱۳۵۵ ازتهران به قم آمدم و در شهر مقدس قم سکونت اختیار کردم. دروس حوزه علمیه را در مدرسه مبارکه رضویه شروع کردم و از سال ۱۳۵۸رسما در امتحانات حوزه شرکت کردم و اساتید اینجانب حضرات آیات جوادی آملی، فاضل لنکرانی، اشتهاردی، دوز دوزانی، مظاهری، مشکینی و خرازی بوده اند. مدت ۸ سال در پژوهشکده حوزه و دانشگاه (موسسه) به عنوان محقق و عضو گروه مدیریت و مدت ۲ سال در موسسه فرهنگی انتظار نور به عنوان محقق و کارشناس مطالعات و پژوهش همکاری داشته ام. مقالاتی را در برخی مجلات دانشگاهی و غیر دانشگاهی به چاپ رسانده ام و قبلا و عمده فعالیتهایم در بخش برنامه ریزی پژوهشی است و مقالاتی چند در دست تحقیق دارم به مدت یکسال نیز به عنوان مدرس در مدرسه های علمیه کاشان مشغول بوده ام و بخش وسیعی از فعالیتهای اینجانب در تبلیغ معارف اسلامی در دانشگاهها و سایر مراکز مردمی بوده است و در حال حاضر در دانشگاه، دروس معارف و اخلاق اسلامی را تدریس می کنم. دروس دانشگاهی را از سال ۶۹ آغاز کردم و فعلا فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی هستم.

متقی زاده، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایرج متقی زاده

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۲ وار حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۹ در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود ۲ سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال ۱۳۶۸ همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت ۸ سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی ازجمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصا مربوط به اینجانب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجانب بود.

متّقی گزی، محمّد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاج آخوند از مشاهیر و علمای دیگر گز برخوار است. او در زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هجری قمری) امام جماعت مسجد جامع گز را دارا بوده است که او و اجدادش از اواخر زندیه تا اواخر قاجار به مدت تقریبی ۱۲۰ سال یکی پس از دیگری به شرح زیر در مسجد جامع بزرگ (سلجوقی) گز اقامه جماعت می‌نموده‌اند.

در فواصل زمانی بعضی از علمای دیگر با آنها مشارکت داشته‌اند. و ادای مسؤولیت دینی و مذهبی را قبول کرده و علاوه بر حل و فصل مسائل شرعی و فقهی مردم، وظیفه آموزش و تحصیل علمی داوطلبین فرزندان این نواحی را به عهده می‌گرفته‌اند. در احوالات آنها آمده که اصولاً از اولاد یکی از اعضاء و بزرگان خاندان زندیه بنام میرمحمّد بوده که او در زمان درگیرهای سپاهیان و عشایر قاجار در جنگهای داخلی با خاندان زندیه به گز پناهنده شده و با کارگری و اشتغال به پارچه‌بافی و کرباس‌بافی گذران زندگی می‌کرده است. بعدها متأهل شده و ضمن همت گماشتن به تحصیلات فرزندان خویش، با جامعه و فرهنگ بومی‌منطقه در آمیخته و هماهنگ گشته است. به همین دلیل، بعدها افرادی از این خانواده با انتخاب لقب زندیان جزی در حفظ اصالت خانوادگی-اجتماعی خویش اقدام نموده‌اند که یکی از این نمونه‌ها رحمت‌اللّه ابن میرزا هیبت‌اللّه ابن رحمت‌اللّه ابن ملّا حاج آقا ابن ملّا محمّد باقر ابن ملّا محمّد تقی ابن محمّد بوده و بدین ترتیب، پدر مرحوم محمّدعلی (حاج آخوند) ابن مرحوم ملا محمد حسین متقی ابن ملا محمد باقر معروف به ابوالفقرا ابن ملا محمد تقی ابن محمد می‌باشد که از رجال زندیه بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

مجتهد زنجانی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم مجتهد متولد سال ۱۲۸۲ قمری اصلا طارمی و در ماهان طارم سفلی متولد شده و مرحوم والدش ملا محمد از فضلاء آن حدود بوده است که رساله‌ای راجع به اختیارات و خواص ایام به قلم وی موجود است.

مرحوم میرزا عبداللَّه دومین فرزند ایشان در اوائل بلوغ برای تکمیل ادبیات عربی و خط بهیدج که دهی در هشت فرسخی زنجانست و آن روز عده‌ای رجال علمی و مخصوصاً ادبی داشته مسافرت نموده و پیش مرحوم آقا میرزا علی‌اصغر که از فضلاء بوده تلمذ نموده و با تکمیل رشته ادبیات و خط و متون متوسطه در سن ۱۸ سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و مدتی در درس مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسن ممقانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی حاضر شده

و سپس به سامره رفته و در مجلس درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرده‌اند و در واقعه توتون و تنباکو در سامرا حضور داشته.

و چون به واسطه ریاست عمومی و بی‌نظیر میرزای مرحوم حوزه درسشان نامنظم شده بود. و از طرفی آوازه و شهرت علمی مرحوم آخوند خراسانی در افواه افتاده دوباره به نجف مراجعت و تا پایان اقامتشان در نجف منحصراً به درس آن مرحوم حاضر شده و با مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و قمی و آیت‌اللَّه حایری یزدی و عراقی هم‌دوره و رابطه نزدیک داشته و تقریرات درس اصول مرحوم آخوند خراسانی را پیش از تألیف کفایهٔالاصول نوشته و نظریات خود را نیز اضافه کرده بودند که هنگام عزیمت به طرف ایران مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی که از نظریات و افکار و منقح بودن مطالب آن اعجاب داشته گرفته و به نظر مرحوم خراسانی رسانده بود و استاد بزرگوار پس از مطالعه مباحث آن تحسین و توصیف اجازه اجتهاد بنام ایشان با خط خود نوشته و تاریخ آن که ۱۳۱۲ قمریست موجود می‌باشد.

معظم له در سال ۱۳۱۴ قمری به ایران مراجعت و در زنجان اقامت نموده و موقعیت محلی و درس و بحث و قضاوت اوقات ایشان را می گیرد

و پس از چندی که مشروطیت پیش بیاید و آیات بزرگ حوزه مقدسه نجف حکم به لزوم انعقاد مجلس شوراء ملی و تشکیل حکومت مشروطه می کنند ایشان به خاطر تأیید فرمان مراجع بزرگ و جلوگیری از تعدیات و مفاسد استبداد وارد مبارزه می‌شوند و جبهه طرفداران مشروطیت با ورود و موقعیت ایشان مستحکم می گردد.

و ایشان در عین حال اشتغال به درس و بحث فقه و اصول و اقامه جماعت و قضاوت شرعیه داشته و نسبت به قضاوت در زنجان تعین داشتند.

و دارای حافظه قوی و تقریری جامع و کامل بودند که در سنین هفتاد سالگی تمام قواعد ادبی از نحو و صرف را که مقارن بلوغ به آنها اشتغال داشته و بعداً متارکه شده بود همه را در صفحه ذهن و ضمیر خود حاضر داشت و محاکماتی که در زمانهای قبل اتفاق افتاده بود از اظهارات متداعیین و حکم صادره از نظرشان محو نمی‌شد.

تقریر ایشان طوری بود که وقتی مطلبی را بیان می کردند واقعیت آن در نظر مستمع مجسم می گردید از این رو موعظه ایشان بسیار بلیغ و خطابه ایشان که هر سال در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند بسیار رسا و گیرنده بود ایشان گاهی در نجف اشرف نیز هنگام تحصیل منبر می‌رفتند که میانه طلاب افصح فصحاء نامیده شده بودند و بالاخره مرحوم مامقانی بزرگ ایشان را از منبر فتن منع

نموده و امر کرده بودند که چون امارات وصول به مراتب عالیه علم و فقاهت از شما نمایانست اشتغال شما به منبر فعلاـ حرام می‌باشد.

مطالب منبرشان که مخصوص ماه رمضان بود نوعاً اصول اعتقادات به مبانی کلامی بوده که عده‌ای از فضلا یادداشت می‌کردند مباحثی را از مسائل توحید و نبوت و امامت استدلالی نوشته که قسمتی باقی و برخی مفقود شده است.

آثار علمی ایشان در فقه از اینقرار است.

۱- کتاب قضا و شهادات.

۲- شرحی بر صلوهٔ از منظومه مرحوم علامه بحرالعلوم.

۳- تقریرات اصول مرحوم آخوند خراسانی که مشتمل بر مباحث الفاظ و ادله عقلیه.

۴- حواشی بر رساله عملیه مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی تا باب خمس از آثار قلمی ایشان حاشیه مرحوم آخوند خراسانی بر رسائل که آن موقع چاپ نشده بود و تعادل و تراجیح آن را با خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نموده‌اند.

آن مرحوم به واسطه تعینی که میانه فضلاء نجف داشتند عده‌ای از معاریف پیش ایشان تلمذ نموده‌اند از جمله مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبداللّٰه مامقانی (صاحب رجال) و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین برادر کوچک آیت‌اللّٰه حاج آقا نجفی اصفهانی و خواب عجیبی که مرحوم شیخ محمدحسین دیده بوسیله ایشان تعبیر و بعدها تحقق پیدا کرده است.

به طوری که ایشان نقل نمودند که مرحوم شیخ محمدحسین مزبور روزی سر درس حاضر شده و اظهار می‌دارند که دیشب من خواب عجیبی دیدم و می‌خواهم آن را تعبیر کنی.

من مدتی به مولای متقیان علی (ع) متوسل بودم که توجه فرمایند زودتر به رتبه اجتهاد به رسم دیشب آن حضرت را در خواب دیدم و باز حاجت خود را به حضورش عرضه داشتم به من فرمود (شیخ برو آدم شو) پس از بیدار شدن کلام امام (ع) مرا مأیوس ساخت و چنان پندارم که درس برایم فایده ندارد گفتم نه بلکه مطلب بعکس است اگر تو صلاحیت نداشتی امام تو را امر نمی‌فرمود به آدم شدن. معلوم می‌شود تو صلاحیت داری و حائز رتبه آدمیت خواهی شد.

حقیقت اینست اجتهاد که عبارت از تحقیق و استنباط احکام فرعیه از ادله است منهای معنویت تفاوتی با تحقیق در علوم طبیعی ندارد و احکام استنباط شده جز به خاطر عمل و کسب تقوی و معنویت نیست و مایه انسانیت حقیقی همان معنویت می‌باشد پس مقصود امام (ع) این بوده که از من مطالبه مقدمه را نموده و از ذی‌المقدمه غفلت داری.

عجب اینست که این تعبیر موافق بواقع تحقق یافت و مرحوم شیخ به طوری که در ترجمه حالش ضبط کرده‌اند به مراتب کمالات معنوی و زهد و عرفان نائل آمده و حائز مقاماتی گردیده است.

باری آن مرحوم پنجاه و یکسال در زنجان به درس و بحث و افتاو مراجعات مردم و قضاوت اشتغال داشت و نسبت به عظمت جامعه اسلام و تشیع بسیار علاقه داشت و دو دفعه از ایشان درخواست شده که رساله عملیه به چاپ دهند که عده‌ای علاقمند به تقلید ایشان می‌باشند در جواب گفته بودند که من اگر چه در نجف با مراجع زمان خود در مرتبه علمی برابر بودم و استاد آنها را به من ترجیح نمی‌داد اما بعداً آنها در حوزه باقی ماندند و من به زنجان آمده و تا حدی متارکه نمودم اضافه بر این حوزه نجف را نباید از مرکزیت انداخت.

تاریخ وفات ایشان ماه صفر سال ۱۳۶۵ ق است که در آن وقت آذربایجان و زنجان تحت اشغال قوای شوروی بود و حکومت توده پیشه‌وری در تبریز برقرار شده بود و قوای روس و فدائیان توده زنجان را در تصرف داشتند و با وفات ایشان که قهرا انبوه جمعیت به سوی منزل ایشان در خیابان پهلوی زنجان هجوم نمود روسها گمان کرده بودند که اهالی قصد قیام و اغتشاش دارند و می‌خواهند بر علیه فدائیان حکومت پوشالی اقداماتی نمایند لذا دستور داده بودند ستونهای موجود از ارتش در اطراف شهر مستقر شده و شهر را

در محاصره گرفته بودند بعداً به آنان فهمانیده بودند که سوء قصدی در کار نیست و ازدحام جمعیت برای تشیع یک روحانی بزرگ است که وفات نموده‌اند

الحاصل ایشان در سن هشتاد و سه سالگی داعی حق را لبیك گفتند. و آن مرحوم در بعضی از علوم غریبه از جمله جفر جامع اطلاع کامل داشتند و یکی دو مورد از اوضاع آینده استفسار و بجواب نائل که صورت عمل به طور مجمل موجود است. و نیز نسبت به امام غایب عجل‌اللّه‌فرجه اخلاص فوق‌العاده داشته و از دعاء ندبه در روزهای جمعه غفلت نمی‌کردند. در مرض موت ایشان اطرافیان که از ایشان پرستاری می‌کردند چندین دفعه حالت عجیبی مشاهده نمودند که ایشان با کبر سن و شدت بیماری که غالباً در حال بیهوشی بودند و قادر به حرکت نبودند گاهی به خود آمده و به پرستار خود دستور می‌داد که مرا بلند کنید با زحمت بلندش می‌کردند و به قبله ایستاده و لباسهای خود را مرتب می‌کرد و پس از یک دقیقه یا کمتر می‌گفتند بخوابانید و در حال قیام مثل اینکه در حضور شخص بزرگواری از اولیاء هستند.

و این حال از دو روز قبل از وفاتشان چندین دفعه تکرار شد و در سن هفتاد و سه سالگی که مبتلا به مرض تیفوئیته گردیده بودند درست ده سال پیش از وفات در حال میان خواب و بیداری شخصی را دیده بودند که از اطاق داخلی وارد اطاق ایشان گردید و نشست و خیار نوبری از جیب خود بیرون آورد و با چاقو خطی بخیار کشید و خط دوم را بر آن عمود کرد که قدری خط اولی را بریده و تجاوز نمود و گفت این عمر شماست و شما در سن ۸۳ سالگی فوت خواهید کرد و این مکاشفه تحقق پیدا کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.

وی در سال نهم مهرماه سال ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۳۴۳ قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال ۱۳۶۳ قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللّه ظله و مرحوم آیت‌اللّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملاـ محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.

آیت الله مجتهدی در سال ۱۳۶۲ قمری و در سن ۱۹ سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار

می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۷ قمری و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۶۹ قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در ۲۱ محرم سال ۱۳۷۲ قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمهٔالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان ۱۵ خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

۱- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

۲- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.

آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی سیستانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود فرزند عالم زاهد حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محمدباقر فرزند علامه متقی آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید علی مجتهد سیستانی طاب اللَّه ثراه از فضلاء معاصر مشهد مقدسند.

والد ماجدش مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر سیستانی نیز از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار مسجد جامعه گوهرشاد بوده و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی از شاگردان مبرز و متعصب و غیور میرزا بزرگ شیرازی و از مراجع تقلید زمان خود و مخالف سرسخت مشروطه و مشروطه‌خواهان بوده که شرح احوالش در کتاب علماء خراسان و کرام البرره و سایر تراجم می‌باشد.

مترجم محترم در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در مشهد مقدس در بیت علم و تقوا متولد و پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده نموده است.

و بعد به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللَّه سره حاضر و استفاده نموده و مدتی هم در قم از محضر برخی از آیات عظام بهره‌مند شده و سفری هم به اعتاب عالیات نموده و مدتی اقامه و از دروس خارج آقایان آنجا مستفیض گشته و پس از آن به زادگاهش مشهد مقدس مراجعت نموده و به خدمات دینی و روحی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف و فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام در حسینیه منزلش و نیز مسجد و جلساتش اشتغال دارند.

سید محمود بن العالم الجلیل حاج سید محمدباقر بن العلامه الحجه آیت‌اللَّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی معروف به (مجتهدی) ای افاضل علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود ۱۳۵۴ قمری در مشهد متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب نیشابوری معاصر فراگرفته و سطوح را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران آموخته آنگاه به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی و آیات دیگر شرکت و استفاده کامل نموده و خود به تدریس پرداخته و هم به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارد.

برادر ارجمندشان آیت‌اللَّه حاج سیدعلی مجتهدی سیستانی از مدرسین و فضلاء بنام نجف اشرف‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مجتهدی شبستری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم شبستری از فضلاء و ائمه جماعت معاصر تهرانند. وی در سال ۱۳۱۵ شمسی در شبستر که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات عربی را در شبستر و تبریز به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۱ قمری وارد حوزه علمیه قم گردیده و بتحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از تمام شدن سطوح از محضر اساتید بزرگ و عالیقدری مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه امام خمینی و آیت‌اللَّه علامه طباطبائی ادام اللَّه ظلهم علی رؤس الانام استفاده و ضمنا تدریس سطوح از مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که بنابر تقاضا و اصرار عده‌ای از مؤمنین ساکنین شمال تهران منتقل به آن سامان گردیده و

در مسجد طلاچیان واقع در خیابان فرح جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر کلام مبین و سایر خدمات از تدریس علوم دینی و غیره اشتغال دارند.

مرحوم والدش آیت‌اللّه حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری از علماء و مراجع طراز اول و معروف آذربایجان بودند. وی در سال ۱۳۰۶ قمری در شبستر متولد و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح به نجف اشرف هجرت و بعد از مراجعت دوازده سال مقیم وطن (شبستر) بوده و سپس به شهرستان تبریز منتقل و ده سال در آنجا بخدمات مذهبی و مرجعیت دینی موفق و در سن شصت سالگی برحمت ایزدی پیوسته و از تبریز حمل به قم و در قبرستان مرحوم آیت‌اللّه حایری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن العلامه آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی تبریزی از علماء معاصر تبریز است. وی در هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۰ در نجف اشرف متولد شده و مرحوم والدش که در سال ۱۳۱۷ ق مهاجرت به نجف نموده بود بعد از هشت سال توقف و استفاده از محضر علامه خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و دیگران بواسطه کسالت در سال ۱۳۲۵ ق باتفاق عائله و برادر گرامش آیه الله حاج میرزا خلیل مجتهد به ایران مراجعت و در موقع ورود که مصادف با انقلاب مشروطه بود از رفتن به تبریز خودداری و در میانه و اطراف تبریز اقامت نموده و در سال ۱۳۲۶ ق برای معالجه در معشیت برادر بزرگش آیه الله حاج میرزا مسعود آقا و خانواده‌اش به تهران آمده و مدت دو سال توقف و در سال ۱۳۲۸ قمری به تبریز برگشته و به وظائف دینی پرداخته است.

وی در مهد پرورش آن والد بزرگوار تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را نزد والدش و دیگران خوانده و در سال ۱۳۳۷ ق که والدش فوت نموده نزد علماء تبریز مانند آیه الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه الله میرزا رضی تکمیل نموده و در سال ۱۳۴۴ ق مهاجرت به قم و از محضر آیت الله العظمی حایری و آیه الله یثربی کاشانی و آیه الله حاج شیخ محمد رضا اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ ق مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهدی، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عبدالهادی مجتهد بهبهانی از علماء محترم بهبهان و مراجع بزرگ آن سامان ابن‌العلامه الشیخ محمد حسین بهبهانی عسکری در سال ۱۳۰۰ ق در نجف متولد شده و در سن ۷ سالگی با والد معظم خود بسامرا رفته و چون والدش از شاگردان آیه‌الله علی‌الاطلاق میرزا محمد حسن شیرازی قدس‌الله سره‌الشریف بوده چندین سال در آنجا اقامت و تحصیل علم نموده تا در سال وبائی والدش مرحوم و پس از مدتی در سن ۲۰ سالگی به بهبهان آمده و بعد از دو سال مراجعت بنجف و چندین سال از محضر مرحومین علمین آیتین یزدی و خراسانی و مرحوم محقق آقا سید محسن کوهکمری که شاگرد مبرز

مخصوص آیه‌الله حاج شیخ هادی تهرانی بوده استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به بهبهان نموده و در آنجا اقامه جماعت و تربیت طلاب و تدریس دروس عالی فقه و اصول و فصل دعاوی و حکومات شرعیه نموده تا در سال ۱۳۷۲ ق که برای خرابی اوضاع بهبهان و دودسته گی بین قنوات و بهبهان آنجا را ترک و بحرم اهل‌بیت علیهم‌السلام که حرم امن خداست مهاجرت و بتدریس پرداخته و پس از چند سال مراجعت بوطن و در آنجا بدرود حیات گفته و فرزند ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد حسین مجتهدی معروف به (آقا شیخ بزرگ) بجای خود گذارده که اقامه جماعت و تربیت محصلین بهبهان را نموده و بوظائف دینی و روحی ادامه دهد.

معظم‌له که چندی در قم اقامه داشتند و از محضر آیات عظام حجت کوهکمری و آیه‌الله بروجردی استفاده کامل نمودند اکنون بالغ بر بیست سال است که بجای والد مرحومش مشغول خدمات و در مدرسه علمیه شاهزاده ابراهیم که در محله قنوات است اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجد خرقانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید علی محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل المرحوم السید رجب مجد العلماء قزوینی خرقانی از علماء محترم معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در خرقان قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات در قزوین به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین و اعلام حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی و دیگران تکمیل نموده و چندی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری استفاده نموده و پس از آن مرحوم از آیات عظام مرحوم آقای حجت و آقای خونساری و آقای صدر رضوان اللّٰه علیهم بهره‌مند گردیده و در اوائل ۱۳۶۴ قمری به تهران منتقل و تاکنون در خیابان عباسی کوچه مجد اقامت و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

والد مرحومش حجهٔ‌الاسلام مجدالعلماء از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی بودند و از قزوین برای ارشاد و هدایت مردم بخرقان هجرت نموده و تا آخر عمر در آن حدود ایفاء وظیفه نمودند.

آن مرحوم دارای فرزندان دانشمندی بودند که از علماء معاصر قم و تهران و دماوند می‌باشند و آنها از این قرارند:

۱- حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای آقا سید عبدالحمید مجد

۲- حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای آقا سید محمدعلی مجد مقیم قم

۳- حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای آقا سید علی محمد مجد مترجم محترم ما

۴- حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای آقا سید تقی مجد مقیم قم

۵- حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای آقا جمال‌الدین مجد مقیم دماوند

۶- حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آقای آقا کمال‌الدین مجد (مشکور) مقیم تهران

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجد خوافی خراسانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۷ ق)، واعظ، ادیب و شاعر. وی از بزرگان زمان بود که سفرهایی چند به خراسان و کرمان داشت. از جمله آثارش: دیوان «کنز الحکمه»؛ ترجه‌ی منظومی از «جواهر اللغه» زمخشری؛ «روضهٔ الخلد»، که تقلیدی از «گلستان» سعدی است، که آن را در ۷۳۳ ق به پایان رسانده و در ۷۳۷ ق در آن تجدیدنظر کرده و انتشار داده است. در «آتشکده‌ی آذر»، این کتاب به قاسمی خوافی نسبت داده شده است که صحیح به نظر می رسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۲۹۳/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لغت نامه (ذیل/ مجد خوافی)، هفت اقلیم (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲).

مجد، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جمال‌الدین بن مرحوم مجد العلماء مزلفانی معروف به آقای مجد عالمی برجسته و فاضلی شایسته است.

وی دارای پنج برادر روحانی میباشد که در ضمن ترجمه برادر بزرگش آیت‌اللّه حاج سید علی محمد مجد ص... یاد نمودم. وی در بیت علم و سیادت تولد و پرورش یافته و برای تحصیل کمال به قم آمده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت مردم دماوند و امریه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی عزیمت بدماوند نموده و تاکنون در آن سامان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجیدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین مجیدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین مجیدی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان خوانسار متولد شدم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه ولی عصر (ع) آن شهرستان گردیدم که دروس سطح را تا ابتدا درس خارج در آن شهرستان با استادانی همچون تقدیری و رفیعیان گذرانده و درعرض تحصیل در آن حوزه مشغول به تدریس دروس مقدماتی گردیدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم و در درس خارج حضرت آیهٔ الله فاضل و مکارم شیرازی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۵ ادامه تحصیل را با درس فقه میرزا جواد تبریزی (ره) و اصول حضرت آیهٔ الله وحید ادامه دادم و در عرض تحصیل به تحقیق کتاب اشتغال یافتم که ابتدا در تاریخ ۱۳۷۳ کار تحقیق را با مؤسسه دار الحدیث شروع نمودم. که با همکاری گروهی چندین اثر به چاپ رسیده و نیز چندین اثر بطور مستقل از بنده به چاپ رسیده که یکی از آنها در سال ۱۳۸۲ کتاب سال ولایت شمرده شد. در ادامه همکاری با دار الحدیث اکنون مدیر گروه حکمتنامه ها و فرهنگنامه های این مؤسسه می باشم که تاکنون چندین حکمتنامه و فرهنگنامه از این گروه به چاپ رسیده است. مثل، حکمتنامه بسیج حکمتنامه، کودک حکمتنامه جوان- و غیره...

محامدی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم و فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقا شیخ جواد محامدی از ائمه جماعت و علماء محترم این شهرستانند که بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محب‌الاسلام موسوی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمحدثین و سید الخطباء والمبلغین آقای حاج سید علی‌اکبر محب الاسلام موسوی از وعاظ و گویندگان باتقوای معاصر است. وی در خراسان متولد شده و پس از گذرانیدن دوران صبا به دروس جدید پرداخته و بعد از آن شروع به تحصیل علوم عربیت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین و علماء مشهد آموخته و در دروس تحلیلی و خارج آیات عظام حاضر و استفاده کرده آنگاه وارد رشته منبر و تبلیغ گردیده و برای مهارت در این فن مطالعات بسیار در کتب مختلفه اسلامی و بالاخص احادیث و اخبار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده تا به مقام بلندی در این موضوع رسیده و در مشهد مقدس و تهران و بعض نقاط دیگر شهرتی پیدا کرده است.

نگارنده گوید: معظم‌له اکنون یکی از ستارگان درخشان و انجم فروزان خطباء حاضر و دارای مقام ورع و پرهیزکاری و معتقد و پایبند به گفتار خویش می‌باشد.

منبری ارزنده و بیانی آموزنده و مطالب سودمندی در ترویج دین و نشر معارف اسلامی دارد.

و زمینه منبرش اخبار و احادیث حضرات معصومین علیهم صلوات المصلین است در خاطر دارم که در شب ولادت حضرت

امیرالمومنین علیه‌الصلوه والسلام در مسجد حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه الشریف مشهد مقدس بودم که معظم‌له شب آخر منبرش بود و منبری بسیار مفید و سخنانی کامل و جامع در پیرامون شخصیت آسمانی و ملکوتی مولی الموحدین و امام المتقین حضرت علی علیه‌السلام ایراد نمودند و جدا استفاده نمودم- تالیفاتی در اخبار اهل‌بیت رسالت صلوات‌الله علیهم دارد.

۱- اقوال الائمه که ۸ مجلد از آن به طبع رسیده است.

۲- راز دلباختگان شرح دعاء کمیل

۳- راز دلباختگان شرح دعاء ابی‌حمزه.

۴- راز دلباختگان شرح دعاء مکارم‌الاخلاق و جناب حاج تاج واعظ لنگرودی هم یکی از منابر مفیده ایشان را در گفتار وعاظ خود نقل نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محدث حائری همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی‌رضا بن عبدالحسین بن ابی‌طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمد شفیع بن محمد رفیع بن فتح‌الله قزوینی حائری اصفهانی.

اجدادش عموما اهل فضل و کمال بوده، به طوری که مولی عبدالکریم مؤلف «نظم الغرر»؛ و محمد یحیی مؤلف «ترجمان اللغهٔ» در شرح قاموس مطبوع می‌باشد، در سال ۱۱۱۷ زنده بوده؛ و محمد شفیع نویسنده کتاب «متمم ابواب الجنان» متوفی در ۱۱۰۴؛ و محمد رفیع مؤلف کتاب «ابواب الجنان» می‌باشد، و در سال ۱۰۸۹ وفات یافته است.

صاحب عهوان در ۱۲۹۱ در اصفهان متولد شده، و خدمت جمعی کثیر از فضلای این شهر همچون: حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و حاج آقا منیر بروجردی، و آخوند گزی، و آقا نجفی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای؛ و در همدان از سید عبدالمجید گروسی؛ و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شده؛ سپس به همدان مهاجرت نموده، و تا آخر عمر در آنجا به ترویج دین و نشر احکام از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخته، سرانجام در اوایل شوال ۱۳۸۳ در همدان وفات یافت.

تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلد کتاب و رساله است، از آن جمله است: ۱ - ذریعهٔ المعاد، در شرح نجاهٔ العباد ۲ - رساله در غنا ۳ - رساله در درایه ۴ - رساله‌ی خلافیه بین شیخیه و امامیه ۵ - رساله‌ی هدایه، در رد معتقدات صوفیه ۶ - سلاسل الحدید فی عنق الفرید، در رد عبدالوهاب فرید، در موضوع رجعت ۷ - قرآن و حجاب، مطبوع ۸ - دلایل امامت از اسلام و خلافت، مطبوع ۹ - الشهب الثاقبهٔ.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محدث، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محدث (پسر خاله حجةالاسلام حاج میرزا محمد حقی) از فضلاء آذربایجانی حوزه علمیه قم و علماء و ائمه جماعت معاصر شهرستان گنبد می‌باشند.

ایشان سالهای متمادی در قم اشتغال به تحصیل داشته و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده آنگاه از طرف آیت‌اللَّه شریعتمداری در سال ۱۳۸۷ قمری به گنبد عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محدث‌زاده، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۶ -۱۳۳۸ ق)، عالم دینی، نویسنده، خطیب و واعظ. پدرش خاتم المحدثین محدث قمی و مادرش دختر آیت‌اللَّه حاج آقا احمد طباطبایی قمی بود. در قم به دنیا آمد و در مشهد نشو و نما یافت و مقدمات و ادبیات را در آنجا فراگرفت. در ۱۳۵۴ ق همراه پدر به نجف رهسپار شد و در آنجا سطح فقه و اصول را نزد آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی، از مدرسین بنام نجف، تحصیل کرد. در نوزده سالگی از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت گرفت و یک سال بعد از آن پدرش، حاج شیخ عباس قمی، نیز به وی اجازه داد. او در نجف، در تصحیح، مقابله و آماده چاپ نمودن «سفینهٔ البحار» و کتب دیگر همچون «الکنی و الالقاب» با پدرش همکاری کرد. پس از درگذشت پدر، در ۱۳۶۰ ق به ایران آمد و در قم، در محضر اساتید، به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت و خارج فقه و اصول را به اختصار خواند و از محضر آیت‌اللَّه شیخ علی محمد بروجردی و آیت‌اللَّه شیخ ابوالحسن مشگینی و آیت‌اللَّه حاج آقا حسن طباطبایی قمی و آیت‌اللَّه سید صدرالدین جزایری بهره برد. اما بیشتر هم خویش را، بنابر توصیه پدرش، مصروف اخبار و احادیث می‌نمود. در ۱۳۶۷ ق، به تهران آمد و به شیوه‌ی پدر رشته وعظ و خطابه و تصحیح و تألیف کتب را برگزید. او کتابهای چاپ نشده پدرش را تصحیح، تحشیه، مقابله، چاپ و منتشر کرد، که از آن جمله می‌توان کتابهای: «فوائد الرضویه»، «تحفهٔ الاحباب»، «بیت الاحزان»، «تتمهٔ المنتهی»، «کحل البصر»، «فصل و وصل»، «الدر النظیم» و «فیض العلام و وقایع الایام» را نام برد. او در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه حدود پنجاه تن از علما و روحانیون بازداشت شد و مدتی زندانی بود. در شب دوازدهم محرم ۱۳۹۶ ق در تهران درگذشت. آیت‌اللَّه سید احمد خوانساری بر وی نماز گزارد و پیکرش پس از تشییع با شکوه کم‌نظیری، در تهران و قم، با حضور تمام مراجع تقلید وقت، در گلزار شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: کتاب «امام صادق (ع)»، در چهار مجلد بزرگ: ۱- «زندگانی امام صادق (ع)»، در احوال، شخصیت، اخلاق و کلمات امام ۲- «اصحاب امام صادق (ع)»، که به عنوان کتاب برگزیده هفته کتاب سال ۱۳۷۵ ش، سیزدهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی، برنده جایزه بهترین کتاب مذهبی شد ۳- «معاصرین امام صادق (ع)»، از خلفا و علما ۴- «خویشاوندان امام صادق (ع)»؛ «کلام الملوک»، سخنان ائمه اطهار (ع).[۱]

حاج میرزا علی بن العالم الجلیل و المحدث النبیل حاج شیخ عباس محدث قمی (صاحب مفاتیح الجنان و سفینه البحار و ده‌ها کتب دیگر) از وعاظ بزرگوار و خطباء عالیقدر حاضر قم و تهرانست ولادت ایشان در سال ۱۳۳۸ قمری در شهرستان قم واقع شده و پس از شش ماه که از میلادش درگذشت. والدش وی را با خود به مشهد برده و در آنجا متوطن گردیده و دوران کودکی را در آنجا طی کرده و مقدمات را تا سیوطی در مشهد خوانده و در سال ۱۳۵۰ ق با معیت والدش مهاجرت به نجف اشرف و سطوح را از

محضر مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر زنجانی تکمیل نموده و در اول ورودش به نجف که مرحوم والدش کتاب وزین سفینه‌البحار را طبع می‌نمود ایشان در تصحیح و مقابله آن به والد ماجدش کمک و مساعدت می‌نموده و نیز در تالیف و تصحیح کنی والالقاب در سفر لبنان با والدش همراهی نموده تا آن کتاب در صیدا به چاپ رسید و نیز در سایر مولفات به اندازه قدرت و استعداد با ایشان همکاری داشتند تا در سال ۱۳۵۹ که والدش در نجف اشرف درگذشت و در صحن مطهر جنب قبر استادش علامه نوری مدفون گردید.

مترجم معظم ما پس از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۶۰ ق به ایران آمده و چند سالی در قم از محضر اساتید حوزه علمیه خارج فقه و اصول را به طور اختصار خوانده و به واسطه‌ی پاره‌ای از گرفتاریها به تهران مهاجرت و تا حال حاضر بیست و چهار سالست که از طریق منبر و تبلیغ شفاهی خدمات ارزنده‌ی نموده است.

نگارنده گوید: سبک منبر جناب محدث‌زاده همان سبک مرحوم والدش می‌باشد از حریم اخبار و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام خارج نمی‌شود با بیانی ملیح نشر معارف اسلامی نموده و مردم را به سوی اهل‌بیت رسالت هدایت می‌نماید.

آثار علمی و قلمی ایشان از این قرار است:

۱- زندگانی امام صادق علیه‌السلام در شش جزء.

۲- کلام‌الملوک سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام.

۳- طبع تتمه المنتهی والدش.

۴- طبع فوائد الرضویه آن مرحوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اصحاب امام صادق (ع) (مقدمه ۱۶ -۱۳)، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت (۱۲۹ -۱۲۲)، الکنی و الالقاب (۱/ مقدمه ۲۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۹ -۳۹۷/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۵۹ -۱۱۵۸/ ۳)، مفاخر اسلام (ج ۱۱/ بخش اول/ ۴۶۶ -۴۵۳).

محدث‌زاده، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن العالم الجلیل و المحدث النبیل آقای حاج شیخ عباس محدث قمی از علماء معاصر تهرانست که در شهباز جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

وی در سال ۱۳۴۲ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در سن یازده سالگی به قم آمده و پس از چند ماه توقف در بلده طیبه قم در سال ۱۳۵۴ قمری باتفاق مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات را نزد آن مرحوم و علامه مرعشی و سطوح را از آیت‌اللّه حاج سید محمد روحانی قمی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی تنکابنی و آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی گرگانی و بعضی اعلام دیگر فراگرفته و تا سال ۱۳۶۸ قمری در آنجا اشتغال بتحصیل داشته و مورد توجه خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میراز عبدالهادی شیرازی بوده و در سال مذکور به ایران مراجعت و در قم اقامت و مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ قمری باصرار جمعی از مؤمنین به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در محل سابق الذکر تهران در مسجدی که بامر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تأسیس شده بخدمات دینی اشتغال دارد و

ضمنا از محضر درس آیت‌اللَّه العظمی خونساری و آیت‌اللَّه رفیعی قزوینی و آیت‌اللَّه آشتیانی استفاده نموده و می‌نمایند.
از خدمات ارزنده ایشانست کلاسهای درسی برای دانشجویان که در مسجد مزبور تاسیس نموده و حدود چهارصد دانشجو در آنجا شرکت می‌نمایند که صد نفر آنها به فراگرفتن دروس عربی و دینی اشتغال دارند.
از خداوند توفیق امثال معظم له را خواستارم زیرا ایشان واقعا مجسمه تقوا و اخلاق و فضیلت می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محدثی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد محدثی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۱ در شهرستان سراب (آذربایجان شرقی) به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش روحانی بودند و در مکتب مرحوم میرزا جلیل واعظ سرابی به درس و تدریس اشتغال داشتند. وی به لحاظ روحانی بودن پدرش از کودکی در قم می زیست. در این شهر بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند از سال ۱۳۴۴ ش وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه علیمه منتظریه معروف به حقانی به تحصیل پرداخت در این مدرسه که با مدیریت شهید آیت الله قدوسی و همکاری شهید آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی و آیت الله مصباح یزدی اداره می شد با استفاده از محضر اساتید برجسته، انقلابی و متقی که اغلب از شاگردان امام راحل «قدس سره» بودند درسهای حوزه را از مقدمات تا خارج فقه فرا گرفت از اساتید بسیار این دوره ۱۴ ساله می توان از شهید قدوسی، شهید مفتح، شهید شاه آبادی و آیات عظام : مشکینی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، جنتی، احمدی میانجی، مصباح یزدی، گرامی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، میر محمدی، آذری قمی، صانعی، مومن، محمدی گیلانی، حائری شیرازی، ابراهیم امینی، مقتدایی و بزرگان دیگر یاد کرد پس از انقلاب نیز در درسهای آیات عظام حضور می یافت. پیش از انقلاب به سبب مبارزات سیاسی و سخنرانی در شهرستانها دو بار دستگیر و زندانی شد یک بار در سال ۵۴ به مدت دو هفته و بار دیگر در سال ۵۶ به مدت ۹ ماه. با پیروزی انقلاب اسلامی در کنار فعالیتهای درسی به تلاشهای فرهنگی و تبلیغی در شهرستانهای مختلف پرداخت، با صدا و سیما امور تربیتی آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، سپاه پاسداران و بخش فرهنگی بنیاد شهید و جهاد سازندگی همکاریهای فرهنگی و قلمی داشت، در عرصه مطبوعات دینی و مجلات انقلابی و مذهبی فعالانه همکاری داشت و با نگارش سلسله مقالاتی در زمینه های هنری، اخلاقی، اجتماعی، مباحث قرآنی و تربیتی، خانوادگی، در مجلاتی همچون : عروهٔ الوثقی، پیام انقلاب، پیام زن، حوزه، مکتب جبهه، مکتب انقلاب، امید انقلاب، کمیته، پیام هلال، میقات حج، کوثر، فرهنگ جهاد، پاسدار انقلاب، پرسمان، حدیث زندگی، افق خانواده، مسجد دانشگاه همچنین با همکاری قلمی با روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان و هفته نامه «صبح صادق» و«ری» و نشریه «زائر» در ایام حج، در طول سالیان متمادی حضور

ادبی و فرهنگی داشت. چند سال در اوایل انقلاب با حضور در دانشگاههای مختلف و تدریس تاریخ اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی، منطق و موضوعات دیگر نیز حضور مکرر در مجامع دانشگاهی و جمعهای دانشجویی و اردوهای دانش آموزی و سمینارهای فرهنگی و تربیتی آموزشی و پرورش معلمان، در فضای فکری اجتماعی جوانان حضوری اثر گذار داشت. یک بار هم سفری دو ماهه به جنوب لبنان و ارتباط و همکاری با حزب الله داشت. نه سفر هم به حج رفته است. وی به دلیل بر خورداری از قریحه شعر و سابقه شاعری که به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد در بسیاری از مجامع ادبی و محافل شعری و شبهای شعر بویژه در اوایل انقلاب به عنوان یک حوزوی شاعر و خوش ذوق حضور می یافت و آثار خویش را عرضه میکرد و این حضور نقش مثبت و بسزایی داشت. از ویژگیهای خاص او بعد ادبی و قلمی است و به همین جهت در راستای انتقال تجارب قلمی و نگارشی خویش به نسل جوان حوزه از پیش از انقلاب تا حال حاضر پیوسته در مدارس مختلف حوزه علمیه (چه جامعهٔ الزهرا و چه مدارس برادران و چه مراکز تخصصی حوزه) آموزش ادبیات فارسی و روش نگارش و تحقیق داشته است و در این زمینه کتاب (روشها ی) او به عنوان یک متن آموزشی فشرده به شمار می رود وی همچنین در مراکز مختلفی به عنوان عضو هیئت علمی، طرح و برنامه، بررسی و نظارت حضور و همکاری داشته است.

محدثی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد محدثی جامی از دانشمندان خدوم معاصر است که در تأیباد خراسان میباشد. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در تربت جام متولد شده و پس از پرورش در سن ۱۶ سالگی بنجف اشرف مهاجرت و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و ادبیات و مقدمات را خوانده سپس مراجعت بمشهد نموده و در حوزه آستان قدس رضوی علیه آلاف‌التحیه والثناء با مواجه شدن با مشکلات و آشفتگی‌های زندگی ادامه بتحصیل داده و بعد از پایان دوره مقدمات سطوح را از عالم ربّانی حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و علامه جلیل معاصر آقای وحیدی خراسانی و اساتید دیگر تکمیل نموده و از محضر و درس خارج حضرت آیه‌الله العظمی میلانی مدظله‌العالی کسب فیض کرده و برای ترویج دین و تبلیغ احکام آئین مقدس اسلامی بشهر مرزی تأیباد (طیبات) مهاجرت و تاکنون در آن ناحیه بخدمات دینی اشتغال دارد بطوریکه از بعضی از ثقات دانشمندان مشهد شنیدم جناب آقای محدثی خدمات ارزنده‌ای در تأیباد و حومه آن انجام داده و بسیاری از اهل سنت آنجا را بمحبت و ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نزدیک و هدایت و از پیشرفت فرقه ضاله و مضلّه بهائی در آن نواحی جلوگیری نموده‌اند.

آثار قلمی معظم‌له یک سلسله مقالاتی بنام (بوستان دوستان) و غیره میباشد طبع سلیس و روانی دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محرابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محرابی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱۹

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۱۳۷۱ دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استادهای گرانقدر حوزه در فرصت های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.

در کنار درس خارج، از حدود سال ۱۳۷۴ در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره مندی از گوهر وجود ایشان، در موسسه اسرا، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی وحوزوی خود به دنبال پاسخ دهی به نیاز ها و پرسش های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب های بدایه، نهایه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.

علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه ها و کلاس های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از ۱۰ سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.

عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاوی ، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسرداری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محقق تهرانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال ۱۳۶۵ قمری عصر ریاست آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان اللّه علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.

و ایشان عدیل و باجناق حجهٔالاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهرانند، می‌باشند.

آقای خندق‌آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بودند و ضمنا تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت‌اللّه بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذراند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:

(فسدالزمان و تغیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عنداللّه) ای حال مردی کم‌نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.

محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقاحسین کرمانی یکی از دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی به درس خارج معظم‌له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۵۸ شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع‌الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمنا آن جناب در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خراسانی، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ عباس علی محقق واعظ خراسانی از اساتید و مشاهیر وعاظ ایران در تاریخ چهارشنبه پانزدهم ماه صفر ۱۳۱۰ ق در مشهد مقدس متولد گردیده و در مراحل تحصیل ادبیات را نزد والد محترمش عالم کامل و ادیب فاضل مرحوم حاج ملا بمانعلی محقق که از وعاظ عالی مقام خراسان بودند فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمدباقر مدرس رضوی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسن برسی اعلی اللّٰه مقامهما و فلسفه را از مرحوم قدوه المتألهین آقای آقا بزرگ شهیدی و اسوه الحکماء آقای حاج شیخ محمدعلی فاضل خراسانی رضوان اللّٰه علیهما استفاده نموده سپس از طریق وعظ و تبلیغ بارشاد و هدایت مردم پرداخته و عمر پر برکت خود را بالغ بر شصت سال صرف مطالعه کتب مختلف نموده و با ذوق سرشار مخصوص بخود در بیان مطالب متنوع الحق محقق بود.

مواعظ سودمند و سخنان جذاب او در قلوب و دلها بسیار مؤثر به طوری که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار داده بالاخص اهل فضل و کمال منبر ایشان را مغتنم می‌شمردند.

استاد نکته سنج خردمندی

کاندر سخن سرآمد اقران بود

در بوستان ذوق و سخن گفتن

باغی پر از بنفشه و ریحان بود

فردی ادیب و فاضل و دانشمند

مردی سخن‌شناس و سخندان بود

سرمایه فضیلت و تقوا داشت

سرچشمه‌ی حقیقت و ایمان بود

در سایه مناعت و استغناء

وارسته از علایق دوران بود

در سال ۱۳۵۲ ه.ق با عتاب مقدسه مشرف در نجف اشرف شبها بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی در صحن مطهر منبر رفته و حضرت آیت‌اللّٰه با حضور خود در آن مجلس علاقه خود را بمنبر ایشان ابراز و به آقایان فضلاء و طلاب توصیه می‌فرمودند که از مواعظ ایشان استفاده نمایند.

معظم له تا سال ۱۳۵۳ هجری در مشهد مقدس سکونت داشته و مسافرتهائی بنقاط مختلف و شهرهای شمال و جنوب ایران نموده و مورد توجه مردم خاصه آقایان علماء اعلام بوده و از آن سال به بعد در تهران رحل اقامت افکنده و در بسط معارف اسلامی و انجام وظیفه تبلیغ سعی کافی و جهد وافی داشته‌اند.

در سال ۱۳۶۳ ق مجدداً با عتاب مقدسه تشرف حاصل در کربلاء مجلسی که مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی بمناسبت اربعین و دهه آخر ماه صفر منعقد نموده و سایر مجالس در نجف مسجد مرحوم شیخ انصاری قدس سره بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّٰه آقای آقا سید عبدالهادی شیرازی بیست و پنج شب منبر رفته و آن مرحوم درس شب را تعطیل و خود در مجلس حاضر بودند و بر اثر ازدحام

و کثرت جمعیت جائی در مسجد باقی نمانده و مردم در کوچه ایستاده و استماع می‌نمودند.

و مدت توقف در نجف در ضیافت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد محترمشان مرحوم حجهٔالاسلام آقای حاج سید جواد اشکوری از ایشان پذیرائی می‌نمودند.

در سال ۱۳۶۴ ق طبق دعوت آقای حاج آقا محمد آقازاده برای مجلس ایام فاطمیه ایشان به قم آمده و پس از پایان آن مجلس باصرار آقایان علماء و فضلاء دو ماه در قم توقف نموده و به خواهش آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری که از علماء و شخصیت‌های بارز حوزه علمیه هستند در مجلس مدرسه فیضیه ایشان پس از علامه بزرگوار خطیب توانا مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی در منبر مطالب معظم له را کاملا تعقیب و مورد قدردانی و تحسین واقع و خاطره آن منابر جامع هنوز محو نشده است.

در سال ۱۳۶۵ ق نیز با عتاب مقدسه مشرف و قریب دو ماه بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی در منبر سوره یوسف را بیان کرده تا آنجا که برادرها یوسف را در چاه انداختند سال بعد مرحوم آیت‌اللّه گلپایگانی پیغام دادند که منبر شما سال گذشته به آنجا رسید که یوسف در چاه انداخته شد امسال مشرف شوید و یوسف را از چاه بیرون آورید سال ۱۳۶۶ ق هم تشرف پیدا کرده و متجاوز از پنجاه شب منبر رفته و سوره یوسف را ختم نمودند.

در اواخر عمر چند سال متوالی بخواسته و امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی سه ماه ذیحجه و محرم و صفر را به قم آمده و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر میرفتند یکسال بخواهش طلاب از شب اول ذیحجه معراج پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله را شروع نموده و تا آخر ماه صفر در ایام مجالس این بحث ادامه داشت سالی دگر مبادی هجرت را بیان نموده آنهم تا پایان ماه صفر ادامه یافت و آقایان طلاب منابرشان را می‌نوشتند و معتقد بودند که یک منبر ایشان از لحاظ مواد مطابق ده منبر است.

آن مرحوم در صبح سه‌شنبه دوم شهر ذیقعده ۱۳۸۳ ق ندای حق را لبیک گفته و در بلده طیبه قم در حجره قبرستان بیات در مجاورت آستان ملک پاسبان حضرت معصومه علیهاالسلام سر بخاک سپرد.

از ایشان چهار فرزند ذکور باقی مانده که ارشد آنها دانشمند معظم آقای حاج آقا هادی محقق واعظ است که چند سال در قم بتحصیل اشتغال داشته ثمری از آن شجره هستند و از جهات اخلاق و فضائل و عمل بر رویه پدر ثابت و مستمر و اکنون از فضلاء اهل منبر تهران میباشند.

و دیگر آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهرانست که سه سال مقام استادی دانشگاه مک گیل کانادا را داشته و در آنجا خدمات ارزنده‌ای بعالم تشیع نموده و در شناساندن علماء شیعه مخصوصا مرحوم حاج ملا هادی سبزواری و آثار علمی آن مرحوم سهم بسزائی داشته موسسه‌ای بنام مطالعات علوم اسلامی در تهران تشکیل داده و با تشریک مساعی دانشگاه مک گیل منظومه حاجی را با سبک نوینی چاپ و همکار ژاپونی خود پرفسور ایزستو مقدمه جامعی بزبان انگلیسی بر آن کتاب نوشته‌اند.

دو فرزند دیگر ایشان در رشته‌ی کسب و بازار هستند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محقق رفسنجانی از فضلاء اهل منبر معاصر است

وی در سال ۱۳۰۱ شمسی در داوران رفسنجان متولد شده و در اوائل طفولیت که آثار روشنی و نبوغ در سیمایش ظاهر و فوق‌العاده تشنه علم و دانش بوده ولی از جهت محیط عوامل بر ایشان فراهم نشده تا اینکه والدین ایشان منتقل به رفسنجان شده و رحل اقامت افکنده و بر اساس همان معنویت و روح پاک و اخلاص به ساحت قدس ائمه علیهم‌السلام شبی در عالم رؤیا به زیارت حضرت رسول اکرم و امیر مؤمنان علی (ع) نائل شده و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله می‌فرمایند قرآن را بردار بخوان

عرض می کند نمی‌توانم بخوانم فرمودند امر می کنم ایشان اطاعت نموده و شروع به خواندن قرآن می‌نماید

و چون از خواب بیدار می‌شود قرآن راه گشوده می‌بیند که به خوبی تمام قرآن را می‌تواند بخواند پس شوق مفرطی به تحصیل علم پیدا نموده و در طلب استاد لایقی برآمده و موفق به جماعت آیت‌اللّه غروی گردیده و راز خود را با معظم له در میان گذارده و ایشان استمداد می کند آنجناب هم با آغوش باز وی را پذیرفته و به تربیت او می‌پردازد.

پس شروع به تحصیل نموده و مراتب مقدمات و فقه و اصول را تا دوره خارج نزد ایشان و مرحوم آیت‌اللّه نجفی فراگرفته و در رشته وعظ و تبلیغ و ارشاد وارد شده و مدت ۳۵ سال در رفسنجان به خدمات دینی اشتغال داشته و از سال ۱۳۵۰ شمسی در اثر عوامل داخلی منتقل به تهران و اکنون در مدرسه شاه‌چراغی به تدریس و در مجامع دینی به وعظ و خطابه اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محققی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام استاد بزرگوار مرحوم حاج محمد محققی لاهیجانی از علماء ابرار و فضلاء اخیار در علوم جدیده استاد و دارای رتبه دکترا و در علوم قدیمه مجتهد و مدرس سطوح عالی معقول و منقل بوده‌اند.

در سال ۱۳۲۸ ق در لاهیجان متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید تا پایان متوسطه و گرفتن دیپلم به دروس قدیمه پرداخته و برای تکمیل آن به شهر مقدس مهاجرت و چندین سال در آنجا اقامت و سطوح اولیه و وسطی را خوانده و پس از آن به قم آمده و سطوح را در نزد میرزا محمد همدانی و آیت‌الله خوانساری و دیگران تکمیل نموده و به درس آیت‌الله العظمی حایری شرکت و بعد از فوت آن مرحوم در اثر فشار زندگی و دولت وقت چندی به تجارت پرداخته تا در سفری که به شهر ری آمده و در خدمتشان به دیدن مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی رفتیم و ایشان را شناختند بیاناتی کردند که مرحوم محقق را تحت‌تاثیر قرار داده در مراجعت به قم کار را تعطیل و مجدانه مشغول به تدریس علوم عقلی و نقلی و هیئت و تشریح شدند تا اینکه ابوالزوجه ایشان آقای مدرسی که یکی از علماء محترم یزد بودند فوت نموده و ایشان عزیمت یزد کرده و چندی در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت و ترویج دین و تربیت عده‌ای از جوانان را نموده تا در سال ۱۳۷۱ قمری که مهاجرت به تهران و چند سالی به تدریس در دانشکده معقول و منقول و هم وظائف دیگر روحی و دینی نموده تا در سال ۱۳۷۵ ق از طرف زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی اعزام به آلمان غربی و هامبورگ گشته و در آنجا مسجد بزرگ اسلامی آلمان را بنا و صدها نفر پرفسور و دکتر و مهندس را مسلمان و به آئین جعفری آشنا نموده و خدمات بزرگ دیگر انجام داده و منشوراتی به زبان آلمانی و غیره در مبانی و حقایق اسلامی منتشر و موجب توجه مردم اروپا گردیده که یکی از علماء مسیح گفته بود که اگر استاد محققی در آلمان بماند ملت اروپا را عموما و یا اکثرا به اسلام می کشد.

آن مرحوم تا یکسال بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در آنجا مانده ولی در سال ۱۳۸۳ ق به واسطه بعضی از حوادث ناچار به

مراجعت گردیده و در قم سکونت گزیده و با متانت طبع و آقائی زندگی کرده تا در بیست و هشت ج ۱۳۸۹ ۱ ق که به سکته قلبی دارفانی را وداع و در مقبره ابوحسین (بقعه علماء) مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعهٔ»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناك»؛ «مأثر الكبراء فی تاريخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبين»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرةالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیهٔ»؛ «کشف الهاویهٔ»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمهٔ التامهٔ»، در احوال اکابر عامه.[۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.

تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

۱- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.

۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.

۳- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.

۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.

۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.

۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.

۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.

۸- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.

۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.

۱۰- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

۱۱- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.

۱۲- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.

۱۳- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.

۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.

۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.

۱۶- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.

۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.

۱۸- کشف‌التهمه.

۱۹- السیوف البارقه.

۲۰- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.

۲۱- شرافهٔ الاسخیاء و رذالهٔ البخلاء.

و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.

فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمهٔ التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرهٔ المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرهٔ العین فی حقوق الوالدین؛

وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرهٔ الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافهٔ السخیاء و رذالهٔ البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۲۵ ،۶/ ۱۹ ،۱۲۲ ،۴۴ ،۴۲/ ۱۸ ،۱۶۵ ،۱۵۲ – ۱۵۱ ،۷۲/ ۱۷ ،۱۶۸/ ۱۶ ،۲۹۳ ،۹۹/ ۱۲ ،۳۱۴ -۳۱۳/ ۱۱ ،۲۸۵ ،۳۸/ ۷ ،۲۵۵/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶ -۷۱۵/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۲/ ۳).

محلاتی، فضل الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید فضل الله محلاتی : نماینده حضرت امام(ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هجدهم تیر سال ۱۳۰۹ شاهد تولد نوزادی بود که بعدها در زمره عالمان مجاهد و خستگی‌ناپذیر درآمد. خدای کریم به پدر و مادری مؤمن و خداجو، پس از پنج فرزند دختر، پسری عطا نمود. این نوزاد را« فضل‌الله» نام نهادند. «ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم، این است فضل خدا که به هر که بخواهد می‌دهد و خدا دارای فضلی بزرگ است.» پدر بزرگوار ش یکی از کسبه بازار بود که علاوه بر کاسبی به کشاورزی نیز اشتغال داشت. «فضل‌الله» کم‌کم دوران کودکی را در دامن پرمهر پدر و مادر پشت سر گذاشت و در شش سالگی به مکتب رفت. پس از چندی حاج «غلامحسین» که توانایی خواندن و نوشتن را نداشت، فرزند را به یاری طلبیده و از آن به بعد وی علاوه بر تحصیل به حساب و کتاب روزانه پدر نیز می‌پرداخت. پس از طی دوران مکتب که شش سال به طول انجامید، «فضل‌الله» که دیگر نوجوانی پرشور و علاقه‌مند به تحصیل بود. به سبب جو مذهبی محلات و وجود عالمان برجسته در آن شهر، به تحصیلات حوزوی روی آورد. روایت این بخش از زندگانی «فضل‌ال» از زبان خود وی شنیدنی‌تر است:

« در شهر محلات در خانواده‌ای کاسب و کشاورز متولد شدم. پدر و مادرم بی‌سواد بودند. روی جو فرهنگی‌ای که در آن موقع وجود داشت، نمی‌گذاشتند که بچه‌ها به مدارس دولتی بروند. من در شش سالگی به مدرسه‌ای به نام میرزا که در واقع مکتب بود، رفتم. از لحاظ تعلیم قرآن و معارف اسلامی و معلومات عمومی در حد همان مدارس دولتی مطالب را به ما یاد می‌دادند. پس از

آنکه شش کلاس درس خواندم، پدرم میل داشت که کمکش کنم و دفتر دستکی که نیاز داشت، برایش بنویسیم. هم درس می‌خواندم و هم به پدر و مادرم کمک می‌کردم. به مغازه، باغ و صحرا می‌رفتم ولی خودم میل داشتم که درسم را ادامه دهم. لیکن به مدارس دولتی راه نداشتم. معمولاً ـ در هر محیطی انسان وقتی چهره‌های متدین و وارسته را می‌بیند به آنها علاقه‌مند می‌شود و کشش و جاذبه آنها انسان را به آن سمت جذب می‌کند. در محلات که شهری مذهبی بود، تابستانها عده‌ای از مراجع تقلید می‌آمدند. مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، مرحوم آیت‌الله صدر و حضرت امام (ره) چند سال تابستان تشریف می‌آوردند. در این شرائط ناگاه عشق و علاقه‌ای بر من مستولی شد که بروم طلبه شوم. پدرم مخالف بود و من در کتابهای دعا جستجو می‌کردم که ببین چه دعایی موجب می‌شود که حاجت انسان برآورده شود.

یادم هست که در همان سال عمل ام داوود را به جا آوردم. سه روز روزه ماه رجب با همان اعمال خاص و حاجتم این بود که پدرم راضی شود تا من طلبه شوم. بالاخره روی همین عشق به طلبگی، یکی دو سال در همان‌جا، پیش اهل علم درس خواندم و در ضمن به پدر و مادرم کمک کردم.

مقدمات و قدری از سیوطی و حاشیه را نزد مرحوم آیت‌الله شهیدی و بعضی از علمای محلات خواندم. یک بار که آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری به آنجا تشریف آوردند، نزد ایشان رفتم و با گریه و زاری گفتم که می‌خواهم طلبه شوم ولی پدرم راضی نمی‌شود. ایشان عموی مرا خواست و به وی گفت که شما پدر ایشان را راضی کنید، من هم ایشان را سرپرستی می‌کنم. عمویم توانست پدرم را راضی کند و من در سال ۱۳۲۴ عازم قم شدم. تازه چند ماهی از ورود آیت‌الله بروجردی به قم نگذشته بود که من در آنجا مشغول تحصیل شدم. حاشیه و سیوطی را دوباره خواندم. حاشیه را نزد مرحوم حاج محمد آقا تهرانی و سیوطی را نزد آشیخ عباس علی خواندم. معنی را نزد آشیخ علی پناه اشتهاردی خواندم. در این ایام سرپرست واقعی من مرحوم آیت‌الله محمد تقی خوانساری بود و به منزل ایشان رفت و آمد داشتم.» در حالیکه بیش از پانزده بهار از عمر «فضل‌الله »نگذشته بود، حلاوت کسب علم و دانش وی را بر آن داشت که از کانون گرم خانواده جدا شده و عازم شهر« قم» شود. از این پس وی دیگر به صورت رسمی شروع به تحصیل دروس حوزوی نموده و به تکمیل آنچه قبلاً ـ در« محلات» آموخته بود، پرداخت. وی با دقت، سرعت، نظم و تلاشی ستودنی به آموختن علوم اسلامی مشغول شد. مطول را نزد آیت‌الله «صدوقی»، معانی را نزد آیت‌الله «مطهری» و یک مقدار هم نزد آیت‌الله «مشکینی» فرا گرفت. بخش عمده شرح لمعه را نزد آیت‌الله« صدوقی» و مابقی را نزد حاج «اسدالله اصفهانی نورآبادی» خواند. با اتمام مقدمات و فراگیری سطح، دیگر وی را به نام شیخ فضل‌الله می‌شناختند. وی در خاطرات خود به تفصیل در مورد سایر اساتیدی که نزد آنان تلمذ نموده سخن می‌گوید: « بخشی از رسائل، مکاسب و کفایه را نزد آقای سلطانی خواندم. قدری از مکاسب را نزد آیت‌الله شیخ مرتضی حائری و مقداری از کفایه را نزد شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی تبریزی خواندم. این تقریباً درسهای سطح من بود، البته کمی هم نزد آشیخ محمدعلی کرمانی خواندم. منظومه منطق را خدمت اشیخ مهدی حائری بودم. تفسیر را قدری نزد حاج میرزا ابوالفضل قمی رفتم. مقداری نیز در درس تفسیر علامه طباطبایی شرکت کردم، تا رسیدم به درس خارج.

خارج را دو سه سال به درس مرحوم آیت‌الله بروجردی رفتم، ولی اصولاً درس خارج را نزد امام خواندم. درس خارج من حدود ده سال طول کشید که عمدتاً خدمت امام رفتم و هم فقه و هم اصول را پیش امام خواندم.» او از شاگردان، مریدان و یاران امام‌خمینی (ره) بود. او نسبت به امام شناختی عمیق و ارادتی عاشقانه داشت. مجذوب جاذبه‌های اخلاقی و عرفانی امام (ره) شده بود. از دوران نوجوانی با امام (ره) و خانواده‌اش آشنا بود و آن هنگام که به قم عزیمت نمود، منزلی در مقابل منزل امام (ره) در محله یخچال قاضی قم خرید. ایشان خود در این باره می‌گوید:

« انس من با امام (ره) زیاد بود و یکی از راههای ارتباطی من با امام (ره) مرحوم حاج آقا مصطفی بودند که با ایشان بزرگ شدم.

در آن زمان ایشان هم سن و سال من و متولد ۱۳۰۹ بود. امام (ره) تابستان که به محلات می‌آمدند، حاج آقا مصطفی سیزده چهارده سالش بود. من هم سیزده چهارده ساله بودم. با هم به باغ و گردش می‌رفتیم و از همان زمان با آقا مصطفی آشنا شدم. قم هم که بودیم این آشنایی باعث شد که ما بتوانیم به منزل ایشان آمد و شد بیشتری داشته باشیم و انس بیشتری با ایشان پیدا کنیم. پدر زن من، مرحوم آیت‌الله شهیدی از دوستان امام بود. در محلات هم که بودند امام بیشتر می‌آمدند منزل ایشان، ارتباط خانوادگی هم داشتیم. در نتیجه انس زیاد من به ایشان، علاقه من روز به روز به ایشان بیشتر می‌شد. من در آن زمانی که به درس امام می‌رفتم، بیش از همه وجهه اخلاقی و عرفانی ایشان برای من جاذبه داشت. من سالی که به قم آمدم، ایشان درس اخلاق می‌دادند؛ اصلاً از روز اولی که به قم آمدم ایشان درس اخلاق می‌دادند. این قضیه یک سابقه‌ای داشت. ایشان به محلات که تشریف آورده بودن،د یک ماه رمضان رأس ساعت پنج بعدازظهر می‌آمدند و در مسجد جامع می‌نشستند، مؤمنین هم می‌آمدند و ایشان برای آنها درس اخلاق می‌گفتند. همان درسهای اخلاقی که در کتاب اربعین حدیث آمده است. یک مقدارش را هم استنتاخ کرده‌ام. جاذبه‌ای که مرا به سوی درسهای اخلاقی که در سن چهارده سالگی در مسجد جامع آن می‌نشستیم. در قم هم غروب روزهای جمعه به مدرسه فیضیه تشریف می‌آوردند و آن درس اخلاق را می‌گفتند. واقعاً این درس اخلاق انسان را از گناه بیمه می‌نمود.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با این ویژگی شهید محلاتی می‌فرمایند:

« یکی دیگر از خصوصیات شهید محلاتی عشق و ارادت وافر به امام (ره) بود. به قدری ایشان به امام علاقه داشت و اعتقاد به نظرات امام داشت که هر موقع امام یک چیزی را بیان می‌فرمودند، مثل یک امر تعبدی برایش لازم الاجرا بود.

اعتقاد و ارادت ایشان به امام به نظر من یکی از عوامل تحرک مستمر و خستگی‌ناپذیر ایشان بود. امام هم به ایشان علاقه داشتند و خیلی احترام قائل بودند و به او محبت داشتند و به عنوان یک فرد مورد اعتماد به وی نظر می‌کردند.» در سال ۱۳۳۱ با نظر خانواده تصمیم به ازدواج گرفت. در این دوران که وی مشغول فراگیری علوم اسلامی در شهر« قم» بود، عازم« محلات» شد و با دختر مرحوم آیه‌الله سید «جلال شهیدی محلاتی» ازدواج نمود. مدتی در «محلات» ماند، سپس عازم« قم» شد. دو سال اول زندگی در« قم» را به همراه همسرش در منزل استیجاری گذراند تا اینکه موفق به خرید منزلی روبروی منزل امام (ره) در محله یخچال قاضی شد. شهید محلاتی در اوایل سال ۱۳۴۰ به عنوان نماینده آیه‌الله بروجردی عازم «تهران» شد و برای همیشه در آنجا اقامت گزید. در «تهران» علاوه بر انجام امور تبلیغی و نشر فرهنگ و معارف اسلامی به ادامه تحصیل خود نیز پرداخت. ایشان در خاطرات خود می‌گوید:

« در سال ۱۳۳۹ و اوایل سال ۴۰ بود که به تهران آمدم. البته در تهران هم، درسم را ادامه دادم. مدتی به درسهای آیه‌الله سید احمد خوانساری می رفتم. همچنین صبح زود به درس آیه‌الله آملی می‌رفتم و در مدرسه مروی هم با آقای انواری و بعضی از دوستان دیگر مباحثه داشتیم. گاهی هم به درس آقای آشتیانی می‌رفتم. البته اسفار را هم نزد آقای رفیعی خواندم. آقای رضی شیراز بود، آقای مهدوی بود، آقای جوادی بود و عده‌ای دیگر و ضمناً درس خصوصی هم در مدرسه مروی خدمت‌آقای مطهری داشتیم که بخش سفر نفس از اسفار را نزد ایشان خواندیم. در سطح نیز مدتی با شهید قدوسی مباحثه می‌کردم. با آیه‌الله محمد تقی کشفی بروجردی، آقای شیخ مهدی قاضی و آقای سید هاشم رسولی هم مباحثه می‌کردم.» مراوده و همنشینی با شخصیتهای برجسته و ظلم ستیزی چون امام‌خمینی (ره)، مرحوم آسید محمد تقی خوانساری و شهید نواب صفوی باعث گردید تا شهید محلاتی از ابتدای جوانی سری پرشور داشته و پیوسته در مقابل ستمگران ایستادگی نموده و سرتعظیم فرود نیاورد. از این جهت است که می‌بینیم اولین برگ از پرونده سیاسی او در ابتدای جوانی درمخالفت با آوردن جنازه رضاخان به« قم »رقم می‌خورد. ایشان وجود چنین روحیه‌ای را در خود نتیجه حشر و نشر و ارتباط با بزرگانی که نام آنها به قلم آمد، می‌داند. وی در خصوص آیه‌الله خوانساری چنین می‌گوید:

« مرحوم آیه‌الله محمدتقی خوانساری دارای روحیه‌ای فداکار و مبارز بود و در جنگ عراق و انگلستان به همراه مرحوم آیه‌الله کاشانی- در زمان میرزای شیرازی- شرکت کرده و مرد بسیار باتقوایی بود. به مبارزه هم معتقد بود. در نتیجه من این روح مبارزه را در درجه اول از ایشان گرفتم.»

در جای دیگر شهید نواب را نیز مؤثر می‌داند:

« اینجا باید بگویم که مرحوم نواب صفوی یک حق بزرگی به گردن من دارد و آن این است که این روحیه را او به من داد؛ یعنی او بود که با تأثیر نفسی که داشت، با هر کسی برخورد می‌کرد و با او مأنوس می‌شد، نه تنها او را شجاع‌بار می‌آورد بلکه آن چنان تحولی در آدم به وجود می‌آورد که در رابطه با انجام وظیفه از هیچ چیز وحشت نداشته باشد.» چندی پس از ورود به قم از طریق مرحوم آیه‌الله «سید محمدتقی خوانساری »با فدائیان اسلام ارتباط یافت و به طور مشخص در سال ۱۳۲۷ ش به جرگه آنان پیوست. ایشان در این‌باره می‌گوید:« یکی دو سال که قم بودم و منزل آسید محمدتقی خوانساری آمد و شد داشتم، با مرحوم نواب صفوی آشنا شدم. مرحوم نواب صفوی نفس عجیبی داشت که با هر کس انس پیدا می‌کرد، در او یک حالت روحی خاصی پدید می‌آمد. اشخاص را خیلی تشجیع می‌کرد و جاذبه داشت. روی همین جاذبه مرا هم به خودش جذب کرد و من چند سالی با فدائیان اسلام همکاری می‌کردم و در کنار درسی که می‌خواندم مبارزه را هم شروع کردم.

اولین برنامه مبارزه من که همگام با فدائیان اسلام بود، مبارزه با آوردن جنازه رضاخان به ایران بود. شاه نه تنها می‌خواست حکومت خودش را تثبیت کند بلکه می‌خواست افکار پدرش را هم زنده کند. بنابراین فدائیان اسلام به مبارزه برخواستند و طبق جلساتی که محرمانه داشتیم، تصمیم گرفتیم فجایع رضاشاه در مدرسه فیضیه بیان شود. قرار شد غسل شهادت بکنیم. نفرات تعیین شده به ترتیب عبارت بودند از: سید هاشم حسینی که قرار شد او اول برود روی سنگ مدرسه فیضیه بایستد و صحبت کند. یک اعلامیه مجملی هم در قم پخش شد به این مضمون که در ساعت پنج بعد از ظهر فردا خورشید روحانیت نورافشانی می‌کند. آن روز را همگی روزه گرفتیم. نفر اول سید هاشم بود، من نفر پنجم ششم بودم. سنم شاید هجده سال بود. سر ساعت پنج که شد، او رفت روی سنگ ایستاد و شروع کرد به بیان فجایع دوران رضاشاه که یک عده‌ای هم سر و صدا کردند. متولی وقت آمد جلوی ایشان را بگیرد، ولی مطلب روشن بود که چه می‌خواهند بگویند و مبارزه شروع شد. به این ترتیب هر روز در مدرسه فیضیه یک نفر صحبت می‌کرد و طلبه‌ها جمع می‌شدند. کار به جایی رسید که با تهدیدهایی که کردیم- هنگام عبور دادن جنازه از خیابانهای قم- از معممین حتی یک نفر حاضر نشد در خیابان باشد. برای رژیم خیلی آبروریزی شد. برای او که فاتحه گرفتند، از طرف دولتیها یک نفر رفت سخنرانی کرد. طلبه‌ها فوری عمامه‌اش را برداشتند و کتکش زدند و مخصوصاً از حوزه بیرونش کردند تا اینکه نیروهای شهربانی از دیوار آمدند و از دست طلبه‌ها نجاتش دادند و بعد من و رفقایم را دنبال کردند. هرجا که می‌رفتیم مأموران آگاهی قم دنبال ما بودند و پرونده و سابقه سیاسی من اولین برگه‌اش از همانجا شروع شد.»

حجه‌الاسلام سید علی اکبر محتشمی در خاطرات خود در این باره می‌گوید:

« وقتی خبر انتقال جنازه رضاخان به گوش نواب می‌رسد، به سوی قم حرکت می‌کند. در آنجا بعد از درس آیت‌الله بروجردی در مدرسه فیضیه شروع به سخنرانی می‌کند و از مظالم و جنایات رضاخان سخن می‌گوید. او اظهار می‌کند: « ارواح شهدای ما منتظر آن روزی هستند که بتوانیم انتقام خون آنها را حداقل از بازمانده او بگیریم؛ این کار را نکردید هیچ، ناظر آوردن جنازه او هم باشیم!! و ادعا کنیم سرباز امام زمان (عج) هم هستیم... » پس از این سخنرانی به تهران بر می‌گردد. بچه‌ها هر روز کارشان این بود که علیه شاه و دودمان پهلوی سخنرانی و تظاهرات می‌کردند. سید عبدالحسین واحدی آقا سید هاشم حسینی و شیخ فضل‌الله محلاتی کارگردان این برنامه‌ها در قم بودند.» رژیم اشغالگر قدس پس از جنایات فراوان در سرزمینهای اشغالی و ماجرای دیریاسین، در سال ۱۹۴۹م از طرف بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شد و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمدو

پنجاه و نهمین عضو سازمان ملل شد. رژیم شاه هم که تحت سیطره آمریکا قرار داشت، به بهانه حفظ حقوق اتباع ایرانی مقیم اسرائیل در اسفند ماه ۱۳۲۸ رژیم صهیونیستی را به رسمت شناخت. این اقدام رژیم شاه از طرف فدائیان اسلام محکوم و به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. شهید محلاتی در توضیح این ماجرا می گوید:

« مرحوم نواب یک روز بعد از ظهر در مدرسه فیضیه سخنرانی کرد و گفت: اگر می‌خواهیم اسرائیل را ساقط کنیم بایـد از تهران شروع کنیم، یعنی بایـد اول رژیم پهلوی را از بین ببریم تـا بتوانیم بـا اسرائیل بجنگیم. وقتی شهید نواب ازمدرسه خارج شد او را دستگیر کردنـد و یارانش را هم تعقیب کردند. ولی ما با سر و صدا و تظاهرات، طلبه‌های جوان و داغ را جمع کردیم و رفتیم منزل مرحوم آیت‌الله خوانساری و گفتیم که ما می‌خواهیم برویم به کمک فلسطینیها و به جنگ اسرائیل. یادم هست که آنجا دفتری آوردم و شروع کردم به اسم‌نویسی که برویم به جنگ اسرائیلیها. ولی خوب صدایمان به جایی نرسید و ما را تعقیب کردند و دستگیر کردند و زدند.» شهید« محلاتی» به جهت ارتباط با فدائیان اسلام با آیه‌الله« کاشانی» نیز آشنا شد و پس از بازگشت آیه‌الله «کاشانی» از تبعید، خود را به ایشان معرفی نمود. رفت و آمد و ارتباط با ایشان کم کم فزونی یافته تا حدی که شهید «محلاتی» به عنوان نماینده ایشان مأموریت یافت تا به شهرهای مختلف سفر کند. از جمله این مأموریتها سفر به« آذربایجان» و انتخابات دوره هفدهم بود که شرح آن را از زبان خود ایشان نقل کنیم:

« در جریان انتخابات دوره هفدهم که روابط آیت‌الله کاشانی با مصدق هنوز خوب بود، به آذربایجان رفتم و چهارماه در آذربایجان ماندنم و به عنوان نماینده از طرف ایشان مأمور شدم در انتخابات شرکت کنم. من مقلد مرحوم سید محمدتقی خوانساری بودم و ایشان اعلامیه دادند که در انتخابات شرکت کنید. از مرجعمان مجوز شرعی داشتم. من در آنجا هم منبر می‌رفتم و هم درباره انتخابات و مسائل مربوط به آن مبارزه می کردم. هفده روز یا بیشتر در مسجد جامعه تبریز من به زبان فارسی سخنرانی کردم و یکی از آقایان هم به نام سید مرتضی موسی به زبان ترکی و از رادیو پخش می‌شد. بیست و پنج روز در سراب مبارزه کردم تا بهادری را از آنجا بیرون کردیم. به اردبیل، مشکین‌شهر، مراغه و شهرهای مختلف آذربایجان رفتم و سخنرانی کردم تا انتخابات دوره هفدهم تمام شد. دو گروه در آنجا مبارزه می کردند. تیپ جبهه ملی و آیه الله کاشانی نقطه مقابل سلطنت‌طلبها بودند. در انتخابات تبریز نه نفر وکیل می‌خواستند که پنج نفر از ما انتخاب شد، چهار نفر از آنها. اینها ناراحت شدند و روز بعد از رأی گیری سلطنت‌طلبها ریختند توی مسجد جامع. رئیس شهربانی وقت سرتیپ نخعی و فرمانده لشگر سرلشکر مقبلی بود. اینها سلطنت‌طلبها را مسلح کرده بودند و ریختند توی مسجد و آنها آمدند برای کشتن من و شروع کردند به تیراندازی به طرف من. من افتادم روی زمین که تیر به من نخورد. یک عده از مردم فرار کردند، یک عده دیگر دور مرا احاطه کردند و به مقابله برخاستند. هدف آنها من بودم. الحمدلله خدا نخواست و سالم ماندم و مرا از نقطه‌ای فراری دادند.»

از میان اسناد موجود در این رابطه، تنها به سندی که حاوی گزارش سپهبد یزدانپناه، وزیر جنگ به نخست‌وزیر است، اشاره می کنیم:

« جناب آقای نخست‌وزیر محترماً رونوشت گزارش تلگرافی فرمانده لشگر ۳ تبریز راجع به سخنرانی محلاتی نام در مسجد جامع تبریز که نسبت به مقام سلطنت و عملیات دولت بدگویی و اهانت‌هایی نموده. ضمناً نامبرده را نماینده آقای کاشانی معرفی نموده‌اند. برای مزید استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می گردد و تصدیق افزا می گردد بالأخره اشخاصی که به ولایات رفته و برای اجرای مقاصد سوء، خود را نماینده و فرستاده آقای کاشانی معرفی می‌نمایند، معلوم نیست مقصود و هدفشان چیست و آیا واقعاً از طرف کاشانی فرستاده می‌شوند و یا به نام ایشان می‌خواهند جلب توجه نموده و رفتار و کردار ناپسند خود را تحمیل به اهالی نمایند و در این مقوع حساس که تمام اوقات دولت معروف به حسن جریان انتخابات می‌باشد که به صورت خوش خاتمه پذیرد، عدم جلوگیری از رفتار و گفتار این قبیل اشخاص بیشتر باعث تشنج و تهییج افکار عامه شده و موجبات عدم امنیت را فراهم می‌نماید و عاقبت کار معلوم نیست چه خواهد شد. علیهذا مستدعی است امر فرمایند به طور کلی در این مورد تصمیمات مقتضی

اتخاذ گردد تا از این گونه جریانات به طور مطلوب جلوگیری به علم آید.

وزیر جنگ- سپهبد یزدان‌پناه در اواخر سال ۱۳۳۱ حزب توده دست به ماجراجویی جدیـدی حول محور فردی به نام سید علی‌اکبر برقعی زد که نهایتاً منجر به درگیری و حمله پلیس به مردم و طلاب حوزه علمیه شد. شـهید محلاتی تفصیل این ماجرا را در آخرین مصاحبه خود بیان نموده است:

« یک آقایی به نام سید علی‌اکبر برقعی بود که مشاعرش هم خوب کار نمی‌کرد. از کسانی بود که شعار صلح می‌داد و توده‌ای‌ها را تقویت می‌کرد و گروه‌های چپ‌گرا در قم دور او بودند و از طرف دولت مصدق هم آزادی داشت. این فرد به کنفرانس صلح وین رفته بود. در موقع مراجعت توده‌ای‌ها و چپی‌ها و ملی‌گراهای آن روز به اسـتقبالش رفتنـد و یکسـره او را به حرم آوردند. وقتی وارد حرم شدند، شروع کردند به تظاهرات و چند نفری شعار علیه اسلام، قرآن و آیه‌الله بروجردی دادند. حالا آنها مأمور بودند یا غیره، نمی‌دانیم ولی این بـار بـاعث شـد که احساسات مردم برانگیخته شود و در آن زمان من یکی از آنها بودم که رفته بودم بالای دیوار همین جلوی صحن و سخنرانی کردم. مرحوم تربتی هم سخنرانی کرد. بعد هم جلوی در فرمانداری مردم را تحریک کردیم. حرف مـا این بـود که برقعی بایـد برود بیرون، مـا می‌گفـتیم فرمانـدرا بایـد جواب بدهـد. جواب ندادنـد، مردم عصـبانی شدنـد، آنهـا گـاز اشک‌آور انداختنـد که مردم را پراکنده کنند و درگیری شـهربانی با مردم و طلاب آغاز شد. روز قبلش هم یک نفر کشـته شده بود که بردند برای دفن و عده‌ای هم مجروح شدند، ولی شایع بود که عدهٔ زیادی کشته شدند. البته یک نفر به نام سرتیپ مدبر از طرف دولت مصدق برای رسیدگی به این مسئله آمد و جاها را برای کشف جنازه‌ها بررسی کردند. رفتیم منزل آیت‌الله بروجردی و چند تا از مخبرین هم از تهران آمدند و یک مصاحبه‌ای هم از من در روزنامه ترقی آن موقع چاپ شد.

وقتی رفتیم پیش مرحوم آیت‌الله بروجردی، ایشـان فرمودنـد: برویـد پیش آقـای خمینی، برویـد پیش ایشـان. من اینهـا را بردم منزل آیت‌الله خمینی و در آنجـا ایشان مسائلی را مطرح کردنـد که این قصه بایـد رسـیدگی شود و بعـد هم من مصاحبه کردم. به هر حال چنـد روز تظـاهرات بود و همان موقع سـید علی‌اکبر برقعی را هم به یزد تبعیـد کردنـد. البته آن موقع نمی‌دانستیم بعضـی‌ها به کجا و کی وابسـته بودند، ولی من الان که مطالعه می‌کنم می‌فهمم الان تحلیلم غیر از درکمان در آن موقع بود، آن موقع ما یک ظاهری را می‌دیـدیم، امـا بـاطنش چیز دیگری بود. یعنی ممکن بود بسـیاری از آن افرادی که در لبـاس توده‌ای‌هـا شـعار می‌دادنـد، اینهـا واقعاً انگلیسی باشند یا آمریکایی. آن موقع ما طلبه‌های جوان و داغ بودیم، کسی به قرآن اهانت کرده، به آقای بروجردی اهانت کرده، ما هم می‌گفتیم پدر اینها را در می‌آوریم.» در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ خبر تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیئت دولت در روزنامه منتشر شد. به موجب این لایحه قید اسلام از شرائط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان برداشته و در مراسم تحلیف به جای قرآن‌کریم، کتـاب آسـمانی قرار داده شـده بود. پس از رسـیدن روزنامه‌هـا به قم، مراجع و مقامات روحانی از جمله امام‌خمینی (ره) همان شب جلسه‌ای در منزل آیت‌الله شـیخ مرتضی حائری تشکیل دادند و به بحث و تبادل نظر پرداختند. در نتیجه هر یک از مراجع تلگرافی بـه شـاه مخـابره کردنـد. شـاه در پاسـخ تلگرام مراجع، موضـوع را بـه نخست‌وزیر و دولت محـول کرد. شـهید محلاـتی در خاطرات خود پس از نقل واقعه انجمنهای ایالتی و ولایتی به نقش خود در این ماجرا اشاره می‌کند:

« پس از ارجاع موضوع به نخست‌وزیر، امام‌خمینی (ره) یک تلگراف و یک نامه هم برای اسـدالله علم نه به عنوان نخست‌وزیر، بلکه آقـای اسـدالله علم فرسـتادند و بایـد بگـویم که آن تلگراف را به من دادنـد و من کـارم دیگر از همان موقع شـروع شـد که رابط بین ایشـان بـودم و آقایـان قـم. در این مبـارزه نوعـاً اعلامیه‌هـا را از ایشـان می‌گرفتم و به تهران می‌آوردم. در تهران یـک ارگـان مخفی داشتیم که در رأسـش مرحوم حـاج حسـین آقـا مصـدقی در بـازار بود ایشـان کاغـذ فروش بود و بـا چاپخانه‌هـا ارتبـاط داشـتند. من اعلامیه‌ها را می‌آوردم و به حاج حسـین آقا مصـدقی می‌دادم و آقای مصدقی هم می‌برد برای چاپ. بعضـی اوقات شب تا صـبح در چاپخـانه بودیم. یـک شب هم همان اعلامیه‌های خطاب به اسـدالله علم را چاپ می‌کردیم. یادم هست که پلیس آمـد و چاپخانه‌چی

فوراً با چکش به جان ماشین چاپ افتاد. گفتند: چکار می کنید؟ گفت: من بدبختم، من باید فردا کار کنم و ماشین خراب است، دارم ماشینم را درست می کنم. مأمور آمد نگاه کرد و در را بست و برگشت. در را باز از پشت قفل کردیم و شروع کردیم به چاپ کردن اعلامیه امام که پس از توزیع خیلی صدا کرد. ایشان می‌فرمودند: وعاظ را جمع کنید. ما هم اعلامیه‌های ایشان را چاپ می کردیم و هم کار من این بود که ما وعاظ را دعوت می کردیم و پیغامهای ایشان را به آنها می‌دادیم. گاهی که ایشان اعلامیه‌ای می‌نوشتند، می‌آوردیم که در منبر خوانده شود و خوانده می‌شد. حتی در مسجد ارک جلسه‌ای بود که اگر شما آن اعلامیه را دیده باشید، یک اعلامیه تندی بود که آخر هم الم تر کیف بود و آقای فلسفی روی منبر گفت: این را دم بدهید. همه دم دادند، به هر صورت این مبارزه اوج گرفت و پیروز شد. در قضیه انجمنهای ایالتی و ولایتی، دستگاه حاکم آنقدر وحشت کرده بودند که وقتی دولت تصویب‌نامهٔ انجمنهای ایالتی و ولایتی را لغو کرد، متن آن اعلامیه را که در مورد الغای آن تصویب‌نامه می‌خواستند منتشر کنند، پیش ازچاپ به من دادند. من رفتم قم و آن را به امام نشان دادم. امام آنرا خواندند، در حالی که روزنامه‌ها هنوز چاپ نکرده بودند، بعد تلفنی برای آقایان دیگر هم خواندند و گفتند خوب است. دیگران هم قبول کردند، آنوقت در روزنامه‌ها چاپ شد.»

محلاتی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالدین فرزند علامه فقیه آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی فرزند عالم جلیل حاج شیخ جعفر محلاتی از علماء بزرگ و معروف استان فارس و بالاخص شیراز است که در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در خدمت والد ماجدش به شیراز آمده و در بیت شریف محلاتی که سابقه سیصد ساله دارد پرورش یافته و مقدمات و دروس جدید را خوانده و در سن بیست سالگی در سال ۱۳۶۵ قمری سال رحلت آیت‌اللَّه العظمی اصفهان به قم عزیمت نموده و مقداری از سطوح را در خدمت مرحوم حاج شیخ مرتضی حایری یزدی و حاج آقا سلطانی بروجردی تکمیل نموده و جلد اول کفایه را از مرحوم حاج سید زین‌العابدین کاشانی و جلد دوم را از محضر مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم میرزا محمد مجاهد تبریزی آموخته و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی استفاده نموده و به درس خارج آقای محقق داماد و امام راحل و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و بهره‌مند شده و شرح تجرید را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری فراگرفته است.

در سال ۱۳۸۰ قمری به شیراز برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین در مسجد مولا مسجد آبائی و اجدادی و نیز مسجد ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف واقع در خیابان داریوش شیراز که از آثار خیر خودشان می‌باشد مشغول شده و به واسطه اعتراض و روشن کردن افکار مردم بالخصوص نسل جوان به جنایات رژیم شاه از طرف دولت بازداشت و تبعید به ایرانشهر بلوچستان و زاهدان شده و پس از چندین ماه آزاد و در نهضت امام راحل و قیام پانزده خرداد با والد ماجدش مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و خطیب توانا و واعظ برنای شیرازی حاج سید مجدالدین مصباحی دستگیر و به زندان ارتش تهران برده شدند و پس از چند ماه آزاد و به وطن بازگشت باز به خدمات دینی پرداخته تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۲ قمری و ۱۳۷۰ شمسی اشتغال دارند.

دارای آثار علمی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و باقیات الصالحات ایشان

۱- تفسیر بعضی از سور قرآنیه.

۲- ترجمه کتاب (ثم اهتدیت) دکتر تیجانی تونسی.

۳- ترجمه کتاب کونوا مع الصادقین دکتر تیجانی.

۴- درس عقاید برای دانشگاهی‌ها.

۵- تأسیس خیریه اسلامیه در سال ۱۳۴۳ شمسی.

۶- تأسیس مدرسه حضرت ولی‌عصر در خیابان نمازی نو (شهید دستغیب).

۷- تأسیس کتابخانه مدرسه امام عصر (ع) که بیش از بیست هزار جلد کتاب دارد.

داماد معظم ایشان فاضل ارجمند و نویسنده دانشمند جناب حاج سید حسین مدرسی است که از افاضل آقازادگان حوزه علمیه است که چندین سال است در دانشگاه واشنگتن امریکا مشغول به تدریس و خدمات دینی می‌باشند ادام‌اللّه عزهم و توفیقاتهم.

مجدالدین محلاتی بن العلامهٔ الورع آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی از علماء فعال و موثر و خدمتگذار معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ قمری ه در شیراز متولد شده و در بیت علم و فضیلت آیت‌اللّه محلاتی پرورش یافته و دروس جدید را تا متوسطه خوانده و به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و مقدمات و سطوح وسطی را در شیراز نزد والد ماجدش و مدرسین دیگر فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح عالی را از اساتید بزرگ به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی خمینی و دیگران حاضر و از دروس فقه و اصول آنان استفاده نموده است مترجم محترم ما (جناب مستطاب حاج آقا مجدالدین محلاتی) با داشتن استعداد فوق‌العاده به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و بر بسیاری از اقران فائق و مشار بالبنان گردیده و بعد از فوت آیت‌اللّه العظمی بروجردی به شیراز مراجعت و به خدمات دینی و اجتماعی از قبیل امامت در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف که به همت و سعی وی بنا شده و تدریس در مدرسه خان و گفتن تفسیر قرآن و تنویر افکار روشنفکران و نسل جوان پرداخته و خدمات بسیار ارزنده‌ای نموده است.

آثار و باقیات الصالحات معظم له از بناء و تعمیر مساجد در شیراز و حومه آن بسیار است.

و از خدمات اجتماعی ایشان تأسیس درمانگاه بزرگ و مهمی است بنام درمانگاه «ولی عصر» که برای بینوایان و مستمندان تأسیس نموده و تاکنون هزارها نفر بیمار را به رایگان معالجه و مداوا نموده است.

نگارنده گوید: مترجم محترم که در میان روحانیون شیراز و حوزه علمیه قم و غیره معروف به فضل و دیانت و در شیراز بسیار موجه و مانند نیاکان و اسلاف گرامش مورد علاقه و توجه مردم عالم‌دوست شیراز است.

در خلال خدماتش سوانحی برای وی پیش آمده که قهراً قریب دو سال در ایرانشهر بلوچستان و زاهدان و شهر بابک و یزد اقامت داشته و در آنجا هم اشتغال به وظائف روحی خود داشته و در حال حاضر یکی از دانشمندان و علماء نافذ و ممتاز استان فارس و شیراز محسوب می‌شود.

ایشان غیر از جزوات تقریرات درسی فقه و اصول اساتید حوزه علمیه قم تالیفات دیگری دارند که بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محمدی عراقی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر محمدی عراقی مشهور (به حاج آقا بزرگ) ابن مرحوم حجهٔالاسلام آقا محمد عراقی (متوطن و متوفی و مدفون در کنگاور) ابن المحروم آیت‌اللَّه الملک العلام آخوند ملا محمدباقر کوهرودی اراکی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری قدس ره و در کتابهای شخصیت شیخ انصاری و اعیان‌الشیعه والذریعه و نقباء البشر شرح حال و تصنیفات آن مرحوم اشاره شده است.

مترجم گرامی ما در ماه رجب ۱۳۱۷ قمری در قریه کرهرود اراک بدنیا آمده و در سال ۱۳۳۶ قمری در خدمت مرحوم پدرش به کنگاور (مدفن مرحوم جدش) آمده به تحصیل علوم دینیه از مقدمات و سطوح متوسط فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و غیره پرداخته و علوم مذکوره را از مرحوم والدش فراگرفته.

و در سال ۱۳۵۸ قمری که مرحوم والدش در آنجا وفات نموده با داشتن اجازات از مجتهدین و مراجع تقلید قدس اللَّه اسرارهم و کثر اللَّه امثالهم تصدی امور شرعی آن سامان گردیده و تاکنون که سال ۱۳۹۵ قمریست در آن منطقه به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تفسیر قرآن و وظائف دیگر روحی اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات آنجناب فرزند فاضل و برومند ایشانست جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فخر الاماثل والاقران آقای حاج آقا بهاءالدین محمدی کنگاوری که سالهای متمادی مقیم حوزه علمیه قم بوده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی موسوی مدظله استفاده فقه و اصول نموده تا در چند سال قبل که بنابر دعوت عده‌ای از اهالی کرمانشاه رحل اقامت به آن سامان افکنده و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی عراقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود محمدی عراقی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال ۱۳۳۱ در خانواده ای روحانی ، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیم پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش های قابل توجهی کرد.وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از

بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد.محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد.وی در شکل گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است.محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن مرحوم آیت‌اللَّه محمدی از علماء محترم معاصر گلپایگانست.

وی در ربیع‌المولود ۱۳۲۵ ق در قریه اسفرنجان دیده بدنیا گشود و بعد از طی دوران کودکی و تحصیل مختصری از مقدمات رهسپار اصفهان شده و در خدمت اساتید آن محیط دانش مفذمات و سطح را فراگرفت و در سال ۱۳۰۷ شمسی به نجف اشرف مشرف و در آن محیط نورانی در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه مشکینی و مرحوم آیت‌اللَّه عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی رضوان‌اللَّه‌علیهم اشتغال به تحصیل داشت و بعد از هفت سال در سال ۱۳۱۴ شمسی با دریافت اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیتین عراقی و اصفهانی طاب اللَّه ثراهما به ایران مراجعت و چند سالی در خدمت پدر به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول بود تا در سال ۱۳۲۰ شمسی نعمت وجود پدر را از دست داده و از آن تاریخ شخصاً با اتکال به لطف خدا او توسل به ذیل عنایت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام متصدی حفظ نظام امور دینی و خدمات اجتماعی این منطقه گردید.

و با اینکه از سال ۱۳۲۲ برحسب دعوت که اهالی شهر گلپایگان از او نمودند موفق شد که در محیط به اقامه جمعه و جماعت بپردازد و نماز جمعه که سالها بود از آن محیط متروک و مهجور بود زنده نموده و بپای بدارد و توانست که مسجد جامع تاریخی و باعظمت این شهر را که متروک و مهجور و مخروبه بود افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.

مع ذلک محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می‌کرد تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر بوجود او با عوامل دیگر ایجاب نمود که به شهر منتقل شود و در چند سال قبل این اقدام را نمود و به شهر منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد و مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی معمور و مجهز نمود و آن را پایگاه برازنده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرده و آیت‌اللَّه حایری گلپایگانی در مورد این موفقیت این چند شعر ذیل سرودند.

مسجد مزبور از هر جهت مجهز و دارای کتابخانه نفیسی است که در ردیف مساجد معمور درجه اول ایران می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم محمدی

محل تولد : دره شهر ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۴۱در مرکز بخش بـدره از توابع استـان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشـکلات معیشتی در سن ۴ سـالگی به همراه خـانواده به خرمشـهر مهاجرت نمودیم و تا سال ۱۳۵۸ درآنجا مانـدیم. با شـروع جنگ تحمیلی در حالی که تمـام دارایی و خـانه و کاشـانه خود را از دست داده بودیم مجـدداً به موطن اصـلی خود یعنی ایلاـم بازگشتیم و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه تازه تأسـیس شهرسـتان دره‌شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت آیت الله شیخ ابوالفضـل خوانسـاری امام جمعه وقت اراک وارد شـدم و در آنجا ضـمن تحصـیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفـظ اشـعار سیوطی و... به تـدریس در سـطوح پـایینتر حوزه در همـان حوزه مبـارکه و در حوزه علمیه حاج محمـد ابراهیم و حاج آقاضیـاء اراک مشـغول بودم و در اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه قم شـدم و در طی تحصـیل و تـدریس هیـچ وقت ارتباطم با جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.

در جنگ تحمیلی مجروح شـدم و تا مرز شـهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشـد در حوزه مبارکه قم ضـمن تحصـیل هیـچ وقت از تـدریس در سـطوح مختلف غافـل نبودم و سـعی بر آن داشـتم یـا در مطـالعه بـاشم یـا مباحثه یا تحصـیل یا تـدریس و دل‌مشـغولی‌ای جز این نداشـتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پایبند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهـات داشـتم، که متأسـفانه هم اکنون آن حالاـت آنچنان که بایـد وجود نـدارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سـیوطی و مغنی و مختصـر و قسمت عمده ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امـام(ره) را نزد آقای رجایی و گلسـتان سـعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسـلام و اعتقـادات را نیز نزد مرحوم آقـای شـیخ محمـدحسن خوانساری و حاشـیه حاج ملا عبـدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شـرح لمعه را نزد حضـرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشـانی و نکونـام و اصـول فقـه را نزد آقـای حسـینی بوشـهری و رسائـل را نزد آقـای اعتمـادی و مکـاسب را نزد آقـای سـتوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسـمتی را نزد آقای گنجی گذرانـدم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی(ره) بودند.

دوره چهـار ساله تخصصـی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق(ع) در سال ۱۳۷۴ به پایـان بردم در این دوره اسـفار را نزد آیـت الله دکـتر بهشـتی، سـبحانی، گرامی و نهایـهٔ الاـصول را نزد آقـای فیاضـی و اشـارات و تنبهـات ابن سـینارا نزد اسـتاد گرامی و ممـدوحی و سـبحانی و شـناخت مکتب ماتریالیسم و نظریهٔ المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سـبحانی و قسـمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و

اصالـة الفطرة و... نزد اسـتاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضـرت بقیهٔ الله حاجی آباد لک‌ها صـبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصـرها در مدرسه حضـرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشـغول بودم و در سال ۱۳۷۷ با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شـدم و همچنـان تـدریس در حـوزه مبـارکه قم در سطح کفـایه و خـارج فقه و اصول در یکی از مـدرس‌های حرم مطهر و مـدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصـیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که خداونـد از این بنـده حقیرش راضـی باشـد جهـان را ترک نمایم. در طول مـدت حضور در حوزه دست نوشـته‌هایی فراهم شـده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شونـد و یا هزینه آنها نبوده و امیـدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتـد به مـدت چنـدین سال است که در دانشگاه مشغول تـدریس هسـتم تـا بـدین وسیله ارتبـاطم بـا فرهیختگـان غیرحوزوی و دانشـجویان قطع نشود و در تأسیس بعضـی ساختمان‌هـای دانشـگاه آزاد اسلامشـهر نیز کمک‌هـای فراوانی نمودم و در سـال امـام علی(ع) به اتفاق دو نفر از دوسـتان به نام‌های آقایان حجت الاسـلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسـی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای انصاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سـال ۱۳۳۸ در یـک خـانواده روحانی فرهنگی در اصـفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سـرشار و اسـتعداد اسـتثنایی دوران تحصـیلات ابتـدایی را در حالی به اتمام رسانـد که بخشـی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضـر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصـله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتیـد برجسـته حوزه علمیه قم و در فصل تابسـتان در اصـفهان می آموخت . تحصـیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تـا موفق به اخـذ درجه دکـتری تخصصـی گردیـد . در سـال ۱۳۶۹ بنا به تاییـد مراجع تقلیـد و اساتیـد دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شـهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شـرکت کرد و بنا به تاییـد هیئت ممتحنین موفق به اخـذ مدرک رسـمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .

دکتر محمـدی اصـفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخـذ مـدرک دکترای تخصصـی از واحـد علوم و تحقیقـات تهران در رشته عرفـان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء

شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمدی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی محمدی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۳۷ در همدان متولد شدم، پس از فراگیری قرآن مجید و برخی از کتب متداول آن روز در مکتب خانه های رایج آن زمان پرداخته سپس در دبستان تا کلاس پنجم ابتدایی را سپری کرده. در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم، ادبیات عرب، معانی بیان و منطق را از محضر اساتیدی از جمله استاد مدرس افغانی استفاده نمودم، معالم الاصول، اصول فقه مظفر، شرح لمعه نیز از اساتید دروس فقه در آن زمان فرا گرفتم، فلسفه را در حد بدایه الحکمه و نهایه الاحکمه از محضر استاد فیاضی شرح منظومه را از استاد گرامی و انصاری شیرازی، بهره گرفتم اسفار را از محضر استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی فرا گرفتم.وسایل را از محضر استاد اعتمادی و دیگر بزرگان استفاده کردم. مکاسب و کفایه را بیشتر از محضر استاد ستوده بهره گرفتم. سپس در درس

خارج در محضر اساتیدی بوده و هستم که نوشته شده است. در کنار تحصیل حوزوی تحصیلات کلاسیک را تا سوم نظری ادامه دادم سپس با پذیرش در کنکور تربیت مدرس دانشگاه قم مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم. و طبق رسم رایج در حوزه ها در فرصت های مناسب تبلیغ را وظیفه خود دیده از آن غفلت و دریغ نکردم، در مواقع لزوم مناطق محروم کشور را جهت تبلیغ مسایل اسلامی برگزیدم. تدوین و نوشتن را طبق توصیه اساتید بزرگ غنیمت شمرده، در مواردی که احساس وظیفه می نمودم از همکاری با نهادهای مرتبط با نظام مقدس جمهوری اسلامی کوتاهی نمی نمودم از جمله همکاری با گروه تاریخ اسلامی مرکز تحقیقات سپاه، دفتر تبلیغاتی اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی و ... و اینک نیز در خدمت مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه می باشم.

محمدی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم محمدی

محل تولد : اردل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرسه در سال ۱۳۶۵تا سال ۱۳۷۰سطوح مقدماتی را د رحوزه های علمیه استان چهار محال و بختیاری گذراندم. از سال ۱۳۷۰تا کنون در حوزه علمیه قم هستم و دروس سطح تا خارج را گذراندم. و در سال ۱۳۷۹وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه سطح ۴شدم و اکنون د رحال تدوین مراحل پایانی پایان نامه آن می باشم که با عنوان (نسبیت گرائی اخلاق از دیدگاه مکاتب اخلاقی غرب و روشنفکران مسلمان) نوشته شده است .مدتی در مرکز مطالعات حوزه به پرسشهای ارسالی پاسخ می دادم و در مجله صباح وابسته به آن مجموعه نیز برخی مقالات از بنده چاپ شده، همچنین مقالاتی د رحوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رساندم. از سال ۱۳۸۱تا سال ۱۳۸۳مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایلام د رحال خدمت بودم که در همان سال اول به عنوان مسئول نمونه کشوری معرفی گردیدم .

لازم به ذکر است از سال ۱۳۶۸تاکنون فعالیتهای تبلیغی در مدارس ،مناطق عشایری ،روستاها ،نیروهای نظامی و دانشگاههای سراسر کشور به انجام رسانده ام. الان نیز به عنوان مشاور سردبیر و دبیر تحریر مجله علمی پژوهشی نشریه اندیشه نوین دینی به فعالیت علمی مشغول هستم. لازم به ذکر است که سطح مجله از نظر علمی ویژه اساتید دانشگاه و محققین کشور می باشد. از نظر فعالیت های علمی از سالهای اول طلبگی تا الان به تدریس دروس حوزه از صرف و نحو ،منطق وفلسفه تدریس داشته ام،هم د رحوزه های شهرستان و هم قم . و علاوه بر اینها در مرکز جهانی علوم اسلامی مدتی تدریس کردم .همچنین مدتی د رسال۱۳۷۲مدیر داخلی مدرسه علمیه شهر قصر شیرین بوده ام. از سال ۱۳۸۱تا۱۳۸۳ تدریس در دانشگاههای علوم پزشکی و آزاد اسلامی ایلام را عهده دار بودم و سال۱۳۸۴تربیت معلم شهید رجائی تهران و ترم قبل والان دانشگاه قم ،و همچنین در ترم گذشته و همچنین جهت ترم آینده

دانشگاه تهران (میدان انقلاب) تدریس به عهده گرفته ام .

محمودی، امیرملک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر ملک محمودی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: ۱۳۴۷ متولد ۱۳۵۱ صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارتهای تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.

در کنار تحصیل با جدیّت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستان‌ها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال ۱۳۶۰ تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال ۱۳۷۴ با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.

اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محمودی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

. اینجانب حسن محمودی متولد۱۳۵۶درمحمدشهر کرج می باشم درسال ۱۳۷۶بواسطه اشنایی باآقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم ودرانجا از محضر اساتید بزرگوارچون ایت الله مظاهری وایت الله ناصری دولت ابادی وایت الله مهدوی وحجج اسلام اقایان عبودیت وکشکولی ومعمارمنتظرین ودیگربزرگان بهرهها بردم

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد

استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارك رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده

است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

مخبر، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس مخبر (امام جمعه دزفول) در سال ۱۳۰۷ شمسی در دزفول متولد شده و در شهر خون و قیام و مقاومت در برابر دشمن پرورش یافته و مقدمات و سطوح و خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و آیات عظام زیر استفاده نموده تا به رتبه‌ای از علم و دانش و حدیث رسیده است.

۱- آیت‌اللّٰه معزی دزفولی

۲- آیت‌اللّٰه حاج شیخ منصور سبط شیخ انصاری

۳- آیت‌اللّٰه نبوی دزفولی (ره)

مرحوم خبر از دانشمندان و گویندگان مجاهد و مبارز استان خوزستان به ویژه شهرستان دزفول بوده و با بیان گرم مردم را سوق به انقلاب داده و خود سنگری برای به ثمر رسیدن انقلاب بود و همواره پیش قافله و پیش آهنگ مردم مقاوم آن سامان بوده و جدا که زیر توپ و موشک عجیب استقامتی نمود.

و چندی هم امام جمعه این شهرستان بود و هرگز این سنگر را رها نکرد تا در سال ۱۴۱۰ قمری که از دنیا رفته و به اولیاء حق پیوست.

آثاری از تألیفات خود گذارده که از نظرتان می گذرانم.

۱- قاموس الفقه

۲- شرح دعا مکارم‌الاخلاق به اسم مدینه فاضله

۳- امام سجاد (ع) سخنرانی یک ماه رمضان در جامعه اهواز

۴- راهنما و فلسفه حج

۵- شاگردی در مکتب استاد

۶- آغاز دانش

۷- روش نوین در فلسفه

۸- ارمغان شهید ترجمه مسکن الفواد و غیر اینها.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مختاری، روح الامین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌شمس الدین محمد بن سید محمد رضا مختاری نائینی اصفهانی.

فاضل صالح، و واعظ کامل، مؤلف: «تأویل الآیات». وی از ائمه‌ی مسجد جامع جدید عباسی بوده است. سال وفاتش معلوم نیست.

از معاصرین صاحب ریاض العلماء است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مختاری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مختاری

محل تولد : تیران کرون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۹/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری ، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی ، و ... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی ، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول،رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و ... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثرا به حوزه های علمیه سایر شهرستانها می رفتم و به درس یا تدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود ۴ سال، خوانسار، حدود ۵ سال، و دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصری اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصری (درس لمعه) بهره می بردم.با شروع دوره های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش هایم در خدمت قرآن

کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب ، مقاله و ... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مددی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن آیت‌اللَّه آقا سید علی مدد قائنی مددی از دانشمندان معاصر قائن می‌باشد وی در سال ۱۳۴۸ ق هجری در نجف مشرف و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از دراسات خارج آیات عظام چون آیت‌اللَّه اصفهانی و والدش و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در خدمت والدش در سال ۱۳۷۵ قمری به ایران و خراسان آمده و بنابر دعوت و استدعاء مردم بندر پهلوی به آنجا (بندر امام فعلی) عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مددی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن العلامهٔ الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید علی مدد قائینی مددی از علماء موصوف به تقوای معاصر مشهد مقدسند وی در دهم رجب ۱۳۳۹ در نجف متولد و در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و اولیات را نزد فضلاء نجف خوانده و سطوح را از علماء و مدرسین آنجا تکمیل و از خارج ابحاث آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه والدش و آیت‌اللَّه آقا سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در مصاحبت والد مبرورش به مشهد آمده و به تدریس و مباحثات سطوح پرداخته و پس از فوت والدش به جای ایشان به اقامه جماعت در مسجد بالاسر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مدرس گرجی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۸ ذیقعده ۱۳۱۳ ق.

درگذشت: ۵ بهمن ۱۳۶۳، سنندج.

ملا عبدالله مدرس گرجی، فرزند عبدالکریم مدرس گرجی، تحصیلات مقدماتی را نزد برادرش محمد شروع و بعدها در محضر ملا عبدالعظیم مجتهد و چند تن دیگر از علمای کردستان به پایان رساند و به دریافت اجازه موفق شد که این اجازات و مداک او بعدها به تصویب و تأیید وزارت معارف و اوقاف نیز رسید. او تا پایان عمر مرتبا به تدریس و تحشیه و تألیف و مطالعه و یادداشت نکات علمی و ادبی و نیز امامت و ارشاد مردم سنندج در مجسد ملاویسی مشغول بود. وی در تصوف و عرفان نیز دارای مقام بود.

ملا عبدالله مدرس گرجی در تمام رشته‌های علمی و ادبی و دینی از صرف و نحو و منطق و کلام و تفسیر و حدیث و غیره وارد بود و آنها را تدریس می‌فرمود. فهرست آثار وی به این شرح است: رساله‌ای در ابطال جواز الصلاۀ فی الحضر بلا وجود عذر و المطر به عربی؛ رساله‌ای در منطق به فارسی با تفریظ ملا خالد مفتی‌زاده و ملا عبدالمجید اصولی؛ رساله‌ای در پیام به برادران دینی و خطاب به عموم مسمانان جهان به فارسی که به تفریظ سید عبدالعزیز شیخ‌الاسلام کردستان و ادیب حبیب‌الله کاشتری رسیده است؛ کشف الغوایه در رد شبهات؛ رساله‌ای به فارسی در حساب و جبر؛ رساله‌ای به فارسی درباره وجوب حجاب در اسلام؛ رساله ای در مناسک حج؛ مولودنامه کردی؛ تحقیق النسخ در رد متعرضین نصاری؛ و چند کتاب دیگر.

(۱۴۰۵ -۱۳۱۳ ق)، عالم دین و مدرس. وی امام جماعت مسجد ملاویسی سنندج بود و به تدریس نیز می‌پرداخت. در سنندج درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «منطق»، به فارسی؛ «پیام به برادران دینی»؛ «کشف الغوایۀ»، در رد شبهات؛ رساله‌ای در «حساب و جبر»، به فارسی؛ رساله‌ای در «وجوب حجاب در اسلام»، به فارسی؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ «مولودنامه‌ی کردی»؛ «تحقیق النسخ»، در رد معترضین نصارا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۰/ ۲).

مدرس یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۸۷، یزد.

درگذشت: ۱۸ شهریور ۱۳۷۱.

آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجددا به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محله‌ی امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که

در این مـدت علاوه بر اقامه جماعت در تعـدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار (مروی قدیم)، حاج ابوالحسن و... پرداخت.

آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمدتقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.

از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به استثنای دیوان شعر شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف عروهٔ الوثقی رسائل و مکاسب نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد.

آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقـا میرزا محمـد بـاقر، عالم فاضل، از ائمه جماعت در محله پاقلعه بود. در ظهر روز ۴ شنبه ۳۰ رجب سال ۱۳۸۸ مقارن طبع کتاب به سن متجاوز از هفتاد وفات یافته، در مقبره جد بزرگوار خویش، جنب مسجد رحیم خان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد حسین مدرسی یزدی فرزنـد مرحوم عالم ربانی حجهٔالاسـلام حاج سید محمود مدرسی یزدی (داماد معظم آیت‌اللّه حاج آقا مجدالـدین محلا‌تی شیرازی) یکی از چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم می‌باشـند که به زیور علم و عمل و متانت و مناعت طبع و بزرگـواری آراسـته اسـت و اکنـون سالیـان دراز است که در آمریکـا (واشـنگتن) به خـدمات دینی و فرهنگی در آن منطقه بـاختری اشتغال دارد و خدمات چشمگیری هم انجام داده است.

آقای مدرسـی در سال ۱۳۱۴ شمسـی در قـم به دنیـا آمـده و در بیت دانش و ورع پرورش یـافته و پس از خوانـدن دروس جدیـد به تحصـیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سـطوح اولیه و عالیه را از مدرسـین و اساتیـد حوزه علمیه آموخته و چند سالی هم از دروس آیات عظام اسـتفاده کرده و زبان انگلیسـی و غیره را نیز فراگرفته و برای خدمت بیشتر سفر به اروپا و امریکا نموده و چندین سالست که در امریکا و در دانشـگاه واشـنگتن اشـتغال به تدریس علوم و فنون اسـلامی و تبلیغ احکام و ترویج دین مبین اسلام و تنویر افکار دانشجویان و غیره دارند.

آقـای مدرسـی بـا بیت شـریف محلاتی شـیراز وصـلت نموده و صبیه آیت‌اللّه حاج شـیخ مجدالـدین محلاتی فرزنـد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی را در اختیار دارند و بسیار مورد علاقه این بیت مخصوصا پدر همسر خود می‌باشند.

آقای مدرسی دارای تألیفات ارزنده هستند که به زبان فارسی و انگلیسی به طبع رسیده است و متاسفانه تاکنون فهرست آن به دست

حقیر نرسیده که در اینجا منعکس نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمدحسن بن العلامه سید محمد مدرسی یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام و دانشمندان کرام حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان قم می‌باشند.

در حدود سال ۱۳۲۰ قمری در یزد متولد شده و پس از رشد و دیدن قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ قم تکمیل و به حوزه درس مرحوم آیت‌الله موسس حایری و آیت‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و مدت ۱۸ سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی انارالله برهانه استفاده نموده و در پائین شهر قم به ترویجات دینی و روحی و اقامه جماعت پرداخته و تا هم‌اکنون به خدمات مذهبی اشتغال دارند.

والد ماجدش مرحوم علامه حاج سید محمد یزدی از شیوخ علماء و اکابر دانشمندان یزد بوده و در سال ۱۳۴۱ قمری در یزد از دنیا رفته و در قبرستان جوی هرمر به خاک رفته است.

برادر ارجمندش جناب عالم فاضل حاج سید محمدباقر میرصالحی مدرسی از ائمه جماعت یزد بوده‌اند.

فرزندان ارجمند روحانی دارد که در سلک روحانیت به تبلیغات مسائل احکام و ترویجات دینی از طریق منبر اشتغال دارند و آنها به اسامی زیر می‌باشند.

۱- حاج آقا محمد مدرسی که از وعاظ محترم قم و تهران می‌باشند.

۲- حاج‌آقا علی مدرسی یزدی که با مولف طریق صداقت را دارند.

۳- حاج‌آقا کاظم مدرسی.

۴- حاج‌آقا احمد مدرسی یزدی ۵- آقا محمود مدرسی

۶- آقا رضا مدرسی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران سید محمد رضا مدرسی

محل تولد : یزد

شهرت : مدرسی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدیّن و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیهٔ الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیهٔ الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیرهٔ علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیهٔ الله سید احمد مدرسی ـ نیز از استادان مبرز حوزهٔ علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیهٔ الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیهٔ الله مدرسی یزدی در حدود ۵ سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از ۷ سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسهٔ معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دورهٔ مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دورهٔ مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ‌گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیهٔ الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال ۱۳۵۱ که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیهٔ الله صلواتی و آیهٔ الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیهٔ الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیهٔ الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیهٔ الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیهٔ الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیهٔ الله شهید مطهری و نیز آیهٔالله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حائری، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت‌الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیتهای بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیهٔ الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایهٔ الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیهٔ الله مدرسی از سال ۱۳۷۲ ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به

پایان رسیده و هم اکنون دورهٔ دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است. او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیهٔ الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی(ره) از طریق مرحوم آیهٔ الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیتها سیاسی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام(ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خبرگان در یزد اشاره کرد. آیهٔ الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضوریافت. آیهٔ الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مدنی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۳، دهخوارقان (آذرشهر)، از توابع تبریز.

شهادت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، تبریز.

آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقا میرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و پس از گذراندن دوره سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.

مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال ۱۳۶۳ ق. به زیارت خانه خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و درس خود را در آنجا شروع کرد و در درسهای آیت‌الله خویی شرکت نمود و روزانه چندین جلسه درس از کفایهٔ، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌های و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن ۱۳۷۵ که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آن‌ها پرداختند و با دادان تعدای شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان ۵۰۰ نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید.» بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملاـ معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان طبق حکم بیست و یکم مهر ۱۳۵۸ ایشان به عهده داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در اداره‌ی امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با همیاری مردم آنها را از صحنه‌ی سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوء قصد شد.

از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان، بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک، راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصر شیرین، اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی کمالیه‌ی خرم‌آباد، احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا، ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکست حصر سوسنگرد).

آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور ۱۳۶۰ بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم معصومه (س) به خاک سپردند.

حاج سید اسداللّه مدنی دهخوار قانی (آذر شهری) از علماء مبرز معاصر است در شهر خرم‌آباد. وی در سال ۱۳۳۱ قمری در آذرشهر متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح اولی در محل خود به اتفاق برادر رضاعی خود جناب مستطاب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر حکمت‌نیا در سال ۱۳۵۶ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید محمد حجهٔ کوه‌کمری و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری طاب ثراهما حاضر شده و استفاده کامل نموده و خود به تدریس سطوح و اخلاق پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیات بزرگ حوزه نجف بالاخص زعیم اعظم و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و خود در آن سامان به تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در فصل تابستان به همدان آمده و مورد توجه مخصوص مردم باایمان همدان و بالخصوص دانشمندان آن شهرستان قرار گرفته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که مردم عالم دوست شهرستان خرم‌آباد مرکز فرمانداری منطقه لرستان برای سرپرست حوزه علمیه آنجا و مرجعیت مردم آن ناحیه تقاضا و به اصرار آنجناب را به خرم‌آباد برده و تاکنون از وجود ذیجودش استفاده و استفاضه می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مدنی

محل تولد : گیلان

شهرت : مدنی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب «محمـد» فرزند «حسین» فرزند «حاجی» با نام خانوادگی «مدنی»، ملقب به «عبد الزهراء» که از عطایای ملوکانه ملکه عالمین حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در یک عالمی به این احقر بوده، در یکم تیر ماه سال ۱۳۴۷ شمسی مطابق با بیست و پنجم ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری در دهستان نوخاله اکبری از توابع شهرستان صومعه سرا از شهرهای غربی استان گیلان از مادری متدینه به نام «فرخنـده رمضانی پور» فرزند«محمدجان» فرزند «کربلایی طوفانعلی» که با پای پیاده از گیلان تا کربلای معلی مشرف شده بود، متولـد شـدم. دوران کودکی را تحت الطـاف الهی و کنف محبت پـدر و مـادرم که به حلال و حرام الهی اهمیت خاصـی می دادند گذراندم و تا آنجایی که به یاد دارم در یک خانواده شلوغ و پر جنب و جوش و زحمتکش و دین باور پرورش یافتم.

بر اسـاس فضای حاکم در روسـتا که معمولا کارها به صورت دسـته جمعی انجام می پـذیرد. من نیز در کارهایی که محول می شـد کوشا بودم. در عین حال به مدرسه می ر فتم و دوره های ابتدایی و راهنمایی را به سختی گذراندم.

یادم می آید کلاس سوم ابتدایی را می گذراندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری منادی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) حضـرت امـام خمینی رضوان الله علیه آغاز شـد و در جنب و جوش و فعالیت های دانش آموزی، راهپیمایی های محلی که به تهییج دلباختگـان امام صورت می گرفت و در پخش پوسترها و اعلامیه ها با عـده ای از دوسـتان هم سن وسال شـرکت می نمودیم. اولین بـار که عکس دلربـای حضـرت امام خمینی رضوان الله علیه را دیـدم چنان مات آن چهره ملکوتی شـدم، تو گویی از خود بی خود، اشـک محبت از دیـده ام جـاری شـده بـود. آتش این اشتیـاق روز به روز برافروخته تر می شـد. هیبت و هیئت آن فرزانه مرد در آن سنین خردی چنـان در دل نشـست که بیرون کردنش مشکل می نمود (آنچنـان جـای گرفته است که مشکل برود) لا ـ جرم روش و منطق او، در روحیه من تاثیر عمیق گذاشـته و چراغ عشق راه روحانیت شـیعی در دلم روشن گشت و خـدا را شـکر بدین طریق مایل شدم.

زندگینامه علمی:

پس از پایان دوره راهنمایی با همه مشـکلاتی که سـر راهم ایجاد شده بود، در اواخر ۱۳۶۳ رسـما طلبه شدم و به خیل سلسله طلاب علوم دینیه پیوستم.

جـامع المقـدمات و سـیوطی (الفیه ابن مالک) و حاشـیه ملا عبـدالله و مغنی اللبیب که کتب مقـدماتی بودنـد را در شهرسـتان رشت، مـدرسه علمیه «حـاج حسن» معروف به صالـح آبـاد (که بسـیاری از بزرگـان از جمله مجاهـد فی سبیـل الله میرزا کوچک جنگلی از ثمرات آن مدرسه اند) در نزد عالم ورع و اخلاقی کامل مرحوم حجت السـلام و المسـلمین الحاج شـیخ محمد حسن مهدوی تولمی که از شـاگردان مرحـوم آیت الله العظمی سـید حسن بحر العلوم و آیت الله سـید محمود ضـیابری رحمت الله علیهمـا بود و مـدیریت حوزه علمیه صالح آباد را نیز بعهده داشت، تعلیم گرفتم و کتاب صـمدیه را برای مرور در محضـر حجت الاسـلام و المسـلمین حاج شیـخ عبـدالرحیم اخوان توکلی تولمی که جلیس آیت الله العظمی آقای حاج شـیخ محمد تقی بهجت فومنی در نجف اشـرف بوده، تلمـذ نمودم. معـالم الاـصول و مختصـر المعانی را در محضـر پر فروغ عالم ربانی و فقیه صـمدانی آیت الله مسـتقیم عربانی که اجازه اجتهاد مطلق از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی داشت، تلمذ نمودم.

اصول المظفر را از محضـر عالم تقی و اخلاقی کامل سید العلماء الربانیین آیت الله حاج سید مجتبی رودباری دام ظله فرزند آیت الله حاج سـید حسـین رودباری که از شاگردان بنام حضـرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی و بسیاری از بزرگان دیگر در نجف اشرف و قم بودند و همچنین حجت الاسلام و المسلمین یعسوبی آموختم.

لمعتین را از محضر نورانی حضرات آیات حاج شیخ مختار ظهیری رحمت الله علیه و حاج شیخ محمد علی احمدی اشکوری و حاج

سید مجتبی رودباری فرا گرفتم.

رسائل و مکاسب شیخ انصاری و جلد اول کفایتین و منظومه سبزواری و شرح تجرید را در محضر نورانی فقیه صمدانی استاد الاعاظم و شیخ الافاخم آیت الله العظمی علامه حاج شیخ محمد ازهدی لاکانی رضوان الله علیه که اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقای حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی و بسیاری دیگر از مراجع را داشت، که در متن اجازه آقای بروجردی آمده می خوانیم:«حری بان یجیز اجل شانا ان یستجیز» به شاگردی نشستم و سپس به دار العلم قم وارد شدم و جلد دوم کفایتین را از محضر مرحوم آیت الله وجدانی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی خراسانی تعلیم دیدم.تفسیر را از محضر علامه نحریر آیت الله جوادی آملی و اخلاق را از آیات عظام مشکینی و مظاهری بهره گرفتم.درس خارج را فقها و اصولا در محضر آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، صانعی، خلخالی و جوادی آملی در قم و ازهدی لاکانی در رشت جمعا به مدت پنج سال تلمذ نمودم.

البته ناگفته نماند به طور مقطعی از عرفان علامه ذوالفنون حسن زاده آملی بهره بردم و سپس به امر آیت الله العظمی بهجت و آیت الله لاکانی، در رشت رحل اقامت افکنده و به تدریس، تبلیغ، تالیف و تصنیف مشغول شدم و چند اثر را از آثار قلمی خویش به یادگار نهاده تا در صحیفه عملم برای« یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» ذخیره باشد.

مرتضوی اصفهانی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدکاظم الموسوی الاصفهانی نورالله مرقده در سنه‌ی ۱۲۸۸ هجری قمری در قریه اسفید واجان یکی از قراء بلوك کرون که فاصله این قریه با شهرستان اصفهان قریب به ۹ فرسنگ است متولد شده و در سن ۱۴ سالگی به علت اشتغال به تحصیل و تعلیم علوم دینیه با موافقت والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید حسین که از بزرگترین علماء آن قریه به شمار می‌آمده به اصفهان که در آن تاریخ از بزرگترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع محسوب می‌شده رفته و در مدرسه‌ی جده‌ی کوچك به تحصیل و فراگرفتن علوم مشغول گردید.

اساتید آن مرحوم: مقدمات و ادبیات عالیه را در نزد استاد الادباء مرحوم آقا سید محمود دهکردی (شهر کردفعلی) که در تدریس مغنی و مطول کم‌نظیر بوده است آموخته و در سطوح یکی از اساتید معظم‌له مرحوم العلامه الفهامه الفقیه المدقق آقا میر محمدتقی مدرس ابن مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین علم الاعلام المیرسید حسن مدرس بوده، دیگر شیخ الفقهاء و العماء مرحوم آقا شیخ عبدالکریم جزی (معروف به آخوند گزی) اعلی الله مقامه و اما درس خارج فقه و اصول، و قسمتی از این دو را از محضر مرحوم آسید محمدتقی مدرس فوق‌الذکر فراگرفته، ولی عمده‌ی درس خارج را از محضر سید العلماء العاملین و استاد الفقهاء و المجتهدین مرجع الخاص و العام آیت‌الله السید محمدباقر درچه‌ای که از اعاظم علماء العصر بوده است استفاده نموده و در فلسفه و حکمت اساتید ایشان مرحوم جهانگیرخان قشقائی اعلی الله مقامه و عارف ربانی مرحوم آقا ملا محمد کاشی (معروف به آخوند کاشی) بوده‌اند که هر دو از مفاخر عصر به شمار می‌آمدند و مرحوم ایشان معتقد به معنویت فوق‌العاده‌ای برای مرحوم آخوند کاشی بودند و مکرر می‌فرمودند که بسیاری از لطائف عرفانی و رقائق اخلاقی را از محضر آخوند فراگرفتم.

معظم‌له پس از طی مراحل تحصیلی و نیل به مدارج عالیه علمی به تدریس و تعلیم پرداختند و در اصفهان صدها نفر از طلاب علوم

دینیه که بعضـی آنها هم اکنون از شخصیتهای علمی محسوب می‌شوند در مدرسه جده کوچک و مسجد دارالشفاء و مسجد سرخی و مـدرسه چهارباغ و مراکز دیگر از محضـر درس ایشـان اسـتفاده می کردنـد و پس از هجرت بـه تهران در سالهـای اخیر در مسـجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار نیز تدریس می کردند.

علاوه بر تدریس نسـبت به بیان معارف اسـلام و حقائق دین و تفسیر قرآن مبین و امر به معروف و نهی از منکر اهتمام زیادی داشتند و در این راه مجاهـدتها نموده و رنجهـای فراوان متحمـل شدنـد و در زمـان سابق و روزهائی در گوشه زنـدان و پس از آن ماهها به اجبـار دو زاویه خـانه به سر می‌بردنـد و پس از آن در سـنوات اخیر تنهـا به تفسـیر قرآن در محافل و مجالس صالحه می‌پرداختنـد و عـده‌ای از خواص از لطـائف و دقـائق تفسـیری وی اسـتفاده می‌نمودنـد که هنوز برخی از آنان در قیـد حیاتنـد و به عقیـده کثیری از دانشمندان در عصر خود نسبت به تفسیر آیات و تحقیق در معانی آنها کم‌نظیر بوده است.

ضمنـا یـادآور می‌شود مرحوم معظم‌له غیر از ادبیـات و فقه و اصول و حکمت و فلسـفه و تحقیقـات در آیـات قرآن و روایات صـعبه کثیری از علوم غریبه و صـنعت شیمی و طب قدیم و خواص ادویه مفرده و مرکبه و کیفیت ترکیب آنها نیز اطلاعاتی وسیع داشتند به طوری که گاهی بعضـی امراض صـعب‌العلاج را با داروهای یونانی درمان می‌نمودند چنانکه معالجات ایشان زبانزد عده‌ای از اهالی تهران و اصفهان می‌باشد.

اولاد معظم‌له شـش نفرنـد، پنـج پسـر و یک دختر که دو نفر از فرزندان ذکور ایشان در لباس روحانیت و در تهران به انجام وظائف علمی و روحانی اشتغال دارند. ۱-حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن مرتضوی ۲- حجه‌الاسلام آقای حاج سید کمال مرتضوی. (نگارنده).

وفات مرحوم مغفور پس از تقریبا سی و پنج سال اقامت در تهران در ماه ذی‌القعده الحرام سنه ۱۳۶۶ ه. در تهران اتفاق افتاد و جنازه معظم‌له پس از تشییع کم‌نظیر از طبقات مختلف به شهرسـتان قم حمل و در جوار حضـرت معصومه سلام‌الله علیها در قسمت جنوبی مقبره بیات مدفون گردید. و همان شب از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی در مدرسه فیضـیه مجلس ترحیم باشـکوهی منعقد گردید.

علاوه بر مجالس ترحیم متعدده که تا مدتها در تهران و حومه ادامه داشت در نجف اشرف و اصفهان هم مجالس فاتحه برپا گردید.

دو نفر از فرزندان ارجمند و دانشمند آن مرحوم که ذیلا می‌نگارم:

از علماء معاصر ما می‌باشند و آنها عبارتند از...

حجتی الاسـلام والمسـلمین و عمادی الملة والدین آقای حاج سـید ابوالحسن و حاج آقا کمال مرتضوی اصـفهانی که هر دو در بیت فضل و دانش متولـد و پرورش یافته و پس از خوانـدن درس جدیـد به مقـدمات و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل آن دروس نهائی فقه و اصول را از علمـاء بزرگ و آیـات عظام قم و تهران و غیره فراگرفته و پس از نیل و وصول به مقام علم و دانش از طریق گفتن تفسـیر و منبر و اقامه جماعت به وظائف دینی و روحی پرداخته بالاخص جناب آقای حاج آقا کمال مرتضوی در مسجد فاطمیه واقع در خیابان ناصری شهباز به امامت و خدمات دینی و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسن مرتضوی فرزند برومند آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی لنگرودی قدس‌اللَّه سره از فضلاء ابرار و مدرسین اخیار حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در بیست ونهم ماه صفر ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و خواندن و نوشتن را در آن بلده طیبه فراگرفته و در سال ۱۳۶۰ قمری در خدمت والد مغفورش به تهران آمده و مقدمات و سطوح وسطی و عالی را در مدرسه حاج ابوالفتح نزد جمله‌ای از فضلاء و علماء مرکز فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را خدمت والد ماجدش و مرحوم حاج شیخ اسمعیل جاپلقی و برخی از علماء بزرگ دیگر آموخته و منظومه حکیم سبزواری را از مرحوم عالم ربانی و حکیم متاله و متضلع حاج میرزا ابوالحسن شعرانی خوانده است.

در سال ۱۳۷۲ قمری فارغ از سطوح گردیده و در خدمت والد مکرمش به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و به جلسات درس اساطین فقه و اصول و تفسیر و فلسفه حاضر و بخصوص در بحث صلوه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی تا در سال ۱۳۸۰ قمری که رحلت آن مرحوم واقع شد شرکت و استفاده نموده و تقریرات صلوة و خمس و قضاء و طهارت او را به رشته تحریر آورده و نیز به درس خارج اصول مرحوم والدش حاضر و قریب یک دوره از اصول ایشان استفاده نموده و نیز حدود یکدوره از درس اصول آقای خمینی بهره‌مند شده و تقریر مطالب اصولی معظم‌له را مبسوطا نوشته و برای چاپ آماده نموده‌اند و نیز دوره اول اسفار را از مرحوم استاد علامه طباطبائی قدس‌اللَّه سره و هم شفاء بوعلی را از آن مرحوم استفاده نموده و هم به درس تفسیر ایشان شرکت و تمهید القواعد ابن قولویه و مبحث معاد بحارالانوار را از محضرشان مستفیض شده و تا آخر عمرشان این جلسات ادامه داشته و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی در درس فقه والدش شرکت و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۸۴ قمری و تبعید آقای خمینی به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف به بحث فقه آیت‌اللَّه گلپایگانی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه آملی شرکت و جزوات تقریرات دروس معظم لهم را نوشته و از ۱۳۹۵ قمری به تدریس خارج عروه‌الوثقی پرداخته و شرح مبسوطی بر عروه‌الوثقی نوشته و به انظار و افکار مقدسه اساطین فقه اشاره نموده است.

معظم‌له از سال ۱۳۸۹ قمری بنا بر تقاضای اهل محل در مسجد سلماسی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ایراد بحثهائی در اصول دین و معارف اسلامی داشته و دارند.

تألیفات و آثار علمی ایشان

۱- جواهر الاصول- تقریرات اصول آقای خمینی (ره)

۲- دررالتقاط در تقلید و اجتهاد تقریر درس ایشان

۳- رساله در قاعده فراغ و تجاوز

۴- رساله در اصاله الصحه

۵- رساله در قرعه

۶- رساله در تعارض ادله

۷- الدر النضید در شرح فروع تقلید عروه‌الوثقی در ۲ جلد

۸- شرح مبسوطی در طهارت عروه‌الوثقی در چند جلد

۹- حاشیه مختصری بر کفایه الاصول

۱۰، ۱۱، ۱۲- تقریرات بحثهای مرحوم آقای بروجردی

۱۳- کتاب مبسوطی در دعا و زیارات و اعمال سنه

۱۴- اللئالی المنوره مانند کشکول شیخ بهائی

۱۵- اوراق یونان در مطالب متنوعه

۱۶- وفیات اعلام در تاریخ فوت علمائیکه از نیمه قرن چهاردهم از دنیا رفته‌اند.

۱۷- نوادر ابناء اعلام در قضایائی که از بزرگان جمع آوری شده.

۱۸- گیلان و دانش درباره حالات جمله‌ای از علماء گیلان

و آثار دیگر ادام‌اللّه عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین لنگرودی (مرتضوی) فرزند بزرگ حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مرتضی لنگرودی «قدس سره»، در حدود سال ۱۳۴۵ هجری قمری، در نجف اشرف متولد گردید. پس از طی دروس مقدماتی و سطوح معقول و منقول و تکمیل سطوح عالیه متعارفه و مقدار کاملی خارج فقه و اصول خدمت والد معظمشان حدود سال ۱۳۶۷ هجری قمری به حوزه علمیه قم عزیمت و مستقیما به درس خارج فقه و اصول و فلسفه حضرات اساتید بزرگ آن زمان همچون آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج‌آقا حسین طباطبائی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب الامام خمینی و علامه بزرگوار طباطبائی تبریزی قدس اللّه تعالی اسرارهم و پس از چندی که والد معظمشان از تهران به قم هجرت فرمودند به درس خارج فقه و اصول ایشان (که در مسجد عشقعلی قم با شرکت فضلاء بی‌شماری داشتند) شرکت نموده و به فراگیری مبانی تحلیلی فقه و اصول از آن اساتید بزرگ همت گماشته و در همه‌ی آن دروس به حدی کوشش مجدانه داشتند که در مدتی از به مراتب عالیه و نهائیه، نائل و مخصوصا حائز رتبه اجتهاد و دریافت اجازات کتبی و شفاهی و غیره از آیات عظام شدند.

تا اینکه در سال ۱۳۸۰ هجری قمری بنا به اصرار اهالی محترم میدان قیام تهران به امامت و سرپرستی مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح مشغول و به وظایف شرعی مخصوصا سرپرستی مدرسه و درس و بحث تاکنون که بیش از سی سال می‌گذرد این حوزه از نوع دروس اصلی و جنبی از مقدمات و سطح الی خارج فقه برخوردار است و شخص ایشان دروس عالیه فقه و اصول را عهده دارند و همه ساله فضلاء و علمائی متعهد مستخرج شده و می‌شوند.

معظم‌له از دانشمندان باتقوا و پرکار و جدی و بسیار متواضع و مجتنب از تظاهرات و معرض از شئونات می‌باشند. تألیفات ایشان در علوم مختلفه، فقه و اصول و تفسیر و اصول عقائد و فلسفه و کلام و نظائر آن بسیار است، مخصوصا بر بسیاری از کتب درسی و غیردرسی حواشی مفید دارند.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومند و صالح جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدرضا لنگرودی که پس از طی دروس مقدماتی و سطوح عالی از محضر آیات عظام، گلپایگانی و آملی و غیرهما بهره‌مند شده و اکنون از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی فرزند حاج سید مرتضی لنگرودی از افاضل مدرسین و ائمه جماعت حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له با برادران بزرگوارش از آقازادگان موصوف به فضل و دانش می‌باشند.

ایشان بنابر آنچه که والدشان در پشت قرآن خود ضبط کرده‌اند در ماه شوال ۱۳۵۴ قمری برابر ۱۳۱۶ شمسی متولد گردیده و پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابوالفتوح و مدرسه فتحیه واقع در خیابان ری میدان قیام (میدان شاه سابق) که تحت نظارت و سرپرستی والدشان بود به تحصیل علوم دینیه پرداخته و قسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خوانده است.

در سال ۱۳۷۳ قمری در ملازمت والد ماجدش با عتاب عالیات مشرف و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و تمایل قلبی خود رحل اقامت به قم افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول و مترجم عزیز ما سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رسانیده سپس در درس خارج زعیم شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و مدت سه سال استفاده نموده و همزمان آن از دروس خارج والد گرامیش بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی منحصرا از محضر والد خود مستفیض شده و نیز در بحث الهیات علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده تا سه سال بعد از رحلت آیت‌اللّه بروجردی در شب جمعه نوزدهم ماه صفر المظفر ۱۳۸۳ قمری در بحبوحه حکومت نظامی و مبارزات شدید مردم بر علیه دولت والد بزرگوارشان از دنیا رفته و در روز اربعین با تشییع کم سابقه‌ای در حجره شمالی صحن عتیق حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردید.

پس از فوت آن مغفور له به درس آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی شرکت حدود دوازده سال استفاده نموده و گاه‌گاهی هم از دروس آیات عظام خمینی و محقق داماد و شریعتمداری استفاده نموده و از بعضی از آیات به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شده‌اند و در حال حاضر در مدرسه‌ای که به نام والدشان می‌باشد و حدود شصت طلبه دارد به تدریس فقه و اصول و اداره آن مدرسه اشتغال دارند و نیز در مسجد عشقعلی خیابان چهار مردان اقامه جماعت می‌نمایند و در ماه مبارک رمضان و غیر آن برای مؤمنین تفسیر و درس اخلاق گفته و به ارشاد و تهذیب اخلاق خلق‌اللّه اشتغال دارند.

آثار علمی مترجم ما

۱- تقریرات درس آیت‌اللّه بروجردی- خمس و قسمتی از طهارت و قضاء

۲- تقریرات درس بعضی از آیات دیگر

۳- رساله‌ای در عدالت

۴- تعلیقه‌ای ناتمام بر رسائل

۵- شرح مکاسب شیخ به فارسی

۶- تاریخ را بررسی کنیم در امامت مناظره بدون تعصب

۷- تکیه‌های تاریخی

۸- مجموعه از آثار و روایات به صورت کشکول

۹- شرح فارسی بر تجرید الاعتقاد

۱۰- ترجمه الطوائف ابن طاووس

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمد مرتضوی بجنوردی اول عالم متنفذ عصر خود بود در بجنورد عالمی خلیق و دانشمندی کریم دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله بود درب خانه‌اش باز و دستانش گشاده و سفره‌اش گسترده بود.

معظم له در بجنورد متولد و پس از فرا گرفتن مقدمات و ادبیات بمشهد آمده و سطوح را خوانده و مهاجرت بنجف و از محضر آیات عظام نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده کرده و بوطن مراجعت و باقامه و خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب بجنورد پرداخته تا چند سال قبل که دعوت حق را اجابت و بسرای جاوید شتافته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرتضوی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین مرتضوی است که از افاضل خطباء و رعاظ معاصر تهران می‌باشند.

ایشان در تهران متولد شده و در بیت چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح فقه و اصول را از اساتید و مدرسین فراگرفته و از راه منبر به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام بالاخص اهل‌البیت علیهم‌السلام با بیانی شیوا پرداخته و شنوندگان و شیفتگان خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان را مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و واقعا مصداق حدیث شریف نبوی صلوات اللّٰه علیه و آله هستند. (و ولد صالح یستغفر له).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن مرتضوی ابرسجی شاهرودی از علماء ابرار و مدرسین اخیار و ائمه جماعت مشهد مقدس می‌باشد.

وی در سال ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در روستای ابرسج که در پنج فرسخی شاهرود واقع است به دنیا آمده و در بیت شریفی پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به مشهد مقدس آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی و مدرسین دیگر فراگرفته و پس از آن در حدود سال ۱۳۷۴ قمری مهاجرت به نجف اشرف کرده است.

سطوح عالیه را نزد اساتید و آیات عظام نجف تکمیل و پس از آن اصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و پس از بیست سال اقامت در نجف اشرف در

سال ۱۳۹۴ قمری به ایران مراجعت و اقامت در مشهد مقدس را اختیار نموده و در این شهر مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب علوم دینی پرداخته و در حال حاضر یکی از آیات و مدرسین پر برکات حوزه مشهد می‌باشند.

کرارا ترجمه ایشان را خواستم اجابت نفرمودند به اینکه من قابل و لایق ذکر نیستم ولی چون از چهره‌های درخشان علم و عمل بودند این چند جمله را از برخی از افاضل مشهد به دست آوردم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مرتضی

محل تولد : لبنان

شهرت : محمد حسین

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد محمّد مرتضی نام پدرحسین در ۲۰ شعبان سال ۱۳۸۳ هـ. ق در شهر تمنین التحتا واقع در ۲۵ کیلومتری بعلبک دیده به جهان گشود و در سایه پدری و مادری مهربان تعلیم و تربیت یافت، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی ، و متوسطه را شهر ریاق سپری نمود پس از آن در شوال سال ۱۴۰۳ هـق وارد مدرسه علميّه إمام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف بعلبک شد، دوران مقدّمات را طی ۳ سال و أندی پشت سر گذاشت از محضر أساتیدی چون شهید سیّدعباس موسوی شیخ محمّد مقداد شیخ محمّد یزبک شیخ علی عفّی شیخ محمّد خاتون و شیخ علی خاتون و .... بهره ها برد. در ماه صفر سال ۱۴۰۷ هـ ق جهت تکمیل دروس دین کسب فیض أخلاقی وارد حوزه علميّه قم گردید و دروس سطح را نزد أساتید بزرگی بهره برد از جمله:

ـ شیخ حسین نجاتی (قسمتی از شرح لمعه)

ـ شیخ مصطفی قصیر (قسمتی از شرح لمعه)

ـ سیّد رضا حسینی نسب (أصول فقه، رسائل، و قسمتی از کفایه، هیئت، و قسمتی از إشارات)

ـ سیّد عادل علوی (باب حادی عشر علم کلام و شرح التجرید)

ـ سیّد کمال حیدری (فلسفه)

ـ سیّد أحمد مددی (مکاسب)

ـ آیت الله جوادی آملی ۱۲ سال است که تقریباً درس تفسیر ایشان را شرکت می کند و هنوز هم ادامه دارد.

پس از آن در درس خارج حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی سیّد محمود هاشمی شاهرودی جوادی آملی شرکت کرد.

البته در کنار این دروس به تدریس بعضی از دروس مانند شرح اسفار و ... پرداخت و بر گنجینه علمی و معنوی خود افزود در خلال سالها تلاش علمی تحقیق مطالعه مباحثه وظیفه مهم تبلیغ و تدریس نیز غافل نشده است و به تدریس دروسی مانند:

عقاید ، نحو، بلاغت، فقه، کلام و فلسفه، تفسیر ، أصول فقه مقارن، کتاب حکومت إسلامی تألیف امام راحل (ره) پرداخت. در حال حاضر نامبرده در شهر خودشان حوزه و کتابخانه برای مطالعه و تحقیق عموم مردم و طلاب آن شهرستان تأسیس نموده اند.

مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین مرتضوی معروف به حاج آقا کمال مرتضوی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل مرحوم حاج سید محمدکاظم مرتضوی انار اللّه برهانه از معاریف دانشمندان و مشاهیر علماء و گویندگان تهرانست. مرحوم والدش میلاد او را چنین یاد نموده است.

ولادت نور چشم سید محمدحسین ملقب به کمال‌الدین صانه اللّه عن آفات السموات والارضین وجعله من العلماء العاملین لشریعه جده سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله الطاهرین خاتم النبیین و المهتدین بعده امیرالمؤمنین واحد عشر من ولده ائمه المعصومین، بعد طلوع صبح صادق من شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ هجری قمری واقع شده.

وی پس از پرورش در بیت و حجر چنین پدر بزرگواری دروس اولیه و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم آموخته سپس به تهران برگشته به خدمات دینی از قبیل تشکیل جلسات مذهبی و اقامه جماعت در مسجد فاطمیه خیابان هفده شهریور (شهباز سابق) و گفتن تفسیر و معارف اسلامی و معارف اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و از این راه ایفاء وظیفه نموده تا در این اواخر که به واسطه کسالت اعصاب حلیف بیت و جلیس خانه‌اش گردیده است.

دارای تألیفاتی مخطوط می‌باشند که به واسطه کسالت و موانع دیگر ناتمام مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرزوقی شمیرانی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه خود نوشت:

بسمه تعالی شأنه

پدرم مرحوم کربلائی عباس، فرزند مرحوم کربلائی فرج الله، و دارای دو برادر از خود بزرگتر، به نامهای «حاج آقا» و «محمد آقا» بود، آنان یک خواهر نیز داشتند به نام «فاطمه» پدرم با صبیه مرحوم «محمد کاظم حمزه» که از اهالی تجریش بود ازدواج نمود، و در نتیجه، آفریدگار بزرگ اولین فرزند ذکور و آخرین فرزند آنان را مرا قرار داد، پیدایشم طبق شناسنامه در روز بیستم مهر ماه از سال هزار و سیصد و چهارده شمسی بود.

مرحوم عموی بزرگم که حاج آقا نام داشت مرا به «حبیب الله» نامید، که امید است در عمل نیز حبیب الله باشم.

من از کودکی نسبت به امور دینی علاقمند بودم و از دیدار علما و سادات، حتی مدیحه سرایان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

لذت می بردم.

و همراه پـدرم در مجالس قرآن و روضه خوانی حضور می یافتم، تا جایی که اشـعار مـذهبی به من می آموخت و در برخی مجالس می خواندم و مورد تشویق قرارم می دادند.

خوانـدن و نوشـتن را تا حدودی نزد پدر و دیگر معلمان مکتبی فراگرفتم و چون به دبسـتان رفتم از خیلی همدرسانم جلو بودم، امام جماعت و قاری سر صف در دوره دبستان منحصر به بنده بود.

کوتاه سـخن اینکه: چون دوره دبسـتانی شـش کلاس به پایان رسـید، در ایام عیـدی خدمت حضـرت آیهٔ الزّهد و التقوی مرحوم آقا سید جعفر دربندی شرفیاب شده و پدرم از وی خواست که چون فرزندم علاقه به تحصیل علوم اسلامی دارد، شما راهنمایی فرمایید. معظم له مـا را به سوی حضـرت حجـهٔ الاسـلام والمسـلمین مرحوم حاج شـیخ علی اکبر برهان، در خیابان لرزاده تهران فرسـتاد و آن بزرگوار هم اول دسـتور پوشـیدن لباس روحانی را داد و چون پـدرم عرض کرد که پسـرم سوادی نـدارد تا لباس روحانی بپوشد آن مرحوم فرمود: مگر سـرباز هنگـام ورودش به سـرباز خـانه از راه و رسم سـربازی چیزی می دانـد؟ لباس روحانی خود سـنگری برای حفـاظت از بسیاری انحرافـات می باشـد خـدا رحمتش کنـد، که چه نیکو فرموده بود، و اگر نه چنین می کردیم همان روزهای اول سنگر را رها می نمودم، سـرانجام لباسـی تهیه شـد و مرحوم برهان مرا به مدرسه برهانیه که جنب حرم با صـفای حضـرت عبدالعظیم علیه السـلام بود فرسـتاد و در آن مدرسه مرحوم حجهٔ الاسـلام و المسلمین آقای حاج شیخ رضا بود. مردی که از اساتید برجسته آن خطه بود با دعای خیر عمامه به سـر بنده گذارد و پس از چند ماه به قم مشـرف شدم و در مدرسه «ناصریه» روبروی مسجد جامع قم حجره یی نصـیبم شد و ادبیات را از محضـر استاد حاج شیخ عبدالحسین وکیلی که در مدرسه حجره یی داشت و از علمای با صفای قم بود فرا گرفتم و همچنین از حضـرت حجهٔ الاسـلام و المسـلمین حاج شـیخ رحمت الله فشارکی و دیگر حضـرات چون حاج شیخ رضا آدینه وند و آیهٔ الحق اسـتاد اعتمادی بهره مند گردید و سـطوح را از محضـر آیاتی چون آیهٔ الله جعفر سبحانی و آیهٔ الله حسین نوری و نیز از آیهٔ الله مکارم شـیرازی و مرحوم آیهٔ الله سـلطانی فرا گرفتم و چندین سال هم در درس خارج حضـرت آیهٔ الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی حضور می یافتم.

در ذیـل تحصـیل، به سـخنرانی هم تـوجهی خـاص داشـتم و نیز قلم هم به دست گرفته جزواتی جهت راهنمـایی عمـوم مردم به ویژه جوانان به رشته تحریر درآوردم که بحمد الله مورد توجه قرار گرفت.

نوشتارم از قبیل: شعله های فساد، بحثی درباره علوم قرآن (ترجمه)، شیعه و مهدویت، چهره هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند. اشـکالات جـالب و پاسـخهای جـالبتر (ترجمه)، حقیقتی همرنگ افسانه، از پیروزی انقلاب که به تهران آمـدم، جزوهای نمی از یم، فائزون یا هنر شـیعه بودن، نامحرمی در حرم، سـنت سلام را فراموش نکنیم، در اختیار جامعه قرار دادم و فعلاً کتاب: ضیاء العینین من فرائد السمطین زیر چاپ است و هزار و یک حدیث هم در حال پاک نویس می باشد.

در مسافرتهـای تبلیغی در شـهر رامسـر بنای مسـجد باشـکوه «مسـجد حضـرت صاحب الزمان در محله نارنـج بن و مسـجد ارشاد، در ابریشم محله و در دربنـد شـمیران مسجد مسـلمیه را احـداث نموده و فعلا در مسـجد حضـرت صاحب الامر، واقع در خیابان (شـهید زمانی، نخجوان سابق انجام وظیفه می نمایم و از خداوند متعال توفیق خدمت هر چه بیشتر را دارم، اما:

(خدا کند که نباشد «مغازه» مسجد من

وگرنه دین و دیانت به «غاز» بفروشم)

حبیب الله مرزوقی شمیرانی

۱۳۸۴/۵/۳۰

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مرعشی نجفی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدجواد ملقب به نجم‌الدین مرعشی نجفی سومین فرزند آیت‌اللّه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره، در فروردین ۱۳۲۶ شمسی دیده به جهان گشوده، و در حجر و دامن مادر عفیفه و با تقوایش صبیه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا عباس فقیه مبرقع مدفون در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام که نوه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا احمد طباطبائی برادر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده پرورش یافته و پس از اتمام دوره ابتدائی و متوسطه و گرفتن دیپلم به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را از اساتید یاد شده:

حاج شیخ مهدی بیگدلی و حاج سید محمدتقی جواهری و حاج شیخ محمدصادق نصیری و حاج شیخ احمد کریمی و آقای صلواتی و علوی گرگانی و قسمت عمده سطح و خارج فقه و اصول را از محضر والد ماجدش استفاده نموده و در زمان حیات آن بزرگوار به امر معظم‌له در دو نوبت صبح و ظهر به جای ایشان در مسجد بالا ـ سر و مسجد موزه آستانه مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام اقامه جماعت نموده و پس از رحلت آن بزرگوار در شبها هم به جای ایشان نماز و مانند زمان آن مرحوم مردم مجاور قم و غیره به نماز او اقبال و توجه و از جهت کثرت اول نماز جماعت قم می‌باشد.

ایشان مضافا بر فضیلت نسبی شرافت سببی هم دارند زیرا داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدعلی سبط انصاری از علماء محترم تهران و مدرس و امام مسجد و مدرسه مروی تهران می‌باشند که آن مرحوم داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی والد آیت‌اللّه حاج میرزا محمدحسین و مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا مصطفی و حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا مسیح مسجد جامعی بوده‌اند.

از طرف مرحوم والدش متولی و سرپرست مدرسه مؤمنیه و مدرسه مهدیه و حسینیه آن مرحوم می‌باشد.

آثار و تألیفات ایشان

مترجم محترم ما دارای تألیفات ارزنده‌ای هستند که از نظر خوانندگان می گذرانم .

۱- چهره درخشان امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف (در ترجمه الزام الناصب ۳ جلد).

۲- نهضفت خونین حسین علیه‌السلام ترجمه مع الحسین فی نهضه سید حیدر ۱ جلد.

۳- مناقب امام امیرالمؤمنین (ع) ترجمه مناقب ابن مغازلی.

۴- قهرمان کربلا زینب کبری (ع) ترجمه السیده زینب.

۵- اخبار الزینبات یحیی عبیدلی.

۶- خورشید پنهان ترجمه البیان گنجی شافعی- که همه اینها به طبع رسیده است.

آثار مخطوط

۱- رساله راس الحسین علیه‌السلام.

۲- تقریرات درس والدشان کتاب حدود و قصاص و دیات وارث و ودیعه.

۳- شروح کتب درسی تقریر درس آقای کریمی.

۴- ترجمه لالی الاخبار تویسرکانی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرعشی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرعشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تاکنون بیش از ۶۰ مقاله در زمینه کتابشناسی نسخه شناسی ، کتاب پژوهی ، رجال و تراجم و انساب نگاشته ام و تمامی آنها تاکنون چاپ و منتشر شده است همچنین نظربه اینکه از سنین نوجوانی در کنار پدر بزرگوارم کتابشناسی مخطوطات را فرا گرفته ام و با اشتیاق در کنار دروس حوزوی خود ادامه دادم اکنون بیش از نیم قرن است که تجربه اندوخته ام و اینجانب را در بیشتر مراکز علمی و کتابخانه ها و دانشگاههای جهان به عنوان یکی از بزرگترین کتابشناسان معاصر کتابهای اسلامی جهان می شناسند.

اینجانب چند جلد تالیف نیز دارم که بیشتر آنها چاپ و منتشر گردیده است .جز آن، دهها کتاب را تحقیق و تحصیح و چاپ کرده ام و بسیاری دیگر نیز زیر نظر اینجانب منتشر شده است . همچنین کتبا دارای چند اجازه اجتهاد و روایتی و امور حسبیه از مراجع گذشته و حال می باشم از جمله حضرات آیا ت عظام :اراکی ، مرحوم والدم ، مکارم شیرازی ، بهجت ، فاضل لنکرانی ،سید محمد شیرازی، سیستانی و غیره و نیز از مرحوم آیه الله العظمی شیخ عبد النبی اراکی اجازه اجتهاد گرفتم و از مرحوم آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی و مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم آیت الله علیاری تبریزی و غیر آنان اجازه روایتی در یافت نموده ام . به منظور اطلاعات بیشتر به مجله کیهان فرهنگی شماره ۲۰۴ که ویژه اینجانب و نیز کتابخانه می باشد همچنین مقاله ای که محقق و پژوهشگر پر تلاش آقای علی رفیعی در مورد زندگینامه اینجانب نگاشته و در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه چاپ شده و هر دو آنها ضمینه این برگه ها می باشد مراجعه شود .

و نیز از مفتی بزرگ یمن محمد بن زباره و مرحوم شیخ محمد غزالی بزرگترین متفکر جهان عرب و صاحب بیش از ۵۰۰ تألیف در موضوعا ت گوناگون اجازه کتبی اخذ نموده ام .اینجانب همچنین افزون بر ۵۰ سال است که شرعا و قانونا متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی می باشم و نیز متولی ۳ مدرسه علمی والدم که در قم بنیاد کرده اند برای طلاب به عهده دارم نیز مسئول دفتر پدر بزرگوارم بوده و می باشم اینجانب چند پروژه تحقیقاتی با برخی از اسلام شناسان خارجی دارم که در حال انجام است و به زودی منتشر می شود همچنین کتاب عظیم : موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه در کلام و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام که از تألیفات پدر عزیزم و به عربی می باشد زیر نظر و با اشراف اینجانب در حال انتشار است که ۵ جلد نخست آن منتشر شده و ۱۵ جلد دیگر تا اواخر سال جاری ۱۳۸۶ و ۲۵ جلد دیگر تا دو سال بعد منتشر خواهد شد و جمعا ۴۵ جلد خواهد بود این کتاب تاکنون ۳ بار جایزه بهترین کتاب سال در حوزه دین شناخته شده و دریافت نموده است .

مروجی طبسی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمـد جعفر مروجی طبسـی فرزنـد مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسـی نجفی درسال ۱۳۳۵ در نجف اشـرف متولد شد، دروس مقـدمات حوزه را در مـدرسه حضـرت آیت الله العظمی گلپایگانی گذرانـد. و سـطوح عالیه را نزد آقایان: مرحوم حاج سـید ابوالفضـل موسوی تبریزی و مرحوم آقای وجـدانی فخر و مرحوم حاج شـیخ احمـد پایانی و حاج شـیخ علی پناه اشـتهاردی و جناب محقق داماد و جناب شیخ محمد کلباسی و جناب آقای فیاضی به پایان رساند و حدود ۱۵ سال در درس خارج حضرات آیات عظام آقایان: حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی، حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودند.

مروجی طبسی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زنـدگینامه علمی بنـده در نهم مـاه ذی الحجه ۱۳۷۲ هجری قمری مطـابق بـا ۲۸/۱۲/۱۳۳۱ هجری شمسـی در نجف اشـرف در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج شـیخ محمد رضا طبسی است که ظاهرا در سال ۱۳۴۵ هجری قمری از قم به حوزه نجف اشـرف هجرت فرمود تا از محضـر پر فیض بزرگانی همچون مرحوم نایینی و آقا ضـیاء عراقی و سـید ابوالحسـن

اصـفهانی (ره) بهره جوید.پس از گذشت دوران کودکی به تحصـیل در مدارس دولتی تا کلاس شـشم نظام قدیم پرداخته و پس از آن با تشویق جـدی و پی گیر مرحوم والـد تحصـیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه نجف اشـرف آغاز کردم چرا که مدتی از رحلت برادر بزرگم مرحوم شیخ محمد علی طبسی در تهران می گذشت و چون فرزند دیگری که جای او را پر کند نداشت، تلاش فراوان می کرد تا مرا به سلك روحانیت درآورد.بدین جهت از دوران کودکی ونوجوانی که همراه پدرم پیش از اذان صبح به حرم مولی امیرالمومنین می رفتم در بین راه او نمازهای مستحبی می خواند و من نیز احساس می کردم که این حالت معنوی و عرفانی که اوداشت در من در حال شـکل گرفتن است زیرا من نیز به توصـیه وی وادار می شدم به برخی اذکار و اوراد در بین راه بپردازم. یادم هست که گـاهی بر اثر کم خوابی سـجاده پـدرم را که می بـایست برای نمـاز جمـاعت ایشان در رواق مطهر علی بن ابی طالب(علیه السـلام) پهن می کردم و برای ایشان تکبیر می گفتم، زیر سر گذاشته و در کنار قبر علامه حلی در راهرو به خواب می رفتم.پدرم به مناسـبتهای گوناگون از محاسن ورود به حوزه علمیه و قرار گرفتن در ردیف علماء و اینکه ملائکه و فرشـتگان زیر پای جوینده علم ودانش بالهای خود را می گسترانند بنده را بسیار تشویق می فرمود. تا اینکه در اول سال ۴۶ هجری شمسی بدست مبارکشان در روز اول فروردین معمم شدم. چند سالی که در حوزه علمیه نجف اشـرف بودم از اسـتادان محترم و عالیقدری بهره جسـته از جمله اولین اسـتاد ومربی خودم یعنی مرحوم پدرم بود که وی را به حق اسـتادی بزرگ و مربی شایسته ودلسوز یافتم که در تمام مقاطع سنی یار و پدری مهربان برایم بود.او با اینکه اشـتغالات علمی و تالیفی ودرسـی وتدریسی ومراجعات مردم فراوان داشت اما هرگز فرصتها را از دست نـداده و شـبانه روز وقت خود را در اختیـار من قرار داده بود. حتی آخرین لحظات عمر مبارکش زیر نظر او بوده و از خوان علم و معرفت و اخلاق و صـفات حمیده اش پیوسته بهره می جستم.او بحق فقیهی بود بزرگوار و دائره المعارف بزرگی بود که نظیر و ماننـدش را در بین آیـات عظـام کم دیـده بـودم.چنـانکه عرض کردم از دوران کـوکی و نوجوانی تحت تربیت و مراقبت وی قرار گرفته وهر روز صـبح پس از برگشتن از حرم مطهر امیرالمومنان از من می خواستند تا قرآن مجید رانزد او بخوانم و سپس به شرح و تفسیر برخی از آیـات و کلمـات آن که در خور فهم بود می پرداخت. ودر اولین گـام پس از فراگرفتن قرآن کریم مرا به احکـام و مسائـل آشـنا سـاخته وآنهـا را از حاشـیه بر طریـق النجاه کـه در حقیقـت رسـاله عملیـه پـدرم بـود از او تلقی کردم وسـپس برخی کتـاب¬هـای جـامع المقـدمات از قبیـل امثله و شـرح امثله و عوامـل جرجـانی و شـرایع الاسـلام و شـرح بـاب حادی عشـر را نزد او خواندم.و پس از مدتی که بدنبال یک اسـتاد خصوصـی برایم بود سرانجام با استاد دیگری به نام حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسـین کشـمیری (ره) آشـنا شده و بنا به توصیه و سفارش پدرم کتاب های دیگری از جامع المقدمات از قبیل کتاب المنطق و شرح النموذج و سـپس مقـداری از حاشیه ملاـ عبـد الله را در نزد او خوانـدم.و اسـتاد سوم و چهـارم اینجانب در مقـدمات و ادبیات عرب مرحوم حجه الاسـلام و المسـلمین حاج آقای حجتی بروجردی بود که جلـد اول شـرح ابن عقیل را نزد او خوانـده و همچنین مرحوم حجه الاسـلام و المسـلمین آقای شـیخ محمد علی مدرس افغانی که بخشی از سیوطی را نزد او خواندم.پنجمین استادی که در نجف اشرف داشتم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی قائنی (سلمه الله) بود که با عده ای از دوستان مقداری از شرح لمعه را در نزدش تلمـذ نمـودم.پس از مـدتی کـه از تحصـیلاتم گـذشت ملاـحظه کردم کـه منزل مرحـوم پـدرم بسـیار پر رفت و آمد است.اینجا بود که برای اولین بار به محیط مدارس علمی رفته و در مدرسه خلیلی با یکی از دوستان به نام شیخ ابوالقاسم نظرپور هم حجره شـدم.پس از مـدتی به علت کوچك بودن حجره به توصـیه پـدرم و به سـفارش مرحوم آیه الله زاده کفایی به مـدرسه مرحوم آخونـد بزرگ که در آن روز تازه تجدیـد بنا شـده بود راه یافتم.اما دیری نگـذشت که تصـمیم جدی گرفته و با پدر ومادرم مسئله رفتن به حوزه علمیه قم را مطرح کردم تا با خیالی آسوده و دور از خویشان به تحصـیل ادامه دهم. اما آنها صلاح دانستند که فعلا به تحصـیلات ادامه داده و رفتن به قم را به سالهـای بعـد موکول کنم.اما دیری نگـذشت که در اوایل ماه ذی القعـده سال ۱۳۵۰ توسط عوامل بعثی دستگیر شده و پیش از هجرت عمومی سال ۱۳۵۰ به همراه گروهی از علماء و روحانیون به ایران فرستاده شدیم.از سال

۱۳۵۰ هجری شمسی که وارد قم شـدم به ادامه تحصـیل پرداخته و از محضـر اساتیـد بزرگواری در سـطوح مختلف بهره برده که به شرح زیر می باشد:

۱. جناب آقای لطفی کاشانی در مقداری از حاشیه ملا عبد الله

۲. آقای شیخ عبد الله اصفهانی در مقداری ازکتاب سیوطی

۳. آقای شیخ مهدی مجیدی کتاب مغنی

۴. آقای سید نور الدین شریعتمدار جزائری ، مقداری از شرح لمعه و جواهر البلاغه

۵. مرحوم آقای فخر وجدانی مقداری از شرح لمعه

۶. سید محمد رضا طباطبائی یزدی در مقداری از شرح لمعه و مقداری از باب حادی عشر

۷. حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در مقداری از شرح لمعه و شرح تجرید

۸. سید نور الدین حسینی اشکوری، المنطق مرحوم مظفر

۹. سید احمد حسینی اشکوری، جلد دوم شرح ابن عقیل

۱۰. شیخ حسین کورانی، بخشی از المنطق مرحوم مظفر

۱۱. آقای جلیلی در بخشی از شرح لمعه

۱۲. مرحوم عرفانی خراسانی در مقداری از معالم

۱۳. آقای شیخ احمد امین بخشی ازمعالم

۱۴. استاد شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل شیخ انصاری

۱۵. استاد میرزا محسن دوزدوزانی در قوانین و مکاسب محرمه و جلد دوم کفایه و تفسیر برخی از سور قرآن کریم

۱۶. مرحوم آیه الله حقی در بخشی از شرح تجرید و درس تفسیر قرآن

۱۷. استاد حاج شیخ عباس نائینی در بخشی از شرح تجرید

۱۸. مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی ستوده در بخشی از بیع و خیارات مکاسب شیخ انصاری

۱۹. مرحوم آیه الله شیخ احمد پایانی در بخشی از خیارات مکاسب شیخ و کفایه جلد اول.

۲۰. مرحوم شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی در بخشی از شرح لمعه

۲۱. مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم محمودی اشتهاردی در باب مفاهیم کفایه الاصول

۲۲. حضرت آیت الله حاج سید کاظم حائری در بخشی از بیع مکاسب

۲۳. سید محسن موسوی تبریزی در قسمتی از بدایه الحکمه

۲۴. حضرت آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی

۲۵. حضرت آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی

۲۶. حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی

۲۷. حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۲۸. حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم کوکبی

۲۹. حضرت آیه الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی

۳۰. حضرت آیه الله جعفر سبحانی یک دوره اصول

۳۱. حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی یک دوره اصول

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام" خدیجه مادر امت "شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند" پیامبران ناشناخته "که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

درسال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان" علی امام قرنها "برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام" علی نخستین مسلمان "ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان" نهج البلاغه آشنای غریب "و "خورشید نیزه ها "برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات

آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروجی، محمدکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدکریم مروجی

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد کریم مروجی بروجردی در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده کشاورز متولد و بعد از مکتب و دبستان در سال ۴۲ رسما وارد حوزه علمیه شدم و بعد از دو سال تحصیل در بروجرد و خرم آباد در سال ۴۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در خدمت آقایان و آیات صلواتی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره) شرح لمعه و از آقای دوزدوزانی مختصر و آقای اعتمادی قوانین و آقایان اعتمادی و سبحانی رسائل و آقایان فاضل لنکرانی و مرحوم ستوده مکاسب و آقایان مرحوم سلطانی و ستوده کفایه را تلمذ کردم. و در سال ۴۷ وارد درس خارج شده و عمدتا در فقه و اصول مرحوم آقای آمیرزا هاشم آملی(ره)حدودا ۱۲ سال شرکت کردم و در این مدت از فقه و اصول مرحوم آقای آشیخ مرتضی حائری تا اندازه ای بهره بردم و تا حدودی از آقایان دیگر نیز استفاده کردم. در خلال درس خواندن مشغول تدریس هم بودم و تقریبا کتابهای سطح را چند بار یا لا اقل یک بار تدریس کردم و از سال ۱۳۷۱تا به حال یک بحث فقه دارم و چند سال قبل یک دور کلیات رجال را نیز تدریس کردم.

مسترحمی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هدایت‌اللّه مسترحمی از فضلاء معاصر تهرانست که در کتب عدیده‌ای تعلیقه و بسیاری از کتب را هم تصحیح نموده‌اند در کتاب: مرآةالدهور- در- وقایع ایام و شهور، که از تألیفات ایشان است ترجمه خود را مبسوطا نوشته‌اند که نگارنده تلخیص آن را می‌نگارم:

الحاج السید محمد المشهور والملقب بالحاج السید هدایةاللّه المسترحمی الحسینی بن العلم الاعلام الحاج السید محمد الرضا بن العلم الحجه الحاج السید الحسین المشهور بحاج آغا بزرگ بن السید محمد الشهیر بسید آقا جان بن السید ابی‌طالب بن السید سلیمان بن المیر ابوطالب بن المیر فتوح بن المیر فتاح (المدفونین بقریه بندر آباد یزد فی بقعه سلطان).

تولد خود را چنین مرقوم نموده بودند: تولد این بنده در شب شنبه سال ۱۳۵۱ قمری، در قریه حسن آباد جرقویه‌ی علیای اصفهان، و دروس ابتدائیه از همزه باء و قرآن و فارسی را در مسقط الرأس خوانده و در ده سالگی باصفهان آمدم برای تحصیل علوم دینیه و مدتی در مسجد نو و چندی در مدرسه صدر پا قلعه و چند سالی در مدرسه کاسه گران در خدمت عالم فاضل محقق آقای شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی صاحب تألیفات مطبوعه و غیر مطبوعه و حواشی بر کتب علمیه و رجالیه، اشتغال بکتب مقدماتی داشته و سپس در خدمت عالم لبیب حضرت آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی و غیره اشتغال به سطح داشته، و در روز جمعه ۲۶ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۷۰ پس از بازگشت از زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیهم‌السلام در تهران اقامت گزیده و چندی در مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی و مدتی در مدرسه آقا محمود اشتغال به تحصیل و تدریس داشته.

و درباره‌ی خدمات خود چنین نوشته‌اند: تاکنون نتوانسته‌ام آنچنان که شاید و باید است خدمت به مسلمین و اسلام نمایم مگر چند مورد جزئی که از جمله تعمیر و توسعه مسجد جامع حسن‌آباد جرقویه و تعمیر و اضافات مسجد مرحوم ملا ـ باقر و مسجد حمام یخچال در قریه مزبور، و تعمیر و توسعه مسجد جامع و تهیه برق رامشه جرقویه که آقای آسید مهدی حسینی در این باره اشعاری سروده‌اند، و تعمیر و سفید کاری مسجد حاج محمدعلی و حسینیه حسین‌آباد جرقویه در سال ۱۳۸۷ قمری که کربلائی رضاقلی داستانی در این موضوع اشعاری سروده‌اند و بثمر رسانیدن هیجده نفر از آقایان طلاب در حوزه علمیه قم و اصفهان و تهران و ساختن مسجد الزهراء علیهاالسلام در بی‌سیم نجف‌آباد تهران که فعلاً در همان مسجد اقامه جماعت و تبلیغ و تدریس می‌نمایند.

و تألیفات چاپ شده خود را چنین نوشته‌اند:

۱- ترجمه علل‌الشرایع جلد اول، ۲- ترجمه ارشادالقلوب دیلمی جلد اول، ۳- ترجمه ارشادالقلوب جلد دوم، ۴- راهنمای قرائت، ۵- اصول و فروع دین یا نماز فرمان خدا، ۶- احکام الحج با فتاوی مراجع، ۷- مناسک حج با فتاوی مراجع، ۸- عیش الاخره یا وصیت نامه، ۹- عیش الاخره یا وصیت نامه کامل، ۱۰- فهرست بحارالانوار جلد اول، ۱۱- فهرست بحارالانوار جلد دوم، ۱۲- فهرست بحارالانوار جلد سوم، ۱۳- کتابی جیبی حاوی ۵۵ حدیث با ترجمه، ۱۴- کتابی حاوی ۶۹ حدیث با ترجمه.

و تألیفات غیر مطبوعه خود را چنین نوشته‌اند، ۱- دروغ و مفاسد آن، ۲- ترجمه علل‌الشرایع جلد دوم، ۳- ترجمه علل‌الشرایع جلد سوم، ۴- ترجمه علل الشرایع جلد چهارم، ۵- ترجمه جامع الاخبار، ۶- مرآةالدهور در وقایع أیام و شهور، ۷- گفتاری از چهارده معصوم علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۳۲ -۳۵۰ ق)، فقیه، حافظ، محدث، خطیب و مصنف. محدث ماوراءالنهر در زمان خود بود. عده‌ای او را حنفی و بعضی شافعی و برخی شیعی دانسته‌اند و هر کدام برای اثبات نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند. او از زاهر بن احمد سرخسی و ابراهیم بن لقمان و ابوسعید عبداللّٰه بن محمد رازی و علی بن محمد سرخسی و جعفر بن محمد بخاری و ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوعبداللّٰه محمد بن احمد غنجار و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی قاضی و ابونصر احمد بن جعفر کاسنی و حسن بن احمد سمرقندی حافظ و اسماعیل بن محمد نوحی خطیب و ابومنصور سمعانی و جماعتی کثیر از وی حدیث شنیدند. در نسف درگذشت. از آثارش: «معرفة الصحابة»؛ «الدعوات»؛ «دلائل النبوة»؛ «فضائل القرآن»؛ «الشمائل» یا «شمایل النبی»؛ «خطیب النبی

(ص)» یا «خطب النبویة»؛ «تاریخ نسف» و «تاریخ کش»؛ «الطب» یا «طب النبی» یا «طب النبوی»، که خواجه نصیر طوسی در «آداب المتعلمین» همگان را امر به آموختن این کتاب نموده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۳ / ۴)، انساب سمعانی (۲۸۶ / ۵)، بحارالانوار (۴۲ / ۱)، تذکرة الحفاظ (۱۱۰۳ –۱۱۰۲ / ۳)، دمیة القصر (۶۶۴ / ۱)، الذریعه (۱۴۴ / ۱۵ ،۲۵۳ / ۸ ،۲۹۱ / ۳)، ریاض العلماء (۴۷۳ –۴۷۲ / ۵)، سیر النبلاء (۵۶۵ –۵۶۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۰ –۲۴۹ / ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۱۵ / ۲)، طبقات المفسرین داودی (۱۲۶ –۱۲۵ / ۱)، العبر (۲۶۶ / ۲)، کشف الظنون (۱۷۳۹ ،۱۲۷۷ ،۱۰۹۵ ،۷۶۰ ،۷۱۵ ،۳۰۸)، النجوم الزاهرة (۳۵ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۵۰ –۱۴۹ / ۱۱)، هدیة العارفین (۲۵۳ / ۱).

مستغیث، نبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نبی مستغیث از ائمه جماعت و مروجین حاضر شاهرودند و در مسجد سجادیه به امامت و تبلیغات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مستقیم، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس بن المرحوم حاج حبیب‌الله تاجر (داماد معظم مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی) از علماء اعلام و حجج اسلام و ائمه جماعت مسجد امام علیه‌السلام قم می‌باشند.

در سال ۱۳۳۳ قمری تقریبا در قم متولد شده و دروس مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را خوانده مرحوم والدش که از تجار قم بودند می‌خواستند معظم‌له در سلک بازرگانان و تجار و رشته خودش را تعقیب کند ولی ایشان با شوق فراوان و تشویق آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله به تحصیل علوم دینی پرداخته و سطوح را نزد آنجناب و بعضی از مدرسین دیگر استفاده کرده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه و آیت‌الله حجت و بالغ بر ۱۸ سال از دروس فقه و اصول زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و فقاهت و نظر ارتقاء یافته و تدریس سطوح عالی را نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی بیشتر روابط خود را با آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قرار داده و از رفقای خالص و صمیمی معظم‌له می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مسجد جامعی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا مصطفی بن المرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است.

وی در حدود سال ۱۳۴۳ ق در تهران متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید، مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین تهران مانند مرحوم آقا شیخ رضا قاضی و حجهٔالاسلام حاج شیخ کاظم معزی دزفولی و غیره خوانده و چندین سال از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللَّه العظمی رفیعی قزوینی استفاده نموده و پس از آن در مسجد المصطفی جنب میدان حسن آباد به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار با بیانی شیوا و منطقی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما و دو برادر ارجمندش جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدحسین مقیم قم و ثقهٔالاسلام والمسلمین آقا میرزا مسیح مقیم تهران از بیت علم و فضیلت تهرانند که آباء آنها تا چندین پشت از علماء اعلام مرکز بوده و خدمات شایسته‌ای بدین نموده‌اند.

آثار ایشان بقرار زیر است:

۱- تعمیر اساسی و توسعه مسجد المصطفی

۲- تأسیس کتابخانه آن مسجد و جمع کتب برای مطالعه جوانان و غیره.

۳- تاسیس مجلس دعای ندبه در صبحهای جمعه و برنامه سخنرانی که از مجالس بسیار آبرومند و جالب تهران محسوب میشود که از هزارها نفر از مردم متدین فهمیده تهران تشکیل میشود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مسجدی، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر مسجدی

محل تولد : کاظمین عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حیدر مسجدی متولد ۱۳۴۶ در شهر کاظمین متولد شدم. و پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی، توسط ساواک رژیم بعث همراه خانواده دستگیر شدیم و به زندان روانه شدیم. دو برادرم زیر شکنجه های وحشی شهید شدند و ما به سوی ایران روانه شدیم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه شهید صدر گذراندم. سپس دروس سطح و خارج رااز محضر اساتید بزرگوار استفاده کردم از جمله آیه الله احمدی یزدی، آیه الله حسین نجاتی، آیه الله هادی آل راضی، آیه الله احمد مددی، که بخش مهمی از علوم حدیث و نکات بسیار ظریف فقهی و اصولی را از محضر استاد بزرگوار آیه الله احمد مددی

استفاده کردم، که لازم می دانم از ایشان تشکر کنم و از او به نیکی یاد کنم. در سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۴ در موسسه (دائره المعارف فقه اسلامی) مشغول تحقیقات اسلامی شدم، ودر تالیف کتاب (معجم فقه الجواهر) شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث شدم و در رشته حدیث مشغول تحقیق شدم.

مسعودی، عبدالهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالهادی مسعودی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به مدرسه رفتم و در ۱۳۶۲ هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم ، مرحوم روشنی ، آیت الله قدیری ، مرحوم پایانی ، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال ۱۳۶۹هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و ۵ سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت ۸ سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و ۵ سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال ۱۳۶۹ هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث ، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم . اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل و به دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن ، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مسعودی

محل تولد : خمین

شهرت : مسعودی خمینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله علی اکبر مسعودی خمینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خمین متولد شد. پدرش ـ مرحوم غلامعلی مسعودی ـ به پیشهٔ قنّادی روزگار می‌گذراند. جدّ وی به دلیل اینکه گلپایگان دچار قحطی شده بود، به خمین هجرت کرده و در آنجا ازدواج نموده بود. در خلال این سالها، خداوند به وی فرزندی به نام غلامعلی اعطا می‌کند که در خمین به زندگی می‌پردازد. خانوادهٔ آیهٔ الله مسعودی خانواده‌ای ساده و در حدّ متوسط مردم، بلکه پایین‌تر از آنها در زندگی و معیشت بود که در محلّهٔ سبزی کارها می‌زیسته است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در شش سالگی به امر پدر راهی مکتب خانه شد. در خمین مکتب داری زندگی می‌کرد که نام او، شیخ ابوالقاسم بود و حضرت امام خمینی (ره) نیز نزد ایشان درس خوانده بود. در مقطعی که آیهٔ الله مسعودی به نزد ایشان می‌رفت، وی هشتاد ساله بود. حضور در مکتب خانه دو یا سه سال به طول انجامید و پس از آن، وی در مدرسهٔ شش کلاسه‌ای در خمین نام نویسی کرد و چون، سال اوّل را در مکتب گذرانده بود، در پایهٔ دوم به تحصیل پرداخت. از جمله کسانی که در آن دوره در آن مدرسه درس می‌خواندند، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله جلالی خمینی بودند که تا پایهٔ پنجم با آیهٔ الله مسعودی، همراه بودند. وضعیت نابسامان معیشتی خانواده، او را بر آن می‌داشت که در کنار درس، به کار نیز بپردازد؛ امّا این مسئله با مخالفت پدر و مادر وی همراه بود. ایشان با وجود کمبودهای مالی، علاقه داشتند که فرزندشان به تحصیل علوم دینی بپردازد و به مسلك روحانیت درآید. علاقهٔ خانوادهٔ ایشان به روحانیت به حدی بود، که با آن وضع اقتصادی، هر شب جمعه از مرحوم سید محمدتقی خوانساری پدر آیت الله حاج سید مهدی خوانساری غضنفری دعوت می‌کردند تا به منزل ایشان بیاید و آبگوشت و نان و پنیری با هم تناول کنند. وارستگی و زهد مرحوم خوانساری، در آیهٔ الله مسعودی تأثیر به سزایی داشت و او را بیش از پیش، به در پیش گرفتن مسیر عالمان ربّانی تشویق می‌کرد. از دیگر کسانی که انگیزهٔ ایشان را برای ورود به حوزه فزونی بخشید، مرحوم حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم عارف واصل آخوند کاشانی در اصفهان بود که برای اقامه نماز و پیشوایی مردم به خمین آمده بود. رفتار و سخنان دلنشین ایشان، کودكِ خردسالِ آن روز را شیفته و حیران خود کرده بود. وی، بعدها جامع المقدمات را نزد ایشان فرا گرفت. با پایان یافتن جامع المقدمات، در سن پانزده سالگی، به اراك رفت و به تحصیل سیوطی و حاشیهٔ ملّاعبدالله پرداخت. با پایان یافتن کتاب معالم، راهی قم شد تا از محضر عالمان آن دیار کسب فیض کند. در قم، مدرسه «دارالشفاء» ساکن شد و با جدّ و جهد دروس سطح را به پایان برد. سپس برای تحصیل درس خارج، از محضر علمای بزرگی همچون امام خمینی (ره) و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ اولین آشنایی با امام (ره) می‌گوید: «یک بار بنده از خیابان ارم قم عبور می‌کردم. وقتی از کنار مسجد محمدیه رد شدم، صدای غرّایی به گوش من رسید. نگاهی به داخل مسجد افکندم و دیدم که آقایی در حال تدریس است و شاگردان زیادی هم دارد. در کنار در ایستادم تا درس استاد تمام شد. بعد از یکی از شاگردان ایشان پرسیدم که ایشان کیست؟ گفت: حاج آقا روح الله خمینی است». آیهٔ الله مسعودی، در کنار تحصیل فقه و اصول، دروس دیگر حوزوی از جمله فلسفه و تفسیر را در محضر عالمان وارسته‌ای همچون علامه طباطبایی می‌آموخت و در جلسات اخلاقی، استادان بزرگ حوزه همچون حاج آقا حسین فاطمی که شبهای پنج شنبه در منزل جلسه‌ای اخلاقی داشت با جدّیت شرکت می‌نمود تا علم را با عمل توامان سازد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در دوران تحصیل

خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. ایشان در خمین، جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ احمد آل طاهر فرا گرفت و بخشی از «صمدیه» را که به دلیل برخورد با فصل تابستان باقی مانده بود، نزد آقای صدر که از اقوام امام (ره) بود، خواند. در اراک، حاشیه ملاعبدالله را نزد سید علی اراکی آموخت و مطول را نزد استاد ارجمند میرزا جعفر سبحانی آموخت و بخشی دیگر آن را نزد آقا شیخ حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت. با آمدن به قم، معالم را که در اراک فرا گرفته بود، دیگر بار نزد میرزا جعفر سبحانی آموخت مقداری از شرح لمعه را نزد امام موسی صدر و بخشی را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی خواند و نیز رسائل و مکاسب را نزد آقایان مشکینی، شیخ اسدالله اصفهانی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی فرا گرفت. قسمت عمدهٔ کفایه را نیز نزد شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی آموخت. برای فراگیری منطق، به نزد آقای سید جلال آشتیانی رفت و منظومه را نزد آقای فکور و ملکوتی و نیز حاج آقا رضا صدر فرا گرفت. برای تحصیل اسفار و تفسیر نیز در درس علامه طباطبایی شرکت نمود. وی برای تحصیل درس خارج از محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ درس امام (ره) می‌گوید: «یکی از خصوصیات حضرت امام این بود که شاگردان خود را وادار به مطالعه می‌کرد. دلیل آن هم این بود که حضرت امام در خلال درس از کلمات بزرگانی همچون آقایان نائینی، آقاضیاء عراقی و آقای کمپانی استفاده می‌کردند و لازم بود که شاگردان ایشان به منابع و مأخذ مربوطه رجوع کرده و خود، عین عبارت بزرگان یاد شده را ملاحظه کنند. از دیگر خصوصیات امام این بود که شاگردان را وادار به اظهار نظر می‌کرد و معتقد بود هر یک از آقایان در موردی از موارد که دیدگاهی دارد، باید زمینه را برای اظهار آن مهیا ببینند». دربارهٔ شیوهٔ تدریس آیهٔ الله بهجت نیز می‌گوید: «در خصوص شیوهٔ تدریس آقای بهجت باید بگویم که ایشان بر خلاف سایر آقایان، این گونه نیست که در درس خارجشان، به نقل و نقد نظرات امثال مرحوم نائینی و آقاضیاء عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم فشارکی و مانند آن بپردازند. ایشان شیوهٔ دیگری دارند و آن، این است که ایشان بحث را شروع می‌کنند و دیدگاه خود را مطرح می‌کنند و برای آن استدلال می‌کنند. در این حال خود شاگرد باید بررسی کند که دلایل استاد، ردّ نظریهٔ کدام یک از علماست». آیهٔ الله مسعودی خمینی، از محضر چند تن از علما برای امور حسبیّه، اجازه دریافت نمود. اولین اجازهٔ ایشان، از حضرت امام (ره) بود. پس از ایشان نیز، از آقایان گلپایگانی و بهجت نیز اجازه دریافت کرد. وی در دوران تحصیل، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستانه داشت که از آن میان می‌توان آیهٔ الله جلالی خمینی، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله مصباح یزدی را نام برد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در پیش و پس از انقلاب خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارزانی داشت. وی، در حین تحصیل در حوزه علمیه، کتابهایی را که از پیش فرا گرفته بود، تدریس می‌کرد. از جمله کتاب جامع المقدمات را به طلاب نوآموز یاد می‌داد و به تدریس کتاب حاشیه ملاعبدالله در مسجد محمدیه قم می‌پرداخت که با استقبال فراوان طلاب روبه رو شد، به گونه‌ای که مسجد، مملوّ از جمعیت می‌شد. از دیگر کتابهایی که ایشان سالها به تدریس آن مشغول بودند، کتاب شرح لمعه و معالم بود که ثمرهٔ این تلاشها، تربیت طلاب فاضل و با تقوا در حوزه علمیه قم بود. همچنین ایشان در طول این سالها، تألیفات و یادداشتهای فراوانی نیز داشته که از جمله کتاب «خمس» را می‌توان نام برد که بخش عمدهٔ آن در حادثه‌ای از بین رفت و دیگر «تقریر مبحث دماء ثلاثهٔ» امام خمینی (ره) است که به چاپ رسیده است. از خدمات مهم فرهنگی آیهٔ الله مسعودی خمینی، تصدی تولیت آستانه مقدسهٔ حضرت معصومه سلام‌اللهعلیها و خدمات فراوان به آن است. بارگاه ملکوتی حضرت معصومه سلام الله علیها که در روایات آشیانهٔ آل محمد(ص) معرفی شده، یکی از مهم‌ترین پایگاههای شیعه است. عنایت کریمهٔ اهل بیت و فیض حضور او در شهر قم، این شهر را به شهری عالم پرور و سرچشمه مبارزات برای تحقق جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و خدمت به این مرکز مهمّ، خدمت به شیعه، حوزه علمیه، انقلاب اسلامی و پاسداشت خون شهیدان راه استقلال و آزادی است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، پس از تصدی تولیت آستانهٔ حضرت معصومه سلام الله علیها که با حکم مقام معظم رهبری همراه بود، به عمران و گسترش آن همت گماشتند و با بازسازی و مرمّت بخشهایی از آن،

میراث فرهنگی بزرگ شیعه را پاس داشتند. ایشان در طی این سالها، موقوفات آستانه را که بخشی از آن به دلیل اهمال از دست آستانه مقدسهٔ خارج شده بود، به حرم مطهّر باز گرداندند. همچنین با گسترش کتابخانهٔ حرم، هم از نظر مساحت و هم از نظر تعداد کتب پرداختند، به گونه‌ای که کتابخانه را به مکان شایسته‌تر و تعداد کتب را از حدود بیست و دو هزار به شصت و پنج هزار جلد رساندند و حدود پانصد نسخهٔ کتاب خطی نفیس برای آن تهیه کردند. با تلاش و پیگیری ایشان گنبد مطهر حرم پس از دویست و ده سال تعویض و با بهترین طلا- بازسازی گردید همچنین صحن و مسجد جدید در جوار حرم مطهر که از پروژه‌های معظم در توسعه حرم می‌باشد توسط ایشان بنا گردید. از دیگر خدمات ایشان در این عرصه، راه اندازی انتشارات حرم و چاپ کتب مذهبی متعدد و نیز چاپ نشریه‌ای به صاحب امتیازی آستانه مقدسه بود که زائران حرم مطهّر، از آن بهره می‌برند. حرمی که آشیانهٔ آل محمد(ص) می‌باشد، باید به پیروی از اهل بیت علیهم السلام، رسیدگی به حال محرومان و مستضعفان را سرلوحهٔ کارخویش قرار دهد و پناهگاه نیازمندان و درماندگان باشد. در این زمینه، حرم مطهر، طرحهای گسترده‌ای را به انجام رسانده است که همه حکایت از تلاش بی وقفهٔ مسؤولین آن، بویژه آیهٔ الله مسعودی دارد. از تلاشهای دیگر ایشان در امور فرهنگی آستانهٔ مقدسه، فراهم آوردن زمینه برای بهره مندی زائران از سخنان علماء و واعظان و مداحان برجسته و نیز برگزاری جلسات مختلف، از جمله دعای ندبه، کمیل و توسل بوده است. همچنین ایشان به نگهداری و بهینه سازی موزهٔ حرم مطهر همت ویژه‌ای گماشته، آن را به مرکزی دیدنی و یادگار عشق مردم ایران به خاندان پیامبرگرامی اسلام (ص) تبدیل نموده است. او همچنین اشیاء گران قیمت که در رژیم سابق پراکنده شده بود را به موزه آستانه مقدسه عودت داد. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در پیش و پس از انقلاب خدمات سیاسی فراوانی را برای تحقّق انقلاب اسلامی و تداوم آن انجام داده است که ذکر همهٔ آنها در این مختصر نمی‌گنجد. او مانند بسیاری دیگر از عالمان و مجاهدان قرن اخیر، تفکر و خط مشی امام خمینی (ره) را در مبارزه سرلوحهٔ خویش قرار داده و در مواقع حساس و مهم، تابعیت خود را از زعیم عالیقدر شیعه به اثبات رسانده است. شخصیت امام (ره) و شجاعت و صلابت او به حدّی بود که اطرافیان و دیگر مبارزان را سخت تحت تأثیر خود قرار می‌داد. وی دربارهٔ شجاعت امام (ره) می گوید: «بنده در مدتی که خدمت ایشان بودم، هرگز مشاهده نکردم که بی دلیل و صرفاً از سرهوای نفس، عصبانی شوند. در عوض هر جا که پای دین و دیانت و حفظ ارزشهای انسانی و اسلامی به میان می‌آمد، رگهای گردنشان متورم می‌شد و فریاد می‌کشیدند. در سنوات مبارزه، شدیدترین اعتراضات را به شاه آمریکایی نمودند؛ امّا در قبال بی مهری دوستان صبور و حلیم بودند. اگر کسی ایشان را آن گونه که در خورشان بود، تعریف نمی‌کرد یا برای مثال به ایشان آیهٔ الله العظمی نمی‌گفت، ایشان به اندازهٔ سرسوزنی دلگیر نمی‌شد و تغییری در رویّه شان مشاهده نمی‌گردید». همچنین دربارهٔ ساده زیستی امام (ره) می‌گوید: «به خاطر دارم که در سنهٔ چهل، و چهل و یک، حضرت امام مُهری در اختیار داشتند که در ذیل جواب به استفتائات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌دادند، منتها برای آغشته کردن قسمت برجستهٔ مُهر به جوهر، به علت نداشتن استامپ همواره مشکل داشتند و این مشکل را به نحوی تحمل می‌کردند تا اینکه یک بار بنده به ایشان عرض کردم که اگر اجازه بدهید، من کاری می‌کنم که زحمت شما کمتر شود. فرمودند: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم، شما اجازه بدهید. مطمئناً راضی خواهید شد. ایشان هم اجازه دادند. بنده استامپی تهیه کردم و در اختیار ایشان گذاشتم. امام از قیمت استامپ سؤال کردند و نگران قیمت بالای آن بودند؛ ولی در نهایت مورد قبول واقع شد و ایشان از آن به بعد، مهرشان را که در سینه آویز کرده بودند، در می‌آوردند و به استامپ می‌زدند و استفاده می‌کردند». آیهٔ الله مسعودی خمینی از سالهای اولیه مبارزهٔ امام (ره) بر ضد رژیم شاه، با ایشان همراه بود و در سخنرانیهای خود همواره شاه و دار و دسته‌اش را منکوب می‌کرد. وی، پس از هجرت امام به نجف، با زحمت فراوان از مرز ایران خارج شد و با تحمل مشقّات در نجف به دیدار امام (ره) شتافت سپس به بیان مشکلات موجود در راه و توسل به امام زمان (عج) برای رهایی از آن مشکلات و رسیدن به نجف پرداخت. امام نیز با شنیدن سخنان او، فرمودند: «هر کس را بخواهند، به مقصد می‌رسانند». پس از بازگشت از نجف، به دستور امام خمینی

(ره) عازم سیرجان شد تا به حل مشکلات مردم و آماده‌سازی آنان برای انقلاب بپردازد که این اقامت، چهار سال به طول انجامید. از اقدامات مؤثر ایشان در سیرجان، تأسیس حوزه علمیهٔ آن شهر و نیز دعوت از طلاب و مبلغین قم برای سخنرانی در سیرجان در ایام ماه رمضان، محرم و صفر بود. خدمات ایشان و نیز افشاگریها و سخنرانیهای حماسی، منجر به بازداشت، ممنوع‌المنبر شدن و حتی ممنوع الکلام شدن ایشان شد. از این رو وی را به کرمان برده با آرشام رئیس ساواک وقت روبرو شدند. چند روزی در زندان کرمان مانده لیکن با راهپیمائی مردم سیرجان آزاد شدند و تعهد گرفتند که در سیرجان نمانند. بخشی از فعالیت سیاسی آیهٔ الله مسعودی در دههٔ پنجاه، به مبارزات با جریانات انحرافی و التقاطی معطوف بود. در این دوره آیهٔ الله مسعودی با همراهی آیهٔ الله مصباح یزدی، به افشای طرح دشمن برای تحریف جریان مبارزه و حمایت از تز اسلام منهای روحانیت می‌پرداخت و بر پیروی از خط مرجعیّت و روحانیّت و انقلاب صددرصد اسلامی پای می‌فشرد. از فعالیتهای مهم ایشان در آستانه پیروزی انقلاب، شرکت در تحصن علما در دانشگاه تهران و نیز عضویت در کمیتهٔ استقبال از امام (ره) بود. همچنین آیهٔ الله مسعودی، از افرادی است که در تشکیل جامعه مدرسین و سازماندهی مجدد آن نقش بسزائی داشته است. وی درباره چگونگی تشکیل جامعه مدرسین، می گوید: «تاریخچهٔ جامعه مدرسین بسیار جالب است و باید در فرصت مقتضی بدان پرداخته شود. شاید پیش از این گفته باشم که هستهٔ اصلی جامعه، قبل از نهضت امام خمینی نهاده شد. عدّه‌ای از دلسوزان دور هم جمع شدند و در این باره صحبت کردند که حوزه بایستی درب و دروازه داشته باشد و صاحب نظم و انتظامی شود. این هسته عبارت بودند از آقایان: مصباح، رشیدپور، سید ابراهیم خسروشاهی، امینی، مرحوم شیخ محمدعلی قمی و بنده. حدود ده جلسه در خصوص ضرورت تشکیل جامعه مدرسین بحث و تبادل نظر شد و تصمیم بر این شد که نزد بزرگان حوزه و مراجع برویم و به خصوص دربارهٔ سطح پایین اخلاق در حوزه گلایه کنیم و بخواهیم که برای رفع این مشکل اقدامی کنند از این رو چند نفر خدمت حضرت امام و سایر مراجع رسیدند که تنها از سوی حضرت امام جواب مثبت شنیدند... در روز اوّل که بنا شد جلسه جامعه تشکیل شود، به هزار تومان پول نیاز داشتیم و جمع ما که مرکب از حدود چهل تن از علمای بزرگ بود، این وجه را در اختیار نداشتند. آقای مؤمن ابراز کرد که خوب است از شهریهٔ خود آقایان این وجه تهیه شود. هر کدام از اعضا مقداری از این وجه را تقبّل کردند و کار را با هزار تومان شروع کردیم. بحث درباره کارهای مثبت جامعه مدرسین در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب بسیار مفصل است». در آن سالها، جامعه مدرسین اقدامات مهمی را بر ضد رژیم شاه به انجام رساند که از جمله می‌توان به خلع ید شاه از حکومت اشاره کرد که موجبات شادی دلِ امام (ره) را فراهم نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، آیهٔ الله مسعودی، در مدرسهٔ رفاه، در خدمت امام بود و با تشریف فرمایی امام به قم، به همراه ایشان به قم آمد. آیهٔ الله مسعودی در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در کنار رزمندگان حضور یافت و همواره مدافع اسلام و انقلاب بود. ایشان هم اکنون تولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه را بر عهده دارد و به خدمت به زائران کریمهٔ اهل بیت می پردازد.

مسلم ملکوتی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله مسلم ملکوتی

محل تولد : سراب

شهرت : ملکوتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیهٔ الله میرزا مسلم ملکوتی، در پانزدهم خرداد سال ۱۳۰۳ در حومهٔ شهرستان سراب، واقع در ۱۳۰ کیلومتری تبریز به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی روزگار می‌گذراند و دارای تحصیلاتی نیز بود. اشتیاق خانواده آیهٔ الله ملکوتی و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی وا داشت؛ به گونه‌ای که در پنج یا شش سالگی نزد عالم محل که خود از منسوبین او بود، توانست نوشتن و خواندن را فرا گیرد و با قرآن مجید و معارف آن آشنا شود و بخشی از قرآن را حفظ کند. آیهٔ الله ملکوتی، با فرا گرفتن قرآن در زادگاه خود به سراب آمد و در آنجا به فراگیری کتابهای متداول ادبی حوزه علمیه، همانند جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مطول، منطق و اصول فقه پرداخت و در هفده سالگی برای ادامهٔ تحصیل، به تبریز رفت. در حوزه علمیه تبریز، به مدت چهار سال اقامت داشت و از محضر استادان گرانمایه آن دیار همچون مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی، مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی. بهره برد و کتابهای شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به پایان رساند. ایشان در طی این سالها، کتابهایی را که پیش‌تر فرا گرفته بودند، به طلابی که تازه وارد حوزه شده بودند، تدریس می‌کردند. با اتمام دوره سطح، در سال ۱۳۲۱ به منظور ادامهٔ تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و در علوم معقول و منقول، از محضر بزرگانی چون امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی بهره برد. سپس به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار، همچون آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود. شوق فراگیری علوم دینی، آیهٔ الله ملکوتی را در سال ۱۳۳۴ به سمت نجف اشرف کشاند. انوار علوی چنان بر سر ایشان سایه افکند که توانست در آن دیار، به درس بزرگانی چون آیهٔ الله سید ابوالقاسم خویی، آیهٔ الله سید محسن حکیم راه یابد و کسب فیض نماید؛ همچنین در این مدت از تربیت شاگردان ممتاز در فقه، اصول، فلسفه، کلام، ریاضی و ... غافل نماند و بدین ترتیب، دین خود را به حوزه علمیه آن دیار نیز ادا کرد. اقامت دوازده ساله ایشان در نجف، در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید و ایشان برای سپری کردن اوقات فراغت در تابستان، به ایران آمد. با به پایان رسیدن تابستان، بار دیگر قصد نجف اشرف نمود؛ اما درگیریهای آن روز دولت ایران و عراق که به نا امن شدن مرزها انجامیده بود، او را از تصمیم خود بازداشت و دیگر باز، عازم شهر مقدس قم شد. آیهٔ الله ملکوتی، با ورود به شهر قم، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد که با استقبال فراوان طلاب مستعد روبرو شد و نیز ایشان در کنار آن به تدریس فلسفه می‌پرداخت که حاصل آن، ظهور طلابی فرهیخته در حوزه علمیه امروز ماست. دوران تحصیل آیهٔ الله ملکوتی، در محضر بزرگانی سپری شده است که نام هر کدام، همچون ستاره‌ای در آسمان تشیع می‌درخشد. ایشان در تبریز، دروس سطح را نزد مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی، مرحوم آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری، مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی و مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی آموخت. با ورود به قم، در درس خارج فقه و اصول آقایان مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی و سید محمد حجت شرکت نمود. با ورود آیهٔ الله بروجردی به قم از درس ایشان نیز بهره برد و در علوم عقلی به درس حضرت امام خمینی(ره) رفت. ایشان از امام(ره) به دقت، جدیت و همت بلند معظم له یاد می‌کند و از سجایای اخلاقی ایشان، حضور دائمی در نماز جماعت را بر می‌شمرد. همچنین ایشان در علوم عقلی از میرزا مهدی مازندرانی، شیخ ابوالقاسم اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی نیز بهره برده است. در مشهد نیز به درس فلسفه شیخ سیف الله ایسی میانجی و هیأت و ریاضیات شیخ محمد رضا کرباسی رفت و نیز از محضر آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌های فراوان برد. استادان ایشان در نجف، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و

شیخ حسین حلی‌بودند که در درسهای خارج فقه آنان شرکت می‌نموده است و نیز در درس خارج فقه و اصول آیهٔ الله ابوالقاسم خویی حضور مداوم داشته است. ایشان از دوستان دوره طلبگی خود به شیخ اسدالله اصفهانی و آقا سعید اشراقی اشاره می‌کند که همراره با آنها به مباحثه دروس فرا گرفته شده، می‌پرداخته است. آیهٔ الله مسلم ملکوتی طبق سنت حوزه‌های علمیه، هم زمان با تحصیل به تدریس دروس به طلاب بعد از خود می‌پرداخت و در فقه و اصول، فلسفه، کلام، هیأت، ریاضی و ... صاحب شاگردانی زبده بود و سه حوزه قم، نجف و مشهد خاطرهٔ سالها تدریس ایشان را در ذهن دارد. زندگی آیهٔ الله ملکوتی همچون بسیاری دیگر از علمای راستین، با مبارزات و فعالیتهای سیاسی بسیاری همراه بود. در زمان سلطه حکومت ستمشاهی، ایشان لحظه‌ای از مبارزه با آن رژیم سرباز نزد و حتی دیگران را به فعالیت و مبارزه بر ضد شاه تشویق می‌کرد. آیهٔ الله مسلم ملکوتی با تأسیس کتابخانه و صندوق قرض الحسنه المهدی در شهر سراب، زادگاه خود، بر آن شد که با جذب جوانان متدین، آنها را برای مبارزه بر ضد رژیم شاه منسجم و متشکل سازد و در ضمن، مبانی اعتقادات آنها را نیز تقویت کند. از فعالیتهای دیگر ایشان در پیش از انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. در آن روزگار، جلسات جامعه مدرسین به صورت مخفی و در خانهٔ افراد عضو، برگزار می‌شد. آیهٔ الله ملکوتی با حضور مستمر در جلسات جامعه مدرسین، امضای نامه‌های آن مرکز در حمایت از نهضت امام خمینی(ره) و تبادل نظر با گروهها و جناحهای سیاسی برای وحدت هر چه بیشتر، نام خود را در شمار یاران باوفای انقلاب و امام(ره) رقم می‌زد. افشاگری‌های ایشان در آن سالها، باعث شده بود که ساواک بارها ایشان را در قم و آذربایجان تحت تعقیب قرار دهد. حضرت آیهٔ الله ملکوتی، در سالهای مبارزه بر ضد رژیم با تبعیت و پیروی محض از فرمانهای حضرت امام خمینی(ره) در برابر گروهها و دسته‌های انحرافی و التقاطی ایستاد و بر اسلامی بودن حرکت، پافشاری نمود. فعالیتهای سیاسی ایشان به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، حضور سبز و پر صلابت ایشان در عرصه‌های گوناگون انقلاب، به بسیاری از مبارزان، امید می‌بخشید. ایشان با شرکت مستمر در دفتر استفتائات امام(ره) به مستحکم کردن پیوند امام و امت و نیز به حل مشکلات فقهی مردم می‌پرداخت و نیز به نمایندگی از طرف امام(ره) برای حل مشکلات مردم آذربایجان و زنجان، به آن دیار شتافت. با شهادت آیهٔ الله مدنی، امام جمعه تبریز، در سال ۱۳۶۰، امام خمینی(ره) آیهٔ الله ملکوتی را به نمایندگی خود در آذربایجان و نیز به عنوان امام جمعه تبریز برگزید. تبریز در آن سالها دست خوش نزاعها و تحریک گروهکهای ضد نظام برای ایجاد یأس از انقلاب اسلامی بود. آیهٔ الله ملکوتی با افشای این دسیسه‌ها و دعوت مردم و گروه‌های هوادار انقلاب به وحدت و یکپارچگی، دشمنان را از رسیدن به اهداف خود مأیوس نمود. ایشان بارها و بارها در خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها، مردم را به حضور پر شور در جبهه‌های جنگ و کمک به رزمندگان دلیر اسلام فرا خواند و خود نیز از حمایت مادی و معنوی رزم آوران دفاع مقدس دریغ نورزید. همچنین آیهٔ الله ملکوتی در دورهٔ اول و دوم مجلس خبرگان رهبری، به نمایندگی از طرف مردم آذربایجان شرقی عضویت داشت و خدمات شایانی را در این عرصه نیز به انجام رساند. آیهٔ الله ملکوتی در سال ۱۳۷۳، با دعوت برخی بزرگان حوزه علمیه قم و نیز موافقت مقام معظم رهبری از تبریز به قم آمد و با بر پا کردن درس خارج فقه و اصول، بسیاری از طلاب علوم دینی را شیفتهٔ درس خویش ساخت و بدین وسیله، سیرهٔ علما و دانشمندان این حوزه سترگ را پاس داشت.

مسلمی خوازنی، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا مسلمی خوزانی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در آبادان متولد شدم. پدر و مادرم مذهبی بودند در کنار دروس جدید در مکتبخانه‌های قدیمی به فراگیری کتاب آسمانی و قرائت صحیح آن پرداختم در دوران دبیرستان در ایجاد و ترویج مطالعات اسلامی در میان همکلاسی‌ها موثر بودم در مساجد و کانون‌های مذهبی حضور فعال داشتم تدریس قرآن، تفسیر ساده و عقاید از اشتغالات همیشگی‌ام بود. حضور در صحنه‌های انقلاب و بحث ومناظره با مارکسیست‌ها و گروهک منافقین در برنامه‌های کاری ما بود. در سال ۱۳۵۹ دیپلم اقتصاد گرفتم و سریعاً به حوزه علمیه قم وارد شدم دو ماه پس از درس خواندن، جنگ تحمیلی آغاز گردید و بنده به مناطق جنگی رفت و آمد داشتم و به بیان عقاید، تفسیر، اخلاق و احکام برای رزمنده‌ها می‌پرداختم در پایان سال تحصیلی ۶۸ ـ ۶۷ دوره سطح حوزه را به پایان رساندم.در مدرسه حجتیه قم برای طلاب خارجی تدریس عقاید و کلام داشتم. از سال تحصیلی ۷۰ ـ ۶۹ در مدرسه رسول اکرم(ص) شاه ابراهیم و دیگر مدارس حوزه مانند معصومیه بلوار امین و الهادی خاکفرج و... به تدریس عقاید و کلام اسلامی اشتغال داشتم. در سال ۷۰ ـ ۶۹ در دوره تخصصی کلام حوزه شرکت کردم و قبول شدم و دوره از ۷۱ ـ ۷۰ آغاز گردید این اولین دوره تخصصی حوزه بود و آن را با موفقیت کامل در سال ۷۴ به پایان رساندم در تاریخ ۲۵/۱۱/۷۴ رسماً به صورت حق التدریس با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری کردم که این حق التدریس تا الان ادامه دارد فیش‌ها و یادداشت‌های زیادی در مباحث کلامی و تفسیر و منبر دارم که هیچ‌کدام منتشر نشده‌اند. اکثر اوقات بنده به تدریس، سپری شده است و ایام تبلیغی هم به منبر و سخنرانی.

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن مسیب نژاد

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۷۰-۶۹ پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه ، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم.

در مـدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال ۱۳۸۰ وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاهٔ آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال ۸۰ وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در دانشگاه مفید شدم و در سال ۸۴ دوره کارشناسی را به پایان رسانـدم . با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیبی، رضوانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضوانعلی مسیبی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضوانعلی مسیبی قبل از هفت سالگی شروع به تحصیل قرآن کریم نموده و بعد از ۷ سالگی وارد مدرسه ابتدایی در شهر بابلسر – مازندران شدم و تا مقطع دیپلم را در همان رشته علوم تجربی به پایان رساندم. سپس در تاریخ ۲۱/۱۰/۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مـدرسه حقانی) شدم و به مدت ۵ سال و نیم کـل دروس مقـدمات و سـطح را تمام کردم و وارد درس خارج شـدم تا الان . از همان اوایل تحصیل درحوزه علمیه قم مشـغول تدریس ادبیات شده و سپس به فقه و اصول و ... تا الان که مکاسب، رسائل و کفایه را تـدریس می کنم . و چـون علاـقه وافر به قرآن داشـتم از همـان اوائـل تحصـیل در حوزه در جلسه تفسیر قرآن حضـرت آیت الله جوادی آملی شـرکت کرده و بهره ها بردم تا الان که مشـغول تلمذ در این درس هسـتم . از طرفی علاقه به معقولات ، اینجانب را به حضور در دروس فلسـفه و عرفان کشانـده و از این رهگـذر حضـرت آیت الله حسن زاده آملی بعضـی از مجلدات اسـفار و مصـباح الانس در عرفان را تلمذ کرده و بعضـی از مجلدات اسفار را هم نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. بعد از سالها تدریس در فکر قلم زدن در وادی مسائـل مبتلا به شـدم تا اینکه در تالیف اول (بازگشت به خویشتن یا توبه نصوح) که جنبه تفسیری آن بر اخلاق برتری دارد را ارائه کردم . سـپس در مقالات شخصـی که بر متون اهل سـنت در فقه و حـدیث – تاریخ داشـتم کتاب دوم را تالیف نمودم . در رهگـذر این تدریس و تلمذ و تدریس ، به حفظ قرآن پرداخته و سالها در کتاب شـریف نهج البلاغه و صـحیفه سـجادیه سپری کردم و موضوعات زیادی را یادداشت و جمع آوری کردم که با انـدک زحمتی هر کـدام به تالیف تبدیل می شوند. تا اینکه پسر ارشدم را در سن ۷ سالگی حافظ کل قرآن – صـحیفه – نهـج البلاغه (نامه – کلمات قصار) شده است که از قبل دعوت ایشان به داخـل و خارج کشور اجرای برنامه های قرآنی – اینجانب هم راهی تبلیغ در این وادی شـده واکثر اوقاتم در این مسـیر سپری می شود.

مسیح شرقیان، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم مسیح شرقیان

محل تولد : سادات شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۴/۳

زندگینامه علمی

مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال ۱۳۲۴ شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیهٔالله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرسم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعدازظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادهٔ ملااحمدنراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به ییلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به ییلاق می رفتیم و تا سال ۱۳۲۸ هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطوّل و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً ـ آن وقتها تابستان بود در ییلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا چیزی دریابم در تابستان ۱۳۲۸ به جای ییلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیهٔ الله حاج شیخ محمد باقراللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال ۱۳۲۸ با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد(آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از ۳ روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع

کردم: ۱- معانی و بیان را نزددانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی ۲- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی ۳- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی ۴- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علومی ۵- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیـهٔ الله آقا سید محمد تنکابنی ۶- مکاسب شیخ اعظم را هم نزدآقا سیدمحمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود ۷- و رسائل شیخ را نزد آیهٔ الله شیخ یحیی مفیدی خواندم ۸- جلدین کفایهٔ الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیهٔ الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. ۹- درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیـهٔ الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال ۱۳۳۸ شمسی که مدت ۱۰ سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهرا معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال ۱۳۳۸ با مشورت علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که ۳ سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیهٔ الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیهٔ الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاهٔ یک ماه اخیر آیـهٔالله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصدو چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضرت آیـهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیهٔ الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیـهٔ الله بروجردی فقه را نزد آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و آیهٔ الله العظمی مرعشی نجفی و آیـهٔ الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی(ره) در درس اصول آیـهٔالله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیـهٔالله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیهٔالله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال ۴۳ با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان ۱-دکتر مصطفی محقق داماد ۲- حجهٔالاسلام ناطق نوری ۳- حجهٔالاسلام مهدی کروبی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال ۱۳۴۸ فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از ۲۰ واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت ۳۰ سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و ۲۰ سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت ۸ سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده پرستاری بودم و در

سال ۱۳۸۲ بازنشست شدم و همزمان ۵۲ سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و ۴۵ سال امامت جماعت داشتم و ۱۴ سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت ۴ سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز ۴ سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و ۴ سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در ۶۳ سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان شاءالله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم – والسلام علیکم و رحمهٔالله.

مشایخی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله مشایخی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قدرت الله مشایخی در سال ۱۳۴۲ بعد از تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی گذرانده و کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی و آیت الله مشکینی . سپس درس خارج حوزه را مدتی در خدمت مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری گذرانده و مدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خارج فقه را سال های متمادی نزد حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم . در درس فلسفه مدت ۸ سال خدمت آقای حسن زاده آملی اسفار شرکت کردم . مدت کوتاهی در یک تابستان مسائل مستحدثه را نزد حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم .

در خلال این سنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صفر و رمضان را مشغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال ۱۳۶۲ بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه الزهراء شدم چند سالی را به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول بودم و بنا به تقاضای دانشگاه از سال ۱۳۷۰ از طریق شرکت درخبرگان بی مدرک جزء هیئت علمی دانشگاه الزهراء ، دانشکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه

الزهراء می باشم و تقریبا اوقات درسی نیمی ازهفته را در آنجا و نیمی ازهفته را نیز در حوزه علمیه قم اشتغال دارم . در دوران تحصیل درحوزه گذشته از اداره کردن کلاس های فن خطابه درس های اعتقادی مدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی ازنهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه های آن را هر هفته بین طلاب تقسیم می کردند و در این بحث ها نامه امام به مالك اشتر و وصیتنامه آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .

در حال حاضر در دانشگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمسه می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزو ه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هستم در درس فقه آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشرف حسینی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن السید الجلیل السید حسن بن السید احمد بن السید محمدعلی الحسینی قمی‌الاصل والولاده از علماء ابرار معاصر است در درود، وی در قم متولد شده و در دامن تقوا و علم عالم ربانی و آیهٔ سبحانی مرحوم مبرور آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی تربیت یافته و پس از خواندن مقدمات سطوح را از مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدحسین علامه‌ی قمی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حجهٔ‌الاسلام آقا سید مهدی تهرانی و آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه صدر و مرحوم آیت‌اللّه میرزا جواد آقای ملکی تبریزی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت ره و غیرهم استفاده نموده و از خرمن علوم و تقوای آنان خوشه‌ها برداشته تا در سال ۱۳۷۰ قمری که به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بدرود منتقل و تا اکنون در آن ناحیه به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: معظم له از دانشمندان متقی و متدین و موصوف به فضل و کمال و زهد و ورع می‌باشد خداوند امثال آنجناب را زیاد و مستدام بدارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مشکور نجفی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالدین مشکور فرزند مرحوم شیخ محمدجواد بن العلامه شیخ مشکور نجفی حولاوی در حدود سال ۱۳۳۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و در دامن و بیت والدش شیخ محمدجواد مشکور که از علماء نجف و شوهر خواهر عالم عابد آیت‌اللّه حاج شیخ علی

زاهد قمی نجفی معروف (امام مسجد هندی نجف اشرف) که دختر عموی شیخ مشکور بود که نامزد او شده و او برای زیارت آمده بود و او را خواستگاری کرد و با او ازدواج نمود.

پس برای او دو دختر آورد یکی مادر عبدالکریم و محمدرضا و مرتضی و مجتبی مشکور شد که ساکن مشهد هستند. فرزندان شیخ تقی مشکور پسرعموهایی شیخ مشکور می‌باشند. پس شوهر او از دنیا رفت و او با برادرش شیخ علی قمی نجفی به نجف آمده و شیخ مشکور او را خواستگاری کرده و او را پذیرفت.

پس برای او فرزندی آورد موسوم به حسین و فرزندان دیگری که همه آنها از دنیا رفتند جز او حسین ماندند او هم برای این بود که قبل از ولادتش پدرش مسافرت کرده بود و او در مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بسیار گریه می‌کرده پس نذر نموده اگر فرزندش پسر بود او را حسین بنامد. پس او را حسین نامید و او سخت مریض شد پس پدر و مادرش برای او قربانی کرده و روزه گرفتند که خدا او را شفا دهد و خداوند دعای آنها را اجابت و او را شفا بخشید.

و شیخ مشکور معروف به بزرگواری و دوستار خیر و احسان به خلق خدا بوده است. روزی در وادی السلام مردی را دید که از قبر ابن ملجم مرادی اشقی‌الاولین والاخرین می‌پرسید پس به او می‌گوید بیا تا او را به تو نشان دهم پس او را به حفره‌ای برده و می‌کشد و به جهنم می‌فرستد پیش ابن ملجم مرادی ملعون و در مراجعت به یک شرطه (پلیس) برمی‌خورد.

و از او می‌پرسد: رفیق تو کو؟

می‌گوید: من تنها بودم.

می‌گوید: خیر من دیدم شما دو نفر بودید.

می‌گوید: سگی با من بود که اذیت می‌کرد پس او را کشتم.

او می‌گوید: خیر انسانی با تو بود.

پس به او می‌گوید: خیر سگ بود.

می‌گوید: برویم ببینیم.

پس چون به آن حفره می‌رسند کشته سگی را می‌نگرند، پس به او می‌گوید جریان چیست؟ من انسانی را با تو می‌دیدم حال سگ می‌بینم، می‌گوید او از خوارج و طرفداران ابن‌ملجم مرادی بود و قبر او را می‌خواست پس من او را کشتم تا به این ملجم ملحق شود و خدا او را مسخ به صورت سگ نمود پس آن شرطه (پلیس) سنی، شیعه و محب علی علیه‌السلام می‌شود.

مترجم ما از این بیت است که در نجف نشو و نما یافته و از محضر آیات عظام استفاده نموده و سالها در صحن شریف به جای والدش اقامه جماعت نموده و در سال ۱۳۹۲ قمری از طرف حکومت بعث به ایران آمده و در قم رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در حسینیه نجفیها به اقامه جماعت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مشکوری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مشکوری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمّد حسین مشکوری طلبه قم و معمم مشغول به تحصیل می باشم اجداد بنده همگی از علماء و فضلای نجف و معروف به مشکور نجفی مشغول به تألیف و تدریس بوده اند و لذا اینجانب فوق العاده علاقه مندم در امتداد حرکت آن بزرگواران و در راستای اعتلای کلمه اسلام خدمتی هر چند اندك را به جامعه اسلامی تقدیم نمایم. در این راستا چند سالی است که به تهیه فیش های علمی می پردازم تا ان شاءالله در آینده ای نزدیک مطالبی مفید و ارزنده ارائه نمایم . ان شاءالله

مشکینی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیـهٔ الله علی اکـبر فیض معروف بـه مشـکینی در سـال ۱۳۰۰ هجری شمسـی در روسـتایی از توابـع بلـوك مشـکین شـهر و در میـان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحـانیت به تحصـیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیـهٔ الله مشـکینی هنگـامی که همراه با پـدر در نجف اشـرف مقیم بود، به مکتب خـانه رفت. هنوز بیش از دو سـال از اقامت خانواده آیـهٔ الله مشـکینی در نجف نگذشـته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیـهٔ الله مشـکینی به همراه پـدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مـدتی پـدر را نیز از دست داد. خود می گویـد ": پس از فوت پـدرم مـا یتیم بودیم و هیـچ چیز نـداشتیم ".ایشان با وجود سـختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شـد و پس از انـدکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سـخت دوران یتیمی خویش می گوید": با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بـود که در آن پـای نهـاده بـودیم. هر چنـد در این غربت و تنهـایی سـایه پـدر و مـادر نبوده لکن همواره خـدا بود و بـاور این حضور، ما را از یاس و ناامیـدی نجات می داد ".وی برای تحصـیل علوم دینی به شهرسـتان اردبیل سـفر کرد و مقداری از صـرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سـپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسـجد گوهرشاد مشـهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمـد و در آن دیار به تحصـیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سـفارش پـدرش برای تحصـیل علم می گویـد": پـدرم در آخرین لحظـات عمرش تنهـا سفارشـی که برای من کرد این بود که فرمود: پسـرم! در روز قیـامت به پیش من رو سـیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسـیر را فرا نگرفته باشی ".این بود که آیهٔ الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشـید و در این علوم نیز تبحر خاصـی به دست آورد. او در حضور اساتیـد بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضـر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شـیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصـیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به خوبی به پایـان رسانـد و در درس خارج فقه و اصول اسـتادان مشـهور دوره خود، حاضـر شـد. وی نزدیك به هفت ماه نیز در نجف اشـرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و

ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیة الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیة الله العظمی بروجردی (ره) و آیة الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی(ره) شرکت جدی داشت. آیة الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیة الله جوادی آملی و آیة الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیة الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیة الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱ـ اصطلاح الاصول ۲ـ مصطلحات الفقه ۳ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) ۴ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵ـ ازدواج در اسلام ۶ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) ۷ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) ۸ـ المواعظ العددیه ۹ـ واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) ۱۰ـ قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴ـ واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵ـ تفسیر سوره (ص) ۱۶ـ بحث تکامل از نظر قرآن ۱۷ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸ـ زمین و آنچه در آن است ۱۹ـ تقلید چیست؟ ۲۰ـ رساله خمس ۲۱ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروةالوثقی ۲۲ـ نهج البلاغه موضوعی ۲۳ـ تحریرالمواعظ ۲۴ـ تحریرالمعالم ۲۵ـ الرسائل الجدیده ۲۶ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) ۲۷ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروة الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیة الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیة الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر

روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشیرفراهی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر مشیرفراهی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۳۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد جعفر مشیر فراهی فرزند سیّد حسن در تاریخ ۳۱/ ۱ / ۴۰ ه. ش مطابق با ۴ ذی القعده الحرام ۱۳۸۰ ه. ق در شهر مقدّس مشهد متولد شدم . در ۵ ماهگی پدرم مرحوم آیت الله مشیر را که از نوادگان مشاور التولیه آستان قدس رضوی بود ، از دست دادم . در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم . از سال ۵۶ تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب ، شرکت فعّالانه داشتم . در سال ۶۰ به خدمت سربازی رفته و پس از ۵/۸ ماه از خدمت معاف شدم . حدود ۷ ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشتم در سال ۶۱ وارد حوزه علمیه شده و دروس حوزه را تا سطح خارج ادامه دادم (۳ سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی ، فقیه سبزواری ، واعظی ، مرتضوی ، رضا زاده و مرحوم فلسفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سطوح (لمعه) هستم . در سال ۶۳ وارد آموزش و پرورش شده و در رشته مربی پرورشی به فعالیت پرداختم و در سال ۷۱ وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم (۱۳۷۹) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم .

مصباح زاده، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله مصباح زاده

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب اسد الله مصباح زاده درسال ۱۳۴۲ درشهر کرمانشاه با تلاش و کوشش فراوان طلبه شده و مدت دو سال در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی (ره) مشغول به تحصیل مقدمات و ادبیات بوده و پس از این مدت وارد حوزه علمیه قم شدم .مدتی در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان امام خمینی(ره) و تهران آن روز در مدرسه علوی و بعد از آن با تلاش حقیر و دوستان وارد مدرسه حقانی شدم .و بعد دوباره به کرمانشاه برگشته پس از ازدواج و تشکیل خانواده خداوند یاری کرد دوباره به شهر اهلبیت(ع) قم برگشتم و از محضر مبارک اساتید معروف حوزه علمیه تلمذ نموده و اکنون نیز ادامه دارد .

مصباحی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جواد مصباحی که نیز از علماء مشهور و روحانیون خدوم شیراز بوده و مدفن او در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه و از فرزندان این مرحوم که روحانی هستند جناب حجهٔالاسلام آقای سید نورالدین مصباحی می‌باشند که در شیراز در مسجد حاج عباس به اقامه نماز و تدریس مشغولند، می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجدالدین فرزند سید جلیل و عالم نبیل آقا سید جمال‌الدین مصباحی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید عباس مصباحی از دانشمندان به نام و مبلغین و خطباء سامی و وعاظ گرامی استان فارس به ویژه شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش و از کودکی آثار نبوغ در ایشان متجلی و از بدو جوانی به تحصیلات علوم دینی و غیره اشتغال و با آیت‌اللَّه مکارم و مرحوم آیت‌اللَّه ربانی و غیرهما هم دوره بوده و از شاگردان مبرز مرحومین آیت‌اللَّه حاج سید نورالدین حسینی و آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللَّه حاج شیخ علی ارسنجانی بوده و از آنان استفاده کرده و چند سال هم در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین خادمی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده است.

مدت کوتاهی هم در نجف اشرف اشتغال داشته و از بدو جوانی به علت اعتماد علماء اعلام شیراز به امامت جماعت در بقعه سید ذوالفقار مشغول شده، و چون در فن خطابه شهرت بسزائی یافت از طرف مراجع و علماء اعلام و شخصیتهای مذهبی به خارج دعوت می‌شدند تا جائیکه در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سن شباب نقش موثری داشته و در سی‌ام تیرماه با کفن‌پوشی در قیام خونین شرکت نمود که مورد تقدیر مرحوم آیت‌اللَّه کاشانی قرار گرفت و بعد از ۲۸ مرداد بازداشت و بعد از آزادی مرتبا تحت تعقیب بود تا در انقلاب اسلامی حرکت تبلیغی و تهاجمی وی به قدری شدید بود که در شب ۱۶ خرداد ماه سال ۴۲ بعد از سخنرانی تاریخی در مسجد نو دستگیر و به اتفاق مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللَّه دستغیب (شهید) از شیراز

به زندان انفرادی عشرت‌آباد تهران منتقل و سپس دستجمعی محبوس و محاکمه گردیدند و بعد از آزادی در سنگر منبر و محراب با موقعیت و محبوبیت خاصی در شیراز و بنادر و کویت به خدمت اسلام و مردم مشغول و مجددا در قیام و نهضت روحانیت و انقلاب اسلامی رهبر انقلاب معظم‌له شرکت و به تصدیق علماء اعلام و تاریخ فعالیت ایشان به قدری موثر بود که بعد از جمعه سیاه تهران شبانه دستگیر و به اتفاق آیت‌اللَّه شهید دستغیب در تهران در زندان کمیته بازداشت و محاکمه شده و بعد از آزادی و بازگشت به شیراز و به اتفاق مرحوم دستغیب به مشهد مشرف شده و آنجا هم نامبرده با استقبال بی‌سابقه مردم و سخنرانی دگرگونی عجیبی ایجاد نمود و از آنجا شبانه در اوج حکومتی نظامی به شیراز وارد شده و از اول محرم سرنوشت ساز در مسجد مولا با حمایت علماء و مردم سخنرانی نموده تا به تصدیق علماء و جرائد روز در تظاهرات صد هزار نفری را آقای مصباحی اداره می‌نمود تا روز پیروزی انقلاب نقش یک سرباز نامی داشته که زبانزد روحانیون و مردم شیراز است.

نقش مشارالیه در حفظ امنیت شهر شیراز بوده که از ساعت ۸ شب تا صبح با صدها اتومبیل و مردم مومن در سراسر شهر شیراز به گشت و حفظ مال و جان و ناموس مردم مشغول بوده مشارالیه به خاطر عشق به اصل انقلاب اسلامی و نخواستن پست و مقام و خدمت به دین و مستمندان و احیاء مسجد و اماکن خیریه از محبوبیت خاصی برخوردار است.

معظم‌له از بدو جوانی تاکنون در ساختن بقعه سید ذوالفقار و مسجد رمضان‌خان و مسجد شکراللَّه‌خان و مسجد حاج عباس و مسجد جوکار و تأسیس مسجد و کتابخانه مسجد الصادق موفق بوده است و کتاب رمز ملل اولین اثریست که از مشارالیه در اصول عقاید منتشر شده است.

مشارالیه از طرف مراجع عالیقدر شیعه ۱- آیت‌اللَّه حکیم ۲- آیت‌اللَّه میلانی ۳- آیت‌اللَّه شریعتمداری ۴- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی دارای اجازات روایتی و امور حسبیه می‌باشند.

نگارنده گوید: بیت سادات مصباحی در شیراز از بیوتات رشیقه بوده و شخصیتهای برجسته‌ای که چون نامشان مصباح مردم فارس بوده‌اند که چند نفر از منظر دیدگان شما عزیزان می‌گذرانم.

مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عباس مصباحی پدربزرگ حجهٔ‌الاسلام حاج سید مجدالدین مترجم ما از اکابر علماء و مجتهدین عصر خود در شیراز بوده و در نجف اشرف از محضر مرحومین علمین حاج شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه در اصول و مرحوم حاج سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی و آیت‌اللَّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی با دریافت اجازه اجتهاد صاحب مقام علم و تقوای خاص بوده و زاهد آن بزرگوار چنان بوده که به علت خشکسالی مردم شیراز ایشان را برای نماز استسقاء و دعای باران به صحرا عبیرآمیز برده و در اثر دعا این مرحوم و متدینین باران شدیدی می‌بارد که موجب خوشحالی مردم و مزید شهرت و محبوبیت ایشان می‌گردد. مدفن این بزرگوار در حافظیه در بین علماء بزرگ است.

سید مجدالدین بن السید الجلیل والعالم النبیل سید جمال‌الدین مصباحی شیرازی از خطباء نامی و گویندگان گرامی معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز متولد شده و پس از خواندن تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) و آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی استفاده نموده و چند مدتی هم در اصفهان از درس خارج آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا خراسانی و سایر علماء برجسته اصفهان بهره‌مند گردیده و بعد از آن به وطن برگشته و از طریق منبر و سخنرانی خدمات تبلیغی بسیار نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای مصباحی واعظ یکی از مفاخر وعاظ و سخنوران استان فارس می‌باشند بیانی بلیغ و زبانی صریح و نطقی فصیح و پرحرارت و مؤثر و نافذ دارند. وی را تألیفی بنام (رهبر ملل) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی مصباحی مصباحی است که داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی بوده و این مرد از اوتاد بوده و پدر ایشان نیز از اتقیاء زمان خود بوده که قبرشان در کازرون مزار مردم آن سامانست. و سادات حقیقت مصباحی از این سلسله‌اند و مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر ناصری جهرمی که از فضلاء عصر بودند در تهران و در مدرسه مروی تدریس می‌کردند و در مسجد ناصری جنوب دروازه دولاب تهران اقامه جماعت می‌کردند و از شاگردان مبرز آیت‌اللّه حاج میرزا باقر آشتیانی داماد این مرحوم بودند.

کتاب امامت و شفاعت و بازگشت به سوی خدا و رساله حقوق از آثار این مرحوم است. مدفن ایشان در صحن حضرت علی بن حمزه شیراز است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، نبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نبی مصباحی که از روحانیون متقی و زاهد شیراز به شمار می‌روند و از خدمات آن مرحوم تربیت محصلین و همکاری با مرحوم برادرش حاج سید یوسف مصباحی در مدرسه سادات و حافظ شیراز بوده، فرزندان این مرحوم همه در شیراز در کار تدریس و تربیت جوانان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف مصباحی که از روحانیون بنام شهر و بنیانگذار فرهنگ نوین و دینی شیراز بوده که در شهرک سعدی مدرسه‌ای بنام سید یوسف مصباحی از طرف اداره فرهنگ نامگذاری شده فرزندان این مرحوم در خدمت به جامعه معروفند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصدرالاموری، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد تقی بن المرحوم العالم العلام حاج شیخ محمد جاپلقی از علماء اعلام و فضلاء کرام قم و نجف معاصر است در شهرستان صنعتی آبادان. وی در شهر مذهبی قم بدنیا آمده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح بنجف مسافرت نموده و از محاضر مراجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیه‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و مراجعت بایران و حدود دو سالی در قم توقف و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و مجددا به نجف مراجعت و در سال ۱۳۳۷ شمسی بنا بر دعوت عده‌ای از متدینین آبادان بایران برگشته و در شهر آبادان رحل اقامت فکنده و به خدمات دینی پرداخته است.

معظم‌له عالمی فعال و در امور دینی بسیار ساعی است و از اول ورودش بآبادان اقدام بتأسیس مسجد جامع کارون نموده که از مساجد بزرگ و با شکوه این شهرستان محسوب میشود.

آثار دیگر این دانشمند در آبادان از این قرار است:

۱- مسجد جامع کارون که ذکر گردید. ۲- مسجد امام حسن علیه‌السلام ۳- مسجد امام حسین علیه‌السلام ۴- دبستان متین. ۵- دبستان وحید. ۶- دبستان زهره. ۷- دبیرستانی که آنرا با معیت سه نفر از علماء محترم آبادان تأسیس نموده که از هر جهت مجهز و جامع از تمام جهات و دارای کتابخانه و مسجد زیبائی میباشد.

و اما آثار قلمی آنجناب بقرار زیر است:

۱- بخش گهرها، یا نثراللئالی که بطبع رسیده است.

۲- القران فی کل موضوع.

۳- اشعه الفوائد فی قانون لاتعاد.

۴- فلسفه متافیزیک یا جهان پس از ماده.

۵- تأسیس کانون عقاید و مذاهب که شامل برنامه‌های اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۱، روستای طرق (استان خراسان).

درگذشت: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۸.

سید جواد مصطفوی، فرزند سید محسن مصطفوی امام جماعت مسجد روستای «طرق»، در همان روستا راه مکتبخانه در پیش گرفت و سپس با گشایش مدرسه در آن سال تحصیل در آن مدرسه پرداخت. کلاس دوم را به پایان برده بود که با خانواده‌اش به مشهد آمد و در سال ۱۳۲۱ تحصیلات حوزه‌ای خود را در مدرسه «دودر» این شهر آغاز کرد. دروس سیوطی، حاشیه و مغنی را نزد محمدرضا دامغانی و سپس مطول را نزد ادیب نیشابوری آموخت و سپس در محضر سید احمد مدرس یزدی رسائل، مکاسب، و شرح لمعه را به پایان برد. در سال ۱۳۲۱ به تهران سفر کرد و ضمن تدریس در مدرسه‌ی مروی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت،

در این زمان وارد دانشکده‌ی الهیات شد و دوره‌ی لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را در همین دانشگاه گذراند و پس از اخذ مدرک به سال ۱۳۴۸ به موطن خویش بازگشت و رسما به تدریس در دانشکده‌ی‌الهیات این شهر پرداخت. وی در طول عمر خود علاوه بر تدریس در دانشگاه کتاب‌هایی را تألیف نمود که از این میان می‌توان به آثاری همچون: رابطه‌ی نهج‌البلاغه با قرآن، ابعاد گسترده‌ی اسلام یا دوازده مقاله‌ی حقیقی، التطبیق بین السفینهٔ و البحار، الکاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه فی شروحه (عربی، ۱۳۷۹ ق.)؛ مفتاح الوسایل و بهشت خانواده اشاره نمود. وی علاوه بر این به ترجمه و شرح اصول کافی نیز همت گماشت.

دکتر سید جواد مصطفوی روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ۱۳۶۸ در سن شصت و هشت سالگی بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مصطفوی، فرج‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فرج‌الله مصطفوی بهبهانی از علماء مبرز معاصر بهبهان و داماد معظم حضرت آیه‌الله العظمی حاج میرزا سید علی بهبهانی است.

وی در بهبهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد علماء و مدرسین بزرگ بهبهان از محضر آیه‌الله العظمی بهبهانی مذکور (ابوالزوجه) خود و دیگران استفاده نموده تا بمراتب سامیه علم رسیده و در وطن خویش بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات و انجام سایر وظائف روحی پرداخته و ضمنا تألیفات عدیده‌ای هم از خود بیادگار گذاشته و آنها بشرح زیر است:

۱- رساله قاعده لاضرر مشتمل بر ۱۲ ذخیره که یکی از آن در باب تیمم و استدلال باخبار آن.

۲- کتابی در ریاضیات و قاعده جبر و مقابله.

۳- کتابی در رد شبهه فاضل جبهان سّنی که در رد دعاء شریف ندبه نوشته بنام کلمه الجواب.

۴- کتابی در بیان شک در نماز جماعت و رجوع امام بمأموم و مأموم بامام در مواقع خود.

۵- کتابی در نقل کلمات صاحب جواهر و اشکالات مرحوم صاحب حدائق و صاحب ریاض.

مؤلف گوید: مترجم محترم عالمی بسیار ساده و بی‌آلایش و متین و بزرگوار بوده و در شهر بهبهان بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در میان مردم بهبهان بفضل و تقوا معروف میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر مصطفوی بن مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد بن مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد مجتهد (مدفون در شیخان قم) بن مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین کاشانی (مدفون در وادی‌السلام نجف)

معظم له در سال ۱۳۱۰ شمسی در کاشان متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس جدید در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه آقا میر سید علی یثربی به تحصیل پرداخته و مقدمات و سیوطی و شرح جامی و شرح نظام و حاشیه و شرح شمسیه را در آنجا فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدت دو سال و نیم تقریباً در محضر اساتید حاضر شده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل مکاسب و کفایه در محضر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی شرکت نموده و در آن موقع که معظم له سه درس می‌فرمودند ۱- صلوهٔ ۲- مکاسب ۳- اصول مترجم محترم ما هر سه درس را حاضر شده و بالاخره بعد از بیست سال استفاده از محضر درس ایشان در سال ۱۳۴۹ شمسی برای معالجه به ایران آمده و چون برای ایرانیها مراجعت ممکن نبود به استدعاء اهالی کاشان به مسقط الرأس خود اقامت و اکنون قریب چهار سال است که در کاشان به تدریس مشغول و عده‌ای از فضلاء و طلاب علوم دینی از محضرش استفاده می‌نمایند.

خدمات ارزنده ایشان در کاشان به اهالی و معاودین عراقی بسیار و به قدریست که جز با توفیق الهی در کمتر از بیست سال جدا مشکل بزرگیست

و آنها از این قرار است

۱- تجدید ساختمان مسجد معظمی در دو طبقه با دستگاه تهویه که در شهر کاشان کم‌نظیر است

۲- تعمیر تمام دکاکین گذر (درب یلان) و ترتیب مغازه‌ای که مورد لزوم طلاب علوم دینی و سکنه محل است

۳- واگذاری قطعه زمینی جنب مسجد مذکور و ساختن سالونی برای تبلیغات و کتابخانه مسجد.

۴- تعمیر مدرسه علمیه جد اعلای خود مرحوم زعیم مجاهد آمیر محمدعلی کاشانی

۵- تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در مدرسه علمیه

۶- خریدن قطعه زمینی به مساحت ۵۰۰ متر تقریباً در خیابان شاه‌عباس کاشان (پشت مشهد) بعنوان مهدیه که انشاءاللّه مجهز به تمام وسائل برای تبلیغ در اعیاد و سوگواریها باشد

۷- تعمیر مسجد آسید شکراللّه جنب منزل مترجم.

۸- کمک در ساختمانهای منازل برای معاودین و خدمات عالیه

اما آثار علمی معظم له بقرار ذیل است.

۱- رساله در اجتهاد دو تقلید ۲- رساله در قاعده لا ضرر ۳- رساله در جبر و تفویض ۴- رساله در دماء ثلاثه ۵- رساله در طهارت ثلاث.

و نوشته‌های فارسی که ناتمام است.

۱- رد و انتقاد بر مقاله دکتر... پیدایش خلقت ۲- رد بر نوشته شیخ محمد خالصی.

۳- رساله در مطهریت ارض ۴- تقریرات اصول و مکاسب و طهارت و قسمتی از صلوهٔ حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایة الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مطهری ساوجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مطهری (امام جمعه شهرستان ساوه) یکی از ستارگان فروزان حوزه علمیه قم و افاضل نویسندگان معاصر است.

وی در سال ۱۳۱۷ شمسی در ساوه متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی وارد حوزه علمیه ساوه که به مدیریت آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوه‌ای اداره می‌شد گردیده و دو سال از محضر معظم‌له و مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی قمی استفاده نموده سپس عزیمت به قم نموده و مدت شش سال در حوزه علمیه قم به تکمیل دروس نهائی و سطح پرداخته و پس از پایان آن یک سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی کسب فیض نموده است.

پس از رحلت آقای بروجردی در سال ۱۳۸۲ قمری به نجف اشرف مهاجرت و مدت یازده سال اقامت و از محاضر آیات عظام خمینی و خوئی و شاهرودی و حاج سید نصراللَّه مستنبط و حاج میرزا باقر زنجانی رحمه‌اللَّه علیه فقها و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۹۳ قمری از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و رحل اقامت به قم انداخته و مشغول تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللَّه گلپایگانی و حاج شیخ مرتضی حایری یزدی گردیده تا در انقلاب اسلامی ایران چند سالی مسئول دادگاه‌های انقلاب اسلامی مشهد و برخی از شهرهای دیگر شده تا در سال ۱۴۰۱ که به امام جمعه‌ای ساوه منصوب ولی در خلال این مسئولیت از روز شنبه تا پنجشنبه همه هفته برای تدریس به قم آمده و تدریس خارج فقه و اصول برای عده‌ای از طلاب و محصلین نموده و در روزهای جمعه اقامه نماز جمعه در ساوه فرموده و در ایام تعطیل تابستانی در ساوه به رتق و فتق امور اجتماعی و روحی اشتغال دارند و خدمات چشمگیری که ذیلا بیان می‌شود نموده است.

۱- یکدوره سی جلدی به نام مستند تحریرالوسیله که یازده جلد آن به طبع رسیده است و بقیه در تحت طبع می‌باشد.

۲- طرحهای رسالت در پیرامون مسئله خلاقت و زمامداری ۶ جلد که پنج مجلد آن در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یک جلد درباره امام حسن علیه‌السلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره روابط در جامعه اسلامی در ضمن ۸ جلد که به چاپ رسیده است به شرح زیر:

(۱- رابطه اقتصادی عمومی ۲- رابطه اقتصادی خانوادگی ۳- تامین رابطه جنسی ۴- کنترل رابطه جنسی ۵- رابطه دوستی و محبت ۶- رابطه وراثت و تربیت ۷- رابطه ولایت و حکومت).

۴- کتاب پیرامون علم پیامبر و امام صلی اللَّه علیهم در مسائل غیبی.

۵- کتاب شفاعت

۶- نماز جمعه و احکام آن

۷- کتاب جهاد

۸- کنگره اسلامی حج

۹- هدف حکومت اسلامی

آثار خیر و خدمات اجتماعی

۱- بناء دو مدرسه در شهرستان ساوه بنام مدرسه الزهراء و مدرسه ولی عصر (ع).

۲- پانزده دستگاه منزل برای رفاه طلاب و مدرسین حوزه علمیه ساوه.

۳- مسجدی بنام ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه در کنار میدان آزادی.

۴- دعوت سه مدرس برای تدریس حوزه علمیه ساوه.

۵- اداره و تامین شهریه صد نفر از طلاب حوزه ساوه.

۶- دفتر شهریه برای سادات مستحق ساوه و حومه آن.

۷- صندوق قرض‌الحسنه بنام حضرت جوادالائمه علیهم‌السلام در ساوه برای کمک به مستحقین.

۸- دفتر نان برای تامین نان فقراء شهر ساوه و حومه آن.

۹- تجدید بناء ساختمان مدرسه انقلاب در کنار مسجد انقلاب ساوه.

۱۰- بناء کتابخانه حوزه علمیه ساوه در همان مدرسه در مرکز شهر.

۱۱- تهیه زمین برای بناء خانه‌های مسکونی برای افرادی که توان تهیه منزل ندارند.

متاسفانه معظم‌له با این محاسن و اخلاق و محامد آداب و فضائل انسانی و ملکات فاضله و آثار و خدمات مبتلا به سرطان شده و در سن پنجاه و دو سالگی در روز اول ماه رمضان ۱۴۱۱ قمری برابر بیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۶۹ شمسی از دنیا رفته و در شهرستان ساوه در کنار مزار شهداء آن به خاک رفت رحمه‌اللّٰه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مطهری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مطهری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۴۵ درتهران متولد شدم وپس از گذراندن دوره دبستان وراهنمایی وقبول دراول دبیرستان(رشته علوم تجربی) درسال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهید بهشتی نوشهر شدم وپس از آن درسال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم شدم ودروس سطح را نزد اساتیدی ازجمله محمدی قوچانی، حسینی بوشهری،اعتمادی،محقق داماد ،پایانی،بیگدلی،عرقچی، کوهمره ای،صالحی مازندرانی، قدیری،موسوی تبریزی،و... گذراندم وپس ازآن توفیق شرکت دردروس خارج فقه واصول آیات عظام ازجمله مکارم شیرازی ،وحید خراسانی ،سبحانی،سید جعفر کریمی گذاراندم ودرطی این مدت کارهای تحقیقی وپژوهشی را آغاز کردم ومقالاتی راتألیف نمودم وهمچنین به عنوان استاد دانشگاه به مدت ۳سال تدریس کردم ودر همین مدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشغول تدریس بودم وپس ازآن به مدت ۳ سال به عنوان استاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکزهمکاری دارم.

مطهری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛

معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجهٔالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در نهج‌البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه صدر فراگرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب ماديين را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیهٔ» ملا

صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجةالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان را اداره می‌کرد.

موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجةالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.

مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد

بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم اللَّه الرحمن الرحیم.

انا لله و انا الیه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللَّه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی

اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌اللّه الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳ -۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴ - ۱۹)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱ -۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۸/ ۶)، مصلح بیدار (۴۲ -۲۳)، یادنامه (۲۶ - ۹).

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری اصفهانی

محل تولد : تیران استان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می خوانندم. خانـدانم متـد ین بودنـد. کـار پـدر، نـانوایی بود و کشـاورزی. پـدر و مـادر هر دو از فـامیل «مظاهری» ها هسـتند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر ـ رضوان الله علیه ـ شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است.نهال خدا دوستی و دین گرایی را که دست حکمت آفریـدگار در وجودم نشانـده بود، به دست والـدین ام به خصوص مـادرم، که از خانـدان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می شـد و پرورش می یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریـده می شونـد، بالنده می گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می نوازاند.

پنج ساله بودم که مادرم دسـتاری بر سـرم می بست و منبری از متکا برایم می ساخت و می فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسـی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم! تمرین عالم شد نم می داد.

کلاس اول و دوم ابتـدایی را در تیران گذرانـدم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلمان را در تصـحیح درس ها و برخی از امور شـاگردان یاری می کردم.ادامه زنـدگانی در تیران به خاطر تنگانای معیشتی بسـیار سـخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.

اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارک لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوایی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناک درس خواندن و مطالعه کردن بودم و در فراغ آن می سوختم.

چند سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازماندم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر.نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوایی می کردم و بخشی از هزینه های زندگانی را تامین می نمودم.علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خواندم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مدرسه ای ام بود. و نیز همیشه در صدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بودم این شوق و انگیزه هرگز در وجودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.

پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه عملیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! و الحمد لله نانوایی، نجاری، طلبگی! و الحمد لله.

سال ۱۳۵۶ بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوایی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.

درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی ینز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتا ب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروة الوثقی» «المنهاج، فی قواعد و الاعراب» ، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیو ه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)

نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند.من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت، ایفا می کردم در منازل کارگران می رفتم برای شان جلسه می گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار ...) به آنان می رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت به خاطرضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم

آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی پیوستند و از حکومت پهلوی نمی بریدند. گاه می شد که مرا طرد می کردند و از خود می راندند، و حتی تهدید به مرگم می کردند اما من که تکلیف خویشتن را می شناختم و علل قصور و تقصیر آنان را نیز می دانستم، به گونه های گوناگون ادامه طریق می دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامتمان فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران درکویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی ـ سلا م الله علیه ـ به جای آن نصب گردید.

مظفر، محمد علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد جلیل، از زهاد و عباد بوده، و در مسجد علی امامت می‌نموده، و با وضع فقر، کمال مواظبت در آداب شریعت داشته، و نسبت به مردم دنیا از غنی و فقیر و شاه و وزیر، بی‌اعتنا بوده است.

وفاتش در ۳ شنبه ۱۳ شوال ۱۱۹۸ روی داده، قبرش در تکیه‌ی میرزا رفیعا بود، و سنگ سیاهی به خط رقاع بسیار خوب داشت، که در موقع تسطیح و توسیع فرودگاه اصفهان از بین رفت.

در طرایق گوید: (۱۱۳:۳) در حکمیات خصوص الهیات، ید باسطی داشته، و در زهد و عبادت، (۱۱۳:۳) سامان عهد بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظفر، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مظفر

محل تولد : بصره عراق

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال ۱۹۷۳ میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال ۱۹۷۷میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال ۱۹۸۰ میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد.و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم

حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال ۱۳۷۷ در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال ۱۳۸۲ ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظفری قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مظفری قزوینی در سال ۱۳۰۴ در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی ، در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود.خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید.استادان و مربیان : محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری ، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالیه را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمیه ی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سیدشهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمیه ی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم ، آیت الله حاج سیدمحمود شاهرودی ، امام خمینی (ره) ، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود.فعالیتهای آموزشی : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رساند که توانست ، دانش خود را به دیگران منتقل نماید ، در حوزه علمیه قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت ، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.آثار : اسلام و فلسفه احکام ویژگی اثر : دردو جلد۲ اسلام و قانون بردگی ، اصطلاحات منطقی ، البلغه فی بلوغ المراه ، الشیعه و السنه ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۶ الفوائد الرجالیه ، القطره فی فضائل علی علیه السلام ، ایضاح الحجه فی شرح العروه ویژگی اثر : در ۸ جلد۹ پرسش ها و پاسخ ها

ویژگی اثر : دردو جلد۱۰ حرمت بازی شطرنج ، خاتمیت آخرین پیامبر ، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان ، دانستنیهایی از قرآن
ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۱۴ رساله در اثبات صانع تعالی ، رساله در خلقت بهشت و جهنم ، شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، طیبات ، قربانی در منی

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

معتقدی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس معتقدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس معتقدی در سال ۱۳۴۰ در شهر یزد متولد شدم و در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه شهر محل تولد خود شدم پس از تحصیلات دوره راهنمایی و در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این حوزه به تحصیل اشتغال داشتم از سال ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۵ در نهضت سواد آموزی شهرستان مهریز یزد مشغول خدمت شدم و از مهرماه ۱۳۶۵ تا کنون در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال دارم- در سال ۱۳۶۹ دوره سطح حوزه را به اتمام رسانیده و در همان سال در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ الله مکارم شیرازی حضور یافتم.طی این مدت در محضر آیت عظام مکارم، سبحانی، خاتم یزدی و تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ در دوره زبان عربی در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و با این زبان در ابعاد مکالمه، ترجمه، سخنرانی و انشاء کاملا آشنا شدم. طی سالهای ۷۲ و ۷۳ در مرکز تخصصی تبلیغ شرکت نمودم که دوره چهار ساله آن را نیمه تمام به خاطر وجود مشکلاتی رها نمودم.

در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به مدت یک سال در معاونت امور شهرستانهای مرکز هدایت حوزه علمیه قم مشغول خدمت شدم ، و پس از یک سال همکاری، بنا به دعوت برخی از دوستان، در سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور مشغول به کار شدم که همکاری با این سازمان تا کنون استمرار دارد. طی مدت همکاری با سازمان سه نوبت به عنوان مدیر حوزه های دار التحصیل در شهر کیکو مای تا نزانیا، حوزه علمیه رسول اکرم(ص) کشور نیجر و مهد امام جعفر صادق علیه السلام سودان و چند نوبت نیز به عنوان سرپرست موقت اعزام شدم و جمعاً حدود پنج سال به صورت متناوب در آن کشورها به امر مدیریت مراکز یاد شده و نیز تدریس برخی از مواد درسی حوزوی و همچنین ترویج و تبلیغ مذهب اهل بیت(علیه السلام) اشتغال داشته ام. بیش از دو سال است که در فضای وب اینترنت که به عقیده برخی به عنوان قاره ششم مطرح شده، به وبلاگ نویسی مشغول هستم و به رغم فرصت اندك وبلاگهایی با عناوین کشکول، شیعه و اتهامات، و الشیعه و التهم که آخری به زبان عربی است را راه اندازی نموده ام.همچنین سایت الشیعه نت www.shiahnwt.com در دست راه اندازی است که همچنان فرصت تکمیل آن به دست نیامده است اما پس از ثبت دومین و خرید فضای یکصد مگابایت آمان راه اندازی می باشد.

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۶ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ حسن طبرسی و آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی کفایی گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریع قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل‌بیت (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۰۷/ ۱)، مبدا و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۴/ ۱).

معدل، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم معدل

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر نجف اشرف در خانواده ای متعهد و فرهنگی چشم به دنیا گشودم. همراه با سایر افراد خانواده صبح ها در جلسات

درسی فقه (رساله عملیه)، اخلاق، تفسیر و غیره که توسط پدر اینجانب تدریس می شد شرکت می کردم. تحصیلات ابتدایی (۱۳۴۷ ـ ۱۳۵۳) و راهنمایی (۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۶) با موفقیت پشت سر گذراندم که همزان با آن پاره ای از تحصیلات حوزوی نزد محقق عزیز جناب آقای سید محمد حسین رضوی کشمیری شروع کرده بودم. اما بعد از مدت کوتاهی به علت شرایط نامساعد حاکم بر کشور عراق مجبور به ترک آن شده ام.

در سال ۱۳۵۹ تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانده ام و موفق به گرفتن مدرک دیپلم شده ام.با به دست آوردن مدرک دیپلم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اینجانب سعی بر این داشته ام که به تحصیلات حوزوی و کلاسیک (دانشگاهی) خود در ایران ادامه دهم اما با آغاز جنگ علیه ایران توسط رژیم سابق عراق (صدام) ، دولت عراق اینجانب را از خروج به خارج عراق ممانعت کرد که با توجه به این امر و به جهت امتناع از مشارکت در جبهه های جنگ عراق علیه کشور مسلمان ایران وارد تحصیلات کاردانی دررشته تاسیسات شده ام که در سال ۱۳۶۱ ه.ش آن را به اتمام رسانیده و در اواخر سال ۱۳۶۲ با تلاش های بسیار موفق به ورود کشور جمهوری اسلامی ایران از راه غرب شده ام که بلافاصله ضمن اشتغال در تقویم متون کتاب های منتشر شده معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تحصیل حوزوی خود را در مرحله مقدمات با مطالعه کتاب هایی مانند المنطق ، شرح ابن عقیل و سایر کتب درسی آغاز نموده ام و تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت.

در سال ۱۳۶۴ کتاب های معالم الدین و شرح لمعه را نزد استادان بزرگوار مقدس و رحیمی تلمذ نموده ام.

جهت ادامه تحصلات خود در سطوح عالیه در سال ۱۳۶۶ وارد دانشسرای علوم اسلامی که تحت نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظله) بود شده ام که درس های معارف القرآن و بحث های اقتصادی و نزد استاد حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، فقه مقارن نزد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم جناتی، مکاسب شیخ نزد اساتید بزرگوار آیت الله راضی، سید علیرضا حائری و شیخ حسن جواهری، اصول (کفایه و حلقه سوم) نزد آیت الله شیخ باقر ایروانی و فلسفه نزد آیت الله سید کمال حیدری خوانده ام.با اتمام سطوح عالیه سال ۱۳۷۱ در بحث خارج اصول حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و بحث خارج فقه حضرت آیت الله سید کاظم حائری شرکت داشته ام.

همچنان در سال های ۱۳۷۲ ـ ۱۳۷۴ در حلقه مباحثه خصوصی بحث های فقهی تحت نظارت حضرت استاد بزرگوار جناب شیخ باقر ایروانی و در حلقه مباحث بحث های اصولی برای مدتی کوتاهی تحت نظارت استاد بزرگوار جناب شیخ محمد هادی آل راضی شرکت داشته ام.از اوایل تحصیل خود و همزمان با ادامه تحصیلات با موسساتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، دانشکده امام حسین(ع) قم، انتشارات دارالقلم، مجله التوحید، نمایندگی ولی فقیه همکاری علمی داشته ام.

در سال ۱۳۷۲ مسئولیت تدوین متون درسی مدارس خارج از کشور سازمان تبلیغات اسلامی بعهده داشته ام و از سال ۱۳۷۴ با موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحت نظارت رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلهما) شروع به همکاری نموده ام که تا بحال ادامه دارد و در این مدت مسوولیت هایی مانند سرگروهی جلدهای ۳، ۸ موسوعه الفقه السلامی عضو شورای تحقیقات، و عضو هیات علمی موسسه دائره المعارف بعهده داشته ام. همچنین اینجانب در سال ۱۳۷۶ به عضویت هیئت تحریریه فصلنامه فقه اهل بیت (ع) درآمده ام.

معصومی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله معصومی فرزند نامی مرحوم آیه‌الله معصومی که اکنون بجای آن مرحوم اقامه جماعت مینماید از علماء معاصر بهبهان است. وی در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات را در بهبهان خوانده و پس از پایان سطوح و استفاده از محضر آیات و مدرسین بجای مرحوم والدش بخدمات دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه‌ای بنام حضرت حجه‌بن‌الحسن عجل‌الله فرجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معین‌الواعظین، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به معین الحسینی، فرزند ملا علی محمد گورتانی.

عالم فاضل محدث، و واعظ زاهد ادیب شاعر متخلص به «ذاکر». در اصفهان و نجف نزد فضلای این دو شهر تحصیل نموده. جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱ – تسلیهٔ الفقراء ۲ – دیوان اشعار ۳ – زادالعاصین ۴ – علائم الظهور ۵ – فوائد الصلوات ۶ – مجازاهٔ النسوان ۷ – وقایع الظهور، در دو مجلد، مطبوع ۸ – هدایهٔ الوالدین، جلد دوم علائم الظهور؛ و غیره.

در ۱۲۸۷ متولد، و در شب سوم ربیع الثانی ۱۳۶۰ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی سید العراقین] مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا سید حسن بن السید الجلیل مرحوم حاج سید طاهر معینی از علماء تبریز و معروف معاصر شهرستان ری میباشد.

وی در سال ۱۳۰۹ (هزار و سیصد و نه) قمری در زاویه مقدسه متولد شده و در بیت شرف و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در ری خوانده و آنگاه به تهران رفته و سطوح وسطی و نهائی را از آقا شیخ آقا بزرگ ساوه‌ای و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی لواسانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفته و در سال ۱۳۴۳ ق مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللّه خونساری استفاده نموده و با دریافت گواهی علم و تصدیق جامعی در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت بشهر ری نموده و مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج مذهب و تبلیغ احکام پرداخته لکن چند سالی اعتزال و انزواء را اختیار نموده فقط گاهی برای جماعت اگر حالشان مقتضی باشد می‌آیند و اکنون دوران نقاهت و سالخوردگی را می‌پیماید.

نگارنده گوید: جناب آقای معینی که حق استادی و تربیت بر این حقیر دارد بسیار منیع الطبع و بزرگوار و محتاط در امور می‌باشد و ایشان داماد مرحوم حاج آقای موسی کنی حفید مرحوم آیت‌اللّه العظمی علامه کنی می‌باشد و دارای سه دختر فقط هستند که یکی

از آنها همسر برادر زاده حقیر است.

مرحوم والدش از امناء و روساء آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و با مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی نجفی که ذکرش گذشت انتساب و از یک سلسله می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مفتح، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.

وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمنا به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.

و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.

استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، همدان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال ۱۳۲۲ به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های ۱۳۴۲ - ۱۳۲۲ نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالیه‌ی فقه و اصول را می گذراند موفق شد در رشته‌ی فسلفه‌ی به اخذ درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملا هادی سبزواری پرداخت.

آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمتع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در

عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.

ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال ۱۳۵۴ دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغاز کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.

در سال ۱۳۴۹ ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.

تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.

وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجددا دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزای نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.

ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (۱۳۳۶، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج‌البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت‌الله مفتح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (۱۳۶۱)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آوردهای استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).

آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره ۲۳ صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز

وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفتح، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی مفتح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۲۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۲ تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۱۹.۵ اخذ کردم.

ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۴ و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال ۱۳۷۰ مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.

در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال ۱۳۷۰ همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.

پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر) ؛ پاره ای از کتب شرح لمعه

آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه

آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید

دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه

آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل) ؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)

پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: برائت (رسائل)

استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)

آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)

آیت الله قدیری: کفایه

با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریّت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:

آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)

آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه ومکاسب محرمه)

آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)

پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:

آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول

آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)

آیت الله مومن: خارج اصول

آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصّصی)

از سال ۱۳۷۵ و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی ۱۹ در سال ۱۳۷۸ پایان یافت.

سال ۱۳۸۳ پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رسالْ دکتری در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۷، و با کسب درجه عالی و نمره ۱۹ بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.

در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر) ، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هرکدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره ، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند.

و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن وسنت، تفسیر موضوعی ، اعجاز قرآن ، روش شناسی استنباط از متون دینی ، تفسیر فقهی ، تفسیر عقلی ، تفسیر روائی ، قرائت و درک متون عرفانی ، منطق ، علوم قرآنی۱ ، علوم قرآنی۲ ، علوم قرآنی۳ ، و ... تدریس شده اند.

مفید نیشابوری، ابومحمد، عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۰/ ۴۴۵ ق)، حافظ، محدث امامی و واعظ. ملقب به مفید. اصل وی از نیشابور و ساکن ری بود. وی شیخ و مرجع علمای امامیه ری و عموی پدر شیخ ابوالفتوح رازی بود. از هناد نسفی و ابن مهتدی و ابن النقور حدیث شنید. او مسافرتهای بسیاری نمود و احادیث بسیار شنید. او نزد سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی و سلار یا سالار بن عبدالعزیز و ابن البراج و کراجکی تلمذ

نمود. شیخ ابوالفتوح رازی و سید مرتضی و سید مجتبی، فرزندان داعی حسینی، و عمر بن ابراهیم زیدی و احمد بن عبدالوهاب صیرفی و دیگران از وی روایت نمودند. از آثارش: «سفینة النجاة فی مناقب اهل البیت (ع)» و «العلویات» و «الرضویات»؛ «الامالی»؛ «عیون الاخبار»؛ «مختصرات فی الزواجر و المواعظ»، که ابوالفتوح رازی از وی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۴/ ۷)، الذریعه (۳۷۵، ۳۲۸ -۳۲۷/ ۱۵ ،۱۹۹/ ۱۲ ،۲۴۰/ ۱۱ ،۳۱۱/ ۲)، ریحانه (۳۶۱ -۳۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (۱۰۴/ ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۲۰۰ -۱۹۹/ ۳)، لسان المیزان (۲۴۶ -۲۴۵/ ۴)، لغت نامه (ذیل/ مفید)، معجم المؤلفین (۱۱۷/ ۵)، هدیة الاحباب (۲۴۵ -۲۴۴)، هدیة العارفین (۵۱۸/ ۱).

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال ۱۳۵۸ مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که همچنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم.مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مفیدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یحیی مفیدی قزوینی از اکابر دانشمندان و افاضل علماء طراز اول قزوین می‌باشد وی در قزوین متولد شده و مقدمات و سطوح فقه و اصول را از علماء بزرگ آنجا فراگرفته و بعد به قم عزیمت و چند سالی از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری استفاده سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین علمین نائینی و عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و پس از آن مراجعت به قزوین و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی و روحی پرداخته تا در حدود سال ۱۳۸۴ ق وفات نموده است

نگارنده گوید: غیر از مذکورین عده دیگری از دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه قم و نجف مانند حجهٔ‌الاسلام حاج سید مهدی علوی و حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدمهدی تقوی و حجهٔ‌الاسلام حاج سد علی‌اصغر علوی و امثالهم در قزوین و حومه آن به خدمات دینی اشتغال دارند ادام اللّٰه توفیقاتهم و زاد اللّٰه فی برکات وجوههم و آثارهم

و در حال حاضر از قزوین و حومه آن بیش از دویست نفر در حوزه علمیه قم به تحصیل و بعضی هم به تدریس سطوح و متون فقه و اصول و غیره اشتغال دارند که عده‌ای از آنان مانند آقای اویسی و آقای موسوی و آقای شهیدی و... مشار بالبنان و معروف همگان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقتدایی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مقتدایی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سیزدهم رجب ـ روز ولادیت امام علی(ع) ـ سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در محله مسجدحکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیهٔالله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشمندان مشهور اصفهان بود که از مرحوم آقاسید محمد نجف آبادی اجازه اجتهاد داشت و مدت کوتاهی از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ـ مؤسس حوزه علمیه قم ـ بهره برده بود و با امام(ره) و مرحوم آیهٔالله محقق داماد و مرحوم آیهٔالله سید احمد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصر خود بود که در امامزاده اسحاق ـ برادر امام رضا(ع) ـ در پنج کیلومتری اصفهان مدفون است. هنگامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شد، جنازهٔ او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیهٔالله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیّه مرحوم آیهٔالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانوادهٔ آیهٔالله مقتدایی، زندگی ساده و بی آلایشی داشتند و از ویژگیهای پدرش این بود که هیچ گاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیهٔالله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسأله کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانی، همزمان بود. البته پدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسمی آن دوره، شرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانوادهٔ خود به روستای «خوراسگان محله پزوه» رفت تا ضمن آزادی بیشتر، به رتق و فتق امور مردم نیز بپردازد. آیهٔالله مقتدایی در همان جا تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی، نزد پدر، شرح نصاب، جامع المقدمات، سیوطی، منطق کبری و بخشی از شرح نظام را خواند. در سال ۱۳۳۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و ادامهٔ دروس مقدمات و دوره سطح را نزد بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجرهٔ آیهٔالله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگیهای درس امام(ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام(ره) به تازگی آغاز شده است. این مژده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام(ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال ۱۳۴۰ نیز به کلاسهایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضلای قم با علوم جدید، ازجمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنج شنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیهٔالله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیماندهٔ آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد

مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصهٔ الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلما فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیهٔالله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی(ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیهٔاللهالعظمی بروجردی نیز شرکت می کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیهٔالله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دورهٔ سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است وی چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیهٔالله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام(ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه حجهٔابن الحسن العسکری(عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق(ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتام از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیهٔالله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقهٔ زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیهٔالله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رسالهٔ عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان رفراندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیهٔالله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، حضور آیهٔالله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین ۱۳۵۸ امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتها، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرة»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۲۵، ۲۸۷/ ۲، ۱۵۵/ ۱)، تذکرة الحفاظ (۱۱۹۹/ ۳)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (۷۳ -۶۸/ ۳)، سیر النبلاء (۵۳ -۵۱/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۸/ ۳)، طبقات الفقهاء الحنابلة (۳۳۴ -۳۳/ ۲)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۲ -۳۶۰/ ۱)، العبر (۳۵۲/ ۲)، الکامل (۱۶۹/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۱۲/ ۶)، هدیة العارفین (۶۳۴/ ۱).

مقیمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن مقیمی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۹

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسن مقیمی دوره ابتدایی را در یک از روستاهای شهرستان بهشهر بنام زبدوان اتمام سپس مقطع راهنمایی را در شهرستان بهشتر به پایان رسانده و دبیرستان را در رشته برق از سال ۵۸ شهرستان بابل خوانده ام. سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در سال ۷۵ به اتمام رساندم. از سال ۶۸ همزمان با دروس حوزوی دروس دانشگاهی را شروع نموده ام که از سال ۷۸ مقطع ارشد در رشته علوم سیاسی اتمام رساندم. در سال ۷۱ کار پژوهش و تالیف را شروع نمودم. اولین مقاله را در سال ۷۱ تحت عنوان ضرورت مباحث و مطالعات سیاسی در حوزه های علمیه را نگاشتم. تا کنون بیش از ۱۵ مقاله را منتشر نموده ام که ضمیمه می باشد. آخرین تالیف بنده اندیشه سیاسی ابوریحان بیرونی است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی به بنده شده بزودی منتشر خواهد شد. همچنین آخرین مقاله بنده بنام رمزگشایی از یک مفهوم پر ابهام است که در شماره جدید فصلنامه علوم سیاسی چاپ خواهد شد.

کتاب نقش مردم در حکومت دینی در سال ۸۰ به عنوان رشد برگزیده فرهنگی سال شناخته شد و از جناب رئیس جمهور محترم لوح تقدیر دریافت نمودم. هم اکنون مدرس مدرسه عالی امام خمینی و عضو هیات تحریریه فصلنامه علوم سیاسی و نیز عضو هیات تحریریه فصلنامه طلوع می باشم.آخرین اثر در دست تالیف از بنده اندیشه سیاسی امام خمینی است.

مکی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی مکی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴ مهر ۱۳۴۵ آبادان مقطع ابتدایی و سالهای اول و دوم راهنمایی را در دبستان سلطانی علوی و استقلال آبادان گذراندم و سال سوم راهنمایی و چهار سال دبیرستان را در دبیرستان حافظ قم سپری نمودم. رشته تحصیلی ام تجربی بود. سال ۱۳۶۵ رسما وارد حوزه علمیه قم شده و مقدّمات را در مدرسه مبارکه علمیه رضویه (سلام علی شرفیها) خواندم.

از سال ۱۳۷۲ درس خارج خود را در محضر حضرت آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی آغاز نمودم. پس از ۸ سال با کسالت معظم له به مجموع شاگردان حضرات آیات عظام: وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی پیوستم. اینجانب از سال ۱۳۶۸ به جرگه مبلغین پیوسته در شهرهای آبادان، خرمشهر، کرمان، فارسان، شهرکرد، قم، تهران، کرمانشاه، همدان، اصفهان، زابل و ... و روستاهای اطراف به ایراد و سخنرانی پرداختم. مجموعه سخنرانی ها در مساجد، تکایا، نهادها، دانشگاه، زندان، و ... در موضاعات مختلف و مناسب با محل بوده است.

مدتی از طرف اوقاف، ستاد مبازه با مواد مخدر ... مسئول گروه مبلغین به استانهای مختلف را بر عهده داشتم. گذشته از یادداشتهای پراکنده ای که در زمینه منبر و سخنرانی و شیوه های روضه خوانی نوشته ام؛ شرح بر خطبه حضرت زهرا (س) نوشتم که متاسفانه چون توان چاپ نبود باقی ماند، یک کتاب به دعوت مرکز پژوهشهای صدا و سیمای قم به عنوان «پژوهشی در زندگینامه آخوند خراسانی» به رشته تحریر درآوردم که چاپ شد.

چون اکثر کار اینجانب تاکنون سخنرانی بوده؛ توانستم به پیشنهادهای مرکز پژوهشها و دیگر دوستان عمل کنم و نوشته ای را تحریر نمایم. اینجانب یك دوره به مدت سه سال تحت عنوان مهارتهای تبلیغی در دفتر تبلیغات اسلامی در سطح دکتری سپری نمودم و از اساتید مجرب استفاده نموده و نفر اول و ممتاز آن دوره شدم و الان غریب دو سال است در مسجد محل تفسیر قرآن می گویم. مدت شش سال نیز بازرس دفتر تبلیغات اسلامی در دوره های طرح هجرت در استانهای قم، همدان، کردستان، فارس، بوشهر،

چهارمحال بختیاری بوده ام.

ملاحسنی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا ملا حسنی

محل تولد : کرج- اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذارانـدن مقدمات حزوه.در مدرسه علمیه امیر المؤمنین در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم.و در سال ۱۳۶۹ جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلغات همکاری را آغاز کردم. واز آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که ۲۳ دفتر دست نوشته حضرت آیهٔ هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفاسیر که ۲ دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت.تفسیر راهنما در ۲۰ جلد به چاپ رسید و فاز اوّل فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوّم فرهنگ موضوعی تفاسیر در ۱۴ دوره با ۱۷۸ جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم.بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توقیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاذ الاسلام، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید جعفر بن حاج سید محمّد باقر حجهٔ الاسلام بید آبادی. عالم فاضل، داماد آقا نجفی، و امام مسجد سیّد بوده، در سفر زیارت در ۱۷ شعبان سال ۱۳۳۶ وفات یافته، در دارالحفاظ مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاذ الاسلام، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر. امام مسجد سیّد، از محترمین علمای اصفهان، که بین الخواص و العوام محبوبیّتی داشت، و در دوایر دولتی و نزد مردم مقبول القول بود، و پشت و پناه مردم، و کوشا در رفع حوایج آنان بود.

طبع شعری داشت و «عاصی» تخلّص می‌نمود. دیوانی دارد که به طبع نرسیده.

در حدود سال ۱۳۰۰ متولّد، و در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ وفات یافته، در بقعه مسجد سیّد مدفون گردید.

مرحوم نیّر در مادّه تاریخ وفات او ضمن قطعه‌ای فرماید:

قائم اللیل یناجی بخضوعٍ و خشوع

و بکاء و رکوع و سجودٍ و قیام

یذکر اللَّه و یستغفره بالاسحار

فی صلاهٍ و دعاءٍ و اذانٍ بدوام

نیّر نقّص اثنین فصار التّاریخ

جعل القدس مکانّا لملاذ الاسلام

از اشعار اوست:

دهید مژده که بوی بهار می‌آید

هزار شکر رفیقان، که یار می‌آید

به میکده خبری بر، صبا ز روی وفا

بگو که آن صنم گل عذار می‌آید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملامحمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملامحمدی

محل تولد : اشتهارد کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در اشتهارد (واقع در ۵۹ کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد - که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد- به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.
و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محققی لاهیجی(نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم.از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهرا سال ۱۳۴۰ شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام(ره) به طلبه ها پول دادند

ملک اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد ملک اصفهانی که پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت و چندین سال از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر کسب فیض نموده سپس به قصر آمده و به خدمات دینی از قبیل امامت و تبلیغ احکام و تدریس و تنویر افکار نسل جوان در دبیرستان آنجا مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ملک افضلی اردکانی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم بن المرحوم آقا علی ملک افضلی اردکانی از علماء معاصر است در شهر میناب استان کرمان که در سی فرسخی بندرعباس واقع است.
وی در سال ۱۳۲۹ قمری در اردکان یزد در خانواده اعیان و اشراف آن سامان متولد شده در سن ۱۷ سالگی پس از فراگرفتن صرف

و نحو و تجوید عازم اصفهان شد و سه سال در اصفهان اشتغال بتحصیل قسمتی از نحو و معانی بیان و اصول داشته است و اساتید مشهور آنجا مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و مرحوم محقق اصفهانی بودند و سپس به اردکان و یزد مراجعت نموده در اردکان خدمت مرحوم حاج ملا محمد حایری و در یزد خدمت آیه‌الله مرحوم حاج شیخ غلامرضا خراسانی یزدی تلمذ نموده سپس عازم قم شده و بقیه سطوح را در قم خدمت حضرت آیه‌الله آقای حاج سید احمد موسوی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و درس خارج را خدمت مرحومین آیتین حاج سید محمد تقی خوانساری و آقای سید محمد حجت تبریزی خوانده و پس از فترت چهار سال مراجعت باردکان نموده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بقم مراجعت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آیه‌الله حجت و آیه‌الله صدر و بالاخص آیه‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمرش استفاده نموده و قسمتی از خارج صلوه مرحوم آیه‌الله بروجردی را نوشته و بعد فوت مرحوم تا بحال قسمتی از سال در حوزه علمیه قم و قسمتی در خارج قم (در شهر میناب) بسر برده و بخدمات دینی و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ملک افضلی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ملک افضلی اردکانی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه یزد شدم و پس از ۶ سال و گذراندن دروس سطح یک نزد اساتید مدرسه امام خمینی(ره) یزد در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید معظم بهره برده و در سال ۷۲ دوره سطح ۳ را به پایان رساندم و از آن پس در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. همزمان با تحصیلات حوزوی از سال ۶۹ مشغول به دروس دوره دبیرستان شده و در سال ۷۳ دیپلم متوسطه را اخذ نموده و همان سال در رشته حقوق دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شده و در سال ۷۶ فارغ التحصیل گردیدم . و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۰ از این مقطع نیز فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته فقه و مبانی دانشگاه فردوس مشهد مقدس پذیرفته شده و هم اکنون علاوه بر تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی به تحصیل و تحقیق نیز اشتغال دارم .

ملک المتکلمین، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۷- مقتول ۱۳۲۶ ق)، واعظ و از بنیان گذاران مدارس جدید. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی به فراگرفتن علم حکمت الهی پرداخت و یک دوره‌ی کامل فلسفه را نزد آخوند ملا صالح فریدنی آموخت. وی در بیست و دو سالگی به مکه معظمه مشرف شد و هنگام بازگشت به هندوستان رفت. مدت دو سال در آنجا تحصیل نمود و مدرسه‌ای به سبک جدید و به نام خودش در بمبئی تأسیس کرد. او کتابی به نام «من الخلق الی الحق»، برای بیداری مسلمانان نوشت که فرقه‌ی اسماعیلیه را بر ضد خود برانگیخت و منجر به تبعیدش از هندوستان و بازگشت به ایران شد. ملك المتكلمین در بوشهر با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقات کرد. سپس به اصفهان رفت و به موعظه پرداخت. وی بعد از مخالفتهایی به آذربایجان و از آنجا به تهران و سپس به بادکوبه رفت و با طالبوف دیداری داشت و به کمك تجار، مدرسه ایرانیان بادکوبه را تأسیس کرد. بعد از مدتی از رفتن وی به اروپا ممانعت شد و او از عشق‌آباد به مشهد رفت. وی از مشروطه‌خواهان و ناطقی زبردست بود. سرانجام بعد از به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلی شاه او را، در باغ شاه، خفه کردند. از دیگر آثارش: «رؤیای صادقه»، با مشارکت سید جمال‌الدین واعظ اسدآبادی و حاج فاتح‌الملك و اسداللّه خان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۶۵ -۱۵۶/ ۱)، روز شمار تاریخ (۳۱ ،۲۹/ ۱)، شرح حال رجال (۳۴۷ -۳۴۶/ ۴)، فرهنگ رجال قاجار (۱۸۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۹ -۱۷۹۵/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱ -۵۹۰/ ۶).

ملک زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملك زاده

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۶ پس از خاتمه پایه اول دبیرستان، رشته «علوم تجربی»، وارد حوزه علمیه قم شدم. در خلال تحصیل علوم دینی به صورت متفرقه، پایه های دوم تا چهارم دبیرستان را به اتمام رسانده و دیپلم علوم تجربی را دریافت نمودم. دروس مقدّماتی و سطح حوزه را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رسانده و در کنار گذراندن دروس اصلی و جنبی حوزه، برخی دوره ها و مهارت های تخصصی حوزه نظیر: «تربیت مربی کودکان و نوجوانان» را نیز سپری نمودم.

در سال ۱۳۷۶ پس از خاتمه دروس سطح حوزه، وارد دانشگاه مفید شده و در رشته «علوم سیاسی» سطح کارشناسی به تحصیل مشغول شدم. سپس در سال ۱۳۸۰ با اتمام دوره کارشناسی در سطح کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» با گرایش «اندیشه» وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم و در سال ۱۳۸۳ با دفاع از پایان نامه خود با عنوان: «سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت» این دوره

را به اتمام رساندم.

از سال ۱۳۸۰ تاکنون به فعالیتهای تحقیقی و مطالعاتی خود افزودم به طوری که علاوه بر ذکر برخی موارد در صفحات گذشته، قریب به ۲۰۰ مقاله چاپ شده با عناوین و موضوعات گوناگون در مطبوعات و سایتهای اینترنتی منتشر نموده ام. در کنار این امور البته هرگز از دروس حوزوی نیز غفلت ننموده و با شرکت در جلسات درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته حوزه، از چند سال گذشته مطالعات خود را در این زمینه گسترش داده ام.

ملک زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌های اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیةالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیةالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسّمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنٌ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدٌیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری– با صرف نظر از عنوان و موضوعشان–

کتابهـای محبوب و مورد علاـقه این دوران او بود. شـروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشـتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سـرودن شـعر، سبب شد تا بتواند به سـرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشـریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پـدر ایشـان به شـدّت مقیّـد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رسانـدن معارف اسـلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور– به ویژه شـهرها و روستاهای دور افتاده- سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سـفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکـان و نوجوانـان آن منطقـه برنامههـای زیـادی را ترتیـب میـداد کـه از جمله این فعالیتهـا تأسـیس چنـدین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شـهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاـس چهـارم ابتـدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهانـدازی کرد که عمـده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسـبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مـذهبی– سیاسـی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشـیحی تأسـیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشـکیل مرکزی بـه نـام «نـور القرآن» کرد که کـارش برگزاری جلسـات آموزشـی و مسابقـات قرائت و حفـظ قرآن بـود. تـدریس در مراکز مختلف (تـدریس در دانشـگاه در ۱۴ سـالگی) از ایـن سـن بـه بعـد فعـالیت علمی– تدریسـی وی در زمینـه قرآن در برخی ادارات، سازمانهـا، مراکز و نهادهـای گونـاگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجـد، کانون قرآن دانشـگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شـکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ ۱۴ سالگی (در هنگام تحصـیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسـمی در دانشـکده علـوم قرآنی به تـدریس پرداخت و بر این اسـاس شایـد بتوان گفت وی جوانـترین مـدرٌس علوم قرآنی در دانشـگاه و یـا به صورت مطلق، جوانترین مدرسـی بود که تـا آن زمـان به تـدریس در دانشـگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگـار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهـای مطبوعـاتی افزون بر انتشـار گاهنـامه و نیز مکـاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سنّ ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیـهٔالله گلپایگـانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگـار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شـد و تا به حال صدها نوشـتار مختلف از وی در نشـریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسـیس صفحهٔ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهانـدازی شد، نخستین صـفحه قرآن در روزنامه کیهان به شـمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴– ۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردیـد. نخستین دارالقرآن در مـدارس کشور آقـای ملکزاده در سالهـای آغـازین دهه هفتـاد شمسـی (سالهـای ۱۳۷۲ تـا ۱۳۷۵) در چنـدین دبیرسـتان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصـی علوم و معـارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسـیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعـهٔ الکعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسـیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانـان (طلّاب جوان، دانشـجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیتهای پژوهشـی و آموزشـی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلنـد، لبنـان، انگلسـتان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسـسه آموزشـی و پژوهشـی «جامعـهٔ الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعـهٔ الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعـهٔ الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشـغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی

به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیهٔاللّه شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاهٔ، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاهٔ، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیهٔاللّه شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاهٔ، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیهٔاللّه شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیهٔالله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیهٔاللّه شیخ عبداللّه جوادی آملی نیز بهرهمند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیهٔاللّه شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد.علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیهٔالله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان– از مقدمات تا خارج– به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداختهاند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف– و از جمله اجازه اجتهاد– از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را

در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدّت یک سال در دوره «شبهه‌شناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغ‌التحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظرههایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دورههایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام— همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوانِ تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریس مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولالفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعهٔ الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعهٔالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملکی اصفهانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود ملکی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اگر چه این جانب نقطه قابل ذکر در زندگی خود مشاهده نمی کنم که لازم بدانم آن را به عنوان شرح حال مطرح کنم، چرا که آنچه ما انجام داده ایم قطره ای در مقابل دریاهایی است که بزرگان و گذشتگان از خود بجا گذاشته اند و با وجود عدم امکانات در آن زمان ها کارهای علمی شگفت آوری انجام داده اند. به هر حال، گویا به درخواست آن مرکز محترم ناگزیر از نوشتن جملاتی به عنوان زندگی نامه هستم.

در سال ۱۳۳۹ شمسی در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ کاظم ملکی از روحانیان باتقوا و باسابقه و سرشناس در منطقه و حوزه علمیه و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید بود. مهمترین نقش را در زمینه تربیت و پروش علمی و اخلاقی این جانب ایشان داشته و در واقع زندگی خود را مرهون خدمات و هدایتها و راهنماییهای ایشان می دانم.

تحصیلات ابتدایی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رساندم. اگر چه در همان زمانها علاقمند به علوم حوزوی بودم ولی مرحوم پدرم معتقد بود روحانی در این زمان باید از علوم جدید نیز آگاهی داشته باشد لذا به اصفهان آمده و تا مقطع دیپلم در رشته ریاضی فیزیک ادامه تحصیل دادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم شدم. از آن پس به حوزه علمیه اصفهان وارد شده حدود یکسال در آنجا تحصیل کردم.

سپس در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل ادامه دادم. دروس مقدمات تا سطح عالی را از اساتیدی چون: «مدرس افغانی (ره)»، «ذهنی تهرانی (ره)»، «وجدانی (ره)»، «پایانی (ره)»، «اشتهاردی (ره)» و اساتید دیگر استفاده کردم. سپس در درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» شرکت کرده و چند سالی از دروس خارج «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله تبریزی» استفاده کردم.

از اوایل شروع به تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشته ام و تاکنون تدریس را ادامه داده ام. دروس مختلف حوزوی از مقدمات تا سطوح عالی را تدریس کردم و در حال حاضر نیز به تدریس فقه، اصول و تفسیر اشتغال دارم. از جمله دغدغه های اینجانب متون درسی حوزه بوده است، زیرا بازنگری در آنها و روز آمد شدن آنها را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می دانستم، لذا درصدد تالیف کتابهایی به عنوان کتب درسی بر آمدم که اولین اثر این جانب در سال ۷۲ با عنوان: «نحو مقدماتی» به چاپ رسید. سپس کتابهای دیگری نیز با همکاری برخی دوستان تالیف نمودیم که در صفحه آثار پژوهشی مطرح می گردد.

ملکی شمیرانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ مصطفی ملکی شمیرانی از فضلاء متقی و ائمه جماعت معاصر تجریش است.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ ق در تجریش متولد شده و دروس جدیده را خوانده آنگاه بتشویق و تصویب مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی چیذری (سابق الذکر) بتحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم آمده و سطوح متوسط و عالی را از حضرت آیت‌اللَّه مرعشی مدظله و آیات دیگر بپایان رسانیده و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران شرکت نموده و به افتخار و مصاهرت مرحوم آیت‌اللَّه فاضل لنکرانی نائل و چون محصلی با تقوا و جدی بودند بمراتب عالیه علم و کمال ارتقا یافته آنگاه به زادگاه خود تجریش برگشته و بحکم (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم) به وظائف تبلیغی و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته است.

نگارنده گوید: حقیر آقای ملکی را از قبل از ورود به تحصیل علوم دینی می‌شناسم و جز تقوا و پاکی و دیانت و فضل و کمال از وی ندیده و نشنیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ملکی طسوجی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس موسوی ملکی طسوجی از اجله علماء اعلام عاملین متصف بملکات فاضله و اخلاق حمیده بوده‌اند که در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی در بلده طسوج آذربایجان که در دو منزلی غرب تبریز و شمال دریاچه رضائیه قرار دارد متولد شده و در بیت سیادت و علم پرورش یافته و در خاندانی نشو و نما شده که سخاوت و کراماتشان زبانزد عام و خاص بوده و قبور آباء و اجدادشان مزار و مطاف مردم آن دیار است.

فقید سعید قدس سره دوران صباوت را تحت تکفل والد ماجدش سیدالعلماء العالمین آقای آقا سید حسین موسوی طسوجی ملکی بوده و علوم مقدماتی و متداول آن زمان را فراگرفته و برای ادامه تحصیل به شهر خوی آمده است.

و در مدرسه علمیه نمازی سکنی گزیده و مدتی تحت نظارت دائی بزرگوارش آیت‌اللَّه حاج سید هاشم مرقاتی مؤلف کتاب (مفتاح الکلام) فی شرح شرایع‌الاسلام که چند جلد از آن به طبع رسیده کسب فیض و علوم نموده سپس به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت و پس از چند سال اقامت و استفاده از آیات عظام آنجا رهسپار نجف اشرف شده و از محضر اساتید و مراجع بزرگ تقلید در علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت و اخلاق تلمذ نموده تا به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده.

و آیات عظام و فقهاء کرامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی رضوان‌اللَّه تعالی علیهم اجازه اجتهاد برای ایشان مرقوم فرمودند. پس از آن به وطن مالوف خویش مراجعت نموده و در بلده طیبه قم نیز از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللَّه العظمی حجت کوهکمری فقها و اصولاـ کسب فیض نموده و حدود سال ۱۳۷۳ قمری به تبریز آمده و چند سالی اقامت و به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت اشتغال داشته و پس از مدتی بنابر مصالح شخصی به شهر خوی آمده و در این شهر هم مرجع امور دینی مردم بوده و در مسجد ملاـحسن اقامه جماعت نموده تا در اواخر عمرشان مجددا به قم برگشته و پس از چند سال در تاریخ ۱۳۶۱ شمسی از دنیا رفته و در باغ رضوان مدفون شده است حشره‌اللَّه مع اجداده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی متهور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید ملکی متهور

محل تولد : کبوتر آهنگ همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ موفّق به اخذ دیپلم تجربی از دبیرستان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیّه «آیت الله مجتهدی تهران» شدم. و پایه اوّل را در آنجا خواندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیّه قم شدم و دروس مقدّمات و ادبیّات عرب را از محضر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.

دروس لمعه و اصول را از محضر اساتیدی چون: «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله استادی»، «آیت الله وجدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... استفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضر «آیت الله ستوده» خوشه چینی کردم. سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.

قابل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشغول تدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تدریس مشغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود ۱۰ سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود ۷ سال است که در درس خارج خصوصی «آیت الله معرفت» شرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفّقیّت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر ملکی میانجی فرزند عبدالعظیم فرزند حاج علیمرادی از علماء متقی معاصر در میانج آذربایجان می‌باشند، که در سال ۱۳۲۴ قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی

ادبیات و قسمتی از قوانین و ریاض را در زادگاهش خدمت آقا سید واسع کاظمی ترکی (ره) که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.

سپس در سال ۱۳۴۹ قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت‌اللّٰه میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال ۱۳۶۳ قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر ۱۳۷۸ قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- تفسیر آیات الاحکام

۲- بدایع الکلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).

۴- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.

۵- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در ۱۳۴۹ ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌اللّٰه شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌اللّٰه شیخ مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌اللّٰه میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌اللّٰه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌اللّٰه حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللّٰه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحهٔ الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌اللّٰه آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۱ -۴۰).

ملکی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه‌الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملکیان، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر ملکیان

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۹/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر ملکیان متولد ۱۳۴۲ در شش سالگی ۱۳۴۸ وارد دبستان شده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان ۱۳۵۶ به قم آمده و در مدرسه حقانی سابق که زیر نظر «آیت الله شهید قدوسی» و «شهید بهشتی» اداره می شد؛ ثبت نام کردم. در امتحان ورودی ام که از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.

از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضی دیگر خواندم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانده و المنطق مرحوم مظفر را پیش استاد نجفی از فضلای طلاب شهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم . لمعه را نزد مدرسین مختلف از جمله: «آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی»، «آقای بادکوبه ای» و «حجهٔالاسلام فیاضی» و نیز بعضی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجهٔالاسلام فیاضی خواندم. حلقات شهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجهٔالاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.

همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصیلی ۵۹ – ۱۳۵۸ برنامه ای فشرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.

از مهر ۱۳۵۹ به مدت پنج، شش سال دروس زیادی در برنامه موسسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسیار زیاد)، فلسفه مرسوم از جمله بدایةالحکمه، نهایةالحکمه، سلسله مباحث فلسفه شبیه درس خارج فلسفه (استاد مصباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت شناسی و ... . این درسها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) زیر نظر استاد مصباح ادامه یافت. بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود ۱۳۶۸ به بعد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می دادم.

در سال ۱۳۷۹ در دوره دکتری تربیت مدرس شرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شدم. حالا هم پایان نامه را نوشته ام و پیش دفاع هم کرده ام و به زودی باید دفاع کنم. از سال ۱۳۷۷ هم عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده ام و در این موسسه درس اشارات، نهایةالحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته ام.

بعضی از رساله های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده ام. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله ها را مشاوره و یا داوری کرده ام. تابستانها حدود ۸ سال برای دانشجویان برنامه ای با نام «طرح ولایت» اجرا می شد که من در آن برنامه درسهای: معرفت شناسی، فلسفه اخلاق، منطق و خداشناسی فلسفی را مکرراً تدریس کرده ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می کنم.

ممدوحی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیك به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و

شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایهٔ الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالهٔ الولایهٔ علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالهٔ الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای

خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالة الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی : myname@site.com

بستن[X]زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل

رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا بـا مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. بـا اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال بـه درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

بـا رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها بـه درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایهٔ الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالهٔ الولایهٔ علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالهٔ الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول

سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

مناقبی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر حاج شیخ جواد بن العالم الجلیل و المحدث النبیل المرحوم الحاج شیخ محمد النوائی المناقبی که به چند واسطه به علامه الکبری والایه العظمی صاحب تالیفات قیمه الشیخ محمد بن ابن شهرآشوب ساروی صاحب مناقب (ابن شهرآشوب) می‌رسد و از این جهت شهرت به مناقبی یافته است

از مشاهیر وعاظ و معاریف- خطباء- معاصر تهران و از ثمرات مفیده و ارزنده حوزه علمیه قم و دارای مقام فضل و کمال و علم و جلال و صاحب حسب و نسب که شهرت و آوازه‌اش به تمام ایران و خارج رسیده و مورد غبطه و محسود بعضی از اقران گردیده است.

دکتر مناقبی در سال ۱۳۵۰ ق در تهران متولد شده و پس از دروس جدید مقدمات و ادبیات و فقه و اصول و فلسفه را نزد اساتید بزرگ تهران آموخته

آنگاه مهاجرت به قم نموده و در مدرسه فیضیه سکونت و از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و دروس معقول فلسفه و حکمت و تفسیر را از علامه‌ی بزرگوار آیت‌الله طباطبائی قاضی (پدر خانواده خود) آموخته و به درس خارج زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر شرکت کرده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده آنگاه به تهران مراجعت و در دانشکده وارد و در مدت کوتاهی به دریافت دکترا نائل و برای استادی و تدریس درد در دانشکده الهیات دعوت شده است.

مولف گوید: حقیر از روزی که دکتر مناقبی واعظ را دیده و شناخته‌ام وی را مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و واجد ملکات فاضله و اخلاق حمیده یافته‌ام. بیانی صریح و شیرین و منبری جامع و مفید و آموزنده و همه‌پسند دارد.

بسیاری از جوانان منحرف در اثر بیانات وی به راه آمده و پایبند دین و آئین گردیده‌اند.

دارای آثار علمی در فقه و اصول و معقول از تقریرات و دراسات اساتید قم (به قرار ذیل) می‌باشد.

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

۲- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی محقق داماد.

۳- جزوات تفسیر علامه طباطبائی دام ظله.

۴- مقالات آموزنده انتقادی و اخلاقی توسط انجمن خدمات اسلامی به طبع رسیده و در سطح وسیعی منتشر می‌شود.

مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمد نوائی از محترمین اهل منبر تهران و موصوف به فضل و تقوا بوده و در خیابان مولوی تهران سکونت داشتند و عمری به پاکی خدمت به شرع مقدس نموده و به سهم خود ایفاء وظیفه نموده‌اند و کافی است در فضل و فخروی که فرزند برومند و دانشمندی چون حجه‌الاسلام و واعظ گرامی آقای حاج شیخ جواد مناقبی دارند که روحانیت و حوزه علمیه قم به او مفتخر و مباهی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منتجب نیا، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول منتجب نیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۴/۲۲

زندگینامه علمی

رسول منتجب نیا مشهور به «منتجب» متولد ۲۲ تیرماه ۱۳۲۴ شمسی در شیراز در خانواده ای مذهبی و از نظر اقتصادی در سطح متوسط رشد و نمو نمود. وی پس از پایان مقطع ابتدایی همزمان با خواندن دروس دبیرستانی وارد حوزه علمیه شیراز شد و حدود ۲/۵ سال در مدارس آقا بابخان مقیمه و امامزاده ابراهیم شیراز نزد اساتید و علماء معروف تا بخشی از شرح لمعه شهیدین، تلمذ کرد و در سال ۴۴ به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و ما بقی دروس سطح را تا پایان مکاسب شیخ انصاری و کفاتین آخوند خراسانی نزد مدرسان بزرگ قم چون حضرات آیات آقایان: «خزعلی»، «نوری همدانی»، «فاضل لنکرانی»، «جعفر سبحانی» و «مکارم شیرازی» به اتمام رساند و جمعا طی ۴/۵ سال کلیه کتابها و دروس سطح را نزد اساتید تلمذ نمود و سرانجام در امتحان عمومی حوزه علمیه قم شرکت و موفقیت خوبی کسب کرد.

از سال ۴۶ وارد دوره درس خارج فقه و اصول گردید و حدود ۹ سال شرکت در درس اساتید بزرگی از قبیل آیات عظام: «نجفی مرعشی»، «مکارم شیرازی»، «آقا مرتضی حائری یزدی»، «محقق داماد»، «اراکی»، «هاشم آملی» و «وحید خراسانی» موفق به رسیدن به مرتبه اجتهاد شد و علاوه بر شرکت در امتحان خارج مدیریت حوزه و کسب موفقیت از سه تن از مراجع عظیم الشان اجازه اجتهاد دریافت نمود. او همزمان با تدریس و تلمذ در مکتب اساتید بزرگ همواره به تدریس طلاب اشتغال داشت.

فلسفه اسلامی «منظومه حاج ملاهادی سبزواری» و بخشی از اسفار اربعه «صدرالمتالهین» را نزد اساتید عالیقدر چون حضرات آیات: آقای یحیی انصاری شیرازی، آقای مفتح و آقای مطهری تلمذ کرد. وی در سال ۷۰ با شرکت در امتحانات عمومی و تخصصی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری «خبرگان بدون مدرک» و کسب موفقیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، در سال ۸۲ پس از توفیق در امتحان دکترای تخصصی با موفقیت هیئت ممیزی مرکزی، نسبت به تهیه رساله دکتری تحت عنوان «خیار تبعضی صفقه در معاملات معاوضی» اقدام و در سال ۸۴ با طرح و دفاع آن نزد داوران هیئت ممیزی موفق به اخذ مدرک دکتری «استاد یاری» در فقه و اصول گردید. وی از سال ۷۴ به عضویت رسمی هیئت علمی دانشگاه شاهد در آمد و هم اکنون مدیریت گروه فقه و اصول آن دانشگاه را بر عهده دارد.

سوابق مبارزاتی:

او از سال ۴۰ با افکار و اندیشه های انقلابی امام خمینی (ره) آشنا شد و همواره در جلسات انقلابیون شیراز چون حضرات آیات: دستغیب و محلاتی شرکت می کرد و در راهپیمایی عظیم ۱۵ خرداد ۴۲ شیراز حضور فعال داشت. و پس از آن همچنان در جرگه طلاب انقلابی و مبارز قلمداد می شد و بدین جهت بارها به ساواک و شهربانی شیراز، فیروزآباد، داراب و قم احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت.

از سال ۵۵ به دستور وکیل تام الاختیار امام خمینی (ره) مرحوم حاج پسندیده به شهر خمین زادگاه امام مهاجرت کرد و بلافاصله نماز جمعه را با شمشیر برهنه اقامه کرد و آن شهر را به صورت کانون انقلاب و تجمع و هدایت نیروهای انقلابی شهرستانها و استانهای مجاور در آورد. بارها او را دستگیر کرده و به زندان خمین و اراک انداختند و نیز او را ممنوع المنبر نموده و به تبعید به یکی از نقاط دور دست کشور محکوم کردند و سرانجام در اوائل سال ۵۷ یکی از ماموران ساواک را جهت ترور و انتقال او به خمین اعزام کردند که در یک اقدام تروریستی یکی از روحانیون قم را به جای او هدف گلوله قرار داد.

با کشف این توطئه، حدود ۵ ماه متواری و مخفی بود و در عین حال با لباس مبدل و نام مستعار در تهران و شیراز به سخنرانی و اداره جلسات توجیهی و آموزشی نیروهای انقلاب می پرداخت و پس از قیام یکپارچه مردم خمین و تحصن چند شبانه روز جلوی فرمانداری، رژیم شاه ناچار به تسلیم در برابر مردم و موافقت با بازگشت او به خمین گردید. او تا پیروزی انقلاب در خمین به هدایت انقلابیون و مدیریت جریان انقلاب پرداخت.

در سال ۵۷ در کنار سایر علماء و انقلابیون در تحصن دانشگاه تهران شرکت داشت و در مراسم استقبال از حضرت امام (ره) با جمع عظیمی از مردم خمین حضور یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال ۵۸، مسئولیت عالی نهادها و جریانات انقلابی منطقه را عهده دار بود و نماز جمعه را همچنان اقامه می کرد، و با کسب اجازه از امام خمینی (ره) به قم مراجعت کرد. و پس از کمتر از یکماه اقامت به دستور امام به پایگاه وحدتی دزفول جهت اقامه نماز جمعه، مدیریت امور فرهنگی و قایی نیروهای مسلح منطقه عزیمت نمود. او از اواخر ۵۸ تا اوایل سال ۶۰ در آن منطقه انجام وظیفه کرد و در آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال و مؤثر در امور مختلف جنگ داشت و پس از اختلاف شدید او با بنی صدر به تهران مراجعت نمود.

مسئولیتهای او:

علاوه بر نمایندگی حضرت امام (ره) در خمین و دزفول، پس از واقعه دردناک ۷ تیر به دعوت مردم اندیمشک و شوش کاندیدای نمایندگی مردم آن منطقه در مجلس شد و بدین ترتیب دوره اول مجلس را به انجام وظیفه نمایندگی آن مردم جنگ زده و مظلوم پرداخت. برای دوره دوم نمایندگی به دعوت علماء، نخبگان و مردم شیراز کاندیدای زادگاه خود شد و دوره دوم و سوم را به انجام وظیفه نمایندگی مجلس پرداخت. او در دوران دفاع مقدس مسئولیتهای مهمی از امور جنگ چون: ریاست کمیسیون امور دفاعی، مسئولیت دفتر مشاورت حضرت امام (ره) در منطقه خلیج فارس، قائم مقام ستاد قرارگاه خاتم و ستاد کل پدافند و ... را بر عهده داشت.

سال ۶۷ به حکم حضرت امام خمینی (ره) به نمایندگی ایشان در شهربانی کل کشور منصوب گردید که تا سال ۷۰ یعنی زمان ادغام نیروهای انتظامی این وظیفه را از سوی مقام معظم رهبری عهده دار بود و در سال ۶۸ به نمایندگی ولی فقیه در انجمن اسلامی معلمان ایران منصوب شد. و در دورا ن ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین آقای خاتمی، سمت مشاورت ریاست جمهوری را بر عهده داشت.

فعالیت سیاسی و تشکیلاتی:

او از آغاز حزب جمهوری اسلامی به عضویت آن تشکل در آمد و سپس در کنگره اول حزب به عنوان عضو ذخیره شورای مرکزی حزب انتخاب شد و علاوه بر آن مسئولیت واحد روحانیت حزب به او واگذار گردید. در سال ۶۶ و آغاز تشکیل مجمع روحانیون مبارز به عضویت هیئت مؤسس و شورای مرکزی آن تشکیلات در آمد. و از ابتدای تاسیس حزب اعتماد ملی، تاکنون به عنوان عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی و قائم مقام دبیر کل حزب، به وظایف تشکیلاتی خود می پردازد.

فعالیت های فرهنگی:

وی حدود ۴۰ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای کشور را دارد و طی دوران تحصیل، مبارزه، مسئولیت خود تا امروز همواره به فعالیت فرهنگی تبلیغی ادامه داده و به تربیت جوانان می پردازد، پایگاه فعالیت فرهنگی او عمدتا در مسجد امام جعفر صادق (ع) و واحدهای مختلف تابعه آن و نیز در سطح جامعه و به ویژه دانشگاههای کشور متمرکز می باشد.

فعالیت های تحقیقی و پژوهشی منتجب نیا:

او تاکنون کتابهای: (اصول فقه و مبانی حقوق اسلام)، (جمال شریعت) و (خاطرات انقلاب) را تالیف و منتشر نموده است و کتابهای: (خرافه ستیزی) و (آموزه های وحیانی) و رساله دکترای تخصصی او زیر چاپ می باشد و چند کتاب دیگر او در دست تالیف است. وی مقالات علمی پژوهشی متعددی را تهیه و تالیف و در مجلات علمی پژوهشی و یا اجتماعی منتشر کرده و بسیاری از مقالات او در کنگره بین المللی و یا سراسری کشور قرائت شده است و هم اکنون چند طرح پژوهشی کارساز و ارزشمند را در دست اجرا دارد.

منتظر قائم، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی منتظر قائم

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

الف) دورس حوزوی

تابستان ۱۳۵۱ برای یادگیری عربی به سبک حوزوی وارد مدرسه مصلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصیل مشغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی ۵۷ ـ ۵۶ ادامه دادم و اوایل سال تحصیلی ۵۸ ـ ۵۷ با تعطیلی مدرسه حقانی به امور دیگر پرداختم. آبان سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم برگشتم و به تحصیل دروس سطح پرداختم.

از سال تحصیلی ۶۲ ـ ۱۳۶۱ تا پایان سال تحصیلی ۶۶ ـ ۱۳۶۵ به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی ۶۶ ـ ۱۳۶۵ درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال ۷۴ ـ ۱۳۷۳ ادامه دادم. از سال ۷۱ ـ ۱۳۷۰ تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعهٔ الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.

ب) دروس کلاسیک

دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رمضانی (از سال تحصیلی ۴۴ ـ ۱۳۴۳ تا آخر سال تحصیلی ۴۹ ـ ۱۳۴۸) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی ۵۰ ـ ۱۳۴۹ تا آخر سال تحصیلی ۵۱ ـ ۱۳۵۰ بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) ۵۳ ـ ۱۳۵۲ تا آخر سال تحصیلی ۵۷ ـ ۱۳۵۶ در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.

در سال ۵۸ ـ ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن ۱۳۶۴ با معدل ۳/۱۸ فارغ التحصیل شدم. در سال ۶۸ ـ ۱۳۶۷ در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور ۱۳۷۱ با معدل ۶۵/۱۷ مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان: «The miracle of theilm» بود که با نمره ۱۹ پذیرفته شد. زمستان سال ۱۳۸۴ در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال ۸۵ تاکنون به تحصیل مشغولم.

ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی ۷۱ ـ ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از

سال ۷۳ ـ ۱۳۷۲ تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال ۱۳۷۴ عضوت هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعهٔ الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظری مقدم، حامد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منتظری مقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجهٔالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجهٔالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی

مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجهٔالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منتظری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید منتظری در سال ۱۳۲۳ در خانواده گرانقدر و فقیه والا مقام آیت الله منتظری در نجف آباد اصفهان متولد شد. در سال ۱۳۳۷ وارد حوزه علمیه قم شد و علوم اسلامی در سطح خارج فقه و اصول و فلسفه را فرا گرفت. و در محضر اساتیدی مانند امام خمینی، آیت الله داماد، منتظری و مشکینی فرا گرفت. در سال های ۴۱ و ۴۲ همزمان با آغاز نهضت امام خمینی فعالیت های مبارزاتی خود را آغاز و تا پایان عمرش به حرکت در راستای ولایت فقیه ادامه داد. در سال ۴۴ در حین انتشار اعلامیه دستگیر شد پس از ۷ ماه زندان آزاد شد و در جریان یک رویارویی با ماموران رژیم گریخت و سپس به خارج رفت و تا ۱۰ سال زندگی مخفی را در خارج از کشور گذراند. وی در خارج از کشور نیز کارشان هماهنگی و همکاری همودن با رهبران کشورهای آزادیبخش جهان اسلام بود. و اما از همه سعادتمندانه تر اینکه امام خمینی پرونده ایشان را به خط خودشان امضاء و فرموده اند که ایشان انسانی متفکر و فداکار با اخلاص و ایثارگر بود. و سرانجام در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ به دست منافقین کوردل در فاجعه حزب جمهوری به شهادت رسید.

منطقی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن منطقی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن منطقی سعادتی فرزند محمد ابراهیم متولد ۱۳۴۳ در شهر تهران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را گذراندم. دوره متوسطه را نیز در شهر کرج در رشته «اتومکانیک» ادامه دادم. همزمان با شروع انقلاب اسلامی در فعالیت های انقلاب به تناسب سن و سالم شرکت کرده و یک بار نیز به دست ساواک دستگیر شدم. پس از دو ماه از شروع جنگ تحمیلی در جبهه جنوب افتخار حضور پیدا کردم.

از سال ۱۳۶۰ به جهت علاقه به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۱۳۶۶ در کنار تحصیل حوزوی مشغول به تحصیل در رشته کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» شدم و آن را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم. سپس همزمان با تحصیل در دروس خارج حوزه در همان سال وارد رشته کارشناسی ارشد «مدیریت» شده و در سال ۱۳۷۴ این مقطع را به پایان رساندم.

پس ازفارغ التحصیلی به عضویت هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در آمده و هم زمان به تدریس دروس رشته «مدیریت» پرداختم و در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکترای مدیریت با گرایش «رفتار سازمانی» به ادامه تحصیل پرداختم.

منظم کازرونی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۳۱۶ ق)، واعظ و شاعر، متخلص به منظم. در کازرون به دنیا آمد. علوم مقدماتی را نزد پدر آموخت. از اوان کودکی شعر می‌سرود و به دلیل داشتن صدای رسا و به تشویق پدر در مجالس سوگواری سیدالشهداء به مرثیه خوانی می‌پرداخت. او در نتیجه‌ی مرور کتب و مطالعه‌ی زیاد کم‌کم رسم وعظ و خطابه را آموخت و بر منبر موعظه نیز می گفت. در عین حال از تحصیل علوم قدیمه و جدید هم بازنماند و زبان انگلیسی و عربی را آموخت. سپس سفری به بوشهر کرد و در یکی از تجارتخانه‌های آنجا منشی شد و به منبر هم می‌رفت. پس از چند سال به کازرون بازگشت و در اداره‌ی ثبت به عنوان مدیر بازرگانی استخدام گردید. در ۱۳۰۲ ش به شیراز رفت و با رکن‌زاده‌ی آدمیت، صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، آشنا گشت و در ۱۳۱۴ ش به خدمت وزارت دارایی درآمد. در ۱۳۲۵ ش به ریاست دایره‌ی مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم دارایی لار منصوب گشت. سال بعد عازم شیراز شد ولی در گردنه‌ی چاه تیز منصورآباد، به طور ناگهانی، از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش:

«نصاب الشبان»، به سبک «نصاب الصبیان» فراهی، در معانی کلمات رایج در جنوب ایران بویژه کازرون. از اوست:

گویند چرخ دون طلب و سفله پرور است

عیش و خوشی برای سفیهان میسر است

این دوره برخلاف طبیعت در این جهان

بینم که چشم سفله هم از خون دل‌تر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۷ -۵۲۳/ ۴).

منفرد، نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نقی منفرد

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نقی منفرد در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شهرستان آمل شدم و پس از دو سال فراگیری علوم حوزوی برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم عزیمت و نزد اساتید برجسته حوزه به ادامه تحصیل پرداختم. در کنار تحصیل به تدریس در مدارس علمیه حوزه قم و تدریس سطوح عالی مشغول می باشم. نتیجه بیش از ۱۵ سال تدریس ادبیات عرب، تحقیق و اصلاح متن کتاب البهجهٔ المرضیه (شرح سیوطی) و شرح فارسی آن در پنج جلد می باشد.

موحدی قمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد بن العلامه آخوند ملاعبدالله موحدی قمی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و عدلی کم‌بدیل است که در سال ۱۳۱۴ ق متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی و عالیه را نزد اساتید قم خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات عظام دیگر استفاده نموده و مدت ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و در منزل آن مرحوم متصدی امور استفتاء و جمع و تالیف فتاوی و مسائل و رسائل علمیه معظم‌له از جمله کتاب جامع الفروع و مصابیح الفروع و فرائض المناسک و مناهج الفروع از طرف آن مرحوم گردیده و پس از فوت آن مرحوم بلادرنگ بزعیم الشیعه و محی

الشریعه و مرجع الاعلی الادینی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و همان سمتی را که در دستگاه مرحوم آیت‌الله بروجردی داشت در منزل آیه‌اللهی مرعشی هم متعهد شده و حاشیه عروه‌الوثقی معظم‌له را که تاکنون چنین حاشیه‌ای بر آن نشده بنام دغایه القصوی لمن رام التمسك بالعروه الوثقی) در دو مجلد بزرگ تنظیم نموده که اکنون منتشر و در دسترس همه اهل علم است و توضیح‌المسائل و مناسك حج معظم‌له را ترتیب داده است.

در مسجد امام علیه‌السلام در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله برکاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موحدی محب، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله موحدی محب

محل تولد : بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۲/۳

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم ۱/۷/۱۳۴۷، شروع به تدریس متون حوزوی ۱۳۵۴: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ...، بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحمیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان ۱۳۵۵ (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان ۱۳۵۸، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون ۵ نفری حل اختلافات ۱۳۵۸، تدریس در دبیرستانهای کاشان در ۱۳۵۸، فعالیتهای سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان ۱۳۵۸.

بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس ۱۳۵۹ (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی ۱۳۶۲، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۶۷ - ۱۳۶۶ (مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» ۱۳۶۷، دفاع از رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۱ فروردین با درجه عالی نمره ۲۰ و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی - استاد مشاور جناب حجهٔ‌الاسلام حسین توفیقی - استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان ۱۳۷۱ اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال ۷۱ تا ۷۵ (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).

راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه ۱۳۷۵، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره ۲۰ (۱۳/۶/۱۳۸۱) استاد راهنما جناب حجهٔ‌الاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی - استاد مشاور حجهٔ‌الاسلام دکتر احمد بهشتی و حجه الاسلام محمد علی مهدوی راد - اساتید داور حضرت آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).

اساتید: صرف و نحو حجهٔ‌الاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال ۴۵ و ۴۶، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال ۴۷ در قم، فقه: لمعهٔ «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله

دوزدوزانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی ، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریبا یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)»، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه ۱۵ و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

موحدی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی محمد موحدی از علماء اعلام و دانشمندان کرام و مدرسین والامقام و مروجین احکام حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۲۲ قمری در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت و تحصیل مقدمات و سطوح نموده و پس از پایان آن از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری مرحوم و بعضی دیگر استفاده کرده و چند سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در خلال آن تدریس ادبیات و سطوح را کرده و از هر جهت مورد وثوق و اعتماد مراجع عظام و زعماء حوزه علمیه قم بوده و از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی چندی اعزام به آباده شیراز و چندی هم به چالوس و در سال ۱۳۷۰ قمری به مسجد سلیمان خوزستان رفته و چندین سال در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و مسجد بزرگ و آبرومندی که خود این نگارنده دیده‌ام در آنجا بنا و خدمات ارزنده‌ای انجام داده ولی چند سالی است که به وطن خود مراجعت و از شرکاء درس حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی است و هم در یکی از مساجد قم اقامه جماعت می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی احمدآبادی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، خطیب و شاعر. در شعر تقی و گاهی شرعی تخلص می‌کرد. در محضر پدرش و علامه میرزا بدیع و آخوند ملا محمد کاشانی و آقا سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم گزی تلمذ نمود و به درجات علمی بالا و اجتهاد نایل شد. او از ملا عبدالکریم گزی و سدی ابوالقاسم دهکردی روایت کرده است. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: «نورالابصار»، در فضیلت انتظار؛ «سراج القبور»؛ «وظیفهٔ الانام»، در زمان غیبت امام (ع)؛ «تذکره الطالبین»، که ترجمه‌ای است از «آداب المتعلمین»، به نظم فارسی؛ «مکیال المکارم» و «کنز الغنائم»، در فوائد دعا برای حضرت قائم (ع)؛ «ابواب الجنات»؛ «بساتین الجنان»، در معانی و بیان؛ «محاسن الادیب»؛ «ترغیب الطلاب الی علم الاعراب»؛ « دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۱۸ –۲۱۷)، الذریعه (۱۱۵/ ۲۵ ،۳۵۷/ ۲۴ ،۱۸۲/ ۲۲ ،۱۲۵/ ۲۰ ،۱۶۰/ ۱۸ ،۱۵۹/ ۱۲ ،۱۷۰ ،۳۹/ ۴ ، ۱۰۳/ ۳ ،۷۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۸/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۳۱/ ۹).

موسوی احمدآبادی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه [جماعت مسجد امام زاده اسماعیل]، عالم فاضل، متوفی به سال ۱۳۱۹، قبرش نزدیک به لسان الارض.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی برزکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایهٔ الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی برهان، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه موسوی معروف به برهان از علماء و مدرسین محترم سبزوار بوده‌اند. در سال ۱۳۷۰ ق که حقیر به سبزوار رفتم ایشان را ملاقات و کرارا به دیدن حقیر آمده و متقابلا به منزل ایشان رفته و درک صحبتشان را نمودم.

آن مرحوم عالمی بصیر و دانشمندی روشن‌ضمیر و از بیت علم و تقوای سبزوار بوده است. وی در سبزوار متولد و مقدمات و سطوح را در آنجا از علماء بزرگ فراگرفته و مدتی هم در مشهد مقدس از اعلام ارض اقدس کسب فیض نموده و سفری هم به نجف و از مراجع و آیات عظام استفاده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی و روحی پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی بفروئی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید یحیی موسوی برادر ارجمند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی مقیم قم میباشند.

وی از فضلاء تلامذه و شاگردان بزرگوار مرحوم آیه‌الله حایری یزدیست که پس از پایان تحصیلات و وصول بمقامات عالیه علمی بوطن خویش مراجعت و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

دارای مقام فضل و تقوا و فضل و سیادت و حسب و نسب عالی میباشد. از اردکان و حومه آن بفرو و غیره حدود سی طلبه در قم اشتغال بتحصیل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی تهرانی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علینقی الموسوی التهرانی از علماء بنام و دانشمندان عظام معاصر تهرانست.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در تهران واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگ قم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری بر حسب تقاضای عده‌ای از اهالی تهران از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری قدس اللّه سره به تهران آمده و تا حال حاضر که حدود چهل سال است، به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف بتقوی و فضیلت و معروف بکمال و متانت و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و مورد توجه مردم تهران و وثوق تمام مراجع گذشته و معاصر می‌باشند و از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران دارای اجازات جامع و مطلق می‌باشند و با این صفات از

تظاهرات بر کنار و بوظائف دینی کوشا و ساعی میباشند.

دارای خاطرات عجیب و نوادر غریب میباشند از جمله صداقت تام و ارادت تمام به مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمه اللّه علیه داشتند و حکایات شگفت‌انگیزی از آن مجاهد حقیقی بخاطر دارند. و دیگر با مرحوم ثقةالاسلام و المحدثین حاج شیخ ابراهیم ترک (صاحب الزمانی) رفاقت خالصی داشتند و قصه عنایت وصله حضرت رضا علیه‌السلام را که مشهور میان علماء صالحین است از ایشان بلا واسطه نقل می‌نمایند.

صله حضرت رضا علیه‌السلام بمرحوم شیخ ابراهیم ترک

فرمودند مرحوم شیخ ابراهیم مقیم قم (که قبل از تدریس مرحوم آیت‌اللّه حایری همه روزه منبر رفته و حدیث می‌خواندند و مرثیه) حکایت کرد برای ما که به مشهد مشرف شدم و مدتی اقامت کردم تا پولم تمام شد. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سرودم و خواستم بروم برای تولیت بخوانم وصله بگیرم با خود گفتم چرا برای خود حضرت نخوانم پس استغفار کرده و بحرم مطهر مشرف و مدیحه را خواندم و تقاضای صله نمودم و نزدیک ضریح مطهر رفتم دستی با من مصافحه نمود و یک برگه ده تومانی در دست من گذارد فورا عرض کردم آقا جان کم است ده تومان دیگر رسید باز گفتم کم است تا شش یا هفت مرتبه ده تومان در دست من گذارده شد دیگر خجالت کشیده و تشکر نمودم و از حرم شریف بیرون آمدم نزدیک کفشداری دیدم مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللّه مروارید معاصر در مشهد) با عجله می‌آید تا بمن نزدیک شد فرمود شیخ ابراهیم خوب با آقایم حضرت رضا علیه‌السلام روهم ریخته برایش مدیحه خوانده و صله می‌گیری. بده بمن صله حضرت را، من فوراً آن پولها را تقدیم داشتم ایشان گرفت و پاکتی بمن داد و برگشت و من پاکت را گشودم دیدم دو برابر آن پولست که حضرت مرحمت فرمودند.

آری و اللّه عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرم. (کس بدین درگه نیامد بازگردد ناامید).

لم یخب الان من رجاه و من

حرک من دون بابه الحلقه

قضایای دیگری از آن مرحوم منقولست که برای اختصار از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خادم، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مرتضی بن السید الجلیل السید محمد بن العالم التقی السید مراد (امام جمعه) آمل از سادات بزرگوار شهر ری و دارای نفس قدسی و از خدام والا مقام حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بوده‌اند، وی تولدش در حدود ۱۲۸۰ ق در شهر ری واقع شده و در بیت عزت پرورش یافته و مانند مرحوم والدش افتخار خدمت سید الکریم را داشته و از جهت تقوا و پاکی مورد توجه و علاقه شدید مردم ری بوده و مردم بدعاء و تأثیر نفس او توجه مخصوصی داشتند (حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی فقیه) و نسابه عصر میفرمودند ایشان از سادات مرعشی آمل هستند که بموسوی شهرت یافته‌اند) وی بیش از هشتاد سال با مجد و عزت زندگی و در سال ۱۳۶۳ قمری رحلت نموده و در بین‌الحرمین در پای درب مقبره (ناصرالدین شاه) مدفون گردید.

دارای فرزندان متعددی میباشد که دو نفر آنها در سلک لباس روحانیت بوده‌اند: ۱- مرحوم ثقه‌الذاکرین آقا سید تقی موسوی ۲-

جناب سید الاطیاب حاج سید حسن موسوی، و از احفاد آن مرحوم است دانشمند و خطیب شهیر حاج سید محمد موسوی واعظ.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خلخالی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محسن موسوی خلخالی از علماء و خدمتگذاران دینی شمیرانست.
وی در نجف متولد و سالها در حوزه علمیه آن سامان کسب فیض و کمال نموده و از محاضـر آیات عظام حکیم و خوئی و شیرازی و شـاهرودی و غیرهم فقهـا و اصولا اسـتفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و رحل اقامت به تجریش انـداخته و در مسـجد گیاهی اول خیابان سعدآباد (سر پل تجریش) به اقامه جماعت و وظائف دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خواجوئی، محمد نجم‌الواعظین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و واعظ شاعر، امام جماعت مسجد تلواسکان، و از مؤلفین و مصنفین بوده.
از آثارش: ۱ - مرآت الاسرار، در مصائب، منظوم، به طبع رسیده، و در آنجا گوید: ۲ - مثنوی در تفسیر قرآن در سی مجلد دارد.
در اوایل محرم ۱۳۴۷ وفات یافته، جنب خواجوئی مدفون گردیده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی رکنی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر موسوی رکنی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خـاطره پیشـنهاد پـدر بزرگوارم مبنی بر انتخـاب تحصـیلات حوزوی را هیچگـاه از یـاد نمی برم به ویژه آنکه پیشـنهاد ایشـان توام با

روشنگری خاصی بود. بر اساس این پیشنهاد در سال ۱۳۵۴ برای شرکت در مدارس شبانه روزی و حوزه علمیه ای به سبک کلاسیک که در آن زمان در کشور لبنان دایر شده بود، به این کشور سفر کردم و مدرسه علمیه امام مهدی (عج) در لبنان با پذیرفتن طلاب جوان و آموزش زبان های عربی، فرانسوی، انگلیسی و نیز دروس جنبی جدیدی نظیر آشنایی با ادیان الهی (مسحیت و آیین یهود) سعی بر آن داشت تا طلبه های فارغ التحصیل آن مرکز با تکیه بر اندوخته ها و آموخته های همگام با زمان، به عرضه آیین پر بار اسلام بپردازند و به تمام معنا روحانیون اندیشمند، آگاه به شرایط عصر و نیز مجتهد در رشته های علوم حوزوی به جامعه عرضه کنند.

با گذشت یکسال از تحصیل در آن مدرسه و برداشتن گام های اولیه در علوم حوزوی، به خاطر شدت یافتن جنگ داخلی لبنان و عدم امکان ادامه تحصیل به کشورم ایران بازگشتم. طبیعی بود که در آن شرایط تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه دهم. به خاطر علاقه وافری که به ویژه در سال های قبل از انقلاب به علوم حوزوی وجود داشت؛ سعی کردم که هنگام تابستان و تعطیلی حوزه علمیه قم نیز وقت را غنیمت بشمرم و از حوزه علمیه اصفهان که به صورت چهار فصل در ایام تابستان نیز دایر بود، استفاده کنم. مدرسه علمیه «ذوالفقار» اصفهان پایگاه اصلی حضور در کلاسهای درس بود.

با شروع حوادث تاریخ ساز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۶ و سپس پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ درس های حوزه های علمیه نیز تحت تاثیر این حادثه بزرگ قرار گرفت. حوزه های علمیه پس از وقفه ای کوتاه مجدداً با حال و هوای تازه به کار خود ادامه داد. بنده نیز همگام با شرایط آن ایام به تحصیل ادامه دادم و به تفصیل و اجمال از محضر اساتید بزرگوار خارج درس های حوزه علمیه قم بهره بردم. حضرات آیات «شیخ مرتضی حائری یزدی»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا هاشم آملی»، «شبیری زنجانی» و «سید محمد روحانی» اساتید عمده فقه و اصول بنده بوده اند که افتخار اجازه اجتهاد را نیز از برخی از آنان دارم. در کنار درس های پر بار حوزه علمیه قم، با توفیق الهی مدارک درس های کلاسیک مدارس را نیز به دست آوردم و با گرفتن مدرک دیپلم اقتصاد به دروس دانشگاهی روی آوردم که با طی مدارج کارشناسی و کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» شدم. در طی این سال ها یکی از افتخار آمیزترین عنوانی را که با خود همراه داشتم، شغل شریف معلمی بوده است که علاوه بر دروس حوزوی، از سال ۱۳۶۷ نیز به صورت حق التدریسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به کار شدم تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۷۳ به صورت رسمی به عضویت هیئت علمی گروه «فقه و مبانی حقوق اسلامی» دانشگاه قم در آمدم. از آن سال تاکنون همواره دل گرمی اینجانب اظهار لطف و علاقه دانشجویان و بدست آوردن نمرات خوب از ارزیابی های دانشجویی بوده است (بر اساس صورت جلسه ارزیابی ها در کارگزینی دانشگاه قم) تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. انشاء الله

موسوی زنجانی، قوام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید قوام‌الدین موسوی زنجانی از علماء زنجانی مقیم قم می‌باشند. ایشان در یکی از مضافات استان زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را از مدرسین سطح فراگرفته و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حجت و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و بعد از ایشان آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری حاضر شده و استفاده‌ها نموده و تا

هم‌اکنون از مباحث زعماء حوزه بهره‌مند می‌باشد.

نگارنده گوید: مترجم محترم از فضلاء متقی حوزه و سیدی جلیل‌القدر و متصف به ملکات فاضله و صفات حسنه می‌باشد و حقیر در ماه صفر سال ۱۳۶۲ ق در معیت ایشان و جناب حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالفضل زنجانی مقیم صحنه کرمانشاه مسافرتی به عتبات عالیات از طریق صلوات نمودم که هرگز خاطره‌های شیرین و عجیب آن سفر را فراموش نخواهم نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شاهرودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی شاهرودی فرزند سید جلیل و عالم نبیل آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی فرزند آقاسید محمد فرزند عالم ربانی حاج سید علی موسوی ابرسجی (شاه چراغی) (صاحب مزار معروف در ابرسج شاهرود) از افاضل و مدرسین سطوح عالی و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۱۲ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و تا چهار سالگی را در آنجا بوده و در سال ۱۳۵۸ قمری در معیت والد ماجدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در تحت پرورش پدر بزرگوارش تربیت یافته و بعد از خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۶ قمری پس از رحلت آیت‌اللَّه العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف عزیمت نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه نجف تکمیل سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی حاضر و استفاده کافی نموده و آنگاه به ایران مراجعت و در حوزه مشهد مقدس به تدریس سطوح عالی و سایر و وظایف روحی خود بالخصوص اقامه جماعت در مسجد (حوض لقمان میدان شهداء) که مرحوم والدش اقامه جماعت می‌نمود پرداخته و تا حال تحریر (سال ۱۴۱۲ قمری برابر ۱۳۷۰ شمسی) اشتغال دارند.

دارای فرزندانی فاضل می‌باشند که دو نفر آنان ۱- سید محمود موسوی ۲- آقا سید مرتضی در قم مشغول به تحصیل و تکمیل مبانی علمی می‌باشند و آقا مرتضی داماد حجهٔالاسلام حاج سید کاظم لواسانی فرزند آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن لواسانی است.

برادران بزرگوار ایشان نیز آقایان حاج سید باقر و حاج سید هادی موسوی از فضلای معاصرند که در مشهد مقدس و قم اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.

دامادهای ارجمندی دارند به نامهای زیر:

۱- حاج شیخ حسن عامری شاهرودی

۲- حاج شیخ علی صدیق شاهرودی

۳- حاج شیخ مهدی بخارائی مشهدی

۴- آقا حاج سید مصطفی حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمد شاهرودی از افاضل و دانشمندان معاصرند که در مشهد و شاهرود و قم و تهران به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

خواهرزاده ایشان جناب حاج شیخ محسن کافی فرزند مرحوم حجهٔالاسلام و واعظ شهیر حاج شیخ احمد کافی داماد گرامی نگارنده است که نعم‌الخلف مرحوم کافی دارای مقام فضل و کمال خصوص از سخنوران و خطیبان معاصر در حوزه علمیه قم

می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی فضیلت، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید مهدی بن المرحوم الحاج السید جواد موسوی از فضلاء مروجین و ائمه‌ی جماعت معاصر شهر ری می‌باشند. وی در سال ۱۳۴۵ قمری در جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد و پس از خواندن دروس جدید تا ششم ابتدائی بتشویق و ترغیب نگارنده برای تحصیل علوم عربی و ادبی به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته و متون فقه و اصول نهائی را آموخته و چندی از درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده کرده و در سال ۱۳۷۰ قمری در شهر ری بخدمات دینی و روحی و اجتماعی از قبیل تربیت و تعلیم اطفال به اشاره و تصویب مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حجت- ره- پرداخته و برای این منظور تاسیس دبستان ملی (موسوی فضیلت) و از این راه خدمتی به فرزندان مسلیمن نموده و ضمنا در مسجد حضرت (مسلم بن عقیل علیه‌السلام) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای موسوی فضیلت از روحانیون اخیار و علماء ابرار و مروجین عالی مقدار شهر ری و مورد علاقه مردم ری می‌باشند و حقیر که نزدیک چهل سال است با وی دوستی و اخوت دارم مکروهی از او ندیده و وی را یه تقوا و ورع یافته و اهل توسل و ولایت دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی قافله باشی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد هادی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۴۹ ابتداء در مدرسه آیت الله گلپایگانی و در ادامه مدرسه رضویه و حقانی ادامه دادم. دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار چون: «حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی»، «وجدانی»، «اعتمادی»، و ستوده و دروس خارج فقه، اصول، منظومه، حکمت و تفسیر در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «مشکینی»، «جوادی آملی»، «خزعلی» و مدتی در محضر «آیت الله تبریزی» و «وحید خراسانی» تلمذ نمودم و سفرهای تبلیغی فراوان

قبل از انقلاب و در دوران مبارزات به نقاط مختلف کشور داشته ام. و چندین بار در خمین و دلیجان پس از منبر و خارج شدن از مسجد تحت تعقیب مأموران نظام شاهنشاهی قرار گرفتم که با کمک مردم فرار نمودم و یکبار در درگیری خیابانی مجروح و به بیمارستان منتقل و مدتی در بیمارستان، پس از عمل جراحی بستری بودم، تهیه و توزیع رساله، نامه ها، نوارهای سخنرانی و عکس امام (ره) که دو بار در همین رابطه دستگیر گردیدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۲ سال در جبهه های نبرد شرکت نمودم و چند سفر تبلیغی به خارج از کشور از جمله جمهوریهای شوروی سابق در زمان قبل از فرو پاشی داشته ام. تعدادی مقاله برای همایشهای مختلف ارسال داشته ام و از فعالیت های حوزوی بنده مدتی تدریس و تأسیس مدرسه علمیّه امام هادی (ع) در اسفرورین قزوین برای برادران و مدرسه علمیّه الزهراء (س) برای خواهران و مدیریت آن بوده است. حاصل مدرسه علمیه امام هادی (ع) طلابی بوده است که اینک به عنوان روحانی مستقر در نقاط مختلف در خدمت اسلام و انقلاب می باشند. از فعّالیّت های عمرانی و فرهنگی ساخت چندین مسجد، کتابخانه، سالن ورزشی، مصلای بزرگ امام خمینی (ره) اسفراین، مدرسه و ... بوده است. که امیدوارم مورد رضای خاطر شریف امام عصر(عج) واقع گردد و مایه نجات و عاقبت بخیری و عافیت دین و دنیای آخرت ما قرار بگیرد. انشاءالله.

موسوی کرمانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم موسوی کرمانی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمان می‌باشند وی در کرمان متولد و در بیت سیادت پرورش و پس از خواندن دروس جدید در مدرسه معصومیه به تحصیل علوم دینی پرداخته سپس مهاجرت به قم و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ آموخته و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه خمینی و آیت‌اللّٰه نجفی مرعشی و آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه گلپایگانی و دیگران شرکت و استفاده سرشار نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به وطن خویش مراجعت و به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس در مدرسه معصومیه پرداخته است.

نگارنده گوید: جناب آقای موسوی کرمانی از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به ورع و متانت و فضائل اخلاقی و دور از تظاهرات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی گرگانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.

سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی مطلق، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعباس موسوی مطلق

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱۰/۳۰

زندگینامه علمی

به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمائی در سال ۷۱ - ۷۰ وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال ۷۶ آغاز کرده ام.

موسوی نسب، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر موسوی نسب

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه و در مشهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت الله صالحی»، «آیت الله مرحوم سبزواری»، «آیت الله رضا زاده»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.

گذراندن دوره مرکز ادیان و مذهب اسلامی و دوره مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت و دارای تالیفات، تدریس، مقالات متعدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیتهای بنده بوده است. در حال حاضر نیز مسئول مرکز تخصصی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی نسب، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صادق موسوی نسب

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه شدم. در سال ۱۳۶۶ همراه با دروس حوزه در دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق نیز شرکت کردم. این دوره آموزشی شامل مباحث فلسفی، معارف قرآن و منتخبی از مباحث و دستاوردهای بعضی از علوم انسانی، به خصوص اقتصاد و جامعه شناسی بود. پس از این دوره که به عنوان کارشناسی الهیّات و معارف اسلامی ارزیابی شد؛ وارد رشته تعلیم و تربیت شده و در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم. پایان نامه اینجانب: «مقایسه ای است میان دیدگاه

شهید مطهری و یکی از فلاسفه تعلیم و تربیت (شفلر) در باب فطرت و استعداد آدمی».
پس از دوران مذکور به عضویت در هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در قم پذیرفته شده و فعّالیّت های سه گانه ای را، همزمان آغاز کردم؛ (بخش اول کارهای تحقیقی بود که حاصل آن چند مقاله و یک ترجمه مشترك است. بخش دوم تدریس مواد مختلف درسی در رشته علوم تربیتی است و قسمت سوّم اداره امور کارورزی، تحقیق و برنامه ریزی آموزشی برای دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم تربیتی می باشد که در مؤسسه امام خمینی (ره) برگزار می شود) و هم اکنون دانشجوی دکتری در گرایش روان شناسی تربیتی هستم.

موسوی واعظ، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خطیب شهیر و واعظ روشن ضمیر آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل السید تقی بن السید العابد الزاهد صاحب انفاس القدسیه الحاج السید مرتضی ابن السید الزکی و الشریف الورع السید محمد المرعشی نسبا و الموسوی شهرتا واعظ نامی و خطیب سامی معاصر از مشاهیر وعاظ عصر و سخنوران حاضر است.
آوازه و شهرتش به تمام کشور بلکه خاورمیانه رسیده و در ایران و عراق و پاکستان و هندوستان و غیره اشتهار دارد درب خانه‌اش به روی عالی و دانی روحانی و عامی باز و دستانش برای دستگیری افتادگان و قضاء حوائج اخوان گشاده است.
همه روزه از اول وقت ارباب حاجت از عموم طبقات از داخل و خارج به وی مراجعه و ایشان از هر کس با آغوش باز استقبال نموده و حتی المیسور از انجام حوائج آنان کوتاهی نمی‌کند و از راه انداختن کار آنها لذت می‌برد و سپاس خدا می‌گوید که گره و مشکل بنده‌ای از بندگان خدا به دست او باز شده و راه افتاده است.
بسیار خوش مجلس و خوش محاوره و مزاح و صاحب لطائف و طرائف و مورد توجه عموم مراجع بزرگ حاضر و بالاخص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در قم و آیت‌الله العظمی شاهرودی نجف می‌باشد.
مسافرتهائی به دور دنیا نموده و از کشورهای راقیه و متمدنه آمریکا و اروپا و آفریقا و حجاز و سوریا و ترکیه و هند و پاکستان و افغانستان دیدن کرده و با رجال بزرگ سیاسی دنیا و سران مذاهب ملاقات و با بعضی از علماء و مفتیان اهل سنت مناظرات نموده و آنها را مغلوب و مجاب ساخته است.
بیانی شیرین و نطقی گویا دارد و طرف را هر کس باشد با لطایف الحیل محکوم می‌سازد در محاوره کمتر شکست می‌خورد و این یکی از موهبتهای الهی است نسبت به او.
تولد وی در روز بیست و یکم جمادی‌الاولی سال ۱۳۴۱ ق در زاویه مقدسه شهر ری در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام واقع شده و تحصیلات جدید را تا متوسطه خوانده آنگاه به تشویق و هدایت نگارنده برای تحصیل علوم دین به قم آمده و اولا با مخالفت صریح خاندانش مواجه شده ولی از آنجائیکه نسبت به حقیر علاقه و محبتی تام داشت در مقابل انکار و منع آنان استقامت ورزیده و در سال ۱۳۵۹ ق مهاجرت بدارالعلم قم و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه خوانده و سطوح عالی را از حجه‌الاسلام حاج شیخ جواد خندق‌آبادی و مرحوم آیت‌الله مجاهدی و حجه‌الاسلام مصطفوی و دیگران استفاده نموده و در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله و بعضی از آیات دیگر شرکت و در

سال ۱۳۷۰ ق بـه تهران مراجعت و وارد امور اجتماعی از قبیل ملی کردن صنایع نفت و انتخابات آزاد گردیده و کم‌کم کسب شهرت کرده و چندین بار از رادیو تهران و رادیو بحرین سخنرانی در پیرامون حقایق اسلام و رسالات نبی صلی الله علیه و آله و سلم نموده و اکنون نیز به خدمات و وظائف مذکور اشتغال دارد ادام‌الله ظله و کثر الله مثله آمین یا رب‌العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی موسوی

محل تولد : خدا بنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سّید علی موسوی فرزند سیّد آقا در سال ۱۳۲۶ در شهرستان خدابنده از شهرستانهای استان زنجان به دنیا آمدم. در سال ۱۳۴۱ وارد قم شده و در کلاس چهارم ابتدائی مشغول درس شدم. و کلاس پنجم دبستان را در تهران و ششم ابتدایی قدیم را در قم به پایان رسانیدم و کلاس هفتم و هشتم نظام قدیم را هم متفرقه خواندم و در سال ۱۳۴۴ احتمالاً وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح آن روز را در پیش اساتید آن زمان مانند: «مرحوم آقای سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی»، «آقای میرزا محسن دوزدوزانی»، «آقای استادی»، «آقای ستوده»، «آقای پایانی»، «مرحوم آقای معرفت» و غیره شرکت نمودم.

در سال ظاهراً ۶۸ در امتحان ورودی مجتمع قضائی و فرهنگی طلاب شرکت نمودم و قبول شدم و موفق به اخذ مدرک معادل لیسانس آن روز شدم و دو سال بعد به استخدام آموزش و پرورش در آمدم به عنوان «استاد تربیت معلم» که بعداً منصرف شدم. و در سال ۷۱ ظاهراً به عنوان «مدرس» از طرف شورای عالی حوزه علمیه به لردگان یکی از شهرستانهای چهارمحال بختیاری اعزام شده و مشغول شدم و پس از یک سال به قم برگشته و حدود یک سال در جامعه مدرسین و دائرهٔ المعارف به تحقیقات مشغول شدم و از آن زمان تا به حال در این دو مؤسسه، مشغول تحقیق فقه می باشم، (گرچه بیش از یکسال در مجمع اندیشه مشغول روایات معاد و دسته بندی آن از کتاب بحار الانوار بودم) که فعلاً یکی دو ماه است کارم در مجمع اندیشه تعطیل شده است. و فعلاً در دائرهٔ المعارف مشغول تدریس و تألیف مقالات عربی می باشم.

موسوی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۳/۱۲

زندگینامه علمی

در دوازدهمین روز خرداد ماه ۱۳۵۵ مطابق بـا سوّم جمادی الثانی ۱۳۹۶ و مصادف با شـهادت حضـرت زهرا (س) دیـده به جهان گشود. زادگـاهش شـهر علم و دین «آمـل» است. او در خـانواده ای متوسط از نظر مـذهبی و مالی رشـد یافت. دوران کودکی را در محلّه ای گذرانـد که فضـای دینی مـذهبی بر آن حـاکم بود و بعـدها به علّت ۵۷ شـهیدی که به انقلاب و نظام اسـلامی هـدیه کرد؛ «شـهید محله» نامیـده شـد. دوران آموزش ابتدایی را در دبسـتان «جواد الائمه» طی کرد. او همواره از شاگردان ممتاز در این دبسـتان بود و بارها شاگرد اوّل کل شاگردهای یک پایه شد. قرائت قرآن را نیز از سال سوّم ابتدایی در این دبستان آغاز کرد و چند روز در هفته در صـبحگاه مدرسه قرائت قرآن می کرد. با تشویق های خانواده به ویژه مادر بزرگ سعی زیادی برای انس با قرآن داشت. در دوران ابتدایی در فوق برنامه های سرود و تئاتر نیز شرکت فعّال داشت.

تابستان سال ۱۳۶۶ یک دوره تجوید را نزد استاد سیّد عباس ساداتی گذراند. پایان همان دوره مسابقات قرائت قرآن منطقه لاریجان آمل در بین نوجوانان مقام اوّل را کسب کرد. دوره آموزش راهنمایی را در مدرسه «شـهید سـقا علیزاده» گذراند. در این مدرسه نیز به فعالیت های دینی مـذهبی می پرداخت. یکی از قاریان ثابت برای مراسم صـبحگاه مـدرسه بود و در سال دوّم و سوّم راهنمایی نیز امـام جمـاعت مـدرسه بود و برای برگزاری نمـاز جمـاعت بسـیار فعّـالیّت می کرد. اجرای سـرودهای مـذهبی و بـازیگری در تئاتر و کارگردانی بعضی تئاترها و ساماندهی کتابخانه مدرسه از دیگر فعّالیّت های او در مدرسه بود. در سه سال دوره راهنمایی نیز دو بار در مسابقـات علمی و درسـی مقام اوّل مـدرسه را کسب کرد. دو بار نیز در مسابقات قرآن دارالقرآن الکریم و مسابقات قرآن بسـیج مقام اوّل را در سطح سنّی خود کسب کرد.

سال اوّل دبیرسـتان را در مدرسه طبری در رشـته تجربی گذرانده و درکنار درس به فعّالیّت های مذهبی در انجمن اسـلامی و بسـیج مـدرسه می پرداخت. آذر مـاه ۱۳۶۹ بـود کـه وارد هیئت درس قرآن علی بن موسـی الرضـا (ع) شـهید محلّه شـد. هـدایت این جمع قرآنی را اسـتاد «ماشـاءالله شـفیق» برعهـده داشت که با درس ها و راهنمایی هایی خود مسـیر تازه ای به زنـدگی او بخشـید. در سال ۱۳۷۰ با تغییر رشته درسی به رشته ریاضی فیزیک به دبیرستان شهید باهنر رفت و تا پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۳ در این رشته تحصـیل کرد. در سالهای دبیرستان او همواره سعی می کرد بر دانش دینی خود بیفزاید. علاوه بر حضور در جلسات مذهبی و هیئت های درس قرآن و ... به مطالعه جـدّی در مسایل دینی پرداخت. از سال ۱۳۷۰ تدریس تجوید و قرائت قرآن را در هیئت درس قرآن علی بن موسـی الرضا (ع) آغاز کرد و از سال ۱۳۷۱ مسـئولیت هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (ع) را بر عهـده گرفت و به آموزش قرآن و احکام و ... پرداخت.

در سال ۱۳۷۲ در مسابقات مفاهیم دانش آموزی قرآن مقام اوّل را در استان مازندران کسب کرد و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات اذان در اسـتان خود اوّل شد. در پی مطالعات مذهبی و دوستی با چند تن از طلاب علوم دینی به ادامه تحصـیل در حوزه علمیه علاقه مند شـد و در مهرماه سال ۱۳۷۳ پس از قبولی در آزمون وارد حوزه علمیه قم شـد. سه سال اوّل را در مـدرسه علمیّه شـهیدین و سه سال بعد (از پایه چهارم تا شـشم) را در مدرسه علمیه معصومیه طی کرد. در کنار درسـهای رسـمی حوزه آموختن دروس فلسفی را آغاز

کرده و چند سالی در این رشته به مطالعه پرداخت.

در سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مؤسسّه علمی فرهنگی دارالحدیث را آغاز کرد که تا کنون این همکاری ادامه دارد. در کنار کارهای جاری محوله از سال ۱۳۸۰ همکاری خود را با گروه تدوین سالنامه حدیثی نور آغاز کرد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در انتخاب حدیث و گلشن حدیث این مجموعه همکاری داشته است.

در سال ۱۳۸۱ اوّلین کتاب خود با نام: «آینه یادها» را با همکاری آقای هادی ربّانی منتشر ساخت. دیری نگذشت که این کتاب در ۴ چاپ پنج هزار جلدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۲ دوّمین کتابش را به عنوان: «نام نمای نیکان» منتشر کرد و در مجموعه گزیده های متون حدیثی نیز به همکاری پرداخته و کارهای انتخاب حدیث، استخراج منابع، تدوین کتابنامه را در گزیده های مختلف به عهده داشت. گزیده های کتاب های «غررالحکم و الخصال» را نیز ترجمه کرد. در سال ۱۳۸۳ کتاب «ماه در آب»: مثل های فارسی در آینه حدیث را به چاپ رساند. نوشتن مقاله در مجله حدیث زندگی را نیز در سال ۱۳۸۲ آغاز کرد. در ادامه برای مجلّات گلستان قرآن و بشارت نیز مقالاتی نوشت. تعداد مقالات چاپ شده او به بیش از ۲۵ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۳ پس از اتمام سطح دو حوزه، در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام شرکت کرده و در این رشته پذیرفته شد.

موسوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد محمّد موسوی در سال ۱۳۳۳ در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذرانده، سپس حدود سال ۴۷ جهت تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ مرحوم آیت الله گلپایگانی شدم. بخشی از دروس سطح را مثل ادبیات، منطق، معانی بیان و مقداری از اصول فقه تا شرح لمعه را در آنجا به پایان رسانده و بخش دیگر از سطح را مانند: رسائل و مکاسب به طور آزاد نزد بعضی از اساتید محترم خواندم.

پس از آن در درس خارج فقه یا اصول تعدادی از آیات اعظام مانند: «تبریزی (ره)» و «حضرت آیت الله وحید خراسانی» شرکت نمودم، تا اینکه جریان انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) رخ داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی (۷۰ – ۶۴) به عنوان امامت جمعه در استان کرمان اشتغال داشته و در سال ۱۳۷۰ شمسی مجدداً به قم آمدم و حدود دو سال اوراق امتحانات مرکز مدیریت حوزهٔ علمیه قم را تصحیح نموده و به کار تحقیق و تألیف در برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی پرداخته و تاکنون نیز اشتغال دارم.

موسوی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد حسین بن السید الجلیل آقا سید محمد باقر موسوی از علماء معاصر شهرستان بهبهان است. وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در بهبهان متولد شده و پس از طی دوران دروس جدید مدت سه سال در بهبهان مقدمات و ادبیات و سطوح متوسط را خوانده آنگاه بقم مسافرت و مدت هشت سال از محضر اساتید عظام حوزه علمیه قم چون حضرت آیه‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و آیه‌الله العظمی آقای... و زعیم اعظم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و بعد از آن مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت چهار سال اقامت و از محضر دروس حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیه‌الله العظمی مرحوم حاج سید محسن حکیم بهره‌مند شده سپس بمنظور انجام وظیفه در سال ۱۳۷۴ ق به بهبهان مراجعت و مدت بیست سال است که در این شهرستان در مسجد (مصلی) باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

از آثار ایشانست:

۱- تأسیس کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در مسجد مصلی.

۲- مدرسه علمیه موسوی که مجهز بتمام وسائل آسایش برای طلاب علوم دینی و واردین از اهل علم و منبر میباشد.

۳- کتابخانه مدرسه علمیه مزبور برای محصلین این مدرسه.

جناب آقای موسوی، از حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حکیم و آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله العظمی شاهرودی مجاز باجازه امور حسبیه و وکالت در امور شرعیه دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت : موسوی اصفهانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ‌الاسلام و المسلمین موسوی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید اکبر

هوایی از کسبهٔ اصفهان بود و به پارچه فروشی روزگار می گذرانید. او به دلیل علاقهٔ فراوان به روحانیت، فرزند خود را به رو آوردن به علوم دینی بسیار تشویق می کرد. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی پس از اینکه دبستان را به پایان رسانید، در چهارده سالگی، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. او که حدود سه سال درحوزه علمیه اصفهان درس می‌خواند، از مواهب معنوی «حاج آقا مصطفی بهشتی» بهره‌های بسیار می‌برد.

او در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر استادان آن دیار بهره ببرد و در مدت کوتاهی دروس دورهٔ سطح را به پایان رسانید. سپس به درس خارج بزرگان آن روز حوزه علمیه قم رفت؛ البته در طی این سالها از علوم عقلی نیز غافل نماند و نیز در درس اخلاق استادان خود همواره حاضر بود. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی بخشی از دروس دورهٔ مقدمات را در اصفهان نزد آقا شیخ عبدالعلی عرب و حاج آقا مصطفی بهشتی گذراند. در قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین «فاضل هرندی»، مختصرالمعانی را نزد «آیت‌الله صالحی»، معالم را نزد «آیهٔالله اشکوری»، قوانین را نزد «آیهٔالله سید اسدالله خراسانی» و لمعتین را نزد «آیهٔالله صلواتی» و «مؤمن» به پایان برد. او رسائل را نزد «آیهٔالله اعتمادی» و مکاسب را نزد حضرات آیات: «ستوده، فاضل و مظاهری» فرا گرفت. کفایه را نیز در محضر «آیهٔالله سلطانی طباطبایی» آموخت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج فقه و اصول «آیهٔالله العظمی شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی»، «آیهٔالله العظمی گلپایگانی»، «آیهٔالله العظمی وحید خراسانی» و «آیهٔالله العظمی شیخ جواد تبریزی» رفت و سالها از محضر آن بزرگواران بهره‌مند شد. از دوستان و هم مباحثه‌ای های او (حجهٔالاسلام و المسلمین شهید حسن بهشتی، حجهٔالاسلام و المسلمین سید محمد تقی دیباجی و حجهٔالاسلام و المسلمین قرائتی) را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اشتغال داشت و سالها در حوزه علمیه خواهران قم و نیز حوزه علمیه برادران به تدریس دروس دورهٔ سطح پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات دروس خارج استادان خود را نگاشته است. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی، همگام با نهضت اسلامی امام (ره) خدمات سیاسی بسیاری بر جای نهاده است.

او در سالهای پیش از انقلاب به اطراف شهر بهبهان مسافرت کرده و مردم آن نواحی را از مسائل سیاسی و عقیدتی آگاه می‌ساخته است. همچنین در تحصنی که علماء و طلاب اصفهان در منزل «آیهٔالله خادمی اصفهانی» به راه انداخته بودند، شرکت جدی داشته است. او پس از انقلاب نیز مدتی به همراه «آیهٔالله محمد مؤمن» در قوهٔ قضائیه به رتق و فتق امور دادگاهها اشتغال داشته است. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در همدان به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

موسوی، میرمحمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر محمود موسوی

محل تولد : زاویه سفلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب میر محمود موسوی فرزند میر علی اکبر به سال ۱۳۴۴ شمسی در روستای «زاویه سفلی» از توابع شهرستان «چالدارن آذربایجان غربی» به دنیا آمدم. تحصیلات دوره ابتدائی را در همان محل به پایان بردم. دوره راهنمائی را در شهرستان خوی و دبیرستان را در تهران به پایان رساندم. به سال ۱۳۶۱ در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ در مدرسه «شیخ عبدالحسین» تهران مقدمات و بخشی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.

سال ۱۳۷۰ شمسی وارد حوزه علمّیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوزانی» رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمّد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال ۱۳۷۲ وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمائی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیّه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.

سپس از محضر حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده برده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (۲۸ - ۳۲) و دو جلد آن (۳۳ - ۳۷) با همکاری حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

موسویان، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت

هاشـمی»، معالم را از اسـتاد «بنی هاشـمی» و لمعتین را در محضـر والـد به پایان رساندم. سـپس راهی قم شدم و رسائل را از محضـر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.

از اوائـل سال ۱۳۵۲ درس خـارج اصول و فقه را شـروع کردم و از آیات عظام: «وحیـد خراسانی»، «شـیخ جواد تبریزی»، و عمـدتاً از «آیهٔ الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» اسـتفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیهٔ الله معرفت، اخلاق را از آیهٔ الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعـد از چنـد سال تحصـیل، هماننـد دیگر حوزویان، درسـهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لـذا از حوزه علمیّه مشـهد تاکنون به تـدریس اشـتغال داشـته ام. و دروس عمومی را در دانشـگاه فردوسـی مشـهد و دانشگاه مفیـد تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسانده ام.

موفق، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا موفق

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشـته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدیـد (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشـی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتیـد حجت الاسـلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شـیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسـلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسـی ارشد در رشـته « فلسـفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسـی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک اسـتاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی ۹. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت های ذیل : ü تحقیق و تنظیم کتـاب « نسبت دین و دنیا (نقـد نظریه سـکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ü مسؤولیت پروژه کتـاب «مهر اسـتاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسـفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ü تنظیم

بخشی از کتاب « شرح شواهد الربوبیه » از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه (بدایهٔ الحکمهٔ) ۱۱. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم ۱۲. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

موگهی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم موگهی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم موگهی در اول دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات کلاسیک خود را تا سال سوم رشته «مهندسی طراحی» در دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم»، «جوادی» و ... بهره برد. وی دارای تألیفات متعددی می باشند که تعدادی از مقالاتشان در نشریاتی همچون: یاس، فرهنگ جهاد، رشد، ره توشه، مبلغان، مبین، حجره، پیام حوزه، کوثر، مربیان، سلام بچه ها و ... به چاپ رسیده است.

مولانا، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد آقا مولانا قدس سره و سلسله‌ی نسب‌شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می‌رسد شب شانزدهم ربیع الاول سال ۱۳۲۰ هجری قمری در بلده‌ی طیبه‌ی نجف اشرف (ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) متولد تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداوله و سطوح را در تبریز به اتمام رسانده در سال ۱۳۴۰ جهت ادامه‌ی تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم و از محضر استادان عالیقدر آیات الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء- آقا

سید محمد حجت کوه کمری (موقع اقامت معظم له در نجف)- آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء- آقا ضیاء عراقی- آقا شیخ محمد حسین کمپانی (اصفهانی) و سایر فقهاء عصر استفاده و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۶ به وطن عزیز خود تبریز مراجعت- از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال داشته- روز چهارشنبه ۲۲ شوال المکرم سال ۱۳۹۲ در تهران (جهت معالجه به آن شهر تشریف فرما شده بود) داعی حق را لبیک گفته.

آفتاب دین غرا کرد از عالم افول

بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب

در شهر مذهبی قم و جوار حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مدفون گردید. عمر شریفش و ۷۲ سال ۷ ماه و ۶ روز بوده.

چون تراب تیره شد آرامگاه و مضجعش

عرش گفتا آن زمان یالیتنی کنت تراب

اولاد ذکور آن بزرگوار: جنابان حجه الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن و حاج سید ابوالقاسم آقا که هر دو به نوبه‌ی خود از جمله علمای اعلام و فضلای تبریز به شمار می‌روند و در دریای علم و تقوای آن فقید می‌باشند.

و نیز آقای حاج سید ابوالفضل جوان فعال پرهیزکار فرزند آن مرحوم و نور دیده‌ی مردم است.

تألیفات فقید سعید آنچه در حال حیاتش به زبان فارسی به چاپ رسیده ۱۸ جلد بشرح زیر:

۱- صحت و سعادت- اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.

۲- آثار المعاصی- در بیان اثرات دنیوی گناهان.

۳- نصایح المعصومین- اندرزهای منتخبه از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۴- الملاحم- پیشگوئی‌های واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۵- لطائف الاخبار- برگزیده‌ی اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۶- مرآة الحج- بیان احکام و مناسک حج.

۷- شرط و جزاء- بیان احادیث وارده در نتیجه‌ی بعضی اعمال.

۸- الفروق- بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.

۹- البرکات- اخباری که کلمه‌ی برکت در آنها ذکر شده.

۱۰- سیره‌ی حسنه- ذکر فوائدی در موضوعات مختلفه.

۱۱- حکایات المعصومین- قسمتی از حکایات گذشتگان خدائی.

۱۲- کیف اصبحت- اخبار و احادیث.

۱۳- چهل حدیث- احادیث و بحث اجمالی در امامت.

۱۴- خدا نه طبیعت- منظوم در اثبات صانع.

۱۵- حج نامه- منظوم در اعمال حج و سفرنامه.

۱۶ و ۱۷- بخش اول و دوم در منظوم- در حالات پنج تن آل عبا (ع).

۱۸- تعدیل المیزان- بیان اوزان و اندازه‌های معمول دنیا.

علاوه بیشتر از ده جلد کتب علمی و فقهی من جمله (منجزات المریض) یک بحث مهم که هنوز به چاپ نرسیده و از آثار باقیه‌ی آن فقیه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مومن، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن در سال ۱۳۳۲ در قم و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و برادرش (حضرت آیهٔالله محمد مؤمن) از استادان حوزه علمیه قم بود. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن با به پایان رساندن دورهٔ دبستان، در خرداد ماه ۱۳۴۵، به حوزه علمیه قم وارد شد.

او جامع المقدمات را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین طباطبایی خواند. سیوطی را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین شایسته گلپایگانی، مغنی را نزد آقای طالقانی، معالم را نزد «آیهٔالله مقتدایی» و مختصرالمعانی را نزد «آیهٔالله تهرانی» فرا گرفت. منطق را نزد حجهٔالاسلام والمسلمین امینیان، شرح لمعه را نزد حضرات آیات: «تهرانی، شب زنده‌دار، صلواتی، تقوی اشتهاردی، فاضلی اشتهاردی و ...» آموخت. برای آموختن رسائل به نزد «آیهٔالله طاهری» و برادرش (آیهٔالله مؤمن) رفت. ضمن اینکه بخشهایی از مکاسب و کفایه را نزد برادر خود می‌آموخت به درس مکاسب آیهٔالله ستوده و درس کفایه آیهٔالله سلطانی طباطبایی نیز می‌رفت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «شیخ کاظم تبریزی»، «شیخ مرتضی حائری»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «حسینعلی منتظری»، «وحید خراسانی» و «محمد مؤمن» و ... رفت و از دروس ایشان بهره‌های بسیار اندوخت. او بخشی از اسفار را نزد «آیهٔالله امینی» آموخت و شرح تجرید را نزد «آیهٔالله حسینی کاشانی» فرا گرفت.

از دوستان و هم مباحثه‌های او می‌توان حجج اسلام رجبی، شب‌زنده‌دار و عندلیب را نام برد. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس همت گماشت و تا به امروز بیشتر کتب دوره سطح را تدریس کرده و از این رهگذر، شاگردانی را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او به همراه برخی از استادان حوزه، به امر بررسی و تدوین میراث فقهی همت گماشته و در این زمینه، تحقیقات بسیاری را به انجام رسانده است. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در آن مرکز مقدس، فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است

مومن، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱۰/۲۳

زندگینامه علمی

آیـۀالله محمد مؤمن، در روز پنج شـنبه، دهم ذی‌القعدهٔ سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر بـا ۲۳ دی ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به خاندان مکرم پیامبر اسـلام (ص) در شـهر قم چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج عباس مؤمن که فردی سرشـناس و مورد اعتمـاد مردم بود، با پیشهٔ کشاورزی روزگار می‌گذرانـد و نزدیک به صـد سال زیست و سـرانجام در سال ۱۳۷۷ هجری شمسـی دار فانی را وداع گفت. مادر او نیز زنی پاکدامن و وارسـته بود که چهار سال پیش از پدرش یعنی در سال ۱۳۷۳ در گذشـته بود. پـدر و مادر ایشان نیز متولـد قم بوده‌انـد و تا آنجا که خود از آن اطلاع دارد، خانـدانش حـدود ۲۰۰ سـال است در قم سکونت دارند.

کودکی آیۀالله مومن با تنگی معیشت خانواده همراه بوده، به گونه‌ای که ایشان را برای آینده‌ای پر از جهاد و مبارزه آماده می‌ساخته است. تحصیلات خود را در هفت سالگی آغاز نمود و در مکتب خانه‌ای واقع در محلهٔ «باغ پنبه» قم، به فراگیری قرآن مشغول شـد پس از آن به مکتب دیگری رفته در آنجا کتاب «نصاب الصبیان» و برخی از کتب دیگر را آموخت. پس از مـدتی با سـفارش برخی به پدر ایشان و موافقت پدر، تحصیلات خود را در مدارس اسلامی، ملی آن زمان، به تحصیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد و در مدت دو سال تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل کرد. بعد از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند.

در سال ۱۳۳۲ به تحصیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطوّل» و همه «معالم الاصول» را فرا گرفت و هـم زمـان، بـه دلیـل تنگی معیشت خـانواده، بـه آموزگـاری نیز می‌پرداخـت. پس از آن، بـا توسـل بـه حضـرت علی بن موسـی‌الرضا (ع) و امام عصـر (عج) توانست رضایت پدر خود را جلب نماید و صـرفاً به تحصـیل علوم دینی بپردازد. «شـرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت و «مکاسب» و «رسائل» شـیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در ششـمین سال تحصـیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شـرکت جُست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت و «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «اسفار» را فرا می‌گرفت.

در اواخر سال ۱۳۴۲ برای تحصـیل، عازم نجف اشـرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد و سپس به ایران بـازگشت و تا سال ۱۳۵۳ به تحصـیل خود ادامه داد. حضـرت آیت‌الله مؤمن در دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسـته‌ای بهره برده است؛ از جمله شـرح منطق حاجی سبزواری را نزد «حاج شیخ محمد واعظ زاده» و مکاسب شیخ انصاری را نزد «آیت الله مشـکینی»، «آیت الله شـاه آبـادی»، «شـیخ ابوالفضـل خوانسـاری» و دیگر اساتیـد آن زمان فرا گرفت. همچنین رسائل شـیخ انصاری را نزد «آیۀالله حاج شـیخ محمد شاه آبادی» و جلد اول کفایۀ الاصول را نزد مرحوم «آیۀالله سـلطانی» و مقداری از جلد دوم آن را نزد مرحوم «آیۀالله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی» فرا گرفت.

وی در درس اصول حضـرت امام خمینی (ره) شـرکت نمود و چند ماهی نیز در درس فقه «آیۀالله بروجردی» حاضـر شد و سـپس به درس خـارج فقه امـام (ره) که درباره «مکاسب محرمه و بیع» بود، رفت و پایه‌های اسـتنباط فقهی خود را نزد آن بزرگوار مسـتحکم کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۲، به درس فقه و اصول «آیۀ الله محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه

«آیهٔالله حاج آقا مرتضـی حائری» بهره برد. استاد او در «فلسفه» و «شرح منظومه» سبزواری، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بود و بعد از آن برای تحصیل الهیات «شفا» و «اسفار» به درس «علامه سید محمد حسین طباطبایی» (ره) رفت و سالها به حضور در درس تفسیر ایشان نیز توفیق یافت.

ایشـان عمـده اسـتادان خـود را در حـوزه: مرحوم امـام، مرحوم محقق دامـاد و مرحوم شـیخ مرتضـی حـائری می‌دانـد و در بـاره آنها می گوید: «این سه بزرگوار، صرف بازگو کردن در نظرشان نبود؛ بلکه تحقیقی بحث می کردند؛ مخصوصاً امام که وقتی مسأله‌ای را می‌خواست طرح بکند، مانند این بود که اصـلاً خودش می‌خواهد این مسأله را عنوان کند. با کمال دقت مطرح می کردند و حرفهای علمای دیگر را مطرح می کردند و نقض و ابرام می کردند و طلبه را اجتهادی بار می آوردند».

از هم مباحثه‌ای های آیـهٔالله مؤمن، می‌توان از «آیـهٔالله حاج میرزا ابوالحسن مصلحی اراکی» (فرزنـد آیـهٔالله اراکی)، «آیهٔالله طاهری خرم آبادی»، «آیهٔالله حاج سید محمد حسـینی کاشانی»، «مرحوم ربانی املشـی»، «شـهید حیدری نهاوندی» و «استاد حاج شیخ حسن تهرانی» نام برد. همچنین شاگردان بسیاری از محضر ایشان، کسب فیض نموده‌اند که در بین آنها، می‌توان از «دکتر حسن روحانی»: دبیر شورای امنیت ملی، «حجهٔالاسـلام و المسـلمین فیاضی»، «حجهٔالاسلام و المسلمین ناظم زاده»، «حجهٔالاسلام و المسلمین برهانی» و «حجهٔالاسـلام و المسـلمین اختری»: سـفیر ایران در سوریه نـام برد. اینـان برخی از شاگردان وی بوده که در مباحث سـطح عالی از تدریس وی بهره بردند. همچنین در درس خارج اصول و فقه ایشان، فضـلای متعددی شرکت کرده‌اند که عده‌ای از آنها هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و سطوح عالی حوزه اشتغال دارند.

زنـدگی آیـهٔالله محمـد مؤمن با تلاشـهای علمی و فرهنگی فراوانی همراه است. ایشان در طی سالهای متمادی به تربیت طلاب جوان همت گماشته است و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعهٔ علمی و سیاسـی کشور تقدیم داشته است. ایشان پس از فراگیری یک دورهٔ کامل اصول، به تدریس چند دوره «رسائل» شـیخ انصاری، مقداری از «مکاسب» و «شرح تجرید الاعتقاد»، «بدایهٔالحکمه» و «نهایـهٔالحکمه» و بخشـی از «اسـفار و عرشـیه» نائل آمـد. با پیروزی انقلاب اسـلامی و کم شدن حجم مسؤولیتها، در سال ۱۳۶۲ به تـدریس درس خارج اصول پرداخت که هم اکنون به تـدریس دورهٔ سوم آن اشـتغال دارد. تـدریس بحث معاملات «تحریرالوسـیله» حضـرت امـام خمینی(ره)، کتـاب قضـا و شـهادات و عمـدهٔ حـدود و مسائـل مسـتحدثه در قالب درس خارج فقه از دیگر برنامه‌های درسـی ایشان برای پرورش طلاب جوان و طالب اجتهاد بوده است ایشان هم اینک به تـدریس مبحث حکومت اسـلامی نیز مشـغول است. از آیهٔالله مؤمن، آثار فراوانی در مطبوعات به چاپ رسـیده است. همچنین ایشان در زمینه علوم اسلامی کتب شایان توجهی به جـامعه علمی کشور تقـدیم نموده است؛ از دیگر فعالیتهـای علمی و فرهنگی ایشـان می‌توان از تـدوین و تنظیم آیین نامه‌های داخلی شورای مدیریت حوزه علمیه قم یاد کرد که در دوره تصدی ایشان انجام گرفت و هم اکنون با همت مسؤولان آن مرکز سیر تکاملی خویش را می‌پیماید.

دفتر زنـدگانی آیـهٔالله محمـد مومن، پیش و پس از انقلاب، سـرشار از مبـارزه و هـدایتهای سیاسـی است. در حـدود سال ۱۳۴۳ در مجلس آن روز، لایحهٔ کاپیتولاسـیون مطرح شد. به دنبال این قضـیه، امام خمینی (ره) در نطقهای آتشین خود، ضمن محکوم کردن این مسأله، همهٔ مسـلمانان و علمای اسلام را به مبارزه با آن دعوت کردند. رژیم شاه که از افشاگریهای امام خمینی (ره) می‌هراسید؛ ایشان را دستگیر و پس از دو ماه آن بزرگوار را در منزلی در قیطریه تهران محصور و ممنوع الملاقات می کند. در اواخر سال ۱۳۴۲ به قصـد زیـارت عتبات عالیات و حضور در درس خارج علماء نجف اشـرف به عراق مشـرف شـد و نزدیک ۶ ماه این سـفر به طول انجامید. پس از آن در مرداد ماه ۱۳۴۳ به ایران مراجعت می کردند.

به دنبال دسـتگیری مجدد حضـرت امام (ره) و تبعید به ترکیه، آیت الله مؤمن به عنوان سـفر زیارتی قصد تشـرف به نجف اشـرف را داشت که مرحوم حاج شـیخ مرتضـی حائری از ایشان خواست تا پیامی را به «آیهٔالله سـید محسن حکیم» ابلاغ نماید. قرار بود آیهٔالله

مؤمن این پیام را از طریق امام موسی صدر (ره) یا حاج شیخ نصرالله خلخالی (ره) به سمع آیت‌الله حکیم برساند. پیام این بود که هم اکنون، حاج آقا روح‌الله (حضرت امام خمینی) در صف مراجع تقلیدند و دستگیری و تبعید ایشان، در واقع، توهین به مرجعیت شیعه خواهد بود. از این رو، لازم است آیهٔالله سید محسن حکیم، نسبت به این مسأله واکنش نشان داده، خواستار بازگشت ایشان و رفع تبعید معظم له شوند.

از فعالیتهای دیگر که در کارنامهٔ مبارزاتی آیهٔالله مؤمن می‌درخشد، رساندن مفاد نامهٔ تعدادی از اعضای جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، مبنی بر اعلام مرجعیت امام خمینی (ره) به دست امام خمینی (ره) بود. مفاد این نامه را آیهٔالله مومن، در نجف اشرف به محضر امام (ره) تقدیم نمود. امام خمینی (ره) که همیشه از قبول مرجعیت و عناوینی این گونه سرباز می‌زد، ابتدا بدان اعتراض می‌کند. آیهٔالله مومن با بیان وضعیت حساس آن دوره، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی این تصمیم را خدمت امام (ره) عرض می‌نماید و به ایشان عرض می‌کند: «علت تصمیم اعضاء جامعه مدرسین مبنی بر اعلام مرجعیت این است که آنها تنها حضرتعالی را برای مقابله با رژیم فاسد شاه صالح می‌دانند؛ از این رو وظیفه خود دانستند تا حضرتعالی را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنند. بدین گونه امام (ره) در برابر این اعلام مرجعیت، سکوت می‌فرماید.

حضور ایشان در جلسات جامعه مدرسین، در پیش از انقلاب، و پی‌گیری مصوبات و بیانیه‌های آن از فعالیتهای درخشان ایشان است که سرانجام به دستگیری و تبعید ایشان در سال ۱۳۵۳ منجر شد. ایشان به سه سال اقامت اجباری در شهداد کرمان محکوم شد که پس از گذراندن هفت یا هشت ماه اقامت در شهداد، بقیه مدت را در تویسرکان به تبعید گذراند اما تبعید ایشان باعث نشد که افشاگریها و مبارزات سیاسی ایشان پایان یابد؛ بلکه در آنجا نیز با بیان احکام اسلامی و در لابلای آن، مسائل مهم انقلاب، ماهیت رژیم شاه را برای مردم آشکار می‌کردند و آنها را به تقلید و پیروی از مرجعیت شیعه، به ویژه امام خمینی (ره)، که در آن زمان پرچمدار مبارزه بود، دعوت می‌کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فعالیتهای آیهٔالله مؤمن در قالب مسؤولیتهای اجرایی و روشنگریهای درسی و اخلاقی ادامه یافت. آیهٔالله مؤمن هم اکنون به تدریس در حوزهٔ علمیه قم اشتغال دارد و در مکتب اجتهاد و فقهاهت، شاگردان مفیدی را به عالم اسلام تقدیم می دارد.

مومنی، ستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ستار مومنی

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ وارد حوزه علمیه خوی شدم. در مدرسه ای به نام مدرسه نمازی مشغول تحصیل گردیدم. مدتی در محل فوق الذکر

ادامه تحصیل دادم. مقدمات را در آن مدرسه به اتمام رساندم. پس از آن زمان کم به مدرسهٔ «طالبیه» واقع در شهرستان تبریز هجرت نمودم و در مدرسه طالبیه مشغول شدم. باز به حوزه علمیه خوی برگشتم و کتابهای لمعتین، معالم و حاشیه را خواندم و در ضمن در همان مدرسه یکی از استادان حوزه خوی معرفی شدم و مشغول تدریس.

مهاجرنیا، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن مهاجرنیا

محل تولد : اندیمشک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را شروع کردم و با مدرک اول دبیرستان وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۶۸ دوره مقدمات و سطح عالی حوزه را به پایان رساندم و در ضمن آن دیپلم را هم اخذ کردم.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۶۷ دروس دانشگاهی را هم شروع کردم در سال ۱۳۷۴ کارشناسی را به پایان رساندم وبا شرکت در کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹پایان نامه خود را با عنوان دولت در اندیشه سیاسی فارابی دفاع کردم و در سال ۱۳۸۱ در مقطع دکتری در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم و هم اکنون در حال گذراندن پایان نامه هستم. تاکنون ۵ جلد کتاب تالیفی و بیش از ۶۰ مقاله تخصصی از حقیر چاپ شده است عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است با برخی از مراکز پژوهشی قم همکاری دارم (ویرایش ۱۳۸۶ .) ت

مهدوی راد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی مهدوی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

«محمـد علی مهدوی راد (غلامی اسـخارزوگاران)» به سال ۱۳۳۴ در روسـتایی به نام (ینگجه) از بخش سـر ولایت نیشابور دیـده به جهان گشود. مـدرسه ابتـدایی را در همان دیار گذرانـد پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشـنا شد. آنگاه به سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه مشـهد شـد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شـیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.

وی در ۷ سال اقامت در حوزه علمیه مشـهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سـطوح عالی حوزوی را در محضـر استادان آن دیار بیـاموخت. از اسـتادان آن روز می توان: «حجت هاشـمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سـید علی اکبر بنی هاشـمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسـیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشـنبه و جمعه تشـکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدوئولوژی وی حاضـر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.

مهـدوی راد پس از ۷ سـال اقـامت در مشـهد به لحاظ تلاشـهای سیاسـی و تعقیب ساواک خراسان با صـلاحدید خطیب بلنـد آوازه روزگـار و مجاهـد نسـتوه و شـجاع «شـهید هاشـمی نژاد»، مشـهد را ترک نمـود و بـه قم هجرت کرد و در قم بـود که برای ایمنی از جسـتجوی سـاواک، نـام خانوادگی اش را از غلامی به مهـدوی راد تغییر داد. در قم درسـهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضـرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی (سـید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»،« بهشتی»، «احمـد فاضـل هرنـدی»، «صـانعی»، «حـاج شـیخ جواد تبریزی»، «وحیـد خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریبا تمام اصول دوره اول خارج وی را شـرکت کرد. مهدوی راد فلسـفه را در محضـر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.

اولیـن اثر قلمی وی به سـال ۱۳۵۵ بـا عنوان: «اسـلام و شـعر» در قـالب مقاله ای بلنـد در مجله نسل نو نشـر یافت. وی پس از انقلاب اسـلامی ایران مـدتی را در مسـئولیتهای اجرایی گذرانـد از جمله: مسـئولیت عقیدتی و سیاسـی پایگاه نهم شـکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال ۶۲ و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره ۱۶ تا ۳۶ سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسـیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.

پس از آن بـا همکـاری برخی از همراهـانش مجله بینـات را بنیـاد نهادنـد که از آغازین شـماره آن مـدیر مسـئولی مجله را به عهـده گرفـت. ایـن مجله نخسـتین مجله قرآنی است که مهـدوی راد تـا شـماره ۱۲ مـدیر مسـئول آن بـوده اسـت و پس از آن در جایگـاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسـئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد.

وی به سال ۱۳۶۹ پیشـنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سـردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون ۱۷ سال است نشـر می یابـد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.

مهدوی راد به سال ۱۳۶۹ وارد دانشـگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصـیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از ۱۵ سال حضور در دانشـگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به

عهده داشت.

مهدوی شاهرودی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۱ ق. شاهرود.

درگذشت: ۱۳۵۸.

آیت‌الله عبدالله مهدوی شاهرودی پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردید و در محضر اساتید به سطوح اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۰ ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد و سپس به نجف رفت و از درس آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نایینی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۰ بعد از فوت پدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال ۱۳۳۷ ق. به علت کسالت و خستگی به تهران آمد و در مسجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامه‌ی جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید.
آثار ایشان در مقدمه‌ی کتاب راهنمای دین پدر گرامیشان آمده است.
حاج شیخ عبداللّه بن آیت‌اللّه والعلامه الکبیر حاج شیخ احمد بن العلامه حاج شیخ محمدعلی بن العلامه الکبری حاج شیخ محمد کاظم (شهید خراسانی) شاهرودی از علماء مهذب و بارع معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۱ قمری در شاهرود تولد یافته و پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردیده و در محضر اساتید فن و مدرسین به سطوح اشتغال ورزیدند و در سال ۱۳۴۰ ق بشاهرود مراجعت و در مدت یکسال توقف خود در شاهرود از بحث والد عالیمقامش استفاده کرده و پس از آن به ارض طیبه قم مشرف و از محضر آیات بزرگ نجف اشرف بالاخص آیتین اصفهانی و نائینی (که در آن موقع تبعید به قم بودند) استفاده نموده و مدت دو سال هم از محضر آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق نائینی بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۰ قمری بعد از ارتحال والدش بشاهرود مراجعت نموده و بتدریس فقه و اصول و انجام وظائف روحانیت اشتغال ورزیده و کم‌کم مرجعیت مهم روحانی و سیاسی و اجتماعی پیدا نموده تا در سال ۱۳۷۷ قمری که بواسطه ضعف و کسالت و خستگی هجرت به تهران نموده و اکنون در مسجد (مشیر السلطنه) خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه مهدی شاهرودی از دانشمندان با صفا و معنویت و دارای محاسن اخلاق و خلیق و مهربان و در خانه بازو با ارباب حوائج با خوشروئی برخورد نموده و حتی‌الامکان رفع حوائج آنان را مینماید و این نویسنده در محرم ۱۳۷۴ قمری که سفری بشاهرودی نمودم از نزدیک به سجایای اخلاقی و وارستگی ایشان آشنا شده‌ام.
خدمات و آثار ارزنده ایشان بسیار است هر کس طالب باشد به مقدمه کتاب راهنمای دین مرحوم والدش مراجعه نماید.
فرزندان ارجمندی دارد که از آنهاست فاضل دانشمند و ادیب خردمند جناب آقای دکتر محمد شریف مهدوی که در تهران به تدریس علوم جدید و قدیم و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مهدوی شهرضایی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمد مهدی. عالم فاضل فقیه مجتهد، در حدود سال ۱۳۰۲ متولد، و در شب ۴ شنبه ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۳۸۸ وفات یافته، در امام زاده شاهرضا مدفون گردید.

در اصفهان به درس: آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و در نجف از محضر: آقا شیخ مرتضی طالقانی، و آقا سید حسین بادکوبه ای، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، به موطن خویش مراجعت کرده، و مقبولیت تامه یافته، در علم و عمل بی نظیر، و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعیه از نشر و تبلیغ احکام، و تدریس و اقامه جماعت و اغاثه ملهوفین و کمک به ضعفا دقیقه ای اهمال نفرموده.

از تألیفاتش: ۱- رساله ای در اخلاق ۲- رسائل متعددی در فقه و اصول و تفسیر می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی فرد، میرزا عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عباس مهدوی فرد

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه «کوهدشت» شدم. در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «خوانسار» رفتم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از اتمام سطح، در سال ۱۳۷۳ در درس خارج شرکت نمودم و حدود ده سال در دروس فقه حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «میرزا جواد تبریزی (ره)» و «مکارم شیرازی» شرکت و یک دوره خارج اصول را نزد «حضرت آیت الله جعفر سبحانی» گذراندم.

مدت چهار سال ۸۰ ـ ۷۵ دوره تخصصی کلام اسلامی در موسسه تبلیغات تحقیقاتی امام صادق (ع) را گذرانده و در سال ۱۳۸۰ با معدل کل ۱۴/۱۹ فارغ التحصیل دوره هفتم این موسسه شدم. در تابستان ۸۵ موفق به دفاع از رساله علمی سطح چهار با موضوع «بهائیت» و با نمره ۵/۱۷ شدم. حدود هشت سال است که با مرکز پژوهشهای حوزه به صورت متناوب در زمینه پاسخگویی به سوالات کلامی همکاری داشته و دو طرح را نیز برای این مرکز به پایان رسانده و در دست چاپ می‌باشند. کتابی با عنوان: «فلسفه

انتظار» با همکاری دوستان و کتابی با عنوان: «بهائیت».

مدت چهار سال است که در دانشگاه‌های ملایر، در مجتمع آموزش عالی ملایر وابسته به «دانشگاه بوعلی سینای همدان»، «دانشگاه آزاد اسلامی اراک» و «دانشگاه اراک» به تدریس دروس (اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) اشتغال دارم.

مهدوی قزوینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریعت مهدوی فرزند عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّٰه حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس‌اللّٰه سره.

وی در حدود ۱۳۳۵ قمری هجری در قزوین متولد شده و مقدمات را در مدرسه التفاتیه قزوین خوانده و سپس عزیمت به مشهد نموده و ادبیات را در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری استفاده نموده و بعد به قم آمده و سطوح را در قم تکمیل نموده و در فتنه کشف حجاب به توفیقات الهی در معیت والد ماجدش هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ کاظم شیرازی بهره‌مند و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن دو بزرگوار شده است.

دوره کامل اصول و معظم فقه استدلالی را از محضر حضرت آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده و مورد عنایت مخصوص معظم‌له قرار گرفته و پس از چهارده سال اقامت در آستان باب مدینه علم حضرت علی علیه‌الصلوه والسلام در خدمت والد ماجدش برای تشرف به زیارت ارض اقدس به ایران آمده و پس از رحلت والدشان در قم باز به نجف اشرف مشرف ولی کمتر از دو سال اقامت و به واسطه جهاتی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اسلامی پرداخته و بحمداللّٰه تاکنون اشتغال دارند ادام‌اللّٰه عزه و توفیقه.

شرح احوال والد ماجدش را در جلد دوم معجم القبور و وفیات الاعلام مذکور می‌باشد. در چند صفحه قبل در بخش ق یادآور شدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مهدوی کنی از علماء معاصر جمهوری اسلامی می‌باشند. در سال ۱۳۱۰ در قصبه کن که اکنون منطقه غربی تهران را در جنب شهر زیبا تشکیل می‌دهد به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی عزیمت به قم نموده است.

مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین حوزه به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج فقه آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی

و فقه و اصول امام راحل آیت‌اللّه العظمی خمینی و نیز تفسیر مرحوم علامه طباطبائی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و تبعید امام به تهران آمده و در مسجد جلیلی به اقامه جماعت و تبلیغ پرداخته و مظالم و بدع رژیم طاغوتی را بازگو نموده و از طرف ساواک و رژیم ستمشاهی بازداشت و راهی زندان گردیده و چند سالی را در زندانهای طاغوتی گذراند و پس از بازگشت امام و آزادی و انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از طرف امام سرپرستی و مدیریت مدرسه علمیه مروی را متعهد شده و نیز مدرسه امام جعفر صادق علیه‌السلام را با بعضی از همگنان اداره و مدتی نیز مسئولیت وزارت کشور را داشته و در حال حاضر نیز در مدرسه مروی اشتغال به تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه را دارند.

پدر همسر ایشان مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای که در جلد چهار گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و طهران چاپ شده می‌باشند.

برادر بزرگوار ایشان آقای حاج شیخ مهدی حاج باقری از ائمه جماعت و علماء معاصر قصبه کن می‌باشند.

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:–، دانشکده:–، دانشگاه: امام صادق (ع)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل در حوزه علمیه قم در علوم دینی به مدت ۱۳ سال و ۲ سال در تهران، شاگرد اساتیدی چون آیت‌اللّه بروجردی، آیت‌اللّه العظمی امام خمینی قدس سره، آیت‌اللّه العظمی علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه امام صادق.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم دینی، اصول فقه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه، کلام و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، فقه، عقائد، اصول، اقتصاد اسلامی و اخلاق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی مهدوی نیا

محل تولد : زرین شهر اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال ۱۳۵۰ بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۷ دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمنا در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه هایی از این سنوات بوده است. از سال ۱۳۵۴ تاکنون در مناسبت های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدوی، بحر اعطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل، از علمای سده‌ی ماربین، در یکشنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۷۱ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

مشارالیه در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و از ائمه‌ی جماعت و موثقین به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، رضاعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضاعلی مهدوی

محل تولد : دامنه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهر «دامنه» گذراندم و در مقطع راهنمایی از محصلین ممتاز منطقه شناخته شدم. بعد از ورود به دبیرستان نگاهم به خویشتن خویش و جهان اطرافم دگرگون شد و گویا می شنیدم که هاتفی از درونم فریاد می زند که جهان طبیعت با تمام وسعتش حتی برای یک لحظه تو را اکتفا نمی کند و همچنین افکار مرا دنبال حقایق یا حقیقتی می کشاند که نتیجه اش هجرت به شهر مقدس قم شد.

اول سال تحصیلی ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۸ برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شدم اما به جهت مسائل انقلاب و تعطیلی مدارس حوزه علمیه قم و عدم آشنایی با امکانات و نحوه های تحصیل در حوزه علمیه قم، حدود دو سه سال توفیق چندانی در تحصیل نداشتم و بعد از مدت کوتاهی که در مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودم؛ درس هایم را به طور جدی به صورت آزاد شروع کردم. حدود پنج یا شش سال درس های سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان: «جزائری»، «محامی»، «دوست محمدی خراسانی»، «موسوی»، «صلواتی»، «اعتمادی»، «ستوده»، «صفایی»، «شیخ علی مومن» و بیش از همه استاد معزز جناب آقای «علی رضا اسلامیان (ادام الله ظلهم)» به اتمام رساندم.

سپس درس خارج اصول را یکی دو سال در محضر «آیت الله العظمی فاضل لنکرانی» و بعد از آن درس اصول را در محضر «آیت الله العظمی وحید خراسانی» و درس فقه را در محضر «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» تا الان بهره مند شده ام.

مهدوی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن مهدوی از علماء فعال و خدمتگذار معاصر رشت می‌باشد وی در رشت متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات سطوح و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین شهرستان رشت فراگرفته و پس از آن به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد صالح‌آباد و تربیت محصلین رشت در مدرسه صالح‌آباد پرداخته و آثار ارزنده‌ای از خود گذاشته است.

مضافاً بر این دانشمندان در حال حاضر خطباء و گویندگان فعال در رشت و حومه آن بسیارند که در میان آنان جنابان آقای حاج حسام و آقای حاج سید جواد نیاکوئی و آقای حاج قوام و آقای حاج سید میر آقای موسوی در استان گیلان شهرت تمام دارند.

و اکنون از رشت و حومه آن بیش از پنجاه نفر طلبه و محصل در حوه علمیه اشتغال به تحصیل سطح و خارج دارد که در میان آنان جنابان حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ محمد محمدی و حجهٔالاسلام آقای شیخ زین‌العابدین عسگری و حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ علی‌اکبر رقیب معروف و مورد توجه زعماء حوزه و آیات عظام و مدرسین و محصلین گیلانی و غیره حوزه می‌باشند. نامبردگان فوق سالیات متمادیست که در حوزه علمیه قم به تدریس متون فقه و اصول و استفاده از محضر مراجع بزرگوار اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاتهم و برکاتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مهدی پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مهدی پور

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر مهدی پور در روز سه شنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۶۴ هجری قمری مصادف با ۱۳۲۴ هجری شمسی در محله «باغشیمه تبریز» زادگاه «آیت الله ابوالقاسم کوکبی» از مراجع قم به دنیا آمدم. آغاز به تحصیل ۱۳۳۱ شمسی دبستان ممتاز تا کلاس چهارم ابتدایی، آغاز به تحصیلات حوزوی ۱۳۳۱ شمسی در نزد آموزگار خود «مرحوم حاج ابوالقاسم دهخدا»: گلستان، نصاب و خلاصه الصرف. ترک تحصیل مدرسه دولتی و ادامه تحصیلات حوزوی ۱۳۳۵ هجری شمسی.

اساتید سطوح عالیه در قم، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «شهید مفتح»، «آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی»، «آیت الله شهید مطهری»، «مرحوم آیت الله پایانی»، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «مرحوم آیت الله میبدی کرمانشاهی»، «مرحوم آیت الله سید جواد خطیبی تبریزی»، «آیت الله مکارم شیرازی»، «مرحوم آیت الله سید کاظم شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «مرحوم آیت الله حاج سید محمد روحانی»، «آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی»، «مرحوم آیت الله سید حسن الهی»: (برادر علامه طباطبایی)، «مرحوم آیت الله سید مرتضی شبستری»: (برادر مرحوم آیت الله وحیدی)، «مرحوم آیت الله سید صادق شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی» و ... .

بر اساس دعوت شیعیان استانبولی برای تصدی امور شیعیان آن زمان رمضان ۱۳۹۵ هجری قمری برابر با ۲۴ شهریور ۱۳۵۴ هجری شمسی از طرف حوزه علمیه قم راهی استانبول شده، به مدت ۵ سال تمام در آنجا اقامت نموده، به اقامه نماز جمعه و جماعت در مسجد ایرانیان مقیم استانبول واقع در محله «چاکما کچیلار» در سرای بیوک والده خان که بیش از ۲۰۰ سال سابقه دارد و همواره یک روحانی ایرانی با اطلاع دولتین از حوزه علمیه قم در آن جا انجام وظیفه می کرد؛ پرداختم.

با توجه آشنایی با قلم و ضرورت خدمات فرهنگی و آزادی بیش از حد مطبوعات در آن زمان، به تاسیس انتشارات زمان پرداخته و در حدود ۶۰ مجلد کتاب، جزوه، بروشور به زبان ترکی منتشر نمودم. در طول اقامت در استانبول با ۸۴ روزنامه و مجله مصاحبه مطبوعاتی انجام دادم. در این مصاحبه ها به معرفی نکات برجسته تفکر شیعی توجه می دادم و گروه بسیاری از روشنفکران اهل سنت را با معارف شیعی آشنا و جذب نمودم که هرگز در مسجد دیگری به جمعه و جماعت حاضر نمی شدند.

علاوه بر استانبول به دهها شهر دیگر برای سخنرانی و کنفرانس دعوت می شدم و منحصرا روزهای یکشنبه به این دعوتها پاسخ مثبت می دادم که روز تعطیل رسمی و کثرت شرکت کنندگان در مساجد و مجالس بود که به تعدادی از این شهرها اشاره می شود: «اولو جامع»: در شهر بورسا که تعداد شرکت کننده ها را روزنامه ها ۴۰۰۰۰ نفر ذکر کردند. «مسجد امام جعفر صادق (علیه السلام)» در ازمیر که مکرر انجام شد. بزرگترین سینمای «تورگوتلو» که به جهت ازدحام بیش از حد و عدم گنجایش مساجد، بزرگترین سینمای شهر را اجاره کرده بودند. «مسجد بزرگ ازمیت»، «آق شهیر»، «ادرنه» و ...

مهدی پور، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود مهدی پور

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روستاهای شهرستان طبس پا به عرصه عالم گذاشتم و شش کلاس ابتدایی را گذراندم. کودکی حدود چهارده ساله بودم که ادبیات عرب را در مشهد مقدس حدود سال ۴۶ ش آغاز کردم، از محضر اساتیدی همچون: «استاد حجت هاشمی خراسانی»، «مهاجریان طبسی» و «مرحوم غضنفری» و سپس در مدرسه «مرحوم آیت الله میلانی» از استادان گوناگون: «بنی هاشمی»، «ایمانی» و «مدرس غروی» تا حدی فرا گرفتم.

در حدود مغنی و معالم بودم که به قم هجرت کردم و در مدرسه حقانی پذیرش شدم. دروس دبیرستان را همراه دروس حوزوی در قم ادامه دادم و از مدرسه حکیم نظامی (امام صادق کنونی) دیپلم ادبی گرفتم. در مدرسه حقانی از محضر آیات و بزرگان: «شهید قدوسی»، «آیت الله جنتی»، «سید حسن طاهری خرم آبادی»، «آیت الله محمد مؤمن قمی»، «شیخ یوسف صانعی» و «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم. برنامه درسی مدرسه را تا یک سال درس خارج در همان مدرسه ادامه دادم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در بندر عباس مسئول دفتر شهید حقانی بودم. در تأسیس مدرسه مسجد سلیمان با جناب آقای سید حسن ربانی و مرحوم محمدی نجات همکاری داشتم. از سال ۶۱ در حوزه قم درس را ادامه دادم و تا سال ۶۵ یکسره به تحصیل مشغول بودم. در درس «آقای منتظری، آشیخ جواد تبریزی، آیت الله مؤمن قمی، اندکی درس آقای وحید خراسانی و آیت الله فاضل لنکرانی» شرکت کردم. همچنین مدتی در درس «آیت الله صانعی» حضور یافته و استفاده کردم. زندگی معنوی حقیر مدیون اخلاص و جهاد «حضرت آیت الله جنتی» است و در تفسیر قرآن از محضر «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم.

تاریخ اسلام، حکومت اسلامی، روشهای تدریس، تحقیق و تبلیغ را در مدارس گوناگون به ویژه مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس کرده ام. معارف اسلامی ۱ و ۲، متون و ریشه های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام را هم در برخی مدارس دانشگاهی در سالهای ۶۲ الی سال ۶۴ درس گفته ام. علاقه ام بیشتر به تاریخ و سیره معصومین (علیهم السلام) است. در زمینه مباحث اخلاق و مدیریت هم آثار مختصری دارم.

حقیر بیش از پژوهش شخصی به مدیریت پژوهشی اشتغال داشتم که در سری «چهل حدیثهای سازمان تبلیغات اسلامی سری دیدار با ابرار، دیار ابرار، دولت ابرار، گلشن ابرار، ستارگان حرم و طلایه داران تقریب» هدایت و نظارت کار با بنده بوده است و امیدوارم خداوند به لطفش کار را بپذیرد و توفیق خدمت به همه عنایت فرماید و کمبودها را جبران و لغزش ها را غفو کند.

مهدی زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مهدی زاده

محل تولد : فارسیان گنبدکاووس

شهرت : مهدی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ (ه . ش) پس از اخذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.

تحصیل در مرحله سطح دروس حوزوی را در مدرسه شهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب استاد سید محمد رضا طباطبایی (حفظه الله تعالی) ادامه دادم. اسامی برخی از دروس مرحله سطح به همراه نام استادانی که این دروس را نزد آنان فرا گرفته ام عبارتند از: کتاب شرح لمعه استادان: «شب زنده دار»، «اشتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شهید صدر ره) استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایهٔ الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».

مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال ۱۳۷۰ (ه . ش) طول کشید و از سال ۱۳۷۰ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».

•بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».

•بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».

•بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».

•بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».

•بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».

علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال های۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود ۱۰ مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.

همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه واصول) در دروس

دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».
در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه اسلام)» دفاع نمودم که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهدی زاده، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم مهدی زاده چافی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۵/۲

زندگینامه علمی
به تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۵ در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال ۱۳۶۹ جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگواری سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.
اندوخته های علمی سالهای ۶۹ به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگواری در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال ۷۹ در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

مهدی زاده، میرستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرستار مهدی زاده

محل تولد : مرند – روستای النق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «اَلِنجَق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمائی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام راهنمائی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر(عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم.

در سال ۷۱ – ۷۲ به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س) و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه(س) نامزد شده و در سال ۷۳ عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «۱ سال» و در مدرسه امام باقر(ع) «۴ سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.

در مدرسه «آیةِ الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم امّا همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال ۷۸) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود ۵ – ۶ سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه شرکت می کردم امّا در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه ۸ نیز درس را ادامه دادم.

در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی ۵ و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در ۱۵۰ صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثراً موجود است.

مبانی تفسیر قرآن در ۳۷ مبنا، طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهائی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

مهرابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقای مهرابی فرزند مرحوم ناظم‌التجار از علماء مبرز استان کرمان بوده‌اند مرحوم والدش ناظم‌التجار از شخصیتهای ناسی گذشته بوده و ما در ج ۲ ص ۳۳۶ کتاب آثارالحجه قسمتی از ترجمه و سوانح زندگی وی را یاد نمودیم بدانجا مراجعه شود.

وی در سال ۱۳۱۹ قمری به دنیا آمده و بعد از گذرانیدن دوره صبا و کودکی به تحصیل علم پرداخته و با معیت رفیق شفیق و دوست گرامیش آیت‌اللَّه صالحی معاصر به مقدمات و ادبیات و سطوح اشتغال یافته و پس از تکمیل آن به اصفهان عزیمت و حدود سه سال از محاضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدصادق و آیت‌اللَّه آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی و دیگران استفاده و پس از آن به اتفاق آقای صالحی به قم مهاجرت و حدود شش سال از بحث فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی بهره‌مند شده و با اصرار دوست عزیزش آقای صالحی به کرمان مراجعت و به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجاً و اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا حدود ۱۳۸۵ قمری که به رحمت حق واصل گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مهری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیـهٔ الله مهری در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدراز او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذارندند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم.(۱)

نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی(منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی(مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد.(۲)

یادکردی از مهر

مهر از شـهرهای مرکزی و جنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شـهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علامان، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و احتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناك می‌درخششیده، به لحاظ حضور مبارك سادات که جمعیت غالب شـهر را تشـکیل می‌دادهانـد و نیز به داشـتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژهای در منطقه بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شـده که به این شـهر پناهنـده گردیده‌اند. اجداد آیهٔ الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هسـتند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند.(۳) نوشی از جام نور

ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصـیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جـد بزرگوارش با مشـقتی فراوان و عشـقی زایـدالوصف راهی نجف اشـرف گردیـد با جدیت به کسب معارف مشـغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسـهایم فشـرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولا نان و ماست و هنوانه بود.(۴) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مـدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سـر بگذارد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیهٔ الله سید محمود شاهرودی(ره) و آیهٔ الله سید باقر محلاتی (ره) و آیهٔ الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد.(۵)

هجرت به کویت

در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشـان می‌خواهنـد که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت برونـد.(۶) آقـای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواسـته اسـت درس خود را ادامه دهـد ولی، به درخواست بیش‌تر از حـد مردم و اصـرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گویـد: وقتی به کویت آمـدم مردم حتی نمی‌توانسـتند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شـرعی خود بی خبر بودند.(۷) اسـتاد عالیقـدر حضـرت آیـهٔ الله وحیـد خراسـانی که بهترین گواه بر زحمـات و فعالیتهـای آن مهری می‌باشـد چنین تعبیر آورده‌اند:چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند.(۸) فعالیتهای علمی و اجتماعی در کویت

در کویت ضـمن هدایت و ارشاد و پرداختن به مسائل شـرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم،به‌مباحثه کتابهی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشـرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که - به بهترین وجه ادا می‌شد- به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از همه اقشار مردم میخواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود بیهوده صـرف نکننـد و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نمـاز جمـاعت در مسـجد شـعبان - که اکنون به صورت بـارزترین پایگاه انقلاب اسـلامی در کویت در آمـده است- به منبر می‌رفت و پس از گفتن چنـد مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشـکلات اجتمـاعی مردم را گوش زد می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسـی با مردم سـخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسـلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت.(۹) گفتار امام راحل(ره) خطاب به آن بزرگوار تا انـدکی از این امر پرده بر میـدارد. ایشان در ضـمن نامه به آیهٔ الله مهری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شـریعت مقدس اسـلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشـکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضـرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبهٔ الاسلام از خدای متعال خواستارم.(۱۰) مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیهٔ الله مهری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکلهای

گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری - جدای از مردم آن زمان - داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستنم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الاطاعه است و الا فلا.(۱۱) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای می گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی(ره)، این بزرگوار سر بلندکرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم.(۱۲) در راه مبارزه مستمر و بی امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبتهای گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیتهای گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفنهای تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می کینم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نمازگزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل - بر اثر تهدیدهای دشمنان - کاسته می‌شود.(۱۳)

در خواست قیام علی طاقوت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر - همانگونه که اشاره شد- همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبتهایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر(عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیهٔ الله حکیم رحمهٔ الله، آیهٔ الله شاهرودی رحمهٔ الله و آیهٔ الله خویی رحمهٔ الله پاسخ‌هایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخ‌ها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... . تلگرام آتشین

به جرأت می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مهری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشینی

در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد(زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می گوید)(۱۴) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه ها

منزل آیهٔ الله مهری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیهٔ الله سعیدی، آیهٔ الله خزعلی و شهید حجهٔ الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایرکشورها بود. او در این را نه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصا ملت ایران قرار می گرفت.(۱۵) یک خاطره

روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتا این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خودشیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد!(۱۶)

عشق مرید به مراد

آیهٔ الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خیمنی بود. از روزی که توسط آیهٔ الله ابوالقاسم خز علی و شهید آیهٔ الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود(۱۷) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می کردم عکس از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می کرد و می گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت.(۱۸) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد

همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود:ابدا! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می گردیم، ما با خدا هستیم.(۱۹) امام که ناراحتی آقای مهری را می‌دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است. (۲۰) ایشان هم امتثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاع رشد فکری جامعه

اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن‌شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - حضرت آیهٔ الله مهری را طی حکمی در مورخ ۵۸/۷/۲ به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند(۲۱) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیهٔ الله مهری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهای بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شیخ دستنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود.(۲۲)

مبارزه بزرگ

آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه‌ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچک‌تر می‌دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخواست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می‌کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید! با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسته‌ام به این فراز از آیه ... اذلهٔ علی المؤمنین(۲۳) عمل کرده باشیم.(۲۴) آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می‌کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم(۲۵). برخی از ویژگی‌های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می‌داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می‌شد، و هیچ گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می‌رفت و دستها را به آسمان بلند می‌کرد و با گریه و زاری، استغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشید و کسی از آن لباس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می‌کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسجدیان را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذإٌ نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت(ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین(ع) را می‌شنید بی اختیار اشکش جاری می‌شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه

می کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری بر گزار می‌شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام بر گزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود. از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دید چراغی بدون سبب در اطاقی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نمام را نکوهش نکند. در روحیه‌اش ذره‌ای خود خواهی یافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می‌شد هر جا که خالی بود می‌نشست و هیچ گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در بحث با بعضی از روحانیون، احساس می کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می کرد و نمی گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند. همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی گرفت با استدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خود تان با دلیل و برهان، حق را دریابید ... . به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیتهای اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد. برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیهٔ الله اخلاص آیهٔ الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیتهای ارزشمند او محسوب می‌شود. بسیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد(۲۶)، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسیس و راه اندزی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد. تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکتهای اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان. کمکهای مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران. تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سر انجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیهٔ الله حاج سید عباس مهری

پس از ۷۵ سال زندگی پرخیر در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۶ هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه(س) در خاک نهان شد. وتمام خویشان و دوستداران و ارادتمندان را به سوگ نشانید.(۲۷)

در سنگر علم

مرحوم آیهٔ الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

۱- شعاع من التاریخ این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاکی‌های ابراهیم جبهان در مجله رأیهٔ الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار(ع) در سال ۱۳۸۱ هجری / ۱۹۶۱ میلادی به رشته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان صعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته‌های سرا پا کذب وی پاسخ می‌گفت. این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیهٔ الله نجفی به شماره ۷۵۳۰ ردیف ۵ و قفسه ۲۳ موجود می‌باشد. ۲- شعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال ۱۳۸۴ هجری در سوریه ایراد فرموده‌اند دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شماره ۵۴۴۷۸ در کتابخانه عمومی مرحوم آیهٔ الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. ۳- تفسیر سوره والعصر. ۴- اهل الکتاب. ۵- دروس فی الدین. ۶- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک. از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۲- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامه السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آیینه ابرار، تألیف نگارنده. ۳- برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می‌تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. ۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۵- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص۲. ۶- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه‌ای می‌گذراندند. ۷- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۸- کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد. ۹- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۰ - ۱۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۲- روزنامه ابرار ۱۳۶۶/۳/۳۱ . ۱۳- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۴- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مهری، ص۳. ۱۵- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص۳ و ۴. ۱۶- از خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۱۷- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج۶، ص۱۵۷ و ۱۵۸. ۱۸- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۹- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج۶، ص۱۶۴ و ۱۶۵. ۲۰- همان. ۲۱- صحیفه نور، ج۹، ص۱۹۷. ۲۲- خلاصه زندگینامه آیت الله مهری، ص۴. ۲۳- مائده/ آیه ۵۴. ۲۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۲۵- فتح/ آیه ۲۹. ۲۶- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. ۲۷- از آیت الله مهری ۱۱ فرزند (۷ پسر و ۴ دختر) به یادگار ماند. ۱- حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. ۲- حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. ۳- جناب آقای سید احمد مهری. ۴- جناب آقای سید علی اصغر مهری. ۵- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. ۶- سید محسن مهری. ۷- سید محمد رضا مهری.

مهریزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مهریزی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

مهدی مهریزی در سال ۱۳۴۱ در شهر مقدس مشهد متولد شد. پس از گذراندن دروس عمومی دوره ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد شد. آنگاه پس از اتمام دروس مقدمات در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و به مدت بیست سال در دروس فقه و اصول و فلسفه حضور یافت.

اساتید سطح ایشان حجج اسلام و حضرات آیات: «ستوده»، «پایانی»، «اعتمادی»، «موسوی تهرانی» و «سید علی محقق داماد». اساتید دروس خارج آیات عظام: «وحید خراسانی»، «تبریزی» و «فاضل لنکرانی». اساتید فلسفه حضرات آیات: «محمد علی گرامی»، «حسن زاده»، «جوادی آملی»، و «انصاری شیرازی».

وی همزمان با تحصیل، به تدریس دروس حوزه تا رسائل و مکاسب اشتغال داشته است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال دارد، همچنین نامبرده در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بسیاری به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است.

مهندسی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی مهندسی

محل تولد : آباده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۴ رسما وارد حوزه علمیّه قم در مدرسه حقانی شده، درس‌های از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که

دروس حوزه تعطیل شد تا نیمه‌هایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایهٔالحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایهٔ الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.

در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی می‌شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایهٔالاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشته‌ام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایهٔالحکمه را چندین دوره و نیز نهایهٔالحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علّامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوّم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثه‌ای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفته‌ای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه ۴۸ سوره بقره) دارم.

فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیّه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفته‌ای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرهٔالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان می‌باشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایهٔ الحدیث اشتغال دارم.

در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود ۱۰۰ ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون ۴۰۰ (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در ۱۴۳ برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون ۱۵۰ بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبت‌های مختلف، مباحثی که عمدتا اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

مهنه‌ای، مؤید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، واعظ و شاعر. اهل مهنه، از اعمال تربت حیدریه، و از احفاد شیخ ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰ -۳۵۷ ق) بود. در علوم

ظاهری و باطنی تبحر داشت و اوقات را به موعظه و ارشاد می گذرانید. در زمینه سرودن شعر نیز توانا بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. مزار خواجه در گنبد جدش می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۳ -۳۲۲)، الذریعه (۱۱۳۰/ ۹)، طرائق الحقائق (۱۰۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۹۸)، لغت نامه (ذیل/ مؤید)، مجالس النفائس (۲۰۹ -۲۰۸، ۳۵)، هفت اقلیم (۲۹ -۲۸/ ۲).

میانچی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم مرتضوی میانجی از افاضل معاصرین تهرانست. وی در ماه صفر ۱۳۳۲ قمری در یکی از مضافات میانه متولد شده و تحصیل مقدمات را در قم انجام داده و در سال ۱۳۵۵ قمری مشرف به نجف اشرف شده و از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۹ قمری به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در یکی از مساجد مرکز به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و انجام وظیفه اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده میباشند که بعضی بطبع رسیده است و از آنها کتب زیر است:

۱- کتاب «العیون العبری» در مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام.

۲- کتاب «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام» در حالات چهارده معصوم علیهم‌السلام.

۳- تصحیح چاپی کتاب وسائل‌الشیعه در بیست مجلد.

۴- تصحیح چاپی کتاب شرح نهج‌البلاغه خوئی در بیست و یک جلد.

۵- تصحیح چاپی کتاب احقاق الحق آیت‌اللّٰه مرعشی که تاکنون ۱۱ جلد آن بطبع رسیده است.

۶- تصحیح چاپی کتاب بحارالانوار چاپ جدید (۶۰) مجلد.

۷- مقدمه و پاورقی به کتاب حقایق علامه فیض کاشانی و غیر از اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میبدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا میبدی یزدی از علماء محترم و دانشمندان بزرگ شمال و شهرستان گرگان می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۳۸ قمری در میبد یزد به دنیا آمده و دروس فارسی را در آنجا خوانده و برای ادامه به تحصیل به قم مسافرت ولی چون اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری اوضاع حوزه مشوش بود به شهر ری (زادگاه نگارنده) آمده و به خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه عالم ربانی حاج شیخ محمدتقی بافقی رسیده و در حجره آن مرحوم در مدرسه امینیه اقامت و به تحصیل مقدمات پرداخته و بعد از

چندی به تشویق و توصیه آن بزرگوار به قم آمده و مدتی هم حجره حقیر در مدرسه دارالشفا بودند و با سعی بلیغ اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۵۸ قمری که روی بعضی جهات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند سکونت و مدت ده سال با جدیت تمام به تحصیل پرداخته و از محضر آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی یزدی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا- خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برده تا در سال ۱۳۶۸ قمری که به ایران آمده و بنابر تقدیر و مشیت الهی در گرگان و استرآباد اقامت و بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ رضا مدرس در جای ایشان در مسجد جامع به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه میبدی که از دوستان چهل ساله حقیر است از دانشمندان متین و روشنفکر و منیع‌الطبع معاصر و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد از آثار ایشانست تأسیس کتابخانه مسجد جامع گرگان و اداره و سرپرستی طلاب و محصلین مدرسه دارالشفاء گرگان

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدفاکر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فاکر میبدی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۲۰

زندگینامه علمی

محمد فاکر میبدی، فرزند علی اکبر در تاریخ ۱۰/۲۰/ ۱۳۳۸ خورشیدی، برابر با ۱۳ رجب ۱۳۷۹ قمری، در شهرستان میبد دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبد در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، « قدس الله انفاسهم الزکیه» که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبد به انجام رسانید و در سال ۱۳۵۵ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبد شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت.

لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میر عظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جواد میر عظیمی مراغه‌ای از علمای معاصر تهرانند. ایشان در ماه رجب ۱۳۴۰ ه. ق، در مراغه بدنیا آمدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همانجا طی و بعد مقدمات را نزد جناب آقای شیخ حسین پیشنماز بالوقیه مراغه و آقای حاج شیخ ابراهیم بادکوبه‌ای و عالم ربانی حاج شیخ محمد تقوی خوانده و از کمالات روحی آنان رضوان اللَّه علیهم شمه‌ای بهره بردند.

سپس بعزم تکمیل مقدمات سه سال در شهر تبریز متوطن شده و در حوزه‌ی تدریس اساطین فقها و اصولا حاضر شدند. سپس بامر و توصیه یکی از اساتید عظام نوراللَّه مرقده بقصد تکمیل سطح و اخذ معقول به مشهد تشرف حاصل نموده و سه سال در حوزه تدریس حضرت الاستاد الحاج سید احمد یزدی معروف باستاد و آیت‌اللَّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت‌اللَّه شیخ هاشم قزوینی عطراللَّه مرافدهم فقه و اصول و معقول را آموختند و تفسیر و اخلاق و مقداری از خارج متاجر را محضر مرحوم آیت‌اللَّه ربانی میرزا مهدی الاصفهانی آموخته بودند.

در سنه‌ی ۱۳۶۷ ه.ق در قم متوطن گردیده در مجلس تدریس بعضی از اعاظم حوزه مبارکه حاضر شدند. معظم له در مدت اقامت خود در قم به تدریس و اقامه جماعت حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللَّه حجت در مسجد حاج میرزا عبداللَّه کیهانی در محله‌ی در بهشت اشتغال داشتند.

آثار علمی و قلمی عدیده‌ای دارند که ذیلاً بعضی از آنها از نظرتان می‌گذرد.

۱- تلخیص الفراید للشیخ الانصاری قده

۲- تلخیص التقریرات قسمت اصول علمیه للنائینی قده.

۳- کتاب کفارات در اسلام فارسی استدلالی.

۴- ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر الصادق علیه‌السلام و آن اولین حدیث کتاب روضه کافی است.

۵- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت سجاد علیه‌السلام.

۶- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت زینب علیهاالسلام.

۷- دو نشریه بنام جریمه‌ی روزه خواران.

۸- جریمه‌ی مرتکبین محرمات حج.

۹- مجموعه‌هایی در فنون مختلفه.

از باقیات‌الصالحات ایشان فرزند برومند و مؤدب ایشان آقای سید میر حسین میر عظیمی حسینی است که از محصلین متدین و جدی حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میراحمدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور میراحمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب منصور میر احمدی فرزند امیر در بیست و پنجم دی ماه ۱۳۴۷ در روستای «چناروئیه» از توابع شهرستان کرمان به دنیا آمدم. دوران تحصیلی ابتدایی را در روستای مذکور و راهنمایی را در روستاهای مجاور به پایان رساندم. سپس در سال ۱۳۶۳ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم گردیده تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در کنار گذراندن دروس مذکور به دلیل علاقه وافر به علوم جدید و اعتقاد به ضرورت کسب این علوم در دوران کنونی، دوران تحصیلی متوسطه را به صورت داوطلب آزاد در سال ۱۳۷۸ پشت سر گذراندم. علاقه مذکور، تلاش و کوشش جهت حضور در دانشگاه و تحصیل در یکی از رشته های علوم انسانی را به دنبال داشت. در سال ۱۳۷۰ در رشته «علوم سیاسی» موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (علیه السلام) پذیرفته شده و دکتری «علوم سیاسی» خود را در دانشگاه تهران اخذ نموده و از آن پس در دو زمینه علوم حوزوی و دانشگاهی مشغول به تحصیل و تحقیق و تدریس هستم.

میرباقری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم میرباقری فرزند مرحوم حاج سید حسن میرباقی (خیاط) شاهرودی برادرزاده حاج سید علی میرباقری واعظ معروف تهران از فضلاء و نویسندگان و خطباء و اساتید معاصر دانشگاه است.

تولد ایشان در سال ۱۳۲۶ شمسی در شاهرود واقع شده و در یک خانواده با دیانت و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را در زادگاه خود خوانده و پس از آن در خدمت والد ماجدش در سال ۱۳۲۷ شمسی به شهرستان قم مهاجرت نموده و دوران دبیرستان را در مدرسه حکیم نظامی (که امروز به نام دبیرستان امام صادق علیه‌السلام است) گذرانیده است.

در سال ۱۳۳۶ شمسی وارد حوزه علمیه و به تحصیل علوم عربی و ادبی و منطق و فقه و اصول پرداخته و دروس یاد شده را از محضر آیاتی چون آقای سلطانی بروجردی و مشکینی و مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی فراگرفته و بعد به درس خارج آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و محقق داماد شرکت و استفاده نموده و علوم عقلی و فلسفی را از محضر آیت‌اللّه طباطبائی قاضی آموخته و در سال ۱۳۴۷ شمسی به تهران عزیمت نموده و دوره الهیات را در دانشگاه به پایان رسانیده و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات نائل شده و در حال حاضر به تدریس در آنجا و نیز تبلیغ و ترویج از طریق منبر و خطابه‌خوانی اشتغال دارند.

دارای آثار گرانقدری می‌باشند که از آنها ترجمه کتاب احتجاج طبرسی در دو مجلد به طبع رسیده است.

والد ماجد جناب آقای دکتر میرباقی مرحوم حاج سید حسن که از بیت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین موسوی شاهرودی ابرسجی بودند از اخیار و ابرار شهرستان قم و اشتغال به خیاطی و دوختن لباس روحانیت داشتند که در سال ۱۴۱۱ قمری در اثر تصادف به رحمت حق پیوسته و به لقاء اجداد خویش شتافتند.

دارای دو برادر روحانی بزرگوارند.

۱- جناب آقای حاج سید محمد میرباقری که در شاهرود از طریق وعظ و خطابه به خدمات دینی اشتغال دارند.

۲- جناب آقای حاج سید علی میرباقری امام مسجد قنات‌آباد تهران که از خطباء و وعاظ محترم تهران به شمار می‌روند بیانی آموزنده و منبری سازنده دارند و ایشان تحصیلات خود را در شاهرود و بعد قم به پایان رسانیده و در تهران رحل اقامت افکنده و به خدمات روحی و دینی خود از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرباقری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد میرباقری از فضلاء و وعاظ و خدمتگذاران محترم شاهرود می‌باشند.

وی در شاهرود به دنیا آمده و پس از فراگرفتن مقدمات چندی در مشهد و چندی هم در قم به تحصیل پرداخته و اکنون چند سالیست که در شاهرود به خدمات دینی اشتغال دارد برادر ارجمند ایشان جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام و مبلغ‌الاحکام آقای حاج سید علی میر باقری که در شاهرود و قم تحصیلات خود را تکمیل و مهاجرت به تهران نموده و در مسجد قنات‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرجلیلی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد میر جلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد میرجلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ ۱۰/۳/۱۳۴۴ ه.ش در شهر یزد ـ شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشـقان خانـدان رسالت بود و همواره در مجالسـی که به نام اهل بیت تشـکیل می شد؛ شـرکت می کرد. او در سـنین نوجوانی به بیماری سـختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می شد. و چون دو فرزنـد پسـرش را از دست داده بود. نـذر کرد چنانچه خداونـد به او پسـری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیّه، برای فراگیری علوم اسـلامی بفرسـتد. او به نذر خود عمل و مرا رهسـپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضـیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می کرد و بسیار قانع و زاهد بود.

مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضـیه حاج امام از سادات و خانـدان حاج امامی ابرنـد آباد بود که به تقوی معروف بودنـد. جـد سوم ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پـدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سیّد محمّـد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضـل و تقوی در یزد بود که به سـال ۱۳۳۶ ه.ش از دنیـا رحلت کرده است و آرامگـاه این بزرگواران در یزد «شاهـدیه» ابرند آباد زیارتگاه می باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می کنند.

پـدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می برد و دوست داشت من را ذاکر حضـرت سیّد الشـهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان میرجلیلی تمام سـعی خود را در راه تحصـیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز اسـتان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.

پس از گذرانـدن اول دبیرسـتان بـا تـوجه به علاـقه شخصـی خود و تشویق هـای مرحوم پـدرم و حضـرت آیت الله حـاج سیّد جواد مدرسـی و اسـتاد دکتر عبـاس برهانی در مهرماه ۱۳۵۹ ه.ش وارد حـوزه علمیّه یزد شـدم و از محضـر اساتیـد بزرگـواری چون حجج اسلام آقایان: شـیخ کمالی زارچی، شیخ محمّد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیّات عرب پرداختم و با شرکت در کلاـس منطق آیت الله علاقه بنـد یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشـتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشـعار الفیـهٔ بن مالک در حوزه یزد بود که از طرف حضـرت آیت الله حاج محمود علومی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارک ایشان شدم.

در سال ۱۳۶۱ ه.ش جهت اسـتفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علمیّه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانـده بـودم. طی نـامه ای به محضـر حضـرت آیت الله العظمی مکـارم شـیرازی از ایشـان درخـواست کردم مرا در مـدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شـروع به کار می کرد؛ بپـذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیـهٔ بن مالک معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سـئوال از سوابق خانوادگی و تحصـیلیم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیـل ادبیـات عرب به درس اسـتاد بزرگ ادب مرحوم مـدرس افغـانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسـلط داشت؛ رفتم. او دارای بیـانی شـیوا بود و سـخت ترین مبـاحث علمی را بـا مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المـدرس الافضل (شـرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللبیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.

همچنین کشف المراد علاـمه حلی را نزد آیت الله مکـارم شـیرازی، بخشـی از تفسـیر مجمع البیـان را نزد آقای امامی از نویسـندگان تفسـیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد اسـتاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مبـاحث فقهی و اخلاصـی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبـل از نشسـتن بر کرسـی تـدریس، دعـا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد اسـتاد صـالحی افغـانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یک دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم.

آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد اسـتاد بزرگ حوزه قم، حضـرت آیت الله مصـطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای

او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایهٔ استاد اعتمادی حاضر شدم.

همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیک به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. درطی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.

از سال ۱۳۷۱ ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، آمیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال ۱۳۸۱ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سیّد محمّد رضا حجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

میرجهانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ذی‌القعده ۱۳۱۹، روستای محمدآباد اصفهان.

درگذشت: ۲۵ آذر ۱۳۷۱(۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۳)، اصفهان.

آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر نزد معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الاثار) و اساتید دیگر چون آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مسجدشاهی (صاحب نقد فلسفه داروین) و آخوند ملا محمدحسین شتافت و مبانی فقهی و اصولی را فراگرفت.

آیت‌الله میرجهانی طباطبایی در سال ۱۳۴۶ به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت و در سلک خاص اصحاب آیت‌الله اصفهانی درآمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

برخی از آثارش عبارتند از: مصباح البلاغه (مستدرک نهج‌البلاغه؛ در دو جلد)؛ کنوز الحکم و فنون الکلم (خطبه‌ها وسخنان امام مجتبی (ع))؛ روایح النسمات (شرح دعای سمات)؛ نوائب الدهور (در علایم ظهور درچهار جلد)؛ ولایت کلیه (در دو جلد)؛ الوامع التور فی علایم الظهور(به عربی)؛ دیوان اشعار؛ گنجینه سرور؛ گنج رایگان (در علوم غریبه)؛ سعادت ابدی؛ الدر المکنون (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ احکام رضاع؛ رساله در نجوم و فلکیات؛ شهاب ثاقب؛ الجنهٔ العاصمهٔ (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ مقامات الکبریه (زندگانی حضرت علی‌اکبر)؛ مقلاد الجنان (ادعیه و زیارات)؛ ذخیرهٔ المعاد (ادعیه و آداب ساعات)؛ انساب سادات؛ تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن؛ البکاء علی الحسین؛ سبیکهٔ الذهب.

آیت‌الله محمدحسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر ۱۳۷۱ (بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳ ق.) بدرود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبره‌ی علامه‌ی مجلسی، به خاک خفت.

(۱۴۱۳ -۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، مجتهد، محدث، خطیب و شاعر. در قریه‌ی محمدآباد جرقویه اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و قسمتی از «سیوطی» به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر ساکن گردید. سطوح اولیه را در محضر شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و شیخ علی یزدی و سطوح وسطی و عالیه را در محضر سید محمد رضا رضوی خراسانی و میرزا احمد اصفهانی و شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و سید ابوالقاسم دهکردی فراگرفت. وی در درس خارج از شاگردان میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی بود و از درس ملا-حسین فشارکی نیز استفاده نمود. در ۱۳۴۶ ق به نجف رفت و از محضر شیخ عبداللّه مامقانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجات علمی بالا به اصرار پدرش به اصفهان بازگشت و به امور دینی پرداخت. پس از درگذشت پدرش به مشهد مهاجرت نمود و بعدها در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و خطابه و تألیف کتب عربی و فارسی مشغول شد. وی در علوم غریبه اطلاعی عمیق داشت. طبع روانش او را قادر ساخته بود تا به عربی و فارسی در مدح معصومین (ع) به نیکویی شعر بسراید. او در ۱۴۰۲ ق به دلیل مسائل سیاسی به اصفهان رفت. در آنجا درگذشت و در جوار مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مقلاد الجنان»، در ادعیه و زیارات؛ «ذخیرهٔ المعاد»؛ «روائح النسمات»، در شرح دعای «سمات»؛ «مصباح البلاغهٔ»، در مستدرک «نهج‌البلاغهٔ»، در چهار جزء در دو مجلد؛ «نوائب الدهور»، در علائم ظهور؛ « الدر المکنون» یا «الدرر المکنونهٔ»، در امامت؛ «ولایت کلیه»؛ جزواتی در تفسیر قرآن؛ مختصر «ابصار المستبصرین»، در کلام؛ «الجنهٔ العاصمهٔ»، در تاریخ حضرت فاطمه زهرا (س)؛ «گنج رایگان»؛ «کنوز الحکم و فنون الکلم»، در خطب و کلمات امام حسن مجتبی (ع)؛ «دیوان» شعر.[۱]

سید الخطباء والمحدثین حجه‌الاسلام والمسلمین علامه الورع حاج میرزا محمدحسن میرجهانی طباطبائی ابن السید الجلیل و العالم النبیل میر سید علی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی از علماء و خطباء معاصر تهرانست. تولدش در روز دوشنبه ۲۲ ماه ذی‌القعده الحرام سال ۱۳۱۹ قمری در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان واقع شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و در سن پنج‌سالگی به مکتب رفته و در هفت سالگی تمام قرآن و بعضی از کتب فارسی را تعلیم گرفته و به مقدمات عربی از صرف و نحو نزدیکی از اهل فضل ساکن محمدآباد مشغول شده و پس از تکمیل صرف و نحو تا قسمتی از سیوطی برای ادامه تحصیل به اصفهان آمده و در مدرسه صدر ساکن و بقیه سیوطی را نزدیکی از فضلاء مدرسه مزبور خوانده و بقیه سطوح اولیه را نزد عالم جلیل آقا شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی و آقا شیخ علی یزدی فراگرفته و سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید محمد رضای رضوی خونساری و مرحوم میرزا احمد اصفهانی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و آیت‌الله زاهد ورع حاج سید ابوالقاسم دهکردی به پایان رسانیده و در درس خارج (نجاه العباد) آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی حاضر شده و هم از محضر درس آیت‌الله الفقیه آخوند ملا حسین فشارکی در مدرسه صدر استفاده نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که به اجازه مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله رجالی حاج شیخ عبدالله مامقانی

صاحب رجال و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شده و از خواص اصحاب فقیه اهل‌البیت فی عصره و المرجع الاعلی آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی گردیده و در مسجد شیخ طوسی از محضر آن بزرگوار استفاده کامل نموده و بعد به اصرار مرحوم والدش به اصفهان مراجعت و به نشر معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرداخته و پس از فوت مرحوم والدش مدت هفت سال مجاورت ارض اقدس رضوی را اختیار و پس از آن به واسطه نامساعد بودن هوای مشهد با مزاج ایشان منتقل به تهران گردیده و تاکنون در مرکز و حومه آن به انجام وظائف دینی و روحی و بالاخص تبلیغ از طریق منبر و تالیف کتب اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه میرجهانی از نوادر دانشمندانی است که با او برخورد کرده‌ام عالمی ادیب و فاضلی اریب و محدثی حسیب می‌باشد دارای ملکات فاضله و محاسن اخلاق و محامد آداب مجامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول و صاحب علوم و فنون مخصوص در علوم غریبه و عجیبه (جفر و رمل و اسطرلاب و ریاضیات) ید طولا و اطلاعی عمیق دارد و در فن منبر و بیان احادیث و فضائل و ولایت حضرات ائمه علیهم‌السلام بصارت کامل و از اساتید منبر محسوب می‌گردد طبعی روان و ذوقی فراوان دارد در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بالاخص حضرت بقیه‌الله فرجه‌الشریف اشعار بسیاری به عربی و فارسی سروده‌اند.

آثار علمی مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- مقلاد الجنان که مشتمل است بر برخی از ادعیه و زیارات معتبره که در اصفهان به طبع رسیده است.

۲- ذخیره المعاد راجع به ادعیه و آداب ساعات که در تهران چاپ شده است.

۳- رساله سعادت ابدی در آداب تشکیل مجالس مذهبی نیز در اصفهان طبع شده است.

۴- روایح النسمات در شرح دعاء سمات در مشهد تالیف و طبع شده است.

۵- مستدرک نهج‌البلاغه موسوم به مصباح‌البلاغه چهار جزو در دو جلد در تهران به طبع رسیده.

۶- نوائب الدهور در علائم ظهور چهار جلد که یک جلد آن به طبع رسیده است.

۷- الدر المکنون دو هزار بیت عربی در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم‌السلام که به طبع رسیده است.

۸- ولایت کلیه در دو جلد که جزو اول آن طبع شده است.

۹- رساله‌ای در احکام رضاع استدلالی فارسی بالغ بر یکهزار و کسری فرع.

۱۰- رساله‌ای در اخبار راجعه به نجوم و کواکب و فلکیات.

۱۱- گنج رایگان کشکول مانند مشتمل بر بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی.

۱۲- جنه‌الفاطمه در تاریخ حالات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها.

۱۳- کتاب مقامات اکبریه مربوط به تاریخ حضرت علی‌اکبر شهید علیه‌السلام.

۱۴- جزواتی در تفسیر قرآن.

۱۵- جزواتی در انساب سادات عالی درجات.

۱۶- جزواتی در اشعار فارسی از قصیده و غزل و مثنویات و مقطعات و رباعیات.

۱۷- مختصر ابصار المستبصرین در بیان محاجه شیعه و سنی در مشهد مقدس تالیف در تهران به طبع رسیده است.

۱۸- شهاب ثاقب در رد طایفه ضاله مضله و طریقه محاجه با آنها.

۱۹- لوامع النور در علائم الظهور عربی.

۲۰- گنجینه سرور نیز به عربی و فارسی ملفق.

۲۱- کنوز الحکم و فنون الکلم در خطب و کلمات حضرت مجتبی علیه‌السلام نظیر نهج‌البلاغه.

ناگفته نماند که علامه میرجهانی تا زمان حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله سره بزی غیر سادات بودند (عمامه سفید داشتند) با اینکه از سادات رفیع‌الدرجات طباطبائی و نسبش با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله مرعشی نجفی مدظله نسابه عصر حکم فرمودند که معظم‌له بزی سادات و شرفاء درآیند و خود آیت‌الله بروجردی عمامه سفید را از سر ایشان برداشته و عمامه سیاه که امروز مظهر سیادت است در میان شیعه بر سر ایشان گذارده و جشن مفصلی در مدرسه فیضیه قم گرفتند.

آقای میرجهانی رساله‌ای در نسب خویش که تمام مراجع نجف و اران تائید کردند نوشته و شرح کیفیت و علت اخفاء نسب سلسله میرجهانی را تا آن روز داده و به طبع رسانیدند.

خاطرات عجیب معظم‌له

علامه میرجهانی قضایا و نوادر غریب و خاطرات عجیب آموزنده و ارزنده دارند و ما دو قضیه آن را می‌نگاریم:

اول می‌فرمودند در عصر ریاست مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی (ره) که بسیار مورد وثوق و توجه آن مرحوم بودم به امر ایشان پول زیادی به سامراء برده و بین طلاب سامراء و خدام عسکریین تقسیم کردم و خدام امامین همامین عسکریین که دینشان پول است مرا زیاد احترام می‌نمودند مخصوص کلیددار که از وی خواستم اجازه دهد من شبها در حرم شریف بیتوته کنم پس موافقت نموده ده شب تا به صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهماالسلام احیاء نموده و تضرع کردم روز دهم که جمعه بود اول فجر که درب حرم را گشودند با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم وقتی از پله‌ها پائین رفتم با اینکه آن موقع هنوز برق نیامده بود دیدم فضاء سرداب روشن مانند مهتابست و سیدی نشسته و مشغول به ذکر و عبادتست .

از مقابل او گذشته و درب صفه ایستاده و زیارت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف را خوانده و آمدم در جلوی آن آقا مشغول نماز شدم و بعد از نماز شروع کردم به خواندن دعاء ندبه و رسیدم به این جمله (و عرجت بروحه الی سمائک) آن آقا فرمودند این جمله از ما نرسیده (و عرجت به الی سمائک) و چرا رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید.

من غفلت از این دو آیت بزرگ نموده و دعاء را تمام و به سجده رفتم و در سجده متوجه شدم که آن آقا کیست که فرمود این جمله از ما نرسیده و چرا جلوی امام ایستادی بسیار مرعوب شده و سر از سجده برداشتم که دامن مطلوب را بگیرم دیدم سرداب تاریک و کسی نیست فهمیدم به چه دولتی رسیدم و به رایگان از دست دادم.

مولف گوید: آری.

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی

شاید که نظر افکند آگاه نباشی

خاطره دوم

معظم‌له مبتلاـ به کسالت نقرس و سیاتیک که آن را (عرق النساء) هم گویند شده و چندین سال در اصفهان و تهران و خراسان معالجه قدیمی و جدید نموده و ابدا افاقه‌ای حاصل نشد تا اینکه فرمود بعضی از دوستان آمدند مرا به شیروان برده و در مراجعت در قوچان توقف و روزی به زیارت امامزاده‌ای که در خارج شهر قوچان فعلی و معروف به امامزاده ابراهیم است رفته و چون هوای لطیف و منظره جالبی داشت رفقا گفتند نهار را در اینجا بمانیم جای خوبیست گفتم عیبی ندارد پس آنها مشغول تهیه غذا شدند و من گفتم برای تطهیر به رودخانه می‌روم گفتند راه قدری دور است و برای درد پای شما مشکل گفتم آهسته آهسته می‌روم و رفتم تا برود خانه رسیده و تجدید وضو نمودم و در کنار رودخانه نشسته و نگاه به مناظر طبیعی می‌کردم که دیدم شخصی که لباس نمدی چوپانی در برداشت آمد و سلام کرد و گفت آقای میرجهانی شما با اینکه اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه

نکرده‌اید گفتم تاکنون که نشده گفت آیا دوست داری (یا مایل هستی) من درد پایت را علاج کنم گفتم البته پس آمد کنار من نشست و از جیب خود چاقوی کوچکی درآورد و اسم مادر مرا پرسید (یا برد) و سر چاقو را بر اول درد گذارد و به پائین کشید تا به پشت پا آورد و فشاری داد که بسیار متالم شده آخ گفتم پس چاقو را برداشت و گفت برخیز خوب شدی خواستم مانند همیشه با کمک عصا برخیزم عصا را از دست من گرفت و به آن طرف رودخانه انداخت. پس دیدم پایم سالم است برخاستم ایستادم و دیگر ابدا پایم درد نداشت.

پس به او گفتم شما کجا هستید. گفت من در همین قلعه‌ها هستم و دست خود را به اطراف گردانید.

گفتم پس من کجا خدمت شما برسم. فرمود تو آدرس مرا نخواهی دانست ولی من منزل شما را می‌دانم کجاست و آدرس مرا گفت: و فرمود هر وقت مقتضی باشد خودم نزد تو خواهم آمد و رفت و در همین موقع رفقا رسیدند و گفتند آقا عصا کو من گفتم آقای نمدی را دریابید پس هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۱۹/ ۲۲ ،۱۰۴/ ۲۱ ،۲۵۵/ ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۷ -۴۱۰/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۵/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۹ -۶۰۸/ ۲).

میرحسینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر حسینی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه یزد گردیدم. سه سال را در یزد و مابقی را در قم بودم. در این مدت به عنوان طلبه ای محضر بزرگانی را درک کردم که حتی حضور در محضر آنان بالاترین خیر و برکت را القاء می کرد.

میرخانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۰(۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۲(۹ جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، ۱۳۷۲)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، ۱۳۷۴)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).

حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۵ قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.

چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللّه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.

از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.

(ح ۱۴۱۴ -۱۳۳۵ ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللّه حجت کوه کمری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] كلك (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۶ -۵۷۵/ ۴).

میرخلیلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر خلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدای شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول دروس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۶ در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال ۱۳۷۲ با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال ۷۳ در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی ـ پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، ۳ جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال ۱۳۷۸ در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.

در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است. درسال ۱۳۷۹ دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشته ام. در سال ۸۰ در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال ۱۳۸۱ در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه وحقوق مشغول شده ام.

در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز

مختلف علمی بر عهـده داشـته ام نظیر مـدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشـگاه آزاد اسـلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشـگاه یزد و مرکز تحقیقات در میز گردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشـی کاربردی شرکت کرده ام.

میرخندان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید میر خندان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده تحصـیلات ابتدایی را در شهر تهران در دبستان عاصمی (مقابل دانشگاه صنعتی شریف) گذراندم. دوره راهنمایی را در مدرسه «مازیار» در همان محله خواندم و دوره دبیرسـتان را در دبیرسـتان خوارزمی شماره ۱ (مقابل دانشـگاه تهران) تحصیل نمودم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در همان سال به حوزه قم آمدم.

مقـدمات را تا پایه سوم در مـدرسه رضویه خواندم. اساتید بنده در ادبیات آقایان: گرگانی و طالقانی بودند و در معالم آقای خسـرو شـاهی. اصول فقه را خـدمت آقـای صـالحی افغـانی و لمعه را نزد آقایـان علی پنـاه اشـتهاردی، جـدانی فخر و ... خوانـدم. رسائل را خـدمت آقـای اعتمادی و مکاسب را خـدمت آقایان: قـدیری، طاهری خرم آبادی و سـتوده تحصـیل کردم و کفایه را خـدمت آقای ستوده خواندم.

درس خارج اصول را نزد آقایان: «مکارم شـیرازی (۲ سال)»، «وحید خراسانی (۴ سال)»، «شبیری زنجانی (۱ سال)» تحصل نمودم. و پس از آن در جلسه ای محدود با تعدادی محدود از دوستان به مباحثه خارج فقه تحت نظر دوست فاضل و ارجمند آقای امیر غنوی ادامه می دهم. در کنار درس های رسـمی حوزه به مدت حدودا چهار سال علوم قرآنی و سـپس تفسـیر (در جلسه ای خصوصی و با تعدادی محدود از دوستان) مطالعه و تامل داشته ام. همچنین به مدت سه سال در گروهی از دوستان به مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت اسـلامی پرداختم. نیز به تحصـیل فلسـفه (بدایه، نهایه و جلد اول اسـفار) پرداختم و در کنار آن کتاب های فلسـفی از فلاسـفه مسلمان و غرب را مطالعه نمودم.

حقیر دوره زبان انگلیسی را در تهران در موسسه ملی زبان تا اتمام دوره: (۱۲ ترم) گذراندم و در قم نیز در مرکز آموزش زبان های خارجی باقرالعلوم (ع)، دوره زبان انگلیسـی را تا یک ترم به پایان مانده شرکت کردم. حدودا چهار سال (۲ سال در جلسه حزب الله و ۲ سال در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات قم) در زمینه تراجم و شرح حال علماء و اصحاب تحقیق و تالیف داشته ام. به مدت شـش سال در زمینه فیلم و سینما (۲ سال درحوزه هنری تهران و ۴ سال در مرکز پژوهش های اسـلامی صدا و سیما) مطالعات نظری دارم. نتیجه فعـالیت هـای پژوهشـی حقیر درباره تراجم و هنر فیلم کتاب ها و مقالاتی است که در آثار از آنها یاد شـده است.

اکنون با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همکاری پژوهشی ام ادامه دارد. ضمن آن که مباحث خارج فقه و تفسیر کماکان برقرار است.

میردامادی سدهی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد حسن. عالم زاهد جلیل، از شاگردان: آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند کاشی و آخوند گزی بوده، سال‌ها در مولد خود به نشر احکام دین و وعظ و ارشاد مسلمین و امامت جماعت گذرانیده، در سال ۱۳۵۲ وفات یافته، در آنجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میردامادی سدهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اعقاب میر محمّد اشرف. از مبرّزین شاگردان حاج شیخ محمّد علی نجفی و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای بوده، پس از تکمیل تحصیلات در مدرسه نیم آورد ساکن شده، و به درس و افاده علوم اشتغال جسته، ایّام تعطیل به سده می‌رفته و مسجد و محرابش رونقی داشته است.

در سال ۱۳۳۲ وفات یافته، در مقبره شاهزاده ابراهیم در قریه ورنوسفادران (بن اصفهان) مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا میرزا عبدالحسین در تمام مراتب وارث پدر بوده، و از شاگردان: آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و ملاّ عبدالکریم گزی بوده، و در مسجد پدر امامت می‌نمود. در ۱۳۶۴ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی میر دامادی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۲/۱۳

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴/۲/۱۳۴۷ در مشهد مقدّس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سیّد حسن، سیّد هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به ۹ واسطه).

همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۶ و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیّات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء نزد برادر بزرگتر و گاهی نزد فضلاء حوزه و چندی بعد در حوزه درس ادبیّات مشهد، ادیب نامور جناب آقای «حجت هاشمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبدالله و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.

اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شیخ مصطفی شاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سبزواری» و «صالحی» از اساتید به نام مشهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سید محمد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از استاد رضا زاده و بعد از ده سال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» (حفظه الله) و «آیت الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود ۵ سال در مهر ماه ۱۳۷۸ به قم مهاجرت کردم.

در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت ۲ سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاهٔ را شروع کردند). همزمان دروس فقه و اصول استاد «آیت الله وحید خراسانی» شرکت کردم. بحث برائت و استصحاب از اصول و بیع و خیاراتشان تاکنون مورد استفاده اینجانب می باشد. در علوم عقلی در مشهد ابتداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهایه را نزد استاد صالحی و مدّتی هم در درس اسفار ج ۸ مرحوم علامه سیّد جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم.

تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شروع شد و تقریباً کتب سطح را از مقدّمات تا سطوح عالیه یک دوره تدریس نموده ام و بعضی از آنها را چند دوره و فعلاً در مدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تدریس می نمایم.

میرزاپور، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن میرزاپور

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۷۹ در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیة الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال ۱۳۷۱ بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم

و در سال ۱۳۷۶ به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولکن به سبب مشکلاتی بعد از ۵ ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال ۱۳۷۷ به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمندم حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.

کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال ۷۷ را کاملا توفیق شرکت در درس تفسیر آیة الله جوادی آملی داشتم. سال ۱۳۸۰ به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیة الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.

سال ۱۳۸۰ سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیة الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح ۳ خود هستم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمائی های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می باشد.

میرزائی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوطالب بن العلامهٔ حاج میرزا مهدی بن حاج سید ابوعبداللّٰه بن العالم الجلیل الحاج السید ابوالقاسم میرزائی زنجانی از علماء معاصر (مقیم رشت) می‌باشند.

وی در تاریخ ۱۳۳۰ قمری در زنجان متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زنجان خوانده و به تهران آمده و معقول را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی (فیلسوف معروف) و مرحوم علامه میرزا مهدی آشتیانی (فیلسوف شرق) و اصول را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمد تنکابنی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در مشهد مقدس از اساتید آنجا بهره‌مند شده.

سپس به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری ره و آیت‌اللّٰه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری و هم چند سالی آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی طاب ثراه استفاده نموده و پس از آن برای انجام وظیفه دینی و روحی خود به شهرستان رشت عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد (حضرت صاحب‌الزمان عجل‌اللّٰه‌فرجه) و خدمات دینی اشتغال دارد.

و در علماء معاصر رشت هم اجمالا گذشت. و سرپرستی و اداره مدرسه جامع رشت به عهده ایشانست.

دارنده آثار قلمی و علمی عدیده بنامهای زیر می‌باشد.

۱- حقائق التوحید دو جلد استدلالی فارسی.

۲- برهان الولایه دو جلد عربی.

۳- فروغ تجلی در امامت.

۴- راه ترقی. فارسی در امور اجتماعی.

۵- نفس و راه تکامل آن- روانشناسی.

۶- رساله‌ای در لباس مشکوک عربی.

۷- رساله‌ای در صلوهٔ عربی.

۸- رساله‌ای در جبر و تفویض به عربی بنام العبر فی مسئلهٔ الجبر والقدر.

۹- رساله‌ای در التحلی در حقیقهٔ التحلی.

۱۰- رساله‌ای در در قاعده لاضرر عربی.

۱۱- حواشی بر اسفار صدرالمتألهین عربی.

۱۲- النور الساطع در نبوت به عربی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرزائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن العالم الجلیل حاج میرزا مهدی نجفی میرزائی (برادر محترم حاج سید ابوطالب) از علماء بزرگوار معاصر زنجانست.

آنجناب در سال ۱۳۲۲ قمری در زنجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده سپس به قم مشرف و از محضر محروم آیت‌اللّٰه حایری و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری رحمهم‌اللّٰه استفاده نموده و پس از فوت مرحوم

آیت‌اللّه حایری و قبل از حادثه شهریور بیست به زنجان برگشته و تا اکنون به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد ادام اللّه عمره و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرشمسی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید ابوالحسن بن ابراهیم بن عبدالصمد حسینی.

فاضل زاهد، و واعظ متقی، متوفی در ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۶۸ مدفون در بقعه‌ی میر سید محمد شهشهانی

ماده تاریخ وفاتش را ادیب معاصر میرزا عبدالکریم بصیر گوید:

سال تاریخ فوت او بگفت بصیر

رفت پیش حسین، محسن من

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرصانع، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی میرصانع

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی میرصانع در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه شهرستان خوانسار شدم و تا سال ۱۳۶۳ در آنجا مشغول تحصیل و لمعتین را در آنجا به پایان رساندم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل در این حوزه مقدسه پرداختم. فرائد الاصول مرحوم شیخ را در محضر استاد «آیت الله راستی کاشانی» و نیز قوانین الاصول میرزای قمی، و مکاسب مرحوم شیخ را در محضر اساتید «آیت الله سید علی محقق داماد» و «شیخ محسن دوزدوزانی» فرا گرفتم و دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید معظم حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» تلمذ نمودم و در ضمن این مدت در مراکز فقهی علمی حوزه به تناسب مشغول کار و تدریس و غیره بوده ام.

میرمحمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل میر محمدی

محل تولد : ساوه

شهرت : میر محمدی زرندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در بخش «زاویه زرند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۰ ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقهٔ وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیهٔ قم رهنمون ساخت.

وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال ۱۳۲۵ جهت زیارت عتبات عالیات و ادامهٔ تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیهٔالله آقای حاج میرزا یحیی زرندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطهٔ وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامهٔ تحصیل را در قم پیگیری نمود.

از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیهٔالله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.

پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیهٔ حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیهٔالله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال ۱۳۲۸ از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیهٔالله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی ۱۵ سال یک دورهٔ کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.

ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین‌تر را به عهده گرفته و بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس سطح عالیه حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از ۱۰ سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبهٔ دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبهٔ استادی که بالاترین رتبهٔ علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.

مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال ۱۳۲۶ در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد

آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسهٔ وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.

ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.

آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیة‌الله دکتر مفتح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیة‌الله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجة‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود ۷۰۰۰ متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میرمحمدی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی میر محمودی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۲ به دنیا آمـدم. تحصـیلات ابتـدایی تا دبیرسـتان را در شهرسـتان بابل گذرانـدم. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۶۰ مدّتی به جهاد سازندگی رفتم. در همین سال به تشویق پدر که در سلک روحانیت بود؛ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه قم شدم. تا سال ۱۳۶۹ به دروس سطح حوزه علمیه مشغول بودم. سال های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بـا سازمان تبلیغات قم در بخش فرهنگی همکاری داشتم.

همزمـان با ادامه تحصـیلات در حوزه به سال ۱۳۷۰ وارد دانشـگاه شدم و در سال ۱۳۷۴ دوره کارشناسـی رشته «حقوق» را به پایان رسانـدم. در همین سال موفق به ادامه تحصـیل در رشـته «حقوق بین الملل» شـدم. سال ۱۳۷۷ کارشناسـی ارشـد این دوره را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ تـدریس در دانشـگاه های آزاد و مفیـد قم در دروس مختلف معارف، فقه، اصول، و حقوق را آغاز نمودم و همزمان به فعالیت های علمی و پژوهشـی نیز پرداختم. نزدیک شصت سفر تبلیغی، فرهنگی و علمی به مناسبت های گوناگون اعم از ماه محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، هفته وحدت، دهه فجر و ایام رحلت امام (ره) به داخل و خارج کشور سفر نموده ام.

میرمسیب، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی میر مسیب

محل تولد : شهرضا

شهرت : میر مسیب

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲۵

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم حضـرت ختمی مرتبت (صـلی الله علیه و آله و سـلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمهٔ عظیمـهٔ و لولاـ القلم لم یسـتقم الملـک و الـدین و لم یکن عیش صالـح» (محـدث نـوری، مسـتدرک الوسائـل، ج۱۳، ص۲۵۸، ح۲، باب۱۲استحباب تعلم الکتابه).

سال ۱۳۴۳ در شـهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید همت، جهت تحصـیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السـلام) شـهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مـدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال اسـتفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسـلام و المسـلمین سید هاشم حسـینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیهٔالله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضـر برخی از اساتید دوره سـطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین: «موسوی تهرانی»، «طـاهری خرم آبـادی» و آیـات عظـام: «صـالحی مازنـدرانی»، «مظـاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.

تقریبـا از سال ۱۳۷۰ دست به قلم شـده و تـألیف و تحقیق را آغـاز نمودم ولی بیشتر آنهـا به دلیلهـای مختلفی به چاپ نرسـیده است

ازجمله آنهاست:

۱. سعادةالطالبین (توضیحی برآداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصدقاء)

۳. الحجرات (گذری برسوره مبارکه حجرات)

۴. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقید آیةالله میرجهانی)

۵. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شهرضا نمونه شعرهایی گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شدم لذا به چاپ نرسید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.

۶. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوك از دانشمند متأله شهرمان «حضرت آیة الله نجفی قمشه ای» که با عنوان: «با سالکان وادی نور» به چاپ رسید. کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:

الف- اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های ۱تا ۳).

ب- مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).

ج- رهیافتهای ویژه (درسهایی ازمعظم له در سیر و سلوک).

د- قطره ای ازدریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.

۷. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپورکه به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.

۸. مرغ باغ ملکوت (۱): یادنامه استاد فقید حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد ۱۳۷۲).

۹. مرغ باغ ملکوت (۲): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقید، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد ۱۳۸۷) و ...

کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمنا برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارك رمضان سال ۱۴۲۷ که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.

در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... . در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضورداشته ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرمایند آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرافرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به دستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده است خواهان و خواستارم. و السلام

میریونسی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آقای حاج آقا عباس میریونسی عراقی (داماد معظم آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ مذکور) از فضلاء عراقی حوزه علمیه قم و ائمه جماعت معاصر کنگاور می‌باشند.

تولد ایشان در یکی از مضافات اراك واقع شده و پس از رشد برای تحصیل علوم دینی به قم مهاجرت و متون فقه و اصول را از مدرسین فراگرفته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده.

آنگاه بنابر درخواست ابوالزوجه خود به کنگاور مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در یکی از مساجد آن به اقامه جماعت و ارشاد مردم و خدمات دینی اشتغال دارند.

و قبل از ایشان چند سالی جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر رفیعی عراقی (خواهرزاده آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ محمدی) مقیم کنونی شهر ری در کنگاور اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال داشته‌اند.

چنانچه قبل از ایشان جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مجتبی محمدی عراقی (برادر معظم له) در آنجا سکونت و خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند و خود حقیر در محرم ۱۳۶۸ ق چند شبی در ضیافت آنجناب در کنگاور بوده و ناظر آثارشان بوده‌ام.

و مخفی نباشد که بیت جلیل محمدی عراقی بیش از یکصد سال است که در کنگاور به وظائف شرعی و خدمات دینی اشتغال دارند زیرا مرحوم مبرور علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فرزند آقا محمد کرهرودی سلطان‌آبادی متولد ۱۲۵۷ ق که عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان شیخنا الانصاری بوده پس از وصول به مقامات عالیه علم و کمال و استفاده از محضر شیخ و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران به ایران مراجعت و در کنگاور سکونت نموده و به خدمات دینی پرداخته تا در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۵ ق به رحمت حق پیوسته و در آنجا مدفون و قبرش مزار عموم و معروف (به قبر آقا) می‌باشد.

دارای آثار علمی چندی در فقه و اصولست که ذیلا به آن اشاره می‌گردد.

۱- رساله در قسامه و احکام آن ۲- رساله عملیه فارسی در عبادات ۳- شرح دره سید بحرالعلوم ۴- شرح قصیده میمیه ابن‌فارض موسوم به (کشف‌الرموز) ۵- الاشارات ۶- فرائدالدرر در علم لوح و قدر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میقانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا میقانی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا میقانی از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال ۵۶ به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال ۵۸ دردرس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود ۲۰ سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال ۵۴ به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید . و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم .

و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام . حدود ۱۵ سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم . و در جهت خدمت به طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده داردم .

میلانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین (آیت‌اللَّه زاده میلانی) بن العلامه الورع آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (مقیم مشهد) از علماء معاصر شهر ری می‌باشد. وی در ۱۴ شوال ۱۳۳۶ ق در نجف اشرف متولد و در ۱۳۵۵ ق منتقل بکربلاء معلی و در سال ۱۳۹۳ روی جریانات اخیر عراق کوچ نموده و مقیم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام شهر ری شده‌اند معظم له پس از ختم قرآن مجید خط و ادبیات فارسی را در مکتب خانه جناب و مرحوم شیخ علی‌اکبر که از مشاهیر بودند فراگرفته و با استفاده از موقعیت والد بزرگوارشان نزد اساتید عظام تلمذ نموده و پس از فراغ از مقدمات کفایه را در محضر آقای والد شروع نموده و رسائل را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید زین‌العابدین کاشانی که از معاریف کربلا و عضو استفتاء آیتین قمی و بروجردی بودند آموخته و مکاسب را از آیت‌اللَّه حاج آقا حسن طباطبائی قمی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی اردبیلی و فلسفه را از وحید عصر آقا میرزا غلامحسین تبریزی که از شاگردان بنام مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) و مدتی هم از آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی (که اکنون مرجع عالیقدر مقیم بروجرد میباشند) استفاده نموده سپس خارج فقه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی

والدشان و خارج اصول را از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله بهره‌مند گردیده است، پس از هجرت والد بزرگوارشان در سال ۱۳۷۴ ق از کربلاء معلی به مشهد مقدس رضوی باصرار جمعی از محترمین کربلاء بجای والدشان در جنب ضریح مطهر حضرت سیدالشهداء ارواحنا له الفداء امام جماعت شده و روی سوابق خاندان و اهتمام بمسائل اجتماعی و رسیدگی به احتیاجات مردم از رجال بنام و محبوب غالب طبقات گردیده بطوری که منزلش مرکز رفت و آمد مردم و در ایام محرم دسته‌جات و مواکب زنجیر زن و غیره به خانه ایشان آمده و عزاداری می‌نمودند.

لذا آن جناب از این موقعیت استفاده کرده و در امور عامه دخالت و اقدامات اساسی و مهمی از قبیل استقلال کشمیر را مکررا به سازمان ملل مخابره کرده و مخصوصا با چهار زبان بر علیه اسرائیل ایراد نطق نموده که نظر محافل سیاسی و همگانی معطوف به وی میگردد.

اجمالا این که معظم له هم از نظر مراجع بزرگوار گذشته و هم حاضرین محترم و در نزد غالب مردم عراق و مسلمین هند و پاکستان و آفریقا و ایران و خلیج‌نشین‌ها و غیره معزز و محبوب می‌باشد.

آقای میلانی درباره زندانیهای مذهبی در هر نقطه بسیار حساس و اقدامات لازمه برای استخلاص آنها نموده چنانچه دو واعظ لاهور را که به ششماه زندان محکوم شده بودند توسط سفیر پاکستان در بغداد سجاد حیدر حنفی آزاد و نیز سی و سه نفر از رجال نامی شیعه همان کشور را که در اثر نزاع با اهل تسنن زندانی شده بودند توسط سید محمدحسن سفیر دیگر پاکستان آزاد می‌نماید.

آقای میلانی دو سفر مذهبی به هندوستان نموده و قدمهای مؤثری برداشته و خدماتی انجام داده‌اند که شرحش مفصل و در روزنامه‌های هندوستان به زبان اردو و انگلیسی و سانسکریت از ایشان تجلیل شده و عکسهای مجالس جشن بنام ایشان در آگره و لکهنو و بمبئی و غیره موجود می‌باشد.

و نیز مسافرتهای جالبی بافغانستان و لبنان و سوریا و کویت و مکه معظمه نموده و خدماتی انجام داده که از ذکر آن خودداری می‌نمایم.

در کربلاء معلی آثار ارزنده‌ای دارند که از همه مهمتر تأسیس کتابخانه بنام حضرت سیدالشهداء الحسین علیه‌السلام است.

این کتابخاه خود دار الارشادی بود که جوانان را بدین وسیله و بتوسط حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ فرج‌اللّه اصفهانی مدیر کتابخانه و احیانا شخصا تربیت دینی می‌نمود مخصوصاً محصلین جدید را بیشتر مورد علاقه و اهتمام مطالعه قرار می‌داد.

کتابخانه مزبور مرکز نشر معارف بود زیرا جلسه هفتگی برای مسابقه سخنرانی و کتابت و مسائل مذهبی و سؤال و جواب دبیرستانی‌ها و دانشگاهی‌ها بود.

کتابی بنام (لحظه‌ای با امام عصر عجل اللّه فرجه) و ارواحنا فداه دارد که سالها در جمع و تنظیم آن زحمت کشیده و بیش از بیست فصل می‌باشد و در آن تشرف جماعتی از بزرگان علم و غیره را یاد کرده ولی هنوز باتمام نرسیده است و تألیف این سفر جمیل اوقاتشان را مستغرق نموده که نوشتجاتی که در مرور عمر و تحصیل دارند مهجور مانده است و در اثر عشق و علاقه شدید بناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه بهیچ کدام عنایتی نشان نمی‌دهند فقط همت را گماشته‌اند که توجه افراد را بسوی آقای عالم معطوف بنمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میناگر، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا میناگر

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

غلامرضا میناگر در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفرط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داشت تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه ی علمیه قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعتهایی می شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.

از سال ۷۲ تا ۷۶ جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال ۸۲ به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال ۷۹ تا به کنون (۸۶)، ضمن تقبل مسئولیت دبیری گروه های فلسفه و کلام پژوهشگاه ونیز جلسات پاسخ به شبهات و ... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی ازآنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه واصول، منطق و فسلفه بی نصیب نبوده است.

نادم، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نادم

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیهٔ الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایهٔ، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیهٔ الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.

در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیهٔ الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.

بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.

با گذشت این دورانها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن‌علی بن السید علی‌اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه‌السلام.

مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسلام معاصر ما می باشند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج مذهب گذرانیده و تحمل مشاق و شدایدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهای خطرناکی نموده است.

در سال ۱۳۰۵ قمری یعنی ۸۸ سال قبل در شهر شوشتر متولد شده و در مهد علم و شرافت و مجد و سیادت نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانده در سال ۱۳۷۷ قمری مهاجرت به عراق کرده و مدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرده و از محضر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعد از مدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصفهانی از سفر ایشان به وسیله ارسال نامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسگار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که ۷ سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسجد (قوه الاسلام) آنجا امامت نموده و از آنجا به مکه مشرف و پس از اداء مناسک به نجف اشرف مراجعت کرده و در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینیه در فقه و عقاید و اخلاق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضعف و انکسار در وی بارز گشته از افریقا مراجعت به نجف اشرف نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.

آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:

۱- بستان اسلام در اخلاق بلغت کجراتی که دو بار در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ به طبع رسیده ۲- نورالهدایه در فقه بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ طبع شده است.

۳- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ منتشر شده ۴- کشکول الناشریه در لغت فارسی.

۵- اسلام و دانش در اجتماع فارسی ۶- عشرات ناشریه در مواعظ ۷- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) ۹- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم ۱۰- حدیقه عاطره در مطالب دینیه اخلاقیه و حکمیه و غیرها.

و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.

(۱۳۰۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در ۱۳۳۷ ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌اللّٰه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یک سال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت‌اللّٰه سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوۀالاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌اللّٰه بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در ۱۳۹۱ ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق، به زبان گجراتی؛ «نورالهدایۀ»، در فقه، به زبان گجراتی، «وسیلۀ الناشریۀ»، در اصول، به زبان گجراتی، «کشکول الناشریۀ»، فارسی؛ «العشرات الناشریۀ»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۸۵)، الذریعه (۸۵/ ۲۵ ،۳۸۵/ ۲۴ ،۲۶۴/ ۱۵)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۵۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۱ – ۲۸۰/ ۲).

ناصر خسرو

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۵/ ۴۸۱ –۳۹۴ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلای یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانهٔ‌الادب» و «تذکرهٔ‌الشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در ۴۳۲ ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جغری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیرهٔ‌العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاهٔ شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت مستنصر باللّٰه ابوتمیم معد بن علی (۴۸۷ –۴۲۷ ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرهٔ‌النعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در

مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و به گفته‌ی بعضی در ۴۶۱ ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود.از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ « اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنزالحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۳۹۴ ه.ق- ۴۸۱ ه.ق) ملقب به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری‌بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال ۴۳۷ ه. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاهٔ سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصرخسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدند. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در ۴۴۴ ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل‌المتحیرین»، «روشنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی‌هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۲ -۱۰۰۹/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۰۴ -۲۰۲/ ۱۰)، با کاروان حله (۱۰۱ -۸۵)، بهشت سخن (۲۲۳ -۱۹۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد، ۸۹۸ -۸۹۳، ۴۶۹ -۴۴۳/ ۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۸۱ -۵۸۰، ۵۷۸، ۴۴۱، ۴۰۶، ۱۳۳/ ۱)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۰ -۵۸)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۵۱ -۲۴۸، ۱۶۹)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکرهٔالشعراء (۷۳ -۶۹)، تقویم‌التواریخ (۹۳)، چشمه‌ی روشن (۹۰ -۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۵۴ -۱۰۴۸)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۴۵۷ -۴۵۶/ ۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۹۳ -۲۹۹۲/ ۲)، دویست سخنور (۴۲۰ -۴۱۷) الذریعه (۱۰۸/ ۱۸، ۱۹۱ -۱۹۰، ۱۸۱، ۱۱ -۱۰ / ۱۲، ۲۷۲/ ۱۱، ۱۱۵۴/ ۹، ۳۶۱ -۳۶۰)،(۱۵۱/ ۸، ۲۷۴/ ۷)، روضات الجنات (۱۵۰ -۱۴۹/ ۸)، ریاض‌العارفین (۲۳۴ -۲۳۲)، ریحانه (۱۰۳ -۱۰۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۵۸ -۱۵۵، ۱۵۳ -۱۵۱ ، ۵۲/ ۲، ۴۲۴، ۴۰۱/ ۱)، سخن و سخنوران (۱۹۸ -۱۵۴)، شرح سی قصیده (۱۷ -۸)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۷ -۸۳)، صبح گلشن (۱۱۹ -۱۱۸)، طرائق‌الحقائق (۵۵۷ -۵۵۶ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۹ -۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲ -۹۱۱)،

کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۸ -۱۲۷)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (۹۹۱، ۹۹۰، ۱۴۳)، گنج و گنجینه (۵۷۵ - ۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (۳۴۹ -۳۴۸)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۵ -۱۳۵۹/ ۳)، مرآةالخیال (۲۸ -۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ -۵۰۳/ ۶)، هدیةالعارفین (۴۸۷/ ۱)، هزار سال شعر فارسی (۷۰ -۶۴)، هفت اقلیم (۳۵۸ -۳۴۸/ ۲)، هفت گنج کومش (۱۳۳ -۱۳۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱، ص ۲۳، ۱۹).

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محمّد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نُه هجری شمسی، در شهر دولت‌آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیاآمد. پدر ایشان، زاهد متّقی حجّةالإسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامیذ مورد عنایت خاصّ علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنیا آمدن این فرزند، او را «محمّدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمّد» شهره شد. محمّد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت‌الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیهٔ الله آقا سیّد جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجف‌اشرف، حضرت آیهٔ الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، وبعد از یکی دوسال با ورود به حوزه علمیّه اصفهان و تحصیل علوم ادبیِ رائج در آن‌حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سرمی‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف‌اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجف‌اشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اوّلیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، امّا خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیّه علم و معرفت‌جوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجف‌اشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهرمقدّس داشت، در قبری در صحن مطهّر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوّره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف‌اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت کشیدن‌ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگیِ ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، می‌سپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمیِ نجف اشرف، با شماری ازاهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمّد کوفی نیزآشنا، و در طریق معرفت ائمّه هدی دست به دامن آنان می‌زنند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبدالله، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سیّد عبدالأعلی سبزواری، رسائل را ازمحضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز

می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمّد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاهٔ آیات را از محضر آیت‌الله سیّد عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سیّد محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را ازمحضر آیت‌الله العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سیّد جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانیِ زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سیّد محمّد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سیّد مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قوچانی وصیِّ مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان می‌پرداختند. دراین شماراست مرحوم حضرت آقا سیّد هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا می‌شوند. درهمین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوّتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستیِ دیرینی میان این دو از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیّه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همّت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیّه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزرّین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل‌بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامیِ مکروهات مصون نماید.

ناصری کلهر کرمانشاهی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به ناصری. پدرش در جریان درگیری بین محمدحسین میرزای حشمت‌الدوله با محمدتقی میرزای حسام‌السلطنه در ۱۲۴۶ ق کشته شد. ناصری طبعی موزون داشت و شعر می‌سرود و در اشعار خود اختر تخلص می‌کرد. وی به عتبات عالیات رفت و مدتی در آنجا تحصیل نمود تا در زمره‌ی فضلا قرار گرفت و با دریافت اجازه از علمای بزرگ به کرمانشاهان رفت و به تدریس و وعظ پرداخت و به اصرار دوستان و آشنایان تخصلش را به ناصری تغییر داد. از اوست:

شاه دین‌پرور علی امیدگاه خسروان

داور دولت نگهبان پادشاه خسروان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۸۱۴ –۱۸۱۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳).

ناطقی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلام حسین ناطقی

محل تولد : بامیان

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال ۱۳۵۴ شمسی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیل تعطیل بودن مدارس دولتی به خاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مدت ۴ – ۵ ماه حضور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.

در سال ۶۸ شمسی مدرسه علمیه «محمدیه» در نزدیک محل منطقه سکونت ما احیاء شد و من از فرصت استفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن استاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخاب» بروم و در آنجا ادامه تحصیل بدهم. پس از مسافرت به این مدرسه و مدتی تحصیل دریافتم که متاسفانه وضعیت این مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم .

به همین منظور در اواخر پاییز ۱۳۷۰ شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خواندم و در سال ۱۳۷۳ در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی دراین مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی تواند پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.

لذا در سال ۱۳۷۵ با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال ۱۳۷۸ به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و

حدیث» از سوی مرکز جهانی برگذار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می باشم.

ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

نایینی، نصیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، واعظ و شاعر. اهل نایین و از نوادگان ملا سلمان (کمال) اعظ نایینی بود. نصیرا به شیراز و تبریز مسافرت کرد و در تبریز مدتی در خدمت میرزا صالح شیخ الاسلام تبریزی به سر برد. سپس به اصفهان بازگشت و در آنجا سکنی گزید. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دل در طلب وعده خلافی دارم

در هر قدم از کعبه طوافی دارم

از دیدن روی او ندارم سیری

چون آینه اشتهای صافی دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۶ -۴۰۵)، الذریعه (۱۱۹۹/ ۹)، صبح گلشن (۵۲۲ -۵۲۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۸)، گلزار جاویدان (۱۶۳۳/ ۳).

نبوی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسینعلی نبوی بن العلامه الورع آیه‌الله مرحوم آقا سید محسن نبوی اشرفی بهشهری عالم معاصر بندر گز است و در مسجد جامع آن اقامت جماعت مینمایند.

وی در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و سیادت نشو و نما و دروس مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه سطوح را از محضر

مدرسین بزرگ آیه‌الله آقای آقا میرزا هاشم آملی داماد والد ماجدش و مرحوم والد و دیگران خوانده و بدروس خارج بعضی از آیات شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والد بایران مراجعت و چندی در بهشهر وطن پدری خود اقامت نموده آنگاه بنابر تقدیر و امر بعضی از آیات و استدعاء مردم بندر گز بآنجا عزیمت و رحل اقامت افکنده و تاکنون بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست توسعه مسجد جامعه بندرگز و تأسیس کتابخانه آنجا و خدمات ارزنده‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجاتی، محمدسعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سعید نجاتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۸/۱۳

زندگینامه علمی

با دیپلم تجربی با معدل ۵/۱۷ در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم و با رتبه ۱۳ وارد حوزه علمیّه و مدرسه علمیّه شهیدین گشتم. از سال اول تا آخر دوره سطح، در مدرسه شهیدین مشغول بوده ام و علاوه بر دروس متداول حوزه، دوره مکالمه عربی را تکمیل نموده و مکالمه انگلیسی را شروع نمودم. همچنین در برنامه تحقیق مدرسه شرکت نموده و تحقیقاتی را با موضوعات: «سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)» و «مقارنه کتب صرفی»، «اصول»، «تاریخ امیر المؤمنین»، «تاریخچه و کتابنامه صحیفه سجادیّه» نوشته ام که برخی چاپ و منتشر شده است. همچنین دوره مقدّماتی فیلم نامه نویسی را در خانه هنر و اندیشه صدا و سیمای قم گذرانده ام.

الان در ترم ۶ رشته کلام اسلامی، دوره غیر حضوری مؤسسه امام خمینی (ره) و دوره عالی خارج فقه و اصول مدرسه شهیدین مشغول تحصیلم. در این دوران به صورت پراکنده و انفرادی کتابهای حلقه اولی شهید صدر، هدایه، صمدیه، مکالمه عربی، الموجز، لمعه و مغنی را تدریس کرده ام. همچنین در این مدت در کلاس های آموزش سخنرانی، مداحی و تبلیغ شرکت کرده و در مناطقی چون شهر یاسوج، شهرستان سی سخت، شهر بم، شهر بندرعباس، روستاهای منطقه هلیلان ایلام، شهر قزوین و روستاهای منطقه نوشان، تبلیغ برای عموم مردم و دانش آموزان در ایام تبلیغی مشغول بوده ام.

نجار زادگان، فتح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فتح الله نجار زادگان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد.

در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی ازگروههای دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.

تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه ۱۲ عضو گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۱/ ۱۱۴۰ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللّٰه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمهٔاللّٰه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوك»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف‌الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایهٔالمرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللّٰه جزایری، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۹/ ۱۰)، الذریعه (۲۴/ ۲۰، ۱۷/ ۱۸، ۱۹ -۱۸/ ۱۶، ۳۰۵/ ۱۵، ۲۴۹/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۰۷ -

۷۰۶/ ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۶۷ –۶۶/ ۱۱).

نجفی اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی اصفهانی از علماء اعلام استان کرمانشاه و مقیم شهرستان هرسین می‌باشند.

معظم له در حدود ۱۳۲۵ قمری در یکی از مضافات اصفهان متولد شده و پس از دوران مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در آن سامان مهاجرت به نجف اشرف نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه نائینی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به تشویق مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ فرج‌اللَّه کاظمی هرسینی به هرسین عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی عاملی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاءالدین نجفی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین نجفی عاملی از آقازادگان فاضل و ائمه جماعت محترم معاصر تهرانند.

ایشان در پنجم فروردین ۱۳۲۵ شمسی برابر سال ۱۳۶۵ قمری در نجف اشرف در سال رحلت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در بیت شریف آیت‌اللَّه حاج شیخ جواد معروف به (علیکم‌السلام) به دنیا آمده و در حجر والدش علامه نجفی عاملی پرورش یافته است.

و دو سال پس از درگذشت مرجعیت عامه آیت‌اللَّه اصفهانی (ره) در اوائل زعامت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس‌اللَّه سره در معیت والدش به ایران آمده و با اقامت آن مرحوم در تهران به تحصیل علوم جدید پرداخته و پس از آن به فراگرفتن علوم عربیه و سطوح اولیه (معالم و لمعه و مقداری از قوانین) در خدمت مرحوم پدرش و دیگران در مدرسه مروی خوانده و سپس با اجازه آن مرحوم عزیمت به قم نموده و سطوح عالیه فقه و اصول رسال و مکاسب و کفایه و منظومه حاجی سبزواری و اشارات بوعلی سینا و قسمتی از اسفار اربعه ملاصدرا و نیز شرح تجرید و هیئت و منطق تخصصی و تفسیر و اخلاق را از محضر اساتید معروف حوزه علمیه قم استفاده نموده سپس به درس خارج آیات عظام ۱- آیت‌اللَّه گلپایگانی ۲- آیت‌اللَّه اراکی ۳- آیت‌اللَّه میرزا هاشم آملی ۳- آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری ۵- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و سایر مراجع شرکت و بهره‌های فراوانی برده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و همواره در ضمن تحصیل علوم و فنون در حوزه علمیه قم و تهران تدریس دروس اولیه عربیه و سطوح متوسطه و عالی را داشته و اکنون چند سالی است از طرف آیت‌اللَّه گلپایگانی در تهران در مسجد (خاتم النبیین) خیابان شیوا که قبلا مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی بطحائی گلپایگانی رحمه‌اللَّه علیه اقامه جماعت می‌نمودند امامت نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام و گفتن تفسیر در آن اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان

چنانچه مرقوم داشته‌اند از این قرار است:

۱- دوره تقریرات اصول در دو جلد.

۲- تقریرات مبحث طهاره در دو جلد.

۳- تقریرات مبحث بیع (خارج مکاسب) ۱ جلد.

۴- مباحث مختلفه فقه و اصول و کلام و تفسیر و غیره که برخی از آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: حدود ۱۳۲۱ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۸(۳ رمضان ۱۴۰۹ ق.).

آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.

ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.

آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.

از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.

ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال ۱۴۰۹ مطابق با بیست و سوم فروردین سال ۱۳۸۶ با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.

معظم له در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از

اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌اللَّه مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعاظم مراجع آن زمان مرحوم آیت‌اللَّه محقق نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.

و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌اللَّه آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.

آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.

از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (۴۸) از آنان یاد نموده است.

والد ماجدش آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است.

جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ علی از تلامذه مبرز آیت‌اللَّه العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌اللَّه فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملا هادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعاظم صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاءالدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی قمشه ای، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله نجفی قمشه ای

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در شهرستان شهرضا (قمشه) در محله «فضل آباد» چشم به جهان گشودم. فرزند هفتم والدینم بودم. دوران کودکی را در دامن پر مهر مادری مؤمنه و سایه لطف پدری باتقوا و محب اهل بیت سپری کردم. در سن شش سالگی به مدرسه «خیام شهرضا» رفتم.

شش کلاس ابتدایی را خدمت آموزگارانی دیندار و ارزشمند گذراندم. اولین انگیزه مهم و سرنوشت ساز طلبه شدنم؛ علاقه وافر پدرم به علماء و روحانیت بود. آن مرحوم هر ساله دهه آخر ماه صفر در منزلمان، عزاداری خامس آل عبا (علیهم السلام) را بر پا می کرد. آشنایی من با روحانیون اینگونه آغاز شد. همان وقت بعضی از آن عالمان راستین بنده را به آمدن در راه طلبگی تشویق می کردند. پدرم نیز نوع مواعظی را که از اهل منتبر می شنید برای ما بازگو می کرد؛ بدین ترتیب بنده عاشق طلبگی شدم و به ویژه بسیار به عرفان و فهم قرآن علاقه مند شدم.

این انگیزه ها در جانم بود تا بعد از طی کلاس ششم. روزی مغازه پدرم نشسته بودم که امام جماعت محلمان مرحوم «حاج آقا میرزا نصرالله زارعان» به انجا آمد و به پدرم گفت چند پسر داری؟ پدرم گفت: پنج پسر. ایشان گفت: دوست داری خمسش را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهی؟ پدرم گفت: حرفی ندارم. اگر همین «قدرت الله» تمایل داشته باشد او را ببرید. ایشان به بنده گفت: می آیی طلبه شوی؟ بنده که جانم منتظر جرقه ا ی بود فوراً گفتم: بلی. ایشان فرمود: فردا صبح هنگام بین الطلوعین برای درس عربی به منزل ما بیا. و این آغاز طلبگی من بود.

تحصیل در حوزه علمیه شهرضا: پس از درک حضور حاج آقا زارعان و تلمذ خدمت ایشان، محضر بزرگان دیگری چون: «حجت الاسلام حاج سید فضل الله حجازی» و دیگر علمای محلی، دروس مقدمات: (سیوطی، مغنی، معراج السعادهٔ، منطق کبری و قانونچه طب ابن سینا) را به پایان بردم. تابستان ها که مفسر، شاعر و عارف نامی مرحوم «محی الدین الهی قمشه ای» به شهرضا می آمد؛ بنده که از شعر و عرفان، تفسیر و حالات ایشان بسیار متأثر بودم؛ «فصوص فارابی» را محضرشان تلمذ کردم. از همان زمان بود که آتش عشق به عرفان، حکمت و اخلاق در جانم شعله ور شد.

حدود پنج سال در شهرضا و در حجره ای از مدرسه علمیه «حسینیه سادات» به سر بردم و در این میان گاهی به پدرم کمک می کردم تا آنکه اندک اندک عشق دارالعلم قم به دلم افتاد. اما کمیِ سن و تنگدستی مادی قدری مردّدَم کرده بود تا آنکه روزی به پیشگاه حکیم علی الاطلاق از قرآن مجید استخاره گرفتم که خوب آمد و عزمم جزم شد تا راهی دیار قم شوم. در همان اوان به محضر مقدس عارف واصل مرحوم «آیت الله حاج آقا رحیم ارباب» در اصفهان شرفیاب شدم و استشاره و استجازه کردم. ایشان دست الهی خود را بر سر بنده کشیده و دعا فرمود و مرا برای رفتن به قم و ادامه تحصیل علم و عمل به خدا سپرد.

اما تحصیل در قم: در حدود هفده سالگی به مدرسه رضویه قم که به نورانیت و برکت مشهور بود؛ رفتم و حدود هفت سال در آنجا به سر بردم. بعد از خواندن کتاب: «مختصر و مطول»، کتب: (فقه، اصول، منطق و حکمت) را شروع کردم.

نجفی کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۰(۱۱ شعبان ۱۳۳۹ ق.)، محله محتشم کاشان.

درگذشت: ۲۳ مرداد ۲۳۵۶، کاشان.

آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف

نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.

تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و...، از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.

آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۵۶ مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.

(۱۴۰۷ -۱۳۳۹) ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در ۱۳۶۱ ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌اللّه میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندرخانه‌ی کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».[۱]

شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان ۱۳۳۹ ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولـد شـده و در دامن مـادر عفیفه و صـالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظـل توجهـات والـد ماجـدشان که عالم ربـانی و آیت سـبحانی بود پرورش یـافته و در سـال ۱۳۶۱ قمری برای تحصـیل علـوم دینی به نجـف اشـرف عزیمت نمـوده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اخیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شـیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سـپس به درس خارج آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه حـاج سـید عبـدالهادی شـیرازی بهره‌منـد شـده و تـا مـدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشـش عجیب به درس و بحث و تـدریس اشـتغال داشـته و به قول بعضـی به انـدازه سـی سـال در این ده سال زحمت کشـیده و در تمام ایام حتی پنجشـنبه و جمعه و روزهـای تعطیلی دیگر مسـامحه در کـار درس و بحث ننمـوده تـا پس از این مـدت بر اثر خسـتگی زیـاد و کسـالت مزاج مجبـور به مراجعت به ایران شـده و به کاشان آمده و سـفری به مشـهد مقدس و بعد به اصـفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشـرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضـر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمـده و مـدت سه سال در قم مانده و از محضـر آیت‌اللّه العظمی بروجردی اسـتفاده و در آن هنگام بر اثر ضـعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصـرار مردم کاشان به وطن برگشـته و تا حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست به وظائف شـرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.

و ضمناً جزوه‌هائی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلا می‌نگارم.

۱- پیروان شراب ۲- لنگرهای زمین ۳- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.

۵- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت ۵- زمان چیست و چگونه می گذرد.

۶- اشـتباه عمدی ۷- صدق بزرگترین فضـیلت ۸- سـرانجام کافر ۹ و ۱۰ و ۱۱- یـک سلسـله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی ۱۲- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

معظـم لـه از همـان اول ورود به کاشـان شـروع به بحث و تفسـیر قرآن نمـوده که تـاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مـؤمنین و بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۶، س ۴، ش ۶، ص ۳۴ -۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۶ -۲۷۵/ ۶).

نجفی کاشانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی نجفی کاشانی اعلی اللّه مقامه یکی از علماء بزرگ معاصر کاشان بودند.

وی در مـاه رمضـان ۱۲۹۳ قمری متولـد شـده و مقـدمات و سـطوح را در کاشـان و اصـفهان و مـدتی هـم در قزوین خوانـده آنگـاه مهـاجرت به نجف اشـرف نموده و از محضـر درس بزرگـان حوزه نجف مخصوصـاً محضـر درس مرحوم آیت‌اللّه آخونـد خراسانی صاحب کفایه اسـتفاده و پس از چهار سال اقامت در نجف بر اثر عوارضـی به کاشان آمده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت نموده و مدت هفت سال دیگر اقامت داشته و در محضر درس بزرگان مخصوصاً آیت‌اللّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده می‌نمود سپس

به خواهش و اصرار جمعی از مؤمنین به کاشان آمده و در محله محتشم اقامت نموده‌اند.
ایشان گذشته از اقامه نماز جماعت اشتغال به تدریس و ارشاد مردم داشته‌اند در زهد و تقوی و قناعت نفس و در عفت و ورع و مناعت ضرب‌المثل بوده و در میان عام و خاص مشهور به نفسی مطمئن و دلی آرام با خضوع و خشوع و مهابتی عظیم داشت و فوق‌العاده مقید به آداب و رسوم دینی بود و حتی‌الامکان مستحبات را ترک نمی‌کرد و از مکروهات اجتناب می‌نمود و در امور دینی عجیب متعصب و متصلب بود.
در امر به معروف و نهی از منکر جدی و در مبارزه با خرافات و موهومات و روشن کردن مردم کوشا بود و ملامت لائمین او را از این کار بازنمی‌داشت (لا تأخذه فی اللّه لومهٔ لائم) در وعظ و ارشاد مردم کمتر مسامحه نمی‌کرد شب و روز و در هر موقع مناسب و در هر مجلس و محفل مردم را ارشاد می‌کرد و موعظه می‌فرمود و در این موضوع اصرار و پافشاری زیادی داشت به طوری که امکان نداشت در مجلسی که ایشان بود سخنان بیهوده و حرفهای متفرقه مجلس بزرگوار شود وقت را غنیمت شمرده و از فرصت حداکثر استفاده را می‌نمود.
در احیاء امر اهل‌بیت علیهم‌السلام جدیت و کوشش خاصی داشت و در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام ید طولا و اطلاع وسیعی داشت زندگیش از هر جهت بسیط و ساده و در زهد و قناعت و ورع و تقوا و مناعت در زمان خود کم‌نظیر بود.
مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی می‌فرمود هنگامی که آن مرحوم در نجف در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند حجره داشت و ما عده‌ای بودیم که کاملا- مراقب و مواظب احوال ایشان بودیم و بالا-خره طوری ایشان را شناختیم که با وجود نماز جماعتهای مهم در نجف با اصرار زیادی ایشان را می‌بردیم بالای بام مدرسه و وادار به نماز می‌کردیم و به ایشان اقتدا می‌نمودیم و گاهی در مواقع مناسب ما را با بیانی شافی و جذاب و مهیج موعظه می‌کرد.
و آن مرحوم در اثر تجربه و شناخت مزاج خویش از خصوصیات و عوارض مزاج خود کاملا اطلاع داشت که در طول عمر خود به طبیب و دکتر مراجعه نکرد و ابداً دوا و دارو نخورد به هیچوجه و این از عجایب احوال ایشان بود گاهی که عوارضی بر ایشان طاری می‌شد چون کاملا- آشنای به مزاج و عوارض مزاج خود بود عوارض طاریه را به وسیله غذای مناسب و پرهیز از غذای نامناسب علاج می‌کرد تا در سن هشتاد و یک سالگی در سال ۱۳۷۴ قمری در ماه مبارک رمضان دعوت حق را لبیک گفت و به جوار رحمت واسعه خدای متعال رفت خدا او را رحمت فرماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی. عالم فاضل، به درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی، و آخوند خراسانی حاضر شده، و سالها در اعتاب مقدّسه ساکن بوده، و در اواخر عمر به عللی به اصفهان مراجعت نموده، و قطع مراوده با مردم کرده، منزوی می‌زیست و فقط جهت اقامه ی جماعت ظهرها به مسجد شاه حاضر می‌شد.
در ۱۲۸۷ متولّد، و در ۸ ذی حجهٔ الحرام ۱۳۷۰ در اصفهان وفات یافته، جنازه به کربلا نقل شده، در یکی از حجرات صحن حضرت اباالفضل علیه السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید شمس‌الدین نجفی نجل مرحوم حجهٔ‌الاسلام آسید عبدالعظیم الحسینی کابلی از دانشمندان معاصر خراسان و عالم خدمتگذار و مروج فریمانست. وی در سال ۱۳۰۲ شمسی متولد شده و بعد از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف تکمیل و به درس خارج زعیم اعظم و مرجع اعلی آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّٰه حکیم و آقا سید محمود شاهرودی و حلی شیرازی و حاج سید جواد تبریزی کسب فیض نموده آنگاه به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ مسائل احکام در یکی از مساجد نجف اشرف پرداخته تا در سال ۱۳۸۲ قمری که به قصد زیارت حضرت ثامن‌الحجج (ع) به مشهد مقدس عزیمت و بنابر پیشنهاد و اصرار حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید نورالدین میلانی و حسب‌الاراده حضرت آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی مدظله برای ارشاد و هدایت مردم فریمان و حومه آن به فریمان رحل اقامت افکنده و تا حال تحریر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد نجفی از دانشمندان و نویسندگان عالی مقام معاصر تهرانست.

وی در دیماه هزار و سیصد و چهل و دو (۱۳۴۲) قمری در یکی از قراء خمین متولد شده و در سن هیجده سالگی شروع بتحصیل نموده و مقدمات و ادبیات را در اراک در تحت سرپرستی آیت‌اللّٰه حاج سید کاظم گلپایگانی از اساتید آنجا خوانده و بعد به تهران آمده و علوم مختلفه را از علماء مبرز تهران تحصیل نموده و برای تکمیل نمودن تحصیلات عالیه خود چند سالی سفر باعتاب عالیات نموده آنگاه در تهران اقامت و بوظائف روحی و تألیفات پرداخته است.

دارای تألیفات و آثار عدیده و ارزنده‌ای میباشد که مشروح آنرا می‌نگارم:

۱- لطائف الصلوه.

۲- مصابح الشیعه.

۳- فلسفه احکام اسلام.

۴- بهداشت اسلام.

۵- خواص خوراکیها و گیاهان از نظر اسلام و علوم جدید.

۶- ترجمه کتاب ملاحم و فتن- تألیف سید بن طاوس.

۷- ترجمه دیوان حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۸- ترجمه کتاب اثبات الوصیه تألیف مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب.

۹- ستارگان درخشان در شرح احوالات چهارده معصوم علیهم‌السلام- ۱۶ جلد.

۱۰- مصلح جهان. مهدی صاحب الزمان علیه‌السلام.

۱۱- ترجمه کتاب المهدی تألیف مرحوم آیت‌اللّٰه صدر.

۱۲- تلخیص و تحریر کتاب اختران تابناک.

۱۳- ترجمه جلد اول کنی و الالقاب محدث قمی در دو جلد.

۱۴- زندگانی حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۱۵- خوراکی‌های شفابخش از نظر امام جعفر صادق علیه‌السلام.

۱۶- جزوه‌ای درباره‌ی اصول و فروع و احکام دین.

۱۷- معالجات طبیعی بوسیله‌ی گیاهان.

۱۸- کتب دیگری که در مد نظر و آماده‌ی چاپ می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجم آبادی، میرزا ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه دانا و مجتهـد توانا ومدرس فقه مکتب اهل البیت(ع) مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال ۱۳۱۷ ق در یک خـانواده مـذهبی تولـد یافت.وی پس از آموختن و انجام مقـدمات علوم عربیه از صـرف و نحو و غیره در مـدرسه مرحوم حاج شیخ هادی ،شـروع به خوانـدن سـطح نموده ،منقول را خـدمت والد و نیز مرحوم حاج شـیخ مسـیح طالقانی (از بزرگان مدرسـین تهران و مـدرسه مروی بود) آموخت. .وی در سـال ۱۳۴۲ ق(۸۶سـا"ل قبل) در سوگ پـدر می نشـیند و پس از آ ن سـفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصـر نموده که در آن سـفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صـرف و نحو در مـدرسه مرحوم حاج شـیخ هادی شـروع به خوانـدن سـطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شـیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال ۱۳۴۲ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبـات عالیـات رهسپار می گردد و در نجف اشـرف به ادامه تحصـیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سـنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتیـد بزرگواری چون آیت الله حـاج میرزا حسن نائینی و ضـیاء الـدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نماید آن گاه با کسب اجتهاد در سال ۱۳۴۹ ق به تهران آمده و در محله سـنگلج و حسن آباد در مدرسه مسـجد جد بزرگوارش شیخ هادی نجم آبـادی – رحمه الله علیه– به تـدریس و رسـیدگی به امور دینی مردم می پردازد.نامبرده در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلابه سـرطان در شب جمعه ۲۴ ماه شعبان ۱۳۸۵ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبد ایشان در مسـجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حاج شـیخ کریم حائری در قم به خاک سپرده شد. گروه : علوم انسانیرشـته : الهیات و معارف اسـلامیگرایش : فقه و اصولوالـدین و انساب : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی فرزنـد برومنـد مرحوم شـیخ محمدتقی وجد بزرگوارش حاج شیخ هادی نجم آبادی از علمای مبارز این خاندان است. دکتر محمدعلی نجم آ بادی فرزند آیت الله نجم آبادی درباره شجره نامه

وزنـدگینامه فقیه دانـا چنین اشاراتی دارد: جـد ما اسـتاد باقر آهنگری در نجم آباد بود. به یمن همنامی او با باقر العلوم(ع) خـدا به او دوپسـر به نام های ابراهیم و مهدی باهوش وافر عطا می کند. پس از فوت پدر این دو به قزوین وسپس به اصفهان رفته و هر یک در زمان خود عالمی کامل و بالغ می شود. پس از اتمام تحصیلات برادر بزرگتر ملاابراهیم به قزوین برمی گردد و برادر کوچکتر حاج ملامهدی راهی مکه معظمه می شود. در سفری که فتحعلی شاه قاجار به قزوین می نموده و رسمش بر آن بود که جلساتی از علمای محـل برای بحث تشـکیل می داد.در این جلسه آخونـد ملاـابراهیم هم شـرکت داشـته است .شاه که او را از همه برتر شـناخته بود از وزیرش راجع به این جوان سوال می کنـد و او در جواب می گویـد: او از رعایای من است. شاه به تنـدی به او می گوید از امروز تو رعیت او هستی و برای او مـدرسه و مسـجدی در همان نجم آباد بنا نمود.میرزا عبـدالکریم اطاعت امر نموده و حوزه علمیه نجم آباد برپـا می شود و اخونـد ملاـ ابراهیم مشغول تـدریس و تربیت افراد منطقه می شود. در جنوب راه کرج به قزوین در نـاحیه ساوجبلاغ روستایی به نام نجم آباد قرار دارد که در قرون اخیر نقش بسزایی در پروراندن شماری از فقیهان فاضل و عالمان عامل داشته است. از تبارنامه خانـدان نجم آبادی برمی آیـد که دو برادر به نام آخونـد ملاابراهیم و آ خونـد ملامهدی نخستین حلقه های روحانی این خـانواده بوده انـد که این دو فرزنـدان اسـتاد بـاقر نجم آبـادی آهنگر بوده انـد.سومین فرد از این خانـدان شـریف مرحوم حاج میرزا ابوالفضـل نجم آبادی است.اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال ۱۳۱۷ ق در یک خـانواده مـذهبی چشم برجهـان گشوده است.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : حـاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در خاطراتش آورده است ":پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صـرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شـیخ هادی (میرزا عیسـی وزیر) ،بطوری که متاسـفانه بیش از قسمت های تخریب شده است ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیـخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسـین تهران و مـدرسه مروی بود) و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سـید نصـرالدین و مرحوم حاج میرزا سـید محمـد فاطمی قمی می آموزد. بعد از فراغت به قدر معمول از سـطوح شـروع به خواندن خارج کرده و در محضـر آسـید محمـد تنکـابنی که مردی فاضـل و متقی و از محققین و مدرسـین علمای عصـر بود تا سال ۱۳۴۲ ق ادامه داد."وی در سال ۱۳۴۲ ق(۸۶سـال قبل) در سوگ پـدر می نشـیند و پس از آ ن سـفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصـر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است .آنچه از سفرنامه ایشان برمی آید مبین آن است که علاقه وافری به تقریب مذاهب داشـته است.اما خیلی زود متوجه می شوند که اهل تسـنن به قدری از شـیعه و تفکرات شیعی دور نگه داشته شده اند که اصولا شـیعه را غیر مسـلمان می داننـد.و به جرات می توان گفت دید آنها نسبت به شیعه چه در اصول و چه در فروع بدبینانه و گاهی مغرضانه است ،که هرگز نسبت به یهود و نصاری چنین نگاهی را ندارند.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شـیخ هادی شـروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سـپس در سال ۱۳۴۲ق از تهران خـارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشـرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتیـد بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضـیاء الـدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصـلی از وی اظهارات رضایت می نمایـد آن گاه با کسب اجتهاد در سال ۱۳۴۹ ق به تهران آمـده و در محله سـنگلج و حسن آباد در مدرسه مسـجد جد بزرگوارش شـیخ هادی نجم آبادی – رحمه الله علـه– به تـدریس و رسـیدگی به امور دینی مردم می پردازد. فعالیتهای ضـمن تحصـیل : وی در طول اقانتش در نجف اشـرف ترجمه کتاب گران سـنگ المراجعات مرحوم سـید شـریف الدین عاملی را شـروع می کنندا‌سـتادان و مربیان : مرحوم نجم آبادی ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شـیخ مسیح طالقانی و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم

حـاج میرزا سـید محمـد فـاطمی قمی تلمـذ نمود. وی در مـدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشـرف و شـرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضـیاء الدین عراقی شـرکت می کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از اساتید هم دوره ای ایشان می توان به اختصار از مرحومیت آقای راشد ،اسـتاد اعصار،آقای علامه وحیدی،میرزا حسن شـیرازی،آقای لواسانی،شـیخ محمد علی طالقانی،سید حسین کاشانی ،ابن الدین،سید محمود طالقانی و غیره نام برد.همسر و فرزندان : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی پس از بازگشت از عتبات عالیات در سن ۳۵ سالگی با دختر عمه شان که از طرف مادری نوه حاج شیخ هادی و از طرف پـدری نوه حاج شـیخ باقر (برادر حاج شـیخ هادی) بودند ازدواج می فرماید. حاصل این ازدواج پنج فرزند بود که سه پسر و دو دختر که فرزند دوم پسر در ۴۰ روزگی فوت نموده و بقیه در قیـد حیاتند.وقایع میانسالی : مرحوم نجم آبادی در مدت اقـامتش در نجف اشـرف از دو خواهر ش هم نگهـداری می کرد.مادرشـان در نجف فوت نموده و در وادی السـلام نجف به خاک سپرده شـده است.وی پس از کسب درجه اجتهاد و همین طور از مرحوم آیت الله آقا سـیدابوالحسن اصـفهانی به نوشـته خودشان در سال ۱۳۴۹ ق به حکم اجبار به ایران مراجعت می فرماید.حکم اجبار این بود که چون تا آن زمان مدرسه و مسجد مرحوم حاج شیخ هـادی در تهران توسـط عموی شـان مرحوم حجت الاسـلام آقـای حاج شـیخ مهـدی نجم آبادی (ره) اداره می شـد و ایشان به علت مشـغله های دیگر و نیز امامت مسـجد منشور السـلطان قادر به ادامه نبود،به همین خاطر به مرحوم نجم ابادی مرقوم می دارد حال که تحصـیل شـما پایان یافته ،بهتر است به ایران بازگشته و وظایف شرعی خود در این جا و به خصوص در مدرسه و مسجد پدری ادامه دهید.وی پس از بازگشت از عتبات عالیات مدتی در شهر قم سکنی گزیده و در درس و بحث مرحوم ایت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضـر و با علمای زمان بیشتر آشـنا گردید در هیمن زمان بود که با حضرت امام دوست شده و این دوستی تا پایان عمر وی ادامه داشت.زمـان و علت فوت : آیت حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلابه سـرطان در شب جمعه ۲۴ ماه شعبان ۱۳۸۵ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبـد ایشان در مسـجد بالاسـر حضـرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حـاج شـیخ کریم حـائری در قم به خاک سپرده شـدمشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : آیت الله نـج آبادی در سال ۱۳۳۵ به مناسبت ولادت بـا سـعادت حضـرت علی(ع)، از طرف حضـرت العظمی بروجردی (ره) به دعوت شـیعیان پاکسـتان همراه هیئتی از جمله آیات شـهیدی،فرید گلپایگانی،سـید احمد شهرسـتانی،و خطیب شـهیر محمد تقی فلسفی (ره) عازم آن کشور شدند.فعالیتهای آموزشی : در سال ۱۳۲۷ (یعنی ۵۹ سال قبل) که مرسه عالی سـپهسالار پس از مدتی رکود به صورت اصلی خود در آمده و آغوش خـود را برای تربیت طلاـب بـاز کرده بـود ایشـان به مـوجب وقفنـامه آن مـدرسه و هم چنین به اشـارت حضـرت آیت الله بروجردی تـدریس فقـه و اصـول به ویژه مکـاسب و رسائـل شـیخ عظم انصـاری و شـرح منظـومه حکیم سـبزواری را در آن مـدرسه آغـاز می کنند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : کتابخانه مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی به مدرسه مروی اهدا گردیده است.همفکران فرد : دکتر نـاظرزاده کرمـانی در باره مرحوم نجم آبادی چنین اظهار می دارد: مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضـل نجم آ بادی ، ابوذروارزیست، اما فیلسوفانه اندیشید ، زندگی او ساده وقناعت مندانه اما اندیشه اش سخت خرد ورزانه و پیچیده بود. اسـتاد محمد شـریفی شـعری را در رثای مجتهد توانا آیت الله نجم آبادی سروده اند که به ابیاتی از آن اشاره می شود؛ کای بزرگان جهان هر که علی را بشـناخت از زبان حق این مرد ولایت بشنود و آنکه بر عید غدیر از دل وجان ایمان داشت او به رضوان خداوند به راحت بغنود آرا و گرایشـهای خاص : همان گونه که در طالیعه سخن آمد ،آن مرحوم علاقه وافری به تقریب مذاهب داشتند. در سال ۱۳۳۵ ش در معیت اجلاـ از علمـا من جمله خطیب توانا مرحوم فلسـفی-رحمه الله علیه- و به دسـتور آیت الله العظمی بروجردی سفری به پاکستان داشته و در کنفرانسی به مناسبت میلاد با سعادت حضرت علی (ع) شرکت می کنند. سخران جلسه از طرف هیئت ایرانی آقای فلسـفی بوده اند. در آن مجلس با شکوه قطعا فضایل مولا و اهداف عالیه اسلام و وحدت مسلمانان دنبال شده است. آن چه از مطـالعه در متـون تحریر آن مرحـوم به دست می آیـد تمایـل وافری از خـدمت به مردم در زنـدگی ایشـان به چشم می خورد.

مرحوم نجم آبادی دارای ملکات روحی الهی بودند و برای ایشان در اشاعه فرهنگ اسلامی فرقی بین زن و مرد نبوده است. شاهد کلام نامه تاییدیه ای است به کتاب خانم فاطمه بهرامی ،مهور به عالم تاج که درمجموعه مقالات فارسی (ص ۴۶۱) موجود است. شمه ای از نصایح اخلاقی ماج میرزا ابوالفضل نجم آبادی تقدیم حضور می شود: « بدان که اول شرط برای مجاهده در این مقام و مقامات دیگر که می توان منشاء غلبه بر شیطان و جنودش شود حفظ طایر خیال است.... گرچه این امر در اول قدری مشکل به نظر می رسد و شیطان و جنودش آن را بزرگ جلوه می دهند ،ولی با قدری مراقبت و مواظبت ،(به استعانت حق) امر سهل (و آسان) می شود... پس ای عزیز!فکر کن و چاره ای بنما و راه نجاتی و وسیله خلاص ازبرای خود پیدا کن و به خدای ارحم الراحمین پناه ببر و در شب های تاریک با تضرع و زاری از آن ذات مقدس تمنا کن که تو را اعانت کند و در این جهاد با نفس تا انشاء الله شوی و مملکت را رحمانی گردانی و جنود شیطان را از آن بیرون کنی و خانه را به دست صاحبش دهی ..» به دیدگاه آیت الله نجم آبادی ،بشر در فهم جهان پیرامونی ممکن است دچار چندگونه خطا شود. عواملی که ایشان به عنوان منشاء خطاهای اپیستمولوژیک می شمارند ،ما را به یاد" بت های چهارگانه "فرانسیس بیکن ،مهمترین فیلسوف دوران قرون وسطی می اندازد. این عوامل عبارت اند از : ۱–بسندگی به جهان محسوسات به جای رجوع به جهان معقولات ۲– توجه به ظواهر و آثار و غفلت از بواطن و اسباب پدید آمدن پدیده ها ۳– عدم رجوع به عقل و اصول و مبانی عقلانی در تجزیه و تحلیل منطقی رویدادها ۴– دخالت نفسانیات و عوامل فردی در ادراک امور و داوری درباره پدیده ها بر مبنای دو عامل عشق و کینچگونگی عرضه آثار : آثاری که از وی برجای مانده هشت جلد کتاب که شامل سه جلد در اصول و سه جلد در فقه و تقریرات و یک جلد مجموعه مقالات فارسی یا توحید نجم آبادی و جلد هشتم کتاب کشکول است. دو جلد کتاب المراجعات که یکی از کتب مرجع می باشد به تازگی از زیرچاپ در آمده وعلاوه برچاپ ده جلد کتاب، مقالاتی از وی نیز در مجله نور دانش به چاپ رسیده است. آثار : الاصول ۱ ویژگی اثر : کباحث الالفاظ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۲ الاصول ۲ ویژگی اثر : مباحث العقلیه ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۳ الاصول ۳ ویژگی اثر : لاستحصاب ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۴ الرسائل الفقهیه ویژگی اثر : جلد ۳،تقریر آیات اعظام آیت الله محمد حسین نائینی و آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ، ۱۴۲۱ ق۵ المراجعات ویژگی اثر : جلد ۱،تالیف آیت اللله علامه سید شرف الدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیت العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت،قم ،۱۴۲۸ ق۶ المراجعات ویژگی اثر : جلد ۲،تالیف آیت اللله علامه سید شرف الدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیت العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت،قم ،۱۴۲۸ ق۷ حاشیه المکاسب ویژگی اثر : جلد۱،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۱ ق۸ کتاب القضاء ویژگی اثر : جلد۲،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ، ۱۴۲۱ ق۹ کشکول ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت، قم ۱۴۲۳ ق۱۰ مجموعه مقالات فارسی (تفسیری،اعتقادی،تاریخی،اخلاقی و اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت،قم ۱۴۲۱ ق

منابع زندگینامه :زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی آِیه الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران ،فروردین ماه سال ۱۳۸۷

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق نجمی

محل تولد : براین- شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقهٔ الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه‌مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه‌مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.

دوران کودکی‌ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان، تنبیه الغافلین و ...) آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز» برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه، به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می

رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب: «سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه «آیت الله العظمی آقای بروجردی»: (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه «خیرات خان» و گاهی در مدرسه میرزا جعفر (داخل صحن مطهر) اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب: «سیری در صحیحین» چند ماه با اجازه «آیت الله العظمی میلانی» در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد. تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان «دین و دانش قم» تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم (با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس) در آن شرکت می نمودیم.

در دوران تحصیل از اساتید متعدّدی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره‌مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام:

۱- قسمتی از مغنی را از «شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی» در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطوّل را از درس «شیخ ابوالفضل علمایی سرابی» در قم و بخش دیگر آن را از «شیخ عبدالله نورانی» در مشهد مقدّس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای «صائینی زنجانی» و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد «شهید مفتح» فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم «شهید مطهری» که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و هم چنین از درس فلسفه مرحوم آقای «الهی»: (برادر علامه طباطبائی)، نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از «سید جواد خطیبی» که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای «جاج شیخ محمد حقی سرابی» فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از «آیت الله مشکینی» و بعضی از ابواب آن را از اساتید دیگر مانند: «آیهٔ الله سبحانی» فرا گرفتم. قوانین را از «آیهٔ الله موسوی اردبیلی» و بخشی از رسائل را از «آیهٔ الله مشکینی» و قسمتی دیگر را از آقای «سبحانی» و باب تعادل و تراجیح را از «آیهٔ الله احمدی میانجی» آموختم. بخشی مهم کفایهٔ الاصول را از «آیهٔ الله سلطانی» و بخش دیگرش را از آقای «مجاهدی» فرا گرفتم. در تفسیر ابتدا از «آیهٔ الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی» و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله خزعلی» بهره بردم. از حسن اتفاق، استاد «علامه حسن زاده آملی» در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس، با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم.

در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند: «میلانی»، «شیخ مرتضی حائری»، «گلپایگانی»، «داماد» و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام (ره)، خیلی

کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود. در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم: «برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و ...». گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب «و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدث» اشاره می کنم که در روی آوری این جانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است:

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه «ندای حق» و مجله «مکتب اسلام»، نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان‌گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان: «صبر از نظر اسلام» هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که: (اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید).

به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه «آیهٔ الله حاج شیخ عباس تهرانی» آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیه و به دستور «آیهٔ الله العظمی حجت» تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی، فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود؛ شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم. تقریبا در همان سال های اول ورودم به قم، دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند.

حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر انداز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی (کسروی، هژبر و رزم آرا) آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی (عامل مستقیم اعدام رزم آرا) از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب، فراموش نشدنی، شور انگیز و حرکت آفرین برای من بود. این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان

به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروهٔ الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است.

این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی، علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه (در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخنرانی ها و اعلامیه های صریح وی) موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

نخعی گلپایگانی، ریحان‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا ریحان‌اللّه نخعی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا زین‌العابدین مجتهد گلپایگانی از علماء و دانشمندان با فضل و تقوای معاصر تهرانست.

که در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال ۱۳۳۸ قمری به شهرستان عراق آمده و از محضر علماء حوزه عراق چون میرزا ابوالحسن عراقی و حاج میرزا محمدعلی خان و آخوند ملا محمدعلی گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ قمری سال تأسیس حوزه به قم مشرف و تا آخر عمر آیت‌اللّه المؤسس حایری حدود ۱۵ سال از محضرش فقها و اصولا کامیاب و بهره‌مند شده و پنج سال بعد از فوت آن مرحوم به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده و بعد از چند سال به قم مراجعت و از موقع ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از محضر و دروسش بهره‌برداری کرده و ضمنا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که بنابر تقاضای عده‌ای از مردم تهران عزیمت بمرکز نموده و در آن عاصمه رحل اقامت افکنده و در مسجد قلعه وزیر واقع در خیابان امیریه امامت و به ترویج دین و انجام وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید جناب آقای نخعی از علماء اصیل و ریشه‌دار و از دودمان سردار لشگر مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام جناب مالک اشتر صحابی جلیل‌القدر می‌باشد و بر این نویسنده هم حقی دارد زیرا مقداری از خیارات مکاسب را در نجف اشرف خدمت معظم له خوانده‌ام.

دارای طبع شعر و ذوق سرشاری می‌باشند و اشعاری در مدایح دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نصراللهی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نصراللهی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱۴

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.

با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت ۳۰ هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال ۵۷ به حوزه علمیه قم آمدم تا سال ۱۳۵۹. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال ۱۳۷۳ باز به قم مراجعت نموده و تا ۱۳۸۷ افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر ۷۷ خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شتافتم. بعد به لشکر ۵ نصر و همچنین لشکرهای ۲۷ رسول الله و لشکر ۸ نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصرآبادی نیشابوری، ابوالقاسم ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۶/ ۳۷۲ ق)، محدث، واعظ، صوفی و زاهد. اهل نیشابور بود و نسبتش به نصرآباد، محله‌ای در نیشابور می‌رسد. از بزرگان تصوف و عرفان و در انواع علوم متبحر بود. وی مرید شبلی و شاگرد ابوعلی رودباری و ابراهیم شیبان بود و با مرتعش و بوبکر طاهر ابهری و شبلی مصاحبت داشته است. از ابوالعباس سراج و ابن‌خزیمه و احمد بن عبدالوارث عسال و یحیی بن صاعد و محمد بن عبداللّه مکحول بیروتی و ابن‌جوضاء و جماعتی دیگر در خراسان و شام و عراق و حجاز و مصر حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوحازم عبدوی و ابوالعلاء محمد بن علی واسطی و ابوعلی دقاق و جماعتی از وی روایت نموده‌اند. در ۳۶۶ ق به مکه رفت و مجاور شد و همان جا درگذشت و در جوار فضیل بن عیاض به خاک سپرده شد. به آورده‌ی «ریحانةالادب» وی در قریه‌ی نصرآباد اصفهان، خانقاهی داشته که به تکیه‌ی میان ده نصرآباد معروف است و ظاهراً مدفنش نیز در همان جا می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۱۷۰ -۱۶۹/ ۶)، تذکرةالاولیاء (۳۱۹ -۳۱۱/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه/ ه)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (صفحات متعدد)، ریحانه (۱۷۷/ ۶)، سیرالنبلاء (۲۶۷ -۲۶۳/ ۱۶)، شذرات‌الذهب (۵۹ -۵۸/ ۳)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۸۸ -۴۸۴)، طبقات الصوفیه هروی (۵۲۵ -۵۲۴)، طرائق‌الحقائق (۵۴۱/ ۲)، العبر (۱۲۵/ ۲)، کشف المحجوب (۲۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، المنتظم (۴۱۲/ ۸)، النجوم الزاهرة (۱۳۳/ ۴)، نفحات‌الانس (۲۳۵ -۲۳۴)، الوافی الوفیات (۱۱۸ -۱۱۷/ ۶).

نصرتی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر نصرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۳۹ در روستای «حسین‌آباد پشت بسطام» از توابع شاهرود و در خانواده‌ای مذهبی، کشاورز و دامدار. قبل از آغاز تحصیلات کلاسیک در ۵ سالگی به مکتب‌خانه رفتم و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روستا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذراندم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشتم. دوره تحصیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.
در جلسات مذهبی شرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شریعتی آشنا شدم. در این زمان به

مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصیل به شهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان ادامه تحصیل دادم. در کنار دروس دبیرستان، فعالیت مذهبی با جمع‌های دانش‌آموزی را آغاز کردم و با اندیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای ۵۶ و ۵۷ در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.

در سال ۵۷ در کنکور علوم انسانی شرکت نمودم و در رشته «علوم سیاسی» دانشگاه تهران قبول شدم. ولی در عمل تا پیروزی انقلاب درس‌ها تعطیل گردید، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشگاه‌ها به دانشگاه وارد شدم و در جمع‌های مذهبی، همگام با انقلاب اسلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)

در سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت کردم و دروس علوم اسلامی را به صورت آزاد آغاز کردم. پس از بازگشایی دانشگاه با مشورت حضرت «آیت الله راستی» همزمان دانشگاه و حوزه را ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به حوزه درس مرحوم «سید منیر الدین حسینی شیرازی» پیوستم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مدت ۱۲ سال گذراندم و در سال ۱۳۸۳ در جهت تحقق فرمایش مقام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضت نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مدیریت آن را برعهده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل ذکری گذاشته است.

نصیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نصیری

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میرزاجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان:

«بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نظام العلماء، اسد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل صالح، در ۱۳۲۴ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون شده.

تاریخ وفاتش را سید محمّد نجف آبادی، شاعر و ادیب چنین گفته است:

اسد ثاو بأعتاب حمی

اسداللّه و خیر الاوصیاء

فبأعتاب علیٍّ ارّخوا

فاز واللّه نظام العلماء

پس از مرگ، شش پسر داشته که از آن جمله است:

اوّل: احمد خان، متوفّی در ۲۰ شعبان ۱۳۶۳.

دوّم: حمید خان، در ۲۶ ذی حجه ۱۳۶۳ وفات یافته، در صحن کربلا مدفون گردید از مردان سیاسی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام‌زاده فسائی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج شیخ محمود نظام‌زاده سبط علامه کبیر حاج میرزا محمود شیرازی عسکری و حفید عالم بزرگوار حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء فسائی می‌باشند.

در سال ۱۳۲۵ شمسی در سامری به دنیا آمده و دوران کودکی را در آنجا پشت سر گذارده و در خدمت والد ماجدش عزیمت به نجف اشرف نموده و دروس مقدماتی و ادبیات را در آن سامان به پایان رسانیده سپس در خدمت پدرش در سال ۱۳۴۶ شمسی به شیراز آمده و مدت شش سال اقامت و سطوح را در این شهرستان نزد اساتید و مدرسین خوانده و در سال ۱۳۵۲ شمسی مهاجرت به قم نموده است.

و در درس خارج مرحوم علامه نسابه فقیه اهل‌البیت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره و نیز آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی عافاه اللّه و ادام اللّه ظله شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ شمسی که والد بزرگوارش آیت‌اللّه حاج میرزا محمود نظام‌زاده رحلت نمودند و به فساء برگشته و به جای معظم‌له به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اسلامی و قضاء

حوائج برادران دینی اشتغال دارند. ادام‌اللَّه توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظری منفرد، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نظری منفرد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شـدم و پس از گذرانـدن (ادبیـات، دروس مقـدماتی، فقه و اصول) به نجف اشـرف در سـال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شـهر قم بازگشـتم و سـطح را به پایـان بردم. سـپس در آزمـون دارالفنون تهران در رشـته (معقول و منقول) شـرکت نمودم و قبول شـدم و پس از اتمام دروس سـطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شـرکت کردم و فلسـفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب سـاواک قرار گرفته و منجر به تعطیـل آن مجـالس گردیـد تـا پیروزی انقلاـب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آبـاده فـارس) به نماینـدگی مجلس شـورای اسـلامی انتخـاب گردیـدم و پس از اتمـام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نقوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمدتقی فرزند حاج سـید باقر نقوی از افاضل دانشـمندان و گویندگان معاصـر تهران است. وی در سال ۱۳۴۸ قمری در شهر قائن به دنیا آمـده و در بیت سـیادت پرورش یافته و مقـدمات را در قائن خوانـده، سـپس در سن ۱۶ سـالگی در سال ۱۳۶۴ قمری به مشـهد عزیمت نموده و در مدرسه ابدال خان اقامت و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری با تمام رسانیده و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مرحوم حاج سـید احمد مدرس یزدی و کفایه و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج میرزا حسین فقیه سبزواری آموخته و رسائل را از مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی فراگرفته و پس از آن به قم آمده و مدت یکسال اقامت و از محضر

آیات استفاده نموده و در سال ۱۳۶۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت هشت سال اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و حاج میرزا باقر زنجانی استفاده نموده و عمده فقه را از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم استفاده نموده و عمده اصول را از آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله آموخته و در سال ۱۳۷۶ قمری به ایران مراجعت و به زادگان خود قائنات رفته و مدت دوازده سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و در سال ۱۳۸۸ قمری مهاجرت به تهران نموده و به خدمات دینی و تبلیغ اسلام و ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی از طریق منبر و جلسات مذهبی پرداخته است دارای تألیفات و آثار ارزشمندی هستند که از نظر عزیزان می گذرانم.

۱- شرح نهج‌البلاغه در ۲۵ جلد که هفت جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط می‌باشد.

۲- شرح دعاء کمیل فارسی مطبوع.

۳- شرح خطبه فدک مخطوط.

۴- شرح دعاء عرفه فارسی.

۵- شرح خطبه غدیریه فارسی مخطوط.

۶- تفسیر قرآن که در دست تألیف دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نکونام، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت : نکونام گلپایگانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین علی نکونام گلپایگانی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در «سعید آباد گلپایگان» چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز بود و انس بسیاری با قرآن و نماز شب داشت؛ بطوری که بر قرآن تسلّط بسیاری داشت و هر آیه‌ای که می‌خواندند، سوره آن را می‌دانست. مادرش خانمی مجتهده و از خانواده‌ای روحانی بود. استاد نکونام در چنین خانواده‌ای بزرگ شد و پدرِ مادرش در شکل‌گیری شخصیت او سهم بسزایی داشته‌اند. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از فراگیری روخوانی قرآن مجید به دبستان رفت. او دروس دورهٔ دبستان را به پایان برد و سپس دروس دینی را آغاز کرد. ابتدا به حوزه علمیه اراک رفت و پس از سه سال (یعنی در سال ۱۳۴۰) به قم عزیمت کرد. هدف او از استقرار در قم بهره مندی بیشتر و بهتر از استادان و فرزانگان آن دیار عالم خیز بود.

او به سرعت دروس مقدمات و دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دورهٔ خود حضور پیدا کرد. در طی این سالها در درس اخلاق استادانی چون: «آقا سید حسین فاطمی» و «آقای حاج شیخ عباس تهرانی» شرکت جدی

داشت تا علم خود را با عمل توأمان سازد. استاد نکونام در طول دوران تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس ادبیات را در اراک در محضر استاد «رفیعی» و نیز منطق را در محضر استادان «رفیعی» و «احمدی» فرا گرفته بود. در قم در درس شرح لمعهٔ استادان حضرات آیات و حجج اسلام: «صلواتی»، «حرم پناهی»، «سید ابوالفضل موسوی تبریزی» و «علم الهدی مشهدی» حاضر شد و قوانین را نزد «آیهٔ الله اعتمادی» و کفایه را نزد آیات عظام: «فاضل لنکرانی» و «نوری همدانی» و نیز مکاسب را نزد «آیت الله خزعلی» آموخت. در بخش دروس خارج نیز سالها در درس فقه «آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» و درس اصول «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت کرد. در بخش علوم عقلی نیز در درس شرح منظومهٔ استاد «انصاری شیرازی» و درس اسفار «آیت الله جوادی آملی» حضور داشت.

ایشان در طی سالیان تحصیل با فضلای بسیاری دوست بود و دروس خود را مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان: محمدی گلپایگانی (مسؤول دفتر مقام معظم رهبری)، حسینی، رهبر و محمدی اشاره کرد. استاد نکونام در عرصه علم و فرهنگ، خدمات بسیار دارد. او سالها برای تبلیغ به شهرها و روستاهای مختلف کشور سفر کرده و مردمان بسیاری را با احکام اسلام آشنا ساخته است. او بیش از سی و پنج سال است که به تدریس دورهٔ سطح می‌پردازد و از این راه طلاب بسیاری را تربیت کرده که بسیاری از آنها خود، از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند.

وی از سال ۱۳۶۷ تاکنون در دانشگاه قم نیز به تدریس پرداخته است. همچنین وی سالها استاد راهنمای مدارج علمی شورای مدیریت برای پایان نامه نویسی بوده است و هم اکنون بیش از بیست سال است به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال دارد. استاد نکونام در انقلاب همواره از سیل خروشان ملت ایران در برقراری نظام اسلامی و تحکیم پایه‌های آن جدا نبوده و در مواقع نیاز انجام وظیفه نموده است. ایشان هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

نمازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند عالم ربانی و محدث خبیر و نویسنده بصیر حاج شیخ علی نمازی شاهرودی طاب‌اللّٰه ثراه. از ائمه جماعت تهران و افاضل عصر و زمان در عاصمه تشیع تهران می‌باشند.

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر چنان پدر بزرگواری مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه مشهد در محضر والدش و مدرسین دیگر خوانده و دروس جدید را هم در خلال دروس علمی دینی ادامه داده. آنگاه عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید آنجا چون آیت‌اللّٰه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده است.

و پس از ده سال اقامت از طرف دولت بعث عراق مانند صدها هزار نفر دیگر به ایران اخراج شده و مدتی در قم توقف و بعد به دعوت جمعی از مؤمنین تهران عزیمت به سوی آن شهر نموده و در ناحیه غرب تهران به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مضافا بر این وظائف اقدام به طبع و نشر پنج جلد مستدرک سفینه البحار (ج ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰) تألیف والد ماجدش نموده و منتشر ساخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نمازی، عبدالنبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالنبی نمازی

محل تولد : بوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـةالله عبدالنبی نمازی در سال ۱۳۲۴ در شـهر بوشـهر به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجةالاسـلام حاج شیخ احمد نمازی فرزند آیةالله حاج شـیخ حسین نمازی دشتی بود. مادرش نیز دختر مرحوم شیخ عباس از روحانیان استان بوشهر بود. پدر آیةالله نمازی، برای تبلیغ به آبـادان هجرت کرد و خانواده را نیز به همراه برد. آیـةالله نمازی پس از طی دوره دبسـتان، به حوزه رو آورد و پس از طی دروس ادبیات عرب در آبادان در سال ۱۳۴۱ به نجف اشرف عزیمت کرد و در مدرسه علمیه «بادکوبه» سکونت گزید. حال و هوای نجف و انوار تابناک مرقد امیر مؤمنان (ع) آثار شگرفی در روحیه او بر جا نهاد و او را بیش از گذشته شیفته علم و دانش کرد.

آیة الله نمازی پس از چند سال بهره‌مندی از آن شـهر مبارك و از اسـتادان وارستهٔ آن دیار، به قم مراجعت نمود تا از محضر عالمان آن دیار نیز بهره‌مند شود. در قم نیز به درس خارج بسـیاری از بزرگان راه یافت و در این میان از شـرکت در دروس فلسـفه و اخلاق نیز باز نماند. آیةالله نمازی در سالهای تحصـیل خود به محضـر علمای بسـیاری شـرفیاب شد. ایشان در نجف اشرف به درس علمایی چون: «آیـةالله حاج شـیخ محمـد حسـین موحـد نجف آبادی (ره)»، «آیةالله حاج شـیخ کاظم تبریزی (ره)»، «آیةالله حاج شـیخ صدرا بادکوبه‌ای (ره)»، «آیةالله العظمی سـید عبدالاعلی سبزواری (ره)» و «آیةالله حاج شیخ علی آزاد قزوینی» رفت. در حوزه علمیه قم نیز در درس خـارج فقه و اصـول: «آیـةالله العظمی حـاج شـیخ محمـد علی اراکی (ره)»، «آیـةالله العظمی حـاج میرزا هـاشم آملی (ره)»، «آیةالله العظمی حاج سید علی علامه فانی اصفهانی (ره)» و «آیةالله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره)» رفت و در دروس فلسفه: «آیةالله حاج آقا رضا صدر (ره)» و «آیةالله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی» حاضر شد.

آیةالله نمازی درسالیان متمادی، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او در مدت اقامت خود در نجف اشرف و پس از آن، همواره بر امر تدریس اشتغال داشته، کتب دروس مقدماتی و ادبیات عرب، لمعتین، معالم، را در نجف اشرف تدریس کرده و پس از مراجعت به قم نیز بارها کتب دوره سطح شامل: رسائل، مکاسب، کفایتین را برای طلاب مستعد تدریس نموده و از این رهگـذر، شـاگردان بسـیاری به مکتب امـام صادق (ع) تقـدیم کرده است. ایشان همچنین با تشـکیل جلسات تفسـیر، به مباحثه و مـداقه آیـات قرآن پرداخت که این جلسـات حـدود پنـج سـال به طول انجامیـد. او در طی آن سالهـا، تألیفات بسـیاری نگاشـته و در زمینه‌های گوناگون به پژوهش پرداخته است.

در کارنامهٔ زنـدگانی آیـةالله نمازی، فعالیتهای سیاسـی وی بیش از همه می‌درخشد. او از نخستین سالهای نهضت امام خمینی (ره)، همواره پشتیبان آن بوده و از هیچ کوششی در آن راه دریغ نورزیده است. او در زمان دستگیری امام (ره)، از شمار اجتماع کنندگان در مقابـل بیوت مراجع بود که خواسـتار اقـدام جـدی علمـاء، برای آزادی امام (ره) بوده‌انـد. در دورهٔ تبعیـد امام (ره) به عراق، جزء اسـتقبال کننـدگان از ایشان در کربلا بود و همواره مقیّد بود در نجف نمازهای ظهر و عصـر و مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع

عظیم‌الشأن اقامه کند. در ایران نیز در طی سالهای پیش از انقلاب، بارها به نقاط گوناگون کشور سفر کرد و به افشاگری دربارهٔ مفاسد رژیم پهلوی پرداخت که این مسأله موجب چندین بار احضار و بازجویی وی شد و گاه به زندان شدن وی می‌انجامید. او از کسانی بود که در آن سالها به این مسأله می‌اندیشید که اسناد تاریخی نهضت را نگهداری کند تا در بعدها، مورد استفاده نسل جوان قرار گیرد. از این رو با مرحوم «ربانی شیرازی» به گردآوری اسناد نهضت پرداخت.

آیهٔالله نمازی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، نیز برای استقبال از امام خمینی (ره)، از قم به تهران آمد و در بهشت زهرا استقرار یافت. سپس برای همکاری با اعضای ستاد انقلاب به ساختمان مدرسه رفاه رفت و از طرف آن ستاد، به پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی رفت. پس از آن نیز به یکی از سازمانهای ارتش رفت و سپس به جمع آوری و تحویل سلاح ها از مردم مأمور شد و از آنها در دانشگاه تهران بازدید کرد. بخشی از فعالیتهای سیاسی آیت‌الله نمازی پس از انقلاب اسلامی به قوهٔ قضائیه مربوط است. وی کار خود را در دستگاه قضایی با قبول سمت «حاکم شرع» در منطقه سرپل ذهاب و قصر شیرین آغاز کرد و در آن منطقه سرچشمه خدمات بسیاری شد. آیهٔالله نمازی بارها در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر شد و در یکی از عملیات جبهه جنوب، بر اثر بمباران سنگین شیمیایی، از ناحیه چشم و سینه مجروح شد. چندی بعد نیز درعملیات مرصاد بر اثر اصابت ترکش به سختی مجروح می گردد. او پس از آن نیز در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر می‌شد و همواره باعث شادمانی رزمندگان اسلام بود.

نواب صفوی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد و تکاپو

در ۱۷ مهر ماه سال ۱۳۰۳ در محلهٔ خانی آباد تهران به دنیا آمد. پدرش از سادات میر لوحی و مادرش از دودمان صفوی بود.شهید سید مجتبی نواب صفوی، ب سال (۱۳۰۳ ه.ش) هنگامی که رضا خان قزاق، رضاشاه می‌شد در جنوبی‌ترین منطقه‌ی تهران در محله‌ی خانی‌آباد، کوچه‌ی مسجد قندی، در یک خانواده‌ی روحانی دیده بر جهان گشود. نام اصلی او، سید مجتبی میرلوحی (فداییان اسلام، تاریخ عملکرد و اندیشه؛ خسروشاهی، سید هادی؛ تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ ص ۳۸. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، ناشر: منشور برادری، نویسنده سید حسین خوش نیت، چاپ زندگی، اسفند ۱۳۶۰.) بود. نواب، از طرف مادر به سادات شهر درچه‌ی اصفهان و از طرف پدر، به سادات میرلوحی منتسب بود.

پدر او مرحوم سید جواد میرلوحی، دانشمند و روحانی بود؛ ولی در اثر فشار حکومت رضاخان، مجبور به ترک باس روحانی شد؛ از طریق وکالت دادگستری، هم چنان به داد محرومان می‌رسید. پدر مرحوم نواب، در سال ۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ ه.ش، در اثر مشاجره‌ی لفظی با «داور»، وزیر عدلیه‌ی رضاخان، غیرت علوی‌اش به جوش آمد و یک سیلی نثار او کرد. در اثر این برخورد، سه سال از عمر شریفش را در زندان به سر برد. (نشریه‌ی ۱۵ خرداد؛ آذر و اسفند ۱۳۷۰، ش ۵ و ۶. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، ناشر: منشور برادری، نویسنده سید حسین خوش نیت، چاپ زندگی، اسفند ۱۳۶۰.).

شهید نواب صفوی، در نوجوانی پدر خویش را از دست می‌دهد و در منزل دایی‌اش، پرورش می‌یابد. دایی او، فردی به نام صفوی بود که در دادگستری کار می کرد؛ (ناگفته‌ها؛ خاطرات شهید حاج مهدی عراقی؛ تهران: انتشارت رسا، ۱۳۷۰، ص ۱۷.) لذا نام سید مجتبی میرلوحی، به سید مجتبی نواب صفوی مشهور می‌شود.

او، دبستان را در مدرسه‌ی حکیم نظامی طی می‌کند. دوران دبیرستان را هم در دبیرستان صنعتی که آن موقع مال آلمانها بود می‌گذراند؛ ولی همراه با علوم هنرستان، دروس حوزه را نیز در مسجدی در همان خانی‌آباد درس می‌گرفت. سرعت او در آموختن سطوح و پایه‌های علمی حوزه، بسیار سریع و عالی بود. در سال (۱۳۲۱ ه. ش) که درس او تمام می‌شود. از آن جا که رشته‌اش صنعتی بود، در شرکت نفت استخدام می‌شود. بعد از مدتی از تهران به آبادان نقل مکان کرده (همان، ص ۱۸.) و سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف عزیمت می‌نماید. در حدود ۵ سال در آن حوزه تا پایان کفایهٔ الاصول را نزد عالمان آن دیار فرا می‌گیرد. (مجله‌ی تاریخ و فرهنگ معاصر؛ خاطرات حجهٔالاسلام گلسرخی؛ زمستان ۱۳۷۰ سال اول، ش دوم.).

«... در سفر اول در اوایل جنگ شهریور ۲۰ جهت تحصیل به نجف اشرف مشرف شدم که حدود ۴ الی ۵ سال مشرف بودم و در این فاطمه یک مرتبه مادرم را آوردم و ۱۰ روز به زیارت بردم.

... یک روز هم بعد از قضیه مرکزی در زمانی که مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی رحلت کردند. به نجف مشرف شدم و مشغول تحصیل گشتم. یک سال تقریبا در نجف بودم و تقریبا ۷ الی ۸ ماه پس از فوت آقای «حاج میرزا ابوالحسن اصفهانی به تهران بازگشتم». (جمعیت فداییان اسلام و نقش آن در تحول سیاسی اجتماعی ایران، داوود امینی، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۱، ص ۵۱.).

با توجه به این که نواب در تهران همزمان با تحصیلات کلاسیک در مسجد قندی و مدرسه‌ی مروی درس می‌خواند و سپس به نجف اشرف رفت و نیز بنابر اظهارات دوستان وی که گفته‌اند او دارای نبوغ خاصی بود، می‌توان حدس زد که مایه‌ی علمی آن شهید سعید بسیار خوب بوده است، ضمن این که خواهیم گفت کسروی که اطلاعات فراوانی در زمینه‌های گوناگون داشت در مناظره با نواب مغلوب شد. مرحوم نواب پس از بازگشت از نجف به ایران، حدود ۱۰ سال در راه استقرار حکومت اسلامی به مبارزه پرداخت. سپس در سال (۱۳۳۴ ه. ق) به دست حکومت پهلوی، به درجه‌ی آرمانی شهادت نایل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

نواب، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میرزا محمّد باقر بن محمد بن محمّد باقر نوّاب. عالم فاضل، امام جماعت مسجد ذوالفقار، از شاگردان آقا میرزا احمد مدّرس، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی و جمعی دیگر بوده، در اوّل صفر ۱۳۶۶ وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نواب، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن نواب

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در سال ۱۳۳۷ در شهرضا (استان اصفهان) متولد شد. ایشان از دانش آموختگان مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) است که علاوه بر گذراندن دوره تخصصی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: «مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی»، «شبیری زنجانی»، «مظاهری اصفهانی» و «شیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسی: (مذاهب اسلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعهٔ الزهراء، دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاههای تهران تدریس داشته و دارد.

ایشان در دوران دفاع مقدس مسئولیت و خدمات فراوانی را عهده‌دار بوده و در دوران سازندگی و اصلاحات، عمدتاً در دو نوع مسئولیت خطیر فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور و فعالیت‌های خدماتی در داخل کشور مشغول به خدمت بوده است: «معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسئولی فصلنامه هفت آسمان» از جمله خدمات فرهنگی ایشان است. در بخش خدماتی، اقدام ماندگار ایشان «راه‌اندازی و مدیریت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» می‌باشد.

جناب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» که دل مشغولی اصلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعات مذاهبی به شیوه علمی و بی‌طرفانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصا و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامل مثبت و سازنده ی ادیان و مذاهب گوناگون می‌باشد. «تربیت ده‌ها طلبه فاضل آشنا با دیگر ادیان و مذاهب با مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از ۲۱ هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار ۲۷ شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دستاوردهای ایشان در یک دهه گذشته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب می‌باشد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسلامی در مرکز ادیان می باشد.

نوبری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر نوبری از علماء معاصر تبریز و فضلاء حوزه مرحوم آیه الله العظمی و العلامه الکبری سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله می‌باشد.

وی در محله نوبر تبریز در روز ۱۷ ربیع المولود ۱۳۳۴ ق که مصادف با روز میلاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام

جعفر صادق علیه‌السلام است تولد یافته و بدین مناسبت موسوم به (محمد جعفر) گردیده و پس از تکمیل مقدمات در تبریز در آخر جمادی الاول ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نموده و از محضر اعلام قم چون آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم علامه ادیب تهرانی سطوح را استفاده و به پایان رسانیده و در درس خارج آیت الله العظمی حجت قدس الله سره و آیت الله محقق خونساری و مدت کوتاهی مرحوم آیت الله صدر و آیت الله آقا میرزا رضی مجتهد تبریزی بهره‌مند شده و به مراتب عالیه رسیده است.

آقای نوبری تا سال ۱۳۷۵ ق در قم به تدریس و تکمیل مبانی علمی اشتغال داشتند و پس آز آن مراجعت به تبریز نموده و تاکنون به اقامه جماعت و ایفاء وظایف و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نورمحمدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا علی نورمحمدی تهرانی از علماء مبرز معاصر تهرانست که در مسجد انصار واقع در خیابان هدایت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در شب بیست و هشتم ماه مبارك رمضان سال ۱۳۲۸ ق در قریه حصار بوعلی نیاوران شمیران بدنیا آمده و پس از پرورش و گذراندن دوران کودکی مدتی در مدرسه نیاوران بتحصیل پرداخته و بعد مدتی در مدارس تهران دروس جدید را خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۴ ق به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینیه نموده در عصر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و بعد از یکسال سطوح مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللَّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و نیز مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللَّه فیض استفاده نموده و بعد از ورود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حجت دو دوره و نیم از خارج اصول را در خدمت آن مرحوم باضافه خارج مکاسب و خارج صلوه تلمذ نموده و هم نصفی از دررالاصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ ق از قم به تهران بر گشته و مدت سه سال در قریه حصار بوعلی شمیران اشتغال بنشر احکام و امامت داشته و بعد از آن مدتی در سه راه سپهسالار مسجدی مسجد بی‌بی اشتغال داشته و بعد از مدتی مقداری توسعه به آن مسجد داده و هم اقدام بساختمان مسجد دیگری در خیابان هدایت چهارراه صفی علیشاه بنام مسجد انصار با همت و مساعدت بعضی از اهل محل نموده و آن مسجد بی‌بی را بجناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی نموده و خود در مسجد مزبور (انصار) به خدمات دینی و ترویجات مذهبی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نورمحمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱۸

زندگینامه علمی

در هیجدهم فروردین سال ۱۳۳۳ در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال ۱۳۴۸ جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.

تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:

۱- خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.

۲- علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.

۳- آداب سلوک و شیوه علم ورزی.

۴- نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.

۵- منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.

۶- عدالت در قرآن و روایات.

۷- جایگاه عترت در قرآن و روایات.

۸- توکل در قرآن و روایات.

۹- تنها راه وحدت عملی مسلمین.

۱۰- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.

۱۱- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.

۱۲- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.

۱۳- هدایت در قرآن.

۱۴- موضوع بندی ۱۸ جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.

۱۵- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.

۱۶- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.

در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:

۱- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست

یافتم.

۲- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.

۳- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۴- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه ۲ کشور مفتخر گردیدم.

اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.

۲- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.

۳- حاکم شرع مبارزه با مفاسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.

۴- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.

۵- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.

۶- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۷- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۸- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.

۹- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.

۱۰- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.

۱۱- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و تب علینا انک انت التواب الرحیم و السلام)

نوری فرد، نورعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورعلی نوری فرد

محل تولد : روستای طرزم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نور علی نوری فر فرزند لطف الله در سال ۱۳۱۱ در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال ۱۳۲۸ وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور ۳۳ وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل نوری

محل تولد : کهریز زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول و ...» مشغول گردید.

در سال ۱۳۵۴ پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزبه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال ۶۰ به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.

استاد نوری در سال ۱۳۷۱ جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک سطح ۴ (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۷ پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تایید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و

در سال ۷۹ نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر دریافت نموده و در حال حاضر به عنوان مدیر گروه آموزشی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می کند.

نوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا حسن بن العالم العلام و ملاذالانام مرحوم حاج شیخ ابراهیم نوری از افاضل دانشمندان حوزه‌ی علمیه و اصحاب مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر همدان در خانواده علم و کمال تولد و در مهد فضیلت پرورش و پس از رشد دروس مقدماتی و ادبیات را خدمت والد بزرگوارش خوانده و قسمتی از سطوح اولیه را در مدرسه آخوند همدان آموخته آنگاه به قم مهاجرت و سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمری حاضر شده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی معروف به آقای داماد استفاده کرده و پس از ورود حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر حیات آن جناب بالغ بر ۱۸ سال درک فیض از ابحاث فقه و اصول معظم نموده و نیز سالهای متمادی از دروس و تحقیقات آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی اطال‌الله بقاه بهره‌مند و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج معارف اسلام پرداخته مخصوصا در حسینیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در ایام مناسب وفیات و سوگواریها افاده می‌فرمایند بیانی شیوا و تحقیقاتی دقیق در تواریخ و اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند.

استاد نوری آثار و خدمات ارزنده‌ای دارند که از آنهاست:

۱- مکتب ولی عصر عجل‌الله فرجه که تحت برنامه‌ای تربیت جوانان و روشنفکران می‌نمایند.

۲- تنظیم فهرست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله.

۳- تالیفات و تصنیفات در رشته‌های مختلف که متاسفانه از تعداد و اسامی آنها بی‌اطلاع هستم زیرا ده‌ها بار مراجعه کردم و پیام دادم و وعده هم فرمودند که مرقوم دارند ولی در اثر گرفتاریها مرقوم ننمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابوالقاسم، فاضل و واعظ کامل، در ۱۰ رجب ۱۳۳۵ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی شهشهانی] مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نوری، عبدالنبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالنبی نوری- ره- عالمی بزرگوار و مجتهدی عالی مقدار و نابغه‌ی در فقه و اصول و محققی در معقول و منقول و متبحری در فنون مختلف و از مراجع بزرگ زمان خود گردیده است.

وی در نور که از مضافات آمل است دیده بجهان گشوده و بعد از بلوغ به تهران مهاجرت و اولیات و سطوح را معقولا و منقولا تکمیل نموده و مهاجرت بعتبات عالیات کرده و از محضر علماء و بزرگان آن سامان استفاده نموده آنگاه بسامرا مشرف و ملازم ابحاث آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت پنج سال گردیده و پس از آن به تهران مراجعت و در محله‌ی (عودلاجان) رحل اقامت افکنده و به مراسم ارشاد و تدریس و اقامه جماعت در مسجد (پیره زن) اشتغال یافته و پس از آن منتقل بسرچشمه شده و مومنین مسجدی در اواسط خیابان سیروس نزدیک سرچشمه برای او بنا نموده (که اکنون بنام آن مرحوم معروف است) و در آنجا به اقامه جماعت و تدرس خارج فقه و اصول برای فضلاء و علماء تهران و موعظه مردم پرداخته تا در بیستم محرم‌الحرام ۱۳۴۴ قمری که برحمت حق واصل و جنازه‌اش از نیاوران شمیران که در دو فرسخی تهرانست بر دوش مردم بشهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام محازات قبر مرحوم علامه کنی مدفون گردید.

از مراجع بزرگواری که بدرس ایشان شرکت نموده است سید استاد ما حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله العالی میباشند که حدود یکسال بدرس فقه و اصول ایشان شرکت و از جامعیت و مقام علمی و تبحر در فقه و اصولشان فوق‌العاده تمجید و تعریف می‌نمایند.

پس از فوت آن مرحوم فرزند ارجمندش جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج شیخ بهاءالدین نوری بجای ایشان قرار گرفته و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت نموده و بخدمات دینی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محد بهبهانی سابق‌الذکر و یکی از مشاهیر و محترمین علماء معاصر تهران و محترمین دانشمندان مرکزند، غالب تحصیلات ایشان در تهران در خدمت مرحوم والدشان و مدرسین بزرگ دیگر بوده و خود سالها بتدریس فقه و اصول و اصلاح امور مردم و قضاء حوائج آنان اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن الزکی الصالح مرحوم حاج میرزا اسماعیل نوری از افاضل دانشمندان معاصر و مشهور به علامه نوری می‌باشند.

وی در حدود ۱۳۴۵ قمری متولد و در بیت تقوا و دیانت تحت تربیت صحیح پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و قدیمه پرداخته و متون فقه و اصول و منطق و فلسفه و حکمت را از مدرسین بزرگ تهران فراگرفته و علوم نظری و تحلیلی را از آیات عظام و فقهاء کرام استفاده نموده تا به مدارج عالیه و مقام استادی رسیده و خود به تدریس علوم پرداخته است.

استاد علامه نوری امروز یکی از مفاخر دانشمندان تهران محسوب می‌شود دارای تألیفات عدیده در علوم مختلف می‌باشد که قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمت دیگر آماده برای طبع و نشر می‌باشد.

از تألیفات و آثار ارزنده و گرانقدر معظم له که کراراً به طبع رسیده کتب زیر است.

۱- اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام چهار مرتبه چاپ و منتشر شده

۲- حقوق زن در سالام و جهان در ۴۲۰ صفحه به قطع معمولی شش بار چاپ شده است.

۳- فلسفه انقلاب حسین علیه‌السلام با متن عربی آن به قلم ایشان در ۲۸۰ صفحه

۴- خداشناسی و افکار روز سه بار چاپ و منتشر شده است.

۵- تحقیق در آئین یهود و مسیحیت چاپ سوم با تصرفات جدید به قلم معظم له

۶- تحقیقی کوتاه درباره شیعه چاپ دوم

۷- سیستم حکومت اسلامی چاپ سوم

۸- ستارگان فروزان به قطع وزیری در تاریخ علوم ادبی و منطق و تراجم ادباء چاپ اول.

۹- متونی از معارف اسلام به قطع معمولی.

۱۰- مضافاً بر کتب یاد شده رسالات و حواشی و مقدمه‌هائی بر آثار مختلف علمی به طبع رسیده است.

۱۱- تفسیر کامل و جامع قرآن در دو زبان آماده طبع می‌باشد.

نگارنده گوید: علامه نوری گذشته از مقامات علمی و اطلاعات وسیع در علوم مختلف دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و سجایای حمیده می‌باشد و علاوه بر کرسی تدریس جلسات عدیده سخنرانی در بعضی از هیآت مذهبی مانند هیئت محترم محبان الائمه علیهم‌السلام در شبهای شنبه در خیابان زیبا دارند که پس از اقامه جماعت با بیانی رسا و منطقی سودمند برای صدها نفر از همه طبقات مخصوص نسل جوان و روشنفکران بیان معارف اسلام و مبانی اخلاق می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نوغانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمدرضا نوغانی خراسانی از وعاظ نامی و خطباء سامی و افضال سلسله اهل منبر و مبرزین گویندگان خراسانست و در مشهد و تهران و کاشان و گیلان و بالاخص کویت از راه منبر و سخنرانی خدماتی انجام داده و منشاء آثار بزرگی گردیده است. استاد نوغانی در مشهد متولد شده و پس از رشد و دروس جدیده به تحصیل دروس قدیمه پرداخته و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح را نزد مدرسین بزرگ تکمیل نموده و به درس خارج آیت‌الله العظمی میلانی شرکت کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله فقیه سبزواری و آیت‌الله کفائی و دیگران استفاده نموده و چند سالی برای تبلیغ و ترویج دین به کاشمر اقامت نموده و در آنجا با آیت‌الله امامی کاشمری وصلت کرده و بعد از چندی به مشهد مراجعت و به افاده و افاضه پرداخته است در سفری که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در سال ۱۳۸۳ به مشهد نمودند و بنده در خدمتشان بودم و آن استقبال عجیبی که با آن شرایط سخت و ممانعت شدیدی که از معظم‌له شد در تاریخ مشهد کم‌سابقه بوده و استاد و نوغانی خطابه‌ای در موقع ورود آیت‌الله به منزل حضرت آیت‌الله العظمی میلانی مدظله خوانده و تبریک وروده بالحن بسیار داغ و پرحرارت و مهیجی گفته که

عموم مردم را به گریه درآورد و تحریک احساسات و عواطف مردم نمود راستی چنین خطابه و سخنرانی کمتر شنیده بودم
استاد نوغانی چند سالی متوالیا بنابر دعوت شیعیان و ایرانیان مقیم کویت به آن سامان مسافرت کرده و حقایق اسلام را با منطقی بلیغ بیان می‌کرده ولی چند سالی است که به واسطه کثرت مشاغل کمتر به خارج مسافرت می‌کند ادام‌الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوغانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، مشهد.

درگذشت: ۱۵ آبان ۱۳۷۱، مشهد.

آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.
در تابستان سال ۱۳۳۳ آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجهٔ) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوقانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن

تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌اللّه سید عباس شاهرودی فراگرفت. در ۱۳۲۷ ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چو آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه میرزا عبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌اللّه حاج آقاحسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکته قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می‌باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله‌ی نوقانی»؛ «دو مقاله‌ی نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی.[۱]

علی‌اکبر نوقانی رضوان‌اللّه علیه اصلا از ایل جلابر و از احقاد مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالها در کلاتِ نادری ساکن بوده‌اند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسی از بزرگان اخبار و صلحاء مشهد مقدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی‌خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی‌خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند.

غالب افراد خاندان جلیل نوغانی مخصوصا اجداد فقیه سعید به زیور فضل و کمال آراسته و حاج محمد زمان خان بن کلعلی خان جلایر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.

مرحوم میرزا نوقانی در سال ۱۳۰۰ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال ۱۳۲۷ قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مازندرانی در سال ۱۳۳۰ قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّه نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندل و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادتمند نموده است.

مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر وعظ و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیقه تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.

آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲- سه مقاله نوغانی ۳- دو مقاله نوغانی رد مایون ۴- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.

دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.

مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول ۱۳۷۰ قمری به عارضه سکته از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۶۴ / ۱۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۵۳ -۳۵۴۳ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۸ -۱۸۴/ ۷).

نهاوندی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ جعفر نهاوندی از علماء معاصر گذشته تهران بوده که مدت بیست و سه سال در نجف اشرف اقامت داشته و از محضر علامه خراسانی صاحب کفایه و علامه‌ی یزدی صاحب عروةالوثقی و دیگران استفاده نموده تا بدرجه‌ی علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به تهران منتقل و اول در مسجد فاضل خلخالی و بعد در مسجد سپهسالار ناصری امامت نموده و ضمنا تدریس فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۶۵ ق که در تهران وفات و حمل به قم و در قبرستان حاج شیخ در مقبره دربندی مدفون شده‌اند.

از آثار ایشانست: ۱- اضاعه الشبهه فی صلوه الجمعه. ۲- شرح بر رساله نجات العباد در دو جلد. ۳- اشعاری در مراثی آل عصمت علیهم‌السلام که از آنست ابیات زیر:

زبان حال حضرت زینب (ع)

آفتابا بر زمین جای تو نیست

خار و خاشاک است مأوای تو نیست

از چه سر بر نیزه و تن بر زمین

ای عزیز من چه کرده این چنین

دست تو بوسم روم سوی سفر

من بیا این راه پویم تو بسر

خواست تا دستش بوسد آن پری

دید نه انگشت و نه انگشتری

گفت عزیز من بمیرت خواهرت

ای سلیمانم چه شد انگشترت

از ثمرات اوست فرزند فاضل و برومندش آقای حاج شیخ باقر واعظ نهاوندی که در تهران تولد و در مهد تربیت چنین پدری

پرورش یـافته و دروس جدیـد را تـا سـیکل اول خوانـده و به دروس قـدیم اشـتغال و در سـال ۱۳۲۵ شمسـی با درجه‌ی لیسانسـیه در رشته‌ی منقول موفق و فعلا در رشته‌ی تدریس و تبلیغ اشتغال دارند.

تألیفات عدیده‌ی دارد که از آنها است:

۱- بزرگترین مدرک شیعه (مکالمات مامون با علماء سنت).

۲- فرستاده خدا در نبوت پیغمبر آخر زمان.

۳- قائم بحق بقیۀاللّه در حالات امام زمان عجل اللّه فرجه.

برادران ارجمندی دارد که از اعاظم علماء اکابر و مدرسین بوده‌اند به اسامی زیر:

۱- مرحوم مبرور حجۀالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی

۲- مرحوم مبرور حجۀالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی مدرس نهاوندی معروف بچین ری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نیری

محل تولد : همدان

شهرت : نیّری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی نیّری همدانی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در منطقه‌ای در ۱۲ فرسخی همدان به دنیا آمد. پدرش که مردی با فضیلت بود، به کشاورزی اشـتغال داشت. او از بزرگان به شـمار می‌آمـد و در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بود و نقش بسـزایی در تربیت فرزنـد خود و تشویق او به تحصـیل علوم دینی ایفـا کرد. ایشـان تحصـیلات خود را از مکتب خـانه آغاز کرد و در آن مرحله ضـمن فراگیری قرآن مجیـد، از کتبی چون «کلیله و دمنه و گلسـتان سـعدی» بهره برد و «زبـان و ادبیات» خویش را انسـجام بخشـید. سـپس برای فراگیری دروس حوزوی، به همدان رفت و در مدتی کم، دروس مقدمات و بخشـی از دروس دورۀ سـطح را به پایان برد. پس از آن برای بهره مندی از محضـر اسـتادان فرهیخته، به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه علمیه دارالشفاء مستقر شد. او در آن زمان بخشی از «معالم» را خوانده بود. از این رو به تکمیل باقی مانده آن و اتمام دروس دورۀ سطح در زمان اندک رو آورد.

بـا پایـان یـافتن دروس دورۀ سـطح، به دروس خـارج فقه و اصول اسـتادان مشـهور حوزه علمیه قم، از جمله آیـات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و محقق داماد (ره)» راه یافت و سالها از محضـر آنان بهره‌منـد شـد و در ضـمن آن از فراگیری علوم عقلی نیز غافـل نمانـد. او در طی این سالهـا همواره درسـهای اخلاق اسـتادان خود شـرکت می‌جست تا علم خویش را به زیور عمل بیارایـد و خود را برای نهضتی عظیم که بر عهدۀ عالمان و اندیشمندان اسلامی است؛ آماده سازد.

آیت الله نیّری در سالهای تحصـیل خود از محضر استادان بسیاری بهره‌مند شد. او بسیاری از دروس مقدمات را در همدان در محضر

برادر خود «آقا میرزا عبدالغنی نیّری» و آقای «رازینی» فرا گرفت و در درس لمعهٔ آقایان: «حاج سید مصطفی هاشمی» و «سید جمال الدین افتخاری» شرکت جست. با ورود به قم به درس مطوّل «آیت الله مشکینی» و درس شرح لمعه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)» و «آیت الله شهید صدوقی(ره)» رفت و پس از آن به درس رسائل «آیت الله مشکینی» و درس کفایه «آیهٔ الله آقا شیخ عبدالجواد سده‌ای اصفهانی (ره)» و «آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)» و مکاسب حضرات آیات: «حائری (ره) و مشکینی» راه یافت.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، اراکی (ره)، محقق داماد (ره)، گلپایگانی (ره) و شیخ عباسعلی شاهرودی» رفت و عمدهٔ مبانی اجتهادی خویش را در محضر آنان فرا گرفت، هر چند در درس خارج دیگر استادان نیز شرکت می‌کرد. در بخش علوم عقلی نیز ابتدا به درس منظومه «آیت الله منتظری» و سپس به درس اسفار «آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» راه یافت.

او در سالهای تحصیل خود با علماء و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان به آقایان: «ثابتی، عراقچی و موسوی همدانی» اشاره کرد. او بسیاری از دروس پیش آموخته را با آنان مباحثه می‌کرد. آیت الله نیّری در عرصه فرهنگی حضور مؤثر و مستمری داشته است. او سالها در حوزه علمیه قم به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سطح پرداخته، شاگردان بسیاری را به مکتب اسلام تقدیم نموده است.

از جمله فعالیتهای او در این عرصه، تدوین دورهٔ پنج جلدی «مجمع المسائل؛ حاوی استفتائات از مرجع عالی قدر آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» است که از آثار شگفت و در خور تحسین است، این کتاب با همت وی و برخی دیگر از استادان حوزه علمیه قم تهیه شده است، او پس از رحلت آن عالم ربّانی، به دفتر «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی» راه یافت و سالهاست که به پرسش‌های شرعی مردم پاسخ می‌گوید. آیت الله نیّری که از شاگردان امام (ره) محسوب می‌شود، سالها در راه نهضت پیر مراد خود «امام خمینی (ره)» به مبارزه پرداخت که از جمله آنها می‌توان به سخنرانیهای او در اطراف رفسنجان اشاره کرد. این سخنرانیها خشم ساواک را برانگیخته بود. او به همراه استاد «ثابتی» و با دستور آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به دیدار تبعیدشدگان در رژیم طاغوت شتافت که از جمله آن دیدارها: دیدار با مقام معظم رهبری که در آن زمان در ایرانشهر در تبعید بودند می‌باشد. آیت الله نیّری هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم است.

نیشابوری، ابوالقاسم فضل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۳ ق)، مسند، محدث و واعظ. از ابوحسین خفاف و ابوحسین علوی و عبداللّه بن یوسف اصفهانی و ابن‌محمش و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابن‌طاهر و زاهر شحامی و محمد بن اسماعیل شاماتی و ابوطالب محمد بن عبدالرحمان کنجرودی و سعید بن حسین جوهری و حسین بن علی شحامی و محمد بن اسماعیل بن احمد مقری و ابواسعد بن قشیری و ملیکه بنت ابی‌الحسن فندورجی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی گوید وی صاحب کتابی در وعظ می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۳۸۰ -۳۷۸/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۴۳/ ۳)، العبر (۲۳۳ -۳۳۱/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۷۰/ ۸).

نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۷/ ۴۰۶ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعد یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفرایینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاهت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع»؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والنذارة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۵۱ -۳۵۰/ ۲)، تاریخ بغداد (۴۳۲/ ۱۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۹)، تذکرة الحفاظ (۱۰۶۷ -۱۰۶۶/ ۳)، سیرالنبلاء (۲۵۷ -۲۵۶/ ۱۷)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۲۹ -۲۲۸/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۲۳ -۲۲۲/ ۵)، العبر (۲۱۴/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۴۷، ۱۰۴۵، ۵۱۴، ۲۴۵)، لب‌اللباب (۲۸۱/ ۱)، معجم‌البلدان (۴۱۳ -۴۱۲/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۱۸۹ -۱۸۸ ، ۱۰۸/ ۶)، المنتظم (۱۴۶/ ۹)، هدیةالعارفین (۶۲۵/ ۱).

نیشابوری، جمال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۴ ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در ۷۲۱ ق وارد مصر شد و از حجار حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن‌عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات‌الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (۲۸۵/ ۶)، کشف‌الظنون (۴۱۸)، معجم‌المؤلفین (۲۵۳/ ۱۱).

نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مروی نیشابوری عالمی جلیل و بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی و علامه یزدی و عدیل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری صفائی قمی بوده که پس از پایان تحصیل به وطن برگشته و به وظائف دینی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته.

و چند نفری از مبلغین فرقه ضاله اسماعیلیه را که در اطراف نیشابور اضلال مردم نموده و تبلیغ مرام باطل آقاخانی‌ها را می‌نمودند.

پس از نصیحت و موعظه فراوان که متنبه نشدند خود شخصا به قتل رسانیده و مجازات نموده است.

وی پس از ۱۳۶۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیکخواه، خیرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خیرالله نیک خواه

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خیرالله نیک خواه متولد سال ۵۲ شهرستان رودسر در سال ۵۹ وارد دبستان شدم تا سیکل را ادامه دادم بعد وارد حوزه علمیه شهرستان لنگرود شدم. بعد از یک سال (۶۸ – ۶۷) به عنوان مبتدی در امتحان ورودی شرکت و قبول شدم. در حین تحصیل حوزه، دروس کلاسیک را به صورت متفرقه خواندم و دیپلم را اخذ نمودم. بعد از گذراندن دوره سطح، در دانشگاه «تربیت مدرس قم» قبول شدم اما به خاطر مشکلات و مریضی نتوانستم در مصاحبه شرکت کنم و لذا ادامه ندادم و موفق به ورود در دانشگاه نشدم. در حین تحصیل و شرکت در درس خارج، در سال ۸۳ – ۸۲ در رشته تخصصی «مذاهب اسلامی» شرکت کردم و دوره سطح ۳ را به پایان رساندم.

در حین تحصیل در دروس تخصصی در امتحان و مصاحبه گزینش و مجوز تدریس دروس معارف (گرایش تاریخ اسلام و امامت) در امور اساتید و معارف اسلامی در دانشگاه ها شرکت کردم و موفق به اخذ مجوز شدم و اکنون ۲ سال است که به صورت پاره وقت و حق التدریس در بعضی مراکز دانشگاهی که در برگه های قبل ذکر شده مشغول تدریس می باشم. و هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم. در برنامه های گفتمان های دینی با موضوعات مختلف که از طرف سازمان تبلیغات

اسلامی اجرا شده شرکت می نمایم. در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی، جلسات پرسش و پاسخ در مسائل دینی انجام وظیفه می نمایم.

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر نیکزاد تهرانی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۵۲ در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال ۵۶ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم.

در سال ۵۷ مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه ۷۰، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.

از سال ۷۶ در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم.

بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:

۱. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهائی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.

۲. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.

۳. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.

۴. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره).

۵. تفاوتهای قومی و مذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مذهبی کشور همراه با بررسی تهدیدات و فرصتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.

۶. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران

و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

۷. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شماره نشریه بشیر ویژه مبلغین مناطق سنی نشین کشور به چاپ رسیده است.

۸. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

نیلچی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله نیلچی

محل تولد : روستای حصار خنداب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پر کاهم در مصاف تند باد خود ندانم در کجا خواهم فتاد

پیش چوگان های حکم کن فکان میدویم اندر مکان و لا مکان

آن طور که به یاد دارم در روستائی که متولّد شدم یک سال به مکتب رفتم جزء آخر قرآن را که معروف به «عمّ جزء» بود فرا گرفتم و بعد از آن، وارد مدرسه دولتی که دوره ابتدائی آن شش کلاس بود شدم. در کلاس دوم نام نویسی نمودم. در فراگیری دروس، استعداد نسبتاً خوبی داشتم و در زمره شاگردان ممتاز مدرسه محسوب می شدم. پدرم کشاورز بود و چند رأس گوسفند نیز داشت، طبق معمول وقت و بی وقت در حدّ توانائی خود پدر را کمک می کردم.

از وقتی که خود را شناختم به نماز و روزه اهمیّت می دادم و با مسجد و عالم روحانی مسجد در ارتباط بودم. تمایل به ادامه تحصیل در این جانب زیاد بود. دبیرستان رفتن مستلزم رفتن به شهر و پرداخت اجاره خانه و تأمین این هزینه برای پدرم مقدور نبود. عاقبت با تشویق عالم محلّ و مرحوم والده و علاقه به مطلق تحصیل در خودم در سال ۱۳۴۰ همراه پدر به شهر اراک آمده و در مدرسه مرحوم «حاج محمّد ابراهیم» که یکی از ۳ مدرسه علمی دینی شهرستان بود؛ پذیرفته شده و در ظرف دو سه سال دوره مقدّماتی صرف و نحو و منطق را گذراندم.

خیلی دوست داشتم در قم ادامه تحصیل دهم. نظر به این که به مجرّد ورود به قم، به من شهریه نمی دادند مشکل معیشتی داشتم تا اینکه به تشویق و راهنمائی یکی از دوستان روحانی عازم حضرت عبد العظیم (علیه السلام) شده و در مدرسه مرحوم «سید مهدی

لاله زاری» در حدود یک سال و اندی حجره گرفته و با شهریه ماهانه هفتاد تومان و چندین کتاب از شرح لعمه را نزد اساتید آن جا تلمّذ نموده، با مقداری تحول و بحران فکری دوباره به اراک مراجعت نمودم و در کل با اینکه انگیزه من به مراجعت چه بود؟ (درست نمی دانم) به صلاح من بود.

در سال ۴۵ به قم آمدم. در مدرسه فیضیه حجره گرفتم، اتفاقاً مصادف با امتحانات حوزه بود با اینکه بعضی از دوستان طلبه می گفتند آقایان مراجع فرموده اند شرط شرکت در سطح ۳ سابقه اقامت مثلاً چند ماه در قم است. برای اوّلین بار به خود جرأت دادم این فرمان را اگر چه صادر شده باشد نادیده بگیرم و احساس گناه نکنم، دلیلم این بود که نبودن من در قم به جهت فقر مالی بوده، اگر پول و امکانات داشتم از اول تحصیل به قم می آمدم، در امتحان شرکت کرده و اتفاقاً قبول شدم.

بعد از تأمین شهریه، مکاسب و رسائل و مقداری از شرح منظومه و کفایهٔ الاصول را نزد اساتید معروف سطح آن روزگار در حال و هوای غیر جدی و سهل انگاری گذراندم. وارد جرگه خارج خوانان شدم. درس فقه مرحوم «آیهٔ الله گلپایگانی»، و اصول مرحوم «حاج میرزا هاشم آملی»، چندین سال حضور داشته و گاه و بیگاه طبق معمول فریاد اشکال می زدم. همین امر انگیزه مطالعه را در من بیشتر می نمود. کم کم تصمیم گرفتم قلم به دست گرفته و پای درس، مطالب استاد را بنویسم. قلمم سریع نبود و نوشته ام به دلم نمی نشست. بعد به این فکر افتادم برای چه بنویسم؟ درس اساتید که نو آوری خاصی ندارد، اگر هم داشته باشد؛ خیلی کم است، اگر بخواهم این مطالب را دوباره بخوانم خود کتابهایی از قبیل: «مکاسب، رسائل، جواهرات، تقریر مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء از نوشته خودم بهتر است، و از خوف این که مبادا فرزند عالمی خلف من شود و نوشته هایم اضحوکه و مایه بی اعتباری من گردد، همه را همراه آب رودخانه روانه باتلاق قم نمودم. بعد از ورود آیت الله وحید خراسانی به قم، ادامه تحصیل فقه و اصول را مختص حوزه درس ایشان نمودم، البته در این مرحله نیز جدی در مطالعه نبودم، اگر اشکالی می کردم؛ بیشتر خلق الساعه و مولود استعداد ذهنیم بود و استاد بزرگوار به جریان واقف بود؛ گاهی عنایت می فرمود، گاهی هم با بی توجهی خاصی می گذشت.

در حدود سال ۱۳۶۰ یکی از دوستان پیشنهاد کرد در انتشارات اسلامی مربوط به جامعه مدرسان حوزه علمیّه قم که خود در آنجا اشتغال داشت روزانه چند ساعت همکاری نمایم، برای اولین بار جلد اول و دوم فواید اصول تقریرات درس مرحوم نائینی به قلم مرحوم کاظمینی، جهت تحقیق و بررسی و نشانه گذاری واگذار شد، این کار را انجام داده و فهرست مفصلی برای آن تنظیم نمودم که بیانگر نظریه های مؤلف (یا استاد ایشان) بود، و بعد از آن جلد ۳ و ۴ به انضمام حواشی مرحوم آقا ضیاء، با مهارت و تجربه ای بیشتر، و بعد از آن دوره قاموس الرجال مرحوم شیخ شوشتری، و عناوین مرحوم مراغی، و فوایدالمدینه محدث استرآبادی به انضمام شواهدالمکیه از سید عاملی (برادر مرحوم صاحب مدارک) در نقد فوائدالمدینه تحقیق و تنظیم نمودم. این دو کتاب برای من خیلی مفید بود و تحول بزرگی در بینش و نگرش من در رابطه با فهم شریعت به وجود آورد.

کم کم درس و بحث حوزوی را رها کرده؛ متمحض در کار تحقیق متون و تقوم نصوص شدم، حتی تدریس مختصری که داشتم رها کردم، چون این کار علاوه بر این که از جهت مادی کمک هزینه بود، تشخیص دادم از هر محضر درس و تدریس مفید تر است، زیرا مجبور بودم چند بار یک کتاب را با دقت تمام مطالعه کنم و جایگاه علائم را از قبیل ویرگول، نقطه، علائم، سئوال، ابتدا و انتهای مطالب و غیره را تعیین نمایم. مخصوصاً در مرحله سر صفحه نویسی و تنظیم فهرست، و استخراج منابع. در این مرحله متوجه شدم بسیاری از کتب و متون دینی که تجدید چاپ می شوند فنی نیستند، به شوخی می گفتم: بعضی گمان می کنند «ویرگول» مانند کنجد است که شاطرها به روی سنگک می پاشند؛ آن هم نوعاً ناشیانه یکجا زیاد، یکجا کم، و تقطیع هایی صورت می گیرد که باعث انحراف فهم خواننده می شود، هنوز خبر مبتداء نیامده، فقره ای را تمام شده پنداشته نقطه گذاشته و از سر سطر شروع نموده و همچنین هنوز جواب و جزاء شرط نیامده، پراگراف بسته شده است و این نظریه را با تاکید ابراز می داشتم: که اگر فردی مسلط بر محتوای کتابی نباشد مثلا نتواند آن کتاب را به خوبی تدریس نماید؛ حق ندارد کتابی را تصحیح یا تحقیق نماید،

صرف اینکه می داند نقطه باید در کجا باشد، ویرگول در کجا و علائم دیگر ... کافی نیست. تا مطلب را خوب نفهمد هرگز نمی تواند موضع از علائم را دقیق مشخص نماید.

در مؤسسه مزبور، مسئولیت کتابهای ذکر شده و تعدادی دیگر را شخصاً عهده دار بوده، و بسیاری دیگر را اشراف و نظارت داشته ام، آن هم در سطح مقدور، نه در سطح مطلوب و فعلاً وسائل الشیعه و مستدرک آن را جهت تسهیل در مراجعه به احادیث مربوط به هر باب و عنوان تنظیم می نمایم، که شرح روش تحقیق و تنظیم و تصحیح و پاروقی نویسی آن به طول می انجامد.

«همکاری با مدارج علمی مدیریت حوزه»

چندین سال است که به عنوان داور، مشاور و راهنما در سطح ۳ و ۴ با این واحد علمی نیز همکاری دارم. یکی دو سال هم عضو هیئت علمی بوده ام، و در این محور نیز تجربه های دارم.

در خاتمه: از کار به اصطلاح تحقیقاتی خود راضی هستم، از این حیث که برای شخص خودم در مسیر کسب معارف دینی و فهم متون و تجزیه و تحلیل مسائل فقهی، اصولی، رجالی، کلامی و تفسیری بسیار راه گشا بوده است، اما متاسفم برای جامعه ای که نیازهای مادی من و عائله را اداره می کنند هیچ نفعی نداشته است، و در موازنه گرفته ها داده هایم صفر است.

در دلم آید که گنه کرده ام چون ورقی چند سیه کرده ام

دولت اگر همه مئی ساختی کار به این نیز نپرداختی

باقی این گفته آید بی بیان درد آن کس که دار فهم جان

(والسلام)

واثقی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واثقی نیا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی»

خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحدی اعظ، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واحدی اعظ

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ – ۶۱ پس از گذراندن دوره راهنمایی در مدرسه علمیه «جامع رشت» شروع به تحصیل حوزوی نمودم. سال بعد به حوزه مشهد مقدس مشرف شدم. از محضر استاد: «حجت هاشمی خراسانی» هدایه، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و معالم را فرا گرفته و از درس مختصر و حاشیه استاد «واعظی» استفاده نمودم. درس اصول فقه را از استاد «عاملی» و لمعتین از استاد «صالحی» و مقداری از مرحوم استاد «سعیدی» فرا گرفتم. مکاسب را از محضر «آیت الله اشرفی» و «آیت الله مرتضوی» در مشهد و «آیت الله شب زنده دار» و «آیت الله پایانی» در قم استفاده نمودم. رسائل را ازمحضر «آیت الله اشرفی» در مشهد و «آیت الله اعتمادی» در قم بهره بردم. کفایه را از محضر «آیت الله ستوده» و «آیت الله طاهری خرم آبادی» استفاده کردم.

درس خارج اصول: حدود ده سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر حضرات آیات: «تبریزی، طاهری خرم آبادی،

مکارم، سبحانی، شبیری زنجانی». درس خارج فقه: چهار سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر: «آیت الله بهجت (صلوه)، آیت الله فاضل (حج)، آیت الله شبیری (قاعده فراغ)، آیت الله تبریزی (طهاره).

واحدی، شفیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شفیع واحدی رشتی ابن السید الجلیل السید علی لاهیجانی از علماء مبرز و متقی معاصر رشت می‌باشند.
معظم له در تاریخ ۱۲۷۹ شمسی در لاهیجان متولد شده و چند سالی در آنجا تحصیلات مقدمات نموده و آنگاه به رشت آمده و چند سالی به تحصیل سطوح و ادبیات پرداخته سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود هشت سال توقف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن عزیمت به قم نموده و در حدود ۱۶ سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (مؤسس حوزه) و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خوانساری و هم چند سالی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۷۰ قمری برای خدمات دینی به رشت وطن مألوف خود برگشته و تا اکنون که از عمر شریفش ۷۴ سال می‌گذرد به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند فاضل و برومندش جناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید حسین واحدی که در حجر تربیت چنین پدر بزرگواری پرورش یافته و سالهای متمادی در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل علم و کمال داشته و از محضر آیات عظام قم استفاده سرشار نموده آنگاه چند سالی در تهران و اکنون در رشت و گیلان به خدمات دینی و تربیتی و وظائف روحی اشتغال و مانند والد ماجدش دارای مبادی آداب و مکارم اخلاق و محسن افعال می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

واحدی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا واحدی القمی الکرمانشاهی از علماء محترم معاصر تهران است.
وی در سال ۱۳۲۴ ق متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم والدش و علماء دیگر کرمانشاه خوانده، سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه مراجعت به کرمانشاه و از راه قلم و نوشتن مقالات و مجله دینی و بیان بخدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۷۵ ق که بواسطه بعضی از جهات به تهران منتقل و بنا بر اصرار عده‌ای از تجار و مومنین و امریه بعضی از آیات عظام در سمنگان نارمک ساکن و در مسجد جامعه آنجا به اقامه نماز جمعه و جماعت و تبلیغ دین و نشر مبانی اخلاق سید المرسیلین علیه و آله صلوات المصلین تاکنون اشتغال دارند و مسجد جامعه نارمک یکی از پایگاهها و

سنگرهای بزرگ اسلامی تهرانست که در دوره سال خصوصا ماه رمضان و ماه محرم و صفر و جمعه‌ها و اعیاد مذهبی در آن مجالس دینی منعقد و صدها نفر از مردم آن منطقه و نقاط دیگر اجتماع کرده و از بیانات سودمند وعاظ نامی و خطباء اسلامی بهره‌مند میشوند، و بالاخص روزهای جمعه که در آن دعاء شریفه و مأثوره ندبه با سوز و گدازی خوانده شده و اقامه نماز جمعه با شکوه خاصی میگردد و شاید اول نماز جمعه تهران باشد از حیث جمعیت و شخصیت‌های برجسته اقتصادی و اجتماعی و غیره.

جناب آقای واحدی که واجد مقام نسب و حسب و عالمی بصیر و دانشمندی روشن ضمیر و بسیار متین و مودب میباشند دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از آنست: ترجمه کتاب مستطاب (الغدیر) که چند جلد آن بطبع رسیده است. و در تاسیس کتابخانه مسجد جامع نارمک و توسعه و تزیینات مسجد گامهای مؤثری برداشته و خدمات ارزنده‌ای نموده‌اند.

جناب آقای واحدی دارای سه برادر برومند میباشند: ۱- مرحوم آقا سید عبدالحسین واحدی ۲- مرحوم آقا سید محمد واحدی که در سنین جوانی در حادثه‌ای بدرود حیات گفتند. ۳- ثقةالاسلام آقای حاج سید جواد واحدی که اکنون از راه تبلیغ بخدمات دینی اشتغال دارند.

خاندان واحدی مذکور از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و روحانیت و از احفاد و ذراری امامزاده شاه بدلا که در جاپلق مدفون و مورد توجه عموم مردم آن ناحیه هستند می‌باشند.

آقای واحدی با جناب حجةالاسلام والمسلمین حاج سید حسین بدلاء قمی پسر عمو و قرابت نزدیک دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واردی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی واردی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۲/۴

زندگینامه علمی

سید تقی واردی کولایی در چهارم اسفند ۱۳۳۸ شمسی، در روستای پایین کولا، واقع در پنج کیلومتری ساری (مرکز استان مازندران) دیده به جهان گشود. نام پدر: سید علی فرزند آیت الله حاج سید جمال واردی کولایی (مرحوم حاج سید جمال واردی کولایی، از عالمان و روحانیون معروف شهرستان ساری و به زهد، تقوی، مردم دوستی و انجام کارهای عام المنفعه معروف بود و در نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ شمسی، مطابق با چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۷۱ هجری قمری، در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع جنازه با شکوه در شهر مقدس قم و اقامه نماز به امامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در «قبرستان نو» دفن گردید).

سابقه تحصیلی :

۱- در شش سالگی وارد مکتب خانه روستای پایین کولا شده وعلاوه بر قرآن کریم برخی از کتاب های فارسی و ادبی را نزد

مرحوم شیخ عباس قاسمی کولایی آموخت.

۲- در ده سالگی وارد حوزه علمیه مصطفی خان ساری شد وعلاوه بر تکمیل کتاب های فارسی، دروس مقدمات حوزه را نیز آغاز کرد و کتاب های جامع المقدمات (بخش های امثله، شرح امثله، صرف میر، تصریف، النموذج، صمد یه)، سیوطی (شرح الفیه ابن مالک)، مطول، حاشیه، معالم و مختصر را نزد حجت الاسلام والمسلین حاج سید رضی شفیعی (رئیس جامعه رو حانیت ساری) وعالمان دیگری چون شیخ عبدالله دارابی و شهید اکبری (از شهدای هفتم تیر) تلمذ نمود ودر یازدهم ذی قعده سال ۱۳۹۵ قمری، مطابق با بیست و چهارم آبان ۱۳۵۴ شمسی مزین به لباس روحانیت شد و به همراه ده تن از طلاب هم دوره ای خود، رسما معمم گرد ید.

۳- در پنجم مهر ۱۳۵۵ شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و پس از سه ماه اجاره نشینی، به مدرسه علمیه مومنیه (زیر نظر آیت الله العظمی نجفی مرعشی) واقع در خیابان چهارمردان قم، نقل مکان کرد و تا سال ۱۳۶۰ در همانجا اقامت داشت. در این مدت دروس مقدماتی را تکمیل و وارد دروس سطح حوزه شد و از محضر اساتید بزرگواری چون: «مدرس افغانی»، «شماعی»، «وحید خراسانی» (فرزند آیت الله العظمی وحید خراسانی)، «صالحی افغانی» و ... بهره مند گردید و در کنار دروس حوزه به کلاس شبانه و متفرقه جدید نیز اقدام و دوره راهنمایی را طی کرد.

دوره جوانی وی مصادف بود با وقوع انقلاب بزرگ اسلامی ایران به رهبری ابر مرد عصر حاضر، یعنی امام خمینی (ره) بر ضد نظام ستم شاهی و او نیز بسان ملت رشید و متدین ایران، در آن واقعه سترگ بسیار کوشا و جدی بود و در بیشتر تظاهرات و راهپیمایی های شهر مقدس قم و در برخی از راهپیمایی های شهر ساری حضور فعال داشت و تا چند سال درگیر این ماجرا بود و رنج ها و سختی های فراوانی متحمل گردید. به ویژه در روستای بزرگ «پایین کولا» که زادگاه و وطن او بود، نام مبارک امام خمینی (ره) وانقلاب اسلامی را نهادینه کرد.

درچند سال اوایل انقلاب، کارهای گوناگونی در راستای انقلاب اسلامی انجام داد، که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- فعالیت های تبلیغی در ساری و بسیاری از روستاهای اطراف آن (مانند: پایین کولا، آبندانکش، معلم کلا، دراز محله، دینک، تاکام، سمندک، کوه خیل و ...) و هم چنین سفرهای تبلیغی به شهر های (شیروان، بهبهان، دامغان، کردستان، آبدانان، قصر شیرین، بابل، رودبار، اسد آباد همدان، الیگودرز، اصفهان، لردگان و ...) جهت سخنرانی های مذهبی و انقلابی، مراسم های عبادی، کلاس های آموزشی قرآن و احکام وعقاید اسلامی.

۲- طی کردن آموزش رزمی و دفاعی در قم و تهران و اعزام به جبهه های جنگ تحمیلی در مناطق اهواز، هفت تپه، شلمچه، دهلران، قصر شیرین، مریوان و ... (در هشت نوبت) و تشویق جوانان برای پیوستن به رزمندگان اسلام .

۳- تشکیل چند انجمن اسلامی و همکاری در ایجاد اتحادیه انجمن های اسلامی هشت روستا، مسئولیت پایگاه بسیج، مسئولیت آموزشی و عقیدتی بسیج شهرستان، نشر جزوه های آموزشی و انقلابی، تشکیل صندق های قرض الحسنه، همکاری در ساختن کتابخانه و ساختمان مخابرات در روستا

۴. از ابتدای پیروزی انقلاب، کلاس هایی در شهر مقدس قم دایر و بزرگانی چون: آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری فعلی)، شهید بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله خزعلی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله یزدی، عسکراولادی و تعدادی دیگر از اساتید در آن ها به تدریس در رشته های مختلف پرداختند و او نیز توفیق حضور در آن ها را به دست آورد.

پس از تشکیل دفتر تبلیغات اسلامی در قم، واحدی به نام «آموزش عالی» در آن راه اندازی و ایشان در دومین دوره آن که از سال ۱۳۶۴ شروع شده بود؛ شرکت کرد و به مدت چهار سال، دوره های مختلف علوم اسلامی، فلسفه، منطق، زبان عربی، علوم سیاسی و

مدیریتی را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۸ از آن فارغ التحصیل گردید.

علاوه بر دروس آموزش عالی، در دروس اصلی و جنبی حوزه نیز به طور مستمر شرکت داشت و دوره های سطح مقدماتی، سطح متوسطه و سطح عالی را در نزد بزرگانی چون: «محقق کلاته ای»، «اعتمادی»، «بنی فضل»، «محقق داماد»، «صالحی مازندرانی»، «معرف» و «محامی خراسانی» طی کرد. سپس وارد دروس خارج شد و یک دوره کامل اصول فقه را در نزد استاد محبوب و به یادماندنی اش مرحوم «آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (ره)» و دو سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی نوری همدانی» و ده سال در درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) شرکت نمود.

واسعی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واسعی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰ هجری شمسی همزمان با سال آخر دبیرستان، تحصیل در حوزه علمیّه «مرحوم آیهٔ الله مدنی کاشانی» را شروع نموده و کتبی مانند: (صرف ساده، هدایه، مبادی العربیه جلد ۲، منطق کبری و آداب المتعلمین) را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۱ با ورود به حوزه علمیّه قم در مدرسه «قدیریه» وابسته به مدرسه کرمانیها، کتبی مانند: (مبادی العربیه جلد ۴، منطق المظفر و تحریر الوسیله) را فرا گرفتم و سپس با عزیمت به حوزه علمیّه مشهد از سال ۱۳۶۲، کتبی مانند: (لمعتین، اصول فقه مظفر، رسائل و ادبیات عرب) را خدمت اساتید آن حوزه و نیز مکاسب را از نوارهای درسی استاد «پایانی» ازحوزه علمیّه قم و نیز کفایه را از نوارهای درسی «آیهٔ الله فاضل لنکرانی» فرا گرفتم.

سپس در درس خارج فقه و اصول: «آیهٔ الله میرزا علی فلسفی خراسانی» به مدّت یکسال بهره مند شدم و سپس در شهریور سال ۱۳۶۶ به قم بازگشتم و در دروس خارج فقه و اصول: «آیهٔ الله وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» و «بهجت» (ادام الله ظلهم) شرکت نموده و می نمایم و نیز در سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ در دوره مهارتهای تخصصی «تبلیغ» دفتر تبلیغات اسلامی قم شرکت نموده ام و نیز از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری تألیفی داشته و مقاله «فقه و عرف» در سال ۱۳۷۹در مجله قبسات و کتاب «علم و عالم از چشم انداز امام علی (ع)» در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده و نیز کتاب «جایگاه عرف در فقه» در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

واسعی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل آخوند ملا عبدالواسع قائینی از علماء محترم معاصر شهر ری بودند، وی در قائن متولد شده و تحصیلات خود را در زادگاه خود نزد دائی مرحوم قاضی که یکی از دانشمندان پارسا و زهاد بودند شروع نموده و در سن ۱۷ سالگی بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید حسین فقیه معروف به (امام) که از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی صاحب (کفایه الاصول) حاضر شده و استفاده نموده آنگاه به مشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین و آیات آن سامان بهره‌مند شده آنگاه به نجف مشرف شده و بعد از مدتی به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران کسب فیض نموده، و مورد لطف مخصوص آیت‌اللّٰه بروجردی قرار گرفته و در سال ۱۳۲۸ شمسی بشهر ری اعزام و در محله حسین آباد (بی‌بی زبیده) در مسجد ملک افضلی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و ضمنا در مدرسه برهانیه شهر ری بتدریس فقه پرداخته تا در روز عید قربان ۱۳۸۹ ق که بدرود زندگی گفته، و با تشییع جنازه با شکوهی به قم و در دارالسلام مدفون گردیدند.

نگارنده گوید: مرحوم آقای واسعی از علماء متقی و متواضع عصر ما و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق بودند و از بیت‌المال و سهم مبارک امام علیه‌السلام کمتر مصرف می‌نمودند.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند ارجمند ایشان ثقهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمدعلی واسعی که در مسجد ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واعظ اصفهانی، ابوالبرکات

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالبرکات، [عالم فاضل محدث] واعظ صالح معمّر، در مسجد جامع اصفهان منصب وعظ و خطابت داشته، و قریب یکصد سال عمر نموده، و از شیخ علی محقّق کرکی متوفّی به سال ۹۴۰ روایت احادیث می‌کند، و جمعی از دانشمندان از او اخذ حدیث نموده و از ایشان روایت می‌کنند که از آن جمله است: ملّا محمّد تقی مجلسی، و شیخ عبداللّٰه واعظ، فرزندش.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۹ ق)، ادیب، واعظ و محدث. او واعظ و ادیبی فاضل، از دانشمندان و بزرگان حنابله در عصر خود بود. از ابوسعد احمد بن محمد بغدادی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمامی و ابورشید احمد بن محمد بن احمد خرقی و ابوالقاسم ابراهیم بن محمد دواتی و جمع کثیری حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا نقل حدیث کرد. محمد بن حامد بن عبدالواحد بقال از او روایت کرده است.

از آثارش گردآوری کتابی به نام «معجم» از مشایخ خود بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۱۶۹/ ۲۲)، معجم‌المؤلفین (۳۱۵/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۳ -۳۹۲/ ۴).

واعظ اصفهانی، جمال‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۹- مقتول ۱۳۲۶ ق)، عالم و واعظ. ملقب به صدرالواعظین و صدرالمحققین. در همدان به دنیا آمد. در «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران»، تولد وی ۱۲۸۹ ق در اصفهان ذکر شده است. او برادرزاده‌ی آیت‌اللّه سید اسماعیل صدرعاملی اصفهانی است. در کودکی پدرش را از دست داد و به همراه مادر به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به فراگیری مقدمات عربی و فلسفه و عرفان پرداخت. او در اصفهان مشغول وعظ و تبلیغ گشت و در اندک زمانی از وعاظ مشهور شد. به علت جو استبدادی که ظل‌السلطان در اصفهان برقرار کرده بود، سید جمال در ۱۳۱۹ ق به تبریز رفت و در مورد اهمیت قانون و مزایای حکومت قانونی خطابه‌هایی ایراد نمود. در بازگشت به اصفهان پس از انتشار کتاب «رویای صادقه» با همکاری شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی و میرزا نصراللّه ملك المتکلمین، مورد کینه‌ی ظل‌السلطان قرار گرفت. بار دیگر به تبریز رفت و در آنجا مورد توجه محمدعلی شاه ولیعهد قرار گرفت. سپس به تهران آمد و به تشویق محافل آزادیخواهان شبها در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به وعظ و خطابه پرداخت. وی در اوایل مشروطیت در مساجد و انجمن‌ها به طرفداری از مشروطه سخنرانی می‌کرد و به همین جهت مورد توجه مردم واقع شده بود. پاره‌اش از سخنرانی‌های او به صورت روزنامه‌ای به نام «الجمال» چاپ شد. در زمان به توپ بستن مجلس، به شاه عبدالعظیم رفت و از آنجا به قصد عتبات عازم همدان شد. وی به واسطه سابق دوستی، ورود خود را به میرزا محسن خان مظفرالملك، حاکم همدان، ابلاغ کرد. او نیز این مساله را به دربار تهران گزارش داد. لذا امیر افخم همدانی، حاکم بروجرد، از طرف دربار مأمور شد تا سید جمال‌الدین را به بروجرد ببرد. سید جمال مدتی در بروجرد زندانی بود و عاقبت توسط عمال محمدعلی شاه قاجار مسموم و خفه گردید و در قبرستان یخچال این شهر دفن شد. بعدها این قبرستان به جمالیه معروف گردید. در «کارنامه‌ی بزرگان» سال درگذشت وی ۱۳۳۶ ق ذکر شده است. از دیگر آثار وی: «لباس التقوی»؛ مقالاتی که در روزنامه «حبل‌المتین» کلکته و جراید عصر چاپ می‌شد.[۱]

واعظ اصفهانی (سید)، واعظ معروف و از رهبران مشروطیت (و. همدان حدود ۱۲۹۷- مقت. بروجرد ۱۳۶۲ ه.ق.). وی قریب بیست سال در شهرهای مختلف مانند اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و تهران به وعظ می‌پرداخت و در تنویر افکار مردم می‌کوشید. دو رساله از او به نام «لباس التقوی» و «رؤیای صادقه» باقی است و صورت نطقها و مجالس وی به اسم «الجمال» به چاپ رسیده. به دستور عمال محمدعلی شاه در بروجرد زندانی و مسموم گشت و آرامگاه وی در همان شهر است.

سال تولد: ۱۲۷۹ ق.

فوت: ۱۳۲۶ ق.

القاب: صدرالواعظین- صدرالمحققین-.

آثار: لباس التقوی- رویای صادقه (با همکاری مجدالاسلام کرمانی و میرزا نصراللّه ملك‌المتکلمین)

سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی پسر سید یحیی در سال ۱۲۹۷ هجری قمری در همدان متولد شد وی از کوشندگان و سخنرانان بنام جنبش مشروطه‌خواهی بود و با سیاهکارینهای ظل‌السلطان پیکار می‌کرد. سید جمال پس از بمباران مجلس، با لباسی ناشناس به

سوی عتبات رفت و در همـدان دسـتگیر، و به امر محمـد علیشاه او را به بروجرد بردنـد و به زنـدان انداختند و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری وی را به قتل رساندند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۶۸ -۱۶۵/ ۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۴۱ -۱۴۰)، سرآمدان فرهنگ (۵۰۲ - ۵۰۱)، شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۵/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۹۹، ۱۷۹۵/ ۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۳۷ -۳۳۵)، یغما (س ۳۰، ش ۷، ص ۴۱۴ -۴۰۵، ش ۸، ص ۴۸۷ -۴۸۰).

واعظ پایین خیابانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن (پایین خیابانی) متوفی ۱۳۴۲ ق ابن شیخ اسماعیل بن حاج ملاجواد بن حاج ملاصالح خراسانی از وعاظ بزرگ و منبریهای معروف آستان مقدس رضوی بوده منبر پرشور منحصر به فرد برای او نقل می‌کنند و او را مرد وارسته معرفی کرده که بمالیه دنیا به تمام معنی بی‌اعتنا بوده و در ادبیات و مقامات علمی دست توانای داشته و کتبی به صورت رساله‌هایی مختلف از او باقی مانده است.

وی فرزندان دانشمند و واعظ و محدث از خود به یادگار گذارده که مورد توجه مردم مشهد و تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ تهرانی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی و واعظ. در تهران به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. وی از وعاظ مشهور دوران ناصرالدین شاه قاجار است که منبر او به جهت بیان مطالب تازه و اجتناب از مبالغه و اغراق‌گویی در بیان مصائب، مورد توجه عامه‌ی مردم بود. او در مشهد در حین زیارت درگذشت و در مقبره‌ی شیخ‌بهائی دفن شد. در «طبقات اعلام‌الشیعهٔ» وفات وی ۱۳۲۳ ق ذکر شده است. از آثارش: «جنهٔ النعیم والعیش السلیم»، در احوال سید عبدالعظیم (ع)؛ «الاسرار فی کیفیهٔ الاسفار»؛ «الاصرار فی الاستغفار»؛ «الخصایص الفاطمیهٔ»؛ «برهان التجارهٔ فی تبیان الزیارهٔ»؛ «برهان العباد فی اثبات المعاد»؛ «ارائهٔ الطریق»؛ «ایقاظ القوم فی آداب الصوم»؛ «الثمرات الجنیهٔ من الحدیقهٔ الحسینیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۳۰/ ۳)، الذریعه (۱۷۴ -۱۷۳/ ۷، ۱۶۱ -۱۶۰، ۱۲/ ۵، ۹۸، ۹۴/ ۳، ۵۰۴، ۱۲۱، ۳۸/ ۲، ۴۰۷ -۴۰۶/ ۱)، ریحانه (۲۹۱/ ۶)، شرح حال رجال (۱۸۴/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۳۶۷ -۳۵۹)، المآثر والآثار (۲۰۱ -۲۰۰)، معجم‌المؤلفین (۳۵/ ۳).

واعظ خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی فرزند کربلائی حسینعلی (والد ماجد حاج شیخ عبدالحسین واعظ معاصر خراسانی نجفی) از اکابر علماء و محدثین و اعاظم وعاظ و خطباء عصر خود در نجف اشرف و از مصادیق واقعی یکی از قوام الدنیا (عالم ناطق مستعمل لعلمه) بوده است.

تولدش در سال ۱۲۷۵ قمری در یکی از روستاهای نیشابور به نام سیمان بوده و مادرش قبل از ولادتش در خواب می‌بیند که درختی از پشت او روئیده و سر به طرف آسمان کشیده و بلند و بارو گشته است. پس با وحشت از خواب برخاسته و به مشهد نزد بعضی از علماء رفته و خواب خود را می‌گوید آن عالم می‌فرماید: ناراحت مباش خدا به تو پسری مرحمت می‌کند که از علماء و دانشمندان خدمتگزار به اسلام خواهد بود.

ایشان در قریه سیمان مذکور نشو و نما یافته و به خواندن قرآن مشغول و پس از خواندن دروس مکتبی قدیم در اوائل بلوغ به تحصیل علوم عربیه دینیه پرداخته و برای ادامه به آن به سبزوار عزیمت و در آنجا مقدمات را خوانده و ضمنا از همان اوان به روستاهای سبزوار برای تبلیغ و ذکر مصائب سالار شهیدان به منبر رفته و ترویج دین نموده تا در سال ۱۳۱۱ قمری در سن ۳۶ سالگی مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست میرزای بزرگ به سامرا عزیمت و به محضر آن بزرگوار رسیده و مورد تفقد و عنایت خاص ایشان قرار گرفته و سپس به نجف اشرف برگشته و مشغول به تحصیل شده تا به درجه عالیه علم رسیده و همواره منبر رفته و با مواعظ حسنه خود مستعمین و بالاخص روحانیون را مستفیض و بهره‌مند می‌نمود.

اساتید ایشان چنانچه فرزند اکبرش حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظزاده فرمودند علامه کبیر حاج شیخ محمدحسن مامقانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و آخوند خراسانی صاحب کفایه قبل از پیدایش مشروطه بوده است.

ایشان مجالس آیات عظام در ایام عاشورا و غیره را اداره می‌نمود و منبر می‌رفت و عموما از بیاناتش مستفیض می‌شدند اهل حال و معنویت بود.

نگارنده شبی موقع سحر که مشرف به حرم مطهر می‌شوم از درب مسجد هندی که از مساجد معروف نجف و محل نماز جماعت بزرگانی چون حاج شیخ علی زاهد قمی و حاج سید عبدالغفار مازندرانی و امثالهم بود و مجتمع کلیه آیات عظام گذشته و معاصر بود می‌گذشتم که صدای مناجات و ذکری مرا از رفتن متوقف نمود پس به مسجد هندی آمدم و دیدم گویا تمام مسجد در ذکر و مناجات است و همه با گوینده و ذاکری هماهنگ و می‌گویند ایاك نعبد و ایاك نستعین اهدنا الصراط المستقیم. پس وارد مسجد شدم در اثر صدا پیش رفتم در انتهای مسجد پشت ستونی آن مرحوم را دیدم مشغول نماز و با تمام وجودش آیات مذکور را تکرار می‌کند و آن محیط با او هماهنگی دارد. پیرمردان و معاصرین او از دانشمندان و غیره و بالاخص فرزند برومندش خاطرات عجیبی از او دارند.

باقیات الصالحات ایشان

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند ارجمندشان می‌باشند:

۱- حاج شیخ محمدتقی واعظزاده مقیم نجف.

۲- حاج شیخ عبدالحسین واعظ نجفی است که از معاودین نجف اشرف و گاهی در قم و اکثرا در مشهد مقدس اقامت و مردم را عموما و علماء را خصوصا از بیانات و مواعظ حسنه خود بهره‌مند می‌سازد، آن مرحوم در سال ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف از دنیا رفته و در جوار حضرت علی (علیه‌السلام) در صحن مطهر مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

واعظ فراهی، معین‌الدین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۷ ق)، عـالم، زاهـد و واعـظ. به مسـکین یـا ملاـ مسـکین فراهی یا هروی و معین و یا ملا معین فراهی یا هروی معروف و از علمای عهد سلطان حسین میرزای بایقرا بود. وی برادر قاضی نظام‌الدین محمد، قاضی هرات، است که پس از درگذشت برادرش به درخواست سـلطان مدت یک سال مسـند قضاوت هرات را عهده‌دار شد. آنگاه ترک منصب نمود و هرچند اصـرار نمودند از کثرت ورع و تقوا قبول نکرد. او به مـدت چهـل سـال در روزهـای جمعه در مسـجد جامع هرات درگـذشت و در کنار قبر برادرش، قاضـی نظام‌الدین محمد، در مقبره‌ی خواجه عبداللّه انصاری دفن شد. از آثار وی: «بحر الدرر»، در تفسـیر؛ «حدائق الحقائق فی کشف اسرار الـدقائق»، تفسـیر فارسـی؛ «روضـهٔ الواعظین» در شـرح احادیث سـید المرسـلین (ص)؛ «معارج النبوهٔ فی مدارج الفتوهٔ»؛ «الواضـحهٔ فی تفسیر الفاتحهٔ»؛ تفسیر «آیات قصص موسی»؛ تفسیر «سوره‌ی یوسف» که به نام «احس القصص»، در ایران چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ روضهٔ الصفا (۲۶۹/ ۷)، حبیب السیر (۳۴۰/ ۴)، الذریعه (۱۲/ ۲۵ ،۱۸۴/ ۲۱ ،۳۰۵/ ۱۱ ،۲۸۵/ ۶ ،۳۴۶ -۳۴۵/ ۴ ،۳۸ -۳۷/ ۳)، ریحانه (۳۵۱ -۳۵۰/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۲۳، ۹۳۳، ۲۲۴).

واعظ قاینی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضـلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده‌ی نهم قمری می‌باشد. در وعظ و خطابه او را از اقران و امثال ممتاز دانسـته‌اند. او معاصـر با سـلطان حسـین میرزای بایقرا است و مشهور است که چون سلطان، در ۸۷۳ ق، در ابتـدای دولت خـود خـواست در خطبه اسـامی ائمه معصـومین (ع) را ذکر کنـد، به امیر سـید علی که شـیعه‌ی امـامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم اهل تسـنن و عوام هرات به مرتبه‌ای رسـید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه‌ای قوی دانسته‌اند تا آنجا که می گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده‌ای همه آن را به خاطر می‌سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مـدح ائمه معصومین (ع) قصایـدی دارد. وی در نیشـابور درگـذشت و در همانجـا به خـاک سـپرده شـد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۴۶ -۲۴۴)، بهارستان (۲۱۱ -۲۰۸)، تاریـخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۱۲۵۱/ ۹)، مجالس المؤمنین (۵۲۶ -۵۲۳/ ۱).

واعظ قاینی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم/ سیزدهم ق)، واعظ و عالم دینی. او فاضلی مشهور و سخنوری مسلط به شیوه تبلیغ و ارشاد و همچنین نویسنده و اهل قلم بود. از آثارش کتاب «نجاة الخافقین» درباره‌ی وعظ و ارشاد است که این اثر با تکیه بر منابعی چون «بحارالانوار» و «عوالم‌العلوم» نگارش یافته و در احوالات ائمه هدی (ع) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۴۶)، الذریعه (۵۷/ ۲۴).

واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۹ ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیعا. موصوف به ملا رفیع‌الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضلای قرن یازدهم قمری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می‌گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده‌ی ملا فتح‌اللّه ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظة»، در دو مجلد؛ «الحملة الحیدریة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۱۰ -۱۲۰۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۴۲۲، ۱۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۶ -۱۳۰۱/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۲ -۱۷۱)، الذریعه (۱۲۵۲/ ۹) ،۷۷ -۷۶/ ۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۲۹۴ -۲۹۳/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۸/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰ -۹۶۹)، الکنی والالقاب (۲۷۹/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واعظ قزوینی)، معجم‌المؤلفین (۱۱۷/ ۱۱)، هدیة‌الاحباب (۲۶۰)، هدیة‌العارفین (۲۹۶/ ۲).

واعظ موسوی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی واعظ موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی واعظ موسوی فرزند سید محسن در تاریخ بهمن ماه ۱۳۴۹ در خانواده مذهبی و روحانی در مشهد مقدّس متولد شدم. بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به علّت گرایش به علوم اسلامی، تحصیل در حوزه علمیّه را انتخاب نمودم و دروس مقدّمات، متوسطه و خارج را در حوزه علمیّه مشهد گذراندم و از محضر اساتیدی مانند: «حضرت آیت الله شاهرودی»، «مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری»، «آیت الله سیدان»، «آیت الله فلسفی» و ... استفاده نمودم.

در حال حاضر حدود هشت سال است که به عنوان مشاور تبلیغ، مسئول ستاد پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی (از یک سال قبل) در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی مشغول خدمت می باشم. همچنین حدود پانزده سال است که در مناطق مختلف کشور به امر مقدّس وعظ و خطابه و تبلیغ اشتغال دارم.

واعظ هروی، عطاءاللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۱ ق)، واعظ و شاعر. از وعاظ شیعه ساکن هرات بود. او صاحب مثنوی مشهور «مختارنامه»، در شرح وقایع قیام مختار ثقفی در خونخواهی شهدای کربلا می‌باشد. وی در ۹۸۱ ق در هرات این مثنوی را به صورت کتابی مستقل تحت عنوان «روضهٔ‌المجاهدین» به نثر درآورد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، الذریعه (۲۸۸/ ۱۹ ،۷۲۸/ ۹ ،۳۰۳/ ۱۱).

واعظ یزدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بن حاج ابراهیم یزدی خراسانی عالمی کامل و فاضلی بارع از مفاخر دانشمندان و گویندگان و معاصر شهرستان یزد بوده‌اند.

تولد آن جناب در سال ۱۲۹۵ قمری در خراسان واقع شده و بعد از آموختن اولیات در سال ۱۳۱۴ مهاجرت به اصفهان نموده و مقدمات علوم را از بعض از افاضل آنجا آموخته و در سال ۱۳۱۹ به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه و حاج شیخ هادی تهرانی و بعد به علامه میرزا محمدباقر اصطهباناتی پیوسته و در معیت آن مرحوم به شیراز مسافرت و در سال ۱۳۲۵ قمری به یزد برگشته و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و ارشاد مردم از طریق منبر و غیره پرداخته و مسافرتهای عدیده‌ای به طبس و مشهد مقدس نموده و در همه جا مردم را از مواعظ حسنه خود بهره‌مند ساخته تا در روز ۲۶ ذی‌الحجهٔ سال ۱۳۷۸ قمری در قریه طزرجان یزد بدرود حیات گفته و مردم علاقمند

یزد و حومه آن جنازه وی را از طزرجان که در پنجاه کیلومتری یزد است با دوش خود به شهر یزد آورده و در امامزاده جعفر در مقبره شخصی دفن نمودند.

دارای آثار خالده‌ای مانند کتاب (مفتاح علوم القرآن) که در سال ۱۳۶۱ شروع و در سال ۱۳۶۵ ق تکمیل نموده و در آن تاریخ ولادت و بعضی حالات و اسفار خود را ذکر کرده است می‌باشد.

نگارنده گوید: به خاطر دارم که آن مرحوم در اوائل سال ۱۳۶۳ قمری با فرزند فاضل و برومندش از مکه مراجعت و در قم مورد استقبال گرم و توجه مخصوص مراجع بزرگ و فضلا عالیقدر فراگرفته.

و بنابر اصرار آیات عظام و دانشمندان حوزه چند ماهی اقامت و در مدرسه فیضیه اقامه جماعت و درس تفسیر گذارده و اکابر وقت مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و غیره شرکت می‌نمودند.

و در همان سال فرزند مذکورش مریض و بدرود حیات گفتند و آقایان دروس را با احترام آن پدر تعطیل و برای تشییع حاضر ولی آن مرحوم درس خود را تعطیل نکرد و فرمود ما برای مرگ فرزندمان درس را تعطیل نمی‌کنیم و بعد از اتمام درس تشییع باشکوهی نمودند و خود آن مرحوم با دلی قرص و بدون اضطراب بر جنازه فرزندش نماز خوانده و پیوسته شکر و ذکر خدا بر زبانش جاری بود و تمام بزرگان از صبر و طاقت او تعجب می‌کردند رحمه‌اللّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام والمسلمین آقا میرزا محمدرضا واعظ متولد ۱۲۶۱ و متوفی ۳۱۸ بن میرزا علی‌نقی بن محمدرضا بن محمدامین همدانی مقیم تهران عالمی کبیر و خطیبی جلیل و بحاثی متتبع بوده است.

(جدش آقامیرزا محمدرضا از اعاظم علماء عصر سلطان فتحعلی شاه قاجار و دارای آثار ارزنده‌ای که از آنهاست ۱- الدر النظیم فی تفسیر القرآن العظیم ۲- مفتاح‌النبوة بوده است.

حفید او مترجم ما که از نوادر خطباء و وعاظ بوده دارای تألیفات بسیاری است که از آنها کتب زیر است.

۱- الاشارات در معارف ۲- فصوص‌الحکم ۳- انارق‌الناسق ۴- انوارالقدسیه در حکمت الهیه و... ۵- تثنیه الثلاثة ۶- تربیع الشیخین ۷- السیف المسلول ۸- التوحید الرضوی ۹- سراج الغیب ۱۰- سیف‌اللّه المسلول ۱۱- کشف الحجة ۱۲- بخبة الصوارم ۱۳- هدیة الخملة و غیر اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ فرج‌اللّه واعظی زنجانی از فضلاء و وعاظ و محدثین بزرگوار معاصر تهران است.

وی در یکی از مضافات زنجان متولد شده و مقدمات و ادبیات را تا حدودی در آن سامان خوانده، آنگاه به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از حضرت آیت‌اللّٰه العظیم نجفی مرعشی مد ظله و مدرسین دیگر بپایان رسانیده و شرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیات دیگر نموده و پس از ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی نیز از محضر و دروس معظم له بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت قدس اللّٰه سره منتقل به تهران گردیده و تاکنون بوظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تدریس علوم دینی و بالاخص از طریق منبر و موعظه ارشاد مردم مینماید.

نگارنده گوید: جناب آقای واعظی از علماء با فضل و موصوف بکمال و تقوی و دارای مقام قدس و ورع و خالص در ولاء اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام می‌باشد و با منکرین و مخالفین ولایت تکوینی حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و ائمه‌ی معصومین علیهم صلوات المصلین و وهابی‌ها وطنی و سنی مآب‌ها مبارز و مخالف و مجادله حسنه نموده و مینمایند و حقیر که قریب چهل سال است ایشان را میشناسم جز متانت و پرهیزکاری و صفات حمیده از وی ندیده و ما رایت منه مذ عرفته الا جمیلا کثر اللّٰه امثاله فرزند برومندی دارد که در سلک محصلین حوزه علمیه قم و از مشتغلین جدی حوزه میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

وافی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم وافی

محل تولد : یزد

شهرت : وافی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین ابوالقاسم وافی یزدی در مهرماه ۱۳۱۴ در روستای حسین آباد، (حد فاصل یزد و رفسنجان) به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمود وافی از کشاورزان با تقوا و مؤمن یزد بود که به روستای حسین آباد آمده بود و در آنجا به زراعت، روزگار می‌گذراند. او که خود بخشی از دروس مقدمات حوزه‌های علمیه را فراگرفته بود، به مقام مرجعیت شیعه احترام بسیار می‌نهاد و همواره آرزو داشت فرزندانش به سلک روحانیت تشیع در آیند. مادر حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی نیز دختر مرحوم ملا محمد ابراهیم لاری معروف به «طرزجانی» از علمای بزرگ حوزه یزد بود.

حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی در پنج سالگی آموختن قرآن را آغاز کرد و سپس به دبستان و پس از آن به دبیرستان رفت. با اتمام آن به حوزه علمیه یزد رفت و دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را در آن حوزه عظیم علمی فرا گرفت. او در سال ۱۳۳۶ برای تکمیل تحصیلات خود به قم آمد و در دروس دورهٔ سطح استادان برجستهٔ دورهٔ خود شرکت کرد. پس از آن به درس خارج استادان بزرگ حوزه علمیه قم رفت و از محضر بسیاری، کسب فیض نمود. حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی، در سالهای تحصیل خود به محضر استادان و بزرگان بسیاری شرفیاب شد. او که تا «قوانین» را در حوزه علمیه یزد فراگرفته بود، با ورود به قم به درس شرح لمعه حضرات آیات: «شیخ علی پناه اشتهاردی»، «ستوده» و «صلواتی» رفت و سپس در درس رسائل «آیهٔ الله مکارم

شیرازی» و «آیهٔ الله نوری همدانی» شرکت کرد. مکاسب را نیز در محضر «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله شهید بهشتی» آموخت و برای فراگیری کفایه به درس آقایان: سلطانی طباطبایی (ره)، حاج آقا رضا صدر (ره) و منتظری رفت.

با به اتمام رساندن دروس دورهٔ سطح، چند ماه در درس خارج فقه (کتاب القضاء) حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرد که متأسفانه عمر با برکت ایشان به پایان رسید و از درک فیض بیشتر محروم گردید، وی سپس به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، امام خمینی و محقق داماد «رحمهٔ الله علیهم» رفت که بیشتر آن (حدود پانزده سال) در محضر آیهٔ الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره) بود. او همچنین بخش‌هایی از مکاسب را از محضر حضرات آیات: اراکی و بهجت فرا گرفت. در بخش فلسفه و تفسیر نیز از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) بهره برد. او بخشی از اسفار را در خدمت حضرت آیهٔالله جوادی آملی، شرح منظومه سبزواری را از محضر شهید مفتح و بخش منطق منظومه را از محضر حضرت آیهٔالله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفت.

حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی در سالهای تحصیل و پس از آن با طلاب فرهیخته و فاضل بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از شیخ محمد حسین امراللهی نام برد. حجهٔالاسلام و المسلمین وافی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد. وی هم اکنون نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و نیز تولیت مسجد مقدس جمکران را با حکم مقام معظم رهبری برعهده دارد.

وحید تهرانی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اصغر وحید تهرانی یکی از علماء و مدرسین و محدثین معاصر تهران است معظم له در حدود ۱۳۳۴ ق در عاصمه تشیع تهران دیده به جهان گشود، و پس از پرورش به تحصیل ادبیات و علوم معموله پرداخته و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین تهران آموخته آنگاه به درس خارج مراجع و آیات حاضر شده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و به مدارج کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم از طریق منبر و جلسات مذهبی نشر معارف دین و حقایق شرع مبین نموده و تاکنون شاغل این پست خطیر و مسئولیت سنگین می‌باشد.

مدرسه حاج ابوالفتح میدان شاه نیز در تحت سرپرستی و تدبیر نظر آنجناب اداره می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید تهرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر وحید یکی از اهل منبر و ارشاد تهرانست و سالها در عصر ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشتند و متون فقه چون شرح لمعه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظلله و دیگران استفاده و

هم از محضـر آیت‌اللّه بروجردی کسب فیض نموده و پس از آن به تهران مراجعت و تا حال حاضـر افتخار خدمت و نوکری آسـتان ولایت و حضـرت ابی‌عبداللّه الحسـین علیه‌السـلام را دارند. و حقاً این دو برادر در تواضع و پاکدامنی و متانت و مناعت طبع وحید و اسم با مسمی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید دامغانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن آشـیخ نور محمد وحید دامغانی از گویندگان دینی و مروجین اسلامی معاصر دامغان است. وی در سال ۱۳۳۲ قمری در یکی از مضافات دامغان متولـد شده و سالها در دامغان و شاهرود مشـهد و نجف به تحصـیل علوم اشـتغال داشـته و اکنون در زادگاه خود به تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ورعی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد ورعی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در تهران متولـد شدم. به تشویق مرحوم پدرم با علوم و معارف اسـلامی آشـنا شده و پس از دروس متوسـطه در سال ۱۳۶۱ رسـماً وارد حوزه علمیه شـرق تهران شـدم. همزمـان در دانشـکده الهیـات دانشـگاه تهران دوره کارشناسـی الهیـات و معـارف اسـلامی را گذرانـدم. در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصـیل راهی حـوزه علمیّه قم شـدم و سـطوح عـالی را در حضـور حضـرات آیـات اسـتادی، اعتمادی، ستوده، طاهری خرم آبادی، قدیری و محقق داماد گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد مقطع درس خارج شدم. خارج فقه و اصول را از محضـر حضـرات آیـات فاضل لنکرانی، وحیـد خراسانی، موسوی اردبیلی، سـید کاظم حائری، و صانعی و بیش از همه به طور پیوسته شبیری زنجانی کسب فیض نمودم. در دروس تفسـیر، فلسـفه و عرفان نظری اساتید معظم حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصـاری شـیرازی نیز شـرکت جسـتم. در ده سـال اخیر برای فعّالیّت علمی و پژوهشـی خود رشـته فقه را با گرایش اجتمـاعی سیاسـی، انتخـاب نموده و در کنـار تـدریس سـطوح عـالی رشـته فقه و اصول، به تحقیق و تـالیف پرداختم. اینک بیشترین فعّـالیّتم در تـدریس، تحقیق و تـالیف متمرکز شـده است. تبیین و تـدریس انـدیشه هـای فقهی و سیاسـی رهبر فقیـد انقلاب

حضرت امام خمینی در دوره های آموزشی موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی از دیگر فعّالیّت های اینجانب است.

وزیری یزدی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی محمد وزیری یزدی از خطباء نامی و ادباء سامی و محدثین بزرگ معاصر استان یزد می‌باشند.

وی در سال ۱۳۷۰ شمسی هجری در یزد متولد شده و در بیت فضل و شرف و تقوا و ورع پرورش یافته و در سنین صبا به تحصیل علوم فارسی و ادبی و پس از آن علوم عربی و ادبیات تازی پرداخته و از محضر بزرگان دانشمندان استفاده علم و کمال نموده و از خرمن دانش آنان خوشه‌ها اندوخته و خلاصه از هر باغ گلی و از هر بلبل نوائی آموخته و مسافرتهای عدیده به شیراز و کرمان و تهران و خراسان و قم و اصفهان و اعتاب عالیات نموده و در همه جا به محضر بزرگان علم و مراجع بزرگ و آیات عظام و دانشمندان عالی‌مقام رسیده و از هر کدام اثر مخطوطی با عکسشان به یادگار گرفته و آن را به صورت کتابی درآورده که این نگارنده در مدت یک هفته فهرست و مقدمه‌ای بر آن نوشته و بعد هم جناب دانشمند ارجمند آقای حاج سید احمد اشکوری نجفی آن را مرتب و منظم و به شکل کتاب نفیسی درآورده که اکنون از مخطوطات نفیسه و گرانقدر آقای وزیری می‌باشد و بناء دارند آن را به طبع رسانند معظم‌له از غالب مراجع و بزرگان حدیث اجازه روایتی و حدیث دارند و از راه منبر و تبلیغ خدمات بسیار ارزنده‌ای به دین اسلام و مذهب حقه جعفری نموده و در هر حال در رفع نیازمندیها و حل مشکلات مردم آنی غافل نبوده و هم‌اکنون نیز با وجود کبر سن که حدود هشتاد و پنجسال از عمر وی می‌گذرد روحش با نشاط و فکرش پرمایه و تحرک و سازندگی از وجناتش نمودار است.

عادتش بر این است که پاسخ دوستان و نزدیکان را با کلام منظوم و سخن موزون ادا کند گویا طبع نازک او را با مایه اشعار مناسب حال آفریده‌اند همواره با زبان حال گویای این دو واقعیت است.

۱- عبادت به جز خدمت خلق نیست.

۲- دو فرزند دلبندم که بدانها عشق می‌ورزم یکی کتابخانه و دیگر مدارس است که خودم آنها را پایه‌گذاری کردم زبان حالش نیز موید و ترجمان او است.

زیرا عزیزترین و نفیس‌ترین سرمایه مادی و معنوی خود را به قصد خدمت به همشهریان خود در اختیار همگان گذارده یعنی در سال ۱۳۲۴ شمسی نزدیک به هزار جلد از کتبی که به منزله نور دیدگان او بودند در حجره‌ای داخل مسجد جامع که مقبره والد ماجدش نیز در آنجا بود می‌سپارد و بنام (کتابخانه وزیری) با دستیاری چند تن از دوستان خود آن را اداره می‌کند اما برای جمع و تکثیر کتاب لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند و در برخورد با دوستان و آشنایان و اشراف و احیانا صاحب کتب خطی با زبانی خوش و سخنانی دلفریب برای نفع عموم کتاب از آنها می‌گیرد. کتابداران نیز به قصد قربت گاهی کتب نفیسه خود را به این کتابخانه هدیه می‌کنند.

کتابخانه وزیری که از آثار این روحانی خدمتگذار است در حال تحریر این ترجمه دارای بالغ بر بیست و شش هزار کتاب چاپی و چهارهزار کتب نفیس خطی می‌باشد.

۳- از آثار خیر و باقیات الصالحات دیگر آن جناب احیاء و تعمیر و مرمت مسجد جامع یزد است.

این مسجد باعظمت و کم‌نظیر در قرن هشتم هجری به دست شخص نیکوکار و بزرگواری به نام سید رکن‌الدین پایه‌گذاری شد ولی به واسطه مرور زمان و نرسیدن متولیان آن اخیرا به وضع نابسامانی درآمده بود و آثار فرسودگی و ویرانی از همه جای آن نمودار بود.

آقای وزیری از این وضع تاسف‌انگیز رنج می‌برد زیرا این مسجد نه تنها چشم و چراغ یزد بلکه ایران بود عاقبت در سال ۱۳۲۷ شمسی جمعی از یاران و نیکان را گرد هم آورده و انجمنی بنام (هیئت حامیان مسجد جامع یزد) تشکیل داد و در اندک زمانی با راهنمائیهای ایشان این هیئت توانست مسجد جامع را که از شکل افتاده بود به صورت اولیه بیرون بیاورد و با همان کاشیهای ظریف و نقش و نگارهای بدیع جلوه خود را از سر گیرد و مرجع مشتاقان آثار باستانی و جهانگردان گردد.

از این‌رو باید معظم‌له را (محیی و مجدد این بنای افتخارآفرین نامید)

۴- از کارهای خیر دیگر مترجم گرامی ما ایجاد و سرپرستی دبستانها و مدارس راهنمائی و دبیرستانست که با نظارت وی به دست مدیران لایق و معلمان فاضل اداره می‌شود.

جناب آقای وزیری همه ساله مبالغی به عنوان پاداش و هدیه به دانش‌آموزان بی‌بضاعت و ممتاز و معلمانی که به واسطه کمبود و ذخیره مالی در تهیه مقدمات و وسائل ازدواج قادر نباشند به دست خود عطا می‌کند و هر ساله به هر یک از معلمان و محصلان مدارس خود کتابی سودمند همراه با سکه‌هائی عیدی می‌دهند.

۵- اقدام به طبع و نشر کتب مفیده مخطوطه که به همت و تشریک مساعی جمیله او به طبع رسیده و در اختیار همگان قرار گرفته است و از آنهائی که به اطلاع نگارند رسیده کتب زیر است.

۱- معادن‌الحکمه فی مکاتیب‌الائمه در دو مجلد تألیف علامه بزرگوار و محدث عالی مقدار جناب محمد بن ملامحسن فیض معروف (به علم‌الهدی) فیض که نسخه خطی آن از مخطوطات نفیسه کتابخانه آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله بود و آقای وزیری که عاشق این گونه کتاب می‌باشند بعد از اطلاع آن برای کتابخانه خود استنساخ سپس به تشویق و تشریک مساعی جمیله آیت‌اللّٰه مرعشی اقدام به طبع آن نمود که با تعلیقات و (استخراج مصادر) نگارنده و جناب دانشمند گرامی آقای مصباح یزدی و جناب فاضل متبحر آقای علی‌اکبر غفاری و مقدمه نفیسه حضرت آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی مطبوع و منتشر می‌باشد.

۲- محضرالشهود فی ردالیهود تألیف حاج بابای قزوینی یزدی جدیدالاسلام (دومین نشریه‌ای) که ایشان در نجف اشرف به طبع رسانیده‌اند.

۳- مجموعه وزیری که در تحت طبع می‌باشد و از آثار شعری و طبع موزون معظم‌له می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در ۱۳۴۵ ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و محلقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛

کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)».[۱]

حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.

در سال ۱۳۲۹ ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از ییلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متتبع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.

آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

۱- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.

۲- رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.

۳- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.

۴- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.

۵- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علیه‌السلام با ترجمه فارسی.

۸- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۷- کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.

۸- کتاب مباهله.

۹- کتاب تاریخ اسلام در ۳ جلد.

۱۰- کتابی در مقتل.

۱۱- کتاب احادیث نبویه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۴ -۲۳۳ / ۲).

وشنوی، قوام‌الدین محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۵ ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.

درگذشت: ۱۷ خرداد ۱۳۷۶، قم.

آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین محمد وشنوی قمی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال ۱۳۴۷ ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطول نزد آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال ۱۳۴۸ ق. به قم بازگشت و سطوح فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمدعلی حایری قمی حاضر شد و پس از وفات آیت‌الله حایری در درسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد.

با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم در سال ۱۳۲۴ یک سره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقه درس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.

آیت‌الله وشنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصیل، به تألیف کتابهای بسیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حدیث، تاریخ تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامه‌ی جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت.

برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از:

حیاهٔ النبی و سیرته (سه جلد)؛ حدیث الثقلین؛ اهل‌البیت و آیهٔ المباهلهٔ؛ النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع) (این کتاب به نام نور درخشان به فارسی ترجمه شده است)؛ الحدیث المتواتر فی غزوهٔ خیبر؛ اصحاب رسول الثلقین فی حرب الصفین؛ فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسند (احمد بن حنبل)؛ الحجاب فی الاسلام (به فارسی ترجمه شده است). کتابهای دیگری نیز با راهنمایی و نظارت ایشان به رشته تحریر درآمده است، نظیر تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام علی النقی (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)؛ وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)؛ شناخت هلاک کننده‌ها و نجات دهنده‌ها از قرآن؛ رسالهٔ فی لباس المصلی؛ رساله پیرامون حجاب؛ کلمات امیرالمؤمنین (ع) (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسی)، مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل؛ مصابح الغیهٔ الکتاب اسد الغابهٔ (عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری)؛ مصباح الاستیعاب والاصابهٔ؛ نخبهٔ المقال فی تهذیب کتاب الاموال (ابی‌عبید)؛ تلخیص ریاض النضرهٔ (محب‌الدین طبری)؛ تلخیص کنوز الحقایق؛ تهذیب کتاب الخراج (ابویوسف قاضی)، الفضایل المستخرجهٔ من المعجم الصغیر (حافظ طبرانی)؛ مکارم الاخلاق (به املا ایشان و نگارش آقای عباس اخلاقی)؛ الاربعین حدیثا من الائمهٔ الاطهار (ع)؛ مقتل الحسین (ع) (ناتمام)؛ تفسیر القرآن الکریم (ناتمام)؛ رسالهٔ فی ذکریا بن آدم الاشعرای، رسالهٔ فی حدیث طلب العلم فریضهٔ علی کل مسلم،، رسالهٔ فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاهٔ عند العامهٔ؛ حاشیه بر احقاق الحق؛ الاحادیث النبویه (ص)؛ کتب النبی (ص) الی الملوک؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.

آیت‌الله وشنوی قمی روز هفدهم خرداد ۱۳۷۶ چشم از جهان فروبست. پیکرش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وفا، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر وفا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم

ایشان درسال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفا، نظام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نظام وفا، فرزند مرحوم میرزا محمود، امام جمعه کاشان است که از شعرای معتبر و صاحب نام معاصر ملک‌الشعراء بهار می‌باشد. وی

به سال ۱۳۰۵ هجری قمری در کاشان متولد شد و پس از تحصیلات خود، به جمع آزادیخواهان و مبارزان وقت پیوست و در تهران مقیم گردید و با مطبوعات به همکاری پرداخت که خود سال‌ها بعد مجله وفا را منتشر کرد.

وی سال‌ها، دبیر دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه تهران بود و به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت. آثار وی بارها توسط خوانندگان رادیو استفاده شده و از آن بهره گرفته‌اند، به روایت منوچهر همایون‌پور: تصنیف «موسم گل» از این شاعر و تصنیف‌ساز که در مایه دشتی است، توسط روانشاد قمرالملوک وزیری خوانده شده است.

«موسم گل»

موسم گل دوره حسن یک دو روز است در زمانه

ای بدل آرایی به عالم فسانه- به تو که ز تو ماند نکویی نشانه

خاطر عاشقان را میازار- خوش نباشد ز معشوقه آزار

گر بسوزد شمع پروانه را با زبانه

چون شود روز شمع شب را نبینی نشانه

«آزاده»

آزاده ز بیگانه و افسرده ز خویشم

مردم همه سیر از من و من سیر ز خویشم

بر دیده خونبار من ای دوست چه خندی

خون گریه کند هر که ببیند دل ریشم

با خیل مصیبت زدگانی که فلک داشت

سنجید مرا روزی و دید از همه بیشم

هرگز نکشم منت نوش از فلک دون

هر چند که دانم بکشد زحمت نیشم

با این همه آزردگی از مرگ چه ترسم؟

بگذار ز کار اوفتد این قلب پریشم

جز عشق سزاوار پرستش دگری نیست

پرسند «نظاما» اگر از مذهب و کیشم

«قبله دل‌ها»

ای که مأیوس از همه‌سوئی، بسوی عشق رو کن

قبله دل هاست اینجا، هرچه خواهی آرزو کن

تا دلی آتش نگیرد، حرف جانسوزی نگوید

حال ما خواهی اگر، از گفته ما جستجو کن

زردرویی در میان گلرخان عیب است بر من

روی زردم را بخوان دیده گاهی شستشو کن

چرخ کجرو نیست تو کج‌بینی ای دور از حقیقت

گر همه کس را نکو خواهی برو خود را نکو کن

کشت تنهایی مرا ای دوست بر من رحمت آور

مردم از خاموشی ای دل، با من آخر گفتگو کن

چون خیال دوست، من چیزی نشاط‌آور ندیدم

هر زمان فرسوده دل گشتی نظاما یاد او کن

«عاقبت بینایی»

ای خوشا عاشقی و مستی و بی‌پروایی

ای خوش از خون دل خویش قدح پیمایی

از دل من بکجا می‌روی ای غم دیگر

تو که هرجا روی آخر بر من بازآیی

شستم از اشک و ز خون رنگ و جلایش دادم

صورت عشق بنه ورنه بدین زیبایی

چشم از خواب عدم باز نکردم هرگز

دیدم اینست اگر عاقبت بینایی

پای در خانه بدنام نظاما از چه نهی

نیستت گر بسر ایدل هوس رسوایی

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون

آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هادی

محل تولد : اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۴/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هادی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۴۳ تیرماه در شهر «اشتهارد» از توابع شهرستان کرج در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم با مبادی اعتقادی، اخلاقی و دینی که ریشه در اصالت خانوادگی محیط، اجتماع و شهر مذهبی اشتهارد دارد. دوران

تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در محل و زادگاه خود گذراندم. به لحاظ علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتم؛ تحصیل را در کلاس سوم راهنمایی رها و در سال ۱۳۵۷ و بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه علمیه «امیرالمومنین» اشتهارد به تحصیل مشغول و دروس مقدمات و ادبیات عرب را به پایان رساندم.

در سال ۶۱ برای ادامه تحصیل و جهت اینکه از نظر پیشرفت درسی در اشتهارد ادامه تحصیل موجود نبود؛ به قم عزیمت و دروس لمعه و اصول فقه را در محضر اساتیدی چون: مرحوم مغفور حجهٔ الاسلام «وجدانی فخر» و «نکونام» گذراندم. با امتحان ورودی به مدرسه علمیه «امام حسن مجتبی» زیر نظر حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی وارد و به مدت یکسال به تحصیل ادامه دادم و با ازدواج در سال ۶۲ به دروس آزاد اساتید همچون: «آیهٔ الله وجدانی فخر»، «استاد اعتمادی» و «استاد پایانی» شرکت جستم.

در سال ۱۳۶۵ جهت تدریس به مدت یک سال به شهر آشتیان عزیمت و دروس ادبیات عرب را تدریس کردم. جهت ادامه تحصیل در سال ۶۶ به قم مراجعه و تا ابتدای سال ۶۸ به تحصیل مشغول و سال ۶۸ تا ۷۱ به مدت سه سال در شهر «فارسان» از توابع شهرکرد، مدیریت حوزه علمیه فارسان، تدریس و امور مربوط به مراجعات مردمی را در حد مقدور عهده دار بود و از سال ۱۳۷۴ تا کنون؛ ۱۳۸۵، مشغول تحقیق در مرکز پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی هستیم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

هاشمی رفسنجانی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد

به سال ۳۱۳ هجری شمسی، در جلگه‌ی نوق - از جلگه‌های رفسنجان - در خانواده‌ای متدین، پسری چشم بر جهان گشود؛ با نام اکبر هاشمی، فرزند حاج میرزا علی و ماه بی‌بی.

روزگار کودکی

کسی نمی‌دانست که نوزاد امروز شخصیت سیاسی - فرهنگی پر آوازه‌ی فردای کشور خواهد بود، تا همه‌ی جزئیات زندگی‌اش را ثبت کند. از بایگانی خاطره‌ها نیز چندان نکته‌ای نمی‌توان برکشید؛ جز این که او در کودکی نیز - در مقایسه با هم سالانش - ویژگی‌های برجسته داشت، چنان که مدرسه را از پنج سالگی همراه برادری که از او دو سال بزرگ‌تر بود آغاز کرد.

دو راهی مکتب و مدرسه

در دو راهی مکتب و مدرسه، دست سرنوشت او را به مکتب خانه سپرد. پدر مکتب خانه را انتخاب کرد؛ چرا که مدرسه از روستا چندان دور بود که دشواری‌های آن را کمتر خانواده‌ای پذیرا می‌شد. گذشته از این برای خانواده‌های مذهبی - به دلایلی که شرح آن در این فرصت نمی‌گنجد - مدرسه چندان جاذبه‌ای نداشت.

شکل‌گیری شخصیت

شرایط دشوار زندگی، از هفت تا چهارده سالگی تأثیر تعیین کننده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت مقاوم، صبور و چند بعدی او داشت. مشارکت و کمک به خانواده در امور باغ و دام و طیور و کوشش در حفظ دستمایه‌ی معیشت روستایی، معاشرت و تفریح و ورزش‌های سالم و تحمل مشقات زندگی در روستای دورافتاده‌ی نیم قرن پیش برای او زمینه‌ی آشنایی با واقعیت‌های زندگی بود و از این همه تلاش و تقلا تجربه‌های گران اندوخت. از پدری متدین و آگاه، اخلاق و معرفت آموخت، و در چند مکتب خانه از چند

معلم مقدمات علم را فراگرفت.

وسوسه‌ی هجرت و دل کندن از زادگاه

روستای بهرمان روح پرتکاپوی نوجوانی مانند او را گنجا نبود. ناگزیر باید فضایی دیگر و میدانی پنهاور او را آغوش می‌گشود. آن روزها، آوازه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را در خانواده‌های مذهبی طنینی پرجاذبه بود که رفته‌رفته چنان او و پسرعمویش را اثرپذیر ساخت که هجرت به شهر مقدس قم آن هر دو را وسوسه‌ای روزافزون شد. از سویی، دل کندن از خاک زادگاه هم چندان آسان نبود، چنان که یک بار گفت و گو با پدر برای گرفتن رضایت و رخصت هجرت، با انفجار غم در گلو و فرو غلتیدن دانه‌های اشک بر گونه‌ها، همراه بود. با این همه، سرانجام پدر رضایت داد و زمینه‌ی سفر فراهم شد.

با کاروان عشق

هر چند اکنون نیز، چون همیشه، عشق زیارت کربلا ـ عشقی است زنده و چنگ انداخته بر دل‌های بی‌شمار، اما زیارت قدیم را حکایت دیگری است. از همان روز که مشتاقان برای ماه‌ها بعد تدارک سفر می‌دیدند، خدا می‌داند که چند و چندین بار با زمزمه و یاد سفر، چشمان‌شان در اشک شوق غوطه می‌خورد. تا فرا رسیدن روز موعود و حرکت کاروان، که طنین صدای چاووشی خوان آه از نهاد همه برمی‌آورد؛ گریه‌ی شوق بدرقه شوندگان و اشک حسرت بدرقه کنندگان، خاطره‌ای بر جای می‌نهاد که با یاد آن بارها و بارها دل‌ها می‌شکست و دیده‌ها تر می‌شد.

این بار سخن از کاروانیانی است که بر آن شده‌اند تا دو فرزند دلبندشان را در میان راه به شهر قم بسپارند؛ شهری که خود زیارتگاه است و هم در آن روزگار، گذرگاهی بر سر راه زایرانی بسیار که مشهد رضوی، یا کربلای حسینی را آهنگ زیارت داشتند، با ویژگی و امتیازی که تأسیس حوزه‌ی علمیه در آن روزها به این شهر داده بود.

تجربه‌های تلخ و شیرین

از همان روز که سفر آغاز شد، تجربه‌هایی تلخ و شیرین به بار آورد که هر یک را به نوبه‌ی خود در سازندگی و زمینه‌سازی بالندگی‌اش، بیش یا کم، نقش و اثری بود که در این فرصت باید از آن یادی کرد:

تجربه‌ی سفر

بی‌تردید، سفر برای نوجوانی که برای نخستین بار پا از روستا بیرون می‌گذارد تجربه‌ای است یگانه، شیرین و به یاد ماندنی. در این تجربه‌ی تاریخی، به فراوانی فرصت تجربه‌ی پدیده‌هایی نو فراهم می‌شود که همه از مقوله‌ی اولین‌هاست: دیدن و سوار شدن اتوبوس، برای اولین بار؛ حضور در شهر و رویارویی با همه‌ی آنچه ویژگی شهر است، برای اولین بار...؛

بی‌شک دشواری و رنج در سفرهای دور آن روزگار نیز بسیار بوده است؛ هر چند لذتی که از آن همه مشاهدات نو به نو، نوجوانی رسته از قفس روستا را پیش می‌آید، تلخی‌ها و سختی‌ها را نیز شیرین می‌کند.

تجربه‌ی غربت

با این همه، رنج غربت چنان تلخ و جانکاه است که به هر حال فرصتی برای خودنمایی می‌یابد؛ هر چند که از نخستین روز شرایط بهتری – در مقایسه با همگنانی که در حجره‌ی مدرسه‌ها زندگی می‌کردند – برای او فراهم است و حضرات اخوان مرعشی، که آن روز از فضلای حوزه به شمار بوده‌اند، بر حسب پیوند خویشاوندی و با قراردادی مسؤولیتی را در این زمینه می‌پذیرند؛ مسؤولیتی که بی‌اجر هم نبوده است. بدین‌سان زندگی در قم از خانه‌ی اخوان

مرعشی آغاز می‌شود؛ در سوز سرمای زمستان. هر چند سرمای کویر کرمان نیز بی‌سوز نبوده است، اما سوز سرمای قم را در آن ایام حکایتی دیگر است!

تجربه‌ی آشنایی

از دست‌آوردهای ارزشمند روزگار طلبگی، آشنایی‌هاست. بهانه‌ی این آشنایی‌ها، پیش از هر چیز، نیاز طلبه به کسی است که درس را با او مباحثه کند. رفته رفته، دامنه‌ی این آشنایی گسترده و گسترده‌تر می‌شود: بحث مشترک، گرایش مشترک، اندیشه و آرمان مشترک.... آشنایی‌هایی از این دست احساس غربت را چندان مجال نمی‌دهد که طلبه‌ای مصمم را از پا در آورد. چنین است که پدر و مادرش در بازگشت از زیارت - حدود سه ماه بعد از مهاجرت فرزند - جای نگرانی نمی‌بینند؛ پس از چند روز، آسوده خاطر، آهنگ دیار می‌کنند و او آموختن را پی می‌گیرد، با اندوخته‌ای ناشناخته و عزیز: نیایش مادری دل سوخته در حایر حسینی!

تجربه‌ی ارادت

در حوزه‌های علوم اسلامی، تحصیل، تهذیب، تعلم و تزکیه را پیوندی تنگانگ بوده است. نقش تعیین کننده در سیر و سلوک معنوی، دل بستن است و دل سپردن به مرادی که چونان اسوه‌ای، در تسخیر قله‌ی کمال معنوی، در باور و دل ارادتمند، جایگاهی بیابد؛ در این نگاه، بسا میان امروز و دیروز تفاوتی باشد. به هر حال، در آن روز، حضور آیت‌الله العظمی بروجردی در قم نه تنها برای او، که برای خیل طلاب، چنین نقشی داشت؛ چنان، که دیدنش برای‌شان راستی را که آرزو بود. هر روز می‌کوشیدند یک یا چند بار زیارتش کنند. او نیز چونان پدری مهربان طلبه‌ها را دوست می‌داشت و برای تشویق افرادی که بتوانند استواری و درخشندگی را به نمایش بگذارند بخشی از وقت خویش را آزاد می‌گذاشت: طلبه‌ای که شعرهای الفیه‌ی ابن مالک را - که یک دوره‌ی کامل نحو است - و متن منطق تفتازانی یا بخشی از قرآن را حفظ می‌کرد با دریافت جایزه‌ای از دست مرجع تقلید شیعیان نواخته می‌شد و برایش دلگرمی و امتیازی بود. برای او چنین فرصتی دست داد و خاطره‌ای شیرین به یادگار گذاشت؛ هر چند شیرینی‌های این زندگی فروردین همیشه با تلخی‌هایی آمیخته است و در این مورد نیز چنین بود.

تجربه‌ی تبلیغ

آمیختگی تحصیل و تبلیغ، ویژگی مهمی است و تفاوتی عمده و اساسی میان حوزه‌ی قم و نجف. ریشه‌یابی این تفاوت در فرصت کنونی نمی‌گنجد؛ تنها به اشاره‌ای بسنده می‌شود: در حالی که حوزه‌ی نجف وعظ و خطابه را برای کسی که جایگاهی معتبر و مقامی عالی در فقاهت را آهنگ کند کاستی می‌شمرده است، در حوزه‌ی قم، آشایی با فن خطابه را چونان هنری ارزشمند - برای هر کس و در هر مقام - ارج می‌نهاده‌اند. فرزندان این حوزه بر آن بوده‌اند که از همه‌ی فرصت‌ها و مناسبت‌های دینی برای تبلیغ سود برند. افزون بر این، سفر تبلیغی برای طلاب قم راه گذران معاش هم بوده است. چنین بود که او نیز در فاصله‌ای کوتاه سفر تبلیغی را بال گشود، نخست به زادگاه و سپس به دیگر جاها، در سرتاسر ایران.

تجربه‌ی شکست

اگر نیازهای زندگی نبود، بسا زندگی از فراز و فرود خالی بود. نیاز را با انگیزه‌ی جدی پیوندی است تنگاتنگ، چنان که بی‌آن مشکل بتوان از انگیزه تصور روشنی داشت. بی‌تردید انگیزه‌هایی که ما می‌شناسیم بی‌پیوند با نیازی نیستند. در این میان، نیازهای مادی را نقشی است بسیار مهم و سودمند.

چنین است که تن دادن به سفرهای تبلیغی سخت از آن زمان آغاز می‌شود که زندگی مستقل، دشواری‌هایی را - که بهای آزادی و استقلال است - در نگاه می‌نشاند، یا از آن نیز فراتر می‌رود! به ویژه که رفته‌رفته دیگر برادرها را نیز وسوسه‌ی هجرت برانگیخته است و در منزل برادر اطراق کرده‌اند. درآمدی در کار نیست، جز آنچه پدر حواله می‌کند که نسبت به هزینه‌ی زندگی ناچیز است. ناگزیر باید چون دیگران سفرهای تبلیغی را - در تعطیلی‌های حوزه -باربرست، هم فال است و هم تماشا، هم انجام وظیفه است و هم ادای مسؤولیت تبلیغ، و هم امداد غیر غیبی زندگی. اما نخستین تجربه در این راه شکستی است تلخ که غرور این فرزند کویر را جریحه‌دار می‌کند. از این پس، هر چند مسؤولیت تبلیغ فراموش نمی‌شود، ولی این اندیشه قوت می‌گیرد که باید حساب تبلیغ و امرار معاش را از یکدیگر جدا کرد. در این راه نیز تجربه‌های نخست موفقیت‌آمیز نیست، هر چند سرانجام تلاش و همت به بار

می‌نشیند. در راه همین تلاش، از حجره‌ای در مدرسه‌ی حاج ملاصادق، پایگاهی پدید می‌آید که چون یک مرکز تجمع، جمعی هم‌اندیش، هم دل و هم باور را در عرصه‌ی تلاش فرهنگی فراهم می‌آورد و رفته‌رفته مکتب تشیع با هم کاری شهید دکتر باهنر پایه‌گذاری می‌شود، با پی‌آمدهایی ارزشمند و زمینه‌ساز آشنایی گسترده و گسترده‌تر با افراد و جمعیت‌های تلاشگر و خواستار گسترش اندیشه‌ی اسلامی و هواداران آرمان‌های مترقی، در سراسر کشور. به تعبیری دیگر می‌توان گفت: انتشار مکتب تشیع سرمایه‌ی ارتباطی گسترده در اختیار او گذاشت تا ببینیم که در حفظ و بهره‌برداری از این ارتباط ارزشمند چه خواهد کرد. در این میان، زمینه‌ی ازدواج و پایه‌گذاری زندگی مشترک فراهم می‌شود که در آن روزها خالی از دشواری‌هایی نبوده است، به ویژه فراهم کردن هزینه‌ها؛ به هر حال، گردنه‌ای است در روند زندگی که باید آن را پشت سر گذاشت. در این میان، آنچه ماندگار است خاطراتی است روشنگر چگونگی برخورد با سختی‌ها که در آن تجربه‌هایی آموزنده و سازنده موج می‌زند.

آشنایی با حضرت امام قدس سره

در بازی سرنوشت، او را از نخستین روزهای هجرت به قم فرصت طلایی فراهم شد که زمینه‌ساز آشنایی با شخصیتی بود که در شکوفایی استعداهایش بهترین و بیشترین نقش را داشت. منزل اخوان مرعشی در نزدیکی بیت حضرت امام بود، چنان که او را هر روز فرصت چشم دوختن به چهره‌ی جذاب و پرابهت او دست می‌داد؛ چهره‌ای که با نخستین نگاه دل او را با عشقی روزافزون تسخیر کرد. گاه می‌کوشید که بهانه‌ی پرسشی، مسافتی را با امام هم‌گام شود، بی‌خبر که در سرنوشتش هم گامی دیگری رقم خورده است تاریخی و تاریخ ساز....

تجربه‌های سیاسی

از منظری دیگر، حوزه‌ی قم در آن روزها دستخوش التهاب‌های سیاسی تکان دهنده‌ای بود. هر چند موضع مرجع تقلید وقت، کناره‌گیری از سیاسیت - از موضع تقیه - بود؛ با این همه پی‌آمدهای آزادی‌های پس از شهویور ۲۰ افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه‌ی ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فداییان اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی‌پایگاه نبودند و از پشتیبانی یکی از علمای برجسته‌ی قم که زهد و تقوای او نیز زبانزد همگان بود، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، برخوردار بودند. چنین بود که پیش از اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی، نهضت ملی نیز - به خصوص در جریان مبارزه با استعمار انگلیس - از حمایت جدی آیت‌الله خوانساری برخوردار بود. اگر موضع گیری الحادی حزب توده، تنش میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و پاره‌ای حرکت‌های تند و ناپخته نبود، به عوامل دربار کمتر فرصت جوسازی و بهره‌برداری داده می‌شد و در نتیجه، حرکت‌های ملی -مذهبی از حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز نصیب می‌بردند.

به هر حال، در آن روزگار، در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود؛ به ویژه که در مواردی مانند آوردن جنازه‌ی رضاشاه به قم و تظاهرات در مخالفت با آن، ماجرای سید علی‌اکبر برقعی، سفر آیت‌الله کاشانی به قم و جلوس در بیت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، این نسل به صحنه می‌آمد و به رغم تعبدی که در برابر مرجع تقلید خود داشت، در عمل نسبت به حرکت سیاسی احساسی مثبت نشان می‌داد.

برآیند این همه، محبوبیت ممتاز حضرت امام بود در دل نسل جوان و بالنده‌ی حوزه، که رفته‌رفته او، در شمار یکی از نمایندگان برجسته‌اش، جایگاه معتبری یافت او با شماری از هم فکران، بیت ایشان را - پیش از آغاز نهضت - پایگاه خود ساختند؛ گویی در جهان آرمان‌ها، جانشین آیت‌الله العظمی بروجردی را در مقام مرجعیت شیعه انتخاب کرده بودند. هر چند در ارزیابی‌های ظاهری - با توجه به مشی حضرت امام و پرهیز جدی از شائبه هرگونه حضور در میدان رقابت‌ها - چنین آرزویی را زمینه‌ی تحقق نبود.

رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی

ناگهان انتشار خبر درگذشت مرجع تقلید شیعیان جهان مانند زلزله سهمگین، ایران را به لرزه در افکند و انبوه مردم را فرصت حضوری پرهیجان فراهم کرد. حضور گسترده‌ی مردم در جریان تشییع جنازه و مراسم بی‌شمار یادبود در سراسر کشور، نمایشی بود از قدرت مردمی روحانیت و مرجعیت. هر چند که دربار نیز خود را مصیبت‌زده وانمود کرد و فراتر از آن، در گرفتن ژست صاحب عزا بازی‌ها در آورد. هر چند ساده‌اندیشانی در هر کسوت بودند که به ریاکاری‌های دربار فریفته می‌شدند. اما واقعیت این بود که چنین نمایشی با شکوه، دربار و درباریان را سخت نگران می‌کرد؛ بگذریم که برای شخص شاه این نمایش مفهومی دیگر داشت، اگر فراموش نکرده باشیم که چندی پیش با جنازه‌ی پدرش در همین شهر قم چگونه برخورد شد!

چنین بود که در بطون سیاست دربار پیش گیری از تمرکز مرجعیت اصلی بود خدشه‌ناپذیر؛ با اندکی ژرف‌بینی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تلگراف تسلیت به نجف ترفندی بود برای تجزیه‌ی مرجعیت و انتقال آن به نجف. نگاهی گذرا به مطبوعات آن روزها روشنگر دوگانگی کامل سیاست دربار است که به ظاهر در جهت انتقال مرجعیت به نجف تلاش کرد، در حالی که مطبوعات می‌کوشند تا هر شخصیتی که بیش یا کم هوادارنی دارد، مطرح شود. در چنین فضایی بود که او و دیگر شاگردان ارادتمند حضرت امام فرصت یافتند که از یک سو نامزد مورد قبول خود برای مقام مرجعیت را در مطبوعات مطرح کنند و از سوی دیگر، از فرصت مراسم یادبود آیت‌الله بروجردی در روشنگری و در میان گذاشتن آرمان‌ها و ایده‌های خود با توده‌ی مردم و روحانیت بهره‌برداری کنند. سخنرانی او در مسجد اعظم مانند سخنرانی شماری از هم فکرانش نموداری است از چنان تکاپویی؛ با این همه، همه‌ی شواهد بیانگر ناکامی آنان در این تلاش بود، چنان که پس از فرونشستن موج سوگواری در نگاه سطحی، همه با افسوس باور کردند که حضرت امام همچنان منزوی خواهند ماند.

طنین فریادی در سکوت

ناگهان با طنین فریادی در سکوت، خطای دوست و دشمن در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری افشا شد: در میان تلگراف‌هایی که به نخست‌وزیر وقت - در اعتراض به تصویبنامه‌ی دولت -در نگاه‌ها نشست، تلگراف حضرت امام را آهنگی دیگر بود؛ آهنگی که دل دوستان را با خیزآبی از شادی نواخت، و دربار و درباریان را با موجی از وحشت هراسان ساخت. شاید بیش و پیش از همه، شخص شاه پریشان شد. هر چند حجاب قدرت مانع ژرف‌بینی بود و ساده‌اندیشانه چنین پنداشتند که با بی‌پاسخ گذاشتن تلگراف حضرت امام، او حذف خواهد شد؛ بی‌خبر که پیام این سکوت برای نسل جوان و هوشیار حوزه از هر روشنگری روشنی بخش‌تر بود. نسل بالنده، و هوشیار حوزه پیش از همه دریافت که در انتخاب خود به خطا نرفته است، و او نماینده‌ی همین نسل بود.

چنین بود که او و همه‌ی هم باورانش در این باور بیش از پیش هم داستان شدند که اگر مرجعیت دچار تجزیه شد، رهبری را دریابند، با آن که باید در مورد مرجعیت حضرت امام نیز تلاش کنند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با آن که در نهضت ده ماهه‌ی روحانیت و درگیری با دولت علم به بهانه‌ی تصویبنامه‌ای در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همه‌ی مراجع قم -با بهره‌مندی از حمایت مراجع نجف - هم گام بودند، ولی رهبری حرکت با حضرت امام بود و با همین رهبری مبارزه در گام نخست به پیروزی رسید؛ پیروزی امیدآفرینی که می‌توان آن را از جهاتی با پیروزی مسلمانان در بدر مقایسه کرد: روحانیت، مراجع و مردم به رهبری حضرت امام بی‌هیچ تلفاتی به پیروزی بزرگی دست یافتند؛ دولت علم رسما عقب‌نشینی کرد و با فشار و اصرار حضرت امام مطبوعات لغو تصویبنامه را اعلام کردند. شرح این بخش از داستان مبارزه و انقلاب را فرصتی دیگر باید؛ پس به اشاره‌ای باید بسنده کرد که حضور او و هم کوشان و هم باورانش در این عرصه‌ی تاریخی چنان بود که گویی ماهیانی تشنه‌اند که اینک خود را به برکه‌ای لبریز از آب زلال رسانده‌اند.

شکستی پس از پیروزی

با آن که حماسه‌ی ۱۵ خرداد را، با پی‌آمدهای سیاسی و فرهنگی آن، نباید شکست ارزیابی کرد، چرا که رمز و راز پیروزی انقلاب

در همین حماسه‌ی تاریخی نهفته است؛ با این همه، بر حسب مفهوم متعارف پیروزی و شکست - در فراز و فرود راه مبارزه - می‌توان چونان شکستی از آن یاد کرد، شکستی بس همانند با شکست مسلمانان در احد! دشمن در پی شکستی که ناگزیر بدان تن داده بود نیروهای خود را بسیج کرد و این بار شخص شاه به میدان آمد، با شعار انقلاب سفید و با حربه‌ی رفراندم؛ شعاری دنیاپسند و حربه‌ای کارآمد که مخالفان را - که در مبارزه‌ی گذشته با استناد به اصولی از متمم قانون اساسی پایگاهی قانونی داشتند - در نخستین برخورد خلع سلاح کند. در برابر، دلگرمی پیروزی گذشته - که هیچ کامی شیرینی آن را از یاد نبرده بود - مراجع، علما، روحانیت و انبوهی از مردم را به صحنه آورد و بدین‌سان صف‌آرایی جدی‌تری از گذشته شکل گرفت. اگر پاره‌ای خواص چونان نسل جوان و بالنده‌ی حوزه و انبوه مردم رهبری حضرت امام را گردن می‌نهادند، بسا درگیری این دو صف به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. به هر حال، درگیری خیلی زود پیش آمد، در آستانه‌ی رفراندم ۶ بهمن ۴۱، یک روز پیش از آمدن شاه به قم؛ در قم با بهانه‌ای و در تهران با بهانه‌ای دیگر. بدین‌سان نهضت زمستان سرد و سوزانی را پشت سر گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه‌ی پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود، چنان که در رمضان نیز فریادها در گلو - مگر در پاره‌ای موارد استثنایی - حبس می‌نمود.

در طلیعه‌ی بهار طبیعت، با پیام تحریم مراجع، جنبش جان گرفت. به ویژه پیام امام در تحریم عید و نیز پاسخ به درخواست حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم مبنی بر مهاجرت مراجع به نجف، جهت اتخاذ تصمیمی مشترک، و از همه اثر گذارتر، سخنرانی امام در عصر چهارشنبه‌ی پایان سال ۴۱، که روح قیام را در قم دمید. زایرانی که از جای جای ایران - برای حضور در حرم حضرت معصومه (ع) در لحظات تحویل سال نو - همه ساله به قم مشرف می‌شدند، در نوروز ۴۲، قم را دگرگون یافتند و از نهضت روحانیت در برابر رژیم آگاه شدند و از نزدیک یورش نیروهای سرکوبگر شاه به فیضیه را یا تماشاگر بودند یا آثار آن را همان روز و روزهای بعد به چشم دیدند. موج این خبر سراسر ایران را فراگرفت و زمینه را برای آنچه حضرت امام و یاران آگاهش سال‌ها آرزو داشتند فراهم کرد.

هر چند حضرت امام، یورش عمال رژیم به فیضیه را بی‌پاسخ نگذاشت و از همان روز رویداد هرازگاه به بهانه‌ای سوگ فیضیه را فریاد زد؛ اما در واقع فریاد را در گلو بیش از هفتاد روز حبس کرد، تا به هنگام، در واپسین ساعت عاشورا، در حضور دهها هزار عزادار آماده‌ی شهادت آن را بر سر شخص شاه فرود آورد و شکوه دروغینش را در هم بشکند. گویی فریاد عصر عاشورای حضرت امام فریاد مظلومان تاریخ اسلام و ایران است که قرن‌ها در گلوی زمان زندانی زورگویی و اختناق بوده است و اینک به هنگام، با زمینه‌سازی بسیار خردپذیر و سنجیده، آزاد می‌شود و موج می‌افکند و مردمی قرن‌ها چشم به راه، هم اکنون عزیز زندانی خویش را پذیرا می‌شوند و به گرمی آغوش می‌گشایند.

محرم و عاشورای ۴۲، محرم و عاشورایی بود پرشور، که در زمینه‌سازی آن کمتر شهری یافت می‌شد که پیک و پیام حضرت امام را دریافت نکرده باشد. پیامی که دستور زنده کردن عاشورا و تجدید عهد با پیام عاشورا بود. پی‌آمد آن فریاد تاریخی و پرطنین، دستگیری فریادگر بود، با فاصله‌ای اندک، و در پی آن، حماسه‌ی ۱۵ خرداد، با قربانیان بسیار.

خورشید روز دوازدهم محرم سال ۱۳۴۲، بر انبوه پیکرهای به خون خفته تابید و غروب آن، نه تنها سیاهی شب را در پی داشت که گویی حاکمیت ظلم و ظلمت را در برهه‌ای دیگر از زمان، همراه خشونت و خفقان، مهر تأیید می‌نهاد.

هر چند با دستگیری حضرت امام و تنی چند از عالمان و سخنوران، دیگر مراجع، علما و به ویژه نسل بالنده و جوان حوزه‌ها از پای ننشتند، ولی به هر حال چندی آهنگ نهضت شتاب گذشته را از دست داد.

حضور نهضت در پادگان‌های نظامی!

گویی سرنوشت در حماسه‌ی ۱۵ خرداد سهم او را انجام مأموریتی در فضایی دیگر رقم زده بود: فضای پادگان‌های نظامی که در

حصار دژی آهنین با مردم بیگانه بود. داستان سربازگیری از حوزه‌ی قم –در پی یورش به فیضیه – را در تاریخ انقلاب جایگاهی است با اهمیت که در این فرصت، ناگزیر باید به اشاره‌ای بسنده کرد و از آن گذشت، با یادآوری این نکته که حضور او را در جمع طلبه‌هایی که در فروردین سال ۴۲ – از حوزه‌ی قم – به سربازخانه اعزام شدند، در مجموع می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد، با آثاری از این دست: تقویت روحیه‌ی جمع، رسیدن پیام نهضت به اختناق زده‌ترین قشر جامعه؛ چنان که در عاشورای سال ۴۲ شعار مبارزه در جای جای پادگان نظامی عشرت‌آباد نیز در نگاه می‌نشست از این همه ارزشمندتر، اندوخته شدن یکی از نیروهای فعال نهضت برای روزگار غربت انقلاب که در نخستین غیبت رهبری بتواند اثرگذار باشد. نمی‌دانیم، شاید اگر او در نیمه‌ی فروردین تا نیمه‌ی خرداد سال ۴۲ در در سربازخانه نبود، از دستگیرشدگان آن روزها بود و در این صورت، بسا مسائل که دستخوش تغییراتی می‌شد که پس گویی آن بسیار دشوار است. به هر حال، تا نیمه‌ی خرداد در پادگان حضور داشت و بیم آن می‌رفت که برایش پرونده‌سازی سنگینی شود که به هنگام، از سربازخانه گریخت و به جمع علمای مهاجر در تهران پیوست و با شماری از هم‌اندیشان به بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن هجرت تاریخی پرداخت. در همین احوال حساس و در حالی که همراه و هم‌گام به شهید دکتر محمدجواد باهنر می‌کوشید تا از حضور و نفوذ مهاجرین بیشترین بهره‌برداری – در جهت اهداف نهضت شود، ناگهان گام در دامی نهاد که در راهش گسترده شده بود و می‌رفت که با عنوان سرباز فراری، متهم به فعالیت‌هایی در بیرون و درون پادگان، به مراجع قضایی نیروهای مسلح سپرده شود و در آن فضای آکنده از خشونت، احیانا محکومیت سنگینی پیدا کند، که با چابکی و هوشیاری از این دام نیز گریخت و از این پس، چندی به صورت سربازی فراری روزگار را کرانه کرد.

بدین‌سان فرصتی پیش آمد که کار ترجمه‌ی کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار را به انجام رساند، کاری کارستان و کارساز و اثرگذار بر بینش سیاسی حوزه از یک سو، و بر برداشت دیگران از فرزندان فیضیه از سویی دیگر. پرونده‌ی او با انتشار این کتاب – پس از چندی که از روزگار تألیف می‌گذشت – شکل گرفت و نخستین احضار و بازجویی به آن راجع است. (سندهای شماره ۰۰۰۱ تا ۱۵/۲)

به هر حال، در اختناق سال ۴۲، او به عنوان سربازی گریخته از پادگان که دارای پرونده‌ی سیاسی نیز بود، فرصت خوبی برای اندیشه‌ی بیشتر یافت و اوقات فراغت را با تلاش فرهنگی و سیاسی ثمربخشی پر کرد.

حضوری دوباره در قم

رفته‌رفته، جو اختناق شکسته شد و رژیم – که اعدام حضرت امام را در مقام مرجعی مقتدر، محبوب و بهره‌مند از پشتیبانی بی‌دریغ اقشار میلیونی مردم، با مصالح سیاسی خود ناسازگار ارزیابی کرده بود – پی‌آمدهای زندانی نگه داشتن، محاکمه و محکومیت وی را نیز ناصواب شناخت و بر آن شد که در جست و جوی راهی برای تحمل و کنار آمدن بکوشد. از آنجا که آزادی ناگهانی نیز چنان موجی از احساسات مردم را می‌توانست برانگیزد که مهار آن بیرون از توان نیروهای رژیم ارزیابی می‌شد، ناگزیر برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شد که نخست حضرت امام از حبس به حصر منتقل شدند و پس از چندی، شهر قم دیگر بار حضورش را آغوش گشود. در این میان، کابینه‌ی علم نیز سقوط کرد و حسنعلی منصور تشکیل کابینه را مأموریت یافت. در نرمشی که در سیاست رژیم ضمن اجرای این برنامه پیش آمد، فضای سیاسی دیگری پدید آمد که او با احساس امنیت، در قم حضور یافت و در چنین فضایی مقدمات انتشار سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار فراهم شد. در همین فضای جدید، هم‌اندیشان را فرصتی پیش آمد تا به بحث‌های جدی‌تری بپردازند. چنین بود که زمینه‌ای برای شکل‌گیری تشکلی با نام «جمعیت اصلاح حوزه» فراهم شد که هدف اصلی آن بررسی اصلاح جامعه از طریق ایجاد حکومت اسلامی بود.

جشن‌های آزادی امام

ناگهان موج خبر آزادی حضرت امام همه را غافلگیر و هیجان‌زده کرد. رهبری فرزندان فیضیه را در ابراز عواطف و برگزاری

جشن‌های آزادی در راستای هدف‌های نهضت، جمعی از بهترین یاران و شاگردان حضرت امام عهده‌دار بودند که او، چونان شمع جمع، روشنی می‌بخشید، هر چند که در آن جمع کوچک، شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ‌تری نیز حضور داشتند.

می‌توان گفت که در پی آزادی حضرت امام، در شیفتگان و هواداران برگزیده‌اش، دو گرایش و دو خط سیاسی و فکری پدید آمد:

۱- گروهی به شخص حضرت امام می‌اندیشیدند و استقرارش را در مقام مرجعیت شیعه هدف اصلی می‌پنداشتند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایشی به سازش داشتند.

۲. گروهی دیگر، که نهضت اسلامی را اصالت می‌دادند و مسائلی چونان مرجعیت را در جنب آن ارجی - قیاس‌پذیر با نهضت - نمی‌شناختند. در جشن فیضیه، نمودی از این دوگانگی نمودار شد، هر چند که جز شماری اندک از خواص کمتر توجهی به آن داشتند. ابتکار عمل در برگزاری جشن‌ها، به ویژه جشن فیضیه - که از آن به مثابه تمرین تلاش جمعی طلاب و فعالیت تشکیلاتی آنان می‌توان یاد کرد - با گروه دوم بود.

در این میان، ساواک او و شماری از عناصر فعال را شناسایی کرده بود و می‌کوشید اطلاعات خود را درباره‌ی آنان کامل و کامل‌تر کند. (سند شماره ۰۰۰۷)

شور و هیجان و نشاط تاریخی حوزه‌ی قم

سال ۴۳، در تاریخ حوزه‌ی قم، سالی استثنایی است. در فروردین این سال، حوزه با شوری وصف‌ناپذیر حضرت امام را آغوش گشود و جشن‌هایی پرشکوه را در سرتاسر شاهد بود. با فاصله‌ای بسیار کوتاه، درس آغاز شد، با سخنرانی تاریخی و طولانی پر نکته‌ای که در آن، ضمن جمع‌بندی مسائل مبارزه، خط مشی آینده نیز ترسیم گردید. هر چند آن درس پرشکوه را در نگاه دل‌باختگان حضرت امام ارجی فراوان بود، اما هر نضهت، انقلابی در ارزش‌هاست و با نهضت اسلامی نیز ارزش‌هایی نمایش یافت که در برابر آن ارزش‌های گذشته رنگ می‌باخت؛ چنین بود که برای عناصری چونان او ارزش‌های نوین را جاذبه‌ای دیگر بود: نشست‌های خصوصی و ضمن آن، آشنایی‌ها، پیوندها و شناخت‌هایی کارساز برای آینده‌ی نهضت، در هشت ماه اول سال ۴۳ و در نشست‌های خصوصی بیت حضرت امام، چنین پیوندها و آشنایی‌ها را ارزشی کارساز بود، به ویژه پیوند قم با تهران و شناخت‌های بیشتر و بیشتر یاران از همدیگر.

با فرا رسیدن تابستان، درس تعطیل شد، امام حضرت امام که گویی احساس می‌کرد اقامتش در قم چندان نمی‌یابد، از فرصت تابستان نیز بهره‌ای دیگر گرفت و درسی را در منزل عهده‌دار شد، با عنوان «مسائل مستحدثه» که هرچند محتوای آن را با درس‌های متعارف حوزه فاصله‌ی چندان زیادی نبود. اما عنوان آن را پیامی دیگر بود. در این میان تاریخ انقلاب اسلامی، رمضانی خاطره‌انگیز در گذرگاه خود داشت؛ بگذریم که در سراسر ایامی که حضرت امام در قم اقامت داشتند، مسجد امام به صورت پایگاه تبلیغی نهضت، همه شب آکنده از انبوه شنوندگانی بود که گویی نمادی بودند از نیازهای نو جامعه و تحول در تبلیغ. سالگرد ۱۵ خرداد نیز فرصتی پیش آورد برای تلاش و تکاپویی دیگر.

مبارزه با آهنگی دیگر

ناگهان موج خبری تازه همه چیز را دگرگون کرد؛ خبر سخنرانی حضرت امام بر ضد لایحه‌ای که موضوع آن را اعطای امتیازی بود به مستشاران آمریکا در ایران. پیش از هرگونه موضع‌گیری، تحقیقات در این زمینه به او واگذار شده بود که در انجام این مهم بعضی از شخصیت‌های سیاسی روز هم‌کاری‌هایی کردند.

پی‌آمد این سخنرانی که هم زمان با آن مفصل‌ترین اعلامیه‌ی حضرت امام در گسترده‌ترین سطح در همه جای کشور پخش شد، دستگیری بود و تبعید به ترکیه و استقرار حکومت نظامی و فرورفتن کشور در اختناقی بسیار سنگین.

عملکرد رژیم این بـار چنـان بود که هیـچ واکنش فراگیری را فرصت نـداد. خشم مردم امکـان بروز نیـافت و هر فریـاد اعتراضـی در سینه‌ها حبس شد. از سویی دیگر، در مدت اقامت حضرت امام در قم، برای پاره‌ای بیوت، رنجش‌هایی پیش‌آمد که پی‌آمد آن عدم حضور متحـد آنـان در صـحنه‌ی مبـارزه بود. در نتیجه، مسؤولیت رهبری حرکت بر دوش جمعی از عالمان جوان‌تر و فضـلای حوزه سنگینی می‌کرد که او را در میـان جمـع آنـان درخششـی چشـمگیر بود. چنین بود که کانون‌هـای مقـاومت در قم، تهران و شـماری شهرهـای دیگر - به گونه‌ای متفـاوت بـا گذشـته - شـکل گرفت. در قم، شـماری از فضـلای برجسـته و مـدرسان سـطح عـالی گرد می‌آمدنـد و نیروهـای جوان و بالنـده‌ی هوادار و شـیفته‌ی حضـرت امـام را رهبری می‌کردنـد. نمودی از این جنبش هـدایت شـده به صورت سـخنرانی‌های پی‌درپی، درس‌هـا، تشـکیل جلسه‌ی دعای توسل در مسـجد بالاسـر - در حرم حضـرت معصومه (ع) - و سـر دادن شـعار صـلوات در مجالس پرجمعیتی که به هر بهانه تشـکیل می شد، در خاطره‌ها ثبت است. در نیمه‌ی شـعبان سال ۴۳ هجری شمسی نیز مجلسی با شکوه در مسجد اعظم قم برگزار شد که نمایشی از حضور نسل جوان و انقلابی حوزه‌ی قم در صحنه‌ی مبارزه بود. از این همه با اهمیت‌تر، بهره‌برداری گسترده‌ی تبلیغاتی از نخستین ماه رمضان پس از تبعید حضـرت امام را باید به شـمار آورد، به ویژه در تهران و مسجد جـامع بـازار که به وضوح از فعـالیت متشـکل گروهی حکـایت داشت که با برخورداری از پایگاه مردمی رهبری نهضت را در غیبت رهبر تبعیدی خود توانا بودند. او به رغم نقشی که در پشت پرده عهده‌دار آن بود، در جلساتی نیز حضور آشکار داشت و در سخنرانی‌های نه چندان عمومی به روشنگری می‌پرداخت. (سندهای شماره‌ی ۰۰۱۷ تا ۰۰۲۶/۲)

صفیر گلوله‌ی بخارایی

در این میان، موج خبر قتل نخست‌وزیر رژیم، حسنعلی منصور، فضای سیاسی کشور را دگرگون ساخت و جوی تازه پدید آورد که گویی آمیزه‌ای بود از شـادی، غرور، بهت، نگرانی، ابهام و نیز خشم و خشونتی جنون‌آسا؛ در همین فضای نوین، بر حسب تصادفی، نیروهای وفادار نهضت را فرصت نمایشـی باشـکوه فراهم شد، با بهانه‌ی تجلیل از عالمی کهن‌سال و شـیفته‌ی نهضت و حضرت امام. خیل عظیم هواداران نهضت در تهران، در حالی که به مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله فومنی شتافتند که زخم نخست‌وزیر تیرخورده‌ی رژیم، دل‌های جریحه‌دارشان را مرهمی شـده بود و در جرقه‌ای آشـنا روزنه‌ای را چشم دوخته بودنـد که آینـده‌ای روشن را در نگاه می‌نشاند.

پی‌آمـد قتـل منصـور، تهـاجمی گسـترده بـود به نیروهـای نهضت و موجی فزاینـده از دسـتیگری؛ در همین شـرایط او که خطرهـایی تهدیدش می‌کرد - با همکاری شـماری از هم‌رزمان - در تدارک فراهم کردن نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر جدید که از سوی رژیم هـدایت کشور در بحران به او سـپرده شـده بود) بودنـد و برگزاری سـالگرد یورش به مـدرسه‌ی فیضـیه، بـا چنـان شور و هیجانی که حساسیت مأموران اطلاعاتی رژیم را بیش از پیش جلب می‌کرد (سندهای شماره‌ی ۰۰۲۷/۱ تا ۰۰۳۷) و هر روز برگی به پرونده‌اش می‌افزود.

دستگیری نگران کننده!

خبر دسـتگیری او - به تاریخ ۴۳/۱۲/۱۱ - موجی از نگرانی هواداران نهضت را در شـعاعی گسـترده در پی داشت. هیـچ کس بـاور نـداشت که به فرض رهیـدن او از خطر اعـدام، به این زودی‌ها، حضورش در صـحنه‌ی مبارزه و بیرون از زندان تجدید شود. همه بر این بـاور بودنـد که - در خوشبینـانه‌ترین فرض - سالیـانی دراز، جـای هاشـمی رفسـنجانی را در محافـل خـود خـالی ببیننـد. پی‌آمد دسـتگیری او، آمیزه‌ای بـود از نگرانی، انـدوه و نیـایش، همراه بـا هرگـونه تلاـش کـه از آن امیـد نـتیجه‌ای می‌رفت. در همین حـال، بازجویی با سخت‌ترین شکنجه‌های رایج آن روزگار آغاز شده بود و جلسات آن پی‌درپی ادامه داشت.

هر چند تلاشـی گسترده برای فشار بر رژیم - با بهره‌گیری از اهرم‌هایی که هواداران نهضت در اختیار داشتند - برای رهایی او انجام می‌شد، اما اگر دو عامل اساسی نبود، اثرگذاری این تلاش‌ها بسیار اندک بود:

۱. هوشیاری او در همه‌ی مراحل بازجویی.

۲. فشار شخصیت‌های ذی نفوذ بر رژیم.

این دو عامل بیش از هر چیز در رهایی او نقش داشتند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۳۸ تا ۰۰۷۷) به ویژه شادروان آیت‌الله حکیم را نباید در تسریع آزادی او بدون محکومیت نادیده گرفت. با این همه، دو عامل پیش گفته نقش اصلی و درجه‌ی اول داشتند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۶۹/۱ و ۰۰۶۹/۲)

آزادی از زندان

خبر آزادی او از زندان –به تاریخ ۴۴/۴/۱۴ موجی از شادی برای هواداران نهضت، به ویژه در قم و تهران، به ارمغان آورد و حضور مجددش در صحنه‌ی مبارزه – در مقطعی بسیار حساس چنان نشاط‌آور و دلگرم کننده بود که قلم از تصویر آن ناتوان است.

پس از آزادی

گزارش‌های گزارشگران ساواک، به وضوح بیانگر واقعیت است که دستگیری، شکنجه و زندان، او را جز تجربه، هوشیاری و پایمردی نیفزود. از همان دم که گام از زندان بیرون نهاد، چونان پولادی آبدیده، با عزمی استوارتر از گذشته، راه مبارزه را پی گرفت. (سندهای شماره‌ی ۰۰۷۷ تا ۰۰۸۶) نه تنها در محافل خصوصی، که در مجامع عمومی نیز –در سخت‌ترین شرایط اختناق – با گفتار و رفتار، ضربه‌هایی بس کوبنده بر هیولای بیم فرود می‌آورد و به هواداران نهضت روحیه و نشاط می‌داد. (سند شماره‌ی ۰۰۸۴)

نگاهی به فضای جامعه در سال ۴۵

اینک فرصتی است مناسب برای بررسی فضای سیاسی ایران، در سال ۴۵. رژیم در سیاست خارجی، بیش و کم از مشکلاتی رنج می‌برد، هر چند که چندان انعکاسی نداشت:

از یک سو، به نظر می‌رسید که هویدا در برقراری موازنه و جلب رضایت شوروی – با خریدهایی تسلیحاتی – اندکی زیاده‌روی کرده است. از سوی دیگر، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، موضع آمریکا پسند رژیم عواطف مذهبی مردم را سخت جریحه‌دار کرده بود. در همین حال، تشنج در روابط سیاسی ایران و عراق به اوج رسیده بود، که نمودی روشن از امداهای غیبی برای نهضت ارزیابی می‌شد. چه، با نبودن چنین تشنجی فشارهای بیشتری بر حضرت امام و حواریونش در نجف سنگینی می‌کرد. کودتاها و ضد کودتاهای عراق را نیز اگر با چنین دیدگاهی بررسی کنیم، خالی از لطف نیست.

در همین حال، سرکوبی نهضت آهنگ بسیار تندی داشت و در همان روزهای اول سال، قم شاهد یورشی سخت و دستگیری‌هایی گسترده بود که پی‌آمد پاره‌ای واکنش‌ها تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بود، در ساعت ۹ صبح روز ۴۵/۲/۳ و امضای حکم تبعید

شماری از عناصر پی‌گیر و فعال، و دستور مراقبت بیشتر، بر اعمال شماری دیگر. (سند ۰۰۸۹/۱ و ۰۰۸۹/۲)

کشف جمعیت سری اصلاح حوزه

در چنین فضایی اساسنامه‌ی جمعیتی در قم به دست رژیم افتاد که حساسیت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی را بیش از پیش برانگیخت و متواری شدن او را در پی داشت.

(برای آشنایی با جزییات بیشتری در این زمینه، ر.ک به نشریه‌ی یاد، شماره‌ی ۲۰، صفحات ۱۰ تا ۱۹) شگفتا که در همان شرایط نیز از هر فرصتی برای روشنگری به سود نهضت بهره‌برداری می‌کرده است. (سند شماره ۰۰۹۸)

به هر حال، بخش عمده‌ای از سال ۴۵ را به دلیل کشف اساسنامه‌ی جمعیت سری – که از پایگاه‌های مهم نهضت به شمار می‌رفت – متواری بود، که سرانجام بر آن شد رحل اقامت از قم به تهران افکند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۸۷ تا ۰۱۰۳). تألیف کتاب امیرکبیر یا

قهرمان مبارزه با استعمار ثمره‌ی درخشانی است از نخستین ماه‌های اقامت در تهران با یک زندگی نیمه مخفی.

ارزشمندترین دست‌آورد این زمان تحکیم بیش از پیش دوستی و صمیمیت اوست با مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ هرچند که این دوستی بر سابقه‌ای دور استوار بود، با این همه زندگی مشترک چند ماهه، به صورت نیمه مخفی، در تحکیم پایه‌هایش نقشی ماندگار داشت.

نیمه‌ی اول سال ۴۶

رفته‌رفته، تداوم زندگی نیمه مخفی در تهران کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر و تبدیل به زندگی عادی می‌شد. چنان که از ۴۶/۴/۱۰، سخنرانی‌های هفتگی او در مسجد موسی بن جعفر - که از پایگاه‌های پرآوازه و مهم نهضت در جنوب تهران بود - موجی گسترده پدید آورد و آن پایگاه را بیش از پیش رونق بخشید. مکتب حسین نیز از نخستین محافلی است که سخنرانی‌هایش را - در این احوال - آغوش گشود. (سند شماره‌ی ۱۰۶/۱ تا ۱۱۷). گویی ساواک نیز در دستگیری مجدد او در آن روزها از شتاب‌زدگی پرهیز داشت؛ نمی‌دانیم، چه بسا ساواک امید داشت که با تعقیب و مراقب به سر نخ‌هایی دست یابد. این در شرایطی بود که نهضت به حضور او در تهران سخت نیازمند بود، هم از نظر فرهنگی و هم فراتر از آن، از نظر سیاسی. چنان که می‌توان پیدایش کانون‌ها و پایگاه‌هایی مانند مدرسه‌ی رفاه و جلسات متشکل روحانیت مبارز را از ثمرات آن برشمرد. ساواک نیز با حساسیت در تعقیب و مراقبت از او فعال بود و هرازگاه برگی به پرونده‌اش افزوده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۱۱۸ تا ۰۱۲۸) بگذریم که در شرایط پنهان کاری گامجای تلاش‌ها بیشتر گم می‌شود و کمتر سرنخی از آن به دست رژیم می‌افتاد.

جشن‌های تاجگذاری

در نیمه‌ی دوم سال ۴۶، برگزاری جشن‌ها تاجگذاری بهانه‌ی دیگری شد برای سرکوبی و خشونت بیشتر، هم در واکنش نسبت به تحرکات تازه‌ی نهضت و موضع‌گیریهای حضرت امام در نجف، و هم به عنوان پیش یری از فعالیت‌های قابل پیش‌بینی. چنین بود که نمایندگان حضرت امام در قم تبعید شدند و کتابخانه‌ی معظم له نیز غارت شد.

در چنین فضایی، اعلامیه‌ای با عنوان عزایی به نام جشن منتشر شد که در پی‌گیری آن گامجایی از او کشف شد و به دستگیری مجددش به تاریخ ۴۶/۸/۲۰ انجامید و بار دیگر بازجویی‌ها آغاز شد، هر چند نه به خشونت بازجویی‌های گذشته. این بار نیز پایداری و هوشیاری او کارسازی بسیار داشت، گرچه محکومیتی نه چندان زیاد پی‌آمد این دستگیری بود. (سند شماره‌ی ۰۱۲۹ تا ۰۱۶۳).

اینک فرصتی است مناسب تا از نقش شخصیتی چون شادروان آیت‌الله سید احمد خوانساری در چنین رویدادهایی یاد شود. (سند شماره ۰۱۳۹) تا فراموش نکنیم که هر چند خط مشی سیاسی چهره‌هایی چون او با مشی سیاسی روحانیت مبارز متفاوت بوده است، اما پیوندی مشترک و مستحکم را در این میان، باید مانع گسستگی این مجموعه ارزیابی کرد.

سال ۱۳۴۷، در یک نگاه

فشار روزافزون رژیم، هر چند نیروهای مبارز را در تنگنایی سخت قرار می‌داد، با این همه، در همین تنگنا نیروها پالایش می‌شدند. در این پالایش طبیعی، همچنان تنها عناصری به نهضت وفادار می‌ماندند که شخصیتی استوار داشتند. چه جای تردید که باید یک مبارز را با چنین ویژگی، از هزاران تماشاچی متزلزل ارزشمندتر داشت. چنین بود که در سخت‌ترین شرایط اختناق که نمایندگان حضرت امام در قم، چونان دیگر استوانه‌های نهضت، تبعید و زندانی بودند و مدارس علوم دینی - از جمله مدرسه‌ی حاج ابوالفتح تهران - با دسیسه‌ی سازمان اوقاف آلت دست ساواک به حال تعطیل در آمده بود، آری در فضایی چنین، عناصر وفادار به نهضت، هیچ فرصتی را در تعقیب هدف‌های مبارزه نادیده نمی‌گرفتند. از درج آگهی تسلیت و برگزاری مراسم یادبود، تا مجالس سوگ و سرور اهل بیت (سندهای شماره‌ی ۱۸۰، ۰۱۷۵، ۰۱۶۵، و نیز سند ۰۱۶۴) از ورزشگاه امجدیه (دو سال بعد مسابقه‌ی فوتبال بین ایران

و اسرائیل بهانه‌ای برای ابراز احساسات شدید بر ضد اسرائیل شد.)، تا مراسم مذهبی باشکوه و جهان شمول حج (همه سال پیام حضرت امام در حج پخش می شد. سال ۴۷ با توجه به سفر شاه و حضورش در مراسم حج، این اقدام مفهوم دیگری داشت.)، از کمک به زلزله‌زدگان خراسان، تا امداد مبارزان فلسطین - که بدین منظور حسابی با امضای حضرات آیات علامه‌ی طباطبایی، شهید مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح و رسما اعلام شده بود. در همین زمان، کودتای حزب بعث را در عراق که طی آن حسن البکر رییس جمهور شد، در مجموع باید - در آن شرایط - به سود نهضت ارزیابی کرد.

تبدیل جلسات مذهبی به پایگاه مبارزه

هر چند که سیاسی شدن مساجد و حسینیه‌ها را از پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد - در همه جای کشور - باید به حساب آورد، اما حضور او در تهران فصل دیگری است از این داستان:

از مسجد قائمیه در پل سیمان و جلسه‌ی قرائت قرآن در حسین‌آباد بی‌بی زبیده - جنوبی‌ترین نقطه‌ی تهران - تا جلسات پی‌درپی و پرشور هیئت انصار الحسین (سندهای شماره ۰۱۶۷ تا ۰۲۶۰/۱، ۰۲۵۵/۲ تا ۰۳۵۳.) و مسجد هدایت (سند ۰۳۰۵/۱ تا ۰۳۱۷) - در مرکز شهر - تا حسینه‌ی ارشاد در شمال تهران، (سندهای شماره‌ی ۰۲۵۷/۱ تا ۰۲۵۸ و ۰۲۹۵/۱ تا ۰۲۹۵/۲،

۰۳۳۱/۱ تا ۰۳۳۱/۲)، همه جا مردم با عشق و عطش از سخنرانی‌هایش استقبال می‌کردند و امید می‌گرفتند. این جلسات لبریز از شور و نشاط تا چندی، به رغم ممنوع المنبر بودن او پی‌گیری‌های ساواک (سند شماره ۰۳۳۳-۰۳۳۸)، ادامه داشت.

گفتنی است این سخنرانی‌ها از دو نظر - در آن سال - مهم و ارزشمند بود:

۱. از نظر سیاسی، که نقش آن در فروزان داشتن آتش مبارزه، بی‌نیاز از هر توضیح است.

۲. از نظر فرهنگی، با توجه به حضور جدی‌تر سازمان‌های مخفی و متشکل وابسته به مارکسیست‌ها و جریان کمونیستی در صحنه، و ترویج ایدئولوژی الحادی در میان نسل جوان.

پیوند با دانشجویان مبارز خارج کشور

تلاش در تحکیم و تعمیق پیوند با نهادها و نیروهای مبارز در فراسوی مرزها - که فراهم شدن زمینه‌ی آن از ارزشمندترین دست‌آوردهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد است - فصلی دیگر از کارنامه‌ی اوست، هر چند انعکاس آن در گزارش‌های ساواک بسیار کم‌رنگ است (سندهای شماره‌ی ۰۳۲۰ تا ۰۳۲۱/۵ و نیز ۰۳۴۳ تا ۰۳۴۴)، و از آن کم‌رنگ‌تر - که بسا ردیابی آن جز در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نباشد - پیوند اوست با نهادها و سازمان‌هایی که در آن روزگار پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند.

جمع‌بندی مسائل عمده‌ی نهضت در سال ۴۸

با هوشیاری و متانت حضرت امام از یک سو، و روند تحولات ایران و عراق از دیگر سو، پیش‌بینی‌های کارشناسان ساواک تحقق نیافت و سرنوشت، رهبر نهضت اسلامی را بر بلندای مرجعیت جای داد. آنچه در این سال بر ابهت و شکوه حضرت امام می‌افزود، موضع‌گیری‌های بهت‌آورش در دفاع از آیت‌الله حکیم و ایرانیان مقیم عراق بود که از سوی حزب بعث مورد اهانت و آزار بودند. آتش‌سوزی مسجدالاقصی در این سال احساسات هواداران نهضت اسلامی را شعله‌ور ساخت. در همین حال، جدایی روحانیت سنتی از نهضت و راه امام، که هر روز نمایان و نمایان‌تر می‌شد، به جریاناتی دیگر فرصت حضور بیشتر و بیشتر در صحنه‌ی مبارزه می‌داد؛ جریاناتی که در براندازی رژیم با نهضت اسلامی هم سویی داشتند، در حالی که برای آینده‌ی کشور خواب و خیال‌هایی دیگر می‌پروراندند. در این میان، عالم نمایانی که ترس خود را از رژیم با توجیهاتی چونان دفاع از ولایت سرپوش می‌نهادند، روحانیت مبارز را تخطئه و تضعیف می‌کردند؛ این همه در حالی بود که نشانه‌های ظاهری بیانگر استواری رژیم بود، با موقعیت بسیار مطلوبی از نظر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.

طرح شعار حکومت اسلامی

در جمع‌بندی آنچه اشارتی رفت، تصویری از مسائل سال ۴۸ در نگاه می‌نشیند که مواضع و عملکرد حضرت امام را جلوه و درخششی ویژه می‌دهد:

حضرت امام از یک سو با فرود آوردن نهیب فریاد بر سر عالم نمایان مخالف مبارزه - با عنوان روحانیون درباری - به تقویت روحانیت مبارز می‌پردازند، از سوی دیگر، با طرح شعار حکومت اسلامی - با عنوان ولایت فقیه - بر سینه‌ی خیل نامحرمانی که بیم آن می‌رفت که در صفوف مبارزان رخنه کنند دست رد می‌زنند و همچنان با طرح بحث‌های اخلاقی، معنویت مبارزه را مورد تأکید قرار می‌دهند و در تضعیف گرایش به مادیگری - که در آن روزها آفت نهضت بود - می‌کوشند. و او سخت می‌کوشید که با آنچه در آن روزها بر ایران می‌گذشت، کاستی‌ها را جبران کند، جای خالی رفیق‌های نیمه راه را پر کند، نسل جوان را یاری دهد و آتش مبارزه را با کمک در پخش پیام‌های رهبر، فروزان نگه دارد. این همه، در شرایطی بود که عوامل اطلاعاتی رژیم با همه‌ی امکانات، او را در منظر خود داشتند و می‌کوشیدند هر گامجایش را با صد نگاه پی گیرند. (سند شماره‌ی ۰۳۵۳ تا ۰۳۷۷).

او نیز از یک سو در هدایت نیروها و پیش‌گیری از سوءاستفاده‌ها، به هر بهانه و با هر شعار، می‌کوشید (سند شماره ۰۳۷۸/۱ تا ۰۳۸۱/۲)، و از سوی دیگر با حضور در جلسه‌های تشکل یافته‌ی روحانیت مبارز در جهت گسترش و تقویت جبهه‌ی هوادار نهضت و امام تلاش می‌کرد. (سند شماره‌ی ۰۳۸۲ تا ۰۴۲۶/۲) هم زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی در مسجد هدایت، هیئت انصارالحسین، جلسه‌های خصوصی و مسجد همت تجریش - که رفته‌رفته، به صورت پایگاه دیگری برای نهضت در آمده بود - حضور نسلی نو و بالنده را در فرازی حساس از تاریخ پاسداری می‌کرد. (سندهای شماره‌ی ۰۴۲۸/۱ تا ۰۴۹۰) به این همه، باید تلاش‌های ظریف‌تری را افزود که نیازهای نو به نو مبارزه زمینه‌سازشان بود و می‌بایست چنان انجام شود که نه تنها از چشم و گوش دشمن و عناصر مشکوک، که حتی از چشم و گوش بسیاری از دوستان، پنهان باشند؛ در این مورد به نمونه‌ای بسنده می‌شود که از آن انعکاسی کم‌رنگ در اسناد به جای مانده است، و بیش از این را تنها باید از بایگانی خاطره‌ها فرا کشید:

در پی طرح بحث ولایت فقیه در نجف، نخستین گامی که برای تکثیر جزوه‌های آن برداشته شد، با اطلاع و حمایت بی‌دریع او بود. با این همه، واکنش او در جلسه‌ی دوستان صمیمی چنان بود که گویی کمترین اطلاعی در این زمینه ندارد. (سندهای ۰۴۷۲/۱ و ۰۴۷۲/۲).

نگاهی به فضای سیاسی کشور در سال ۴۹

سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، شاهد رویدادهایی است که هر یک بیش یا کم، بر روند و سرنوشت نهضت اسلامی در کشورمان اثر گذاشته‌اند. اهم این رویدادها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. درگذشت جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر.

۲. برقراری مجدد روابط سیاسی مصر با ایران، اندکی پیش از درگذشت ناصر.

۳. زمامداری حافظ اسد در سوریه، در پی کودتای بی‌خونریزی.

۴. حضور گسترده‌ی سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران که شهادت آیت‌الله سعیدی را به دنبال داشت.

۵. رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در عراق که هواداران حضرت امام را بر آن داشت تا بی‌پرواتر از گذشته، در جهت ترویج مرجعیت حضرت امام تلاش کنند و واکنش رژیم و تبعید تنی چند از مدرسین قم را در پی داشت و حساسیت بیشتر نسبت به پایگاه‌های نهضت در تهران و تبعید و دستگیری شماری از چهره‌های برجسته‌ی روحانیت مبارز.

نقش مهم جلسه‌ی روحانیت مبارز

از اولین سال‌های حضور او در تهران تشکلی در میان شماری از روحانیون هوادار نهضت شکل گرفت که کانون مقاومتی بود در بدترین روزهای اختناق، با جلسه‌های هفتگی. می‌توان گفت که نقش این جلسه‌ها در بهره‌برداری از مجالس یادبود آیت‌العظمی

حکیم و رودررویی با جبهه‌ای از روحانیت سنتی که خواهان انزوای حضرت امام بودنـد، بر روند و سرنوشت نهضت بسیار مهم و اثرگذار بوده است. (سندهای شماره‌ی ۰۴۹۸/۱ تا ۰۵۰۴/۲) از این پس رژیم با حساسیت بیشتری، حضور او را در پایگاه‌های چونان هیئت انصارالحسین پی‌گیری می‌کرد. (سندهای شماره ۰۵۰۷ و ۰۵۰۹) با این همه، نه تنها او فعالیت گذشته را ادامه می‌داد، حتی در سنگرها و پایگاه‌هایی جدیـد حضور می‌یافت که در این میان، نقش وی را در محال دانشگاهی و نیز حسینیه‌ی ارشاد، با دقت بیشتری باید بررسی و تحلیل کرد. (سندهای شماره‌ی ۰۵۲۴/۱ تا ۰۵۷۲/۲).

موج مبارزه‌ی مسلحانه

سال ۱۳۵۰، نقطه‌ی عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران. با نگاه به گذشته و بر پایه‌ی جمع‌بنـدی پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد، اینک می‌توان گفت:

گروه‌های مسلح و متشکل، با محوریت دو سازمان نیرومند به نام سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و – در غیاب حضرت امام – با داعیه‌هایی، ناگهان در صحنه حضور یافتند، با گزینش سنجیده‌ی زمانی مناسب؛ زمانی که رژیم، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را در سطحی گسترده تدارک می‌دید. هر چند که این حرکت در روند انقلاب به سرنوشتی اسف‌بار دچار شد؛ اما در تلحیل آن باید پژوهشی گسترده صورت گیرد که در حوصله‌ی این دفتر نیست؛ با این همه، جنبش مسلحانه در آن جو خشونت و اختناق، چنان جاذبه‌ی نیرومندی داشت که از نسل جوان دل می‌ربود و چشم و گوشش را بر هر نغمه‌ی مخالف فرومی‌بست. به ویژه که در غیاب حضرت امام و با فشارهای رژیم، میدان برای مقابله‌ی با آن خالی مانده بود. شمار شخصیت‌های روحانی که به مبارزه وفادار مانده بودند اندک می‌نمود، هر چند که خیل فرزندان فیضیه را دل در گرو عشق امام بود. بگذریم که کسانی هم از پشت یاران را خنجر می‌زدند. اگر بخواهیم تصویر روشن‌تری از فضای آن روزها ارائه کنیم، می‌توان اشاره‌ای کرد به داستان بازگشت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و جوسازی وحشتناکی که به بهانه‌ی برخی اظهارنظرهای وی – هم سو با کتاب مسأله‌ی حجاب آیت‌الله شهید مطهری – در حسینه‌ی ارشاد، ترتیب یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مثال دیگری که فضای آن روزها را تا حدودی در نگاه می‌نشاند، دشوارهایی است که در برگزاری مراسم یادبود مهندس پسندیده – فرزند آیت‌الله پسندیده – برای هواداران نهضت پیش آمد.

اما و اگرهای تاریخ

واقعیت این است که در تاریخ، پس‌بینی آسان‌تر از پیش‌بینی نیست. به راستی اگر در آن روزها پایگاه‌هایی چونان هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجدالجواد، حسینیه‌ی ارشاد...نسل جوان و شیفته‌ی انقلاب را پذیرا نمی‌بودند، یا شماری انگشت‌شمار چونان او به نهضت وفادار نمی‌ماندند، چه پیش می‌آمد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار دشوار است.

به هر حال او می‌بایست بار سنگینی را – که بسیاری از برداشتن آن شانه خالی کرده بودند – به دوش می کشید. چنین بود که هم زمان، دو گونه تلاش ناسازگار را تن می‌داد.

۱. تلاش‌های پشت پرده که ردیابی آن جز در لابلای اسناد و – بیش از آن – در پرده‌ی خاطرات، امکان‌پذیر نیست. (سندهای شماره‌ی ۰۵۷۵/۱ تا ۰۶۰۳/۱، ۰۵۹۷، ۰۵۸۱، ۰۵۷۶ و ۰۶۰۷/۱، ۰۳۰۶/۲ و ۰۶۱۰/۱، ۰۶۰۷/۲ و ۰۶۲۷/۱، ۰۶۲۰، ۰۶۱۳، ۰۶۱۰/۲ و ۰۶۳۵/۱، ۰۶۲۷/۲ و ۰۶۳۷/۱، ۰۶۳۵/۲ و ۰۶۴۷/۱: ۰۶۳۷/۲ و ۰۶۵۲، ۰۶۴۷/۲).

۲. تلاش‌های آشکار که در این سال بیش از پیش در اوج بود، چنان که بهار این سال با سخنرانی در رفسنجان – با بهره‌گیری از فرصت تعطیلات عید – آغاز می‌شود. (سندهای شماره‌ی ۰۵۷۴/۱ و ۰۵۷۴/۲) و به رغم حساسیت رژیم – به خاطر برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و پیش‌بینی کارشکنی‌هایی از سوی انگشت‌شمار عناصری چونان او، (سندهای شماره‌ی ۰۶۳۰/۱، ۰۶۲۲، ۰۶۱۶ و ۰۶۳۰/۲). و به رغم، ممنوع المنبر شدن وی (سندهای شماره‌ی ۰۵۹۴ و ۰۵۹۵ و ۰۶۰۲) همچنان در مجالسی چون هیئت

انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد و غیره حضور می‌یابد و علاوه بر آن به شهرهای همدان (سندهای شماره‌ی ۰۶۰۰/۱ و ۰۶۰۰/۲)، قزوین (سندهای شماره‌ی ۰۶۳۱/۱ تا

۰۶۳۴/۲) و اصفهان (سندهای شماره‌ی ۰۶۱۴ تا ۰۶۱۵ و ۰۶۱۹) نیز سفر می‌کند و خشم رژیم را بیش از پیش برمی‌انگیزد. هر یک از این سخنرانی‌ها را مزاحت‌هایی چون احضار و بازداشت پی‌آمد بود. هر چند به زندان نینجامید. در این میان، تنها در اصفهان با خشونت بیشتری برخورد شد، که چند روزی زندان آن شهر را هم تجربه کرده است.

دستگیری مجدد

سرانجام، بار دیگر به تاریخ ۵۰/۷/۱۴ دستگیر و به زندان قزل قلعه سپرده می‌شود که دیگر بار، موجی از نگرانی دوستان را در پی دارد و هر هفته، خیل هواداران نهضت در پایگاهی چند - به ویژه هیئت انصارالحسین - جای او را با حسرت و تأسف خالی می‌دیدند.

برای، بازجویی، شکنجه و تهدید، به هیچ وجه تازگی ندارد، و با هوشیاری این مرحله را نیز می گذراند. (سندهایشماره ۰۶۵۳ تا ۰۶۸۵/۲).

روند مبارزه در سال ۵۱

در سال ۵۱ که رژیم شاه به ظاهر موقعیت مطلوبی از نظر سیاست خارجی داشت، چنان که می‌توان گفت - صرف‌نظر از تشنج در روابط ایران و عراق و برخی کشورهای عربی هم جوار - مشکل عمده‌ای دیده نمی‌شد، در همین حال، مشکلات حادی در کشور نمودار بود. در این سال، ۱۳۰ مورد انفجار مهم، ۱۲ زد و خورد خیابانی، ۸ مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری سیاسی، فضای سیاسی کشور را دگرگون کرده بود. دانشگاه‌ها ناآرام بود، به ویژه شورش در دانشگاه تبریز، رژیم را با موجی از نگرانی در تنگنا گذاشته بود. فیضیه نیز صحنه‌ی تظاهرات مکرر و چشمگیرتر از گذشته بود که در پی‌آمد آن - گذشته از دستگیری شماری از فضلا و طلاب - می‌توان به سربازگیری طلاب اشاره کرد. ترور سرتیپ طاهری و مرگ سرهنگ مولوی در ساحنه‌ی هوایی، موجی از شادی - به ویژه در تهران - به دنبال داشت انفجارهای پی‌درپی در جریان سفر نیکسون به تهران خشم رژیم را برانگیخته بود.

برای کسانی مانند او که مبارزه با رژیم را جدی گرفته بودند، چنین تحولی، بسیار مهم ارزیابی می‌شد و طبیعی بود که از پاره‌ای کاستی‌ها - در سازمانی که در این تحول نقش عمده را داشت، هر چند که زمینه‌ی اصلی آن را حماسه‌ی ۱۵ خرداد فراهم کرده بود - با اغماض بگذرند و به حل و جبران آن بکوشند و امیدوار باشند. از سوی دیگر، انحراف‌های فکری سازمان، در آغاز چندان آشکار نبود و شماری از سران، در ظاهرسازی و ریاکاری، بسیار چیره‌دست بودند. چنین بود که با پیش زمینه‌هایی از گذشته، زندان قزل قلعه در واپسین ماه‌های سال ۵۰ و نخستین ماه‌های سال ۵۱، زمینه‌ای برای ارزیابی او از موج نوین و مبارزه‌ی مسلحانه شد، با نگاهی در مجموع مثبت که حمایت مشروط وی از این جریان را در پی داشت؛ هر چند که از این حمایت سوءاستفاده‌های ناجوانمردانه‌ای شد، ولی نمی‌توان این واقعیت آشکار را منکر شد که در تقویت نهضت اسلامی نیز، این جریان بی‌تأثیر نبوده است که ارزیابی آن، موضوع پژوهش و تحلیلی است پیچیده و ظریف، به دور از تنگ‌نظری و تعصب.

او بار دیگر به زندان افتاد، مدت این زندان، چیزی کمتر از یک سال بود: دو ماه در اوین قدیم، دو ماه در قزل قلعه و چند ماه در زندان عشرت‌آباد. هر یک از این مراحل دست‌آوردی داشت، در اولین و در سلول انفرادی که فرصت هیچ کاری نبود، حدود نیمی از قرآن را حفظ کرد.

ماه‌های نخستین از سال ۵۱ را در زندان قزل قلعه پشت سر گذاشت و پس از آزادی، از همان لحظه‌ی نخست (سندهای شماره ۰۶۸۶ تا ۰۶۸۷) با احساس مسئولیت سنگین در شرایط حساس جدید - بی‌پروا به تلاشی جدی‌تر از گذشته پرداخت، چنان که

حساسیت رژیم را بیش از پیش برانگیخت. و بار دیگر دستگیری او را آهنگ کردند. (سندهای شماره‌ی ۰۶۸۸ تا ۰۷۳۸/۲) و چند هفته پس از آزادی در رفسنجان بازداشت و پس از چند روز تحمل زندان در کرمان به قزل قلعه در تهران منتقل شد و چهل و پنج روز دیگر در زندان انفرادی ماند. در همین دوره‌ی کوتاه زندان، یادداشت‌های ارزشمندی در موضوع «اشرافیت در قرآن» با استفاده از قرآن که تنها مونس او در زندان بود تهیه می‌کرد. پس از رهایی، در حالی که نامش در ردیف اول لیس ممنوع المنبرها بود، (سند شماره ۰۷۴۰)، تلاش می‌کرد تا از فرصت رمضان به سود مبارزه بهره‌برداری شود (سند شماره‌ی ۰۷۴۸)، و خود نیز از مجامعی برای سخنرانی استفاده می‌کرد (سندهای شماره‌ی ۰۷۵۷ و ۰۷۶۴/۱ تا ۰۷۹۷/۲)، علاوه بر حضور مستمر در جلسه‌های هم‌اندیشان، پس از تعطیل جلسه‌ی گذشته، بـه دلیل اطلاع از رخنه کردن عوامل ساواک در آن. (سندهای شماره‌ی ۰۷۶۵/۱ و ۰۷۶۵/۲).سرانجام، ناگزیر سخنرانی در مجامع عمومی – به ویژه هیئت انصار الحسین –را به دیگران وانهاد (سند شماره‌ی ۰۷۹۸/۱ و ۰۷۹۸/۲)، و خود تلاش‌های اساسی‌تری را عهده‌دار شد.

موج گسترده‌ی تبعید مدرسین قم، در پی تعطیل پایگاه‌های نهضت در تهران

هرچند موقعیت رژیم در سیاست بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شده ارزیابی می‌شد و تلاش وزارت خارجه در ایجاد موازنه در سیاست خارجی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید، با این همه، موج فزاینده‌ی نارضایتی در نسل جوان دانشگاهی و پیوند معنوی نسل نو حوزه با دانشگاه و اتحادشان در گرایش به براندازی رژیم، به صورت مشکلی سیاسی و اساسی نمایان شد. در این میان، جنگ اعراب و اسرائیل و پی‌آمدهای آن، این مشکل را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کرد؛ چرا که، با همه‌ی تلاش تبلیغاتی رژیم در جهت القای این باور که شاه را نقشی است میانجی‌گرانه و اصلاح‌گرایانه، تبلیغات نهضت، شاه و اسرائیل را در یک جبهه قلمداد می‌کرد و موج عواطف اسلامی را بر ضد آن برمی‌انگیخت. در همین شرایط، موضع‌گیری مردم در حمایت از مبارزان فلسطین، موجی شکننده را به سوی رژیم گسیل می‌کرد. افزون بر این همه، آنچه در این سال افغانستان پیش آمد و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی آن نیز برای رژیم خالی از نگرانی نبود. افزایش نرخ نفت هم در این سال واکنش‌ها و پی‌آمدهای داشت که در تحلیل سیاست خارجی و داخلی ایران در آن زمان نباید نادیده گرفت.

شاید بتوان با جمع‌بندی نکته‌های بالا و ترسیم فضای سیاسی کشور در سال ۵۲، تا حدودی ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی خشونت رژیم را در سرکوبی نهضت، توفیق یافت. به هر حال ساواک با خشونت به قلع و قمع هواداران نهضت پرداخت و علاوه بر دستگیری گسترده‌ی دانشجویان و طلاب، و در پی تهاجم به مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینه‌ی ارشاد و پایگاه‌های نهضت در تهران در سال ۵۱، حوزه‌ی قم را در این سال مورد یورش قرار داد و شماری در خور ملاحظه از فضلا و مدرسین را به سرتاسر کشور تبعید کرد. اینگونه تلاش‌های رژیم، هر چند که موجی از ترس و وحشت را در کوتاه مدت در پی داشت، در بلند مدت به سود نهضت انجامید. حضور هر تبعیدی در هر منطقه، شعاع مبارزه را گسترده و گسترده‌تر می‌کرد، چنان که تعطیل شماری از پایگاه‌های نهضت، پیدایش پایگاهی جدید را به دنبال داشت. در مثل، اگر مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد بسته می‌شد، نام پایگاهی دیگر چون مسجد جاوید بر سر زبان‌ها می‌افتاد...

در فضایی با این ویژگی‌ها، و در حالی که ساواک از همه سو در مراقبت او نیروهایش را بسیج کرده بود (سندهای شماره‌ی ۰۸۰۶ تا ۰۸۱۴) او از یک سو در جهت هدایت موج عواطف ضد صهیونیستی تلاش می‌کرد، (سندهای شماره‌ی ۰۸۲۷ تا ۰۸۵۱)، و از دیگر سو با پیوندهای ناشی از امدادرسانی به فلسطینی‌ها از رهگذر سفارتخانه‌های کشورهای عربی، در جهت دامن زدن به موج مبارزه بر ضد رژیم و گسترش دامنه‌ی آن به فراسوی مرزها می‌کوشید. نمونه‌ای از این تلاش، سبب سازی ظریفی است در وادار کردن سفارت مصر، تا عراق را تحت فشار قرار دهد و از همکاری با رژیم، در انتقال حضرت امام از نجف، که آن روزها شایعه‌های نگران کننده‌ای در این زمینه پخش شده بود. (سندهای شماره‌ی ۰۸۱۸/۱ و ۰۸۱۸/۲)، باز دارد.

سال ۵۱-۵۳

خشونت روز افزون رژیم او را در این مقطع به پنهان کاری هر چه بیشتر کشاند؛ چنان که هر چه عوامل اطلاعاتی رژیم بیشتر می‌کوشیدند، کمتر سرنخی نصیب می‌بردند. (سندهای شماره‌ی ۰۸۲۸/۱ تا ۰۸۴۷) پاره‌ای اسناد بیانگر این واقعیت است که اگر در رویدادی - چونان دستگیری بعضی دوستان - نیاز به خبرگیری از سرنوشت آنان بود، از روابط خانم‌ها - که به هر حال انعکاسی طبیعی‌تر داشت -استفاده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۸۴۴).

یکبار هم حضور همسر او در جمع بانوان متحصن در قم براپیش پی‌آمدی داشت، چنانچه دیگر بار، در سفری به نوق، در رفسنجان دستگیر و پس از حدود پنجاه روز آزاد شد. هوشیاری‌اش در این دستگیری، ساواک را به موضع انفعال کشانید که زمینه‌ای شد برای فراهم کردن ملاقاتی با مقدم. او کوشید که از این ملاقات در جهت حل مشکلی اساسی و برداشتن سدی از راه مبارزه سود جوید و مقدم را قانع کند که شکنجه‌ها و اهانت‌های بی‌حساب نه تنها مجاهدان را از میدان به در نمی‌کند که مصمم‌تر نیز می‌کند.

در ترسیم فضای سال ۵۳ یادآوری نکته‌هایی سودمند است:

با درگذشت آیت‌الله شاهرودی که - به ویژه در استان خراسان - مقلدان فراوانی داشت، زمینه‌ی دیگری در ترویج مرجعیت حضرت امام فراهم شد. شاید به همین دلیل، مشهد شاهد خشونت سخت‌تری بود که دستگیری مقام معظم رهبری را که - در آن استان محور اصلی نهضت بود - در پی داشت. درگذشت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین غفاری در زندان قصر نیز در قم بازتابی بسیار گسترده داشت، با شایعاتی فراگیر به عنوان شکنجه و شهادت وی. موضع‌گیری حزب مردم در مجلس نیز در این سال پرسش برانگیز و زمینه‌ی پژوهشی جدی است.

از مسائل داخلی که بگذریم، در سیاست خارجی نیز رویدادهایی مهم اثرگذار بود که عمده‌ی آن، حل اختلاف ایران و عراق است و انعقاد قراردادی میان دو کشور در الجزایر به عنوان کشور میزبان، که پیروزی قابل توجهی برای ایران ثبت کرد. شرکت در عرفات به عنوان نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل نیز آغاز حرکتی بود در جهت حل یکی از مشکلاتی که همواره برای رژیم شاه نیز مسئله آفرین بود. بدین‌سان می‌توان گفت که رژیم به چشم‌انداز روشن‌تری در موقعیت جهانی خود چشم دوخته بود. در همین حال در پیوند با افزایش نرخ نفت، امکانات مالی بیشتری در اختیار رژیم قرار گرفت.

سال ۵۳-۵۴

با تنگ شدن عرصه بر مبارزان، هر جریانی می‌کوشید ضلعی از میدان مبارزه را به فراسوی مرزها بکشاند و بیرون از کشور، هسته‌ها و پایگاه‌هایی ایجاد کند. با حضور امام در عراق، زمینه‌سازی مطلوبی در این میدان برای نهضت اسلامی شده بود که نیاز به تقویت، بهره‌برداری و رسیدگی داشت.

چنین بود که سفرهایی بیرون از مرزها و در دو نوبت، بخشی عمده از کارنامه‌ی مبارزاتی او را در این مقطع به خود اختصاص داد، با دست آوردهایی فراوان و ارزشمند، به ویژه دیدار و گفت و گو با امام پس از سال‌های سنگین فراق و نیز بازدید اردوگاه‌های فلسطین، همراه امام موسی صدر، و ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز اسلامی ایرانی با امکانات مطلوب شیعیان لبنانی و مجاهدان فلسطین.

سوریه و لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایالت‌هایی از آمریکا را با این انگیزه در نوردید. ژاپن، ترکیه، پاکستان، ایتالیا، یوگسلاوی و کشورهای اسکاندیناوی - هر یک به دلیلی - به این مجموعه اضافه شدند. کمک به نیروهای همراه در خارج و تلاش برای رفع اختلافات و ابهامات‌شان بخشی از ثمرات آشکار این سفرهاست.

از سوی دیگر، آشنایی با دو رویه‌ی تمدن غرب از ضرورت‌هایی بود که هر کس انگیزه و فکری اصلاحی داشت نیاز به آن را احساس می‌کرد. در این سفرها برای او هم فرصتی پیش آمد که چنین نیازی را پاسخگو باشد. از دیوار برلن تا موزه‌ی بمباران

هیروشیما، از آسمان خراش‌های شیکاگو تا موزه‌ها و مراکز فرهنگی لندن و از جنگل‌های ردوود تا محله‌های هالیوود... همه در این قلمرو قرار گرفتند.

سال ۵۴-۵۵

گویی تقدیر الهی چنین است که رژیم‌های خودکامه، در اوج موفقیت، با بازی هنرمندانه‌ی سرنوشت به روند واژگونی کشانده شوند. در داستان انقلاب اسلامی ایران نیز یک بار دیگر ایران و جهان تماشای چنین هنری را در بازی سرنوشت فرصت یافتند:

سال ۵۴ - در پی قرارداد الجزایر - هویدا به عراق سفر کرد. گویی رژیم در ایجاد موازنه در سیاست خارجی به جایگاه دلخواه رسیده است؛ چنان که این جایگاه، ستایش مقامات رسمی چین کمونیست را - که در آن روزها قبله‌ی جریانات چپ در این مرز و بوم بود - نیز برانگیخت. اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونسیت مشکلی جز با فیدل کاسترو برجای نمانده است. پیوند تنگاتنگ ایران و غرب به ویژه آمریکا نیز بیش از پیش مستحکم می‌نمود، چنان که خشم و حسادت شیوخ جنوب خلیج‌فارس به ویژه عربستان را برانگیخته بود.

در سیاست داخلی نیز، اعلام مواضع مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق - به رغم اندرزهای عالمان مبارز - موجی از شادی رژیم و نومیدی قشرهای مبارز را در پی داشت، و در پی آن دستگیری حضرات آیات طالقانی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی و.... هرچند که با فاصله‌ای کوتاه موج تندی از ترور و انفجار در تهران و سرتاسر کشور گزارش می‌شد، ولی برای ساواک بیش از دیگران روشن بود که این، نه از قدرت سازمان، که از متلاشی شدن آن حکایت می‌کند، چیزی همانند انتحار.

اعلام تأسیس حزب فراگیر رستاخیز، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و پاره‌ای الدرم بلدرهم‌های شاه در برابر غرب - در پیوند با افزایش نرخ نفت - همه ناشی از غرور و شاه و رژیم بود....

ناگهان گویی ورق برگشته است و نشانه‌هایی از دوگانگی مهمی در سیاست آمریکا نسبت به شاه و رژیمش نمایان شد که ملاقات شاه و راکفلر در جزیره‌ی خارک را می‌توان از واکنش‌های مربوط به این دوگانگی دانست. در همین حال، در پاره‌ای مصاحبه‌های شاه، اشاره به وصیتنامه‌ای شد که شایعه‌ی بیماری وی را دامن می‌زد. نمی‌دانیم، شاید همین بیماری، در دوگانگی سیاست آمریکا بی‌اثر نبود. به هر حال، پیروزی کارتر در انتخاب آمریکا، شاه و رژیم را نگران کرد. کارتر نیز که ارزیابی درستی از قدرت مذهبیون و حضرت امام در ایران نداشت، با فشار بر شاه برای باز کردن فضای سیاسی کشور، دست به اقداماتی زد که به زودی پشیمانی او و حزبش را در پی داشت، هر چند که دیگر دیر شده بود.

سال ۵۶-۵۷

شگفتا: او که در اوج اختناق رژیم و غربت انقلاب، همیشه در صحنه حضور داشت و عشق به مبارزه در راه آزادی و عدالت، لحظه‌ای آرامش نمی‌گذاشت و با همه‌ی هوشیاری و فطانت و به رغم نیازی که همگان در حراست از وی احساس می‌کردند، هرازگاه دل به دریا می‌زد و در استقبال خطر آغوش می‌گشود، آری، با این همه، بازی سرنوشت چنین پیش آورد که در پرهیجان‌ترین شرایط از مبارزه و مردم دور باشد! در محرم و عاشورای ۴۲ و در آستانه‌ی حماسه‌ی ۱۵ خرداد، دست سرنوشت او را به بندان پادگان‌های نظامی کشانید. اینک نیز که به هر حال، فضای باز سیاسی پیش آمده است و هر روز خبری هیجان‌انگیز موج می‌افکند، خبرهایی چونان لغو محکامه‌ی سری نظامی، عفو پی در پی زندانیان سیاسی، برداشته شدن شکنجه، بهبود وضع زندان‌ها، برداشته شدن گارد دانشگاه، بیانیه‌های پی‌درپی احزاب، نامه‌های سر گشاده از چپ و راست، درج خبرهای تظاهرات در روزنامه‌ها، بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها، استعفای مهره‌های پرآوازه‌ی رژیم، تغییر کابینه، تظاهرات فراگیر دانشگاه‌ها، اعلام موجودیت جمعیت‌های سیاسی، برپایی مجالس پرشکوه سیاسی، موج فزاینده‌ی تظاهرات در خارج از کشور، در گذشت دکتر

شریعتی و پی‌آمدهای آن، و از همه مهم‌تر، رحلت آیت‌الله سید مصطفی خمینی - که در آن فضا مشکوک تلقی می‌شد - ناگهان چونان زلزله‌ای سیاسی کشور را تکان داد و همه‌ی محاسبات و معادلات را در هم ریخت....

اینک که آتش انقلاب شعله‌ور شده است، سرنوشت، به او مجال جوشیدن در این آتش شعله‌ور را نمی‌دهد! با شماری هم‌اندیشان در گوشه‌ی زندان اوین از دور دستی بر آتش دارند. هرچند که او و هم بندانش، زندان اوین را نیز به کانونی فعال بدل کرده بودند و در پاسخ به یکی از نیازهای حساس و مبرم انقلاب نقشی بسیار مؤثر داشتند. (سند شماره‌ی ۰۸۷۹) او، با آن که پرونده‌ای بسیار سنگین داشت، به ویژه با تک‌نویسی کینه‌توزانه‌ی وحید افراخته که کوشیده بود بدترین ذهنیت را در مورد وی شکل دهد، (سندهای شماره‌ی ۰۸۹۰/۱ و

۰۸۹۰/۲ و نیز سند شماره ۰۹۰۶/۱ و ۰۹۰۶/۲)، با این همه، قبل از آنکه به سرنوشت خویش بیندیشد، به سرنوشت انقلاب می‌اندیشد. هر چند هوشیاری و زیرکی وی در پنبه کردن رشته‌های عناصری ناجوانمرد و چند چهره، در نگاه انقلاب آشنایان برگ‌هایی است زرین در کارنامه‌ی سیاسی او، اما از آن زرین‌تر و افتخار آفرین‌تر، برگ‌هایی است نانبشته که از نگاه دشمن پنهان مانده و در اسناد از آن انعکاسی نمی‌توان یافت و ردیابی این همه جز با جست و جو در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نیست.

افزون بر این همه، تلاش فرهنگی اوست، بیرون و درون زندان که این فرصت می‌توان به دو کار اساسی اشاره کرد:

۱. تلاش در نگارش زندگی نامه‌ی امامان معصوم که در سال‌های ۵۳-۵۴ آغاز شد و ناتمام ماند و اینک شماری از فضلای حوزه‌ی قم در تلاش تکمیل و پرداش آن هستند. ۲. فراهم کردن بانک اطلاعات قرآنی که کارهای زیربنایی آن در زندان اوین به انجام رسید و اینک در جهت تکمیل و پردازش آن نهادی در قم پدید آمده است و مجلداتی از آن آثار منتشر شده است.

آزادی از زندان

سرانجام در پاییز سال ۵۷، در طلیعه‌ی بهار آزادی، با انقلاب مردم به پاخاسته درهای زندان گشوده شد و مردم انقلابی ایران، حضرات آیات طالقانی، منتظری، هاشمی رفسنجانی و دیگران را در آغوش گرفتند و در پیوند با رهبری اسلامی در نوفل لوشاتو، کانونی نیرومند در ایران هدایت انقلاب را عهده‌دار شد. از این پس، هر روز رویداد و رویدادهایی عظیم را شاهد بود که در روز شمارهای انقلاب اسلامی به بسیاری از آن رویدادها اشاره شده است. در میان این رویدادهای بی‌شمار، دو مورد ویژگی خاصی دارد:

۱. پیدایش شورای انقلاب در ایران که او از محورهای تعیین کننده در آن بود.

۲. نخستین اقدام رسمی حضرت امام و اعزام هیئتی به خوزستان با مأموریت رسیدگی به مسایل نفت با عضویت و نقش تعیین کننده‌ی او در آن هیئت (کیهان، شماره‌ی ۱۶، ۱۰۶۰۵ دی ماه ۱۳۵۷).

بدین سان موج توفنده‌ی انقلاب اسلامی به سوی پیروزی تاریخی ایران و اسلام راه می‌پیمود و در واپسین روزهای نابودی رژیم خودکامه‌ی پهلوی، در محضر حضرت امام، او بود که فرمان نخست‌وزیری انقلاب را قرائت کرد. (کیهان، شماره‌ی ۱۷، ۱۰۶۳۱ بهمن ماه ۱۳۵۷.) ما را در سر فصلی مهم و در روزهایی سراسر هیجان گویی این آیه در گوش‌ها طنین می‌افکند که: عسی ربکم أن یهلك عدوکم و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون. (قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۲۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

هاشمی کروبی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سیف الله هاشمی کروبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در چاشتگاه سه شنبه‌ای تابستانی اولین فرزند خانواده چشم به جهان گشود. بعد از سال‌ها به خاطر نداشتن معلم چند وقتی از مدرسه رفتن او گذشته بود که پدر با این بشارت که برای مدرسه‌ی روستای ما معلمی آمد به خانه برگشت و مرا به مدرسه برد و بدین ترتیب از سال ۱۳۴۷ زندگی را در خانه‌ی دوم (مدرسه) آغاز کردم و بدون کمترین راهنمایی در ردیف شاگردان خوب کلاس قرار گرفتم. و به گفته مادر مهربانم چون به مسجد علاقه‌ی فراوان داشتم؛ از ۸ سالگی به نماز خواندن کامل و روزه گرفتن مبادرت کردم که این عمل سازنده و جهت دهنده‌ی من به سوی دروس دینی بود.

بعد از گرفتن مدرك سوم راهنمایی (سیکل) در مدرسه راهنمایی «صبح امید» واقع در روستایی که با دِه ما دو کیلومتر فاصله داشت، علاقه به مسافرت علمی دینی به سوی قم را گرفتم و چون با مخالفت پدر واقع شدم بنا را بر درس نخواندن گذاشتم تا ایشان را وادار به قبول کنم و این اولین سالی بود که بعد از شروع ایام تعطیلات، مدرسه را با مردودی پشت سر می‌گذاشتم ولی محاسبه‌ی من غلط از آب درآمد و ابوی گرامی باز مرا به تحصیل مجدد در اول نظری کشاند و من همچنان به درس بی‌توجهی می‌کردم که ایشان به پدربزرگم «رحمه الله» شکایت کرد.

چون جد پدری تاثیر خوبی در من داشت، فکر می‌کرد که مرا وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. در جواب آن مرحوم عرض کردم که اگر دیپلم را بگیرم به درد دروس دینی نخواهم خورد و برعکس من با سکوت ایشان فهمیدم که نه تنها تاثیر نگرفتم بلکه اثر گذاشتم و بر تصمیم خود پافشاری کردم چون پدر راضی نمی‌شدند؛ در این هنگام بدون خبر خانواده به سوی تقدیر الهی خود حرکت کردم و شب ۲۵ آبان ۱۳۵۵ که ساعت ۲۱/۱۰ را نشان می‌داد؛ برای اولین بار به حرم بی‌بی فاطمه معصومه (س) مشرف شدم و جان خود را با آب معرفت زیارت، شست و شو داده و برای کسب علم (زنده کننده‌ی جان) آماده می‌کردم و آن شب را در حرم و آشیانه‌ی اهل بیت (ع) بیتوته کرده و صبح جمعه‌ای که باز منتظر و عدالت گستر حقیقی، جان تشنه منتظران فرج را با جام ظهور سیراب نفرموده به دیدار دوستی که سرنوشتی مثل من داشت به نام «سید مهدی حسینی» شتافتم و خود را در جمع صمیمی دوستان طلبه سرخوش یافتم.

بعد از خواندن اکثر جامع المقدمات و شروع صمدیه، انقلاب اسلامی با شهادت «آیت الله آقا مصطفی خمینی» جان گرفت و مرا بر سفره‌ی پربرکت خود نشاند و با انقلاب، در رشد و نمو هماهنگ شده و با پشت سر گذاشتن کلاسهای گوناگون و افت و خیزهای انقلاب و جنگ تحمیلی استکبار جهانی، علیه جامعه‌ی ولایی ما، بعد از اتمام کفایتین در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» (همزمان با رحمت جانگداز امام امت رحمهٔ الله علیه)، در سال ۶۸ به درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» راه یافته و یک دوره اصول فقه را در محضر ایشان شاگردی کرده و نیز نزدیک به ده سال فقه خواندم و یک سوم این درس‌ها را به عربی تقریر کردم و از ایشان تأییدیه هم دریافت کردم و در عین حال دروس سطوح پایین‌تر را ترجمه و تدریس می‌کردم. ولی با کمال تاسف به دلیل نداشتن یك راهنما و مراد، این دو کار زیبا و ارزشمند را به طور متوالی ادامه ندادم که مایه‌ی حسرت همیشگی من می‌باشد. اگر چه مجوز تدریس در حوزه و دانشگاه را دارم و اندوخته‌های خود را به کمک ایزد منان در مراکز علمی عرضه می‌کنم ولی رضایت خاطرم را

فراهم نمی کند.

هاشمی گلپایگانی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم هاشمی گلپایگانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هاشم هاشمی گلپایگانی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه شد و همزمان دروس دولتی را هم ادامه داد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی از دانشگاه فقه فارغ التحصیل شد. در حوزه نجف مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم «آیهٔ الله خویی» و «آیهٔ الله سیستانی» حاضر شده که بعضی از تقریرات درس ایشان به چاپ رسیده: (تعارض ادله شرعیه).

ایشان چند ماه در زندانهای صدام اسیر بود و پس از آن در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم آمد و در حوزه علمیه قم در درسهای خارج فقه و اصول مرحوم آیات عظام: «گلپایگانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» حاضر شد و نیز از همان زمان تا حال درسهای سطح و خارج فقه و اصول را تدریس می نماید.

هاشمی نژاد، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید حجه اسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ ق) در خانواده ای متدّین در « بهشهر» مازندران دیده به جهان گشود و از ۱۴ سالگی در محضر آیت الله کوهستانی و سپس در قم به مدت چهارده سال نزد آیات عظام: سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در دوران مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) با خطبه ها و سخنرانی های حماسی و آتشین خویش، در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیّت رژیم پهلوی، تمامی توان خود را به کار برد و در این راه متحمّل سختی ها و شکنجه های ایادی رژیم گردید. وی از ابتدای مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چندین بار دستگیر و به زندان های طولانی مدت محکوم گردید. این مجاهد انقلابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده استان مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد، در تدوین قانون اساسی و به خصوص در جهت تثبیت اصل ولایت فقیه، زحمات بسیاری کشید. حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از پایان دوره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی مقام دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را به عهده گرفت و از این پایگاه، حملات مداوم خود را متوجه نفاق حاکم بر بعضی مکان

های دولتی و ارتجاع کرد و با ضد انقلاب به مبارزه سختی پرداخت. وی با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه های غرب و جنوب حضور یافت و با سخنرانی های پرشور خود، در بالا بردن روحیه رزمندگان نقش بسزایی ایفا کرد. آن شهید بزرگوار، پشتوانه محکمی برای انقلاب بود، از این رو نقشه ترور وی طرح شد و در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر ۱۳۶۰ در چهل و نه سالگی به دست یکی از منافقان کوردل، بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. بدن پاره پاره این شهید عالی مقام پس از تشییع باشکوه مردم، در جوار مرقد منور امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

هاشمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی» در تهران که دائرهٔ المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در

دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.
لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید علی اکبرین مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسن موسوی طالحونچه‌ای طاب ثرا هما از علماء محترم اصفهان بوده و در سال ۱۳۱۸ ق در قریه مذکور متولد شد و دروس فارسی و مقداری مقدمات را خدمت مرحوم والدش و مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسین (جد مادری خود) فرا گرفته و مخصوصا در سه خط (۱) نسخ قرآنی (۲) شکسته (۳) نستعلیق که از جد مادری خود تعلیم گرفته خیلی ممتاز بودند سپس برای تکمیل مقدمات عربی و سطح باصفهان حرکت و در مدسه جده بزرگ و مدرسه ناصریه به مسجد شاه و مدرسه‌ی مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد علی نجفی اقامت و نزد اساتید بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد علی یزدی و مرحوم حجه‌الاسلام آقا میرزا احمد مدرس و مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران تلمذ نموده تا در سال ۱۳۴۶ ق که مرحوم والدشان مریض سخت گردیدند ناچار برای عیادت ایشان بمحل معاودت نموده و بالاخره بعد از چند روز هم وفات نمودند بواسطه‌ی مراجعات و احتیاجات مردم و تقاضای اهالی وظیفه شرعی خود را تشخیص در توقف در محل داده و با جدیت تمام مشغول ترویج و انجام رتق و فتق امور محل گردیده تا زمانیکه اختناق اهل علم و طلاب پیش آمده و مسئله جواز عمامه و اتحاد شکل پیش آمده و این موضوع سبب شد که خانوادگی از محل مهاجرت و بعزم اقامت در اعتاب مقدسه به بلاد نجف حرکت نموده و موقعیکه وارد بشهر مذهبی قم شدند زمان ریاست و مرجعیت مرحوم آیه‌الله حایری قدس‌الله سره بود پس از اقامت چندی حوزه قم را مجهز برای تحصیل دیده از رفتن بعتبات عالیات منصرف و در قم توقف نموده و با برادر ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی مشغول خواند سطوح گردیده و دو برادر دیگرش آقای آقا طاها هاشمی و مرحوم ثقه‌الاسلام آقا حسین هاشمی نیز بتکمیل مقدمات پرداخته و مرحوم آقا حسین که در استعداد و ذکاوت بر همه فائق بود در شب عاشورا ۱۳۵۵ ق در اصفهان بدرود حیات گفته و برادر بزرگوارش حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی در ماده تاریخ فوت او بفارسی گوید: (بعاشورا حسین آسوده مأوی در جنان دارد)

مرحوم آقای هاشمی ثانیا بر حسب تقاضای اهالی از مرحوم آیه‌الله حایری -ره- بوطن برگشته و بخدمات دینی پرداخته و از خود آثاری بیادگار گذاشتند.

از قبیل تعمیر مساجد و تربیت جوانها و غیره. آثار قلمی ایشان منشأت است که هرگاه جمع‌آوری شود مورد استفاده خواهد بود، در اواخر عمر چند سالی مقیم اصفهان شدند تا در شب ۱۴ ماه رمضان موقع سحر بمرض سکته از دنیا رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صانعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» ـ شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در

دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۱، بهشهر.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، مشهد.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سال ۱۳۱۱ در بهشهر مازندران در فراش محله (از پدرش سید حسن و مادرش ساره) دیده به جهان گشود. از سن نه سالگی به درس عربی اشتغال داشت. در سال ۱۳۲۵، در چهارده سالگی به تحصیل در حوزه‌ی آیت‌الله کوهستانی، در شهرک کوهستان در شش کیلومتری بهشهر پرداخت مقدمات را در آنجا فراگرفت. در سال ۱۳۲۹ وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و دروس سطح را پشت سر گذاشت و در درس خارج اصول فقه امام خمینی (ره) و درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. در بیست و دو سالگی به نجف اشرف رفت ولی با فراهم نبودن شرایط تحصیل از جمله ضعف جسمی بار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال ۱۳۳۷ اولین اثر قلمی خود را به نام مناظره‌ی دکتر و پیر به سبک داستانی عرضه داشت. این کتاب ماجرای سفر چند نفر است که در یک قطار به بحث می‌پردازند و نویسنده در لابه‌لای آن به بیان ارزش‌های اسلامی اسلامی می‌پردازد. وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به سطح اجتهد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فرید الاسلام)، حضرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سید رضا صدر و مجاهدی. در سال‌های ۱۳۴۰ -۱۳۳۹ به مشهد رفت. پس از مدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجالس سخنرانی در مشهد حضور می‌یافت و برای حاضران سخنرانی می کرد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایشان همکاری با مجله «مکتب اسلام» بوده است.

در نهضت پـانزده خرداد ۱۳۴۲ دسـتگیر و چهل و یک روز در زنـدان شـهربانی محبوس شد، در حادثه مسـجد فیل مشـهد به سـبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانه شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر ۱۳۴۲، به مدت سه ماه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر ۷۷ خراسان محکوم شد، سپس از سـخنرانی در شهر مشهد ممنوع شد. لذا با خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شیراز رفت. اما مأموران ساواک وی را برای سومین بار دستگیر کردند و با اتومبیل به اصـفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اتاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زنـدان عمومی منتقل کردنـد. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زنـدان راهی مشـهد شـد، وی همچنین اقـدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشـهد از سال ۱۳۴۳ لغایت ۱۳۵۰ نمود. در سال ۱۳۵۰ هم در جلسه‌ای که جمعه شب هر هفته در شهرسـتان قوچـان تشـکیل می‌شـد حضور می‌یـافت. این جلسات تا مـدت‌ها ادامه داشت، در ایام شـهادت فاطمه زهرا در سال ۱۳۵۳ علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسـی در منزل خود، زمینه‌سـازی نمود و بـا رضـایت اساتیـد دیگر حوزه‌ی علمیه‌ی مشـهد، فردای آن روز یعنی روز شـنبه بیست و چهـارم خرداد ۱۳۵۳ با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شـهر مشـهد به راه انـداخت. به همین سـبب ساواک برای چهارمین بار وی را دسـتگیر و روانه زندان ساخت. وی تا اوایل سال ۱۳۵۶ در زندان به سر برد. در همین زمان به سـبب امضای اطلاعیه‌ای، وی به همراه آیت‌الله سـیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسـلام واعظ طبسـی برای پنجمین بار دسـتگیر و روانه زندان شد اما تظاهرات مردم به سوی منزل حضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشان پس از بیست و چهار ساعت آزاد شوند.

حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در بهمن ۱۳۵۷ به تهران آمد. سپس به قائمشـهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که خبر تصـرف رادیو و تلویزون و تصـرف پادگان‌ها به وی رسـید او به مشـهد رفت و در حفظ نظم شـهر تلاش بسـیار کرد. با گذشت چنـد مـاهی از پیروزی انقلاب اسـلامی، در خرداد ۱۳۵۸ بـا قبول ریـاست هیئت ایرانی، در اولین سـفر خـارجی به سه کشور لیـبی و سوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمرالقذافی، رییس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانسـتان و عراق را مورد بحث قرار داد، در بهمن ۱۳۵۹ همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسـلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد، وی با رأی مردم اسـتان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضـرت آیت‌الله سـید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.

تألیفات ایشان علاوه بر مقالات و سـخنرانی‌هایشان، عبارتنـد از: اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشـکلات جوانان؛ تقریرات و اصول دین؛ پاسخ ما به مشـکلات جوانان؛ تقریرات اصول آیت‌الله شـیخ علی کاشانی به عربی (چاپ نشده است)؛ درسی که حسـین (ع) به انسان‌هـا آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سـرمایه داری؛ رسـالت انقلابـی امـام حسـین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهرا (س)؛ ضـرورت تشـکیلات؛ غروب آفتـاب در انـدلس؛ قرآن و کتاب‌هـای دیگر آسـمانی؛ کمـونیسم از دیـدگاه نظـام اقتصـادی و اجتمـاعی اسـلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصـر ما؛ مشـکلات جنسـی و چاره آن در اسـلام؛ مشـکلات مـذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظره دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهرماه ۱۳۶۰، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسـلامی در مشـهد توسط منافقین به شـهادت رسید. پیکر ایشان، در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای حاج سـید عبدالکریم بن السید الزکی السید حسن بهشهری از فضلاء بنام و خطباء گرام و نویسندگان والامقام و مشاهیر وعاظ و گوینـدگان معاصـر است از جهت نطق و بیـان و قم و بنان‌گوی سـبقت از همگنان ربوده و شـهرت تام یافته و در هر کجا که برای تبلیغ دین و ترویج آئین و تنویر افکار نسل جوان مدعوا رفته مانند مشهد و تهران و قم و اصفهان و یزد و همدان و بابل و رفسنجان و ری و کاشـان و خرم‌آباد و آبادان با اسـتقبال گرم مردم مواجه شـده و ده‌ها هزار نفر برای اسـتماع از بیانات مسـتدل و منطقیش گرد

آمده و ابراز احساسات نموده‌اند در بیست روز که در محرم و صفر ۱۳۹۳ قمری خود این نویسنده شاهد اجتماع عموم طبقات مخصوص افاضل حوزه علمیه و نسل جوان قم بودم که برای استفاده از منبر وی در شهر علمی و مذهبی قم گرد آمده و گفته می‌شد که بیش از بیست هزار نفر شرکت کرده‌اند و ایشان با بیانی گرم و پرحرارت ایراد سخن نموده و افکار مردم را به مطالبی متوجه می‌نمود.

معظم‌له در شهرستان بهشهر در سال ۱۳۴۸ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی به کوهستان رفته و در تحت تربیت و تعلیمات عالم ربانی آیت‌الله کوهستانی مرحوم مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و در نزد فاضل ربانی طاب‌نژاد آقا شیخ علی فریده الاسلامی کاشانی که از اوتاد فضلاء و مدرسین حوزه بود سطوح وسطی را خوانده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ استفاده نموده و به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیات دیگر شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و دراسات و تقریرات استاد مجاهد خود را به رشته تحریر آورده و به نظر معظم‌له به وسیله این نگارنده رسانیده و مورد تائید و قبول استاد مزبور قرار گرفته است.

استاد هاشمی‌نژاد به واسطه جهات داخلی در سال ۱۳۸۲ قمری با معیت داماد و شریک گرامش حجه‌الاسلام حاج آقا حسن ابطحی خراسانی به مشهد مراجعت نموده و رحل اقامت افکنده و در حوزه مشهد به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب و وظائف دینی و روحی دیگر پرداخته و خدمات ارزنده‌ای نموده است. آثار علمی و خدمات روحی معظم‌له از این قرار است:

۱- همکاری تاسیس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس (که با معیت صدیق و رحم گرانی خود آقای ابطحی) نموده‌اند:

۲- کتاب مناظره دکتر وپیر که تاکنون بیش از ده‌ها بار به طبع رسیده و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفته است.

۳- درسی که حسین علیه‌السلام به انسانها آموخت مکرر چاپ شده است.

۴- قرآن و کتابهای آسمانی دیگر.

۵- مشکلات بزرگ نسل ما. ۶- راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری.

۷- اصول پنج‌گانه اسلام ۸- مشکلات مذهبی روز ۹- جلد اول پاسخ ما به مشکلات جوانان ۱۰- بسیاری از جوابها و مقالات پاسخ ما.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هدایت نیا، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله هدایت نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده ام. پس از طی دوران کودکی وارد مدرسه شدم و تا سال سوم راهنمایی را در مدارس زادگاه خویش گذراندم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.

تحت تأثیر شرایط پس از انقلاب در خودم علاقه به فراگیری علوم دینی احساس کردم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه «خاتم الانبیاء (ص)» بابل شدم. به مدت سه سال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصیل کردم و از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتید بزرگواری نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محفوظی» بهره بردم.

در سال ۱۳۶۸ به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال ۱۳۷۳ شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.

با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا تبلیغی در جبهه ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می باشم. علاقه وافر اینجانب به فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می کنم.

در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال ۱۳۸۱ به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دَین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هرسینی کرمانشاهی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر کرمانشاه برادر ارجمند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی مذکور می‌باشند.

وی حدود سال ۱۳۲۶ ق در محیط عشایری و خوانین لرستان بدنیا آمده و پس از طی دوران صباوت در حدود سال ۱۳۳۷ قمری در خدمت برادر معظم خود به عتبات عالیات مشرف و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد رشتی و حاج شیخ غلامحسین دارابی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن و تا حدود چهار سال در آن محیط تیره و تار به تبلیغات و ارشاد

الوار آن سامان و بخصوص علویون و غلات پرداخته و در سال ۱۳۵۴ مهاجرت به قم نموده و تا حدود ۶ سال از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و بعضی دیگر استفاده نموده و در حدود ۱۳۶۰ ق مهاجرت به کرمانشاه و تا اکنون که ۱۳۹۵ قمریست بالغ بر سی و پنج سال به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و فقهاء کرام معاصر کرمانشاه می‌باشند.

در سال ۱۳۱۵ ق در یک فرسخی هرسین متولد شده و از روز نخست طالب دین و دیانت و علم و شرافت بوده و در خانواده متدین و متعصب و میهمان دوستی تربیت گردیده و خود از کوچکی مقدس و متقی و از هر صغیره و حتی مکروهات فرار و اجتناب نموده به طوری که اهالی محل ایشان عقاید عجیبی در استجابت دعا و تقوای ایشان داشته‌اند وی در سن ۱۷ سالگی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا مشرف و اشتغال به تحصیل ورزیده و پس از انتقال (معظم له) به کربلا ایشان هم عزیمت به کربلا و مورد نظر و مهر مرحوم میرزا قرار گرفته و بواسطه احتیاط از وجوهات کمتر مصرف و غالباً با صوم و صلوة استیجاری اعاشه می‌نمود تا پس از فوت و رحلت میرزاء به نجف اشرف و از محضر مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی و نیز مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ ق به ایران مراجعت و در هرسین و کرمانشاه به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و جمعی از علات و علویون آنجا را هدایت و ارشاد و هم مدتی با بهائی‌های نراق مبارزه و بعضی از آنها را از انحراف و ارتداد به راه مستقیم در آورده و در سال ۱۳۴۷ قمری به قم مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آقای خونساری و آقای صدر و بعد آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن به کرمانشاه مراجعت و در مسجد جامعه کرمانشاه تا حال تحریر اشتغال به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد و هدایت مردم دارد.

خاطره عجیب معظم له از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی

آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی فرمودند آقای هرسینی گفتند پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی وضع معیشت بر من استوار شد و چند روزی گرسنه و در مضیقه سخت قرار گرفتم پس به نجف مشرف و در حرم صورت به ضریح مطهر علوی گذارده و اظهار حاجت نمودم.

پس از حرم بیرون و در صحن شریف شخصی آمد و مبلغی داد و مدتی گذران کردم و چون تمام شد باز به حضرت امیر (ع) عرض کردم و در صحن شخصی وجهی داد که چند روز مرا کفایت کرد و در بار سوم همین طور تا در مرتبه چهارم که دیگر پولی برای مخارج خود نداشتم مشرف شده و عرض مطلب کردم و چون آمدم از حرم بیرون روم دیدم مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی که در پشت سر مطهر نشسته تا مرا دید صدا زد خدمتشان رفتم فرمود شیخ محمدحسن هر وقت بی‌پول شدی و مخارجت تمام شد لازم نیست به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کنی بیا به من بگو و تأکید کرد و من تعجب کردم که ایشان از کجا متوجه شده که حاجت من چیست. پس از حرم بیرون رفتم و روز بعد حسب‌التأکید ایشان درب منزل آن مرحوم رفتم که اوائل ریاست ایشان بود تا در زدم خود ایشان آمد و درب را باز کرد و فرمود هان بی‌پول شده‌ای بیا داخل و در اندرون منزل رفت و مدت یک ساعت طول

کشید که من از آمدن پشیمان و خواستم بروم که دیدم آمد در حالی که غبارآلود است و اول عذرخواهی بسیار نمود و دامن خود را گشود و مبلغ زیادی از دراهم و پولهای عراقی جلوی من ریخت (که مدتها مرا اداره و تأمین نمود).

و فرمود از اینکه دیر کردم مرا ببخش زیرا رفتم دخل و قلک بچه‌هایم را خالی کردم و برای شما آوردم که ضرورت داشت.

(نگارنده گوید: بقول آیت‌اللّه اراکی معلوم می‌شود که مرحوم سید غیر از پول یومیه بچه‌ها و نوه‌های خود پول دیگری نداشته چون اوائل ریاست و مرجعیت ایشان بوده)

هرندی، شمس الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملّا عبداللّه (حاج آقا) هرندی، فاضل و عالم، و امام یکی از مساجد محلّه شهشهان، و از شاگردان پدر خود و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و دیگران بوده، در حدود سال ۱۳۶۰ در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، نعمت اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمّد جعفر هرندی. معروف به لسان الواعظین، از فضلای اهل منبر اصفهان.

در جمعه ۲۰ شعبان سال ۱۳۵۵ وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

قدوه اصحاب منبر زبده اهل یقین

واعظ اندر دین احمد رهنمای مؤمنین

بیست از شعبان گذشته روز جمعه چاشتگاه

شد روان سوی جنان شادان لسان الواعظین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هسته‌ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد رضا، از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خوانساری.

عالم فاضل، و واعظ کامل، از معمرین اهل علم و فضل، سال‌ها در نجف خدمت علمای آن سامان تلمذ فرموده، و در حدود سال

۱۳۲۵ به اصـفهان مراجعت کرده، و سال‌ها در این شهر امامت و تدریس نموده، سپس به طهران مسافرت کرده، و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید وارد شده، و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده.

پس از وقعه‌ی شـهادت او به اصـفهان آمده، و تا آخر عمر گاهی در اصفهان، و زمانی در طهران ساکن، و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ پرداخته، و الحق واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای طلیق اللسان بوده.

در دوشنبه ۱۶ ربیع الثانی سال ۱۳۸۷ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.

از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه‌ی مجلسی به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هسته‌ای، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الشیخ محمدرضا واعظ هسـته‌ای اصفهانی از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خونساری عالمی فاضل و واعظی کامل از معمرین اهل علم و فضل اصفهان بود. وی در حدود سال ۱۲۹۵ قمری در اصفهان متولد و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف مشرف شـده و سالهـا از محضـر مرحوم آیت‌الله العظمی آخونـد ملاـ محمـدکاظم خراسانی و آیت‌الله العظمی آقا سـید محمـدکاظم یزدی و مرحوم آیت‌الله آقای شریعت اصفهانی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۲۵ قمری به اصفهان مراجعت کرده و سالها در آنجا امامت و تدریس نموده سپس به تهران منتقل و به مرحوم آیت‌الله حاج شـیخ فضل‌الله شـهید نوری پیوسـته و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شـده و پس از واقعه شـهادت آن بزرگوار به اصـفهان مراجهت و تـا آخر عمر گاهی در اصـفهان و زمانی در تهران ساکن و به وعـظ و خطـابه و ارشـاد مردم از راه منبـر و ایراد مواعـظ پرداختـه والحق واعظی شـیرین بیـان و گوینــده‌ای طلیق‌اللسـان بـوده و از گوینـدگان واجـد مقـام اجتهـاد و فقـاهت بـود و در مجـالس خوش محـاوره و ظریف و حاضـر جواب بود در عصـر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی زیاد در قم مانده و منبر می‌رفت و عموم مراجع و علماء برای استفاده از بیاناتش شرکت می‌کردند.

آیت‌الله العظمی آقای مرعشـی نجفی مدظله می‌فرمودند مرحوم هسـته‌ای در مدرسه رضویه قم منبر می‌رفت و مرحوم آیت‌الله حایری و سـایر علماء می‌آمدنـد. روزی در پیرامون فلسـفه تعـدد زوجات در اسـلام صـحبت می‌کرد و آثار و فوایـد آن و شـرایطش را ذکر می‌نمود که زنی گفت آقـای هسته‌ای اگر هوو خوب بود حضـرت فـاطمه‌زهرا علیهاالسـلام قبول می‌کرد. مرحوم هسـته‌ای فریـاد زد ساکت ای زن حضـرت زهراء علیهاالسلام در ۹ سالگی به خانه حضـرت علی علیه‌السلام آمده و در هجده سالگی هم از دنیا رفت با آن همه کمالاـت نفسـانی و جمـال و زیبـائی که داشت امـا شـما در سن سـی‌سالگی به خـانه شوهر آمـده و در سن نود سـالگی هم نمی‌روید (مردان بیچاره با شما ام‌الحلیسها چه کنند) که عموم علماء و مردم زدند به خنده.

آن مرحوم در شب دوشنبه ۱۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۸۷ قمری در سن نودسالگی در تهران وفات یافته و بعد از تشییع مفصل منتقل به قم و در این زمین پاک مدفون گردید. از آثار قلمی او حواشـی بر اعتقادات علامه مجلسـی به طبع رسـیده است. و از باقیات الصالحات ایشـان است فرزنـدی فاضل و برومنـدش جناب حجه‌الاسـلام و واعظ انام آقای حاج میرزا مهـدی هسـته‌ای که سالها در قم تحصـیل کرده و پس از وصول به مقام رفیع فضل و کمال به تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

هشترودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۵، تبریز.

درگذشت: ۱۳۷۲.

حجت‌الاسلام سید جواد هشترودی در دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید و در مدرسه طالبیه تبریز و سپس در قم از محضر برخی اساتید بنام آن زمان کسب فیض نمود.

حجت‌الاسلام هشترودی در ایام تحصیل به علت فشار مالی، روزها کارگری می‌کرد و شبه‌ها به تحصیل می‌پرداخت و به علت بیماری پدر و فقر مالی پس از چندین سال تحصیل به تبریز برگشت و در سال ۱۳۴۲ پس از واقعه پانزده خرداد به تهران آمد و به عنوان یکی از سخنرانان برجسته‌ی محافل علمی و مذهبی شناخته شد و نیز به دلیل فعالیتهای انقلابی و سخنرانیهای سیاسی چندین بار به زندان افتاد.

از آثار ایشان است: برانگیخته؛ امام علی (ع) پیشوا و پشتیبان مرزهای عقیده؛ استعمار در سرزمینهای توحید؛ زن مسلمان و خودآرایی؛ تاریخ انقلاب داغستان و شخصیت شامل؛ ترجمه یک جلد از محجهٔ البیضاء (اثر فیض کاشانی).

حجت‌الاسلام هشترودی پس از بازگشت از سفر حج در پنجاه و هفت سالگی به سبب ناراحتی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

همدانی، صفرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ غلام علی، عالم فاضل معمر، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، و مجاز از ایشان است.

در همدان متولد گردیده، و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نموده، خدمت اساتید این شهر تحصیل نموده، در محله‌ی دردشت ساکن، و در مسجد کوچه‌ی باغ دردشت امامت می‌نمود.

در سال ۱۳۵۰ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی ملک بالای سر قبر مرحوم آخوند کاشی استاد خود مدفون گردید.

مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ –۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعهٔالمعاد»، در شرح «نجاهٔالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایهٔ الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیهٔ»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایهٔ»، در رد صوفیه؛ «المقالهٔ الاسلامیهٔ»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریهٔ»؛ «الاسلام و الخلافهٔ»؛ «مواکب حسینیه».[۱]

شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الدین محمد بن فتح‌اللّٰه (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه‌اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه‌المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره ۲- السیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافیه ۵- السوال و الجواب الدینی رد شیخیه ۶- الهدایه. در رد صوفیه ۷- المقاله الاسلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریه ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع‌الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریه ۱۹- رساله اصول‌الدین ۲۰- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۸۲ –۱۸۱، ۱۶۶/ ۲۵، ۲۳۲/ ۲۳، ۳۹۵/ ۲۱، ۵۹/ ۱۷، ۳۸۴/ ۱۶، ۲۸۸، ۲۴۵، ۲۱۰/ ۱۲، ۳۲– ۳۱/ ۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۴ –۱۱۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ –۳۷۸/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴ –۸۴۳/ ۳).

همدانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمد حسن همدانی، عالم زاهد ورع، از اخیار روزگار بود. در اصفهان متولد، و نزد: پدر، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی (درچه‌ای) و آقا سید محمد نجف‌آبادی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی تحصیل نموده، در مسجد پدر امامت می‌نمود.

در شب جمعه ۲۱ شوال سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافتند در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی متصل به تکیه‌ی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا همدانی در فقه و اصول و حدیث و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان ید طولائی دارد در این اوقات غالبا متوقف تهران می‌باشد و مردم به مجلس موعظت و تذکر وی میلی عجیب دارند.

مشارالیه از بیت حکمت و عرفان است پدرش حاج میرزا علینقی از اجله علماء و حکماء بود و جد امجدش حاج ملارضا صاحب مفتاح النبوه در اثبات نبوت خاصه و درالنظیم در تفسیر قرآن‌العظیم که هر دو مطبوع افتاده از فحول اساتید فنون معقولست.

و شهرت حاج ملارضا از بابت رد هنری مارتن پادری تا به ممالک اروپا رفته است .

و میرزا محمدرضا از طرفی نیز با میرزا محمد اخباری شهید صاحب تصانیف بدیعه و منامات عجیبه می‌باشند پس اگر مشارالیه را اوحدی عصر و نادره دوران بدانیم بعید نیست که سلاله این بزرگانست و نتیجه این چنین دانشمندان آثار ارزنده او از این قرار است.

۱- نخبه الصوارم در فقه و اصول ۲- منظومه تجوید مع الشرح ۳- تربیع شیخین ۴- تثنیه الثلاثه ۵- رساله‌ای در احوال حضرت حجهٔ عجل‌الله فرجه ۶- دیوان اشعار.

مولف گوید آن مرحوم در تاثیر و نفوذ بیان عجیب بوده و کمتر مثلش دیده شده کسی در پای منبر او بدون اشک و انقلاب نمی‌ماند در غالب مجالسش دهها نفر مدهوش می‌شدند حکایت کرد برای این حقیر مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی از مرحوم والدش آیت‌الله حاج سیدمحمدرضا پشت مشهدی کاشانی و آیت‌الله حایری یزدی که مرحوم حاج میرزا محمدرضا همدانی به کربلا آمده و در صحن حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بعد از نماز مرحوم عالم ربانی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی منبر رفت و علماء فضلاء و طبقات دیگر برای استفاده شرکت می‌کردند و هیچکس نبود که گریه نکند و تحت تاثیر سخنان و مواعظ او قرار نگیرد بالاخره یک شب من به اتفاق آقای حاج شیخ عبدالکریم یزدی نذر (یا عهد) کردیم که ضبط نفس کنیم و گریه نکنیم و اگر چنانچه گریه کردیم سه روز روزه بگیریم با این تصمیم رفتیم پای منبر او و چون او بر منبر صعود کرد و ما گوش به بیان او داشتیم و توجهی به نذر خود که ایشان پس از خطبه این آیه را تلاوت کرد (و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعه ابواب کل باب منها جزء مقسوم) که بی‌اختیار سیل اشک از چشمان ما جاری و جماعت بسیاری غش کردند و ما آن شب از همه وقت بیشتر گریستیم و سه روز روزه را هم گرفتیم.

آن بزرگوار با این نفوذ بیان و تاثیر نفس در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات نمود و جنازه او را با تجلیل فراوان به شهر ری و در جنب کفش کن مردانه حرم مطهر سیدنا عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام دفن کردند.

فرزند آن جنابست واعظ معاصر ما مرحوم حاج میرزا محمد همدانی که در تقریر و بیان نادره عصر و زمان و در سجاعی و قافیه پردازی و حماسه‌سرائی نابغه دهر و دوران بود.

نگارنده گوید در عمر خویش وعاظ و گویندگان بسیاری دیدم ولکن مانند وی در ایراد سخن کمتر به خاطر دارم بیش از یک

ساعت مسلسل‌وار مسجاع و مقفی بدون لکنت و وقفه‌ای می‌بافت و می‌گفت و ابدا خسته نمی‌شد و مستمعین خود را همچنان مسحور و مجذوب می‌کرد و بسیار می‌شد که منبرش از دو ساعت هم می‌گذشت ولی مردم ملول و خسته نمی‌شدند دوست داشتند که باز ادامه دهد.

اکثر مطالب منبریش عرفان و فلسفه باقی بود که شاید بسیاری از مردم عوام و گاهی بعضی از خواص هم درک بیانات او را نمی‌نمودند و نمی‌فهمیدند چه می‌گوید ولی شیفته و دلباخته بیان شیرین و جذاب او بودند.

حکایت کرد برای این نویسنده مرحوم آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی که مرحوم واعظ همدانی در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم آمد و منبرهای عجیبی در مدرسه فیضیه برای علماء و طبقات دیگر رفت که همه را به اعجاب آورد بسیار تند صحبت می‌کرد و عبارات غریبی استخدام نموده و استعمال می‌کرد کمتر کسی ملتفت می‌شد چه می‌گوید و مقصودش چیست یکی از روزها در کنار مرحوم آیت‌الله حایری در ایوان مدرس مدرسه فیضیه نشسته و گوش به منبر و سخنان او داشتیم ولکن هیچ مقصود وی را نفهمیدیم مرحوم آیت‌الله حایری فرمودند میرزا سید علی می‌فهمی همدانی چه می‌گوید گفتم نه فرمودند من هم نفهمیدم منبرش خاتمه یافت مردم متفرق شدند آقای حایری به منزل رفتند من هم آمدم به منزلم بروم سرگذر خان رسیدم به چند نفر که در پیرامون منبر آقای همدانی صحبت می‌کردند و یک نفر به دیگران می‌گفت جای شما خالی ببینید آقای همدانی چه منبری در مدرسه فیضیه رفت و تعریف زیاد کرد یکی از آنها گفت آنقدر تعریف می‌کنی چه می‌گفت گفت بسیار شیرین و جذاب و ملیح و فصیح و بلیغ می‌گفت گفت آخر چه می‌گفت بگو گفت والله نفهمیدم گفت این اندازه تعریف برای نفهمیدن منبر و گفت چه می‌گی بابا من که سهل است حاج شیخ عبدالکریم هم نفهمید منبر او را.

خدایش با مولایمان حضرت حسین علیه‌السلام محشورش گرداند در توحید خدا و ولایت اهل‌بیت مصطفی علیهم‌السلام عجیب بود که برخی وی را غالی می‌گفتند ولی غالی نبود عارف مقام آنان بود به خاطر دارم که کودک بودم پای منبر او می‌رفتم در شهر ری مردم قبلا جا می‌گرفتند روزی در پیرامون امراض و بیماریها و داروها صحبت می‌کرد و می‌گفت من ایمان ندارم به خدائی که درد را ایرانی بدهد و دوایش اروپائی و فرنگی در هر کجا خدا درد بدهد دوایش را هم همانجا می‌دهد.

مرحوم همدانی بعد از ۱۳۵۰ قمری وفات نمود و با اولیاء گرامش ملحق گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یاسری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمود بن حجهٔ‌الاسلام حاج ملا عباس یاسری از علماء با تقوی و فضیلت و وثوق تهران و مورد توجه مردم مرکز و در مسجد اراک که از مساجد بنام و بزرگ تهرانست اقامه جماعت می‌نمایند.

وی در حدود سال ۱۳۰۶ قمری در تهران متولد گردیده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح عالی در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ باقر معزالدوله از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده معقول و منقول نموده وی از صحبت و تقلید مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللَّه سبحانی حاج سید عبدالکریم لاهیجانی (صاحب کرامات باهره) برخوردار شده است.

آقای یاسری منتسب به دو صحابی جلیل‌القدر و شهید راه ولایت جناب عمار بن یاسر شهید صفین است که حضرت امیر علی در شهادت او طلب مرگ نموده و فرمود:

الا یا ایها الموت الذی لست تار کی

ارحنی فقد افنیت کل خلیل

اراک بصیرا بالذین احبهم

کانک تنحو نحوهم بدلیل

ای آنچنان مرگی که مرا رها نمیکنی مرا راحت نمای زیرا که تو تمام دوستان مرا از بین بردهای می‌بینم تو را بینا به افرادی که ایشان را دوست دارم که گویا قصد ایشان مینمائی بوسیله راهنمائی و فرمود انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت که هر که از شهادت عمارد لتنک نشود او را از مسلمانی نصیب و بهره‌ای نباشد خداوند متعال بر او رحمت کند در آن ساعت که از نیک و بد او سوال می‌کند هرگاه که در خدمت حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله سه کس را دیدم چهارم ایشان عمار بود و اگر چهار نفر را دیدم پنجم آنان عمار بود نه یک بار بهشت بر او واجب شد بلکه بارها استحقاق آن را پیدا کرده جنات عدن او را گوارا باشد که او را بکشتند و او یار حق بود چنانکه حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم در شأن او فرمود الحق مع عمار یدور مع عمار حیث دار و بعد فرمود که کشنده عمار و دشنام دهنده و رباینده سلاح او به آتش دوزخ معذب خواهد شد.

آیت‌اللَّه یاسری عالمی متقی و دانشمندی با ورع و سالهای متمادیست که رهبری هیئت محترم پیر عطا که از هیات قدیمه تهرانست می‌نماید.

از بعضی از ثقات که از ایشانست حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج سید نورالدین آیت‌اللَّه زاده میلانی از ایشان شنیدم که آقای یاسری فرمود روزی در ورقه‌ای دیدم یک نوع ختم و آداب او را درج و از قول شیخ‌بهائی قدس سره نوشته است.

هر کس این عمل را در ظرف ده روز انجام دهد بدین ترتیب که از چهارشنبه شروع و در روز جمعه دوم خاتمه یابد مطلب و حاجتش برآورده نشود مرا لعن کند.

لذا بجهت مطلب مهم خودم آن ختم را انجام دادم و بعداً ثمر نبخشیده و اثری ندیدم آنگاه شیخ بهائی قدس سره را مخاطب قرار دادم و بدون آنکه سخنی بگویم فقط در دل گفتم آقای شیخ شما شخصی بزرگ هستید زبان من لال گردد نسبت بذات مقدس شما جسارت نمیکنم ولی چرا چیزی مرقوم شود که اگر بدست اشخاص غیر مؤدب افتد به آنجناب توهین کنند.

این معنی در دلم بود و هرگز به احدی اظهار نداشتم.

پسرم با مرحوم جنانی (آقای جنانی همدانی مقیم تهران دارای علوم غریبه تسخیر ارواح و غیره بود) معاشرت داشت روزی بمنزل آمده و گفت شیخ‌بهائی بشما پیامی دارند و شما را طلبیده‌اند حاضر شوید با شما سخن بگویند.

چون این سخن را از پسرم شنیدم لرزه بر بدنم رخ داده و مبهوت شدم.

سپس پسرم اضافه نموده جنانی میگوید من تاکنون نتوانسته‌ام موفق شوم شیخ را حاضر کنم تا چه رسد که با من سخنی بفرمایند. و اینک خوشحالست که چون شما بخانه او بروید از حضور شما برای او فرصتی دست بدهد بدین وسیله بتواند با شیخ‌بهائی تماس گرفته و استفاده کند.

آنگاه مطلب دیگری پسرم از قول جنانی راجع به آیت‌اللَّه آقای حجت (کوهکمری) گفت امروز ارواح را احضار کردم گفتند امروز برای مصاحبه آمادگی نداریم. ما امروز مأمور شده‌ایم از روح مطهر آقای حجت استقبال کنیم.

جنانی: کدام حجت.

گفتند آن آقا که هفته‌ی یکبار بملاقات حضرت ولی عصر بقیه اللَّه ارواحنا له الفداء مشرف میشد آقای یاسری گفتند چون مدتی بود آقای حجت بستری بودند از شنیدن این سخن غمین شدم و ناراحت گشتم: مختصری گذشت از قم خبر رسید حضرت آیت‌اللَّه العظمی حجت رحلت فرموده‌اند و بعلاوه رادیو تهران سخن را قطع و این خبر را بعنوان خارج از برنامه پخش نمود.

جنانی اسرار داشت زودتر بخانه‌اش بروم تا این که او هم بهره‌برداری کند.

و لذا پسرم را مأمور کرده بود روزانه مرا تعقیب می‌کرد و من هم امروز و فردا می‌نمودم بالاخره در یکی از روزها بمنزلش رفتم بخور و غیره را فراهم نمود شروع کرد بخواندن اوراد و اذکار لازمه طبق برنامه خودش و آنچه را که من مشاهده کردم ترتیب استفاده او بتوسط آئینه بود و هر کس هر نوع مطلبی داشت بایستی بنویسد و نوشته را در دست بگیرد جواب بر روی آئینه نوشته میشد.

چون در صدد احضار شیخ‌بهائی قدس سره برآمد با من گفت هر چه سؤالاتی دارید بنویسد و در کف خود پنهان بنمائید قلمهای متعدد و کاغذ و مرکب در جلوی من نهاد و گفت من هرچه را از روی آینه بخوانم شما فوراً ثبت کنید من نمی‌توانم همه را ضبط کنم و بذهن خود بسپارم.

یکی از ارواح حاضر شد جنانی پرسید شما کیستید گفت سید محمد طباطبائی جنانی گفت من شما را نخواستم فرمود من از طرف شیخ بهائی آمده‌ام شما را خبر کنم. یک دقیقه بعد شیخ حاضر می‌شود.

جنانی آئینه را برگردانیده و تنفس داد سیگاری مصرف نمودیم سپس آماده شدیم.

شیخ تشریف آوردند و آنچه بر روی آئینه نوشته میشد جنانی میخواند. گفت آقای شیخ بشما سلام می‌دهند عرض کردم علیک السلام و رحمه اللّه و برکاته بعدا گفت احوال شما را می‌پرسند گفتم اگر عنایت شما شامل من باشد خوشوقت میشوم. فرمودند اگر عنایتی شامل شما نبود هر آینه در صدد تصحیح آن ختم نمیشدم در نقل آن تحریف وقوع یافته است (ختامه یوم الاحد) است نه یوم الجمعه شما میدانید در هفته ایام طاق را آثاریست یکشنبه سه شنبه پنجشنبه و روز جمعه برای دعاء ندبه است.

آقای یاسری گفتند از شنیدن خبر تشرف مرحوم آقای حجت تعجب داشتم. مرحوم شیخ‌بهائی از دل من آگاه بوده و فرمودند آقای شیخ شما در عهد ما نبودید. بسیاری از مردم آن عهد بملاقات حضرت بقیهٔاللّه (ارواحنا فداه) نائل می‌شدند. مردم این زمان مشغول بمعاصی هستند به مردم بگوئید دست از معصیت بردارند و الا بلا نازل میشود.

بعدا یکایک سؤالاتی را که داشتم و نوشته بودم جواب دادند تا این که خداحافظی بعمل آورده و جنانی استفاده ننمود.

واما دعاء و ختم مذکور از جناب شیخ‌بهائی علیه‌الرحمه اینست.

ختم شیخ‌بهائی قدس سره

از روز جمعه شروع و تا ده روز که پایان آن روز یکشنبه میشود روزی صد بار بگوید: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی و اکف مهمی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی اللّه علی محمد و آله اجمعین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یاقوتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل یاقوتی کلوانق

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل یاقوتی در شهر «کلوانق» که در آن زمان روستا بود؛ متوّلد شده ام. دوران ابتدائی، راهنمائی و مقداری از دبیرستان را در زادگاهم سپری نمودم و بعد از فوت مادر عزیزم در سال ۱۳۷۲ از درس خواندن مأیوس گشته و سه سال از عمرم را در راه کسب و کار (کارگری) در رشته قالب بندی ساختمان گذراندم.

با توجه به علاقه شدیدی که به مقام عظمای روحانیت داشتم سر انجام در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیّه شهرستان «مشکین شهر» شدم و سطح یک حوزه را در مدّت شش سال با موفقیّت گذرانده و علاوه بر شرکت در دروس حوزه و ارج نهادن به مقررات حوزه، به تبلیغ دین مبین اسلام در مدارس، مساجد شهر و روستا مشغول بودم.

در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان «مشکین شهر» به عنوان مربی در خدمت بسیجیان عزیز بودم و نهایتاً در سال ۱۳۸۲ به شهر مقدس قم جهت ادامه تحصیل عازم شدم و مدّت سه سال که در این شهر به تحصیل و تحقیق اشتغال دارم از خداوند متعال برای همه مؤمنین آرزوی توفیق دارم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد یاوری سرتختی

محل تولد : کامیاران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در آذرماه سال ۱۳۵۴ در خانواده ای مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیهٔ الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیهٔ الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.

با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت ۲ سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و

«مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یثربی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن یثربی ابن آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی از فضلاء این بیت است.

وی در کاشان متولد و از محضر مرحوم برادر ارجمندش آیت‌اللَّه العظمی آقا میر سید علی یثربی استفاده کرده آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل سطوح از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و از طرف آن مرحوم برای ارشاد مردم (ایوان کیف) تهران به آنجا عزیمت و چند سالی انجام وظیفه دینی و روحی داده تا در سال ۱۳۸۶ در قم بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین یثربی قمی از علماء و ائمه جماعت محترم قم می‌باشد که در حدود ۱۸ سال ۱۳۲۳ ق در قم متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را نزد مدرسین قم خوانده و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت الله فیض و آیت‌الله حجت و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده استفاده کرده و تاکنون هم از شرکاء درس معظم‌له می‌باشند و در مسجد حضرت شاحمزه قم هم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

فرزندان برومندی دارند که در سلك روحانیت و از وعاظ می‌باشند که از آنها جناب آقای حاج سید ابوالفضل یثربی واعظی متین و خطیبی بلیغ می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یثربی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۵۲- در اوائل ماه ذی‌القعده ۱۳۶۵ ق بود که ستاره رخشنده‌ای از دارالمؤمنین کاشان در آسمان قم طلوع نموده و حوزه علمیه قم و نجف و قاطبه فضلاء را به خود متوجه ساخت این ستاره رخشان و ماه فروزان مجسمه علم و تقوا و عنصر زهد و ورع علامه قمقام و

فهامه علام آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محمدرضا پشت مشهدی بود که آسیاء تحقیق را قطب و دائره بیان و تدریس را نقطه پرگار که زبان و قلم نویسنده عاجز و قاصر از تعریف و توصیف آنجنابست شخصیت و آثارش معرف مقام فضل اوست.

و اگر از این نگارنده از آن حضرت سؤال شود که درباره وی چه خواهی گفت در پاسخ شعری را که ابوالعلاء معری درباره سید شریف علم‌الهدی گفته مناسب می‌دانم

یا سائلا عنه لما جئت تسئله

الا هو الرجل العاری عن العاری

لو جئته لرأیت الناس فی رجل

والدهر فی ساعهٔ والارض فی دار

این مرد عظیم‌القدر که مراجع امروز قم و زعماء حوزه علمیه از تلامذه اویند و ارباب فضل و دانش او را آقا ضیاء ثانی می‌گویند به قصد زیارت وارد قم شده و مورد تجلیل و تبجیل مراجع و زعماء و فضلاء واقع شد و بنابر اصرار و ابراز حضرات آیات عظام حوزه تدریس تشکیل و تشنگان علم و بیان خویش را سیراب و از هر گوشه طالبان تحقیق را به دور خود جمع نمود و این بنده هم به درس ایشان حاضر شده و از تحقیقات رشیقه و بیانات دقیقه آنجناب در اطراف علم برائت استفاده می‌نمودم ولکن افسوس فراوان که بیش از یک ماه طول نکشیده و تصادف با رحلت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی نموده و حوزه علمیه عزادار و تا چهل روز دروس تعطیل گردید و آنجناب به قصد زیارت عتبات عالیات مسافرت به عراق نموده و دارالعلم نجف اشرف توجه مخصوصی به ورودش نموده زیرا مباحثاتی میان ایشان و مدرسین و زعماء حوزه نجف شده که مشهور فضلاء می‌باشد

ولادتش در کربلاء معلی در سال ۱۳۱۱ واقع شده و در مهد تربیت پدر بزرگوارش نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از پدر خود و اساتید دیگر نجف فراگرفته و در سال ۱۳۳۱ به حوزه درس مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی حاضر شده و در اندک زمانی در میان شاگردان آقا ضیاء شاخص و مشار بالبنان گردید تا در سال ۱۳۳۹ که والد ماجدش او را به کاشان طلبید.

و مرحوم آقا ضیاء و فضلاء نجف او را با اشک دیده بدرقه و مشایعت نموده و حتی آقای آقا ضیاء می‌فرمایند در میان تلامذه و شاگردان استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک دیده مشایعت نمود و از جدائی او آه کشید و در میان رفقا و شاگردان من شما که می‌روی مرا به فراق و حسرت خود می‌گذاری خلاصه پس از ورود به کاشان و مسبوق شدن آیت‌اللّه حایری که تازه حوزه علمیه را تأسیس نموده بودند از والد ماجد ایشان حاج سید محمدرضا یثربی تقاضا می‌کند که ایشان را به قم فرستد و در سال ۱۳۴۱ قمری اجابت نموده و به قم مشرف و حوزه درس رسمی از تقریر مباحث مرحوم حایری و نیز درس مستقله‌ای تشکیل و صدها نفر فاضل برجسته چون آیت‌اللّه آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللّه موسوی و آیت‌اللّه شریعتمداری و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و دیگران را دو رخود جمع و تا هفت سال تمام حوزه گردان علمی فقه و اصول قم بودند تا سال ۱۳۴۷ که والدشان داعی حق را اجابت گفته حرکت به کاشان نموده و از روی ضرورت برای سرپرستی عائله پدر خود و مردم پشت مشهد کاشان توقف در آن شهر را اختیار و هر چند از فضلاء و علماء قم دعوت کردند اجابت ننمود تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مذکور شد به قصد زیارت آمده.

و بنابر اصرار آیت‌اللّه بروجردی و علماء و فضلاء دیگر دو ماهی را توقف و حوزه تشکیل داد تا فوت مرحوم اصفهانی که مشرف به عتبات شده و بعد از چند ماه مراجعت به کاشان نموده تا در سال ۱۳۷۹ قمری یک سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که دار فانی را وداع گفته و شهر کاشان و حوزه علمیه قم و نجف را غریق بحر ماتم نمود و با تشییعی که کاشان هرگز به خود ندیده

بود در جوار قبر پدرش در صحن امامزاده حبیب موسی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی یثربی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزواق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده است.

در سال ۱۳۷۹ قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.

در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.

جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیه محترمه مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا عبداللّه آل آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.

وی در حدود ۱۳۴۷ قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌اللّه العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۷۹ قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌اللّه یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.

دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء از نوادر معاصرین است.

بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی نموده و مردم را کاملا مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می کند.

از سال ۱۳۸۰ قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.

دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقةالاسلام و زبدةالفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجةالاسلام آقای حاج سید اسداللّٰه خراسانی و حجةالاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.

و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، میرمحمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الف:ولادت ونسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی-ادام الله ظله العالی- از علمای ربانی وفقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند.ایشان در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر مقدس قم(مهد علم وفقاهت واجتهاد ،شهر خون قیام،شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه-سلام الله علیها-) در بیت فقه وفقاهت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی-قدس سره- ووالده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا(فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبداااه آل آقا ونواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن معاصر،حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی-رضوان الله تعالی علیه-)می باشد. ایشان قبل از پایان ۵سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ،از جمله مرحوم حضرت امام خمینی- قدس سره- بود را از دست داد وبه همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب)تحصیلات : ایشان در سال ۱۳۳۹مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید وبعد وارد دبیرستان شد و همزمان،با شوق واشتیاق زایدالوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند،شد.ایشان تمامی دروس ادبیات وسطح

متوسط و همچنین رسائل ومکاسب را در آن حوزه ،نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان ومرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی– رحمه الله علیه – که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال ۱۳۵۱در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم،مذهبی،صالح ومؤمن ازدواج نمونـد وبرای ادامه تحصیلات در سطوح عالیه به قم مهاجرت ودرآن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی – دام ظله- مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی(ره)به اتمام رسانده وهمزمان ،با هوش وذکاوتی که معظم له داشته دردرس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری – ره– خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس وبنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند ودر جلسه استفتائات وتمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می فرمایند:آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر واندیشه جذابیت می بخشید،معنویت و صفای ایشان ویکرنگی وانس آن بزرگوار با طلاب بود وبرای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت ولطف آن استاد فرزانه ومربی بزرگوار بودم،فوق العاده اثر بخش بود وآثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. درهمان سنوات وپس از پایان سطح کفایه،در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی – مدظله العالی (– یک دوره اصول به مدت ۱۷سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان)شرکت نمود ونیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی – قدس سره – حاضر شدند. همچنین معظم له بیش ازدو سال دردرس خارج فقیه اهل بیت عصمت وطهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی – قدس سره – شرکت نمودند واز درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر وشهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج)تدریس وخدمات علمی: ایشان از سال ۱۳۴۸ تا۱۳۵۳در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات ،منطق واصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند.همچنین از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹تدریس اصول وشرح لمعه داشتند،که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه – سلام الله علیها – شرکت می کردند. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ به انجام رساندند وشاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان وکثرت شاگردان ،درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از ۷۰نفر دردرس ایشان شرکت می کردند.معظم لهاز سال ۱۳۷۸ مشغول به درس خارج فقه واصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند.علاوه براینها در سالهای ۶۰تا ۶۳یک دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)تدریس نمودند. ایشان در سال ۱۳۶۹یک مؤسسه علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ«علامه مجدد وحید بهبهانی – رضوان الله علیه – »تأسیس نمودند که با هدایت ایشان ،در این مرکز محققین توانا وبررسی ،احیاء ونشر کتب علوم اهل بیت عصمت وطهارت – علیهم السلام – مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب ورسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. د)تألیفات وآثار: ۱- رساله فی تطور الاصول (عربی) ۲- رساله فی تطور علم الفقه(عربی) ۳- رساله فی الکلام (عربی) ۴- رساله در ولایت؛مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) ۵- شرح رساله حقوق امام سجاد – علیه السلام (– فارسی) در ۳جلد؛مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف ۶- تقریرات درس مکاسب محرمه (فقه)در ۲جلد ۷- مباحث رجالی در ۱جلد ۸- تقریرات خمس (فقه) در ۱جلد ۹- تقریرات صوم در ۲جلد ۱۰- تقریرات اصول در ۸جلد چهار مورد اخیر،هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاءالله دراینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد،ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد.همچنین مکررا شاگردان را به مطالعه وپیگیری ومباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه وترغیب میکند. معظم له بعد از درس خارج فقه واصول شاگردان را به حضور می پذیرند واشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها واستفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه،شاگردان زیادی

تربیت نموده وآنان از شمع وجود ایشان بهرمند می گردند وبعضی از شاگردان ،از اساتید برجسته حوزه می باشند.از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماءربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السام نگهدار باشد وسایه آنها را بر سر مامستدام بدارد.

یزدی خراسانی، عبدالخالق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، واعظ و مدرس. وی در ابتدا از شاگردان شیخ احمد احسائی بود. فقه و اصول را در محضر شریف‌العلماء مازندرانی فراگرفت. سپس به یزد بازگشت و از آنجا به مشهد مقدس رفت. او از بزرگان علما و از مدرسین مشهور مشهد بود، در توحید خانه‌ی حرم رضوی تدریس می‌کرد و علما و فضلاء در مجلس درسش شرکت می‌جستند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» تألیفات او را دلیل بر وسعت اطلاعات و کثرت دانش وی می‌داند. ظاهراً صاحب عنوان متأثر از عقاید شیخ احمد احسائی بوده، چنان که در «مطلع الشمس» آمده است": ما بین او که بر مسلک شیخیه می‌رفت با علماء مشهد مجلس مناظرت مکرر منعقد شد ".او در مشهد درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار او: «مصائب الائمة (ع)» معروف به «مصائب المعصومین (ع)»؛ «بیت‌الاحزان»؛ «معین الطالبین»؛ «معین المجتهدین»، در اصول فیه؛ رساله‌ی «صلاة الجمعة»؛ «مناقب المعصومین (ع)»؛ رساله‌ی «علم الماسة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۵۱۸ ،۴۹۱ / ۲)، الذریعه (۳۳۵ -۳۳۴ / ۲۲ ،۲۸۷ ،۲۸۵ ،۷۳ / ۲۱ ،۷۳ / ۱۵ ،۱۸۵ / ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۲۳/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۲۲۶)، مطلع الشمس (۳۹۹)، معجم‌المؤلفین (۱۱۰/ ۵)، هدیۀالعارفین (۵۱۰/ ۱).

یزدی فیروزآبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن سید محمدباقر حسینی یزدی فیروزآبادی که از مراجع بزرگ و آیات عظام گذشته بوده است.

معظم له در سال ۱۲۶۵ ق در فیروزآباد یزد متولد شده و پس از رشد و پرورش به یزد آمده و مقدمات را در آنجا فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آسید یحیی یزدی استفاده نموده.

پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست و مرجعیت آیت‌اللّٰه علی‌الاطلاق میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به سامرا رفته و از آنجناب در حالی که سی سال از عمرش می‌گذشت بهره‌مند شده.

و قبل از فوت آن بزرگوار به کربلا آمده و از محضر علامه فاضل اردکانی کسب فیض نموده و بعد از فوت مرحوم علامه یزدی صاحب (عروۀالوثقی) بسیاری از مردم عراق و ایران در تقلید به وی رجوع نموده و نماز جماعتش در صحن مطهر علوی مورد توجه قرار گرفته و محبوبیت خاصی در بین عامه مردم پیدا نمود.

علامه خونساری در احسن الودیعه ج ۲ ص ۹۷ گوید: آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی از اجلاء علماء عاملین و افاخم فقهاء

مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود. مرا به خدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جنابشان الاسکون و وقار.
آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود.
عمده تلمذش خدمت علامتین متعاصرتین آقا سید محمدکاظم یزدی و محقق خراسانی بود و اخیراً ملازم حضور سید مرحوم گردید.
آن بزرگوار صبح جمعه آخر ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ ق در سامره به رحمت حق پیوسته و فوراً حمل به نجف اشرف و با تشییع عظیمی در هه مشاهد مشرفه از عراق به نجف و اردو در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی مشهدی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی و خطیب. او از ائمه‌ی جماعت و اهل منبر در مشهد رضوی بود. کتاب «بحارالانوار» رابه خط خود نوشت و آن را وقف کتابخانه آستان رضوی نمود. از طرف آیت‌اللّه سید محمود مرعشی تبریزی، پدر آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، هنگام تشرف به آستانه‌ی مقدسه‌ی حضرت رضا (ع)، به جهت صاحب عنوان، اجازه‌ای صادر شده است. او در مشهد درگذشت. از آثار او: «نوامیس العجب»، در شرح زیارت رجب؛ «نوامیس العرفان»، در شرح صلوات شعبان؛ «الباقیات الصالحات»؛ «بحر الدموع»، مقتل فارسی؛ «سماء الغزوات»؛ «الشموس المضیئة»؛ «المعضلات»؛ «خزائن الانوار»؛ «الحجج»؛ «الحائق»؛ تفسیر «سوره‌ی الفجر»؛ «مغناطیس الابرار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۰۵/ ۲)، الذریعه (۳۵۲/ ۲۴، ۲۶۶/ ۲۱ ،۲۳۵/ ۱۴ ،۲۲۹/ ۱۲ ،۱۵۳/ ۷ ،۳۴۱/ ۴ ،۳۹ ،۱۱/ ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۹۶ -۹۵/ ۱۴)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸/ ۱).

یزدی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حیدرعلی یزدی از علماء محترم این شهرستانست.
وی از یزد مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و حکیم و شاهرودی و دیگران کسب علم و کمال نموده آنگاه به ایران برگشته و بنابر دعوت یزدیهای مقیم کرج رحل اقامت باین شهر انداخته و در مسجد یزدیها واقع در خیابان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد یزدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـهٔ الله محمد یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسـی در خانواده‌ای متـدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنهٔ جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.

پدر آیهٔ الله یزدی، مرحوم «شـیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصـفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.

مادر آیهٔ الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.

آیهٔ الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی!. پس از گذراندن دورهٔ مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشـی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصـفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می‌کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذرانید.

تحصـیلات حوزه را که در آغاز، نزد پـدر آموخته بود، در مدرسـهٔ «کاسه‌گران» اصـفهان ادامه داد و سـپس به مـدرسه «ملا عبـدالله» رفت و به تحصـیل شـرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.

با تشـریف فرمایی حضـرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائـد الوصـفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصـرار فراوان به پدر، خواسـتار حضور و تحصـیل در حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پدر، در ابتداء با این سـفر مخالف بود، ولی با واسـطه قرار گرفتن یکی از علمـای یزد، بـه سـفر فرزنـد خـود رضـایت داد. در بـدو ورود بـه قـم، در مـدرسه فیضـیه مستقر شـد. در آن زمـان، آیـهٔ الله بروجردی، از برخی طلاـب به سـبب آشـنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شـرکت در دروس سـطح، کتـاب هـای رسائـل، مکـاسب و کفایـهٔ الاـصول را بـه خـوبی فرا گرفـت و در درس خـارج علمـای بزرگ حـوزه، از جملـه آیـهٔ الله بروجردی (ره) و امـام خمینی (ره) شـرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شـد تا بتوانـد از حضـرت امام خمینی (ره)

اجازه نامهٔ اجتهاد دریافت کند.

وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می داند.

دوران تحصیل آیهٔ الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دورهٔ سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیهٔ الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بُدِلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را در محضر «آیهٔ الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔ الله مرعشی» و «آیهٔ الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیهٔ الله بروجردی (ره)»، «آیهٔ الله اراکی»، «آیهٔ الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیهٔ الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.

آیهٔ الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمرد:

«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».

همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می کرد».

از دوستان و معاشران آیهٔ الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال های طلبگی با آیهٔ الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیهٔ الله یزدی، همواره با تلاش ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مداقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشدهٔ شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیهٔ الله یزدی تهمت های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشدهٔ شما» و «پاسخ به تهمت های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیهٔ

الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیهٔ الله یزدی، با توجه به مبارزهٔ بی امان ایشان با رژیم شاه و نیز افشاگری های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعهٔ آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیهٔ الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی گیری جریان های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.

در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیهٔ الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیهٔ الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.

سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشهٔ عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیهٔ الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را برنمی‌تافت، آیهٔ الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از ۲۱ رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیهٔ الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیهٔ الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار می گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.

از دیگر فعالیتهایی که در کارنامهٔ سیاسی آیهٔ الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطرهٔ آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیهٔ الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته

است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می گوید:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام تودهٔ مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی کنند.

آیهٔ الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یشیل کایا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد : ترکیه- استانبول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایثق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خوانده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از ۴ ماه در سال ۱۳۷۳ به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمدی ، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شدم واز

بیست ، ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد : بروجن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد : بروجن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یوسف زاده، حسینعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی یوسف زاده

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۵/۸

زندگینامه علمی

بنده در یک خانواده متوسط روستائی در ۸/۵/۱۳۴۹ چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال ۱۳۶۲ در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز بپردازم.

ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می

دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتم».

در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل ۳۰ سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل جدی شدم. در این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن ۱۴ سالگی به تنهائی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.

در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسهٔ علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال ۱۳۶۵ به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال ۱۳۶۶ در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندم.

درسال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه رضوی و سال ۱۳۷۷ فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۶ تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیهٔ الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفی مقدم، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق یوسفی مقدم

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه علمیه شهرستان «تربت حیدریه» شدم و پس از اتمام سطح ابتدائی در سال ۱۳۵۳ به قم هجرت کردم و با شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه و قبولی، در مدرسه حجتیه اسکان یافتم. به طور مختصر تحصیلات خودم را در محورهای (فلسفه، فقه، اصول و تفسیر) به شرح ذیل ارائه می نمایم:

نهایهٔ الحکمه را از محضر آیت الله «مصباح یزدی»، شرح منظومه را از محضر آیت الله «انصاری شیرازی»، مجلدات اشارات را از محضر آیت الله «حسن زاده آملی» و مجلدات اسفار را از محضر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. مدتی از تفسیر آیت الله «مشکینی» و پس از آن مدتی از درسهای تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. (لازم به ذکر است که در سابق به مدت کوتاهی در مشهد مقدس از تفسیر آیت الله «خامنه‌ای» نیز بهره برده ام.)، لمعتین را از محضر مرحوم آیت الله «فاضل هرندی»، قوانین الاصول را از محضر مرحوم آیت الله «مدرس افغانی»، وسائل شیخ انصاری را از محضر آیت الله «موسوی تهرانی»، مکاسب را از محضر حضرات آیات: «ستوده، محقق داماد و صانعی»، کفایهٔ الاصول را از محضر حضرات آیات: «مظاهری، پایانی و محقق داماد» استفاده کرده ام.

از درس خارج اساتید زیادی بهره برده ام از جمله: یک دوره کامل خارج اصول به مدت ۹ سال و چندین سال خارج فقه آیت الله «فاضل لنکرانی»، حدود ۹ سال خارج فقه و اصول آیت الله «وحید خراسانی»، مدت قابل توجهی از درس رجال آیت الله «شبیری زنجانی» و آیت الله «حسین نوری» استفاده کرده ام. تقریباً تمام کتب سطح متوسط و سطح عالی را تدریس کرده ام. همچنین مقدمات را نیز تدریس کرده ام.

لازم به ذکر است که برای بررسی رشد فکری شیعیان مناطق مرزی، نشریه ای تحت عنوان «نشانه» منتشر می کردم که ۹ شماره آن منتشر شده است. و همچنین برای رشد سطح علمی و توانمندی روحانیون مناطق مرزی، مجله ای تحت عنوان «بشیر» منتشر کرده ام که ۵ شماره آن منتشر شده است.

یوسفی، احمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدعلی یوسفی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ در رشته (فیزیک و ریاضی) با معدل ۱۴/۱۹ قبول و برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه شدم. در سال ۱۳۵۹ مقارن با

انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، راهی حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل مشغول بودم. در سال ۱۳۶۷ دروس حوزوی را به پایان رساندم و دروس خارج فقه و اصول را با شرکت در دروس حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» ادامه دادم.
بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضرورت نظام جمهوری اسلامی ایران در رشته «اقتصاد اسلامی» تحصیل را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۵ در کنار دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک در مقطع کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شدم. هم اکنون ضمن بهره مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشغول تدریس دروس حوزه و اشتغال به نگارش پایان نامه سطح چهار در موضوع (خرید و فروش پول های اعتباری) هستم. مسئول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (واحد قم).

یوسفی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سجاد یوسفی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۸۱ سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شبیری» و «سبحانی» استفاده نموده ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

یوسفی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی یوسفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱ زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در (نجف اشرف) متولد و در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی شروع به تحصیل مقدمات ادبیات عرب نزد پدرم آیهٔ الله «حاج میرزا محمود یوسفی غروی» نمودم. پس از اتمام دروس سطوح مقدماتی، متوسط و عالی در سال ۱۳۵۰ به بحث خارج فقه (عبادات – صلاهٔ الجماعه) مرحوم آیهٔ الله خوئی، اصول (استصحاب) از ایشان، فقه (معاملات) و مکاسب (بیع و خیارات) از مرحوم امام خمینی حاضر شدم. در سال ۱۳۵۲ به قم منتقل شدم و مدتی بحث فقه و اصول (سید محمد صادق حسینی روحانی) و سپس بحث فقه و اصول (آیهٔ الله سید کاظم حسینی حائری) حاضر شدم تا بعد از سال ۶۶.

پس از ۷۰ هجری شمسی در نجف اشرف کتاب های ادبی «نحوی و صرفی»، منطق، اصول، فقه، تبصره، المختصر النافع و شرح لمعه، و در حوزه قم در (بخش عربی مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و معهد الدراسات الاسلامیه) دروس نحو، عقائد، مفاهیم اسلامی و تاریخ اسلام و پس از انقلاب در مدرسه (حجتیه) و سپس مدرسه (امام خمینی) درس تاریخ اسلام، حدیث، نهج البلاغه، علوم قرآن، اصول فقه، حلقات شهید صدر و مکاسب تدریس داشته ام. در دانشکده تربیت مربی، عقیدتی سیاسی، دانشکده اصول الدین، قرآن، حدیث در قم و در دزفول نیز در تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه و تاریخ اسلام تدریس داشته ام.

در نجف اشرف مقالاتی علمی، عقیدتی در مجله «أجوبهٔ المسائل الدینیه» و در قم تحقیق و تصحیح کتاب هایی که در آثار یاد خواهد شد، داشته ام. و همچنان اشتغال تحقیقی و تالیفی در (تاریخ اسلام سیره نبوی)، (تاریخ امامان شیعه و خلفاء) و تدریس فقه مکاسب و أصول حلقات ۳ در مدرسه امام خمینی قدس سره دارم.

یوسفیان، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله یوسفیان

محل تولد : خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۵

]زندگینامه علمی

اینجانب نعمت الله یوسفیان در روستای گیلوان از توابع شهرستان خلخال در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشودم. پدر بزرگوارم کاسب بود و از درآمد آن زندگی ما را تامین می کرد و مادرم زنی پاکدامن و متدین و خانه دار بود. برخی از بستگان مادری ام از خاندان جلیل القدر سادات و تعدادی روحانی متشخص هستند. در کودکی وارد مکتب خانه مرحوم «امیر توکلی» که مردی با تقوا، متدین، باصفا و پرتلاش بود، شدم و قرآن کریم را نزد او آموختم. کلاس اول ابتدایی را در روستا خواندم و پس از آن به شهر «ماسال» از توابع استان گیلان مهاجرت کردیم و دروس دبستانی، راهنمایی و دبیرستان را در همان جا ادامه دادم و دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم.

در ایام تحصیل، همواره از شوق هجرت به قم بی تاب بودم و لحظه شماری می کردم و سر انجام توفیق یار شد و پس از اخذ دیپلم

در سال ۱۳۵۹، مقدمات کار فراهم شد و به قم آمدم. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه «امام صادق (ع)» و «رسول اکرم (ص)» فرا گرفتم. پس از آن دروس سطح را شروع کردم. بخشی از دروس سطح را در مدرسه «رسول اکرم (ص)» و «مدرسه امام باقر (ع)» خواندم. در سال ۱۳۶۵ اولین سال برگزاری امتحانات حوزه به صورت کتبی در امتحانات عمومی حوزه در پایه پنجم شرکت کردم و با اخذ رتبه اول قبول شدم و مشمول عنایات و تشویقات حضرات آیات عظام مانند: امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و ... قرار گرفتم. از آن پس نیز همچنان با علاقه ای وافر به تحصیل علوم اسلامی ادامه می دادم.

در اواخر سالهایی که به دروس عالی سطح اشتغال داشتم، دروس خارج را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۷۳ در امتحانات ویژه سطح چهار حوزه در قسمت مدارج علمی شرکت کردم و پس از قبولی در امتحانات، درباره (قاعده لاضرر) موضوع گرفته، به تدوین رساله علمی پرداختم. تدوین این رساله پایان یافت و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۷۵ به بخش مدارج علمی ارائه گردید. پس از بررسی هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و با لطف و عنایت خداوند متعال با کیفیت خوب پذیرفته شد.

دروس مقدمات را نزد اساتیدی همچون: حجج اسلام آقایان مقدادیان، رازینی، ظهیری، طالقانی، فتوحی و دیگران فرا گرفتم. در دروس سطح از محضر استاد: سید احمد خاتمی، صالحی افغانی، آیت الله اشتهاردی، مرحوم آیت الله وجدانی، استاد بنی فضل، استاد مصطفی اعتمادی، استاد پایانی، طاهر، شمس، صالحی مازندرانی و دیگران بهره مند شدم. در دروس خارج نیز از محضر آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «تبریزی» و ... خوشه چینی کردم. مدتی از درس تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. بخش نهایه را نزد استاد آیت الله «ممدوحی» و کشف المراد را نزد آیت الله «سبحانی» خوانده ام. در بعضی از دروس کلامی از محضر استاد «ربانی گلپایگانی» استفاده کرده ام. در طول تحصیل در درس اخلاق آیت الله «مشکینی (ره)» و آیت الله «مظاهری» فراوان شرکت کرده و بهره مند شده ام.

هم بحثی های من عبارت بودند از: شهید علی اصغر حسینی، شهید یوسف محمدی، شهید قاسم رحیمی، آقای محمد عبیری، اصغر صدیقی، طبسی، حجتی، فروتن، شیخ جمال یاری و ....

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».